

قرآن مجید

بترجمہ روان فارسی

و

ذکر نجات تاویلی

محمد علی صالح غفاری

فهرست

صفحه	عنوان	آیه	صفحه	عنوان	آیه	صفحه	عنوان	آیه
۸۷۱	فصلت	۴۳	۵۶۸	طه	۲۲	-	کتیبه	۱
۸۸۲	شوری	۴۴	۵۸۷	انبیاء	۲۳	۵	مقدمه و ...	۲
۸۹۳	زخرف	۴۵	۶۰۴	حج	۲۴	۱۰	حمد	۳
۹۰۵	دخان	۴۶	۶۲۰	مؤمنون	۲۵	۱۲	بقره	۴
۹۱۲	جاثیه	۴۷	۶۳۷	نور	۲۶	۱۰۰	آل عمران	۵
۹۱۹	احقاف	۴۸	۶۵۴	فرقان	۲۷	۱۴۹	نساء	۶
۹۲۶	محمد	۴۹	۶۶۸	شعراء	۲۸	۲۰۲	مائده	۷
۹۳۳	فتح	۵۰	۶۹۲	نمل	۲۹	۲۳۹	انعام	۸
۹۴۰	حجرات	۵۱	۷۰۷	قصص	۳۰	۲۸۱	اعراف	۹
۹۴۴	قاف	۵۲	۷۲۵	عنکبوت	۳۱	۳۲۶	انفال	۱۰
۹۵۱	ذاریات	۵۳	۷۳۷	روم	۳۲	۳۴۶	توبه	۱۱
۹۵۷	طور	۵۴	۷۴۸	لقمان	۳۳	۳۸۰	یونس	۱۲
۹۶۳	نجم	۵۵	۷۵۵	سجده	۳۴	۴۰۲	هود	۱۳
۹۶۹	قمر	۵۶	۷۶۰	احزاب	۳۵	۴۲۷	یوسف	۱۴
۹۷۶	الرحمن	۵۷	۷۷۸	سبا	۳۶	۴۵۰	رعد	۱۵
۹۸۵	واقعه	۵۸	۷۸۹	فاطر	۳۷	۴۶۱	ابراهیم	۱۶
۹۹۳	حدید	۵۹	۷۹۹	یس	۳۸	۴۷۲	حجر	۱۷
۱۰۰۰	مجادله	۶۰	۸۱۰	صافات	۳۹	۴۸۵	نحل	۱۸
۱۰۰۶	حشر	۶۱	۸۲۶	صاد	۴۰	۵۰۹	اسرا	۱۹
۱۰۱۲	ممتحنه	۶۲	۸۳۹	زمر	۴۱	۵۳۱	کهف	۲۰
۱۰۱۶	صف	۶۳	۸۵۴	غافر/مؤمن	۴۲	۵۵۳	مریم	۲۱

فهرست

صفحه	عنوان	ج.ق.	صفحه	عنوان	ج.ق.	صفحه	عنوان	ج.ق.
۱۱۲۱	همزه	۱۰۶	۱۰۹۳	مطففین	۸۵	۱۰۱۹	جمعه	۶۴
۱۱۲۲	فیل	۱۰۷	۱۰۹۶	انشقاق	۸۶	۱۰۲۱	منافقین	۶۵
۱۱۲۲	قریش	۱۰۸	۱۰۹۹	بروج	۸۷	۱۰۲۳	تغابن	۶۶
۱۱۲۳	ماعون	۱۰۹	۱۱۰۱	طارق	۸۸	۱۰۲۷	طلاق	۶۷
۱۱۲۳	کوثر	۱۱۰	۱۱۰۲	اعلی	۸۹	۱۰۳۰	تحریم	۶۸
۱۱۲۴	کافرون	۱۱۱	۱۱۰۳	غاشیه	۹۰	۱۰۳۴	ملک	۶۹
۱۱۲۴	نصر	۱۱۲	۱۱۰۵	فجر	۹۱	۱۰۳۸	قلم	۷۰
۱۱۲۵	مسد	۱۱۳	۱۱۰۸	بلد	۹۲	۱۰۴۴	حاقه	۷۱
۱۱۲۵	اخلاص	۱۱۴	۱۱۰۹	شمس	۹۳	۱۰۴۹	معارج	۷۲
۱۱۲۶	فلق	۱۱۵	۱۱۱۱	لیل	۹۴	۱۰۵۴	نوح	۷۳
۱۱۲۶	ناس	۱۱۶	۱۱۱۲	ضحی	۹۵	۱۰۵۷	جن	۷۴
۱۱۲۷	ختم قرآن	۱۱۷	۱۱۱۳	انشراح	۹۶	۱۰۶۱	مزل	۷۵
۱۱۲۸	شرح حال		۱۱۱۳	تین	۹۷	۱۰۶۴	مدثر	۷۶
			۱۱۱۴	علق	۹۸	۱۰۶۹	قیامت	۷۷
			۱۱۱۵	قدر	۹۹	۱۰۷۲	انسان / دهر	۷۸
			۱۱۱۶	بینه	۱۰۰	۱۰۷۶	مرسلات	۷۹
			۱۱۱۷	زلزال	۱۰۱	۱۰۸۰	نباء	۸۰
			۱۱۱۸	عادیات	۱۰۲	۱۰۸۳	نازعات	۸۱
			۱۱۱۹	قارعه	۱۰۳	۱۰۸۷	عبس	۸۲
			۱۱۲۰	تکائر	۱۰۴	۱۰۸۹	تکویر	۸۳
			۱۱۲۰	عصر	۱۰۵	۱۰۹۲	انفطار	۸۴

بسمه تعالی

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْءَانَ الْعَظِيمَ

ما دو کتاب بزرگِ سوره حمد و قرآن بر تو (پیامبر) نازل کردیم

« قرآن در متن خود سه کتاب نامتناهی است »

کتاب اول، کتاب طبیعت یعنی هر چیزی که از طریق حواس پنج گانه قابل کشف است و از آن جمله خلقت بدن انسان که جزء طبیعت است.

کتاب دوم، انسان و فطرت انسان که روح او و عقل و معرفت او و علم و دانش او و فرشتگان و حقایق ماوراء طبیعت و عرش و کرسی و لوح و قلم و تمامی حقایق غیبی است که با حواس پنج گانه قابل کشف نیست بلکه با نیروی عقل و بیان امام معصوم (ع) قابل کشف است.

کتاب سوم، ذات مقدس خداوند متعال و تنزه ذاتی و وجودی او از شباهت به وجود و ذوات و صفات خلائق.

این سه کتاب و تمامی حوادث تاریخ عالم و آدم در همین یک جلد کتاب ثبت شده است.

لذا در تعریف این کتاب فرمودند: ظاهره انیق و باطنه عمیق

« مقدمه »

وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ

آزادی اجتهاد اسلامی به برکت انقلاب اسلامی و قیام بنیان‌گذار کبیر آن حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی رحمت‌الله علیه و شجاعت و رشادت مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مد ظله‌العالی به دانشمندان اجازه می‌دهد حقایق اسلامی را آن‌چنان که هست و لازم است در اختیار علم و دانش قرار دهند تا دانشمندان عالم بدانند که در هر علم و صنعتی اسلام دست بالا را داشته و علم بشر را به پایه علم الهی و صنعت را به پایه اعجاز و طب و طبابت را به پایه احیای مردگان می‌رساند و انسان را چنان به علم و دانش مجهز می‌کند که منشأ و مصدر علم و صنعت الهی باشد.

« الْإِسْلَامُ يَغْلُو وَلَا يُغْلَى عَلَيْهِ »

« وَ لَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كَلِمَ بِهِ الْمَوْتَى (لَكَانَ هَذَا الْقُرْآنُ) »

ترجمه ساده و روان آیات با ذکر لطایف علمی در اختیار شما قرار می‌گیرد. بیان علمی در کیفیت تکامل دو نوع زندگی که با علم و عمل دو گروه مؤمن و کافر به نام زندگی بهشت و جهنم در کره زمین پیدا می‌شود و اثبات این که این دو نوع زندگی، یکی محصول علم و عمل گروه کافر از مسیر ظلم و ستم تا وصول به جنگ هسته‌ای که جهنم آن‌ها و دیگری محصول علم و عمل گروه مؤمن و صالح از انبیاء و اولیاء تا وصول به قیام ولی اعظم خدا حضرت مهدی (عج) که فاتح زندگی آخرت است، ادامه دارد و این هر دو زندگی قریب‌الوقوع است.

ترجمه‌ای است بسیار ساده و روان با ذکر تفسیر و تأویل از لسان پیشوایان معصوم (ع) در انتهای آیات بر ارزش و اعتبار آن افزوده است. این قرآن با ترجمه روان فارسی شمارا به اصول خلقت عالم و آدم و معارف مربوط به ذات مقدس خداوند متعال و حقایق این کتاب عظیم و عجیب آسمانی آشنا می‌کند. عقاید تبعیدی و تقلیدی شمارا در لباس علم و برهان در اختیار شما می‌گذارد و اثبات می‌کند که جنگ هسته‌ای آخرین پدیده شومی است که از مسیر ظلم و ستم به وسیله کفار ظاهر می‌شود و زندگی بشر را به نابودی می‌کشاند که در حکومت عدل الهی جهنم آن‌ها خواهد بود و در پی این جنگ هسته‌ای، حکومت عدل الهی توسط آن بزرگوار واقع خواهد شد. او موعودالامم است و انسان‌ها را به وعده‌های الهی خواهد رسانید. لذا

لازم است پیش از وقوع این جنگ هسته‌ای و پیش از ظهور آن حضرت به خط صلاح و اصلاح در آیند که بعد از ظهور، توبه و تسلیم آن‌ها قابل پذیرش نیست که فرمودند: قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ الْأَكْبَرِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَعْدِرَتَهُمْ. ای انسان! اگر جویای عزت و سعادت هستی از این قرآن به هدایت پیشوایان معصوم (ع) فاصله نگیر که این فاصله داستان راه و بی‌راهه است. تمامی این عذاب‌ها نتیجه حرکت در کفر و ضلالت است، به دست کسی نیست. اگر الآن پیش‌از این جنگ هسته‌ای به صراط مستقیم قرآن برگردید، بدون مزاحم و مانع به سعادت ابدی نائل می‌شوید و الا به سوء رأی و اختیار خود در حکومت عدل الهی به رهبری ولیّ اعظم به عذاب آتشی که روشن کرده‌اید معذب خواهید شد.

من آنچه شرط بلاغ است با تو می‌گویم تو خواه از سخنم پند گیر خواه ملال

در این مجموعه ترجمه آیات قرآن، ترجمه به مضمون است یعنی معنا و محتوای آیات عربی به فارسی برگشته است. ترجمه لفظ به لفظ نیست بلکه مضمون به مضمون است. ترجمه‌ای روان و ساده و در ضمن ترجمه، به تفسیر و تأویل آیات اشاره شده است. لازم است بدانیم که حقایق دینی قرآنی در افکار مردم یک صورت الفبایی خالی از معنی و محتوای اصلی است. در روایات هم گفته شده که دین در زندگی دنیا پیش از ظهور امام (عج) به صورت حروف الفبایی تبلیغ می‌شود. گفته‌اند: از نوح تا ابراهیم و از ابراهیم تا موسی و از موسی تا عیسی پنج حرف و با ظهور دین مقدس اسلام تا قبل از ظهور قائم (عج) بیست و پنج حرف از حروف دین تعلیم شده است.

ما در اینجا یکی از نمونه‌های تعلیم دین الفبایی و دین علمی را تعریف می‌کنیم تا صورت الفبایی دین از معنی و محتوای واقعی آن مشخص شود. چقدر زیاد در آیات و احادیث داستان شهاب سنگ‌ها و اختلاس شیاطین مطرح شده است که شیاطین به آسمان می‌روند و در کمینگاه‌های آسمانی، دین و احکام دین را از خدا و فرشته‌ها اختلاس می‌کنند و با تظاهر به آن در زمین ادعای امامت و خلافت نموده، مردم را گمراه می‌کنند و خداوند متعال با شهاب سنگ‌های آسمانی آن‌ها را می‌سوزاند. خیال می‌کنیم دین خدا در این آسمان بالای سر است و شیاطین به فضا می‌روند و گوش‌کشی می‌کنند و خدا با شهاب‌سنگ آن‌ها را می‌سوزاند. این طرز نمایش دین دزدی، نمایش الفبایی سرقت احکام دین است و الّا علوم و احکام دین در این آسمان نیست و خدا و فرشتگان هم جا و مکان ندارند بلکه محیط به زمان و مکان‌اند.

نمایش سرقت احکام دین به این شکل مانند نمایش سنگ زدن به شیاطین به صورت رمی جمرات است که الفبای طرد شیاطین است ولیکن معنای واقعی طرد شیاطین این است که منافقین با تظاهر به احکام دین، خود را در مقام انبیاء و ائمه (ع) قرار می‌دهند و مردم را گمراه می‌کنند. در اینجا ائمه و علماء با تعلیمات اصیل خود شیاطین را رسوا نموده حقیقت دین را آشکار می‌کنند و به مردم می‌فهمانند که شیاطین دزد دین هستند نه صاحب دین. پس شیاطین، منافقینی هستند که با تظاهر به دین در مقام امامت ظاهر می‌شوند و آسمان اصلی هم فضای مکتب دین است که احکام را از آن اختلاس می‌کنند و تیر شهاب که آن‌ها را رسوا می‌کند و می‌سوزاند، تعلیمات پیشوایان مذهب است که آن‌ها را از فضای مکتب طرد نموده و حقیقت حق را آشکار می‌کنند. لذا در تعریف ائمه در دعای ندبه می‌گوییم: **يَا بْنَ الشُّهُبِ الثَّقَابَةِ**، ای پسر شهاب‌های ثاقب. پس شهاب واقعی تعلیمات حق است نه سنگ‌های آسمانی. شهاب به صورت اول الفبای شهاب است و به صورت دوم که تعلیمات باشد، معنای واقعی آن است. تمامی آنچه خداوند از غیب خبر می‌دهد به همین صورت است، یک صورت الفبایی و یک صورت واقعی و حقیقی. تأویل آیات قرآن که از ائمه رسیده، معنای واقعی قرآن است و ظواهر آیات و روایات، معنای الفبایی آن است. غیبات مانند فرشته و جن و روح هم به همین شکل است آنچه در افکار مردم است صورت الفبایی حقایق غیب است. ما در این ترجمه سعی کرده‌ایم حقایق واقعی معارف دین را از مسیر تعلیمات ائمه که همه‌جا تأویل آن را بیان کرده‌اند در اختیار دانشجویان قرار دهیم که خیال نکنند دین اسلام به رهبری ائمه اطهار (ع) مانند سایر ادیان، دین خرافه‌ای و افسانه‌ای است.

تمامی اعمالی که در مراسم حج انجام می‌گیرد، صورت الفبایی تشریفات ورود بندگان بر سلطان عظیم آسمانی خود است. آن تشریفات در کودکان زندگی دنیا به این صورت به مردم تعلیم شده است اما حقیقت غیر از این صورت است. از شما خوانندگان عزیز تقاضا داریم این ترجمه‌ها و نکات تأویلی را با دقت مطالعه نموده و منصفانه قضاوت کنید.

معانی علمی و تأویلی آیاتی که تفسیر و تأویل دارد با علامت‌گذاری * در انتهای ترجمه آیات شمارا به تفسیر و تأویل آن‌ها هدایت می‌کند. (سند تأویل آیات، تفسیر برهان است.) ترجمه **لَيْسَ لَهَا عَدِيلٌ ثُمَّ بِهَا التَّفْسِيرُ وَالتَّأْوِيلُ**. تأویل، مصادیق واقعی غیر قابل انکار قرآن است. آنجا که حضرت یوسف (ع) گفت: ستاره‌ها و ماه و خورشید مرا سجده کردند آنچه حقیقت این معنا را

نشان داد، برتری او بر برادران بود. پس معنای درست خواب او سجده برادران بود نه ماه و خورشید آسمان. محتوای واقعی بسیاری از آیات قرآن در تأویل قرآن است نه در تفسیر. تفسیر قرآن، مظاهر طبیعت است و تأویل آن، انسان‌های طبیعت. انسان از طبیعت برتر و بالاتر است. از شما خواننده محترم انتظار دارم به محتوای این ترجمه‌ها دقت کنید نه معانی لغوی و تحت‌اللفظی آن.

« اصطلاحات و نکات تأویلی قرآن »

- ۱- عفو و عصیان برابر هم، مربوط به گناه مقصر است. گناه مقصرین تیرگی قلب به وجود می‌آورد و عفو الهی به معنای محو تیرگی قلب است.
- ۲- ذنب و غفران مربوط به گناه قاصرین است که به دلیل کمی استعداد پیدا می‌شود. در پی ذنب که گناه قاصر است غفران پیدا می‌شود که به معنای رفع نواقص وجودی و پیدایش عقل و استعداد است. گناه قاصر مانند گناه کودکان است که تیرگی قلب ایجاد نمی‌کند و لازم است با کلمه استغفار عقل و استعداد از خدا بخواهند.
- ۳- همه جا کلمات ساعت و قیامت به ظهور امام زمان (عج) تفسیر شده و تمامی کلمات و عدالله و موعود امت‌ها آن بزرگوار است.
- ۴- کلمات بحار به دانشمندان و جبال به ابرقدرت‌های مذهبی و غیرمذهبی تفسیر شده است.
- ۵- بر و بحر، علما و عوام‌اند. دانشمند به منزله دریا و بی‌سواد به منزل خشکی است.
- ۶- شمس به رسول خدا و ائمه و نجوم به علما تأویل شده است.
- ۷- شهاب ثاقب و رجم شیاطین به تبلیغات ستاره‌های هدایت علیه شیاطین تأویل شده است. منافقین، مسائل دینی را برای پیشبرد مقاصد دنیایی خود اختلاس می‌کنند و علما با تبلیغات ادعای آن‌ها را ابطال می‌کنند.
- ۸- لیل و نهار به معنای دوران غیبت و دوران ظهور امام زمان تأویل شده است.
- ۹- حروف مقطعه در قرآن به معنای اصول خلقت و اصول حوادث و تربیت تأویل شده است. (حدیث إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْأَسْمَاءَ بِالْحُرُوفِ غَيْرِ مُتَّصِوْتٍ در اصول کافی، تفسیر حروف قرآن است.)
- ۱۰- غالباً اشیاء مورد قسم اشخاص‌اند. شجره طوبی اولیاء الله و شجره زقوم اعداء الله هستند.

- ۱۱- جَنَّاتٍ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ. تجهیزات وجودی اهل بهشت است که با اراده کن فیکونی و سازندگی آنی و ارادی مجهزند (حدیث لَا يَزَالُ يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ عَبْدِي بِالتَّوَابِلِ) مدرک است.
- ۱۲- زقوم جهنم و مار و عقرب جهنم، اهل جهنم اند که دائم یکدیگر را می‌گزند و می‌زنند. چه مار و عقربی از انسان موذی، گزنده‌تر است.
- ۱۳- زمین و آسمان در اختیار اهل بهشت است که هر جا می‌روند برای آن‌ها باغ و بوستان است.
- اول فضای علم و قدرت الهی در اختیارشان قرار می‌گیرد و بعد بر میلیون‌ها مستضعف که لازم است آن‌ها را تربیت کنند ولایت پیدا می‌کنند.
- ۱۴- عذاب‌هایی که در دنیا از کفار به مؤمنین رسیده در آخرت از مؤمنین به کفار برمی‌گردد. بهشت و جهنم آخرین نتیجه اعمال نیک و بد است نه این که مزد و کیفر باشد و نتیجه عمل لازمه قهری اعمال است، مانند تصادفات در رانندگی خلاف مقررات، نه مانند جریمه راننده. پس جهنم به علم و عمل کفار روشن می‌شود مانند بمب‌های هسته‌ای که در دنیا می‌سازند و روشن می‌کنند و در آخرت به حرارت آن مبتلا می‌شوند. در همان زمان که جنگ هسته‌ای واقع می‌شود، نیکان عالم هم آماده ظهور امام هستند و جز او کسی را نمی‌پذیرند.
- ضمناً یادآوری می‌شود که معمولاً در قرآن شماره آیه‌ها آخر آیات ثبت شده ولی در این ترجمه، شماره آیات در اول آن ثبت شده است تا خوانندگان محترم بعد از قرائت آیه، ترجمه آن را در نظر داشته باشند.

والسلام علی من اتبع الهدی - برادر شما

محمد علی صالح غفاری ۱۳۸۰/۶/۱۴

المکِّي

سُورَةُ الْفَاتِحَةِ

آیاتها ۷

سوره حمد هفت اسم دارد که هر یک مطابقت کامل با محتوای این سوره دارد و بهترین آن‌ها اُمُّ الْكِتَابِ است. این سوره یک کتاب مستقل است نه اینکه جزء قرآن باشد. خداوند به پیامبر فرمود: دو کتاب بر تو نازل کردم: سبع مثنی و قرآن عظیم. سبع مثنی، سوره حمد است که جداگانه ذکر شده است.

﴿۱﴾ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ به نام خداوندی که با لطف عام و خاص خود همه را بهره‌مند می‌کند

﴿۲﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ستایش با کلمه حمد، مخصوص خدا پروردگار جهانیان است

﴿۳﴾ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ که با لطف عام و خاص خود همه را بهره‌مند می‌کند

﴿۴﴾ مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ پادشاه روز حاکمیت مطلق دین

﴿۵﴾ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ پروردگارا! فقط بنده تو هستیم، از تو یاد می‌گیریم و کمک می‌طلبیم *

* عبودیت در تفاسیر اصیل قرآنی به معنای یادگیری علوم از مسیر اطاعت خدا شناخته شده است. مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (ذاریات ۵۶) اِنِّ لَيَعْرِفُونَ. این سوره را اُمُّ الْكِتَابِ نامیده‌اند زیرا مادر تمام علوم و حقایق است. خدا را به الوهیت و رحمانیت و رحیمیت معرفی می‌کند که این تعریف شامل تمامی برکاتی است که از جانب خدا در دنیا و آخرت بر بندگان خدا نازل می‌شود. کلمه اسم را در بِسْمِ اللَّهِ بین خود و بندگان واسطه قرار داده و آن را راه استفاده از کمک و استعانت از خدا دانسته است، انطباق به ائمه اطهار (ع) دارد. آن‌ها با هدایت و ولایت خود راه استفاده از کمک و اعانت خدا و اسماء حسناى خداوند متعالاند و انسان‌ها برای تقرب به خدا و ورود به زندگی بهشتی باید از هدایت آن‌ها استفاده کنند زیرا آن‌ها راه به‌سوی

خدا هستند و بدون حرکت در راه کسی به مقصد نخواهد رسید. نه برای خدا ممکن است کسی را از بی‌راهه به مقصد برساند و نه برای خلق خدا ممکن است از بی‌راهه به مقصد برسند. اُمُّ الْكِتَابِ که اسم این سوره است انطباق کامل به وجود مبارک حضرت زهرا(س) دارد، زیرا امام‌ها کتاب ناطق خدا هستند و حضرت زهرا(س) مادر امامت است نه تنها مادر امام‌ها که در تعریف آن حضرت فرمودند: لَهَا أُمُومَةُ الْأَيَّامِ. پس او اُمُّ الْكِتَابِ یعنی معنای مجسم سوره حمد است. ائمه(ع) صراط مستقیم به سوی خدا و بهشت هستند. مولا(ع) در علم و سیاست و تقوا و عدالت، خود راه آفرینش بهشت است. آیا بدون استفاده از محبت و ولایت او ورود به بهشت ممکن است؟، البته جدایی از او بی‌راهه است و از بی‌راهه کسی به مقصد نمی‌رسد. صراط مستقیم هم در این سوره به مولا علی(ع) تفسیر شده است و پیروان آن حضرت کسانی هستند که مشمول نعمت ولایت او شناخته شده‌اند. ولایت حق است که کلید تمامی نعمت‌هاست. کسانی که از حوزه ولایت او خارج‌اند بر دو قسم‌اند: اگر ظالم باشند مَعْضُوبِينَ عَلَيْهِمْ و اگر ظالم نباشند ضَّالِّينَ هستند. در تفسیر این سوره شریفه کتاب مستقلی به نام تفسیر سوره حمد نوشته شده که حاوی رموز و اسرار آن است.

﴿٦﴾ **أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ** دست ما را بگیر و از راه راست به مقصد برسان

﴿٧﴾ **صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ** راه کسانی که از نعمت ولایت تو بهره‌مند شدند، نه ظالمین که گرفتار خشم تو شدند و یا گم‌شده و گمراهان *

* در همین سوره که اُمُّ الْكِتَابِ است خداوند نتیجه تاریخ را از هبوط آدم تا قیام قائم(عج) که قیامت است تذکر داده. خلاصه تاریخ از نظر علم و عمل انسان سه قسمت است: دو اقلیت و یک اکثریت. اقلیت اول مؤمنین خَالِصُ الْإِيْمَانُ که از نعمت ولایت خدا و ائمه(علیهم‌السلام) بهره‌مند شده‌اند. اقلیت دوم، خَالِصُ الْكُفْرِ کفار که تمامی آثار انسانی را از دست داده‌اند و مغضوب خدا واقع شده‌اند و غالباً یهودیان هستند و اکثریت سوم، ضالین و گول‌خوردگان که به تعبیر مولا(ع) هِمَجُ الرِّعَاقِ هستند، فاقد بصیرت حق‌جویی و حق‌شناسی‌اند، نه مولا(ع) را به حقانیت می‌شناسند و نه معاویه را به کفر و گناه که شاید پس از آگاهی مشمول عفو خدا قرار گیرند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ الف، لام، میم (اشاره به اصول خلقت است) *

* حروف قرآن اشاره به اصول عالم خلقت است، از این جهت که حروف بیان گر اصل کلمات تکوینی و خلاق است. با حروف، اشاره به مواد اولیه و مصالح ساخت عالم و آدم می شود. همان طور که حروف تهجی، اصل کلمات است، اصول اولیه خلقت هم اصل مخلوقات است. عالم، کتاب تکوینی خداست و اصول اولیه به جای حروف این کتاب و کلمات است. همان طور که شما ماشین سازی را از مواد اولیه آن تا آخر می دانید و توضیح می دهید، قرآن هم ماشین خلقت را از اصول اولیه آن تا آخر چنان که بوده و شده برای شما توضیح می دهد. مثل اینکه ماشین خلقت را برای شما اوراق و مونتاژ می کند و شما را در جریان کیفیت خلقت عالم و آدم قرار می دهد. در کتاب کافی حدیث **إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْأَسْمَاءَ بِالْحُرُوفِ غَيْرِ مُتَّصِوْتٍ**، تفسیر اصول خلقت است.

﴿۲﴾ **ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ** فقط همین قرآن است که شک و شبهه در آن راه ندارد، پرهیز کاران را هدایت می کند

﴿۳﴾ **الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ** کسانی که به خدا و آخرت و امام قائم که غایب اند ایمان می آورند، با اقامه نماز با خدا رابطه دارند و از آنچه خداوند به آنها داده، مردم را بهره مند می کند *

* ایمان به غیب و اقامه نماز و انفاقات که توأم با خلوص است، از این جهت نجات بخش است که قلب انسان مخلص را به نور ایمان و علم و حکمت منور می کند. عمل خالص و مخلص، سیم قلب را به منبع نیرو و انرژی خدا متصل می کند و با این اتصال، نور علم و حکمت در قلب مخلص قرار می گیرد. در نتیجه قلب مؤمن و کافر مانند دو باطری شارژ و بدون شارژ است که

یکی ماشین زندگی را حرکت می‌دهد و آن دیگری ماشین زندگی را سنگین تر می‌کند.

﴿۴﴾ وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ
کسانی که به دین تو و دینی که پیش از تو نازل شده، ایمان می‌آورند و به آخرت یقین دارند

﴿۵﴾ أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ
آن‌ها هستند که در خط هدایت خدا حرکت می‌کنند و همان‌ها آزاد و رستگارند *

* قلبی که در مسیر ارتباط و اتصال به حق، مجهز به علم و ایمان می‌شود، آزادی مطلق پیدا می‌کند. خدا دوست ندارد عالم کامل را به بندگی و بردگی خود درآورد. کسی که در اطاعت علم است در اطاعت خداست. فرض کنید عالم به علم خود می‌داند که باید به این مستحق کمک کند، خدا هم همین را می‌داند، پس لازم نیست عالم به عالم فرمان بدهد. ائمه و انبیاء که در اطاعت علم هستند، آزادی مطلق دارند. اطاعت علم، اطاعت خداست. مولای می‌فرماید: وَجَدْتُمْ أَهْلًا لِّلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُمْ.

﴿۶﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ
کفار را از نتایج کفر و گناه بترسانی و یا نترسانی ایمان به خدا نمی‌آورند

﴿۷﴾ خَتَمَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَعَلَىٰ سَمْعِهِمْ وَعَلَىٰ أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ
هدایت‌گری خداوند از مسیر تعلیمات و شنوایی آن‌ها خاتمه یافته است، هدف‌های دنیایی حجاب بینایی و بصیرت آن‌ها شده است، عاقبت به عذابی دردناک مبتلا خواهند شد *

* ختم قلوب به معنای خاتمه یافتن هدایت‌گری خداست که هر فوت‌وفنی که برای هدایت آن‌ها لازم بوده به کار زده و نتیجه‌ای جز اتمام حجت به دست نیاورده است. آن‌ها در حجاب هدف‌های دنیایی واقع شده و آن طرف حجاب را نمی‌بینند. ختم قلوب به معنای این نیست که خدا مانعی روی قلب آن‌ها برای هدایت شدن ایجاد کرده بلکه به معنای خاتمه یافتن عوامل و

اعمال هدایت است.

﴿۸﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَيَأْتِيَوْمَ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ بعضی از مردم تظاهر می کنند که به خدا و آخرت ایمان آورده اند، ولیکن مؤمن نیستند

﴿۹﴾ يُخَدِّعُونَ اللَّهَ وَالدِّينَ ءَامِنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ به عقیده خود، خدا و مؤمنین را می فریبند اما خود را می فریبند که از لطف خدا محروم اند و نمی فهمند

﴿۱۰﴾ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ به بیماری کفر و نفاق آلوده شده اند، خدا مرض آنها را شدت می دهد (که اثر قهری بی راهه روی است)، در مسیر تظاهر خلاف حقیقت، به عذابی دردناک گرفتار می شوند *

* در بحث های آینده ثابت می شود که کفار و منافقین ابتدا و انتهای تاریخ، آتش جهانی را برای قهر و غلبه بر اولیاء خدا و بشریت خواهند ساخت و گرفتار آن خواهند شد لذا عاقبت کار کافر و منافق، به جز ساخت و سازندگی جهنم چیزی نخواهد بود و در حکومت عدل الهی حرارت همان آتش ها از مظلومین به ظالمین برمی گردد و در وجود آنها متمرکز می شود.

﴿۱۱﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ اگر به آنها بگویند: با خلاف کاری ها مفسده به پا نکنید، می گویند: اصلاح گر جامعه هستیم

﴿۱۲﴾ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِن لَّا يَشْعُرُونَ بدانید که همان ها مفسده گر هستند ولی فساد عمل خود را درک نمی کنند

﴿۱۳﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ءَامِنُوا كَمَا ءَامَنَ السُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِن لَّا يَعْلَمُونَ اگر بگویی شما هم مثل و مانند مردم ایمان

بیاورید، می گویند: مثل همین ساده لوح های بی شعور؟!، بدانید که همان ها بی شعورند، ولی نمی فهمند

﴿۱۴﴾ وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا قَالُوا ءَامَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِءُونَ

با اهل ایمان تظاهر به ایمان می کنند و در خلوت با شیاطین خود می گویند: ما با شما ایم، آن ها را مسخره می کنیم

﴿۱۵﴾ اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ

خداوند به اعمال بد آن ها خودشان را مسخره می کند، آن ها را کورکورانه به راه طغیان و ضلالت می کشاند

﴿۱۶﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبِحَت تِّجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ

آن هاینده که با نقدِ هدایت، ضلالت خریده اند، از این تجارت سودی نبردند و هدایت نشدند

﴿۱۷﴾ مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ وَّذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلْمٍ لَا يُبْصِرُونَ

آن ها مانند کسی هستند که برای روشنایی آتشی برافروزد و بعد از آن که زندگی او روشن شد، خدا روشنایی را ببرد و آن ها را در حرارت آتش و تاریکی رها کند که جایی را نبینند *

* زیرا تاریکی بعد از روشنایی، فضا را تاریک تر می کند. آن ها روی بی اعتنایی به آیات قرآن فضای فکر خود را تاریک تر می کنند مانند کسی که از فضای روشن به تاریکی می خزد، در تاریکی مطلق قرار می گیرد.

﴿۱۸﴾ صُمُّ بُكْمٌ عُمَىٰ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ

در شناسایی زندگی و دین، کر و کورند، در نتیجه لال و گنگند، به راه حق بر نمی گردند

﴿۱۹﴾ أَوْ كَصَيْبٍ مِّنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ يَجْعَلُونَ أَصْبِعَهُمْ فِي
 آذَانِهِمْ مِّنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ **وَاللَّهُ** مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ یا در شناخت
 زندگی مانند مسافرینی هستند که در بیابان سرگردان شده‌اند، گرفتار رعدوبرق و
 تاریکی شده‌اند که از ترس صاعقه، انگشت خود را به گوششان می‌دوانند با اینکه خدا
 بر آن‌ها محیط و مسلط است

﴿۲۰﴾ يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطِفُ أَبْصَرَهُمْ كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُمْ مَشَوْا فِيهِ وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ
 قَامُوا وَلَوْ شَاءَ **اللَّهُ** لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَرِهِمْ إِنَّ **اللَّهَ** عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ چنان‌اند
 که گویی شعاع برق، بینایی آن‌ها را می‌برد، هوا که روشن می‌شود (منافعی می‌بینند)
 قدمی برمی‌دارند و چون تاریک می‌شود (منافعی درکار نیست) می‌ایستند، خدا اگر
 بخواهد می‌تواند شنوایی و بینایی آن‌ها را بگیرد، خدا به هر کاری تواناست

﴿۲۱﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ
 تَتَّقُونَ ای مردم! خدا را بپرستید، پروردگاری که شما و گذشتگان شما را آفرید،
 شاید تقوا پیشه کنید

﴿۲۲﴾ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ
 بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ کسی که زمین
 و زمینه زندگی را چون فرش گسترده، آسمان و فضای ولایت خود را چون سقفی
 محافظ شما ساخته، آب باران از آسمان و علم از مقام ولایت بر شما نازل می‌کند و این
 همه ثمرات مادی و معنوی در اختیار شما می‌گذارد، شما می‌دانید که این همه نعمت را
 خدا می‌دهد، شریک برای او نتراشید

﴿۲۳﴾ وَإِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُوا

شَهَادَاتِكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

اگر در این قرآن به شک افتادید که از خدا نیست سوره‌ای مانند آن بیاورید و از هر کسی به جز خدا کمک بگیرید، اگر راست می‌گویید

﴿۲۴﴾ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ ۗ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ

اگر سوره‌ای نمی‌آورید (که هرگز نمی‌توانید)، بترسید از آتشی که عامل افروزانده آن انسان و سنگ است، این آتش از مسیر کفر و جنگ برای کفار مهیا شده است *

* نظر به اینکه اولین ظالم عالم با سنگ، برادر مظلوم خود را کشته است، خداوند آن قتل را آتش گیره جهنم نامیده است.

﴿۲۵﴾ وَبَشِّرِ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

اهل ایمان و اعمال شایسته را مزدگانی بده که برای آن‌ها باغ‌هایی (علم و قدرت‌هایی) تهیه شده که از آن، نهرهای نعمت و حکمت جاری می‌شود، هر نعمتی را که در آنجا می‌بینند می‌گویند: توفیق این نعمت‌ها پیش از این روزی ما شده، انواع نعمت‌ها شبیه یکدیگر در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد، همسرانی دارند که از آلودگی‌های جسمی و روحی پاک و پاکیزه‌اند و در این زندگی، ابدی و جاویدند *

* جنات عدن در تمامی آیات که خدا در آخرت به انسان وعده می‌دهد، علم و قدرتی است که با استفاده از آن هر جا می‌رود، همه‌چیز برای او مهیاست. خودش با علم و قدرت و دعای مستجاب و یا معجزه هر چه بخواهد بسازد، می‌سازد. خداوند متعال در آن حدیث می‌فرماید: لَا يَزَالُ يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ عَبْدِي بِالتَّوَابِلِ حَتَّىٰ كُنْتُ سَمَعُهُ الَّذِي بِهِ يَسْمَعُ وَبَصَرُهُ الَّذِي بِهِ يَبْصُرُ وَ يَدُهُ الَّذِي بِهِ

يَبْطِشُ... با چنین قدرتی زندگی آخرت برای او حاصل می‌شود و این علم و قدرت، همان جَنَاتِ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ است. شما دو آیه را به هم مربوط کنید تا معنای جنات عدن را درک کنید. یکی آیه‌ای که فضای زندگی را نامتناهی می‌داند وَجَنَّةُ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ و دیگری هم جَنَاتِ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ. مناسب این دو آیه این است که انسان خودش جنات عدن باشد، نه اینکه باغی در اختیارش باشد، کول بگیرد به هر جا که بخواهد برود.

﴿۲۶﴾ **إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ**

خداوند برای بیان حقایق از مثال‌هایی که می‌زند، حیا ندارد به پشه‌ای مثل بزند یا بالاتر، کسانی که اهل ایمان هستند، با این مثل‌ها هدایت می‌شوند، می‌گویند: راه کشف حقیقت است، ولیکن کفار که دیده ظاهربینی دارند، اعتراض می‌کنند که این چه مثل‌هایی است؟، منظور خدا از این مثل‌ها چیست که بسیاری را گمراه کند و بسیاری را هدایت نماید؟!، با اینکه به جز کافر و منافق، کسی گمراه نمی‌شود

﴿۲۷﴾ **الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ**

فاسقین کسانی هستند که پیمان بین خود و خدا را می‌شکنند و با کسانی که مأمورند با آن‌ها رابطه داشته باشند، قطع رابطه می‌کنند، در زمین فساد به پا می‌کنند، آن‌ها هستند که ضرر و زیان‌شان زیاد است *

* انسان‌ها مأمورند با دو طایفه رابطه داشته باشند، از این رابطه به صله رحم تعبیر می‌شود: یکی رابطه با خویشاوندان و دیگری رابطه با پیشوایان اصیل دین که ائمه اطهار(ع) هستند. قطع رابطه از این دو طایفه، بی‌راهه روی به سوی جهنم است.

﴿۲۸﴾ كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ

ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ چطور کافر به خدا می شوید؟ با اینکه پیش از این در خاک مرده بودید، خدا شما را زنده کرد و بعد از این شما را می میراند، باز شما را زنده می کند و به سوی خدا رجوع می کنید

﴿۲۹﴾ هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ أَسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ

سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ او کسی است که آنچه در زمین است برای شما آفرید، پس از آن به ساخت آسمان (فضای تربیت شما) پرداخت و به صورت هفت طبقه (هفت کلاس تکامل) آن را تنظیم کرد، او به هر کاری دانا و تواناست *

* کلمات آسمان در بیانات ائمه (ع) به فضای نزول علم و زمین به قلب بندگان تفسیر شده است.

﴿۳۰﴾ وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ

يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ خدا هنگام خلقت به فرشتگان فرمود: می خواهم در زمین انسانی تربیت

کنم که خلیفه من باشد، گفتند: چرا کسی را خلق می کنی که این همه فساد به پا کند و کشتار نماید؟، ما فرشتگان هستیم که تو را تسبیح و تقدیس می کنیم، خدا فرمود: من می دانم آنچه را شما نمی دانید

﴿۳۱﴾ وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ

هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ خداوند آدم را آفرید و اسم اشیاء و اشخاص را به او آموخت و بعد آن اسماء را به فرشتگان عرضه داشت و به آنها فرمود: اگر راست می گوئید که وجود شما کافی است و عالم هستید از آن اسماء خبر دهید

﴿۳۲﴾ قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ گفتند:

سُبْحَانَ اللَّهِ! به جز آنچه به ما تعلیم داده‌ای، علمی نداریم، فقط تو عالم و آگاهی

﴿۳۳﴾ قَالَ يَتَّادَمُ أَنبِيُّهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي

أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ در اینجا

به آدم فرمود: اسماء را برای فرشتگان بیان کن، آدم اسماء خدا و اولیاء خدا را به

فرشتگان خبر داد، چون ثابت شد که آدم می‌داند و فرشتگان نمی‌دانند، خداوند به

فرشتگان فرمود: نگفتم که من غیب آسمان‌ها و زمین را می‌دانم و از ظاهر و باطن شما

خبر دارم

﴿۳۴﴾ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ

مِنَ الْكَافِرِينَ و آدم که عالم شناخته شد، خداوند به فرشتگان فرمود: همه تسلیم

آدم باشید، همه آن‌ها به جز ابلیس تسلیم شدند، تکبر او را فراگرفت و از اطاعت آدم

امتناع کرد زیرا کافر به خدا بود *

* خدا برای ساده‌تر شدن تعلیمات، از اشیاء تعبیر به اشخاص می‌کند. فرشتگان اسباب و

ابزار آفرینندگی هستند، مانند نیروی برق در کارخانه‌ها ولیکن انسان‌ها شخص هستند که

عالم و دانایند. همه‌جا لازم است که اشیاء در اطاعت اشخاص باشند.

﴿۳۵﴾ وَقُلْنَا يَتَّادَمُ أَسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا

تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ ما به آدم گفتیم: تو و همسرت همین‌جا

در بهشت ساکن باشید و از هرچه بخواهید فراوان استفاده کنید، به این شجره هوای

نفس نزدیک نشوید که ظالم شناخته می‌شوید

﴿۳۶﴾ فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ

لِبَعْضِ عَدُوِّكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرًّا وَمَتَعًا إِلَىٰ حِينٍ ابلیس که همان مقتضیات نفس اماره بود، آن‌ها را به شجره خبیثِ هوای نفس نزدیک کرد و از سایه شجره ولایت دور ساخت، در وضعیت دنیایی بر اساس جنگ و تنازع قرار گرفتند و لازم شد در این وضعیت مدتی دوره ببینند که چطور زندگی کنند *

* کسی نگوید ابلیس موجود مستقلی است که دشمن آدم است، جواب این است که یک موجود مستقل به نام شیطان در بهشت راه ندارد. مصداق واقعی شیطان، هوای نفس و انسان فریب‌کار است.

﴿۲۷﴾ فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ آدم به گناه خود آگاه شد و به خمه طیبه متوسل شد، لطف خدا او را فرا گرفت، زیرا رحمت خدا شامل حال توبه‌کاران است

﴿۳۸﴾ قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ بعد از قبولی توبه، خدا فرمود: در این تبعیدگاه باشید، من برنامه دین و هدایت در اختیار شما می‌گذارم، هر کس از هدایت من پیروی کند، خوفی و غم و غصه‌ای نداشته باشد *

* خداوند چهار کلمه به آدم آموخت و فرمود: از مسیر این چهار کلمه می‌توانی خود را به بهشت برسانی. اول اینکه به‌جز خدا کسی را نپرستی و برای خدا شریک نتراشی. دوم اینکه هرچه به خود نمی‌پسندی به دیگران نپسندی. سوم اینکه هرچه بخواهی از من بخواهی و حاجت خود را در خانه مردم نبری. چهارم اینکه هرچه لازم داری در موقع مناسب به تو برسانم و تو را معطل و محتاج نگذارم. دلیل اینکه خداوند بعد از توبه، آدم را به بهشت برنگردانید این است که خاصیت توبه فقط اجازه ورود به مکتب دین و سرمایه زندگی در بهشت، عقل و معرفت است نه فقط ورود به مکتب. آدم‌ها باید به علم و ایمان مجهز شوند.

﴿۳۹﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

و هر کس کافر شود و آیات مرا تکذیب کند، عاقبتِ کارش جهنم است که در آن حبس ابد خواهد شد

﴿۴۰﴾ يٰۤاَيُّهَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّيَ فَاَرْهَبُونَ

شما بنی اسرائیل به یاد نعمت‌هایی که به شما داده‌ام باشید، به پیمان من وفا کنید تا من به عهد شما که بهشت است وفا کنم، از مخالفت من بترسید *

* بنی اسرائیل در طول تاریخ، خود الگوی ضلالت در برابر عوامل هدایت هستند. چقدر زیاد به وسیله پیامبران مشمول لطف خداوند متعال قرار گرفتند ولیکن با آن همه خیروبرکتی که از پیامبران دیدند همه آن‌ها را کشتند و یا لاقلاً اطاعت نکردند. آن‌ها را آزار و اذیت نمودند و عاقبت در اثر اصرار به گناه و معصیت و لجبازی با دین خدا و انبیاء مخصوصاً با حضرت خاتم (ص) که پیش از ظهور انتظارش را می کشیدند، مشمول غضب خدا قرار گرفتند و از دایره لطف او اخراج شدند.

﴿۴۱﴾ وَعَامِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ ۗ وَلَا

تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّيَ فَاتَّقُونَ

به این قرآن که نازل نموده‌ام و دین شما اهل کتاب را تصدیق می کند ایمان بیاورید، اولین امتی نباشید که کافر به اسلام می شوید، دین و آیات مرا به بهای اندک دنیا نفروشید و از مخالفت من بپرهیزید

﴿۴۲﴾ وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْفُرُوا بِالْحَقِّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ

لباس باطل نپوشانید، حق را کتمان نکنید با اینکه می دانید

﴿۴۳﴾ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ

نماز به پا دارید و

زکات بدهید و با جمع اهل توحید عبادت کنید *

* معنای توحید، وحدت یافتن با اهل توحید است. اول کاروان حرکت به سوی خدا را شناسید بعد با آنها حرکت کنید.

﴿۴۴﴾ **أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا**

تَعْقِلُونَ آیا درست است که مردم را به نیکوکاری امر کنید و خود را فراموش نمایید با اینکه کتاب خدا را می‌خوانید که همه کس در برابر دین یکسان‌اند، چرا عقل خود را به کار نمی‌برید؟

﴿۴۵﴾ **وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ** از صبر و

استقامت و ارتباط با خدا کمک بگیرید، گرچه نماز جز برای کسانی که عظمت خدا را درک می‌کنند، سنگین است

﴿۴۶﴾ **الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلْقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهِمُ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ** آشنایان به عظمت

خدا کسانی‌اند که عقیده به ملاقات خدا دارند که عاقبت به او رجوع می‌کنند

﴿۴۷﴾ **يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى**

الْعَالَمِينَ ای بنی‌اسرائیل! نعمتی که به شما داده و شما را بر جهانیان برتری بخشیدم، یادآوری کنید

﴿۴۸﴾ **وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَعَةٌ وَلَا**

يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ بترسید از روزی که کسی به جای دیگری

مجازات نمی‌شود، شفاعت کسی قبول نیست و از کسی شفاعت و فدیهای معادل گناه

قبول نمی‌شود (هرکسی به ارزش خود قبول است) و از نصرت خدا بهره‌ای نمی‌برد

﴿۴۹﴾ وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِّنْ عَالٍ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُم سَوَاءَ الْعَذَابِ يُدَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ
 به یاد روزی باشید که شما را از شرّ فرعونیان نجات دادم، آن‌ها به بدترین عذاب شما را شکنجه می‌کردند ، پسران شما را می‌کشتند و دختران شما را زنده نگاه می‌داشتند ، شما به بلای بزرگی از سلطان خود مبتلا بودید

﴿۵۰﴾ وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمْ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا عَالٍ فِرْعَوْنَ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ
 و نعمت دیگر اینکه برای شما خیابان دریایی باز کردم، شما را نجات دادم و فرعونیان را در مرأ و منظر شما غرق نمودم

﴿۵۱﴾ وَإِذْ وَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ
 و نعمت دیگر آن که به موسی وعده دادم که در ظرف چهل شب عبادت و ریاضت به او کتاب و مکتب بدهم، شما در این مدت گوساله‌پرست شدید و به خود ستم کردید

﴿۵۲﴾ ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ
 بعد از این همه گناه، از شما گذشتم شاید شکر خدا را به‌جا آورید

﴿۵۳﴾ وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ
 به موسی کتابی دادم که حق را از باطل جدا می‌کرد شاید به‌وسیله آن به حق هدایت شوید

﴿۵۴﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَتَقَوْمِ إِنَّكُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتَّخَذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَىٰ بَارِيكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ عِنْدَ بَارِيكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ
 و آنجا که موسی به قوم خود گفت: شما با این گوساله‌پرستی به خود ستم کردید ، پس به خدا توجه کنید و هوای نفس خود را

بکشید که این نفس کُشی نزد پروردگار شما بهتر است، لطف خدا شما را فرا می گیرد ، او همیشه به بندگان خود محبت دارد

﴿۵۵﴾ **وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَىٰ اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّيْحَةُ**
وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ باز جرئت و جسارت کردید که ای موسی! تا ما آشکارا خدا را

نبینیم به تو ایمان نمی آوریم ، دیدید که از این جسارت صاعقه عذاب شما را هلاک کرد *

* خداوند یک موجود نامتناهی است و نامتناهی شکل نمی گیرد تا دیده شود، علاوه اینکه دیدن خداوند دلیل معرفت به او نیست. چقدر زیاد اشیاء و اشخاص را که می بینیم ولیکن معرفت به آنها نداریم.

﴿۵۶﴾ **ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ** و بعد از مرگ شما را زنده نمودیم شاید شکر گزار باشید

﴿۵۷﴾ **وَظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّٰ وَالسَّلْوٰی ۖ كَلُوا مِنْ طَيِّبٰتِ مَا رَزَقْنٰكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلٰكِن كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ** و بعد در آن بیابان و حرارت خورشید، ابرها را سایبان شما قرار دادیم، غذای منّ و سلوا برای شما نازل کردیم که از این غذای طیب و طاهر بخورید ، آنها به ما ستم نکردند بلکه به خود ستم نمودند

﴿۵۸﴾ **وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هٰذِهِ الْقَرْيَةَ فَكَلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَاَدْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةٌ نَّغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَتِكُمْ وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ** به شما گفتیم:

به این سرزمین ها که ملک ابراهیم خلیل است وارد شوید، نعمت خدا برای شما هر جا باشید، فراوان است ، از در ورودی دین به حال سجده وارد شوید، بگویید: خدایا! گناه

ما را بریز تا آلودگی‌های گناه را از لوح دل شما پاک کنیم و به نیکوکاران اجر بیشتری بدهیم *

* منظور از ورود به باب دین به حال سجده این است که بدانند اساس دین‌داری تسلیم و اطاعت از خدا و اولیاء خداست. انسان حق ندارد در دین‌داری خودرأی و خودمختار باشد. مردم در دین‌داری سه قسم‌اند: قسم اول اولیاء خدا که دائم در اطاعت‌اند و دستورات خدا را آن به آن از خداوند می‌گیرند و اجرا می‌کنند. قسم دوم کسانی که دین و کتاب خدا را در اختیار دارند و بر طبق علم و استعداد خود آن دستورات را اجرا می‌کنند که مسلماً اهل نجات هستند. قسم سوم کسانی که با دین خدا در جنگ‌اند و درست در جهت خلاف دین حرکت می‌کنند که در مسیر جهنم‌اند.

﴿۵۹﴾ فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ

گناه‌کاران، دستور خدا را به مسخره تغییر دادند، به جای (حطه) که مغفرت است، (حنطه) که گندم است بر زبان جاری کردند، ما در برابر این جسارت، عذاب آسمانی نازل کردیم

﴿۶۰﴾ وَإِذِ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْ كُلُوا وَاشْرَبُوا مِن رِّزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ

و باز شما از موسی تقاضای آب نمودید، موسی از خدا آب خواست، گفتیم: عصای خود را به سنگ بزن، از آن سنگ دوازده چشمه آب جاری کردیم تا هر کدام از آن دوازده سبط، آبگاه مخصوص به خود را بشناسند، به آن‌ها امکانات دادیم تا بخورند و بیاشامند و در زمین مفسده به پا نکنند

﴿۶۱﴾ وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَنْ نَّصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُثْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصِلِهَا قَالَ أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي

هُوَ أَذْنَىٰ بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ أَهْبَطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَّا سَأَلْتُمْ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلِيلَةُ
وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ
الَّذِينَ بَغَىٰ الْحَقَّ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ

باز به موسی گفتید که: ما

نمی‌توانیم به یک نوع غذا قناعت کنیم، به خدای خود بگو: از نباتات زمین برای ما سبزی، خیار و سیر و عدس و پیاز به وجود آورد، موسی ناراحت شد که چقدر نادانید، به جای غذای آسمانی که لطف خدای شماست، غذای زمینی می‌طلبید؟، بروید به شهر خود، آنجا آنچه بخواهید برای شما آماده است، ذلت و مسکنت آن‌ها را فرا گرفت که از کنار سفره لطف خدا به سفره خلق خدا رفتند، در معرض خشم خدا واقع شدند زیرا کافر به آیات خدا شدند، پیامبران را به ناحق کشتند که عاصی و متجاوز بودند

﴿۶۲﴾ إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّٰلِحِينَ مَن ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ
شما بدانید که از مؤمن و مسلمان و یهودی و نصرانی و پی‌جویان دین حق، هر کس این سه اصل (ایمان به خدا و زندگی آخرت و عمل صالح) را رعایت کند، اجرش نزد خداوند محفوظ است، نترسند و غم و غصه‌ای نداشته باشند *

* کسانی که این سه اصل را رعایت کنند گرچه معلوماتشان ضعیف باشد که مظاهر حق را نشناسند، عاقبت به دین خدا و خط اولیاء خدا کشیده می‌شوند و تا زمانی که با رعایت این سه اصل در مسیر حق جویی حرکت کنند، مهاجر الی‌الله شناخته می‌شوند و اهل نجات هستند.

﴿۶۳﴾ وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا ءَاتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ
وَأَذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

به خاطر داشته باشید که از شما برای حفظ

دین عهد و پیمان گرفتیم و برای بقاء آن کوه طور و یا آثار وجودی آن را که تورات بود بر شما حاکمیت دادیم، اجبار دارید با قوه قهریه الهی این کتاب را حفظ کنید و

مندرجات آن را بدانید و بخوانید، شاید تقوا پیدا کنید

﴿۶۴﴾ **ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَكُنْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ** با همه این‌ها دین خدا را کنار گذاشتید، اگر فضل و رحمت خدا نبود که شما را حفظ کند، نابود شده بودید

﴿۶۵﴾ **وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدَوْا مِنكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ** شما قهر خدا به تجاوزگران روز شنبه را شناختید که چگونه آن‌ها را به صورت میمون مسخ نمودیم

﴿۶۶﴾ **فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ** و این مسخ را برای مردم زمان و آیندگان مایه وزر و وبال و برای متقین مایه پند و موعظه قرار دادیم

﴿۶۷﴾ **وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبُحُوا بَقَرَةً قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُؤًا قَالِ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ** و داستان گاو بنی‌اسرائیل که موسی به آن‌ها گفت: خدا دستور می‌دهد برای زنده شدن مقتول، گاو را بکشید گوشت آن را به تن مقتول بمالید زنده می‌شود و قاتل خود را معرفی می‌کند، شما به موسی گفتید: ما را مسخره می‌کنی؟، موسی گفت: پناه به خدا که مانند جاهلان باشم *

* داستان گاو بنی‌اسرائیل از اینجا پیدا شد که دو نفر از دو طایفه بنی‌اسرائیل با یکدیگر بر سر خواستگاری دختری اختلاف داشتند. یکی آن دیگری را به قتل رسانید و جسد او را در محل طایفه دیگر انداخت تا آن‌ها را متهم کند. طایفه مقتول آن طایفه را به محاکمه کشیدند، چاره‌ای نبود جز اینکه به وسیله حضرت موسی از خدا که عالم به غیب است استفاده کنند. خداوند فرمود: گوساله‌ای را بکشند تا مقتول را معرفی نماید.

﴿۶۸﴾ قَالُوا اُدْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا فَارِضٌ وَلَا

بَكْرٌ عَوَانُ بَيْنَ ذَلِكَ فَافْعَلُوا مَا تُؤْمَرُونَ به موسی گفتید: از خدای خود پرس آن، چه گاوی است که چنین هنری دارد (خدا را شناختید، خیال کردید احیای میت هنر گوساله است)، موسی گفت: خدا می فرماید: گاوی است نه پیر و نه جوان بلکه متوسط، بروید به دستور خدا عمل کنید

﴿۶۹﴾ قَالُوا اُدْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا لَوْنُهَا قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءٌ فَاقِعٌ

لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّظِيرِينَ بازهم متحیر شدند که چه گاوی باشد، گفتند: از خدا بخواه که چه رنگی دارد؟، موسی گفت: خدا می گوید: زرد متمایل به سرخی، چنان رنگی که بیننده را نشاط می دهد

﴿۷۰﴾ قَالُوا اُدْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ إِنَّ الْبَقَرَ تَشَابَهَ عَلَيْنَا وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ

لَمُهْتَدُونَ و بازهم تکرار نمودند که ای موسی! از خدا بخواه بهتر تعریف کند، گاوی به این وصف پیدا کرده ایم شاید انشاءالله درست شناخته ایم *

* اسرار امثال چنین دستوراتی این است که اولاً: انسان‌ها برای استفاده از لطف خدا قدری زحمت بکشند و سرمایه گذاری کنند تا قدر نتایج کار را که به هدایت خدا انجام شده بدانند و شکر خدا را به جا آورند و ثانیاً: از طریق عدم ارتباط این علت و معلول‌ها به یکدیگر بدانند که مستقیماً اراده خدا در کار مؤثر است نه عواملی که آن‌ها تهیه می کنند. عقل خود را به کار ببرند که دُم گوساله مرده چه ارتباطی به حیات مردگان دارد، همچنین گوساله پرستان بدانند که بت آن‌ها هیچ ارتباطی با موفقیت آن‌ها در زندگی ندارد ولیکن بنی اسرائیل یک چنین مسائل واضحی را درک نمی کردند.

﴿۷۱﴾ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلَّمَةٌ

لَا شِيَةَ فِيهَا قَالُوا الْكُنْ جِئْتِ بِالْحَقِّ فَذَبْحُوهَا وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ موسی گفت:

خدا می فرماید: گاوی نه چنان رام که زمین را شخم زده و نه آب از چاه کشیده باشد، گاوی سالم و بدون عیب، آن‌ها خوش حال شدند که درست گفتمی، گاو زنده کننده مرده را پیدا کردیم، خود را برای ذبح آماده نمودند (نتوانستند بفهمند که اراده خدا در کار است، نه تأثیر گوشت گوساله)

﴿۷۲﴾ **وَإِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَّرَأْتُمْ فِيهَا وَاللَّهُ مُخْرِجٌ مَّا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ** شما مرد بی گناهی را کشتید، سر آن به نزاع افتادید، خدا آشکار می کند آنچه را پنهان می دارید

﴿۷۳﴾ **فَقُلْنَا أَضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ** به آن‌ها گفتیم: گوشت گوساله را به تن مرده بمالید و قدرت خدا را ببینید، خداوند این‌طور مرده را زنده می کند شاید عقل خود را به کار ببرید

﴿۷۴﴾ **ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِن مِّنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِن مِّنْهَا لَمَا يَشَّقُّ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِن مِّنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ** با همه این معجزه‌ها قساوت قلب پیدا کردید، دل‌های شما چون سنگ و از سنگ هم سخت‌تر شد، بعضی سنگ‌ها محل جوشش آب می‌شوند و بعضی شکافته شده اجازه عبور به آب می‌دهند و بعضی از عظمت خدا سقوط می‌کنند، خداوند از اعمال شما غافل نیست *

* از دل یهودیان خیروبرکت جاری نمی‌شود و اجازه عبور علم به آیندگان نمی‌دهد و در برابر عظمت خدا سر فرود نمی‌آورد.

﴿۷۵﴾ **أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلِمَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِن بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ** شما مسلمانان طمع دارید که آن‌ها به شما ایمان آورند، با اینکه فرقه‌ای از آن‌ها کلام حق را شنیدند و آن را به هوی و هوس

تغییر دادند و می دانستند که خیانت می کند

﴿۷۶﴾ وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا قَالُوا ءَامَنَّا وَإِذَا خَلَا بِعَضُفِهِمْ إِلَىٰ بَعْضٍ قَالُوا أَنُحَدِّثُونَهُمْ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُم لِيُحَاجُّوكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ
با مؤمنین که روبه رو می شوند، تظاهر به ایمان می کنند و در خلوت با یکدیگر می گویند: چرا نشانه های محمد (ص) را از کتاب خود به آنها می گوید تا شما را محکوم کنند، چرا فکر نمی کنید؟

﴿۷۷﴾ أَوْ لَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ مگر نمی دانند که این پنهان کاری ها را خدا می داند؟، خداوند از سرّ و نهران شما آگاه است

﴿۷۸﴾ وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِيٍّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ بعضی از آنها عامی هستند و معلومات مادری دارند، دین را به امید و آرزو می دانند و با حدس و گمان، بدون یقین تسلیم پیشوایان دین می شوند

﴿۷۹﴾ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُوبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ
وای به حال کسانی که برای خود کتاب و قانون می نویسند و به مردم می گویند: کتاب خداست تا با این دروغ سازی ها و دین فروشی ها کاسبی کنند، وای به حال آنها و نوشته ها و نتایج کسب و کار آنها

﴿۸۰﴾ وَقَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَةً قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ ۗ أَمْ تَقُولُونَ عَلَىٰ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ به عقیده خود می گویند: چند روزی بیشتر عذاب نمی شویم، بگو: عهد و پیمان از خدا دارید؟ خدا خلف وعده

نمی کند ، یا چیزی را که نمی دانید به خدا دروغ می بندید؟

﴿۸۱﴾ بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ

فِيهَا خَالِدُونَ آری کسی که در کفر و گناه اصرار کند، فرهنگ کفر و گناه وجود او را احاطه می کند ، چنان که در کفر و گناه مغلط است، در جهنم مغلط خواهد بود *

* دلایل خلود در آتش جهنم را ذکر می کند و آن، وقتی است که فرهنگ کفر و گناه بر انسان احاطه کند یعنی صد در صد باطل را به جای حق و حق را به جای باطل بشناسد. اصرار بر کفر و گناه و بی اعتنایی به کلمه حق، عاقبت انسان را از نظر روانی کافر به بار می آورد مانند کودکی که از تولد تا مرگ در تاریکی مطلق زندگی نموده و شعاعی از روشنایی ندیده. او هرگز نمی تواند نور و ظلمت بشناسد.

﴿۸۲﴾ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

و آن ها که اهل ایمان و عمل صالحند، اهل بهشتند که جاودانه مغلط خواهند بود

﴿۸۳﴾ وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ **وَاللَّهُ** وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي

الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَءَاتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ از بنی اسرائیل عهد و پیمان گرفتیم که

جز خدا کسی را نپرستند، به پدر و مادر احسان کنند، همین طور به خویشان و یتیمان و مساکین، و با مردم گفتار نیک داشته باشند، نماز به پا دارند، زکات بدهند، ولیکن

شما بنی اسرائیل جز عده کمی، به هوای نفس خود رفتید و از دین اعراض نمودید

﴿۸۴﴾ وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِّنْ

دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ از شما بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که خون

یکدیگر را نریزید و یکدیگر را از شهر و دیار خود خارج نکنید یا تکفیر ننمایید،

شما به این عهد و پیمان اقرار کردید و شاهد آن بودید *

* اخراج از شهر و دیار به دو معنی اطلاق می‌شود: یکی به معنای تبعید و دیگر تکفیر. تکفیر از تبعید خطرناک‌تر است، تکفیر به معنای این است که مراجع دینی یک نفر را خلاف حق یا به دلیل واهی مرتد بشناسند و حکم ارتداد صادر کنند که گاهی به معنی قتل است و گاهی به معنای حرمت تماس. خداوند این تبعید و تکفیر را نهی کرده اما بنی‌اسرائیل به هوی و هوس خود بندگان خدا را آزار می‌دادند.

﴿۸۵﴾ **ثُمَّ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَتُخْرِجُونَ فَرِيقًا مِّنْكُمْ مِّن دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِم بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِن يَأْتُوكُمْ أُسْرَىٰ تَقْدُوهُمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَن يَفْعَلْ ذَلِكَ مِّنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ**

با همه این‌ها شما بنی‌اسرائیل یکدیگر را کشتید، عده‌ای بی‌گناه را از شهر و دیار خود خارج کردید و یا تکفیر نمودید، تظاهر به دشمنی آن‌ها می‌کردید، اگر اسیر دشمن می‌شدند با فدیة آن‌ها را آزاد می‌کردید با اینکه تبعید و یا تکفیر آن‌ها بر شما حرام بود، آیا درست است که به بعضی از آیات (آزادی اسراء) ایمان می‌آورید و به بعضی دیگر (اخراج از شهر و دیار) کافر می‌شوید؟، سزای کسی که چنین باشد به جز رسوایی دنیا چیزی نیست، روز قیامت هم به سخت‌ترین عذاب معذب خواهد شد، خداوند از اعمال شما غافل نیست

﴿۸۶﴾ **أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا**

هُمْ يُنصَرُونَ آن‌ها کسانی‌اند که آخرت را به دنیا فروختند، عذاب آن‌ها سبک نمی‌شود و خدا آن‌ها را یاری نمی‌کند (فروش آخرت به دنیا یعنی تبدیل جنسیت ایمان به کفر)

﴿۸۷﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنْفُسُكُمْ أَسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ

ما به موسی کتاب تورات دادیم و در پی او پیامبران دیگر مبعوث نمودیم ، به عیسی دلایل علمی و اعجازی دادیم و با روح القدس او را تأیید نمودیم ، آیا درست است که شما یهودیان هر وقت پیامبری خلاف میل شما مأمور شود، متکبرانه با او روبه‌رو می‌شوید، عده‌ای را تکذیب می‌کنید و عده‌ای را به قتل می‌رسانید؟

﴿۸۸﴾ وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ

دل‌های ما در غلاف است (حقیقت را درک نمی‌کنیم)، بلکه آن غلاف، آثار لعن خداست ، کسی از شما توفیق ایمان پیدا نمی‌کند *

* غلاف دل، هدف‌های مادی دنیاست. انسان نمی‌تواند بی‌هدف باشد. اگر خدا و آخرت هدف نباشد، قهراً کفر و مادیت غلاف دل می‌شود.

﴿۸۹﴾ وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَّا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ

زمانی هم که کتابی مثل قرآن نازل شده و دین آن‌ها را تصدیق می‌کند، پیامبری را که شناخته بودند کافر به او شدند ، لعنت خداوند بر کفار که منشأ فساد جهان‌اند

﴿۹۰﴾ بِئْسَمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَغْيًا أَنْ يَنْزِلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ فَبَاءُوا بِغَضَبٍ عَلَىٰ غَضَبٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُّهِينٌ

بد متاعی است که خود را به آن فروختند، آن‌ها روی حسد و اعتراض که

چرا خدا دین خود را بر هر کسی که بخواهد نازل می‌کند، پیامبران باید از بنی اسرائیل باشند، از دایره خشم خدا که حسودی باشد در دایره غضب خدا که اعتراض بر خدا باشد قرار گرفتند، عذابی خوارکننده برای کفار مقرر است

﴿۹۱﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ءَامِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا نُوْمِنُ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا وَيَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ وَهُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَهُمْ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

وقتی به آن‌ها می‌گویند: به دین و کتابی که بر محمد (ص) نازل شده ایمان بیاورید، می‌گویند: به دین و کتابی که بر خودمان نازل شده ایمان می‌آوریم، به غیر دین خود کافر می‌شوند، باینکه دین اسلام حق است و دین آن‌ها را قبول می‌کند، بگو: اگر به دین خود ایمان دارید چرا پیامبران را کشتید؟

﴿۹۲﴾ ﴿۹۲﴾ وَلَقَدْ جَاءَكُمْ مُوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ أَخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ

با آن که موسی آن‌همه معجزات آورد، شما بعد از او و در زمان او گوساله پرست شدید، به خود ستم کردید

﴿۹۳﴾ ﴿۹۳﴾ وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَأَسْمِعُوا قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأُشْرِبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ قُلْ بِئْسَمَا يَأْمُرُكُمْ بِهِ إِيمَانُكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

زمانی که ما از شما بنی اسرائیل عهد و پیمان گرفتیم و با قوه قهریه کوه طور و مندرجات آن را بر شما حاکمیت دادیم که قبول کنید و عمل نمایید، گفتید: آری، می‌شنویم و نافرمانی می‌کنیم، در اثر کفر به خدا و موسی علاقه به گوساله‌پرستی در دل شما جا گرفت، بگو: اگر ایمان به خدا داشته باشید می‌دانید که بد راهی رفته‌اید *

* بلند شدن کوه طور بالای سر آن‌ها به معنای حاکمیت تورات و شعار دین است، مانند

حاکمیت کعبه بر اهل عالم. مردم در ایمان به خدا و عمل به دستورات او کافر باشند یا مؤمن، آزادند اما اگر بخواهند شعائر دین و تابلوهایی که نمایشگر دین است را از بین ببرند که در عالم خطی به نام دین نباشد و اصلاً کعبه‌ای نباشد که مردم به آنجا پناه ببرند، خدا پیش از این تجاوز به حسابشان می‌رسد و شعار دین را محفوظ می‌دارد تا هر کس که بخواهد هدایت شود. هر کس با شعار دین بجنگد، نابود می‌شود. بنی‌اسرائیل می‌خواستند ثمره کوه طور که صندوق عهد و شعار دین بود را از بین ببرند که چنین شعاری بنام دین نباشد ولیکن خدا آن‌ها را سر جای خود نشانید.

﴿۹۴﴾ قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمْ الْأَخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِّنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ بگو: اگر زندگی بهشت خالص مال شماست (دیگران حقی ندارند)، مرگ خود را از خدا بخواهید تا به بهشت بروید اگر راست می‌گویید

﴿۹۵﴾ وَلَنْ يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ به دلیل این همه جنایت و خیانت هرگز آرزوی مرگ نمی‌کنید، خداوند ستم‌کاران را می‌شناسد

﴿۹۶﴾ وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاتِهِ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُرْحَرَجِهِ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ از تمامی اهل ادیان و مشرکین، حریص‌تر به زندگی دنیا هستند، هر یک از آن‌ها دوست دارند هزار سال زندگی کنند و این عمر هزار ساله هم آن‌ها را از عذاب کنار نمی‌کشد، خداوند به اعمال آن‌ها بصیر و آگاه است *

* این آیه دلالت می‌کند که طول عمر برای این است که شاید بنده گناه‌کار متنبه شود و توبه نماید ولیکن اگر این امید از بین برود و خدا بداند که این کافر گناه‌کار توبه نمی‌کند و خودش هم بداند راه عذرتراشی ندارد که بگوید: خدایا اگر مرا مهلت می‌دادی، توبه می‌کردم، دیگر مهلت از او برداشته می‌شود، لذا در تعریف یهود می‌گوید: اگر هزار سال هم عمر کند خود را از عذاب برکنار نمی‌کند.

﴿۹۷﴾ قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَيَّ قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِمَا

بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ با جبرائیل امین وحی دشمنی دارند، بگو:

هر کس دشمن جبرائیل است، بداند که او قرآن را بر تو نازل می کند و این قرآن، ادیان و کتب زمان خود را تصدیق می کند، برای اهل ایمان هدایت و بشارت است

﴿۹۸﴾ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَائِلَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ

لِلْكَافِرِينَ هر کس دشمن خدا و فرشتگان و پیامبران و جبرائیل و میکائیل باشد،

بداند که خداوند هم دشمن کفار است

﴿۹۹﴾ وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ ما این همه

آیات و معجزات بر تو نازل کردیم ، فقط فاسق و منافقانند که کافر به این آیات می شوند

﴿۱۰۰﴾ أَوْ كَلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا نَبَذَهُ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ هر

وقت عهدی با خدا می بندند، عده ای از آنها عهد خود را می شکنند ، اکثر اهل کتاب ایمان به خدا ندارند

﴿۱۰۱﴾ وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِّنَ الَّذِينَ

أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ و امروز که

پیامبری از جانب خدا آمده و دین آنها را تصدیق می کند، عده ای از اهل کتاب، کتاب خدا را پشت سر می اندازند (که چرا بشارت به ظهور اسلام داده است) گویی از مندرجات

کتاب خود بی خبرند

﴿۱۰۲﴾ وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيْطَانِ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَٰكِن

الشَّيَاطِينِ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَمَا أُنزِلَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ بِبَابِلَ هَارُوتَ
 وَمَارُوتَ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ
 مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ
 اللَّهِ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ
 مِنْ خَلْقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

از تبلیغات منافقین

علیه سلطنت سلیمان پیروی کردند ، او را کافر دانستند با اینکه سلیمان کافر نبود
 ولیکن شیاطین کافر شده بودند که به مردم سحر می آموختند ، همچنین از تعلیمات
 دو فرشته به نام هاروت و ماروت که در بابل نازل شده بودند پیروی کردند با اینکه
 آن دو فرشته به هر کس سحر می آموختند می گفتند: ما با این تعلیمات شما را آزمایش
 می کنیم که سحر چنین است و معجزه چنان ، کافر به خدا نشوید، ولی آنها از
 تعلیمات سحر استفاده نموده بین زن و شوهر جدایی می انداختند با اینکه ضررهای
 سحر هم به اذن خدا بود (زیرا سحر ارتباط طبیعی با نفع و ضرر ندارد، اثر سحر به اذن خدا
 واقع می شود) ، از آن دو فرشته چیزی می آموختند که نافع نبود بلکه مضر بود ، هر
 کس سحر می آموخت می دانست که بهره آخرتی ندارد زیرا ساحر کافر است، چه بد
 کاری که جان ارزشمند خود را به مال دنیا فروختند اگر می دانستند *

* یکی از سیاستها و تدابیر الهی برای ترویج دین این است که گاهی یکی از بندگان خود را
 فرشته باشد یا غیر فرشته، مأمور می کند که با تظاهر به دین باطل، اهل دین باطل را به خود
 جلب و در ضمن، حقیقت دین را به آنها معرفی کند. بعد از وفات حضرت سلیمان که آن همه
 موفقیت های اعجازی داشت کفار و منافقین با فعالیت های فرهنگی خود آن موفقیت ها را سحر
 و جادو معرفی کردند و موفقیت های اعجازی را که مشعر عظمت خدا بود، از خاطره ها محو
 نمودند و مکتب سحر و جادو را رواج دادند. برای خنثی نمودن این توطئه، خداوند دو فرشته
 هاروت و ماروت را به صورت انسانی که سحر و جادو می آموزد در میان آنها ظاهر کرد تا

کلاس سحرآموزی باز کنند و مردم را به کلاس سحر خود بکشانند و ضمن سحرآموزی به مردم بفهمانند که سحر چنین است و معجزه چنان و خدا هر کسی را به هدف خودش (حق باشد یا باطل) می‌رساند تا نتوانند با سحر و جادو چهره دین خدا را که آیات و معجزات است محو کنند و بدانند که سحر و جادو کفر است، پیامبران کافر نبوده‌اند. پس آن دو فرشته با سحرآموزی حقیقت دین و معجزه را به مردم آموختند. در حاشیه این آیه شریفه افسانه‌هایی پیدا شده که خلاف حقیقت است. از آن جمله گفته‌اند: فرشته‌ها عمل منافی عفت مرتکب و در چاه بابل حبس شدند. خداوند وقتی بخواهد حقیقتی را به مردم بفهماند در خواب یا بیداری فرشته‌ای را که در ذات خود نور است، به صورت انسانی ظاهر می‌سازد و با او سخن می‌گوید ولیکن گوینده خداست.

﴿۱۰۳﴾ **وَلَوْ أَنَّهُمْ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَمَثُوبَةٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ لَّوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ** اگر می‌دانستند و ایمان به خدا می‌آوردند و از سحر پرهیز می‌کردند، ذخیره آخرتی برای آن‌ها بهتر بود

﴿۱۰۴﴾ **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انظُرْنَا وَاسْمَعُوا وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ** ای اهل ایمان! در مواجهه با رسول خدا کلمه راعنا نگویند، انظُرنا بگویند، دستور خداوند را بشنوید که کفار عذابی دردناک خواهند دید *

* زیرا کلمه راعنا دلیل بردگی است و پیامبران، شاگردی و آزادگی می‌خواهند نه بردگی. کلمه راعنا از رعایت و رعیت هم از این ماده است. دلالت بر آقایی مربیان و بردگی شاگردان می‌کند که طایفه‌ای در عزت و طایفه‌ای در ذلت باشند. لذا چوپان را راعی می‌گویند که گوسفندچران است. اولیاء و انبیاء نمی‌خواهند به جای چوپان و مردم به جای گوسفند باشند و عزت و ذلتی در کار باشد بلکه به جای معلم و متعلم که هر دو آزاد و عزتمندند. اولیاء خدا می‌کوشند مردم را به عزت و عظمت خود برسانند و رابطه استاد و شاگرد به این منظور است نه اینکه مانند گوسفندی او را بچرانند.

﴿١٠٥﴾ مَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

کفار و مشرکین دوست نمی‌دارند که خیروبرکتی از پروردگار بر شما نازل شود، به میل آن‌ها نیست، خداوند لطف خود را به هر کسی بخواهد اختصاص می‌دهد، رحمت خداوند بی‌نهایت است

﴿١٠٦﴾ ﴿مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِمَّنْهَا أَوْ مِثْلَهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾

ما هر وقت آیتی را نسخ کنیم یا آن را به فراموشی بسپاریم در مقدمه این است که آیتی بهتر از آن و یا مانند آن بیاوریم، نمی‌دانی که خداوند به هر کاری تواناست؟ *

* منظور اصلی از این محو و اثبات، محو و اثبات حجت‌های خداست که یکی را از دنیا می‌برد و دیگری را مثل او به جای او می‌نشانند، چنان که پیامبر را برد و علی(ع) را به جای او نشانند. برای اینکه وقتی یکی از حجت‌های خدا به قدرت و شهرت می‌رسد، مردم به اجبار تسلیم می‌شوند نه به معرفت و آزادی. این تسلیم اجباری مطلوب خدا نیست که مرعوب قدرت و شهرت آیت قبل قرار گیرند و متظاهر به دین خدا شوند با اینکه مؤمن واقعی نیستند. لذا کسی را به جای آیت قبل می‌نشانند که فاقد قدرت و شهرت ظاهری است چنان که معاویه‌ها تسلیم قدرت رسول خدا شدند و کفر خود را بعد از رسول اکرم(ص) ظاهر ساختند.

﴿١٠٧﴾ ﴿أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ﴾

مگر نمی‌دانی که پادشاهی عوالم آسمان و زمین خاص خداست و شما اهل زمین به جز او سرپرست و یآوری ندارید؟

﴿١٠٨﴾ ﴿أَمْ تُرِيدُونَ أَنْ تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سَأَلَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَتَّبِعِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ﴾

مثل اینکه شما مسلمانان مانند بنی

اسرائیل، می‌خواهید از پیامبرتان سؤالات بی‌جا داشته باشید (خدا را ببینیم و صدایش را بشنویم)، کسی که ایمان خود را به کفر تبدیل کند، از راه راست منحرف شده است

﴿۱۰۹﴾ وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَأَعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

بسیاری از اهل کتاب، روی حسد با شما مسلمانان آرزو دارند که شما را به کفر برگردانند، این آرزوها بعد از آن است که هدایت اسلام در نظرشان روشن است، با آنها مدارا کنید و گذشت نمایید تا خداوند حکومت خود را ظاهر کند، خداوند به هر کاری تواناست

﴿۱۱۰﴾ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

در اطاعت خدا و در خدمت خلق باشید، آنچه از نیکی‌ها ذخیره کنید به شما می‌رسد، خداوند به اعمال شما آگاه است

﴿۱۱۱﴾ وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَن كَانَ هُودًا أَوْ نَصْرِيًّا تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

اهل کتاب می‌گویند: جز یهودی و نصرانی کسی داخل بهشت نمی‌شود، عقیده آنها این است، بگو: اگر راست می‌گویید، دلیل ادعای خود را بیاورید؟!

﴿۱۱۲﴾ بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

آری هر کس در وضعیت نیکوکاری تسلیم خدا شود اجرش محفوظ است، نترسد و غم و غصه‌ای نداشته باشد *

* این آیه شریفه دلالت دارد که هر کس تسلیم حق باشد، از ظلم و گناه پرهیزد و سالم زندگی

کند، گرچه شعار مذهب مخصوصی نداشته باشد اهل نجات است. چنین افرادی اگر شعار خاصی به نام یهودیت و اسلامیت نداشته باشند مربوط به قصور فهم آنهاست نه تقصیر آنها.

﴿۱۱۳﴾ وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصْرَىٰ عَلَىٰ شَيْءٍ وَقَالَتِ النَّصْرَىٰ لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَهُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ ۗ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ ۗ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

یهودیان، مسیحیان را و مسیحیان هم یهودیان را متهم می‌کنند که مایه دینی ندارند با اینکه هر دو طایفه کتاب آسمانی خود را می‌خوانند، جاهلان هم به همین کیفیت یکدیگر را متهم می‌کنند، خداوند روز قیامت در این اختلافات قضاوت می‌کند

﴿۱۱۴﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن مَّنَعَ مَسْجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا ۗ أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ

چه کسی بدتر و ظالم‌تر است از کسانی که مانع یادآوری خدا در مساجد می‌شوند و در خرابی و خلوتی آن می‌کوشند، آنها جز با نگرانی داخل مسجد نمی‌شوند، در دنیا رسوا هستند و در آخرت به عذاب سختی مبتلا می‌شوند

﴿۱۱۵﴾ وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

جهت‌گیری‌ها در شرق و غرب به سوی خداست، به هر طرف روی آورید، به سوی خدا هستید، خداوند گشایشگر و داناست *

* خدا وجودی است نامتناهی و محیط به زمان و مکان. پس به هر طرف باشید به سوی خدا بید.

﴿۱۱۶﴾ وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا ۗ سُبْحٰنَهُ ۗ بَلْ لَّهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ ۗ كُلُّ لَّهُ قٰنِیْنٌ

اهل کتاب می‌گویند: خدا عیسی را به فرزندی انتخاب کرده، خدا از این صفت منزّه است، آنچه در آسمان‌ها و زمین است ملک او و مخلوق اوست، همه تسلیم

او هستند

﴿۱۱۷﴾ **بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ** وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ
آسمان‌ها و زمین را بدون سابقه آفرید، هر وقت کاری را بخواهد به محض خواستن،
شدن است

﴿۱۱۸﴾ **وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ** أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ
مِن قَبْلِهِمْ مِثْلَ قَوْلِهِمْ تَشَبَهتْ قُلُوبُهُمْ قَدْ بَيَّنَّا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ
جاهلان
می‌گویند: چرا خدا با ما سخن نمی‌گوید یا خود را به ما نشان نمی‌دهد؟ سرفهای تاریخ
هم، چنین ادعایی داشتند، افکار جاهلانه آن‌ها شبیه یکدیگر است، ما آیات خود را
برای اهل یقین روشن کرده‌ایم *

* دلیل اینکه خدا خود را به کسی نشان نمی‌دهد این است که رؤیت بدون معرفت برای بیننده
سودی ندارد که نمی‌تواند استفاده کند و مایه سبکی شخص مرئی می‌شود. چقدر زیاد مردم
امام زمان (عج) را دیده‌اند و شناخته‌اند و یا اینکه امام‌های قبل را دیدند و شناختند و نتوانستند
از هدایت آن‌ها استفاده کنند. لذا خدا معرفت به خود و ائمه اطهار (ع) را از طریق آیات و آثار
مقدم داشته تا هر کس طالب رؤیت خداست اول معرفت پیدا کند. رؤیت به اراده خدا و به
قلب واقع می‌شود نه به رؤیت چشم و تفکر که مولا (ع) فرمودند: يَرَاهُ الْقَلْبُ بِحَقَائِقِ الْإِيمَانِ.

﴿۱۱۹﴾ **إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا** وَلَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ
تو
را رسالت دادیم تا بشیر نیکان و نذیر بدکاران باشی، تو مسئول اهل جهنم نخواهی بود

﴿۱۲۰﴾ **وَلَن تَرْضَىٰ عَنكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ**
هُوَ الْهُدَىٰ وَلَئِن أَتَبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ
وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ
یهود و نصاری از تو راضی نمی‌شوند مگر اینکه به ملت آن‌ها

در آیی، بگو: هدایت درست فقط هدایت خداست، اگر بعد از علم به حقانیت خود به دین آن‌ها در آیی از ولایت و نصرت خدا محروم خواهی بود

﴿۱۲۱﴾ الَّذِينَ ءَاتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَن يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

عده‌ای از اهل کتاب که کتاب خود را رعایت می‌کنند، ایمان به قرآن و اسلام می‌آورند، کسانی که کافر به اسلام می‌شوند، خسارت بزرگی می‌برند *

* زیرا اسلام آدرس تمامی نعمت‌های خدا را در دنیا و آخرت به انسان داده است. هر دستور واجب و مستحبی آدرس نعمتی از نعمت‌هاست که ترک آن دستور، محرومیت از نعمتی است که نتیجه عمل به آن دستور است مانند کسی که آدرس گنجی را گم کند. دین اسلام در فطرت انسان است و قرآن و ائمه (ع) هم فهرستی از این فطرت شناخته شده‌اند. قضاوت فطرت مخالف ظلم و زور است. طالب احسان و خدمت است. سه اصل اعتقاد به خدا و آخرت و عمل صالح، دین فطری است.

﴿۱۲۲﴾ يٰۤاَيُّهَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي اَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَاِنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعٰلَمِيْنَ

ای بنی اسرائیل! نعمت‌هایی که به شما داده و شما را بر اهل عالم برتری بخشیدم، یادآوری کنید

﴿۱۲۳﴾ وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَن نَّفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنْفَعُهَا شَفَعَةٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ

بترسید از روزی که کسی به جای دیگری مجازات نمی‌شود و در برابر کفر و گناه، جریمه یا شفاعت قبول نمی‌شود و خداوند آن‌ها را یاری نمی‌کند (زیرا جریمه یا شفاعت ماهیت کفر را عوض نمی‌کند)

﴿۱۲۴﴾ وَاِذْ اَبْتَلٰٓ اِبْرٰهٖمَ رَبُّهُ بِكَلِمٰتٍ فَاَتَمَّهِنَّ ۗ قَالَ اِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ اِمَامًا ۗ

قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي ^ط قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ آنجا که خدا ابراهیم را به حوادثی مبتلا نمود و ابتلائات و تعلیمات او را کامل کرد، به او گفت: تو را به مقام امامت انتخاب می‌کنم، عرض کرد: اولاد مرا هم آری؟، خداوند فرمود: با ظالم عهد و پیمانی ندارم

﴿١٢٥﴾ وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنَا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّينَ وَعَهْدِنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ما خانه کعبه را مرکز ثواب و نتیجه‌گیری از اعمال و امن و امان قرار دادیم و به مردم گفتیم: نماز خود را از جای پای ابراهیم شروع کنید (یعنی از خط ابراهیم به سوی خدا حرکت کنید)، از ابراهیم و اسماعیل پیمان گرفتیم که خانه مرا برای طواف کاران و راکعان و ساجدان از خرافات و نجاسات پاکیزه نمایند *

* منظور از خانه، اهل خانه است که خدا و ائمه اطهار (ع) باشند. منظور از دعوت به خانه دعوت به اهل خانه است. پس مسلمانان اهل خانه را از نسبت‌های ناروا بایستی پاک و منزّه بدانند و آن‌ها را پاک و مطهر بدانند.

﴿١٢٦﴾ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا ءَامِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِن الثَّمَرَاتِ مَنْ ءَامَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ابراهیم عرضه داشت: پروردگارا! این خانه را امن و امان کن و به کسانی که اهل حرم هستند و ایمان به خدا و آخرت دارند، روزی برسان، خدا فرمود: هر کس کافر به خدا شود، کمی او را در دنیا بهره‌مند می‌کنیم و او را به سوی عذاب آتش می‌کشانیم، چه بد حرکت و بد عاقبتی است

﴿١٢٧﴾ وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ

السَّمِيعُ الْعَلِيمُ آنجا که ابراهیم و اسماعیل پایه‌های خانه را بالا بردند، عرضه داشتند که: پروردگارا! این خانه سازی را از ما بپذیر، تو شنوا و دانا هستی *

* معلوم می‌شود که خانه کعبه پیش از ظهور حضرت ابراهیم (ع) دایر بوده زیرا خداوند متعال نمی‌گوید: ابراهیم و اسماعیل خانه کعبه را ساختند، می‌فرماید: دیوار آن را بالا بردند و ابراهیم که زن و بچه خود را به آنجا برد گفت: پروردگارا! اولاد خود را به حرم تو سپردم. پس معلوم می‌شود پیش از ابراهیم به عنوان حرم خدا مشهور بوده است. خداوند متعال هم آن را به عنوان اولین خانه‌ای معرفی می‌کند که برای بشر ساخته شده که فرمود: **إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ** (آل عمران ۱۳). پس خانه کعبه بعد از هبوط به دست آدم ساخته شده که محل خیمه بهشتی آدم بوده. به دلیل همین اولیت آن را **أُمُّ الْقُرَى** نامیده‌اند تا یادآور بهشت آدم باشد.

﴿۱۲۸﴾ رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ پروردگارا! ما دو نفر را تسلیم خود کن و از اولاد ما امتی مسلمان بساز، مناسک مناسک حج را به ما بیاموز و به ما توجه کن، تو توبه‌پذیر و مهربانی

﴿۱۲۹﴾ رَبَّنَا وَأَبْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ پروردگارا! در میان این امت پیامبری از خودشان برانگیز تا آیات تو را بر آنها تلاوت کند، کتاب و حکمت به آنها بیاموزد، آنها را پاک کند و بیپروrand، تو دانا و توانایی

﴿۱۳۰﴾ وَمَنْ يَّرْغَبْ عَن مِّلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَن سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدِ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ چه کسی به جز سفیه و نادان از روش ابراهیم اعراض می‌کند، ما او را در دنیا به صافی و پاکی انتخاب کردیم و در آخرت از بندگان شایسته ما خواهد بود

﴿١٣١﴾ اِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ وَاَسْلِمْتُ قَالَ اَسْلَمْتَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ وقتی که خدا به او گفت: تسلیم خدا باش، گفت: آری، تسلیم پروردگار عالمیان شدم

﴿١٣٢﴾ وَوَصَّي بِهَا اِبْرَاهِيمَ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَبْنِي اِنَّ اللّٰهَ اَصْطَفٰى لَكُمْ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ اِلَّا وَاَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ابراهیم فرزندان خود را به دین اسلام وصیت کرد و یعقوب هم به فرزندان گفت: عزیزانم! خدا دین اسلام را برای شما اختیار کرد، مواظب باشید از دنیا نروید مگر که مسلمان باشید

﴿١٣٣﴾ اَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ اِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ اِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنۢ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ اِلٰهَكَ وَاِلٰهَ اَبَائِكَ اِبْرَاهِيمَ وَاِسْمَاعِيلَ وَاِسْحٰقَ اِلٰهًا وَاَحَدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ آیا شما حاضر بودید آنجا که یعقوب هنگام حضور مرگ به فرزندان خود گفت: بعد از من چه کسی را می پرستید؟، آن ها گفتند: خدای تو و خدای پدران تو، ابراهیم و اسماعیل و اسحاق، خدای واحد یگانه را، ما همه تسلیم او هستیم

﴿١٣٤﴾ تِلْكَ اُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَاَلَكُمْ مَّا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْئَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ آن ها امتی بودند که با اعمال خود گذشتند ، شما نیز با اعمال خود می گذرید ، شما مردم زمان مسئول اعمال گذشتگان نیستید

﴿١٣٥﴾ وَقَالُوا كُونُوا هُودًا اَوْ نَصْرٰى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ اِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اهل کتاب می گویند: اگر یهودی یا نصرانی باشید هدایت می شوید ، بگو: نه! بلکه دین مترقی، دین ابراهیم خلیل است ، او هیچ وقت مشرک نبود

﴿١٣٦﴾ قُولُوا ءَامَنَّا بِاللّٰهِ وَمَا اُنزِلَ اِلَيْنَا وَمَا اُنزِلَ اِلَى اِبْرَاهِيمَ وَاِسْمَاعِيلَ وَاِسْحٰقَ وَيَعْقُوبَ وَاَلْاَسْبَاطِ وَمَا اوتِيَ مُوسٰى وَعِيسٰى وَمَا اوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ

بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ

بگو: ما مسلمانان به خدا و آنچه بر ما و ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط نازل شده و آنچه به موسی و عیسی و پیامبران دیگر داده شده ایمان می‌آوریم، آن‌ها را از یکدیگر جدا نمی‌دانیم، ما همه تسلیم او هستیم

﴿۱۳۷﴾ فَإِنْ ءَامَنُوا بِمِثْلِ مَا ءَامَنْتُمْ بِهِ فَقَدْ أَهْتَدُوا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

اگر اهل کتاب مانند شما مسلمانان به همه پیامبران ایمان آوردند، هدایت یافته‌اند و اگر از چنین روشی اعراض نمودند، در وضع شقاق و شکاف افکنی هستند، خداوند به زودی شرّ آن‌ها و نقشه شوم آن‌ها را از شما می‌گرداند، خداوند شنوا و داناست

﴿۱۳۸﴾ صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ

شما همه جا رنگ خدایی بگیرید و وابسته به خدا شوید، چه کسانی از وابستگان به خدا بهترند؟، ما خدا را می‌پرستیم *

* صبغه از صباغی به معنای رنگ آمیزی است. خدا به بندگان خود دستور می‌دهد همان‌طور که خلقت شما نمایشگر علم و قدرت خداست، باید علم و عمل شما هم نمایشگر اطاعت خدا باشد که هر کس شما را ببیند به یاد خدا بیافتد. روایت شده است که وقتی از حضرت عیسی پرسیدند با چه کسی معاشرت داشته باشیم، فرمودند: مَنْ يَذْكُرْكُمْ اللَّهُ رُؤْيَتُهُ وَيَزِيدُكُمْ فِي الْعِلْمِ مَنْطِقَةً وَيَرْغَبُكُمْ فِي الْآخِرَةِ عَمَلُهُ. کسی که رؤیت او شما را به یاد خدا می‌اندازد و سخنانش بر علم شما می‌افزاید و اعمال او شما را متمایل به آخرت می‌کند.

﴿۱۳۹﴾ قُلْ أَتُحَاجُّونَنَا فِي اللَّهِ وَهُوَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ وَلِنَا أَعْمَلُنَا وَلَكُمْ أَعْمَلُكُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ

بگو: آیا شما درباره خدا و خداشناسی با ما مسلمانان بحث می‌کنید با اینکه پروردگار ما و شما یکی است و هر کدام به عمل خود مربوطیم و ما

اخلاص به خدا داریم؟

﴿١٤٠﴾ أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ كَانُوا هُودًا أَوْ نَصَارَىٰ قُلْ ءَأَنْتُمْ أَعْلَمُ أَمِ اللَّهُ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَفِيلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ

آیا شما می گوئید: ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط یهودی و یا نصرانی بودند (به جای اینکه شما وابسته به آنها باشید آنها را وابسته به خود می کنید)؟ ، شما بهتر می دانید یا خدا که چه کسی ظالم تر است از کسی که شهادت الهی را کتمان می کند؟ ، خداوند از اعمال شما غافل نیست

﴿١٤١﴾ تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ

آن ها امتی بودند که با اعمال خود گذشتند شما هم با اعمال خود می گذرید ، شما مردم زمان مسئول اعمال گذشتگان نیستید

(جزء ۲) ﴿١٤٢﴾ سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّيْتُمْ هَذَا عَنْ قِبَلَتِهِمْ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

به همین زودی نابخردان اعتراض می کنند که چه عاملی مسلمانان را از قبله اولیه منحرف کرد ، بگو: جهات شرق و غرب مال خداست ، هر کس را بخواهد به راه راست هدایت می کند (صراط مستقیم قبله ابراهیم است) *

* عقاید و اعمال اصیل دین خدا باید چنان باشد که بشریت را از اولین و آخرین به سوی خدا وحدت دهد. یکی از مراسم وحدت آفرین قبله نماز است. قبله اصیل که از آدم تا انتهای زندگی بشریت را وحدت می دهد و تمامی پیامبران اول تا زمان سلیمان نبی به سوی آن بوده اند ، کعبه است که آدم و اولاد آدم را به خود متوجه نموده. پس اگر کسی قبله ای بعد از کعبه بسازد و مردم را به قبله خود متوجه کند، بشریت را به تفرقه انداخته که خلاف وحدت و توحید است. قبله ای که اولین و آخرین را وحدت می دهد، قبله ای است که آدم و نوح و

ابراهیم و یعقوب و یوسف و فرزندان ابراهیم را به خود مربوط ساخته. بیت المقدس قبله‌ای بوده که بعد از کعبه به وجود آمده لذا بر خدا و رسول واجب است مردم را متوجه قبله‌ای کنند که قبله آدم و اولاد آدم بوده و خدا آن قبله را صراط مستقیم شناخته. در آخر آیه تغییر قبله فرمود: **وَاللّٰهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ اِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ**. پس رسول خدا منزله است که به خاطر نژاد و قوم دوستی، قبله را تغییر داده و یا تقاضای تغییر قبله نموده باشد.

﴿۱۴۳﴾ **وَكَذٰلِكَ جَعَلْنٰكُمْ اُمَّةً وَّسَطًا لِّتَكُوْنُوْا شُهَدَآءَ عَلٰى النَّاسِ وَيَكُوْنَ الرَّسُوْلُ عَلَیْكُمْ شَهِیْدًا وَّمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِیْ كُنْتَ عَلَیْهَا اِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَّتَّبِعُ الرَّسُوْلَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلٰى عَقْبَيْهِ وَاِنْ كَانَتْ لَكَبِیْرَةً اِلَّا عَلٰى الَّذِیْنَ هَدٰى اللّٰهُ وَّمَا كَانَ اللّٰهُ لِيُضِیْعَ اِیْمٰنَكُمْ اِنَّ اللّٰهَ بِالنَّاسِ لَرَعُوْفٌ رَّحِیْمٌ**

ما با تغییر قبله شما امت مسلمان را در اعتدال کامل قرار دادیم تا برای مردم الگوی حق باشید و رسول خدا برای شما الگو باشد، تغییر قبله در حال نماز به این منظور بود تا معلوم شود چه کسی در حال نماز به پیروی از پیامبر روی پاشنه پا برمی‌گردد گرچه تغییر قبله جز برای کسانی که خدا آن‌ها را هدایت نموده سنگین است، خداوند ایمان شما را ضایع نمی‌کند، او با مردم رئوف و مهربان است

﴿۱۴۴﴾ **قَدْ نَرٰی تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِی السَّمٰوٰتِ فَلَنُوَلِّیْنٰكَ قِبْلَةً تَرْضٰهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَیْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوْا وُجُوْهَكُمْ شَطْرَهُ وَاِنَّ الَّذِیْنَ اُوْتُوْا الْكِتٰبَ لَیَعْلَمُوْنَ اَنْهُ الْحَقُّ مِنْ رَّبِّهِمْ وَّمَا اللّٰهُ بِغَفِیْلِ عَمَّا یَعْمَلُوْنَ**

ما دیدیم که در انتظار قبله چگونه رو به سوی خدا داری، تو را به سوی قبله‌ای که می‌پسندیدی برگردانیدیم، پس روی خود را به سوی مسجدالحرام کن و هر جا بودید به مسجد الحرام رو کنید، اهل کتاب هم می‌دانند تغییر قبله حق است، به امر پروردگار است (مسجدالحرام قبله زمان اول بوده)، خداوند از اعمال آن‌ها غافل نیست

﴿۱۴۵﴾ وَلَئِن آتَيْتَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ بِكُلِّ آيَةٍ مَّا تَبِعُوا قِبْلَتَكَ وَمَا أَنْتَ بِتَابِعٍ قِبْلَتَهُمْ وَمَا بَعْضُهُمْ بِتَابِعٍ قِبْلَةَ بَعْضٍ وَلَئِن آتَبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّكَ إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ

آنچه آیات و معجزات برای اهل کتاب بیاوری از قبله تو پیروی نمی کنند ، تو هم نباید از قبله آن‌ها پیروی کنی ، از قبله‌های یکدیگر هم پیروی نمی کنند ، اگر بعد از علم به قبله اصلی به میل اهل کتاب رفتار کنی ، ظالم به بندگان خدا خواهی بود که آن‌ها را از قبله اصیل محروم کرده‌ای

﴿۱۴۶﴾ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ

اهل کتاب تغییر قبله و رسول خدا را چنان می شناسند که فرزندان خود را ، ولی عده‌ای از آن‌ها با اینکه حق را می دانند کتمان می کنند

﴿۱۴۷﴾ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ

حق آن است که پروردگار تو می گوید ، مبادا شک و شبهه پیدا کنی

﴿۱۴۸﴾ وَلِكُلِّ وُجْهَةٍ هُوَ مُوَلِّيٰهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

هر کسی جهت و عقیده‌ای دارد و به سوی عقیده خود جهت می گیرد ، شما همه جا به کار خیر سبقت گیرید که از مسیر این خیرخواهی خدا همه را متحد می کند ، خدا به هر کاری قادر است

﴿۱۴۹﴾ وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِنَّهُ لَلْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ

از هر جا خارج شوی به مسجدالحرام توجه کن ، شما مسلمانان هر جا بودید به مسجدالحرام توجه کنید که آن قبله حق است ، از

جانب پروردگار است ، خدا از اعمال شما غافل نیست

﴿۱۵۰﴾ وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي وَلَا تَمَّ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

از هر جا برای نماز خارج شدى به مسجدالحرام رو کن و شما مسلمانان هر جا بودید به طرف مسجدالحرام باشید ، مبادا اهل کتاب حجت پیدا کنند که شما تابع قبله آنها هستید مگر ستم کاران آنها که بدون حجت و منطق می تازند، آنها را مهم نشناسید بلکه خدا را، من با تغییر قبله می خواهم نعمت دین را برای شما کامل کنم، باشد

﴿۱۵۱﴾ كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ

همان طور که برای استقلال دین و فرهنگ از خودتان پیامبر مبعوث کردم تا آیات ما را برای شما تلاوت کند، شما را پرورش دهد، کتاب و حکمت به شما بیاموزد و علوم دیگری را که اگر این پیامبر نبود نمی توانستید بدانید

﴿۱۵۲﴾ فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ

پس به یاد من باشید تا به یاد شما باشم، نعمت خدا را منظور داشته باشید، کفران نعمت نکنید

﴿۱۵۳﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ

ای اهل ایمان! با اقامه نماز و صبر و استقامت، از خدا کمک بگیرید که خداوند با صابرين است *

* استعانت از صبر و نماز، بهترین راه رشد شجره وجود انسان است. وجود انسان به منزله

زمینی است که بذر خدمات و عبادات در آن کشت شده و در آینده تبدیل به محبت خدا و اولیاء خدا می‌شود. تکرار عبادات و خدمات عامل رشد شجره وجود انسان است که محبت خدا و اولیاء او را رشد می‌دهد و این دو محبت، سرمایه زندگی انسان در دنیا و آخرت است. انسان بایستی صبر کند و از خدا کمک بخواهد تا خداوند بذر خدمات و عبادات را در وجود او پیوراند و به ثمر برساند.

﴿۱۵۴﴾ وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أحيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ
خیال نکنید کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده‌اند، بلکه آن‌ها زنده‌اند، شما حیات آن‌ها را درک نمی‌کنید *

* خداوند خط حرکت بندگان خود را رشد می‌دهد تا روزی که شجره دین آن‌ها که همان راه خداست، به ثمر نشیند و حکومت خدا و اولیاء خدا ظاهر شود و زندگی بهشتی به وجود آید و در این فاصله خوابی بر آن‌ها می‌گذرد و بعد زنده می‌شوند مثل این است که در بهشت متولد شده‌اند. فقط راه خدا و جهاد در راه او مثبت است که رشد می‌کند و ثمر می‌دهد. کافر و گناه‌کار در وجود خود شجره جهنم‌اند.

﴿۱۵۵﴾ وَلَتَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ
وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِيرِ الصَّابِرِينَ
ما شما را با حوادثی مانند خوف از دشمن، فقر و گرسنگی و کمی اموال مرگ نفوس و اولاد آزمایش می‌کنیم، مزدگانی از نتیجه آزمایش مخصوص صابرین است

﴿۱۵۶﴾ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ
مقابله با مصیبت‌ها مقاومت دارند و می‌گویند: ما بندگان خدا هستیم و به سوی او
می‌رویم

﴿۱۵۷﴾ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ
آن‌ها

هستند که برکات الهی و رحمت خداوند آن‌ها را فرامی‌گیرد و هدایت یافته‌اند

﴿۱۵۸﴾ إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ
 کوه صفا و مروه
 از شعائر خداست ، کسی که حج و یا عمره به‌جا آورد، مانعی ندارد بین این دو کوه طواف کند ، هر کس به میل و آزادی کار خیری انجام دهد، خدا می‌داند و منظور می‌دارد *

* کوه صفا و مروه، شعاری است که شعور آن شجره نبوت و ولایت است. از شجره نبوت اخلاص بیاموزند و از ثمرات شجره ولایت که تربیت ائمه اطهار(ع) است آبیاری شوند و رشد کنند. انسان‌ها باید همه وقت در سایه این دو شجره انجام وظیفه کنند فلذا خروج از سایه این دو شجره خروج به سوی برهوت جهنم است.

﴿۱۵۹﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّعِينُونَ
 کسانی که آیات روشنگر خدا را بعد از نزول در کتاب از مردم پنهان می‌دارند بدانند که خدا و تمامی نفرین‌گران آن‌ها را نفرین می‌کنند (که مردم را در تاریکی جهل نگه می‌دارند)

﴿۱۶۰﴾ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنَّاهُمْ فَأُولَٰئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ
 مگر کسانی که توبه کنند و فکر مردم را اصلاح نمایند و کتاب خدا را برای آن‌ها بیان کنند، توبه آن‌ها را می‌پذیرم ، من توبه‌پذیر و مهربانم

﴿۱۶۱﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارًا أُولَٰئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ
 کسانی که کافر می‌شوند و به حال کفر می‌میرند، لعنت خدا و مردم و فرشتگان آن‌ها را می‌گیرد

﴿۱۶۲﴾ خَلِيدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ در آن عذابها

و لعنتها مخلدند ، عذاب آنها سبک نمی‌شود و در آخرت مهلت و آزادی ندارند

﴿۱۶۳﴾ وَاللَّهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ خدای شما واحد

است ، به جز او خدایی نیست، بخشنده و مهربان است

﴿۱۶۴﴾ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي

فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَّاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ

مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيْحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ

وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ آفرینش عوالم آسمان و زمین و تفاوت شب و روز

و کشتی‌ها که در دریا به نفع مردم حرکت می‌کند و آب باران که از آسمان نازل

می‌شود و با آن زمین مرده را زنده می‌کند و این‌همه حیوانات مختلف که در زمین

منتشر می‌سازد، هواها را تغییر می‌دهد ، ابرها را بین زمین و آسمان مسخر می‌کند،

همه این‌ها برای خردمندان نشانه عظمت خداست

﴿۱۶۵﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ

ءَامَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا

وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ عدهای از مردم به جای خدا دیگری را می‌پرستند و

آن‌چنان که باید خدا را دوست بدارند، آنها را دوست می‌دارند، ولیکن دوستی

مؤمنین به خدا از دوستی آنها به بت‌ها و طاغوت‌ها بیشتر است ، اگر وضع و حال

ستم‌کاران را آنجا که با آتش روبه‌رو می‌شوند ببینید که می‌بینند تمام قدرت‌ها به

دست خداست و عذاب خدا سخت است، خواهی دید که چقدر ذلیل‌اند *

* انسان در خلقت خود ضعیف است و با این ضعف، خدا مقرر کرده که واجد تمامی نعمت‌ها

در دنیا و آخرت باشد و این موفقیت از طریق استعانت از خدای واقعی در دنیا و آخرت ممکن است. پس کسانی که غیر خدا را می‌پرستند در سایه شجره‌ای زندگی می‌کنند که خشک و بی‌ثمر است. به جز محرومیت بهره‌ای ندارند.

﴿۱۶۶﴾ **إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوْا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ**

آنجا که پیشوایان به پیروان خود بی‌اعتنایی می‌کنند و از آن‌ها کنار می‌کشند، در برابر عذاب قرار می‌گیرند و وسایل دنیایی از کف آن‌ها خارج می‌شود

﴿۱۶۷﴾ **وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّنَا كَرَّرْنَا فَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّأُوا مِنَّا كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَلَهُمْ حَسْرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ**

پیروان آن‌ها که بی‌اعتنایی پیشوایان روبه‌رو می‌شوند، آرزو می‌کنند که به زندگی دنیا برگردند و به آن‌ها بی‌اعتنایی کند چنان که آن‌ها بی‌اعتنایی کردند، این چنین اعمال خلاف، مایه حسرت آن‌ها می‌شود، هیچ کدام راه خلاصی از عذاب ندارند

﴿۱۶۸﴾ **يَأْتِيهَا النَّاسُ كُلُّهُمْ مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ**

ای مردم! از روزی‌های خداوند به کیفیت حلال و طیب استفاده کنید، راه و روش شیطان را کنار بگذارید، واضح است که او دشمن شماست

﴿۱۶۹﴾ **إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوِّ وَالْفَحْشَاءِ وَأَن تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ**

شما را به فحشاء و منکر امر می‌کند، شما را وادار می‌کند که جاهلانه دین و عقیده باطل را به خدا نسبت دهید و به دروغ خود رنگ و لعاب صداقت بدهید

﴿۱۷۰﴾ **وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ**

اگر به آن‌ها گفته شود از آنچه خدا نازل فرموده پیروی کنید، می‌گویند: از راه و روشی که اجداد ما داشته‌اند، پیروی

می کنیم، مگر اجدادشان را به بی شعوری و ضلالت نشناخته بودند؟

﴿۱۷۱﴾ وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً صُمُّ

بُكُمْ عُمَىٰ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ کفار در برابر دعوت حق چنان‌اند که گویی حیوانی

را هُش هُش می کنی و آن حیوان جز سروصدا چیزی نمی‌فهمد، کر و کور و لال

هستند، عقل خود را به کار نمی‌گیرند

﴿۱۷۲﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِن كُنتُمْ

إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ای اهل ایمان! از روزی‌های طیب و طاهر خدا استفاده کنید،

شکرگزار خدا باشید اگر او را می‌پرستید

﴿۱۷۳﴾ إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَخِمَّ الْخِنْزِيرِ وَمَا أَهْلٌ بِهِ لغيرِ اللَّهِ فَمَن

أَضْطَرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ خداوند مردار و

گوشت خوک و خون و آنچه برای وابستگی به غیر خدا تهیه شده حرام کرده است،

اگر بدون طمع و تجاوز ناچار شدید تا رفع ناچاری استفاده کنید مانعی ندارد، خداوند

آمرزنده و مهربان است *

* هر نوع سرمایه‌گذاری علیه دین خدا و مبارزه با اولیاء خدا از مصادیق مَا أَهْلٌ لِغَيْرِ اللَّهِ است

که مانند گوشت سگ و خوک حرمت دارد زیرا این خدمات مردم را به کفر و گناه می‌کشاند.

پس گوشت و برنج سفره معاویه‌ها حرام است.

﴿۱۷۴﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا

أُولَئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَلَا

يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ پیشوایانی که علوم و احکام نازل را از مردم کتمان

می‌کنند و با این کتمان منافی به دست می‌آورند مثل این است که آتش می‌خورند، خدا روز قیامت به آنها اعتناء نمی‌کند، خبث و رذیلت آنها را نمی‌زداید بلکه عذابی دردناک برای آنها مهیاست

﴿۱۷۵﴾ **أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالََةَ بِالْهُدَىٰ وَالْعَذَابَ بِالْمَغْفِرَةِ فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ** آنها کسانی‌اند که با نقد هدایت، ضلالت و با فروش مغفرت، عذاب خریدند ، چطور می‌توانند با آتش بسازند؟

﴿۱۷۶﴾ **ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَّلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِي الْكِتَابِ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ** خداوند متعال دین و کتاب خود را به حق نازل کرد، کسانی که خلاف رفتند به مشقت افتادند و از حق دور شدند *

* همه‌جا خداوند کفر و گناه را ملازم با آتش جهنم ساخته. مردم خیال می‌کنند که خداوند به کیفر گناه، گناه‌کار را با آتش می‌سوزاند. می‌گویند: شاید عذاب خدا بزرگ‌تر از گناهی باشد که مردم مرتکب می‌شوند. خداوند چند سالی حبس کند یا شلاق بزند چرا با آتش می‌سوزاند. آن‌هم نه یک روز و دو روز بلکه تا ابد. خبر ندارند که کفر و گناه، کفار را وادار به ظلم و ستم می‌کند و ظالم برای ظلم اسلحه لازم دارد تا بتواند ظلم کند و آخرین اسلحه‌ای که مردم را به آتش می‌کشند، آتش هسته‌ای است و با این آتش و سلاح‌های دیگر خود را و بشریت صالح و سالم را به آتش می‌کشند و زندگی را نابود می‌کنند. در همین آتش‌ها و حرارت‌هایی که خود و مردم بی‌گناه را سوزانده‌اند روز قیامت زنده می‌شوند و عقل و شعور ایمانی هم کسب نکرده‌اند که بتوانند به خدا و اولیاء خدا پناه ببرند. پس کفار از مسیر ظلم و ستم خود را به‌آتش می‌کشاند و در همان مخلد می‌شوند و راه نجات را که ایمان به خدا و اولیاء خداست، از دست می‌دهند و در آن آتش‌ها می‌سوزند و راه نجاتی برای خود نمی‌شناسند. پس خدا به کافر و گناه‌کار کاری ندارد. خودشان آتش می‌سازند به جان خود می‌اندازند و راه نجات پیدا نمی‌کنند. تمام عذاب‌هایی که در دنیا و آخرت سر کافر و ظالم آمده است به دست خودش

ایجاد می‌شود. خدا و اولیاء خدا ذره‌ای در عذاب کفار مداخله ندارند.

﴿۱۷۷﴾ لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ
 ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَءَاتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ
 ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَأَبْنَى السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ
 الصَّلَاةَ وَءَاتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ
 وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ

نیکی آن نیست که به شرق و غرب توجه کنید، نیکی در ایمان به خدا و آخرت و فرشتگان و کتاب‌های آسمانی و پیامبران است، از مالی را که دوست دارید به خویشان و یتیمان و مسکینان و واماندگان از راه و هدف مشروع و اجابت سؤال و آزادی بردگان انفاق کنید، نماز به پا دارید و زکات بدهید، به پیمان خود وفادار باشید، در سختی‌ها و مرض‌ها و میدان جنگ صبر کنید، چنین افرادی صادق و نیکوکار هستند

﴿۱۷۸﴾ يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحُرُّ بِالْحُرِّ
 وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأَنْثَىٰ بِالْأُنثَىٰ فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتِّبَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ
 وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ
 عَذَابٌ أَلِيمٌ

ای اهل ایمان! برای احیای حق کشته شدگان قصاص واجب می‌شود، آزاد برابر آزاد، برده در برابر برده و زن در برابر زن، اگر قاتل مورد عفو قرار گرفت، متقابلاً با پرداخت دیه به اولیاء مقتول احسان کند، این رحمت خداست که جرم را از قتل به دیه تخفیف می‌دهد، کسی که تجاوز خود را تکرار کند، عذاب سختی خواهد داشت

﴿۱۷۹﴾ وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيٰوةٌ يَاۤأُولِيَ الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

ای

خردمندان! حیات اجتماعی شما در قصاص است شاید از قتل به ناحق پرهیز کنید

﴿۱۸۰﴾ كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ

وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ پیش از ظهور علائم مرگ اگر کار خیری

از شما ناتمام مانده است وصیت کنید، وصیت به حق پدر و مادر و یا به خویشاوندان

یا به کار خیر، وصیت وظیفه پرهیز کاران است *

* کسانی که اعمال خیری از آنها ناتمام می ماند مانند عمران و آبادی ها یا حق ذوی الحقوق و

مراسم خیر دیگر مثل خمس و زکاتی که نداده اند. لازم است مؤمن خیر خواهی را پیدا کرده و

به او وصیت کنند تا خیرات نیمه تمام آنها را به اتمام برسانند.

﴿۱۸۱﴾ فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ

عَلِيمٌ گناه تغییر وصیت به گردن کسانی است که تغییر می دهند، بر خدا پوشیده

نیست، خداوند شنوا و داناست

﴿۱۸۲﴾ فَمَنْ خَافَ مِنْ مَوْصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ

غَفُورٌ رَحِيمٌ اگر کسی در وصیت خود به کسی اجحاف کند یا وصیت به گناه

نماید، مصلحان اجازه دارند وصیت را اصلاح کنند، خداوند اصلاح گر و مهربان است

(غفران به معنای رفع عیب و نواقص وجودی است)

﴿۱۸۳﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن

قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ای اهل ایمان! روزه بر شما واجب شد، همان طور که بر

امت های گذشته واجب شده بود، شاید با عمل روزه تقوا پیدا کنید

﴿۱۸۴﴾ أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ

وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

روزه در ایام معین واجب می‌شود، کسی

که در این ایام مریض و یا مسافر باشد روزهای دیگر به‌جا آورد، کسانی که از گرسنگی بی‌طاقت می‌شوند به جای هر روز فقیری را اطعام کنند، هر کس کار خیری انجام دهد به نفع او است، ولی روزه برای شما بهتر است (روح تقوا در شما می‌دمد)

﴿۱۸۵﴾ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَيْتُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

روزه در ماه رمضان بر شما

واجب می‌شود، ماهی که قرآن در آن نازل شده، قرآنی که هدایت می‌کند و دلایل هدایت را بیان می‌دارد، حق را از باطل جدا می‌سازد، هر کس در وطن حاضر است روزه بگیرد و هر کس مریض یا مسافر است روزهای دیگر بگیرد، خدا آسایش شما را می‌خواهد نه مشقت شما را، تا به قضای روزه شماره را تکمیل کنید و با هدایت به وسیله روزه خدا را به عظمت بشناسید و شکر گزار خدا باشید *

* نزول قرآن در ماه رمضان به معنای نزول روح ایمان در قلب مؤمن است که توأم با علم و استعداد است. خداوند در تعریف شب قدر می‌فرماید: تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ. روح و ملائکه هر دو یک جنس‌اند. از آن جهت که به اراده خدا و در اختیار خدا هستند، ملک شناخته می‌شوند و از آن جهت که قلب انسان به وسیله نزول آن‌ها شارژ می‌شود و قوت می‌گیرد، روح نامیده می‌شود. همان‌طور که ما انسان‌ها با افاضه نیروی برق وسایل برقی خود را تقویت می‌کنیم. خداوند متعال هم با افاضه روح ایمان، قلب ما را تقویت می‌کند و علم و استعداد ما را بالا

می‌برد. این علم و استعداد نازله، علم قرآن است. تمام این علم پیش از بعثت بر قلب پیامبر نازل شده و ظرف بیست و سه سال آیات قرآن در اختیار مردم قرار گرفته. نزول این علم و استعداد، فیض شب قدر است که به کمک آن، انسان حق را به حقانیت می‌شناسد و در دایره ولایت حق وارد می‌شود. افاضه نیروی روح فقط به دست خداوند است. فرشته‌ها عامل سازنده نیستند بلکه اسباب و ابزار سازندگی به دست خدا هستند مانند نیروی برق در اختیار انسان. آنجا که خدا نسبت سازندگی به فرشتگان می‌دهد مانند: قُلْ يَتَوَفَّيْكُمْ مَلَائِكَةُ الْمَوْتِ (سجده ۱۱) یا مثل: نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ (شعراء ۱۹۳) مانند این است که ما می‌گوییم: رادیو گفت و تلفن خبر داد.

﴿۱۸۶﴾ وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ ۗ

فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ

وقتی بندگان از تو بپرسند که خدا دور است یا نزدیک، بگو: خداوند می‌فرماید: من به شما نزدیک هستم و خواهش‌های شما را اجابت می‌کنم، حوایج خود را از خدا بخواهید و ایمان به اجابت داشته باشید، شاید دعا و اجابت را به عقل دریابید *

* تمامی موجودیت و موقعیت انسان از نظر سازندگی و رشد و تکامل فقط به دست خدا است. انسان‌ها همان‌طور که نمی‌توانند رگ و عصبی و یا قطره خونی در وجود خود بسازند همان‌طور هم نمی‌توانند ذره‌ای روحیه خود را بالا و پایین ببرند. هر نوع تغییری مثبت و منفی به اراده خدا و سرمایه انسان‌ها هم فقط خواهش و تقاضا از خداست. قُلْ مَا يَعْبَثُوا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ.

﴿۱۸۷﴾ أُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ

لَهُنَّ عِلْمٌ ۗ اللَّهُ أَنْتُمْ كُنْتُمْ مَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ ۗ فَالَّذِينَ بَشِرُوا هُنَّ وَأَبْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمْ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ۗ ثُمَّ أَتَمُوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ وَلَا

تُبَشِّرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ

اللَّهُ عَايَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ شب‌های روزه رابطه با همسر آزاد است ، آن‌ها

لباس تن شما و شما لباس تن آن‌ها بپوشید، خدا دانست که در سال‌های حرمت با مخالفت خدا به خود خیانت کردید، به شما محبت کرد و حرمت را برطرف نمود ، گناه گذشته شما را عفو کرد ، بعد از ابلاغ این آیه به همسران خود نزدیک شده و تا آن دقیقه که خط سپیده صبح از سیاهی شب نمایان می‌شود، بهره بگیرید و در خوردن و آشامیدن آزادید ، بعد از طلوع فجر روزه خود را تا ظهور شب کامل کنید و اگر در مساجد اعتکاف دارید تا پایان اعتکاف از ارتباط با همسر خودداری کنید ، این احکام حدود الهی است به آن نزدیک نشوید ، خداوند آیات خود را برای شما روشن می‌دارد شاید روح تقوا در شما پیدا شود

﴿۱۸۸﴾ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا

فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ از مال و ثروت یکدیگر به طور

نامشروع استفاده نکنید، مال خود را به حکام رشوه خوار ندهید تا به حکم او مال مردم را غصب کنید با اینکه می‌دانید چه کرده‌اید

﴿۱۸۹﴾ ۞ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ

تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا

اللَّهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ از تو حکمت پیدایش هلال ماه را می‌پرسند بگو: چهره ماه

یک ساعت آسمانی برای تعیین حج و اوقات زندگی مردم است، درست نیست که از

بی‌راهه وارد کارها و یا خانه‌های مردم شوید، تقوا پیشه کنید ، در هر کاری و خانه‌ای

از در آن وارد شوید و از بی‌راهه روی بپرهیزید شاید رستگار شوید *

* در ورودی در این آیه شریفه در ورودی مکتب دین است که رسول اکرم (صلی الله علیه) فرمودند: اَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلَى بَابِهَا. گرچه هر علم و عملی در ورودی دارد که انسان باید از در آن وارد شود اما آن در ورودی که باب تمامی نعمت‌ها در دنیا و آخرت است، در ورودی دانشگاه علم حضرت رسول (ص) یعنی علی ابن ابی طالب (ع) است.

﴿۱۹۰﴾ وَقَتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقْتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ

در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند، بجنگید (جنگ دفاع نه تجاوز)، خداوند تجاوزگران را دوست نمی‌دارد

﴿۱۹۱﴾ وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِّنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمُ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَتَلُوكُمْ فَأَقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ

هر جا تجاوزگران کافر را شناختید بکشید، همان طور آن‌ها شما را از زندگی خارج می‌کنند، شما هم خارجشان کنید، فتنه‌انگیزی از آدمکشی بدتر است، در حرم خدا با آن‌ها نجنگید مگر اینکه با شما بجنگند، اگر جنگیدند آن‌ها را بکشید که سزای کفار همین است

﴿۱۹۲﴾ فَإِنْ أَنْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

اگر آن‌ها از جنگ در حرم باز ایستادند شما هم باز ایستید که خدا آمرزنده و مهربان است

﴿۱۹۳﴾ وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ أَنْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ

دائم در حال جنگ با کفار باشید تا فتنه برطرف شود و حکومت اختصاص به خدا پیدا کند، اگر جنگ را متوقف کردند فقط دشمن ستم کاران باشید

﴿۱۹۴﴾ الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَتُ قِصَاصٌ فَمَنِ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ

فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا أَعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ

جنگ در ماه حرام برابر تجاوز در ماه حرام است، حرمت شکنی‌ها قصاص خودش را دارد، هر کس بر شما بتازد بر او بتازید، تقوای صلح و جنگ را رعایت کنید، بدانید که نصرت خدا با متقین است *

* تقوای جنگ و صلح این است که بر اساس حقوق‌شناسی و عدالت اجرا شود. با انکار حقوق ضایع شده صلح قابل اجرا نیست. تقوای جنگ این است که: تجاوز حرام و دفاع واجب و تمام خسارات جنگ به گردن متجاوز است. خدا می‌فرماید: اگر کفار آتش بس اعلام کردند شما با رعایت حقوق بپذیرید که از جمله حق‌ها عقب‌نشینی از سرزمین‌های غصب شده است.

﴿١٩٥﴾ وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ

يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ از مال و جان خود در راه خدا سرمایه‌گذاری کنید، در مسیر باطل‌گرایی و بی‌راهه‌روی خود را به هلاکت نیندازید، خالصانه به بندگان خدا خدمت کنید، خداوند نیکوکاران را دوست دارد

﴿١٩٦﴾ وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِقُوا

رُءُوسَكُمْ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِّن رَّأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِّن صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامٌ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةً إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَنْ لَّمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ حج و عمره را در شعاع ولایت اولیاءالله کامل

کنید، اگر به محاصره یا مرض، از حج بازماندید تا آنجا که ممکن است قربانی خود را ارسال دارید و تا زمانی که قربانی شما به منا نرسیده سر خود را نتراشید و اگر

مریض باشید و یا از موی سر اذیت می شوید، بتراشید و به کفاره آن با روزه یا صدقه یا ذبح گوسفندی اقدام کنید ، وقتی محاصره برطرف شد از عمره در مقدمه حج استفاده کنید و برای حج قربانی تهیه نمایید، اگر نتوانستید سه روز در ایام حج و هفت روز در وطن روزه بگیرید تا ده روز کامل شود ، حج تمتع برای کسانی است که زندگی آن‌ها در مکه یا اطراف نزدیک نیست ، از مخالفت با خدا پرهیزید، بدانید که کیفر الهی شدید است

﴿۱۹۷﴾ الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَةٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونِ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ

حج در ماه‌های معین واقع می‌شود ، بر هر کس حج واجب شود در حال احرام رابطه با همسر و فسق و گناه و یاوه‌گویی حرام می‌شود ، هر کار خیری انجام دهید خدا می‌داند ، خود را برای زندگی آخرت مجهز کنید و بدانید که بهترین توشه آخرت تقواست ، ای خردمندان! از خودرایی پرهیزید

﴿۱۹۸﴾ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِّنْ عَرَفَاتٍ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَيْتُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الضَّالِّينَ

مانعی ندارد فضیلت بیشتری کسب کنید ، از عرفات که برگشتید در مشعر الحرام چنان که شما را هدایت می‌کند خدا را یاد کنید (مناسک حج را طبق دستور انجام دهید)، گرچه پیش از هدایت الهی گمراه بودید

﴿۱۹۹﴾ ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَأَسْتَغْفِرُوا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

پس از آن طبق روش پیشوایان دین از مشعر الحرام به منا کوچ کنید و با کلمه استغفار از خداوند رشد و شعور بخواهید ، خداوند مهربان است شما را تکامل می‌دهد

﴿٢٠٠﴾ فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا

فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ بعد از

انجام مناسک به یاد خدا باشید چنان که به یاد پدر و مادر خود هستید یا بیشتر، بعضی حاجیان فقط خواهش دنیایی دارند، می گویند ثروت دنیایی به ما عنایت کن آن‌ها بهره آخرتی ندارند *

* حکمت اساسی و کلی حج، احترام گذاشتن به خدا و اولیاء خداست. حج به معنای ورود رعیت بر سلطان آسمانی خود است که اهل خانه شناخته شده‌اند. تمامی مراسم حج، تشریفات ورودی بندگان بر سلاطین الهی آسمانی خود است. وظیفه بندگان آن است که خدا و اولیاء خدا را به عظمت بشناسند و هرچه می‌خواهند از آن‌ها بخواهند. تنها جایی که حتماً دعا مستجاب می‌شود گرچه صاحب دعا کافر باشد. دعا در صحرای عرفات روز نهم ذی‌الحجه است و بهترین خواهش‌ها که مناسب شأن خدا و انسان مؤمن است. خواهشی است که در آیه ۲۰۱ مطرح شده که سعادت دنیا و آخرت و برکناری از عذاب‌های آخرت را تقاضا می‌کنند. کسانی که فقط دنیا می‌طلبند مانند کسی هستند که با زحمت فراوان خود را به سلطان مقتدری رسانیده و پس مانده غذایی از او می‌طلبند، چنین خواهشی توهین به سلطان است.

﴿٢٠١﴾ وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ

النَّارِ و بعضی از حاجیان عاقل و عارف هستند و می‌گویند: خدایا! آنچه در دنیا و

آخرت مایه عزت و عظمت است به ما عنایت کن و ما را از سقوط در جهنم نگهدار

﴿٢٠٢﴾ أُولَئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ آن‌ها ایند که از

سرمایه عمر خود نتیجه می‌گیرند (که خیر دنیا و آخرت از خدا می‌طلبند)، خداوند سریعاً

به حساب بندگان خود می‌رسد

﴿٢٠٣﴾ وَادْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ

تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

در این روزهای مشعر و منی زیاد به یاد خدا باشید، کسی که روز یازدهم و دوازدهم بعد از رمی جمرات به طواف کعبه برود، مانعی ندارد و کسی که بعد از دوازدهم برود، مانعی ندارد، این تساوی برای متقین است، تقوا پیشه کنید و بدانید که در پناه حکومت او جمع می‌شوید

﴿۲۰۴﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَن يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ اللَّهُ الْخِصَامُ

بی‌حیایی و کفر بعضی اشخاص مایه تعجب است که برای اثبات باطل‌گویی خود خدا را به شهادت می‌گیرند و سخت با اهل حق به مجادله برمی‌خیزند (با بی‌حیایی عقیده باطل خود را به کرسی می‌نشانند)

﴿۲۰۵﴾ وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ

این بی‌حیا وقتی به کرسی قدرت بنشیند، سعی دارد دو اصل حیات بخش کشاورزی و تربیت نسل را نابود کند تا زندگی انسان‌ها را به نابودی بکشاند، خداوند فساد را دوست نمی‌دارد

﴿۲۰۶﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ

در برابر دعوت به ایمان و تقوا، به کفر و گناه افتخار می‌کند، تکبر به گناه او را می‌گیرد، جواب چنین بی‌حیایی فقط جهنم است، چه بد مکتبی است جهنم

﴿۲۰۷﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ

بعضی دیگر از بندگان جان خود را به رضایت خدا می‌فروشدند، خدای مهربان او را دوست دارد *

* نمونه کامل فروش جان به رضایت خداوند متعال همان داستان ليله المبيت است که رسول خدا (ص) به علی (ع) فرمود: امشب کفار قریش باهم پیمان بسته‌اند که به خوابگاه من بتازند و مرا به قتل برسانند شما باید در خوابگاه من بخوابید و آنها را به خیال اینکه پیامبر به خواب است در اطراف خوابگاه متوقف کنید تا من به سلامتی هجرت کنم. علی عرض کرد: اگر من در جای شما بخوابم و کشته شوم جان شما به سلامت خواهد بود فرمود: بلی. همین جا علی (ع) سجده شکر به جا آورد که جانش فدای پیامبر شده است.

﴿۲۰۸﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَآفَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ

ای اهل ایمان! همه با هم در صلح و صفا باشید، از وسوسه‌های شیطانی پیروی نکنید، او دشمن شماست

﴿۲۰۹﴾ فَإِن زَلَلْتُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمْ الْبَيِّنَاتُ فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

اگر بعد از هدایت و دلایل روشن پایتان لغزید بدانید که خداوند غالب و حکیم است

﴿۲۱۰﴾ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَن يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِّنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ

مگر پیروان شیطان بیش از این مهلت دارند که حکومت خدا و فرشتگان با قیام واسطه‌های رحمت ظاهر شود و دوران زندگی دنیا به آخر برسد، مرجع زندگی دنیا و آخرت خداست *

* با ظهور امام زمان (عج) سایه رحمت خدا گسترده می‌شود. چنان که گویی خدا ظاهر شده و این زندگی دنیایی توأم با رنج و زحمت خاتمه پیدا می‌کند و زندگی آخرتی شروع می‌شود. همه جا در کتاب الزام‌الناصب آیات قیامت تأویل به قیام آن حضرت شده است. کتاب حدیث مفضل ابن عمر را بخوانید که امام صادق (ع) تمامی کلمات ساعت را به قیام آن حضرت تطبیق می‌کند. آن حضرت برای رسیدگی به حساب‌ها ظاهر می‌شود که در دعای ندبه می‌خوانیم: **أَيْنَ الظَّالِمِ بِدُحُولِ الْأَنْبِيَاءِ وَ... .** ائمه اطهار (ع) و حضرت عیسی و همه انبیاء با آن حضرت هستند. بین هر پیامبری و قاتل او محاکمه برقرار می‌کند. ابتدا مؤمن محض و کافر محض و بعد

وابستگان آن‌ها زنده و به پیشوایان خود ملحق می‌شوند.

﴿۲۱۱﴾ سَلِّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمَا آتَيْنَهُمْ مِّنْ آيَةٍ بَيْنَهُ وَمَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ از بنی اسرائیل پرس، چقدر زیاد آیات و معجزات برای آن‌ها ظاهر شد؟ ، کسی که نعمت دین را بعد از وضوح و ظهور تبدیل به کفر کند بداند که کيفر الهی سخت است

﴿۲۱۲﴾ زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ زندگی دنیا در نظر کفار جلوه کرده است، با غرور ثروت، مؤمنین را مسخره می‌کنند ، اما بدانند که در زندگی آخرت، مؤمنین فوق آن‌ها و حاکم بر آن‌ها هستند ، خداوند کسی را که بخواهد بدون حساب روزی می‌دهد

﴿۲۱۳﴾ كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ مردم در ابتدای زندگی امت واحد بودند، خداوند برای تربیت آن‌ها پیامبران را مبعوث کرد تا مردم را به کار خیر تشویق و از عمل شر بازدارند ، به وسیله آن‌ها کتاب نازل فرمود: تا بین مردم برای رفع اختلاف، قضاوت کنند و این اختلاف بعد از وضوح حق به قصد تجاوز بود ، در این اختلافات خداوند اهل ایمان را هدایت فرمود، خداوند هر کس را دوست بدارد به راه راست هدایت می‌کند *

* همه جا در طول تاریخ کفار و منافقین از دایره حق و عدالت خارج شده و برای تسلط و

استثمار ضعفا اختلاف و جنگ و نزاع به وجود آورده‌اند و مانع پیشرفت حق و عدالت بوده‌اند. مفت خواران و استثمارگران با حق و عدالت که مانع سوءاستفاده آن‌هاست سازگار نیستند. چقدر بدبخت‌اند که با حق و عدالت می‌جنگند با اینکه حق و عدالت بر همه کائنات محیط و مسلط است. پس طرفداران حق لازم است با کافر و منافق در جنگ و جهاد باشند.

﴿۲۱۴﴾ **أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَّاءُ وَزُلْزِلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصْرُ اللَّهِ أَلاَ إِنَّا نَصْرُ اللَّهِ قَرِيبٌ** خیال می‌کنید که بی حساب داخل بهشت می‌شوید با

اینکه هنوز نمونه حوادث گذشتگان بر شما نگذشته است، آن‌همه حوادث جنگ و مرض بر آن‌ها گذشت تا جایی که متزلزل شدند، رسول خدا و مؤمنین گفتند: پس کجاست وعده خدا؟!، خداوند هشدار داد که وعده او نزدیک است

﴿۲۱۵﴾ **يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ** می‌پرسند در چه راهی انفاق کنند؟، بگو: در راه خدمت به پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان و مساکین و واماندگان در مسافرت و مقاصد حق، خدا به اعمال نیک شما آگاه است
ثمره‌اش را به شما می‌رساند *

* ابناء السبیل همه‌جا به دو معنی تفسیر می‌شود که الآن در مکتب ولایت هم دایر است. یکی متوقفین در راه مسافرت و دیگر متوقفین در خط علم و دانش. سرمایه گذاری در راه وصول به مقاصد علم بسیار مفیدتر و واجب‌تر است از بودجه‌ای که در راه مسافرت صرف شود تا اینکه دانشجویان به مقاصد علم برسند و مردم را به تمدن ایمانی و علمی برسانند.

﴿۲۱۶﴾ **كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ** جنگ

با دشمنان دین بر شما واجب است با اینکه دوست نمی‌دارید ، شاید عملی را دوست نداشته باشید که برای شما بهتر باشد و عملی را دوست داشته باشید که برای شما بدتر باشد ، خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید

﴿۲۱۷﴾ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِندَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يَقْتُلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَعُوا وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَن دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

اگر از حکم جنگ در ماه‌های حرام از تو سؤال کردند، بگو: جنگ در این ماه‌ها گناه کبیره و مانع حرکت در راه خداوند و کفر به مسجدالحرام است و گناه بزرگ‌تر اینکه اهل خانه خدا را اخراج می‌کنید ، فتنه‌انگیزی از قتل بزرگ‌تر است، کفار دائم با شما می‌جنگند تا اگر بتوانند شما را از دین خدا اخراج کنند ، هر کس از دین حق برگردد و در حال کفر بمیرد، اعمال او در دنیا و آخرت بی‌ثمر خواهد شد ، گرفتار جهنم و در آن مخلد خواهد شد*

* در این آیه خداوند متعال پیامبر و ائمه اطهار(ع) را اهل خانه معرفی می‌کند و اخراج آن‌ها را از خانه بزرگ‌ترین گناه می‌شناسد که می‌فرماید: وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ. زیارت خانه به منظور زیارت اهل خانه است. خانه بدون اهل، خانه به حساب نمی‌آید. هریک از چهارده معصوم(ع) اهل بیت هستند یعنی اهل خانه خدا. تشریفات اطراف خانه به منظور احترامات به اهل خانه است. فقط اهل بیت‌اند که مردم را به راه خدا هدایت می‌کنند. به قصد زیارت خانه‌زاد خدا به سوی کعبه بروید.

﴿۲۱۸﴾ إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

کسانی که به خداوند ایمان می‌آورند و با جهاد و

کوشش در راه خدا به سوی او حرکت می کنند، امیدوار به رحمت خدایند ، خداوند
مهربان است و آن ها را به کمال می رساند

﴿۲۱۹﴾ **يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْأَعْفُو كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ** حکم شراب و قمار را از تو می پرسند، بگو که:
گناه بزرگی است، گرچه منافی دارد ولی گناهش بزرگ تر است ، باز می پرسند: چه
مالی انفاق کنند؟، بگو: بهترین انفاق گذشت از گناه است ، خداوند حقایق را برای
شما روشن می کند، شاید که فکر کنید

﴿۲۲۰﴾ **فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَى قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ وَإِنْ
تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَعْنَتَكُمْ إِنْ
اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ** اول و آخر هر کاری را در نظر بگیرید و باز اگر درباره حقوق
ایتام سؤال کردند بگو: بهتر است زندگی آن ها را اصلاح کنید، اگر در زندگی شریک
آن ها شدید، برادران شما هستند ، خداوند مصلح و مفسد را می شناسد ، اگر بخواهد
شمارا در مضیقه قانونی قرار می دهد ، خداوند غالب و حکیم است

﴿۲۲۱﴾ **وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَةَ حَتَّىٰ يُوْمِنَ وَلَا مَؤْمِنَةً خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَلَا
أَعَجَبْتُمْ وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُوْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَلَا
أَعَجَبْتُمْ أَوْلِيَّكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُوا إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَيُبَيِّنُ
آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ** با زنان مشرک ازدواج نکنید مگر بعد از آن که
ایمان بیاورند ، کنیز مؤمنه از آزاد مشرک بهتر است گرچه جالب و زیبا باشد ، به
مردان مشرک زن ندهید مگر که ایمان بیاورند ، برده مؤمن از آزاد مشرک بهتر است

گرچه جالب و جاذب باشد زیرا مشرک همسر خود را به جهنم می کشاند ، خداوند شما را به زندگی بهشتی و کمال دعوت می کند و آیات خود را برای مردم روشن می سازد، شاید حقیقت را درک کند

﴿۲۲۲﴾ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَىٰ فَأَعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَظْهَرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ

درباره عادت زنان حکم خدا را از تو می پرسند بگو: ارتباط در این حال مایه اذیت و مرض است ، از آنها تا پاکی از عادت فاصله بگیرد ، بعد از غسل چنان که خدا اجازه داده است به آنها مربوط شوید ، خدا توبه کنندگان و پاکان را دوست دارد

﴿۲۲۳﴾ نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّىٰ شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُّلاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ

همسران کشت گاه شمایند، هر وقت مایلید به کشت گاه خود مربوط شوید تا ذخایری از فرزندان داشته باشید ، تقوا پیشه کنید و بدانید که به حضور او خواهید رسید ، مؤمنین را به ساعت ملاقات مزده دهید

﴿۲۲۴﴾ وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

برای اثبات نیکی خود و برای اصلاح کار مردم، نام خدا را عرصه گاه قسم قرار ندهید، خداوند خود شنوا و داناست *

* قسم خوردن به اسم جلاله بدون اجازه قانونی توهین به اسم مقدس است که دروغ یا راست و یا ادعای بی ارزش خود را به اسم مبارک ثابت کنند. قسم مجاز فقط باید به حکم قاضی شرع باشد.

﴿۲۲۵﴾ لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَٰكِنْ يُؤَاخِذُكُم بِمَا كَسَبْتُمْ

خداوند شما را بر قسم‌های لغو بدون قصد مجازات
 قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ نمی‌کند لیکن در برابر تعهداتی که با قسم تأکید می‌کنید مؤاخذه می‌کند، خدا
 آمرزنده و بردبار است

﴿۲۲۶﴾ لِلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَاءُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ
 رَحِيمٌ کسانی که قسم می‌خورند از رابطه با همسر خودداری کنند، فقط تا چهار ماه
 حق کناره‌گیری دارند، بعد اگر به همسر خود مربوط شدند، خداوند مهربان است،
 آن‌ها را توفیق می‌دهد

﴿۲۲۷﴾ وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ اگر هم تصمیم به طلاق گرفتند،
 خدا از طلاق ظالمانه و یا عادلانه آگاه است

﴿۲۲۸﴾ وَالْمُطَلَّاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا
 خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنَنَّ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ
 فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ
 دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ لازم است زنان مطلقه تا سه دوره عادت عده نگه‌دارند،
 برای آن‌ها جایز نیست حمل خود را پنهان‌دارند، اگر ایمان به خدا و روز قیامت
 دارند، اگر اراده اصلاح دارند، شوهر آن‌ها سزاوارتر است آن‌ها را به زندگی برگرداند
 حق زن بر شوهر در عرف زمان برابر حق شوهر بر زن است، فقط حق مدیریت زندگی
 با شوهر است، خداوند حکیم و عزتمند است *

* این آیه شریفه حق زن و شوهر را مساوی و برابر می‌داند زیرا زن و شوهری که در ادامه
 زندگی با یکدیگر همکاری دارند به اشتراک، مالک زندگی هستند. هیچ‌یک از آن‌ها حق
 ندارند دیگری را از زندگی محروم کنند مگر اینکه ادامه زندگی مشکل شود.

﴿۲۲۹﴾ اَلطَّلُقُ مَرَّتَانٍ فَاِمْسَاكُ بِمَعْرُوفٍ اَوْ تَسْرِیْحُ بِاِحْسَنِ وَلَا یَجِلُّ لَكُمْ اَنْ تَاْخُذُوْا مِمَّا ءَاتَیْتُمُوْهُنَّ شَیْئًا اِلَّا اَنْ یَّخَافَا اَلَّا یُقِیْمَا حُدُوْدَ اللّٰهِ فَاِنْ خِفْتُمْ اَلَّا یُقِیْمَا حُدُوْدَ اللّٰهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَیْهِمَا فِیْمَا اَفْتَدْتُمْ بِهٖ تِلْكَ حُدُوْدُ اللّٰهِ فَلَا تَعْتَدُوْهَا وَمَنْ یَتَعَدَّ حُدُوْدَ اللّٰهِ فَاُولٰٓئِکَ هُمُ الظَّالِمُوْنَ

تکرار طلاق تا دومرتبه

درست است ، پیش از طلاق سوم یا طبق عرف و عدالت، زن را نگه دارید یا با احسان و جلب رضایت، او را آزاد کنید ، حق ندارید از آنچه به زن بخشیده‌اید چیزی پس بگیرید مگر که ادامه زندگی طبق حدود الهی برای شما مشکل باشد ، در صورتی که ناسازگاری از جانب زن است و شوهر را به خسارت انداخته، شوهر حق دارد در مقابل طلاق چیزی بگیرد، حدود الهی این است تجاوز نکنید، کسی که تجاوز کند ظالم خواهد بود

﴿۲۳۰﴾ فَاِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهٗ مِنْۢ بَعْدِ حَتّٰی تَنْكِحَ زَوْجًا غَیْرَهٗۗ فَاِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَیْهِمَا اَنْ یَّتَرَاجَعَا اِنْ ظَنَّا اَنْ یُقِیْمَا حُدُوْدَ اللّٰهِ وَتِلْكَ حُدُوْدُ اللّٰهِ یُبَیِّنُهَا لِقَوْمٍ یَعْلَمُوْنَ

اگر برای مرتبه سوم طلاق داد بعد برای شوهر حلال نیست مگر

اینکه با دیگری ازدواج کند و بعد از او هم طلاق بگیرد ، در این صورت اگر با شوهر اول می‌توانند حدود الهی را حفظ کنند به یکدیگر مراجعه نمایند(حرمت بعد از طلاق دوم برای تنبیه شوهر است که طلاق را تکرار نکند)، این احکام حدود الهی برای دانشمندان است

﴿۲۳۱﴾ وَاِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ اَجَلَهُنَّ فَاَمْسِكُوْهُنَّ بِمَعْرُوفٍ اَوْ سَرِّحُوْهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوْهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوْاۗ وَمَنْ یَفْعَلْ ذٰلِکَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهٗۗ وَلَا تَتَّخِذُوْا ءَایٰتِ اللّٰهِ هُزُوًا وَاذْكُرُوْا نِعْمَتَ اللّٰهِ عَلَیْكُمْ وَمَا اَنْزَلَ عَلَیْكُمْ مِّنَ الْكِتٰبِ وَالْحِکْمَةِ یَعْظُمُ بِهٖ وَاَتَّقُوا اللّٰهَ وَاَعْلَمُوْا اَنَّ اللّٰهَ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلِیْمٌ

وقتی که زن را طلاق دادید و عده او سر آمد یا ضمن خدمت و محبت او را نگه دارید یا ضمن احسان و جلب رضایت او را آزاد کنید، جایز نیست به قصد تجاوز و اذیت او را نگه دارید، هر کس به همسر خود ستم کند به خود ستم کرده، آیات الهی را به مسخره نگیرید، نعمت‌هایی که به شما داده و کتاب و حکمتی که نازل کرده و شمارا با آن موعظه می‌کند، یادآوری کنید، تقوا پیشه کنید و بدانید که خداوند به هر کاری داناست

﴿۲۳۲﴾ وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضُوا بَيْنَهُم بِالْمَعْرُوفِ ۗ ذَٰلِكَ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
الْآخِرِ ۗ ذَٰلِكُمْ أَزْكَى لَكُمْ وَأَطْهَرُ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

وقتی که زن را طلاق دادید و عده‌اش سر آمد و رضایت دادند که با دیگری به‌طور متعارف ازدواج کند، مزاحم آن‌ها نشوید، خداوند با این دستورات کسانی را موعظه می‌کند که ایمان به خدا و آخرت دارند، رعایت این دستورات بیشتر مایه طهارت اخلاقی و رشد اجتماعی شما می‌شود، خدا می‌داند، شما نمی‌دانید

﴿۲۳۳﴾ وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ ۗ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ ۗ لَا تُكَلِّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا ۗ لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ ۗ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَٰلِكَ ۗ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِّنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا ۗ وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۗ وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

مادرانی که دوست دارند دوران شیر کودکان خود را تکمیل کنند دو سال شیر بدهند، پدران وظیفه دارند در برابر شیر و حضانت مادر، نفقه‌های

او و کودک را پردازند ، هیچ کس مکلف به عملی فوق استعداد خود نمی شود ، جایز نیست پدر یا مادر به جرم اولاد داری متضرر شوند ، وارثان پدر، وظیفه او را در ارتباط با مادر و کودک انجام دهند ، اگر پدر و مادر با رضایت یکدیگر کودک را از شیر بازدارند، مانعی ندارد و اگر مادر با حفظ تأمین نفقه‌ها از حضانت کودک خودداری کرد و پدر کودک را به دایه سپرد، مانعی ندارد ، از آزار یکدیگر بپرهیزید که خدا به حالتان آگاه است *

* حق حضانت کودک غیر از نفقه‌های معمول بین زن و شوهر است. زن مطلقه اگر کودک خود را پذیرایی کند برابر مخارج خود و کودک به طور متعارف طلبکار می شود و پدر باید مخارج کودک و مادر او را پردازد و حق ندارد بدون رضایت مادر کودک را از او بگیرد مگر اینکه امتناع کند یا مخارج فوق العاده تحمیل نماید. بعد از پدر، وارث وظیفه پدر را انجام می دهد یعنی اولویت مادر را حفظ می کند.

﴿۲۳۴﴾ وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

زنی که همسرش از دنیا می رود، چهارماه و ده روز عده نگه دارد ، پس از اتمام عده برای شما خویشاوندان مانعی نباشد که زن به طور متعارف خواستگار قبول کند ، خداوند به اعمالشان آگاهی دارد

﴿۲۳۵﴾ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْنَنْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ عِلْمَ اللَّهِ أَنْكُمْ سَتَذَكَّرُوهُنَّ وَلَكِنْ لَا تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا وَلَا تَعْزِمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّى يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ

برای شما مردان مانعی نباشد که متعرض خواستگاری یا تصمیم به خواستگاری زنانی بگیرید که

مطلقه به طلاق باین شده‌اند ، خداوند می‌داند که به همین زودی از آن‌ها خواستگاری می‌کنید ولیکن رابطه مخفیانه با آن‌ها پیدا نکنید، فقط رابطه متعارف و پیش‌از اتمام عده عقد نکاح جاری نکنید ، بدانید که خداوند از خاطرات شما آگاه است ، از غضب او بر حذر باشید و بدانید که با شما مدارا می‌کند، رحمت او فراگیر است

﴿۲۳۶﴾ لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمْ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَمَتَّعُوهُنَّ عَلَى الْمَوْسِعِ قَدَرَهُ وَعَلَى الْمُقْتِرِ قَدَرُهُ مَتَّعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ

پیش‌از رابطه یا پیش‌از تعیین مهر مانعی ندارد که زن را طلاق دهید ، شوهر غنی و یا فقیر باشد، باید برابر توانایی خود زن را بهره‌مند کند ، این کمک مالی بر نیکوکاران واجب است

﴿۲۳۷﴾ وَإِنْ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوا الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

و اگر پیش‌از رابطه زناشویی و بعد از تعیین مهر طلاق دادید، نصف مهر را بپردازید مگر اینکه خودشان یا کسی که اختیار ازدواج با اوست، بگذرند ، البته گذشت از این مهر به تقوا نزدیک‌تر است ، روابط فضیلت و انسانیت را بین خود فراموش نکنید ، خدا به اعمال شما آگاه است *

* تعیین نصف مهر یا کمک شوهر به زن مطلقه پیش از تعیین مهر برای این است که زن بعد از آن که شوهردار شناخته شود و طلاق بگیرد در عزوبت و دوشیزگی شکست می‌خورد، لازم است تا اندازه ممکن شکستگی او جبران شود.

﴿۲۳۸﴾ حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ

محافظ اوقات

نمازها و مخصوصاً نماز میانه باشید، دائم به یاد خدا و در ارتباط با او قرار گیرید *

* نماز در کتاب کنزالعرفان تأویل به مقام ولایت ائمه اطهار(ع) شده است. البته حفظ مقام ولایت لبّ لباب نماز است. نماز بدون ولایت مانند حرکت در بیابان است که از بی راهه به مقصد حرکت می کند که به جایی نمی رسد. در آن کتاب از مولای(ع) نقل شده که فرمودند: الصَّلَاةُ إِقَامَةُ وِلَايَتِي. نماز در مکتب ولایت من نتیجه بخش است. بر اساس تأویل صَلَاةٍ، صَلَاةُ الْوَسْطِيِّ معرفت حضرت زهرا سلام الله علیها است. معرفت ایشان ملاک نجات از آتش جهنم شناخته شده و ایشان امتیاز خاصی در آیات و روایات دارند که فرمودند: سَمِيَتْ فَاطِمَةُ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى فُطِمَتْ شَيْعَتُهَا مِنَ النَّارِ. ممکن است مردم ائمه را به امامت و وصایت بشناسند ولی این شناسایی، شناسایی به عنوان است. بهترین شناسایی، آگاهی به سرمایه های وجودی آن حضرت است. شناسایی به عرفان مهم است، کسی که فاطمه(س) را به ولایت و عصمت شناخت، ائمه را به ولایت که ارتباط مستقیم با خداست، می شناسد.

﴿۲۳۹﴾ فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ در حال خوف از دشمن در جنگ و ستیز، سواره و پیاده، نماز بخوانید و بعد از امنیت چنان که دستور داده است بخوانید، آنچه نمی دانید خداوند به شما می آموزد

﴿۲۴۰﴾ وَالَّذِينَ يَتُوفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لِأَزْوَاجِهِمْ مَتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرَ إِخْرَاجٍ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَّعْرُوفٍ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ کسانی که از دنیا می روند و نفقه یک سال برای همسر خود وصیت می کنند و شرط می کنند که یک سال در خانه بنشینند و با کسی تماس نگیرد، قبول یا ردّ این وصیت از طرف زن آزاد است، اگر شرط شوهر را به هم زد برای فامیل شوهر ایرادی نباشد، خداوند عزیز و حکیم است

﴿۲۴۱﴾ **وَلِلْمُطَلَّقَاتِ مَتَعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ** بر مؤمن متقی واجب

است زن مطلقه خود را بهره‌مند کند، او را در ناداری و ناچاری رها نکند

﴿۲۴۲﴾ **كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ** خدا حدود و حقوق

شما را با نزول آیات روشن می‌کند، شاید به عقل خود دریابید

﴿۲۴۳﴾ **أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ**

اللَّهُ مَوْتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا

يَشْكُرُونَ مگر داستان عده‌ای از بنی‌اسرائیل را نشنیدی که از ترس شیوع مرگ

در شهر به‌سوی بیابان فرار کردند، خداوند در حال فرار به آن‌ها فرمان مرگ صادر

کرد، همه مردند و بعد از چندی آن‌ها را زنده نمود، لطف خداوند شامل حال مردم

است ولیکن بیشتر مردم منظور ندارند

﴿۲۴۴﴾ **وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ** از مرگ نترسید، در

راه خدا جهاد کنید، بدانید که خداوند شنوا و داناست

﴿۲۴۵﴾ **مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضْعِفُهُ لَهُ وَأُضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ**

يَقْبِضُ وَيَبْصُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ چه کسی مایل است از مال و جان خود به خدا

قرض دهد تا خدا چندین برابر به او برگرداند، قبض و بسط روزی با خداست، همه را

به دایره حکومت خود می‌کشاند *

* تنها عاملی که به این زندگی دنیا و رنج و عذاب آن خاتمه می‌دهد و زندگی بهشتی به وجود

می‌آورد جهاد در راه خدا و جنگ با دشمنان حق و عدالت است زیرا کفر و کفار یگانه مانع

نزول برکات الهی و ظلم و ناامنی در جامعه بشریت‌اند. کافر ظالم است و ظالم زندگی انسان‌ها

را به لغویت می‌کشاند و این لغویات مانع نزول برکات الهی می‌شود. چنان است که هرچه

برکات الهی زیادتر باشد فساد و ناامنی بیشتر است. پس بر اهل تقوا و ایمان واجب است این عامل فساد و مانع بزرگ برکات الهی را از سر راه خود بردارند و کرسی حکومت را به بزرگ ترین عامل صلح و عدالت که حجت خدا و امام زمان (عج) است بسپارند. کفار با ظلم و فساد خود عامل غیبت حجت خدا شده اند، لازم است اهل ایمان با صلح و صلاح و عدالت خود که از آن جمله جهاد است، عامل ظهور امام شوند.

﴿۲۴۶﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَأِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّ لَهُمْ اأَبْعَثْ لَنَا مَلِكًا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا قَالُوا وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أُخْرِجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَاءِنَا فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ داستان دیگر بنی

اسرائیل را بعد از موسی بین که به پیامبر زمان خود گفتند: پادشاهی برای ما انتخاب کن تا همراه او در راه خدا بجنگیم ، پیامبر گفت: چه می دانید شاید اگر پادشاه انتخاب کنم با او نجنگید ، گفتند: چطور در راه خدا جهاد نکنیم با اینکه دشمنان ما را از شهر و دیار و خانواده اخراج نمودند ، اما بعد از تعیین شاه و فرمان جنگ اکثر آنها اعراض نمودند ، خداوند ظالمین را بهتر می شناسد *

* بقای موجودیت بنی اسرائیل همه جا به کیفیت اعجاز بوده. خودشان معرفت دینی یا استعداد جهاد نداشته اند که دین و تورات را حفظ کنند. تورات موسی که در صندوقی امانت بوده همه وقت به اعجاز الهی حفظ شده و حفظ صندوق ملاک حفظ استقلال مذهب آنها بوده است. هر وقت از خط دین منحرف می شدند در محاصره بلا و سلطه دشمن واقع می شدند و اجباراً به پناه دین برمی گشتند و خدا به آنها پناه می داد و حمایت می کرد اما بعد از آن که حضرت عیسی را با آن شهرت و عظمت نبوت به دار زدند و اصرار بر انکار پیامبر اسلام (ص) و نبوت آن حضرت نموده و تا توانستند حضرتش را اذیت و آزار نمودند، مغضوب خداوند واقع شدند که تا قیام امام زمان (عج) زندگی گوارایی نخواهند داشت. لَيَبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ.

﴿۲۴۷﴾ وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَنْ يَشَاءُ **وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ** پیامبرشان گفت که: خدا طالوت را به پادشاهی شما انتخاب کرد

، گفتند: چطور او بر ما حکومت می‌کند که مال و ثروت ندارد، ما به پادشاهی شایسته‌تر هستیم ، پیامبر گفت: خدا قدرت بدنی و علمی او را وسعت داده است، خدا او را برگزیده و به هر کسی بخواهد پادشاهی می‌دهد ، او گشایشگر و داناست

﴿۲۴۸﴾ وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آءَالُ مُوسَىٰ وَعَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَّكُمْ **إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ** پیامبرشان به آنها گفت: علامت پادشاهی او این است

که صندوق عهد یادگاری‌های موسی و هارون به‌وسیله فرشتگان تحویل او می‌شود ، حمل صندوق به‌وسیله فرشته‌ها برابر چشم شما انجام می‌گیرد ، پروردگار به شما آرامش می‌دهد ، این آیت الهی است اگر ایمان به خدا دارید

﴿۲۴۹﴾ فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَّمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اعْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُّلْكُوا **اللَّهُ** كَم مِّن فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً **بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ** طالوت لشکریان خود را برای جنگ حرکت داد

در راه عبور گفت: خدا شما تشنگان را به این نهر آب آزمایش می‌کند فقط یکی دو مشت حق آشامیدن دارید ، هر کس سر به نهر بگذارد از من نیست ، اما همه آنها

به جز عده کمی سر به نهر آشامیدند ، وقتی که طالوت و مؤمنین با دشمن روبه‌رو شدند گفتند: ما طاقت جنگ با جالوت را نداریم اما آن عده که عقیده به ملاقات خدا داشتند و از آب نهر غرفه‌ای چشیده بودند گفتند: چقدر زیاد لشکر قلیل که بر لشکر کثیر به اذن خدا غلبه کرده‌اند ، نصرت خداوند با صابرين است *

* خداوند متعال مجاهدین اسلام را پیش از ورود به میدان جنگ آزمایش می‌کند که برای دنیا می‌جنگند یا برای دین. لشکریان طالوت را در حال تشنگی با نهر آبی آزمایش کرد تا هر کس اطاعت کند، خداوند نیروی مقاومت مقابل دشمن در او ایجاد کند. مجاهدین اسلام را هم در برابر دنیاطلبی امتحان می‌کند. هر کس برای خدا به میدان جنگ برود نیرو می‌گیرد شهید می‌شود یا اگر در دین استقامت کند، نصرت خدا به او می‌رسد و هر کس دنیاطلب باشد از نصرت خدا بهره نمی‌برد.

﴿۲۵۰﴾ **وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا**
وَأَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ وقتی که با جالوت و لشکرش روبه‌رو شدند، همان
 طایفه مطیع گفتند: پروردگارا! صبر و مقاومت به ما عطا کن، ما را ثابت قدم بدار و بر
 کفار پیروز کن

﴿۲۵۱﴾ **فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُودُ جَالُوتَ وَءَاتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ**
وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَٰكِنَّ
اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ به اذن خداوند کفار را شکست دادند، داوود جالوت
 را کشت ، خداوند به داوود پادشاهی داد و به او حکمت بخشید و آنچه خواست به او
 تعلیم داد ، اگر خدا شرّ کفار را به وسیله مؤمنین دفع نکند، زمین به فساد کشیده
 می‌شود ، لطف خداوند شامل اهل عالم است

﴿۲۵۲﴾ **تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ** تدبیر خدا

و آیات عظمت او چنین است که برای تو گزارش می‌شود ، تو از پیامبران خدایی

(جزء ۳) ﴿۲۵۳﴾ تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ مِّنْهُمْ مَّنْ كَلَّمَ اللَّهُ ۗ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ ۗ وَءَاتَيْنَا عِيسَىٰ ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ ۗ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَقْتَلْنَا الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ وَلَكِنِ اخْتَلَفُوا فَمِنْهُمْ مَّنْ ءَامَنَ وَمِنْهُمْ مَّنْ كَفَرَ ۗ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَقْتَلُوا وَلَكِنَّا اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ

پیامبران خدا در فضیلت یکنواخت نیستند، ما بعضی را بر بعضی دیگر برتری دادیم ، خداوند با بعضی از آنها سخن گفت، درجات بعضی را بالا بردیم ، به عیسی ابن مریم معجزات دادیم و با روح القدس او را تقویت نمودیم ، اگر خداوند می‌خواست می‌توانست بعد از این همه معجزات مانع جنگ‌ها شود ولی مردم اختلاف به وجود آوردند ، بعضی مؤمن و بعضی کافر شدند، خدا اگر می‌خواست مانع جنگ‌ها می‌شد ولیکن آنچه می‌خواهد مقدر می‌کند (زیرا دوی رفع اختلاف و تکامل بشر جنگ است)

﴿۲۵۴﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِّن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمْ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفْعَةٌ ۗ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ

کاروکاسبی‌های دنیا تمام شود و دوستی‌ها و کاروکاسبی‌ها و شفاعت‌ها و رابطه‌ها سودی نبخشد، از مال خود در راه خدا انفاق کنید و بدانید که هر کافری ظالم شناخته خواهد شد *

* فعالیت‌های آزاد دین‌طلبی یا دنیاطلبی تا پیش از ظهور امام زمان (عج) ادامه دارد. خدا به کافر و گناه‌کار مهلت می‌دهد تا توبه کنند و علم و عمل خود را اصلاح نمایند اما بعد از ظهور امام در توبه بسته می‌شود، مهلت و آزادی از آنها برداشته می‌شود زیرا آن حضرت با قدرت الهی اعجازی قیام می‌کند. به محض ظهور، تمام کره زمین در تصرف اوست. امام باقر (ع) در کتاب تحف العقول فرمودند: يُصْلِحُ اللَّهُ أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ وَاحِدَةٍ. قبول توبه در زمینه قدرت، توبه

ابوسفیانی است که آن حضرت قبول نمی‌کند زیرا توبه نیست و بعد در حکومت آن حضرت تمامی عذاب‌هایی که در دنیا از ظالم به مظلوم رسیده از مظلوم به ظالم برمی‌گردد.

﴿۲۵۵﴾ **اللَّهُ** لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ

خداوند کسی است که جز او خدایی نیست، زنده و پایدار است، چرت و خواب او را نمی‌گیرد، هرچه هست در عوالم آسمان و زمین مال و ملک اوست، چه کسی بدون اذن و اجازه او شفاعت می‌کند؟، به گذشته و آینده افکار مردم احاطه دارد، هیچ‌کس به ذره‌ای از علم او محیط نیست مگر آنچه را تعلیم دهد، کرسی قدرت و عظمتش آسمان‌ها و زمین را فراگرفته، حفظ و اداره عالم و آدم او را خسته نمی‌کند، او بی‌نهایت برتر و بالاتر است

﴿۲۵۶﴾ **لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ** قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ لَهَا **وَاللَّهُ** سَمِيعٌ عَلِيمٌ

خدا اجباری نیست، راه حق از باطل مشخص شده، هر کس به طاغوت‌ها کافر شود و ایمان به خدا بیاورد، به رشته محکمی دست زده که هرگز گسسته نمی‌شود، خداوند شنوا و داناست

﴿۲۵۷﴾ **اللَّهُ** وَلِيُّ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

خدا ولیّ اهل ایمان است، آن‌ها را از تاریکی جهل به علم و آگاهی می‌کشاند و اما سرپرست کفار، طاغوت‌ها هستند که آن‌ها را از فضای علم و معرفت

به جهل و خرافات می‌کشانند ، آن‌ها اهل آتش‌اند ، در آن جاویدند *

* این سه آیه، آیه‌الکرسی نامیده شده که کرسی عظمت و قدرت خدا شناخته شده است. همان‌طور که پادشاهان عرش و کرسی ساخته‌اند و روی تخت سلطنت می‌نشینند و حکمرانی می‌کنند، خداوند متعال هم که ملک‌الملوک است، عرش و کرسی دارد. عرش و کرسی خدا دو مظهر دارد که به معنای عرش سازندگی و عرش حکومتی معرفی شده است. عرش سازندگی و یا عرش تکوینی خدا نور و روشنایی است که از این نور و روشنایی به مواد عالم و اجسام جهان حیات و حرکت می‌دهد. اصول آفرینندگی خداوند متعال دو چیز است که نور و ظلمت یا روح و جسم شناخته شده. تمامی مَاسِوِی‌اللَّهِ از جمادات و نباتات و حیوانات ترکیبی از دو اصل‌اند که نور و ماده باشد. خدا از ماده سیاه و ظلمانی که پیکره جهان و انسان را می‌سازد تعبیر به ظلمات می‌کند که می‌فرماید: جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ. نور در ذات خود یک حقیقت مجرد و بسیط است که فاقد جرم‌انیت و جسم‌انیت است. نامتناهی و فوق زمان و مکان است. در تصرف خدا و تحت اراده او است. ذات مقدس خداوند که فوقیت وجودی بر مجردات و مادیات دارد. از این اصل نور که عرش او شناخته شده به مواد عالم و اجسام جهان حیات و حرکت می‌دهد. نور عرش یا روح حیات و حرکت که هر دو یک حقیقت‌اند به دو اسم خوانده می‌شوند. از این جهت که در تصرف خداوند متعال‌اند و خداوند با به‌کارگیری این نور و افاضه آن به ذات مواد و اجسام و به موجودات عالم حیات و حرکت و رنگ و زیبایی می‌دهد. از این جهت که در تصرف خداست و خدا بر آن محیط است عرش نامیده می‌شود و از این جهت که ماده و مشتقات آن محاط به نور عرش‌اند و خداوند با نور عرش حیات و حرکت در آن‌ها به وجود می‌آورد کرسی نامیده می‌شود. خداوند متعال با اعمال نور عرش، اجسام جهان ماده و مشتقات آن را در تصرف خود قرار می‌دهد و آن‌ها را به هر شکلی که می‌خواهد می‌سازد و انسان‌ها نور و روشنایی آن را به‌وسیله ماده و اجسام در تصرف خود می‌گیرند. از این جهت نور، زیر و بالای وجودی دارد. بالای آن خدا و زیر آن انسان‌ها. این زیر و بالا به معنای زیر و بالای مکانی نیست که جا و مکان برای خدا درست شود بلکه زیر و بالای وجودی. برای شناختن زیر و بالای وجودی به کتاب توحید از دیدگاه علم مراجعه کنید. زیر و بالای وجودی مانند روح و بدن است. همه جای بدن روح و همه جای روح بدن است مانند زیر و بالای مکانی نیست و

عرش حکومتی خدا که به وسیله آن، حاکم بر کائنات شناخته می شود، ائمه اطهار (ع) انسان های کامل اند. آن ها در وجود و تجهیزات وجودی خود چنان اند که وجود خدا بر آن ها فوقیت وجودی دارد و آن ها بر ماسوای خدا فوقیت وجودی دارند. آن ها بدون واسطه از خدا فیض و برکت می گیرند و ماسوای آن ها به وسیله آن ها از خدا فیض و برکت می گیرند. خداوند به وسیله آن ها بر همه موجودات حکمرانی می کند. به وسیله ائمه اطهار (ع) خلائق را هدایت می نماید پس آن ها علت غایی خلائق اند که اگر نباشند خلقت خلائق لغویت پیدا می کند و خدا منزله است که عمل لغو انجام دهد.

﴿۲۵۸﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالسَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

به داستان نمرود توجه کن که با ابراهیم در اعتقاد به خداوند مجادله می کند که خدا به او پادشاهی داده است ، ابراهیم می گوید: خدای من کسی است که زنده می کند و می میراند گفت: من هم می کشم و نمی کشم ، ابراهیم گفت: خدای من خورشید را از مشرق می آورد تو اگر می توانی از مغرب در آور! نمرود کافر مبهوت شد ، خدا ستم کاران را هدایت نمی کند

﴿۲۵۹﴾ أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَانظُرْ إِلَى حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِلنَّاسِ وَانظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

یا مانند عزیر پیامبر

که از روستایی گذشت و دید همه مردم خاک و استخوان شده اند، گفت: چطور خدا استخوان ها را بعد از مرگ زنده می کند ، در این تفکر خدا جان او را گرفت ، صدسال

مرده بود بعد خدا او را زنده کرد، نفهمید که مرده بوده ، فرشته‌ای به او گفت: چند وقت است این جایی؟، گفت: روزی یا نصف روز ، گفت: نه بلکه صد سال است ، ببین! آب و غذایت سالم است، این استخوان‌ها مال الاغ تو است ، تو را آیتی برای مردم قرار دادیم ، ببین! چطور استخوان‌ها را جمع‌آوری می‌کنیم و گوشت بر آن‌ها می‌رویانیم ، وقتی دید که الاغش زنده شد گفت: دانستم که خداوند به هر کاری توانا است *

* عزیز پیامبر بعد از صدسال که مرده بود زنده شد. آب و غذایش تازه مانده بود، خیال کرد خوابیده و بیدار شده دنبال الاغش می‌گشت که کجا رفته. فرشته‌ای به صورت انسان ظاهر شد به او گفت: همین استخوان‌های پوسیده مال الاغ تو است. گفت: این الاغ صدسال پیش از این مرده است. گفت: تو هم صدسال مرده بودی حالا زنده شده‌ای. اکنون الاغ را خدا زنده می‌کند که گفتی: (إِنِّي يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا) جلو چشمش خاک‌ها تبدیل به گوشت و استخوان شد و الاغش خلق شد و حرکت کرد. سوار شد به خانه‌اش برگشت که دید اوضاع خیلی تغییر کرده. خانواده‌اش قبول نمی‌کردند که او عزیز باشد. اهل خانه گفتند: تو اگر عزیری تورات را بخوان، عزیز تمام تورات را حفظ بوده گفت: من عزیزم، تمام تورات را حفظم، او را به نبوت قبول کردند. لذا گفته‌اند: کدام دو برادر بودند که باهم متولد شدند و باهم مردند، یکی پنجاه سال داشت و دیگری صد و پنجاه سال جواب دادند که عزیز و عزیز بوده‌اند.

﴿۲۶۰﴾ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ قَالَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنُ ۖ قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِن لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي ۖ قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ أَجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ و یا آنجا که ابراهیم گفت: خدایا! به من نشان بده که چطور مردگان را زنده می‌کنی، گفت: مگر ایمان به قدرت من نداری؟ ، گفت: چرا، می‌خواهم اطمینان پیدا کنم ، خدا فرمود: چهار مرغ بگیر به خودت عادت بده بعد ذبح کن ، روی هر کوهی قطعه‌ای از

گوشت‌ها را بگذار، بعد آن‌ها را به طرف خودت صدا بزن، خواهی دید زنده می‌شوند و به سوی تو می‌آیند و بعد که زنده شدند، گفت: خداوند به هر کاری دانا و تواناست

﴿۲۶۱﴾ مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضْعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ کسانی که مال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، مانند دانه گندمی است که می‌کارند می‌روید و هفت خوشه می‌آورد، در هر خوشه صد دانه گندم است، خداوند برای هر کسی بخواهد بیشتر می‌دهد، خدا گشایش‌گر و داناست *

* خدمات و عبادات مانند بذر است که در دل بندگان خدا می‌روید و مهر و محبت به وجود می‌آورد. عبادات در دل آدم محبت و معرفت به خدا ایجاد می‌کند و خدمات در دل مردم محبت می‌سازد و این دو نوع محبت، سرمایه زندگی آخرت است. بهشت منهای محبت خدا و انسان، جهنم است.

﴿۲۶۲﴾ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتَّبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَدَى لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ کسانی که مال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند و دنباله انفاق منت و اذیتی ندارند، اجرشان نزد خدا محفوظ است، نترسند و غم و غصه‌ای نداشته باشند

﴿۲۶۳﴾ قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّنْ صَدَقَةٍ يَتَّبِعَهَا أَدَىٰ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ گفتار خوب و متعارف و گذشت از مردم، بهتر از صدقاتی است که در پی آن منت و اذیت باشد، خدا بی‌نیاز و بردبار است

﴿۲۶۴﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَىٰ كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ

فَأَصَابَهُ وَاِبِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ

ای اهل ایمان! صدقات خود را با منت و اذیت باطل نکنید مانند کسی که مال خود را به ریاکاری انفاق می کند، ایمان به خدا و آخرت ندارد، انفاقش مانند گردوغباری است که روی سنگ نشسته باران تند بر آن ببارد و غبارش را ببرد، آن ها بهره ای از انفاق نمی برند، خدا کافر را هدایت نمی کند

﴿۲۶۵﴾ وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِّنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلَّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

کسانی که مال خود را برای جلب رضای خدا انفاق می کنند اجر الهی را به حساب خود ثبت می کنند و مانند کسانی هستند که بذر و نهال خود را در خاک نرم برآمده از زمین می کارند، باران ملایم و یا تند و آفتاب آن را می پروراند چند برابر محصول می دهد، خداوند به اعمال شما بصیر و بیناست *

* خداوند در این آیه، زراعت کاری مدرن و مجهز را به مردم می آموزد و می فرماید: اگر زمین زراعی خود را به صورت تلی کوچک از سطح زمین درآوردید تا آفتاب اطراف آن را فراگیرد چند برابر محصول می دهد زیرا شعاع آفتاب عامل اساسی پرورش درخت و زراعت است. تل زراعتی را به صورت باران آبیاری کنید و آن را در معرض تابش آفتاب قرار دهید محصول آن زیاد می شود.

﴿۲۶۶﴾ أَيَوَدُّ أَحَدُكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ

کدام

یک از شما دوست دارید که باغی از انگور و خرما و ثمرات مجهز و مفصلی داشته باشید، دوران پیری شما برسد و همراه این ثروت فرزندان ضعیف و ناتوان هم داشته

باشید، به ناگاه تند بادی همراه آتش ثروت شمارا نابود کند؟ (یعنی ریاکاری همان آتش است) ، خداوند این‌طور آیات خود را روشن می‌کند، شاید به فکر خود دریابید که عامل حفظ عمل شما ایمان است *

* یعنی ارث و سرمایه‌ای که از شما برای فرزندان باقی می‌ماند و نتیجه‌بخش است. کارهای خیر و انفاقات مخلصانه شماست که لطف و محبت خدا و مردم را به خانواده شما جلب می‌کند و چند برابر انفاقات شمارا که همان مهر و محبت است به خانواده شما برمی‌گرداند و اولاد شما بیمه خدا هستند؛ اما ریاکاری و رباخواری عامل پیدایش آتش طغیان و عقده مردم است که خانواده شمارا می‌سوزاند.

﴿۲۶۷﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ

ای اهل ایمان! از مال پاک و حلال و ثمرات باغ و زراعت که به شما داده‌ایم در راه خدا انفاق کنید ، انفاق خود را با نیت خبیث و ریاکارانه توأم با منت آلوده نکنید ، چنان انفاقی که شخصیت را می‌کشد و خود شما حاضر نیستید از انفاق کسی توأم با منت استفاده کنید مگر اینکه چشم‌پوشی کنید ، بدانید که خدا غنی و پسندیده است

﴿۲۶۸﴾ الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

شیطان هنگام انفاق شمارا از فقر می‌ترساند، وادار به عمل فحشاء و منکر می‌کند ، خدا شمارا وعده تکامل و ثروت بیشتر می‌دهد ، خداوند گشایشگر و داناست

﴿۲۶۹﴾ يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ

حکمت احکام را به کسی که دوست دارد می‌رساند ، به

هر کسی که حکمت برسد بسیار خیر و برکت می‌رسد ، به جز خردمندان کسی حقیقت را درک نمی‌کند *

* کسانی که به حکمت احکام و به حکمت خلقت و تربیت آگاهی و آشنایی داشته باشند عالم کامل هستند و حکمت چهار کلمه است. کسی که چهار کلمه حکمت را در خلاق و حوادث بداند چنان است که گویی خودش عالم خلقت را طراحی نموده و خودش خلاق را ساخته است. چنین انسانی آزادی مطلق پیدا می‌کند و دیگر احتیاج به راهنمایی و امر و نهی ندارد. کلمه اول حکمت اینکه: خالق آدم و عالم را چنان که هست بشناسد و در شناسایی خالق از طریق تعلیم و تعلم خود مجهولی نداشته باشد و دعای اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ برای او مستجاب شده باشد. خداوند خود را به او معرفی نموده باشد. کلمه دوم حکمت اینکه: اصول اولیه خلقت و مبادی آفرینش را بشناسد که خلاق از چه مبادی و اصولی ساخته شده‌اند. کلمه سوم حکمت اینکه: هندسه ساخت و ساز خلاق و کیفیت ترکیب اصول اولیه را بداند که چگونه آن اصول با یکدیگر ترکیب می‌شوند و این همه خلاق ساخته می‌شوند. کلمه چهارم حکمت اینکه: علت غایی و فواید و عواید نهایی هر مخلوقی را بداند و خدا را منزله بداند از اینکه بدون هدف و عبث خلاق را خلق کند.

﴿۲۷۰﴾ وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِّنْ نَّفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُمْ مِّنْ نَّذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهُ ۗ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِّنْ

أَنْصَارٍ آنچه از مال و خدمات که انفاق می‌کنید و یا نذر و معاهداتی که با خدا

دارید، خدا می‌داند ، ستم کاران بدانند که یاوری ندارند *

* در دین مقدس اسلام همه جا لطف خدا و مردم سرمایه زندگی شناخته شده‌اند. زندگی منهای لطف خدا و مردم جهنم است. شما میلیون‌ها ثروت خود را با تمامی تجهیزات زندگی به بیابان و جنگل انتقال دهید و همه چیز داشته باشید غیر از لطف خدا و انسان. نه زن نه بچه نه هیچ کس ، خواهید دانست که زندگی در حال تنهایی یک جهنم است. پس قدر انسان‌ها را بدانید به آن‌ها ستم نکنید که دوستی آن‌ها تبدیل به دشمنی شود.

﴿۲۷۱﴾ إِنْ تُبَدُّوْا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ ۗ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ

لَكُمْ وَيُكَفِّرُ عَنْكُمْ مِّن سَيِّئَاتِكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ۝۲۷۱

اگر صدقات خود را آشکار برسانید، چقدر خوب است و اگر هم مخفیانه به فقرا بدهید، بهتر است، خداوند بدی های شما را می زداید، او به اعمال شما آگاه است

﴿۲۷۲﴾ لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَن يَشَاءُ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلِأَنفُسِكُمْ وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ

هدایت تکوینی مردم با شما پیامبران نیست، خداوند هر کسی را بخواهد هدایت می کند ، آنچه در راه خدا انفاق می کنید به خودتان برمی گردد، شما مالی را جز در طلب رضای خدا انفاق نکنید ، آنچه انفاق می کنید به خودتان می رسد ، به شما ستم نمی شود و عملتان ضایع نمی شود

﴿۲۷۳﴾ لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِحْثَافًا وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ

به فقرایی بدهید که به دلیل وظیفه شناسی و رعایت دین الهی به فقر افتاده اند و قدرت تلاش بیشتر نداشته اند ، کسی که به حال آنها آشنا نیست به خاطر عفت نفس آنها را غنی می پندارد، فقر آنها به نمایش زندگی شناخته می شود نه به سؤال ، برای حفظ عفت نفس از کسی سؤال نمی کنند ، آنچه از مال خود انفاق می کنید، خداوند به آن آگاه است

﴿۲۷۴﴾ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُم بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

کسانی که مال خود را در راه احیای دین خدا و خدمت به مردم پنهان و آشکار انفاق می کنند، اجرشان پیش خداوند محفوظ است ، نترسند و غم و غصه ای نداشته باشند

﴿۲۷۵﴾ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

زندگی کسانی که از سرمایه خود با

ربا خواری استفاده می کنند، دوام و قوام پیدا نمی کند مگر مانند کسی که شیطان او را مخبط کرده است، آن ها خیال می کنند ربا خواری مانند تجارت است، خداوند ربا را حرام و تجارت را حلال فرموده است، کسی که بعد از ابلاغ حکم حرمت ربا منصرف می شود، گذشته ها مسئولیت ندارد، مقدرات او به دست خداست و کسی که بعد از ابلاغ حکم به ربا خواری ادامه می دهد اهل جهنم است، در آن عذاب مخلد است *

* در دین مقدس اسلام، اقتصاد به این کیفیت مقدر شده است که از طریق تولید و خدمات باشد و فایده برسانند و استفاده کنند زیرا تولید و خدمات عقل انسان را رشد می دهد اما ربا خواری و مفت خواری، ربا خوار و مفت خوار را کودن بار می آورد. وادار به ظلم و ستم می شوند و بار زندگی خود را به دوش مردم می گذارند و عاقبت مبعوض مردم واقع می شوند. لطف خدا و مردم از آن ها سلب می شود و درست نیست عده ای زحمت بکشند و عده ای محصول زحمت آن ها را بچشند.

﴿۲۷۶﴾ يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ

مال ربا را نابود می کند، صدقات را می پروراند، خداوند گناه کاران را دوست نمی دارد

﴿۲۷۷﴾ إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَعَاتَوْا الزَّكَاةَ لَهُمْ

أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

کسانی که اهل ایمان و دارای عمل نافع به حال خود و دیگران اند و با نماز و زکات رابطه با خدا و مردم را حفظ می کنند، اجرشان نزد خدا محفوظ است، نترسند و غم و غصه ای نداشته باشند

﴿۲۷۸﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

ای اهل ایمان! تقوا پیشه کنید و آنچه از ربا باقی مانده رها کنید، اگر ایمان به خداوند دارید

﴿۲۷۹﴾ فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ

أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ اگر رباخواری را ادامه می‌دهید، با خدا و رسول اعلام جنگ می‌کنید، اگر توبه کردید اصل سرمایه را بگیرید، ظلم نکنید مظلوم هم نشوید

﴿۲۸۰﴾ وَإِن كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَن تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ

تَعْلَمُونَ اگر مدیون شما در عسرت و مشقت است، به او مهلت دهید و اگر طلب را از صدقات و انفاقات به حساب آورید، قبول است و خیلی بهتر است

﴿۲۸۱﴾ وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَىٰ اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّىٰ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا

يُظْلَمُونَ بترسید از روزی که مرجع همه شما خداست، آن روز نتیجه کسب و کار شما کامل به شما می‌رسد و به کسی ستم نمی‌شود

﴿۲۸۲﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُبَ

بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَن يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلِيُمِلِّ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلِيَتَّقِيَ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسَ مِنْهُ شَيْئًا فَإِن الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَن يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمِلِّ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ وَأَسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِّن رِّجَالِكُمْ فَإِن لَّمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّن تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَن تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكَّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَىٰ وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا وَلَا تَسْمَؤًا أَن تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلِهِ ذَٰلِكُمْ

أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَأَشْهَدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِنْ تَفَعَّلُوا فَإِنَّهُ فَسُوقٌ بِكُمْ وَأَتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

ای اهل ایمان! اگر با قرض الحسنه یا تجارت از کسی در مدت معینی طلبکار شدید بنویسید، یک نویسنده عادلانه قرض و طلب شما را بنویسد، نویسنده آن چنان که خدا او را به حقوق آشنا کرده از نوشتن خودداری نکند، مدیون هم سند را امضاء کند، تقوا پیشه کنید، حق دائن را رعایت نمایید، اگر مدیون سفیه یا نابالغ است و یا نمی‌تواند امضاء کند، ولی شرعی او سند را عادلانه امضاء کند، از دو نفر مرد عادل که شهادت آنها را می‌پسندید بر قرض و طلب گواه بگیرید، اگر دو مرد نبودند یک مرد و دو زن گواه شوند تا اگر یک نفر از آن دو شاهد فراموش کرد، دیگری به یاد آورد، اگر گواهان به شهادت دعوت شدند از گواهی دادن خودداری نکنند، از گواهی و نوشتن قرض و طلب، بزرگ یا کوچک باشد خسته نشوید، نویسندگی و شهادت در نزد خدا بهتر مایه ظهور عدالت و قوام شهادت بوده و نزدیک‌ترین راه برای رفع شک و شبهه است مگر معاملات دم دست روزمره که احتیاج به کتابت ندارد و لازم نیست نوشته شود، بر معاملات مهم خود شاهد بگیرید، نویسندگان و گواهان را به خسارت نیندازید که علامت فسق و فجور شماست، تقوا داشته باشید، خداوند با این مقررات شما را آموزش می‌دهد، خداوند به هر چیزی داناست *

* مقررات و مقررات بین‌المللی از همین آیه شریفه استخراج شده است. در این آیه خداوند اصول عدالت و تجارت و کتابت را بیان فرموده. ظهور قرآن در جاهلیت عرب مانند ظهور چشمه زمزم در سرزمین خشک کعبه که یک معجزه است. موجودیت اسلام و چهارده معصوم

(ع) و تمامی آثار و وجودشان معجزه است. به تمام وجود و آثار آیت الهی هستند. هر جا که کلمه آیت در قرآن می بینید منظور ائمه اطهارند، آن هاینده که درهای علوم و درهای طبیعت را به روی مردم باز کردند کتاب مغز متفکر جهان شیعه جعفر ابن محمد(ع) را بخوانید تا بدانید چگونه عده ای از دانشمندان فرانسه سرچشمه علوم غرب را مکتب امام صادق(ع) دانسته اند و فرضیه هر علمی را به آن بزرگوار مربوط نموده اند. جابر بن حیان را که یکی از شاگردان آن حضرت بوده است به عنوان پدر شیمی دانسته اند. آن هاینده که مردم را به یک تمدن ایمانی و اسلامی هدایت نموده اند. بهشت موعود در مسیر هدایت آن ها قابل ظهور است.

﴿۲۸۳﴾ وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَنَّ مَقْبُوضَةً فَإِنْ أَتَىٰ بِمِثْلِهَا بَعْضًا فَلَْيُوَدِّ الَّذِي أُؤْتِمِنَ أَمْنَتُهُ وَلِيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ إِثْمٌ قَلْبُهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ

اگر قرض و طلب شما در مسافرت اتفاق افتاد و نویسنده نداشتید مالی را به عنوان رهن به طلبکار بسپارید، اگر مالی به امانت سپردید، شخص امین امانت را به صاحبش برساند، از خدا بترسید، خیانت نکنید، شهادت را کتمان نکنید، اگر کسی شهادت را کتمان کند، قلبش آلوده به گناه می شود، خداوند به اعمال شما آگاه است

﴿۲۸۴﴾ اللَّهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ تُبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ يُحَاسِبْكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

هر چه هست در عوالم آسمان و زمین مال خداست، اگر سری از اسرار خود را پنهان و یا آشکار سازید، خدا همه را به حساب می آورد، هر کسی را بخواهد می آمرزد و هر کسی را بخواهد عذاب می کند، خداوند به هر کاری تواناست

﴿۲۸۵﴾ ءَأَمِنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ ءَأَمِنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْ رُّسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا

وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ خداوند فرمود: رسول خدا به دین و کتابی که بر او نازل شده ایمان آورد، (رسول گفت:) مؤمنین هم به خدا و پیامبران و فرشتگان و کتاب‌های آسمانی ایمان آوردند، (اظهار می‌دارند): ما پیامبران را از یکدیگر جدا نمی‌دانیم، می‌گویند: پروردگارا! دعوت تو را شنیدیم و اطاعت کردیم، تقاضای عفو و غفران داریم، بازگشت همه به سوی تو است

﴿۲۸۶﴾ **لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إَصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ** خدا فرمود: کسی را جز برابر استعدادش مکلف نمی‌کنیم، نیک و بدی انجام دهد برابر آن مجازات می‌شود، (رسول خدا عرض کرد): پروردگارا! از نسیان و خطای ما در گذر، پروردگارا! مسئولیت ما را سنگین نکن، چنان که مسئولیت گذشتگان را سنگین فرمودی، پروردگارا! ما را به عملی که طاقت آن را نداریم مکلف نکن، ما را در پوشش عفو و غفران خود قرار بده، به ما رحم کن، تو مولای ما هستی، ما را بر کفار پیروز گردان *

* دو آیه آخر سوره نمایشگر مذاکراتی است که شب معراج بین خدا و رسول انجام گرفته، خداوند بر اطاعت و ترک معصیت تأکید می‌کند و رسول اکرم (ص) برای گناه کاران امت عفو و غفران می‌طلبد. این چند آیه که مربوط به معراج حضرت رسول (ص) و حالت لِقَاءِ اللَّهِ اوست. گفته‌های آن حضرت با گفته‌های خدا ضمیمه یکدیگر شده و به صورت آیه درآمده است یعنی خداوند سخنان آن حضرت را در حال ملاقات ضمیمه سخنان خود نموده و نازل کرده نه اینکه آن حضرت گفته خود را ضمیمه آیات کند تا کسی بگوید: تصرف در آیات نموده بلکه خداوند سخنان او را ضمیمه آیات نموده است. آنجا که خداوند فرمود: آمَنَ الرَّسُولُ حَضْرَتِ عَرَضِ كَرْدِ: وَالْمُؤْمِنُونَ كُلُّ آمَنَ بِاللَّهِ.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ الف، لام، میم. اشاره به اصول خلقت دارد که عبارت است از: اراده خدا و نور و ماده، پیش از آن که به صورت مخلوقی ساخته شود *

* الف لام میم. حروف مفردة اشاره به اصول اولیه خلایق است. خلایق صنایع خداوند متعال اند. همان طور که صنایع انسان ها اصول اولیه و مصالح ساختمانی لازم را دارد، صنایع خدا نیز اصول اولیه لازم دارد. مثلاً سنگ آهن و مس در معادن اصول صنایع شود، نور، ماده را به نمایش می گذارد و ماده و جرم خورشید و ماه، نور را به نمایش می گذارند و نور خورشید و ماه، جرم آن دو را نمایش می دهند. روح، بدن را به نمایش می گذارد و بدن، روح را. پس اصول اولیه که نور و ماده باشند پیش از ترکیب با یکدیگر قابل نمایش نیستند. اصول در ذات خود مرده اند ولیکن از مسیر ساخت و ساز و حیات، شکل هستند، با ورود در ذهن و زبان و کتابت شکل می گیرند. حروف مفردة قرآن اصول اولیه خلقت را پیش از شکل گیری به نمایش می گذارد. دلیل کمال قرآن در بیان علوم و حقایق همین است که خلایق را از اصول و فروع به نمایش می گذارد و خلایق و معادن خلایق را نمایش می دهد.

﴿۲﴾ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ خدا کسی است واحد و یگانه، جز او خدایی نور و ماده، پیش از آن که به صورت مخلوقی ساخته شود *

* هر چیزی که در علم و یا در عین درآید خدا نیست بلکه مخلوق است. انسان آنچه را به چشم خود می بیند یا به علم خود آن را کشف می کند و یا در شکل و قیافه آن را می بیند و می داند، این هر دو موجود علمی، مخلوق هستند. ائمه (ع) هم فرمودند: كُلُّ مَا صُوِّرَتْهُ بِأَوْهَامِكُمْ فِي إِدْقِ الْمَعَانِي فَهُوَ مَخْلُوقٌ لَكُمْ مَرْدُودٌ إِلَيْكُمْ فَهُوَ تَعَالَى غَيْرَ ذَلِكَ... (توحید شیخ صدوق ص ۷۷) خدا نمونه اشیاء نیست که انسان بر آن احاطه علمی پیدا کند و بدون اجازه در دایره ذات او وارد شود. مولان (ع) در قسمتی از مسائل توحیدی نهج البلاغه می فرماید: به این دلیل خداوند ما را راسخون

در علم شناخته که ما پشت پرده غیب مؤدب ایستاده‌ایم تا خدا خود را به ما معرفی کند. خداوند این ادب ما را که به خود اجازه نمی‌دهیم و خود را عاجز می‌دانیم که به دایره ذات مقدس خدا وارد شویم راسخون در علم شناخته. وجود و ماهیتی را که فلاسفه شناخته و آن را وجود خدا دانسته‌اند، کاملاً به اشتباه رفته و یک بت علمی برای افکار مردم ساخته‌اند. آن وجود، مبدأ خلاق است مانند آب اقیانوس که مبدأ قطرات است، آن وجود هم مبدأ نفرات خلق است. مبدأ و مشتق هر دو یک جنس‌اند. خدا با خلاق خود تباین وجودی دارد نه تجانس وجودی. خدا مُبْدَأ مَبَادِی است (به ضَمِّ مِیم) نه مَبْدَأ نَفَرَاتِ خَلْق (به فَتْحِ مِیم).

﴿۳﴾ نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ

این کتاب حق خالص است، بر تو نازل کردیم آنچه را که حق است تصدیق می‌کند، پیش‌ازین تورات و انجیل را نازل کردیم

﴿۴﴾ مِنْ قَبْلِ هُدًى لِلنَّاسِ وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ

شَدِيدٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ که هدایت‌گر مردم بودند و قرآن را هم نازل کردیم، کسانی که کافر به آیات خدا می‌شوند عذاب سختی دارند، خداوند غالب و انتقام‌گیر است

﴿۵﴾ إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ

خدا کسی است که در آسمان و زمین و در علم عالم و عوام، چیزی از او مخفی نیست

﴿۶﴾ هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

اوست که شمارا در رحم مادر به هر صورتی که بخواهد می‌سازد، خدایی جز او نیست، غالب و حکیم است

﴿۷﴾ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخْرُ

مُتَشَبِهَةٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَبَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ ءَأَمَّنَّا بِهِ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ

خداست که این قرآن را بر تو نازل کرد، بعضی آیات آن حکیمانه و روشن است که آن‌ها اصل علوم است و بعضی شبیه به آن‌ها، کسانی که انحراف قلبی دارند در پی فتنه‌جویی هستند، به دنبال تشابهات می‌روند با اینکه تأویل آن را به جز خدا و راسخون در علم کسی نمی‌داند و آن‌ها به تمام آیات محکم و متشابه ایمان می‌آورند که همه از جانب خداست، به جز خردمندان کسی حقیقت را درک نمی‌کند *

* تمامی مسائل غیبی که با چشم انسان قابل رؤیت نیست و خداوند آن‌ها را تعریف می‌کند از تشابهات است یعنی آنچه غیب است به آنچه قابل رؤیت است تشبیه می‌شود نه اینکه مثل آن باشد. خداوند می‌فرماید: فرشته‌ها آمدند، انسان خیال می‌کند آن‌ها مانند انسان فردند که آمده‌اند. کسانی که موجود غایب را به آنچه می‌بینند قیاس می‌کنند به اشتباه می‌افتند.

﴿۸﴾ رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ

خردمندان عرضه می‌دارند که: پروردگارا! قلب ما را بعد از آن که هدایت نمودی، از حق منحرف نکن، لطف و رحمت خود را به ما برسان، تو بخشنده و مهربانی

﴿۹﴾ رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَّا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ

پروردگارا! تو هستی که مردم را در روز قیامت که شکی در آن نیست، جمع می‌کنی، وعده تو خلاف ندارد

﴿۱۰﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِّنْ شَيْءٍ وَأُولَئِكَ هُمْ وَقُودُ النَّارِ

کفار بدانند که با قدرت و ثروت مقدرات الهی را تغییر نمی‌دهند،

آن‌ها در خط ظلم و کفر، جهنم خود را روشن خواهند کرد

﴿۱۱﴾ كَذَّابٍ ءَالٍ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَآخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ

وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ

مانند روش آل فرعون و گذشتگان آن‌ها که آیات ما را

تکذیب کردند و خدا آن‌ها را به سبب گناهشان عذاب نمود، عقاب الهی شدید است

﴿۱۲﴾ قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سَتُغْلَبُونَ وَتُحْشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمِهَادُ

بگو: به همین زودی مغلوب می‌شوید و بعد از محاکمه به جهنم کشیده خواهید شد ،

چه بد مکتبی است جهنم سازی

﴿۱۳﴾ قَدْ كَانَ لَكُمْ ءَايَةٌ فِي فِئَتَيْنِ الْتَقَتَا فِئَةٌ تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَىٰ كَافِرَةٌ

يَرَوْنَهُمْ مِثْلَيْهِمْ رَأَىٰ الْعَيْنِ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصَرِهِ مَن يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي

الْأَبْصَارِ

داستان دو گروه مکه و مدینه که در برابر هم جبهه گرفتند آیت الهی است

، گروهی در راه خدا و گروهی کافر که مسلمانان را دو برابر خود می‌دیدند ، خدا هر

گروهی را که بخواهد یاری می‌کند ، داستان جنگ بدر برای عقلا درس عبرت است

﴿۱۴﴾ زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ

الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْأَحْرَابِ ذَٰلِكَ مَتَعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ

عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ

مشتهیات به هوای نفس، مثل زنان و فرزندان و کیسه‌های

طلا و نقره و چهار پایان و اسبان و باغ و زراعت در نظر مردم جلوه نموده است ، بگو:

این‌ها متاع دنیای فانی است ، حُسنِ عاقبت به دست خداست

﴿۱۵﴾ قُلْ أُوْنِبْتُكُمْ بِخَيْرٍ مِّنْ ذَٰلِكُمْ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ

تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ

به شما بگویم: خدا برای مؤمن نعمتهایی بهتر از اینها ذخیره کرده است، خداوند اهل تقوا را به علم و قدرتی مجهز می‌کند که از آن، نعمت و لذت مانند نهر جریان پیدا می‌کند، در آن نعمتها مخلد هستند و همسران پاک و پاکیزه و از همه بهتر رضای خدا، خداوند به حال بندگان بصیر است *

* اهل بهشت صاحب اراده كُنْ فَيَكُونِي هستند که هرچه بخواهند می‌شود، این قدرت جنات عدن است که خدا در حدیث نافله، بهشت را این‌طور تعریف می‌کند. جنات عدن، وجود انسانی است که مجهز به اراده كُنْ فَيَكُونِي خداوند متعال است. چنان که در حدیث نافله وعده می‌دهد می‌فرماید: لَا يَزَالُ يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ عَبْدِي بِالتَّوَّافِلِ. پس برای انسان بهشتی که مجهز به اراده خدا است، تمام عالم خلقت، بهشت است. اگر بهشت، باغی در جای معین باشد من که در کل فضا آزادم چطور باغ خود را به فضای نامتناهی همراهم ببرم. خدا من و شما را مجهز به اراده خود می‌کند که هر جا باشیم بهشتیم مانند معجزات انبیاء که هر جا هستند آنچه می‌خواهند دارند.

﴿۱۶﴾ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ اهل تقوا کسانی هستند که می‌گویند: پروردگارا! به تو ایمان آوردیم، نواقص ما را برطرف کن و ما را از عذاب جهنم حفظ کن

﴿۱۷﴾ الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَانِتِينَ وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ کسانی که صبور و راست‌گو هستند در حال نیایش و خواهش‌اند، مال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند و سحرها در حال دعا و استغفارند *

* عفو و غفران در مقابل ذنب و عصیان است. ذنب، گناهی است که از نقص و جودی و جهل انسان پیدا می‌شود مانند گناه کودکان، انسان کم‌استعدادی که نمی‌تواند در برابر جهل خود یا جو حاکم مقاومت کند، به قصور مرتکب گناه می‌شود نه به تقصیر. چنین انسانی مستحق غفران است و بعد از استغفار خدا به او نیرو می‌دهد تا بتواند مقاومت کند؛ اما عصیان، گناه به تقصیر

است. می تواند گناه نکند اما تجرّی دارد. این گناه دل را تیره می کند که احتیاج به عفو دارد، عفو یعنی محو اثر. پس دو لغت ذنب و عصیان از یکدیگر جداست و مترادف نیستند.

﴿۱۸﴾ **شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ** خدا خود گواهی می دهد که جز او خدایی نیست، فرشتگان

و دانشمندان هم گواهی می دهند و اعتراف دارند که خدا قیام به قسط و عدالت دارد، خدایی جز او نیست عزیز و حکیم است *

* شهادت خدا بر وحدانیت خود یک شهادت ذاتی و طبیعی است یعنی از قدرت و علم خدا خارج است که شهادت به خدای دیگری بدهد زیرا خدا یک حقیقت نامتناهی است. جای خالی از خدای موجود پیدا نمی شود که خدای دیگری آنجا باشد و علاوه اگر دو خدا یا بیشتر وجود داشته باشد هر دو محدودند. واحد عددی هستند ناقص اند و خدای ناقص خدا نیست که در خارج وجود خود تصرف ندارد. شهادت ملائکه هم بر وحدانیت همین شهادت نظام آفرینش است. فرشته ها هم برق آفرینش هستند که مردم می بینند همه موجودات مثل چراغ برق روی یک نظام، تاریک و روشن می شوند و معلوم می شود یک مهندس بیشتر ندارد و بر طبق یک علم و هندسه خاموش و روشن می شوند. شهادت علماء هم به همین کیفیت است. زیرا علم خلاف حقیقت را قبول ندارد. راست و دروغ را به عنوان هست و نیست می داند. کجاست خدای دیگری که علم ما آن را پیدا کند و خود را مخلوق او بداند. حس بینایی و دانایی انسان خودش بین انسان و خدا حجاب است. چطور می شود با حجاب پشت حجاب را دید.

﴿۱۹﴾ **إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ الْإِسْلَامِ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ سَرِيعُ الْحِسَابِ** دین

حق و نجات بخش فقط دین اسلام به رهبری امام معصوم (ع) است، اهل کتاب بعد از علم به حقانیت اسلام روی حسد و دنیاطلبی اختلاف به وجود آوردند، کسی که کافر به آیات خدا شد بداند که خداوند سریعاً به حساب او می رسد

﴿۲۰﴾ فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ ءَأَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ

بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ اگر با تو بحث و جدال راه انداختند بگو: من و پیروانم تسلیم خدا شده‌ایم ، به اهل کتاب و اهل مکه بگو: اگر مسلمان شدند هدایت می‌شوند و اگر از قبول حق اعراض کردند وظیفه تو فقط تبلیغ است ، خدا بندگان خود را می‌شناسد

﴿۲۱﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيَّاتِ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ کسانی که کافر به آیات خدا

می‌شوند، پیامبران و کسانی را که امر به معروف و ناهی از منکرند می‌کشند ، آنها را به عذابی بزرگ مزدگانی بده *

* اینجا کلمه بشارت به جای تهدید به کار رفته است، برای اینکه کفار از راهی که خود را موفق می‌دانند، گرفتار جهنم می‌شوند.

﴿۲۲﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ آنها از نتایج اعمال خود در دنیا و آخرت محروم‌اند و کسی آنها را یاری نمی‌کند

﴿۲۳﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يُدْعَوْنَ إِلَى كِتَابِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِّنْهُمْ وَهُمْ مُّعْرِضُونَ بین! عده‌ای از اهل کتاب که بهره‌ای

از کتاب خدا دارند، افرادی هستند که دعوت به کتاب خدا می‌شوند ولی بیشتر از همه به حکم خدا بی‌اعتنایی می‌کنند

﴿۲۴﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَنْ نَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ وَغَرَّهُمْ فِي دِينِهِمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ عقاید خرافی درست کرده‌اند که چند روزی بیش در جهنم نیستند ،

این دروغ‌سازی‌ها آن‌ها را در دین مغرور کرده است

﴿۲۵﴾ فَكَيْفَ إِذَا جَمَعْتَهُمْ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ روزی که همه آن‌ها در قیامت جمع شوند و نتایج اعمالشان ملازم وجودشان شود، آنجا چه حالی دارند، چند روزی معذب‌اند یا تا ابد؟

﴿۲۶﴾ قُلِ اللَّهُمَّ مَلِكُ الْمَلِكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بگو که: ای خدا! مالک پادشاهی‌ها و قدرت‌ها تویی که به هر کس بخواهی پادشاهی می‌دهی و از هر کس بخواهی می‌گیری، هر کسی را بخواهی عزت می‌دهی و هر کسی را بخواهی ذلت می‌دهی، خیر و برکت به دست تو است، به هر کاری توانایی

﴿۲۷﴾ تُؤَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُؤَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَمِيَّتِ وَتُخْرِجُ الْمَمِيَّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ تو هستی که شب را به روز و روز را به شب می‌کشانی، از اصول مرده، زنده می‌سازی و زنده را به مرگ بر می‌گردانی، هر کسی را بخواهی بدون حساب روزی می‌دهی*

* خروج مرده از زنده و زنده از مرده، برهان این حقیقت است که حیات در خلایق اثر ترکیبی است نه اثر ذاتی روح و ماده. پس اشتراک وجود خلق و خالق غلط است زیرا حیات در وجود خدا اثر ذاتی است نه ترکیبی. اگر اصول خلقت که روح و جسم است مانند ذات خدا، حیات ذاتی داشته باشد، خروج حیات از موت و موت از حیات ممتنع است زیرا سلب اثر ذاتی از ذات ممکن نیست. ذاتیات مانند زوجیت برای اربعه قابل سلب و اثبات نیست. ذاتیات به ذات داده نمی‌شود و از ذات گرفته نمی‌شود. اثر ذاتی عین ذات است، قابلیت سلب و اثبات دلیل دوگانگی مسلوب و مسلوب عنه است مانند سلب نور از هوا و روح از جسم. سلب و اثبات حیات از جسم انسان، دلیل این است که حیات و علم و قدرت در نهاد مخلوقات اثر ترکیبی

است نه اثر ذاتی ماده تنها یا روح تنها، لذا مبدأ خلاق پیش از ترکیب دو اصل است، اصل نور و اصل ماده.

﴿۲۸﴾ لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاتًا وَيَحْذَرُكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى الْمَصِيرِ

مؤمنین حق ندارند ولایت اولیاء خدا را کنار گذاشته، کفار را بر خود ولایت دهند، کسی که چنین کند، ارزشی نزد خدا ندارد مگر که این کار به مصلحت باشد که تقیه کند، خدا شما را از مخالفت خود برحذر می‌دارد، آخرین مرجع شما خداست

﴿۲۹﴾ قُلْ إِنْ تُخْفُوا مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تُبْدُوهُ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَيَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

اگر در فکر خود چیزی را پنهان و یا آشکار سازید خدا می‌داند، آنچه در آسمان و زمین است خدا می‌داند، خداوند به هر کاری تواناست

﴿۳۰﴾ يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَيَحْذَرُكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ

که نتایج کار خیر و شرّ خود را ببینند، دوست دارد از عمل شرّ خود بسیار فاصله داشته باشد، خدا شما را از نافرمانی خود برحذر می‌دارد، خداوند به بندگان مهربان است *

* نتایج خیر و شرّ فقط در وجود انسان متمرکز است. نتیجه کار خیر، محبت است که در دل بندگان خدا ایجاد می‌شود و نتایج کار شرّ، بغض و عداوت در دل مظلوم است. مظلوم در آخرت قدرت انتقام پیدا می‌کند و ظالم اگرچه سلطان مقتدری باشد مانند موش مرده زیر

پنجه مظلوم واقع می‌شود در این صورت می‌گوید: ای کاش فاصله بین من و این مظلوم فاصله مغرب و مشرق بود.

﴿۳۱﴾ قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

بگو: اگر شما خدا را دوست دارید از من پیروی کنید، خدا هم شما را دوست می‌دارد و شما را رشد می‌دهد، خدا آمرزنده و مهربان است

﴿۳۲﴾ قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ

بگو: شما از خدا و رسول اطاعت کنید، اگر به خودرأیی رفتید، بدانید که خداوند کافران را دوست نمی‌دارد

﴿۳۳﴾ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَعِيسَىٰ ابْنَ مَرْيَمَ وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَعِيسَىٰ ابْنَ مَرْيَمَ عَلَى الْعَالَمِينَ

خداوند آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر اهل عالم برتری داد

﴿۳۴﴾ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

خانواده‌هایی که از جنس یکدیگر وابستگان به دین خدا هستند، خدا شنوا و داناست

﴿۳۵﴾ إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي ۖ إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

آنجا که همسر عمران عرضه داشت: پروردگارا! نذر کردم بچه رحم من از حق پدر و مادر آزاد و در خدمت خدا باشد، پروردگارا! قبول فرما، تو شنوا و دانایی

﴿۳۶﴾ فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَىٰ ۖ وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذَرَيْتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بعد از وضع حمل عرضه داشت: پروردگارا! دختر زاییدم، خدا داناتر بود که دختر

زاییده، دختر مانند پسر نیست، پروردگارا! دخترم را مریم نامیدم، او را و اولادش را از شرّ شیطان به پناه تو می آورم

﴿۳۷﴾ فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَمْرَأَتُ أُنَىٰ لَكَ هَذَا طَّ قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ خداوند نذر مادر را به وضعی هر چه

بہتر قبول کرد و شجره وجود مریم را هر چه نیکوتر رویانید، زکریا کفالت او را عهده دار شد، زکریا هر وقت برای پذیرایی به محراب می رفت، غذای تازه ای کنار او می دید می گفت: مریم! از کجا این غذا را آورده اند؟، گفت: از جانب خدا، هر کسی را بخواهد بدون حساب روزی می دهد

﴿۳۸﴾ هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ زکریا اینجا متوجه عظمت خدا شد، عرض کرد: پروردگارا! از لطف خود فرزند پاکی به من مرحمت کن، تو خواهش بندگان خود را اجابت می کنی

﴿۳۹﴾ فَنَادَتْهُ الْمَلَايِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيحْيَىٰ مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِّنْ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِّنَ الصَّالِحِينَ فرشتگان او را در حال عبادت صدا زدند که ای زکریا! خدا تو را مژده می دهد که فرزندی به نام یحیی مرحمت کند، او کلمات خداوند را تصدیق می کند، پارسا و پرهیزکار است، پیامبری از بندگان صالح خدا خواهد بود

﴿۴۰﴾ قَالَ رَبِّ أُنَىٰ يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَقَدْ بَلَغَنِيَ الْكِبَرُ وَأُمْرَأَتِي عَاقِرٌ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ زکریا عرض کرد: پروردگارا! چطور برای من فرزندی می شود که

پیری مرا فرا گرفته و همسرم نازاست ، خدا فرمود: همین طور که می گویم، خدا هر چه بخواهد می کند

﴿۴۱﴾ قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً ۖ قَالَ ءَايَتُكَ ءَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمْرًا ۖ

وَأَذْكُرَ رَبِّكَ كَثِيرًا وَسَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَرِ
عرض کرد: پروردگارا! نشانه ای به من مرحمت کن، فرمود: نشانه ات اینکه تا سه شبانه روز جز با ایماء و اشاره نتوانی با کسی تکلم کنی ، صبح و شام به ذکر و تسبیح خدا مشغول باش

﴿۴۲﴾ وَإِذْ قَالَتِ الْمَلٰٓئِكَةُ يَمْرِيْمُ إِنَّ ٱللَّهَ اصْطَفٰكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفٰكِ عَلَىٰ نِسَاءِ

ٱلْعٰلَمِيْنَ
فرشتگان به مریم گفتند: خدا تو را صاف و پاکیزه نمود و تو را بر تمامی زنان عالم برتری داد

﴿۴۳﴾ يَمْرِيْمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاَسْجُدِي وَاَرْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِيْنَ
مریم! به پروردگارت

توجه داشته باش و دائم با بندگان مخلص خدا در سجده و رکوع باش

﴿۴۴﴾ ذٰلِكَ مِنْ اَنْبِآءِ الْغَيْبِ نُوْحِيْهِ اِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ اِذْ يُلْقُوْنَ اَقْلَمَهُمْ اَيْهُمُ

يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ اِذْ يَخْتَصِمُوْنَ
آنچه می گویم، اخبار غیبی غیر قابل کشف است که برای تو بازگو می کنم ، تو آنجا نبودی که خدمه مسجد قرعه کشی می کردند که کدام یک کفیل مریم باشند، نبودی که بینی برای کفالت مریم منازعه دارند

﴿۴۵﴾ اِذْ قَالَتِ الْمَلٰٓئِكَةُ يَمْرِيْمُ اِنَّ ٱللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِّنْهُ اَسْمُهُ الْمَسِيْحُ

عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيْهًا فِى الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِيْنَ
آنجا که فرشتگان مریم را صدا زدند که ای مریم! خدا تو را به فرزندی پاک بنام مسیح مژده می دهد،

عیسی مسیح فرزند مریم، آبرومند در دنیا و آخرت و از مقربین درگاه خدا *

* بزرگ‌ترین دلیل عظمت روحی و مقامی حضرت مریم این بود که وعده خدا را تصدیق کرد که می‌تواند بدون شوهر فرزندی به او مرحمت کند و او را به مقام بزرگی برساند، به کرسی عزت بنشاند. افکار تاریخ، حمل زن بدون شوهر را باور نمی‌کند و قدرت درک آن را ندارد مگر افکار بسیار بالا که مجهز به روح‌القدس است. مریم با خدا سخن می‌گوید و صدای فرشتگان را می‌شنود. خداوند او را با کلمه صدیقه تعریف می‌کند و می‌فرماید: وَصَدَقْتَ بِهٖ كَلِمَةً رَبِّهَا.

﴿۴۶﴾ وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ در پیری و کودکی با

مردم سخن می‌گوید، مؤمن و شایسته است

﴿۴۷﴾ قَالَتْ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمَسَّسْنِي بَشَرٌ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ مریم عرض کرد: پروردگارا!

چطور برای من فرزندی می‌شود با اینکه با مردی تماس ندارم، خدا فرمود: همین‌طور بدون سبب، خدا وقتی کاری را بخواهد می‌شود

﴿۴۸﴾ وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ مریم! بدان که خدا به او

کتاب و حکمت می‌آموزد، تورات و انجیل به او یاد می‌دهد

﴿۴۹﴾ وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِبَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِّنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِي وَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ

لَآيَةً لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ او را به سوی بنی‌اسرائیل رسالت می‌دهد که‌ای

بنی‌اسرائیل! من با معجزات از جانب خدا آمده‌ام، من از گل‌ها کبوتر می‌سازم به آن

جان می‌دهم، به اذن خدا به پرواز درمی‌آورم، مرض‌های کوری و برص را به اذن خدا شفا می‌دهم، مرده را به اذن خدا زنده می‌کنم، از آنچه در خانه ذخیره می‌کنید خبر می‌دهم، این اعمال، معجزات من است اگر ایمان به خدا دارید

﴿۵۰﴾ وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَلِأَجْلِ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ وَجِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا تورات را قبول دارم و آن را تصدیق می‌کنم، بعضی محرمات را حلال می‌کنم، همراه آیات و معجزات آمده‌ام، از مخالفت حق بترسید، از من اطاعت کنید

﴿۵۱﴾ إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ پروردگار من و شما خداست، او را بپرستید که راه راست این است

﴿۵۲﴾ فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَى مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَىٰ ط قَالَ الْحَوَارِيُّونَ فَنَحْنُ أَنْصَارُ بَ ءَامَنَّا بِ وَأَشْهَدُ بِأَنَا مُسْلِمُونَ وقتی که عیسی احساس کرد بنی‌اسرائیل کافر به او هستند، اراده کرد یاران خود را از عموم جدا کند، گفت: چه کسی ما را در حرکت به سوی خدا یاری می‌کند، حواریون گفتند: ما یاران خدا هستیم، ایمان به خدا آوردیم، گواه باش که ما مسلمانیم

﴿۵۳﴾ رَبَّنَا ءَامَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ حواریون عرض کردند: پروردگارا! ما به دینی که نازل کردی ایمان آوردیم، از این پیامبر پیروی نمودیم، نام ما را در دفتر حق‌جویان ثبت کن

﴿۵۴﴾ وَمَكْرُوهًا وَمَكْرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَكْرِينِ بنی‌اسرائیل تا توانستند علیه او مکر و حيله به کار بردند، خدا با مکر خود، کید و مکر آنها را شکست داد، خدا

بهترین مکار است

﴿۵۵﴾ **إِذْ قَالَ اللَّهُ يٰعِيسَىٰ إِنِّي مُتَوَفِّيكَ وَرَافِعُكَ إِلَيَّ وَمُطَهِّرُكَ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَجَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ۗ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ** خداوند به عیسی فرمود که ای عیسی! من تو را از این جامعه فرا می‌گیرم، به سوی خود می‌برم و از این تهمت‌ها تو را پاکیزه می‌گردانم، تا قیامت پیروان تو را بر کافران به تو برتری می‌دهم، پس از آن در قیامت مرجع شما خواهم بود و در اختلافاتی که باهم دارید، قضاوت می‌کنم *

* روایات صریح است که در ظهور امام زمان (عج) دین اسلام بشریت را فرامی‌گیرد و دین دیگری وجود ندارد. پس در این آیه، قیام آن حضرت قیامت شناخته شده است. بعد از قیام امام زمان (عج) و ظهور حکومت جهانی و ابدی آن حضرت، دین دیگری جز اسلام به رهبری امام معصوم (ع) وجود ندارد که فرمود: **وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينَ كُلُّهُ لِلَّهِ** (بقره ۱۹۳). پس یهودیت و نصرانیت و ادیان دیگر وجود ندارد و اگر وجود داشته باشد چه ظمی برای بشریت از وجود دین‌های باطل بالاتر است. کل بشریت مسلمان شیعه‌اند و بقیه در استیصال، (أَيِّنْ مُسْتَأْصِلُ أَهْلِ التَّفَاقِ وَالتَّضَلِيلِ). خداوند در این آیه به حضرت عیسی (ع) می‌فرماید: پیروان تو ای عیسی تا روز قیامت بر غیر پیروان تو برتری دارند، اگر قیامت بعد از ظهور امام باشد لازم است نصرانیت و ادیان دیگر بعد از قیام وجود داشته باشند و علاوه عدالت جهانی، خط عدالت لازم دارد و آن خط فقط دین اسلام به رهبری امام معصوم (ع) است. پس بزرگ‌ترین ظلم به بشریت این است که در دینی غیر از دین مقدس اسلام باشند. بنابر نص این آیه شریفه؛ قیام آن حضرت قیامت است که فرمودند: **لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ**.

﴿۵۶﴾ **فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَأَعْدِبْهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِّن نَّاصِرِينَ** اما کافران به دین خدا را در دنیا و آخرت سخت عذاب می‌کنم، کافران به دین تو بدانند که آن‌ها یابوری نخواهند داشت

﴿۵۷﴾ **وَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ**

الظَّالِمِينَ و اما پاداش اهل ایمان و عمل صالح را به آنها می‌رسانم ، خداوند ظالمین را دوست نمی‌دارد

﴿۵۸﴾ **ذَلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ وَالذِّكْرِ الْحَكِيمِ** این آیات، برنامه‌های

حکیمانه است که برای تو تلاوت می‌کنیم

﴿۵۹﴾ **إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ كَمَثَلِ ءَادَمَ ۖ خَلَقَهُ مِن تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ**

فَيَكُونُ داستان عیسی و تولد او مانند آدم است که خداوند با اراده (كُنْ فَيَكُونِ) خود بدون پدر و مادر او را از خاک آفرید

﴿۶۰﴾ **الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَلَا تَكُن مِّنَ الْمُمْتَرِينَ** حق آن است که از پروردگار تو

می‌رسد، مبادا شک داشته باشی

﴿۶۱﴾ **فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِن بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا**

وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَل لَّعْنَتَ عَلٰى

الْكٰذِبِينَ بعد از علم به حقانیت خود اگر پیشوایان مسیحی حجت تو را نمی‌پذیرند

بگو: بیاید هر یک خانواده خود را از پسران و زنان و آن که به منزله جان ما است

بیاوریم در پیشگاه مقدس خدا بنالیم و تقاضا کنیم که لعنت خود را بر آن کسی که

کاذب است فرود آورد *

* رسول خدا(ص) به جای ابنا و نسا و انفس، حسنین(ع) و زهرا(س) و علی(ع) را حاضر کرد، آن‌ها

ترسیدند و گفتند: چهره‌های نورانی را می‌بینیم اگر نفرین کنند، مسیحیت نابود می‌شود.

﴿۶۲﴾ **إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ وَمَا مِن إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ**

داستان‌های حق است که بازگو می‌شود، خدایی به‌جز خدا نیست، غالب و حکیم است

﴿۶۳﴾ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِالْمُفْسِدِينَ اگر بازهم با خودرأیی از دین خدا اعراض کردند، خدا مفسدین را می‌شناسد

﴿۶۴﴾ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ به عموم اهل کتاب اعلام کن! بیاید همه بر یک کلام که آن را قبول داریم اتحاد کنیم، به‌جز خدا کسی را نپرستیم، کسی را شریک او نسازیم، ارباب پرستی غیر خدا را کنار بگذاریم، اگر از این منطق اعراض کردند، بگو: گواه باشید که ما تسلیم حقیق

﴿۶۵﴾ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تُحَاجُّونَ فِي إِبْرَاهِيمَ وَمَا أُنزِلَتِ التَّوْرَةُ وَالْإِنْجِيلُ إِلَّا مِنْ بَعْدِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ای اهل کتاب! چرا درباره ابراهیم خلیل با ما بحث می‌کنید که او را از خود بدانید با اینکه تورات و انجیل بعد از او نازل شده است، چرا عاقلانه سخن نمی‌گویید

﴿۶۶﴾ هَآأَنْتُمْ هَآؤِلَآءِ حَآجَجْتُمْ فِيمَا لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَآجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ شما بحث‌هایی را مطرح کنید که می‌دانید (دین و کتاب خود را)، چرا علمی را که نمی‌دانید بحث می‌کنید، خدا ابراهیم را می‌شناسد و شما نمی‌شناسید

﴿۶۷﴾ مَا كَانَ إِبْرَاهِيمُ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ

الْمُشْرِكِينَ ابراهیم یهودی و نصرانی نبود که از شما باشد، او مردی مسلمان و متکی به خدا بود، هرگز شرک به خدا نیاورد

﴿۶۸﴾ **إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ** نزدیک‌ترین افراد به ابراهیم کسانی بودند که از او پیروی کردند و این پیامبر و مؤمنین اولی به او هستند، خدا هم اولی به اهل ایمان است

﴿۶۹﴾ **وَدَّتْ طَّائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّوكُمْ وَمَا يُضِلُّوكُمْ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ** عده‌ای از اهل کتاب دوست دارند که اگر بتوانند شما اهل ایمان را گمراه کنند، آن‌ها خودشان را گمراه می‌کنند و شعور ندارند

﴿۷۰﴾ **يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ** بگو: ای اهل کتاب! با اینکه شاهد حقانیت من هستید، چرا کافر به آیات خدا می‌شوید؟

﴿۷۱﴾ **يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ** ای اهل کتاب! چرا حق را به لباس باطل می‌آرایید؟، حق را کتمان می‌کنید با اینکه می‌دانید چه می‌کنید

﴿۷۲﴾ **وَقَالَتْ طَّائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ ءَامِنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَجْهَ النَّهَارِ وَآكُفُرُوا ءَاخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ** طایفه‌ای از اهل کتاب به یکدیگر سفارش می‌کنند که شما روزها در برابر مؤمنین تظاهر به ایمان کنید و شب‌ها پیش خود کافر به آن‌ها باشید، شاید آن‌ها از دین خود برگردند

﴿۷۳﴾ **وَلَا تُؤْمِنُوا إِلَّا لِمَنْ تَبِعَ دِينَكُمْ قُلْ إِنَّ الْهُدَىٰ هُدَىٰ أَنْ يُؤْتَىٰ أَحَدٌ مِّثْلَ**

مَا أُوْتِيتُمْ أَوْ يُحَاجُّوْكُمْ عِنْدَ رَبِّكُمْ قُلْ إِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ يُوْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

باید ایمان به کسانی داشته باشید که دین شما را قبول داشته باشند، به آنها بگو: من و شما مطرح نیست، فقط هدایت خدا درست است، اگر بخواهد به دیگران کتابی مانند شما می‌دهد تا به وسیله او حجت بر شما تمام شود، فیض بعثت به دست خداست، هر کسی را بخواهد مجهز می‌کند، خداوند گشایشگر و داناست

﴿۷۴﴾ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ خداوند لطف و رحمت خود را به هر کسی بخواهد اختصاص می‌دهد، فضل و رحمت او نامتناهی است

﴿۷۵﴾ وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدِّيهِ إِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدِّيهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيَّنَ سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى الْكُذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ بعضی از اهل کتاب امین هستند، چنان که اگر انبانی پر از جواهرات به آنها بسپاری به صاحبش برمی‌گردانند و بعضی چنان خائن‌اند که دیناری را به صاحبش نمی‌رسانند مگر که نظارت در کار باشد، خیال می‌کنند در خیانت به غیر اهل کتاب محکوم نیستند، عمداً به خدا دروغ می‌بندند

﴿۷۶﴾ بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ آری کسی که تقوا پیشه کند و به عهد خود وفا نماید، خدا اهل تقوا را دوست دارد

﴿۷۷﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ لَا خَلْقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ کسانی که عهد خدا و پیمان مردم را به طعمه دنیا می‌فروشدند، در آخرت

بهره‌ای ندارند ، خدا به آن‌ها اعتنا نمی‌کند و شجرهٔ زندگی آن‌ها را نمی‌پروراند، عذابی الیم در انتظار آن‌هاست

﴿۷۸﴾ وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُودُونَ أَلْسِنَتَهُم بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ وَيَقُولُونَ عَلَى الْكُذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ

بعضی از آن‌ها با توجیهاات غلط مقاصد خود را به کتاب خدا نسبت می‌دهند با اینکه به کتاب خدا مربوط نیست، می‌گویند: قانون الهی است با اینکه قانون الهی نیست، به خدا دروغ می‌بندند، با اینکه می‌دانند

﴿۷۹﴾ مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ وَلَٰكِنْ كُونُوا رَبَّانِيِّينَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ

ممکن نیست خدا کسی را به نبوت انتخاب کند، حکم و کتاب به او بدهد اما او مردم را به پرستش خودش دعوت کند و بگوید: بنده من باشید بلکه او به مردم می‌گوید: همه شما کتاب خدا را بیاموزید، عالم ربانی باشید

﴿۸۰﴾ وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا أَيَأْمُرُكُمْ بِالْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ

هرگز خدا و پیامبران به شما اجازه نمی‌دهند که فرشتگان و پیامبران را ارباب خود بشناسید ، چطور می‌شود بعد از مسلمانی شما را به کفر بکشاند

﴿۸۱﴾ وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِءِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ

خداوند از هر پیامبری بعد از بعثت عهد و پیمان گرفت که وقتی به شما کتاب و مأموریت دادم

و به شما خبر دادم که آخرین پیامبر بعد از شما می آید، دین و کتاب شما را تصدیق می کند، شما وظیفه دارید دین و مرام او را تبلیغ کنید و به او ایمان بیاورید، به آنها گفتم که: به عهد و پیمان من اقرار نمودید و بار مسئولیت آخرین پیامبر را پذیرفتید، گفتند: آری، اقرار کردیم، خدا فرمود: گواه این عهد و پیمان باشید ما هم گواهیم *

* پیامبران و اولیاء خداوند یک حزب متحد و متقی و مأمور خدا هستند که همه یک جور و یکنواخت دین خدا را مطرح می کنند. پیامبران گذشته آینده ها را تعریف و تصدیق می کنند و پیامبران آینده مانند قرآن، تمامی پیامبران گذشته را تصدیق می کنند. این اختلافات در ادیان را مردم به وجود آورده اند. همه پیامبران گذشته، پیامبر اسلام و ائمه اطهار(ع) را تعریف و تصدیق کرده اند و مخصوصاً امام زمان(عج) را که فرج اهل عالم و همه انبیاء به دست اوست، تبلیغ و ترویج نموده اند و همه آنها فرج خود را به دست آن حضرت می دانند. آنجا که لوط نبی در محاصره بی حیایی مردم قرار می گیرد می گوید: لَوْ كَانَ لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أَوْ آوَى إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ. معصوم(ع) این آیه را تفسیر می کند که: لوط آرزو کرد: ای کاش دستش به دامن امام زمان(عج) می رسید. هر پیامبری در زمان امام زمان(عج) زنده می شود و امت مستحق شفاعت خود را به دایره حکومت آن حضرت می کشاند. روایات صراحت دارد که حضرت عیسی همراه آن حضرت است. دلیلی ندارد که عیسی همراه آن حضرت باشد و دیگران نباشند. سرنوشت همه ملت ها و امت ها در تقدیر خدا یکی است. همان طور که زندگی دنیا برای همه کس بوده، آخرت هم برای همه خواهد بود. از جمله یاران آن حضرت اصحاب کهف و ابوذر و سلمان است. مولا(ع) به کمیل ابن زیاد می فرماید: يَا كَمِيلُ لَا بُدَّ لِمَا ضَيْكُم مِّنْ أُوْبَةِ وَلَا بُدَّ لَنَا فِيهِمْ مِّنْ عَلْبَةٍ. یعنی چاره ای نیست، باید همه امت های گذشته به زندگی برگردند و ما آل محمد(ع) بر آنها حکومت کنیم. حکومت امام زمان(عج) حکومت خدا و ائمه اطهار(ع) است و همان حکومت عظیمی است که خدا فرمود: وَ آتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا (نساء ۱۵۴). ملک عظیم یعنی سلطنت بدون مرز. نه مرز زمانی دارد نه مرز مکانی. همه انبیاء در زمان او زنده می شوند و امت خود را شفاعت می کنند. دلیل قیامت بودن قیام آن حضرت همین است که به صراحت روایات، در قیام آن حضرت در توبه بسته می شود. اگر قیام او از نوع حکومت دنیا باشد باید در توبه باز باشد و مردم آزادانه

زندگی کنند، پس باین آزادی چگونه عالم پراز عدل و داد می شود.

﴿۸۲﴾ **فَمَنْ تَوَلَّى بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ** بعد از این عهد و پیمان،

کسانی که از دین خدا اعراض می کنند، فاسق اند

﴿۸۳﴾ **أَفَغَيْرَ دِينٍ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ**

يُرْجَعُونَ آن ها در پی دینی سواى دین خدا هستند، با اینکه اهل آسمان ها و زمین

خواسته و ناخواسته تسلیم خدا هستند، آخرین مرجع آن ها خداست

﴿۸۴﴾ **قُلْ ءَامَنَّا بِ وَمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ**

وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَالنَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ

مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ای پیامبر! تو و پیروانت بگوئید: ما به دینی که بر

خودمان نازل شده ایمان می آوریم، به دین ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و

اسباط و به دینی که از پروردگار بر موسی و عیسی و پیامبران دیگر نازل شده ایمان

می آوریم، پیامبران یک راه و یک دین اند، آن ها را از یکدیگر جدا نمی دانیم، همه

تسلیم خدا هستند

﴿۸۵﴾ **وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَن يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَسِرِينَ**

کسی که در جستجوی دینی غیر از دین اسلام باشد، از او قبول نمی شود و در آخرت

زیان کار است

﴿۸۶﴾ **كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَشَهِدُوا أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ**

وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ چگونه ممکن است خدا کسی

را که بعد از ایمان کافر به او شده هدایت کند، یعنی کسانی که شاهد حقانیت رسول

خدا و این همه معجزات بوده‌اند ، خداوند ستم کاران را هدایت نمی کند (یعنی نمی شود)

﴿۸۷﴾ **أُولَئِكَ جَزَاؤُهُمْ أَنَّ عَلَيْهِمْ لَعْنَةَ وَالْمَلَكِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ** مجازات

آن‌ها همین است که مشمول لعنت خدا و فرشتگان و مردم واقع شوند

﴿۸۸﴾ **خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ** این عذاب که

نتیجه واگذاری انسان به خود اوست، سبک نمی شود ، مهلت و فرصت هم با ظهور مرگ یا قیامت از آن‌ها گرفته می شود

﴿۸۹﴾ **إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ** مگر کسانی

که بعد از کفر و گناه توبه کنند و خرابی‌های کفر و گناه خود را اصلاح نمایند، خداوند بعد از توبه و اصلاح آمرزنده و مهربان است *

* توبه به معنای برگشت از بی‌راهه به راه و به معنای این است که مرض گناه را بشناسی و برای معالجه آن به خدا پناه ببری تا خدا معالجه کند. شفابخش مرض گناه فقط خداست.

﴿۹۰﴾ **إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ ثُمَّ أَزْدَادُوا كُفْرًا لَنْ نُقَبِّلَ تَوْبَتَهُمْ وَأُولَئِكَ**

هُمْ الضَّالُّونَ کسانی که بعد از ایمان کافر به خدا می شوند و بر کفر خود می افزایند، توبه آن‌ها قبول نمی شود، چون که آن‌ها گمراه‌اند (توبه به معنای برگشت به راه است)

﴿۹۱﴾ **إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يُقَبَّلَ مِنْ أَحَدِهِمْ مِثْلُ الْأَرْضِ**

ذَهَبًا وَلَوْ أَفْتَدَىٰ بِهِٗٔ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ کسانی که کافر به خدا می شوند و در حال کفر می میرند اگر برابر وزن زمین جریمه بدهند قبول نمی شود چرا که آن‌ها گمراه‌اند (توبه، فاسد را اصلاح می کند نه جریمه) ، عذابی دردناک

در انتظار آن‌هاست و یار و یاورى ندارند

﴿۹۲﴾ لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ

عَلِيمٌ شما مردم بدانید که هرگز به نیک بختی نمی‌رسید مگر که از آنچه دوست

دارید در راه خدا انفاق کنید و از آنچه انفاق می‌کنید خداوند آگاه است (انفاق، کادویی

است که به خدا می‌دهید که باید بهترین‌ها باشد)

(جزء ۴) ﴿۹۳﴾ كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حِلالًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَى

نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنزَلَ التَّوْرَةُ قُلْ فَأَتُوا بِالتَّوْرَةِ فَأَتَلُوهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

کلیه طعام‌ها برای بنی اسرائیل حلال بود مگر آنچه را اسرائیل (حضرت یعقوب) پیش از

نزول تورات بر خود حرام کرد ، به یهودیان بگو: تورات را بیاورید و بخوانید اگر

راست می‌گویید خدا حلالی را که شما می‌گویید، حرام کرده است *

* اسرائیل، حضرت یعقوب است که از نظر طبی گوشت شتر را بر خود حرام کرده بود.

یهودیان خیال کرده بودند که حرمت دینی بوده لذا خدا فرمود: إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَى نَفْسِهِ.

﴿۹۴﴾ فَمَنْ أَفْتَرَى عَلَى الْكَذِبِ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ کسی که

بعد از آگاهی به حلال و حرام واقعی به خدا دروغ ببندد، ظالم خواهد بود

﴿۹۵﴾ قُلْ صَدَقَ اللَّهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ به

یهودیان بگو: خدا راست می‌گوید ، شما از دین مترقی ابراهیم پیروی کنید که هرگز

مشرك نبوده است

﴿۹۶﴾ إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ اولین

مسجد که برای عبادت مردم ساخته شد، خانه کعبه بود (پس قبله واقعی اولین مسجد

است)، خانه‌ای است پُر برکت و هدایت‌گر اهل عالم

﴿۹۷﴾ فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مِّمَّا قَامَ إِبْرَاهِيمُ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا **وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ**
الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ در این
 خانه آیات الهی زیاد است از آن جمله موقعیت تاریخی ابراهیم، هر کس به زیارت
 خانه برود، از خطرات دینی در امن و امان است، حق خدا بر مردم است که در صورت
 استطاعت به زیارت خانه بروند، هر کس کافر شود، بداند که خداوند متعال از
 عالمیان بی‌نیاز است

﴿۹۸﴾ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ **وَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا تَعْمَلُونَ** بگو:
 ای اهل کتاب! چرا با این همه آیات و معجزات کافر به خانه خدا و اسلام می‌شوید با
 اینکه خداوند گواه اعمال است

﴿۹۹﴾ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ مَنْ ءَامَنَ تَبْغُونَهَا عِوَجًا وَأَنْتُمْ
شُهَدَاءُ وَمَا اللَّهُ بِغَفِيلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ بگو: ای اهل کتاب! چرا اهل ایمان را از راه
 خدا بازمی‌دارید و این راه را غلط می‌دانید با اینکه شاهد حقانیت آن هستید، خداوند
 از اعمالتان غافل نیست

﴿۱۰۰﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَطِيعُوا فَرِيقًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُمْ بَعْدَ
إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ ای مسلمانان و اهل ایمان! اگر از روش بسیاری از اهل کتاب
 پیروی کنید شما را بعد از ایمان، به کفر می‌کشاند

﴿۱۰۱﴾ **وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ آيَاتُ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ وَمَنْ**
يَعْتَصِمِ بِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ چگونه کافر به آیات خدا می‌شوید با

اینکه آیات خدا برای شما تلاوت می‌شود و رسول خدا در میان شماست ، کسی که به آیات خدا و رسول متوسل شود، بداند که به راه راست هدایت یافته است

﴿۱۰۲﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ

ای اهل ایمان! آن‌چنان که شایسته تقواست از خدا بپرهیزید و در حال مسلمانی از دنیا بروید

﴿۱۰۳﴾ وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ عَلَيْنِمْ إِذْ كُنْتُمْ

أَعْدَاءَ فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ ءَايَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ همه

شما به ریسمان خدا (که توسل به رسول(ص) و ائمه(ع) است) متمسک شوید و از دایره ولایت خارج نشوید ، ولایت را که نعمت بزرگ خداست، فراگیرید، یادتان باشد که چگونه با یکدیگر دشمنی داشتید، خدا به برکت نعمت ولایت، قلب شما را به یکدیگر الفت داد و آن دشمنی‌ها تبدیل به دوستی شد، در لبه آتش بودید شما را نجات داد ، خدا این‌طور حقایق را روشن می‌کند شاید هدایت یابید *

* وحدت انسان‌ها با یکدیگر ملاک وحدت لازم دارد. ملاک وحدت، اصلی است نامتناهی و فراگیر که می‌تواند تمامی افراد بشر و همه کائنات را در دایره ولایت و برکات وجودی خود قرار دهد و آن‌ها را به تمام مقاصد مادی و معنوی خود برساند به‌طوری‌که هیچ‌کس احساس کمی و کمبودی ننماید و همه‌کس برابر ظرفیت مادی و معنوی خود به آنچه می‌خواهد یا ممکن است بخواهد نائل شود، یک‌چنین ملاک وحدت فراگیر فقط ذات مقدس خداوند متعال است که همچون یک اقیانوس نامتناهی است. همه‌چیز و همه‌کس را در دایره ولایت و برکات وجودی خود فراگرفته و همه‌کس را از برکات مادی و معنوی خود اشباع می‌کند. به‌طوری‌که کسی برابر استعداد وجودی خود احساس کمی و کمبودی ننماید. یک‌چنین ملاک وحدت فقط

دایره ولایت و تربیت خداوند و انسان‌های کاملی است که به‌عنوان خلافت و وساطت بین او و خلائق شناخته شده‌اند ولیکن جمادات و نباتات و حیوانات و انسان‌های فاقد ظرفیت یا ناقص ظرفیت، نمی‌توانند عامل وحدت افرادی باشند که از آن‌ها بهتر و بالاترند و حتماً وابستگان خود را در محرومیت قرار می‌دهند و نمی‌توانند عامل توحید و وحدت باشند. این است یکی از دلایل حرمت شرک و پناهندگی به غیر خدا که ظرفی محدود و متناهی هستند و در ذات خود نیازمند به وابستگان خود هستند و نمی‌توانند آن‌ها را بی‌نیاز کنند. پس وحدت در خارج ولایت خدا و واسطه‌های کامل او قابل‌ظهور نیست. ذات نیافته از هستی‌بخش - کی تواند که شود هستی‌بخش. أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ.

﴿۱۰۴﴾ وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ لازم است گروهی در میان شما باشند و مردم را

امر به کار خیر کنند، امر به معروف و نهی از منکر نمایند، این گروه مفلح و رستگارند

﴿۱۰۵﴾ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ شما مسلمانان مانند گذشتگان نباشید که وحدت دینی خود را

به هم زدند، متفرق شدند و با آن‌همه دلایل وحدت، اختلاف پیدا کردند، مستحق عذابی بزرگ شدند

﴿۱۰۶﴾ يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ یعنی عذاب قیامت که بعضی

روسفید و آبرومند هستند و بعضی روسیاه، بندگان آبرومند به روسیاهان می‌گویند: آیا بعد از ایمان، کافر به خدا شدید؟، این است عذابی که نتیجه کفر شماست

﴿۱۰۷﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ أَبْيَضَتْ وُجُوهُهُمْ فَمِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ اما آن‌ها که آبرومندند، متنعم به رحمت خدا و در آن جاویدند

﴿۱۰۸﴾ تِلْكَ آيَاتُ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعَالَمِينَ این

آیات خداست که به حق برای تو تلاوت می‌شود، خداوند به کسی ستم نمی‌کند *

* اگر کسی بگوید: خداوند کفار را از مدت کفری که داشته‌اند بیشتر عذاب می‌کند، آن‌ها هفتاد یا هشتاد سال کافر بوده‌اند، چطور خدا تا ابد آن‌ها را عذاب می‌کند؟ جواب اینکه اولاً: عذاب‌های آخرت همین عذاب‌هایی است که در دنیا ساخته و به جان خود و مردم انداخته‌اند. هر کس به هر کیفیتی که مُرده به همان کیفیت زنده می‌شود. زخمی‌ها با همان درد جراحت و سوخته‌ها با همان حرارت. کار خداوند این است که ظالم و مظلوم را در آخرت زنده می‌کند و برابر هم قرار می‌دهد تا عدالت را به‌طور کامل اجرا کند. به مظلوم قدرت انتقام می‌دهد و مظلوم قدرت پیدا می‌کند عین عذابی که از ظالم در وجود خود ثبت نموده با اراده (نه با اسباب و ابزار) به وجود ظالم انتقال دهد. مثلاً ظالم، مظلوم را آتش زده یا زخم زده مظلوم حرارت آتش و درد زخم را به ظالم انتقال می‌دهد و ظالم بعد از تحویل گرفتن آثار ظلم اگر رابطه معرفتی به خدا داشته باشد ممکن است از خدا شفا بخواهد و خدا او را شفا می‌دهد ولی چون معرفت به خدا ندارد، نمی‌تواند از لطف خدا استفاده کند و اگر خدا بدون تقاضا او را شفا دهد در جهل خود باقی می‌ماند که قابل اصلاح نیست. نظام انسانی فقط از طریق رابطه با خدا و خواهش از او بر اساس معرفت قابل وقوع است.

﴿۱۰۹﴾ وَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِلَىٰ تُرْجَعُ الْأُمُورُ هر چه هست در

آسمان‌ها و زمین مال خداست (احتیاج به ستم ندارد)، بازگشت تمامی امور به سوی خداست

﴿۱۱۰﴾ كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ

وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ لَئِنْ لَمْ يَأْتِكُمْ بَأْسٌ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ وَأَكْثَرُهُمْ

الْفَاسِقُونَ شما امت مسلمان (به رهبری ائمه اطهار(ع)) بهترین امت‌ها هستید که

برای مردم ظاهر شدید، مردم را به نیکی امر و از بدی‌ها باز می‌دارید، به خدا ایمان

می آورید، اگر اهل کتاب مانند شما ایمان بیاورند، برای آن‌ها بهتر است، عده‌ای ایمان می آورند و اکثر آن‌ها فاسق هستند

﴿۱۱۱﴾ لَنْ يَضُرُّوكُمْ إِلَّا أَذَىٌّ وَإِنْ يَقْتُلُوكُمْ يُولُوكُمْ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ از

آن‌ها نترسید، نمی‌توانند به شما ضرری بزنند، فقط اذیت می‌کنند، اگر با شما بجنگند فرار می‌کنند، مستحق نصرت خدا نیستند

﴿۱۱۲﴾ ضَرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ أَيْنَ مَا تُقِفُوا إِلَّا بِجَبَلٍ مِّنْ وَحْبَلٍ مِّنَ النَّاسِ وَبَاءُوا

بِغَضَبٍ مِّنْ وَضَرِبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ

وَيَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ هر جا شناخته

شوند، ذلت و مسکنت آن‌ها را فرا می‌گیرد مگر اینکه وابسته به خدا یا مردم باشند،

بازگشت آن‌ها به دایره غضب خداست، خواری و پریشانی ملازم زندگی آن‌ها است،

برای اینکه کافر به خدا شدند، این‌همه پیامبران را کشتند، معصیت کار و تجاوزگرند

﴿۱۱۳﴾ ﴿لَيْسُوا سَوَاءً مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ ءَانَاءِ اللَّيْلِ وَهُمْ

يَسْجُدُونَ از اهل کتاب، کسانی که نیمه‌های شب قیام می‌کنند، در رکوع و

سجودند، با دیگران مساوی نیستند *

* از ادیان مختلف هرکس این سه اصل (ایمان به خدا، ایمان به آخرت و عمل صالح) را رعایت کند

اهل نجات است. بقیه اصول و فروع مخصوصاً دین اسلام به رهبری ائمه اطهار(ع) تکمیل این

سه اصل است. البته کسانی که این سه اصل را رعایت نمایند فطرت سالم دارند، حق جو

هستند و در مسیر حق جویی به دین اسلام کشیده می‌شوند. این سه اصل اصول فطرت است که

اگر محفوظ باشد فروع از آن ظاهر می‌شود. تمامی اهل عالم کافر و مشرک نیستند ولیکن در

مسیر حق جویی ناقص و کامل دارند. این سه اصل به منزله راه است و دین اسلام به رهبری

ائمه اطهار(ع) مقصد.

﴿۱۱۴﴾ يُؤْمِنُونَ بِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ
 دارند، امر به معروف و نهی از منکر دارند، در کار خیر سرعت می کنند، مردمی صالح و شایسته هستند

﴿۱۱۵﴾ وَمَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُكْفَرُوهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ
 از کار خیر خود بهره می برند، خداوند عمل آنها را منظور دارد و پرهیزکاران را می شناسد

﴿۱۱۶﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِي عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنْ شَيْءٍ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ
 که مال و اولاد آنها را از عذاب کفر نجات نمی دهد ، اهل جهنم هستند و در آن مخلدند *

* محتوای آیه این است که خداوند اهل کتاب را به دو گروه کافر و مؤمن تقسیم می کند. نظیر این آیات دلالت دارد که اگر اهل کتاب اصول سه گانه گذشته را رعایت کنند مؤمن اند و از قبول آنچه به حقانیت بشناسند امتناع ندارند. اگر به اسلام نگروده اند برای این است که آنها نشناخته یا نتوانسته اند از جو حاکم مذهب خود خارج شوند.

﴿۱۱۷﴾ مَثَلُ مَا يُنْفِقُونَ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا صِرٌّ أَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ فَأَهْلَكَتْهُ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَٰكِنِ أَنفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ
 ثروتی که در راه کفر انفاق می کنند مانند زراعتی است که باد بسیار سرد و تندی بر آن می وزد و نابود می شود ، خدا به آنها ظلم نمی کند بلکه آنها به خود ستم می کنند که مال خود را در راه کفر مصرف می کنند

﴿۱۱۸﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةَ مِّن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا

وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ

ای اهل ایمان! رابطه مخفیانه با غیرمسلمان پیدا نکنید که آن‌ها از هیچ خیانتی کوتاهی نمی‌کنند، رنج و زحمت شمارا دوست دارند، دشمنی آن‌ها از قیافه‌شان پیداست، عناد قلبی آن‌ها شدیدتر است، ما واقعیت‌ها را روشن کردیم که به عقل خود دریابید

﴿۱۱۹﴾ هَآأَنْتُمْ أَوْلَآءِ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَإِذَا لَقُوكُمْ قَالُوا ءَامَنَّا وَإِذَا خَلَوْا عَضُّوا عَلَیْكُمْ الْأَنَامِلَ مِنَ الْغِیْظِ قُلْ مُؤْتُوا بِغِیْظِكُمْ إِنْ أَلَّهَ عَلَیْمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

شما مسلمانان آن‌ها را دوست دارید ولی آن‌ها شما را دشمن دارند، شما به تمامی کتب آسمانی ایمان دارید، آن‌ها در ملاقات شما تظاهر به ایمان دارند و در خلوت از غیظ و غضب انگشت خود را گاز می‌گیرند، بگو: از غیظ و غضب بمیرید، خداوند از سر شما آگاه است

﴿۱۲۰﴾ إِنْ تَمَسَسْتُمْ حَسَنَةً تَسَوْهُمْ وَإِنْ تُصِيبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنْ أَلَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِیْطٌ

به شما برسد ناراحت می‌شوند و اگر بلایی سر شما بیاید خوش حال می‌شوند، اگر شما در دینتان صبور و پایدار باشید، سیاست آن‌ها ضرری به شما نمی‌زند، خداوند به اعمال آن‌ها محیط است

﴿۱۲۱﴾ وَإِذْ غَدَوْتَ مِنْ أَهْلِكَ تُبَوِّئُ الْمُؤْمِنِينَ مَقْعِدَ لِلْقِتَالِ وَاللَّهُ سَمِیْعٌ عَلِیْمٌ

به یاد روزی باش که فردای آن، مردم را برای جنگ بدر آماده می‌کردی، مواضع جنگ را نشان می‌دادی، خدا می‌شنید و می‌دانست

﴿۱۲۲﴾ إِذْ هَمَّتْ طَّآئِفَتَانِ مِنْكُمْ أَنْ تَفْشَلَا وَاللَّهُ وَلِیُّهُمَا وَعَلَىٰ فَلِیَتَوَكَّلِ

الْمُؤْمِنُونَ آنجا که دو طایفه از جهاد سستی نمودند، خداوند ولی آنهاست (به حسابشان می‌رسد) ، مؤمنین جهادگر به خدا توکل کنند

﴿۱۲۳﴾ **وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرِ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ** دیدید چگونه خدا شما را در جنگ بدر پیروز کرد با اینکه عده شما کم بودند ، از نافرمانی خدا بپرهیزید، شاکر لطف خدا باشید

﴿۱۲۴﴾ **إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آئِلٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنزَلِينَ** آنجا که در جنگ به مردم می‌گفتی: شما را کافی نیست که خدا با نزول سه هزار فرشته ردیف هم شما را یاری کند؟ *

* فرشتگان در عالم خلقت مانند نیروی برق در صنایع برقی و نیروهای تقویتی در قلب سربازان اسلام هستند. سرباز راه خدا وقتی که وارد میدان جنگ می‌شود، دلش پر از نیرو و بازویش پُر از قوت می‌شود. حضرت امام مجتبی (علیه السلام) در تعریف پدرش علی (ع) می‌فرماید: وقتی پدرم وارد میدان جنگ می‌شد جبرائیل در طرف راست و میکائیل در طرف چپ و ملک الموت پیشاپیش حرکت می‌کرد. (مولای) می‌فرماید که: من در خیبر را به کمک نیرویی که خدا در بازویم قرارداد، کردم. در جنگ بدر همین نیروها دل سربازان اسلام را تقویت نمود و کفار را به وحشت انداختند. این نیروهای تقویتی فرشته‌اند و همان‌طور که ما ولتاژ برق را در صنایع برقی بالا می‌بریم، خداوند هم نیروهای تقویتی سربازان اسلام را بالا می‌برد.

﴿۱۲۵﴾ **بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ هَذَا يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آئِلٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ** آری، اگر در میدان جنگ صبر و تقوا پیشه کنید و آنها بر شما بتازند، خداوند با پنج هزار فرشته نشانه‌دار شما را یاری می‌کند

﴿۱۲۶﴾ **وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُم بِهِ ۗ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنَّا**

عِنْدِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ یاری فرشتگان برای این است که خوش حال شوید و آرامش پیدا کنید و الا نصرت به دست خداست، خداوند عزیز و حکیم است

﴿۱۲۷﴾ لَيَقْطَعَنَّ طَرَفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْ يَكْبِتُهُمْ فَيَنْقَلِبُوا خَائِبِينَ خداوند می‌خواهد با قدرت خود سورت کفار را بشکند، آن‌ها را سرکوب کند تا با ناامیدی به وطن برگردند

﴿۱۲۸﴾ لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ أَوْ يُعَذِّبُهُمْ فَإِنَّهُمْ ظَالِمُونَ مقدرات به دست خداست که آن‌ها را بپذیرد یا عذاب کند، آن‌ها در ظلم و ظلمت واقع شده‌اند (مهلت دارند)

﴿۱۲۹﴾ وَاللَّهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ هرچه هست در عوالم آسمان و زمین ملک خداست، آن که را بخواهد پرورش می‌دهد و آن که را بخواهد عذاب می‌کند، خدا آمرزنده و مهربان است (غفران به معنای رفع نواقص وجودی است)

﴿۱۳۰﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً ۖ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ای اهل ایمان! از رباخواری بپرهیزید که چند برابر پول خود را از مدیون بگیرید، شاید رستگار شوید

﴿۱۳۱﴾ وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ از آتش جهنم که برای کفار مهیا شده بترسید، رباخوار مانند کفار است

﴿۱۳۲﴾ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ در اطاعت خدا و رسول باشید شاید لطف خداوند شما را فراگیرد

﴿۱۳۳﴾ وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ

لِلْمُتَّقِينَ برای وصول به مغفرت خدا بر یکدیگر سبقت گیرید تا خود را به بهشتی

برسانید که وسعت آن پهنه آسمان‌ها و زمین است و برای متقین مهیا شده است *

* وقتی فضای آسمان، بهشت انسان است که خدا می‌فرماید: وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ ، لازم است انسان بهشتی به نیرویی مجهز باشد که به هر جا بخواهد فوری برود و با اراده کُنْ فَيَكُونِ هر چه بخواهد بسازد. در اخبار مربوط به امام زمان (عج) آمده است که ایشان میلیون‌ها نفر را به فضای آسمان حرکت می‌دهند. منادی ندا می‌کند که کسی آب و غذا با خود بر ندارد که عصای موسی با اوست، یعنی مجهز به قدرت اعجاز است، هر جا برود و هر چه بخواهد فوری آماده است. این آیات و روایات دلیل است که وجود انسان آخرتی که به علم و اراده الهی مجهز است، جَنَّاتٍ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ، نه اینکه فقط باغ و درخت باشد بلکه باغ و درخت به اراده انسان فوری آماده می‌شود. اساساً بهشت یعنی رقم رنج و زحمت صفر و رقم موفقیت بی‌نهایت. فِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ.

﴿۱۳۴﴾ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَبِيمِ وَالْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ

وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ کسانی که در گشایش‌ها و ضررها به مردم خدمت می‌کنند

صبر و تحمل دارند و از بدرفتاری مردم می‌گذرند ، بدانند که خداوند نیکوکاران را

دوست می‌دارد

﴿۱۳۵﴾ وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ

وَمَنْ يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ و کسانی که

اگر گناهی مرتکب شدند و به کسی بد کردند به یاد خدا می‌افتند و توبه می‌کنند و

آمزش می‌طلبند، چه کسی به جز خدا می‌تواند از گناه آن‌ها بگذرد، کسانی که اصرار

به گناه ندارند در صورتی که دانسته‌اند و توبه کرده‌اند

﴿۱۳۶﴾ **أُولَئِكَ جَزَاؤُهُمْ مَغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَجَنَّاتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ**

فِيهَا وَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ پاداش آن‌ها رشد ایمانی و وصول به علم و قدرتی است که از آن نعمت و ثروت مانند نهر جریان پیدا می‌کند، در این ثروت و نعمت جاویدند ، چقدر پاداش علم و عمل خوب است

﴿۱۳۷﴾ **قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ**

الْمُكْذِبِينَ روش‌های بد و خوب پیش از شما جریان داشته است، درست فکر کنید و از سرنوشت تکذیب‌کنندگان دین خدا عبرت بگیرید

﴿۱۳۸﴾ **هَذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ** این آیات بیان حقایق است

برای اهل تقوا پند و موعظه است

﴿۱۳۹﴾ **وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِن كُنْتُم مُّؤْمِنِينَ** شما مسلمانان اگر

ایمان داشته باشید بهترین امت‌ها خواهید بود، سستی به خود راه ندهید، غم و غصه‌ای نداشته باشید (اسلام چشمه آب حیات است، صاحبان آن، بهترین‌اند)

﴿۱۴۰﴾ **إِن يَمَسُّكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ**

النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ

اگر شما مسلمانان در جنگ أحد مجروح شدید دشمنان شما هم مجروح شدند ، این زندگی دنیاست که ما آن را دست به دست می‌کنیم تا در این شکست و پیروزی‌ها اهل ایمان مشخص شوند و شما شاهد اعمال یکدیگر باشید ، خداوند ستم‌کاران را دوست نمی‌دارد

﴿۱۴۱﴾ **وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَيَمْحَقَ الْكٰفِرِينَ** تا در این ابتلائات، ایمان

اهل ایمان خالص شده و کفار محو و نابود شوند

﴿۱۴۲﴾ **أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ**

الصَّابِرِينَ خیال نکنید پیش از مشخص شدن مؤمن مجاهد از ظالم منافق درهای

بهشت به رویتان باز می شود (زندگی بهشت از مؤمنین خالص تشکیل می شود)

﴿۱۴۳﴾ **وَلَقَدْ كُنْتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ**

شما پیش از این در جنگ بدر آرزو داشتید که در راه خدا شهید شوید و حالا در جنگ

أحد شهادت را دیدید (چرا ترسیدید؟)

﴿۱۴۴﴾ **وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ أُنْقَلَبْتُمْ**

عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ

الشَّاكِرِينَ محمد (ص) فقط رسول خداست که پیش از او پیامبرانی بوده اند ، خیال

نکنید اگر بمیرد یا کشته شود، دین خدا هم می میرد ، اگر شما به جاهلیت قبل از

اسلام برگردید، به خدا ضرر نمی زنید (خود را بدبخت می کنید) ، خداوند به زودی

کسانی را که در دین، پایدار و شکر گزارند، پاداش می دهد

﴿۱۴۵﴾ **وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ كِتَابٍ مُّوَجَّلًا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا**

نُؤْتِيهِ مِنْهَا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِيهِ مِنْهَا وَسَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ کسی جز

به اذن خدا نمی میرد، مدت عمر نزد خدا محفوظ است ، هر کس محصول کار خود را

در دنیا بخواهد به او می دهیم و کسی که در آخرت بخواهد به او می رسانیم ، ما

شکر گزاران را پاداش می دهیم

﴿۱۴۶﴾ **وَكَايِنٍ مِّنْ نَّبِيِّ قُتِلَ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ**

وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا **وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ** چقدر زیاد پیامبرانی بودند که خداپرستان با آنها در راه خدا جنگیدند و در برابر دشمنان سستی به خود راه ندادند و ذلت سلطه دشمن را نپذیرفتند، خدا صابران را دوست دارد

﴿۱۴۷﴾ **وَمَا كَانَ قَوْلَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ** برابر حوادث، گفته‌ای نداشتند جز اینکه بگویند: خدایا! از قصور و تقصیر ما در گذر و ما را ثابت قدم بدار و بر کفار پیروز کن

﴿۱۴۸﴾ **فَقَاتِلْهُمْ اللَّهُ تَوَابَ الدُّنْيَا وَحَسَنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ** خداوند بهترین نتیجه صبر (پیروزی) را در دنیا و بهترین ثواب آخرت را به آنها داد، خدا نیکوکاران را دوست دارد

﴿۱۴۹﴾ **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنْ تُطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَرُدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ** ای اهل ایمان! اگر از کفار اطاعت کنید، شما را از مسیر تکامل و تمدن اسلامی منحرف نموده به توحش می‌کشانند و به خسارت عقلی و روانی مبتلا می‌کند *

* هر کس به دنیا توجه کند از حوادث آینده نزدیک مثل مرگ و مرض و یا آینده دور مانند حوادث آخرت غافل می‌ماند در نتیجه گرفتار می‌شود. لازم است که انسان بعد از ایمان و آینده بینی کامل در مسیر آخرت توجه به دنیا پیدا کند و دنیا را چون راهی بشناسد که از آن به سوی آخرت حرکت می‌کند نه اینکه آن را مقصد زندگی بداند و تمامی ثروت و قدرت خود را در آن متمرکز کند.

﴿۱۵۰﴾ **بَلِ اللَّهِ مَوْلَانِكُمْ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ** در خط ایمان و اسلام، مولای شما خداوند است، چه مولای خوب و یاور خوبی دارید

﴿۱۵۱﴾ سَنَلْقَى فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَأْوَهُمُ النَّارُ وَبِئْسَ مَثْوَى الظَّالِمِينَ

به همین زودی (در پی غلبه کفار در جنگ احد) آن‌ها را به رعب و وحشت مبتلا می‌کنیم زیرا آن‌ها بت‌ها را بدون حجت شریک خدا ساخته‌اند، آخرین نتیجه زندگی آن‌ها جهنم است، چه محصول بدی است عاقبت کفار

﴿۱۵۲﴾ وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُم بِإِذْنِهِ حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَزَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِمَّنْ بَعْدَ مَا أَرَبْتُمْ مَّا تُحِبُّونَ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ

خداوند در ابتدای جنگ احد به وعده خود که پیروزی باشد، وفا کرد ولی شما بعد از پیروزی در اطاعت سستی و نافرمانی کردید، بعضی دنیا خواستید و بعضی آخرت، خدا فکر شما را از دشمن منصرف کرد تا خسارت نافرمانی را ببینید، با همه این‌ها خدا از تقصیر شما گذشت و دشمن را فراری داد، لطف خدا شامل حال مؤمنین است

﴿۱۵۳﴾ إِذْ تُصْعِدُونَ وَلَا تَلْوُونَ عَلَى أَحَدٍ وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِي أُخْرَبِكُمْ فَأَتَيْتُمُ غَمًّا بَغِيًّا لِكَيْلًا تَحْزَنُوا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا مَا أَصَابَكُمْ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

آنجا که بالای کوه‌ها فرار کردید و رسول خدا از پشت سر صدا می‌زد اجابت نکردید در نتیجه به شکست و غم و غصه مبتلا شدید تا به تقدیر خدا راضی شوید و به آنچه از دست شما رفته یا مصیبتی که به شما رسیده محزون نباشید، خداوند به اعمالتان آگاه است

﴿۱۵۴﴾ ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُم مِّنْ بَعْدِ الْغَمِّ أَمْنَةً نُّعَاسًا يَغْشَى طَآئِفَةً مِّنْكُمْ وَطَآئِفَةٌ

قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِ غَيْرِ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَل لَّنَا مِنَ الْأَمْرِ
 مِنْ شَيْءٍ قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ يُخْفُونَ فِي أَنفُسِهِمْ مَا لَا يُبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ
 كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَا قُتِلْنَا هَهُنَا قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ
 عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحِّصَ مَا فِي
 قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

پس از آن برای پیدایش امنیت خواب را بر
 مؤمنین مستولی کرد و منافقین که به خود اهمیت می دادند، عقیده خلاف حق پیدا
 کردند ، جاهلانه گفتند که: آیا خدا نظر لطفی به ما خواهد داشت؟ ، بگو: مقدرات
 همه جا به دست خداست ، نفاق خود را مخفی می دارند و می گویند: اگر برحق بودیم،
 کشته نمی شدیم ، بگو: اگر قتل شما مقدر بود، به خواب گاه شما می آمد ، این تقدیرات
 برای این است که آزمایش شوید و دل شما اهل ایمان از شک و شبهه پاک شود ، خدا
 به افکار شما عالم است *

* مسلمان ها که در جنگ احد بعد از شکست پراکنده شدند، غم و غصه زیاد آن ها را فرا گرفته
 بود. خداوند برای دفع غم و غصه خواب را بر آن ها مستولی کرد و در همین فرصت کفار هم
 پیروزی مختصر خود را غنیمت دانسته خود را جمع و جور نموده به طرف مکه حرکت کردند.
 رسول خدا وضع خود و لشکر را مرتب نموده و مسلمانان فراری را جمع و جور نمودند و شهدا
 را دفن کردند و بعد همه زخمی ها را مرتب نموده دستور دادند که باید دشمن فراری را تعقیب
 کنیم. خودشان جلو افتادند و فرمودند: فقط زخمی ها با من بیایند. جمعیت زخمی به تعقیب
 دشمن حرکت کردند و از آن طرف کفار وحشت زده سرعت گرفتند و خود را به مکه رسانیدند
 و با همه این ها پیروزی نصیب مسلمانان شد.

﴿۱۵۵﴾ إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ
 مَا كَسَبُوا وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ

کسانی که روز برخورد دو

لشکر در جنگ احد به طلب غنیمت جنگ را رها کردند، شیطان آن‌ها را لغزش داد ، بعد از فرار، خدا آن‌ها را عفو نمود ، خدا آمرزنده و مهربان است

﴿۱۵۶﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غُرَىٰ لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قُتِلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ يَحْيِي وَيُمِيتُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ای اهل ایمان! شما مانند کفار نباشید که وقتی برادرانتان با رسول خدا در جنگ شهید شدند، گفتند: اگر با ما بودند به جنگ نمی‌رفتند و کشته نمی‌شدند، آری، خدا شهادت یا پیروزی شما را مایه حسرت آن‌ها قرار می‌دهد ، بگوئید: موت و حیات به‌دست خداست ، خداوند به اعمال شما بصیر است

﴿۱۵۷﴾ وَلَئِن قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِّنَ وَرَحْمَةٍ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ اگر در راه خدا کشته شدید یا مُردید، رحمت و مغفرت خدا از مال دنیا بهتر است

﴿۱۵۸﴾ وَلَئِن مُتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لَإِلَىٰ تَحْشُرُونَ اگر مُردید یا کشته شدید، در دایره ولایت خدا حاضر می‌شوید

﴿۱۵۹﴾ فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ لِّئْتِ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَىٰ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ از لطف و رحمت خدا بود که با مردم نرمش پیدا کردی ، اگر خشن و سخت دل بودی از اطراف تو پراکنده می‌شدند ، از آن‌ها بگذر و برای آن‌ها مغفرت بخواه ، در کارها با آن‌ها مشورت کن و چون تصمیم گرفتی، به خدا توکل کن ، خداوند متوکل را دوست دارد

﴿۱۶۰﴾ **إِن يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِن يَخْذُلْكُمْ فَمَن ذَا الَّذِي يَنْصُرْكُم مِّن بَعْدِهِ وَعَلَىٰ فَلَيْتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ** اگر خدا شما را یاری کند، کسی بر شما غلبه نمی‌کند و اگر شما را واگذار کند، چه کسی بعد از خدا شما را یاری می‌کند؟ ، پس اهل ایمان به خدا توکل کنند

﴿۱۶۱﴾ **وَمَا كَانَ لِنَبِيِّ أَنْ يَعْلَلَّ مَن يَعْلَلُ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ تُوَفَّىٰ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ** هیچ پیامبری نباید به بیت‌المال خیانت کند ، هر کس به بیت‌المال خیانت کند با همان خیانت در قیامت محشور می‌شود ، سپس نتیجه عمل هر کس به او می‌رسد، به کسی ستم نمی‌شود

﴿۱۶۲﴾ **أَفَمَن أَتَّبَعَ رِضْوَانٌ كَمَن بَاءَ بِسَخِطٍ مِّن مَّا وَنَاهُ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ** آیا کسی که در زندگی طالب رضای خداوند است مانند کسی است که مغضوب خدا واقع شده و جای او جهنم است؟! ، چه بدعاقبتی است جهنم

﴿۱۶۳﴾ **هُم دَرَجَاتٌ عِندَ اللَّهِ وَبِصِيرٍ بِمَا يَعْمَلُونَ** شهدای راه خدا درجاتی نزد خدا دارند ، خداوند به اهدافشان بصیر و بیناست

﴿۱۶۴﴾ **لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ** خداوند بر اهل ایمان منت دارد که پیامبری از خودشان برای آنها مبعوث کرد تا آیات خدا را بر آنها بخواند، آنها را تزکیه نماید، کتاب و حکمت به آنها تعلیم دهد، هرچند که پیش‌ازاین در جهالت بودند

﴿۱۶۵﴾ **أَوَلَمَّا أَصَبْتُمْ مُمْسِيَةً قَدْ أَصَبْتُمْ مِثْلَهَا قُلْتُمْ أَنَّىٰ هَذَا قُلْ هُوَ مِنْ عِندِ**

أَنْفُسِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ و امروز که در جنگ احد مصیبت دیده‌اید
اعتراض می‌کنید با اینکه دو برابر شهدای احد به آن‌ها مصیبت زده‌اید ، بگو: مصیبت
احد را خودتان ساختید (فرمان رسول خدا را در حفظ دره رعایت نکردید)، خداوند به هر
کاری قادر است

﴿۱۶۶﴾ وَمَا أَصَابَكُمْ يَوْمَ التَّتَى الْجُمَعَانِ فَبِإِذْنِ وَلِيَعْلَمَ الْمُؤْمِنِينَ آنچه در
جنگ احد روز ملاقات دو گروه به شما رسید، به اذن خداوند بود تا با این آزمایش
مؤمنین شناخته شوند

﴿۱۶۷﴾ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ أَوْ أَدْفَعُوا قَالُوا لَوْ
نَعْلَمُ قِتَالًا لَاتَّبَعْنَاكُمْ هُمْ لِلْكَفْرِ يَوْمَئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ
مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ و همچنین منافقین شناخته شوند که
وقتی مؤمنین به آن‌ها گفتند: اگر ایمان به خدا ندارید، از خودتان دفاع کنید ، گفتند:
اگر این جنگ را قبول داشتیم دفاع می‌کردیم ، آن‌ها که جهاد راه خدا را قبول ندارند
به کفر از ایمان نزدیک‌ترند ، به زبان چیزی می‌گویند که عقیده ندارند ، خداوند
داناتر است به آنچه کتمان می‌کند

﴿۱۶۸﴾ الَّذِينَ قَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ وَقَعَدُوا لَوْ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُوا قُلْ فَادْرَعُوا عَنْ
أَنْفُسِكُمْ الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ منافقین همان‌ها بودند که از شرکت در
میدان جنگ خودداری نمودند ، به برادران امثال خود گفتند: اگر یاران ما از ما
اطاعت می‌کردند، کشته نمی‌شدند ، به آن‌ها بگو: اگر می‌توانید مرگ را از خودتان
دفع کنید

﴿۱۶۹﴾ وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ

خیال نکنید آن‌ها که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده‌اند، بلکه آن‌ها زنده‌اند، نزد خدا روزی می‌خورند

﴿۱۷۰﴾ فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ

خَلْفِهِمْ إِلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ خوش‌حال‌اند به آنچه از لطف خدا دریافت نموده‌اند و از مقدرات آیندگان که هنوز به آن‌ها ملحق نشده‌اند، ذوق و شوق دارند که خوفی و غم و غصه‌ای نخواهند داشت

﴿۱۷۱﴾ ﴿يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ ذوق و

شوقشان به این دلیل است که در شعاع لطف خدا و ائمه هستند، لطف خدا شامل است، خدا اجر نیکوکاران را ضایع نخواهد گذاشت

﴿۱۷۲﴾ الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا

مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرَ عَظِيمٍ آن‌ها رزمندگانی بودند که در جنگ احد دعوت خدا و رسول را با بدن مجروح اجابت کردند و دشمن را تعقیب نمودند، برای نیکوکاران و اهل تقوای از آن‌ها اجر عظیم آماده شده است

﴿۱۷۳﴾ الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا

وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ همان رزمندگانی که وقتی مردم آن‌ها را از کثرت دشمن ترسانیدند، ایمانشان زیاده‌تر شد، گفتند: خدا ما را کافی است و بهترین وکیل بندگان خود است

﴿۱۷۴﴾ فَأَنْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَمْ يَمَسَّهُمْ سُوءٌ وَأَتَّبَعُوا رِضْوَانَهُ وَاللَّهُ

ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ آن‌ها با این عقیده در سایه لطف خدا قرار گرفتند، سایه حکومتی که در آن بد و بلایی وجود ندارد، تابع رضایت خدایند، لطف خداوند درباره آن‌ها عظیم است

﴿۱۷۵﴾ **إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ** فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُونَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ این شیطان است که دوستان خود را از جنگ و جهاد می‌ترساند، شما مؤمنین اگر ایمان دارید از شیطان نترسید از من بترسید

﴿۱۷۶﴾ **وَلَا يَحْزُنكَ الَّذِينَ يُسْرِعُونَ فِي الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا يُرِيدُ اللَّهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حِزًّا فِي الْآخِرَةِ** وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ آن‌ها که برای پیشرفت کفر فعالیت دارند، تو را ناراحت نکنند، آن‌ها نمی‌توانند به خدا و دین ضرری برسانند، خداوند می‌خواهد با این فعالیت، آن‌ها را از نعمت آخرت محروم کند، عذابی دردناک برای آن‌ها مقدر است

﴿۱۷۷﴾ **إِنَّ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا** وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ کسانی که ایمان خود را به کفر می‌فروشند، به خداوند ضرری نمی‌رسانند، عذابی الیم برای آن‌ها مقدر است

﴿۱۷۸﴾ **وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمِّلِي لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ** إِنَّمَا نُمِّلِي لَهُمْ لِيُزَادُوا إِيْمَانًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ کفار خیال نکنند مهلت و فرصتی که به آن‌ها داده‌ایم، به نفع آن‌هاست بلکه تا گناهانشان زیادتر شود و بیشتر خوار و ذلیل شوند

﴿۱۷۹﴾ **مَا كَانَ اللَّهُ لِيُذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ** وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِي مِن رُّسُلِهِ مَن

يَشَاءُ فَعَامِنُوا بِ وَرُسُلِهِءِ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ خداوند هرگز مؤمنین را در همین حال ابتدایی واگذار نمی کند مگر که بد را از خوب مشخص کند ، خدا مردم را بر غیب عالم مطلع نمی کند ولیکن از پیامبران آن که را بخواهد آگاه می کند ، شما مردم به خدا و رسول ایمان بیاورید ، اگر ایمان آوردید و تقوا پیشه نمودید، اجری عظیم خواهید داشت

﴿۱۸۰﴾ وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا ءَاتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِءِ هُوَ خَيْرًا لَهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخَلُوا بِهِءِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ؕ وَاللَّهُ مِيرَاثُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ؕ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ و کسانی که از خدمت به مردم مضایقه دارند، خیال نکنند که بخل برای آنها بهتر است بلکه بدتر است ، به زودی مسئولیت مال حرام به گردن آنها خواهد افتاد ، خدا وارث آسمانها و زمین است ، از اعمال آنها آگاه است *

* وراثت خداوند به معنای این است که نتیجه علوم و اعمال عاقبت انسانها را به دایره حکومت خدا می کشاند و کسی که بر انسان حاکمیت دارد وارث همه چیز است. کوچه کفر و گناه بن بست است و کفار فراری مجبور هستند عاقبت به سوی خدا برگردند، پس خدا وارث همه کس و همه چیز است.

﴿۱۸۱﴾ لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَقَتْلَهُمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَنَقُولُ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ خداوند اظهارات کسانی که خدا را فقیر و خود را غنی دانستند، شنید و آن را ثبت کرد و همین طور قتل پیامبران که به ناحق آنها را کشتند، به آنها می گوئیم: بچشید عذاب جهنم را

﴿۱۸۲﴾ ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ این عذاب همان است که به دست خود ساخته اید، خدا به بندگان ستم نمی کند *

* یهودیان و تمامی کفار اول و آخر تاریخ برای سلطه بر ضعفا مجبورند خود را مسلح نمایند و آخرین اسلحه که خود را به آن مسلح می‌کنند، آتش هسته‌ای است که با آن دنیا را در محاصره گرفته‌اند و عاقبت آن را روشن نموده و زندگی را نابود می‌کنند و بعد با قیام امام (عج) فرج مردم می‌رسد و در عدالت جهانی همین آتش‌ها و عذاب‌های دیگر که به جان مردم انداخته‌اند به خودشان برمی‌گردد و جهنم ابدی آن‌ها خواهد بود. خداوند همه‌جا پیدایش آتش را به کفار نسبت می‌دهد.

﴿۱۸۳﴾ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عٰهَدَ اِلَيْنَا اَلَّا نُوْمِنَ لِرِسُوْلِ حَتّٰى يَأْتِيَنَا بِقُرْبٰنٍ تَاْكُلُهٗ
النَّارُ قُلْ قَدْ جَاَءَكُمْ رُسُلٌ مِّنْ قَبْلِى بِالْبَيِّنٰتِ وَبِالَّذِى قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ اِنْ
كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ

همان‌ها که به دروغ می‌گویند: خدا با ما عهد بسته که به هیچ پیامبری ایمان نیاوریم مگر اینکه قربانی او را آتش بسوزاند ، بگو: پیامبران پیش از من با همین قربانی و معجزات که گفتید آمدند، چرا آن‌ها را کشتید اگر راست می‌گویید؟

﴿۱۸۴﴾ اِنْ كَذَّبُوْكَ فَقَدْ كَذَّبَ رُسُلٌ مِّنْ قَبْلِكَ جَاَءُو بِالْبَيِّنٰتِ وَالزُّبُرِ وَالْكِتٰبِ
الْمُنِيْرِ

اگر تو را تکذیب نمودند، پیامبران پیش از تو را هم تکذیب نمودند، آن‌ها با معجزات و کتب روشن ظاهر شدند

﴿۱۸۵﴾ كُلُّ نَفْسٍ ذٰئِقَةُ الْمَوْتِ وَاِنَّمَا تُوْفَوْنَ اَجْرَكُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فَمَنْ زُحِرَ عَنِ
النَّارِ وَاُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا اِلَّا مَتَعُ الْعٰرُورِ

هر کسی مرگ را می‌چشد ، خدا اجر شما را در قیامت به شما می‌رساند ، کسی که از آتش کنار کشیده شود، داخل بهشت می‌شود، سعادت‌مند است ، این زندگی دنیا نمایش خلاف حقیقت است

﴿۱۸۶﴾ لَتَسْبُلُوْنَ فِىْ اَمْوَالِكُمْ وَاَنْفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِيْنَ اُوْتُوْا الْكِتٰبَ مِنْ

قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذَى كَثِيرًا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ

تا با این زرق و برق‌های دنیا در جان و مالتان آزمایش شوید و برای حفظ دینتان از اهل کتاب که پیش از شما بوده‌اند و از مشرکین اذیت بینید، اگر در برابر اذیت‌ها صبر و تقوا پیشه کنید، عزم و اراده شما استوار خواهد بود

﴿۱۸۷﴾ وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَأَشْرَتُوا بِهِ ثُمَّ قَلِيلًا فَبِئْسَ مَا يَشْتَرُونَ

و کتاب داران آسمانی خود پیمان بست که حقایق کتاب را برای مردم روشن کنند اما آن‌ها عهد الهی را پشت سر انداختند و آن را به بهای اندک دنیا فروختند، چه بد معامله‌ای که دین را به دنیا فروختند

﴿۱۸۸﴾ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا آتَوْا وَيُحِبُّونَ أَنْ يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسَبَنَّهُمْ بِمَفَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

دنیاپی خود خوش‌حالند و بدون وظیفه شناسی دوست دارند مردم آن‌ها را ستایش کنند، از عذاب الهی برکنارند!، عذابی الیم در انتظار آن‌هاست *

* پیشوایان یهود همه جا دین را به نفع خود و به ضرر مردم تفسیر می‌کردند و آیاتی را که به مردم دستور انفاق می‌داد با آب و تاب خوانده و ترویج می‌کردند. از مردم خمس و زکات و مالیات می‌گرفتند اما آیاتی که وظیفه آن‌ها را معین می‌کرد که آن پول‌ها را باید در راه ترویج دین و کمک به فقرا صرف کنند، کتمان می‌کردند و در راه منافع خود صرف می‌کردند در نتیجه دینی را که مظهر عدالت و خدمت به مردم بود وسیله استثمار ضعفا قرار می‌دادند.

﴿۱۸۹﴾ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

ملک آسمان‌ها و زمین مال خداست و خداوند به هر کاری قادر است *

* این آیه که خدا خود را پادشاه آسمان‌ها می‌داند دلیل است که عوالم آسمان مانند زمین مسکونی است. دلیل مسکونی بودن عوالم آسمان همین است که خدا می‌فرماید: من پادشاه عوالم آسمان هستم، پادشاهی در صورتی تحقق پیدا می‌کند که پادشاه مالک ذوی‌العقول باشد. اگر انسان‌های عاقل نباشند سلطنت تحقق پیدا نمی‌کند. ذوی‌العقول در عالم فقط انسان است بقیه هر چه هست ملک انسان و زندگی اوست. پس لازم است در کرات فضای آسمان هم مانند زمین انسان باشد تا که پادشاهی خدا محقق شود.

﴿۱۹۰﴾ **إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ** آفرینش آسمان‌ها و زمین و این همه تغییرات و اختلاف روز و شب در نظر خردمندان آیت قدرت الهی است

﴿۱۹۱﴾ **الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطِيلًا سُبْحَانَكَ فَعِنَّا عَذَابَ النَّارِ** خردمندان کسانی هستند که در همه حال قیام و قعود و درازکش به یاد خدا هستند، در خلقت آسمان‌ها و زمین فکر می‌کنند که ای خدا! این خلقت عظیم باطل و عبث نیست، تو منزهی از اینکه بدون هدف، خلقی را خلق کنی، ما را از آتش جهنم حفظ کن

﴿۱۹۲﴾ **رَبَّنَا إِنَّكَ مَن تَدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ** پروردگارا! تو هر کسی را به جهنم ببری رسوا می‌کنی، برای ستم‌کاران یآوری نخواهد بود

﴿۱۹۳﴾ **رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ ءَامِنُوا بِرَبِّكُمْ فَءَامَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ** پروردگارا! ما از منادی حق دعوت تو را شنیدیم که دعوت به ایمان می‌کرد، پروردگارا! ما ایمان به تو آوردیم،

از گناهان ما درگذر، نواقص وجودی ما را برطرف کن، صفات و اخلاق بد ما را از وجود ما بزدای و ما را با نیکان بمیران

﴿۱۹۴﴾ رَبَّنَا وَعَايَتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ
الْمِيعَادَ پروردگارا! آنچه به وسیله پیامبران وعده دادی به ما برسان، روز قیامت ما را رسوا نکن، تو هرگز خلف وعده نمی کنی (این آیه زبان حال مؤمن است)

﴿۱۹۵﴾ فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَمَلٍ مِّنْكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنثَىٰ
بَعْضُكُمْ مِّنْ بَعْضٍ فَأَلَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُودُوا فِي سَبِيلِي وَقَتَلُوا
وَقَتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا
مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ خداوند دعوت آنها را اجابت نمود و فرمود:
من عمل هیچ عاملی را و حقی که بر یکدیگر دارید، مرد یا زن ضایع نمی گذارم، پس
کسانی که بدیها را رها می کنند از حاکمیت هوای نفس خارج شده و به دایره ولایت
خدا سفر می کنند و در این راه اذیت می شوند، می جنگند و کشته می شوند، صفات بد
آنها را می زدایم و آنها را مجهز به علم و دانشی می کنم که از آن علم و دانش، نهرهای
نعمت و لذت جریان پیدا می کند، ثوابی است که از جانب خدا مقدر شده است، خداوند
بهترین ثواب را به بندگان خود می دهد *

* جَنَّاتٍ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ علم و قدرتی است که مؤمن به آن مجهز می شود و با آن هر چه
بخواهد فراهم می شود، مانند اراده خدا که معدن تمامی نعمت هاست.

﴿۱۹۶﴾ لَا يَغْرَنَكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ تحولات و انقلابات کفار تو را
فریفته نکند (مانند زرق و برق و صنایع)

﴿۱۹۷﴾ مَتَعُ قَلِيلٍ ثُمَّ مَا لَهُمْ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمِهَادُ اینها نمایش های محدودی

است که عاقبت کار آن‌ها جهنم است ، چه بد مهد تربیتی که دارند

﴿۱۹۸﴾ لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا

نُزُلًا مِّنْ عِنْدِ وَمَا عِنْدَ خَيْرٌ لِّلْأَبْرَارِ

ولیکن برای اهل تقوا موفقیت‌هایی پیدا می‌شود که مجرای نعمت‌ها و لذت‌هاست، در آن موفقیت‌ها جاوید هستند ، آنچه خدا برای نیکان مقدر می‌کند، بهتر است

﴿۱۹۹﴾ وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِ وَمَا أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ وَمَا أَنْزَلَ إِلَيْهِمْ

خَاشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتُرُونَ بِآيَاتِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِنَّ اللَّهَ

سَرِيعُ الْحِسَابِ

بعضی اهل کتاب که به خدا و کتابی که بر شما نازل شده ایمان می‌آورند، در برابر خدا خاضع و خاشع هستند، خدا و آیات او را به بهای اندک دنیا نمی‌فروشدند ، اجرشان نزد خدا محفوظ است ، خداوند سریع‌الحساب است

﴿۲۰۰﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

ای اهل ایمان! صبر کنید و وادار به صبر نمایید و با امامتان رابطه داشته باشید و از نافرمانی خدا پرهیزید شاید رستگار شوید *

* رابطه با ائمه اطهار(ع) که صراط مستقیم به‌سوی خدا هستند بسیار تأکید شده است، وجود خداوند متعال آخرین مقصد تکامل در حرکت علمی و عرفانی انسان است. انسان در ابتدای تولد مانند یک بیابانی است که باید خود را به این مقصد بزرگ برساند تا از رنج و زحمت برهد. راه مستقیم و جاده اسفالت به‌سوی این شهر بزرگ فقط ائمه اطهارند، بقیه انسان‌ها گرچه عالم باشند همین قدر می‌دانند که مقصد هست اما عالم کامل نیستند که جاده مستقیم باشند. صراط مستقیم فقط آن‌ها هستند که مجهز به علم کاملند و دائم در حال ملاقات و مواجهه با خدا هستند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا

ای مردم! در اطاعت پروردگارتان باشید، خدایی که شما را از یک طینت آفرید و از همان طینت همسر او را خلق کرد و از آن دو نفر زن و مرد بسیار منتشر ساخت، از نافرمانی خدا و قطع رحم که خود را مسئول آن می‌دانید، پرهیزید، خداوند مراقب اعمال شماست

﴿۲﴾ وَعَاثُوا آلِيكُمْ آمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَى أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا

حقوق یتیمان را رعایت کنید، مال پاک و ناپاک را باهم مخلوط ننمایید، مال یتیم را با مال خود نخورید که گناه بزرگی است

﴿۳﴾ وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي آلِيكُمْ فَإِنِ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةٌ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ

اگر می‌ترسید که نتوانید حقوق ایتام را رعایت کنید با آنها ازدواج کنید، دوتایی، سه‌تایی، چهارتایی و اگر از بی‌عدالتی می‌ترسید، به یک همسر و یا کنیز اکتفا کنید مبادا عایله شما زیاد شود *

* کسی که یتیم‌داری می‌کرد طمع به مالکیت آنها داشت که با این طمع، حق انسانی آنها هدر می‌شد، خدا اجازه ازدواج داد تا حق یتیمان حفظ شود. خیلی زیاد سؤال می‌شود که چه رابطه‌ای بین یتیم‌داری و تعدد زوجات است. جواب این است که خداوند در این آیه می‌خواهد اثبات کند که آزادی در انتخاب، حق انسان است. انسان مانند غیر انسان نیست که قابل تملک باشد. در روزگار قدیم که بعضی انسان‌ها کودکان یتیم را پرورش می‌دادند خود را به دلیل پرورش، مالک آنها می‌دانستند که ما آنها را بزرگ کرده‌ایم، مال ما هستند. خداوند

فرمود که: انسان‌ها به دلیل خدمات، مالک و مملوک نمی‌شوند. اگر کسی مالک انسان می‌شد، پدر و مادر اولی بودند که از نطفه او را پرورش داده‌اند. شما یتیم‌داران حق تملک بر ایتام پیدا نمی‌کنید و اگر به آن‌ها رغبت پیدا کرده‌اید، می‌توانید با آن‌ها ازدواج کنید زیرا در ازدواج حق آزادی و حق انتخاب زن محفوظ است و در تملک حق آزادی که لازمه وجود انسان است، سلب می‌شود.

﴿۴﴾ وَعَاتُوا النِّسَاءَ صَدُقَتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَّرِيئًا

مهر زنان را با رضایت کامل پردازید، اگر خوش داشتند که چیزی به شما ببخشند، بپذیرید که بذل گوارایی است

﴿۵﴾ وَلَا تُوْتُوا السُّفَهَاءَ اَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللهُ لَكُمْ قِيَمًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَّعْرُوفًا

مال و ثروتی که قیم آن هستید در اختیار سُفها نگذارید، نفقات آن‌ها را برسانید، درس زندگی به آن‌ها بیاموزید تا به عقل کافی برسند

﴿۶﴾ وَابْتَلُوا الَّتِي تَمَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ اَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَنْ يَكْبَرُوا وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ اَمْوَالَهُمْ فَأَشْهَدُوا عَلَيْهِمْ وَكَفَىٰ بِاللهِ حَسِيبًا

یتیمان را تا حد ازدواج آموزش دهید و آزمایش کنید اگر عقل زندگی پیدا کردند مالشان را به آن‌ها بسپارید، مبادا از فرصت پیش از بلوغ سوء استفاده نموده مالشان را تصرف نمایید، اگر غنی هستید از حق کفالت بگذرید و اگر فقیر بودید، مزد متعارف بگیرند و بعد از رشد عقلی ضمن شهادت شاهد، مالشان را به آن‌ها بسپارید، گرچه خداوند بهترین حسابگر است

﴿۷﴾ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا

هر کدام از زنان و مردان از ماترک والدین و خویشاوندان بهره‌ای دارند، کم باشد یا زیاد، فرض الهی است، لازم است به آنها برسد

﴿۸﴾ وَإِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينُ فَأَرْزُقُوهُمْ مِنْهُ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا

هنگام تقسیم ارث که خویشاوندان و یتیمان و مساکین حاضر می‌شوند، بهره‌ای به آنها برسانید و یا با گفته‌های خوب آنها را آرامش دهید

﴿۹﴾ وَلِيَخَشَّ الَّذِينَ لَوْ تَرَكُوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعْفًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ

وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا کسانی که از فقر فرزندان بعد از خود می‌ترسند، ناتوانی دیگران را منظور کنند، از خدا بترسند، حکیمانه سخن بگویند

﴿۱۰﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا

وَسَيَصْلُونَ سَعِيرًا کسانی که به مال یتیمان تجاوز می‌کنند، بدانند که در واقع آتش می‌خورند *

* آنها به‌زودی از مسیر تجاوز به حقوق، جهنم خواهند ساخت زیرا آخرین اسلحه ظالم آتش است.

﴿۱۱﴾ يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ فَإِن كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ

أُنثَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِن كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِن كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِن لَّمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبُوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ فَإِن كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّتِهِ يُوصَىٰ بِهَا أَوْ دَيْنٌ ؕ ءَابَاؤُكُمْ

وَأَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا فَرِيضَةٌ مِّنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا

حَكِيمًا خداوند در تقسیم ارث فرزندان به شما سفارش می کند که پسران دو برابر دختران سهم می برند ، اگر وارث دو نفر به بالا همه دختر بودند، دو سوم به فرض اولیه می برند، بقیه را به نسبت سهام و اگر وارث یک دختر بود، یک دوم را به فرض اولیه می برد، بقیه را به نسبت سهام ، پدر و مادر همراه اولاد هر کدام یک ششم می برند و بدون اولاد، مادر یک سوم و اگر میت برادرانی دارد مادر یک ششم می برد ، حق وارث بعد از دین و وصیت است ، وارث پدران باشند یا مادران، شما نمی دانید نفع کدام یک برای شما بیشتر است ، این تقسیمات فریضه الهی است، خداوند عالم و حکیم است *

* فرض کنید دو دختر یا بیشتر با پدر و مادر یا یکی از آنها وارث اند. دو سوم مال به دخترها می رسد و یک سوم به پدر و مادر و اگر پدر یا مادر تنها بودند یک ششم، باقی مانده به نسبت سهام قسمت می شود و اگر وارث یک دختر باشد همراه والدین یا یکی از آنها یک دوم به دختر می رسد و دو ششم به والدین و یک پنجم باقی می ماند که به نسبت سهام قسمت می شود و اگر یک نفر از والدین باشد، دو ششم باقی می ماند که به چهار قسمت می شود.

﴿۱۲﴾ ﴿وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِن لَّمْ يَكُن لَّهُنَّ وَلَدٌ فَإِن كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمْ الرَّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّتِ يَوْصِينَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَلَهُنَّ الرَّبْعُ مِمَّا تَرَكَتُمْ إِن لَّمْ يَكُن لَّكُمْ وَلَدٌ فَإِن كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمْنُ مِمَّا تَرَكَتُمْ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّتِ تَوْصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَإِن كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوْ امْرَأَةٌ وَلَهُرَّ أَخٌ أَوْ أُخْتُ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ فَإِن كَانُوا أَكْثَرَ مِن ذَٰلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّتِ يَوْصَى بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرِ مُضَارٍّ وَصِيَّةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ﴾ شما مردان از ماترک همسر خود اگر فرزندی ندارد، یک دوم می برید و اگر اولاد دارد ،

یک چهارم و زنان شما از مال شما اگر اولاد ندارید، یک چهارم، اگر اولاد دارید، یک هشتم می‌برند، این احکام بعد از وصیت یا ادای دین است و اگر وارث میت برادران و خواهران مادری هستند اگر یک نفرند، یک ششم و اگر بیشترند، یک سوم به‌طور مساوی تقسیم کنند، بقیه حق برادر و خواهر پدری و مادری و یا پدری است آن هم بعد از ادای دین و یا وصیتی که ضرری نباشد، این احکام وصیت الهی است، خداوند دانا و حکیم است

﴿۱۳﴾ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

این احکام، حدود الهی است، کسی که خدا و رسول را اطاعت کند، خداوند او را به بهشتی می‌برد که از آن، نهرهای ثروت و نعمت جاری است، در آن جاوید و مخلد است، زندگی او در بی‌نهایت سعادت و موفقیت است

﴿۱۴﴾ وَمَنْ يَعِصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ

و کسی که فرمان خدا و رسول را نبرد و از حدود الهی تجاوز کند، در جهنم حبس می‌شود، عذابی توهین آمیز دارد *

* آخرین محصول ظلم و تجاوز، آتش هسته‌ای است و این آتش، بعد از انفجار ظالمانه، در قیامت به خودشان برمی‌گردد.

﴿۱۵﴾ وَالَّذِي يَأْتِيَنَّ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِّنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّىٰ يَتَوَفَّيَهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا

از زنان شوهردار شما هر کس مرتکب منافی عفت شود، از چهار نفر شهادت بخواهید، اگر شهادت دادند آن‌ها را حبس ابد کنید مگر که خداوند راه دیگری باز کند تا

مرگشان فرا برسد *

* حکم رابطه نامشروع در ابتدای اسلام برای زناى محصنه حبس ابد بوده و برای غیر محصنه (زن و مرد عَزَب) تنبیه و تعزیر بوده اما بعد از استقرار حکومت اسلامی و آسان شدن ازدواج حکم عمل نامشروع برای محصنه (زن شوهردار و مرد زن‌دار) رجم و اعدام مقرر شد و برای زن و مرد عَزَب صد تازیانه.

﴿۱۶﴾ وَالَّذَانِ يَأْتِيَنِهَا مِنْكُمْ فَأَذُوهُمَا فَإِن تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرَضُوا عَنْهُمَا إِنَّ اللَّهَ

كَانَ تَوَّابًا رَّحِيمًا و اما زن و مرد بدون همسر را تعزیر کنید، اگر اصلاح شدند آن‌ها را آزاد کنید، خدا توبه پذیر و مهربان است (حکم واقعی در سوره نور بیان شده است)

﴿۱۷﴾ إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهْلَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ

فَأُولَئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا توبه قابل قبول، توبه کسانی است که بعد از شعور به گناه بلافاصله توبه می‌کنند، خداوند توبه آن‌ها را می‌پذیرد که حکیم و داناست

﴿۱۸﴾ وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّى إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ

قَالَ إِنِّي تُبْتُ أَلْسَنَ وَلَا أَلَّذِينَ يَمُوتُونَ وَهُمْ كُفَّارًا أُولَئِكَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ولیکن توبه کسی که تا دم مرگ اصرار به گناه دارد و با مشاهده مرگ می‌گوید: توبه کردم و یا کسانی که به حال کفر می‌میرند، توبه نیست که خدا آن را قبول کند، در این خط گناه، عذابی دردناک برای آن‌ها مهیاست

﴿۱۹﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرِهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ

لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا ءَاتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا ای اهل

ایمان! حلال نیست که به جبر و اکراه زنان را به ارث ببرید یا آنها را آزار دهید تا از مهر خود بگذرند مگر که مرتکب منافی عفت شوند که با شهادت چهار شاهد ثابت شده است، با زنان خوش رفتار باشید، اگر هم آنها را دوست نمی‌دارید، چه بسا چیزی را که دوست نمی‌دارید ولی خدا در آنها برکت فراوان قرار دهد *

* در زمان جاهلیت، مردان، زنان را ملک خود می‌دانستند و وارثین پدر، املاک پدر و زنان و کنیزان او را به ارث می‌بردند. دین مقدس اسلام این سنت ظالمانه را لغو نمود و زنان را هم مانند مردان آزاد و مالک مال خود شناخت. دختر و پسر را باهم وارث پدر و مادر دانست و حقوق مادی و معنوی زن و مرد را برابر دانست.

﴿۲۰﴾ وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَّكَانَ زَوْجٍ وَعَآتَيْتُمْ إِحْدَهُنَّ قِنْطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا

مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا و اگر هم تصمیم گرفتید زن دیگر بگیرید و برای زن اول انبانی پر از سکه مهر کرده‌اید، حق ندارید چیزی از آن کسر کنید، مگر جایز است که با بهتان حق کسی را ضایع کنید

﴿۲۱﴾ وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا

غَلِيظًا چطور مهر او را می‌گیرید با اینکه دوشیزگی و جوانی او را برده و عهد بسته‌اید که همسر او باشید

﴿۲۲﴾ وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ

فَحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا با همسر پدر خود ازدواج نکنید مگر آنچه در جاهلیت گذشته است، این ازدواج فحشاء بوده باعث خشم خداست، بد راهی است که حرمت پدر و مادر را می‌شکند

﴿۲۳﴾ حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعُمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ

وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُم مِّنَ الرَّضَعَةِ
 وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبِّبَاتُكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِّن نِّسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُم بِهِنَّ
 فَإِن لَّمْ تَكُونُوا دَخَلْتُم بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِّنْ
 أَصْلَابِكُمْ وَأَن تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا

ازدواج با مادران و دختران و خواهران و عمه‌ها و خاله‌ها و برادرزاده و خواهرزاده و
 مادرانی که به شما شیر داده‌اند و خواهران همشیر شما و مادر همسر حرام است و
 دختران همسری که با او نزدیکی نموده‌اید، اگر نزدیکی نکرده‌اید مانعی ندارد و
 همچنین همسر پسران که از صلب شمایند و جمع بین دو خواهر مگر اینکه خواهر اول
 رفته باشد، خداوند آمرزنده و مهربان است

(جزء ۵) ﴿۲۴﴾ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ۖ كَتَبَ اللَّهُ
 عَلَيْكُمْ وَأُجَلَ لَكُمْ مَّا وَرَاءَ ذَٰلِكُمْ أَن تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ
 مُسْفِحِينَ ۚ مَّا أَسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ
 فِي مَا تَرَضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا

هم چنین ازدواج با زنان شوهردار، مگر کنیزان که ملک شما می‌شوند، کتاب خدا ناظر اعمال است، با
 غیر نامبردگان می‌توانید بعد از تعیین حق بهره برداری و کسب رضایت طبق قانون
 شرع ازدواج کنید که با پرداخت مال، آن‌ها را راضی کنید نه به‌طور نامشروع، گرچه
 رضایت باشد، اگر هم عقد انقطاعی بود حق آن‌ها را بدهید، خدا دانا و حکیم است *

* حرمت بسیاری از ازدواج‌ها صرف نظر از مسائل طبی که نباید زن و شوهر هم‌خون باشند،
 رعایت مسئله احترام است. زن و شوهر به صورت یک فردند که حدودی بین آن‌ها نیست و
 مادر و خواهر و محرم‌های دیگر حرمت دارند. لازم است احترام مادری و خواهری آن‌ها
 محفوظ بماند. خاله، هم‌شان مادر است و عمه، هم‌شان پدر. زن جد و پدر هم‌شان پدرند و مادر

رضاعی هم‌شان مادر اصلی است. با ازدواج، حرمت آنها شکسته می‌شود و علاوه اگر این ازدواج‌ها جایز بود، شوهر اقوام نزدیک را ملک خود می‌دانست و می‌گفت: خواهر من، مادر من، به کسی مربوط نیست و هزاران مفسد ضد فضیلت و انسانیت.

﴿۲۵﴾ وَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلاً أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِّنْ فَتَيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ بَعْضُكُمْ مِّنْ بَعْضٍ فَأَنْكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَءَاثُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسَفِّحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ فَإِذَا أَحْصِنَّ فَإِنْ أَتَيْنَ بِفَحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَّكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

کسانی که قدرت مالی ندارند و نمی‌توانند با زن آزاد مؤمنه ازدواج کنند، با کنیز مؤمنه ازدواج کنند، خدا به ایمان شما نسبت به یکدیگر آگاه است، پس کنیز را از مالکش خواستگاری نموده حق آنها را برسانید و رضایت به کیفیت ازدواج باشد، زنی که همسر دارد دوست خصوصی نگیرد، کنیزان اگر منافی عفت مرتکب شدند با یک دوم عذاب آزادگان مجازات شوند، ازدواج با کنیز حق کسی است که نمی‌تواند عزوبت را تحمل کند، اگر صبر کند بهتر است، خداوند آمرزنده و مهربان است

﴿۲۶﴾ يُرِيدُ اللَّهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ وَيَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

خداوند متعال با این مقررات می‌خواهد شما را به علم و حکمت برساند، راه و روش گذشتگان را به شما بیاموزد و از مسیر عمل به این مقررات رحمت خود را به شما برساند، خداوند دانا و حکیم است

﴿۲۷﴾ وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا

مَيْلًا عَظِيمًا خداوند شما را در سایه لطف خود قرار می‌دهد، اما شهوت پرستان استثمارگر می‌خواهند یکجا موجودیت شما را به یغما ببرند و یکسره بر شما بتازند *

* حقیقتاً اگر کفار بر اوضاع مسلط شوند و مانع و مزاحمی سر راه خود نداشته باشند، بشریت را در نهایت ذلت و خواری قرار می‌دهند. این مقدار که در جوامع خود قاعده و قانون رعایت می‌کنند مربوط به موانع و مزاحمی است که در راه منافع خود دارند. موانع تسلط و تزام آن‌ها یکی عقل و شعور مردم است که حق و باطل و ظلم و عدالت شناخته‌اند و برمدار ظلم و عدالت حب و بغض پیدا می‌کنند و علیه ظالم عکس‌العمل داشته‌اند و دیگر قیام اولیاء خدا که با اعتماد به نصرت خدا با کفار مبارزه کرده‌اند و پیروز بوده‌اند و همان‌ها علم و آگاهی در مردم به وجود آورده‌اند که توانسته‌اند کفار را تا این اندازه کنترل کنند و به برکت همین دو عامل است که کفار تا این اندازه به عقیده خود حقوق بشر را رعایت می‌کنند. در قرون اول که چنین علم و آزادی نبوده بردگی با اعمال شاقه رواج داشته است. نتایج تعلیمات انبیاء این همه علم و آزادی است که در عالم به وجود آمده و کفار را تا اندازه‌ای به نظام آورده‌اند و نتایج شهوات کفار، این همه ذلت و بردگی در طول تاریخ است.

﴿۲۸﴾ **يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخَلَقَ الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا** خداوند با این مقررات، زندگی را بر شما آسان می‌کند زیرا انسان ضعیف آفریده شده، توانایی بارکشی ندارد

﴿۲۹﴾ **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا** ای اهل ایمان! اموال خود را بین خود به باطل نخورید مگر از طریق تجارت و کسب رضایت و یکدیگر را نکشید که خداوند با شما مهربان است

﴿۳۰﴾ **وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصَلِّيهِ نَارًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ**

يَسِيرًا کسانی که ظالمانه مال و جان مردم را می‌برند، از مسیر این اعمال آن‌ها را وادار به جهنم سازی می‌کنیم و این کار بر خدا آسان است *

* زیرا ظالم برای ادامه ظلم عاقبت مسلح به سلاح آتشین می‌شود و این آتش ذخیره آخرت اوست.

﴿۳۱﴾ **إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا** اگر از گناهان کبیره اجتناب کنید ، خداوند بدی‌ها را از وجود شما می‌زداید و در یک زندگی کریمانه وارد می‌کند

﴿۳۲﴾ **وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا أَكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا أَكْتَسَبْنَ وَسَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا** اگر در بعضی نسبت به دیگران از نظر مالی و مقامی و یا چیزهای دیگر برتری دیدید، نگویید: کاش مثل او بودم ، مرد و زن هر یک برابر استعداد خود بهره‌ای دارند ، شما نیز از خدا بخواهید مثل آن‌ها یا بهتر از آن‌ها شما را بهره‌مند کند ، خداوند به هر چیزی داناست (این آیه بهترین داروی مرض حسد است)

﴿۳۳﴾ **وَلِكُلِّ جَعَلْنَا مَوَالِي مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلَّذِينَ عَقَدْتَ أَيْمَانُكُمْ فَعَاثُوهُمْ نَصِيبَهُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا** برای ماترک هریک از والدین و خویشاوندان به نزدیک‌تران آن‌ها حقی معین کرده و ولایت داده‌ایم ، اگر با غیر آن‌ها عهد و پیمانی بسته‌اید رعایت کنید ، خداوند گواه همه چیز است

﴿۳۴﴾ **الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَنِيَتٌ حَفِظَتْ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَالَّتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَأَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَأَضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا**

عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا

مدیریت زندگی زنان با مردان است زیرا خدا قوت کار به آنها داده و مخارج زندگی را به عهده آنها گذاشته ، پس زنان شایسته ضمن رابطه با خدا در داخل زندگی با وظیفه‌شناسی و حفظ احکام الهی، حافظ زندگی و آبروی خانواده باشند ، اگر شوهر ملاحظه کرد که همسرش به زندگی سرسنگین شده به جای دیگر علاقه دارد برای حفظ نظام ابتدا او را موعظه کند که نباید زندگی را متلاشی سازد ، اگر سودی نبخشید مدتی در خوابگاه با او قهر کند ، اگر فایده نداد با ضرباتی که دیه آور نباشد او را تنبیه کند، اگر سر به خط گذاشت کاری به او نداشته باشد ، خداوند برتر و بزرگ‌تر است *

* در تمام موارد بالا باید مرد بی‌عیب و بی‌گناه باشد. اگر در اثر بداخلاقی و آزار، او را وادار به نشوز کند حق تنبیه ندارد. اولاً هر کس سوء خلق و عیبی در کسی می‌بیند و به خود اجازه می‌دهد او را آگاه کند. باید اول خود را بررسی کند که چنان عیبی دارد یا ندارد، خود را اصلاح کند. شوهران در درجه اول باید خود را اصلاح کنند که عیبی نداشته باشند و زن خود را از آن عیبی بازدارند که خود نداشته باشند. در این صورت اگر زن را ناشزه دیدند مقررات این آیه را درباره او اجرا کنند. نشوز زن به معنای سرسنگینی او از مقررات زندگی است که احساس می‌شود به جای دیگر دل بسته و می‌خواهد زندگی را متلاشی کند. تحمل بی‌مادری کودکان برای پدران سخت است. سه رقم از این تنبیهات فقط بین زن و شوهر اجرا می‌شود. هیچ کس از وابستگان و دوستان طرفین و کودکان خودشان نباید از نشوز زن و تنبیهات شوهر آگاهی پیدا کنند زیرا به هر میزانی که عیب انسان در جامعه شایع می‌شود ترک آن عیب مشکل‌تر است. هر کس اختلافی بین زن و شوهر احساس کند تا می‌تواند آن را شدت می‌دهد و این اختلاف بچه‌ها را به حال یأس دچار می‌کند و دیگر اینکه بین هر یک از این تنبیهات لااقل باید چهل روز فاصله باشد. اول به صفات خوبی که شوهر دارد و زن ندارد، زن را نصیحت کند که قدر نعمت زندگی را بداند و بعد اگر نصیحت فایده نبخشید در خوابگاه پشت به زن بخوابد و با او قهر کند. مدتی همراه نصایح در این وضع باشد و در مرحله سوم که آن دو

مرحله سودی نبخشید، ضربات تنبیهی را در نظر بگیرد به طوری که کبودی و شکستگی ایجاد نکند و خیلی دردآور نباشد. تا انتهای این مراحل کسی نباید اختلاف بین زن و شوهر را احساس کند، اگر نتیجه نگرفت دادگاه خانوادگی تشکیل دهد، خویشاوندان جمع شوند و بین آنها عادلانه قضاوت و نصیحت کنند اگر سودی نبخشید نوبت به طلاق می‌رسد که طلاق هم باید طلاق رجعی باشد تا در مدت عدّه راهی داشته باشد به زندگی برگردد. طلاق رجعی در مدت عدّه، وراثت و رابطه زناشویی را به هم نمی‌زند. شوهر با یک اشاره و دو کلمه حرف زدن، شوهر شناخته می‌شود و عقد جدید لازم نیست، مدتی در این رابطه باشد شاید زن متنبه شود به زندگی برگردد و اگر اصلاح نشد نوبت طلاق دوم می‌رسد که آن هم باید رجعی باشد. این طلاق هم وراثت و زن و شوهری را به هم نمی‌زند و با دو کلمه حرف زدن رابطه برقرار می‌کند. اگر در این مرتبه هم اصلاح نشد نوبت طلاق سوم می‌رسد که طلاق باین است و شوهر حق رجوع و آشتی ندارد مگر اینکه زن با مرد دیگری ازدواج دائم کند و از شوهر دوم هم طلاق بگیرد. بنابراین مقدمات، از زمان ظهور نشوز و اختلاف تا جدایی کامل، خداوند متعال هفت خوان رستم قرار داده و تمامی این مقدمات برای این است که تا حد امکان نظام خانوادگی به هم نخورد و بچه‌ها بی‌مادر نشوند و اگر مرد ناشزه شد زن مدتی صبر می‌کند و به شوهر خود آگاهی می‌دهد که چه خطر بزرگی متوجه زندگی او شده است. از دادگاه خانوادگی یا اجتماعی تقاضای اصلاح فکر شوهر می‌کند یا تقاضای طلاق خلعی می‌کند تا اجازه رجوع با زن باشد شاید مرد علاقه پیدا کند.

﴿۳۵﴾ وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَأَبْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقُ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا

جدی است، داورانی از طرفین کنار یکدیگر بنشینند و مشکل زندگی را حل کنند، اگر طالب اصلاح باشند، خدا قلب آنها را به هم الفت می‌دهد، خدا عالم و آگاه است

﴿۳۶﴾ ﴿۳۶﴾ وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ

السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا خدا را

پرستید چیزی را شریک خدا نسازید، به پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان و مساکین و همسایه خویشاوند و غیرخویشاوند و رفیق راه مسافرت و درماندگان در راه و کنیز و غلام احسان کنید، خداوند متکبری را که به خود می‌نازد دوست نمی‌دارد

﴿۳۷﴾ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ

فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا همان‌ها که از خدمت به دیگران بخل

می‌ورزند و دیگران را به بخل وامی‌دارند و فضیلت و نعمتی را که خداوند به آن‌ها داده از دیگران کتمان می‌کند، ما برای آن‌ها عذابی خوارکننده مهیا کرده‌ایم

﴿۳۸﴾ وَالَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ

وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا کسانی که به ریاکاری مال خود را

انفاق می‌کنند، ایمان به خدا و آخرت نمی‌آورند مستحق عذاب‌اند، کسی که شیطان را قرین خود می‌سازد، بداند که قرین بدی دارد *

* اساساً بزرگ‌ترین ثروت و مایه آبرو و عزت انسان‌ها انسان است و محبت کردن به انسان‌ها بزرگ‌ترین عامل آسایش و آرامش در دنیا و آخرت و به‌عکس عقده و عناد آن‌ها بزرگ‌ترین عامل ناامنی است و این دو عامل از طریق خدمت یا بی‌اعتنایی به آن‌ها پیدا می‌شود. پس کسانی که به حقوق مردم بی‌اعتنا هستند یا به آن‌ها ستم می‌کنند از روابط اجتماعی و محبت مردم محروم‌اند. در زندگی آن‌ها که عاقبت بهشت است نمی‌توانند شرکت کنند.

﴿۳۹﴾ وَمَاذَا عَلَيْهِمْ لَوْ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقَهُمُ اللَّهُ وَكَانَ اللَّهُ

بِهِمْ عَلِيمًا چه می‌شود اگر ایمان به خدا و آخرت بیاورند و به منظور جلب رضایت

و اجر آخرت فعالیت کنند و از آنچه خدا به آن‌ها داده انفاق نمایند، خداوند به اعمال

آن‌ها آگاه است

﴿۴۰﴾ **إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَإِن تَكَ حَسَنَةً يُّضْعِفْهَا وَيُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا**

عَظِيمًا خداوند برابر وزن ذره‌ای ستم نمی‌کند و اگر آن ذره، نیکوکاری باشد چند برابر اجر می‌دهد و در انتها اجری عظیم به آن‌ها مرحمت می‌کند (در این صورت مالک ثروت خدا هستند)

﴿۴۱﴾ **فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا**

زمانی که ما از هر امتی الگوی حق بیاوریم و تو را هم الگوی صالح مسلمان‌ها، آیا آن‌ها فکر می‌کنند که در برابر این الگوهای حق چه وضعی دارند؟ (اولیاء خداوند ترازوهای حق و عدالت هستند)

﴿۴۲﴾ **يَوْمَئِذٍ يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصَوُا الرَّسُولَ لَوْ تُسَوَّىٰ بِهِمُ الْأَرْضُ وَلَا**

يَكْتُمُونَ اللَّهَ حَدِيثًا در برابر این شاهدان حق، کافران و معصیت‌کاران چنان رسوا می‌شوند که دوست دارند به زمین فروروند زیرا نمی‌توانند وضعیت بد خود را از کسی پنهان دارند

﴿۴۳﴾ **يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَرَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا**

تَقُولُونَ وَلَا جُنْبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّىٰ تَغْتَسِلُوا وَإِن كُنْتُمْ مَّرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُمْ مِنَ الْغَايِبِ أَوْ لَمَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُورًا غَفُورًا ای اهل ایمان!

در حال مستی به نماز نزدیک نشوید تا بدانید چه می‌گویید و در حال جنابت پیش‌از غسل به مسجد نروید مگر در حال عبور و اگر مریض و یا در مسافرت بودید، به دستشویی رفته و یا با همسر خود نزدیک شدید و نتوانستید از آب استفاده کنید،

تیمم بگیرید ، با غباری از سطح زمین پاک، صورت و دست خود را مسح کنید، با این عمل، خدا آلودگی گناه را برطرف نموده شما را تکامل می دهد

﴿۴۴﴾ **أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يَشْتُرُونَ الضَّلَالََةَ وَيُرِيدُونَ أَن تَضِلُّوا السَّبِيلَ** در حال اهل کتاب مطالعه کنید، با اینکه بهره ای از کتاب آسمانی

دارند، ضلالت را به جای هدایت می خرند و سعی می کنند مسلمانان را گمراه کنند

﴿۴۵﴾ **وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِأَعْدَائِكُمْ وَكَفَى بِاللَّهِ وَلِيًّا وَكَفَى بِاللَّهِ نَصِيرًا** اما نترسید!

خدا دشمنان شما را بهتر می شناسد ، کافی است که خداوند ولی و یاور شما باشد

﴿۴۶﴾ **مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأَسْمَعُ غَيْرَ مُسْمَعٍ وَرَاعِنَا لَيًّا بِأَلْسِنَتِهِمْ وَطَعْنَا فِي الدِّينِ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأَسْمَعُ وَأَنْظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَقْوَمَ وَلَٰكِن لَّعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا** بعضی یهودیان عبارات کتاب و یا احکام آن را تغییر می دهند،

می شنوند و نافرمانی می کنند، به مسخره می گویند: چیزهای نشنیده بشنوید، دهن کجی می کنند که ای رسول خدا! ما را رعایت کن ، اگر مؤدبانه بگویند: به چشم یا رسول الله، شنیدیم و اطاعت کردیم به ما توجه کن بهتر بود، در زندگی دوام و قوام پیدا می کردند ولیکن به سبب کفر و کفران، لعنت خدا آنها را فراگرفت، به جز عده کمی ایمان نمی آورند *

* یهودیان به مسخره می گفتند: یا رسول الله، رَاعِنَا، خدا فرمود: بگویند: أَنْظُرْنَا. مفسرین در توضیح این اختلاف همین قدر گفته اند که کلمه رَاعِنَا در لسان یهود مسخره است ولی کلمه أَنْظُرْنَا مسخره نیست لیکن مسخره در کلمات نیست بلکه در نیت و بیان است نه در کلمه أَنْظُرْنَا یا در کلمه رَاعِنَا. ولی باید گفت: در ارتباط با نیت و دعوت پیامبران کلمه أَنْظُرْنَا درست است

و کلمه راعِنًا درست نیست زیرا کلمه راعِنًا مشعر به ذلت است و کلمه اُنْظَرْنَا مشعر به رحمت و محبت. راعنا یعنی ما گوسفندیم تو چوپان ما باش، ما از خود اختیار نداریم. خدا و پیامبران امت را به این دلیل دعوت نمی کنند که ذلیل و عزیز در کار باشد بلکه از امت می خواهند که با آزادی و عزت دعوت خدا و رسول را بپذیرند. پیامبران می خواهند آن عزتی که خودشان دارند به امت برسانند نه اینکه امت را مثل گوسفندان و بردگان بچرانند پس کلمه اُنْظَرْنَا به معنی ما را سرپرستی کن یا مواظب ما باش با هدف پیامبران از کلمه راعِنًا مناسب تر است.

﴿۴۷﴾ **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آوْتُوا الْكِتَابَ ءَامِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ مِّن قَبْلِ أَن نَّطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَىٰ أَدْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا** ای اهل کتاب! (پیش از آن که صورت انسانی شما را محو کنیم و به

حیوانیت برگردانیم) به این قرآن که دین شما را تصدیق می کند ایمان بیاورید، شما دیدید که گناه کاران روز شنبه چگونه مسخ شدند ، بدانید که فرمان خداوند در وقت مناسب واقع شدنی است

﴿۴۸﴾ **إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا** مشرک از توفیق الهی بهره نمی برد ولی خدا اگر بخواهد سایر گناه کاران را توفیق توبه می دهد، کسی که خلق را به جای خالق می پرستد گناه بزرگی مرتکب شده است *

* غفران در آیات، به معنای رفع نواقص و جودی است چنان که خداوند کودکان را به حد بلوغ می رساند. انسان بی ایمان گرفتار جهل است و نقص و جودی دارد اما اگر دعوت خدا را بپذیرد مجهز به نور ایمان می شود چنان که خداوند به عرب ها می گوید: وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِهِمْ (حجرات ۱۴). مؤمن که مجهز به روح ایمان می شود بالغ است و کافر نابالغ است و نقص و جودی دارد. معنای إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ، این است که خدا راهی ندارد که با افاضه روح ایمان نقص و جودی مشرک را برطرف کند. مشرک حاضر به استفاضه از فیض

خدا نیست و در کفر و شرک متمرکز می‌شود پس توفیق الهی که همان روح ایمان است، به او نمی‌رسد زیرا گرایش به خدا ندارد مثل کسی که به مدرسه نمی‌رود تا سواد پیدا کند. عفو و غفران در مقابل ذنب و عصیان دو کلمه مترادف نیست بلکه متباین است. غفران رفع نواقص وجودی و عفو به معنای محو اثر گناه است. مشرک در حال اعراض از خدا توفیق توبه پیدا نمی‌کند و روح ایمان در دل او دمیده نمی‌شود، پس در جهل و شرک می‌ماند.

﴿۴۹﴾ **أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُزَكُّونَ أَنْفُسَهُمْ بَلِ اللَّهُ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا**

بعضی را ببین، چگونه خود را تعریف می‌کنند، فقط خداست که مقام هر کسی را بخواهد بالا می‌برد، به کسانی که مستحق مقام‌اند ذره‌ای ستم نمی‌شود

﴿۵۰﴾ **أَنْظُرْ كَيْفَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَكَفَىٰ بِهِ إِثْمًا مُّبِينًا** بین! چگونه

به خدا دروغ می‌بندند که خود را بالا و والا می‌دانند (مدعی امامت می‌شوند)، دروغ، بزرگ‌ترین گناه است

﴿۵۱﴾ **أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ**

وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَىٰ مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا سَبِيلًا بین! عده‌ای از

اهل کتاب که بهره‌ای از کتاب خدا دارند چقدر بی‌انصاف هستند، به بت‌های جبت و طاغوت ایمان می‌آورند، می‌گویند: بت پرستان از مؤمنین بهتر هدایت شده‌اند

﴿۵۲﴾ **أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَمَن يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَن تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا** لعنت خدا

آن‌ها را فراگرفت که بت پرستی را بر دین آسمانی خود ترجیح دادند، کسی را که خدا لعنت کند یآوری ندارد

﴿۵۳﴾ **أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّنَ الْمُلْكِ فَإِذَا لَا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِيرًا** با چنین انحرافی

چطور ممکن است بهره‌ای از پادشاهی داشته باشند که برابر دانه خرمایی به مردم

کمک نخواهند کرد

﴿۵۴﴾ أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ
الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَاتَيْنَهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا

آن‌ها به آل ابراهیم و آل محمد(ع)

حسودی می‌کنند که چرا خدا لطف و رحمت خود را به آن‌ها داده ، بگو: بسوزید،
خداوند به آن‌ها کتاب و حکمت داده و سلطنتی عظیم برای آن‌ها مقدر فرموده است *

* ملک عظیم به معنای سلطنت بی‌حدومرز است، نه مرز مکانی دارد که قطعه‌ای از زمین
باشد نه مرز زمانی دارد در مدت معینی از زمان و نه هم‌مرز کمی و کیفی دارد که حکومت بر
عده‌ای و یا قسمتی از حالات. پس ملک عظیم یعنی ملک کبیر و سلطنتی نامتناهی. این زندگی
دنیا از تولد تا مرگ برای هر انسانی و از هبوط آدم تا قیام امام زمان(عج) برای کل افراد بشر
در کره زمین دایر شده که مدت آن تقریباً ده هزار سال است. مقدمه‌ای برای پیدایش آن
سلطنت عظیم است. در این مدت به انسان‌ها آزادی داده می‌شود تا در خدمت و یا خیانت به
یکدیگر خود را بشناسند و بدانند که ناخودآگاه به‌جای خدمت به خود و دیگران خیانت
می‌کنند و عاجزند از اینکه خود و دیگران را به زندگی مطلوب و ایده‌آل برسانند و بدانند که
آن زندگی مطلوب که در آن رقم رنج و زحمت در حد صفر و موفقیت در بی‌نهایت است به
وسیله خود آن‌ها و امثال خود آن‌ها قابل‌ظهور نیست بلکه عامل آن زندگی مطلوب بنام بهشت
خدا و انسان‌های کامل‌اند که از مسیر تعلیم و تربیت الهی به کمال مطلق رسیده‌اند. خداگونه
می‌دانند و خداگونه می‌توانند. برای آمادگی مردم برای تسلیم به قدرت خداوند و انسان‌های
کامل آزمایشی به نام زندگی دنیا لازم است تا هرکس از طریق خودشناسی آشنایی به علم و
قدرت خدا و انسان‌های کاملی مانند چهارده معصوم(ع) پیدا کند و تسلیم قدرت و اراده آن‌ها
شود. عامل رانده شدن مردم به دایره حکومت ائمه اطهار(ع) همین گناه و معصیت‌ها و ظلم و
ستم‌ها است که محصول قصور و تقصیر جامعه بشریت است. عاقبت زندگی انسان‌ها در مسیر
ظلم و ستم و قتل و کشتار و پیدایش جنگ‌های آتشین و بخصوص جنگ هسته‌ای سقوط
می‌کند و استیصال جهانی به وجود می‌آید و این استیصال موجبات ظهور آن حضرت را فراهم

می کند. زندگی آخرت افتتاح می شود و تمامی انسان ها از اولین و آخرین به دایره حکومت آن ها برمی گردند. **إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ**. این است ملک عظیم که خداوند برای آن ها مقرر کرده است.

﴿۵۵﴾ **فَمِنْهُمْ مَّنْ ءَامَنَ بِهِءٍ وَمِنْهُمْ مَّنْ صَدَّ عَنْهُ وَكَفَىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا** بعضی به این سلطنت ایمان می آورند و بعضی افکار مردم را از آن بازمی دارند ، برای آن ها آتش جهنم کافی است

﴿۵۶﴾ **إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصَلِّيهِمْ نَارًا كَلَّمًا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا** کسانی که کافر به آیات ما می شوند بدانند که به همین زودی آتش جهنم را به دست خودشان روشن خواهیم کرد که هر وقت پوست بدنشان پخته شود، پوست دیگری به جای آن می روید تا زنده باشند و معذب شوند ، خداوند عزیز و حکیم است

﴿۵۷﴾ **وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَنُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا** و اما آن ها که اهل ایمان و عمل شایسته هستند به زودی آن ها را وارد بهشت هایی می کنیم که از آن، نهرهای نعمت و ثروت جریان دارد (یعنی قدرت ارادی که با آن هر چه بخواهند می شود) ، در آن بهشت، همسرانی پاک و پاکیزه در سایه حکومت گوارای خدا دارند

﴿۵۸﴾ **إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا** خداوند به شما فرمان می دهد که امانت ها را به صاحبانش برگردانید و در حقوق مردم عادلانه قضاوت کنید ، خداوند چقدر خوب شما را موعظه می کند، خدا شنوا و داناست

﴿۵۹﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا

ای اهل ایمان! از خدا و رسول و فرمانداران خود اطاعت کنید و اگر در حکمی اختلاف پیدا کردید، به خدا و رسول مراجعه کنید اگر ایمان به خدا و آخرت دارید، ارجاع حکم به خدا و رسول بهترین راه و بهترین تفسیر است

﴿۶۰﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ ءَامَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا نُزِّلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ ۗ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا

بعضی مسلمانان که خیال می کنند به آنچه بر تو و پیامبران قبل نازل شده ایمان دارند، حکومت های طاغوتی را مرجع خود قرار می دهند با اینکه مأمورند کافر به آنها باشند، شیطان آنها را به گمراهی دور می کشاند (که حقیقت ندانند و نجویند)

﴿۶۱﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا

اگر به آنها گفته شود: هوای نفس را رها کنید، از خدا و رسول اطاعت نمایید، خواهی دید که منافقین ناراحت شده و مردم را از خدا و رسول باز می دارند

﴿۶۲﴾ فَكَيْفَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ثُمَّ جَاءُوكَ يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِن أَرَدْنَا إِلَّا إِحْسَانًا وَتَوْفِيقًا

چطور است حال آنها؟ اگر در اثر این مخالفت ها مصیبت بزرگی آنها را فرا گیرد در این صورت به تو مراجعه می کنند، عذرخواهی می کنند که نظر ما از آن اعمال، احسان و خدمت بود

﴿۶۳﴾ **أُولَئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا** خداوند به این تظاهرات خلاف حقیقت آگاه است، از آن‌ها اعراض کن و آن‌ها را موعظه کن، گفتار حکیمانه خود را به آن‌ها ابلاغ کن تا حجت تمام شود

﴿۶۴﴾ **وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَأَسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا** ما هیچ پیامبری را نفرستادیم جز اینکه باید به اذن خدا حاکم باشد، اگر آن‌ها که به خود ستم کردند بعد از نافرمانی به سوی تو آیند و استغفار کنند، رسول خدا هم برای آن‌ها استغفار کند، خواهند دانست که خدا توبه پذیر و مهربان است (برای اینکه در دایره ولایت رسول توبه قبول می‌شود)

﴿۶۵﴾ **فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِي مَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا** نه والله، ایمان به خدا نمی‌آورند مگر اینکه تو را در اختلافات خود حاکم کنند، در این صورت چاره‌ای جز قبول حکومت تو ندارند و قهراً تسلیم می‌شوند

﴿۶۶﴾ **وَلَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنْ اقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ أَوْ اأَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ مَا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ مِنْهُمْ وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِهِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَشَدَّ تَثْبِيتًا** اگر آن‌ها را ملزم کنیم که هوای نفس خود را بکشید و یا از دایره فکر باطل خود خارج شده به دایره حق بروید، به جز عده کمی اطاعت نمی‌کنند با اینکه اگر از موعظه‌ها پیروی کنند بهتر است، عمل به دستورات آن‌ها را ثابت نگه می‌دارد

﴿۶۷﴾ **وَإِذَا لَأْتَيْنَهُمْ مِنْ لَدُنَّا أَجْرًا عَظِيمًا** در این صورت اجر بزرگی به آن‌ها

خواهیم داد

﴿۶۸﴾ **وَلَهْدَيْنَهُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا** و آن‌ها را به راه راست هدایت خواهیم کرد
(راه راست، ولایتِ خداست)

﴿۶۹﴾ **وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا** کسی که از خدا و رسول اطاعت کند، با کسانی محشور می‌شود که از نعمت ولایت خدا بهره‌مند شده‌اند، با پیامبران و صدیقین و شهدا و صالحین، چه دوستان و رفقای خوبی که دارند

﴿۷۰﴾ **ذَلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ عِلِيمًا** حشر با آن‌ها لطف خداست، کافی است که خداوند عالم به اجر بندگان است

﴿۷۱﴾ **يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانفِرُوا ثُبَاتٍ أَوْ انفِرُوا جَمِيعًا** ای اهل ایمان! همیشه از دشمنان بر حذر باشید، آمادگی جنگی داشته باشید، خواه همه باهم بجنگید یا گروه‌گروه

﴿۷۲﴾ **وَإِنَّ مِنْكُمْ لَمَنْ لَيُبَطِّئَنَّ فَإِنْ أَصَابَتْكُم مُّصِيبَةٌ قَالُوا قَدْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْنَا إِذْ لَمْ أَكُنْ مَعَهُمْ شَهِيدًا** بعضی از شما از شرکت در جنگ سستی می‌کنند، در انتظار این هستند که اگر مصیبت شکست به شما برسد بگویند: لطف خدا شامل حال ما شد که با آن‌ها نبودیم

﴿۷۳﴾ **وَلَئِنْ أَصَابَكُمْ فَضْلٌ مِّنَ اللَّهِ لَيَقُولَنَّ كَأَن لَّمْ تَكُنْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ مَوَدَّةٌ يَلِيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا** و اگر پیروز شدید غمناک می‌شوند مثل اینکه رابطه انسانی با شما ندارند بلکه فقط رابطه مالی دارند، می‌گویند: ای کاش با

آن‌ها بودیم و به سعادت غنیمت می‌رسیدیم

﴿۷۴﴾ **فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَن يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا** پس باید در راه خدا با کسانی که آخرت را به دنیا می‌فروشند، بجنگید، کسی که در راه خدا بجنگد، کشته شود یا پیروز شود، به اجری عظیم خواهد رسید

﴿۷۵﴾ **وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ نَصِيرًا** شما را چه شده که در راه خدا نمی‌جنگید با اینکه مستضعفین از مردان و زنان و فرزندان زیر سلطه مستکبرین دادشان بلند است که‌ای خدا! ما را از سلطه مستکبران آزاد کن و از جانب خود برای ما حاکم عادل معین فرما که ما را یاری کند

﴿۷۶﴾ **الَّذِينَ ءَامَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا** اهل ایمان، در راه خدا می‌جنگند تا ولیّ خدا را به حکومت برسانند ولیکن کفار می‌جنگند تا طاغوتی را به کرسی بنشانند، شما اهل ایمان با لشکریان شیطان بجنگید که مکر شیطان ضعیف و ناپایدار است

﴿۷۷﴾ **أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَءَاتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَّعْتُ الدُّنْيَا**

قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَىٰ وَلَا تُظْلَمُونَ فَتِيلًا

تو در حال بعضی اعتراض گران فکر کن که وقتی از جانب رهبر فرمانی بر متار که جنگ صادر می شود که امروز به نماز و خدمات مشغول باشید، اعتراض می کنند و زمانی که فرمان جنگ صادر می شود ، از مردم چنان می ترسند که باید از خدا بترسند یا اینکه کفار را مهم تر می دانند ، اعتراض می کنند که چرا در این زمان فرمان جنگ دادید، لازم بود مدتی به تأخیر بیندازید ، به آن ها بگو: دنیا ارزش ندارد، آخرت برای اهل تقوا بهتر است، ذره ای به شما ستم نمی شود

﴿۷۸﴾ أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكْكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ وَإِنْ تُصِبْهُمْ حَسَنَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِكَ قُلْ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ فَمَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا

به آن ها بگو: هر جا باشید گرچه در برج های محکم، مرگ شما را فرا می گیرد ، اگر نعمت و ثروتی نصیب آن ها شود، می گویند: به دست خدا به ما رسید و اگر شکست و ضرری به آن ها برسد، می گویند: به دست رهبر ، بگو: تمامی حوادث به دست خداست ، چه مردمی اند که نمی توانند حوادث را ریشه یابی کنند

﴿۷۹﴾ مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنَ نَفْسِكَ وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا

آری، آنچه برکت به شما می رسد، به دست خداست و آنچه شرّ و بلاست به دست خودتان ، تو رسول خدایی ، آگاهی خدا به اوضاع و احوال مردم کفایت می کند

﴿۸۰﴾ مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا

هر کسی از رسول خدا اطاعت کند، از خدا اطاعت نموده و هر کس خودرأی شد، تو

مأمور نیستی آنها را از عذاب مقدر حفظ کنی

﴿۸۱﴾ وَيَقُولُونَ طَاعَةٌ فَإِذَا بَرَزُوا مِنْ عِنْدِكَ بَيَّتَ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ غَيْرَ الَّذِي تَقُولُ

وَاللَّهُ يَكْتُبُ مَا يُبَيِّتُونَ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا

رویارویی تظاهر به اطاعت دارند و در مجالس خلوت شبانه عده‌ای از آنها خلاف آنچه گفته‌اند، می‌گویند، خدا گفتگوی شبانه آنها را ثبت می‌کند، به آنها اعتنا نکن، توکل به خدا داشته باش، کافی است که خدا وکیل تو باشد

﴿۸۲﴾ أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا

كثِيرًا

چرا در آیات خدا فکر نمی‌کنند که اگر این آیات از غیر خدا بود، اختلافات بسیاری در آن پیدا می‌شد

﴿۸۳﴾ وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْحُوفِ أَدَاعُوا بِهِءٌ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى

أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ

وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا

وقتی که اسراری راجع به صلح یا جنگ بشنوند، این طرف و آن طرف شهرت می‌دهند با اینکه آنچه می‌شنوند اگر به رسول خدا و فرمانداران مراجعه دهند، آنها صحت و سقم آن گزارش‌ها را کاملاً می‌دانند، اگر لطف خدا شامل حال شما نبود، به جز عده کمی همه شما از شیاطین پیروی می‌کردید

﴿۸۴﴾ فَقَتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسَكَ وَحَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ عَسَى اللَّهُ أَنْ

يَكْفَ بِأَسِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَاللَّهُ أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ تَنكِيلًا

با کفار در راه خدا بجنگ، به جز خودت کسی مکلف به جنگ نیست، مؤمنین را هم به جهاد و قتال تشویق کن شاید خدا سورت کفار را بشکند، شر آنها را از شما بازدارد، غضب خدا شدیدتر و عذاب او سخت‌تر است

حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَخُذُوهُمْ وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وِلِيًّا وَلَا نَصِيرًا

آن‌ها دوست دارند شما را مانند خود به کفر بکشانند ، هیچ‌وقت دوستی آن‌ها را نپذیرید مگر اینکه به سوی خدا هجرت کنند ، اگر از دین خدا اعراض کردند، هر جا آن‌ها را شناختید، بکشید ، سرپرستی آن‌ها را نپذیرید و از آن‌ها نصرت نطلبید

﴿۹۰﴾ إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ أَوْ جَاءُوكُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ أَن يُقْتِلُوكُمْ أَوْ يَقْتُلُوا قَوْمَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَتْلُوكُمْ فَإِنِ اعْتَزَلُوكُمْ فَلَمْ يُقْتِلُوكُمْ وَالْقَوَا إِلَيْكُمْ أَلْسَلَمَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا

مگر اینکه به اقوامی پناهنده شوند که با شما پیمان بسته‌اند یا به شما اظهار کنند که حوصله ما از جنگ سرآمده نمی‌توانیم همراه شما با اقوام خود بجنگیم، اگر خدا بخواهد آن‌ها را بر شما مسلط می‌کند ، پس اگر آن‌ها از شما کنار کشیدند که نجنگند و اعلام نمودند که طالب صلح‌اند، خدا جنگ با آن‌ها را اجازه نداده است

﴿۹۱﴾ سَتَجِدُونَ ءآخِرِينَ يُرِيدُونَ أَن يَأْمَنُوكُمْ وَيَأْمَنُوا قَوْمَهُمْ كُلٌّ مَّا رُدُّوا إِلَىٰ الْفِتْنَةِ أُرْكِسُوا فِيهَا فَإِن لَّمْ يَعْتَزِلُوكُمْ وَيُلْقُوا إِلَيْكُمْ أَلْسَلَمَ وَيَكْفُرُوا أَيَدِيَهُمْ فَخُذُوهُمْ وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأُولَئِكُمْ جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطٰنًا مُّبِينًا

و از آن‌ها طایفه‌ای هستند که دوست دارند شما و آن‌ها در امن و امان باشید ولیکن ثبات و استقامت ندارند، جذب فتنه‌ها می‌شوند و به هلاکت کفر مبتلا می‌گردند، آن‌ها اگر از شما کنار نکشیدند و طالب صلح نبودند، هر جا آن‌ها را شناختید بکشید ، خدا شما را بر آن‌ها حجت و حاکمیت داده است

﴿۹۲﴾ وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَن يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً وَمَن قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ

رَقَبَةٍ مُّؤْمِنَةٍ وَّدِيَّةٌ مُّسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهَا إِلَّا أَنْ يَصَّدَّقُوا فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُّؤْمِنَةٍ وَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدِيَّةٌ مُّسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُّؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِّنَ اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا

یک مؤمن حق ندارد مؤمنی را بکشد مگر اینکه به خطا باشد که به کفاره قتلِ خطا باید برده مؤمنی را آزاد کند و دیه‌اش را به خانواده‌اش تسلیم کند مگر که دیه را ببخشند و اگر مؤمن مقتول از طایفه‌ای باشد که دشمن شماست فقط برده مؤمنی را آزاد کنید، دیه لازم نیست و اگر مقتول از طایفه‌ای باشد که با شما پیمان متارکه جنگ دارند دیه قتل را بدهید، برده مؤمنی هم آزاد کنید، اگر برده مؤمن نبود دو ماه پشت سر هم به کفاره قتل روزه بگیرید، لطف خدا شما را می‌گیرد، خداوند عالم و حکیم است

﴿۹۳﴾ وَمَنْ يَقْتُلْ مُّؤْمِنًا مُّتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا

اما اگر کسی مؤمنی را به عمد و عناد بکشد، سزای او جهنم ابدی است، غضب و لعنت خدا او را می‌گیرد، عذابی شدید برای او آماده است

﴿۹۴﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَىٰ إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمٌ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا

ای اهل ایمان! وقتی که مسافرید و در راه خدا با کسی روبه‌رو می‌شوید، در حال او تحقیق کنید، اگر سالم برخورد نمود، به خاطر دنیاطلبی او را متهم به عدم ایمان نکنید که ثروت او را ببرید، ثروت نزد خدا زیاد است، در ایام گذشته چنین بودید بدون

تحقیق کسی را کشتید، لطف خدا شامل حال شما شد (که دین صلح و صفا آمد) ، خداوند به اعمال شما آگاه است *

* به طور کلی کسی حق ندارد دیگری را که با او سالم برخورد می کند متهم به بی ایمانی یا دشمنی کند و هم چنین نباید شش دانگی تسلیم او شود و مقدراتش را به او بسپارد. تا آنجا که ممکن است اسرار و هدف خود را از او پنهان بدارد که بزرگان فرموده اند: **إِسْتَرَّ ذَهَبَكَ وَ ذَهَابَكَ وَ مَذَهَبَكَ.**

﴿۹۵﴾ **لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا**

مؤمنینی که بدون ضرر و مرض از جنگ باز می نشینند با مؤمنی که در راه خدا با جان و مال خود می جنگد مساوی نیستند ، خداوند متعال مؤمنین مجاهد با مال و جان را بر بازنشستگان از جهاد به درجاتی برتری داده است ، گرچه به تمامی اهل ایمان وعده نیک می دهد لیکن با اجر عظیمی مجاهدین را بر بازنشستگان فضیلت داده است *

* کسانی که در راه خدا جهاد می کنند روحیه و استعدادشان بالا می رود و محبت آن ها به بندگان خدا زیاد می شود و بر اساس همین روحیه و محبت، روز قیامت اجازه پیدا می کنند دوستان خود را که مختصری ایمان به خدا داشته اند شفاعت کنند و آن ها را به زندگی بهشتی برسانند علاوه درجات روحی پیدا می کنند که عقل و استعداد است و هم درجات اجتماعی که بسیاری از بندگان خدا را به زندگی بهشتی می رسانند. مستضعفین در آیه ۹۷ کسانی هستند که خودشان متمایل به گناه بوده و در جو کفر و گناه زندگی کرده اند با اینکه می توانسته اند به جای آزادی بروند که تحت تأثیر گناه واقع نشوند. آن ها عذر بدتر از گناه می آورند که می گویند: بی چاره بودیم مغلوب آن ها شده بودیم و اما مستضعفین آیه ۹۸ حقیقتاً مستضعف بوده اند یا عقل آن ها نرسیده که در محیط کفر و گناه مانده اند یا اینکه نتوانسته اند خود را

نجات دهند لذا عذرشان پذیرفته می شود و اهل نجات اند.

﴿۹۶﴾ **دَرَجَاتٍ مِّنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا** آن درجات، مغفرت

و رحمت است ، خداوند درجات بخش و مهربان است *

* درجات از شفاعت پیدا می شود، مغفرت پوشش های تکاملی است. خدا به شهید روحیه و استعداد و اجازه شفاعت می دهد.

﴿۹۷﴾ **إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّيْتُمُ الْمَلَائِكَةَ ظَالِمِينَ أُنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا**

مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ

مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا کسانی را که فرشتگان با پرونده سیاه قبض روح

می کنند به آن ها می گویند: با این سیاه رویی کجا بودید؟ ، می گویند: ببخشید در جو

فساد، قدرت ترک گناه نداشتیم ، می گویند: مگر زمین وسعت نداشت که از فساد

هجرت کنید ، عذر بدتر از گناه آن ها قبول نمی شود، جایشان جهنم است

﴿۹۸﴾ **إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا**

يَهْتَدُونَ سَبِيلًا مگر مردان و زنان و فرزندان که حقیقتاً مستضعف بودند، توانایی

و دانایی هجرت نداشتند و راه به جایی نبردند

﴿۹۹﴾ **فَأُولَئِكَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَعْفُو عَنْهُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا** عذر آن ها

پذیرفته می شود شاید خدا از گناه آن ها بگذرد، خدا آمرزنده و مهربان است

﴿۱۰۰﴾ **وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعِمًا كَثِيرًا وَسِعَةً وَمَنْ يُخْرَجْ**

مِنْ بَيْتِهِ مَهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ

وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا هر کس از جو فساد به مکتب خدا و رسول هجرت کند

ممکن است در مضيقه یا وسعت قرار گیرد و هر کس در خط هجرت به دین خدا
بمیرد، اجرش محفوظ است، خداوند آمرزنده و مهربان است

﴿۱۰۱﴾ وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنَّ
خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا

وقتی که به جنگ یا مسافرت می‌روید، مانعی ندارد که نماز خود را کوتاه بخوانید البته در
صورتی که از کمین‌گیری کفار و یا دزد و درنده می‌ترسید، آن‌ها دشمن شما هستند

﴿۱۰۲﴾ وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَافِيَةً مِنْهُمْ مَعَكَ وَلِيَأْخُذُوا
أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ وَلْتَأْتِ طَافِيَةً أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا
فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلِيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ
أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ
كَانَ بِكُمْ أَدَىٰ مِنْ مَطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ وَخُذُوا حِذْرَكُمْ
إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا

و زمانی که خودت یا فرمانده همراه سربازان
بودید برای نماز دو گروه شوید، گروهی با اسلحه اقتدا کنند و گروه دیگر مقابل
دشمن، گروه اول بعد از سجده فرادا بخوانند و بعد از سلام جای گروه دوم بروند و
آن‌ها با سلاح خود به رکوع دوم اقتدا کنند، بقیه را فرادا بخوانند و بعد با هم با دشمن
بجنگند، دشمن دوست دارد شما را غافل گیر کند و به ناگاه بتازد و اگر گرفتار باران
یا مرض شدید، مانعی ندارد سلاح را بگذارید ولی بر حذر باشید، خداوند برای کفار
عذابی خوارکننده مهیا کرده است *

* فواید نماز و دعا و عبادت‌های دیگر پیدایش مغفرت و معرفت است. کسانی که با خدا
رابطه دارند و احکام او را تمرین می‌کنند، قلبشان به نیروی ایمان تقویت می‌شود. درجات علم

و شجاعت آن‌ها بالا می‌رود و با فاسق و منافق تفاوت روحی و روانی پیدا می‌کنند لذا درجات علم و یقینشان بالا می‌رود چنان که گویی آخرت و قیامت را می‌بینند.

﴿۱۰۳﴾ فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا

بعد از نماز همه باهم بجنگید، دائم به یاد خدا باشید، در قیام و قعود و درازکش ذکر خدا بگویید و بعد از متارکه جنگ، نماز را متعارف بخوانید، نماز در اوقات معین مانند مطالعه کتاب است

﴿۱۰۴﴾ وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا

در تعقیب دشمن و رویارویی با آن‌ها سستی نشان ندهید، با صلابت و شجاعت باشید شما اگر مجروح شدید، آن‌ها هم مجروح شدند ولی شما به لطف خدا امیدوارید و آن‌ها نیستند که می‌دانند ظالم‌اند، خداوند علیم و حکیم است

﴿۱۰۵﴾ إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرْنَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُن لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا

ما این قرآن را به حق نازل کردیم تا آن‌طور که خدا به تو یاد می‌دهد میان مردم قضاوت کنی، هرگز از خیانت‌کاران دفاع نکن

﴿۱۰۶﴾ وَاسْتَغْفِرِ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا

از خدا مغفرت بخواه که خداوند تکامل دهنده و مهربان است (مغفرت خواهی به معنای طلب رفع نواقص وجودی است)

﴿۱۰۷﴾ وَلَا تُجَادِلْ عَنِ الَّذِينَ يَخْتَانُونَ أَنفُسَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ خَوَّانًا أَثِيمًا

از حق کسانی که به خود خیانت می‌کنند دفاع نکن، خداوند خیانت‌کاران

را دوست نمی‌دارد *

* کسی که حق خود را نمی‌شناسد و شعور دفاع از حق خود را ندارد، دیگران نباید از حق او دفاع کنند مانند برده‌ای که معنای آزادی را نمی‌داند، به مولای ظالم خود چسبیده و طالب آزادی نیست و شما به اجبار می‌خواهید او را آزاد کنید مگر اینکه با تعلیم و تبلیغ او را به حقوق خودش آگاه کنید. تنها عاملی که جاهل را از جهل می‌رهاند، ابتلا به مصائب است.

﴿۱۰۸﴾ يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ اللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّتُونَ مَا لَا يَرْضَوْنَ مِنَ الْقَوْلِ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا

گناه خود را از مردم پنهان می‌دارند و از آن‌ها خجالت می‌کشند و از خدا حیا نمی‌کنند باینکه خدا در آن مجالس سرّی با آن‌هاست و از توطئه آن‌ها باخبر است، خداوند به همه کس و همه چیز محیط است

﴿۱۰۹﴾ هَآأَنْتُمْ هَآؤَآءِ جَدَلْتُمْ عَنْهُمْ فِي الْحَيَوةِ الدُّنْيَا فَمَنْ يُجَدِلِ اللَّهَ عَنْهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَمْ مَنْ يَكُونُ عَلَيْهِمْ وَكِيْلًا

شما مؤمنین که در دنیا از آن‌ها دفاع می‌کنید، چه کسی روز قیامت از آن‌ها دفاع می‌کند و یا چه کسی وکیل مدافع آن‌ها می‌شود؟

﴿۱۱۰﴾ وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا

کسی که گناهی مرتکب می‌شود به خود ستم می‌کند، اگر از خدا مغفرت بخواهد، خدا را آمرزنده و مهربان خواهد شناخت (برای نجات از عوارض گناه، راهی به جز توبه وجود ندارد)

﴿۱۱۱﴾ وَمَنْ يَكْسِبْ إِثْمًا فَإِنَّمَا يَكْسِبُهُ وَعَلَىٰ نَفْسِهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا

کسی که مرتکب گناه می‌شود به خود ستم می‌کند، خداوند عالم و حکیم است

﴿۱۱۲﴾ وَمَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئًا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا

مُبِينًا کسی که مرتکب گناه شود و دیگری را به گناه خود متهم کند، دو مسئولیت بهتان و گناه متحمل می‌شود (هم گناه و هم تهمت)

﴿۱۱۳﴾ **وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ لَهَمَّتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ أَنْ يُضِلُّوكَ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَضُرُّونَكَ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا** اگر لطف خدا با تو نباشد و تو را حفظ نکند، گمراهان همت کردند تو را گمراه کنند، آنها خود را گمراه می‌کنند، نمی‌توانند ضرری به تو و یا دین تو وارد کنند، خداوند کتاب و حکمت به تو داده، آنچه نمی‌دانستی به تو تعلیم داده، لطف خداوند برای تو بزرگ است

﴿۱۱۴﴾ **لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّنْ نُّجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا** در این راز و نجواها و توطئه‌ها خیری نیست مگر اینکه به خدمات و انفاقات سفارش کنند و یا صلاح و اصلاح زندگی را در نظر گیرند، کسانی که در طلب رضای خدا مجالس خود را به اصلاح می‌گذرانند، اجر بزرگی خواهند داشت *

* اهل ایمان همه‌جا در مجالس و محافل باید مصلحانه و هدایت‌گرانه سخن بگویند. یکدیگر را به کارهای خیر ارشاد نمایند و از اعمال شرّ باز دارند و آینه یکدیگر باشند که فرمودند: **الْمُؤْمِنُ مِرَاتُ الْمُؤْمِنِ**. یکدیگر را به عیوب زندگی و فضیلت و رذیلت آگاه نمایند. مجالس آنها تعلیم و تربیت باشد و حکومت‌های صالح را پیروانند.

﴿۱۱۵﴾ **وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصَلِّهِ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا** کسانی که بعد از وضوح حقانیت رسول خدا او را زحمت می‌دهند و به راهی غیر راه مؤمنین می‌روند، ما آنها را ملزم

به تبعات بی‌راهه روی نموده و به‌سوی آتش می‌کشانیم، چه بد راهی است راه جهنم

﴿۱۱۶﴾ **إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ**

بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا خدا از گناه شرک نمی‌گذرد و غیر این گناه هر چه

باشد می‌گذرد، کسی که مخلوقی را به جای خالق پرستد، زیاد از جاده حق به دور

افتاده است (عدم نجات مشرک، از باب نشدن است نه نکردن)

﴿۱۱۷﴾ **إِنْ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا إِنثًا وَإِنْ يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَرِيدًا** در

اطاعت شیاطین استثمارگر نباش که تمام همشان شهوت و شکم و اطاعت شیاطین

است (چطور ممکن است تربیت پیدا کنند)

﴿۱۱۸﴾ **لَعَنَهُ اللَّهُ وَقَالَ لَأَتَّخِذَنَّ مِنْ عِبَادِكَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا** خداوند شیطان را

لعنت کرد که گفت: عده‌ای از بندگانت را به راه خود می‌برم

﴿۱۱۹﴾ **وَلَأُضِلَّتْهُمْ وَلَا مَتَّيْتَهُمْ وَلَا مَرْنَتْهُمْ فَلْيَبْتَئِكُنَّ ءَاذَانَ الْأَنْعَامِ وَلَا مَرْنَتْهُمْ**

فَلْيُغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا

مُبِينًا آن‌ها را گمراه می‌کنم، به آرزوهای دراز می‌کشانم، وادارشان می‌کنم با مارک

شیطانی ظاهر شوند، خلق تو را تغییر دهند، هر کس شیطان را رهبر خود سازد، به

خسارت بزرگی افتاده است *

* این آیات زبان حال گمراه‌کنندگان است که همه‌جا علیه دین فعالیت می‌کنند. آن‌ها

چنان معرفتی ندارند که با خدا سخن بگویند.

﴿۱۲۰﴾ **يَعِدُّهُمْ وَيُمْنِيهِمْ وَمَا يَعِدُّهُمْ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا** شیاطین استثمارگر

باغ سبز به آن‌ها نشان می‌دهند و به آرزوهای دراز می‌کشانند، وعده‌های شیاطین

به جز غرور و فریب چیزی نیست

﴿۱۲۱﴾ **أُولَئِكَ مَاؤُنْهَمُ جَهَنَّمُ وَلَا يَجِدُونَ عَنْهَا مَحِيصًا** جای این فریب

خوردگان و رؤسای آنها جهنم است، محاصره می شوند و راه فرار ندارند

﴿۱۲۲﴾ **وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا**

الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا ما اهل ایمان

و عمل صالح را به علم و قدرتی مجهز می کنیم که از آن، ثروت و نعمت مانند نهر

جریان پیدا می کند، در این زندگی جاویدند، وعده خدا حق است، چه کسی از خدا

راست گوتر است (جنات تجری را از حدیث نافله بشناسید که فرمود: لَا يَزَالُ يَتَّقَرُّ إِلَى عَبْدِي

بِالتَّوَّافِلِ...)

﴿۱۲۳﴾ **لَيْسَ بِأَمَانِيكُمْ وَلَا أَمَانِي أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ وَلَا يَجِدْ**

لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا این طور نیست که شما مسلمانان و اهل کتاب

عقیده دارید (که به گناه مجازات نمی شوید)، هر کسی به نتایج گناه خود مجازات می شود

و جز خدا سرپرست و یآوری برای او نیست *

* همه جا در تاریخ ثواب و عقاب آخرت را از نوع بخشش دلخواهی به دست خدا و اولیاء

خدا دانسته اند و هیچ وقت توجه به اعمال و نتیجه اعمال نداشته اند. یهودیت و مسیحیت در این

رابطه خیلی زیاد گرفتار خرافات شده اند. یهودی ها خود را پسرخاله خدا دانسته و گفته اند:

بهشت مال ابراهیم است و ما آل ابراهیم هستیم و بالاتر گفتند: نحن ابناء الله و احبائه. مسیحیت

هم بهشت و جهنم را سرمایه کاسبی قرار داده و جهنم کفار را می خرنند و بهشت مؤمنان را

می فروشند. خداوند در این آیه فرمود: این طور نیست که شما گفته اید و عقیده داشته اید بلکه

بهشت و جهنم نتیجه علم و عمل کافر و مؤمن است و برگشت نتیجه عمل به عامل قطعی است

و به دست کسی نیست.

﴿۱۲۴﴾ وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ

الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا هر زن و مردی که اهل ایمان و عمل صالح باشند داخل

زندگی بهشتی می‌شوند ، ذره‌ای به آن‌ها ستم نمی‌شود

﴿۱۲۵﴾ وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ

حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا دین چه کسی بهتر از دین کسی است که خود

را تسلیم خدا می‌کند؟، نیکوکار و خدمت‌گزار به مردم است و از دین مترقی ابراهیم

پیروی می‌کند ، خداوند ابراهیم را به عنوان خلیل انتخاب نمود

﴿۱۲۶﴾ وَاللَّهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطًا به

خدا مربوط شوید که هر چه هست در آسمان و زمین مال اوست و خدا به همه چیز

محیط است

﴿۱۲۷﴾ وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَمَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فِي

الْكِتَابِ فِي يَتِمَى النِّسَاءِ الَّتِي لَا تُوْتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ

وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْوُلْدَانِ وَأَنْ تَقُومُوا لِلْيَتَامَىٰ بِالْقِسْطِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ

اللَّهُ كَانَ بِهِ عَالِمًا حکم خدا را درباره حقوق زنان مطالبه می‌کنند بگو: خدا

درباره حق آن‌ها فتوا می‌دهد و هم درباره حقوق مستضعفان و کودکان و دختران

یتیمی که بدون رعایت حق آن‌ها دوست دارید با آن‌ها ازدواج کنید، توصیه شد که

قسط و عدالت را درباره آن‌ها رعایت کنید ، هر عمل خیری انجام دهید خدا آگاه است

﴿۱۲۸﴾ وَإِنْ أَمْرًا خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ

يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا

فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا اگر زنی از شوهر خود بی‌اعتنایی به زندگی احساس نمود، مانعی ندارد با مراجعه به شوراها و خانوادگی و یا مراجع قانونی شوهر را وادار به تسلیم مقررات کند، اصلاح زندگی از جدایی بهتر است، نفوس انسان‌ها خودگرا و خودرأی است، اگر زن و شوهر و همه مردم به یکدیگر احسان کنند بهتر است، خداوند به اعمال شما آگاه است *

* حکم نشوز زنان در آیه ۳۴ این سوره گفته شد. این آیه هم مربوط به نشوز مردان است که گاهی روی هوی و هوس خود به زندگی بی‌اعتنا شده، دل به دیگری سپرده‌اند. به زنان دستور می‌دهد که اگر شوهر به زن و زندگی سرسنگین شد و حقوق زندگی را رعایت نکرد همسر او می‌تواند به دادگاه خانوادگی و یا قانونی مراجعه کند و شوهر را ملزم به رعایت مقررات کند.

﴿۱۲۹﴾ **وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ وَإِنْ تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا** شما شوهران، هرگز نمی‌توانید بین زنان عدالت برقرار کنید گرچه حریص به عدالت باشید، پس خودسرانه در پی زن دیگر نباشید که زن اول را از حقوق محروم کنید، شما زن و شوهر تقوا پیشه کنید و زندگی را اصلاح نمایید، خدا مهربان است به شما توفیق می‌دهد

﴿۱۳۰﴾ **وَإِنْ يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلًّا مِّنْ سَعَتِهِ وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا** اگر هم زن و شوهر از یکدیگر جدا شدند، خداوند به سعه رحمت خود هرکدام را اداره می‌کند، او گشایشگر و حکیم است

﴿۱۳۱﴾ **وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنْ اتَّقُوا اللَّهَ فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي**

الأَرْضُ وَكَانَ اللَّهُ غَنِيًّا حَمِيدًا هرچه در عوالم آسمان‌ها و زمین هست مال خداست ، ما به شما مسلمانان و اهل کتاب پیش از این توصیه نمودیم که تقوا پیشه کنید و اگر هم کافر به خدا شدند، بدانند که از دایره قدرت او خارج نمی‌شوند ، هر جا و هر چه در آسمان‌ها و زمین هست مال خداست ، خدا بی‌نیاز و پسندیده است

﴿۱۳۲﴾ **وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا** بگو که: در عوالم آسمان و زمین هرچه هست ملک خداست ، کافی است وکیل بندگان خود باشد

﴿۱۳۳﴾ **إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ وَيَأْتِ بِآخَرِينَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ قَدِيرًا** اگر بخواهد شما مردم را می‌برد و دیگران را به جای شما می‌آورد ، خدا بر این کار قادر است

﴿۱۳۴﴾ **مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا بَصِيرًا** هر کس زندگی دنیا را می‌خواهد بداند که زندگی دنیا و آخرت به دست خداست ، خداوند شنوا و داناست

﴿۱۳۵﴾ **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَوُّوا أَوْ تَعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا** ای اهل ایمان! همه جا و همه وقت برای عدالت قیام داشته باشید، به حق گواهی دهید گرچه به ضرر شما و خویشاوندان باشد ، اگر آن‌ها فقیر و یا غنی باشند خدا به حال آن‌ها اولی است (زیرا عدالت بزرگ‌ترین ثروت آن‌هاست) ، مبادا به خاطر خودرأیی از عدالت منصرف شوید ، اگر زبان بچرخانید یا اعراض کنید، خداوند به اعمالتان آگاه است *

* عدالت، بزرگ‌ترین ثروت جامعه است. شما فکر کنید نامنی و اعمال ظالمانه چقدر مخارج به گردن مردم و دولت می‌اندازد و این‌همه پلیس و دادگاه و دادگستری و مخارج هنگفتی که به دولت‌ها تحمیل می‌شود که شاید می‌توان گفت: یک‌سوم بودجه هر مملکتی خرج جلوگیری از ظلم و اجحاف می‌شود. اگر همه‌جا مردم طرف دار عدالت باشند خویشان و وابستگان خود را از ظلم و اجحاف بازدارند، امنیت طبیعی در جامعه ظاهر می‌شود و این مخارج بزرگ از گردن دولت برداشته می‌شود و این یک‌سوم بودجه دولت خرج عمران و آبادی می‌گردد. امنیت بهترین و بزرگ‌ترین عاملی است که سرمایه‌های خصوصی و عمومی را همه‌جا در راه تولید به کار می‌اندازد و ثروت به‌طور تصاعدی بالا می‌رود اما این عدالت فقط در اختیار خدا و انسان‌های کامل است و به‌وسیله آن‌ها قابل اجراست. چه ظلمی از این بالاتر است که مردم مظهر کامل علم و عدالت خدا را که امام معصوم (ع) است، کنار گذاشته و خودرأی و جاهلانه وارد میدان شده‌اند.

﴿۱۳۶﴾ **يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ءَامِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ءَالِكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَىٰ رَسُولِهِ ءَالِكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ ءَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا** ای اهل ایمان! به خدا و رسول و کتابی که بر او نازل شده و کتابی که پیش از این نازل شده ایمان بیاورید، کسانی که به خدا و فرشتگان و پیامبران و کتاب خدا و روز قیامت کافر می‌شوند، بدانند که زیاد از سعادت به دور افتاده‌اند *

* **ضَلَالًا بَعِيدًا**. ضلالت یعنی چه؟ ضلالت چیست که دور و نزدیک پیدا می‌کند. کسی که گمراه شده دور باشد یا نزدیک یک گمراه است و کسی که در راه است نزدیک است. ضلالت و گمراهی محسوس همین است که کسی می‌خواهد به شهری حرکت کند و وارد جاده مخصوص آن شهر شود تا در راه است و رودش به آن شهر حتمی است و اگر به بی‌راهه افتاد و ورودش به شهر محال است. اگر از جاده منحرف شد اما نزدیک جاده بود برگشت به راه آسان است؛ اما گاهی آن‌قدر دور می‌شود که برگشت ممتنع است ولی باز هم محال نیست اما راهی

که به سوی مقصدی معلوم و روشن است. خط تکامل علمی است و انحراف از آن راه به سوی جهل است و جهل شدت و ضعف دارد. انتهای آن جاهلی است که خود را گم کرده و فراموش نموده است.

﴿۱۳۷﴾ **إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ أَزْدَادُوا كُفْرًا لَّمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ سَبِيلًا** کسانی که ایمان می آورند و بعد کافر می شوند باز ایمان می آورند و کافر می شوند و بر کفر خود می افزایند، خدا هرگز به آنها رشد و استعداد نمی دهد و به راه نجات هدایت نمی کند *

* چنین افرادی هرگز مجهز به ایمان واقعی که روح ایمان باشد نشده اند و اسیر جوّ حاکم اند. اگر تظاهر به ایمان سودمند باشد تظاهر می کنند و اگر کفر سودمند باشد با کفار هستند. آلت دست جامعه هستند و دلیل اینکه مجهز به ایمان واقعی نشده اند روایات مربوط به بداء است که امام فرمود: مقدرات شقی به سعادت تغییر می کند ولی مقدرات سعید به شقاوت تغییر نمی کند. پس روح ایمان به آنها نرسیده که به نفاق خود باقی مانده اند. اگر کسی در زندگی خود ذره‌المثالی ایمان پیدا کند ممکن نیست به کفر برگردد ولی اگر خداوند بداند که در آینده کافر می شود مرگ او را می رساند مبادا آن ذره ایمانی که سرمایه آخرت اوست هدر شود و ایمانش از بین برود لذا این آیه مربوط به تظاهر ایمان است نه ایمان واقعی.

﴿۱۳۸﴾ **بَشِيرِ الْمُنْفِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا** به منافقین مزدگانی بده که عاقبت به عذابی بزرگ معذب خواهند شد

﴿۱۳۹﴾ **الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَيْبَتُّنَّ عِنْدَهُمْ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا** همان‌ها که به دایره ولایت کفار می روند و می خواهند به وسیله آنها به عزت برسند نمی دانند که تمامی عزت‌ها به دست خداست

﴿۱۴۰﴾ **وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ ءَايَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا**

وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِمْ إِنَّكُمْ إِذَا مِثْلُهُمْ
إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا در کتاب خود برای شما

مسلمانان روشن کردیم که وقتی مشاهده کردید کفار در محفلی کافر به آیات شده و
 آن را به مسخره گرفته‌اند، با آن‌ها ننشینید تا مگر وارد بحث دیگری شوند، اگر با
 آن‌ها بنشینید، از آن‌ها شناخته می‌شوید، خداوند کفار و منافقین را به آتش جهنم
 خواهد کشانید

﴿۱۴۱﴾ الَّذِينَ يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فِتْحٌ مِّنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ
 مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحْوِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعْكُمْ مِّنَ
 الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى

الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا کفار و منافقین همان‌ها هستند که دائم در انتظارند، اگر پیروزی
 نصیب شما شود، فوری سر می‌کشند که با شما بودیم و اگر کفار پیروز شوند،
 می‌گویند: ما بودیم که در خلوت به نفع شما کار کردیم و مؤمنین را از جنگ باز
 داشتیم، خدا روز قیامت بین آن‌ها قضاوت می‌کند، خداوند هرگز کفار را بر مؤمنین
 حاکمیت نمی‌دهد

﴿۱۴۲﴾ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَدِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَدِيعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا
 كَسَالَىٰ يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا منافقین به عقیده خود خدا را

می‌فریبند بلکه خدا آن‌ها را می‌فریبد (خدعه را به خودشان برمی‌گرداند)، در حال کسالت
 برای نماز قیام می‌کنند، دینشان را به مردم نمایش می‌دهند، خیلی کم به یاد خدا هستند

﴿۱۴۳﴾ مُذَبْذَبِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَلَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَلَنْ
 تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا بین دو گروه مؤمن و کافر به طبیعت مگس می‌پزند، آن‌ها خود

پرستاند و به هیچ گروهی وابستگی ندارند ، کسی را که خدا گمراه کند، راهی برای او پیدا نیست *

* مگس همه جا در پی لباس و تن کثیف می‌پرد، منافقین هم همه جا در پی عیب و گناه مردم‌اند و خداوند آن‌ها را تشبیه به مگس می‌کند.

﴿۱۴۴﴾ يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا لَا تَتَّخِذُوْا الْكَافِرِيْنَ اَوْلِيَاءَ مِنْ دُوْنِ الْمُؤْمِنِيْنَ
اَتُرِيْدُوْنَ اَنْ تَجْعَلُوْا لِلّٰهِ عَلَيْكُمْ سُلْطٰنًا مُّبِيْنًا
و سرپرستی نپذیرید ، فقط با اهل ایمان باشید مبادا نزد خدا محکومیت پیدا کنید

﴿۱۴۵﴾ اِنَّ الْمُنٰفِقِيْنَ فِي الدَّرِكِ الْاَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيْرًا
در پایین‌ترین درک جهنم هستند (که به کافر و مؤمن خیانت می‌کنند)، هرگز برای آن‌ها یار و یآوری پیدا نیست *

* دلیل اینکه منافق در درک اسفل است این است که به کافر و مسلمان خیانت می‌کند. پس در قیامت که حقیقت آشکار می‌شود، منفور و محکوم هر دو طایفه خواهد بود.

﴿۱۴۶﴾ اِلَّا الَّذِيْنَ تَابُوْا وَاَصْلَحُوْا وَاَعْتَصَمُوْا بِاللّٰهِ وَاَخْلَصُوْا دِيْنَهُمْ لِلّٰهِ فَاُولٰٓئِكَ
مَعَ الْمُؤْمِنِيْنَ وَسَوْفَ يُؤْتِ اللّٰهُ الْمُؤْمِنِيْنَ اَجْرًا عَظِيْمًا
مگر آن‌ها که توبه کنند، عمل خود را اصلاح نمایند، به خدا متوسل شوند و دین خود را برای خدا خالص کنند ، با چنین اوصافی با مؤمنین محشور می‌شوند، خداوند به مؤمنین اجر عظیم خواهد داد

﴿۱۴۷﴾ مَا يَفْعَلُ اللّٰهُ بِعَذَابِكُمْ اِنْ شَكَرْتُمْ وَاٰمَنْتُمْ وَاَنَّ اللّٰهُ شَاكِرًا عَلِيْمًا
شما اگر نعمت خدا را منظور بدارید و ایمان بیاورید، چرا خدا شما را عذاب کند بلکه اطاعت شما را منظور می‌دارد ، او کاملاً به حال شما آگاه است

(جزء ۶) ﴿۱۴۸﴾ لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوِّءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ وَكَانَ اللَّهُ

سَمِيعًا عَلِيمًا خداوند تظاهر به اعمال و اقوال بد را دوست نمی‌دارد مگر شکایت
مظلوم علیه ظالم را ، خداوند شنوا و داناست *

* همان‌طور که مظلوم از ظالم حق قصاص دارد. حق دارد از او بدگویی کند و می‌تواند او را
نفرین کند. بدگویی باید از نوع ظلمی باشد که به او رسیده است و اگر دزدی کرده بگوید:
دزد و اگر کتک زده بگوید: ظالم اما حق ندارد تهمتی بزند که مربوط به ظلم او نیست مانند
تهمت نسبت نامشروع، بگوید: زانی و زنازاده.

﴿۱۴۹﴾ إِنْ تُبَدُّوا خَيْرًا أَوْ تُخَفُّوهُ أَوْ تَعْفُوا عَنْ سُوءٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُورًا قَدِيرًا

اگر اعمال نیک خود را آشکار یا مخفی بدارید و از بدی بدکاران بگذرید، خداوند
تواناست، از گناه شما می‌گذرد

﴿۱۵۰﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ

وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا
کسانی که کافر به خدا و رسول می‌شوند و می‌خواهند بین خدا و رسول جدایی
ببندازند می‌گویند: بعضی احکام را قبول داریم و بعضی را نه، می‌خواهند راهی به جز
راه خدا برای خود ترسیم کنند

﴿۱۵۱﴾ أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا آن‌ها

حقیقتاً کافرنند و ما برای کفار عذابی خوارکننده مهیا کرده‌ایم

﴿۱۵۲﴾ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ أُولَئِكَ سَوْفَ

يُؤْتِيهِمْ أَجْرَهُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا و اما کسانی که به خدا و پیامبران

ایمان می‌آورند و رسولان را از هم جدا نمی‌دانند، به زودی پاداش بزرگی به آن‌ها

خواهیم داد ، خداوند آمرزنده و مهربان است

﴿۱۵۳﴾ یَسْأَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَنْ تُنزِلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِّنَ السَّمَاءِ فَقَدْ سَأَلُوا مُوسَىٰ أَكْبَرَ مِنْ ذَلِكَ فَقَالُوا أَرِنَا اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْهُمُ الصَّعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ ثُمَّ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ مِن بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ فَعَفَوْنَا عَن ذَلِكَ وَعَاتَيْنَا مُوسَىٰ سُلْطٰنًا مُّبِينًا

اگر جسورانه از تو خواهش می کنند که خداوند کتابی بر آنها نازل کند ، پیش از این از موسی جسورانه تر خواهش کردند که خدا خود را به آنها نشان دهد ، ما به سزای این سؤال جسورانه صاعقه بر آنها نازل کردیم و آنها بعد از آن همه معجزات گوساله پرستیدند ، ما از آن گناه بزرگ گذشتیم و به موسی قدرت و سلطنت دادیم

﴿۱۵۴﴾ وَرَفَعْنَا فَوْقَهُمُ الطُّورَ بِمِيثَاقِهِمْ وَقُلْنَا لَهُمُ ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُلْنَا لَهُمْ لَا تَعْدُوا فِي السَّبْتِ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِّيثَاقًا غَلِيظًا

گرفتیم، کوه طور (یعنی تورات) را بر آنها حاکمیت دادیم و دستور دادیم که از در ورودی دین به حال سجده وارد شوید و قانون شنبه را رعایت کنید، از آنها بر حفظ این مقررات پیمانی محکم گرفتیم

﴿۱۵۵﴾ فِيمَا نَقَضِهِمْ مِّيثَقَهُمْ وَكُفْرِهِمْ بِآيَاتِ اللَّهِ وَقَتْلِهِمُ الْأَنْبِيَاءَ بَغَيْرِ حَقِّ وَقَوْلِهِمْ قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا

از آن به خاطر نقض این پیمان و کفر به آیات خدا و قتل پیامبران و بهانه جویی که دل ما در غلاف است نمی فهمیم ، ندانستند که کفر، پرده قلب آنها شده، جز عده کمی ایمان نمی آورند

﴿۱۵۶﴾ وَبِكُفْرِهِمْ وَقَوْلِهِمْ عَلَىٰ مَرْيَمَ بُهْتٰنًا عَظِيمًا

و هم چنین کافر به حضرت عیسی شدند، تهمت بزرگی به حضرت مریم زدند

﴿۱۵۷﴾ وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا و گفتند که: ما عیسی را کشتیم با اینکه نه او را کشتند و نه به دار زدند بلکه بر آن‌ها مشتبه شد (یهودای اسخریوتی را به جای او گرفتند) کسانی که در قتل اختلاف دارند در شک‌اند، خیالاتی هستند، علم ندارند، به یقین ندانستند که کشته‌اند *

* داستان قتل حضرت عیسی چنان‌که انجیل بارنابا گفته چنین است که حضرت عیسی در دوران نبوت خود به مناسبت معجزاتی که به دست او انجام گرفته شهرت یافته بود چنان‌که رؤسای مذهبی و مملکتی تحت‌الشعاع شهرت او قرار گرفته بودند. قهراً سه طایفه بر او حسد ورزیدند: رؤسای مملکت و مذهب و اطباء. از جانب رؤسای مذهب یهود و شاه مملکت مأمورین مخفی همه‌جا در تعقیب او بودند و عیسی با حواری خود از این باغ به آن باغ و از این خانه به آن خانه، مخفیانه زندگی می‌کرد. یهودای اسخریوطی که یکی از شاگردان خائن او بود محل اختفای او را گزارش می‌داد و حضرت عیسی سر او را فاش نمی‌کرد. خداوند به عیسی خبر داد که: من تو را از میان مردم می‌برم و این خائن را به دست مأمورین می‌سپارم تا او را بکشند. در یکی از شب‌ها که عیسی با حواری خود در باغی خوابیده بودند یهودای اسخریوتی مأمورین را به آن باغ هدایت کرد. وقتی وارد باغ شدند مأمورین را در گوشه‌ای از باغ پنهان کرد و گفت: شما اینجا باشید تا اول من بروم عیسی را بیدار کنم و بعد شما وارد شوید و نگاه کنید کسی را که حواریون دورش را گرفته و دستش را می‌بوسند دستگیرش کنید. مأمورین در آنجا پنهان شدند یهودا به طرف حواریون رفت در همین‌جا پیش از ورود یهودا میان حواریون، خداوند به حضرت عیسی گفت: تو از باغ خارج شو و از فردا با کسی تماس نگیر و با کسی حرف نزن. عیسی طبق دستور از باغ خارج شد، حواریون خوابیده بودند. یهودا میان حواریون آمد و دنبال عیسی می‌گشت. خداوند در همین حال او را تغییر شکل داد به صدا و سیمای حضرت عیسی درآورد. یهودا که از این تغییر صداوسیمای خود خبر نداشت اولین حواری را بیدار کرد و گفت: استاد کجاست، استاد کجاست. حواری که از واقعه خبر نداشتند

دیدند عیسی او را بیدار می‌کند و می‌پرسد عیسی کجاست؟، فوری دست او را بوسید که خودت استادی از استاد می‌پرسی. حواریون دیگر بیدار شدند و دست و صورت او را می‌بوسیدند همه باهم دست او را می‌بوسیدند که در همین حال مأمورین از مخفیگاه خود بیرون آمده و حواریون را دیدند که دور عیسی را گرفته‌اند و دست و صورت او را می‌بوسند. عیسی قلبی می‌گفت: من عیسی نیستم، عیسی نیستم. مأمورین او را شلاق می‌زدند که‌ای ساحر، ای جادوگر، این هم سحر تو است که می‌گویی عیسی نیستم. او را میان مردم بردند، مردم دور او جمع شدند و گریه می‌کردند و فردای آن شب او را با چند نفر زن و مرد بدکاره به دار زدند و خیال تمامی دشمنان راحت شد که عیسی را به دار زدند. دوستان و حواریون ناراحت که آن نعمت بزرگ الهی عیسی شفا بخش از دست آن‌ها رفت. با این تدبیر عیسی واقعی از فضای افکار مردم خارج شد به آسمان چهارم رفت یعنی فضای فوق افکار بشر (زیرا در تعبیرات قرآن و احادیث از فضای فکر انسان تعبیر به آسمان می‌شود). دیگر کسی دنبال عیسی نیست که او را پیدا کند فرق ندارد در فضای آسمان باشد یا در روی زمین. عیسی هم مانند امام زمان(عج) در میان مردم است و خود را معرفی نمی‌کند و شاید عیسی گاهی خود را به نظر همان بارنابا نشان می‌داد که بعضی از حواریون گفته‌اند: عیسی بعد از مرگ زنده شده است. خداوند او را به این دلیل زنده نگاه داشت تا در مواقع مقتضی بتواند بعضی دوستان خود را هدایت کند. او الآن با امام زمان(عج) است و آن‌ها با هم در وضعیت بهشتی زندگی می‌کنند. انسان‌های بهشتی صاحب اراده کن‌فیکونی خدایند، آن‌ها حاکم بر عوامل طبیعت هستند و سرما و گرما به اراده آن‌هاست. هر جا باشند و هر جا بروند آنچه بخواهند در اختیار دارند. مرگ طبیعی از آن‌ها برطرف شده و پیری و فرسودگی به سراغ آن‌ها نمی‌رود وقتی هم ظاهر شوند این زندگی دنیایی را تبدیل به زندگی آخرتی می‌کنند. وقتی که امام(ع) ظاهر شود، عیسی هم همراه او هست و از نیکان امت خود شفاعت می‌کند. الآن چهار نفر به نام‌های خضر و الیاس و عیسی و امام زمان(عج) زنده‌اند، در میان مردم اند فقط خود را معرفی نمی‌کنند.

﴿۱۵۸﴾ **بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا** بلکه خدا او را به فضای فوق

افکار بالا برد ، خدا غالب و حکیم است

﴿۱۵۹﴾ **وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ**

عَلَيْهِمْ شَهِيدًا اهل کتاب بدون استثناء پیش از مرگ به عیسی ایمان می آورند و عیسی در قیامت شاهد ایمان آنها خواهد بود

﴿۱۶۰﴾ فَبِظُلْمٍ مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَن سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا ما به کیفر ظلم یهودیان که مردم را از راه خدا بازداشتند، بعضی نعمت‌های حلال خود را بر آنها حرام کردیم

﴿۱۶۱﴾ وَأَخَذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا و همچنین رباخواری داشتند با اینکه در کتاب خود از ربا نهی شده بودند، مال مردم را به باطل می خوردند، ما برای کفار آنها عذاب بزرگی مهیا کرده‌ایم

﴿۱۶۲﴾ لَكِن الرِّسْخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أُولَئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا اما یهودیانی که پایه و مایه علمی دارند و یهودیانی که به کتاب تو و کتابی که بر پیامبران قبل از تو نازل شده ایمان می آورند، نماز اقامه می کنند، زکات می دهند و ایمان به خدا و قیامت دارند، برای آنها اجر بزرگی آماده نموده‌ایم

﴿۱۶۳﴾ إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَى وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَعَاتَيْنَا دَاوُدَ زُبُورًا ما چنان که دین و کتاب را به تو وحی کردیم، به نوح و پیامبران بعد از او و ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان وحی نمودیم و به داوود کتاب زبور دادیم

﴿۱۶۴﴾ **وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَرُسُلًا لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ وَكَلَّمَ**

اللَّهُ مُوسَى تَكَلِيمًا همچنین به پیامبرانی که داستان آن‌ها را به تو وحی نمودیم و پیامبرانی که گزارش ندادیم و ما به طرز بی سابقه‌ای با موسی تکلم نمودیم

﴿۱۶۵﴾ **رُسُلًا مُبَشِّرِينَ لِمَنَّا وَمُنذِرِينَ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَىٰ أَن يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَىٰ اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ**

وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا پیامبرانی که مردم را به نتایج عمل خیر مژده دادند و از عمل شر ترسانیدند که مبادا مردم بعد از پیامبران بر خدا حجت پیدا کنند (که خدا ما را هدایت نکرد)، خدا غالب و حکیم است

﴿۱۶۶﴾ **لَكِنِ اللَّهُ يَشْهَدُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ أَنْزَلَهُ بِعِلْمِهِ وَالْمَلَائِكَةُ يَشْهَدُونَ وَكَفَىٰ**

بِاللَّهِ شَهِيدًا خدا گواهی می‌دهد که قرآن را به علم خود بر تو نازل کرد، فرشتگان هم شهادت می‌دهند گرچه شهادت خدا کافی است

﴿۱۶۷﴾ **إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا** کسانی

که کافر شدند و مردم را از راه خدا بازداشتند، خیلی زیاد از راه خدا به دور افتاده‌اند

﴿۱۶۸﴾ **إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقًا**

خداوند کسانی را که کافر شدند و به بندگان خدا ستم کردند، هرگز نمی‌آمرزد و به راه راست هدایت نمی‌کند

﴿۱۶۹﴾ **إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَىٰ اللَّهِ يَسِيرًا** مگر به راه

جهنم که در آن تا ابد هستند و این عمل ورود آن‌ها به جهنم برای خدا آسان است

﴿۱۷۰﴾ **يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِن رَّبِّكُمْ فَآمِنُوا خَيْرًا لَّكُمْ**

وَإِن تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ای

مردم! این پیامبر از جانب خدا به حق مبعوث شده، به او ایمان بیاورید که برای شما بهتر است، اگر هم کافر به خدا شوید، بدانید که هرچه هست در آسمان و زمین مال خداست، از شعاع قدرت او خارج نمی‌شوید، خداوند عالم و حکیم است

﴿۱۷۱﴾ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ انْتَهُوا خَيْرًا لَكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهُ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا

ای اهل کتاب! از حدود عقیده دینی خود خارج نشوید، به جز وصف حق به خدا نسبت ندهید، عیسی مسیح فرزند مریم فقط رسول خدا و کلمه‌ای بود که خدا به تقدیر خود او را به دامن مریم گذاشت، روح علم و حکمت خدا در اوست، به خدا و پیامبران ایمان بیاورید، نگویید: سه خدا و سه حقیقت، دست از این خرافات بردارید بهتر است، خدا فقط یک حقیقت نامتناهی است، از شباهت به خلق منزّه است، هرچه هست در آسمان و زمین ملک خداست، کافی است که خدا وکیل عقاید باشد

﴿۱۷۲﴾ لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَمَنْ يَسْتَنْكِفْ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا

عیسی خودش از بندگی خدا امتناع ندارد، همین‌طور فرشتگان مقرب، کسی که با تکبر از اطاعت خدا خارج شود، بداند که متکبرین به سوی خدا محشور می‌شوند

﴿۱۷۳﴾ فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَأَمَّا الَّذِينَ اسْتَنكَفُوا وَاسْتَكْبَرُوا فَيُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا

در قیامت کسانی که اهل ایمان و عمل صالح‌اند،

اجرشان بیشتر از عملشان به آنها خواهد رسید و اما آنها که از اطاعت خدا استنکاف نموده و تکبر نمایند، به عذاب سختی معذب می‌شوند، برای خود غیر از خدا سرپرست و یآوری نخواهند داشت

﴿۱۷۴﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا

ای مردم! دلیل روشن حق از پروردگار برای شما آمد، علمی قطعی و واضح برای شما نازل کردیم

﴿۱۷۵﴾ فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَأَعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِّنْهُ وَفَضْلٍ

وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمًا کسانی که ایمان به خدا بیاورند و به این (برهان) متوسل شوند، از این راه داخل فضل و رحمت خدا می‌شوند که به راه راست هدایت شده‌اند و به سوی خدا رفته‌اند

﴿۱۷۶﴾ يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ إِنْ أَمْرٌ هَلَكَ لَيْسَ لَهُ وَوَلَدٌ

وَلَهُ وَأَخْتُ فَلَهَا نِصْفٌ مَّا تَرَكَ وَهُوَ يَرِثُهَا إِنْ لَّمْ يَكُنْ لَهَا وَوَلَدٌ فَإِنْ كَانَتْ أَنْثَىٰ فَلَهَا مِثْلُ ثُلُثَانِ مِمَّا تَرَكَ وَإِنْ كَانُوا إِخْوَةً رِّجَالًا وَنِسَاءً فَلِلَّذَكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَىٰ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ أَنْ تَضِلُّوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

برادر و خواهر پدری یا پدری و مادری سؤال کردند بگو: اگر میت اولادی نداشت فقط یک خواهر داشت، آن خواهر یک‌دوم مال را به فرض می‌برد، بقیه را هم (به اولویت) و اگر وارث برادر بود، تمام را می‌برد، اگر وارث دو خواهر یا بیشتر بودند، دوسوم را به فرض و بقیه را به اولویت می‌برند و اگر برادر و خواهر باهم بودند، برادر دو برابر خواهر قسمت می‌کنند، خداوند احکام خود را روشن می‌کند که گمراه نشوید، او علیم و حکیم است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحِلِّي الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ

ای اهل ایمان! به عهد و پیمان خود وفادار باشید ، ما گوشت چهارپایان چرنده را به جز آنچه بیان می شود، برای شما حلال کردیم ولیکن صید در حال احرام حلال نیست ، خداوند هر جور بخواهد حکم می کند

﴿۲﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَحِلُّوا شَعْبِيرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا ءَامِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّن رَّبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ أَن صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَن تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

ای اهل ایمان! شعائر خدا را نادیده نگیرید، مانند ماههای حرام و گاو و شتر قربانی که به امید لطف و کرم خداوند متعال راه حرم را پیش گرفته اید، وقتی که محل شدید می توانید صید کنید ، روش های غلط ملت ها شما را از زیارت حرم باز ندارد که از حدود الهی تجاوز کنید، در تقوا و نیکوکاری کمک هم باشید، در تجاوز و گناه کمک یکدیگر نباشید ، تقوا پیشه کنید که خداوند سخت کیفر می کند

﴿۳﴾ حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالْدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنزِيرِ وَمَا أَهَلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ

عَلَى التُّصْبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَمِ ذَلِكُمْ فِسْقٌ الْيَوْمَ يَيسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ
 دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ
 نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمِهِ
 فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

مردار و خون و گوشت خوک و سفره‌هایی که شعار کفر و گناه است و حلال گوشتی که خفه شده و یا پرت شده و یا با ضربت کشته شده و یا درنده آن را پاره کرده مگر که پیش از مردن ذبح شود و حیوانی که در بازی قمار تقسیم شود و یا حیوانی که برای بت‌ها و رواج کفر و گناه ذبح شود، استفاده از چنین سفره‌ها فسق است، اگر ملتزم به اجرای احکام باشید، کفار از تسلط بر شما مأیوس می‌شوند، به کفار اهمیت ندهید خدا را مهم بدانید، با این احکام در شعاع ولایت خدا و ائمه، دین شما را کامل کردم، نعمت خود را بر شما تمام نمودم و راضی شدم که اسلام دین شما باشد، کسانی که در اضطرار واقع می‌شوند، بدون تمایل به گناه می‌توانند از محرمات مذکور استفاده کنند، خداوند آمرزنده و مهربان است *

* همه جا در آیات قرآن، نعمت خدا به ولایت ائمه اطهار(ع) تفسیر شده است زیرا حقیقتاً نعمت ولایت خدا که همان ولایت ائمه است، بزرگ‌ترین نعمت خداوند متعال است. نعمتی است که در سایه آن سایر نعمت‌ها، نعمت به حساب می‌آید و در سایه حکومت‌های ظالمانه و جاهلانه تمامی نعمت‌ها تبدیل به نعمت می‌شود. دنیایی که انسان‌ها را به جهنم می‌کشاند، حاکمیت حکومت‌های جابرانه و ظالمانه است. پس زندگی دنیا در صورتی نعمت به حساب می‌آید که انسان را به زندگی بهستی و علم و حکمت بکشاند و آن، دنیایی است که در سایه ولایت ائمه اطهار(ع) قرار می‌گیرد. پس دین مقدس اسلام و احکام آن در سایه ولایت، نعمت است و الاّ اسلام در شعاع حکومت امثال معاویه و یزیدها که مسلمانان را به فاجعه کربلا می‌کشاند، بزرگ‌ترین عذاب خدا شناخته می‌شود.

﴿٤﴾ يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَمَا عَلَّمْتُمْ مِنَ الْجَوَارِحِ

مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ ۗ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ

از تو ای پیامبر! سؤال می کنند که خداوند چه نعمت هایی را حلال فرموده است؟ ، بگو: خوراکی های طیب و طاهر یا حیوانی که به وسیله سگ های تعلیم دیده صید می شود ، از گوشت آن حیوان که سگ های شکاری نگه داشته اند، بخورید و هنگام حمله سگ، بسم الله بگویید (اگر زنده بود ذبح کنید) ، تقوای خدا را رعایت کنید که خداوند سریعاً به حساب شما می رسد

﴿٥﴾ الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَفِّحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ ۗ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَسِرِينَ

امروز که غلبه دین اسلام است، خوراکی های طیب را برای شما حلال نمودم، خواروبار اهل کتاب برای شما و از شما برای اهل کتاب حلال است، ازدواج دائم با زن های مؤمنه که در حصار دین اند و ازدواج موقت با زن های اهل کتاب، حلال است که با تعیین مدت و مبلغ با آنها باشید ، رابطه مشروع باشد نه نامشروع ، زنان از دوست یابی پرهیزند ، کسی که کافر به ایمان شود عمل خیرش بی نتیجه است، در آخرت زیان کار است

﴿٦﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَمَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِّنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَٰكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ

لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ای اهل ایمان! زمانی که برای نماز آماده می‌شوید، صورت و دست خود را تا مرفق بشوید، سر و پای خود را تا برآمدگی پشت پا مسح کنید، اگر جنب بودید تمام بدن را بشوید و اگر مریض یا مسافر بودید، از دستشویی آمدید یا با همسر خود نزدیک شدید و آب نیافتید با خاک پاک تیمم بگیرید، کف دست‌ها را به خاک زده صورت و دست خود را مسح کنید، خدا نمی‌خواهد شما را زحمت دهد بلکه می‌خواهد شما را با این اعمال پاک و مطهر گرداند تا نعمت خود را برای شما کامل نماید، شاید با این اعمال شکر گزار خدا باشید *

* شستشوی طبیعی و عقلایی به این کیفیت است که آب غسل که آلوده است مانند آب غسل در غسل بدن، به خارج سرازیر شود. وقتی آب وضو از مرفق به طرف انگشتان سرازیر می‌شود آب آلوده به خارج بدن می‌ریزد که یک شستشوی طبیعی و عقلایی است و اما اگر از کف دست به طرف مرفق سرازیر شود آب آلوده به داخل بدن ریخته می‌شود که غیر عقلایی است و علاوه احکام خدا از طریق ائمه اطهار (ع) رسمیت پیدا می‌کند که اوصیاء پیامبرند.

﴿۷﴾ **وَأَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمِيثَاقَهُ الَّذِي وَاثَقَكُمْ بِهِ إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأَتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ** دائم به یاد نعمت ولایت و عهد الهی باشید که شما دعوت دین را شنیدید و حاضر به اطاعت شدید، تقوای خدا را رعایت کنید، خداوند به حال شما آگاه است

﴿۸﴾ **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ ءَلَّا تَعْدِلُوا ءَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ** ای اهل ایمان! برای خدا قیام کنید و الگوی عدالت باشید، روش‌های کفار شما را از عدالت باز ندارد، عدالت به تقوا نزدیک‌تر است، از نافرمانی خدا بپرهیزید

، خداوند به اعمال شما آگاه است

﴿۹﴾ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ خدا
به اهل ایمان و عمل صالح وعده داده است که آنها را به دانایی و توانایی و اجر عظیم
برساند (مغفرت در مقابل ذنب به معنای رفع نقایص است)

﴿۱۰﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ و کسانی که
کافر شدند و آیات ما را تکذیب نمودند بدانند که اهل جهنم‌اند

﴿۱۱﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هُمْ قَوْمٌ أَن يَبْسُطُوا
إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ
ای اهل ایمان! به یاد این نعمت بزرگ باشید که طایفه‌ای از کفار تصمیم گرفتند بر
شما بتازند، خداوند شر آنها را از شما بگردانید، از نافرمانی خدا بترسید و اهل ایمان
به خدا توکل کنند *

* مربوط به صلح حدیبیه است که رسول خدا پیش از فتح مکه تصمیم گرفتند به زیارت کعبه
بروند، اهل مکه مانع شدند و اگر هم مانع نمی‌شدند، شاید ورود به مکه برای مسلمانان
خطرناک بود که مسلمین را غافل‌گیر می‌کردند ولیکن این صلح چند فایده بزرگ داشت:
یکی اینکه قریش بدانند که رسول خدا حرم را رسمیت داده و محترم شمرده است و دیگر
اینکه با این صلح طرفین آرامش پیدا کردند و پیمان شکنی از جانب قریش بود و از همه بالاتر
اینکه موجبات فتح مکه و غافل‌گیری قریش فراهم شد.

﴿۱۲﴾ ﴿۱۲﴾ وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ
اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَءَامَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ
وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ

تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ

ما از بنی اسرائیل بر اطاعت خدا پیمان گرفتیم و دوازده نفر ناظر و نقیب بر اعمال آنها گماشتیم ، خداوند به آنها فرمود: تا زمانی که به اقامه نماز و اداء زکات مشغول باشید و ایمان به پیامبران بیاورید و آنها را یاری کنید و به خدا قرض الحسنه بدهید، از مسیر این اعمال نصرت من با شماست، شما را از آلودگی به گناه پاک می کنم، به قدرت و علمی می رسانم که از آن، نهرهای نعمت جاری می شود ، بعد از این وعده الهی، هر کس کافر شود از راه راست منحرف شده است

﴿۱۳﴾ فِيمَا نَقُضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَلْسِيَةً يَحْرِفُونَ

مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

بعد به واسطه پیمان شکنی آنها را لعنت کردیم ، دل آنها را از مسیر دنیا پرستی به قساوت کشانیدیم، کلمات خدا را از معانی آن منصرف کردند ، وعده های خدا را فراموش کردند ، شما دائم به خیانت کاران آنها آشنا می شوید مگر عده قلیلی که عهد خدا را رعایت کردند ، از آنها بگذر و چهرهات را به روی آنها باز کن ، خداوند نیکوکاران را دوست می دارد

﴿۱۴﴾ وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصْرِي أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ

از نصرانیان هم به همان کیفیت عهد و پیمان گرفتیم، آنها نیز بهره خود را که وعده خدا بود فراموش کردند، از این تفرقه اندازی ها بین آنها تا قیامت عداوت به وجود آمد ، خدا به آنها خبر می دهد که چه کردند و چه شدند

﴿۱۵﴾ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ

مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُوا عَن كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُّبِينٌ ای اهل کتاب! پیامبر ما (محمد ص) ظاهر شد تا بسیاری از احکام که در کتاب شما محو یا مخفی شده ظاهر سازد و از خطاهای شما بگذرد، از جانب خدا نور و رحمت و کتاب و حکمت نازل شده است

﴿۱۶﴾ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ با این کتاب، خداوند کسانی را که طالب رضای او هستند، به راههای سلامت هدایت می کند و آنها را از فضای جهل به فضای علم می رساند و در این فضا آنها را به زندگی بهشتی می رساند *

* قرآن یک کتاب جامع است و تمامی علوم و احکامی که پیامبران قبل آورده اند در این کتاب جمع است. انبیاء در تعلیمات سه اصل با یکدیگر اشتراک کامل دارند و تمامی آنها این سه اصل را رعایت نموده اند: اصل اول، ایمان به خدای واحد بلا شریک که از شباهت وجودی و صفاتی با خلق منزّه است، اصل دوم، اصل ایمان به زندگی آخرت و اعتقاد به اینکه ثواب و عقاب اعمال به آخرت موکول شده است و اصل سوم، اینکه همه کس معتقد به عمل صالح و مفید باشند، در خدمت یکدیگر نه در خیانت به یکدیگر. رابطه با خدا از طریق نماز و دعا طبق دستور و رابطه با خلق از طریق خدمات نافع. این سه اصل اساسی، خلاصه دعوت پیامبران است که به طور مفصل عاری از خرافات و موهومات در قرآن بیان شده است. پس دین اسلام مکمل ادیان پیامبران است، هر کس اسلام را قبول کند دین تمامی انبیاء را قبول کرده که گفته اند: چون که صد آمد نود هم پیش ما است.

﴿۱۷﴾ لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ أَنْ يُهْلِكَ الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ وَفِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

کسانی که گفتند: عیسی مسیح فرزند مریم پسر خداست، کافر به خدا شدند، به آنها بگو: چه کسی مانع خدا می‌شود اگر بخواهد عیسی مسیح و مادر او را و تمامی اهل عالم را به هلاکت برساند، سلطنت عوالم آسمان و زمین و آنچه میان آنهاست به دست خداست، خدا به هر کاری قادر است

﴿۱۸﴾ وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَىٰ نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّوهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ

یهودیان و مسیحیان گفتند که: فقط ما فرزندان خدا و دوستان او هستیم، بگو: پس چرا خداوند شما را به سبب گناه عذاب می‌کند بلکه شما هم مانند سایر مردم خلق خدایید، خداوند هر کسی را بخواهد می‌آمرزد و هر کسی را بخواهد عذاب می‌کند، پادشاهی آسمان‌ها و زمین و مابین آنها با اوست و سیر انقلاب‌ها و تحولات به سوی اوست *

* همه‌جا در تاریخ کسانی که از تعلیمات انبیاء محروم بوده‌اند در اطراف موجودیت خود و خدا به قیاس حرف زده‌اند و خدا را تشبیه به خلق نموده‌اند. بین خود و خدا رابطه حسبی و نسبی دایر کرده و خود را پسرخاله خدا دانسته‌اند. یهودیان خود را فرزند بلافصل خدا دانستند و گفتند: نحن ابناء الله و احبائه. خدا را از آن وضعیت وجودی خود که منزله از شباهت به خلق است تنزل داده و در وضعیت مخلوق قرار دادند. تنها مکتبی که خداوند را منزله از شباهت وجودی و صفاتی به خلق خدا می‌داند و خویشاوندی خصوصی و عمومی بین خدا و خلق قائل نیست، دین اسلام است.

﴿۱۹﴾ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَىٰ فَتْرَةٍ مِّنَ الرَّسُلِ أَن تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِن بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

ای اهل کتاب! بعد از مدتی طولانی که شما پیامبری ندیده بودید، رسول ما

جنگ این قوم بروید، به محض آرایش جنگی پیروز می‌شوید، اگر ایمان به خدا دارید
به خدا توکل کنید

﴿۲۴﴾ قَالُوا يَمُوسَىٰ إِنَّا لَن نَّدْخُلَهَا أَبَدًا مَّا دَامُوا فِيهَا فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَتِلَا

إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ جواب دادند که نه، ما تا وقتی که آنها هستند به جنگ نمی‌رویم

ای موسی! تو و خدایت بروید و بجنگید ما همین جا به انتظار زندگی نقد نشسته‌ایم *

* قوم موسی حقیقتاً مردمی غیرفعال بودند و به بردگی سر سفره قبطیان عادت کرده بودند که موسی به کمک معجزات آنها را نجات داد. انقلاب عظیم حضرت موسی و غلبه بر فرعونیان از اول تا آخر همه جا به کمک معجزات بود. خداوند متعال ابتدا با معجزات فرعونیان را مستأصل و عاقبت همه آنها را در دریا غرق نمود. هنر قوم موسی تا وقتی که در اختیار حضرت موسی بودند همین بود که وقتی گرسنه و یا تشنه می‌شدند سر موسی داد می‌زدند تشنه‌ایم گرسنه‌ایم. اگر موسی به آنها می‌گفت: بیل و کلنگ بیاورید اینجا چاه آبی حفر کنیم یا زراعتی بکاریم داد می‌زدند که ما را از سر سفره نقد و آماده حرکت دادی در این بیابان تشنه و گرسنه رها می‌کنی. تا این اندازه آمادگی نداشتند که چاه آبی حفر کنند و آبی تهیه نمایند. درست مانند بچه‌ها، وقتی اسباب بازی به دست بچه‌ها می‌دیدند سر پدر و مادر داد می‌زدند که: برای ما اسباب بازی بخر، اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُم آلِهَةٌ. حضرت موسی مجبور می‌شد برای آنها از سنگ آب جاری کند و از آسمان غذا تهیه نماید. معجزات هر پیامبری برای اثبات رسالت و اتمام حجت بود اما معجزات موسی برای رفع نیاز و حاجت. وقتی موسی به آنها گفت: برویم با عمالقه بجنگیم، زمین آبا و اجداد خود را از عمالقه بگیریم، گفتند: خودت با خدایت بروید فلسطین را آزاد کنید، ما را ببرید در خانه‌ها بنشانید. فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا (مائده ۲۴).

﴿۲۵﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَأَخِي فَافْرِقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ

موسی که بی‌چاره شد، عرض کرد که: ای خدا! من جز خودم و برادرم کسی را ندارم،

حساب ما را از این مردم جاهل جدا کن

﴿۲۶﴾ قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ

الْفَاسِقِينَ خداوند به موسی فرمود: این قوم چهل سال از زندگی در شهر محروم اند، در همین بیابان سرگردان اند (تا نسل دیگری بیاید)، به خاطر مردم فاسق ناراحت نباش

﴿۲۷﴾ ﴿۲۷﴾ وَأْتَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنِي آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقْبِلُ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ

يُتَقَبَّلُ مِنَ الْآخِرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ داستان دو پسر آدم (هابیل و قابیل) را بیان کن که هر کدام قربانی تقدیم کردند، از قابیل مردود و از هابیل قبول شد، قابیل گفت: تو را می کشم، جواب داد: چه کنم خدا قربانی متقین را قبول می کند

﴿۲۸﴾ ﴿۲۸﴾ لَئِن بَسَطْتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسِطٍ يَدِيَ إِلَيْكَ لِأَقْتُلَنَّكَ إِنِّي أَخَافُ

اللَّهِ رَبَّ الْعَالَمِينَ تو اگر دست تجاوز به طرف من دراز کنی، من نمی کنم، من از پروردگار عالمیان می ترسم

﴿۲۹﴾ ﴿۲۹﴾ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ تَبُوءَ بِإِثْمِي وَإِثْمِكَ فَتَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ وَذَلِكَ جَزَاءُ

الظَّالِمِينَ تو بار مسئولیت قتل مرا به دوش می کشی، اهل آتش خواهی بود، مجازات ظالم به جز آتش چیزی نیست (که آخرین حربه ظالم، آتش است)

﴿۳۰﴾ ﴿۳۰﴾ فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ هوای

نفس او را وادار به قتل برادر کرد، برادر را کشت و از خسارت زدگان شناخته شد (به دلیل این آیه، شیطان هوای نفس است)

﴿۳۱﴾ ﴿۳۱﴾ فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُورِي سَوْءَةَ أَخِيهِ قَالَ

يَوِيلَتِي أَعْجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ فَأُورِي سَوْءَةَ أَخِي فَأَصْبَحَ مِنَ

النَّدِيمِينَ سرگردان شد که نعش برادر را چه کند، خداوند کلاغی را برابر او نمایان ساخت که با پنجه خود زمین را می‌کند تا دفن برادر را به او یاد دهد، گفت: وای بر من که از این کلاغ عاجزترم که نعش برادر را دفن کنم و بعد پشیمان شد که چرا برادرم را کشتم (ندامت غیر از توبه است)

﴿۲۲﴾ **مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ**

به دلیل این تجاوز، در حکومت بنی‌اسرائیل تذکر دادیم که هر کس انسانی را بکشد مثل این است که تمام مردم را کشته و اگر زنده کند مثل اینکه تمام مردم را زنده نموده است (زیرا ارزش انسان به علم و ایمان است و علم در یک نفر برابر همه است)، پیامبران با دلایل و بینات به سوی مردم آمدند و آن‌ها به بسیاری از این بینات تجاوز کردند

﴿۲۳﴾ **إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِّنْ خَلْفٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ**

مجازات کسانی که با خدا و رسول می‌جنگند و به فساد و افساد می‌کوشند، این است که قطعه قطعه شوند یا به دار آویخته شوند یا دست و پای آن‌ها خلاف یکدیگر قطع شود و یا تبعید شوند، این است رسوایی آن‌ها در دنیا و در آخرت به عذاب سخت معذب‌اند *

* محاربین با خدا کسانی هستند که علیه امنیت مملکت اسلامی با یورش به شهرها و دهات، قتل و کشتار به راه می‌اندازند، مفسده به پا می‌کنند و برای تأمین منافع خود امنیت را از بین

می‌برند، خدا در برابر جرم و جنایت آن‌ها این احکام را صادر کرد.

﴿۳۴﴾ **إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ**

مگر کسانی که پیش از دستگیری توبه کنند، بدانند که خدا مهربان است، عقل زندگی به آن‌ها می‌دهد

﴿۳۵﴾ **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ**

لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ ای اهل ایمان! از خودرأیی و گناه بپرهیزید، در جستجوی وسیله‌ای بین خود و خدا باشید، در راه خدا جهاد کنید تا رستگار شوید

﴿۳۶﴾ **إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَيَفْتَدُوا بِهِ**

مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَا تُقْبَلُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ کفار بدانند که اگر چند برابر ثروت زمین فدا بدهند تا از عذاب قیامت نجات یابند قبول نمی‌شود (زیرا سرمایه نجات، فضیلت انسان است)، بلکه عذابی الیم برای آن‌ها مقدر است

﴿۳۷﴾ **يُرِيدُونَ أَنْ يُخْرِجُوا مِنَ النَّارِ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنْهَا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ**

اراده می‌کنند تا از عذاب برهند و نمی‌توانند (که عذاب ملازم وجود آن‌هاست) عذابی دائم و پایدار

﴿۳۸﴾ **وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ**

عَزِيزٌ حَكِيمٌ مرد و زنی که دزدی کنند، دست آن‌ها را قطع کنید، سزای دزدی آن‌ها همین است، شکنجه‌ای است از جانب خدا که او غالب و حکیم است *

* دزدی غیر از قطاع‌الطریقی است. اگر ثابت شد که این دزد برای رفع نیاز خود و نه برای توسعه طلبی سرقت نموده، معاف می‌شود یا تنبیه مختصری دارد و الاّ چهار انگشت دستش

قطع می‌شود و در صورت تکرار در مرتبه سوم اعدام می‌شود. در صورتی محکوم به قطع دست می‌شود که صددرصد ثابت شود دزدی به قصد تجاوز و بی‌اعتنایی به قانون بوده نه روی احتیاج.

﴿۳۹﴾ **فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ**

رَحِيمٌ مگر کسانی که بعد از دزدی، پیش از دستگیری توبه کنند، لطف خداوند آن‌ها را فرا می‌گیرد، خدا آمرزنده و مهربان است

﴿۴۰﴾ **أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَغْفِرُ لِمَنْ**

يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ مگر نمی‌دانی که پادشاهی عوالم آسمان و زمین با خداست، هر کسی را بخواهد عذاب می‌کند و یا بخواهد عقل و شعور می‌دهد (آمرزش به معنای رشد است)، خداوند به هر کاری قادر است

﴿۴۱﴾ **يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنكَ الَّذِينَ يُسْرِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا**

بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِن قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَّعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَّعُونَ لِقَوْمٍ
ءَاخِرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هَذَا فَخُذُوهُ
وَإِنْ لَمْ تُؤْتُوهُ فَاحْذَرُوا وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا أُولَٰئِكَ
الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يُطَهِّرَ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ
عَظِيمٌ ای رسول خدا! سرعت فعالیت کفار و منافقین که به زبان ایمان می‌آورند

و به دل ایمان ندارند و یهودیان که به تبلیغات کسانی که شما را ندیده‌اند گوش می‌دهند و کلمات خدا را از معانی مخصوص آن منصرف می‌کنند تو را ناراحت نکند، به یکدیگر سفارش می‌کنند که اگر پیامبر به نفع ما سخن گفت بپذیرید و الا حذر کنید، کسی را که خدا اسیر فتنه‌ها کند تو نمی‌توانی او را هدایت کنی، آن‌ها کسانی هستند که خداوند نمی‌خواهد دل آن‌ها را پاک کند، رسوایی دنیا و عذاب بزرگ

آخرت برای آن‌ها مهیا شده است

﴿۴۲﴾ سَمِعُونَ لِلْكَذِبِ أَكْثَرُونَ لِلسَّحْتِ فَإِنْ جَاءُوكَ فَأَحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرُّوكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَأَحْكُم بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ یهودیان، حریص استماع اکاذیب و خوردن مال حرام‌اند، اگر به قضاوت تو راضی شدند قضاوت کن و یا از آن‌ها اعراض کن، اگر از آن‌ها اعراض کنی نمی‌توانند ضرری برسانند و اگر هم بین آن‌ها قضاوت کردی، به عدالت قضاوت کن، خداوند عدالت‌گران را دوست می‌دارد

﴿۴۳﴾ وَكَيْفَ يُحْكُمُونَكَ وَعِنْدَهُمُ التَّوْرَةُ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ

چطور به قضاوت عادلانه تو راضی می‌شوند با اینکه حکم خدا در تورات به اختیار آن‌هاست و از آن احکام اعراض می‌کنند، آن‌ها ایمان به خدا ندارند

﴿۴۴﴾ إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَآخِشُونَ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ

اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ ما تورات را که نور خدا بود نازل کردیم، پیامبران که تسلیم خدا بودند و دانشمندان و ربانیون که حافظ کتاب خدا بودند بین یهودیان قضاوت می‌کردند و آن پیامبران شاهد عمل به احکام خدا بودند، از مردم نترس، از خدا بترس، آیات مرا به بهای اندک دنیا نفروشید، کسانی که مطابق کتاب خدا قضاوت نمی‌کنند، کافرند *

* امت هر پیامبری به دو گروه مؤمن و کافر تقسیم می‌شوند. تمامی ملت‌ها دو گروه هستند، یک عده‌ای به حکم عقل و وجدان خود یا اطاعت از پیامبران و نیکان از ظلم و ستم وحشت دارند، اگر بتوانند خدمت می‌کنند و الا خیانت نمی‌کنند و عده‌ای دیگر هم کافرند. خائنانه و ظالمانه زندگی می‌کنند. ایمان و عقیده به حساب و کتاب ندارند لیکن در حساب قیامت، مردم دو گروه بیشتر نیستند، کافر و مؤمن، فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ (شورا ۷).

﴿۴۵﴾ وَكُتِبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنْ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَّهُ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

در کتاب تورات نوشتیم که نفوس برابر یکدیگرند، چشم و گوش و سایر اعضا برابر یکدیگر، جراحت‌ها برابر خود قصاص دارد، عفو از قصاص و دیه کفاره گناه است، کسی که مطابق کتاب خدا قضاوت نکند، ظالم است

﴿۴۶﴾ وَقَفَّيْنَا عَلَىٰ عَائِلِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ

بعد از موسی در خط او عیسی ابن مریم را مبعوث کردیم که مندرجات تورات را تصدیق می‌کرد، کتاب انجیل به او دادیم که علم و هدایت بود، کتاب تورات را تصدیق کرد و برای اهل تقوا موعظه و هدایت بود

﴿۴۷﴾ وَلِيَحْكُمَ أَهْلُ الْإِنْجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ

پیروان انجیل طبق کتاب خدا قضاوت کنند، کسانی که طبق کتاب خدا قضاوت نمی‌کنند، فاسق‌اند

﴿۴۸﴾ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا

عَلَيْهِ فَأَحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَٰكِن لِّيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَأَسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ

فِيهِ تَخْتَلِفُونَ و این قرآن را هم بر تو نازل کردیم که واقعیت‌ها و کتاب‌های آسمانی را تصدیق می‌کند و بر آن کتاب‌ها هیمنت دارد، مطابق آنچه خدا نازل می‌کند، بین آن‌ها قضاوت کن، از هوی و هوس آن‌ها خلاف آنچه بر تو روشن است، پیروی نکن، ما برای هر ملتی راه و روشی قرار داده‌ایم، خدا اگر بخواهد می‌تواند همه را به صورت یک امت متحد کند ولیکن آن‌ها را بر مدار علم و دین آزمایش می‌کند، شما همه در کار نیک به سوی خدا سبقت بگیرید، آخرین مرجع همه شما خداست و شما را در آنچه اختلاف دارید آگاه می‌کند *

* بهترین عاملی که عاقبت، بین مردم وحدت طبیعی و علمی به وجود می‌آورد، مسئله خیر خواهی است. خیرخواهی مانند اینکه مسافری سرگردان در بیابان همه در جستجوی راه به سوی مقصدند و یک راه بیشتر وجود ندارد، همه به همان راه می‌روند و وحدت در حرکت پیدا می‌کنند. دین خدا یک راه بیشتر نیست و آن، حق‌طلبی و خیرخواهی است. هر کس خیرخواه باشد قهراً و حتماً ایمان به خدا می‌آورد و دین خدا را قبول می‌کند مانند ماشین‌ها که همه در راه حرکت می‌کنند لذا خدا برای پیدایش وحدت که همان اصل توحید است، یک قاعده کلی صادر و می‌فرماید: فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ. (آیه ۴۸ مائده).

﴿٤٩﴾ وَأَنْ أَحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَأَحْذَرُهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمْ أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ طبق آنچه خدا بر تو نازل می‌کند

قضاوت کن، از هوی و هوس آن‌ها پیروی نکن، بر حذر باش مبادا تو را بفریبند و از

بعضی احکام دین و ابلاغ ولایت باز دارند ، اگر از دعوت تو اعراض کردند بدان که خدا می خواهد آن‌ها را به نتایج اعمالشان مبتلا کند ، بسیاری از مردم فاسق هستند

﴿۵۰﴾ أَفْحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ

آن‌ها قضاوت‌های جاهلانه جاهلیت را می‌طلبند، بگو: برای کسانی که اهل ایمان‌اند، چه کسی بهتر از خدا قضاوت می‌کند

﴿۵۱﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَرَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ

بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ای اهل ایمان! یهود و نصارا را به ولایت و سرپرستی نپذیرید که بعضی از آن‌ها ولیّ طایفه‌ای از شما باشند ، کسی که آن‌ها را به ولایت بپذیرد از آن‌ها خواهد بود ، خداوند ستم کاران را هدایت نمی‌کند (چون که نمی‌شود)

﴿۵۲﴾ فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسْرِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَىٰ أَنْ تُصِيبَنَا

دَآبِرَةٌ فَعَسَىٰ اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِّنْ عِنْدِهِ فَيُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا أَسْرَوْا فِي أَنفُسِهِمْ نَادِمِينَ بعضی از مسلمانان در میان آن‌ها فعالیت دارند، عذر می‌آورند

که اگر مسلمانان شکست بخورند مبادا از آن‌ها ضرری به ما برسد (محافظة کارند) ، شاید فتح و ظفر نصیب شما شود که آن‌ها بر این محافظه کاری پشیمان می‌شوند

﴿۵۳﴾ وَيَقُولُ الَّذِينَ ءَامَنُوا أَهْتُوا لَوْلَا الَّذِينَ آقَسُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ إِنَّهُمْ

لَمَعَكُمْ حَبِطَتْ أَعْمَلُهُمْ فَأَصْبَحُوا خَاسِرِينَ مؤمنین در این پیروزی به محافظه کاران بگویند: همین دشمنان شما بودند که سخت قسم خوردند روز حادثه در خدمت شما باشند، پس کجا رفتند؟، خدمات آن‌ها در قیامت بی‌نتیجه است و به‌جز خسارت

چیزی ندارند

﴿۵۴﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

مسلمانان! بدانید که هر کس از مسلمانی به کفر و گناه برگردد، به زودی خداوند اقوامی را ظاهر می کند که خداوند آنها را دوست دارد و آنها هم خدا را دوست می دارند، در مقابل برادران رام و آرام و در برابر کفار، شجاع و خشن و در راه خدا جهاد می کنند، از ملامت ملامت کننده نمی ترسند، این ایمان محکم لطف خداست که به هر کسی بخواهد می بخشد، خداوند گشایشگر و داناست

﴿۵۵﴾ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ

ولی شما، خدا و رسول و مؤمنینی هستند که نماز می خوانند و در حال رکوع، زکات می دهند (به اتفاق مسلمانان، علی (ع) در رکوع نماز زکات داد و این آیه در شأن او نازل شده است). *

* ولایت به معنای سرپرستی و مالکیت اختیارات است. ولی کسی است که مانند پدر و مادر مهربان باشد؛ مانند کودکان که اختیاراتشان به دست پدر است. سه طایفه بر انسانها ولایت پیدا می کنند. از این جهت که مردم در شناخت مسائل حیات مانند کودک هستند و آن سه طایفه عبارت اند از: پدر دانشمند، خدا و رسول خدا و مؤمن کامل الایمان. رسول که مانند خداست یعنی هر حکمی می دهد از جانب اوست. ولایت مؤمن کامل الایمان هم مانند ولایت رسول به ولایت خدا برمی گردد و خداوند هم جز به مصلحت کاری نمی کند. سوای این سه طایفه خواهی نخواهی منافع خود را بر منافع دیگران مقدم می دارند. کسی که مقدرات خود را به دست کفار می سپارد، دنیا و آخرت خود را هدر داده و مانند آنها گرفتار عذاب آخرت

می‌شود. رابطه با هر کافری فقط به میزان مبادله کالای تجارتي در زمان صلح جایز است.

﴿۵۶﴾ وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ کسی

که در ولایت خدا و رسول و چنین مؤمنی باشد، از افراد حزب‌الله است و حزب‌الله پیروز است

﴿۵۷﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُورًا وَلَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ

أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَالْكَفَّارَ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ای

اهل ایمان! ولایت کسانی از اهل کتاب را که دین شما را به مسخره می‌گیرند، نپذیرید ، از رابطه دوستی با آنها برحذر باشید، اگر ایمان به خدا دارید

﴿۵۸﴾ وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُورًا وَلَعِبًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ

چقدر بی‌حیا هستند که وقتی صدای اذان را می‌شنوند مسخره می‌کنند، عقل و شعور خود را به کار نمی‌برند تا عظمت خدا را درک کنند

﴿۵۹﴾ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ هَلْ تَنقِمُونَ مِنِّي إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا

أُنزِلَ مِن قَبْلُ وَأَنْ أَكْثَرُكُمْ فَسِيقُونَ بگو: ای اهل کتاب! دشمنی شما با ما برای

این است که ما به کتابی که بر ما و بر پیامبران پیش از ما نازل شده، ایمان آورده‌ایم ، حقیقت این است که اکثر شما فاسقید

﴿۶۰﴾ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ هَلْ تَنقِمُونَ مِنِّي إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا

أُنزِلَ مِن قَبْلُ وَأَنْ أَكْثَرُكُمْ فَسِيقُونَ بگو: شما را خبر دهم چه کسانی به بدترین

نتیجه اعمالشان مجازات می‌شوند؟ ، کسانی که خدا آنها را لعنت کرد و بر آنها غضب نمود و به صورت خوک و میمون مسخ شدند و عاقبت برده دشمن خود شدند ،

چنین افرادی بدترین وضعیت را پیدا کردند و از همه گمراهان گمراه‌تر شدند

﴿۶۱﴾ **وَإِذَا جَاءُوكُمْ قَالُوا ءَامَنَّا وَقَدْ دَخَلُوا بِالْكَفْرِ وَهُمْ قَدْ خَرَجُوا بِهِ ءِ وَاللَّهُ**
أَعْلَمُ بِمَا كَانُوا يَكْتُمُونَ آن‌ها منافقاند، وقتی که با شما مسلمانان روبه‌رو
 می‌شوند، تظاهر به ایمان می‌کنند، آن‌ها با عامل کفر به حضور تو وارد یا خارج
 می‌شوند، خدا به کفر باطنی آن‌ها آگاه‌تر است

﴿۶۲﴾ **وَتَرَى كَثِيرًا مِّنْهُمْ يُسْرِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتِ لَبِئْسَ**
مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ می‌بینی که بسیاری از آن‌ها در کفر و گناه، سرعت و شدت دارند
 و در حرام خوری حریص‌اند، بسیار بد است اعمالی که مرتکب می‌شوند

﴿۶۳﴾ **لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ عَنِ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتِ لَبِئْسَ**
مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ چرا پیشوایان ربانی و دانشمندان، آن‌ها را از دروغ‌گویی و حرام
 خوری باز نمی‌دارند، چقدر بد است اعمالی که انجام می‌دهند

﴿۶۴﴾ **وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ**
مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا
وَكُفْرًا وَأَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ
أُطْفِئَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ یهودیان در

عقاید جاهلانه خود می‌گویند: دست خدا بسته است، دست خودشان بسته باد، با این
 عقیده و حرف‌ها از رحمت خدا دور باشند بلکه هر دو دست خدا باز است، هرطور
 که بخواهد می‌بخشد، بسیاری از آن‌ها در برابر آیاتی که بر تو نازل می‌شود کفر و
 طغیان‌شان زیادتر می‌شود، ما تا روز قیامت بین آن‌ها بغض و عداوت انداخته‌ایم، هر

وقت آتش جنگ روشن کنند، خدا خاموش می کند ، در افساد و خراب کاری کوشا هستند ، خداوند مفسدین را دوست نمی دارد *

* این آیه که می گوید: یهودیان تا روز قیامت گرفتار بغض و عداوت نسبت به یکدیگرند دلالت دارد که قیامت با قیام امام زمان (عج) شروع می شود زیرا در قیام و حکومت آن حضرت دینی به جز دین اسلام به رهبری ائمه وجود ندارد. تمام اهل عالم فقط دو گروه اند، یا کافر که از همه چیز محروم اند و توبه آن ها قابل قبول نیست و یا مؤمن مستضعف که به وسیله آن حضرت اهل نجات اند. اگر کفار در مذهب خود باز هم آزاد باشند و آزاد زندگی کنند چه ظمی از کفر بالاتر است و چطور می شود با آزادی کفار دنیا را پر از عدل و داد نمود. ظمی بالاتر از حاکمیت کفر و گناه نیست. روایت کتاب تحف العقول در تفسیر آیه حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا مشعر به این معنی است که امام باقر (ع) می فرماید: خداوند در یک شبانه روز زمین را بدون جنگ در اختیار آن حضرت قرار می دهد. تمام اهل زمین داد می زنند آمَنَّا آمَنَّا ولی آن حضرت فقط ایمان پیش از ظهور را قبول دارد. در توبه به روی کفار بسته می شود پس این آیه، قیام آن حضرت را قیامت نامیده است.

﴿۶۵﴾ **وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ النَّعِيمِ**

اگر اهل کتاب ایمان آورند و از مخالفت با حق منصرف شوند،

آن ها را از بدی ها پاک می کنیم و آن ها را وارد باغ بهشت می کنیم

﴿۶۶﴾ **وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ النَّعِيمِ**

اگر اهل کتاب، کتاب خود را و آنچه از جانب خدا بر آن ها نازل

شده زنده بدارند، از زمین و آسمان برکات خود را بر آن ها نازل می کنیم ولیکن عده ای

از آن ها میانه رو بوده و اکثریت بدکاره اند

﴿۶۷﴾ **يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ**

رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ای رسول بزرگوار! آنچه از مسائل ولایت که بر تو نازل می‌شود به مردم ابلاغ کن ، اگر مسئله ولایت بعد از خود را ابلاغ نکنی رسالت خود را انجام نداده‌ای ، خدا تو را از شرّ مردم حفظ می‌کند ، خداوند کفار را هدایت نمی‌کند *

* آنچه از جانب خدا نازل می‌شود و آنچه زمین تحویل می‌دهد، همه این‌ها در شعاع حیات انسان قابل‌ظهور است. اگر انسان نباشد چرخ و پَر عالم لغویات پیدا می‌کند زیرا در این صورت خلقت غیر انسان بی‌هدف است. خلقت انسان هم در شعاع ولایت انسان‌های کامل که همان ولایت خداست معنی پیدا می‌کند. اگر ولایت انسان‌های کامل نباشد خلقت عالم و آدم لغویات پیدا می‌کند. پس این آیه درست است که خدا می‌گوید: اگر ولایت را ابلاغ نکنی دین خدا را ابلاغ نکرده‌ای.

﴿٦٨﴾ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ حَتَّىٰ تُقِيمُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِّن رَّبِّكُمْ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ مَّا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ بگو: ای اهل کتاب! شما آینده‌ای ندارید مگر اینکه کتاب تورات و انجیل و آنچه از پروردگار بر شما نازل می‌شود، زنده نگه‌دارید ، در مقابل دین و کتابی که بر تو نازل می‌شود، کفر و طغیان بسیاری از اهل کتاب بیشتر می‌شود ، از روش کفار خود را ناراحت نکن

﴿٦٩﴾ إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِغُونَ وَالنَّصَارَىٰ مَن ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ از مسلمانان و یهود و نصارا و کسانی که در جستجوی حق فعالیت دارند، هر کسی این سه اصل (ایمان به خدا و آخرت و عمل صالح) را رعایت کند، نترسد و غم و غصه‌ای نداشته باشد که اهل بهشت است (برکت این سه اصل این است که مردم را در یک دین و یک‌راه رهبری و متحد می‌کند)

﴿۷۰﴾ لَقَدْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَأَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ رُسُلًا كَلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا

لَا تَهْوَىٰ أَنفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ

اطاعت گرفتیم و این همه پیامبران فرستادیم ، اما آن‌ها هر وقت پیامبری را دیدند که خلاف میل آن‌ها سخن می‌گوید، به قتل رسانیدند و یا تکذیب نمودند

﴿۷۱﴾ وَحَسِبُوا أَنَّا لَأَنكُفِرُوا مِنَّا لَمَّا كَانُوا مِن قَبْلِهَا أَكْثَرًا وَأَن كُنَّا إِلَهُاتٌ مِّن دُونِ اللَّهِ لَا تَعْلَمُهُمْ سِوَا اللَّهِ عَالِمُ الْغُيُوبِ

كثِيرٌ مِّنْهُمْ وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ

خیال کردند که با این مخالفت‌ها در فتنه و ضلالت واقع نمی‌شوند، کر و کور شدند، خداوند متعال به وسیله پیامبر دیگری بر آن‌ها رحم کرد، راه زندگی را دانستند باز هم مخالفت کردند، کر و کور شدند ، خدا به آنچه کردند آگاه بود

﴿۷۲﴾ لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَقَالَ الْمَسِيحُ يَبْنِي

إِسْرَائِيلَ أَعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ

وَمَا أُونَهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ

کسانی که گفتند: خدا همان مسیح ابن مریم است، حقیقتاً کافر شدند ، با اینکه مسیح صدا می‌زد که ای مردم! خدا را پرستید و اصرار داشت که هر کس برای خدا شریک بترشد، خدا بهشت را بر او حرام می‌کند، جایش جهنم است ، مشرک ظالم است یاوری ندارد

﴿۷۳﴾ لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَلَاثُ ثَلَاثَةٍ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهٌُ وَاحِدٌ وَإِن لَّمْ

يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

کسانی هم که گفتند خدا یکی از این سه است (خدا، روح القدس و عیسی) گمراه شدند، خدا فقط یکی است مثل و مانند ندارد ، اگر از این گفته‌ها منصرف نشوند، کفار از آن‌ها به عذابی

الیم مبتلا می شوند

﴿۷۴﴾ أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لَهُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ چرا به خدا پناهنده نمی شوند تا به عقل و شعور برسند، اگر توبه کنند، خدا به آنها آگاهی می دهد

﴿۷۵﴾ مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ كَانَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ أَنْظِرْ كَيْفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ الْآيَاتِ ثُمَّ أَنْظِرْ أَنِّي يُؤْفَكُونَ مسیح ابن مریم پیامبری مانند دیگران است که پیش از او بودند، مادرش هم زن پاکی که گفته خدا را تصدیق کرد، غذا می خوردند، زندگی می کردند، ببین! چگونه حقیقت را برای آنها روشن می کنیم، بازهم به راه شرک می روند

﴿۷۶﴾ قُلْ أَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَاللَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ به آنها بگو: چرا به جز خدا کسی و چیزی را می پرستید که نفع و ضرری به شما نمی دهد، خداوند شنوا و داناست

﴿۷۷﴾ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ ای اهل کتاب! در دین خود به جز راه حق نپوید، از هوی و هوس کسانی که پیش از شما به ضلالت افتادند و مردم را گمراه کردند پیروی نکنید

﴿۷۸﴾ لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ کفار از بنی اسرائیل مورد لعن داوود پیامبر و عیسی ابن مریم واقع شدند، برای اینکه معصیت کردند و به حق ضعفا تجاوز نمودند

﴿۷۹﴾ كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ از اعمال

زشتی که مرتکب می‌شدند دست بردار نبودند ، چه بد مردمی و چه اعمال بدی که داشتند

﴿۸۰﴾ تَرَى كَثِيرًا مِّنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ بسیاری از آن‌ها را می‌بینید که کفار را به سرپرستی اختیار می‌کنند و از ولایت دین خدا خارج می‌شوند ، چه بد اولیایی که باعث می‌شوند خداوند بر آن‌ها غضب کند و همراه کفار در آتش مخلد باشند *

* ملت‌ها به میزان جنایت و سابقه ظلم و گناه تاریکی و قساوت قلب پیدا می‌کنند. همان‌طور که ایمان و خدمت بر روشنی و رحمت قلب مؤمن می‌افزاید. تاریکی قلب بر اثر ظلم، بالا و بالا می‌رود تا جایی که تغییر ماهیت می‌دهد و از انسانیت به یک حیوان درنده تبدیل می‌شود. به همین دلیل که ملت یهود در ظلم و ستم و قتل پیامبران سابقه بیشتری دارند، تاریکی و قساوت قلب بیشتری پیدا کرده و عاقبت مغضوب خدا واقع شده‌اند. باید دانست که گناه به تقصیر غیر از گناه به قصور است. ظلم به تقصیر، ظلم عالمانه و عامدانه به مظلوم است که قساوت به وجود می‌آورد. ظلم به قصور، ظلم جاهلانه است مانند ظلم کسی که او را گول زده‌اند و مظلوم را ظالم معرفی نموده‌اند. ظلم به قصور قساوت به وجود نمی‌آورد. چنین ظالمی وقتی فهمید و توبه کرد قبول است اما ظلم به تقصیر، قساوت و تاریکی قلب به وجود می‌آورد. ظلم بنی اسرائیل همه‌جا عالمانه و عامدانه بوده است که پیامبران را به حقانیت شناخته و کشته‌اند. این آیه شریفه و نظایر آن، که اهل کتاب را به دو گروه مؤمن و کافر تقسیم می‌کند، برهان این حقیقت است که اهل کتاب به دو گروه مؤمن و کافر تقسیم می‌شوند، عده‌ای مؤمن و مستضعف و عده‌ای کافر و مسلط‌اند. همه‌جا می‌گوید: إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَ امثال آن. مؤمنین از اهل کتاب یا گرفتار جهل‌اند که نتوانسته‌اند از میان آن‌همه تبلیغات علیه اسلام، حقانیت اسلام را بشناسند یا گرفتار ضعف هستند که نمی‌توانند از حاکمیت قدرت‌های مسلط خارج شوند، مستضعفین آن‌ها اهل نجات‌اند.

﴿۸۱﴾ وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالنَّبِيِّ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوهُمْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِنَّ

کَثِيرًا مِنْهُمْ فَسِقُونَ اگر آنها ایمان داشتند و آنچه را خداوند نازل کرد قبول می کردند، در ولایت کفار قرار نمی گرفتند ولیکن اکثریت آنها فاسق هستند

(جزء ۷) ﴿۸۲﴾ لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ ءَامَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا^ط وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُم مَّوَدَّةً لِلَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصْرِيَّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَيْسِيَّيْنَ وَرُهَبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ سخت ترین دشمن مسلمانان، یهودیان و مشرکین و نزدیک ترین ملت ها به دوستی مسلمانان مسیحیان اند ، زیرا بسیاری از آنها تارک دنیا و پیشوای دین هستند، تکبر ندارند، حق را می پذیرند

﴿۸۳﴾ وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَىٰ أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا^ط مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا ءَامَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ مسیحیان وقتی آیاتی را می شنوند که بر حضرت رسول نازل شده متأثر می شوند، اشک آنها جاری می شود که حق را از لسان رسول خدا می شناسند ، می گویند: خدایا! به دین تو ایمان آوردیم، اسم ما را در عداد شاهدان حق ثبت کن

﴿۸۴﴾ وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَنَطْمَعُ أَنْ يُدْخِلَنَا رَبُّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ به خود می گویند: چرا به خدا و دین حق که نازل شده ایمان نیاوریم با اینکه طمع داریم ما را با گذشتگان صالح خود محشور کند

﴿۸۵﴾ فَأَتْبَهُمُ اللَّهُ بِمَا قَالُوا جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ خدا به پاداش این عقیده ها آنها را به بهشتی می برد که از آن، نهرهای نعمت جاری می شود، در آن جاویدند ، پاداش نیکوکاران چنین است

﴿۸۶﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ اما کسانی از

آن‌ها که به آیات خدا کافر می‌شوند و آن را تکذیب می‌کنند، اهل جهنم خواهند بود

﴿۸۷﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تُحَرِّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ

اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ای اهل ایمان! نعمت‌های پاک خدا را تحریم نکنید، به

حقوق یکدیگر تجاوز ننمایید ، خداوند تجاوزگران را دوست نمی‌دارد

﴿۸۸﴾ وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَلًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ

از نعمت‌های خدا به طریق تجارت و کسب رضایت استفاده کنید ، از نافرمانی

خداوند که به او ایمان دارید، بپرهیزید

﴿۸۹﴾ لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ

الْأَيْمَانَ فَكَفَرْتُمْ بِإِطْعَامِ عَشْرَةِ مَسْكِينٍ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ

كِسْوَتِهِمْ أَوْ تَحْرِيرِ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفْرَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا

حَلَفْتُمْ وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ ءَايَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

خداوند شما را به خاطر قسم‌های لغوی که بدون هدف بر زبان جاری می‌کنید، مؤاخذه

نمی‌کند بلکه به خاطر قسم‌های جدی اعتقادی (که چه کاری خواهم کرد) ، کفاره مخالفت

با چنین قسم‌هایی این است که ده نفر مسکین را با متوسط غذای خانواده خود اطعام

کنید یا به آن‌ها لباس بپوشانید یا برده‌ای را آزاد کنید، اگر نتوانستید سه روز روزه

بگیرید ، این دستورات کفاره قسم است ، عهد خود را با خدا حفظ کنید ، خداوند

آیات خود را برای شما بیان می‌کند شاید حق خدا را منظور دارید

﴿۹۰﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْحُمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَمُ رِجْسٌ مِّنْ

عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَأَجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ای اهل ایمان! شراب خواری و قمار

بازی و بت‌ها و چوب‌های قمار پلید است، عمل شیطان است، از این اعمال اجتناب کنید شاید رستگار شوید

﴿۹۱﴾ إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ

شیطان می‌خواهد با

اعمال شراب و قمار، بین شما بغض و عداوت ایجاد کند، شما را از یاد خدا و نماز که رابطه با خداست بازدارد، آیا می‌شود از این اعمال دست بردارید؟

﴿۹۲﴾ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأَحْذَرُوا فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ

از خدا و رسول اطاعت کنید، از خدا بترسید، اگر از حکم خداوند

اعراض نمودید، بدانید وظیفه رسول ما فقط تبلیغ است

﴿۹۳﴾ لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَءَامَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

اهل ایمان و تقوا بعد از آن که از محرّمات اجتناب دارند و عملشان

صالح است، در سایر خوراک و پوشاک‌ها مسئولیتی ندارند، با رعایت ایمان و تقوا حق دارند از نعمت‌های خدا استفاده کنند و بعد ایمان و تقوا را رعایت کنند، باز هم ایمان و تقوا را رعایت کنند، احسان کنند، خداوند احسان‌کنندگان را دوست می‌دارد

﴿۹۴﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَيَبْلُوَنَّكُمُ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِّنَ الصَّيْدِ تَنَالَهُ رَأْيِكُمْ وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَخَافُهُ بِالْغَيْبِ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ

ای اهل ایمان! خداوند شما را با تحریم صید حرم که قدرت صید آن را

دارید آزمایش می‌کند تا معلوم شود چه کسی غایبانه از خداوند می‌ترسد، بعد از ابلاغ

تحریم صید، اگر کسی تجاوز کند، به عذاب سختی معذب می‌شود

﴿۹۵﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنْكُمْ هَدِيًّا بَلِيغَ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَّرَهُ طَعَامٌ مَّسْكِينٍ أَوْ عَدْلٌ ذَلِكِ صِيَامًا لَّيْذُوقَ وَبَالَ أَمْرِهِ عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ

ای اهل حرم! در حال

احرام حیوانی را صید نکنید ، کسی که عمداً صید کند، واجب می‌شود برابر همان صید از چهارپایان کفاره بدهد، تعیین کفاره با مرد عادل‌ی مانند امام است، کفاره صید حج را در منا و صید عمره را رو به روی کعبه انجام دهید یا برابر قربانی چند فقیر را اطعام کنید یا برابر آن روزه بگیرید تا برابر گناه تنبیه شوید، با این کفاره از گذشته‌ها صرف نظر می‌شود ، اگر صید را تکرار نمود، خدا از او انتقام می‌گیرد ، خداوند انتقام‌گیر است *

* تکفیر به معنای زدودن و پاک کردن تیرگی کفر و گناه است. کفاره، صیغه مبالغه یعنی بسیار پاک‌کننده. کفاره به این منظور دایر شده که توبه گناه‌کار معلوم شود و علاوه برای پاک شدن از گناه قدم اول را بردارد تا برای طهارت از گناه قدری زحمت بکشد و قدر این طهارت را بداند و الاّ پاک‌ی آلودگی قلب به دست خداست. خدا برای انجام هر کاری که برای مؤمن انجام می‌دهد از مؤمن حرکتی می‌طلبد. وقتی انسان قدر نعمتی را می‌داند که برای کسب آن زحمت بکشد، در این صورت مأمور به کفاره شده تا لطف خدا را در وجود خود احساس کند.

﴿۹۶﴾ أَجَلٌ لَّكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَّعًا لَّكُمْ وَلِلسَّيَّارَةِ وَحُرْمٌ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرْمًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

صید دریا و طعام

دریایی برای محرم و کاروان‌های دریایی حلال است ، فقط مادامی که مُحرم هستید، صید خشکی‌ها حرام است ، بترسید از خدایی که عاقبت به او رجوع می‌کنید

﴿۹۷﴾ جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَمًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَالْقَلَائِدَ ذَلِكَ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

خداوند، کعبه را که خانه محترم اوست، مایه قیام اجتماعی مردم قرار داد و همچنین ماه‌های حرام و قربانی را حرمت داد تا با انجام این مراسم بدانید که خداوند به آنچه در آسمان و زمین است، داناست

﴿۹۸﴾ اَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ وَأَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

بدانید که خداوند گرچه آمرزنده و مهربان است گاهی هم سخت کیفر می کند

﴿۹۹﴾ مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ

رسول ما فقط تبلیغ است، خدا بر نهان و آشکار شما آگاه است

﴿۱۰۰﴾ قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ

یَتَأُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

بگو: انسان‌های بد و خوب باهم مساوی نیستند گرچه کثرت جمعیت خبیث مایه تعجب باشد، ای خردمندان! تقوا پیشه کنید تا به خبیث طینت مبتلا نشوید و رستگار باشید

﴿۱۰۱﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنَ أَشْيَاءَ إِن تَبَدَّ لَكُمْ تَسْؤُكُمْ وَإِن تَسْأَلُوا عَنْهَا حِينَ يُنزَلُ الْقُرْءَانُ تَبَدَّ لَكُمْ عَفَا اللَّهُ عَنْهَا وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ

ای اهل ایمان! در پی کشف اسراری که شما را ناراحت می کند نباشید، سؤال بی جا نکنید اگر لازم باشد همراه نزول آیات قرآن بعضی اسرار برای شما روشن می شود، خداوند از شما می گذرد که آمرزنده و مهربان است

﴿۱۰۲﴾ قَدْ سَأَلَهَا قَوْمٌ مِّن قَبْلِكُمْ ثُمَّ أَصْبَحُوا بِهَا كَافِرِينَ

گذشتگان شما

چقدر زیاد سؤالات بی جا کردند که بعد از کشف حقیقت منکر شدند (مانند بنی اسرائیل که گفتند: صدای خدا را بشنویم چون شنیدند کافر شدند)

﴿۱۰۳﴾ مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ وَلَكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَأَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ خداوند شترهایی به

نام‌های بحیره و سائبه و وصیله و حام را حرام نکرده است، این تحریم‌ها بدعت‌های جاهلیت است که به خدا دروغ بستند، بسیاری از آن‌ها عقل و شعور نداشتند

﴿۱۰۴﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أُولَٰئِكَ كَانُوا لَآبَاءَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ وقتی به آن‌ها

گفته می‌شود: دست از این بدعت‌ها بردارید و ببینید خدا و رسول چه می‌گویند، می‌گویند: تقلید از آباء و اجداد برای ما کافی است با اینکه می‌دانند پدران آن‌ها جاهل بوده‌اند، عقل و شعور نداشته‌اند *

* در این آیه خداوند خرافات زمان جاهلیت را توضیح می‌دهد. به عقیده خودشان وقتی که شترشان دوقلو می‌زاید، می‌گفتند: وصیله شده، ذبح آن را تحریم می‌کردند. مثلاً به شتر جایزه می‌دادند و اگر ده تا بچه می‌زاید سواری و ذبح آن را تحریم می‌کردند و اگر پنج شکم می‌زاید سواری‌اش را ممنوع و اگر بچه پنجم ماده بود ذبح آن را تحریم و نذر می‌کردند که اگر از این مرض خوب شدم، این شتر را آزاد می‌گذارم. رحم و محبت و پاداش از جانب خدا مخصوص انسان است نه حیوان.

﴿۱۰۵﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَن ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ای اهل ایمان! اگر خود

را از کفر و گناه حفظ کنید، گمراهی دیگران برای شما ضرری ندارد، در صورتی که

خودتان هدایت شدید ، مرجع تمامی شما خداست و خداوند شما را به آنچه انجام می‌دهید، آگاه می‌کند *

* تصمیم جدی مردم برای اداء شهادت بهترین عامل ریشه‌کن شدن ظلم و گناه است. اگر شاهدان به خاطر ترس از گناه‌کار یا رعایت خویشاوندی از ادا شهادت خودداری کنند، جنایت‌کاران در ظلم و جنایت حریص و جری می‌شوند و امنیت جامعه که بزرگ‌ترین نعمت خداست، از بین می‌رود. پس کتمان شهادت بزرگ‌ترین گناه است.

﴿۱۰۶﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَدَةُ بَيْنِكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ أَوْ آخَرَانِ مِنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصَبْتَكُمْ مُصِيبَةُ الْمَوْتِ تَحْبِسُونَهُمَا مِنْ بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ إِنْ أَرْتَبْتُمْ لَا نَشْتَرِي بِهِ ثَمَنًا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَلَا نَكْتُمُ شَهَادَةَ اللَّهِ إِنَّآ إِذَا لَمِنَ الْأَثِمِينَ

ای اهل ایمان! شهادت‌ها را بین خود حفظ کنید، وقتی که مرگ یک نفر از شما می‌رسد و می‌خواهد وصیت کند، دو نفر شاهد عادل از خودتان لازم است و اگر در مسافرت بودید و مرگ شما رسید و دو نفر شاهد غیرمسلمان بودند، وصیت را امضا کنند و بعد از نماز جمعه آن دو نفر شاهد را نگه‌دارید تا شهادت به صحت وصیت بدهند، اگر شهادت آن‌ها مشکوک بود، قسم بخورند که دین خود را به دنیا نمی‌فروشیم گرچه به ضرر خویشاوندان ما باشد، شهادت به حق را کتمان نمی‌کنیم که در این صورت گناه‌کار هستیم

﴿۱۰۷﴾ فَإِنْ غَرَبَ عَلَىٰ أَنَّهُمَا اسْتَحَقَّآ إِثْمًا فَاخْرَانِ يَقُومَانِ مَقَامَهُمَا مِنَ الَّذِينَ اسْتَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْأَوْلِيَانِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ لَشَهَدَتُنَا أَحَقُّ مِنْ شَهَادَتَيْهِمَا وَمَا عَدَدِينَا إِنْآ إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ

اگر احساس شد که آن دو نفر به دروغ شهادت دادند طرف

دیگر که اولیای وصیت‌اند به جای آن دو نفر شهادت دهند و قسم بخورند که گواهی ما از گواهی آن‌ها بهتر مطابق با حقیقت است، ما خلاف حق شهادت نمی‌دهیم که در این صورت ظالم هستیم

﴿۱۰۸﴾ ذَٰلِكَ أَدَّتْ أَنْ يَأْتُوا بِالشَّهَادَةِ عَلَىٰ وَجْهَهَا أَوْ يَخَافُوا أَنْ تُرَدَّ أَيْمَانُ بَعْدَ أَيْمَانِهِمْ ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۗ وَأَسْمِعُوا ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ۗ شهادت به این

کیفیت بزرگ‌ترین راه برای کشف حقیقت است و خوفی نیست از اینکه شهادتی مردود و شهادتی مقبول شود، تقوا پیشه کنید حرف حق را بشنوید، خداوند فاسق را هدایت نمی‌کند

﴿۱۰۹﴾ ۗ يَوْمَ يَجْمَعُ اللَّهُ الرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَا أُجِبْتُمْ قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّمُ الْغُيُوبِ ۗ فردای قیامت خدا پیامبران را احضار می‌کند که آیا دعوت شما از جانب

امت اجابت شد؟، جواب می‌دهند که ما نمی‌دانیم، تو هستی که عالم به غیب هستی

﴿۱۱۰﴾ ۗ إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَىٰ ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَتِكَ إِذْ أُتِدَّتْكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا ۗ وَإِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ ۗ وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي ۗ وَتُبْرِئُ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي ۗ وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِي ۗ وَإِذْ كَفَفْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَنْكَ إِذْ جِئْتَهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَٰذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ ۗ خداوند به عیسی مسیح گفت: که ای عیسی! به یاد نعمت‌هایی که به

تو و مادرت بخشیدم باش که تو را به روح علم و حکمت تأیید نمودم، در کودکی و پیری با مردم سخن گفתי، به تو کتاب و حکمت و تورات و انجیل دادم، از گِل

مجسمه مرغی ساختی و در آن روح دمیدی ، به اذن خدا پرواز کرد ، مرض کوری و برص را به اذن من شفا دادی ، مرده را به اذن من زنده نمودی و آنجا که نبوت خود را اظهار نمودی، شرّ بنی اسرائیل را که گفتند: سحر است از تو بازداشتم

﴿۱۱۱﴾ **وَإِذْ أُوحِيَتْ إِلَى الْخَوَارِجِ أَنْ ءَامِنُوا بِي وَبِرَسُولِي قَالُوا ءَامِنَّا وَأَشْهَدُ بِأَنَّنا**

مُسْلِمُونَ به حواریون وحی نمودم که به من و پیامبرم ایمان بیاورید، گفتند: ایمان آوردیم گواه باش که ما مسلمانیم *

* وحیی که در این آیه به حواریون می شود با اینکه آن‌ها پیامبر نیستند، خاطرات آن‌هاست که از آن تعبیر به الهام می شود. فضای فکر انسان مانند فضای آسمان برابر چشم انسان است. فضای مقابل چشم همین آسمان پر از ستاره است و فضای فکر انسان همان فضایی است که در آن فکر جولان دارد و خاطرات و الهامات در آن پیدا می شود. هر کس به تفکر مشغول می شود بداند که شاگرد خداوند متعال است. تعلیمات انسان‌ها و فرشتگان و خداوند متعال در این فضا واقع می شود. فضای چشم می بیند اما فضای فکر می داند. آنچه دیده می شود به فضای فکر ارسال می شود و فضای فکر که در حضور خداست می داند. هر کسی که به تفکر فرو می رود در محضر خداوند متعال است. مؤمن حضور خدا را احساس می کند ولی کافر احساس نمی کند. عظمت خدا در فضای فکر جلوه گر می شود نه در فضای چشم. خدا به فکر حواریون انداخت که به عیسی ایمان بیاورند از این خاطره تعبیر به وحی شد.

﴿۱۱۲﴾ **إِذْ قَالَ الْخَوَارِجُونَ يَعْيسَى ابْنُ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَنْ يُنَزِّلَ عَلَيْنَا**

مَائِدَةً مِّنَ السَّمَاءِ قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ و باز آنجا که حواریون گفتند: ای عیسی! آیا خدای تو می تواند مائده‌ای از آسمان نازل کند؟، عیسی گفت: اگر ایمان به خدا دارید، از خواهش‌های بی جا بپرهیزید

﴿۱۱۳﴾ **قَالُوا نُرِيدُ أَنْ نَأْكُلَ مِنْهَا وَتَطْمِئِنَّ قُلُوبُنَا وَنَعْلَمَ أَنْ قَدْ صَدَقْتُنَا وَنَكُونَ**

عَلَيْهَا مِنَ الشَّاهِدِينَ گفتند: منظور ما این است که از مائده آسمانی بخوریم،
اطمینان قلب پیدا کنیم که تو به ما راست گفته‌ای و گواه معجزه تو باشیم

﴿۱۱۴﴾ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا
عِيدًا لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَوَعَايَةً مِنْكَ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ عیسی از خدا
خواهش کرد که پروردگارا! مائده آسمانی برای ما نازل کن تا چنین روزی برای
اولین و آخرین ما عید باشد، از این روزی آسمانی به ما لطف کن که تو بهترین
روزی رسانی

﴿۱۱۵﴾ قَالَ اللَّهُ إِنِّي مُنَزِّلُهَا عَلَيْكُمْ فَمَنْ يَكْفُرْ بَعْدُ مِنْكُمْ فَإِنِّي أُعَذِّبُهُ عَذَابًا
أَعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ خداوند فرمود: مائده آسمانی نازل می‌کنم، اما بعد از
مائده، اگر کسی کافر شود او را چنان عذاب کنم که کسی را عذاب نکرده باشم (انکار
حق بعد از وضوح، کفر و عناد است)

﴿۱۱۶﴾ وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَعْيسَى ابْنُ مَرْيَمَ ءَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمِّي إِلَهَيْنِ
مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالَ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقِّ إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ
فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعَلَّمَ مَا فِي نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ
خدا به عیسی فرمود: تو به مردم گفتی که: مرا و مادرم را به جای خدا پرستید، عرض
کرد: پروردگارا! تو منزه از شباهت به خلق، شایسته من نیست چنین ادعایی کنم،
اگر چنین گفته باشم خودت دانسته‌ای، تو از اسرار من باخبری و من از علم تو
بی‌خبرم، تو دانای غیبی

﴿۱۱۷﴾ مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ

شَهِيدًا مَّا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ

شَهِيدٌ من به جز آنچه تو دستور دادی به مردم ابلاغ نکردم که خدا پروردگار من و

شماست ، او را پرستش کنید تا وقتی که با آنها بودم، شاهد حال آنها بودم و زمانی

که مرا به سوی خود بردی مراقب آنها بودی ، تو شاهد همه کس و همه چیز هستی

﴿۱۱۸﴾ إِنَّ تَعَذِّبَهُمْ فَإِنَّهُمْ عِبَادُكَ وَإِن تَغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

اگر آنها را عذاب کنی، بندگان تووند و اگرهم از آنها بگذری، غالب و حکیمی

﴿۱۱۹﴾ قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمُ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا

الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

خدا فرمود: قیامت روزی است که صداقت راست گویان به حال آنها نافع است،

برای آنها مقام و قدرت‌هایی مقدر است که از آن، نعمت و ثروت مانند نهر جریان

دارد ، در آن زندگی تا ابد هستند ، خدا از آنها راضی و آنها از خدا راضی اند ، این

است سعادت بزرگ

﴿۱۲۰﴾ لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ پادشاهی

عوالم آسمان و زمین و آنچه بین آنهاست با خداست، خداوند به هر کاری قادر است *

* کلمه آسمان‌ها که جمع است بر عوالمی اطلاق می‌شود که در آسمان به صورت ستارگان

جلوه می‌کند و از ائمه روایت شده است که: إِنَّ هَذِهِ الْكَوَاكِبِ مُدُنٌ كَمَا بَيْنَكُمْ. این ستارگان

شهرهایی مانند شهرهای شماست. آیات قرآن هم صراحت دارد که فضای آسمان عوالمی مانند

زمین دارد که اقوامی مانند زمین در آنجا زندگی می‌کنند و روزی، خدا اقوام زمین و اقوام

آسمان را با یکدیگر محشور خواهد کرد. در این آیه که می‌فرماید: من پادشاه آسمان‌ها هستم،

پادشاهی در صورتی درست است که آسمان‌ها مانند زمین پر از انسان باشد زیرا پادشاهی بر

ذَوِي الْعُقُولِ صَحِيحٌ وَ حَاكِمِيَّةٌ بِرِغْرِ ذَوِي الْعُقُولِ مَالِكِيَّةٌ هِيَ نَهْ پادشاهی.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ

كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ ستایش با کلمه حمد، مخصوص خداوندی است که عوالم آسمان و زمین را آفرید، نور و ماده ظلمانی را بدون سابقه ایجاد کرد، با این عظمت و قدرت آفرینندگی باز هم کفار برای خدا نظیر و عدیل می تراشند *

* ظلمات مجعول در آیه شریفه عدم نور نیست چنان که فلاسفه می گویند بلکه ماده مجعول است که از آن ماده پیکره عالم و آدم ساخته می شود. ماده در جنسیت ابتدایی خود سیاه و تاریک است که از نور روشنایی می گیرد. ظلمات به معنای عدم نور، عدم محض باشد، قابل جعل نیست و علاوه نور به خودی خود روشنایی نمی دهد مگر که با ماده ترکیب و از آن منعکس شود. خداوند نورو ماده ظلمانی را بدون سابقه آفریده که به جعل بسیط تعریف می کند و بقیه خلائق را از این دو اصل ساخته است. پس کسانی که بین خلق و خالق حدوث رتبی قائل شده و خلق را اثر ذاتی خدا می دانند در اشتباه اند. خلائق اثر ارادی خداوند متعال هستند. بین خلق و خالق فاصله زمانی قهری است گرچه زمان آن فاصله قابل کشف نباشد.

﴿۲﴾ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ

تَمْتَرُونَ او خدایی است که شما انسانها را از مواد و املاح خاک آفرید و مقدر کرد که زندگی شما محدود باشد و مدتی هم در علم خدا معین است ، با همه اینها در قدرت خدا شک دارید

﴿۳﴾ وَهُوَ اللَّهُ فِي السَّمَوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ

او خداست در عوالم آسمان و زمین از نهان و آشکار شما باخبر است ، محصول کسب

و کار شما را می‌داند

﴿۴﴾ وَمَا تَأْتِيهِمْ مِّنْ آيَةٍ مِّنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ آیتی از آیات الهی برای شما ظاهر نمی‌شود مگر اینکه از آن اعراض می‌کنید

﴿۵﴾ فَقَدْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ وقتی که دین حق برای آن‌ها ظاهر شد به‌جای تصدیق، تکذیب کردند، به زودی نتیجه تکذیب و استهزاء خود را خواهند دید

﴿۶﴾ أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِّنْ قَرْنٍ مَّكَّانَهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ نُمْكِنْ لَّكُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخِرِينَ مگر ندیدند چقدر زیاد گذشتگان آن‌ها به هلاکت کفر و گناه افتادند، امکاناتی در زندگی به آن‌ها دادیم که به شما ندادیم، باران و برکات فراوان بر آن‌ها نازل کردیم، در داخل زندگی آن‌ها نهر آب جاری کردیم بعد در اثر کفر و گناه، زندگی آن‌ها را به محکومیت خاتمه دادیم و بعد از آن‌ها قرن دیگری به وجود آوردیم

﴿۷﴾ وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قِرْطَابٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ اگر برای آن‌ها کتابی در جلد و کاغذ نازل کنیم تا آن را لمس کنند، باز هم می‌گویند: این‌ها سحر است و ما مسحور شده‌ایم

﴿۸﴾ وَقَالُوا لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ وَلَوْ أَنْزَلْنَا مَلَكَ لَّقُضِيَ الْأَمْرُ ثُمَّ لَا يُنظَرُونَ و می‌گویند: اگر او پیامبر است چرا فرشتگان بر او نازل نمی‌شوند تا ما آن‌ها را ببینیم؟ خبر ندارند که رؤیت فرشتگان مخصوص روز قیامت است که مهلت از کفار برداشته

می شود (در حال کشف حقایق، امتحان و تکلیف لغویّت پیدا می کند)

﴿۹﴾ **وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا لَجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَلَلَبَسْنَا عَلَيْهِم مَّا يَلْبَسُونَ** و اگر هم در

دنیا فرشته نازل کنیم، لباس انسان به قامت او می پوشانیم تا قابل تماس باشد

﴿۱۰﴾ **وَلَقَدْ أَسْتَهْزِئُ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَّا كَانُوا بِهِ**

يَسْتَهْزِئُونَ پیامبران پیش از تو هم مورد استهزاء واقع شدند، نتیجه آن تمسخرها عاقبت خودشان را احاطه نمود

﴿۱۱﴾ **قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ أَنْظِرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ** بگو: بروند

تاریخ را مطالعه کنند تا بدانند عاقبت کار تکذیب کنندگان به کجا کشید!

﴿۱۲﴾ **قُلْ لِمَن مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ لِلَّهِ كَتَبَ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ**

إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ به آن ها بگو:

این همه عوالم آسمان و زمین مال کیست؟، بگو: مال خداست ، او رحمت رسانی به

شما را بر خود واجب نموده است ، به همین منظور شما را به صحرای قیامت می کشاند،

شکی در آن نیست، آنجا کسانی که ایمان نیاورده اند می دانند که به خودشان خسارت

زده اند *

* این آیه دلالت می کند که زندگی قیامت مظهر رحمت خداست که فرمود: **وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ**

شَيْءٍ (اعراف ۱۵۶). رحمت واسعه در این زندگی دنیا به دو دلیل قابل گسترش نیست: اول جهل

مردم و دوم اینکه در نظام حکومتی الهی قرار نگرفته اند که در محیط امن و امان باشند و از

برکات الهی استفاده کنند.

﴿۱۳﴾ **وَلَهُ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ** تمامی موجودات

ساکن و متحرک در شب و روز مال خدا هستند ، او شنوا و داناست

﴿۱۴﴾ قُلْ أَغَيْرَ اللَّهِ أَخَذُ وَلِيًّا فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعَمُ وَلَا يُطْعَمُ قُلْ
إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ بگو: آیا درست
است که به جز خدا خدای دیگری را به سرپرستی اختیار کنم با اینکه او خالق
آسمان‌ها و زمین است؟، طعام می‌دهد و طعام نمی‌گیرد ، بگو: من مأمورم اولین
مسلمان باشم ، مبادا مشرک به خدا باشی

﴿۱۵﴾ قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ بگو: اگر مرتکب گناه
شوم از عذاب روز قیامت می‌ترسم (پیامبران، مانند امیر کاروان و کاروانیان از انحراف
وحشت دارند)

﴿۱۶﴾ مَنْ يُصِرْ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ اگر کسی از
عذاب خدا نجات یابد، به لطف خدا نجات یافته و به سعادت بزرگی رسیده است

﴿۱۷﴾ وَإِنْ يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَمَسُّكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَى
كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اگر خدا بخواهد ضرری برساند، کسی به جز خودش نمی‌تواند آن
ضرر را برطرف کند و اگر بخواهد خیری برساند، به هر کاری قادر است

﴿۱۸﴾ وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ او قادر و قاهر است، محیط
و مسلط است ، به حکمت کار خود آگاهی دارد

﴿۱۹﴾ قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلْ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا
الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ أَيْنَكُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ إِلَهَةً أُخْرَى قُلْ لَا
أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌُ وَاحِدٌ وَإِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ بگو: چه کسی از خدا

بهرتر شاهد حق و حقیقت است ، بگو: خدا بین من و شما شاهد حق است ، این قرآن به من وحی شده تا شما و هر کسی را که قرآن به او می‌رسد از گناه بترسانم ، آیا شما شاهدید که با خدا خدای دیگری هست؟ ، من که هرگز شهادت نمی‌دهم ، فقط خدا یکی و یگانه است ، من مسئولیت شرک شمارا نمی‌پذیرم

﴿۲۰﴾ الَّذِينَ ءَاتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمُ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ
 اهل کتاب این قرآن و پیامبر را مانند فرزندان خود می‌شناسند، کسی که به انسانیت خود ضرر می‌زند، ایمان به خدا نمی‌آورد

﴿۲۱﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ
 چه کسی ظالم‌تر است از کسی که به خدا دروغ می‌بندد و یا آیات خدا را تکذیب می‌کند؟ ، حقیقت این است که ظالم رستگار نمی‌شود (دروغ بستن به خدا همه کائنات را به دشمنی انسان برمی‌انگیزد)

﴿۲۲﴾ وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا أَيْنَ شُرَكَائُكُمُ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ
 فردا که در صحرای محشر همه را جمع کنیم، به مشرکین می‌گوییم: کجايند کسانی که آن‌ها را شریک خدا می‌دانستید؟

﴿۲۳﴾ ثُمَّ لَمْ تَكُنْ فَتِنَتُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا وَاللَّهِ رَبِّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ
 شرک و ضلالت آن‌ها بهره‌ای ندارد جز اینکه انکار کنند و قسم بخورند که ما مشرک نبودیم

﴿۲۴﴾ أَنْظِرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ
 ببین! چگونه به خود دروغ می‌بندند و آن‌همه وسایل کفر و تهمت از دستشان خارج می‌شود

﴿۲۵﴾ وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي ءَاذَانِهِمْ

وَقَرَأَ وَإِنْ يَرَوْا كَلَّ ءَايَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ

بعضی‌ها (بدون اینکه طالب حق باشند) به

سخنانت گوش می‌دهند با اینکه دل آن‌ها را در غلاف و غفلت قرار داده‌ایم و گوش آن‌ها را سنگین که نمی‌توانند بفهمند، آن‌ها هر نوع معجزه ببینند، ایمان نمی‌آورند تا که با تو جدال کنند و عاقبت می‌گویند: این حرف‌ها افسانه‌های قدیم است *

* غل‌ها و غلاف‌ها در این آیات هدف‌های دنیایی انسان است. انسان نمی‌تواند بی‌هدف باشد. هدف بر انسان حاکمیت دارد. اگر هدف، خدا و آخرت باشد به‌سوی آخرت می‌رود و اگر دنیا باشد به‌سوی دنیا. هدف حجاب است، ماوراء هدف قابل رؤیت نیست. همین هدف دنیایی انسان را در دنیا به ظلم و در آخرت به جهنم می‌کشاند. اگر دل از محبت خدا خالی باشد محبت دنیا آن را پُر می‌کند و انسان را از خدا بازمی‌دارد. هدف‌های غیر خدایی غلف و غلاف است.

﴿۲۶﴾ وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْهَوْنَ عَنْهُ وَإِنْ يُهْلِكُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ

آن‌ها مردم را از قبول دین خدا نهی می‌کنند خودشان هم از دین فاصله می‌گیرند، خبر ندارند که خود را به هلاکت انداخته‌اند

﴿۲۷﴾ وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وَقَفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَلَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبُ بِآيَاتِ رَبِّنَا

وَنُكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ در آن ساعت که با آتش جهنم روبه‌رو می‌شوند اگر ببینی

چه حالی دارند، دچار حسرت می‌شوند که ای کاش به دنیا برگردیم، آیات خدا را تکذیب نکنیم و مؤمن باشیم

﴿۲۸﴾ بَلْ بَدَا لَهُمْ مَّا كَانُوا يُخْفُونَ مِنْ قَبْلُ وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ

لَكَذِبُونَ کفرو نفاق را که مخفی می‌داشتند بر خودشان و مردم روشن شد، اگر

هم به دنیا برگردند به همان کفر و نفاق برمی‌گردند، دروغ می‌گویند که خود را اصلاح

می‌کند

﴿۲۹﴾ وَقَالُوا إِن هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ
هست همین زندگی دنیاست، دوباره زنده نخواهیم شد

﴿۳۰﴾ وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وَقَفُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ قَالَ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبِّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ
اگر ببینی وقتی که زنده شوند و در برابر قدرت خدا قرار گیرند چه وضعی دارند، خدا به آن‌ها می‌گوید: آیا آخرت حق نبود؟، می‌گویند: قسم به پروردگار که حق است، پس بچشید عذابی را که نتیجه کفر و گناه است

﴿۳۱﴾ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ **ط** حَتَّىٰ إِذَا جَاءَتْهُمْ السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا يَحْسِرْتْنَا عَلَىٰ مَا فَرَّطْنَا فِيهَا وَهُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَىٰ ظُهُورِهِمْ **ط** أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ
کسانی که روز لقاءالله را تکذیب کردند، ضرر کردند تا اینکه در ساعت قیامت قرار گرفتند و از نتایج کفر و گناه دچار حسرت شدند، بار کفر و گناه را به دوش می‌کشند، چه بد باری است بار گناه

﴿۳۲﴾ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ **ط** أَفَلَا تَعْقِلُونَ
این زندگی دنیا لهو و لعب است، زندگی آخرت برای اهل تقوا بهتر است، چرا از عقل خود استفاده نمی‌کنید (که عقل، شما را هدایت می‌کند)

﴿۳۳﴾ قَدْ نَعَلِمُ إِنَّهُ لَيَحْزُنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ وَلَٰكِنَّ الظَّالِمِينَ بِآيَاتِ اللَّهِ **ط** يَجْحَدُونَ
ما می‌دانیم که ردّ و ایراد آن‌ها بر معرفی مقام ولایت تو را ناراحت می‌کند، این ایرادگران تو را تکذیب نمی‌کنند (ساده و زودباورند)

، تکذیب کنندگان آیات خدا ظالمان و منافقانند که حق را انکار می کنند

﴿۳۴﴾ **وَلَقَدْ كَذَّبْتَ رَسُولٌ مِّن قَبْلِكَ فَصَبْرُوا عَلٰی مَا كُذِّبُوا وَأُودُوا حَتَّىٰ أَتَاهُمْ
نَصْرُنَا وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ** **وَلَقَدْ جَاءَكَ مِن نَّبِیِّ الْمُرْسَلِیْنَ** پیامبران پیش از

تو هم تکذیب شدند، بر انکار و تکذیب مردم صبر کردند تا اینکه نصرت ما رسید ،

تقدیرات درباره انبیاء تغییر نمی کند، داستان آنها به تو رسیده است *

* ناراحتی رسول خدا برای این بود که می دانست انحراف از ولایت مولای انحراف از ایمان به

کفر است در نتیجه آن همه زحمت برای ترویج اسلام هدر می رود. خداوند تعالی حضرتش را

تسلیت می دهد که یک اقلیت کافر و منافق گمراهاند، اکثریت که مستضعفاند مشمول عفو

خداوند واقع می شوند. فلذا در آیه ۳۵ می فرماید: اگر دوست داری از مسیر تهدید و تطمیع

حکومت کنی ثروت در اختیار قرار بدهیم یا تو را به قدرت اعجاز الهی مجهز نمایم که بر

آنها تسلط کامل پیدا کنی و آنچه بخواهی بشود تا از طریق خوف و طمع چاره ای جز اطاعت

نداشته باشند ولیکن حکومت بر پایه تهدید و تطمیع گوارا نیست. بگذار عذاب کفر و گناه

آنها را به دایره ولایت برگرداند تا حکومتی بر پایه فهم و آزادی به وجود آید.

﴿۳۵﴾ **وَإِن كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَن تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ أَوْ**

سُلَّمًا فِي السَّمَاءِ فَتَأْتِيَهُمْ بِآيَةٍ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَىٰ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ

الْجَاهِلِينَ اگر این تکذیب و انکارها بر تو سخت می گذرد بین علاج آن چیست؟،

ثروت زیاد یا قدرت الهی آسمانی تا با تهدید و تطمیع آنها را به اطاعت درآوری ،

اگر خدا بخواهد می تواند آنها را به اطاعت درآورد (تا حکومتی براساس ترس و طمع

باشد)، مبادا جاهلانه فکر کنی

﴿۳۶﴾ **إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَالْمَوْتَىٰ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ**

کسانی که حق را می شنوند و می فهمند، دعوت تو را اجابت می کنند و در آینده خدا

مردگان به جهل و نادانی را نهضت فکری می دهد تا به حکومت خدا رجوع کنند

﴿۳۷﴾ وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يُنَزِّلَ آيَةً

وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ می گویند: چرا آیات و معجزات بر این پیامبر نازل

نمی شود؟ ، بگو: خدا قدرت دارد مرا به معجزات مجهز کند، معجزات مردم را به عقل

و دانش نمی رساند (دین با عقل پیش می رود)

﴿۳۸﴾ وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَلُكُمْ مَا فَرَّطْنَا

فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ جنبندهای نمی جنبد و پرندهای پرواز

نمی کند مگر اینکه امتی مانند شمایند، ما از آنچه خلقت آن لازم بوده است کوتاهی

نکرده ایم ، عاقبت با پیدایش عقل و شعور، تمامی امتها در دایره حکومت خدا

محشور می شوند

﴿۳۹﴾ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا صُمٌّ وَبُكْمٌ فِي الظُّلُمَاتِ مَنْ يَشِئِ اللَّهُ يَضِلُّهُ وَمَنْ

يَشِئِ اللَّهُ يَجْعَلْهُ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ کسانی که آیات ما را تکذیب می کنند کر و

لالاند، جاهل اند ، خدا کسی را که طالب حق نیست گمراه می کند و آن را که طالب

حق است در صراط مستقیم حرکت می دهد

﴿۴۰﴾ قُلْ أَرَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمْ السَّاعَةُ أَغَيْرِ اللَّهِ تَدْعُونَ

إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ درست فکر کنید اگر عذاب خدا شمارا فرا گیرد و ساعت

قیامت برسد آیا در این گرفتاریها به غیر خدا پناهنده می شوید؟، قضاوت کنید اگر

راست می گوید

﴿۴۱﴾ بَلْ إِلَٰهُهُمْ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ وَتَنْسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ

در این حالات فقط به خدا پناهنده می‌شوید از او خواهش و تمنا دارید، خداوند بلا را از شما برطرف می‌کند و آنچه را که شریک خدا ساخته بودید، فراموش می‌کنید

﴿۴۲﴾ **وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُم بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ**

يَتَضَرَّعُونَ ما پیش از تو برای امت‌ها پیامبران فرستادیم و در شعاع دعوت او مردم را در محاصره عذاب‌ها قرار دادیم، شاید به هدایت آن پیامبر برای نجات به ما پناهنده شوند

﴿۴۳﴾ **فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَٰكِن قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ**

مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ چرا وقتی در محاصره عذاب‌ها واقع شدند، به سوی خدا ننالیدند و به خدا پناه نبردند علاوه قساوت قلب پیدا کردند، شیطان هم کفر و گناه را در نظر آنها جلوه داد

﴿۴۴﴾ **فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمُ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا**

أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ در پی این ابتلائات و قساوت قلب، غضب ما آنها را فراگرفت، درهای ثروت و نعمت و همه نوع لذت را به روی آنها باز کردیم تا خوشی و غفلت آنها به نهایت رسید، در این غفلت به ناگاه آنها را در عذاب شدید قرار دادیم، به جای اینکه امیدوار شوند، در یأس کامل واقع شدند *

* ابتلائات گاهی برای تعلیم و تربیت است و گاهی برای انتقام خداوند. ثروتمندان کافر و غافل را تا دو مرتبه به ثروت و فقر مبتلا می‌کند تا در اثر فقر بعد از ثروت به خدا پناهنده شوند. اما گاهی به جای اینکه از ترس فقر به خدا پناهنده شوند و از گناه ثروت پرستی توبه کنند قساوت قلب پیدا نموده فقر خود را توجیه می‌کنند که دنیا چنین است، گهی پشت بر زین و گهی زین به پشت. تحولات زندگی را به حساب خدا نمی‌گذارند تا متنبه شوند. مرتبه اول که

فقر آنها را تنبیه نکرد دومرتبه خدا آنها را به ثروت و قدرت می‌کشانند، در این مرتبه هم نفس اماره کفر و گناه را در نظرشان جلوه می‌دهد و خداوند متعال مرتبه دوم آنها را به فقر مبتلا می‌کند که این مرتبه متنبه شوند ولی نمی‌شوند لیکن قساوتشان زیادتر می‌شود و به کفر و گناه می‌گذرانند. در نوبت سوم نوبت انتقام می‌رسد. در این انتقام، آنها را غرق ثروت و نعمت می‌کند، غفلتشان زیادتر می‌شود که می‌فرماید: نَسُوا مَا ذُكِّرُوا وَفَرِحُوا بِمَا أُوتُوا. خیلی خوش حال می‌شوند که خدایی نیست. این همه گناه کردیم خبری نشد بعد خدا در انتقام خود با یک حادثه ناگهانی آنها را به نابودی می‌کشانند و بعد به عذاب قیامت کشیده می‌شوند که ابتلائات به حال آنها سودی نبخشید. این است تقدیر خدا در ارتباط با کفار.

﴿۴۵﴾ فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ راه و رابطه آنها با زندگی دنیا قطع شد ، خداوند در این تقدیرات مستحق ستایش است (که تقدیراتش حکیمانه است)

﴿۴۶﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصَارَكُمْ وَخَتَمَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مَنْ إِلَهُ غَيْرَ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِهِ أَنْظِرْ كَيْفَ نَصْرَفُ الْأَيَاتِ ثُمَّ هُمْ يَصْدِفُونَ به آنها بگو: فکر کنند اگر خدا شنوایی و بینایی آنها را بگیرد و رابطه دل آنها را با خدا ببندد چه کسی می‌تواند آنچه سلب شده به آنها برگرداند ، ببین! چه خوب آیات خود را برای آنها روشن می‌کنیم، آنها بازهم سر به لاک خود می‌برند تا نفهمند

﴿۴۷﴾ قُلْ أَرَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ بَغْتَةً أَوْ جَهْرَةً هَلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الظَّالِمُونَ بگو: فکر کنند اگر خدا عذاب خود را ناگهانی یا آشکارا بر آنها نازل کند، کسی به جز ستم کاران هلاک می‌شود؟ (هلاکت، مرگ بدون نتیجه است)

﴿۴۸﴾ وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ ۗ فَمَنْ ءَامَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ پیامبران را برای این فرستادیم که نیکان را مژده دهند و

بدکاران را بترسانند ، اهل ایمان و عمل صالح نترسند، غم و غصه‌ای نداشته باشند

﴿۴۹﴾ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا يَمَسُّهُمُ الْعَذَابُ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ کسانی که

آیات ما را تکذیب می‌کنند، بدانند که عذاب ما از خط فسق و فجور به آنها خواهد رسید

﴿۵۰﴾ قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي

مَلَكٌ إِنِّي أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ

به آنها بگو: من ادعا ندارم که خزائن ثروت و قدرت در اختیار من است ، نمی‌گویم که علم غیب دارم و یا فرشته‌ام ، فقط از آنچه به من وحی می‌شود پیروی می‌کنم، مگر بینا و نابینا و دانا و نادان باهم برابرند، چرا فکر نمی‌کنید؟

﴿۵۱﴾ وَأَنْذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ يُحْشَرُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا

شَفِيعٌ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ با تعلیمات قرآن، کسانی را که عقیده دارند عاقبت به خدا

رجوع می‌کنند، بترسان ، کسانی که مولا و شفیع به جز خدا ندارند شاید از نافرمانی خدا بپرهیزند

﴿۵۲﴾ وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ مَا عَلَيْكَ

مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ

الظَّالِمِينَ کسانی را که دائم با خدا راز و نیاز دارند و طالب رضای خدا هستند از

خود مَران ، تو مسئول اعمال آنها نیستی و آنها مسئول اعمال تو نیستند تا آنها را از خود برانی و ظالم شناخته شوی

﴿۵۳﴾ وَكَذَلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لِيَقُولُوا أَهَؤُلَاءِ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْنِنَا

أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ ما برای پیدایش علم و فعالیت با ایجاد درجات و مراتب در مال و مقام بعضی را به بعضی دیگر مبتلا نموده‌ایم تا فروتران اعتراض کنند که چرا مقام آن‌ها را بالا برده‌اند، مگر خدا بندگان شاکر خود را نمی‌شناسد؟ *

* در این آیه خداوند ثروت‌های مشروع و حلال را که در راه خدا انفاق می‌کنند تعریف می‌کند و جواب اعتراض گران را که چرا خداوند به آن‌ها ثروت داده، می‌دهد که: اعتراض کوتاه‌فکران درست نیست مگر خدا بندگان شاکر خود را نمی‌شناسد؟.

﴿۵۴﴾ **وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَمٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهْلَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ** وقتی که اهل ایمان به حضور می‌رسند، به آن‌ها سلام کن و مژدگانی بده که خداوند بر خود واجب نموده لطف و رحمت خود را به شما برساند، هر کس از شما از روی نادانی گناهی مرتکب شود و بعد توبه کند و به راه صلاح و اصلاح درآید، خداوند مهربان است، وعده مغفرت می‌دهد

﴿۵۵﴾ **وَكَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ لَيْسَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَفْقَهُونَ** ما این‌طور حقایق و راه حق و باطل را روشن می‌کنیم تا بی‌راهه روان از راه روان مشخص شوند

﴿۵۶﴾ **قُلْ إِنِّي نُهَيْتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قُلْ لَا أَتَّبِعُ أَهْوَاءَكُمْ قَدْ ضَلَلْتُ إِذًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ** بگو: من از پرستش کسانی که شما آن‌ها را مرجع خود قرار داده‌اید، ممنوع شده‌ام، اگر از هوی و هوس شما پیروی کنم، گمراهم و هرگز هدایت نمی‌شوم

﴿۵۷﴾ **قُلْ إِنِّي عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَكَذَّبْتُمْ بِهِ مَا عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ إِنْ**

أَلْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ يَقُصُّ الْحَقَّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَصِيلِينَ بگو: من در خط روشن، روی
بینه و برهان از پروردگرم حرکت می‌کنم که شما آن را تکذیب می‌کنید، عذاب
آخرتی را که شما با شتاب می‌طلبید به دست من نیست، قضاوت به دست خداست،
حق را می‌گوید و حق و باطل را از هم جدا می‌کند

﴿۵۸﴾ قُلْ لَوْ أَنَّ عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ لَفُضِي الْأَمْرُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ
بِالظَّالِمِينَ بگو: آنچه می‌خواهید اگر به دست من باشد کار من و شما به آخر رسیده
است، خدا ظالم را بهتر می‌شناسد

﴿۵۹﴾ وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا
تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظِلْمَتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا
فِي كِتَابٍ مُبِينٍ کلید درهای غیب به دست اوست، کسی جز او نمی‌داند، آنچه در
دریا و خشکی و در فکر عالم و جاهل است، برگ درختی ساقط نمی‌شود جز اینکه
می‌داند، دانه‌ای یا نطفه‌ای شکوفا نمی‌شود مگر اینکه می‌داند، تر و خشکی نیست
مگر که در کتاب خدا ثبت است *

* کلیدهای غیب علم و حکمت به دست خداوند متعال و ائمه اطهار(ع) است. خداوند همه چیز
را می‌داند و هر حادثه‌ای را به جا و به موقع اجرا می‌کند. اولیاء خدا مقدرات بشر را چنان
می‌دانند که خدا می‌داند و این کلیدها را در مسیر علم و حکمت به بندگان خود می‌رساند.

﴿۶۰﴾ وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُمْ بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُمْ بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ
لِيُقَضَىٰ أَجَلٌ مُّسَمًّى ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ اوست
که شب‌ها جان شمارا می‌گیرد و از خراب‌کاری روز شما باخبر است، باز فردا شما را
زنده می‌کند تا عمر معین به سر رسد و بعد از مرگ مرجع شما خداست و اعمال شما

را به شما گزارش می‌دهد

﴿۶۱﴾ وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ
 او قاهر و غالب و محیط به بندگان است، شما را در حفاظت مأمورین خود می‌گذارد تا که مدت مرگ برسد، در این صورت مأمورین جان او را می‌گیرند و کوتاهی نمی‌کنند

﴿۶۲﴾ ثُمَّ رُدُّوْا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمْ الْحَقُّ ۚ لَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ ۗ الْحَسِبِينَ
 پس از مرگ به سوی مولای حق خود برمی‌گردید، حکم به دست اوست، سریعاً به حساب شما می‌رسد

﴿۶۳﴾ قُلْ مَنْ يُنَجِّيْكُمْ مِّنْ ظُلْمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً لَّئِنْ أَنْجَلْنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ
 دریا و صحرا نجات می‌دهد، آنجا که مخفیانه یا آشکارا به خدا می‌نالید که اگر ما را از این مهلکه نجات دهی، شکر تو را به جا می‌آوریم

﴿۶۴﴾ قُلِ اللَّهُ يُنَجِّيْكُمْ مِنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنْتُمْ تُشْرِكُونَ
 هر بلایی فقط خدا شما را نجات می‌دهد ولی شما بعد از نجات، حق خدا را منظور نمی‌کنید

﴿۶۵﴾ قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيْعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ ۗ أَنْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ
 بگو: خدا قدرت دارد از فضای بالای سر شما (از حاکم) و یا از زیر پای شما (افراد تحت امر) عذاب نازل کند و یا شما را گروه‌گروه نموده به

جان یکدیگر ببندازد ، بین! چطور آیات خود را برای آنها روشن می‌کنیم شاید حقیقت را بفهمند

﴿۶۶﴾ **وَكَذَّبَ بِهِ قَوْمُكَ وَهُوَ الْحَقُّ قُلْ لَسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ** با اینکه این

کتاب و این دین حق است، قوم تو آن را تکذیب می‌کنند ، بگو: من وکیل مدافع شما نیستم

﴿۶۷﴾ **لِكُلِّ نَبِيٍّ مُّسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ** هر کار خیری در جای خود ثبت است ،

به زودی خواهید فهمید

﴿۶۸﴾ **وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي**

حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِمَّا يَنْسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِ مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

وقتی که می‌بینی عده‌ای جاهل در آیات خدا مجادله می‌کنند از آنها اعراض کن تا بحث خود را عوض کنند و اگر هم نفس اماره تو را به فراموشی انداخت بعد از آگاهی اعراض کن، هرگز با ظالم همراهی نکن

﴿۶۹﴾ **وَمَا عَلَى الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِّنْ شَيْءٍ وَلَٰكِنْ ذِكْرِي لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ**

اهل تقوا و تقیه مسئول اعمال خود نیستند ولیکن به یاد خدا باشند تا تقوای آنها کامل تر شود *

* اهل تقوا و تقیه در این آیه شریفه کسانی هستند که در جامعه‌ها برای حفظ جان و مرام خود و برای اینکه با آن جامعه ارتباط برقرار کنند و در موقع مقتضی بتوانند دین حق را آشکار نموده آنها را هدایت نمایند متظاهر به دین آن جامعه می‌شوند. خدا در این آیه می‌فرماید: ما به تظاهر آنها کاری نداریم، اصل تقوای قلب آنهاست.

﴿۷۰﴾ **وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَلَهْوًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَذَكِّرْ بِهِ أَن**

تُبَسَّلَ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ وَإِنْ تَعَدِلْ كُلُّ عَدْلٍ لَا يُؤْخَذُ مِنْهَا أُولَئِكَ الَّذِينَ أُبْسِلُوا بِمَا كَسَبُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

کسانی که دین خود را به بازی گرفته و فریفته دنیا شده‌اند به خود واگذار، دین و دعوت را به آن‌ها برسان، مبادا در کفر و گناه هلاک شوند که دیگر به جز خدا ولی و شفיעی نداشته باشند، خسارت آن‌ها با بذل تمام ثروت قابل جبران نیست، چنین افرادی در کفر و گناه نابودند و آخرین نتیجه اعمال آن‌ها شراب جوشان و عذابی دردناک است

﴿۷۱﴾ قُلْ أَدْعُوا مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا وَنُرَدُّ عَلَىٰ أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْنَا اللَّهُ كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ فِي الْأَرْضِ حَيْرَانَ لَهُ أَصْحَابٌ يَدْعُونَهُ إِلَىٰ الْهُدَىٰ اثْتِنَا قُلْ إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَأْمُرْنَا لِنُسَلِّمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ

بگو: چرا سواي خداوند از اشياء و اشخاصي که نفع و ضرري ندارند، خواهش و تمنا کنيم و بعد از هدايت خدا به کفر و گناه برگرديم، مانند کسی که اخلاص گران او را به هوی و هوس انداخته و سرگردان ساخته‌اند و هرروز عده‌ای او را به راه و مرامی دعوت می‌کنند که به دین و مرام ما درآی، بگو: هدايت درست هدايت خداست، ما مسلمانان تسليم خدا پروردگار عالمان هستيم

﴿۷۲﴾ وَأَنْ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَاتَّقُواهُ وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

و ديگر اينکه با اقامه نماز رابطه خود را با خدا محفوظ داريم، تقوا پيشه کنيم که همه ما اجباراً به سوي او محشور مي شويم

﴿۷۳﴾ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَيَوْمَ يَقُولُ كُن فَيَكُونُ قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ عِلْمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةُ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ

او آسمان و زمین را به حق آفریده، آنچه را بخواهد به محض خواستن شدن است، گفته او حق است، روزی که مردگان زنده شوند پادشاهی مخصوص اوست، عالم به غیب و شهود و حکیم و آگاه است

﴿۷۴﴾ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ عَازِرْ أَتَّخِذُ أَصْنَامًا ءَالِهَةً إِنِّي أَرَأَيْتَكَ وَقَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ داستان ابراهیم را یادآوری کن که به پدرش آزر گفت: آیا بت‌ها را به جای خدا می‌پرستی؟، من تو را و قوم تو را در ضلالت و گمراهی می‌بینم

﴿۷۵﴾ وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكَتِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ ما ابراهیم را به ملاک خلقت و حکمت آشنا نمودیم تا به قدرت و عظمت خدا یقین پیدا کند

﴿۷۶﴾ فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْأَفْلِينَ وقتی که شب بر او سایه افکند، ستاره‌ای را دید، گفت: شاید همین ستاره خدا باشد، اما وقتی که غروب کرد، گفت: خدایی را که پنهان می‌شود دوست نمی‌دارم

﴿۷۷﴾ فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِعًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَئِن لَّمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ و باز چهره ماه را دید که می‌درخشد، گفت: شاید این خدا باشد، اما وقتی که غروب کرد، گفت: اگر خدا مرا هدایت نکند، گمراه خواهم بود

﴿۷۸﴾ فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَازِعَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَاقَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ و فردا که چهره درخشان خورشید را دید، گفت: به به! این پروردگار من است که از آن‌ها روشن‌تر است، خورشید هم که غروب کرد، گفت: ای

مردم! من از این مظاهر شرک بیزارم

﴿۷۹﴾ **إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلذِّی فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ**
 من به خدایی روی آوردم که آفریننده آسمان‌ها و زمین است، در دین خود مترقی هستم، هرگز مشرک نخواهم بود

﴿۸۰﴾ **وَحَاجَّهُ قَوْمُهُ قَالَ أَتُحَاجُّونِي فِي اللَّهِ وَقَدْ هَدَانِ وَلَا أَخَافُ مَا تُشْرِكُونَ بِهِ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ رَبِّي شَيْئًا وَسِعَ رَبِّي كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ**
 مجادله برخواستند که چرا دین آن‌ها را رها می‌کند گفت: شما درباره خدا با من بحث می‌کنید؟ خدا مرا هدایت کرد، من به مرام شرک شما کاری ندارم مگر که خدا بخواهد و امر کند که متعرض شما شوم، علم خدای من همه چیز را فرا گرفته چرا متذکر حقیقت نمی‌شوید؟

﴿۸۱﴾ **وَكَيْفَ أَخَافُ مَا أَشْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُمْ بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ**
 گمراهی شما ناراحت باشم با اینکه شما ناراحت نیستید از اینکه چیزی را که خدا به او حاکمیت نداده شریک خدا ساخته‌اید؟، اگر می‌دانید بگویید: کدام یک از ما دو گروه به امنیت نزدیک‌تریم؟ *

* یعنی ما پیامبران در زمانی متعرض کفر و ضلالت مردم می‌شویم که مردم آمادگی قبول حق را داشته و در انتظار هدایت باشند و از این تقدیر، خدا خبر دارد. هر وقت خدا اجازه دهد ما دعوت خود را آشکار می‌کنیم. اول باید مردم طالب هدایت باشند. از کفر و گناه متنفر و منزجر شوند بعد ما دعوت خود را آشکار کنیم. مریض، اول مرض خود را بشناسد و به دکتر مراجعه کند تا دکتر او را معالجه نماید. ما پیامبران دکتر امراض روحیم.

﴿۸۲﴾ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُّهْتَدُونَ

کسانی که ایمان به خدا می آورند و ایمان خود را به ظلم و گناه آلوده نمی کنند امنیت کامل دارند و هدایت می شوند

﴿۸۳﴾ وَتِلْكَ حُجَّتُنَا ءَاتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَىٰ قَوْمِهِ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مِّنْ نَّشَأٍ إِنَّ رَبَّكَ

حَكِيمٌ عَلِيمٌ این مطالب، حجت حقانیت است که به ابراهیم تعلیم دادیم و او را بر قوم خود حاکمیت دادیم، درجات هر کسی را که بخواهیم بالا می بریم، خدا حکیم و داناست

﴿۸۴﴾ وَوَهَبْنَا لَهُ دَاوُدَ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا مِن قَبْلُ وَمِن ذُرِّيَّتِهِ

دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَىٰ وَهَارُونَ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ به او فرزندانی مانند اسحاق و یعقوب دادیم، همه را هدایت کردیم و نوح را هم قبل از آن ها هدایت کردیم و از اولاد آن ها داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را به دادن فرزندانی نیکوکار پاداش دادیم

﴿۸۵﴾ وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَىٰ وَعِيسَىٰ وَإِلْيَاسَ كُلٌّ مِّنَ الصَّٰلِحِينَ و همین طور زکریا و

یحیی و عیسی و الیاس که همه از صالحین بودند

﴿۸۶﴾ وَإِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَيُونُسَ وَلُوطًا وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ و اسماعیل

و الیسع و یونس و لوط همه آن ها را بر اهل عالم برتری دادیم

﴿۸۷﴾ وَمِنَ ءَابَائِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَإِخْوَانِهِمْ وَاجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ

و آبا و اجداد آن ها و اولاد آن ها و از برادران آن ها افرادی را امتیاز دادیم و آن ها را به راه راست هدایت کردیم

﴿۸۸﴾ ذَٰلِكَ هُدَىٰ ٱللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَن يَشَاءُ مِّنْ عِبَادِهِۦ وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحَبِطَ عَنْهُمْ

مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ چنین است هدایت الهی که هر کس از بندگان را بخواهد هدایت می‌کند، به صلاح و تقوا می‌رساند، اگر مشرک به خدا شوند، از نتایج اعمال خود محروم می‌شوند *

* حبط اعمال یکی از مسائل سؤال برانگیز است که می‌گویند: چرا اعمال صالح کسانی که دین ندارند یا از دین خدا منصرف شده‌اند در آخرت برای آن‌ها نتیجه نداشته باشد. شاید خلاف عدالت است کافری که عمل صالح داشته از اعمال خود نتیجه نگیرد. جواب اینکه اعمال نیک و بد در مسیر هدف نتیجه‌بخش است. اعمال، انسان را برای وصول به هدف می‌سازد. کسانی که برای دنیا و منافع شخصی کار می‌کنند، دنیایی ساخته می‌شوند و عقل آخرتی ندارند. هر کسی نتیجه کار خود را از کسی می‌طلبد که برای او کار کرده است. شما در زمین زراعتی خود کار کرده‌اید و کشاورز فلانی بوده‌اید از من و زمین من انتظار محصول ندارید.

﴿۸۹﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ ءَاتَيْنَهُمُ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْحِكْمَ وَٱلتَّوْبَةَ فَإِن يَكْفُرْ بِهَا هَٰؤُلَاءِ

فَقَدْ وَكَّلْنَا بِهَا قَوْمًا لَّيْسُوا بِمُكْفِرِينَ آن‌ها افرادی بودند که به آن‌ها کتاب و حکمت و نبوت دادیم، اگر این گروه از مردم زمان کافر به آیات الهی شوند، به جای آن‌ها اقوامی را می‌آوریم که ایمان بیاورند و دین خدا را یاری کنند

﴿۹۰﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَىٰ ٱللَّهُ فَبِهَدْيِهِمْ أَتَقْتَدُوا۟ قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِن هُوَ

إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ آن‌ها اقوامی بودند که خدا آن‌ها را هدایت کرد، تو هم به هدایت آن‌ها اقتدا کن، به مردم بگو که: در برابر این خدمات از شما مزدی نمی‌خواهم، این قرآن کتاب هدایت جهانیان است

﴿۹۱﴾ وَمَا قَدَرُوا۟ ٱللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِۦٓ إِذْ قَالُوا۟ مَا أَنزَلَ ٱللَّهُ عَلَىٰ بَشَرٍ مِّن شَيْءٍ قُلْ مَن

أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى نُورًا وَهُدًى لِلنَّاسِ لِيَجْزِيَ اللَّهُ قِرَاطِيَسَ تَبَدُّونَهَا وَيُخْفُونَ كَثِيرًا وَعَلِمْتُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَلَا آبَاؤُكُمْ قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ

کسانی که گفتند: خدا دین و هدایتی نازل نکرده، خداوند را چنان که شایسته اوست نشناختند ، بگو: کتاب تورات را چه کسی نازل کرد که برای مردم هدایت بود ، شما آن را به صورت کاغذ پاره‌ها درآوردید، آنچه به نفع مال و مقام بود تبلیغ کردید و علوم اصلاح‌گر و عدالت‌پرور آن را کتمان نمودید ، در آن کتاب علمی به شما تعلیم شد که اجداد شما ندانستند ، تو ای پیامبر من! دین خدا را یاری کن و بگذار آن‌ها به بازی خود مشغول باشند

﴿۹۲﴾ وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَهُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ

و این قرآن هم کتابی است بابرکت، آنچه حق و حقیقت است تصدیق می‌کند تا با این کتاب، مکه و اطراف را تا انتها هدایت کنی و از کفر و گناه بترسانی ، هر کس ایمان به آخرت داشته باشد قرآن را می‌پذیرد ، آن‌ها کسانی هستند که نماز و رابطه خود را با خدا حفظ می‌کنند

﴿۹۳﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَلَمْ يُوحَ إِلَيْهِ شَيْءٌ وَمَنْ قَالَ سَأُنزِلُ مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَوْ تَرَى إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمْرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوا أَيْدِيهِمْ أَخْرِجُوا أَنْفُسَكُمْ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ

چه کسی ظالم‌تر از کسانی است که به خدا دروغ می‌بندند؟ یا می‌گویند: خدا به من وحی کرد با اینکه به او وحی نشده یا می‌گویند: به زودی دین و کتابی مانند کتاب خدا نازل می‌کنیم ، اگر

وضع و حال آنها را در سكرات مرگ ببینی كه فرشتگان جان آنها را می گیرند ، به آنها می گویند: امروز در عذاب ذلت قرار می گیری كه خلاف حق به خدا دروغ بستید و با تكبر از اولیاء خدا اعراض نمودید *

* بدترین گناه دروغ بستن به خداوند متعال است. کسانی كه بدعت‌هایی می سازند و می گویند: حكم خداست كه به ما وحی شده، بندگان خدا را در مكتب كفر و ضلالت پرورش می دهند. خط دین خدا را كور می كنند و مسئول ضلالت خود و دیگران اند.

﴿۹۴﴾ **وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فُرَادَى كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَتَرَكْتُمْ مَا خَوَّلْنَاكُمْ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ وَمَا نَرَى مَعَكُمْ شُفَعَاءَكُمُ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكَاءُ لَقَدْ تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَضَلَّ عَنْكُمْ مَا كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ** چطور شد كه امروز لخت و عور مانند روز تولد در حاكمیت ما قرار گرفتید، آن مال و مقام كه شما را به خیالات انداخته بود، پشت سر انداختید ، كجایند پارتی‌ها و رؤسای شما كه آنها را به جای خدا و اولیاء خدا اطاعت نمودید ، رابطه شما با همه قطع شد و خواب و خیالات از كف شما رفت

﴿۹۵﴾ **إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ذَلِكَمُ اللَّهُ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ** او خداست كه حبوبات و هسته درخت‌ها را می شكافد (وهمچنین اسرار دل‌ها را) و از اصول مرده زنده می سازد و زنده را به اصول مرده بر می گرداند ، این است خدای شما ، چرا خود را به ضلالت می كشانید؟ *

* این آیه شریفه و نظایر آن دلالت می كند كه حیات و حرکت در اثر ترکیب اصول اولیه با یكدیگر است. اگر اصول اولیه یعنی ماده و روح، حیات و حرکت ذاتی داشته باشند خروج میت از حی و یا برگشت حیات به موت درست نیست. اگر حیات بدن از روح است و روح،

خودبه خود پیش از ورود به بدن حیات است، خروج از موت به حیات درست نیست بلکه خروج از حیات به حیات است. به طور کلی تمامی آثار در اجسام طبیعت اثر ترکیبی است یعنی مبادی آفرینش که روح و جسم است به تنهایی فاقد اثرند و بعد از ترکیب با یکدیگر چنین آثاری پیدا می‌شود. نور خودبه خود روشنایی نیست مگر که با ماده ترکیب شود. روح هم خودبه خود حیات نیست مگر که با بدن ترکیب شود. اگر انسان روح تنها یا بدن تنها باشد و هر یک از این‌ها حیات و حرکت ذاتی داشته باشند حالت موت و حیات بر انسان عارض نمی‌شود پس معلوم می‌شود موت و حیات اثر ترکیبی این دو اصل است که وقتی با هم هستند، زنده‌اند و اگر جدا شوند، مرده‌اند.

﴿۹۶﴾ **فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ** صبح روشن را از فضای تاریک و علم را از جهل ظاهر می‌سازد، شب را برای آرامش و روز را برای معاش به وجود می‌آورد، ماه و خورشید و مظاهر حق را به حساب دقیق می‌گرداند، این است هندسه خلقت و تربیت خداوند غالب و توانا

﴿۹۷﴾ **وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ اللَّيْلِ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ** او کسی است که ستارگان فضا و یا عوامل هدایت را آفرید تا در تاریکی صحرا و دریا و تاریکی جهل به وسیله آن‌ها هدایت شوید، آیات قدرت و مظاهر علم را جدا جدا برای مردم روشن ساخته‌ایم

﴿۹۸﴾ **وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ** او کسی است که شما انسان‌ها را از یک طینت آفرید، پس از آن در مسیر ایمان به خدا بعضی استقرار یافتند و بعضی ناپایدار شدند، ما آیات و حقایق را برای کسانی که عمیق فکر می‌کنند، روشن ساخته‌ایم

﴿۹۹﴾ وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنَ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِّنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَبِهٍ ۗ أَنْظِرُوا إِلَىٰ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكُمْ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

و او کسی است که با ریزش باران از آسمان این همه نباتات و زراعت‌های سبز و خرم آفرید و این همه حبوبات با ترکیبات مختلف و از طلیعه درخت خرما خوشه‌ها با ثمرات نزدیک و باغ‌ها از انگور و انار و زیتون و میوه‌های شبیه و غیر شبیه به یکدیگر ایجاد کرد ، در بارش باران و پیدایش ثمرات فکر کنید (بارش باران علم و فضیلت از شجره وجود انسان به همین کیفیت)، همه این‌ها برای اهل ایمان آیت الهی است

﴿۱۰۰﴾ وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ ۗ وَخَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَبَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۗ سُبْحٰنَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُصِفُونَ

از طایفه جن، برای خدا شریک تراشیده‌اند با اینکه آن‌ها مخلوق خدا هستند و باز به جهل خود برای خدا پسر و دختر تراشیده‌اند، خدا منزّه و برتر و بالاتر است از این وصف و تعریف‌ها که نموده‌اند

﴿۱۰۱﴾ ۗ بَدِيعُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۗ اَنۡىٰ يَكُوۡنُ لَهُ وَاَلَدٌ ۗ وَلَمۡ تَكُنۡ لَهُۥ صٰحِبَةً ۗ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ ۗ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيۡمٌ

او بدون نقشه و بدون نمونه قبلی آسمان‌ها و زمین را آفرید ، کجا مناسب اوست که همسر و فرزندی داشته باشد؟ ، هرچه هست آفریده و به همه چیز داناست

﴿۱۰۲﴾ ۗ ذٰلِكُمۡ اللّٰهُ رَبُّكُمۡ ۗ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ۗ خَلِقُ كُلَّ شَيْءٍ ۗ فَاَعْبُدُوۡهُ ۗ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيْلٌ

این است پروردگار شما ، به جز او خدایی نیست ، هرچه هست او آفریده، او را عبادت کنید ، او وکیل تمامی موجودات است

﴿۱۰۳﴾ لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَرَ ۖ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ چشم‌ها و بصیرت‌ها او را فرا نمی‌گیرد، بلکه او بصیرت‌ها را فرا می‌گیرد، بی‌نهایت لطیف و آگاه است

﴿۱۰۴﴾ قَدْ جَاءَكُمْ بِصَآئِرٍ مِّن رَّبِّكُمْ ۖ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا ۚ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ به وسیله پیامبر این‌همه برنامه دانش و بینش در اختیار شما قرار گرفته است، هر کس دانش و بینش پیدا کند به نفع اوست و هر کس عقل و بصیرت را رها کند، خود را به خطر انداخته است، رسول خدا نگهبان شما نیست

﴿۱۰۵﴾ وَكَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِيُقُولُوا دَرَسْتَ وَلِنُبَيِّنَهُ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ما قرآن را با توضیح و تفصیل بر تو نازل کردیم تا بدانند همه از جانب خداوند است و از خدا آموخته‌ای تا حقیقت را برای دانشجویان روشن کنیم

﴿۱۰۶﴾ أَتَّبِعُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ ۖ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۖ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ از آنچه به تو وحی می‌شود، پیروی کن که خدایی به جز او نیست، از مشرکین اعراض کن

﴿۱۰۷﴾ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا ۚ وَمَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا ۚ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ اگر خدا بخواهد مانع شرک آن‌ها می‌شود (مهلت دارند تا شرک را بفهمند)، تو مأمور محافظ و وکیل مدافع آن‌ها نیستی

﴿۱۰۸﴾ وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ ۚ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ ۚ كَذَلِكَ زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ ۖ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ به خدای مشرکین و عقاید آن‌ها توهین نکنید که آن‌ها هم روی جهالت به خدا توهین می‌کنند، ما اعمال و عقاید هر طایفه‌ای را در نظرشان جلوه داده‌ایم (مبادا از حرکت بازمانند).

مرجع همه آنها خداست و آنها را از عقایدشان آگاه می کند *

* یکی از مسائل تقدیری خدا این است که می فرماید: ما دین و عقیده هر کسی را در نظرش جلوه می دهیم تا ثبات قدم برای آنها پیدا شود. اینجا سؤال می شود که چرا خداوند دین باطل را در نظر اهل باطل جلوه می دهد تا از راه باطل به جهنم کشیده شوند. جواب این است که انسان بدون هدف از حرکت باز می ماند و انسان بی حرکت مرده است. حرکت در راه باطل انسان را با خطرات روبه رو می کند و این خطرات او را مجبور می کند به راه حق برگردد. آیه ۱۱۲ دلالت دارد که جن و انس هر دو از نوع بشرند که دشمن پیامبران اند.

﴿۱۰۹﴾ وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِن جَاءَتْهُمْ آيَةٌ لِّيُؤْمِنُوا بِهَا قُلْ إِنَّمَا الْآيَةُ

عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُشْعِرُكُمْ أَنَّهَا إِذَا جَاءَتْ لَا يُؤْمِنُونَ قسم های مؤکد می خورند که

اگر معجزه ای بیاوری ایمان می آورند، بگو: آیات و معجزات همه به امر خداست، چه می دانند که اگر معجزه هم بیاوری ایمان نمی آورند

﴿۱۱۰﴾ وَنُقَلِّبُ أَفْئِدَتَهُمْ وَأَبْصَرَهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ أَوْلَٰ مَرَّةٍ وَنَذَرُهُمْ فِي

طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ بینایی و دانایی آنها را در تحول و انقلاب قرار می دهیم تا

حقیقتی را که در اولین مرتبه رها کردند، دریابند و ما در مقدمه، آنها را در حال طغیان، کورکورانه رها می کنیم

(جزء ۸) ﴿۱۱۱﴾ ﴿۱۱۱﴾ وَلَوْ أَنَّا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلَكَةَ وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتَىٰ وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ

شَيْءٍ قَبْلًا مَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ اگر هم

فرشتگان را بر آنها نازل کنیم یا مردگان با آنها سخن بگویند یا همه چیز با آنها

روبه رو شوند، باز هم ایمان نمی آورند مگر که خدا بخواهد، ولی بسیاری از مردم جاهل

به حقیقت هستند

﴿۱۱۲﴾ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيْطَانِ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرَفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ

برابر هر پیامبری دشمنانی از جن و انس قرار گرفتند، همه آنها با یکدیگر علیه آن پیامبر تبلیغ می‌کنند، خدا اگر بخواهد مانع کارشکنی آنها می‌شود، آنها را رها کن تا ثمره کذب و دروغ خود را ببینند

﴿۱۱۳﴾ وَلِتَصْغَىٰ إِلَيْهِ أَفْئِدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَلِيَرْضَوْهُ وَلِيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُّقْتَرِفُونَ

ما اهل کفر و گناه را در راه هدف‌های دنیایی آنها مجهز می‌کنیم تا کسانی که ایمان به خدا و آخرت ندارند، بی‌هدف نباشند، جذب سازمان آنها شوند و در آن راه مجهز شده و بعد به گمراهی خود واقف شوند

﴿۱۱۴﴾ أَفَغَيْرَ اللَّهِ أَبْتغِي حَكَمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا وَالَّذِينَ آتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِّن رَّبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ

بگو: آیا به جز خدا حکومتی اختیار کنم با اینکه خدا چنین کتابی با شرح و تفصیل نازل کرده، هر کس از کتب آسمانی بهره‌ای داشته باشد می‌داند که قرآن حق است از جانب خداست، مبادا در حقانیت دین خود شک داشته باشی

﴿۱۱۵﴾ وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

کتاب ناطق و صامت خدا در بیان حقایق و عدالت اجتماعی کامل است، قابل تغییر نیست، خداوند شنوا و داناست *

* این آیه شریفه جامع‌ترین آیاتی است که کمال مطلق دو کتاب ناطق و صامت را تأیید می‌کند. قرآن یک کتاب نامتناهی است که تا ابد علم و دانش در اختیار انسان می‌گذارد و هرگز کهنه نمی‌شود. هر کتابی در مسیر تکامل علم دانسته شده و کهنه می‌شود و یکی دو سال

دانشجو را اداره می‌کند. به جز قرآن که تا ابد کتاب روز است، انسان هرگز از قرآن جلو نمی‌افتد و برابر آن هم نمی‌شود. قرآن صامت همین قرآن است و قرآن ناطق ائمه اطهارند. صِدْقًا وَ عَدْلًا یعنی این قرآن و ائمه در بیان حقایق و احکام و اخلاق عدالت اجتماعی تمام و کامل‌اند.

﴿۱۱۶﴾ **وَإِنْ تُطِعْ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ**

اگر از اکثریت مردم اطاعت کنی، تو را از راه خدا منحرف می‌کنند، آن‌ها اسیر ظن و گمان خود هستند، به حدس و تخمین کار می‌کنند

﴿۱۱۷﴾ **إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ مَنْ يَضِلُّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ**

خودش گمراهان را بهتر می‌شناسد و به هدایت یافتگان داناتر است

﴿۱۱۸﴾ **فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ**

اگر به آیات خدا و حجت‌های او ایمان دارید از هر چیزی به نام خدا استفاده کنید

﴿۱۱۹﴾ **وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ وَإِنَّ كَثِيرًا لَيُضِلُّونَ بِأَهْوَائِهِمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ رَبَّكَ**

هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِينَ

چرا از نعمت‌های خدا به نام خدا استفاده نمی‌کنید؟ ، خدا

آنچه حرام است مفصلاً بیان کرده است مگر که محتاج شوید که از حرام استفاده کنید

، بسیاری از مردم با هوی و هوس خود دیگران را گمراه می‌کنند ، خداوند تجاوزگران

را بهتر می‌شناسد

﴿۱۲۰﴾ **وَذَرُوا ظَهَرَ الْإِثْمِ وَبَاطِنَهُ إِنَّ الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الْإِثْمَ سَيُجْزَوْنَ بِمَا كَانُوا**

يَقْتَرِفُونَ گناه را چه ظاهری و چه باطنی ترک کنید ، کسانی که به گناه مشغول‌اند

عاقبت به نتیجه گناه مجازات می شوند

﴿۱۲۱﴾ وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ وَإِنَّ الشَّيْطَانَ لِيُوحِيَ إِلَىٰ أَوْلِيَآئِهِمْ لِيُجَدِّلُوكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ

نام خدا نیست، استفاده نکنید که فسق و گناه است، شما را به دایره شرک می کشاند، شیاطین به یکدیگر سفارش می کنند تا با شما مجادله کنند (که چه عیبی دارد سفره علی (ع) و معاویه یکی است)، اگر از آنها اطاعت کنید، به کفر و گناه کشیده می شوید

﴿۱۲۲﴾ أَوْ مَنْ كَانَ مِيتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِّنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

مگر کسی که مرده بود ما او را به روح ایمان و تقوا زنده نمودیم تا بتواند عالمانه و عادلانه زندگی کند مانند کسی است که در تاریکی جهل و نادانی به سر می برد و نمی تواند به جهل خود واقف شود؟، زندگی جاهلانه کفار در نظرشان جلوه کرده است

﴿۱۲۳﴾ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكْبَرًا مُّجْرِمِيهَا لِيَمْكُرُوا فِيهَا وَمَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنْفُسِهِمْ وَمَا يَشْعُرُونَ

ما در هر شهر و دهی بزرگ ترین مجرم را به ثروت و قدرت رسانیدیم و امکانات به او دادیم تا آنچه بتواند علیه دین و اولیاء خدا فعالیت کند، زیرا نتیجه فعالیتها به خودش برمی گردد، گرچه نمی داند

﴿۱۲۴﴾ وَإِذَا جَاءَتْهُمْ آيَةٌ قَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ حَتَّىٰ نُؤْتَىٰ مِثْلَ مَا أُوتِيَ رُسُلُ اللَّهِ اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ

بِمَا كَانُوا يَمْكُرُونَ وقتی که با آیتی و معجزه های روبه رو می شوند می گویند: ایمان نمی آوریم مگر اینکه خودمان به این معجزه مجهز شویم، خدا بندگان لایق خود را بهتر

می‌شناسد که به آن‌ها رسالت دهد، به زودی مجرمین و جنایت‌کاران با مکر و سیاست خود به ذلت و عذابی سخت معذب خواهند شد

﴿۱۲۵﴾ **فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ** کسی را که خدا هدایت کند، علم و استعداد او را وسعت می‌دهد و کسی را که گمراه کند، آن‌چنان در مضیقه جهل قرار می‌گیرد که برای بیان کلمه‌ای مثل این است که با زحمت به آسمان می‌پرد، پلیدی کفر و جهل، کسانی را فرا می‌گیرد که ایمان به خدا نمی‌آورند

﴿۱۲۶﴾ **وَهَذَا صِرَاطٌ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ** این قرآن به رهبری امام معصوم (ع)، راه راست به سوی بهشت است، ما آیات کتاب خود را برای کسانی که بخواهند روشن کرده‌ایم

﴿۱۲۷﴾ **لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ** آن‌ها در شعاع ولایت خدا با عمل صالح خود، در دایره امن و سلامت قرار می‌گیرند

﴿۱۲۸﴾ **وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ جَمِيعًا يَمَعَشَرَ الْجِنِّ قَدْ اسْتَكْبَرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ وَقَالَ أَوْلِيَاؤُهُمْ مِنَ الْإِنْسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَبَلَّغْنَا أَجَلَنَا الَّذِي أَجَلْتَ لَنَا قَالَ النَّارُ مَثْوَاكُمْ خَالِدِينَ فِيهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ** روزی که همه آن‌ها را در دایره حکومت خود جمع کنیم، به جنیان خواهیم گفت که: تعداد شما از انسان‌ها بیشتر است، در اینجا اولیاء آن‌ها که انسان‌ها بوده‌اند معذرت می‌خواهند که ای خدا! ما از استعمار آن‌ها بهره‌بردیم تا اینکه مدت مقدر ما به آخر رسید،

خداوند می‌فرماید: عذر بدتر از گناه شما سودی ندارد، آخرین محصول کفر و گناه شما آتش است مگر خدا بخواد، خداوند حکیم و داناست *

* این آیه شریفه نشان می‌دهد که طایفه جن، انسان‌های ناشناخته‌اند نه اینکه نوعی غیر از انسان باشند. جن همان انسان‌های کم‌عقلی‌اند که در استثمار جباران قرار می‌گیرند و پایه‌های حکومت معاویه‌ها هستند زیرا خداوند روز قیامت اولاً به جنیان می‌گوید که: تعداد شما از انسان‌ها بیشتر است. اگر جن و انس دو نوع باشند درست نیست که مثلاً به نوع فرشته بگویند: شما از انسان‌ها بیشترید و ثانیاً از جمله (أُولِيَاءِهِمْ مِنَ الْإِنْسِ) استفاده می‌شود که این اولیاء جن جباران حاکم بر طایفه جن هستند نه اولیاء الله زیرا آن حاکمان جبار می‌گویند: ما از جنیان بهره بردیم یعنی آن‌ها را استثمار کردیم. برای اینکه ما شنیده‌ایم که پیامبران و ائمه حکومت بر جنیان دارند اما هرگز نشده که جباران بر جنیان حکومت کنند تا طبق این آیه جباران، اولیاء جن باشند. پس این اولیاء استثمارگر جن در جمله: وَقَالَ أُولِيَاءِهِمْ مِنَ الْإِنْسِ، پادشاهان و جباران حاکم بر ضعیف‌اند. همین جباران حاکم روز قیامت عذر می‌آورند و می‌گویند: رَبَّنَا اسْتَمْتَعْنَا بِعُضْوَانِ بَعْضِ الْأَنْعَامِ (انعام ۱۲۸)، یعنی ما از آن‌ها بهره بردیم و این همان معنای استثمار است که دولت‌های طاغوتی از اکثریت کم‌عقل بهره می‌برند و آن‌ها را به جنگ اولیاء خدا می‌فرستند. معاویه در یک جدالی که با طرماح عدی بن حاتم دارد می‌گوید: به علی امام خود بگو که: من سیصد هزار آدم‌هایی را برای جنگ آماده کرده‌ام که شتر نر و ماده را از هم تشخیص نمی‌دهند چه برسد علی و معاویه را بشناسند. پس این سیصد هزار نفر جنیان هستند که در استثمار معاویه‌ها هستند. بدویان و وحشیانی هم که این ممالک را در استعمار امریکا و انگلیس قرار داده‌اند، جن‌اند. در احادیث معاملات حلال و حرام در کتاب وسائل است که سائل از امام (ع) می‌پرسد که اگر ما میان این بیابانی‌ها و روستایی‌ها برویم اجناس و امتعه آن‌ها را خریداری کنیم چطور است. امام (ع) می‌فرماید: درست نیست (إِنَّهُمْ جِنٌّ كَشَفَ عَنْهُمْ الْغِطَاءَ) در تعریف تسخیر جن به دست سلیمان دارد که إِنَّ الْجِنَّ وَالشَّيَاطِينَ غُلِظُوا لِسُلَيْمَانَ ابْنِ دَاوُدَ. برای اینکه سلیمان آدم‌های وحشی بیابانی را شهرنشین کرد و از آن‌ها کار کشید. از همین احادیث استفاده شده است که یکی از معاملات مکروه تلقی الرکبان است که به استقبال بدوی‌ها بروند

و اجناس آنها را از گوشت و لبنیات خریداری کنند که آنها از قیمت روز بی‌خبرند، خدا شما بی‌خبران را هدایت کند. اگر جن یک طایفه متباین با انس باشد درست نیست که پیامبر انسان‌ها پیامبر آنها باشد زیرا دو نوع متباین قابل تماس نیستند. خدا باید هر پیامبری را به زبان قوم خودش مأمور کند. اگر فرشته‌ای را به رسالت مأمور کند، لباس انسان به او می‌پوشاند. پس بهتر این است که افسانه‌ها را رها کنیم و در پی حقیقت باشیم. آن کدام جنیانند که این همه شهرت دارند و پیامبری از آنها مبعوث نشده. پادشاهان بر آنها حکومت می‌کنند و ما انسان‌ها یک نفر از آنها را ندیده‌ایم. آن جنیان که برای سلیمان بنایی و غواصی می‌کردند چه کسانی بودند که تهمورث دیوبند آنها را به خط اطاعت کشید و رستم هم با دیوان مازندران جنگید. پس انسان‌های وحشی که نمود اجتماعی ندارند، جن هستند که در جامعه مستورند. در آیه ۱۳۰ خداوند دو گروه جن و انس را خطاب قرار می‌دهد که: ای گروه جن و انس! پیامبرانی از خودتان به طرف شما رسالت دادیم تا شما را آموزش دهند. معلوم است که پیامبران از طایفه انس هستند نه از جن. از اینجا معلوم می‌شود که جن و انس یک نوع اند که پیامبرشان انسان است.

﴿۱۲۹﴾ وَكَذَلِكَ نُؤَلِّي بَعْضَ الظَّالِمِينَ بَعْضًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ما به این کیفیت از طریق عمل کفر و گناه اکثریت جاهل را در حاکمیت اقلیت ظالم قرار می‌دهیم (طبیعت جهل و گناه، حاکمیت ظالم است)

﴿۱۳۰﴾ يَمَعَشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَىٰ أَنْفُسِنَا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ ای گروه جن و انس! مگر از خود شما پیامبرانی نیامدند که آیات دعوت ما را با تفصیل برای شما بازگو کنند و از چنین روزی شما را بر حذر دارند؟، می‌گویند: آری، به محکومیت خود گواهی می‌دهیم، زندگی دنیا آنها را گول زد و علیه خود گواهی دادند که کافر بوده‌اند

﴿۱۳۱﴾ ذَلِكَ أَنْ لَمْ يَكُنْ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا غَافِلُونَ

اینکه خداوند متعال هیچ وقت شهر و دهی را در حال غفلت به هلاکت نمی کشاند

﴿۱۳۲﴾ وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِّمَّا عَمِلُوا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ

هر یک از آن‌ها از مسیر اعمالی که دارند به درجاتی نایل می‌شوند، پروردگار تو از اعمال آن‌ها غافل نیست

﴿۱۳۳﴾ وَرَبُّكَ الْغَنِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ إِنْ يَشَأْ يُدْهِبْكُمْ وَيَسْتَخْلِفْ مِنْ بَعْدِكُمْ مَا يَشَاءُ

کَمَا أَنْشَأَكُمْ مِنْ ذُرِّيَّةٍ قَوْمٍ آخَرِينَ

پروردگار تو بی‌نیاز و منشأ رحمت و برکت است، اگر بخواهد مردم زمان را می‌برد و دیگران را به جای آن‌ها می‌آورد، همان‌طور که شما را از نسل دیگران به وجود آورد

﴿۱۳۴﴾ إِنَّ مَا تُوعَدُونَ لَآتٍ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ

آنچه به شما وعده می‌دهند آمدنی است، نمی‌توانید خدا را از اراده خود باز دارید

﴿۱۳۵﴾ قُلْ يَقَوْمِ أَعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ تَكُونُ لَهُوَ

عَقِبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ

بگو: ای مردم! شما در راه و روش خود فعالیت کنید من هم به راه و روش خود، خواهید دانست عاقبت زندگی به نفع کیست، روشن است که ظالم رستگار نمی‌شود

﴿۱۳۶﴾ وَجَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْأَنْعَامِ نَصِيبًا فَقَالُوا هَذَا لِلَّهِ بِرِزْقِهِمْ

وَهَذَا لِشُرَكَائِنَا فَمَا كَانَ لِشُرَكَائِهِمْ فَلَا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ وَمَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلَى شُرَكَائِهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ

عرب‌های جاهل از محصول زراعت و چهارپایان خود سهمی برای خدا معین کردند، به عقیده خود می‌گفتند: این سهم برای خدا و این برای

بت‌ها و بعد سهم بت‌ها را در راه خدا مصرف نمی‌کردند و سهم خدا را برای بت‌ها مصرف می‌کردند، چه بد حکومت کردند که ضعفا را استثمار می‌کردند

﴿۱۳۷﴾ **وَكَذَلِكَ زَيْنَ لِكَثِيرٍ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ أَوْلَادِهِمُ شُرَكَائُهُمْ لِيُرَدُّوهُمْ وَلِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ** به این کیفیت رؤسای مشرکین قتل اولاد پیروان خود را در نظر آن‌ها جلوه دادند تا آن‌ها را در خواری و ذلت نگهدارند و خرافات را در لباس دین جلوه دهند، اگر خدا می‌خواست مانع این کار می‌شد لیکن بهتر دانست که آن‌ها را در این خرافات آزاد بگذارد (تا شعور پیدا کنند)

﴿۱۳۸﴾ **وَقَالُوا هَذِهِ أَنْعَمٌ وَحَرْتُ حِجْرًا لَا يَطْعَمُهَا إِلَّا مَن نَّشَاءُ بِزَعْمِهِمْ وَأَنْعَمٌ حُرِّمَتْ ظُهُورُهَا وَأَنْعَمٌ لَا يَذْكُرُونَ أَسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا افْتِرَاءً عَلَيْهِ سَيَجْزِيهِم بِمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ** و ترویج می‌کردند که این زراعت‌ها و چهارپایان ممنوع‌التصرفند، طبق عقیده آن‌ها باید به اجازه ما رؤسا مصرف شود و باز چهارپایان دیگر را به نام خدا ذبح نمی‌کردند تا برای ضعفا حرمت دینی پیدا کند، سواری قسمت دیگری از چهارپایان را تحریم می‌کردند، خداوند به نتایج این دروغ بستن‌ها آن‌ها را مجازات خواهد کرد

﴿۱۳۹﴾ **وَقَالُوا مَا فِي بُطُونِ هَذِهِ الْأَنْعَمِ خَالِصَةٌ لِّذُكُورِنَا وَمُحَرَّمٌ عَلَىٰ أَزْوَاجِنَا وَإِن يَكُن مِّتَّةً فَهُمْ فِيهِ شُرَكَاءُ سَيَجْزِيهِمْ وَصْفَهُمْ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ** و جای دیگر می‌گفتند: بچه شکم این چهارپایان مخصوص پسران ماست و بر دختران و زنان حرام است و اگر مرده متولد شود، زن و مرد در آن شریکند، به زودی نتیجه این خرافات را خواهند چشید، خدا حکیم و داناست

﴿۱۴۰﴾ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ
 أَفْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ چقدر ضرر کردند کسانی که روی
 جهالت فرزندان خود را به ناحق کشتند و با دروغ بستن به خدا روزی خدا را بر خود
 حرام نمودند ، آن‌ها گمراه شده بودند، هدایت نیافته بودند

﴿۱۴۱﴾ وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَغَيْرِ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ
 مُخْتَلِفًا أَكْلُهُمُ وَالزَّيْتُونَ وَالرَّمَانَ مِثْلَهَا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ
 وَعَاتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ خدا کسی است
 که این‌همه باغ‌های انبوه و غیر انبوه آفرید ، درخت خرما و زیتون، زراعت‌ها و
 خوراکی‌های مختلف و انار شبیه و غیر شبیه از این میوه‌ها ، وقتی که پخته می‌شود
 استفاده کنید و روز چیدن، حق فقرا را بدهید ، نعمت خدا را اسراف نکنید ، خداوند
 اسراف‌گران را دوست نمی‌دارد

﴿۱۴۲﴾ وَمِنَ الْأَنْعَامِ حَمُولَةً وَفَرْشًا كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوتِ
 الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ از چهارپایان دوگروه برای باربری و سواری
 آفرید از روزی‌های خدا استفاده کنید، از شیطان پیروی ننمایید که عداوت او روشن
 است

﴿۱۴۳﴾ تَمَنِّيَةَ أَزْوَاجٍ مِّنَ الضَّأْنِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعَزِ اثْنَيْنِ قُلْ ءَالِدَاكَرَيْنِ حَرَّمَ
 أَمَّا الْاُنثَيَيْنِ أَمَا أَشْتَمَلْتُ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْاُنثَيَيْنِ نَبُونِي بَعْلِمِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ
 هشت جفت از حیوانات حلال گوشت به شما معرفی می‌شود ، میش یک جفت نر و
 ماده، بز یک جفت نر و ماده ، بگو: خدا نرها را حرام نموده یا ماده‌ها یا بچه ماده‌ها را؟
 ، اگر راست می‌گویید، عالمانه بگویید

﴿۱۴۴﴾ وَمِنَ الْإِبِلِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ قُلْ ءَالَّذِينَ حَرَّمَ أَمْ الْأُنثِيَيْنِ أَمْ
 أَشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنثِيَيْنِ أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ وَصَّيْتُمْ بِاللَّهِ بِهَذَا فَمَنْ أَظْلَمُ
 مِمَّنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا لِيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ
 الظَّالِمِينَ از شترها یک جفت نر و ماده، گاوها یک جفت نر و ماده، بگو: کدام یک
 از این حیوانات را حرام نموده، نرها را یا مادهها را یا بچه شکم مادهها را؟، شما
 عربهای جاهلیت کجا بودید که خداوند شما را به این حلال و حرامها وصیت کند،
 چه کسی ظالم تر است از کسی که با طرح بدعتها دروغ به خدا می‌بندد تا بدون علم
 مردم را گمراه کند؟، خداوند ظالم را هدایت نمی‌کند

﴿۱۴۵﴾ قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً
 أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أُهْلًا لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنْ
 اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ به مردم بگو: از آیات و احکامی
 که به من وحی شده خوراکی را نمی‌بینم که حرام کرده باشد مگر که مردار یا خون یا
 گوشت خوک باشد، این محرمات شما را پلید می‌کند یا به فسق و گناه می‌کشاند،
 خوراکی است که غیر خدا را به نمایش می‌گذارد، اگر کسی بدون طمع و تجاوز به
 اضطرار از آنها استفاده کند، مانعی ندارد، خداوند آمرزنده و مهربان است

﴿۱۴۶﴾ وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا كُلَّ ذِي ظُفْرٍ وَمِنَ الْبَقَرِ وَالْغَنَمِ حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ
 شُحُومَهُمَا إِلَّا مَا حَمَلَتْ ظُهُورُهُمَا أَوْ الْحَوَايَا أَوْ مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ
 بِبَغْيِهِمْ وَإِنَّا لَصَدِيقُونَ هر حیوانی که پنجه و ناخن داشته باشد بر یهودیان حرام
 کردیم، پیه شکم گاو و گوسفند را هم بر آنها حرام کردیم مگر چربی‌های داخل پشت
 و اطراف آن و مخلوط با استخوان، تحریم پیه شکم کیفر حرص و تجاوز آنها بود و الا

ما خلاف حقیقت نمی گویم که تحریم طیبات باشد

﴿۱۴۷﴾ **فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ** اگر تو را تکذیب کردند، بگو: لطف و رحمت پروردگار شما فراگیر است، غضب او از مجرم و گناه کار برگشت ندارد

﴿۱۴۸﴾ **سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ حَتَّىٰ ذَاقُوا بِأَسْنَانِهِمْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ** مشرکین بهانه می آورند که اگر خدا می خواست ما و اجداد ما مشرک نمی شدیم و چیزی را خلاف مشیت خدا تحریم نمی کردیم ، پیشینیان آن ها هم چنین بهانه ها آوردند و عاقبت عذاب ما را چشیدند ، بگو: اگر دلیل بر این مدعا دارید، بیاورید ، شما از شک و گمان خود پیروی می کنید ، این طور حدس می زنید

﴿۱۴۹﴾ **قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَلِيغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَيْكُمْ أَجْمَعِينَ** خدا حجت های بالغه دارد، اگر بخواهد همه را هدایت می کند (ولیکن آزاد می گذارد تا همه را بیازماید)

﴿۱۵۰﴾ **قُلْ هَلَمْ شُهَدَاءَكُمْ الَّذِينَ يَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ هَذَا فَإِنْ شَهِدُوا فَلَا تَشْهَدُ مَعَهُمْ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَهُمْ بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ** به این بدعت گذاران بگو: گواهانی که گواهی می دهند خداوند چنین محرماتی دارد، بیاورید ، اگر هم گواهی دادند، قبول نکن که دروغ می گویند ، از هوی و هوس کسانی که آیات ما را تکذیب می کنند و ایمان به آخرت ندارند، پیروی نکن ، آن ها برای خدا شریک و عدیل می تراشند

﴿۱۵۱﴾ قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ عَلَيْكُمْ ۖ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا ۖ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا ۖ وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ ۖ أُولَٰئِكَ مِنْ إِمْلَاقٍ ۖ تَحْنُ نَرِزُقُكُمْ ۖ وَإِيَّاهُمْ ۖ وَلَا تَقْرُبُوا أَلْفَاحِشَ ۖ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطْنٌ ۖ وَلَا تَقْتُلُوا أَلنَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ ۖ إِلَّا بِالْحَقِّ ۖ ذَٰلِكُمْ وَصَّيْتُكُمْ بِهِ ۖ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

بگو: بیاید آنچه پروردگار برایتان حرام کرده بیان کنم، اول اینکه شرک به خدا نیاورید، به پدر و مادر احسان کنید، اولاد خود را از ترس روزی نکشید، روزی شما و آنها به دست خداست، به فحشاء و منکر آشکارا یا مخفیانه نزدیک نشوید، کسی را که خدا به او حق حیات داده، نکشید، این دستورات سفارش پروردگار شماست شاید به عقل خود دریابید

﴿۱۵۲﴾ وَلَا تَقْرُبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ ۖ وَأَوْفُوا بِالْكَيلِ ۖ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ ۖ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا ۖ وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا ۖ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ ۖ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ۖ ذَٰلِكُمْ وَصَّيْتُكُمْ بِهِ ۖ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

به مال یتیم جز به کیفیتی که بهتر است نزدیک نشوید تا زمانی که به رشد کافی برسد، به کیل و ترازوی خود وفا کنید، خدا کسی را جز برابر استعداد مکلف نمی کند، عادلانه قضاوت کنید گرچه خویشاوند باشد، به عهد و پیمان وفا کنید، خداوند شما را چنین سفارش می کند شاید حقیقت را درک کنید

﴿۱۵۳﴾ وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ ۖ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ ۖ ذَٰلِكُمْ وَصَّيْتُكُمْ بِهِ ۖ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

راه قرآن به هدایت حجت خدا راه راست است و شما را بدون زحمت به سعادت می رساند، از آن پیروی کنید و به راههای دیگر نروید که شما را در برهوت جهل متفرق نموده از دین خدا جدا می کند، خدا شما را به این دستورات وصیت می کند شاید تقوا پیدا کنید

﴿۱۵۴﴾ ثُمَّ ءَاتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ وَتَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْءٍ

وَهُدًى وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ به موسی هم کتابی دادیم کامل به

کیفیتی هرچه بهتر با شرح و تفصیل، مایه رحمت و هدایت شاید ایمان به روز لقاء الله پیدا کند

﴿۱۵۵﴾ وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ این قرآن

هم کتابی است با برکت تا از آن پیروی کنید، تقوا پیشه نمایید، شاید لطف خدا شما را فرا گیرد

﴿۱۵۶﴾ أَنْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَنْزَلَ الْكِتَابُ عَلَى طَائِفَتَيْنِ مِنْ قَبْلِنَا وَإِنْ كُنَّا عَنْ دِرَاسَتِهِمْ

لَغَافِلِينَ یا نگویید: کتاب خدا مخصوص دو طایفه اهل کتاب است و ما از درس و هدایت آن محرومیم

﴿۱۵۷﴾ أَوْ تَقُولُوا لَوْ أَنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لَكُنَّا أَهْدَى مِنْهُمْ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ

مِّن رَّبِّكُمْ وَهَدًى وَرَحْمَةٌ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَّبَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَصَدَفَ عَنْهَا سَنَجْزِي الَّذِينَ يَصْدِفُونَ عَنْ آيَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يَصْدِفُونَ یا نگویید:

اگر کتاب خدا بر ما نازل می شد از آنها بهتر هدایت می شدیم، بینه و برهان از جانب خدا برای شما نازل شد مایه هدایت و رحمت، چه کسی ظالم تر است از کسی که آیات خدا را تکذیب می کند، به همین زودی کسانی را که از آیات ما اعراض می کنند، به عذابی سخت معذب می کنیم که نتیجه کفر آنهاست

﴿۱۵۸﴾ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ

رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ ءَامِنْتَ مِنْ قَبْلُ

أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا قُلْ أَنْتَظِرُوا إِنََّّا مُنْتَضِرُونَ

مگر بیشتر از این انتظار می کشند که فرشتگان یا پروردگار تو نازل شوند یا بعضی از آیات پروردگار ظاهر شود ، روزی که بعضی آیات پروردگار ظاهر شود، ایمان کسی که تا آن روز ایمان نیاورده یا در ایمان خود کار خیری انجام نداده باشد سودی ندارد ، بگو: در انتظار آن روز باشید که ما هم در انتظاریم (با قیام امام زمان توبه قبول نیست) *

* این آیه همه جا به ظهور امام زمان تفسیر شده. ظهور امام مانند ظهور پیامبران و ائمه گذشته نیست که برای اتمام حجت و هدایت باشد. به طوری که مردم مانند قبل از ظهور آزاد باشند یکی اطاعت کند و دیگری معصیت و عده‌ای با آن حضرت بجنگند. امام باقر(ع) می فرماید: با طلوع شمس از مغرب و ظهور آیات که خدا که در این آیه می فرماید: يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ، تمام اهل عالم که جنگ هسته‌ای آن‌ها را به هلاکت کشانیده و از حکومت انسان بر انسان مأیوس شده‌اند داد می زنند: آمَنَّا آمَنَّا، اما آن حضرت ایمان قبل از ظهور را قبول دارد نه ایمان بعد از ظهور را. همه جا گفته‌اند: يُسَدُّ بَابَ التَّوْبَةِ عِنْدَ ظُهُورِهِ با آزادی مردم چطور ممکن است دنیا پر از عدل و داد شود. آن حضرت در کتاب نُحْفُ الْعُقُولِ در تفسیر آیه حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا می فرماید: وَلَنْ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ مِنْ مَغْرِبِهَا وَإِذَا طَلَعَتِ الشَّمْسُ مِنْ مَغْرِبِهَا آمَنَ النَّاسُ كُلُّهُمْ يَوْمَئِذٍ. فَالْيَوْمَ وَلَا تَنْفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلِ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا (انعام ۱۵۸). باید چه حادثه‌ای اتفاق بیافتد که تمام اهل عالم یک جا داد بزنند: آمَنَّا آمَنَّا و آن حضرت ایمان آن روز را قبول نکند برای اینکه آن حضرت با قدرت الهی اعجازی ظاهر می شود. توبه آن روز توبه ابوسفیانی است که اگر قبول کند هر کافر و منافقی به دولت آن حضرت راه پیدا می کند. پس کجاست معنای آيِنَ مُسْتَأْصِلُ أَهْلِ النَّيْفَاقِ وَاللَّضَلِيلِ، او فاتح ملک عظیمی است که خدا به آل ابراهیم وعده داده است که فرمود: وَأَتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا. او مجهز به ولایت تکوینی است که به محض ظهور همه چیز در تصرف اوست چنان که در تصرف خدا است. فکر می کنید با این صنایع عجیب و غریب که کفار بر زمین و آسمان مسلط شده‌اند او که يَدَاللَّهُ است با چه قدرتی ظاهر شود. منت امریکا و اسراییل را برای اسلحه بکشد یا از قدرت الهی استفاده کند.

کدام پیامبر برای موفقیت خود از قدرت مردم استفاده کرده، کسی که مرده‌ها را زنده می‌کند و به محاکمه می‌کشد به طب و طبیب چه احتیاجی دارد. او مُوعُوذُ الْأَمَمِ از ابتدای خلقت آدم تا انتهاست (بِكُمْ بَدَأَ اللَّهُ وَبِكُمْ يَخْتِمُ).

﴿۱۵۹﴾ **إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ** کسانی که در دین خدا تفرقه اندازی می‌کنند گروه گروه می‌شوند، بهره‌ای از دین تو ندارند، عاقبت کارشان با خداست، در آخرت از نتایج تفرقه‌اندازی خود آگاه می‌شوند

﴿۱۶۰﴾ **مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ** کسی که کار خیری انجام دهد، ده برابر اجر می‌برد و عامل شرّ، برابر شرّ خود مجازات می‌شود، به آن‌ها ستم نمی‌شود

﴿۱۶۱﴾ **قُلْ إِنِّي هَدَيْتِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيمًا مِثْلَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ** بگو: خدا مرا به راه راست هدایت فرموده، به دین پایدار روش ابراهیم خلیل، دین مترقی او، ابراهیم از مشرکین نبوده است

﴿۱۶۲﴾ **قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ** بگو: نماز من و روش‌ها و عبادت‌های من، موت و حیات من، همه برای خدا پروردگار عالمیان است

﴿۱۶۳﴾ **لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ** شریکی برای او نیست، من به اطاعت او مأمورم و اولین مسلمانم

﴿۱۶۴﴾ **قُلْ أَغَيْرَ اللَّهِ أَبْغِي رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ**

فِيهِ تَخْتَلِفُونَ بگو: آیا به جز خدا خدای دیگری بجویم؟، او پروردگار همه چیز است ، به حکم او هر کسی مسئول اعمال خویش است ، هیچ مسئولی بار مسئولیت دیگری را قبول نمی کند ، بازگشت همه به سوی خداست، شما را به اختلافاتان آگاه می کند

﴿۱۶۵﴾ **وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَبْلُوكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ** او شما را در زمین خلیفه خود قرار داده، بعضی از شما را بر بعضی برتری داده تا با این برتری ها شما را بیازماید و تعلیم دهد ، پروردگار سریعاً به حساب و عقاب شما می رسد و در عین حال آمرزنده و مهربان است.

آیاتها ۲۰۶

سُورَةُ الْأَعْرَافِ

المکي

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ **الْمَصِّ** الف، لام، میم، صاد *

* حروف مفرده در قرآن، ناظر به حروف خلقت در آفرینش است، کلمات تدوین در قرآن مثل کلمات تکوین در آفرینش است. همان طور که حروف تَهَجِّي مبادی الفاظ است حروف تکوین یعنی اصول خلقت هم مبادی مخلوقات است.

﴿۲﴾ **كِتَابٌ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَلَا يَكُنْ فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِّنْهُ لِتُنذِرَ بِهِ وَذِكْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ** قرآن کتابی است که بر تو نازل می شود، در تبلیغ و انذار آن حوصلهات سر نیاید، این قرآن برای مؤمنین مبدأ علم و حکمت است

﴿۳﴾ **اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَّا**

تَذَكَّرُونَ شما مردم، همه جا از کتابی که نازل می‌شود پیروی کنید، به جز قرآن و ولایت از کسی اطاعت نکنید، چقدر کم‌اند کسانی که حقیقت را درک می‌کنند

﴿۴﴾ **وَكَمْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا فَجَاءَهَا بَأْسُنَا بَيِّنًا أَوْ هُمْ قَائِلُونَ** چقدر زیاد شهر و روستا که محکوم به هلاکت شدند، عذاب ما نیمه شب یا روز بر آنها فرود آمد

﴿۵﴾ **فَمَا كَانَ دَعْوَانَهُمْ إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا إِلَّا أَنْ قَالُوا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ** وقتی که بلای ما بر آنها نازل شد، سخنی نداشتند جز اینکه گفتند: ما ظالم و گناه‌کار بودیم

﴿۶﴾ **فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ** البته مردم و پیامبران که مأمور هدایت بوده‌اند، مسئول وظایف خود خواهند بود

﴿۷﴾ **فَلَنَنْقُصَنَّ عَلَيْهِمْ بِعِلْمٍ وَمَا كُنَّا غَائِبِينَ** اعمال و نتایج آن را موبه‌مو به آنها بازگو خواهیم کرد تا بدانند که از کردار آنها غافل نبوده‌ایم

﴿۸﴾ **وَالْوِزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ** ترازوی اعمال در قیامت کلمه حق است، عمل هر کس سنگین‌وزن در آید، رستگار خواهد بود

﴿۹﴾ **وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ** و سبک‌وزن‌ها کسانی هستند که به خود خسارت زده و به رسولان ما ستم کرده‌اند

﴿۱۰﴾ **وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعِيشًا قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ** ما این‌همه امکانات در زندگی برای شما فراهم کردیم و این‌همه وسایل معاش، خیلی کم حق خدا را منظور می‌دارید

﴿۱۱﴾ وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا

إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ

شمارا از خاک آفریدیم و با علم و اخلاق صورت زیبا به شما دادیم، فرشته‌ها را امر به سجده آدم کردیم، همه فرشتگان به جز ابلیس سجده کردند *

* انسان‌های بد تسلیم اولیاء الله نمی‌شوند. تمامی این گفتگوها بین خدا و شیطان زبان حال است و الا شیاطین کجا خدا را می‌شناسند که با او حرف بزنند. وضعیت روانی و وجودی شیاطین چنین است که می‌گویند: وضعیت وجودی خدا و اولیاء خدا هم چنان است که گفته‌اند: این دو طایفه قابل حشر با یکدیگر نیستند.

﴿۱۲﴾ قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ

وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ

به او گفتیم: چه مانع شد که آدم را سجده کنی، گفت: من از او بهترم، مرا از آتش و او را از خاک آفریدی (ندانستند که شیاطین مانند آتش می‌سوزانند و پیامبران مانند خاک، گل می‌پرورانند)

﴿۱۳﴾ قَالَ فَأَهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ

الصَّغِيرِينَ

خدا به او فرمود: به سقوط گاه برو، فضای دین خدا جای تکبر نیست، از این مکتب خارج شو، خوار و ذلیل باش

﴿۱۴﴾ قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ

آن‌ها به زبان حال خواهش کردند که ما تا روز قیامت مهلت داشته باشیم (شیطنت مهلت دارد نه شیطان. سادگی انسان جاهل، عامل مهلت بود)

﴿۱۵﴾ قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ

خداوند فرمود: تو مهلت داری

﴿۱۶﴾ قَالَ فِيمَا أُغْوِيْتَنِي لِأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ

(شیطان‌ها گناه

محروریت خود را به گردن خدا انداختند و گفتند: حال که ما را اغوا نمودی ما هم کمین می کنیم و تمامی آنها را اغوا می کنیم

﴿۱۷﴾ **ثُمَّ لَا تَأْتِيَهُمْ مِّنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ** با تطمیع و تهدید از روبه‌رو و پشت سر و از چپ و راست آنها را محاصره می کنیم و نمی گذاریم تو را عبادت کند ، آنها را به گمراهی می کشانیم

﴿۱۸﴾ **قَالَ أَخْرَجْ مِنْهَا مَذْمُومًا مَّدْحُورًا لِّمَنِ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ** خداوند فرمود: از این فضای قداست خارج شوید، مذموم و مطرود باشید ، جهنم را از شما و پیروانتان پُر خواهم کرد *

* شیاطین قابل شناسایی یکی هوای نفس است و دیگری رفیق بدجنس و منظور از این ابلیس جنس شیطان است که کثرت دارند.

﴿۱۹﴾ **وَيَعَادِمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ** خدا به آدم گفت: تو و همسرت در بهشت باشید، آزادانه هر جا می خواهید بروید و هر چه می خواهید بخورید، فقط به این شجره هوای نفس نزدیک نشوید که در ظلمت واقع می شوید (هوای نفس تاریک است)

﴿۲۰﴾ **فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْءَاتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَائِكَةً أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ** شیطان آنها را وسوسه کرد تا با معصیت، صفات بد نفس اماره را آشکار سازد، گفت: به این منظور شما را از این شجره نهی کرده‌اند که در شأن فرشتگان نباشید که دائم در بهشت بمانید

﴿۲۱﴾ وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ
شیطان قسم خورد که من شما را نصیحت می کنم

﴿۲۲﴾ فَدَلَّيْنَاهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْءَاتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِن وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَيْتُهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنهَكُمَا عَن تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَأَقُل لَّكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُّبِينٌ
آن ها را به گناه مغرور کرد ، وقتی به هوای نفس نزدیک شدند، عیوب نفسانی آن ها آشکار شد، فوری خود را به صفات اهل بهشت جلوه دادند ، خدا به آن ها فرمود: مگر شما را از نزدیکی به این شجره نهی نکردم؟
نگفتم شیطان دشمن بزرگ شماست!

﴿۲۳﴾ قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ
آدم و حوا گفتند: پروردگارا! به خود ستم کردیم، اگر شعور ما را بالا نبری و رحم نکنی زیان کار هستیم

﴿۲۴﴾ قَالَ أَهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَعٌ إِلَىٰ حِينٍ
خدا فرمود: در این هبوط فکری باشید، کارتان جنگ و نزاع است ، محل زندگی شما تا آخر عمر همین زندگی دنیاست

﴿۲۵﴾ قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَفِيهَا تَمُوتُونَ وَمِنْهَا تُخْرَجُونَ
در همین زندگی متولد می شوید و بعد از همین زندگی در قیامت مبعوث می شوید (این زندگی بین تولد و مرگ کلاس درس است)

﴿۲۶﴾ يَبْنِيٰٓ عَادَمَ قَدْ أَنزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُورِي سَوْءَاتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِّنْ ءَايَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ
ای بنی آدم! برای شما

لباسی آوردم که عیب شمارا می پوشد و لباسی که زیبایی شما باشد، اما لباس تقوا که عیب اخلاقی شما را می پوشد، بهترین است ، لباس تقوا آیت بزرگ خداست شاید حقیقت را درک کنید

﴿۲۷﴾ **يَبْنِيٰٓ ءَادَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطٰنُ كَمَا اَخْرَجَ اٰبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْءَٰتِهِمَا ۗ اِنَّهٗ يَرٰنَكُمْ هُوَ وَقَبِيْلُهٗ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ ۗ اِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِيْنَ اَوْلِيَآءَ لِّلَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ** ای بنی آدم! شیاطین شمارا گول

نزنند چنان که پدر و مادر شمارا از بهشت بیرون کردند، لباس تقوا را از تن آنها کردند و عیوب آنها را آشکار نمودند ، شیاطین از سادگی شما باخبرند، شما از زرنگی آنها بی خبر ، شیاطین بر کسانی مسلط می شوند که ایمان به خدا ندارند

﴿۲۸﴾ **وَإِذَا فَعَلُوا فَحِيْشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا ءَابَآءَنَا وَٱللّٰهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنْ ٱللّٰهَ لَا يَأْمُرُ بِٱلْفَحِشَآءِ أَتَقُولُوْنَ عَلَى ٱللّٰهِ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ** کسانی که وقتی گناهی مرتکب

می شوند می گویند: پدر و مادر ما چنین بوده اند ، خدا چنین امر کرده و چنین خواسته است ، بگو: خدا امر به فحشا و منکر نمی کند چرا جاهلانه به خدا دروغ می بندید

﴿۲۹﴾ **قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوْهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوْهُ مُخْلِصِيْنَ لَهُ الدِّيْنَ ۗ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُوْدُوْنَ** بگو: پروردگار من به قسط و عدالت امر می کند و

امر می کند که در مساجد حاضر شوید ، از او خواهش و تمنا کنید، دین خود را برای او خالص نمایید ، او همان طور که شمارا آفریده دومرتبه به زندگی برمی گرداند

﴿۳۰﴾ **فَرِيْقًا هَدَىٰ وَفَرِيْقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلٰلَةُ ۗ اِنَّهُمْ اٰتَّخَذُوْا الشَّيَاطِيْنَ اَوْلِيَآءَ مِنْ دُوْنِ ٱللّٰهِ وَيَحْسَبُوْنَ اَنَّهُمْ مُّهْتَدُوْنَ** عده ای هدایت شدند و عده ای در ضلالت

ماندند، در ولایت شیاطین قرار گرفتند، خیال کردند هدایت شده‌اند

﴿۳۱﴾ **يَبْنِيْ عَادَمَ خُذُوْا زِيْنَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوْا وَاشْرَبُوْا وَلَا تُسْرِفُوْا**

إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِيْنَ ای بنی آدم! با جلال و جمال در مساجد شرکت کنید، از نعمت‌های خداوند بهره‌مند شوید و اسراف ننمایید که خدا اسراف‌گران را دوست نمی‌دارد

﴿۳۲﴾ **قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِيْنَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ**

لِلَّذِيْنَ ءَامَنُوْا فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَّوْمَ الْقِيٰمَةِ كَذٰلِكَ نَفْصَلُ الْآيٰتِ لِقَوْمٍ

يَعْلَمُوْنَ بگو: چه کسی زینت‌های مادی و معنوی خدا را بر بندگان حرام کرده

است، بگو: مالک اصلی این نعمت‌ها در دنیا مؤمنین هستند که در قیامت (قیام امام

زمان (عج) خالص در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد، ما این‌طور آیات قرآن را با تفصیل

برای دانشمندان بیان می‌کنیم *

* این آیه شریفه چنان که گفته شد قیام امام زمان (عج) را قیامت می‌داند و خبر می‌دهد که اهل

ایمان از کل ادیان با قیام آن حضرت به فرج کامل می‌رسند. مستضعفین ادیان، مؤمن‌اند. عدم

قبول اسلام به قصور آن‌ها بوده نه به تقصیر. مشمول عفو الهی واقع می‌شوند. کفار و منافقین هر

زمانی در استیصال کامل قرار می‌گیرند، نعمت‌های مادی و معنوی خالص در اختیار مؤمنین

قرار می‌گیرد که فرمود: **خَالِصَةً يَّوْمَ الْقِيٰمَةِ**، با استیصال اهل نفاق و تضلیل در دعای ندبه چه

بهره‌ای ممکن است داشته باشند. دو نوع عذاب در آیه ۳۸ گفته شده یکی عذاب اعمال بد و

دیگر عذاب پرخاش پیروان.

﴿۳۳﴾ **قُلْ اِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَالْاِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ**

الْحَقِّ وَاَنْ تُشْرِكُوْا بِاللّٰهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهٖ سُلْطٰنًا وَاَنْ تَقُوْلُوْا عَلٰی اللّٰهِ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ

بگو: پروردگار من، اعمال فحشا و منکر را چه مخفی و چه آشکار حرام فرموده است

و همچنین تجاوز را یا اطاعت از کسی و چیزی را که خدا به او حاکمیت نداده و یا دروغ و اباطیل خود را به خدا نسبت دهید

﴿۳۴﴾ **وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ**

هر امتی تا روز معینی حق حیات دارد، وقتی که مدت سر رسید ساعتی تقدیم و تأخیر ندارد

﴿۳۵﴾ **يَبْنَیْ عَادَمَ إِمًّا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي فَمَنْ أَتَقَىٰ**

وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ای فرزندان آدم! وقتی که پیامبران از شما آیات ما را تلاوت کنند، بدانید هر کس که به دستور آنها تقوا پیشه کند و اعمال خود را اصلاح نماید، در آینده خود خوفی و غم و غصه‌ای نخواهد داشت

﴿۳۶﴾ **وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا**

خَالِدُونَ کسانی که آیات ما را تکذیب می‌کنند و خود را از پیامبران برتر می‌دانند، حتماً در مسیر ورود به آتش هستند، جهنم جای ابد آنهاست *

* آخرین نتیجه عمل کفار، ظهور آتش هسته‌ای است که در حکومت امام زمان (عج الله تعالی فرجه) به خود آنها برمی‌گردد و جهنمشان می‌شود.

﴿۳۷﴾ **فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ أُولَٰئِكَ يَنَالُهُمُ**

نَصِيبُهُم مِّنَ الْكِتَابِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا يَتَوَفَّوْنَهُمْ قَالُوا أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا وَشَهِدُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ چه کسی ظالم‌تر است از کسی که به خدا دروغ ببندد یا آیات خدا را تکذیب کند؟ آنها بهره‌دنیایی خود را می‌برند تا اینکه مأمورین ما روح آنها را فرا می‌گیرند و می‌گویند: با

این پرونده شرک و کفر کجا بودید؟، می‌گویند: اختیار از دست ما خارج شد، علیه خود گواهی می‌دهند که کافر بوده‌اند

﴿۳۸﴾ قَالَ أَدْخُلُوا فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَهَا حَتَّىٰ إِذَا آدَارُكُوا فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أُخْرَبْتُمْ لِأَوْلِيائِهِمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا فَعَاتِبْتَهُمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِّنَ النَّارِ قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٍ وَلَكِنَّ لَا تَعْلَمُونَ

به آن‌ها می‌گویند: همراه برادران خائن خود وارد جهنم شوید، هر گروهی از آن‌ها که داخل می‌شوند گروه قبلی خود را نفرین می‌کنند تا در انتها که همه با هم جمع شوند، پیروان می‌گویند: پروردگارا! آن گروه اول ما را گمراه کردند، عذاب آن‌ها را دو برابر کن، به آن‌ها می‌گویند: عذاب هر یک از شما دو برابر است ولی شما نمی‌دانید

﴿۳۹﴾ وَقَالَتْ أَوْلِيائِهِمْ لِأَخْرَبْتَهُمْ فَمَا كَانَ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ فذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ گروه اول گمراه کننده به پیروان خود می‌گویند: شما از ما بهتر نبوده‌اید، نتیجه اعمال خود را بچشید (همه با هم در ساخت جهنم همکاری داشته‌اند)

﴿۴۰﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّىٰ يَلْبِغَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ کسانی که پیامبران ما را تکذیب نمودند خود را برتر از آن دیدند که اطاعت کنند، هرگز درهای رابطه با خدا و بهشت به روی آن‌ها باز نمی‌شود مگر اینکه شتر از سوراخ سوزن عبور کند، مجرم چنین مجازات می‌شود *

* دین خدا و اطاعت انبیاء مانند سوراخ سوزن است و کفار متکبر مانند شتر مست که ورود آن‌ها به این راه ممکن نیست.

﴿۴۱﴾ لَهُمْ مِّنْ جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِنْ فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ مهد

تربیت آن‌ها جهنم سازی است، از طرف اولیاء خود به جهنم کشیده می‌شوند ، پاداش قهری و طبیعی ظالم همین است

﴿۴۲﴾ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ و اما آن‌ها که اهل ایمان و عمل صالح‌اند (ما جز برابر استعداد، کسی را مکلف نمی‌کنیم) ، آن‌ها تا ابد در زندگی بهشتی خواهند بود

﴿۴۳﴾ وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِّنْ غَلِيٍّ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَنُودُوا أَنْ تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ما صفات بد غیر انسانی را از وجود آن‌ها می‌زداییم، مجهز به قدرت‌هایی می‌شوند که از آن، نهر نعمت و لذت جریان پیدا می‌کند ، می‌گویند: الحمد لله که خدا ما را به این زندگی بهشتی هدایت کرد، اگر خدا ما را هدایت نمی‌کرد هرگز هدایت نمی‌شدیم، پیامبران ما به حق مبعوث شدند ، در اینجا فرشتگان می‌گویند: مرحبا به شما با عمل صالح خود وارث بهشت شده‌اید

﴿۴۴﴾ وَنَادَىٰ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَنْ قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُوا نَعَمْ فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ اهل بهشت اهل آتش را صدا می‌زنند که: ما وعده خدا را به حق یافتیم، آیا شما هم وعده خدا را به حق دریافت کردید؟ ، می‌گویند: آری ، در اینجا اعلام می‌شود که: لعنت حق بر ستم‌کاران

﴿۴۵﴾ الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ

همان‌ها که مردم را از راه خدا بازداشتند، دین خدا را غلط می‌دانستند و کافر به زندگی آخرت بودند

﴿۴۶﴾ وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَتِهِمْ وَنَادُوا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلِّمُوا عَلَيْنَا لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ

بین اهل بهشت و جهنم حجابی از جهل و نادانی پیداست ، طایفه‌ای در وضعی بین اهل بهشت و جهنم‌اند که هر دو گروه را در وضعیت بد و خوب خود می‌شناسند ، به اهل بهشت تبریک می‌گویند و سلام می‌دهند، امیدوار به زندگی بهشتی هستند ، اما هنوز داخل نشده‌اند

﴿۴۷﴾ وَإِذَا صُرِفَتْ أَبْصَارُهُمْ تِلْقَاءَ أَصْحَابِ النَّارِ قَالُوا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

و گاهی هم اهل جهنم را می‌بینند از خدا خواهش می‌کنند که پروردگارا! ما را با ستم کاران محشور نکن

﴿۴۸﴾ وَنَادَى أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رِجَالًا يَعْرِفُونَهُمْ بِسِيمَتِهِمْ قَالُوا مَا أَغْنَىٰ عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ

این گروه که اصحاب اعراف شناخته می‌شوند، به بعضی از جهنمی‌ها که آن‌ها را می‌شناسند، می‌گویند: آن‌همه ثروت و قدرت که داشتید کجا رفت که به حال شما سودی نبخشید

﴿۴۹﴾ أَهْوَلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمْتُمْ لَا يَنَالُهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَةٍ أَدْخُلُوا الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ

همین بهشتی‌ها بودند که شما قسم می‌خوردید که آن‌ها بدبخت هستند، خیری از خداوند به آن‌ها نمی‌رسد، رو به طرف بهشتیان صدا می‌زنند که آی بهشتی‌ها! بهشت گوارایتان باد، خوفی و غم و غصه‌ای نداشته باشید

﴿۵۰﴾ وَنَادَى أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا

رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ حَرَمَهُمَا عَلَى الْكَافِرِينَ در اینجا جهنمیان بهشتیان را صدا می‌زنند که: می‌شود قدری آب یا روزی‌های دیگری که خدا به شما داده به ما برسانید، جواب می‌دهند که: خدا این روزی‌ها را بر کفار حرام کرده است *

* تحریم آب و غذای بهشت بر اهل جهنم مانند تحریم گوشت و مرغ و برنج بر اسب و الاغ است. ذائقه دنیایی در برابر غذاهای آخرت مانند ذائقه حیوانات مقابل غذای انسان است.

﴿۵۱﴾ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَلَعِبًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَأَلْيَوْمَ نَنْسَهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا وَمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ همان‌ها که دین خود را به بازی گرفتند و زندگی دنیا آن‌ها را مغرور کرد، ما آن‌ها را فراموش کردیم، همان‌طور که آن‌ها چنین روزی را فراموش کردند و منکر آیات ما بودند *

* خداوند چیزی را فراموش نمی‌کند ولیکن اگر انسان خدا را فراموش کرد، از فیض رحمت خدا بهره نمی‌برد. مثل این است که خدا او را فراموش کرده است.

﴿۵۲﴾ وَلَقَدْ جِئْنَاهُمْ بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ عَلَىٰ عِلْمٍ هُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ما کتابی مانند قرآن توأم با علمی مفصل و روشن که برای اهل ایمان هدایت و رحمت بود، در اختیار آن‌ها قرار دادیم

﴿۵۳﴾ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلُهُ يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ رَبِّنَا بِالْحَقِّ فَهَلْ لَنَا مِنْ شُفَعَاءَ فَيَشْفَعُوا لَنَا أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلْ غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ قَدْ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ مگر بیشتر از این انتظار دارند که روزگار تأویل (حکومت قرآن) فرارسد، روزی که حکومت قرآن به وسیله امام زمان (عج) فرا رسد، ندامت و حسرت کسانی را که دین خدا را فراموش کردند فرا می‌گیرد، می‌گویند: پیامبران به حق مبعوث شدند، آیا کسی هست که از ما

شفاعت کند؟ یا اینکه به زندگی دنیا برگردیم و خلاف آنچه بودیم عمل کنیم ، آن‌ها خود را به خسارت انداخته‌اند و آن وسیله‌های خلاف حقیقت که داشته‌اند از اختیار آن‌ها خارج شده است *

* تأویل قرآن همه‌جا حکومت و حاکمیت ائمه اطهار(ع) است. رسول خدا(ص) فرمود: من برای تنزیل قرآن جنگیدم و بعد از من علی(ع) برای تأویل قرآن خواهد جنگید. جنگ برای تأویل یعنی حاکمیت حق که حق هم به جز حاکمیت ائمه قابل اجرا نیست. در این آیه شریفه و نظایر آن تأویل قرآن روز ظهور امام(ع) و حکومت او شناخته شده که همان قیامت است که کفار و منافقین به حسرت و ندامت مبتلا می‌شوند و می‌گویند: کسی هست از ما شفاعت کند؟.

﴿٥٤﴾ إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ

پروردگار شما کسی است که آسمان و زمین (و یا دوران تکامل بشریت را) در شش دوره آفرید و بعد در عرش حاکمیت بر بشر و همه کائنات قرار گرفت، شب و روز یا دوران حق و باطل را بر یکدیگر می‌پوشاند که سریعاً در پی یکدیگر هستند، خورشید و ماه و ستارگان یا دانشمندان مسخر قدرت او هستند ، آفرینندگی و فرماندهی با اوست، پروردگار عالمیان با برکت و رحمت است *

* استوای خدا بر عرش بعد از شش روز به معنای حکومت خدا بر افراد بشر است و این حکومت بعد از تکامل بشر و آمادگی آن‌ها برای ظهور امام زمان(عج) فراهم می‌شود و این خود دلیل است که منظور از خلقت آسمان و زمین در شش روز، دوران تکامل بشر از هبوط آدم تا قیام قائم است که چهار دوره آن پیش از ظهور حضرت خاتم و دو دوره از ظهور اسلام تا قیام قائم است. رشد بشر، کرسی سلطنت خدا و ائمه اطهار(ع) است. همان‌طور که جهل مایه غیبت و انزوای ائمه اطهار(ع) شده است علم و معرفت به آن‌ها مایه ظهور خواهد بود. آسمان در تأویل

قرآن ساخت افکار بشر و زمینه تربیت آنهاست. استوای خدا بر عرش یعنی حاکمیت و سلطنت او اما عرش به معنای قدرت و آفرینندگی از خدا جدا نیست که بعد از شش روز باشد علاوه پیش از تکمیل خلقت عالم روز و شبی وجود ندارد که خدا در ظرف شش روز خلق کند اما استوای بر عرش به معنای سلطنت و حاکمیت بعد از دوران زندگی دنیا پیدا می‌شود که فرمود: **مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ**.

﴿۵۵﴾ **أَدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ** مخفیانه و آشکار با خداوند در حال تضرع و خواهش و نیایش باشید که او سرکشان و متکبران را دوست نمی‌دارد

﴿۵۶﴾ **وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ** در جامعه بعد از این همه صلاح و اصلاح، مفسده به پا نکنید، در حال خوف و طمع از خدا خواهش و تمنا کنید، لطف و رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است

﴿۵۷﴾ **وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَهُ لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ** او کسی است که بادهای و یا حوادث را نمایشگر رحمت خود قرار داده، بادهای ابرها را متراکم و بارور می‌سازد (حوادث هم انسان را رشد می‌دهد) ابرها را به سرزمین‌های خشک می‌رانیم و باران را ریزش می‌دهیم، این همه خیرات و برکات از آن ظاهر می‌کنیم، مردگان را هم به همین کیفیت زنده می‌کنیم شاید با این تحولات حقیقت را دریابید

﴿۵۸﴾ **وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ وَيَادِنُ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبثَ لَا يَخْرِجُ إِلَّا نَكِدًا**

كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ در این رابطه زمین و استعداد انسان پاک ، ثمرات خود را به اذن خدا ظاهر می‌سازد ، اما زمین و زمینه‌های نامناسب با رنج فراوان ثمرات کمی دارند ، ما برای کسانی که شاکرند واقعیت‌ها را روشن می‌کنیم

﴿۵۹﴾ لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَتَّقُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ما نوح را به سوی قوم خود رسالت دادیم، او به قوم خود گفت: خدا را بپرستید که جز او خدایی نیست، می‌ترسم در اثر شرک به عذابی بزرگ معذب شوید

﴿۶۰﴾ قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرُّكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ سران قوم گفتند: ما تو را در گمراهی می‌بینیم

﴿۶۱﴾ قَالَ يَقَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ نوح گفت که: ای قوم! من گمراه نیستم، رسولی هستم از جانب پروردگار عالمیان

﴿۶۲﴾ أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ رسالت الهی را به شما ابلاغ می‌کنم و شما را نصیحت می‌کنم، من به لطف خداوند مسائلی را می‌دانم که شما نمی‌دانید

﴿۶۳﴾ أَوْعَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ مِنْكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا وَلَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ شما تعجب می‌کنید که از جانب خدا یک نفر از شما رسالت پیدا کند و به شما آگاهی دهد و از عاقبت گناه بترساند تا شما تقوا پیشه کنید، شاید لطف خدا شمارا فراگیرد

﴿۶۴﴾ فَكَذَّبُوهُ فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ فِي الْفُلِكِ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ

كَانُوا قَوْمًا عَمِينَ آن‌ها نوح را تکذیب کردند و ما او را با قومش به وسیله کشتی از طوفان نجات دادیم و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، غرق نمودیم که قومی کر و کور بودند

﴿٦٥﴾ وَإِلَىٰ عَادِ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَقَوْمِ أَعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ به سوی قوم عاد هم برادرشان هود را رسالت دادیم، او گفت: مردم! خدا را بپرستید که جز او خدایی ندارید چرا از شرک و گناه نمی ترسید

﴿٦٦﴾ قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرُّكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنُظُنُّكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ گروهی از سران قوم او که کافر بودند گفتند: تو را چنان می بینیم که عقل خود را از دست داده‌ای و یا اینکه دروغ می گویی؟

﴿٦٧﴾ قَالَ يَقَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِّنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ جواب داد که: من سفیه نیستم بلکه رسول پروردگار عالمیان هستم

﴿٦٨﴾ أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ رسالت الهی خود را به شما ابلاغ می کنم، نصیحت گرم، امین شما هستم

﴿٦٩﴾ أَوْعَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِّنْ رَبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَأَذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَزَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَصُطَةً فَأَذْكُرُوا ءَالَآءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ تعجب ندارد که فرمان خدا به مردی از شما برسد و شما را هدایت کند، یادتان باشد که شما به جای قوم نوح نشستهاید، از آن‌ها قدرت و وسعت گرفته‌اید، به یاد نعمت‌های خدا باشید شاید رستگار شوید

﴿٧٠﴾ قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَعْبُدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِن

كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ قوم گفتند: آمده‌ای که ما را وادار کنی خدای واحد را پرستیم و خدایان اجدادی خود را رها کنیم، آن وعده‌ها که از خدا می‌دهی ظاهر کن اگر راست می‌گویی؟

﴿۷۱﴾ **قَالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُمْ مِّن رَّبِّكُمْ رِجْسٌ وَغَضَبٌ أَتُجَدِلُونِي فِي أَسْمَائِي سَمِيْتُمْوهَا أَنْتُمْ وَعَابَاؤُكُمْ مَا نَزَّلَ اللَّهُ بِهَا مِن سُلْطٰنٍ فَاَنْتَظِرُوْا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِيْنَ** هود پیامبر گفت: پلیدی کفر و گناه، شما را فرا گرفته و غضب خداوند شما را احاطه نموده، به حمایت از این اسمایی که شما و پدرانتان ساخته‌اید با من بحث می‌کنید؟، این بت‌ها و بت‌سازان حجتی ندارند، منتظر کیفر الهی باشید که من هم منتظرم (زیرا نتایج کفر و ایمان حتمی است)

﴿۷۲﴾ **فَاَنْجَيْنٰهُ وَالَّذِيْنَ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَقَطَعْنَا دَابِرَ الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِآيٰتِنَا وَمَا كَانُوْا مُؤْمِنِيْنَ** ما هود و همراهان او را به لطف و رحمت خود نجات دادیم و کسانی را که ایمان نیاوردند و آیات ما را تکذیب کردند، هلاک نمودیم

﴿۷۳﴾ **وَإِلَى ثَمُوْدَ أَخَاهُمْ صٰلِحًا قَالَ يٰقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِّنْ إِلٰهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ هٰذِهِ نٰقَةٌ لِّكُمْ ءَايَةٌ فَاذْرُوْهَا تَأْكُلْ فِيْ اَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمْسُوْهَا بِسُوْءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ** و بعد به سوی قوم ثمود برادرشان صالح را رسالت دادیم، او به قوم خود گفت: خدا را پرستید که به جز او خدایی ندارید، از جانب خدا بینه و برهان به شما رسیده، این شتر خداست که به معجزه ظاهر شده، بگذارید بچرد، به شما برکت می‌دهد آن را آزار ندهید که عذاب الهی شما را احاطه می‌کند

﴿۷۴﴾ **وَإِذْ كُرُوْا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَآءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَبَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُوْنَ مِنْ**

سُوهِلَهَا قُصُورًا وَتَنْحِثُونَ الْجِبَالَ بَيْوتًا فَادْكُرُوا ءَالَآءَ اللَّهِ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ به یاد لطف خدا باشید که شما را وارث سرزمین قوم عاد نمود، امکانات به شما داد تا روی تپه‌های بلند با تراش کوه‌ها و تپه‌های نرم قصرها و خانه‌ها ساختید، نعمت‌های خدا را یادآوری کنید و زندگی سالم را به فساد نکشانید

﴿۷۵﴾ قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا لِمَنْ ءَامَنَ مِنْهُمْ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ صَلِحًا مُرْسَلٌ مِّن رَّبِّهِ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِء مُؤْمِنُونَ سران متکبر قوم به ضعفای از مؤمنین گفتند: شما عقیده دارید که صالح از جانب خدا رسالت دارد؟، گفتند: آری، ما به رسالت او ایمان داریم

﴿۷۶﴾ قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا بِالَّذِي ءَامَنْتُمْ بِهِء كَافِرُونَ مستکبرین قوم گفتند: ما به رسالت کسی که شما ایمان دارید، کافریم

﴿۷۷﴾ فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ وَقَالُوا يَصْلِحُ أَنتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ در نتیجه ناقه صالح را که آیت الهی بود کشتند و از فرمان خدا سر کشیدند، جسورانه به صالح پیامبر گفتند: عذابی که ما را با آن تهدید می‌کنی ظاهر کن اگر از پیامبرانی؟

﴿۷۸﴾ فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ عذاب الهی (رعشه و رجفه) آن‌ها را فراگرفت و به صورت جسمی بی‌جان روی زمین افتادند

﴿۷۹﴾ فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَاقَوْمٍ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَةَ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِنْ لَا تُحِبُّونَ النَّصِيحِينَ صالح از کنار آن‌ها گذشت و گفت: من رسالت الهی خود را به شما ابلاغ نمودم، شما را نصیحت کردم ولیکن شما به نصیحت‌گران اعتنا نکردید

﴿۸۰﴾ وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ

الْعَالَمِينَ و داستان لوط پیامبر که به قوم خود گفت: عمل زشتی مرتکب می شوید که سابقه ندارد

﴿۸۱﴾ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ به

جای زنان با مردان رابطه پیدا می کنید ، قومی بی حیا و اسراف گر هستید

﴿۸۲﴾ وَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوهُمْ مِّنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أَنَاسٌ

يَتَطَهَّرُونَ قوم بی حیا جوابی نداشتند جز اینکه گفتند: این خانواده را از شهرتان بیرون کنید که خلاف رأی ما در خط پاکی و طهارت فعالیت دارند

﴿۸۳﴾ فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا أُمَّرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ ما لوط و خانواده اش را

از حشر با آنها نجات دادیم مگر زنش را که در حشر و عذاب آنها گرفتار شد

﴿۸۴﴾ وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَأَنْظَرُ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ زیر باران

سنگ و خاک آنها را هلاک نمودیم ، ببینید عاقبت زندگی بدکاران به کجا می کشد؟

﴿۸۵﴾ وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يٰقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهِ غَيْرُهُ قَدْ

جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِّنْ رَبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ

وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ و

داستان قوم شعیب که او را به سوی اهل مدین رسالت دادیم ، به آنها گفت: خدا را

پرستید که جز او خدایی ندارید ، من با بینه و برهان به سوی شما آمده ام ، کیل و

میزان خود را کامل بدهید و از کالای مردم کم نکنید، زندگی مردم را بعد از اصلاح

به فساد نکشاند ، راه و روش من برای شما بهتر است اگر ایمان به خدا بیاورید

﴿۸۶﴾ وَلَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ وَتَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ مَن عَامَنَ بِهِ
وَتَبْغُونَهَا عِوَجًا وَأَذْكُرُوا إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكَفَّرْكُمْ وَأَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ
الْمُفْسِدِينَ سر راه عبور مردم ننشینید که عابرین را بترسانید یا آن‌ها را از راه
خدا باز دارید و دین خدا را به غلط تعریف کنید، به یاد نعمت خدا باشید که عده شما
کم بود خدا شما را زیاد کرد، فکر کنید سرنوشت بدکاران به کجا می‌کشد؟

(جزء ۹) ﴿۸۷﴾ وَإِن كَانَ طَآئِفَةٌ مِّنْكُمْ ءَامَنُوا بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ وَطَآئِفَةٌ لَّمْ يُؤْمِنُوا
فَأَصْبِرُوا حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ اگر طایفه‌ای از شما ایمان
آوردند و طایفه‌ای ایمان نیاوردند، صبر کنید تا خدا بین ما و آن‌ها قضاوت کند، خدا
بهترین حکم‌کنندگان است

﴿۸۸﴾ قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِن قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ يَشْعِيبُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا
مَعَكَ مِن قَرْيَتِنَا أَوْ لَتَعُودَنَّ فِي مِلَّتِنَا قَالَ أَوْلَوْ كُنَّا كَرِهِينَ گردنکشان متکبر
صدا زدند: شعیب! تو و پیروان تو را از این شهر اخراج می‌کنیم مگر اینکه به دین ما
درآید، شعیب گفت: چگونه به دین شما درآیم که آن را باطل دانسته‌ام

﴿۸۹﴾ قَدْ افترينا على الله كذبًا إن عُدنا في ملتكم بعد إذ نجاننا الله منها وما
يكون لنا أن نعود فيها إلا أن يشاء الله ربنا وسع ربنا كل شيء علمًا على الله
توكلنا ربنا أفتح بيننا وبين قومنا بالحق وأنت خير الفتحين اگر به دین شما
درآیم، به خدا دروغ بسته‌ام، بعد از آن که خدا ما را از کفر نجات داده، درست نیست
که دو مرتبه به هلاکت برگردیم مگر اینکه خدا بخواهد، علم پروردگار من محیط به
همه چیز است، ما به خدا توکل داریم، پروردگارا! بین ما و این قوم گشایشی مرحمت
فرما، تو بهترین گشایشگری

﴿۹۰﴾ وَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَئِنِ اتَّبَعْتُمْ شُعَيْبًا إِنَّكُمْ إِذًا لَخَسِرُونَ
 سران قوم پیروان شعیب را تهدید کردند که اگر شما از او پیروی کنید، ضرر خواهید کرد

﴿۹۱﴾ فَأَخَذْتَهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جِثْمِينَ
 در نتیجه عذاب رجفه آنها را فراگرفت و در شهر و دیار خود، لش مرده‌ای به زمین افتادند

﴿۹۲﴾ الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَا الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا كَانُوا هُمُ
 الْخَاسِرِينَ کسانی که شعیب را تکذیب کردند مثل اینکه از زندگی بهره نگرفتند ، کسانی که شعیب را تکذیب نمودند، ضرر کردند

﴿۹۳﴾ فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَتِي رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ
 فَكَيْفَ ءَأَسَىٰ عَلَىٰ قَوْمٍ كَافِرِينَ شعیب از روی نعلش آنها به بی‌اعتنایی گذشت و گفت: من رسالت الهی را به شما ابلاغ کردم ، شما را نصیحت کردم، چرا برای قوم کافر متأثر باشم

﴿۹۴﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ
 يَضُرَّعُونَ ما هیچ‌وقت به شهر و دیاری رسولی نفرستادیم جز اینکه آنها را در محاصره بلا و شدت قرار دادیم شاید به خدا پناهنده شوند (اما آنها تضرع ننمودند و پناهنده به خدا نشدند)

﴿۹۵﴾ ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّىٰ عَفَوْا وَقَالُوا قَدْ مَسَّ ءَابَاءَنَا الضَّرَّاءُ
 وَالسَّرَّاءُ فَأَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ بعد حال بد آنها را تبدیل به آسایش نمودیم تا اینکه آثار بلا محو شد، آنها به جای شکرگزاری خدا گفتند: دنیا همین

است، گذشتگان ما هم به این بلاها مبتلا شدند(نفع و ضرر خود را به خدا مربوط ندانستند) بعد ناگهانی آن‌ها را هلاک کردیم که نفهمیدند چه بود و چه شد *

* خداوند در تقدیر حکیمانه خود اقوام متجاوز و کافر را چند مرتبه در زندگی مبتلا می‌کند تا شاید به اطاعت خدا درآیند و پناهنده به خدا شوند. بعد که ابتلا اول تا سوم سودی نبخشید، آن‌ها را در رفاه و آسایش غرق نعمت می‌کند و ناگهانی آن‌ها را به هلاکت و آخرت می‌کشد.

﴿۹۶﴾ **وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ** اگر اهل بلاد، ایمان به خدا بیاورند و تقوا پیشه کنند ما درهای خیروبرکت را از زمین و آسمان به روی آن‌ها باز می‌کنیم ولیکن دین خدا را تکذیب نمودند، ما هم در اثر کفر و گناه آن‌ها را هلاک نمودیم

﴿۹۷﴾ **أَفَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَن يَأْتِيَهُم بَأْسُنَا بَيِّنًا وَهُمْ نَائِمُونَ** چرا اهل شهر و روستا خود را در امن و امان می‌دانند، شاید نیمه شبی در حال خواب در محاصره بلا واقع شوند

﴿۹۸﴾ **أَوْ أَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَن يَأْتِيَهُم بَأْسُنَا ضُحًى وَهُمْ يُلْعَبُونَ** یا به چه دلیل خود را در امن و امان می‌دانند که شاید نیمه شبی و یا روز در حال بازی، عذاب ما آن‌ها را فراگیرد

﴿۹۹﴾ **أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ** چرا از مکر خداوند در امن و امانند ، فقط کفار که خدا را نمی‌شناسند، خود را در امن و امان می‌دانند (ولی اهل ایمان به لطف خدا امیدوارند)

﴿۱۰۰﴾ أَوْ لَمْ يَهْدِ لِلَّذِينَ يَرِثُونَ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ أَهْلِهَا أَنْ لَوْ نَشَاءُ أَصَبْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَنَطْبَعُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ كسانی که جای گذشتگان نشسته اند خبر ندارند که اگر بخواهیم آن‌ها را به سرنوشت گذشتگان مبتلا می‌کنیم، عقل و آگاهی را از آن‌ها می‌گیریم تا نتوانند حقیقت را درک کنند

﴿۱۰۱﴾ تِلْكَ الْقُرَىٰ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِهَا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا مِنْ قَبْلُ كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الْكَافِرِينَ ما داستان گذشتگان را برای تو بازگو می‌کنیم، این همه پیامبران به سوی آن‌ها آمدند ولی آن‌ها به خدایی که قبلاً کافر شده بودند ایمان نیاوردند، خداوند این طور درهای عقل و شعور را به روی آن‌ها می‌بندد (حب دنیا جای خدا را در دل آن‌ها می‌گیرد)

﴿۱۰۲﴾ وَمَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِمْ مِنْ عَهْدٍ وَإِنْ وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ اکثر آیندگان مانند گذشتگان عهد الهی را رعایت نکردند، اکثریت فاسق و فاجر شدند

﴿۱۰۳﴾ ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِم مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَظَلَمُوا بِهَا فَأَنْظَرُ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ بعد از آن‌ها موسی را با آن همه معجزات به سوی فرعون و قوم او مأمور کردیم، آن‌ها به رسولان ما ستم کردند، ببین! عاقبت کار مفسدین به کجا کشید

﴿۱۰۴﴾ وَقَالَ مُوسَىٰ يَا فِرْعَوْنُ إِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ موسی به فرعون گفت: من رسول پروردگار عالمیان

﴿۱۰۵﴾ حَقِيقٌ عَلَىٰ أَنْ لَا أَقُولَ عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقُّ قَدْ جِئْتُكُمْ بِبَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَرْسِلْ مَعِيَ بَنِي إِسْرَائِيلَ شایسته من است که جز حقیقت به خدا نسبت ندهم، من

با بینه و برهان از جانب پروردگار آمده‌ام، بنی‌اسرائیل را از قید بردگی خود آزاد کن

﴿۱۰۶﴾ قَالَ إِنْ كُنْتَ جِئْتَ بِآيَةٍ فَأْتِ بِهَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِیْنَ فرعون گفت:

اگر راست می‌گویی، از پروردگار معجزه داری، ظاهر کن ببینم

﴿۱۰۷﴾ فَأَلْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِیْنٌ موسی عصای خود را انداخت به ناگاه

ازدهای بزرگی شد

﴿۱۰۸﴾ وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بِيضَاءُ لِلنّٰظِرِیْنَ دست خود را از یقه‌اش بیرون

کشید، چون خورشید روشنایی داد

﴿۱۰۹﴾ قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ عَلِیْمٌ سران قوم که به وحشت

افتاده بودند، گفتند: عجب ساحری است، دانا و تواناست

﴿۱۱۰﴾ یُرِیْدُ أَنْ يُخْرِجَكُم مِّنْ أَرْضِكُمْ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ می‌خواهد با سحر خود ما

را از این سرزمین اخراج کند، شورا گرفتند که تکلیف چیست؟

﴿۱۱۱﴾ قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَرْسِلْ فِي الْمَدَآئِنِ حَٰشِرِیْنَ رأی آن‌ها بر این قرار

گرفت که او را و برادرش را مهلت دهیم، دستور بده ساحرها را از همه‌جا جمع کنند

﴿۱۱۲﴾ یَأْتُوكَ بِكُلِّ سِحْرِ عَلِیْمٌ فرمان صادر کن تا تمامی ساحرهای دانا و توانا

حاضر شوند

﴿۱۱۳﴾ وَجَاءَ السّٰحِرَةُ فِرْعَوْنَ قَالُوا إِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَٰلِبِیْنَ طبق

فرمان، ساحرها حاضر شدند گفتند: اگر ما پیروز شدیم، اجر و پاداشی داریم؟

﴿۱۱۴﴾ قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ لَمِنَ الْمُقْرَبِیْنَ فرعون گفت: آری علاوه بر آن همه شما

مقرب خواهید بود

﴿۱۱۵﴾ قَالُوا يَمُوسَىٰ إِمَّا أَنْ تُلْقَىٰ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ نَحْنُ الْمُلْقِينَ

در حضور آن همه تماشاچی مسابقه شروع شد ، به موسی گفتند: تو اول هنرنمایی می کنی یا ما اول باشیم؟

﴿۱۱۶﴾ قَالَ الْقَوْمُ فَلَمَّا أَلْقَوْا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ وَأَسْتَرَهُبُهُمْ وَجَاءُوا بِسِحْرِ

عَظِيمٍ موسی گفت: شما اول باشید ، آن ها سحر خود را به نمایش گذاشتند ، آن چنان چشم مردم را سحر کردند که به خیالشان آمد که ریسمان ها و عصاها در حرکت اند، مردم ترسیدند(که ریسمان ها جان یافته اند)، سحر عظیمی به نمایش گذاشتند

﴿۱۱۷﴾ ﴿ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ

ما به موسی وحی کردیم عصای خود را بینداز، ازدهای عظیمی شد و آن همه ریسمان ها و عصاها را بلعید و به انتظار فرمان ایستاد

﴿۱۱۸﴾ ﴿ فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

حقیقت ظاهر شد و سحر آن ها باطل گردید

﴿۱۱۹﴾ ﴿ فَغُلِبُوا هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صَاغِرِينَ

شکست خوردند و به ذلت و خواری افتادند

﴿۱۲۰﴾ ﴿ وَالْقَىٰ السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ

ساحرها در برابر موسی به سجده افتادند

﴿۱۲۱﴾ ﴿ قَالُوا ءَامَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ

و گفتند: به پروردگار عالمیان ایمان آوردیم

﴿۱۲۲﴾ ﴿ رَبِّ مُوسَىٰ وَهَارُونَ

به پروردگار موسی و هارون

﴿۱۲۳﴾ قَالَ فِرْعَوْنُ ءَامَنْتُمْ بِهِ قَبْلَ أَنْ ءَاذَنَ لَكُمْ إِنَّ هَذَا لَمَكْرٌ مَّكْرَتُمُوهُ فِي الْمَدِينَةِ لِتُخْرَجُوا مِنْهَا أَهْلَهَا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ

فرعون گفت: چرا پیش از اذن و اجازه من ایمان آوردید ، معلوم شد مکر و سیاستی با هم داشته‌اید، تصمیم دارید کودتا کنید، اهل شهر را اخراج نمایید و حکومت کنید ، خواهید دانست با شما چه می‌کنم

﴿۱۲۴﴾ لَا قَطْعَنَ أَيْدِيكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِّنْ خِلَافٍ ثُمَّ لَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ

دست و پای شما را خلاف یکدیگر قطع می‌کنم، شما را به دار می‌آویزم

﴿۱۲۵﴾ قَالُوا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ

گفتند: مانعی ندارد، برگشت ما به پروردگاران است

﴿۱۲۶﴾ وَمَا تَنْقِمُ مِنَّا إِلَّا أَنْ ءَامَنَّا بِآيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا جَاءَتْنَا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَقَّفْنَا مُسْلِمِينَ

تو به این دلیل از ما انتقام می‌گیری که ما به آیات خداوند بعد از ظهور ایمان آورده‌ایم ، پروردگارا! خودت به ما صبر و استقامت مرحمت کن و با دین اسلام ما را از دنیا ببر

﴿۱۲۷﴾ وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَدْرُ مُوسَى وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَيَذُرْكُ وَعَالَيْهِتِكَ قَالَ سَنُقْتِلُ أَبْنَاءَهُمْ وَنَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ وَإِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ

سران قوم به فرعون گفتند: چرا موسی و قومش را آزاد می‌گذاری که در زمین مفسده به پا کنند، تو را و خدایی تو را نادیده بگیرند ، فرعون گفت: شتاب نکنید، به زودی مردان آنها را می‌کشم و زنانشان را زنده می‌گذارم، من بر آنها مسلط هستم

﴿۱۲۸﴾ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَأَصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ

مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ موسی به قوم خود گفت: از خدا کمک بگیرید و صبر کنید ، که زمین مال خداست، به هر کسی که بخواهد می‌بخشد و عاقبت زمین در اختیار پرهیزکاران است

﴿۱۲۹﴾ قَالُوا أُوذِينَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِيَنَا وَمِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا قَالَ عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عَدُوَّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ قوم گفتند: پیش از آن که تو بیایی و بعد از آن که آمده‌ای، ما زیر شکنجه فرعون بوده‌ایم ، موسی گفت: امید است که خدا دشمنان شما را هلاک کند و شما را به جای آن‌ها بنشانند بعد ببیند شما چه می‌کنید

﴿۱۳۰﴾ وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَنَقْصِ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَدْذَكُرُونَ ما فرعونیان را در محاصره خشک‌سالی و کمبودی ثمرات قرار دادیم شاید حقیقت را درک کنند

﴿۱۳۱﴾ فَإِذَا جَاءَتْهُمْ الْحَسَنَةُ قَالُوا لَنَا هَذِهِ وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَطَّيَّرُوا بِمُوسَىٰ وَمَنْ مَعَهُ أَلَا إِنَّمَا طَّيَّرَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ وقتی آسایش می‌دیدند می‌گفتند: به شانس ماست و اگر بلایی می‌دیدند می‌گفتند: از شومی موسی و پیروان اوست ، شومی ملازم کفر آن‌ها بود اما نمی‌دانستند

﴿۱۳۲﴾ وَقَالُوا مَهْمَا تَأْتِنَا بِهِ مِنْ آيَةٍ لِّتَسْحَرَنَا بِهَا فَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ به موسی گفتند: اگر هم معجزه‌ای بیاوری که ما را سحر کنی، ما به تو ایمان نمی‌آوریم

﴿۱۳۳﴾ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجُرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ وَالْدَّمَ آيَاتٍ مُّفْصَلَاتٍ فَأَسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ بلاهای شدیدی مانند طوفان و ملخ و

شپش و قورباغه و تبدیل آب به خون را به ترتیب بر آن‌ها مسلط کردیم، با همه این‌ها تکبر نمودند، تسلیم قدرت خدا نشدند که مجرم و گناه‌کار بودند

﴿۱۳۴﴾ **وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا يَا مُوسَى ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ لَئِن كَشَفْتَ عَنَّا الرِّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ وَلَنُرْسِلَنَّ مَعَكَ بَنِي إِسْرَائِيلَ** هروقت در محاصره یکی از آن بلاها واقع می‌شدند از موسی خواهش می‌کردند که طبق پیمانی که با خدا داری از او بخواه که اگر بلا را از ما برطرف کند، ایمان می‌آوریم و بنی‌اسرائیل را به دست تو می‌سپاریم

﴿۱۳۵﴾ **فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الرِّجْزَ إِلَىٰ أَجَلٍ هُمْ بَلِغُوهُ إِذَا هُمْ يَنْكُتُونَ** اما بر طبق پیمانی که در مدت معین بسته بودند، وقتی بلا را برطرف می‌کردیم، عهد خود را می‌شکستند و به کفر خود ادامه می‌دادند

﴿۱۳۶﴾ **فَأَنْتَقِمْنَا مِنْهُمْ فَأَعْرَقْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ بَأْتِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ** و در انتها بعد از اصرار و تکرار عهدشکنی، از آن‌ها انتقام گرفتیم، همه را در دریا غرق نمودیم زیرا آیات ما را تکذیب و به معجزات بی‌اعتنایی کردند

﴿۱۳۷﴾ **وَأَوْزَنَّا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضَعُونَ مَشْرِقَ الْأَرْضِ وَمَغْرِبَهَا الَّتِي بَرَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ** بعد از آن، شرق و غرب سرزمین‌های با برکت را در اختیار موسی گذاشتیم، مقدرات خوب خدا برای بنی‌اسرائیل در اثر صبری که داشتند به کمال رسید، فرعون و آثار او و تاج و تخت او را نابود کردیم

﴿۱۳۸﴾ وَجَوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا
يَمُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ
سلامت از دریا عبور دادیم، به شهری رسیدند که هر کدام بتی داشتند، به موسی گفتند
که: این‌ها هر کدام خدایی دارند، تو هم برای ما خدایی بساز، موسی گفت: چقدر
نادانید

﴿۱۳۹﴾ إِنَّ هَؤُلَاءِ مُتَّبِرٌ مَّا هُمْ فِيهِ وَبَطِلٌ مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ
پرستی هلاک و نابودند، راهشان غلط و اعمالشان باطل است

﴿۱۴۰﴾ قَالَ أَغَيْرَ اللَّهِ أَبْغِيكُمْ إِلَهًا وَهُوَ فَضَّلَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ
خدایی که شما را نجات داد، خدای دیگری بجویم؟، اوست که شما را بر اهل عالم
فضیلت داده است

﴿۱۴۱﴾ وَإِذْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُقْتَلُونَ
أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ
شما را از شر آل فرعون نجات داد که به سخت‌ترین عذاب، شما را شکنجه می‌کردند
، مردان شما را می‌کشتند، زنان شما را زنده می‌گذاشتند، چه بلای بزرگی از شاه به
شما می‌رسید

﴿۱۴۲﴾ ﴿۱۴۲﴾ وَوَعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَا بِعَشْرِ فِتْمٍ مِيقَتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ
لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ أَخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ
ما با موسی پیمان بستیم که سی شب در ملاقات خدا باشد آن مدت را به اضافه ده
شب دیگر تکمیل نمودیم تا چهل شب به ثمر رسید، موسی این پیمان را با هارون

برادرش در میان گذاشت و گفت: تو در این مدت جانشین من باش، کار مردم را به صلاح آور و از تبه کاران پیروی نکن

﴿۱۴۳﴾ وَلَمَّا جَاءَ مُوسَىٰ لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي إِلَيْكَ قَالَ لَنْ تَرِنِي وَلَكِنِ أَنْظِرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرِنِي فَلَمَّا تَجَلَّىٰ رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَىٰ صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ

موسی به میعاد خدا رفت و خدا با او سخن گفت، عرض کرد:

پروردگارا! خود را نشان بده تا تو را ببینم ، خدا فرمود: نمی توانی مرا ببینی، به این کوه نگاه کن اگر توانست مقاومت کند، تو می توانی مرا ببینی و چون نور خدا بر کوه تجلی کرد، کوبیده شد و موسی بی هوش شد ، بعد که به هوش آمد عرض کرد: تو منزهی، من توبه کردم، اولین مؤمن به عظمت تو هستم *

* موسی مانند حضرت خاتم هنوز به کمال نرسیده بود که خواهش کرد خدا را ببیند. هر وقت حالت لقاء الهی برای انسان فراهم شود خداوند پیش از تقاضای ملاقات، خود را به بنده اش معرفی می کند. خداوند مظهري از عدم مقاومت در نظر او نمایان ساخت تا بداند کوه با آن استحکام در برابر خدا نمی تواند مقاومت کند تا قانع شود و چنین تقاضایی را تکرار ننماید. هر نوع رابطه ای مخصوصاً ملاقات به اذن خدا واقع می شود زیرا خدا به حال انسان از انسان آگاه تر است. لقاء خدا در انتهای تکامل استعدادی حاصل می شود. در میان این همه پیامبران فقط پیامبر خاتم به ملاقات خدا که همان معراج است نائل شدند و نظر به اینکه آن حضرت در استعداد خود کامل شد دین خدا را هم کامل در اختیار بشر قرارداد و ختم نبوت اعلام نمود.

﴿۱۴۴﴾ قَالَ يَمُوسَىٰ إِنِّي أَصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَتِي وَبِكَلامِي فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ وَكُن مِّنَ الشَّاكِرِينَ

خدا فرمود: ای موسی! من تورا به رسالت و هم کلامی خود بر سایر مردم برتری دادم، کتاب و کلام مرا بگیر و شکر خدا را به جای آور

﴿۱۴۵﴾ وَكَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَابِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً وَتَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْءٍ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَأْمُرْ قَوْمَكَ يَا خُذُوا بِأَحْسَنِهَا سَأُوْرِيكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ ما در الواح تورات از هر نوع اخلاق انسانی موعظه‌ای و از هر علمی مفصل برای موسی نوشتیم که‌ای موسی! به تقدیر اجباری ما تورات را فراگیر و به امت خود دستور بده به بهترین مواعظ آن عمل کنند، من عاقبت کار فاسق و فاجر را به شما نشان خواهم داد

﴿۱۴۶﴾ سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِي الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كَلِمًا مِنْ آيَاتِنَا لَا يُؤْمِنُوهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ به زودی متکبرین و سرکشان خلاف حق را از درک آیات و معارف دین خود منصرف خواهم نمود، آن‌ها هر نوع آیتی ببینند ایمان نمی‌آورند، راه دین و معارف را ببینند نمی‌پذیرند، خط ضلالت را ببینند می‌پذیرند، آن‌ها دین ما را تکذیب نمودند و از آن غافل شدند *

* در این آیه خداوند می‌فرماید: متکبرین را از فهم آیات خود منصرف می‌کند. منع متکبرین از فهم حقایق دین یک منع قهری و یا محرومیت طبیعی است نه اینکه به اراده خدا باشد. خداوند خیلی حریص به تعلیم و تربیت مردم است زیرا علم و معرفت، هدف نهایی خدا از خلقت عالم و آدم است. هرگز با اراده خود مانعی برای فهم مردم ایجاد نمی‌کند که خلاف حکمت بوده و ظلم است اما وقتی که انسان به اراده خود از مکتب دین انصراف پیدا کرد قهراً هدف دیگری که حب دنیا باشد جای مکتب خدا را می‌گیرد و این هدف دنیایی بین او و معارف الهی حجاب می‌شود که گفته‌اند: حُبُّ الدُّنْيَا يَغْمِي وَيَضْمُ. هدف، بر بینایی و دانایی انسان حاکمیت دارد.

﴿۱۴۷﴾ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْأَخْرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ اعمال نیک کسانی که آیات ما و زندگی آخرت را تکذیب کردند

بی ثمر خواهد بود، این بی ثمری نتیجه راه غلط آنهاست (عمل کافر حرکت در بی راهه است)

﴿۱۴۸﴾ وَأَتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَىٰ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ حُلِيِّهِمْ عِجَلًا جَسَدًا لَهُ خُورٌ أَلَمَ يَرَوُا أَنَّهُمْ لَا يَكْلِمُهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا اتَّخَذُوهُ وَكَانُوا ظَالِمِينَ **بنی اسرائیل در غیبت چهل روزه موسی، با جمع آوری طلاجات و زیورها یک گوساله طلایی ساختند که خارخار صدا می کرد (سامری گفت: این خدای شما و خدای موسی است) مگر ندیدند که گوساله با آنها حرف نمی زند و آنها را به راه غلطی که رفته و به خود ستم کرده اند، هدایت نمی کند**

﴿۱۴۹﴾ وَلَمَّا سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ وَرَأَوْا أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا قَالُوا لَئِن لَّمْ يَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَيَغْفِرْ لَنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ **زمانی که گوساله پرستی در افکار مردم سقوط کرد و دانستند که گمراه شده اند گفتند: اگر خدا به ما رحم نکند و ما را نیامرزد، زیان کار خواهیم بود**

﴿۱۵۰﴾ وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضَبًا أَسِيفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي أَعَجَلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَأَلْقَى الْأَلْوَاحَ وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ قَالَ ابْنَ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّفُونِي وَكَادُوا يَقْتُلُونِي فَلَا تُشْمِتْ بِيَ الْأَعْدَاءَ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ **موسی بعد از غیبت چهل روزه خشمگین به سوی قوم برگشت و به آنها پرخاش کرد که در غیبت من چه بد عمل کردید، چرا پیش از فرمان من عجولانه از شیطان اطاعت کردید، الواح تورات را انداخت، سر و محاسن برادرش را گرفته به طرف خود کشید که چرا مانع گمراهی آنها نشدی؟، هارون گفت: برادرم! آنها مرا به ضعف کشانیدند و نزدیک شد مرا بکشند، به خاطر گناه دشمن مرا شماتت نکن و مرا با گمراهان به حساب نیاور**

﴿۱۵۱﴾ قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِإِخِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ موسی

دست به دعا برداشت که: پروردگارا! مرا و برادرم را ببخش و در شعاع لطف خود قرار بده، تو بهترین رحم کننده گانی

﴿۱۵۲﴾ إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيَنَالُهُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَذَلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُفْتَرِينَ کسانی که گوساله پرستیدند، به زودی در معرض غضب خدا واقع می شوند، در دنیا و آخرت خوار و ذلیل اند، مشرک را این طور مجازات می کنیم

﴿۱۵۳﴾ وَالَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُوا مِن بَعْدِهَا وَعَامَنُوا إِنَّ رَبَّكَ مِن بَعْدِهَا

لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ و کسانی که معصیت کردند و بعد توبه نمودند و ایمان آوردند، پروردگار غفور و مهربان است

﴿۱۵۴﴾ وَلَمَّا سَكَتَ عَن مُوسَى الْغَضَبُ أَخَذَ الْأَلْوَاحَ وَفِي نُسْخَتِهَا هُدًى وَرَحْمَةٌ

لِلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْهَبُونَ خشم موسی که فرونشست، الواح تورات را از زمین گرفت، نسخه های تورات برای کسانی که از خدا می ترسند مایه هدایت و رحمت بود

﴿۱۵۵﴾ وَأَخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِّمِيقَاتِنَا فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ قَالَ رَبِّ

لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُم مِّن قَبْلُ وَإِنِّي أَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا إِنَّ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَن تَشَاءُ وَتَهْدِي مَن تَشَاءُ أَنْتَ وَلِيُّنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ موسی به همراه خود هفتاد نفر برای میقات با خدا انتخاب نمود، اما

به مجازات سؤال بی جا که خدا را ببینیم، صاعقه آنها را کشت، موسی عرض کرد: پروردگارا! مرا هم با آنها هلاک می کردی، آیا به خاطر سفاهت سُنْها ما را هلاک

می کنی؟، همه اینها فتنه خودت هست، هر کسی را بخواهی گمراه می کنی و یا هدایت می نمایی، تو ولیّ ما هستی به ما رحم کن، تو بهترین آمرزندگان

﴿۱۵۶﴾ وَأَكْتُبُ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُدْنَا إِلَيْكَ قَالَ عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءُ وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ

در این دنیا برای ما نیکی مقدرکن همین طور در آخرت، ما به لطف تو هدایت شدیم، خدا فرمود: آری عذاب خود را به هر کسی بخواهم می رسانم، رحمت من همه چیز را فراگرفته، کسی را که تقوا دارد و زکات می دهد و کسانی که به آیات من ایمان می آورند، دائم در شعاع رحمت خود قرار می دهم *

* زیرا آنها قبول نمی کردند که خدا با موسی سخن می گوید و او را تعلیم می دهد. گفتند: ما به کوه طور بیاییم رابطه تو را با خدا ببینیم و باور کنیم. موسی آنها را به پای کوه طور برد، صدای خدا را شنیدند بعد گفتند: خدا را ببینیم که از این تقاضای بی جا گرفتار عذاب شدند. امت موسی حقیقتاً مردمی موذی و متعرض بودند. به جای اینکه تشکر کنند موسی آنها را از بردگی نجات داده، دائم تعرض داشتند. بت پرستان را می دیدند و می گفتند: چرا برای ما بت درست نمی کنی. ما به کوه طور بیاییم تا ببینیم خدا چطور سخن می گوید و حالا که سخن خدا را شنیده اند می گویند: خودش را به ما نشان دهد. اگر خدا را می دیدند، خدا می داند چه بی حیایی ها می کردند. ملاقات خدا بعد از معرفت کامل درست است نه پیش از معرفت. صاعقه آنها را کشت، موسی عصبانی شد که خدایا مرا هم هلاک می کردی، جواب اقوام را چه بدهم. پس بعضی مصیبت ها از استعداد موسی بالاتر است. خداوند با معجزات او را کمک می داد و مشکلاتش را حل می کرد. به همین دلیل که امت خیلی اعتراض گر بودند و صبر و استعداد پیامبران بنی اسرائیل زیاد نبود خدا آنها را کمک می کرد که گفتیم: معجزات موسی برای اتمام حجت نبود برای این بود که امت تسلیم نبودند بلکه متعرض بودند.

﴿۱۵۷﴾ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَاَلَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

کسانی که از پیامبر امی، پیامبر آخر که وصف او را در تورات و انجیل خوانده‌اند پیروی می‌کنند، پیامبری که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند، روزی‌های طیب را حلال و خبیث را حرام می‌کند، بارهای سنگین مسئولیت و مراسمی که مانند غل و زنجیر به گردن مردم افتاده برمی‌دارد، کسانی که به این پیامبر ایمان می‌آورند و او را تقویت می‌کنند و از نور قرآن و امامی که همراه او نازل شده پیروی می‌نمایند، بدانند که رستگارند

﴿۱۵۸﴾ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

تو به مردم ابلاغ کن که ای مردم! من رسول خدا برای همه شما هستم، خدایی که پادشاهی آسمان‌ها و زمین با اوست، خدایی به جز او نیست، زنده می‌کند و می‌میراند، پس شما مردم به خدا و این پیامبر امی که ایمان به خدا و کلمات او آورده است، ایمان بیاورید، از او پیروی کنید شاید هدایت شوید

﴿۱۵۹﴾ وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ

عده‌ای از قوم موسی به حق هدایت شدند و به امر حق عدالت می‌کردند

﴿۱۶۰﴾ وَقَطَعْنَاهُمْ أَشْبَاطًا أُمَّمًا وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ إِذِ اسْتَسْقَنَهُ قَوْمُهُ

أَنْ أُضْرِبَ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرِبَهُمْ وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَمَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَىٰ كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

ما بنی اسرائیل را که دوازده سبط بودند به صورت دوازده امت در آوردیم، در آن بیابان که تشنه بودند از موسی آب خواستند، به موسی گفتیم: عصای خود را به سنگ بزن، دوازده چشمه جاری شد، هر سبطی چشمه آب خود را شناختند، ابرها را سایه بان آن‌ها قرار دادیم، غذای من و سلوا برای آن‌ها نازل کردیم که از روزی‌های طیب و طاهر خدا بخورید، آن‌ها به ما ستم نکردند بلکه به خود ستم کردند که قدر نعمت ندانستند

﴿۱۶۱﴾ وَإِذْ قِيلَ لَهُمْ اَسْكُنُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ وَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ وَقُولُوا حِطَّةٌ وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا نَغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَتِكُمْ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ

به آن‌ها دستور دادیم در این شهر ساکن شوید، آنچه می‌خواهید از نعمت‌های خدا آزادانه استفاده کنید، از در ورودی دین به حال سجده وارد شوید و بگویید: حَطَّ عَنَّا الذُّنُوبَ (گناه ما بریز) تا از گناه شما بگذریم، نیکوکاران را اجر بیشتر بدهیم

﴿۱۶۲﴾ فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَظْلِمُونَ

اما آن‌ها کلام خدا را تغییر دادند و به هوی و هوس خود حرف زدند، ما هم در اثر ظلم و ستم بلای آسمانی بر آن‌ها نازل کردیم

﴿۱۶۳﴾ وَسَأَلَهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَّعًا وَيَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ

از داستان شهرهای کنار دریا پرس که از قانون شنبه تجاوز کردند، ماهی‌ها روز شنبه فراوان جلو می‌آمدند و روزهای دیگر کمتر، به طمع خود حکم روز

شنبه را به بازی گرفتند (به آن‌ها گفتیم که: میمون باشید) ، ما این‌طور با فسق و گناه مردم را آزمایش می‌کنیم *

* کسانی که به غضب خدا مسخ می‌شوند و صورت انسانی آن‌ها به صورت حیوانی تغییر پیدا می‌کند، با حفظ روحیه و شعور انسانی صورت حیوانی پیدا می‌کنند. اگر همراه تغییر صورت شعور حیوانی هم پیدا کنند غم و غصه‌ای ندارند زیرا غم و غصه خاصیت علم و شعور است. حیوانات که علم ندارند غم و غصه هم ندارند که حیوان هستند. مثلاً اگر حیوان نابینا شود غصه نمی‌خورد اما انسان غصه دارد چون شعور دارد. کسانی که مسخ می‌شوند مانند کسانی‌اند که نابینا می‌شوند. یهودیانی که مسخ شده بودند مردم را می‌دیدند خجالت می‌کشیدند و دوست نداشتند مردم آن‌ها را به آن صورت ببینند.

﴿۱۶۴﴾ **وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِّنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعذِرَةٌ إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ** جمعی از بنی‌اسرائیل به دیگران اعتراض کردند که چرا قومی را که محکوم به هلاکت هستند موعظه می‌کنید ، جواب دادند: برای اینکه نزد پروردگار معذور باشیم یا که شاید تقوا پیشه کنند

﴿۱۶۵﴾ **فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ** وقتی که دین و یاد خدا را فراموش کردند ابتدا اهل امر به معروف و نهی از منکر را حفظ کردیم و ستم‌کاران را به عذابی سخت معذب کردیم

﴿۱۶۶﴾ **فَلَمَّا عَتَوْا عَن مَّا نُهَوُّا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ** و آنجا که قانون شنبه را به بازی گرفتند، آن‌ها را به شکل میمون مسخ کردیم

﴿۱۶۷﴾ **وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لَيَبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَن يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ**

إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ
 خدای تو برای یهودیان چنین مقدر کرد که تا روز قیامت زیر سلطه دشمنان خود باشند ، پروردگار تو متجاوز را سخت کیفر می کند و با اهل ایمان مهربان است *

* این آیه شریفه هم از آیاتی است که دلالت می کند قیام آن حضرت، قیامت است که می گوید: یهودیان تا روز قیامت در شکنجه و عذاب اند. اگر قیامت بعد از قیام آن حضرت باشد و زندگی از نوع زندگی دنیا لازمهاش این است که یهودیت و نصرانیت و سایر ادیان به حال خود باقی و آزاد باشند با اینکه آیه وَيَكُونُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَكُمْ آيَةً بِمَا كَفَرُوا فَتَقْتُلُهُمْ وَتَكْفُرُونَ بِالَّذِينَ كَفَرُوا تا ادیان باطل و خرافات از بین نرود عدالت جهانی ظاهر نمی شود. فرج جهانی همین دین اسلام به رهبری ائمه معصومین است که باید کل بشریت را فراگیرد که امام در تفسیر آیه حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا (محمد ص) ۴ فرمودند: يَضِلُّحُ اللَّهُ أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ وَاحِدَةٍ.

﴿١٦٨﴾ وَقَطَعْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أُمَمًا مِّنْهُمْ الصَّالِحُونَ وَمِنْهُمْ دُونَ ذَلِكَ وَبَلَوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ
 جمعیت آنان را متلاشی نمودیم ، عده ای از آنها صالح بودند و طایفه ای در درجات پایین تر ، آنها را به آسایش و فرسایش مبتلا نمودیم، شاید به پناه خدا برگردند

﴿١٦٩﴾ فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا الْأَدْنَى وَيَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا وَإِنْ يَأْتِهِمْ عَرَضٌ مِّثْلَهُ يَأْخُذُوهُ أَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِمْ مِيثَاقُ الْكِتَابِ أَنْ لَا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ وَدَرَسُوا مَا فِيهِ وَالِدَارُ الْأُخْرَى خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ
 نسل بعدی دین و کتاب آنها را به ارث بردند، دنیا طلب و دنیا پرست شدند و گفتند که: خدا از ما می گذرد و باز دنیا طلبی نامشروع را تکرار می کردند ، مگر در کتاب تورات از آنها عهد و پیمان نگرفتیم که به خدا دروغ نبنند و درس تورات را فرا گیرند و بدانند که آخرت برای اهل تقوا بهتر از دنیا است؟ ، چرا

عقل خود را به کار نمی‌برند؟

﴿۱۷۰﴾ وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ

یهودیانی که متمسک به کتاب دینی خود می‌شوند و نماز اقامه می‌کنند بدانند که ما اجر صالح و مصلح را ضایع نمی‌گذاریم

﴿۱۷۱﴾ ﴿وَإِذْ نَتَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُ زُلَّةٌ وَظَنُوا أَنَّهُ وَقِعٌ بِهَمِّ خُذُوا مَا

ءَاتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَأَذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ ما یهودیان را در حاکمیت مندرجات کوه طور قرار دادیم که اجبار دارید دین و شریعت موسی را قبول کنید، کتاب تورات را بین خود مذاکره کنید، شاید تقوا پیدا کنید *

* یهودیان می‌خواستند موجودیت دین را نفی کنند که با قوه قهریه وادار به قبول آن شدند. قبول کوه طور به قوه قهریه مانند قبول کعبه است که باید به عنوان یک شعار باقی بماند. آزادی مردم در انتخاب دین به میزانی است که خود را گمراه کنند نه اینکه راه دین را هم کور کنند. یهودیان می‌خواستند شعار دین را که موجودیت تورات بود از بین ببرند. خداوند به قوه قهریه آن را حفظ کرد تا راه هدایت محفوظ بماند تا زمانی که صندوق عهد یادگاری‌های حضرت موسی را در میان خود حفظ می‌کردند در امان بودند و الا دشمن بر آن‌ها مسلط می‌شد.

﴿۱۷۲﴾ ﴿وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ

أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَن تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ﴾ آنجا که پروردگار تو از اولاد آدم بعد از آن که به عقل و دانش رسیدند عهد و پیمان گرفت که آیا من پروردگار شما نیستم؟ ، گفتند: آری، که مبادا روز قیامت بگویند: ما از این عهد و پیمان غافل بودیم *

* مربوط به عهد و پیمان دینی است که خدا در دنیا از مردم می‌گیرد. کسانی که آیه را مربوط

به پیش از خلقت می‌دانند اشتباه می‌کنند. خداوند می‌فرماید: وقتی که ذریه آدم را از پشت او بیرون آوردم و شاهد خودشان نمودم. ذریهٔ اولاد آدم است نه ذرات پیش از خلقت و کلمه اشهد هم علی انفسهم یعنی خودشناس شدند. در این موقع عهد و پیمان به ربوبیت و ولایت از آن‌ها گرفتم تا مبادا روز قیامت بگویند: غافل بودیم، کسی ما را دعوت نکرد. انسان‌ها پیش از خلقت وجود ندارند که خدا عهد و پیمان بر اطاعت بگیرد. اگر این عهد و پیمان تکوینی باشد که همراه خلقت و بعد از خلقت است که انسان در خلقت خود را موظف به اطاعت می‌بیند و اگر تشریحی باشد که بعد از بلوغ انسان به وسیله پیامبران است، خدا می‌فرماید: از ذریهٔ آدم یعنی از اولاد او عهد و پیمان گرفتم که روز قیامت عذری نیاورند. پس عهد، تشریحی است مخصوصاً که می‌گوید: أَشْهَدُهُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ یعنی بعد از آن که خودشناس شدند.

﴿۱۷۳﴾ **أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِّنْ بَعْدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ** یا مبادا عذر بدتر از گناه بیاورند که آباء و اجداد ما مشرک شدند ما هم اولاد آن‌ها و در خط آن‌ها بودیم ، آیا به عمل پیشوایان باطل ما را هلاک می‌کنی؟

﴿۱۷۴﴾ **وَكَذَلِكَ نُقْصِلُ الْأَيَّاتِ وَلَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ** ما این‌طور آیات خود را مفصل و روشن برای همه بیان می‌کنیم، شاید مردم به پناه حق برگردند

﴿۱۷۵﴾ **وَأْتَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ** و داستان بلعم باعور را بازگو کن که آن‌همه آیات ربوبیت در اختیار او قرار گرفت و او لباس حجت و حقیقت را از تن خود کند، شیطان او را به دنبال خود راه انداخت و از گمراهان شناخته شد

﴿۱۷۶﴾ **وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلُ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَتْرُكُهُ يَلْهَثُ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا**

فَأَقْصِبِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ اگر ممکن بود از مسیر اجابت دعاها او را به سوی خود می کشیدیم ولیکن در حب دنیا متمرکز شد، تابع هوای نفس بود، مانند سگ بود که در حال زجر و حمله زبان می کشد و در حال رهایی همین طور، کسانی که آیات ما را تکذیب می کنند چه بد نمونه هایی دارند، داستان او را برای مردم بخوان شاید عبرت بگیرند

﴿۱۷۷﴾ **سَاءَ مَثَلًا الْقَوْمُ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَأَنْفُسَهُمْ كَانُوا يَظْلِمُونَ** چقدر بد هستند کسانی که آیات ما را تکذیب می کنند و در اثر کفر و گناه به خود ستم می کنند

﴿۱۷۸﴾ **مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدَىٰ وَمَنْ يُضِلِّ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ** هدایت یافتگان فقط کسانی اند که خدا آن ها را هدایت می کند و خسارت یافتگان کسانی اند که آن ها را به خود وامی گذارد

﴿۱۷۹﴾ **وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَٰئِكَ كَانُوا لِنَعْمِ بَلٍ هُمْ أَضَلُّ أُولَٰئِكَ هُمُ الْعَافِلُونَ** بسیاری از جن و انس، گویی فقط برای جهنم ساخته شده اند، به قلب خود نمی خواهند بفهمند و با چشم خود نمی خواهند ببینند و با گوش خود نمی خواهند بشنوند، آن ها مانند حیوانات هستند و بلکه گمراه ترند، آن ها غافل اند

﴿۱۸۰﴾ **وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ** بهترین اسم ها مخصوص خداست، از او بخواهید شما را به صفات خود متصف کند، کسانی که در این اسماء، خود را شبیه خدا و شریک او می دانند، به دلیل ادعای خلاف مجازات می شوند

﴿۱۸۱﴾ وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ
 عدهای از بندگان مردم را به حق هدایت می کنند و به حق و عدالت، قضاوت دارند

﴿۱۸۲﴾ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُم مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ
 آیات ما را تکذیب می کنند، آرام آرام ندانسته به جهنم کشیده می شوند

﴿۱۸۳﴾ وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ
 به آن ها مهلت می دهم سربند دنیا می شوند ، سیاست من با کفار متین است، قابل درک نیست

﴿۱۸۴﴾ أُولَٰئِكَ يَتَفَكَّرُونَ مَا بِصَاحِبِهِمْ مِّنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ
 نمی کنند که این پیامبر دیوانه نیست ، عقل کامل است که مردم را از کفر و گناه می ترساند

﴿۱۸۵﴾ أُولَٰئِكَ يَنْظُرُونَ فِي مَلَكَوتِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْ عَسَىٰ أَنْ يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجَلُهُمْ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ
 آسمان ها و زمین و چیزهای دیگر فکر نمی کنند، شاید مرگ آن ها نزدیک باشد؟ ، به چه حدیثی (سخنی) بعد از قرآن ایمان می آورند؟

﴿۱۸۶﴾ مَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَيَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ
 خداوند واگذار کند، هدایت کننده نخواهد داشت ، خداوند آن ها را کورکورانه در حال طغیان و تکبر واگذار می کند

﴿۱۸۷﴾ يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمُ إِلَّا بَغْتَةً يَسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ
 درباره

ساعت قیامت می پرسند که ظهور آن تا چه وقتی ادامه دارد ، بگو: علم قیامت نزد خداست ، جز خدا کسی در وقت مناسب آن را ظاهر نمی کند ، ظهور قیامت در عوالم آسمان و زمین خیلی سنگین است ، ناگهانی ظاهر می شود ، طوری اصرار به سؤال دارند که گویی تو می دانی و نمی گویی ، بگو: این علم مخصوص خداست ولی بسیاری از مردم نمی دانند (میلیون ها عالم و آدم در فضای آسمان و زمین یکنواخت قیامت دارند)

﴿۱۸۸﴾ قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَأَسْتَكْبَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوْءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ
 بگو: من هم مانند شما نفع و ضرری برای خود ندارم مگر آنچه را خدا بخواهد ، اگر علم غیب داشتم ثروت زیاد می اندوختم، بلاها را از خود دور می کردم ، من فقط اهل ایمان را مژده می دهم و از کفر و گناه می ترسانم

﴿۱۸۹﴾ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّهَا حَمَلٌ خَفِيْفًا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَّعَوَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ ءَاتَيْنَا صَالِحًا لَّنُكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِيْنَ
 او خداست که شما را از یک طینت بنام نفس آفرید و از همان طینت همسر او را خلق کرد تا در ارتباط با همسر آرامش پیدا کند ، وقتی که شوهر همسر خود را فرا گرفت، آرام آرام آبتن شد و بعد از مدتی سنگین شد ، در این حال زن و شوهر از خدا تقاضا کردند که اگر فرزند صالحی بدهد شکر او را به جای آورند

﴿۱۹۰﴾ فَلَمَّا ءَاتَاهُمَا صَالِحًا جَعَلَا لَهُ شُرَكَآءَ فِيمَا ءَاتَاهُمَا فَتَعَلَّى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ
 اما بعد از آن که فرزند صالحی به آنها داد، همان فرزند را شریک خدا قرار دادند ، خداوند منزّه است که شریک داشته باشد

﴿۱۹۱﴾ **أَيُّشْرِكُونَ مَا لَا يَخْلُقُ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلِقُونَ** آیا کسی را که خودش مخلوق است و نمی‌تواند چیزی خلق کند، شریک خدا قرار می‌دهند؟

﴿۱۹۲﴾ **وَلَا يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ نَصْرًا وَلَا أَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ** با اینکه آن شریک خدا نمی‌تواند آن‌ها را یاری کند یا لاقل خود را یاری کند و از بلا و مرگ نجات دهد

﴿۱۹۳﴾ **وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ لَا يَتَّبِعُوكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ أَدَعَوْتُمُوهُمْ أَمْ أَنْتُمْ صٰمِتُونَ** اگر آن‌ها بت‌ها و یا رؤسای بت‌ها را دعوت به هدایت کنید، از شما پیروی نمی‌کنند، مساوی است که آن‌ها را دعوت کنید یا نکنید

﴿۱۹۴﴾ **إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَالِكُمْ فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِينَ** این شرکاء که به جای خدا از آن‌ها امید و انتظار دارید مانند شما بنده خدا هستند، از آن‌ها کمک بخواهید، شما را کمک کنند اگر راست می‌گویید

﴿۱۹۵﴾ **أَلَمْ أَرْجُلْ يَمْشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَيْدٍ يَبْطِشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا قُلْ أَدْعُوا شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ كِيدُوا فَلَا تُنظِرُونَ** آیا پای رفتن دارند تا راه بروند یا دستی که با آن بجنگند یا چشمی که ببینند و گوشی که بشنوند؟ ، بگو: این بت‌ها را به کمک بخواهید و علیه من فعالیت کنید، مهلت هم ندهید

﴿۱۹۶﴾ **إِنَّ وَلِيَ اللَّهِ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصّٰلِحِينَ** ولیّ من خدایی است که این قرآن را نازل کرده و او سرپرست صالحان است

﴿۱۹۷﴾ **وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَكُمْ وَلَا أَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ**

این شرکاء که به جای خدا از آنها خواهش و تمنا دارید، نمی توانند شما یا خودشان را یاری کنند

﴿۱۹۸﴾ وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ لَا يَسْمَعُوا وَتَرْتَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ
اگر آنها را به دین خدا دعوت کنید نمی شنوند ، گرچه به تو نگاه می کنند اما نمی بینند

﴿۱۹۹﴾ خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ
خود ساز، مردم را به نیکی امر کن و از جاهلان فاصله بگیر

﴿۲۰۰﴾ وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ
شیطان تو را به وسوسه انداخت، پناه به خدا ببر ، او شنوا و داناست

﴿۲۰۱﴾ إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُم مُّبْصِرُونَ
پرهیزکاران وقتی در معرض وسوسه شیطان قرار می گیرند، فوری می فهمند که خیلی زرنگ و بیدارند

﴿۲۰۲﴾ وَإِخْوَانُهُمْ يَمُدُّونَهُمْ فِي الْغَيِّ ثُمَّ لَا يُقْصِرُونَ
فاقد تقوای آنها را به گمراهی می کشانند و کوتاهی ندارند

﴿۲۰۳﴾ وَإِذَا لَمْ تَأْتِهِمْ بِآيَةٍ قَالُوا لَوْلَا اجْتَبَيْتَهَا قُلْ إِنَّمَا أَتَّبِعُ مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ مِنْ رَبِّي هَذَا بَصَائِرٌ مِّنْ رَبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ
معجزه‌های نمی آوری، می گویند: چرا نیاوردی ، بگو: من از آنچه به من وحی می شود پیروی می کنم ، این قرآن از جانب خدا برای شما منبع عقل و بصیرت و برای اهل ایمان رحمت و هدایت است

﴿۲۰۴﴾ وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ وقتی قرآن

قرائت می‌شود، گوش بدهید و ساکت شوید، شاید به کمک لطف خداوند قرآن را بفهمید *

* اگر به احترام قرآن ساکت بنشینید و گوش بدهی، رحمتی که خداوند متعال در این آیه به تو وعده می‌دهد و آن فهم قرآن است، به تو خواهد رسید.

﴿۲۰۵﴾ وَأَذْكُرُ رَبِّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ

وَالْأَصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ در قلب و نیت خود مخفیانه و بدون سروصدا صبح و شام با تضرع و خشوع از خدا خواهش و تمنا داشته باش و از خدا غافل نباش

﴿۲۰۶﴾ إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيُسَبِّحُونَهُ وَلَهُ

يَسْجُدُونَ کسانی که معرفت به خدا دارند، از دعا و نیایش تکبر نمی‌کنند، تسبیح خدا می‌گویند و سجده می‌کنند.

آیاتها ۷۵

سُورَةُ الْأَنْفَالِ

المدنی

انفال جمع نفل و نافله ثروت‌های طبیعی است که به تصرف مالک خصوصی درنیامده مانند کوه‌ها و بیابان‌ها و دریاها و معادن و املاکی که بدون جنگ در تصرف رهبر مسلمانان قرار می‌گیرد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ

بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ مردم از ثروت‌های عمومی سؤال می‌کنند، بگو: این ثروت‌ها مال خدا و رسول است، شما مردم تقوا پیشه کنید، اگر

ایمان به خدا دارید، مسائل مربوط به خود را اصلاح نمایید و از خدا و رسول اطاعت کنید *

* مردم بر امثال این آیات که این ثروت‌های عمومی مال خدا و رسول و امام است و به امثال احادیثی که رسول خدا فدک را به دخترش بخشیده است ایراد می‌گیرند و می‌گویند خداوند متعال رودخانه‌های بزرگ دنیا امثال نیل و فرات و سیحون و جیحون را مهر حضرت زهرا(س) قرار داده که شاید این مسائل هم ثروت جویی و تبعیض نژادی باشد. رسول خدا(ص) هم مانند دیگران به فکر خود و اولادش می‌باشد که این املاک را به خود و خانواده خود اختصاص داده. خیال می‌کنند پیامبران هم مانند دنیاپرستانند و هدفشان مال و ثروت است. چرا فکر نمی‌کنند که خداوند اولاً ائمه را در دین و حکومت ردیف خود قرار داده و این ردیف شدن به معنای این است که دین و حکومت آن‌ها حکومت خدا و مال آن‌ها مال خداست. وقتی که ما می‌گوییم: دنیا و ثروت دنیا مال رسول خدا و امام است مثل این است که می‌گوییم: مال خدا است، اعتراض بر آن‌ها هم اعتراض بر خداست و اکنون که می‌گوییم همه چیز مال خداست البته مال خداست. خدا این نعمت‌ها را چه می‌کند، کجا مصرف می‌کند. هرچه خدا دارد به اراده خود به مردم می‌رسد. خدا به این دلیل ثروت‌ها را به ولی خود می‌دهد که حکومت را به آن‌ها داده است و آن‌ها به جای پدر و مردم به جای اولادند. گرچه ثروت خانواده به نام پدر است ولیکن به وسیله او به همه فرزندان می‌رسد. آن‌ها در ولایت و حکومت مال خدا را در راه ترقی و تکامل بشر مصرف می‌کنند و به همه بندگان می‌رسانند. آن‌چه از خدا انتظار دارید از آن‌ها انتظار داشته باشید و اگر بر خدا اعتراض دارید بر آن‌ها اعتراض داشته باشید. آن‌ها و علم و عمل آن‌ها در ارتباط با خدا مانند صدا و سیما در اختیار گوینده‌اند.

﴿۲﴾ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ وَ

زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ مؤمنین کسانی‌اند که وقتی نام خدا بر زبانشان

جاری می‌شود، خوف از خدا قلبشان را فرامی‌گیرد و آیات خدا که خوانده می‌شود، بر

ایمانشان می‌افزاید، به خدا توکل دارند

﴿۳﴾ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ کسانی که با نماز رابطه خود را با خدا حفظ می کنند و از آنچه خداوند به آنها داده انفاق می کنند

﴿۴﴾ أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ آنها حقیقتاً مؤمن اند ، از جانب خداوند به درجات بزرگ نائل می شوند، خدا به آنها عقل و توفیق می دهد، روزی کریمانه دارند

﴿۵﴾ كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لَكَرِهُونَ همان طور که خدا تو را با قلت امکانات به طرف میدان جنگ کشید، گرچه عده ای از مؤمنین راضی نبودند

﴿۶﴾ يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ وَهُمْ يَنْظُرُونَ آنها با تو بحث و جدال داشتند با اینکه روشن بود فرمان جنگ از جانب خداست، مثل اینکه به طرف مرگ و قتلگاه کشیده می شوند

﴿۷﴾ وَإِذْ يَعِدُكُمُ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشُّوْكَةِ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ آنجا که خدا وعده داد یکی از آن دو گروه به تصرف شما درآید، شما کاروان را دوست داشتید اما خدا جنگ را تا حق را به کرسی بنشانند و ریشه کفار را قطع نماید (شما کاروان خواستید، خدا فتح جهان)

﴿۸﴾ لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ خداوند می خواهد حق را حاکم کند و باطل را محو نماید، گرچه مجرمین مایل نباشند

﴿۹﴾ إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ

مُرْدِفِينَ آنجا که استغاثه می‌کردید پیروزی می‌خواستید، خداوند دعای شما را اجابت نمود که با هزار فرشته ردیف یکدیگر شمارا یاری می‌کند

﴿۱۰﴾ **وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ وَلِتَطْمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُكُمْ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ** کمک با فرشته مزدهای برای شما بود تا اطمینان قلب پیدا کنید و الا یاری به دست خداست، خداوند غالب و حکیم است (فرشته‌ها نیروهای تقویتی هستند که به سرباز روحیه می‌دهند)

﴿۱۱﴾ **إِذْ يُغَشِّيكُمُ الْغُصَاةَ مِنْهُ وَيُنزِلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُم بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُم رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَىٰ قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ** آنجا که برای آرامش و امنیت خواب شمارا فرا گرفت و خدا باران نازل کرد تا گرد و غبار شمارا بشوید، وسوسه شیطان را از شما بزداید و دل‌های شما را پیوند دهد و زمین را زیر پای شما محکم گرداند (وقتی بیدار شدید، دیدید زمین محکم، هوا شفاف و دل‌ها قوی است)

﴿۱۲﴾ **إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبَّتُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا سَأَلْتَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَأَضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَأَضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ** خدا فرشتگان را وادار کرد به سربازان روحیه دادند، قدم‌ها را استوار نمودند و در دل کفار وحشت انداختند، کفار زیر پنجه قدرت سربازان افتادند، گردن آن‌ها را می‌زدند و دست و پای آن‌ها را قطع می‌کردند *

* فرشتگان در عالم خلقت مانند نیروی برق در صنایع برقی هستند و انسان‌ها مانند چراغ و صنایع برقی. همان‌طور که صنایع برقی با نیروی برق تقویت و تضعیف می‌شوند، خداوند هم مخلوقات خود و انسان‌ها را با نیروی فرشته تقویت می‌کند. نیروی دل کفار را می‌برد ترسو

می شوند و نیروی دل مؤمن را زیاد می کند، شجاع می شوند و در نتیجه مؤمنین پیروزند.

﴿۱۳﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ

الْعِقَابِ برای اینکه آن ها خدا و رسول را به مشقت انداختند ، کسی که خدا و رسول او را به مشقت اندازد، خداوند او را سخت کیفر می کند

﴿۱۴﴾ ذَٰلِكُمْ فَذُوقُوهُ وَأَنَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابَ النَّارِ این است عذاب شما کفار،

باید بچشید، آخرین عذاب شما آتش است

﴿۱۵﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحَفًا فَلَا تُولُوهُمُ الْأَدْبَارَ ای

اهل ایمان! در گرما گرم جنگ با کفار فرار نکنید

﴿۱۶﴾ وَمَنْ يُؤَلِّمِهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبُرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِّقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَىٰ فِئَةٍ فَقَدْ بَاءَ

بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ کسی که در میدان جنگ پشت به

دشمن کند (مگر جهت گیری برای جنگ یا جا گرفتن میان یاران) بداند که به دایره غضب

خدا می رود، جای این فراری ها جهنم است که بد عاقبتی است

﴿۱۷﴾ فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ

وَلِيُبَيِّنَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ اکنون که پیروز شدید

بدانید که شما آن ها را نکشتید بلکه خدا کشت ، تو تیر نینداختی، خدا انداخت تا

مؤمنین را به کیفیت خوبی آزمایش کند ، خداوند شنوا و داناست *

* رسول خدا قبضه ریگی به روی دشمن پاشید هر کدام به چشم سربازی اصابت کرد. رسول

خدا در جنگ بدر بدون نشانه گیری قبضه ریگی را به طرف کفار پاشید. هر یک از آن

ریگ ها چشم یکی از کفار را کور کرد مانند تیری بود که به وسیله تیرانداز نشانه گیری شده

باشد. شما قضاوت کنید آیا تیرانداز خدا بود که چشم کفار را نشانه گرفت یا رسول خدا که

بدون نشانه گیری باشید. در این رابطه فرمود: وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ.

﴿۱۸﴾ ذَالِكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ مُوهِنٌ كَيْدِ الْكَافِرِينَ خدا این چنین کید و مکر کفار را

ضعیف کرد

﴿۱۹﴾ إِنْ تَسْتَفْتِحُوا فَقَدْ جَاءَكُمْ الْفَتْحُ وَإِنْ تَنْتَهُوا فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَإِنْ تَعُدُّوا

نَعْدُ وَلَنْ تُغْنِيَ عَنْكُمْ فِئَتُكُمْ شَيْئًا وَلَوْ كَثُرَتْ وَأَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ شما

کفار که در جنگ بدر فتح و ظفر خواستید، فتح و ظفر چنین بود که دیدید، اگر از کفر و گناه اجتناب کنید، برایتان بهتر است و اگر به جنگ برگردید، برمی گردیم، ثروت و لشکر به حال شما سودی ندارد، لطف خدا با اهل ایمان است

﴿۲۰﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَوَلَّوْا عَنهُ وَأَنْتُمْ تَسْمَعُونَ

ای اهل ایمان! در اطاعت خدا و رسول باشید، اکنون که حرف حق می شنوید از این راه برنگردید

﴿۲۱﴾ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ مانند گذشتگان نباشید

که به پیامبران گفتند: دعوت شما را شنیدیم اما نشنیدند و اعتناء نکردند

﴿۲۲﴾ إِنْ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ بدترین

جنندگان، آدم های کر و لالی اند که حاضر نیستند حق را به حقانیت درک کنند

﴿۲۳﴾ وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَأَسْمَعَهُمْ وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُّعْرِضُونَ

اگر خدا دلایل خیری در آنها ببیند به آنها شنوایی می دهد، اگر هم حق را به گوش آنها بدواند، به بی اعتنایی اعراض می کند

﴿۲۴﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ

وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

وقتی که خدا و رسول شما را به مسائل حیات بخش اجتماعی دعوت می کنند اجابت کنید و بدانید که خدا به شما محیط و مسلط است، بین شما و اراده شما حائل می شود و تمامی شما به دایره حکومت او کشیده می شوید

﴿۲۵﴾ وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ

الْعِقَابِ

از فتنه ها و عذاب هایی که ظالم و غیر ظالم را می گیرد بترسید و بدانید که خداوند ظالم را سخت کیفر می کند

﴿۲۶﴾ وَاذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ

النَّاسُ فَآوَأَكُمْ وَوَأَيْدِيكُمْ بِنَصْرِهِ وَارزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

به یادتان باشد که عده قلیلی بودید در محاصره دشمنان، مبادا شما را بربایند، خدا شما را تقویت کرد و یاری نمود، روزی طیب و طاهر به شما بخشید، شاید لطف خدا را منظور داشته باشید

﴿۲۷﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمْنَتِكُمْ وَأَنْتُمْ

تَعْلَمُونَ

ای اهل ایمان! به خدا و رسول و امانت های خود خیانت نکنید با اینکه فساد خیانت را می دانید

﴿۲۸﴾ وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ

مال و اولاد فتنه و آزمایش است، پاداش بزرگ شما نزد خدا در زندگی آخرت است

(اسیر دنیا نشوید)

﴿۲۹﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَل لَّكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ

سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ای اهل ایمان! اگر تقوا پیشه

کنید خدا به شما عقلی می دهد که با آن بتوانید حق و باطل و صلاح و فساد بشناسید،

خدا بدی ها را از وجود شما می زداید، عقل و ایمان شما را رشد می دهد، رحمت خدا

عظیم است *

* استغفار از گناه از نظر ارزش برابر وجود رسول خدا شناخته شده که خدا فرمود: تا زمانی

که رسول در میان شماست و از گناه استغفار کنید، عذاب بر شما نازل نمی شود. استغفار به

معنای عقل و رشد خواهی از خداوند متعال است. کسی که جاهلانه گناه می کند نیروی عقل

لازم دارد. خداوند با استغفار عقل به انسان می دهد و رسول خدا هم با نصیحت خود به گناه کار

عقل می دهد. عقل و شعور فکر انسان را بالا می برد تا کفر و گناه را بشناسد و به دایره لطف

خدا برگردد. پس با نصیحت رسول خدا(ص) و با استغفار، عقل انسان قوی می شود و علمش بالا

می رود. آیات قرآن و نصیحت های خدا و ائمه اطهار(ع)، عقل نقدی است که مفت و مجانی به

شما داده می شود و این رشد عقلی همان معنای غفران است.

﴿۳۰﴾ وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ

وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَكْرِينَ نمونه لطف خدا آن بود که کفار نقشه کشیدند

تو را حبس کنند یا بکشند یا تبعید نمایند، آن ها برای هلاک و خدا برای نجات تو

مکر نمود، خدا بهترین مکرکنندگان است

﴿۳۱﴾ وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ ءَايَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا إِنْ هَذَا إِلَّا

أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ وقتی مقابل این عرب های متجاوز قرآن قرائت می شود متکبرانه

سر می کشند که اگر بخواهیم مانند قرآن می آوریم، همه این ها سحر و افسانه است

﴿۳۲﴾ وَإِذْ قَالُوا اللَّهُمَّ إِن كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حِجَارَةً مِّنْ

و بیشتر از این بی حیایی دارند که ای خدا! اگر این قرآن حق است و از جانب تو است سنگی از آسمان سر ما ببار و یا به عذاب بدتری ما را معذب کن

﴿۳۳﴾ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ
با اینکه تا وقتی تو در میان آنها باشی و یا از گناهشان استغفار کنی، خداوند آنها را عذاب نمی کند

﴿۳۴﴾ وَمَا لَهُمْ أَلَّا يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ إِنْ أَوْلِيَآؤُهُمْ إِلَّا الْمُتَّقُونَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ
آنها را عذاب نکند که بندگان خدا را از مسجد الحرام باز می دارند با اینکه اولیاء مسجد نیستند، فقط پرهیزکاران ولیّ مسجدند گرچه آنها نمی دانند

﴿۳۵﴾ وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصْدِيَةً فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ
نمازشان در مسجد به جز صدا و صفیر چیزی نیست، بگو: با این کفر و گناه آماده عذاب خدا باشند *

* دینی که فقط مراسم خشک و خالی و صدا و صفیر باشد انسان را رشد نمی دهد. دین خدا مکتب تکامل است و این عبادت ها مانند نماز و روزه شعار مکتب است. شعار در مقدمه شعور است و قرآن و ائمه مکتب عقل و شعورند. دین و زندگی حیات بخش مردم با علم و شعور زنده می شود و زنده می ماند. مردم باید به فکر این باشند که از هر حکمی حکمت آن را دریابند نه اینکه فقط به سروصدا و شعار اکتفا کنند.

﴿۳۶﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ
کفار مال

و ثروت خود را در راه بازداري مردم از دين خدا خرج مي کنند ، بگو: هر چه مي توانيد انفاق کنید، حسرت اين انفاقات شما را خواهد گرفت ، پس از اين، مغلوب شده به جهنم کشيده خواهند شد

﴿۳۷﴾ لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ الْخَبِيثَ بَعْضُهُ عَلَى بَعْضٍ فَيَرْكُمَهُ جَمِيعًا فَيَجْعَلُهُ فِي جَهَنَّمَ أُولَئِكَ هُمُ الْخٰسِرُونَ مهلت کفار براي اين است که نيکان از بدان مشخص شوند تا در حکومت خود افراد خبيث را با هم جمع کند، متراکم نمايد و به جهنم بکشاند ، آنها همه زيان کارند

﴿۳۸﴾ قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَنْتَهُوا يُغْفَرْ لَهُمْ مَّا قَدْ سَلَفَ وَإِنْ يَعُودُوا فَقَدْ مَضَتْ سُنَّتُ الْأَوَّلِينَ به کفار قریش بگويد: اگر از مخالفت با رسول خدا بازمانند، خدا از گذشته آنها می گذرد و اگر به مخالفت ادامه دهند، رفتار خدا را با کفار تاريخ دانسته اند

﴿۳۹﴾ وَقَتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ با کفار بجنگيد و جنگ را ادامه دهيد تا فتنه و فساد از عالم برطرف شود و حکومت دينی خدا ظاهر شود ، اگر از کفر و گناه منصرف شوند، خداوند به حالشان آگاه است

﴿۴۰﴾ وَإِن تَوَلَّوْا فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَوْلٰكُمْ نِعَمَ الْمَوْلٰى وَنِعَمَ النَّصِيرِ و اگر آنها از دين اعراض نمودند شما اهل ايمان بدانيد که خدا مولای شماست و چه ناصر خوبی است خداوند متعال

(جزء ۱۰ء) ﴿۴۱﴾ وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِّن شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمْسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي

الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ ءَامَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلْنَا عَلَيْكَ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ الْجُمُعَانَ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ آنچه از غنائم

به دست می‌آورد بدانید که یک پنجم آن مال خدا و رسول و ذوی القربی و یتیمان و مساکین و ابناء السبیل است، اگر شما ایمان به خدا و قرآن و نصرت خدا (روز ملاقات دو گروه در جنگ بدر) دارید، حکم خدا را رعایت کنید، خداوند به هر کاری تواناست *

* حفظ موقعیت خدا و رسول و ائمه اطهار(ع) که درست به معنای حفظ دین خداست به دو چیز بستگی دارد که مانند تابلوهایی در سردر مکتب اسلام قرار گرفته و یک شعار زنده برای رسول خدا می‌باشند و آگاهانه و یا ناخودآگاه مردم را به دین خدا دعوت می‌کنند که یکی حفظ نسل رسول خدا و دیگر حفظ مکتب اسلام که حافظ آثار علمی قرآن و رسول خداست. تا زمانی که این دو اثر محفوظ است دین خدا هم محفوظ است و دین اسلام یگانه راه حیات اجتماعی و سعادت بشر در دنیا و آخرت است که اگر این راه کور شود بشریت به نابودی و گمراهی کشیده می‌شود. دین خدا با جهل مردم، از بین می‌رود و با علم مردم، زنده می‌ماند. تمامی دانشمندان عالم اتفاق نظر دارند که یگانه عامل بقاء دین تعلیمات ائمه اطهار و مخصوصاً تعلیمات امام صادق(ع) و امام باقر(ع) بوده. کافی است که بدانید کسانی که از این تعلیمات محروم مانده‌اند چقدر غرق خرافات و موهومات شده‌اند. این علم علیرغم میل استعمارگران که همه جا کوشش کرده‌اند خط قرآن و رسول خدا را کور کنند، به وسیله علمای مکتب، دین خدا در طول تاریخ محفوظ مانده است. استعمارگران ظالم مانند بنی‌امیه‌ها ذریه رسول خدا را از حقوق اسلامی بیت‌المال و حقوق اجتماعی محروم نمودند و آن‌ها را از شهر و وطن آواره و خط مکتب را کور کردند. ائمه اطهار(ع) برای بقاء این دو اصل حیات بخش دین، خمس اموال اهل ایمان و ولایت را به این دو راه اختصاص دادند تا که دین خدا و شجره رسول خدا بارور و پرثمر باقی بماند و الحمد لله چنان شد که آن‌ها خواسته بودند.

﴿٤٢﴾ إِذْ أَنْتُمْ بِالْعُدْوَةِ الدُّنْيَا وَهُمْ بِالْعُدْوَةِ الْقُصْوَىٰ وَالرَّكْبُ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَلَوْ تَوَاعَدْتُمْ لِأَخْتَلَفْتُمْ فِي الْمِيعَادِ وَلَكِن لِّيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا لِيَهْلِكَ مَنْ

هَلَكَ عَنْ بَيْنَةٍ وَيَحْيَى مَنْ حَى عَنْ بَيْنَةٍ وَإِنَّ اللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ آنجا که شما در میدان نزدیک تر جنگ بدر بودید و دشمن در میدان دورتر و کاروان قریش قدری دورتر ، اگر از اول جنگ قول و قرار بود که هدف جنگ است نه کاروان، قول و قرار خود را به هم می زدید ولیکن خدا به طمع کاروان شمارا به جنگ کشید تا تقدیر خود را به ثمر برساند تا کسی را که بخواهد به راه کفر برود، از کسی که با حق شناسی به راه ایمان می رود مشخص شود ، خداوند شنوا و داناست

﴿٤٣﴾ إِذْ يُرِيكُمُ اللَّهُ فِي مَنَامِكَ قَلِيلًا وَلَوْ أَرَنَكَهُمْ كَثِيرًا لَفَسَلْتُمْ وَلَتَنْزَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَلَكِنَّ اللَّهَ سَلَّمَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ آنجا که خدا در عالم خواب عده آن ها را کم نمایش داد ، اگر زیاد نمایش می داد سستی شمارا می گرفت و در حرکت به جنگ اختلاف پیدا می کردید ولیکن مسلم است که خدا به استعداد شما آگاه است

﴿٤٤﴾ وَإِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ الْتَقَيْتُمْ فِي أَعْيُنِكُمْ قَلِيلًا وَيُقَلِّلُكُمْ فِي أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ انتظار داشته باشید و اگر بر خدا اعتراض دارید بر آن ها اعتراض داشته باشید. آن ها و علم و عمل آن ها در ارتباط با خداوند مانند صداوسیما در اختیار گوینده هستند؛ و باز سیاست خدا بر این قرار گرفت که هنگام رویارویی شما را به نظر آن ها و آن ها را به نظر شما کم نمایش دهد تا هر دو طایفه جنگ را جدی بگیرید و هدف خدا که پیروزی اسلام است، محقق شود ، عاقبت هر کاری با خداوند متعال است

﴿٤٥﴾ يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ای اهل ایمان! هنگام رویارویی با گروه کفار ثابت قدم و استوار باشید،

خدا را زیاد یادآوری کنید، شاید رستگار شوید

﴿٤٦﴾ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَأَصْبِرُوا إِنَّ

اللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ از خدا و رسول اطاعت کنید، با یکدیگر نزاع ننمایید که

وحدت شما به هم می‌خورد، ثروت و قدرت شما می‌رود، در راه خدا صبر کنید،

خداوند صابران را دوست می‌دارد

﴿٤٧﴾ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطْرًا وَرِثَاءَ النَّاسِ وَيَصُدُّونَ

عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ مانند کسانی نباشید که با ریاکاری و

تکبر به جنگ می‌روند و مردم را از راه خدا باز می‌دارند، خداوند به اعمال آنها

محیط است

﴿٤٨﴾ وَإِذْ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَلَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي

جَارٌّ لَكُمْ فَلَمَّا تَرَآتِ الْفِئَتَانِ نَكَصَ عَلَى عَقَبَيْهِ وَقَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنْكُمْ إِنِّي

أَرَىٰ مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ آنجا که شیطان صفتان،

جنگ بدر را در نظر اهل مکه جلوه دادند که کسی بر شما غلبه نخواهد کرد من با شما

هستم، اما وقتی که دو گروه رو به روی هم ایستادند اولین فراریان شیاطین بودند، به

پیروان خود گفتند: ما مسئول شما نیستیم، ما علائم شکستی می‌بینیم که شما

نمی‌بینید، ما از خدا و لشکر او می‌ترسیم که خداوند سخت کیفر می‌کند *

* همیشه وضعیت شیاطین و منافقین چنین بوده است که جنگ و صلح خود را جنگ و صلح

خدا معرفی کنند و از محبوبیت آنها در پیشرفت مقاصد شوم خود استفاده نمایند. فرق بین

کافر و منافق همین است که کافر خدا و دین را قبول ندارد و در کفر خود صریح است.

مؤمنین تکلیف خود را با او می‌دانند و گول نمی‌خورند و او را بر خود حاکمیت نمی‌دهند ولی

منافقین که باطل را در لباس حق جلوه می‌دهند و مؤمنین حق جو را در راه منافع شوم خود استثمار می‌کنند. شیاطین مکه به عنوان حفظ حرمت خانه کعبه، اهل مکه را به میدان جنگ با رسول خدا کشانیدند، وقتی با شکست روبه‌رو شدند فرار کردند به پیروان خود گفتند: ما مسئول شکست شما نیستیم، جنگ نمی‌کنیم و از خدا می‌ترسیم

﴿۴۹﴾ اِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ غَرَّ هَؤُلَاءِ دِينُهُمْ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ

عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ منافقین و مسلمانانی که به مرض شک آلوده بودند طعنه می‌زدند که این خوش باوران به دین خود مغرور شده‌اند، با قلت جمعیت به جنگ می‌روند، آن‌ها خبر ندارند که هر کس به خدا توکل کند، خداوند غالب و حکیم است

﴿۵۰﴾ وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَرَهُمُ

وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ اگر ببینی وقتی که فرشتگان جان کفار را می‌گیرند، آن‌ها را از روبه‌رو و پشت سر می‌کوبند که باید عذاب جهنم را بچشید

﴿۵۱﴾ ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتَ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَمٍ لِّلْعَبِيدِ می‌گویند: این

عذاب‌ها نتیجه اعمال بد شماست، خداوند به بندگان خود ظلم نمی‌کند

﴿۵۲﴾ كَذَابٍ ءَالٍ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ

بِذُنُوبِهِمْ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ مانند فرعونیان و پیشینیان آن‌ها که کافر به آیات خدا شدند، خداوند به نتایج کفر و گناه آن‌ها را هلاک نمود، خداوند سخت کیفر می‌کند

﴿۵۳﴾ ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِّعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ

وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ خدا هیچ وقت وضعیت خوب قومی را تغییر نمی دهد مگر اینکه آنها وضعیت اخلاقی خود را تغییر دهند ، خدا شنوا و داناست

﴿۵۴﴾ كَذَابٍ ءَالٍ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَغْرَقْنَا ءَالَ فِرْعَوْنَ وَكُلُّ كَانُوا ظَالِمِينَ مانند روش فرعونیان و گذشتگان آنها که آیات پروردگار خود را نادیده گرفتند ، ما آنها را به نتایج اعمالشان هلاک نمودیم، فرعون و اتباعش را در دریا غرق نمودیم که همه آنها ظالم بودند

﴿۵۵﴾ إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ بدترین جنبندها در نظر خدا، کسانی هستند که کافر به خدا شده و ایمان نمی آورند

﴿۵۶﴾ الَّذِينَ عَاهَدتَّ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ همانها که با آنها پیمان متار که جنگ می بندی و آنها هر سال چند مرتبه عهد خود را می شکنند و پرهیز ندارند

﴿۵۷﴾ فِيمَا تَثَقَفْتُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرِدْ بِهِنَّ مَن خَلَقَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ اگر در میدان جنگ با آنها روبهرو شدی، تارومارشان کن و آیندگان آنها را هم سر جای خود بنشان شاید حقیقت را بفهمند

﴿۵۸﴾ وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ اگر احساس کردی که قومی آماده جنگ با تو شده اند دستور بسیج عمومی بده و پیش از حرکت آنها را محاصره کن ، خداوند خائن را دوست نمی دارد

﴿۵۹﴾ وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا إِنَّهُمْ لَا يُعْجِزُونَ کفار خیال نکنند از مسلمین پیش افتاده اند ، آنها هرگز نمی توانند مسلمین را عاجز کنند

﴿۶۰﴾ وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَّا اسْتَطَعْتُمْ مِّن قُوَّةٍ وَمِن رِّبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَعَآخِرِينَ مِّن دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِن شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ

آنچه در توان خود دارید علیه آنها با اسب و سلاح نیرو تهیه کنید، با آن نیروها دشمنان خود و خدا را بترسانید و همچنین دشمنان آینده خود را که نمی‌شناسید و خدا می‌شناسد، آنچه در راه خداوند سرمایه گذاری کنید به خودتان برمی‌گردد و به شما ستم نمی‌شود

﴿۶۱﴾ وَإِن جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

اگر دشمنان شما تمایل به صلح شدند شما بپذیرید، توکل به خدا کنید، خداوند شنوا و داناست

﴿۶۲﴾ وَإِن يُرِيدُوا أَن يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي أَيْدَكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ

اگر هم ضمن تمایل به صلح قصد خیانت داشته باشند، خداوند تو را کفایت می‌کند، خدا بود که با نصرت و یاری خود اهل ایمان را تقویت نمود

﴿۶۳﴾ وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَّا أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

خداوند قلوب اهل ایمان را بهم الفت داد که اگر ثروت دنیا را انفاق می‌کردی چنین الفتی پیدا نمی‌شد ولیکن خدا آنها را به هم الفت داد، خدا غالب و حکیم است

﴿۶۴﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

ای رسول خدا! بدان که خدا و اهل ایمان تو را کافی هستند، کسی بر خدا غلبه نمی‌کند

﴿۶۵﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُن مِّنكُمْ عِشْرُونَ

صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مَا آتَيْنَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا
بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ

ای رسول خدا! اهل ایمان را به جنگ تشویق کن ، اگر بیست نفر از شما در جنگ صابر باشند بر دویست نفر غلبه می کنند و صد نفر صابر از شما بر هزار نفر غلبه می کنند زیرا آنها عقل و شعور ندارند *

* این دو آیه شریفه اسرار عجیبی را در متن خود دارد، خداوند فرمود: حالا که خدا ضعف شما مسلمانان را دانست تقویت خود را سبک تر کرد. صد نفر از شما را بر دویست نفر غالب می کند و هزار نفر از شما را بر دو هزار نفر. در آنجا که عده سربازان قلیل هستند می گوید: ده نفر از شما را بر صد نفر و صد نفر را بر هزار نفر پیروز می کند و آنجا که سربازان زیادند می گوید: شما را ضعیف می بیند. صد نفر را بر دویست نفر پیروز می کند با اینکه سربازها وقتی زیادتر هستند قوی ترند و وقتی کمترند ضعیف ترند. سر آن این است که وقتی سربازها کمند و جهادشان را جدی می گیرند، ایمان و توکلشان زیادتر می شود، خداوند آنها را تقویت می کند. به یک نفر برابر ده نفر نیرو می دهد اما وقتی زیادترند به خود متکی می شوند، ایمانشان ضعیف تر است، کمتر از خدا نیرو می گیرند.

﴿٦٦﴾ الْكِنَ خَفَّ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ
صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مَا آتَيْنَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفِينَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ

الصَّابِرِينَ

الآن که خدا ضعف شما را دانست به شما تخفیف داد ، صد نفر از شما در مصائب جنگ صبر کنند، بر دویست نفر و هزار نفر از شما بر دو هزار نفر به اذن خدا غلبه می کنند ، خداوند کمک صابرین است

﴿٦٧﴾ مَا كَانَ لِنَبِيِّ أَنْ يَكُونَ لَهُدَّ أَسْرَىٰ حَتَّىٰ يُدْخِنَ فِي الْأَرْضِ تُرِيدُونَ عَرَضَ
الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

یک پیامبر نباید در برابر بذل مال، اسراء را آزاد کند، باید با قتل و جرح کفار را قلع و قمع نماید (که آزادی اسرا مایه

تقویت بعدی آن‌ها می‌شود) شما مال دنیا می‌خواهید خدا پیروزی شمارا ، خداوند غالب و حکیم است

﴿۶۸﴾ لَوْلَا كِتَابٌ مِّنَ اللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِيمَا أَخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ
اگر تقدیر خدا نبود که شما پیروز شوید از طریق آزادی اُسرا در برابر اخذ مال به مصیبت بزرگی مبتلا می‌شدید (مانند جنگ احد)

﴿۶۹﴾ فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ
از غنائم جنگ استفاده کنید، طیب و طاهر است ، تقوا پیشه کنید ، خدا آمرزنده و مهربان است

﴿۷۰﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَن فِي أَيْدِيكُم مِّنَ الْأَسْرَىٰ إِن يَعْلَمِ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا يُؤْتِكُمْ خَيْرًا مِّمَّا أَخَذَ مِنْكُم وَيَغْفِرَ لَكُمُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ
ای رسول خدا! به اُسرا بگو: اگر خدا نیت خیری در دل شما احساس کند، نعمتی بهتر و بیشتر از این فدا که گرفته است به شما برمی‌گرداند ، به علاوه عقل و شعور شمارا بالا می‌برد

﴿۷۱﴾ وَإِن يُرِيدُوا خِيَانَتَكَ فَقَدْ خَانُوا اللَّهَ مِن قَبْلُ فَأَمْكَنَ مِنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ
و اگر هم در آینده خیانت کنید که پیش‌ازین هم در مکه خیانت کردید، خدا تو را بر آن‌ها مسلط می‌کند ، خداوند عالم و حکیم است

﴿۷۲﴾ إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَاوَأُوا وَنَصَرُوا أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُم مِّن وَلِيَّتِهِم مِّن شَيْءٍ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا وَإِنِ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُم مِّيثَاقٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ
کسانی که ایمان می‌آورند و به‌سوی خدا هجرت می‌کنند و با مال و جانشان جهاد می‌کنند و کسانی که

مهاجرین را پناه می‌دهند و آن‌ها را یاری می‌کنند، همه آن‌ها دوست یکدیگرند، اما کسانی که اسلام آورده‌اند و به سوی دولت اسلامی مهاجرت نمی‌کنند در ولایت اسلامی نیستند مگر اینکه هجرت کنند، اگر از شما کمک خواستند به آن‌ها کمک کنید مگر علیه قومی که با آن‌ها عهد و پیمان دارید، خداوند به اعمال شما آگاه است *

* همین‌طور که هر چیزی اصل و فرع دارد و فروع از طریق وابستگی به اصول تقویت می‌شود دین هم اصل و فرع دارد. فروع در ضمن اصول محفوظ می‌مانند. اصل توحید در شعاع ولایت رسول خدا و ائمه اطهار(ع) متمرکز است. هر مسلمانی باید اول با اصول دین و ائمه اطهار(ع) وحدت پیدا کند و بعد در شعاع این وحدت وظایف دینی خود را انجام دهد که ولایت ائمه است. در این رابطه داستان مذاکره‌ای که بین خلیفه عباسی و حضرت موسی ابن جعفر(ع) به وجود آمده یادآوری می‌کنیم تا معلوم شود چگونه کسی که از اصول اسلام جداست، از برکات ولایت اسلام محروم می‌شود. هادی عباسی و حضرت موسی ابن جعفر(ع) در ارتباط به رسول خدا و بنی‌هاشم بحث می‌کنند خلیفه عباسی می‌پرسد وقتی کسی از دنیا می‌رود عمو و پسر عمو دارد کدام یک از آن‌ها به میت نزدیک‌ترند و وارث پیامبر به حساب می‌آیند. حضرت فرمودند: با بودن فرزند صلبی نوبت به دیگری نمی‌رسد. دختر رسول خدا وارث است بعد فرمود: آیا در امانم اگر دلیل دیگری بیاورم که اگر فاطمه هم نباشد باز هم عباس عموی پیامبر ارث نمی‌برد بلکه وارث علی(ع) است عرض کرد بفرمایید: در امانید. حضرت آیه مهاجرت را ذکر کرد که اگر مسلمانی از مکه به مدینه هجرت نکند از ولایت اسلام بهره‌ای نمی‌برد (وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ) چون عباس عموی پیامبر به مدینه هجرت ننموده از ولایت اسلامی که از آن جمله ارث است بهره نمی‌برد. پس در هر صورت عباس ارث نمی‌برد، وارث علی(ع) است.

﴿۷۳﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ

وَفَسَادٌ كَبِيرٌ کفار یک ملت‌اند، محافظ یکدیگرند، اگر شما اتحاد خود را حفظ

نکنید، فتنه و فساد بزرگی در عالم به پا می‌شود (زیرا کفار آتش‌اند و همه چیز را

می سوزانند)

﴿۷۴﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ

کسانی که ایمان می آورند و از دنیا به سوی خدا هجرت می کنند و در راه خدا جهاد می کنند و کسانی که مهاجر و مجاهد را پناه می دهند و یاری می کنند آن ها حقیقتاً مؤمن هستند ، خداوند به آن ها قدرت و استعداد می دهد و روزی آن ها را کریمانه می رساند

﴿۷۵﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ بَعْدُ وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولَئِكَ مِنْكُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

و کسانی که بعد از این ایمان می آورند و هجرت می کنند و با شما جهاد می کنند ، از شما و با شما هستند، اما خویشاوندان از دیگران به یکدیگر اولی هستند ، خداوند به هر چیزی داناست.

توضیح مقدماتی درباره سوره توبه

این سوره شریفه، اعلامیه غضب خداوند به کفار از ابتدای خلقت تا روز قیامت است. تهدیدات خدا در دنیا و اعمال غضب او در آخرت است. اسلام و قرآن همراه بشر به وجود آمده و همراه بشر در دنیا و آخرت ادامه دارد تا روزی که او را به کمال مطلق برساند. طرف خطاب قرآن کل بشریت از هبوط آدم تا قیام قائم است. علم قرآن کم کم در تاریخ به وسیله پیامبران نازل و به وسیله حضرت رسول تکمیل شده است. انسان ها گرچه از نظر بدن سوا هستند ولی از نظر علم و عمل یک اجتماع و همه باهم هستند و در علم یکدیگر جا گرفته اند. خداوند در دوره دنیا آن ها را به دین و اخلاق دعوت می کند و بعد در برابر دعوت به دو گروه کافر و مؤمن تقسیم می شوند. این مدت عمر دوره صبر و حلم او و دوره آخرت، زمان اعمال غضب و رحمت او است. این سوره شریفه اتمام حجت جنگ خدا و یا اعلام غضب او بر کفار

است و بعد از ابلاغ این سوره، خدا آن‌ها را نجس می‌داند و در حریم دین خود راه نمی‌دهد. حریم دین خدا در دنیا مسجدالحرام و در آخرت حوزه ولایت و حکومت اوست که همان یا دایره ولایت آل محمد(ع) است. الآن زمان ما حقیقتاً آخرالزمان است که زندگی هردو گروه به ثمر می‌رسد. آخرین ثمره ظلم و زور کفار همین آتش‌های هسته‌ای و جنگ هسته‌ای است که عاقبت به وسیله آن‌ها روشن می‌شود زیرا مسلم است که جنگ‌های گلوله و توپ و تانک پیروزی به وجود نمی‌آورد و جنگ هسته‌ای هم زندگی را نابود می‌کند که در این جنگ هسته‌ای، یک سوم مردم زمان کشته می‌شوند و یک سوم می‌میرند و بقیه لت و پار می‌شوند. نه برای کفار زندگی می‌ماند نه برای مؤمنین. کفار که آخرین قدرت خود را به کار برده و جهنم خود را روشن کرده‌اند، نا امید و مؤمنین امیدوار به خدا و امام زمان(عج) می‌شوند و می‌گویند:

رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ و خداوند امید آن‌ها را جواب می‌دهد و می‌گوید: إِنَّا كَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَى إِنَّا مُنتَقِمُونَ. بَطْشَةُ الْكُبْرَى همان فتح اکبر است که با ظهور امام زمان(عج) شروع می‌شود و بعد از جنگ هسته‌ای زندگی می‌میرد که به جز امام زمان(عج) کسی زندگی را زنده نمی‌کند.

آیاتها ۱۲۹

سُورَةُ التَّوْبَةِ

المدنی

﴿۱﴾ **بَرَاءَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ** اعلامیه براءت و رفع مسئولیت از خدا و رسول در برابر مشرکینی است که شما مسلمانان با آن‌ها معاهده دارید

﴿۲﴾ **فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَأَنَّ اللَّهَ مُخْزِي الْكَافِرِينَ** شما مشرکین، فقط چهار ماه مهلت دارید به وضع سابق خود باشید و بدانید که نمی‌توانید خدا را از کار خود بازدارید، خداوند کفار را رسوا خواهد نمود

﴿۳﴾ **وَأَذِّنْ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِّنَ**

الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولَهُ فَإِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ **وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ** این آیه اعلام رفع مسئولیت از خدا و رسول است که لازم است ایام حج اکبر ابلاغ شود، خدا و رسول از مشرکین رفع مسئولیت می کنند، اگر در این مدت توبه کردید چه بهتر و اگر به کفر خود باقی ماندید، خدا و رسول با شما در جنگند، نمی توانید خدا را در کار خود عاجز کنید، کفار را به عذابی بزرگ مژده دهید

﴿٤﴾ **إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ** مگر آن دسته از مشرکین که با آنها معاهده دارید و آنها عهد خود را رعایت نموده و کسی را علیه شما یاری ننموده اند، عهد خود را تا مدت مقرر با آنها رعایت کنید که خداوند پرهیزکاران را دوست می دارد

﴿٥﴾ **فَإِذَا أُنْسِلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَأَحْضُرُوهُمْ وَأَقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ** ماه های حرام که تمام شد مشرکین را هر جا شناختید به قتل برسانید، آنها را محاصره کنید، همه جا کمین کنید، اگر توبه کردند، نماز خواندند و زکات دادند، آزادشان بگذارید، خداوند آمرزنده و مهربان است

﴿٦﴾ **وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلِمَةَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ** اگر مشرکی از تو پناه خواست، به او پناه بده تا کلام خدا را بشنود، بعد او را به جای امن برسان برای اینکه آنها از روی نادانی مشرک شده اند، مستحق محبت هستند

﴿۷﴾ كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقْتُمُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ

چگونه عهد مشرکین نزد خداوند دارای اعتبار است، مگر کسانی که در مسجد الحرام با آنها عهد بسته‌اید، تا زمانی که به عهد خود وفادارند شما هم وفادار باشید که خداوند اهل تقوا را همه‌جا دوست دارد

﴿۸﴾ كَيْفَ وَإِن يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً يُرْضُونَكُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ وَتَأْبَىٰ قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ

چطور قابل اطمینان هستند با اینکه اگر غلبه کنند ذره‌ای عهد خود را رعایت نمی‌کنند، با زبان شمارا راضی می‌کنند و قلبشان موافق نیست، اکثر آنها فاسقاند

﴿۹﴾ أَشْتَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَصَدُّوا عَن سَبِيلِهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

آیات خدا را به بهای اندک فروختند و مردم را از راه خدا بازداشتند، چه بد اعمالی است که دارند

﴿۱۰﴾ لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ

هیچ عهد و پیمانی را درباره اهل ایمان رعایت نمی‌کنند، مردمی متجاوزند

﴿۱۱﴾ فَإِن تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَعَآتُوا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَنُفَصِلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

اگر توبه کردند، نماز خواندند و زکات دادند، برادر دینی شما هستند، ما حقایق و احکام را برای دانشجویان روشن می‌کنیم

﴿۱۲﴾ وَإِن نَّكُتُوا أَيْمَنَهُمْ مِّنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعْنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَتِلُوا أَيْمَةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ

و اگر عهد و پیمان خود را شکستند و

به دین شما طعنه زدند، با پیشوایان کفر بجنگید که عهد و پیمانی ندارند شاید از کفر و گناه منصرف شوند

﴿۱۳﴾ **أَلَا تَقْتُلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدَءُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَتَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ** چرا با کسانی که عهد خود را شکستند و همت کردند تا رسول خدا را از مکه اخراج کنند نمی‌جنگید ، با اینکه آن‌ها متجاوزند و جنگ را شروع کردند ، آیا آن‌ها را اهمیت می‌دهید؟ ، خدا سزاوارتر به اهمیت است اگر اهل ایمان هستید

﴿۱۴﴾ **قَتَلُوهُمْ يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِهِمْ وَيَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ** با آن‌ها بجنگید، خدا آن‌ها را به دست شما عذاب کند و رسوا نماید، شمارا بر آن‌ها پیروز گرداند و دل آزرده اهل ایمان را به وسیله شما شفا بدهد

﴿۱۵﴾ **وَيُذْهِبُ غَيْظَ قُلُوبِهِمْ وَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ** کینه دل مؤمنین را بزداید و بعد از پیروزی ، خداوند توبه هر کسی را که بخواهد قبول می‌کند ، خداوند حکیم و داناست

﴿۱۶﴾ **أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِجَةً وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ** شما مسلمانان خیال می‌کنید واگذار می‌شوید با اینکه هنوز جهادگران شما و کسانی که جز با خدا و رسول و اهل ایمان با کسی رابطه نداشته‌اند، شناخته نشده‌اند ، خدا به اعمال شما آگاه است

﴿۱۷﴾ **مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسْجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِم بِالْكَفْرِ**

أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَلُهُمْ فِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ مشرکین تا زمانی که به کفر خود معترف‌اند، حق ندارند با حضور و کمک خود مساجد را آباد کنند، اعمال نیک آن‌ها بی‌نتیجه است و در عذاب جهنم مخلد هستند

﴿۱۸﴾ إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مِنْ ءَامِنٍ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ فقط کسانی حق دارند با حضور خود مساجد را آباد کنند که ایمان به خدا و آخرت دارند، نماز می‌خوانند و زکات می‌دهند و به‌غیر از خدا برای کسی عظمت و اهمیت قائل نیستند، آن‌ها ایند که هدایت می‌یابند

﴿۱۹﴾ أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ شما عرب‌ها خود را (به دلیل آب دادن به حاجی‌ها و حضور در مسجدالحرام) برابر با کسی می‌دانید که ایمان به خدا و آخرت دارد و در راه خدا جهاد می‌کند؟، هرگز این دو گروه نزد خدا مساوی نیستند، خداوند ظالم را هدایت نمی‌کند

﴿۲۰﴾ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ درجات کسانی که ایمان به خدا دارند و از دنیا می‌گذرند و در راه خدا با مال و جان خود جهاد می‌کنند، نزد خدا بالاتر و بزرگ‌تر است، فقط آن‌ها سعادت‌مندند

﴿۲۱﴾ يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِّنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَّهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ خداوند آن‌ها را به لطف و رحمت و رضایت خود و بهشت جاوید که آن‌ها همه نعمت و لذت

دارد، بشارت می‌دهد

﴿۲۲﴾ خَلِيدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ در آن بهشت دائم زندگی می‌کند، برای آن‌ها از جانب خدا اجر بی‌نهایت مقدر است

﴿۲۳﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ای اهل ایمان! اگر پدران و برادران شما مرام کفر را از ایمان بیشتر دوست دارند، به دوستی و سرپرستی خود نپذیرید، کسی که ولایت ظالم را می‌پذیرد، ظالم است *

* هر نوع عامل وابستگی در معرض انفصام و انهدام است. وابستگی‌های مالی و مادی، حسبی و نسبی، پدری و فرزندی همه این‌ها وابستگی‌های دنیایی است که با تمام شدن زندگی تمام می‌شود و از بین می‌رود. روز قیامت که مردم از خواب مرگ بیدار شدند، تمامی این وابستگی‌ها در حد صفر و زیر صفر قرار می‌گیرد زیرا این زندگی دنیایی به کلی از بین می‌رود و زندگی آخرتی بر پایه ایمان و تقوا دایر می‌شود. فقط وابستگی به خدا و اولیاء خدا درست و قابل دوام است چون که خدا و ولایت او ازلی و ابدی است. فقط رشته ایمان و تقوی، عُرْوَةُ الْوُثْقَى غیر قابل انفصام است وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا. پس باید هر کسی و هر چیزی را از نظر ایمان و ارتباط به خدا و اولیاء خدا قبول کرد.

﴿۲۴﴾ قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ به مسلمانان بگو: اگر شما پدران و فرزندان و برادران و همسران

و خویشاوندان و اموال خود را یا سرمایه‌های تجارتی که می‌ترسید کساد شود یا ساختمان‌های مجهزی که پسندیده‌اید، همه این‌ها را از خدا و رسول و جهاد در راه خدا

بیشتر دوست دارید، آماده کیفر الهی باشید، خداوند آدم‌های فاسق و فاجر را هدایت نمی‌کند

﴿۲۵﴾ لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُم مُّدْبِرِينَ خداوند در بسیاری از جنگ‌ها شما را یاری نمود مخصوصاً جنگ حنین که شما ابتدا به کثرت خود مغرور شدید، در اولین حملات فرار کردید، زمین با وسعت خود برای شما تنگ شد

﴿۲۶﴾ ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ و بعد از فرار که عده‌ای استقامت کردند و فراریان برگشتند، خداوند روح آرامش و استقامت بر پیامبر و مؤمنین نازل کرد و با لشکریان غیبی شما را تقویت نمود، کفار را شکست داد و عذاب نمود که سزای کفار همین بود

﴿۲۷﴾ ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ و بعد توبه آن کس از فراریان را که خواست پذیرفت، خدا آمرزنده و مهربان است

﴿۲۸﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ای اهل ایمان! بدانید که مشرکین نجس هستند، حق ندارند از این سال به بعد وارد مسجدالحرام شوند و اگر از فقر می‌ترسید خدا به شما ثروت می‌دهد، خدا حکیم و داناست *

* نجاسات چیزهایی است که مضر به حیات و زندگی انسان است و انسان را به امراض روحی و بدنی مبتلا می‌کند. خلایقی را که خدا آفریده است بر دو قسم‌اند: خبیث و طیب، خبائث چیزهایی هستند که مایه تنفر طبع انسان است و بین انسان و خبائث جاذبه و رابطه طبیعی وجود ندارد زیرا خدا مزاج و بدن انسان را از طیبات آفریده و از خبائث در وجود انسان خلق ننموده که جنس خود را طالب و جاذب باشد لذا طبیعت انسان از خبائث تنفر و به طیبات تمایل دارد. خبائث مانند سوسک و حشرات امثال آنهاست که غالباً از مردارها و میکرب‌ها و مدفوعات انسان و حیوان متولد می‌شوند و موجودیتشان از خبائث و نجاسات است. خون و مردار و حیوانات حرام‌گوشت که از خون مردار تغذیه می‌کنند از خبائث و نجاسات‌اند که انسان از حشر با آنها باید اجتناب کند. مدفوعات حیوانات و انسان از نجاسات است که باید اجتناب کرد. کفار و مشرکین ضد خدایی همین‌طور از نجاسات‌اند که فرهنگ کفر و گناه مضر به روح انسان است و او را به هلاکت دینی و فرهنگی می‌کشاند که به مراتب از نجاسات و میکروب‌ها خطرناک‌تر است. هرگز مؤمن و کافر قابل حشر با یکدیگر نیستند. کافر با مؤمن به قصد طمع و خیانت تماس می‌گیرد که خدا می‌فرماید: کافر به طبیعت آتش است. اینکه خدا می‌فرماید: جن و شیاطین از آتش خلق شده‌اند یعنی طبیعتشان مانند آتش متجاوز و بی‌بندوبار است زیرا فقط ایمان است که انسان را به نظام می‌آورد. کافر نظام طبیعی پیدا نمی‌کند، آتش است، متجاوز است، باید از حشر با او اجتناب کرد.

﴿۲۹﴾ قَتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَن يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ

با کسانی از اهل کتاب که ایمان به خدا و آخرت نمی‌آورند، حرام خدا را حرام نمی‌دانند و متدین به دین حق نمی‌شوند بجنگید تا اینکه با قبول ذلت جزیه بدهند

﴿۳۰﴾ وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصْرِيُّ الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهِئُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَبْلُ قَتَلْتَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ

یهودیان

می گویند: عزیز پسر خداست، مسیحیان می گویند: مسیح پسر خداست، با اقوال جاهلانه‌ای که بر زبان خود جاری می کنند شباهت به کفار دارند، خدا آن‌ها را بکشد، چقدر از حقیقت دورند

﴿۳۱﴾ **اتَّخَذُوا أَحْبَابَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ** به جای خدا علما و زاهدان را ارباب مطاع خود دانستند و عیسی را به جای خدا شناختند با اینکه مأمور شدند فقط خدای یگانه را بپرستند که به جز او خدایی نیست، منزه است که شریک داشته باشد

﴿۳۲﴾ **يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَن يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ** می خواهند با این اعمال و عقیده‌ها نور دین خدا را خاموش کنند با اینکه خدا ابا دارد جز اینکه دین خود را کامل گرداند، گرچه خلاف میل کفار باشد

﴿۳۳﴾ **هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ** خداست که رسول خود را با هدایت و دین حق رسالت داد تا دین خود را بر همه ادیان پیروز گرداند، گرچه خلاف میل کفار و مشرکین باشد

﴿۳۴﴾ **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لِيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيُصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا ينفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ** ای اهل ایمان! بسیاری از احبار و رهبانان در لباس دین، مال خدا را به باطل می خورند و مردم را از راه خدا بازمی دارند، آن‌ها باید بدانند که هر کس ثروت عمومی طلا و نقره را ذخیره کند و از انفاق و تولید

در راه خدا بازدارد، به عذابی دردناک معذب می‌شود

﴿۳۵﴾ يَوْمَ يُحْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ

عذاب جهنم‌اند، با پول‌ها بر پیشانی و پشت و پهلویشان آن‌ها داغی کشیده می‌شود، به آن‌ها می‌گویند: همین گنج‌هاست که تبدیل به آتش شده، مزه مال نامشروع را بچشید

﴿۳۶﴾ إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنفُسَكُمْ وَقَتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقْتَلُونَكُمْ كَافَّةً وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ

شماره ماه‌ها و برج‌ها در خلقت آسمان و زمین دوازده است که از آن ماه‌ها چهار ماه حرمت دارد، این شماره‌ها دین ابدی خداوند متعال است، مبادا در این ماه‌ها به خود ستم کنید، با مشرکین بجنگید همان‌طور که آن‌ها با همه شما می‌جنگند و بدانید که نصرت با متقین است *

* دوازده ماه و دوازده برج تفسیر و تأویل به دوازده امام شده است. در این آیه شریفه هم خدا وعده می‌دهد که دین اسلام را بر همه ادیان پیروز کند. البته این پیروزی به معنای این است که هیچ ملتی در دنیا باقی نماند و حق حیات نداشته باشد مگر اینکه متدین به دین اسلام به رهبری چهارده معصوم (ع) باشد و این پیروزی بزرگ با ظهور امام زمان (عج) تحقق پیدا می‌کند.

﴿۳۷﴾ إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُحِلُّونَهُ عَامًا وَيُحَرِّمُونَهُ عَامًا لِيُؤَاطِطُوا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فَيُحِلُّوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ زَيْنَ لَهُمْ سُوءٌ أَعْمَلِهِمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ

ضلالت می‌شود که ماهی را به جای ماه دیگر حرمت می‌دهند تا عده ماه‌ها تکمیل شود،

در نتیجه حلال خدا را حرام می‌کنند، گناه و بدعت در نظرشان جلوه نموده است، خدا قوم کافر را هدایت نمی‌کند *

* تقویم‌ها همه‌جا باید برمدار طبیعت و خلقت باشد. سال و ماه و شماره‌ها و قانونی که بر خلاف خلقت باشد مانند این است که بیابان را به‌جای دریا و دریا را به‌جای بیابان بشناسی و مرکب بیابان را به دریا و مرکب دریا را به بیابان ببری که هرگز قابل رواج نیست. یکی از مسائلی که امروز برخلاف طبیعت و خلقت جریان دارد، اختلاف ماه‌ها و برج‌هاست که هیچ برهانی ندارد. ماه و برج باید مطابق خلقت باشد. اول هر ماهی فقط زمانی است که کره ماه از شعاع خورشید خارج شده ابروی هلالی خود را به اهل زمین نشان می‌دهد. در هر جای کره زمین که اول شب ماه را دیدند فردای آن‌روز در تمام کره زمین اول ماه است، خواه این رؤیت به علم باشد یا به‌چشم. برهانی ندارد که مملکتی امروز را اول ماه و کشور دیگر فردا را اول ماه بشناسد. این اختلاف برخلاف خلقت و طبیعت است و اختلاف برج‌ها هم همین‌طور است. اول برج همان زمانی است که خط استوای زمین به خط عمود برابر خورشید قرار می‌گیرد و تمامی خطوط عمود در استوای زمین در نصف‌النهارها بدون سایه می‌شود. هر ساعتی که چنین می‌شود همان روز یا فردا در تمام کره زمین اول برج است و دلیلی ندارد که عده‌ای امروز و عده‌ای فردا را اول برج قرار دهند. پس اختلافات در ماه و بروج هم خلاف طبیعت است که در آیه شریفه این تغییرات را تحریم می‌کند. فلذا ایران اولین مملکتی است که ماه و بروجش مطابق زمین و ماه آسمان است. ایران همان روزی را اول سال قرار می‌دهد که خورشید به‌طور عمود بر خط استوا می‌تابد و کره ماه چهره خود را به اهل زمین نشان می‌دهد. سال و ماه سایر ممالک چنین مطابقتی با گردش افلاک ندارد و سال و ماه آن‌ها غیرطبیعی است.

﴿۳۸﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ أَنْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَنْتَقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَّعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا

قَلِيلٌ
ای اهل ایمان! شما را چه می‌شود که هنگام اعلام فرمان جهاد، سنگینی شما را فراموش می‌کند، آیا زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح می‌دهید؟، با اینکه متاع دنیا در

مقابل آخرت هیچ است

﴿۳۹﴾ **إِلَّا تَنْفِرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبْدِلَ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّهُ شَيْئًا**

وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اگر برای جهاد حرکت نکنید، دشمن با تسلط خود شما

را سخت عذاب می‌کند و خدا برای احیای دین، اقوام دیگری به جای شما استخدام

می‌کند، به خانه خزیدن شما به خدا ضرری نمی‌رساند، خداوند به هر کاری قادر است

﴿۴۰﴾ **إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيًا أَتَيْنِي إِذْ هُمَا فِي**

الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ

بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَىٰ وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ

عَزِيزٌ حَكِيمٌ اگر شما رسول ما را یاری نمی‌کنید مانعی ندارد، خدا او را یاری

نمود که دیدید کفار مکه او را یعنی نفر دوم از آن دو نفر را اخراج نمودند، آنجا که

در غار ثور پنهان بودند، رسول خدا به رفیق خود گفت: ناراحت نباش خدا با ماست،

خداوند روح آرامش بر رسول خود نازل فرمود و او را با لشکر نامرئی کمک کرد،

نقشه کفار را پست و نقشه خود را برتر قرارداد، خدا حکیم و نفوذ ناپذیر است

﴿۴۱﴾ **أَنْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ**

خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ در راه خدا سبک یا سنگین، پیاده و یا سواره

حرکت کنید، با مال و جان خود جهاد نمایید، اگر عقلتان برسد، جهاد برای شما بهتر

است که عزت و عظمت پیدا می‌کنید

﴿۴۲﴾ **لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَاتَّبَعُوكَ وَلَٰكِن بَعُدَتْ عَلَيْهِمُ الشُّقَّةُ**

وَسَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَوِ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ يُهْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّهُمْ

لَكَذِبُونَ سفرهای جهاد اگر کم زحمت و پُرغنیمت باشد، اجابت می‌کند اما این

سفر (جنگ تبوک) که پُرمشقت و زحمت است، کوتاهی دارند و بعد از مراجعت قسم می‌خورند که اگر توانایی داشتیم می‌آمدیم، با این عذرخواهی‌ها خود را هلاک می‌کنند ، خداوند می‌داند که دروغ می‌گویند

﴿٤٣﴾ عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذِنَتْ لَهُمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَتَعْلَمَ الْكٰذِبِينَ
خدا از تو بگذرد، چرا پیش از مشخص شدن مجاهد و منافق به آن‌ها مرخصی دادی؟
(که جهاد نکنند و خود را هم مسلمان بدانند)

﴿٤٤﴾ لَا يَسْتَعِدُّنَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَن يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ
کسانی که ایمان به خدا و آخرت دارند، اذن و اجازه مرخصی از جهاد نمی‌گیرند ، با مال و جان خود در راه خدا جهاد می‌کنند ، خداوند اهل تقوا را می‌شناسد

﴿٤٥﴾ إِنَّمَا يَسْتَعِدُّنَكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَرْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ
کسانی اذن ترک جهاد می‌گیرند که ایمان به خدا و آخرت ندارند، در شک و شبهه هستند و دائم مرددند

﴿٤٦﴾ ﴿٥﴾ وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً وَلَكِن كَرِهَ اللَّهُ أَنِيبَعَاتِهِمْ فَثَبَّطَهُمْ وَقِيلَ أَفَعَدُّوا مَعَ الْقَاعِدِينَ
و اگر هم تصمیم به جهاد بگیرند امروز و فردا می‌کنند مستحق فیض شهادت نیستند، خدا توفیق جهاد به آن‌ها نمی‌دهد تا با خانه نشینان بنشینند

﴿٤٧﴾ ﴿٦﴾ لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَا أُضْعَوُا خِلَالَكُمْ يَبْغُونَكُمُ الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمَّعُونَ لَهُمُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ
اگر هم با شما حرکت کنند

با نِقِيق و غُرُغُر، مجاهدین را به ضعف و سستی می کشانند، آن‌ها را به دایره فتنه و فساد می برند و عده‌ای هم از آن‌ها می شنوند (و جاسوسی می کنند) ، خدا ظالمین را می شناسد

﴿۴۸﴾ لَقَدْ ابْتَغَوْا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلُ وَقَلَّبُوا لَكَ الْأُمُورَ حَتَّىٰ جَاءَ الْحَقُّ وَظَهَرَ أَمْرُ

اللَّهِ وَهُمْ كَاذِبُونَ پیش از این فتنه جویی کردند، کارهای تو را زیرورو می کردند تا اینکه حقیقت روشن و تقدیر خدا خلاف میل آن‌ها ظاهر شد

﴿۴۹﴾ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَقُولُ أُنْذِنَ لِي وَلَا تَفْتِنِي أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ

لَمَحِيظَةٌ بِالْكَافِرِينَ بعضی از آن‌ها می گویند: به ما اجازه ترک جهاد بده بدون اینکه ما را آزمایش کنی تا رسوا شویم، آن‌ها با ترک جهاد در فتنه و رسوایی واقع شدند ، خط حرکت به سوی جهنم بر کفار احاطه دارد (خط حرکت بر متحرک حاکم است) *

* منافقین که تمامی کارهایشان خلاف طبیعت و حقیقت است به این فکرند که موجودیت واقعی خود را هم خلاف واقع جلوه دهند. می گویند: خدا و رسول، دروغ ما را راست جلوه دهند، تنبلی و خانه نشینی ما را جهاد بشناسند. کفر ما را به جای ایمان بدانند یعنی شب را به جای روز و روز را به جای شب بدانند. می گویند: ای رسول خدا! خانه نشینی و بی عرضگی ما را جهاد بشناس و بگو: مجاهدین خودشان راست می گویند که بی دین اند اما رسول خدا به دروغ بگوید: مؤمن و مسلمان اند.

﴿۵۰﴾ إِنْ تُصِيبَكَ حَسَنَةٌ فَسُؤُهُمْ وَإِنْ تُصِيبَكَ مُصِيبَةٌ يَقُولُوا قَدْ أَخَذْنَا أَمْرَنَا مِنْ

قَبْلُ وَيَتَوَلَّوْا وَهُمْ فَرِحُونَ اگر موفق شوی ناراحت می شوند و اگر شکست بخوری می گویند: الحمد لله که ما وظیفه خود را پیش از این دانستیم، با نشاط و خوش حالی کنار می روند

﴿۵۱﴾ قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

به آنها بگو: شکست یا پیروزی، هر چه خدا مقدر می کند، به ما می رسد، او مولای ما است، مؤمنین به خدا توکل دارند

﴿۵۲﴾ قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمْ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِّنْ عِنْدِهِ أَوْ بِأَيْدِينَا فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ

شما منافقین، چه سرنوشتی برای ما انتظار می کشید؟ حتماً یکی از این دو سرنوشت، یا پیروزی یا شهادت و اما انتظار ما این است که خداوند شمارا به دست ما یا به اراده خودش معذب نماید، شما منتظر باشید که ما هم منتظریم

﴿۵۳﴾ قُلْ أَنْفِقُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا لَنْ يُتَقَبَلَ مِنْكُمْ إِن كُمْ كُنْتُمْ قَوْمًا فَاسِقِينَ

بگو: هر چه می توانید فداکاری کنید، از شما هرگز قبول نمی شود که شما فاسقید

﴿۵۴﴾ وَمَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقَبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَىٰ وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ

شما این است که کافر به خدا و رسول شده اید، با سستی و کسالت وارد نماز می شوید و مال خود را با کراهت انفاق می کنید

﴿۵۵﴾ فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ

الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ کثرت مال و اولاد آنها تو را متعجب نکند، خداوند با این مال و اولاد، آنها را در دنیا معذب می کند و در حال کفر جان آنها را می گیرد

﴿۵۶﴾ وَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنَّهُمْ لَمِنْكُمْ وَمَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَكِنَّهُمْ قَوْمٌ يَفْرَقُونَ

قسم

می خورند که ما از شما مییم با اینکه از شما نیستند بلکه قومی متفرق و تفرقه اندازند

﴿۵۷﴾ لَوْ يَجِدُونَ مَلَجًا أَوْ مَغْرَبًا أَوْ مُدْخَلًا لَّوَلَّوْا إِلَيْهِ وَهُمْ يَجْمَحُونَ اگر

پناهگاهی یا غاری و یا جای ورود دیگری پیدا کنند به آنجا می خزند ، مانند اسب
چموش سر می جنبانند

﴿۵۸﴾ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رَضُوا وَإِنْ لَمْ يُعْطُوا مِنْهَا

إِذَا هُمْ يَسْحَطُونَ هنگام تقسیم صدقات از گوشه چشم نگاه می کنند که اگر سهمی
به آنها دادید راضی هستند، اگر ندادید خشمناک اند

﴿۵۹﴾ وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِنْ

فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ اگر طمع کار نیستند به داده خدا و رسول
قناعت کنند، بگویند: لطف خدا و رسول برای ما کافی است، خدا آنچه بخواهد از
لطف خود می رساند و بگویند: ما به لطف خدا راغب هستیم

﴿۶۰﴾ إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَمِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ

وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَرَمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ
حَكِيمٌ صدقات فقط برای فقرا و مساکین و مقروضین و مأمورین جمع آوری و
برای تألیف قلوب و آزادی بردگان و واماندگان در راه مسافرت و مقاصد تکاملی
مصرف می شود ، تقسیم صدقات به نام بردگان فریضه الهی است ، خداوند حکیم و
داناست

﴿۶۱﴾ وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنٌ خَيْرٌ لَّكُمْ يُؤْمِنُ

بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ

عَذَابُ أَلِيمٌ بعضی منافقین رسول خدا را اذیت می کنند و می گویند: چقدر ساده و خوش باور است، بگو: خوش باوری او به نفع شماست که به گفته های خدا و مؤمنین ایمان و اطمینان دارد و برای مؤمنین منشأ رحمت و برکت است، کسانی که رسول خدا را اذیت می کنند، به عذابی الیم معذب می شوند *

* سیاست رسول خدا(ص) که بر جمع و جور کردن مردم و واگذاری مقدرات آنها به خدا بود چاره ای نداشت جز اینکه تظاهر خلاف حقیقت آنها را به جای حقیقت بشناسد و متعرض نیت باطنی آنها نشود و خوش برخورد باشد. تظاهر به محبت و دوستی رسول خدا دارند، قبول کند گرچه در واقع دشمن اند. خیال می کردند خودشان زرنگ اند و رسول خدا ساده است و گفتند: **قُلْ أَدُنُّ خَيْرٌ لَّكُمْ**.

﴿۶۲﴾ **يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ لِيُرْضُوكُمْ وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَقُّ أَنْ يُرْضُوهُ إِنْ كَانُوا**

مُؤْمِنِينَ به خدا قسم می خورند تا با قسم تو را راضی کنند، شایسته است که اول خدا و رسول را راضی کنند اگر ایمان به خدا دارند

﴿۶۳﴾ **أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّهُ مَن يُحَادِدِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَأَنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا**

ذَلِكَ الْخِزْيُ الْعَظِيمُ مگر نمی دانند کسی که با خدا و رسول دشمنی کند، عاقبت جایش جهنم است که در آن مخلد است، چه رسوایی بزرگی است جهنم

﴿۶۴﴾ **يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلِ اسْتَهِزُّوْا**

إِنَّ اللَّهَ مُخْرِجٌ مَّا تَحْذَرُونَ همیشه می ترسند سوره ای نازل شود، سر آنها را فاش کند و در عین حال مسخره می کند (آهسته بگو، جبرائیل نشود)، بگو: مسخره کنید، خدا سر شمارا فاش می کند تا مردم شمارا بشناسند *

* خداوند در این آیات حقیقت نیت آنها را به رسول اکرم گزارش می داد اما رسول خدا

تطبيق نمی‌داد که مصادیق این آیات چه کسانی هستند مبادا حسن ظن مسلمانان به یکدیگر از بین برود. در نتیجه یک ارتش نیرومندی به وجود آورد که در آینده آن همه فتوحات اسلامی ساختند و دنیای متمدن را به دایره اسلام کشانیدند.

﴿۶۵﴾ وَلَئِن سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ أَبِاللَّهِ وَءَايَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِءُونَ
 اگر ایراد بگیری که چرا مسخره می‌کنید، می‌گویند: شوخی می‌کنیم، بگو: آیا خدا و رسول را ملعبه ساخته‌اید؟

﴿۶۶﴾ لَا تَعْتَدِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ إِنَّ نَعْفَ عَنْ طَآئِفَةٍ مِّنْكُمْ نُعَذِّبُ طَآئِفَةً بِأَنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ
 عذرخواهی نکنید، شما بعد از ایمان کافر شده‌اید، اگر از گناه عده‌ای بگذریم، دیگران را عذاب خواهیم کرد

﴿۶۷﴾ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُم مِّنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ
 زن و مرد منافق یک قماش‌اند، مردم را به بدی امر و از نیکی‌ها نهی می‌کنند، خشک و خشن‌اند، خدا را فراموش کردند، خدا نیز آن‌ها را فراموش کرد، منافق همان فاسق است

﴿۶۸﴾ وَعَدَّ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعَنَهُمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ
 خدا، زن و مرد منافق و کافر را تهدید به جهنم می‌کند که بهترین جواب اعمال آن‌ها است، خدا آن‌ها را از رحمت خود دور ساخته و دائم در رنج و عذاب خواهند بود

﴿۶۹﴾ كَالَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَأَكْثَرَ أَمْوَالًا وَأُولَادًا فَاسْتَمْتَعُوا

بِخَلْقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُمْ بِخَلْقِكُمْ كَمَا اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخَلْقِهِمْ وَخُضْتُمْ كَالَّذِي خَاضُوا أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَلُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

مانند گذشتگان از کافر و منافق که از آن‌ها قوی‌تر بودند و مال و اولاد بیشتری داشتند، از نفاق خود بهره‌دنیایی بردند، شما منافقین اسلام هم مانند آن‌ها دست به همان اعمالی می‌زنید که آن‌ها زدند، اعمال آن‌ها در دنیا و آخرت بی‌ثمر ماند، گروه منافق زیان‌کارند

﴿۷۰﴾ أَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَقَوْمِ إِبْرَاهِيمَ وَأَصْحَابِ مَدْيَنَ وَالْمُؤْتَفِكَاتِ أَتَتْهُمُ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

مگر داستان گذشتگان مانند قوم نوح و قوم عاد و ثمود و قوم ابراهیم و اصحاب مدین و سایر مشرکین را نشنیدید که رسولان با دلایل روشن آن‌ها را دعوت نمودند، چه سرنوشتی پیدا کردند، خدا به آن‌ها ستم نکرد، آن‌ها به خود ستم کردند

﴿۷۱﴾ وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

هستند، رابطه دوستی و ولایتی دارند، به نیکی امر و از بدی‌ها نهی می‌کنند، با اقامه نماز و اداء زکات رابطه خود را با خدا و بندگان خدا شدت می‌دهند، از خدا و رسول اطاعت می‌کنند، آن‌ها ایند که به زودی مشمول لطف خدا واقع می‌شوند، خدا غالب و حکیم است

﴿۷۲﴾ وَعَدَّ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا

وَمَسْكِنٍ طَيِّبَةٍ فِي جَنَّاتٍ وَعْدْنٍ وَرِضْوَانٍ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

خداوند به زن و مرد مؤمن وعده می‌دهد که آن‌ها را به علم و قدرتی برساند که از آن، نهرهای ثروت و نعمت جاری شود، علم و قدرتی که اصل و معدن همه نعمت‌هاست، مساکن طیب و طاهر بهشت و از همه بزرگ‌تر، رضایت خداوند که سعادت بی‌نهایت است *

* درست دقت کنید اگر بهشت را در این آیه و آیات دیگر به صورت باغی پر از درخت بدانید که از زیر درخت‌ها نهر جاری باشد، این فهم ساده و سطحی خود را با وعده خدا بسنجید که می‌گوید: وسعت بهشت شما برابر وسعت آسمان‌ها و زمین‌ها است یعنی اگر بهشتی شدی کل عالم خلقت برای تو بهشت است، یا می‌گوید: در آنجا شیر و عسل و شراب طهور مانند نهر در جریان است. به‌طور کلی می‌گوید: آنچه می‌خواهی مانند نهر در اختیار قرار می‌گیرد. اگر بهشت مانند یک باغی در اختیار انسان است و از طرفی کل عالم خلقت برای او بهشت است شما اگر در آن باغ متوقفید چطور می‌توانید در کل فضا آزاد باشید. مگر ممکن است هر جا بروید باغ بهشت را به همراه خود ببرید. اما اگر باغ و بهشت، خودتان باشید که به اسم اعظم و نیروی اعجاز مجهزید، مانند انبیاء اراده *كُنْ فَيَكُونُ* دارید که به هر جا می‌روید، هر چه می‌خواهید به اراده خودتان حاضر می‌شود، در این صورت کل عالم خلقت برای شما بهشت است. مثلاً می‌خواهید میلیون‌ها نفر را به فضا ببرید و از آن‌ها پذیرایی کنید چون مجهز به علم و قدرت خدا و یا دعای مستجاب هستید، هر جا باشید و هر چه می‌خواهید حاضر است. پس خودتان به لطف خدا جنات عدن هستید. معنای بهشت را از حدیث نافله بشناسید که خداوند می‌فرماید: *لَا يَزَالُ يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ عَبْدِي بِالنَّوَافِلِ حَتَّى كُنْتُ سَمَعَهُ الَّذِي بِهِ يَسْمَعُ وَبَصَرَهُ الَّذِي بِهِ يَبْصُرُ حَتَّى أَقُولَ أَنَا كُنْ فَيَكُونُ وَيَقُولُ هُوَ كُنْ فَيَكُونُ*. خلاصه حدیث این است که خدا می‌گوید: مؤمن را مجهز به اراده خودم می‌کنم که هر جا برود و هر چه بخواهد آماده است. پس انسان‌های بهشتی خودشان جنات عدن‌اند و شما بنده خدا باید این حقیقت را بدانید که رابطه بنده مؤمن با خدا رابطه شاگرد با استاد است. بندگی به معنای بردگی نیست، بنده مؤمن در مکتب ولایت به وسیله عبادت از خدا می‌آموزد. همان‌طور که هر استادی علم و هنر خودش

را به شاگردش می آموزد و او را جای خودش می نشاند، خداوند متعال همین طور علم و هنر خودش را به بنده اش می آموزد و او را خلیفه خود می کند، در این صورت انسان مجهز به اسماء و صفات خدا می شود، هر جا باشد و هر چه بخواهد آماده است. اگر کسانی فکر می کنند که امام زمان (عج) الآن در کره زمین مانند من و شما زندگی می کند، مانند من و شما در صف شیر و پنیر معطل می شوند یا در جزیره خضرا زن و بچه دارند، خیلی در اشتباه اند که زندگی او را در وضع دنیایی می دانند. آن ها خودشان جَنَاتٍ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ هستند. آنچه می خواهند و لازم دارند فوری در اختیار آنهاست و همه این ها موفقیت یک انسان بهشتی است. از همین افسانه ها است که می گویند: وقتی ظاهر شود جوی خون راه می اندازد، او را به صورت یک انسان قَبِيءُ الْقَلْبِ جلوه می دهند. با اینکه مظهر رحمت خداست، می گویند: هفت سال حکومت می کند و عاقبت یک پیرزن ریش دار او را به قتل می رساند دیگر نمی گویند: چه ظلمی برای اهل عالم از این بالاتر که او را بکشند. پس چطور دنیا را پر از عدل داد می کند و چگونه خون همه انبیاء را از قاتلان آنها مطالبه می کند که باید انبیاء و قاتلان آنها را زنده کند. این همه حدیث در کتاب **إِلْزَامُ النَّاصِبِ** که قیام او را قیامت می داند، نادیده می گیرند.

﴿۷۳﴾ **يَأْتِيهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَهُمْ جَهَنَّمُ**
وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ای رسول خدا! با کفار و منافقین بجنگ و بر آنها سخت بگیر که
جای آنها جهنم است، چه بد عاقبتی است جهنم

﴿۷۴﴾ **يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ وَهَمُّوا**
بِمَا لَمْ يَنْأَلُوا وَمَا نَقَمُوا إِلَّا أَنْ أَغْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ فَإِنْ يَتُوبُوا يَكُ
خَيْرًا لَهُمْ وَإِنْ يَتَوَلَّوْا يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ
مِنْ وَّلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ برای اثبات گفته خود قسم می خورند با اینکه کاذب اند، آنها
بعد از قبول اسلام به کفر برگشتند، علیه رسول خدا فعالیت کردند، ثروت و نعمتی را
که از لطف خدا و پیامبر به دست آوردند، علیه اسلام به کار بردند، اگر توبه کنند

برایشان بهتر است و اگر به نفاق خود ادامه دهند، خدا سخت آنها را در دنیا و آخرت عذاب خواهد کرد و دیگر ولی و ناصری نخواهند داشت

﴿۷۵﴾ وَمِنْهُمْ مَّنْ عَاهَدَ اللَّهُ لَئِنْ آتَيْنَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ

الصَّالِحِينَ بعضی با خدا عهد و پیمان می‌بندند که اگر خدا ثروتی به آنها برساند، در راه خدا صدقه بدهند و مؤمن و صالح باشند

﴿۷۶﴾ فَلَمَّا آتَاهُمْ مِّنْ فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُّعْرِضُونَ اما وقتی که

خداوند مال و ثروت به آنها داد بخل نمودند، معاهده خود را پشت سر انداختند و از دین خدا اعراض کردند

﴿۷۷﴾ فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا

كَانُوا يَكْذِبُونَ عهدشکنی، نفاق آنها را شدت داد که تا روز لقاءالله باقی است، برای اینکه دروغ گفتند، خلف وعده نمودند

﴿۷۸﴾ أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ وَأَنَّ اللَّهَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ مگر

نمی‌دانند که خدا از سرّ و نجوای آنها آگاه است، خدا عالم به غیب است

﴿۷۹﴾ الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا

جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ آنها اهل ایمان را به دلیل صدقات کوچکی که می‌دهند و بیشتر از آن ندارند، با چشم و چشمک مسخره می‌کنند، خدا آنها را مسخره می‌کند و آنها را در انتظار عذابی الیم می‌گذارد

﴿۸۰﴾ أَسْتَغْفِرُ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرُ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ

لَهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ برای

آن‌ها مغفرت بخواهی و یا نخواهی، اگر هفتاد مرتبه مغفرت بخواهی، خدا آن‌ها را نمی‌آمرزد زیرا آن‌ها کافر به خدا و رسول شدند و خداوند کافر را هدایت نمی‌کند (زیرا نمی‌شود)

﴿۸۱﴾ فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ

متخلفین از جهاد در راه خدا خوش حال بودند که خلاف رأی رسول خدا در خانه نشسته‌اند و حاضر نشدند با مال و جان خود در راه خدا جهاد کنند، به یکدیگر می‌گویند: هوا گرم است به جهاد نروید، بگو: حرارت جهنم که نتیجه ظلم و گناه است، بیشتر است اگر شعورتان برسد

﴿۸۲﴾ فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

بگو: امروز در دنیا کمی خوش حال و در آخرت زیاد ناراحت باشید که ثمره نفاق شماست

﴿۸۳﴾ فَإِنْ رَجَعَكَ اللَّهُ إِلَى طَائِفَةٍ مِّنْهُمْ فَاسْتَعِذْنَاكَ لِلْخُرُوجِ فَقُلْ لَنْ تَخْرُجُوا مَعِيَ أَبَدًا وَلَنْ تُقَاتِلُوا مَعِيَ عَدُوًّا إِنَّكُمْ رَضِيتُمْ بِالْقُعُودِ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَاقْعُدُوا مَعَ الْخَالِفِينَ

وقتی که به سلامت از جنگ برگردی، از تو اجازه جهاد می‌خواهند بگو: نه، شما هرگز با من به جهاد نمی‌روید و با دشمن نمی‌جنگید، شما در اولین روز جنگ در خانه نشستید و الآن هم در خانه بنشینید

﴿۸۴﴾ وَلَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِّنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ

اگر یکی از آن‌ها مُرد بر او نماز نخوانی و سر قبرش نایستی، آن‌ها کافر به خدا و رسول شدند و در خط کفر و گناه مُردند

﴿۸۵﴾ وَلَا تُعْجِبَكَ أَمْوَالُهُمْ وَأَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ

از کثرت مال و اولاد آنها تعجب نکن ، خداوند می خواهد با این مال و اولاد آنها را در دنیا عذاب کند و در حال کفر جان آنها را بگیرد

﴿۸۶﴾ وَإِذَا أَنْزَلْتَ سُورَةَ أَنْ ءَامِنُوا بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَعْتَدْنَا أَوْلُوا الطَّوْلِ مِنْهُمْ وَقَالُوا ذَرْنَا نَكُنْ مَعَ الْقَاعِدِينَ

به محض اینکه سوره ای نازل می شود که در آن دستور ایمان به خدا و رسول و جهاد است، ثروتمندان از تو اجازه می گیرند که بگذار تا با خانه نشینان بنشینیم

﴿۸۷﴾ رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ

راضی شدند که با مخالفین باشند، دریچه فهم آنها به دلیل خودپرستی بسته شده، جنسیت خود را نمی شناسند

﴿۸۸﴾ لَكِنِ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأَوْلِيكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأُولِيكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

ولی رسول خدا و همراهانش با مال و جان خود در راه خدا جهاد می کنند ، برکات الهی شامل حال آنها می شود و رستگارند

﴿۸۹﴾ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

خدا برای آنها علم و قدرتی مهیا کرده که از آن، نعمت ها مانند نهر جریان پیدا می کند، در این وضعیت جاوید هستند ، این است رستگاری بزرگ

﴿۹۰﴾ وَجَاءَ الْمُعَذِّرُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ لِيُؤْذَنَ لَهُمْ وَقَعَدَ الَّذِينَ كَذَبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

عذرتراشان عرب، خدمت می رسند

اجازه ترک جهاد بگیرند ، بعضی هم که به خدا و رسول دروغ می گویند، در خانه نشسته اند ، کافران از آن ها به عذاب سختی معذب خواهند شد

﴿۹۱﴾ لَيْسَ عَلَى الضُّعَفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يُنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ
ضعفا و مریض ها و فقرایی که چیزی ندارند انفاق کنند، مسئول ترک جهاد نیستند ، نیکو کاران محکومیت ندارند ، آن ها با زبان و بیان به رسول خدا خدمت می کنند

﴿۹۲﴾ وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَا أَجِدُ مَا أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا وَأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يُنْفِقُونَ
همین طور مسلمانانی که خدمت می رسند تا کاری به آن ها محول کنی، می گویی: کاری ندارم ناراحت می شوند، می گریند که چرا نمی توانند خدمت کنند

(جزء ۱۱) ﴿۹۳﴾ إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَسْتَعِذُّونَكَ وَهُمْ أَغْنِيَاءُ رِضْوًا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ
ترک جهادند که قدرتمندند و اجازه ترک جهاد می گیرند و دوست دارند که با مخالفین باشند ، راه فهم آن ها با هدف دنیایی بسته شده و نمی توانند بدانند

﴿۹۴﴾ يَعْتَذِرُونَ إِلَيْكُمْ إِذَا رَجَعْتُمْ إِلَيْهِمْ قُلْ لَا تَعْتَذِرُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكُمْ قَدْ نَبَّأَنَا اللَّهُ مِنْ أَخْبَارِكُمْ وَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عِلْمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ
وقتی که از جنگ مراجعت کنی، می آیند عذرخواهی می کنند ، بگو: عذرخواهی نکنید، خدا فکر و عقیده شما را به ما خبر داده است ، به زودی خدا و رسول نفاق شما را آشکار خواهند کرد، سپس به سوی خدایی

که عالم به غیب و شهود است، رجوع خواهید نمود و از اعمالتان باخبر خواهید شد

﴿۹۵﴾ سَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ إِذَا أُنْقَلَبْتُمْ إِلَيْهِمْ لِتُعْرِضُوا عَنْهُمْ فَأَعْرِضُوا عَنْهُمْ إِنَّهُمْ رِجْسٌ وَمَأْوَهُم جَهَنَّمُ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ قسم می خورند و خواهش دارند که اگر با آنها روبه‌رو شدی بی‌اعتنایی نکنی، نه! به آنها بی‌اعتنا باش، آنها پلیدند، جایشان جهنم است که نتیجه کار و کسب و نفاق آنها است

﴿۹۶﴾ يَحْلِفُونَ لَكُمْ لِتَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنْ تَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَرْضَىٰ عَنِ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ و باز خواهش می‌کنند که از ما راضی و خوش‌برخورد باش، اگر شما از آنها راضی شدید، خداوند از آدم فاسق راضی نخواهد بود

﴿۹۷﴾ الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَنِفَاقًا وَأَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ کفر و نفاق اعراب از همه ملت‌ها بیشتر و آنها به جهل و نادانی از همه سزاوارترند، خداوند دانا و حکیم است

﴿۹۸﴾ وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ مَغْرَمًا وَيَتَرَبَّصُّ بِكُمْ الدَّوَابِرَ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ بعضی اعراب غرامت انفاقات خود را می‌جویند، منتظرند شکستی پیدا شود و رژیم اسلامی برود تا آنها انتقام مالی و خونی خود را بطلبند، نمی‌دانند که خودشان در محاصره بلاهایند، خدا شنوا و داناست

﴿۹۹﴾ وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ قُرْبًا عِنْدَ اللَّهِ وَصَلَوَاتِ الرَّسُولِ أَلَّا إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَهُمْ سَيُدْخِلُهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ و بعضی که ایمان به خدا و آخرت آورده‌اند، هدفشان از انفاقات تقرب به خدا و دعای پیامبر است، آنها با این انفاقات مقرب شده‌اند، لطف خداوند آنها را

فرامی گیرد ، خداوند آمرزنده و مهربان است

﴿۱۰۰﴾ وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

پیشتانان اسلام از مهاجرین و انصار و کسانی که در خط احسان از آنها پیروی نمودند، از خدا راضی‌اند و خدا از آنها راضی است، خدا آنها را به علم و قدرتی مجهز می‌کند که از آن، نعمت و لذت مانند نهر جریان پیدا می‌کند، تا ابد در آن وضع مخلدند که این سعادت بسیار بزرگ است *

* جَنَّاتٍ عِدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ، تجهیزات وجودی انسان است. وقتی که انسان به علم و اراده خدا مجهز می‌شود، جنات عدن است مانند انسان‌های معجزه‌گر که حاکم بر علت و معلول‌های طبیعی هستند. انسان‌ها در زندگی آخرت مجهز به اسماء و صفات خدا می‌شوند و بر هر کاری قادر و توانايند.

﴿۱۰۱﴾ وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَىٰ النَّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ سَنُعَذِّبُهُمْ مَّرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ

بعضی اعراب در اطراف شما منافقانند و بعضی دیگر از آنها پیروی می‌کنند ، تو آنها را نمی‌شناسی ، ما می‌شناسیم ، به‌زودی آنها را برای امتحان دومرتبه در دنیا معذب می‌کنیم و بعد در آخرت به عذابی سخت معذب خواهیم کرد *

* خداوند در همه‌جا در تاریخ، کفار و منافقین را دو بار در زندگی امتحان می‌کند شاید عظمت خدا را درک نموده ایمان آورند. در ابتدای زندگی به آنها ثروت و سلامتی می‌دهد، در رفاه و آسایش به‌جای شکرگزاری خدا و خدمت به مردم خودخواهی و تکبر آنها را فرامی‌گیرد و آن ثروت و سلامتی را مربوط به ارزش وجودی خود دانسته به خدا و اولیاء خدا بی‌اعتنایی می‌کنند. خدا به مجازات بی‌اعتنایی آنها را به فقر مبتلا می‌کند.

به جای اینکه توبه کنند و به خدا پناهنده شوند فقر خود را توجیه می کنند که قانون دنیا همین است. گهی پشت به زین و گهی زین به پشت. آن ها نمی گویند: شکر خدا را به جا نیاوردیم تنبیه شدیم. خدا دومرتبه آن ها را به ثروت و سلامتی می رساند و بازهم غرور و تکبر آن ها را فرامی گیرد و این فقر و غنا را به حساب تربیت و تعلیم خدا نمی دانند. شکر خدا را به جا نمی آورند و گرایش به حق پیدا نمی کنند، در این صورت مشمول کیفر خدا می شوند، کیفر خدا چنین است که مرتبه سوم آن ها را به ثروت و قدرت می رساند غرور آن ها بیشتر و در همین غرور، مرگ آن ها فرامی رسد و به جهنم کشیده می شوند.

﴿۱۰۲﴾ وَعَاخِرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَعَاخِرَ سَيِّئًا عَسَىٰ اللَّهُ أَن يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ و عده ای از آن ها به گناهشان اعتراف می کنند، اعمال نیک و بدشان به هم مخلوط است شاید خدا از آن ها بگذرد ، خداوند آمرزنده و مهربان است

﴿۱۰۳﴾ خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ از آن ها صدقات بگیر، با این صدقات آن ها را از آلودگی به دنیا پاک می کنی و جامعه را رشد می دهی، برای آن ها دعا کن که دعای تو آن ها را آرامش می دهد ، خدا شنوا و داناست

﴿۱۰۴﴾ أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ مگر نمی دانید که قبول توبه و اخذ صدقات فقط با خداست ، خداوند توبه پذیر و مهربان است

﴿۱۰۵﴾ وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ به منافقین بگو: به هر کاری ما یلید

آزادید، خدا و رسول و مؤمنین ناظر اعمال شما هستند، به زودی در دایره حکومت خدا قرار می‌گیرید، خدایی که عالم به غیب و شهود است به اعمالتان آگاه است

﴿۱۰۶﴾ وَعَاخِرُونَ مُرْجُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ إِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ

حَكِيمٌ بعضی مسلمانان به خدا امیدوارند که شاید توبه آن‌ها را بپذیرد و یا آن‌ها را عذاب کند، خدا حکیم و داناست

﴿۱۰۷﴾ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ

حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ

لَكَذِبُونَ بعضی از منافقین به منظور کمین‌گیری و ضربه زدن به اسلام مسجدی

ساخته‌اند، مایه کفر و تفرقه‌اندازی و کمینگاه برای کسانی که به دشمنی خدا و رسول شناخته شده‌اند، می‌گویند: هدف ما خدمت به اسلام است، خداوند گواه است که دروغ می‌گویند

﴿۱۰۸﴾ لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لِمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ

فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ مبادا به مسجد آن‌ها

اعتنا کنی، مسجد خودت که از اول به نیت تقوا و اطاعت خدا ساخته شده سزاوارتر به اقامه نماز است، کسانی به این مساجد می‌روند که هدف آن‌ها طهارت و تقواست، خدا پاکان و نیکان را دوست دارد

﴿۱۰۹﴾ أَفَمَنْ أُسِّسَ بُنْيَانُهُ عَلَى تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أُسِّسَ بُنْيَانُهُ

عَلَى شَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَأَنْهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

کسی که اساس کارش بر تقوا و اطاعت خدا استوار شده بهتر است یا کسی که بنای

کارش بر لبه پرتگاهی مشرف به سقوط است تا با تکانی در جهنم سقوط کند؟ ، خدا ستم کاران را هدایت نمی کند

﴿۱۱۰﴾ لَا يَزَالُ بُنِيْنُهُمُ الَّذِي بَنَوْا رِيبَةً فِي قُلُوبِهِمْ إِلَّا أَنْ تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ همیشه زندگی آن‌ها به شک و تردید می‌گذرد، دل آن‌ها از شک آزاد نمی‌شود مگر اینکه نابود شوند ، خداوند دانا و حکیم است

﴿۱۱۱﴾ إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقْتُلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ خداوند جان و مال اهل ایمان را از آن‌ها خریداری می‌کند و در مقابل به آن‌ها بهشت می‌دهد ، در راه خدا می‌جنگند، می‌کشند یا کشته می‌شوند ، وعده‌ای است که خداوند در تورات و انجیل و قرآن به اهل ایمان داده، وعده خدا حق است ، چه کسی بهتر از خدا به وعده خود وفا می‌کند ، از این تجارت با خدا خوش حال باشید که سعادت‌ی است نامتناهی

﴿۱۱۲﴾ التَّائِبُونَ الْعَبِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الَّذِينَ يَدْعُونَ اللَّهَ خَائِفِينَ وَمِنْ يَدَيْهِ يُسْقِطُ السَّمَكَاتِ السَّابِقَ وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ كَأَنَّهُمْ يُبِيتُونَ بِأَلْسِنَتِهِمْ وَالْيَدَايِ وَأَنْسَابِهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ وَتَابَ اللَّهُ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنبَايَا الَّذِينَ آمَنُوا أَن يُبَيِّنَ اللَّهُ لَكُمْ تَابَهُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ این معامله، توبه کنندگان، عابدان و ستایش‌گران خدا و متفکرین راکع و ساجد و آمرین به معروف و ناهین از منکر و نگهبانان دین خدا هستند ، مژده باد اهل ایمان را به این تجارت الهی

﴿۱۱۳﴾ مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولَىٰ قُرْبَىٰ

مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ رسول خدا و مؤمنین حق ندارند برای مشرکین معروف و محکوم به جهنم دعا کنند گرچه مشرک و منافق خویشاوند آنها باشد

﴿۱۱۴﴾ وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ اینکه شنیده‌اید ابراهیم برای پدر مشرک خود دعا کرد، این استغفار در یک مدت محدودی بود که وعده داد شاید توبه کند اما بعد از آن که معلوم شد دشمن خداست از او تبری جست ، ابراهیم پناهنده به خدا و صبور بود

﴿۱۱۵﴾ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَهُمْ حَتَّىٰ يُبَيِّنَ لَهُم مَّا يَتَّقُونَ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ خداوند هرگز طایفه و یا افرادی را بعد از هدایت گمراه نمی‌کند تا اینکه راه و روش تقوا را روشن سازد ، خدا به همه مسائل آگاه است

﴿۱۱۶﴾ إِنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَمَا لَكُمْ مِّن دُونِ اللَّهِ مِّن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ سلطنت آسمان‌ها و زمین با خداست ، زنده می‌کند و می‌میراند ، شما به جز خداوند سرپرستی و یآوری ندارید

﴿۱۱۷﴾ لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِن بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبَ فَرِيقٍ مِّنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ خداوند رسول خود و مهاجرین و انصار را که در ایام سخت تبوک همراهی نمودند مورد عنایت خود قرارداد، با اینکه نزدیک بود دل عده‌ای از آنها متزلزل شود، لطف خدا آن دل‌ها را فراگرفت ، خداوند رئوف و مهربان است

﴿۱۱۸﴾ وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خُلِفُوا حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَن لَّا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

همچنین لطف خدا شامل آن سه نفر متخلف از جنگ شد که زندگی با وسعتش بر آنها تنگ آمد، در مضیقه قرار گرفتند و دانستند که فرار از تقدیر خدا جز به سوی خدا ممکن نیست، خدا آنها را مشمول عنایت خود قرارداد، خداوند توبه پذیر و مهربان است *

* خداوند در اواخر عمر حضرت رسول اکرم (ص) آزمایشی به وجود آورد تا خداجویان اصحاب حضرت را از آخرت جویان جدا کند و این آزمایش در جنگ تبوک اتفاق افتاد. جنگی بود راهش طولانی که آن حضرت باید به مرز شام و سوریه برود و دیگر اینکه امکانات حضرت بسیار قلیل بود. مواد غذایی کم داشتند و مسلمانان مدینه یک کیلو و دو کیلو خرما به خزینه دار جنگ می سپردند و گاهی خانمی یک مشت خرما می آورد و به حضرت تحویل می داد و حضرت او را دعا می کرد و منافقین هم مسخره می کردند که این یک مشت خرما چه سودی دارد. مسلمانان با رسول خدا (ص) حرکت کردند و رنج این سفر را به جان خود خریدند و عده ای به بهانه های مختلف از گوشه و کنار طفره می رفتند که زن و بچه و گاو و گوسفندانمان بی صاحباند، سفری پرمشقت بود که حضرت آن را سَاعَةَ الْعُسْرَةِ نامید. آذوقه جنگی کم، هوا بسیار گرم. در همین رابطه داستان آن سه نفر توبه کار واقع شد. این سه نفر مراره ابن ابی الربیع و کعب ابن مالک و هلال ابن امیه بودند. آنها از جنگ تخلف نمودند و بعد از آن که رسول خدا از جنگ برگشت، آمدند عذرخواهی نمودند. حضرت عذر آنها را نپذیرفت و دستور داد که مردم به آنها بی اعتنایی کنند و به آنها سلام نکنند، جواب سلام ندهند. تمام اهل مدینه از آنها فاصله گرفتند و به آنها بی اعتنایی کردند. زن و بچه آنها هم به آنها بی اعتنایی نمودند، در حال آزادی حبس مطلق شدند. خدا فرمود: ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ یعنی زمین با گشادیش برای آنها تنگ شد. با طنابی خود را به ستون مسجد بستند و به اصطلاح اعتصاب آب و غذا نمودند و گفتند: تا خدا توبه ما را قبول ننماید و آیه ای نازل نکند

از مسجد خارج نمی‌شویم، پیامبر فرمود: من هم به انتظار خدایم، به آن‌ها کاری ندارم. بعد از سه شبانه‌روز این آیه نازل شد و خدا توبه آن‌ها را قبول کرد رسول خدا به دست خود طناب‌ها را باز و آن‌ها را آزاد نمود.

﴿۱۱۹﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ ای اهل ایمان! تقوا پیشه کنید و همراه انسان‌های امین و صادق باشید

﴿۱۲۰﴾ مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَن رَّسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا بِأَنفُسِهِمْ عَن نَّفْسِهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطْئُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوِّ نَيْلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُم بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ شهر مدینه و اطراف آن نباید از فرمان رسول خدا تخلف کنند و از فکر و فرهنگ او فاصله بگیرند زیرا در دایره ولایت آن حضرت و در راه خدا هر نوع مصیبتی (تشنگی و گرسنگی) ببینند یا نمایش‌های جنگی که کفار را ناامید می‌کند یا امید و آرزو برای نابودی دشمن، همه این حالات و حرکات برای آن‌ها عمل صالح شناخته می‌شود، خدا اجر نیکوکاران را ضایع نمی‌گذارد

﴿۱۲۱﴾ وَلَا يُنْفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً وَلَا يَقْطَعُونَ وَادِيًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ همچنین انفاقات بزرگ و کوچک آن‌ها به هر جایی که بروند و بیایند، همه این حالات و حرکات ثبت است تا خدا اجر آن‌ها را به آن‌ها برساند

﴿۱۲۲﴾ وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَآفَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ برای همه

مؤمنین ممکن نیست باهم برای کسب دانش به مراکز علم بروند اما از هر طایفه افرادی وظیفه دارند از مسیر تماس با علما فقاقت پیدا کنند و بعد از مراجعت به قوم خود آن‌ها را ارشاد نمایند، شاید از کفر و گناه برگردند

﴿۱۲۳﴾ **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ** ای اهل ایمان! با گروه کفار که در اطراف شما هستند، بجنگید تا آن‌ها خشم و خشونت شما را احساس کنند، بدانید که نصرت خداوند با پرهیزکاران است

﴿۱۲۴﴾ **وَإِذَا مَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ فَمِنْهُمْ مَن يَقُولُ أَيُّكُمْ زَادَتْهُ هَذِهِ ءِيمَانًا فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا فزَادَتْهُمْ ءِيمَانًا وَهُمْ يَسْتَبْشِرُونَ** وقتی که سوره‌ای نازل می‌شود، بعضی از منافقین به مسخره می‌گویند: ایمان کدام‌یک از شما زیاد شده، بگو: آن‌ها که اهل ایمان‌اند ایمانشان زیاد شده و نشاط یافته‌اند

﴿۱۲۵﴾ **وَإِنَّمَا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَىٰ رِجْسِهِمْ وَمَاتُوا وَهُمْ كَافِرُونَ** و اما کسانی که به مرض نفاق آلوده‌اند، پلیدی مضاعف پیدا می‌کنند و در حال کفر می‌میرند

﴿۱۲۶﴾ **أُولَٰئِكَ يَرْوَنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَّرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذَكَّرُونَ** چرا به حال خود نمی‌نگرند که هر سالی یکی دو مرتبه آزمایش می‌شوند که شاید توبه کنند ولی نفاقشان زیادتر می‌شود و شعور حق‌شناسی پیدا نمی‌کنند *

* این آزمایش‌ها از جانب خداوند برای این است که انسان‌ها با علم و عمل خود آن درجات را به وجود آورند تا تفاوت درجات در زندگی، نتیجه علم و عملی باشد که به فکر و اراده خود

عامل آن بوده‌اند نه اینکه خدا یا ائمه(ع) آن تفاوت درجات و مقامات را به وجود آورده باشند. خدا در دنیا آزادی برای انسان به وجود آورده تا نفس خود را بشناسد که چگونه او را به هلاکت می‌کشاند و این بتِ نفس او را به اراده خود می‌چرخاند و اگر عذابی می‌کشد از خود شکایت کند.

﴿۱۲۷﴾ وَإِذَا مَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ نَّظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ هَلْ يَرَيْنَكُمْ مِّنْ أَحَدٍ ثُمَّ أَنْصَرَفُوا صَرَفَ اللَّهِ قُلُوبَهُمْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ

وقتی که سوره‌ای در معرفی منافق نازل می‌شود، به یکدیگر نگاه می‌کنند که چه کسی شما را دید، خداوند قلب آن‌ها را از درک حق منصرف می‌کند، عقل خود را به کار نمی‌برند

﴿۱۲۸﴾ لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ

ای مردم! رسولی از خودتان که با شما رابطه نفسانی دارد و از خودتان است به سوی شما فرستادم که رنج و زحمت شما بر او ناگوار است، به هدایت شما حریص است و نسبت به مؤمنین رئوف و مهربان است

﴿۱۲۹﴾ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

اگر از دین و دعوت تو اعراض کردند بگو: خدا مرا کافی است، به جز او خدایی نیست، به او توکل نمودم، او سلطانی عظیم و مقتدر است.

آیاتها ۱۰۹

سُورَةُ يُوسُفَ

المکّی

این سوره به مناسبت اینکه داستان یونس نبی در آن بیان شده، به نام او نامیده شده است. حروف مانند حروف در سوره‌های دیگر اشاره به اصول آفرینش و اصول حوادث است. کلمات متناهی و حروف نامتناهی است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ الرَّ تِلْكَ ءَايَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ الف، لام، را. حروف از معجزات این قرآن حکیمانه است که گفتن و دانستن آن از عهده خلق خدا بیرون است

﴿۲﴾ أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَى رَجُلٍ مِّنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمٌ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ قَالَ الْكٰفِرُونَ إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ مُّبِينٌ چرا برای مردم مایه تعجب است که مردی از آنها را به نبوت مبعوث کنیم تا مردم را از کفر و گناه بترساند؟، اهل ایمان را مژده دهد که بهترین زندگی رادر حکومت آخرتی الهی دارند، کفار می گویند: واضح است که این پیامبر ساحر است

﴿۳﴾ إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوٰى عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ ذٰلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ پروردگار شما کسی است که آسمان و زمین یا مراتب تکامل بشر را در شش دوره آفرید و بر عرش حاکمیت استوار شد، کسی بدون اذن او نمی تواند شفاعت کند، این است پروردگار شما، از او اطاعت کنید، چرا حقیقت را درک نمی کنید؟ *

* استوای خداوند بر عرش، دلیل حاکمیت است و حاکمیت خدا بعد از تکامل و فهم دینی مردم ممکن است. در آیات دیگر نظیر آن گفته شد که امثال این آیات مربوط به تکامل بشر است تا زمانی که از مسیر عقل و شعور، موجبات حکومت الهی را با ظهور امام زمان (عج) فراهم کند زیرا عرش که بعد از شش دوره ظهور پیدا می کند، مقام حاکمیت و حکومت خداست و حکومت خدا بر افراد بشر موضوعیت پیدا می کند؛ و پادشاهی بر افراد ذوی العُقُول است و ذوی العُقُول انسانها هستند... ائمه اطهار (ع) از این جهت عرش خدا شناخته شده اند که به وسیله آنها خدا بر مردم حاکمیت پیدا می کند. خلقت آسمانها و زمینهای معروف تدریجی نیست بلکه تربیت بشر تدریجی انجام می گیرد که به تدریج علم را فرامی گیرد. از زمان هبوط آدم تا قیام امام زمان (عج) که ابتدای ظهور سلطنت خداست، شش دوره و شش تحول در جامعه بشر

پیدا می‌شود تا موجبات ظهور امام فراهم شود و ملک عظیم و نامتناهی ائمه اطهار(ع) ظاهر شود. استوای خدا بر عرش یعنی ظهور سلطنت الهی بر انسان‌ها. چنان که می‌گوید: مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ. نقش شفاعت به اذن خدا هم قرینه است که استوای خدا بر عرش، استوای بر مقام حاکمیت است که همان روزگار قیامت است. آیات بعد هم حوادث قیامت را که حکومت الهی است توضیح می‌دهد.

﴿٤﴾ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا إِنَّهُ يَبْدُوهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

بازگشت همه شما به سوی خداست ، وعده خدا حق است ، خداست که خلقت انسان را شروع می‌کند دومرتبه آنها را به زندگی برمی‌گرداند تا اهل ایمان و عمل صالح را به لطف خود پاداش دهد ولی کفار به جز شراب داغ و عذابی دردناک بهره‌ای ندارند

﴿٥﴾ هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَّرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

خدا کسی است که خورشید را تابنده و ماه را نورانی قرارداد و برای ماه منازلی مقدر کرد تا حساب سال و ماه را در زندگی خود داشته باشید ، آنچه آفریده به منظور حاکمیت حق است ، آیات خلقت و کتاب را جدا جدا برای دانشمندان روشن می‌کنیم

﴿٦﴾ إِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَّقُونَ

اختلاف شب و روز و آنچه در آسمان و زمین آفرید برای پرهیزکاران آیت الهی است

﴿٧﴾ إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ

عَنْ ءَايَاتِنَا غَفْلُونَ کسانی که عقیده به زندگی آخرت و لقاءالله ندارند و همین زندگی دنیا را پسندیده و به آن آرامش یافته‌اند و کسانی که در غفلت و بی‌اعتنایی به دین و آیات خدا زندگی می‌کنند

﴿۸﴾ **أُولَٰئِكَ مَا لَهُمْ آلَاءٌ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ** آن‌ها جایشان جهنم است که آخرین محصول کار و کسب آن‌هاست

﴿۹﴾ **إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُم بِإِيمَانِهِمْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ** و اما کسانی که اهل ایمان و عمل صالح‌اند، پروردگار، آن‌ها را به علم و قدرتی مجهز می‌کند که از آن، نعمت و ثروت بهشتی مانند نهر جریان پیدا می‌کند (به اراده كُنْ فَيَكُونِي مجهز می‌شوند)

﴿۱۰﴾ **دَعْوَاهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَعَآخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ** علم و بیان‌شان در آنجا تسبیح و تقدیس و روابطشان باهم سلام و سلامتی است و در انتهای هر تنعمی می‌گویند: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

﴿۱۱﴾ **وَلَوْ يُعَجِّلُ اللَّهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ اسْتِعْجَالَهُمْ بِأَخَيْرٍ لَقُضِيَ إِلَيْهِمْ أَجْلُهُمْ فَبَدَّرُوا الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ** اگر خداوند آن‌چنان که نعمت و برکت را با شتاب می‌رساند، در کيفر و مجازات هم شتاب کند باید به زندگی آن‌ها خاتمه دهد، ولیکن خداوند زندگی کسانی را که عقیده به لقاءالله ندارند کورکورانه ادامه می‌دهد (شاید توبه کنند)

﴿۱۲﴾ **وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَن لَّمْ يَدْعُنَا إِلَىٰ ضُرِّ مَسَّهُ كَذٰلِكَ زُيِّنَ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا**

يَعْمَلُونَ وقتی که شرّ و بلایی به انسان می‌رسد در تمام حالات درازکش و قیام و قعود به خدا پناهنده می‌شود و زمانی که شرّ و بلا را از او برطرف می‌کنیم چنان خودسرانه می‌رود که گویی هرگز خواهشی از ما ننموده است، کفر و گناه این طور در نظر گناه‌کار جلوه می‌کند

﴿۱۳﴾ وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ ما سرکشان گذشته را به سبب

ظلم و گناه هلاک نمودیم، پیامبران با دلایل و معجزات آن‌ها را دعوت نمودند ولی ایمان نیاوردند و به جرم و گناه ادامه دادند، ما هم با نتیجه جرم و گناه آن‌ها را مجازات کردیم

﴿۱۴﴾ ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلِيفَ فِي الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ و بعد شما مردم زمان را جانشین آن‌ها ساختیم تا ببینیم چگونه عمل می‌کنید، آیا عبرت می‌گیرید؟

﴿۱۵﴾ وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا آتَتْ بِقُرْآنٍ غَيْرِ هَذَا أَوْ بَدَّلَهُ قُلْ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أُبَدِّلَهُ مِنْ تَلْقَائِي نَفْسِي إِنِّي أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابٌ يَوْمٍ عَظِيمٍ وقتی آیات ما واضح و روشن برای آن‌ها تلاوت می‌شود، کسانی که عقیده به آخرت ندارند می‌گویند: قرآن دیگری بیاور یا آن را به کتاب دیگری تبدیل کن، بگو: من حق ندارم برای خود کتاب خدا را تغییر دهم، اگر نافرمانی کنم، از عذاب بزرگ قیامت می‌ترسم

﴿۱۶﴾ قُلْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُهُ عَلَيْكُمْ وَلَا أَدْرَبَكُمْ بِهِ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِّن قَبْلِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ اگر خدا امر نمی‌کرد، قرآن را برای شما تلاوت نمی‌کردم و به شما نمی‌آموختم، عمر خود را در میان شما به سر برده‌ام، چرا عقل خود

را به کار نمی‌برید تا بدانید بعثت الهی است

﴿۱۷﴾ **فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ** چه کسی ظالم‌تر است از کسی که به خدا دروغ ببندد و یا آیات خدا را تکذیب کند؟ ، حقیقت این است که ظالم رستگار نمی‌شود

﴿۱۸﴾ **وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شَفَعَتُونَا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَتَنْبِئُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ** مجرم به جز خدا کسی را می‌پرستد که برای او نفع و ضرری ندارد، می‌گوید: بت‌ها شفعاى ما نزد خدايند ، بگو: آيا شما خدا را به چيزى در آسمان و زمين آگاه مى‌كنيد كه از آن خبر ندارد ، خدا منزه است كه مثل شما جاهل باشد

﴿۱۹﴾ **وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ** مردم در ابتدای زندگی یک‌راه و یک روش بودند بعد اختلاف پیدا کردند ، اگر تقدیر خداوند نبود (که کفر و ایمان به ثمر برسد) بین آنها قضاوت می‌کرد

﴿۲۰﴾ **وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ** می‌گویند: چرا معجزه‌ای نمی‌آورد ، بگو: مسائل غیب به دست خداست، شما منتظر باشید من هم منتظرم *

* قضاوت خدا همه‌جا به معنای خاتمه یافتن این زندگی دنیا و ظهور زندگی آخرت است. در این آیه خدا می‌گوید: من آنها را در حال کفر و گناه به آخرت نمی‌کشانم بلکه به آنها میدان و مهلت می‌دهم که شاید توبه کنند و در مسیر عفو خدا از دنیا بروند. در اوایل زندگی و جوانی اکثریت گناه‌کارند ولیکن نزدیک به اواخر عمر اکثریت گرایش به خدا دارند و با حال توبه از

دنیا می‌رود یعنی این ثروت و قدرت دنیایی و جاه و مقام شما مانند علف بهاری است که به زودی در مرگ و هلاکت جلوه دنیایی خود را از دست می‌دهید و خزان عمر شما می‌رسد.

﴿۲۱﴾ وَإِذَا أَدْقْنَا لِلنَّاسِ رَحْمَةً مِّنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ مَّسَّتْهُمْ إِذَا لَهُمْ مَكْرٌ فِي آيَاتِنَا قُلِ **اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُوبُونَ مَا تَمْكُرُونَ** وقتی که بعد از بلا و ضرر

رحمت خود را به مردم برسانم به جای تشکر و اطاعت با دین ما دسیسه‌بازی می‌کنند، به آن‌ها بگو: مکر خدا از بازی شما سریع‌تر است، مأمورین اعمال شما را ثبت می‌کنند

﴿۲۲﴾ هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ وَجَرِينَ بِيهِمْ بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِنِ أَنْجَيْتَنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ خداست که شما را در دریا و صحرا سیر می‌دهد، شما را به کشتی

می‌نشانند، کشتی با باد ملایم و سیر مطلوب حرکت می‌کند، اهل کشتی (بدون شکر گزاری خدا) خوش حال می‌شوند، در این حال باد تندی می‌وزد امواج آن‌ها را محاصره می‌کند، بعد از احساس خطر با خلوص کامل خواهش می‌کنند که ای خدا! اگر ما را از این غرقاب نجات دادی، شکر تو را به جا می‌آوریم

﴿۲۳﴾ فَلَمَّا أَنْجَاهُمْ إِذَا هُمْ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ يَأْتِيهَا النَّاسُ إِنَّمَا **بَغْيُكُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ مَتَّعَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَنُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ** به محض اینکه آن‌ها را از این غرقاب نجات دادیم، دومرتبه باز به

راه کفر و گناه ادامه می‌دهند، ای مردم! کفر و گناه به ضرر خودتان تمام می‌شود، چند روزی از دنیا بهره می‌برید و به سوی خدا بازگشت می‌کنید، عذاب کفر و گناه به خودتان برمی‌گردد

﴿۲۴﴾ إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّىٰ إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَدِرُونَ عَلَيْهَا أَتَتْهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَغْنَبِ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

زندگی دنیا مانند بارانی است که نازل می‌شود و با علف و گیاه مخلوط می‌شود زمین با این گل و گیاه زیبا جلوه می‌کند، صاحب زمین خیال می‌کند می‌تواند این جلوه را حفظ کند و بعد شب یا روز باد خزان می‌وزد، چنان گیاه و زراعت را می‌برد که اثری از آن باقی نمی‌ماند، چنان که گویی جلوه‌ای و بهاری نبود، ما این‌طور آیات عظمت خود را برای متفکرین روشن می‌کنیم

﴿۲۵﴾ وَاللَّهُ يَدْعُوهُ إِلَىٰ دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

خدا شما مردم را به دایره سلام و سلامتی دعوت می‌کند و شما را از راه راست به مقصد سعادت می‌برد

﴿۲۶﴾ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ أُولَٰئِكَ

أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

به نیکی نیکوکاران پاداش زیادتر می‌دهد،
چهره آن‌ها را ذلت و خواری نمی‌گیرد، آن‌ها اهل بهشتند و جاویدند *

* این چهره‌های سیاه‌وسفید در زندگی آخرت چهره اجتماعی آن‌هاست. مؤمنین در مسیر ایمان و تقوا عزت و عظمت پیدا می‌کنند و به‌عکس، کفار در مسیر زندگی ظلم و ستم، ذلت و خواری پیدا می‌کنند. لذا بعضی روسفید و بعضی روسیاه‌اند.

﴿۲۷﴾ وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَتَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ مَّا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ

مِنْ عَاصِمٍ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطْعًا مِّنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ

هُمَّ فِيهَا خَالِدُونَ و اما بدکاران برابر گناه خود نتیجه می گیرند، در حمایت خدا نیستند، ذلیل و خوارند ، چهره آنها چون شب تاریک سیاه است ، آنها در عذاب آتش مخلدند

﴿۲۸﴾ وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا مَكَانَكُمْ أَنْتُمْ وَشُرَكَائِكُمْ فَزَيْلَانَا بَيْنَهُمْ وَقَالَ شُرَكَائُهُمْ مَا كُنْتُمْ إِلَّا نَا تَعْبُدُونَ روزی که کفار و مشرکین را یکجا جمع می کنیم به آنها می گوئیم: چنان که هستید باشید، تظاهر خلاف واقع محال است ، تابع و متبوع را از یکدیگر جدا می کنیم ، رؤسای شرک به پیروان خود می گویند: شما هرگز از ما اطاعت نکردید (یعنی اطاعت آنها را منظور نظر ندارند)

﴿۲۹﴾ فَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ إِنْ كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ لَغْفِيلِينَ جواب می دهند: گواهی خدا بین ما و شما کافی است، ما از پرستش بت های شما غافل بودیم

﴿۳۰﴾ هُنَالِكَ تَبْلُوا كُلُّ نَفْسٍ مَّا أَسْلَفَتْ وَرُدُّوْا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمْ الْحَقُّ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ اینجاست که ثمرات کفر و ایمان مشخص می شود ، همه به سوی مولای برحق خود برمی گردند ، مظاهر خلاف حقیقت دنیا از اختیارشان خارج می شود

﴿۳۱﴾ قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ بگو: چه کسی از آسمان و زمین به شما روزی می دهد؟ چه کسی مالک شنوایی و بینایی شماست؟، کیست که زنده را از مرده و مرده را از زنده به وجود می آورد؟ چه کسی مدبر زندگی بندگان است؟ ، همه می گویند: خداست ، بگو: پس چرا از گناه و معصیت پرهیز ندارید؟

﴿۳۲﴾ فَذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ الْحَقُّ فَمَاذَا بَعَدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ

این است پروردگار برحق شما، مگر بعد از دین حق به جز ضلالت چیزی هست؟، پس به کجا می‌روید؟

﴿۳۳﴾ كَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ فَسَقُوا أَنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

ضلالت، محکومیت فاسق قطعیت پیدا می‌کند که آن‌ها دیگر ایمان نمی‌آورند

﴿۳۴﴾ قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَبْدُوا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُمْ قُلِ اللَّهُ يَبْدُوا الْخَلْقَ ثُمَّ

يُعِيدُهُمْ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ بگو: از این بت‌ها و طاغوت‌ها کسی هست که بتواند خلقی

بیافریند و آن را به ثمر برساند؟، بمیراند و زنده کند؟، خداست که خلاق را به عالم

مرگ می‌برد و به حیات برمی‌گرداند تا کجا از حقیقت دور می‌شوید؟

﴿۳۵﴾ قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ

يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ

تَحْكُمُونَ بگو: آیا از این بت‌ها و طاغوت‌ها که شریک خدا ساخته‌اید، کسی هست

که مردم را به حق هدایت کند؟ فقط خداست که مردم را هدایت می‌کند، کسی که

هدایت می‌کند سزاوارتر به پیشوایی است یا کسی که هدایت نیافته مگر اینکه هدایت

شود، شما چگونه قضاوت می‌کنید؟

﴿۳۶﴾ وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ

بِمَا يَفْعَلُونَ اکثریت مشرکین از ظن و گمان خود پیروی می‌کنند و ظن و گمان

کسی را به حق نمی‌رساند، خداوند به اعمال و افعال آن‌ها آگاه است

﴿۳۷﴾ وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَىٰ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ

يَدِيهِ وَتَفْصِيلَ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ مناسب این قرآن نیست که به غیر خدا منسوب باشد، کتابی است که علوم زمان را تصدیق می کند، مجملات کتب را روشن می سازد، شک و شبهه ای نیست که از جانب پروردگار است

﴿۳۸﴾ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَيْنَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ می گویند: به خدا دروغ بسته که آیات از اوست، بگو: اگر کلام بشر است سوره ای مثل آن بیاورید، به غیر از خدا از هر کسی که می خواهید کمک بگیرید اگر راست می گوید

﴿۳۹﴾ بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ چیزی را تکذیب می کنید که عالم به آن نیستید و هنوز حقایق آن به ثمر ننشسته است، گذشتگان هم به دلیل جهل، دین خدا را تکذیب کردند، ببین! عاقبت کار ظالم به کجا می رسد

﴿۴۰﴾ وَمِنْهُمْ مَّنْ يُؤْمِنُ بِهِءٍ وَمِنْهُمْ مَّنْ لَا يُؤْمِنُ بِهِءٍ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِينَ بعضی از آن ها کسانی هستند که ایمان می آورند و بعضی ایمان نمی آورند، پروردگار تو مفسدین را می شناسد

﴿۴۱﴾ وَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ لِي عَمَلِي وَلكُمْ عَمَلُكُمْ أَنْتُمْ بَرِيءُونَ مِمَّا أَعْمَلُ وَأَنَا بَرِيءٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ اگر تو را تکذیب نمودند، بگو: عمل من برای من و عمل شما برای شماست، من مسئول اعمال شما و شما مسئول اعمال من نخواهید بود

﴿۴۲﴾ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ وَلَوْ كَانُوا لَا يَعْقِلُونَ بعضی از آن ها گوش می دهند که چه می گوید، مگر تو می توانی کران را شنوا کنی

بدون اینکه عقل خود را به کار گیرند؟

﴿۴۳﴾ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْظُرُ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تَهْدِي الْعُمْىَ وَلَوْ كَانُوا لَا يُبْصِرُونَ يا اینکه نگاه می کنند نبوت را ببینند ، مگر تو می توانی نابینا را بینا کنی؟ اگر چه از عقل و بصیرت خود استفاده نمی کنند (البته ممکن نیست)

﴿۴۴﴾ إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ خدا به مردم ستم نمی کند، آن ها هستند که به خود ستم می کنند

﴿۴۵﴾ وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ كَأَن لَّمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ روزی که در زندگی قیامت جمع شوند، به نظرشان می آید که ساعتی خواب بوده اند و بیدار شده اند، یکدیگر را می شناسند که این پدر و آن برادر است ، کسانی که روز لقاء الله را تکذیب کردند و هدایت نیافتند، خیلی ضرر کردند

﴿۴۶﴾ وَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ اگر بعضی وعده ها که به آن ها می دهیم مانند پیروزی ها یا عذاب ها، پیش از وفات یا بعد از وفات تو ظاهر شود، مرجع آن ها عاقبت حکومت خداست ، خداوند شاهد اعمال آن ها است

﴿۴۷﴾ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ هر امتی رسولی از جانب خدا دارند ، وقتی که رسول خدا با آن ها در آخرت حاضر شوند، بین آن ها به عدالت قضاوت می شود، به کسی ستم نمی شود

﴿۴۸﴾ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدِ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ می گویند: اگر شما راست

می گوید، وعده خدا کی و کجاست؟

﴿۴۹﴾ قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ إِذَا جَاءَ

أَجَلُهُمْ فَلَا يَسْتَخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ بگو: من برای خودم مالک نفع و

ضرری نیستم مگر آنچه را خدا بخواهد، هر امتی مدتی مقدر دارد، وقتی که مدت

سرآمد ساعتی کم و زیاد نمی شود (فاصله هر کس به وعده خدا همین مدت عمر است)

﴿۵۰﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُهُ بَيِّنَاتًا أَوْ نَهَارًا مَّاذَا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ

بگو: رأی بدهید، اگر عذاب خدا شب یا روز نازل شود، عجله مجرم یا عدم عجله او چه

تأثیری دارد؟

﴿۵۱﴾ أَأَنْتُمْ إِذَا مَا وَقَعَ عَامِنْتُمْ بِهِ ؕ ءَأَلْكَنَ وَقَدْ كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ به شما

خواهند گفت: الآن که گرفتار عذاب شدید، ایمان آوردید و پیش از این به مسخره

می گفتید: کجاست عذاب؟

﴿۵۲﴾ ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ

در این حال به ستم کاران خواهند گفت: عذاب ابدی را بچشید، به نتایج کسب و کار

خود مجازات می شوید

﴿۵۳﴾ وَيَسْتَنْبِئُونَكَ أَحَقُّ هُوَ قُلْ إِي وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌّ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ از تو

می پرسند آیا عذاب آخرت حق است؟، بگو: آری، به خدا قسم حق است، شما

نمی توانید مانع وقوع آن باشید

﴿۵۴﴾ وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا

رَأَوْا الْعَذَابَ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ چنان عذابی است که اگر

تمام ثروت عالم را فدا بدهید برطرف نمی‌شود، وقتی عذاب را ببینند پشیمان می‌شوند، بین آنها به قسط و عدالت قضاوت می‌شود، به آنها ستم نمی‌شود

﴿۵۵﴾ **أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ**

لَا يَعْلَمُونَ آگاه باشید که هرچه هست در آسمان‌ها و زمین مال خداست و بدانید که وعده خدا حق است ولیکن اکثریت مردم نمی‌دانند

﴿۵۶﴾ **هُوَ يُحْيِيهِ وَيُمِيتُهُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ** اوست که زنده می‌کند و می‌میراند و همه

شما به سوی او رجوع خواهید کرد

﴿۵۷﴾ **يَأْتِيهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ**

وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ ای مردم! قرآن موعظه است، نسخه‌هایی است که مرض‌های فکری و روانی شما را شفا می‌دهد، برای اهل ایمان عامل هدایت و رحمت است

﴿۵۸﴾ **قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ ۗ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ** به آنها

بگو: رحمت خدا سرمایه ابد شماست، به فضل و رحمت خدا نشاط پیدا کنید که از مال و ثروت دنیا بهتر است

﴿۵۹﴾ **قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِّن رِّزْقٍ فَجَعَلْتُمْ مِّنْهُ حَرَامًا وَحَلَالًا قُلْ**

ءَاللَّهُ أَذِنَ لَكُمْ ۗ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ بگو: فکر کنید و جواب دهید، نعمت‌هایی که خدا به شما داده و شما قسمتی از آن را حلال و قسمتی را حرام می‌دانید، خدا به شما دستور داده و یا به خدا دروغ بسته‌اید؟

﴿۶۰﴾ **وَمَا ظَنُّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى**

النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ عقیده کسانی که به خدا دروغ بسته‌اند چیست؟، لطف خدا شامل حال مردم است گرچه بسیاری از آنها نمی‌دانند، شکر خدا را به جا نمی‌آورند

﴿٦١﴾ وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُوا مِنْهُ مِنْ قُرْءَانٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ وَمَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ شما مردم در هر وضع و حالی که باشید، قرآن بخوانید یا عمل دیگر، خدا شاهد ورود و خروج شما به این اوضاع و احوال است، حادثه‌ای یا ذره‌ای در عوالم آسمان و زمین از نظر خدا پنهان نیست، تمامی این حادثه‌ها بزرگ و کوچک در کتاب خدا ثبت است

﴿٦٢﴾ أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ آگاه باشید که در این اوضاع و احوال خوفی و غم و غصه‌ای متوجه اولیاء خدا نمی‌شود

﴿٦٣﴾ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ همان‌ها که اهل ایمان و تقوا هستند

﴿٦٤﴾ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ مژده باد به حال آنها در دنیا و آخرت، خوش حال باشند، تقدیر خدا عوض نمی‌شود، این است سعادت بسیار بزرگ

﴿٦٥﴾ وَلَا يَحْزُنكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ گفتار کفار شما را ناراحت نکند که کل عزت و عظمت مال خداست، او شنوا و دانا است (وابستگان به خدا راحت باشند)

﴿٦٦﴾ أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَتَّبِعُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ

دُونِ اللَّهِ شُرَكَاءَ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ حتماً بدانید که انسان‌های عوالم فضا و زمین ملک خدا هستند، کسانی که برای خدا شریک می‌تراشند و به غیر او پناهنده می‌شوند، گرفتار حدس و خیالات‌اند

﴿۶۷﴾ **هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ** او خداست که شب را برای آرامش و روز را برای بینش راه زندگی شما خلق کرد، تمامی این‌ها برای شنوایان آیت عظمت خداست

﴿۶۸﴾ **قَالُوا أَتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ هُوَ الْغَنِيُّ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ إِنَّ عِنْدَكُمْ مِّنْ سُلْطَانٍ بِهَذَا أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ** مشرکین گفته‌اند: خدا فلانی را فرزند خود قرار داده، خدا منزله و بی‌نیاز است، هرچه هست در آسمان‌ها و زمین ملک خداست، شما دلیلی بر این گفته‌ها ندارید، چرا جاهلانه چنین گفته‌هایی به خدا نسبت می‌دهید

﴿۶۹﴾ **قُلْ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ** به آن‌ها بگو: کسانی که به خدا دروغ می‌بندند رستگار نمی‌شوند

﴿۷۰﴾ **مَتَّعٌ فِي الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ نُذِيقُهُمُ الْعَذَابَ الشَّدِيدَ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ** بهره کمی از دنیا می‌برند، بعد در دایره حکومت خدا به نتایج کفر و گناه خود که عذابی شدید است، معذب می‌شوند

﴿۷۱﴾ **وَآتَىٰ عَلَيْهِمْ نَبَأَ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَتَّقُوا اللَّهَ يَوْمَئِذٍ يَكْفُرُونَ لِكُلِّ أَكْوَافٍ لِّمَنْ ظَلَمَ وَشَرَّ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ** داستان نوح را برای آن‌ها

بخوان که به قوم خود گفت: اگر زندگی من و دعوت من به دین خدا برای شما قابل تحمل نیست من به خدا توکل دارم، شما و دوستان خود باهم مشورت کنید، هر نوع که دوست دارید علیه من تصمیم بگیرید، به خاطر من در فشار غم و غصه نباشید، علیه من قضاوت کنید، مهلت ندهید

﴿۷۲﴾ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجِرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ

اگر هم دین و دعوت مرا نمی پذیرید، من از شما اجر و مزدی نخواسته‌ام، اجر من با خداست، من مأمورم تسلیم خدا باشم

﴿۷۳﴾ فَكَذَّبُوهُ فَجَبْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلِكِ وَجَعَلْنَاهُمْ خَلِيفَ وَأَعْرَفْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَأَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنذَرِينَ

او و همراهانش را نجات دادیم و آنها را جانشین گذشتگان کردیم و آنها که دین و آیات ما را تکذیب نمودند، غرق کردیم، ببین! عاقبت قومی که تهدید شدند به کجا کشید

﴿۷۴﴾ ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ كَذَلِكَ نَطْبَعُ عَلَى قُلُوبِ الْمُعْتَدِينَ

بعد از نوح، پیامبران دیگر فرستادیم که با دلایل و معجزات مردم را دعوت نمودند ولی دعوتی را که پیشینان آنها هم تکذیب کرده بودند، قبول نکردند، ما این طور راه فهم و دانش را به روی تجاوزکاران می بندیم (هر کسی دنیا را هدف سازد راه فهمش بسته می شود).

﴿۷۵﴾ ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِم مُوسَى وَهَارُونَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُجْرِمِينَ

و بعد از آن، موسی و هارون را مأمور دعوت فرعون و قوم او

نمودیم، آن‌ها خود را برتر و بالاتر از دین خدا و اولیاء خدا دانستند زیرا مجرم و گناه‌کار بودند

﴿۷۶﴾ **فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ مُّبِينٌ** وقتی که حق با معجزه موسی روشن شد، گفتند: که این‌ها سحر است

﴿۷۷﴾ **قَالَ مُوسَىٰ أَتَقُولُونَ لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَكُمْ أَسِحْرٌ هَذَا وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُونَ** موسی گفت: اکنون که دین حق واضح و روشن شد می‌گویید: سحر است، ساحر هرگز موفق به چنین کاری نیست

﴿۷۸﴾ **قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَلْفِتَنَّا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ ءَابَاءَنَا وَتَكُونَ لَكُمُ الْكِبْرِيَاءُ فِي الْأَرْضِ وَمَا نَحْنُ لَكُمَا بِمُؤْمِنِينَ** گفتند: تو آمده‌ای ما را از دین پدرانمان بازسازی، سلطنت را به خود اختصاص دهی، ما ایمان نمی‌آوریم

﴿۷۹﴾ **وَقَالَ فِرْعَوْنُ أَتُتُونِي بِكُلِّ سِحْرِ عَلِيمٍ** فرعون گفت: تمامی ساحرهای ماهر را احضار کنید

﴿۸۰﴾ **فَلَمَّا جَاءَ السَّحْرَةُ قَالَ لَهُم مُوسَىٰ أَلْقُوا مَا أَنْتُمْ مُلْقُونَ** وقتی که ساحرها آماده شدند، موسی گفت: شما اول هنر خود را نمایش دهید

﴿۸۱﴾ **فَلَمَّا أَلْقَوْا قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئْتُمْ بِهِ السِّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ** وقتی که سحر خود را نمایش دادند موسی گفت: خدا به زودی سحر شما را باطل می‌کند، خداوند عمل فاسد را به صلاح نمی‌آورد

﴿۸۲﴾ **وَيُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ** خدا به وسیله پیامبران حق را به کرسی می‌نشاند گرچه مجرمین مایل نباشند

﴿۸۳﴾ فَمَا ءَامَنَ لِمُوسَىٰ إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِّن قَوْمِهِ عَلَىٰ خَوْفٍ مِّن فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِمْ أَن يَفْتِنَهُمْ وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ فقط عده کمی از جوانان قوم موسی ایمان آوردند، از فرعون و قوم او وحشت داشتند مبادا آن‌ها را هلاک کند، فرعون خود را از همه برتر دانست، او متجاوز بود

﴿۸۴﴾ وَقَالَ مُوسَىٰ يَاقَوْمِ إِن كُنتُمْ ءَامِنْتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا إِن كُنتُمْ مُسْلِمِينَ موسی به قوم خود گفت: اگر ایمان به خدا آورده‌اید و اگر مسلمانید، توکل به خدا داشته باشید

﴿۸۵﴾ فَقَالُوا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ جواب دادند که: آری، توکل به خدا نمودیم، پروردگارا! ما را اسباب بازی ستم‌کاران قرار مده

﴿۸۶﴾ وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ و به لطف و رحمت خود ما را از شرّ کفار نجات بده

﴿۸۷﴾ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَن تَبَوَّءَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بُيُوتًا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ما به موسی و برادرش دستور دادیم که قوم خود را در خانه‌هایی نزدیک هم روبه روی قبله ساکن گردان، در آن خانه‌ها نماز بخوانید، مؤمنین را به زندگی موفقیت‌آمیز آینده مزدگانی دهید

﴿۸۸﴾ وَقَالَ مُوسَىٰ رَبَّنَا إِنَّكَ ءَاتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَئَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَن سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ وَأَشْدُدْ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّىٰ يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ موسی عرض کرد: پروردگارا! تو این‌همه به فرعون و قومش ثروت و قدرت داده‌ای تا مردم را از راه تو بازدارند، پروردگارا! زندگی آن‌ها

را محو کن، دل آن‌ها را سخت و محکم گردان تا ایمان نیاورند و سرانجام عذاب الیم را
بچشند

﴿۸۹﴾ قَالَ قَدْ أُجِيبَت دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانَّ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

خداوند فرمود: خواهش تو را و برادرت را قبول کردم، استقامت کنید و از راه و روش
نادانان پیروی ننمایید

﴿۹۰﴾ وَجَوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَّبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغْيًا وَعَدُوًّا حَتَّىٰ

إِذَا أَدْرَكَهُ الْغَرَقُ قَالَ ءَأَمِنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي ءَأَمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ

وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ بعد از آن بنی اسرائیل را از دریا عبور دادیم، فرعونیان هم در پی

آن‌ها به قصد تجاوز وارد خیابان‌های دریایی شدند، دیوارهای آب فروریخت همه

غرق شدند، فرعون در حال غرق شدن گفت: ایمان آوردم به خدایی که بنی اسرائیل به

او ایمان آورده‌اند و من الآن مسلمان هستم

﴿۹۱﴾ ءَأَلْكَنَّ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ (گفتیم): خفه شو! الآن

مسلمان شدی؟ پیش از این همه جا نافرمانی کردی، تو تبه کاری

﴿۹۲﴾ فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلْفَكَ ءَايَةً وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ عَنْ

ءَايَاتِنَا لَغَافِلُونَ امروز بدن تو را با زیورهایش به نمایش می‌گذاریم تا برای

آیندگان درس عبرت باشد، گرچه مردم از آیات عظمت ما غافل‌اند

﴿۹۳﴾ وَلَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مُبَوَّأً صِدْقٍ وَرَزَقْنَهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ فَمَا اخْتَلَفُوا

حَتَّىٰ جَاءَهُمُ الْعِلْمُ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

ما بنی اسرائیل را در یک وضعیت مناسب قراردادیم و روزی‌های طیب و حلال به

آن‌ها بخشیدیم، امت واحدی بودند اما بعد از علم به حقانیت دین، اختلاف پیدا کردند، روز قیامت پروردگار در اختلافات آن‌ها قضاوت می‌کند

﴿۹۴﴾ فَإِنْ كُنْتَ فِي شَكِّ مِمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَسْئَلِ الَّذِينَ يُقْرَأُونَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ لَقَدْ جَاءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ

کتابی که نازل شده است شک داری، از کسانی که پیش از تو کتاب آسمانی دارند سؤال کن، دین حق از پروردگار بر تو نازل شده، مبادا شک و شبهه داشته باشی

﴿۹۵﴾ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَتَكُونَ مِنَ الْخَسِرِينَ

کسانی نباشی که آیات خدا را تکذیب کردند و خسارت بردند

﴿۹۶﴾ إِنَّ الَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ

کسانی که محکومیت آن‌ها از جانب پروردگار قطعی شد دیگر ایمان نمی‌آورند

﴿۹۷﴾ وَلَوْ جَاءَتْهُمْ كُلُّ آيَةٍ حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ

اگرچه هزاران معجزه در نظر آن‌ها ظاهر سازی، مگر اینکه عذاب دردناک آخرت را مشاهده کنند

﴿۹۸﴾ فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةً ءَامَنَتْ فَنَفَعَهَا إِيمَانُهَا إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ لَمَّا ءَامَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ

یونس ایمان نمی‌آورند که از ایمان خود بهره‌مند شوند، قوم یونس که آثار عذاب را دیدند، ایمان آوردند، ما عذاب را از آن‌ها برطرف نمودیم و تا آخر عمر مقدر آن‌ها را بهره‌مند ساختیم

﴿۹۹﴾ وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّىٰ

يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ اگر خدا بخواهد می تواند تمامی اهل عالم را وادار به ایمان کند ،
 آیا خدا که آزادی می خواهد تو می خواهی مردم را مجبور به ایمان کنی (هرکس به عقل
 خود گرایش به حق پیدا کند، خدا کمک می کند و اگر نکند یاری او ممکن نیست)

﴿١٠٠﴾ وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُوْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَجْعَلُ الرَّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا
 يَعْقِلُونَ هیچ کس جز به اذن خدا نمی تواند ایمان بیاورد ، خداوند پلیدی را ملازم
 وجود کسانی می کند که عقل خود را به کار نمی برند تا حقیقت را درک کنند

﴿١٠١﴾ قُلْ أَنْظِرُوا مَاذَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا
 يُؤْمِنُونَ بگو: در آثار قدرت خدا در زمین و آسمان فکر کنید ، گرچه آیات و
 تهدیدات خدا برای مردمی که ایمان نمی آورند سودی ندارد

﴿١٠٢﴾ فَهَلْ يَنْتَظِرُونَ إِلَّا مِثْلَ أَيَّامِ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ قُلْ فَاَنْتَظِرُوا إِنِّي
 مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ مانند گذشتگان به انتظار عذابی هستند که بر آنها نازل
 شود ، بگو: منتظر باشید که ما هم به انتظار نشسته ایم

﴿١٠٣﴾ ثُمَّ نُنَجِّي رُسُلَنَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنَجِّ الْمُؤْمِنِينَ وقتی که
 عذاب نازل شود، وظیفه ماست که پیامبران و مؤمنین را نجات دهیم

﴿١٠٤﴾ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِنْ دِينِي فَلَا أَعْبُدُ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ
 دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ أَعْبُدُ اللَّهَ الَّذِي يَتَوَفَّكُمُ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ
 به آنها بگو: اگر شما در دین خدا شک دارید، من شک ندارم ، از کسانی که شما
 خلاف امر خدا اطاعت می کنید من اطاعت نمی کنم ، من خدایی را می پرستم که جان من
 و شما در دست اوست ، مأمورم که اهل ایمان باشم

﴿١٠٥﴾ وَأَنْ أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ خدا به من دستور می دهد که برای دین مرقی ابراهیم خلیل قیام کنم، مرا نهی می کند که از مشرکین باشم

﴿١٠٦﴾ وَلَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ فَإِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذَا مِنْ الظَّالِمِينَ خدای من می گوید: مبادا به کسی متکی باشی که نفع و ضرری به حال تو ندارد، اگر چنین باشی ظالم شناخته می شوی

﴿١٠٧﴾ وَإِنْ يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ اگر خدا ضرری برای تو مقدر کند، کسی جز او نمی تواند برطرف کند و اگر نفعی مقدر کند، کسی نمی تواند او را منصرف نماید، به هر کسی بخواهد مصیبت می رساند، او تکامل بخش و مهربان است (غفران به معنای رفع نواقص وجودی است)

﴿١٠٨﴾ قُلْ يَأْتِيهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ بگو: ای مردم! دین حق برای شما از جانب خدا نازل شد، هر کس هدایت شود، به نفع اوست و هر کس گمراه شود، به ضرر او، من وکیل مدافع شما نیستم (وظیفه شناس باشید)

﴿١٠٩﴾ وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَأَصْبِرْ حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ از آنچه به تو وحی می شود پیروی کن، صبر کن تا تقدیر خدا حاکم شود، خداوند بهترین حکومت کنندگان است.

در این سوره هم بعد از بیان حقایق مربوط به علم و اخلاق، داستان پیامبران را نقل می‌کند. قرآن همه جا آبادی وجود انسان را بر آبادی جهان مقدم می‌دارد زیرا تا انسان آباد نشود، جهان آباد نمی‌شود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ الرَّ كِتَابٌ أَحْكَمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ الف، لام، را. کتابی است که آیات آن حکیمانه است، مفصل و روشن از جانب خداوند حکیم و آگاه نازل شده است

﴿۲﴾ أَلَّا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ پیام کتاب این است که به جز خدا کسی را نپرستید، من از عاقبت گناه شما را می‌ترسانم و به عاقبت ایمان مرده‌می‌دهم

﴿۳﴾ وَأَنْ أَسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ و دیگر اینکه از خدا عقل و استعداد بخواهید، به سوی او توبه کنید، او در دنیا و آخرت شمارا از نعمت‌های خود بهره‌مند می‌کند و به هر مؤمنی درجه شایسته او را می‌بخشد، اگر از دعوت تو اعراض کردند، بگو: می‌ترسم به عذاب بزرگ قیامت معذب شوید

﴿۴﴾ إِلَىٰ اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بازگشت همه شما به سوی خداست، خداوند به هر کاری قادر است

﴿۵﴾ أَلَا إِنَّهُمْ يَتَّبِعُونَ صُدُورَهُمْ لِيَسْتَخْفُوا مِنْهُ أَلَا حِينَ يَسْتَغْشُونَ ثِيَابَهُمْ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ بدان که آن‌ها سر و سینه

می‌پنجانند تا خود را از تفکر دینی پنهان دارند ، خبر ندارند آنجا که به لاک خود می‌خزند، خداوند از اسرار و آشکار آن‌ها آگاه است ، او به افکار مردم داناست

(جزء ۱۲) ﴿۶﴾ وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا
وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ جنبنده‌ای در زمین پیدا نمی‌شود مگر اینکه روزی
آن با خداست ، خدا قرارگاه او و آینده کار و کسب او را می‌داند ، تمامی این علوم در
کتاب خدا ثبت است

﴿۷﴾ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ
لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَئِنْ قُلْتُمْ إِنَّكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ
الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ اوست که عوالم آسمان‌ها و زمین (و یا
دوران تربیت بشر را) در شش روز آفرید، پس از آن بر عرش حاکمیت که بر حکمت
استوار است، قرار گرفت تا از این راه امتحان کند عمل کدام‌یک از شما بهتر است ،
اگر به آن‌ها بگویی شما بعد از مرگ زنده می‌شوید، کفار می‌گویند که این‌ها همه سحر
است *

* ماء در تفسیر و تأویل قرآن، آب و علم است که ماده حیات خلاق است و خدا می‌فرماید:
وَ جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ (انبیاء ۳۰). حیات ظاهری که به وسیله آب است، معلوم است لیکن
معنای باطنی و تأویلی آب، روح حیات است یعنی روحی که ماده بی‌خاصیت را تبدیل به آب
می‌کند. روحی که تن پر آب و ماده ما را می‌خواباند و می‌میراند و زنده می‌کند، حیات
اجتماعی و ایمانی به وجود می‌آورد. همان روحی که خدا فرمود: وَ كَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِنْ
أَمْرِنَا (شورا ۵۲) در این آیه فرمود: وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ. عرش مقام حاکمیت خداوند متعال است
که از طریق علم انسان بر انسان حکومت می‌کند. علم اولیاء خدا کرسی حکومت اوست.
سازندگی خداوند که با آب و خاک اجرا می‌شود حاکمیت خدا نیست بلکه صنعت و سازندگی

اوست. فرماندهی و حکم او حاکمیت و سلطنت است. خداوند از راه علم اولیاء خود و انسان‌ها بر آنها حکومت می‌کند لذا ائمه که حاملان علم خدا شناخته شده‌اند، حامل عرش خدا نیز خوانده شده‌اند. این جمله وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ مربوط به خلقت ابتدایی عالم است که سازندگی عالم به وسیله آب انجام شده است.

﴿۸﴾ وَلَئِن أَخَّرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لَّيَقُولُنَّ مَا يَحْبِسُهُ إِلَّا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسٌ مَّصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ

اگر ما عذاب را در مدت معدودی به تأخیر اندازیم می‌گویند: کجاست عذاب؟ ، آگاه باشند وقتی که عذاب آمد، قابل انصراف نیست ، در آنجا نتایج کفر و گناه آنها را محاصره خواهد کرد

﴿۹﴾ وَلَئِن أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ لَيَكْفُرُ

اگر ما انسان را به رحمت و نعمت برسانیم و بعد از او سلب نعمت کنیم، به جای امیدواری به خدا مأیوس می‌شود

﴿۱۰﴾ وَلَئِن أَذَقْنَاهُ نِعْمَاءَ بَعْدَ ضِرَاءٍ مَسَّتْهُ لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ السَّيِّئَاتُ عَنِّي إِنَّهُ لَفَرِحٌ فَخُورٌ

و اگر بعد از فقر و ناداری او را به نعمت و ثروت برسانیم نشاط پیدا می‌کند، می‌گوید: بدبختی تمام شد (ثروت را شریک خدا می‌سازد)

﴿۱۱﴾ إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ

مگر کسانی که در فقر و غنا صبورند، اهل ایمان و عمل صالح‌اند، خدا آنها را توفیق می‌دهد، اجر بزرگ دارند

﴿۱۲﴾ فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضُ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَضَائِقٌ بِهِ صَدْرُكَ أَنْ يَقُولُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ جَاءَ مَعَهُ مَلَكٌ إِنَّمَا أَنْتَ نَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ

شاید که

حوصله‌ات سرآمده و بعضی وظایف را ترک می‌کنی که می‌گویند: چرا گنجی در اختیار او قرار نمی‌گیرد یا فرشتگان با او نیستند؟ ، وظیفه تو تبلیغ است ، خداوند عهده‌دار مسائل است

﴿۱۳﴾ **أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَيْنَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ** یا به خاطر اینکه می‌گویند: به خدا دروغ می‌بندد، ناراحت شده‌ای؟ ، بگو: من اگر از پیش خود می‌گویم، شما هم از غیر خدا کمک بگیرید و ده آیه مانند آن دروغ به خدا ببندید اگر راست می‌گویید

﴿۱۴﴾ **فَالِئِمَّ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا أُنزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ وَأَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ** اگر اجابت نکردند بدانند که این آیات به علم خدا نازل شده است، خدایی به جز او نیست ، آیا می‌شود که مسلمان باشید؟

﴿۱۵﴾ **مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَلَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ** هر کس جلوه دنیا می‌طلبد به او می‌رسانیم، محرومیت نمی‌بیند، نتیجه کارش را به دست می‌آورد، ضرر نمی‌کند

﴿۱۶﴾ **أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبِطِلٌ مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ** ولیکن دنیاطلبان بدانند که در آخرت به جز آتش بهره‌ای ندارند ، اعمالشان در آخرت بی‌نتیجه است

﴿۱۷﴾ **أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ وَمِن قَبْلِهِ كَتَبُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ مِنْ الْأَحْزَابِ فَأَلْتَارُ مَوْعِدُهُ فَلَ تَكُ فِي مَرِيَةٍ مِّنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ** کسی

که روی بینه و برهان به رسالت شناخته شده و شاهد رسالت او همراه او در حرکت است و پیش از او کتاب موسی که رحمت خدا بود او را تأیید می کند، آیا حقانیت او جای تردید است؟ ، نیکان به او ایمان می آورند و هر کس از سایر گروه ها کافر به او شود جایش جهنم است ، بی شک او و پیروانش برحق هستند، گرچه بسیاری ایمان نمی آورند

﴿١٨﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أُولَٰئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَىٰ رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هَٰؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ ۗ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ چه کسی

ظالم تر است از کسی که به خدا دروغ می بندد ، آن ها با اعمالشان به ما عرضه می شوند، گواهان حق شهادت می دهند که آن ها به خدا دروغ بسته اند ، لعنت خدا بر ستم کاران باد

﴿١٩﴾ الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ و آن هاینده که مردم را از راه خدا بازداشته و آن را غلط دانسته اند و کافر به زندگی آخرت شده اند

﴿٢٠﴾ أُولَٰئِكَ لَمْ يَكُونُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِّن دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ يُضَعِّفُ لَهُمُ الْعَذَابَ مَا كَانُوا يَسْتَطِيعُونَ السَّمْعَ وَمَا كَانُوا يُبْصِرُونَ آن ها نمی توانند خدا را از کار خود بازدارند و به جز خدا سرپرستی ندارند، عذاب آن ها در آخرت چند برابر است ، نتوانستند شنوایی خود را از باطل بازدارند یا حق را به حقانیت ببینند

﴿٢١﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ آن ها به خود ضرر زده اند که کافرند و این همه وسایل خلاف حقیقت که داشته اند، از اختیار آن ها خارج شده است

﴿۲۲﴾ لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْأَخْسَرُونَ به ناچار آن‌ها در آخرت بیشترین خسارت را متحمل می‌شوند

﴿۲۳﴾ إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَخْبَتُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ و اما کسانی که اهل ایمان و عمل صالح‌اند، در آن ایمان وابستگی کامل به خدا دارند، اهل بهشت هستند ، در آن جاویدند

﴿۲۴﴾ مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَىٰ وَالْأَصْمَىٰ وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا أَفَلَا تَذَكَّرُونَ نمونه این دو گروه حق و باطل، نابینا و ناشنوا و بینا و شنواست ، آیا این دو گروه مساوی‌اند؟ ، چرا حقیقت را درک نمی‌کنند؟

﴿۲۵﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ إِذْ لَكَمُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ما نوح را به سوی قوم خود رسالت دادیم که‌ای قوم! من از عاقبت کفر و گناه شمارا می‌ترسانم

﴿۲۶﴾ أَن لَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمِ إِلِيمٍ به شما می‌گویم که: به جز خدا کسی را نپرستید، می‌ترسم گرفتار عذابی دردناک شوید

﴿۲۷﴾ فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَوْمِهِ مَا نَرْنَكَ إِلَّا بَشَرًا مِّثْلَنَا وَمَا نَرْنَكَ أَتْبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادْنَا بِأَدَىٰ الرَّأْيِ وَمَا نَرَىٰ لَكُمْ عَلَيْنَا مِن فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ سران کفر از قوم نوح گفتند: تو چه کاره‌ای؟، بشری مانند ما هستی، پیروان تو در نگاه اول عقب‌ماندگان جامعه‌اند، تو بر ما برتری نداری که پیامبر خدا شده‌ای، تو دروغ می‌گویی

﴿۲۸﴾ قَالَ يَقَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَعَآتَنِي رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِهِ

فَعَمِيَّتْ عَلَيْكُمْ أَنْزِلْمُكُمُوهَا وَأَنْتُمْ لَهَا كَرِهُونَ نوح گفت: اگر من بینہ و برهان داشته باشم و لطف خدا شامل حال من شده باشد که شما نمی دانید، چه می گوید؟ اگر مایل به قبول دین نیستید، شمارا مجبور نمی کنم

﴿٢٩﴾ وَيَقَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّهُمْ مُلْتَقُوا رَبِّهِمْ وَلَكِنِّي أَرْنَكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ من که از شما مزدی نمی خواهم، مزد من با خداست و این یاران و همراهان خود را دور نمی کنم ، آن ها به ملاقات خدا می روند، می بینم که شما نادانید

﴿٣٠﴾ وَيَقَوْمِ مَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ طَرَدْتُهُمْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ اگر آن ها را از خود دور کنم محکوم شناخته می شوم، چه کسی مرا یاری می کند؟ ، چرا شما حرف حساب نمی فهمید

﴿٣١﴾ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ وَلَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدَرِي أَعْيُنُكُمْ لَنْ يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا فِي أَنْفُسِهِمْ إِنِّي إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ من ادعا ندارم که گنج های ثروت نزد من است یا من علم غیب دارم، نمی گویم: فرشته ام و این افراد که به عقیده شما بی ارزش اند، خداوند خیری به آن ها نمی رساند ، خدا از باطن آن ها آگاه است ، اگر چنین باشم، از ستم کاران شناخته می شوم

﴿٣٢﴾ قَالُوا يَنْوُحُ قَدْ جَدَلْتَنَا فَأَكْثَرْتَ جِدْلَنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ جواب دادند که: ای نوح! ما را خسته کردی، اگر وعد و وعیدی داری، ظاهر کن

﴿۳۳﴾ قَالَ إِنَّمَا يَأْتِيكُمْ بِهِ اللَّهُ إِنْ شَاءَ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ نوح گفت: اگر خدا

بخواهد عذاب خود را ظاهر می‌سازد، شما نمی‌توانید خدا را از کار خود بازدارید

﴿۳۴﴾ وَلَا يَنْفَعُكُمْ نُصْحِي إِنْ أَرَدْتُ أَنْ أَنْصَحَ لَكُمْ إِنْ كَانَ اللَّهُ يُرِيدُ أَنْ

يُغْوِيَكُمْ هُوَ رَبُّكُمْ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ اگر خدا شما را به حال گمراهی واگذارد،

نصیحت‌های من به حال شما سودی ندارد، مربی شما خداست، بازگشت همه به سوی

اوست

﴿۳۵﴾ أَمْ يَقُولُونَ أَفْتَرَنَاهُ قُلْ إِنْ أَفْتَرَيْتُهُ فَعَلَىٰ إِجْرَامِي وَأَنَا بَرِيءٌ مِمَّا تُجْرِمُونَ

می‌گویید: من به خدا دروغ بسته‌ام، اگر چنین باشد خودم مسئولم، مسئول جرم و گناه

شما نیستم

﴿۳۶﴾ وَأُوحِيَ إِلَىٰ نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ ءَامَنَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا

كَانُوا يَفْعَلُونَ ما به نوح خبر دادیم که بیشتر از این افرادی که ایمان آورده‌اند، کسی

ایمان نمی‌آورد، تو از کفر و گناه آن‌ها ناراحت نباش

﴿۳۷﴾ وَأَصْنَعُ الْفُلَكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحَيْنَا وَلَا تَخْطِبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُغْرَقُونَ

با نظارت ما کشتی نجات خود را بساز و درباره ستم‌کاران با من حرف نزن که آن‌ها

باید غرق شوند

﴿۳۸﴾ وَيَصْنَعُ الْفُلَكَ وَكَلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأَ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ قَالَ إِنْ تَسْخَرُوا

مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ نوح کشتی خود را می‌ساخت، مردم به تماشا

می‌رفتند و مسخره می‌کردند، نوح می‌گفت: نوبت ما هم می‌شود که شمارا مسخره کنیم

چنان که شما مسخره می‌کنید

﴿۳۹﴾ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ به

زودی خواهید فهمید که عذاب خدا هر کس را فراگیرد، رسوا می‌شود و بعد در عذابی دائم قرار می‌گیرد

﴿۴۰﴾ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ

إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ ءَامَنَ وَمَا ءَامَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ بعد از ساخت

کشتی، تقدیر خدا جاری شد، آب از تنور فوران زد، ما به نوح دستور دادیم از هر نوع حیوان جفتی و خانواده‌ات را به جز آن که محکوم به عذاب است و هر کس را که به تو ایمان آورده سوار کن، عده کمی ایمان آورده بودند

﴿۴۱﴾ وَقَالَ أَرْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرِبَهَا وَمُرسِنَهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ نوح

دستور داد: سوار شوید مجرا و انتهای کشتی بنام خداست، پروردگار من آمرزنده و مهربان است

﴿۴۲﴾ وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَىٰ نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ

أَرْكَب مَعَنَا وَلَا تَكُن مَعَ الْكَافِرِينَ آب، کشتی را در امواجی مانند کوه حرکت

داد، نوح پسرش را که در گوشه‌ای ایستاده بود صدا زد: پسر جان! بیا سوار شو همراه کفار نباش

﴿۴۳﴾ قَالَ سَأُوۡبَىٰٓ إِلَىٰ جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَآءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ

إِلَّا مَنْ رَحِمَ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِينَ پسر جواب داد: بالای کوه

می‌روم، محفوظ می‌مانم، پدر گفت: امروز کسی از تقدیر خدا در امان نیست مگر کسی که خدا به او رحم کند، در این حال موجی بین آن‌ها حائل شد و او را غرق نمود

﴿۴۴﴾ وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَسْمَأْ أَقْلِعِي وَغِيضَ الْمَاءِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ
وَأُسْتُوتَ عَلَى الْجُودِيِّ وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ پس از خاتمه کار به زمین فرمان
رسید، آب خود را فروکش و ای آسمان! آب خود را جذب کن، آبها به زمین فرو
رفت، کشتی روی کوه جودی نشست و همه آنها ستم کاران را نفرین کردند که باعث
این عذاب شده بودند

﴿۴۵﴾ وَنَادَى نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ
أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ نوح صدا زد: پروردگارا! پسر من از خانواده‌ام بود، وعده‌ای که
دادی حق است، تو بهترین حاکمان هستی

﴿۴۶﴾ قَالَ يَبُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِي مَا لَيْسَ
لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّي أَخْشَى أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ خدا فرمود: ای نوح! پسر تو با
تو اهلیت نداشت و عمل ناصالح بود، خدا را مسئول آنچه نمی‌دانی نکن، من تو را
نصیحت می‌کنم مبادا جاهل به حکمت خدا باشی

﴿۴۷﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي
وَتَرْحَمْنِي أَكُنَ مِنَ الْخَسِرِينَ نوح معذرت خواست که پروردگارا! به تو پناه
می‌برم که جاهلانه اعتراض کنم، اگر مرا نیامرزی و رحم نکنی خسارت خواهم برد

﴿۴۸﴾ قِيلَ يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَعَلَى أُمَمٍ مِمَّنْ مَعَكَ وَأُمَمٌ
سَنُمَتِّعُهُمْ ثُمَّ يَمَسُّهُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ خداوند به نوح فرمود: به سلامتی و برکت
با امتی که با تو هستند پیاده شوید و امت‌های دیگری که آنها را بهره‌مند خواهم کرد و
بعد به عذابی سخت مبتلا خواهم نمود

﴿٤٩﴾ تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَقِيبَةَ لِلْمُتَّقِينَ

این‌ها داستان‌هایی از غیب زمان است که برای تو بازگو می‌کنم، تو و اقوام عرب از این داستان‌ها خبری نداشتید، در راه دین خدا صبر کن که عاقبت به نفع پرهیزکاران است

﴿٥٠﴾ وَإِلَى عَادِ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَقَوْمِ أَعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُفْتَرُونَ

به‌سوی قوم عاد هم برادرشان هود را رسالت دادیم که‌ای قوم! خدا را پرستید خدایی جز او نیست، چرا به دروغ خود را اهل دین می‌دانید

﴿٥١﴾ يَقَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ أَجَرْتُمْ إِلَّا عَلَى الَّذِي فَطَرَنِي أَفَلَا تَعْقِلُونَ

من از شما مزد رسالت نمی‌خواهم، اجر من با خداست که مرا آفرید، چرا عقل خود را به کار نمی‌گیرید؟

﴿٥٢﴾ وَيَقَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا

وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ

از خدا عقل و معرفت بخواهید و بعد به‌سوی خدا توبه کنید، او باران با برکت برایتان نازل می‌کند و قدرت شما را افزایش می‌دهد، کافر نشوید، از دین خدا اعراض نکنید

﴿٥٣﴾ قَالُوا يَا هُودُ مَا جِئْتَنَا بِبَيِّنَةٍ وَمَا نَحْنُ بِتَارِكِي آلِهَتِنَا عَنْ قَوْلِكَ وَمَا نَحْنُ لَكَ

بِمُؤْمِنِينَ

گفتند، تو برای ما آیت و معجزه‌ای نیاوردی، ما به گفته تو خدایان خود را رها نمی‌کنیم و به تو ایمان نمی‌آوریم

﴿٥٤﴾ إِنْ نَقُولُ إِلَّا أَعْتَرْنَاكَ بِبَعْضِ آيَاتِنَا فَكُنْ مِنَ الْغَاثِ

﴿٥٥﴾ وَإِنْ نَقُولُ إِلَّا نُفِيسُ الْكَافِرِينَ

مثل اینکه خدایان ما تو را نفرین کرده‌اند که یاوه‌گویی می‌کنی

، هود گفت: خدا را گواه می گیرم، شما هم گواه باشید که من از شرک شما بی زارم

﴿۵۵﴾ **مِن دُونِهِ فَكِيدُونِي جَمِيعًا ثُمَّ لَا تُنظِرُونِ** شما که غیر خدا را می پرستید، هر چه می توانید علیه من فعالیت کنید، دقیقه ای هم مهلت ندهید

﴿۵۶﴾ **إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ مَا مِن دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ** من به خدا که پروردگار من و شماست توکل نمودم، زمام حیات هر جنبنده ای به دست اوست ، اراده پروردگار من در راه راست عمل می کند

﴿۵۷﴾ **فَإِن تَوَلَّوْا فَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ وَيَسْتَخْلِفُ رَبِّي قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوهُمْ شَيْئًا إِنَّ رَبِّي عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ** اگر اعراض نمودند بگو: من وظیفه تبلیغی خود را انجام می دهم ، خدا بخواهد قوم دیگری به جای شما می آورد، کفر شما به او ضرری نمی زند ، پروردگار من حافظ همه چیز است

﴿۵۸﴾ **وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا هُودًا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَنَجَّيْنَاهُم مِّنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ** وقتی که فرمان عذاب ما رسید، هود و همراهانش را به رحمت خود نجات دادیم و از شدت عذاب طوفان رهانیدیم

﴿۵۹﴾ **وَتِلْكَ عَادٌ جَحَدُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَعَصَوْا رُسُلَهُ وَاتَّبَعُوا أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ** این قوم عاد بودند که منکر آیات خدا شدند ، از رسول خدا اطاعت نکردند، در اطاعت تجاوزگران بودند

﴿۶۰﴾ **وَأَتَّبَعُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةَ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا إِنَّا عَادًا كَفَرُوا رَبَّهُمْ إِلَّا بَعْدًا لِعَادٍ قَوْمِ هُودٍ** در دنیا و آخرت لعنت به یادگار گذاشتند ، قوم عاد کافر به پروردگار شدند ، قوم عاد که قوم هودند از رحمت خدا دور باشند

﴿٦١﴾ وَإِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ ۗ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ

ما به سوی قوم ثمود برادرشان صالح را رسالت دادیم ، او به مردم گفت: خدا را بپرستید که به جز او خدایی ندارید ، او شما را در زمین آفرید، به وسیله شما زمین را آباد کرد از او عقل و شعور بخواهید، به او پناهنده شوید ، به شما نزدیک است، خواهش شما را اجابت می کند

﴿٦٢﴾ قَالُوا يَصَلِحُ قَدْ كُنْتَ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَذَا أَتَنْهَنَا أَنْ نَعْبُدَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا وَإِنَّنَا لَفِي شَكِّ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ مُرِيبٌ

گفتند: صالح! تو مرد خوبی بودی، به تو امیدوار بودیم ، تو ما را از پیروی اجدادمان نهی می کنی، ما در دین و دعوت تو شک داریم

﴿٦٣﴾ قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيْنَةٍ مِنْ رَبِّي وَعَآتَنِي مِنْهُ رَحْمَةٌ فَمَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ عَصَيْتُهُ ۗ فَمَا تَزِيدُونِي غَيْرَ تَخْسِيرٍ

گفت: اگر بینه و برهان از خدا داشته باشم و لطف و رحمت او شامل حال من شده باشد با همه اینها اگر نافرمانی خدا کنم، چه کسی مرا از انتقام او نجات می دهد؟ ، شما برای من به جز خسارت چیزی ندارید

﴿٦٤﴾ وَيَقَوْمِ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ فَذُرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ قَرِيبٌ

این شتر، معجزه الهی است ، بگذارید در زمین بچرد به شما برکت می دهد، حیوان را اذیت نکنید که عذاب خدا شما را می گیرد

﴿٦٥﴾ فَعَقَرُوهَا فَقَالَ تَمَتَّعُوا فِي دَارِكُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ ۖ ذَٰلِكَ وَعَدُّ غَيْرٍ مَكْدُوبٍ

آنها

شتر را که آیت خدا بود به حسادت کشتند، صالح به آنها گفت: سه روز مهلت دارید، این مهلت وعده خداست، دروغ نیست

﴿۶۶﴾ فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا صَالِحًا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَمِن خِزْيِ يَوْمِئِذٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ
وقتی که وعده خدا رسید صالح و همراهانش را به رحمت خود از عذاب رسوایی نجات دادیم، پروردگار تو توانا و عزیز است

﴿۶۷﴾ وَأَخَذَ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَرِهِمْ جَثِيمِينَ
صیحه عذاب، ستم کاران را فراگرفت، در زندگی خود جسمی بی جان به زمین افتادند

﴿۶۸﴾ كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَا آلَا إِنَّ تَمُودًا كَفَرُوا رَبَّهُمْ ۗ أَلَا بُعْدًا لِتَمُودَ
چنان هلاک شدند که گویی نبودند، قوم تمود کافر به خدا شدند، قوم تمود از رحمت خدا دور باشند

﴿۶۹﴾ وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ فَمَا لَبِثَ أَن جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِيذٍ
مأمورین ما برای ابراهیم مژدگانی بردند، به او سلام دادند، جواب شنیدند، بلافاصله گوساله بریانی برای آنها آماده نمود

﴿۷۰﴾ فَلَمَّا رَأَىٰ أَيْدِيَهُمْ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكِرَهُمْ وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ
إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ قَوْمِ لُوطٍ
مشاهده کرد که غذا نمی خورند، آنها را شناخت، ترسید مبادا قصد سوئی دارند، گفتند: نترس! ما مأمور عذاب قوم لوطیم

﴿۷۱﴾ وَأَمْرَاتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ
همسر ابراهیم خندید که چرا غذا نمی خورند، فرشتگان او را به فرزندی به نام اسحاق و نوه‌ای به نام یعقوب مژده دادند

﴿٧٢﴾ قَالَتْ يَوَيْلَتِي ءَأَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلِي شَيْخًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ

سارا بیشتر تعجب کرد که وا! چطور می شود فرزندی پیدا کنم، پیرزنم و شوهرم پیرمرد، خیلی عجیب است

﴿٧٣﴾ قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحْمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ

حَمِيدٌ مُجِيدٌ به او گفتند: از قدرت خدا تعجب می کنی؟، رحمت و برکات الهی شامل حال شما اهل بیت است، خدا حمید و مجید است

﴿٧٤﴾ فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الرَّوْعُ وَجَاءَتْهُ الْبُشْرَى يُجْدِلْنَا فِي قَوْمِ لُوطٍ

کم کم ترس از دل ابراهیم برطرف شد، خوش حال شد که مأمور بشارت اند، درباره قوم لوط با آنها بحث نمود (که چرا خشک و تر باهم بسوزند)

﴿٧٥﴾ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُنِيبٌ

زیرا ابراهیم بسیار مداراگر و حلیم بود، متضرع به خدا و پناهنده به او بود

﴿٧٦﴾ يَا إِبْرَاهِيمُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا إِنَّهُ قَدْ جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَإِنَّهُمْ آتِيهِمْ عَذَابٌ

غَيْرُ مَرْدُودٍ فرشتگان گفتند: از آنها دفاع نکن، امر خداوند قطعی است، عذاب آنها قابل رفع نیست *

* ابراهیم با فرشتگانی که مأمور هلاکت قوم لوط بودند مجادله می کرد که آخر تمامی مردم شهر بد نیستند شاید بعضی از آنها آدم های خوبی باشند، چرا بد و خوب باهم هلاک شوند شاید از هر ده نفر یک نفر خوب باشد. فرشتگان گفتند: یک دهم از آنها خوب باشند از بقیه صرف نظر می شود. ابراهیم گفت: شاید از صد نفر یک نفر مؤمن باشند گفتند: یک صدم اگر خوب باشند عذاب متوقف می شود گفت: شاید از هزار نفر یک نفر صالح باشند گفتند: از بقیه صرف نظر می شود ابراهیم گفت: لوط و خانواده اش یک خانواده از نیکان اند گفتند: لوط مأمور

ماست، او و خانواده‌اش را به جز همسرش از دایره عذاب خارج می‌کنیم. این بود جدال ابراهیم با فرشتگان که خداوند فرمود: (يُجَادِلُنَا فِي قَوْمِ لُوطٍ) خداوند به برکت نیکوکاران عذاب را از بدکاران برطرف می‌کند. جای دیگر به حضرت رسول می‌فرماید: مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ (انفال ۳۳). تا وقتی که تو و یا آثار وجودی تو در میان امت باشد، عذاب بر امت تو نازل نمی‌شود.

﴿۷۷﴾ وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالَ هَذَا يَوْمٌ عَصِيبٌ
 آن‌ها به طرف قوم لوط رفتند، لوط ناراحت شد که میهمانان زیبا بر او وارد می‌شوند، سینه‌اش به تنگ آمد و گفت: چه روز شومی است امروز (ناراحتی او از این جهت بود که می‌گفتند: خودش جوانان زیبا به خانه می‌برد)

﴿۷۸﴾ وَجَاءَهُر قَوْمُهُ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَمِنْ قَبْلُ كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ قَالَ يَتَقَوْمِ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ فِي ضَيْفِي أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ
 قوم لوط که میهمان‌ها را دیدند به طرف آن‌ها دویدند که آلوده به عمل زشت بودند، لوط صدا زد: بی‌حیاها! با دخترانم ازدواج کنید، آن‌ها پاک‌تر و مناسب‌ترند، آبروی مرا مقابل میهمان‌ها نریزید، آیا مرد عاقلی در میان شما نیست؟

﴿۷۹﴾ قَالُوا لَقَدْ عَلِمْتَمَا لَنَا فِي بَنَاتِكَ مِنْ حَقِّ وَإِنَّكَ لَتَعْلَمُ مَا نُرِيدُ
 آن‌ها جواب دادند: ما به دختران تو کاری نداریم، خودت می‌دانی هدف ما چیست!

﴿۸۰﴾ قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أَوْ آوِي إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ
 لوط آرزو کرد که: ای کاش قدرت داشتم و یا به قدرتمندی پناه می‌بردم، به حساب این بی‌حیاها می‌رسیدم *
 * امام که قیام کند آن‌ها زنده می‌شوند، لوط بر آن‌ها مسلط می‌شود، امام صادق (ع) فرمودند: آرزوی لوط این بود که امام قائم (عج) به دادش برسد.

﴿۸۱﴾ قَالُوا يَلُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصِلُوا إِلَيْكَ فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ وَلَا

يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ إِلَّا أَمْرَاتِكُ إِنَّهُ مُصِيبُهَا مَا أَصَابَهُمْ إِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ
 أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ ميهمان‌ها گفتند: نترس! ما همان قدر تمندیم دست آن‌ها به
 تو نمی‌رسد، تو نیمه‌شب دست دخترانت را بگیر به خارج شهر برو، کسی به جز
 همسرت ملتفت نشود که او هم به سرنوشت قوم مبتلاست، وقت نزول عذاب صبح
 است، مگر صبح نزدیک نیست؟

﴿۸۲﴾ فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَلَيْهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِّنْ سِجِّيلٍ
 مَّنْضُودٍ وقتی که فرمان عذاب رسید، آن شهرها را زیرو رو کردیم، باران سنگ و
 هوار بر آن‌ها باریدیم

﴿۸۳﴾ مُسَوِّمَةٌ عِنْدَ رَبِّكَ وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بِبَعِيدٍ گویی که سنگ‌ها آن‌ها را
 نشانه گرفته بودند، چنین عذاب‌هایی از ستم‌کاران به دور نیست

﴿۸۴﴾ وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَتَقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ
 وَلَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أَرَبُّكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ
 مُّحِيطٍ به‌سوی قوم مدین هم برادرشان شعیب را رسالت دادیم، فرمود: مردم! خدا
 را پرستید که جز او خدایی نیست، کیل و ترازو را کم ندهید، من خیر شما را
 می‌خواهم، می‌ترسم عذاب محیط خدا شما را فراگیرد

﴿۸۵﴾ وَيَقَوْمِ أَوفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا
 تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ای مردم! کیل و ترازو را به قسط و عدالت بدهید،
 اجناس مردم را کم ندهید، در زمین مفسده به پا نکنید

﴿۸۶﴾ بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ

یادگاران خدا و پیامبران برای شما بهترند اگر ایمان به خدا دارید ، من حافظ شما از بلاها نیستم

﴿۸۷﴾ قَالُوا يَشْعِيبُ أَسْلَوْتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ نَتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ گفتند: شعیب! همین دین و نماز تو به ما دستور می دهد که دین آبا و اجداد خود را رها کنیم، به دستور تو در اموال خود تصرفات داشته باشیم ، آری، تو خیلی حلیم و بردباری

﴿۸۸﴾ قَالَ يَقَوْمِ أَرَعَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيْنَةٍ مِّن رَّبِّي وَرَزَقَنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَىٰ مَا أَنهَكُمْ عَنْهُ إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ شعیب گفت: اگر برهان رسالت داشته باشم و خدا خودش روزی مرا برساند (چه می گوید)؟ ، من سر مخالفت با شما ندارم که شمارا نهی می کنم ، هدفم آنچه بتوانم اصلاح است و خدا به من توفیق می دهد ، به او توکل دارم و به او پناه می برم

﴿۸۹﴾ وَيَقَوْمِ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِي أَنْ يُصِيبَكُمْ مِثْلُ مَا أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ وَمَا قَوْمُ لُوطٍ مِّنكُمْ بِبَعِيدٍ ای قوم! آزار و اذیت شما به من چنان شمارا مجرم و محکوم نکند که مستحق عذابی مانند عذاب قوم نوح یا قوم صالح و هود شوید ، شما از داستان قوم لوط فاصله ندارید (سرنوشت آنها را دیده اید)

﴿۹۰﴾ وَأَسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ از پروردگار توفیق بخواهید به سوی او توبه کنید ، پروردگار من رئوف و مهربان است

﴿۹۱﴾ قَالُوا يَشْعِيبُ مَا نَفَقَهُ كَثِيرًا مِّمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرُّكَ فِينَا ضَعِيفًا وَلَوْلَا

رَهْطَكَ لَرَجْمَنَكَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْنَا بِعَزِيزٍ
 آن‌ها نیز مانند دیگران گفتند: شعیب!
 حرف‌های تو را نمی‌فهمیم، تو در میان ما ضعیف هستی، اگر فامیل تو نبودند سنگ
 بارانت می‌کردیم، خیلی پیش ما عزیز نیستی

﴿۹۲﴾ قَالَ يَقَوْمِ أَرْهَطِي أَعَزُّ عَلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَأَتَّخَذْتُمُوهُ وَرَاءَكُمْ ظَهْرِيًّا إِنَّ
 رَبِّي بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ
 شعیب گفت: وای به حال شما! فامیل من در نظر شما از خدا
 عزیزترند که رضایت خدا را نادیده گرفتید، خداوند به اعمال شما محیط است

﴿۹۳﴾ وَيَقَوْمِ أَعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَمِلٌ سَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ
 يُحْزِيهِ وَمَنْ هُوَ كَاذِبٌ وَأَرْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ
 شما به راه و روش خود بروید
 من هم به راه خود می‌روم، به‌زودی خواهید فهمید عذاب خدا چه کسی را رسوا می‌کند
 و چه کسی کاذب است، شما منتظر باشید من هم منتظرم

﴿۹۴﴾ وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَأَخَذَتِ الَّذِينَ
 ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيرِهِمْ جَثَمِينَ
 وقتی که عذاب خدا ظاهر شد، ما
 شعیب و همراهانش را به لطف خود نجات دادیم، فرمان عذاب ما به ظالم‌ها رسید و در
 خانه خود خشکیدند

﴿۹۵﴾ كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَا أَلَا بُعْدًا لِّمَدِينٍ كَمَا بَعَدَتْ ثَمُودُ
 مثل اینکه آن‌ها
 نبودند و زندگی نداشتند مانند قوم ثمود از رحمت خدا دور باشند

﴿۹۶﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطٰنٍ مُّبِينٍ
 موسی را هم با آن همه معجزات
 به‌سوی فرعون و گروه او رسالت دادیم

﴿۹۷﴾ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَاتَّبَعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَمَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ
 آن‌ها از

فرعون اطاعت نمودند با اینکه فرعون عقل و شعور نداشت

﴿۹۸﴾ يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَبِئْسَ الْوَرْدُ الْمَوْرُودُ

روز قیامت پیشاپیش قوم خود حرکت می کند، آن ها را با خود به جهنم می کشاند ، چه بد جایگاهی است جهنم

﴿۹۹﴾ وَأَتَّبِعُوا فِي هَذِهِ لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ بئسَ الرِّفْدُ الْمَرْفُودُ

این زندگی دنیا و قیامت نفرین است ، چقدر به ذلت و نکبت پذیرایی می شوند

﴿۱۰۰﴾ ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْقُرَى نَقُصُّهُ عَلَيْكَ مِنْهَا قَائِمٌ وَحَصِيدٌ

این آیات، خبرهای غیبی است که برای تو بازگو می کنیم ، بعضی از آن ملت ها به روش های مکتبی خود قائم اند و بعضی نابود شده اند

﴿۱۰۱﴾ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَمَا أَغْنَتْ عَنْهُمْ آلِهَتُهُمُ الَّتِي

يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ لَمَّا جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَمَا زَادُوهُمْ غَيْرَ تَتْبِيبٍ

ما به آن ها ستم نکردیم، آن ها بودند که به خود ستم کردند ، خدایانی که می پرستیدند یا از آن ها خواهش و تقاضا داشتند، به حال آن ها سودی نبخشیدند و به جز هلاکت چاره ای نداشتند

﴿۱۰۲﴾ وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَى وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ

روش خدا چنین است که از ملت های کافر انتقام می گیرد ، انتقام او سخت و درد آور است

﴿۱۰۳﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِمَنْ خَافَ عَذَابَ الْآخِرَةِ ذَلِكَ يَوْمٌ مَجْمُوعٌ لَّهُ النَّاسُ

وَذَلِكَ يَوْمٌ مَشْهُودٌ این داستان ها برای کسانی که از خدا و آخرت خوف دارند،

آیت الهی است ، آخرت روزی است که تمامی انسان‌ها در آن جمع‌اند و همه چیز برای همه قابل مشاهده است

﴿۱۰۴﴾ وَمَا نُؤَخِّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مُّعَدُّودٍ که ما آن روز را برای مدت معین به تأخیر انداخته‌ایم

﴿۱۰۵﴾ يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلِّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ آن روز که دایر شد، کسی بدون اذن خدا سخن نمی‌گوید ، عده‌ای سعید و عده‌ای شقی هستند *

* انسان خواهی نخواهی با آزادی که خدا به او داده و یا به اقتضای مزاج و طبیعت خود بدون قضاوت عقل حرکت می‌کند. این حرکت بی‌راهه روی است و قهراً به شقاوت مبتلا می‌شود. عده‌ای هم اقتضای مزاج و طبیعت خود را در شعاع هدایت عقل قرار می‌دهند و قهراً به سعادت می‌رسند. پس سعادت و شقاوت به حسن اختیار و سوء اختیار است.

﴿۱۰۶﴾ فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فَيُنزَلُونَ فِيهَا النَّارَ لَّهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ اشقیا در عذاب‌اند، صدای شهقه (آه و ناله) و زوزه آن‌ها زیاد است

﴿۱۰۷﴾ خَلِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ آن عذاب تا زمانی که آسمان‌ها و زمین دایر باشد ادامه دارد مگر اینکه خدا خاتمه دهد ، خدا آنچه اراده کند، خیلی سریع انجام می‌دهد *

* این دو آیه که خداوند خلود در بهشت و جهنم را موکول به اراده خودش می‌کند، سؤال برانگیز است. می‌پرسیم آیا ممکن است خداوند کسی را که به بهشت برده، روزی اخراج کند یا کسی را که به جهنم برده به بهشت برگرداند؟ آنچه مسلم است اعمال خداوند همه بر مدار مصلحت و مفسده است. هیچ وقت خداوند مستبدانه بدون حکمت عملی انجام نمی‌دهد. خدا کسی را از بهشت اخراج نمی‌کند مگر که خودش با کفر و گناه خارج شود. منظور از بهشت در

اینجا حالت بهشتی است که معرفت باشد نه باغ بهشت. اگر در حال ایمان و تسلیم بود در بهشت است و الا خارج است. کسانی که دوران کفر و گناه را دیده‌اند بعد در شعاع نور ایمان و تقوا قرار گرفته‌اند ممکن نیست دوباره به کفر و گناه برگردند، اما کسانی که در عذاب‌اند موفق به توبه شوند از جهنم نجات پیدا می‌کنند. خیلی زیاد افراد جهنمی بهشتی می‌شوند و از بهشتی‌ها کسی جهنمی نمی‌شود. این دو آیه شریفه خلود در بهشت و جهنم را مربوط به اراده خدا می‌داند یعنی اهل بهشت و جهنم خلود ذاتی ندارند مانند خدا که بقاء ذاتی دارد. خدا می‌خواهد که هر دو گروه مخلد باشند و اگر بخواهد آن‌ها را نابود می‌کند و یا اخراج می‌نماید.

﴿۱۰۸﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ سَعِدُوا فِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرٌ مَجْذُودٍ و اما سعادت‌مندان در بهشتند، زندگی آن‌ها تا زمانی که آسمان‌ها و زمین برپاست ادامه دارد مگر که خدا بخواهد، نعمت خدا قابل قطع نیست

﴿۱۰۹﴾ فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِمَّا يَعْبُدُ هَؤُلَاءِ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا كَمَا يَعْبُدُ آبَاؤُهُمْ مِّن قَبْلُ وَإِنَّا لَمُوفُونَ نَصِيبُهُمْ غَيْرَ مَنقُوصٍ در بطلان خط مشرکین شک و شبهه نداشته باش، آن‌ها همان راهی را می‌روند که اجدادشان رفته‌اند، نتایج کفر و گناه آن‌ها کاملاً به آن‌ها خواهد رسید

﴿۱۱۰﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَأَخْتَلَفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ ما به موسی کتاب دادیم، امت او در دین و کتاب او اختلاف پیدا کردند، اگر تقدیر خدا نبود که مدتی زندگی کنند، به حیات آن‌ها خاتمه می‌دادیم، آن‌ها در حقانیت دین و کتاب خود شک و شبهه دارند

﴿۱۱۱﴾ وَإِنَّ كُلًّا لَّمَّا لِيُوقِنَهُمْ رَبُّكَ أَعْمَلَهُمْ إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ تمامی آن‌ها

به نتایج اعمالشان می‌رسند ، خدا به اعمال آنها آگاه است

﴿۱۱۲﴾ فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ
چنان که مأموری خود و امت باید استقامت داشته باشید و از حدود خود تجاوز نکنید ، خداوند به اعمالتان آگاه است

﴿۱۱۳﴾ وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ
أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ مواظب باشید مبدا پایه و مایه قدرت ستم‌کاران در ستم
کاری آنها باشید که آتش ظلم و ستم آنها به شما هم می‌رسد ، در این حال، جز خدا
سرپرستی ندارید و یاری نمی‌شوید

﴿۱۱۴﴾ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفًا مِّنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ
السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرٌ لِلذَّكِرِينَ شما در دو طرف روز و قسمتی از شب نماز بخوانید و
بدانید که نیکی‌ها بدی‌ها را نابود می‌کند ، نماز برای پیروان حق یادآور خداست *

* این آیه شریفه اوقات نماز را معین می‌کند و بعد از اوقات نماز، حکمت نماز را. نماز دو
طرف روز، نماز صبح و عصر است و نماز زُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ، مغرب و عشاء است و حکمت نماز این
است که دائم انسان را به یاد خدا می‌اندازد و یاد خدا را در وجود انسان تقویت می‌کند. قهراً
یاد خدا که بی‌نهایت قدرت و عظمت است انسان را از کفر و گناه بازمی‌دارد. تنها عاملی که
انسان را نافع و مفید بار می‌آورد معرفت به خداست. خدا یک قدرت قاهره محیط و مسلط بر
انسان است و غیر از خدا هیچ قدرتی وجود ندارد که بتواند انسان را منظم کند زیرا انسان
خود را فوق همه چیز می‌بیند و مادون انسان، انسان را منظم نمی‌کند مگر خدای قاهر و غالب.

﴿۱۱۵﴾ وَأَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ در راه خدا صبر کن که خدا
اجر نیکوکاران را ضایع نمی‌گذارد

﴿۱۱۶﴾ فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِن قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ ۗ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ

چرا امت‌های گذشته نسلی از خود به‌جا نگذاشتند تا مردم را از فساد بازدارند مگر عده قلیلی از آن‌ها که اهل نجات بودند ، ستم‌کاران در پی خوردن و خوابیدن زندگی خود را به کفر و گناه سپری کردند که مجرم بودند

﴿۱۱۷﴾ وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلِهَا مُصْذِحُونَ

خداوند هرگز اهل شهر و روستایی را که در خط صلاح و اصلاح هستند، به هلاکت نمی‌کشد

﴿۱۱۸﴾ وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً ۗ وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ

اگر خدا بخواهد می‌تواند تمام مردم را به صورت یک امت وحدت دهد ولیکن همیشه در اختلاف به سر می‌برند

﴿۱۱۹﴾ إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبُّكَ ۗ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ ۗ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ

مگر کسانی که خدا به آن‌ها رحم کند (به آن‌ها توفیق دهد) ، خداوند اختلاف برای آن‌ها مقدر کرد تا جویای حقیقت باشند ، حکم خدا قطعیت پیدا کرد که تمامی جن و انس را به جهنم کشاند تا بترسند و به راه حق برگردند (تا خودیت خود را لغو کنند)

﴿۱۲۰﴾ وَكَلَّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ ۗ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ ۗ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ

ما داستان پیامبران را برای تو می‌خوانیم تا عقیده‌ات محکم شود ، این داستان‌ها برای اهل ایمان پند و موعظه و یادآور خداست

﴿۱۲۱﴾ وَقُلْ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ أَعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنَّا عَمِلُونَ

به کفار بگو

که: شما در راه و روش خود فعالیت کنید، ما نیز چنین هستیم

﴿۱۲۲﴾ وَأَنْتَظِرُونَ إِنَّا مُنْتَظِرُونَ منتظر ظهور حاکمیت حق باشید، ما هم منتظریم

﴿۱۲۳﴾ وَاللَّهُ غَيْبُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَيْهِ يُرْجَعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ فَاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ

آینده‌ها در زمین و آسمان مال خداست، مرجع تمامی امور خداست، بنده خدا باش و به او توکل کن، خداوند از اعمال شما غافل نیست.

آیاتها ۱۱۱

سُورَةُ يُوسُفَ

المکي

داستان یوسف، آموزنده این حقیقت است که خداوند همان‌طور که نطفه بی‌ارزش را تبدیل به یک انسان زیبا می‌کند. مؤمن را هم از ته چاه مذلت که مردم به جرم ایمان برای او کنده‌اند، به اوج عزت می‌رساند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ الرَّ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ الف، لام، را. این حروف، آیات کتاب خلقت

است

﴿۲﴾ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ما این قرآن را به زبان عرب

نازل کردیم شاید شما عقل خود را به کار برید *

* در سوره یوسف یکی از آیات سؤال‌برانگیز این آیه است که خداوند متعال می‌فرماید: ما قرآن را به زبان عربی نازل کردیم تا شما مردم عقل خود را فعال کنید و حقیقت را دریابید. سؤال این است که چه رابطه‌ای بین نزول قرآن به زبان عربی و فعال شدن عقل است. اگر به زبان‌های دیگر نازل می‌شد عقل را فعال نمی‌کرد؟ جواب از چند جهت است: یکی اینکه قرآن یک کتاب علمی است که هیچ تناسبی به زمان جاهلیت ندارد که این چنین کتابی و چنان دانشمندی از آن محیط قیام کند و دیگر اینکه پیدایش یک چنین ادبیاتی منظم به وسیله مردم

جاهلی که خودشان نمی‌دانستند چه زبانی تنظیم کرده‌اند، مناسب آن محیط نبود. آیا اعراب جاهلی از قواعد صرف و نحو آگاهی داشتند که فاعل باید مرفوع و مفعول منصوب و مضاف الیه الیه مجرور باشد. لغت‌سازی بر پایه قواعد صرف به این کیفیت که از یک کلمه دوازده هزار کلمه قابل اشتقاق باشد و هر کلمه‌ای معنای مخصوصی داشته‌باشد، مناسب عرب جاهلی نیست. اگر عده بسیاری از دانشمندان در آن زمان جمع می‌شدند، نمی‌توانستند ادبیاتی با این نظام عجیب بسازند، چه برسد که تناسبی بین عرب جاهلی و یک‌چنین ادبیات و لغاتی وجود نداشت جز اینکه بگوییم: خداوند متعال که می‌دانست یک کتاب عظیمی به زبان عرب نازل خواهد کرد، چنین ادبیات منظمی که تناسب با این کتاب داشته، بر زبان عرب جاهلی جاری نمود تا این مطروف که علم قرآن باشد، ظرفی مناسب خود داشته باشد. اگر عقل خود را در شناخت ادبیات عرب فعال کنیم خواهیم دانست که واضع این لغات فقط خداوند متعال بوده است. خدا برای پیدایش بعضی علوم، گاهی انسان را ناخودآگاه ابزار اراده خود قرار می‌دهد. مردم فقط با عقل خود می‌توانند دریابند که ظهور این علم به اراده خدا بوده است. یکی از خصایص ادبیات عرب این است که لغات عربی از مسیر تناسب با معنی وضع شده یعنی حال معنی در لفظ منعکس شده که ما دو نمونه از آن را ذکر می‌کنیم. مثلاً لغت شیب و شباب را در نظر بگیرید. شیب که به اصطلاح قاعده صرف اجوف است برای پیر وضع شده و شباب که مضاعف است برای جوان. تناسب این است که پیر از قوت خالی و قوای جوان مضاعف است پس حالت معنی در لفظ شده شاید کسی این تناسب را نیافته باشد.

﴿۳﴾ نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ وَإِنْ كُنْتَ

مِن قَبْلِهِ لَمِنَ الْغَافِلِينَ ما بهترین داستان را از طریق وحی برای تو بازگو

می‌کنیم گرچه پیش از این غافل بودی (زیرا آن حضرت درس و کتابت نداشته است)

﴿۴﴾ إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ

رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ آنجا که یوسف به پدر گفت: پدرجان، دیشب خواب دیدم

یازده ستاره با ماه و خورشید مرا سجده کردند (پدر که آینده یوسف را درخشان دانست)

﴿۵﴾ قَالَ يَبْنَئِي لَا تَقْضُصْ رُءْيَاكَ عَلَيَّ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ

لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ گفت: پسر من! خواب خود را برای برادرانت نقل نکنی، مبادا

علیه تو فعالیت کند، شیطان دشمن بزرگ است

﴿۶﴾ وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَيُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ

وَعَلَىٰ آلِ يَعْقُوبَ كَمَا أَتَمَّهَا عَلَىٰ أَبَوَيْكَ مِنْ قَبْلُ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ

حَكِيمٌ خدا به تو برتری می دهد، تأویل حوادث را به تو یاد می دهد، نعمت خود را

بر تو و آل یعقوب کامل می کند چنان که بر اجداد تو ابراهیم و اسحاق کامل گردانید

، خداوند حکیم و داناست

﴿۷﴾ لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٌ لِلْسَّائِلِينَ داستان یوسف و برادران،

برای پرسش گران نشانه عظمت خداست

﴿۸﴾ إِذْ قَالُوا لِيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَيْنَا مِمَّا وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلَالٍ

مُبِينٍ آنجا که برادران باهم نشستند و گفتند: یوسف و برادرش در نزد پدر، از ما

محبوب ترند با اینکه ما نیرومندیم، حافظ خانواده ایم، پدر در این تبعیض اشتباه

می کند

﴿۹﴾ أَقْتُلُوا يُوسُفَ أَوْ اطْرَحُوهُ أَرْضًا يَخْلُ لَكُمْ وَجْهُ أَبِيكُمْ وَتَكُونُوا مِنْ بَعْدِهِ

قَوْمًا صَالِحِينَ باید یوسف را بکشیم و یا به جایی دور ببریم که پدر او را نبیند و

ما در نظر پدر محبوب ترین باشیم

﴿۱۰﴾ قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ لَا تَقْتُلُوا يُوسُفَ وَأَلْقُوهُ فِي غَيَابَتِ الْجُبِّ يَلْتَقِطُهُ بَعْضُ

السَّيَّارَةِ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ برادر عاقل تر گفت: نه، یوسف را نکشید، به چاهی

بیندازید تا کاروانیان او را ببرند، این عمل بهتر است اگر به جا آورید

﴿۱۱﴾ قَالُوا يَا أَبَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَى يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُ لَنَصِحُونَ
برادران بعد

از وحدت نظر، خدمت پدر آمدند که پدرجان! چرا اطمینان نداری یوسف را با ما
همراه و هم‌بازی کنی، ما ناصح او هستیم

﴿۱۲﴾ أَرْسَلَهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعُ وَيَلْعَبُ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ
اجازه بده فردا با او به

صحرا برویم بازی کنیم، خیالت راحت باشد ما او را حفظ می‌کنیم

﴿۱۳﴾ قَالَ إِنِّي لَيَحْزُنُنِي أَنْ تَذْهَبُوا بِهِ وَأَخَافُ أَنْ يَأْكُلَهُ الذِّئْبُ وَأَنْتُمْ عَنْهُ
پدر گفت: عزیزانم! اگر او را از من جدا کنید، من ناراحت می‌شوم،

غَفِلُونَ
می‌ترسم شما غفلت کنید گرگ او را بخورد

﴿۱۴﴾ قَالُوا لَئِنْ أَكَلَهُ الذِّئْبُ وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّا إِذًا لَخَسِرُونَ
گفتند: پدرجان!

چه طور گرگ او را می‌خورد با اینکه ما مردانی توانا و نیرومندیم اگر چنین شود ما
برادرانی بی‌عرضه‌ایم

﴿۱۵﴾ فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهِ وَاجْتَمَعُوا أَنْ يَجْعَلُوهُ فِي غِيَابَتِ الْجُبِّ وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُمْ
فردا او را به صحرا بردند، تصمیم گرفتند او را به

بِأَمْرِهِمْ هَذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ
چاه بیندازند، ما به یوسف آگاهی دادیم که این عمل را به رخ آن‌ها خواهی کشید و
آن‌ها نمی‌دانستند

﴿۱۶﴾ وَجَاءَ وَآبَاهُمْ عِشَاءَ يَبْكُونَ
بعد پیراهن او را به خون آلودند، شب به خانه

نزد پدر برگشتند و گریه می‌کردند

﴿۱۷﴾ قَالُوا يَا أَبَانَا إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَتَرَكْنَا يُوسُفَ عِنْدَ مَتَلَعِنَا فَاكَلَهُ الذِّئْبُ

وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ که پدرجان! ما به بازی مشغول شدیم غفلت داشتیم، گرگ یوسف را ربود و خورد، می دانیم که باور نمی کنی گرچه راست گفته باشیم

﴿۱۸﴾ وَجَاءُوا عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ پیراهن یوسف را که به دروغ به خون آلوده بودند، حاضر کردند، پدر که دروغ آن‌ها را دانست گفت: می دانم گرفتار وسوسه شیطان شده اید، صبر زیباتر است، از خدا کمک می خواهم که صبر کنم

﴿۱۹﴾ وَجَاءَتْ سَيَّارَةٌ فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ فَأَدْلَى دَلْوَهُ قَالَ يَبُشْرَىٰ هَذَا غُلَامٌ وَأَسْرُوهُ بِضَعَّةٍ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَعْمَلُونَ کاروانی نزدیک چاه رسید مردی را فرستادند آب بیاورد، دلو را به چاه انداخت، پسر زیبایی بالا آمد، داد زد: آهای مژده! غلام زیبایی یافتم، خیلی قیمت دارد، خدا از کار آن‌ها باخبر بود (برادران که ناظر بودند جلو آمدند که برده ما است، فرار کرده).

﴿۲۰﴾ وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمَ مَعْدُودَةٍ وَكَانُوا فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ بعد او را به چند درهم ناقابل فروختند به آن اعتنایی نداشتند

﴿۲۱﴾ وَقَالَ الَّذِي اشْتَرَاهُ مِنْ مِصْرَ لِامْرَأَتِهِ أَكْرِمِي مَثْوَاهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ کاروان، یوسف را به مصر برد، عزیز مصر او را خرید، به همسرش گفت: این پسر را که نجیب است، گرامی بدار شاید از او سودی ببریم یا به فرزندی بگیریم، ما به این صورت یوسف را به قدرت رسانیدیم، تأویل حوادث را به او آموختیم، خدا بر آنچه مقدر می کند غالب

است ولیکن مردم نمی دانند

﴿۲۲﴾ **وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَءَاتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ** زمانی

که یوسف به حد بلوغ رسید به او علم و حکمت آموختیم ، ما نیکوکاران را این چنین پاداش می دهیم

﴿۲۳﴾ **وَرَوَدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَن نَّفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْت لَكَ**

قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ او با زیبایی و

جمال عقلی، محبوب عزیز مصر واقع شد، زن عزیز که عاشق شده بود با او رابطه برقرار کرد، او را به خلوت برد، درهای خروجی را بست به او گفت: بیا جلو، یوسف گفت: پناه به خدا، عزیز مصر مرا گرامی داشت، امین خانه شناخت ، خداوند ظالم را رستگار نمی کند

﴿۲۴﴾ **وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ**

السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِن عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ زلیخا خواست با او درآویزد

یوسف هم آری، اگر عظمت خدا را ندیده بود ، ما قدرت خود را به او جلوه دادیم تا فحشاء و منکر را از او برطرف سازیم که او بنده مخلص ما بود

﴿۲۵﴾ **وَأَسْتَبَقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهُ مِن دُبُرٍ وَأَلْفَيَا سَيِّدَهَا لَدَا الْبَابِ قَالَتْ مَا**

جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَنْ يُسْجَنَ أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ یوسف فرار کرد،

زلیخا در تعقیب او از پشت پیراهنش را کشید و پاره کرد، دم در خروجی با شوهر روبه‌رو شدند ، فوری زلیخا تهمت زد که: اگر کسی متعرض حریم تو شود، به جز زندان یا تنبیه سخت مجازاتی دارد؟

﴿۲۶﴾ قَالَ هِيَ رَاوَدْتَنِي عَنْ نَفْسِيَّ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ أَهْلِهَا إِن كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ

قُبُلٍ فَصَدَقَتْ وَهُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ يوسف گفت: این خانم مرا به خود مربوط کرد

، در اینجا شاهی که ناظر اعمال بود، گفت: اگر پیراهن یوسف از جلو پاره شده،

یوسف گناه کار است (زلیخا از خود دفاع نموده است)

﴿۲۷﴾ وَإِن كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ فَكَذَبَتْ وَهُوَ مِنَ الصَّادِقِينَ و اگر پیراهن

از پشت پاره شده، زلیخا او را تعقیب نموده یوسف راست می گوید، بی گناه است

﴿۲۸﴾ فَلَمَّا رَعَا قَمِيصَهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكُنَّ إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ

عزیز نگاه کرد که پیراهن از پشت پاره شده، گفت: مکر شما زنان است، شیطنت شما

بزرگ است *

* گفته اند که شاهد در اینجا کودکی بوده است شاید حقیقت باشد زیرا اگر بزرگ بود علیه

زلیخا شهادت نمی داد که می ترسید.

﴿۲۹﴾ يُوسُفُ أَعْرَضَ عَنْ هَذَا وَاسْتَغْفِرِي لِذَنبِكِ إِنَّكِ كُنْتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ به

یوسف گفت: از این خانم فاصله بگیر، تو هم ای زن! استغفار کن که خطا کار بوده ای

﴿۳۰﴾ وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَنْ نَفْسِهِ قَدْ شَغَفَهَا

حُبًّا إِنَّا لَنَرُّهَا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ رابطه زلیخا شهرت یافت، عده ای از زنان گفتند:

ملکه مصر عاشق جوان درباری خود شده، از دایره عفت منحرف شده است

﴿۳۱﴾ فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكًا وَعَآتَتْ كُلَّ

وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سِكِّينًا وَقَالَتِ اخْرُجْ عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ

وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ زلیخا که از این بدگویی ها

آگاه شد، ضیافتی ترتیب داد، متکا پشت سر زنان گذاشت به هر یک کارد و پرتقالی داد، به یوسف گفت: بیا پذیرایی کن، زنان که او را در آن زیبایی دیدند، چنان مجذوب شدند که دست خود را به جای میوه بریدند، گفتند: سبحان الله! این پسر بشر نیست، فرشته بزرگواری است

﴿۳۲﴾ قَالَتْ فَذَلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنِّي فِيهِ وَلَقَدْ رَودْتُهُ بِعَنْ نَفْسِيهِ فَأَسْتَعْصِمُ وَلَئِن لَّمْ يَفْعَلْ مَا ءَأْمُرُهُ لَيُسْجَنَنَّ وَلَيَكُونًا مِّنَ الصَّغِيرِينَ زليخا گفت: این است آقای که مرا درباره او ملامت می کنید، به او عشق ورزیدم او خودداری نمود، اگر عشق مرا اجابت نکند او را زندانی می کنم و یا به ذلت و خواری می اندازم

﴿۳۳﴾ قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُن مِّنَ الْجَاهِلِينَ یوسف که اسم زندان شنید عرض کرد: پروردگارا! زندان را از رابطه با زنان بیشتر دوست دارم، اگر تو مکر زنان را از من نگردانی، به آنها متمایل می شوم و جاهل و گناه کار شناخته می شوم

﴿۳۴﴾ فَأَسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ خداوند دعایش را اجابت نمود، مکر زنان را از او بگردانید که او شنوا و داناست

﴿۳۵﴾ ثُمَّ بَدَأَ لَهُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا رَأَوُا الْآيَاتِ لَيَسْجُنَّهُ وَحَتَّىٰ حِينٍ سروصدایی از این حوادث پیدا شد، درباریان صلاح در این دیدند که او را زندانی کنند

﴿۳۶﴾ وَدَخَلَ مَعَهُ السِّجْنَ فَتَيَانٍ قَالَ أَحَدُهُمَا إِنِّي أَرَانِي أَعْصِرُ خَمْرًا وَقَالَ الْآخَرُ إِنِّي أَرَانِي أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْرًا تَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ نَبِئْنَا بِتَأْوِيلِهِ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ یوسف با دو نفر متهم دیگر به زندان افتادند، یک نفر از آن دو زندانی

گفت: که ای یوسف! دیشب خواب دیدم شربت و شراب می سازم، دیگری گفت: خواب دیدم بالای سرم سبد نان برداشته ام، پرندگان نان ها را می خورند، ای یوسف! تو مرد پاکی هستی خواب ما را تعبیر کن

﴿۳۷﴾ قَالَ لَا يَأْتِيكُمَا طَعَامٌ تُرْزَقَانِيَهٗ إِلَّا نَبَأْتُكُمَا بِتَأْوِيلِهِ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَكُمَا ذَٰلِكُمَا مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ

یوسف گفت: به چشم، پیش از آن که شام شب را بیاورند، تعبیر می کنم ، این تعبیر خواب، علمی است که خدا به من آموخته است ، برای اینکه ما راه و روش کسانی را که ایمان به خدا نیاورده اند و کافر به آخرت شده اند، ترک نمودیم *

* یوسف از این جهت تعبیر خواب را به تأخیر انداخت که دانست یکی از آن ها محکوم به اعدام است، نخواست او را ناراحت کند و بعد از مدتی هم که تعبیر کرد، گفت: یک نفر از شما اعدام می شود و دیگری به مقام اول برمی گردد. پیامبران همه جا حال دیگران را رعایت می کنند.

﴿۳۸﴾ وَأَتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ مَا كَانَ لَنَا أَنْ نُشْرِكَ بِاللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ذَٰلِكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَعَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ

ما از راه و روش اجدادمان ابراهیم و اسحاق و یعقوب پیروی نمودیم ، شایسته ما نیست کسی یا چیزی را شریک خدا سازیم ، این لطف خداست که شامل حال ما و مردم شده گرچه اکثر مردم نعمت خدا را منظور ندارند

﴿۳۹﴾ يَصْحَبِي السِّجْنِ عَرَبَابٌ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمْ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ

ای رفقای زندانیم! این همه ارباب بازی متفرق بهتر است یا خدای واحد قادر و غالب

﴿۴۰﴾ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءَ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَعَابَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا

مِنْ سُلْطٰنٍ اِنْ اٰحْكُمُ اِلَّا بِاللّٰهِ اَمْرًا اَلَّا تَعْبُدُوْا اِلَّا اِيَّاهُ ذٰلِكَ الدِّيْنُ الْقَيِّمُ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُوْنَ

شما و اجدادتان پیش خود کلماتی به نام خدا ساخته‌اید و می‌پرستید، خداوند به این اسم‌ها قدرتی نداده، حکم و حکومت مخصوص خداست، اجازه نداده به جز او کسی را بپرستند، دین ثابت و پایدار این است، گرچه بسیاری از مردم نمی‌دانند (اما تعبیر خواب)

﴿٤١﴾ يَصْحَبِي السِّجْنِ اَمَّا اَحَدُكُمَا فَيَسْقِي رَبَّهُوْ خَمْرًا وَاَمَّا الْاٰخَرُ فَيُصَلِّبُ فَتَاكُلُ الطَّيْرُ مِنْ رَاسِهٖ قُضِيَ الْاَمْرُ الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ

رفقای زندانیم! یک نفر از شما به مقام اول خود برمی‌گردد به شاه شراب و شربت می‌دهد و دیگری به دار آویخته می‌شود و مرغان مغز سر او را می‌خورند، تعبیر خواب همین است (معرفی نکرد تا ناراحت نشوند)

﴿٤٢﴾ وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ اَنَّهُ نَاجٍ مِّنْهُمَا اذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ فَاَنْسَاهُ الشَّيْطٰنُ ذِكْرَ رَبِّهٖ فَلَبِثَ فِي السِّجْنِ بِضْعَ سِنِيْنَ

مخفیانه به کسی که می‌دانست آزاد می‌شود، گفت: بی‌گناهی مرا به شاه خود بگو، اما شیطان این یادآوری را از یاد زندانی برد در نتیجه زندان یوسف هفت سال ادامه یافت (شیطان بر آن زندانی غلبه کرد، یوسف حق داشت تهمت را از خود بگرداند) *

* مفسرین از کلمات اذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ این‌چنین فهمیده‌اند که رب در جمله اَنْسَاهُ الشَّيْطٰنُ، پروردگار است، در نتیجه گفته‌اند که: شیطان بر یوسف غلبه کرد و یاد خدا را از خاطرش برد و متوسل به خلق خدا شد و خداوند یوسف را از اینکه متوسل به خلق شد، مجازات کرد. در نتیجه هفت سال در زندان متوقف شد پس یوسف به گناه خود مستحق مجازات گردید ولیکن توجه نکرده‌اند که رب در این جمله عزیز مصر است نه خداوند متعال. یوسف به زندانی گفت: پیش ربت یعنی پیش شاه مرا یادآوری کن که چه گناهی داشته‌ام و بعد شیطان این

یادآوری را از خاطر آن زندانی برد. سفارش یوسف از یادش رفت. در این آیه کلمه ربک و ربه یک مصداق دارد که عزیز مصر است. آن‌ها سلطان را رب خود می‌شناخته‌اند، چنان که خداوند به بنی‌اسرائیل می‌گوید: وَ فِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ (بقره ۱۴۹) و دیگر اینکه یوسف حق شرعی و عقلی داشت که بی‌گناهی خود را به عزیز مصر ابلاغ کند زیرا بر مظلوم واجب است از حق خود دفاع کند تا ظالم، ظالم شناخته شود و نگوید: حق داشته‌ام او را زندانی کنم. پس توسل یوسف که از نوع دفاع است، مشروعیت دارد و شیطان بر آن زندانی غالب شده نه بر یوسف. شیاطین بر پیامبران مسلط نمی‌شوند. یوسف مستحق مجازات الهی نبوده بلکه مظلوم به ظلم ظالم بوده است.

﴿۴۳﴾ وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعُ عِجَافٍ وَسَبْعَ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رُؤْيَايَ إِن كُنْتُمْ لِلرُّؤْيَا تَعْبُرُونَ و بعد از چندی پادشاه در خواب دید هفت گاو لاغر هفت گاو چاق را می‌خورند، کنار آن‌ها هفت خوشه سبز و هفت خوشه خشک، نگران شد و خواب گزاران را خواست که خواب مرا تعبیر کنید اگر تعبیر می‌دانید

﴿۴۴﴾ قَالُوا أَضْغَتْ أَحْلَامٌ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَامِ بِعَالِمِينَ جواب دادند: خواب پریشان است، ما خواب پریشان را نمی‌توانیم تعبیر کنیم

﴿۴۵﴾ وَقَالَ الَّذِي نَجَا مِنْهُمَا وَادَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ أَنَا أُنَبِّئُكُمْ بِتَأْوِيلِهِ فَأَرْسِلُونِ رفیق زندانی یوسف بعد از مدتی تعبیر خواب یوسف به یادش آمد گفت: اجازه بده الآن تعبیرکننده خواب را می‌آورم، فوری به زندان رفت که

﴿۴۶﴾ يُوسُفُ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ أَفْتِنَا فِي سَبْعِ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعُ عِجَافٍ وَسَبْعِ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ لَّعَلِّي أَرْجِعُ إِلَى النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ ای یوسف صادق راست‌گو! این خواب را تعبیر کن که هفت گاو لاغر هفت گاو چاق را

می خورند و هفت خوشه سبز و خوشه خشک، شاه و مردم در انتظارند که برگردم و آن‌ها را آگاه کنم

﴿۴۷﴾ قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأْبًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا

تَأْكُلُونَ یوسف گفت: برو به شاه بگو: هفت سال اول باران فراوان می آید، گندم

زیاد بکارند و با خوشه آن‌ها را ذخیره کنند مگر آنچه را که لازم دارند

﴿۴۸﴾ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا

تُحْصِنُونَ بعد از آن دوره هفت سال، خشکی و قحطی می آید که آنچه ذخیره

کرده‌اید می خورید مگر مقدار کمی که می ماند

﴿۴۹﴾ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ يَعْرِضُونَ و بعد از این

خشک‌سالی، سال فراوانی می شود، باران می بارد خداوند به داد مردم می رسد

﴿۵۰﴾ وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ فَلَمَّا جَاءَهُ الرَّسُولُ قَالَ ارْجِعْ إِلَى رَبِّكَ فَسْأَلْهُ مَا

بِالْنِّسْوَةِ الَّتِي قَطَعْنَ أَيْدِيَهُنَّ إِنَّ رَبِّي بِكَيْدِهِنَّ عَلِيمٌ شاه خوش حال شد و

گفت: یوسف را بیاورید، مأمور به زندان رفت تا او را بیاورد، یوسف گفت: اول به

شاه بگو: گناه من چه بود، داستان زنان که در ضیافت دست خود را بریدند چه بود،

خدا به مکر زنان آگاه است (شاه زنان را احضار کرد)

﴿۵۱﴾ قَالَ مَا خَطْبُكُنَّ إِذْ رَاوَدْتُنَّ يُوسُفَ عَنِ نَفْسِهِ قُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا عَلِمْنَا

عَلَيْهِ مِنْ سُوءٍ قَالَتْ أَمْرَأْتُ الْعَزِيزِ الْأَنْ حَصَحَصَ الْحَقُّ أَنَا رَاوَدْتُهُ عَنِ نَفْسِهِ

وَإِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ که داستان رابطه شما با یوسف چه بوده گفتند: خدا منزّه

است ما گناهی از او ندیدیم، فوری زلیخا گفت: الآن حقیقت معلوم شد گناه من بود

که با او رابطه پیدا کردم او راست می گوید

﴿۵۲﴾ ذَٰلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَيْبِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ يوسف

گفت: به این دلیل تقاضای رسیدگی نمودم که شاه بدانند من در غیاب او خیانت به او نکرده‌ام، خداوند خیانت کاران را هدایت نمی کند

(جزء ۱۳) ﴿۵۳﴾ وَمَا أُبْرِيْ نَفْسِيْٓ إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوْءِٓ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّيْٓ

إِنَّ رَبِّيْ غَفُورٌ رَّحِيمٌ من نفس خود را تبرئه نمی کنم ، نفس، انسان را به بدی ها وادار می کند مگر که پروردگارم رحم کند، پروردگار من آمرزنده و مهربانست

﴿۵۴﴾ وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهٖٓ أَسْتَخْلِصْهُ لِنَفْسِيْٓ فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا

مَكِينٌ أَمِينٌ شاه که تواضع او را شناخت، گفت: او را بیاورید مشاور خاص من باشد، وقتی که حاضر شد با او سخن گفت، گفت: تو امروز نزد ما مقرب و نیرومندی، امین ما هستی

﴿۵۵﴾ قَالَ اجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِٓ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ يوسف بر پایه خواب

شاه گفت: اجازه بده مدیر غلات و خزانه ها باشم ، خیالت راحت باشد که دانا و نگهبانم

﴿۵۶﴾ وَكَذَٰلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُوْا مِنْهَا حَيْثُ شَاءَ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ

نَشَاءُ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ما این چنین یوسف را در زمین به قدرت رسانیدیم اختیارات مطلق داشت، به هر کاری موفق بود ، ما لطف و رحمت خود را به هر کسی بخواهیم می رسانیم ، اجر نیکوکار را ضایع نمی گذاریم

﴿۵۷﴾ وَلَا أَجْرُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ برای اهل تقوا اجر آخرت

بهرتر و بالاتر است (یوسف در سال‌های فراوانی، غلات زیادی ذخیره کرد، در سال‌های خشکی همه به او محتاج شدند)

﴿۵۸﴾ **وَجَاءَ إِخْوَةُ يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ** برادران یوسف برای تهیه غله به مصر آمدند، یوسف آن‌ها را شناخت، آن‌ها یوسف را نشناختند (بعد از پرس‌وجو گفت: چرا برادر دیگران را نیاورده‌اید)

﴿۵۹﴾ **وَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَّازِهِمْ قَالَ أَتُّونِي بِأَخٍ لَّكُم مِّنْ أَبِيكُمْ أَلَا تَرَوْنَ أَنِّي أُوفِي الْكَيْلَ وَأَنَا خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ** کاروان آن‌ها را مجهز کرد و به راه انداخت و گفت: دومرتبه که آمدید، برادر دیگر خود را هم بیاورید، مگر ندیدید غله شمارا بهتر و بیشتر دادم و شما را پذیرایی کردم

﴿۶۰﴾ **فَإِنْ لَّمْ تَأْتُونِي بِهِ فَلَا كَيْلَ لَكُمْ عِنْدِي وَلَا تَقْرَبُونِ** اگر برادر دیگران را نیاورید به شما غله نمی‌دهم، پذیرایی هم نمی‌کنم

﴿۶۱﴾ **قَالُوا سَنُرَوِّدُ عَنْهُ أَبَاهُ وَإِنَّا لَفَاعِلُونَ** گفتند: به چشم، با پدرش مذاکره می‌کنیم او را می‌آوریم

﴿۶۲﴾ **وَقَالَ لِفَتْيَانِهِ اجْعَلُوا بِضَعَتَهُمْ فِي رِحَالِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَعْرِفُونَهَا إِذَا أُنْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ** یوسف به مأمورین دستور داد کالایی که با خود آورده‌اند در داخل بار شتران قرار داده به خودشان برگردانند تا وقتی که به وطن برگشتند و دیدند غله مجانی به آن‌ها داده شاید دومرتبه برگردند

﴿۶۳﴾ **فَلَمَّا رَجَعُوا إِلَىٰ أَبِيهِمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مُنِعَ مِنَّا الْكَيْلُ فَأَرْسِلْ مَعَنَا آخَانَا نَكْتَلْ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ** وقتی به وطن رسیدند به پدر گفتند: عزیز مصر به ما

گفت: اگر دومرتبه برای غله آمدید برادر دیگرتان را با خود بیاورید و الا خواروبار ندارید، اجازه بده برادر را با خود ببریم ما او را حفظ می کنیم

﴿۶۴﴾ قَالَ هَلْ ءَامَنُكُمْ عَلَيْهِ إِلَّا كَمَا ءَامِنُكُمْ عَلَىٰ أَخِيهِ مِن قَبْلُ فَأَلَّ اللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ پدر گفت: آری مطمئن باشم همان طور که برای یوسف مطمئن شدم؟ ، خداوند بهترین حافظ و أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ است

﴿۶۵﴾ وَلَمَّا فَتَحُوا مَتَاعَهُمْ وَجَدُوا بِضَاعَتَهُمْ رُدَّتْ إِلَيْهِمْ قَالُوا يَا بَنَا مَا نَبِغِي هَذِهِ بِضَاعَتُنَا رُدَّتْ إِلَيْنَا وَنَمِيرُ أَهْلَنَا وَنَحْفَظُ أَخَانَا وَنَزْدَادُ كَيْلَ بَعِيرٍ ذَلِكَ كَيْلٌ يَسِيرٌ بار شتران را گشودند، دیدند قیمت کالاها به خودشان برگشته ، با ذوق و شوق گفتند: پدرجان! دنبال چه هستیم، قیمت کالا را هم به خودمان برگردانیده تا بتوانیم زندگی را اداره کنیم، این مقدار که آورده ایم کافی نیست، بیشتر از این لازم داریم خیالت راحت باشد، برادرمان را حفظ می کنیم

﴿۶۶﴾ قَالَ لَنْ أُرْسِلَهُو مَعَكُمْ حَتَّىٰ تُؤْتُونِ مَوْثِقًا مِّنَ اللَّهِ لَتَأْتُنِي بِهِ إِلَّا أَن يُحَاطَ بِكُمْ فَلَمَّا ءَاتَوْهُ مَوْثِقَهُمْ قَالَ اللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ پدر گفت: نه، این برادر را نمی دهم جز اینکه قسم بخورید او را به من بر می گردانید مگر اینکه نتوانید، وقتی که پیمان بستند، گفت: مانعی ندارد، خدا وکیل است

﴿۶۷﴾ وَقَالَ يَبْنَئِي لَا تَدْخُلُوا مِن بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُّتَفَرِّقَةٍ وَمَا أُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا إِنَّ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ به آن ها سفارش کرد وقتی وارد مصر شدید از یک در وارد نشوید بلکه هر دو برادر از یک در، نمی توانم تقدیر خدا را از شما بگردانم ، حکم با خداست ، من به او توکل نمودم، همه به او توکل کنند

﴿٦٨﴾ وَلَمَّا دَخَلُوا مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ أَبُوهُم مَّا كَانَ يُغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا حَاجَةً فِي نَفْسِ يَعْقُوبَ قَضَاهَا وَإِنَّهُ لَذُو عِلْمٍ لِمَا عَلَّمْنَاهُ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

برادران به مصر برگشتند، طبق دستور پدر وارد مصر شدند، دستور پدر تقدیر خدا را عوض نکرد جز اینکه قدری فکر او را آرام نمود، یعقوب از طریق تعلیمات ما آگاهی پیدا کرده بود گرچه بسیاری از مردم نمی‌دانند (شاید از این قضایا احساس کرده بود که یوسف آنجاست)

﴿٦٩﴾ وَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يُوسُفَ ءَاوَىٰ إِلَيْهِ أَخَاهُ قَالَ إِنِّي أَنَا أَخُوكَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

وقتی که وارد دربار شدند یوسف غم تنهایی برادر را احساس کرد، مخفیانه خود را به او معرفی نمود و گفت: از کردار برادران نا اهل ناراحت نباش

﴿٧٠﴾ فَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَّازِهِمْ جَعَلَ السِّقَايَةَ فِي رَحْلِ أَخِيهِ ثُمَّ أَذَّنَ مُؤَذِّنٌ أَتَتْهَا أَلْعِيرُ إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ

نقشه کشید برادر را نگه دارد، وسایل حرکت آن‌ها را فراهم کرد، جام آب را در بار شتر برادر گذاشت و جارچی داد زد که: شما کاروان، دزدی کرده‌اید

﴿٧١﴾ قَالُوا وَقَبِلُوا عَلَيْهِم مَّاذَا تَفْقِدُونَ

برادران رو آوردند که چه چیز گم کرده‌اید؟

﴿٧٢﴾ قَالُوا نَفَقِدُ صُوعَ الْمَلِكِ وَلِمَن جَاءَ بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ

گفتند: جام آب شاه را گم کرده‌ایم، هر کس بیاورد یک بار شتر جایزه دارد، من ضامن هستم

﴿٧٣﴾ قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَّا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كُنَّا سَارِقِينَ

برادران گفتند: شما ما را می‌شناسید ما از تباه‌کاران نیستیم، نیامده‌ایم دزدی کنیم

﴿۷۴﴾ قَالُوا فَمَا جَزَاؤُهُوَ إِنْ كُنْتُمْ كَاذِبِينَ يوسف گفت: مجازات شما چیست اگر دروغ گفته باشید؟

﴿۷۵﴾ قَالُوا جَزَاؤُهُوَ مَنْ وَجَدَ فِي رَحْلِهِ فَهُوَ جَزَاؤُهُوَ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ گفتند: مجازات برای همان دزدی است که جام شاه در بار شتر او پیدا شود، ما ظالم را مجازات می‌کنیم *

* کسی نگوید که: چرا یک پیامبر وسایل بی‌آبرویی برای بندگان بی‌گناه فراهم نموده و آن‌ها را با این عمل به‌صورت دزد جلوه داده است. جواب این است که اولاً: یک امر علنی و آشکار که در مرآ و منظر مردم باشد نبوده بلکه یک عمل خصوصی بین خود و برادران تا چنان که از آن‌ها اذیت دیده آن‌ها را اذیت کند و ثانیاً: برادرش که خیلی ناراحت است و نمی‌تواند فراق را تحمل کند و صلاح نیست که با آن‌ها برود و یوسف را به آن‌ها معرفی کند به هر دلیل باید در مصر بماند. راهش همین بوده که به این وسیله او را نگه دارد و کم‌کم پدر را هم برای ملاقات یوسف آماده نماید. خداوند برای تبرئه یوسف می‌گوید: (كَذَلِكَ كِدْنَا لِيُوسُفَ) خودمان چنین نقشه کشیدیم.

﴿۷۶﴾ فَبَدَأَ بِأَوْعِيَّتِهِمْ قَبْلَ وِعَاءِ أَخِيهِ ثُمَّ اسْتَخْرَجَهَا مِنْ وِعَاءِ أَخِيهِ كَذَلِكَ كِدْنَا لِيُوسُفَ مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَن نَّشَاءُ وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ اول، بار شتر برادران را گشتند بعد جام شاه را از بار شتر برادر یوسف درآوردند، ما خود چنین نقشه‌ای کشیدیم و الا در دین یوسف جایز نبود برادرش را به تهمت دزدی نگه دارد مگر که اذن خدا باشد، ما درجه هر کسی را بخواهیم بالا می‌بریم، بالاتر از هر دانایی دانشمندی هست

﴿۷۷﴾ قَالُوا إِنْ يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَهُ مِنْ قَبْلُ فَأَسْرَهَا يُوسُفُ فِي نَفْسِهِ وَلَمْ يُبْدِهَا لَهُمْ قَالَ أَنْتُمْ شَرُّ مَكَانًا وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَصِفُونَ برادران گفتند: اگر

این پسر دزدی کرد قبلاً برادرش هم دزدی کرده بود ، خاطره‌های گذشته در فکر یوسف گذشت اما ظاهر نکرد، گفت: وضعیت شما خیلی بدتر است، خدا آگاه‌تر است

﴿۷۸﴾ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُ ۗ إِنَّا نَرَاكَ

مِنَ الْمُحْسِنِينَ برادران گفتند: ای عزیز! این پسر، پدر پیری دارد، شما یک نفر از ما برادران را به جای او نگه‌دارید، او را آزاد کنید ، ما تورا مهربان و نیکوکار می‌بینیم

﴿۷۹﴾ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ أَنْ نَأْخُذَ إِلَّا مَنْ وَجَدْنَا مَتَّعْنَا عِنْدَهُ ۗ إِنَّا إِذَا لَطَلِمُونَ

یوسف گفت: پناه به خدا، فقط کسی را نگه می‌داریم که جام خود را از او گرفته‌ایم و گرنه ظالم خواهیم بود

﴿۸۰﴾ فَلَمَّا أَسْتَيْسُوا مِنْهُ خَلَصُوا نَجِيًّا ۖ قَالَ كَبِيرُهُمْ أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ أَبَاكُمْ قَدْ

أَخَذَ عَلَيْكُمْ مَوْثِقًا مِّنَ اللَّهِ ۖ وَمِن قَبْلُ مَا فَرَّطْتُمْ فِي يُوسُفَ ۖ فَلَنْ أُبْرَحَ الْأَرْضَ حَتَّىٰ يَأْذَنَ لِي أَبِي أَوْ يَحْكُمَ اللَّهُ لِي ۖ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ وقتی که

مأیوس شدند، برای نجات از نگرانی شدید از جواب پدر به تلاش افتادند ، بزرگ‌تر آنها گفت: مگر نمی‌دانید پدر از ما عهد و پیمان گرفت، پیش‌ازاین هم در رفتار با یوسف سابقه بدی داشتیم ، من که از اینجا به‌جای دیگر نمی‌روم مگر که پدر اجازه دهد یا خدا حکم دیگری کند که بهترین حاکمان است

﴿۸۱﴾ أَرْجِعُوا إِلَىٰ آبَائِكُمْ فَقُولُوا يَا أَبَانَا إِنَّ ابْنَكَ سَرَقَ وَمَا شَهِدْنَا إِلَّا بِمَا عَلَّمَنَا

وَمَا كُنَّا لِلْغَيْبِ حَافِظِينَ شما به وطن برگردید بگویند: پدرجان! پسر دزدی کرد او را توقیف نمودند، ما به حق شهادت می‌دهیم، از غیب این واقعه خبر نداشتیم

﴿۸۲﴾ وَسَعَلِ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا وَالْعَيْرَ الَّتِي أَقْبَلْنَا فِيهَا ۖ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ اگر

از ما قبول نداری، از شهری که این اتفاق افتاده یا از کاروانی که همراه ما بود پرس تا بدانی که راست می‌گوییم

﴿۸۳﴾ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبِرْ جَمِيلٌ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ

یعقوب گفت: در اینجا هم گرفتار وسوسه نفس شده‌اید، مکر دیگری به کار بردید باز هم صبر می‌کنم شاید خداوند هر دو پسر را به من برگرداند، او حکیم و داناست

﴿۸۴﴾ وَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسْفَىٰ عَلَىٰ يُونُسَ مَا جَاءَكَ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ

از همه آن‌ها روی گردانید که و اسفا از فراق یوسف!، چشم‌هایش از غصه و گریه سفید شد ولی تحمل می‌کرد

﴿۸۵﴾ قَالُوا تَاللَّهِ تَفْتُوا تَذَكُرُ يُونُسَ حَتَّىٰ تَكُونَ حَرَضًا أَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ

پسران اعتراض کردند که همیشه یوسف یوسف می‌کنی!، پوست و استخوان شدی به هلاکت افتادی!

﴿۸۶﴾ قَالَ إِنَّمَا أَشْكُوا بَنِي وَحُزْنِي إِلَى اللَّهِ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ

گفت: من غم و غصه خود را به خدا شکایت دارم، از تقدیر خدا چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید

﴿۸۷﴾ يٰبَنِيَّ أَذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُونُسَ وَأَخِيهِ وَلَا تَأْيِسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَأْيِسُ مِنَ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ

پسران من! احساس می‌کنم که یوسفم زنده است و همان جاست، بروید از یوسف و برادرش جستجو کنید، از لطف خدا مأیوس نشوید که به جز قوم کافر از خدا مأیوس نمی‌شود

﴿۸۸﴾ فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَيْهِ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الضُّرُّ وَجِئْنَا بِبِضْعَةٍ مُزَجَّجَةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ

پسران به

مصر برگشتند و به عزیز مصر گفتند: که ای عزیز! ما و اهل بیت ما سخت مبتلا شده ایم، سرمایه کمی آورده ایم، خواروبار ما را کامل مرحمت کن، به ما لطف کن، خدا بخشندهگان را دوست می دارد

﴿۸۹﴾ قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَّا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَأَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ

یوسف که

دید خیلی ناراحت شده اند، گفت: خبر دارید در جوانی و نادانی با یوسف و برادرش چه کردید؟

﴿۹۰﴾ قَالُوا أَيْنَ نَكِّ لَأَنْتَ يُّوسُفُ قَالَ أَنَا يُوسُفُ وَهَذَا أَخِي قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ

مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ

گفتند: مگر تو همان یوسف

ما هستی؟، گفت: آری، من یوسفم و این برادر من است، خدا بر ما منت نهاد، هر کس تقوا پیشه کند و صبر نماید، خداوند اجر صابر را ضایع نمی گذارد

﴿۹۱﴾ قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ ءَاثَرَكَ اللَّهُ عَلَيْنَا وَإِنْ كُنَّا لَخَطِئِينَ

گفتند: خدا تو را بر ما

برتری داد، آقایی بخشید و حقیقتاً ما خطاکار بودیم

﴿۹۲﴾ قَالَ لَا تَثْرِبَ عَلَيْكُمْ أَيُّومَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

گفت:

ایرادی بر شما نیست، خداوند مرا و شما را می آمرزد، او أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ است

﴿۹۳﴾ أَذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَأَلْقُوهُ عَلَى وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا وَأْتُونِي بِأَهْلِكُمْ

أَجْمَعِينَ

شما پیراهن مرا ببرید به صورت پدر بیندازید، چشمانش روشن می شود

بعد همه باهم به مصر بیاید

﴿۹۴﴾ وَلَمَّا فَصَلَتِ الْعِيرُ قَالَ أَبُوهُمْ إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْلَا أَنْ تُفَنِّدُونِ

کاروان به طرف کنعان حرکت کرد، یعقوب بوی پیراهن را استشمام نمود گفت: اگر بر من ایراد نگیرید، بوی یوسفم را می شنوم

﴿۹۵﴾ قَالُوا تَاللَّهِ إِنَّكَ لَفِي ضَلَالِكَ الْقَدِيمِ

گفتند: به خدا قسم، تو هنوز در همان

خیالات قدیم هستی

﴿۹۶﴾ فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقَاهُ عَلَىٰ وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِيرًا قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي

أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ بشیر مزده دار یوسف وارد شد، پیراهن یوسف را به صورت پدر انداخت، چشم هایش بینا شد، به خانواده اش گفت: نگفتم از تقدیر خدا چیزهایی می دانم که شما نمی دانید

﴿۹۷﴾ قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ

برادران عذر خواستند که

پدر! برای ما استغفار کن، ما خطاکار بودیم

﴿۹۸﴾ قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

پدر گفت: باشد

شب جمعه برایتان استغفار می کنم، خداوند آمرزنده و مهربان است

﴿۹۹﴾ فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يُوسُفَ ءَاوَىٰ إِلَيْهِ أَبَوَيْهِ وَقَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ إِن شَاءَ اللَّهُ

عَامِنِينَ خانواده یعقوب به طرف مصر حرکت نمودند، یوسف به استقبال پدر آمد و

پدر را پذیرا شد، گفت که: بفرمایید به شهر مصر، ان شاء الله در امن و امان باشید

﴿۱۰۰﴾ وَرَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ وَخَرُّوا لَهُ سُجَّدًا وَقَالَ يَا أَبَتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُءْيَايَ

مِن قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا وَقَدْ أَحْسَنَ بِي إِذْ أَخْرَجَنِي مِنَ السِّجْنِ وَجَاءَ بِكُم مِّنَ الْبَدْوِ مِن بَعْدِ أَنْ نَزَغَ الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَبَيْنَ إِخْوَتِي إِنَّ رَبِّي لَطِيفٌ لِّمَا يَشَاءُ

إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ پدر خود را به تخت قدرت نشانید، همه جلال و شکوه یافتند، برادران به سجده افتادند، یوسف گفت: پدر! این تعبیر خواب قبل است که خدا آن را محقق ساخت، چقدر خدا در این مدت به من محبت کرد، مرا از زندان آزاد نمود، شما را به طرف من آورد، بعد از آن که شیطان بین من و برادرانم تیرگی ایجاد کرد، مهربانی به وجود آورد، پروردگار من چقدر لطیف است، آنچه بخواهد انجام می دهد، او حکیم و داناست

﴿۱۰۱﴾ رَبِّ قَدْ ءَاتَيْتَنِي مِنَ الْمَلِكِ وَعَلَّمْتَنِي مِمَّا تَأْوِيلُ الْأَحَادِيثِ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيٌّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ پروردگارا! تو را سپاس که به من سلطنت دادی و حکمت حادثه ها را به من آموختی، ای آفریننده آسمان ها و زمین! در دنیا و آخرت، تو ولی من هستی، مرا به دین اسلام از دنیا ببر و به شایستگان از خود ملحق کن

﴿۱۰۲﴾ ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ أَجْمَعُوا أَمْرَهُمْ وَهُمْ يَمْكُرُونَ (خدا بعد از خاتمه داستان به پیامبر خطاب می کند: این بود داستان یوسف) علم غیبی که تو نمی دانستی و در آن زمان نبودی که برای یوسف نقشه کشیدند

﴿۱۰۳﴾ وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ گرچه تو در دعوت و تعلیم حریص هستی، ولی اکثریت ایمان نمی آورند

﴿۱۰۴﴾ وَمَا تَسْأَلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ به آن ها محتاج نیستی که مزدی بخواهی، این دین و قرآن پند جهانیان است

﴿۱۰۵﴾ وَكَأَيِّنْ مِنْ ءَايَةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ

چقدر زیاد نشانه‌های عظمت خداوند در آسمان و زمین هست که می‌بینند و توجه نمی‌کنند

﴿۱۰۶﴾ وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ بسیاری از مردم ایمان به خدا نمی‌آورند، خود را و یا خلق خدا را شریک خدا قرار می‌دهند

﴿۱۰۷﴾ أَفَأَمِنُوا أَنْ تَأْتِيَهُمْ غَشِيَةٌ مِّنْ عَذَابِ اللَّهِ أَوْ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ آن‌ها با چه استحقاقی خود را ایمن می‌دانند که عذاب خدا یا ساعت قیامت ناگهانی آن‌ها را فراگیرد، بدون اینکه ظهور عذاب را درک کنند

﴿۱۰۸﴾ قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ بگو: این قرآن راه من است، من و پیروانم با بصیرت کامل شما را به آن دعوت می‌کنیم، خدا منزله است، ما کسی یا چیزی را شریک او قرار نمی‌دهیم

﴿۱۰۹﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِيَ إِلَيْهِمْ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ پیش از تو کسی را رسالت ندادیم مگر مردانی از شهر و روستا که اوامر خود را به آن‌ها وحی نمودیم، تاریخ را مطالعه کنید تا ببینید عاقبت کفار چه بود و چه شد، آخرت برای اهل تقوا بهتر است، چرا عقل خود را به کار نمی‌اندازید؟

﴿۱۱۰﴾ حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْسَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّى مَنْ نَشَاءُ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ ما به کفار در زندگی مهلت و فرصت دادیم تا زمانی که پیامبران به یأس افتادند که پس کجاست وعده خدا! خیال کردند

خلاف حقیقت به آن‌ها گفته‌ایم، در آن حال نصرت خدا رسید و هر کسی را که خواستیم نجات یافت، قهر خداوند از مشرکین برگشت ندارد

﴿۱۱۱﴾ لَقَدْ كَانَ فِي قَصصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَلَٰكِن تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ داستان قرآن برای خردمندان پل عبور است، داستان‌های قرآن دروغ نیست بلکه مورد تصدیق کتاب‌های گذشته و تفصیل علوم و احکام است، مایه هدایت و رحمت برای اهل ایمان است.

آیاتها ۴۳

سُورَةُ الرَّعْدِ

المدنی

این سوره شریفه، از خلقت آسمان و زمین و رعدوبرق و جاذبه‌ها و نزول علم از جانب خدا و عجایب دیگر بحث می‌کند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ الْمَرْءُ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ الف، لام، میم، را، این حروف از آیات کتاب آفرینش است، آنچه بر تو نازل می‌شود حق است ولیکن بسیاری از مردم ایمان نمی‌آورند

﴿۲﴾ اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ أَسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ خداوند کسی است که عوالم آسمان و زمین را بدون ستون قابل رؤیت بالا برد و بعد از خلقت و تربیت بر عرش حاکمیت قرار گرفت، خورشید و ماه را مسخر نمود که هر کدام برای دوره معین در حرکت هستند، امور عالم و بندگان را

تنظیم می کند ، آیات قدرت خود را با تفصیل بیان می کند شاید مردم به روز لقاءالله یقین پیدا کنند

﴿۳﴾ وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْهَارًا وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ يُغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

است که زمین را گسترش داد و کوهها را در آن استوار ساخت ، نهرها جاری نموده و از هر نوع میوه جفت آفرید ، شب را به روز و روز را به شب می پوشاند ، همه اینها برای کسانی که فکر می کنند، آیت قدرت خداست *

* این همه تحولات و تغییرات که در زندگی پیدا می شود مربوط به تربیت و تکامل بشر است انسانها در حرکت و تکامل اند و این حرکات تکاملی تا وصول به مقصد که کمال مطلق است ادامه دارد. زمین و آسمان و ماه و خورشید و ستارگان و جمادات و نباتات و حیوانات تکامل ندارند. وضعیت ابتدایی و نهایی آنها همین است که بوده و خواهد بود. آنها برای انسان خلق شده اند. آنها ناقص خلق نشده اند که بعد کمال پیدا کنند. انسان هم در زندگی، کمال علمی و استعدادی پیدا می کند. همراه کمال علمی انسان، کیفیت زندگی هم بالا می رود مثلاً شما می گوید: انسانهای بهستی در ساختمان بدنی و روحی خود چطورند؟ فقط چیزی که هست این خلقت خیلی زیبا می شود. نواقصش که اسقام و آلام باشد و عوارض دیگر مانند فضولات و مدفوعات از بین می رود. گفته اند که: غذای اهل بهشت به صورت عرق بسیار معطری است که از بدن آنها خارج می شود. نقشه بدن همین است، بدن و روح است اما کیفیت خیلی بالاست. زمین و آسمان و ماه و ستارگان همین است اما تبدیل به بهشت می شود. همه جا سبز و خرم است علف هرزه ای نیست. خداوند متعال اهل بهشت و جهنم را تعریف می کند می گوید: خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ (هود ۱۰۷)، پس سماوات و ارض به حال خود باقی است. کیفیتها بالا می رود نواقص برطرف می شود، کمیتها و هندسه ها به همین شکل است اما کیفیتها خیلی بالاست.

﴿۴﴾ وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مِّنْ جَبَلٍ وَجَنَّتْ مِّنْ أَعْنَابٍ وَزَرْعٌ وَنَخِيلٌ صِنَوَانٌ وَغَيْرُ

صِنَوَانٍ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنُفِضَ لِبَعْضِهَا عَلَى بَعْضٍ فِي الْأَكْلِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

زمین را به قطعات مختلف کنار هم چیده، باغ‌هایی از انواع زراعت‌ها و درخت انگور و خرما شبیه و غیر شبیه به یکدیگر در زمین آفریده که همه آن‌ها از یک آب و خاک ساخته می‌شود، در ذائقه مردم و در لطافت بعضی از بعض دیگر بهتر است، همه این تنوعات برای عقلا آیت الهی است

﴿۵﴾ وَإِنْ تَعْجَبَ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ أَئِذَا كُنَّا تُرَابًا أَلْفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

تو اگر از کفر و گناه آن‌ها تعجب می‌کنی، جای تعجب است که در قدرت خدا شک می‌کنند که مگر ممکن است که وقتی مردیم و خاک شدیم، دو مرتبه زنده شویم، آن‌ها هستند که به پروردگار خود کافر شده‌اند و غل و زنجیر دنیا پرستی آن‌ها را به جهنم کشیده و در حقیقت همان‌ها اهل آتش‌اند و در آن مخلدند

﴿۶﴾ وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ وَقَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمُ الْمَثَلَاتُ وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ لِّلنَّاسِ عَلَى ظُلْمِهِمْ وَإِنَّ رَبَّكَ لَشَدِيدُ الْعِقَابِ

آن‌ها پیش از خیر و سعادت، به راه شرّ و شقاوت می‌روند با اینکه این‌ها همه نمونه‌های شرّ و شقاوت تکرار شده است، پروردگار تو در برابر کفر و گناه، عفو و مغفرت به کار می‌گیرد و گاهی سخت کیفر می‌کند

﴿۷﴾ وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ

کفار اعتراض می‌کنند که چرا معجزه‌ای نمی‌آورد، وظیفه تو فقط تعلیم و تبلیغ است، هر قومی هدایت‌گر مخصوصی لازم دارند

﴿۸﴾ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنثَىٰ وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ

بِمِقْدَارٍ خدا از حمل هر انسان و حیوانی آگاه است، از رحمی که نطفه را محو می کند یا آن را زیاد و کم می کند خبر دارد، هر چیزی از نظر خدا روی حساب و هندسه است

﴿۹﴾ عَلِيمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ او عالم به غیب و شهود است، بزرگ و برتر است

﴿۱۰﴾ سَوَاءٌ مِّنْكُمْ مَّنْ أَسْرَأَ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ وَمَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِاللَّيْلِ وَسَارِبٌ بِالنَّهَارِ برای او مساوی است مخفیانه یا آشکارا سخن بگویند و یا در شب تاریک و روز روشن حرکت کنید

﴿۱۱﴾ لَهُ مِعْقَبَاتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِّنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ گماشتگان از روبرو و پشت سر به امر خدا محافظ شما هستند، خدا هرگز مقدرات قومی را تغییر نمی دهد مگر اینکه آنها وضع علمی و اخلاقی خود را تغییر دهند، اگر خداوند برای قومی بلا و مصیبتی مقدر کند، کسی نمی تواند آن بلا را دفع کند، مردم به جز خدا ولی و سرپرستی ندارند

﴿۱۲﴾ هُوَ الَّذِي يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنزِلُ السَّحَابَ الثِّقَالَ او خدا است که رعدوبرق را به نمایش می گذارد، می ترساند یا به طمع می اندازد، ابرهای سنگین و پرباران به وجود می آورد

﴿۱۳﴾ وَيُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ وَهُمْ يُجَادِلُونَ فِي اللَّهِ وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ رعدوبرق، نمایشگر تسبیح و

ستایش خداست، فرشتگان مقهور اراده او هستند، هر کسی را بخواهد با صاعقه مصیبت می‌رساند، با این‌همه نمایش قدرت، بازهم در اقرار و انکار او باهم مجادله دارند

﴿۱۴﴾ لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُمْ بِشَيْءٍ إِلَّا كَبَسِطٍ كَفِيهِ إِلَى الْمَاءِ لِيَبْلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَالِغِهِ وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ

دعوت به حق مخصوص خداست، کسانی که از غیر خدا خواهش و تمنا دارند مانند کسی هستند که کفی به آب می‌زند تا به دهان برساند ولیکن نمی‌تواند، آرزوها و خواهش‌های کفار در خلأ مطلق قرار می‌گیرد

﴿۱۵﴾ **وَلِلَّهِ** يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَظِلَالُهُم بِالْعُدْوِ وَالْآصَالِ

هر چه هست و هر که هست در آسمان و زمین به میل خود و یا برخلاف میل از نظر جسمانیت و روحانیت، صبح و شام خداوند را سجده می‌کنند

﴿۱۶﴾ قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ **اللَّهُ** قُلْ أَفَأَتَّخِذُكُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَبَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ قُلِ **اللَّهُ** خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ

بپرس مربی عوالم آسمان‌ها و زمین

کیست؟ بگو: خداست، پس چرا به جای خدا از دیگران اطاعت می‌کنید؟، آن‌هم از کسانی که برای خود مالک نفع و ضرری نیستند چه برسد برای دیگران، آیا بینا و نابینا، تاریکی و روشنایی مساوی هستند؟، یا آن‌ها برای خدا شریکانی تراشیده‌اند که خلائقی مانند خلائق خدا دارند، در نتیجه بر آن‌ها مشتبه شده است که خلق کدام خالق‌اند، بگو: خالق همه کس و همه چیز خداست، او خدای یگانه و قهار است

﴿۱۷﴾ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أوديةً بِقَدْرِهَا فَأَحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ أُبْتِغَاءَ جَلِيَّةٍ أَوْ مَتَعٍ زَبَدٌ مِثْلُهُ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ

اوست که از این آسمان باران و از سوی خود علم و دانش برای شما نازل می‌کند، وادی‌ها فراخور خود آب و دل‌ها به استعداد خود علم می‌گیرند، از این وادی‌ها سیل بنیان‌کن به همراه کف انبوه و چیزهای دیگر که برای ایجاد آتش نافع و مایه زینت زندگی است می‌آورد، خداوند برای نمایش حق و باطل مثل می‌زند، بعد کف‌ها از بین می‌رود و آنچه برای مردم نافع است به جا می‌ماند، خدا این‌طور برای نمایش حق و باطل مثل می‌زند (کلمه حق نافع و باقی و باطل مانند کف آب است) *

* همین آیه هم از آیات عجیب و عظیم قرآن است. مفتاح درهای بسته و روشن‌گر حقایق مکتوم و اسرار قرآن است. در ظاهر آن‌چنان ساده و روشن است که بیابانی‌ها به اندازه دانشمندان می‌فهمند و در باطن آن قدر عمیق که به جز اولیاء کامل خدا کسی از اسرار آن آگاهی ندارد. علمی که در قرآن خوابیده همسنگ علم الهی است که یک علم نامتناهی است. قرآن همه جا تذکر می‌دهد که حقایق را برای شما به صورت مثال ذکر می‌کند. در این آیه هم فضایی که از آن علم نازل می‌شود به فضایی که از آن باران نازل می‌شود، تشبیه می‌کند. قسمت اول وجود همین بدن است که میلیاردها اسرار و حکمت است. قسمت دوم وجود همین روح حیات است که مانند برق می‌آید موجودات را زنده می‌کند و می‌رود خاموش می‌نماید. قسمت سوم از وجود نوار قلب است که آنچه تا امروز دیده و یا شنیده می‌شود در آنجا ثبت شده. این نوار در وجود فضایی است که از آنجا قضاوت پیدا می‌شود و به او می‌گوید: این بد است آن خوب است. این نجس است آن پاک است. همین فضایی که بدی‌ها و خوبی‌ها را نشان می‌دهد و قضاوت‌ها به وجود می‌آورد فضای توحید است. فضای وجود خداوند متعال که از آنجا علم و حکمت بر قلب انسان نازل می‌شود. خداوند در این آیه آن فضای نزول علم را به

این فضایی که باران نازل می‌شود تشبیه می‌کند. فضایی که این‌همه علم و حکمت در فکر انسان‌ها به وجود آمده و آفرینش برمدار آن ساخته شده و دائم در دست ساختمان است. این تفسیری است از امام(ع) که می‌فرماید: علم و حکمت از وجود خدا بر قلوب نازل می‌شود (فَسَأَلَتْ أَوْدِيَهُ بِقَدَرِهَا) یعنی قلوب برابر استعداد خود آن علوم را فرامی‌گیرد.

﴿۱۸﴾ لِلَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ الْخُسْنَىٰ وَالَّذِينَ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُ لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ ۗ أُولَٰئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ ۖ وَبِئْسَ الْمِهَادُ

برای کسانی که دعوت پروردگار خود را اجابت می‌کنند، عاقبت نیک مقدر است و کسانی که اجابت نمی‌کنند در وضعی قرار می‌گیرند که می‌خواهند چند برابر زمین ثروت داشته باشند و برای نجات خود فدا دهند تا از عذاب برهند، آن‌ها عاقبت بدی دارند یعنی چه بد مکتبی است خط جهنم

﴿۱۹﴾ ۝ أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَىٰ ۚ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ

آیا کسی که به حقانیت دین و کتابی که بر تو نازل شده آگاه است مانند کسی است که جاهل و نابیناست؟ ، فقط خردمندان حقیقت را درک می‌کنند

﴿۲۰﴾ الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ

آن‌ها که به عهد خود وفادار هستند و میثاق خود را نمی‌شکنند

﴿۲۱﴾ وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ ۖ أَن يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ

و به کسانی وابسته می‌شوند که امر به وابستگی به آن‌ها دارند و عظمت خدا را درک می‌کنند، از عاقبت کفر و گناه می‌ترسند

﴿۲۲﴾ وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ

کسانی که در

جستجوی رضایت خدا صبر می‌کنند و نماز را زنده می‌دارند و از آنچه به آنها داده‌ایم، پنهان و آشکار انفاق می‌کنند، بد رفتاری‌ها را با خوش رفتاری محو می‌کنند، آن‌ها ایند که عاقبت زندگی به نفع آن‌ها تمام می‌شود

﴿۲۳﴾ جَنَّتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ ءَابَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ^ط وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ و آن عاقبت خوب، علم و قدرتی است که از آن، نعمت و ثروت مانند نهر جریان پیدا می‌کند، با اجداد و ازواج و اولاد صالحشان وارد آن زندگی می‌شوند، فرشتگان همه‌جا در خدمت آن‌ها هستند

﴿۲۴﴾ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ از هر جهت عوامل سلامت سازی آن‌ها هستند، می‌گویند: مرحبا به شما از صبری که در راه خدا داشتید، چه عاقبت خوبی دارید

﴿۲۵﴾ وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ و اما کسانی که عهد الهی را بعد از محکم‌کاری می‌شکنند و با کسانی که مأمور رابطه با آن‌ها هستند قطع رابطه می‌کنند و در زمین فساد پیا می‌کنند، لعنت خدا و عاقبت بدی ملازم وجود آن‌ها می‌شود

﴿۲۶﴾ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَفَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ خداست که به روزی شما وسعت می‌دهد و یا تنگ می‌گیرد، کفار به زندگی دنیای خود مشغوف‌اند با اینکه دنیا در برابر آخرت طعمه‌ای بیشتر نیست

﴿۲۷﴾ وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ

یَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أَنْابَ کفار می گویند: چرا آیت و معجزه‌ای بر دست آنها جاری نمی‌شود ، بگو: خدا هر کسی را بخواهد گمراه می‌کند و کسی را که به او رجوع کند، هدایت می‌نماید

﴿٢٨﴾ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ
هدایت شدگان آن‌هایی هستند که ایمان به خدا می‌آورند و دلشان به یاد خدا آرامش پیدا می‌کند ، آری به یاد خدا دل‌ها آرام می‌شود

﴿٢٩﴾ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحَسُنَ مَا أَجَبَ
کسانی که اهل ایمان و عمل صالح‌اند، چه عاقبت خوبی دارند

﴿٣٠﴾ كَذَلِكَ أَرْسَلْنَاكَ فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهَا أُمَمٌ لِّتَتْلُوَ عَلَيْهِمُ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَهُمْ يَكْفُرُونَ بِالرَّحْمَنِ قُلْ هُوَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابِ
ما تو را برای امت‌هایی رسالت دادیم که پیش‌ازین امت‌هایی از آنها گذشته است تا کتابی که به تو وحی می‌شود بر آنها تلاوت کنی، با اینکه آنها کافر به خدای رحمان می‌شوند ، بگو: او پروردگار من است، به جز او خدایی نیست، به او توکل دارم، مرجع توبه من است

﴿٣١﴾ وَلَوْ أَنَّ قُرْعَانَ سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كُفِّرَتْ بِهِ الْمَوْتَىٰ بَلِّغْ لِلَّهِ الْأَمْرَ جَمِيعًا أَفَلَمْ يَأْتِ الْبَشَرَ الْبَشِيرُ وَالنَّاسُ جَمِيعًا وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا تُصِيبُهُمْ بِمَا صَنَعُوا قَارِعَةٌ أَوْ تَحُلُّ قَرِيبًا مِّن دَارِهِمْ حَتَّىٰ يَأْتِيَ وَعْدُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ
سیر ابرقدرت‌های مادی و مذهبی به آخر می‌رسد و یا امت‌ها در شعاع آن متفرق و متحد می‌شوند یا در خط تکامل آن مردگان به حیات ابدی می‌رسند، آن کتاب همین

قرآن است (یعنی قرآن کتاب عظیمی است که در دایره آن کفر و ایمان به ثمر می‌رسد) ، تمامی کارها به دست خداست، مگر اهل ایمان نمی‌دانند که اگر خدا بخواهد تمام مردم را هدایت می‌کند ، همیشه کفار با صنایع جنگی خود به سر خود می‌کوبند و یا خانه را سر خود خراب می‌کنند تا وعده خدا (امام زمان عج) ظاهر شود ، خداوند خلف وعده نمی‌کند

﴿۳۲﴾ **وَلَقَدْ أَسْتَهْزِئُ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَمَلَيْتُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ** پیامبران گذشته را هم مسخره کردند، من اول به کفار مهلت دادم و در آخر از آنها انتقام گرفتم، ببین کیفر خدا چه بود

﴿۳۳﴾ **أَفَمَن هُوَ قَائِمٌ عَلَىٰ كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ قُل سَمُّوهُمْ أَمْ تُنَبِّئُونَهُ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي الْأَرْضِ أَمْ بِيْظَاهِرٍ مِّنَ الْقَوْلِ بَلْ زَيْنٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مَكْرُهُمْ وَصُدُّوا عَنِ السَّبِيلِ وَمَن يُضِلِّ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن هَادٍ** آیا برای خدایی که این طور به اعمال آنها محیط است شریک قرار داده‌اند؟، بگو: تعریف کنید آنها چه کاره‌اند؟، لابد می‌خواهید خدا را به چیزی آگاه کنید که از آن بی‌خبر است یا به تعریفات خلاف حقیقت اکتفا کنید ، کید و مکر کفار در نظرشان جلوه یافته است و مردم را از راه خدا بازمی‌دارند ، کسانی را که خدا گمراه کند هدایت‌گری ندارند

﴿۳۴﴾ **لَّهُمْ عَذَابٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَقُّ وَمَا لَهُم مِّنَ اللَّهِ مِن وَّاقٍ** آنها در زندگی دنیا معذب می‌شوند و عذاب آخرت سخت‌تر است ، برای آنها نگهبانی از جانب خداوند نیست

﴿۳۵﴾ **مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ أُكُلُهَا دَائِمٌ وَظِلُّهَا تِلْكَ عُقْبَى الَّذِينَ اتَّقَوْا وَعُقْبَى الْكَافِرِينَ النَّارُ** نمونه بهشتی که خدا به اهل تقوا

وعده می‌دهد، علم و قدرتی است که از آن، نعمت و لذت مانند نهر در جریان است (اراده کن فیکونی)، آن نعمت‌ها و سایه گوارای حکومت خدا ابدی است، این است عاقبت متقین و عاقبت کفار آتش جهنم است

﴿۳۶﴾ وَالَّذِينَ ءَاتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَفْرَحُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمِنَ الْأَحْزَابِ مَنْ يُنْكِرُ بَعْضَهُ قُلْ إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ وَلَا أُشْرِكَ بِهِ إِلَيْهِ أَدْعُوا وَإِلَيْهِ مَتَابُ كَسَانِي كِه توفيق فهم كتاب خدا را دارند از این قرآن كه نازل می‌شود، خوش‌حال‌اند و بعضی احزاب منكر قسمتی از آیات می‌شوند، بگو: من مأمورم در اطاعت خدا باشم، کسی را شریك او نسازم، مردم را به دین او دعوت كنم، همه‌وقت به او مربوط باشم

﴿۳۷﴾ وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ حُكْمًا عَرَبِيًّا وَلَئِنْ أَتَبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا وَاقٍ ما به این کیفیت احكامی عربی بر تو نازل کردیم، اگر بعد از آشنایی به آن از هوای نفس آن‌ها پیروی کنی، از دایره ولایت خدا و حفاظت او خارج خواهی بود

﴿۳۸﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَذُرِّيَّةً وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِبَيِّنَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ پیش از تو پیامبرانی فرستادیم، زن و فرزندان برای آن‌ها مقدر نمودیم، هیچ پیامبری بدون اذن خدا معجزه نمی‌آورد، عمر هر کسی حساب خود را دارد

﴿۳۹﴾ يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ خداوند بعضی مقدرات را محو کرده و بعضی را اثبات می‌کند، اصول مقدرات به اختیار او است

﴿۴۰﴾ وَإِنْ مَا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَعَلَيْنَا الْحِسَابُ اگر در زمان حیات تو بعضی مقدرات را به نمایش درآوریم یا بعد از

وفات تو (مانند فتوحات بعد) ، وظیفه تو تبلیغ و وظیفه خدا حسابگری است

﴿۴۱﴾ **أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا وَأَلَّ اللَّهُ بِحُكْمِمْ لَا مُعَقِّبَ**

لِحُكْمِهِمْ وَهُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ مگر ندیدند که ما با مرگ بزرگان، زندگی دنیا را به انتها می‌بریم، حکومت با خداست ، کسی نمی‌تواند او را تعقیب کند ، خیلی زود به حساب بندگان می‌رسد

﴿۴۲﴾ **وَقَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلِلَّهِ الْمَكْرُ جَمِيعًا يَعْلَمُ مَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ**

وَسَيَعْلَمُ الْكُفْرُ لِمَنْ عُقْبَى الدَّارِ گذشتگان، این‌همه مکر و حيله به کار بردند ، همه آن‌ها به نفع دین خدا تمام شد ، خداوند کار و کسب هر کسی را می‌داند ، کفار خواهند دانست که عاقبت زندگی به نفع کیست

﴿۴۳﴾ **وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ**

وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ کفار می‌گویند: تو رسول خدا نیستی ، بگو: گواهی خدا و گواهی کسی که علم قرآن نزد اوست به رسالت من کفایت می‌کند.

آیاتها ۵۲

سُورَةُ إِبْرَاهِيمَ

المکی

این سوره شریفه، به مناسبت بیان قسمتی از داستان حضرت ابراهیم خلیل (علیه السلام) به ابراهیم نام گذاری شده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ **الرَّ كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى**

صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ الف، لام، را. کتابی است که بر تو نازل کردیم تا به وسیله آن مردم را از تاریکی جهل به سوی نور علم و به سوی خدای غالب و حمید هدایت

کنی *

* یکی از معانی حروف این است که علم قرآن نامتناهی است، زیرا کلمات مکتوب به آخر می‌رسد اما حروف که مبادی کلمات است به آخر نمی‌رسد. خلاقیتی که خلق شده‌اند قابل شمارش هستند. کلمات، کتاب تکوینند اما اصول اولیة خلقت که نور و ماده و قدرت خداوند متعال است به آخر نمی‌رسد

﴿٢﴾ **اللَّهُ** الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَوَيْلٌ لِلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابِ

شَدِيدٍ خدایی که هرچه هست در آسمان و زمین مال اوست، وای به حال کفار از عذاب سختی که در انتظار آنهاست

﴿٣﴾ الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا

عُوجًا أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ همان‌ها که زندگی دنیا در نظرشان از زندگی آخرت مطلوب‌تر است، مردم را از راه خدا باز می‌دارند و دین خدا را غلط می‌دانند، آنها بسیار از حقیقت به دورند

﴿٤﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ

وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ هر پیامبری را به زبان قومش مأمور کردیم تا رسالت خود را برای آنها روشن سازد و بعد از بیان دین، هر کس بی‌اعتنایی کند، قهراً گمراه می‌شود و هر کس گرایش به دین پیدا کند، خدا او را هدایت می‌کند، خداوند غالب و حکیم است

﴿٥﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ

بِآيَاتِنَا اللَّهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ موسی را هم به سوی قوم خود رسالت دادیم که قوم خود را از تاریکی به نور علم هدایت کند و آنها را در انتظار

ایام حکومت خدا قرار بدهد، این رسالت و تبلیغ برای انسان‌های صابر و شکور، آیت خداست (ایام‌الله، قیام امام و حکومت ائمه اطهار(ع) است)

﴿۶﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنْجَاكُمْ مِنْ عَالِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ وَيَدَّبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكَ بَلَاءٌ مِّنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ

موسی به قوم خود گفت: به یاد نعمت بزرگ خدا باشید که شما را از بردگی و شکنجه نجات داد، فرعون، مردان شما را می‌کشت و زنان را ننگه می‌داشت، چه بلای بزرگی به دست سلطان به جان شما افتاده بود

﴿۷﴾ وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ

خدا به شما اعلام کرد که اگر نعمت او را منظور بدارید، ادامه می‌دهد و اگر کافر به نعمت خدا شوید، عذاب من شدید است

﴿۸﴾ وَقَالَ مُوسَىٰ إِنَّ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ

موسی به آنها گفت: اگر شما بنی‌اسرائیل و تمامی اهل زمین کافر شوید، خداوند از شما بی‌نیاز و پسندیده است

﴿۹﴾ أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبُؤُا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرَدُّوا أَيْدِيَهُمْ فِي أَفْوَاهِهِمْ وَقَالُوا إِنَّا كَفَرْنَا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ وَإِنَّا لَفِي شَكِّ مِمَّا تَدْعُونَنَا إِلَيْهِ مُرِيبٌ

مگر داستان گذشتگان قوم عاد و ثمود و کفار بعد از آنها را که جز خدا کسی آنها را نمی‌شناسد، نشنیده‌ای که پیامبران با معجزات به سوی آنها رفتند و تبلیغ نمودند، آنها دست به دهان خود بردند که ما به رسالت شما کافریم، در دین و دعوت شما شک داریم و قبول نمی‌کنیم

﴿١٠﴾ قَالَتْ رُسُلُهُمْ أِنِّي **اللَّهُ** شَكُّ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرَكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى قَالُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا تُرِيدُونَ أَنْ تَصُدُّونَا عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتُونَا بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ

پیامبران گفتند: آیا در وجود خدای خالق آسمان‌ها و زمین شک دارید؟، شمارا دعوت می‌کند تا نقایص وجودی شمارا برطرف کند، شمارا ترقی دهد به عمر مقدر برساند، جواب دادند که: مگر شما چه کاره‌اید؟، بشری مانند ما هستید، می‌خواهید ما را از دین اجدادمان باز دارید؟، اگر راست می‌گویید، معجزه بیاورید

﴿١١﴾ قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَلَٰكِنَّ **اللَّهَ** يَمُنُّ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَمَا كَانَ لَنَا أَنْ نَأْتِيَكُمْ بِسُلْطَانٍ إِلَّا بِإِذْنِ **اللَّهِ** وَعَلَىٰ **اللَّهِ** فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

پیامبران گفتند که: ما هم بشری مانند شما هستیم ولیکن خداوند به هر بنده‌ای که بخواهد منت می‌گذارد به او وحی می‌کند، ما معجزه نمی‌آوریم مگر به اذن خدا، اهل ایمان به خدا توکل کنند

﴿١٢﴾ وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَىٰ **اللَّهِ** وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَىٰ مَا آذَيْتُمُونَا وَعَلَىٰ **اللَّهِ** فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ

چرا ما پیامبران به خدا توکل نکنیم با اینکه ما را به سعادت هدایت فرموده است، در برابر اذیت شما صبر می‌کنیم، اهل ایمان به خداوند توکل کنند

﴿١٣﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِّنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُوْدُنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ

کفار گفتند: ما شمارا از شهر و دیار خود اخراج می‌کنیم مگر اینکه به ملت ما درآیید، خدا فرمود: ما ستمگران را هلاک می‌کنیم

﴿۱۴﴾ وَلَنُسَكِنَنَّكُمْ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ ذَٰلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدِ

شهر و دیار آن‌ها را به شما می‌سپاریم ، این وراثت، مال کسانی است که عظمت خدا را درک می‌کنند و از عذاب او می‌ترسند

﴿۱۵﴾ وَأَسْتَفْتَحُوا وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ

پیامبران از خدا کمک خواستند و جباران و معاندین ناامید شدند

﴿۱۶﴾ مِّنْ وَرَآئِهِ جَهَنَّمُ وَيُسْقَىٰ مِنْ مَّاءٍ صَدِيدٍ

بعد از این زندگی، به آتش جهنم معذب می‌شوند، آب‌های چرک و کثیف می‌آشامند

﴿۱۷﴾ يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُ وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ

وَمِنْ وَرَآئِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ جُرْعَةٌ جُرْعَةٌ آب‌ها را می‌آشامند با اینکه گوارا نیست ، از هر طرف عوامل مرگ به آن‌ها روی می‌آورد ولی از مرگ خبری نیست و در پی آن، عذابی سخت آن‌ها را فرا می‌گیرد

﴿۱۸﴾ مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَلُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ

لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَىٰ شَيْءٍ ذَٰلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ اعمال کسانی که کافر به پروردگار شده‌اند مانند خاکستری است که بادی تند بر آن می‌وزد و آن را می‌برد ، از اعمال خود نتیجه‌ای نمی‌برند ، از مقصد سعادت بسیار به دورند

﴿۱۹﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ

بِخَلْقٍ جَدِيدٍ مگر نمی‌بینند که خدا آسمان و زمین را به حق آفریده ، اگر بخواهد شما را می‌برد خلقی تازه به وجود می‌آورد

﴿۲۰﴾ وَمَا ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ و این تجدید خلق بر خدا مشکل نیست

﴿۲۱﴾ وَبَرِّزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُّعْتَدُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ قَالُوا لَوْ هَدَانَا اللَّهُ لَهَدَيْنَاكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَجْرَعْنَا أَمْ صَبَرْنَا مَا لَنَا مِنْ مَّحِيصٍ فردا که در صحرای محشر جمع شدند، ضعفا به اقویای متکبر می گویند: ما در دنیا پیرو شما بودیم، آیا می توانید کمی عذاب ما را تخفیف دهید، متکبرین می گویند: اگر خدا ما را هدایت می کرد، ما هم شما را هدایت می کردیم، آه و ناله کنیم و یا نکنیم راه چاره ای نداریم *

* شیطان اکبر آن انسانی است که اخلال گری و فساد هرزمانی زیر سر اوست. نقشه ابتدایی را او می کشد یا می دهد بقیه اجرا می کنند. همان طور که در طبیعت، فروع در اصول خلاصه می شوند. میلیون ها برگ و شاخه و ریشه به یک تنه وصل اند، جامعه بشریت هم همین طور است. میلیون ها انسان و فکر و سخن آن ها به یک انسان بر می گردد و میلیون ها مسلمان و فکر و سخن آن ها به یک انسان بر می گردد. میلیون ها شیطان و شیطنت آن ها هم به یک شیطان بر می گردد و همین یک شیطان مرجع شیاطین اولین و آخرین است که همه در صحرای محشر جمع می شوند و آن یک شیطان مصداق همین آیه شریفه است.

﴿۲۲﴾ وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقِّ وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُمُونِي وَلُومُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ در اینجا شیطان اکبر به آن ها می گوید: خدا به شما وعده به حق داد و من وعده دروغ دادم و خلف وعده نمودم، من بر شما مسلط نبودم جز اینکه شما را به حاکمیت خود دعوت نمودم اجابت کردید، مرا ملامت نکنید بلکه خودتان را ملامت کنید، نه من می توانم به داد شما برسم، نه شما به داد من می رسید، من ذره ای قبول ندارم که مرا شریک خدا کردید و اطاعت نمودید، کفار به عذاب سختی معذب هستند

﴿٢٣﴾ وَأَدْخِلَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ
 آن‌ها که اهل ایمان و عمل صالح‌اند
 به بهستی (یا علم و قدرتی) می‌رسند که از آن، نعمت و ثروت مانند نهر در جریان
 است، در آن وضع جاویدند، رابطه آن‌ها با یکدیگر سلام و سلامتی است

﴿٢٤﴾ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ

وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ
 مگر نمی‌بینی که خدا برای بیان حقایق مثل می‌زند، مؤمن عالم
 مانند درختی طیب و طاهر است، اصل آن ثابت و شاخ و برگ آن به آسمان‌ها و افکار
 مردم قد کشیده است

﴿٢٥﴾ تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ

يَتَذَكَّرُونَ
 ثمرات علم و قدرت خود را که همان بهشت است، دائم به اذن خدا در
 اختیار بندگان می‌گذارد، خدا اولیاء خود را به درخت طیب و طاهر مثل می‌زند که
 مردم معرفت به آن‌ها پیدا کنند *

* شجره طیبه و ثمرات حیات‌بخش آن، دین مقدس اسلام به رهبری چهارده معصوم (ع) است.
 ثمرات آن علم و ایمان است که هر وقت و در هر زمان انسان طالب علم و ایمان باشد بلافاصله
 لطف الهی شامل حال او شده و مجهز به علم و ایمان می‌شود و اصل ثابت آن عترت رسول
 اکرم (ص) است که الآن و در هر زمانی این دو اصل قرآن و امام زمان (عج) ثابت و محفوظ‌اند و
 حوادث روزگار آن‌ها را از بین نمی‌برد.

﴿٢٦﴾ وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ

قَرَارٍ
 و از آن طرف انسان‌های خبیث مانند درخت خبیث‌اند که از زمین کنده شده
 به جایی بند نیستند

﴿٢٧﴾ يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ

اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ خداوند، اهل ایمان را در دنیا و آخرت بر قول و عقیده ثابت استوار می‌دارد ولیکن ستم‌کاران را گمراه می‌کند و هر کاری بخواهد، حکیمانه انجام می‌دهد

﴿۲۸﴾ **أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ** بین! چه آدم‌هایی هستند که نعمت ایمان را تبدیل به کفر می‌کنند و قوم خود را به وادی عذاب و هلاکت می‌کشاند

﴿۲۹﴾ **جَهَنَّمَ يَصَلُونَهَا وَبِئْسَ الْقَرَارُ** به وادی جهنم، چه بد قرارگاهی است جهنم

﴿۳۰﴾ **وَجَعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعُوا فَإِنَّ مَصِيرَكُمْ إِلَى النَّارِ** آن‌ها کسانی بودند که برای خدا شریک تراشیدند، از غیر خدا اطاعت نمودند تا مردم را از راه خدا باز دارند، بگو: هر چه می‌توانید خوش گذرانی کنید، جای شما جهنم است

﴿۳۱﴾ **قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً مِّنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خِلَالٌ** به بندگان مؤمن من بگو: پیش از روزگاری که تجارت و دوستی‌ها لغو شود، نماز به‌پا دارند و از آنچه به آن‌ها روزی کرده‌ایم، مخفی یا آشکار در راه دین انفاق کنند

﴿۳۲﴾ **اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ** خدا کسی است که عوالم آسمان و زمین را خلق کرد، از آسمان آب نازل نمود، برای روزی شما این‌همه ثمرات آفرید، کشتی را به اختیار شما گذاشت که به امر او در دریا حرکت می‌کند و این‌همه نهر آب و نهر علم مسخر شما نمود

﴿۳۳﴾ وَسَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَيْنِ ۖ وَسَخَّرَ لَكُمْ الَّيْلَ وَالنَّهَارَ هَمِينَ

طور ماه و خورشید و مظاهر هدایت را به اختیار شما قرارداد ، شب و روز و حق و باطل را مسخر شما کرد

﴿۳۴﴾ وَعَاتَبَكُمْ مِّنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِن تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ

آنچه در خواهش و نیاز شما بود آفرید، اگر بخواهید نعمت‌های خدا را بشمارید از شمارش آن به جایی نمی‌رسید ، انسان ظالم و ناسپاس است

﴿۳۵﴾ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ ءَامِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ

الْأَصْنَامَ ابراهیم بعد از بنای کعبه عرض کرد: پروردگارا! این شهر را امن‌وامان قرار بده، مرا و فرزندان مرا از پرستش بت‌ها دور بدار *

* گرچه می‌گویند: بنای کعبه به دست ابراهیم خلیل بوده است ولیکن حقیقتاً باید گفت که: تعمیر خانه به دست ابراهیم انجام گرفته. خداوند می‌فرماید: ابراهیم دیوارهای کعبه را بالا برد و ابراهیم وقتی که هاجر و فرزندش اسماعیل را به خانه کعبه آورد عرض کرد: پروردگارا! من خانواده‌ام را به حرم امن‌وامان و در پناه تو جا دادم. دل‌های مردم را متمایل به آن‌ها کن و روزی به آن‌ها برسان. پس معلوم می‌شود خانه کعبه پیش از ابراهیم وجود داشته است.

﴿۳۶﴾ رَبِّ إِنَّهُنَّ أَضْلَلْنَ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ ۖ فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي ۖ وَمَنْ عَصَانِي

فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ پروردگارا! این بت‌ها و بت‌سازان بسیاری از بندگان تو را گمراه کردند ، هر کس از من پیروی کند از من است و هر کس نافرمانی کند، مقدراتش به دست تو است ، تو آمرزنده و مهربانی

﴿۳۷﴾ رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا

لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِّنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَأَرْزُقْهُمْ مِّنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ

يَشْكُرُونَ پروردگارا! تو شاهدی که یک تیره از فرزندان خود را در سرزمین خشک بی آب و علف در حرم امن تو سکونت دادم تا در اینجا نماز به پا دارند، خودت قلب عده‌ای از بندگان را متمایل به آن‌ها گردان و روزی آن‌ها را برسان شاید شکر تو را به جا آورند

﴿٣٨﴾ رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا نُعَلِنُ وَمَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ پروردگارا! آنچه را که مخفی می‌داریم یا آشکار می‌کنیم خودت می‌دانی، در روی زمین و آسمان چیزی از خدای من مخفی نیست

﴿٣٩﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ خدای خود را ستایش می‌کنم که در این سن پیری دو فرزند صالح اسماعیل و اسحاق به من مرحمت فرمود، خدای من خواهش بندگان خود را اجابت می‌کند

﴿٤٠﴾ رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِي خدایا! به من و فرزندانم توفیق اقامه نماز مرحمت کن و خواهش ما را اجابت فرما

﴿٤١﴾ رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ پروردگارا! روزی که به حساب بندگان می‌رسی، مرا و پدر و مادر و فرزندانم را و مؤمنین و مؤمنات را مشمول عفو و مغفرت خود قرار بده

﴿٤٢﴾ وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَفِيلاً عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ خدا فرمود: خیال نکنی که او از ستم‌کاران غافل است بلکه آن‌ها را برای روزی نگه می‌دارد که چشم‌ها از وحشت و عظمت آن خیره می‌شود

﴿٤٣﴾ مُهْطِعِينَ مُقْنِعِي رُءُوسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ وَأَفْئِدَتُهُمْ هَوَاءٌ با سرعت

از وحشت سر خود را می گردانند چشم به هم نمی زنند ، قلب و عقیده آن ها مضطرب است

﴿۴۴﴾ وَأَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ فَيَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُوا رَبَّنَا أَخِّرْنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ نُجِبِ دَعْوَتَكَ وَنَتَّبِعِ الرَّسُولَ ۖ أَوْ لَمْ تَكُونُوا أَقْسَمْتُمْ مِّن قَبْلُ مَا لَكُم مِّن

زَوَالٍ مردم را از روز قیامت که عذاب الهی متوجه آن ها می شود بترسان، در آن روز ظالم ها دست و پا می کنند که پروردگارا! مرگ ما را به تأخیر انداز، ما را به دنیا برگردان تا دعوت تو را اجابت کنیم، از پیامبران اطاعت نماییم ، بگو: مگر شما نبودید که در دنیا قسم خورده بودید که صالح باشید، برگشت به دنیا محال است، همین جا تشریف دارید

﴿۴۵﴾ وَسَكَنتُمْ فِي مَسَاكِنِ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ وَتَبَيَّنَ لَكُم كَيْفَ فَعَلْنَا بِهِمْ وَضَرَبْنَا لَكُمُ الْأَمْثَالَ

فکر و فعالیت خود را در راه و روش ستم کاران قراردادید با اینکه راه و رفتار ما را با آن ها دیده بودید و آن همه نمونه های تاریخی برای شما مثل زده بودیم

﴿۴۶﴾ وَقَدْ مَكَرُوا مَكَرَهُمْ وَعِنْدَ اللَّهِ مَكَرُهُمْ وَإِن كَانَ مَكْرَهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ

آن قدر که توانستند مکر خود را به کار بردند، کید و سیاست آن ها نزد خداوند محفوظ است گرچه مکرشان آن قدر قوی باشد که کوه ها و ابر قدرت ها را از پای در آورد

﴿۴۷﴾ فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخْلِفاً وَعْدِهِ ۗ رُسُلَهُ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ

خیال نکنی وعده ای که خداوند به پیامبران داده خلاف خواهد کرد ، خدا غالب است، این تأخیر مدت برای این است که از دشمنان به دست خودشان انتقام بگیرد

﴿۴۸﴾ يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَوَاتُ ۖ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ

روزی که زندگی اهل زمین و عوالم آسمان به غیر این زندگی تبدیل شود ، همه از قبر خارج شده در دایره حکومت خداوند غالب قهار قرار گیرند *

* تبدیل این زمین به زمین دیگر به معنای تبدیل زندگی انسان‌ها به زندگی دیگر است. کره زمین تغییر نمی‌کند زندگی انسان‌ها تغییر می‌کند. این آیه شریفه مانند آیه يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا (حدید ۱۷) است که زندگی انسان می‌میرد. وقتی زمین پر از ظلم و جور شود زندگی مرده است. همه‌جا در تفسیر این آیه گفته‌اند: امام زمان (عج) زمین را بعد از مرگ زنده می‌کند و پر از عدل و داد می‌کند. يَوْمَ تُبَدِّلُ الْأَرْضَ غَيْرَ الْأَرْضِ (ابراهیم ۴۸) هم به همین معنی است. تفاوت زندگی دنیا با زندگی آخرت درست مانند زندگی رحم با زندگی دنیاست که صد و هشتاد درجه تفاوت دارد.

﴿۴۹﴾ وَتَرَى الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُّقْرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ در آن روز، مجرمین را خواهی دید که از وحشت عذاب لابه‌لای سنگ‌ها پنهان شوند

﴿۵۰﴾ سَرَابِيلُهُمْ مِّنْ قَطِرَانٍ وَتَغْشَىٰ وُجُوهُهُمُ النَّارُ در پوشش حرارتی مانند قیرند، سران آنها در محاصره آتش‌اند (تمامی آتشی که در دنیا به وجود آورده‌اند به خودشان برمی‌گردد)

﴿۵۱﴾ لِيَجْزِيَ اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ تا هر کسی نتیجه کار و کسب خود را بیابد ، خداوند سریع الحساب است

﴿۵۲﴾ هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنذَرُوا بِهِءَ وَلِيَعْلَمُوا أَنَّ مَا هُوَ إِلَهٌُ وَاحِدٌ وَلِيَذَّكَّرَ أُولَئِكَ الْأَلْبَابِ این قرآن، واقعیت‌ها را به مردم ابلاغ می‌کند تا مردم بترسند و بدانند که خدا واحد و یگانه است و خردمندان به حقیقت علم آگاه شوند.

این سوره، به مناسبت داستان قوم ثمود که در محلی به نام حجر (سرزمینی بین شام و مدینه) زندگی داشته‌اند، حجر نامیده شده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(جزء ۱۴) ﴿۱﴾ الرَّ تِلْكَ ءَايَاتُ الْكِتَابِ وَقُرْءَانٍ مُّبِينٍ الف، لام، را. (حروف، اشاره به اصول خلقت است). دلیل جامعیت قرآن، همین حروف است که اصول و فروع آفرینش را توضیح می‌دهد

﴿۲﴾ رَبَّمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ کفار چه آرزوها خواهند کرد که ای کاش مسلمان بودند

﴿۳﴾ ذَرْهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِهِمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ آن‌ها را به خودشان واگذار کن، بخورند و بچرند اسیر آرزوها باشند، به‌زودی حقیقت را درک نموده پشیمان می‌شوند

﴿۴﴾ وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٌ مَّعْلُومٌ هیچ‌وقت قومی را هلاک نمی‌کنیم مگر بعد از اینکه حجت حق بر آن‌ها تمام شده باشد

﴿۵﴾ مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَعْجِرُونَ هیچ امتی از مدت مقدر خود سبقت نمی‌گیرد و اجل مقدر او تأخیر ندارد

﴿۶﴾ وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ کفار صدا می‌زدند: ای آقای که می‌گویی قرآن بر من نازل شده است، تو دیوانه هستی

﴿۷﴾ لَوْ مَا تَأْتِينَا بِالْمَلٰٓئِكَةِ إِن كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِیْنَ اگر راست می‌گویی چرا

فرشتگان را بر ما نازل نمی کنی؟ *

* فرشتگان عوامل آفرینشاند مانند نیروی برق که صنایع برقی را می چرخاند. کل عالم خلقت از ذرات تا کرات و دریا و صحرا مانند صنایع برقی است که با فرشتگان اداره می شود. ولایت تکوینی ائمه به کارگیری فرشتگان است. آن بزرگوار وقتی که قیام کند، با قهر و غلبه الهی دنیا را فتح می کند نه با قتل و کشتار که امام باقر(ع) در کتاب تحف العقول فرموده: **يُصْلِحُ اللَّهُ أَمْرَهُ فِي لَيْلِهِ وَاحِدًا.**

﴿۸﴾ **مَا نُنزِّلُ الْمَلَائِكَةَ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَا كَانُوا إِذَا مُنظَرِينَ** ما فرشتگان را برابر مردم جز برای اجرای حکومت حق ظاهر نمی کنیم، در این صورت مهلت دنیایی از آنها برداشته می شود (فرشتگان مانند نیروی برق در اختیار امام هستند و با به کارگیری آنها قیامت دایر می شود)

﴿۹﴾ **إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُو لَحَافِظُونَ** ما این قرآن را نازل نموده و خودمان آن را حفظ می کنیم

﴿۱۰﴾ **وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي شِيَعِ الْأَوَّلِينَ** پیش از تو هم برای مردم پیامبران فرستادیم

﴿۱۱﴾ **وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ** اما هر وقت پیامبری فرستادیم او را به مسخره گرفتند

﴿۱۲﴾ **كَذَلِكَ نَسْلُكُهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ** این روش مسخره و استهزاء در دل جنایت کاران جریان دارد

﴿۱۳﴾ **لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ وَقَدْ خَلَتْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ** کفار این زمان هم به قرآن ایمان

نمی آورند ، به روش گذشتگان می روند

﴿۱۴﴾ وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا مِّنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرُجُونَ
 اگر راه آسمان را باز کنیم به سوی آن بالا بروند

﴿۱۵﴾ لَقَالُوا إِنَّمَا سُكِّرَتْ أَبْصَارُنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَّسْحُورُونَ
 می گویند: سحر شده ایم، عوضی می بینیم

﴿۱۶﴾ وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ
 ما در آسمان ستاره ها و در مکتب دین، ستاره هدایت ساخته ایم و این دو آسمان را در نظر مردم زیبا جلوه داده ایم

﴿۱۷﴾ وَحَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَّجِيمٍ
 به وسیله ستارگان هدایت، بدعت شیاطین را از حوزه دین طرد نموده آن را حفظ می کنیم

﴿۱۸﴾ إِلَّا مَنِ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَاتَّبَعَهُ وَشِهَابٌ مُّبِينٌ
 مگر کسانی که دین دزدی کنند که با شهاب منطبق آن ها را نابود می کنیم

﴿۱۹﴾ وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْزُونٍ
 کره زمین و زمینه تربیت را برای مردم گسترش داده ایم، کوه ها و شخصیت های علمی در آن قرار داده ایم و هر نوع ثمرات مادی و معنوی در آن رویانیده ایم

﴿۲۰﴾ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعِيشَ وَمَنْ لَسْتُمْ لَهُ بِرَازِقِينَ
 برای شما مردم و کسانی که روزی آن ها به دست شما نیست، این همه وسیله معاش آفریدیم

﴿۲۱﴾ وَإِن مِّن شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهِ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ
 خزاین

همه نوع نعمت‌ها و لذت‌ها در اختیار ما است که آن نعمت‌ها را در اندازه‌های معین به شما می‌رسانیم

﴿۲۲﴾ وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوْفِحَ فَاَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا أَنْتُمْ لَهُوَ بِخَزَائِنٍ به‌وسیله بادها درخت‌ها و نباتات زمین را آبستن می‌کنیم، از آسمان آب باران نازل نموده شما و نباتات را آبیاری می‌کنیم، خزائن این روزی‌ها و آب‌ها به دست شما نیست

﴿۲۳﴾ وَإِنَّا لَنَحْنُ نُحْيِيهِ وَنُمِيتُهُ وَنَحْنُ الْوَارِثُونَ ما هستیم که موجودات را زنده می‌کنیم و ما وارث نتایج اعمال و افعال آن‌ها هستیم

﴿۲۴﴾ وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنْكُمْ وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَأْخِرِينَ گذشتگان و آیندگان شما مردم را کاملاً می‌شناسیم

﴿۲۵﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَحْشُرُهُمْ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ فردای محشر همه آن‌ها را یک‌جا جمع می‌کنیم، خداوند دانا و حکیم است

﴿۲۶﴾ وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَلٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ ما انسان‌ها را از گل خشکیده آماده شده ساختیم (معنای خشکیده یعنی فاقد کم و کیف)

﴿۲۷﴾ وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَّارِ السَّمُومِ جنیان را هم پیش‌ازاین از آتش هلاک‌کننده آفریدیم *

* جن و انس هر دو انسان هستند، در خلقت ابتدایی یکسان‌اند اما در تربیت انسان به طبیعت خاک و جن به طبیعت آتش ساخته می‌شود. کفار در مسیر کفر و گناه به طبیعت آتش تربیت می‌شوند آتش‌پاره هستند. مؤمنین که در نظام اطاعت خدایند به طبیعت خاک هستند،

پرورنده‌اند اما کفار که بی‌بندوبارند به طبیعت آتش هستند و سوزاننده‌اند. این همه سلاح‌های آتشین درست کرده‌اند. جنگ هسته‌ای همان آتش جهنم است که خداوند خبر می‌دهد خودشان می‌سازند و این زندگی دنیا را به نابودی می‌کشاند و در آخرت همین آتش‌ها به آن‌ها برمی‌گردد. معنای خلقت شیاطین به آتش یعنی تربیت آن‌ها به طبیعت آتش، برای اینکه تربیت هم مانند خلقت است. انسان‌های مؤمن الهی تربیت می‌شوند. در نظام الهی‌اند و کفار نظام عقلی و خدایی ندارند.

﴿۲۸﴾ **وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَلِيقٌ بَشَرًا مِّنْ صَلْصَلٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ**
 زمانی که خدا به فرشتگان فرمود: من از این لای و لجن خشکیده، انسانی را خلق می‌کنم

﴿۲۹﴾ **فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ**
 به اعتدال آوردم، از روح علم خود در او دمیدم، شما همه او را سجده کنید (روح در اینجا علم خداست)

﴿۳۰﴾ **فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ**
 وقتی که انسان به علم و دانش رسید، فرشتگان در اطاعت او قرار گرفتند

﴿۳۱﴾ **إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ أَنْ يَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ**
 مگر ابلیس و شیطان‌ها (نفس امّاره) که تسلیم انسان کامل نمی‌شوند (الآن فرشتگان و مؤمنین تسلیم امام زمان (عج) هستند ولی شیاطین تسلیم نمی‌شوند)

﴿۳۲﴾ **قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ**
 خدا به ابلیس فرمود: چرا آدم را سجده نکردی؟

﴿۳۳﴾ **قَالَ لَمْ أَكُنْ لِأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِن صَلْصَلٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ**
 عرض

کرد: بشری را که از لای و لجن ساخته‌ای، سجده نمی‌کنم

﴿۳۴﴾ قَالَ فَأَخْرِجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ خدا فرمود: از جوار رحمت من بیرون شو
که تو ذلیل خواهی بود

﴿۳۵﴾ وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ و تا روز قیامت مستحق لعن من خواهی
بود

﴿۳۶﴾ قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ابلیس گفت: پس تا روز قیامت به من
مهلت بده زنده بمانم

﴿۳۷﴾ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ خدا فرمود: باشد تو مهلت داری *

* این گفتگوها بین خدا و انسان زبان حال است برای اینکه شیاطین معرفت به خدا و یا رابطه‌ای با خدا ندارند که با آن‌ها حرف بزند. هرگز شنیده‌ای که خدا با کافری سخن بگوید. کافر از نظر ارتباط با خداوند مانند حیوان است. کی و کجا خدا را درک می‌کند که با خدا حرف بزند. این گفتگوها که شیطان خط‌گرو می‌کشد وضعیت حالی بین خدا و کفار است و الاّ چطور ممکن است شیطان خدا را بشناسد که با او حرف بزند.

﴿۳۸﴾ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ اما تا وقت معین و معلوم که بازار شیطنت کساد
شود

﴿۳۹﴾ قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَا أُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ شیطان
گفت: حال که مرا اغوا نمودی زندگی را در زمین برای آن‌ها جلوه می‌دهم، همه آن‌ها
را اغوا می‌کنم

﴿۴۰﴾ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ مگر بندگان مخلص تورا که نمی‌توانم اغوا کنم

﴿۴۱﴾ قَالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ خدا فرمود: این راه به روی من و به سوی من روشن و مستقیم است

﴿۴۲﴾ إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ تو بر بندگان من در این راه تسلط نخواهی یافت مگر گمراهان که از تو پیروی کنند

﴿۴۳﴾ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ میعاد تو و پیروانت همان آتش جهنم است

﴿۴۴﴾ لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُومٌ هفت در، برای جهنم به وجود خواهد آمد که هر گروهی از دری وارد شوند (در برابر هشت در بهشت، هفت در از جهنم باز می شود زیرا خط کفر بن بست است)

﴿۴۵﴾ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ اهل بهشت در باغها کنار چشمه های آب حیات و علم و حکمت، زندگی می کنند

﴿۴۶﴾ أَدْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ءَامِنِينَ همه جا درهای فرج به روی آنها باز است که بفرمایید به سلامت و امنیت

﴿۴۷﴾ وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِّنْ غَلٍّٰ إِخْوَانًا عَلَيَّ سُرِّرٍ مُّتَقَبِلِينَ کدورت و تیرگی از دل آنها زدوده می شود، برادرانه مقابل یکدیگر بر آریکه قدرت تکیه می زنند

﴿۴۸﴾ لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَمَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرَجِينَ زندگی آنها ابدی است، رنج و زحمتی متوجه آنها نمی شود

﴿۴۹﴾ نَبِيُّ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ به بندگانم آگاهی بده که من به آنها

مهربانم

﴿۵۰﴾ وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ ولیکن اگر کافر شدید، عذاب من خیلی دردناک است

﴿۵۱﴾ وَنَبِّئَهُمْ عَن صَيْفِ إِبْرَاهِيمَ مردم را از داستان میهمانان ابراهیم خلیل آگاه کن

﴿۵۲﴾ إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَمًا قَالَ إِنَّا مِنْكُمْ وَجِلُونَ آن‌ها بر ابراهیم خلیل وارد شدند، سلام دادند، ابراهیم جواب داد و گفت: از شما ترسانیم

﴿۵۳﴾ قَالُوا لَا تَوْجَلْ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ گفتند: نترس! ما تو را به فرزندی دانا بشارت می‌دهیم

﴿۵۴﴾ قَالَ أَبَشِّرْتُمُونِي عَلَىٰ أَنْ مَسَّنِيَ الْكِبَرُ فِيمَ تُبَشِّرُونَ گفت: در این سن پیری مرا به فرزند مژده می‌دهید؟

﴿۵۵﴾ قَالُوا بَشِّرْنَاكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُن مِّنَ الْقَانِطِينَ گفتند: به حق مژده می‌دهیم، ناامید نباش

﴿۵۶﴾ قَالَ وَمَنْ يَقْنَطُ مِن رَّحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ گفت: به جز گمراهان، کسی از لطف خدا ناامید نمی‌شود

﴿۵۷﴾ قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ شما مأمورین مثل اینکه برای انجام کاری آمده‌اید؟

﴿۵۸﴾ قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ گفتند: آری، مأمور مجازات این قومیم

﴿۵۹﴾ **إِلَّا ءَالَ لُوطٍ إِنَّا لَمُنَجُّوهُمْ أَجْمَعِينَ** یعنی قوم لوط، مگر لوط و خانواده‌اش که همه آن‌ها را نجات می‌دهیم

﴿۶۰﴾ **إِلَّا أَمْرَاتَهُ قَدَرْنَا إِنَّهَا لَمِنَ الْغَابِرِينَ** به جز آن عجوزه همسرش که به سرنوشت قوم مبتلا خواهد شد

﴿۶۱﴾ **فَلَمَّا جَاءَ ءَالَ لُوطٍ الْمُرْسَلُونَ** از محضر ابراهیم به طرف قوم لوط حرکت کردند

﴿۶۲﴾ **قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ** در بیرون شهر با لوط پیامبر روبه‌رو شدند، لوط گفت: شمارا نمی‌شناسم

﴿۶۳﴾ **قَالُوا بَلْ جِئْنَاكَ بِمَا كَانُوا فِيهِ يَمْتَرُونَ** گفتند: مأمور عذاب قوم تو هستیم که آن‌ها در عذاب الهی شک دارند

﴿۶۴﴾ **وَأَتَيْنَكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ** حقیقت می‌گوییم ، مأموریم این قوم را هلاک کنیم

﴿۶۵﴾ **فَأَسْرٍ بِأَهْلِكَ يَقْطَعُ مِنَ اللَّيْلِ وَاتَّبِعْ أَذْبَرَهُمْ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ وَامْضُوا حَيْثُ تُؤْمَرُونَ** نیمه شب خانواده‌ات را از شهر خارج کن، به پشت سر نگاه نکن، کسی خبردار نشود، بروید به جایی که مأمورید، قضایای آن‌ها را پیگیری کن

﴿۶۶﴾ **وَقَضَيْنَا إِلَيْهِ ذَلِكَ الْأَمْرَ أَنَّ دَابِرَ هَوَٰلَاءِ مَقْطُوعٌ مُّصْبِحِينَ** تقدیر خود را به لوط ابلاغ کردیم که این قوم فردا صبح باید هلاک شوند

﴿۶۷﴾ **وَجَاءَ أَهْلَ الْمَدِينَةِ يَسْتَبْشِرُونَ** مردم بی حیا، خانه لوط را محاصره کردند، به یکدیگر مژده می دادند که چه جوانان زیبایی!

﴿۶۸﴾ **قَالَ إِنَّ هَؤُلَاءِ ضِيفِي فَلَا تَفْضَحُونِ** لوط به آنها گفت: آنها میهمانان من هستند، مرا رسوا نکنید

﴿۶۹﴾ **وَأَتَقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ** از خدا بترسید، مرا جلو میهمان رسوا نکنید

﴿۷۰﴾ **قَالُوا أَوْ لَمْ نَنْهَكَ عَنِ الْعَالَمِينَ** گفتند: مگر ما تو را از روش سایر مردم نهی نکردیم؟

﴿۷۱﴾ **قَالَ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ** گفت: راضی ام با دختران من ازدواج کنید

﴿۷۲﴾ **لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ** به جانت قسم ای رسول من، که آنها را شهوت ربوده بود و جاهلانه حرکت می کردند

﴿۷۳﴾ **فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُشْرِقِينَ** فردا پیش از طلوع آفتاب غضب الهی آنها را فراگرفت

﴿۷۴﴾ **فَجَعَلْنَا عَلَيْهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّنْ سِجِّيلٍ** شهرشان را زیرورو کردیم، آنها را زیر باران سنگ و کلوخ کوبیدیم

﴿۷۵﴾ **إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ** چنین بلاهایی برای مردم بافراست، آیت الهی است

﴿۷۶﴾ **وَإِنَّهَا لِبِسْبِيلٍ مُّقِيمٍ** تقدیر دائمی خدا برای مردم ظالم و عاصی همین است

﴿۷۷﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ این حادثه‌ها برای اهل ایمان، آیت الهی است

﴿۷۸﴾ وَإِن كَانَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ لَظَالِمِينَ قوم آیکه (شعیب) هم مانند قوم لوط عاصی و ظالم بودند

﴿۷۹﴾ فَأَنْتَقِمْنَا مِنْهُمْ وَإِنَّهُمَا لِيَآمَامٍ مُّبِينٍ از آن‌ها هم با نزول عذاب، انتقام گرفتیم و آن‌ها را برای آیندگان مایه پند و عبرت نمودیم

﴿۸۰﴾ وَلَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَابُ الْحَجْرِ الْمُرْسَلِينَ همچنين اصحاب حجر (قوم ثمود) که رسول ما را تکذیب نمودند

﴿۸۱﴾ وَعَآتَيْنَهُمْ ءآيَاتِنَا فكَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ به آن معجزه بزرگ (ناقه صالح) که مایه برکت بود اعتنا نکردند (آن را کشتند)

﴿۸۲﴾ وَكَانُوا يَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا ءَامِنِينَ آن‌ها در دل کوه‌ها برای خودشان خانه می‌تراشیدند تا در امن و امان باشند

﴿۸۳﴾ فَأَخَذْتَهُمُ الصَّيْحَةُ مُصْبِحِينَ صبح روزی، عذاب الهی آن‌ها را فراگرفت

﴿۸۴﴾ فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ آن ثروت‌ها و فعالیت‌ها به حالشان سودی نبخشید

﴿۸۵﴾ وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَإِنَّ السَّاعَةَ لَآتِيَةٌ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ ما آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آن‌هاست به حق آفریدیم،

آن‌ها خلقت را به بازی گرفتند، ساعت قیامت خواهد آمد، خیلی زیبا صفحه تاریخ را

مطالعه کن

﴿۸۶﴾ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلْقُ الْعَلِيمُ پروردگارتو، آفریننده‌ای است دانا و توانا

﴿۸۷﴾ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْءَانَ الْعَظِيمَ ما دو کتاب بزرگ
سوره حمد و قرآن بر تو نازل کردیم

﴿۸۸﴾ لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَأَخْفِضْ
جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ به دنیا و متاع دنیا و نعمت‌هایی که به آن‌ها داده‌ایم اعتنا نکن،
غم آن‌ها را نخور، در برابر مؤمنین متواضع باش

﴿۸۹﴾ وَقُلْ إِنِّي أَنَا الْنَذِيرُ الْمُبِينُ بگو: من پیامبری دانا و توانا هستم

﴿۹۰﴾ كَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ مانند اهل کتاب نباشید که کتاب خدا را قسمت
قسمت کردند

﴿۹۱﴾ الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْءَانَ عِضِينَ بعضی را که به‌نفع دنیا بود عمل کردند و
آنچه ظاهراً سود دنیایی نداشت ترک نمودند

﴿۹۲﴾ فَوَرِّبَكَ لَنَسَلْنَهُمْ أَجْمَعِينَ به پروردگارت قسم که فردا مسئول اعمال خود
خواهند بود

﴿۹۳﴾ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ بر این تبعیض و تقسیم که روا داشتند مجازات خواهند
شد

﴿۹۴﴾ فَأَصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ با انجام مأموریت، افکار مردم
را شکوفا کن و به مشرکین اعتناء نداشته باش

﴿۹۵﴾ إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ ما شرّ مزاحمین استهزاگر را از تو برطرف کردیم

﴿۹۶﴾ الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ همان‌ها که در برابر

خدا بت‌ها را علم کرده‌اند، به زودی فساد عمل خود را خواهند شناخت

﴿۹۷﴾ وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ ما می‌دانیم که از گفته‌ها و

اعتراضات آن‌ها سینه‌ات به تنگ آمده است

﴿۹۸﴾ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُن مِّنَ السَّاجِدِينَ برای رفع دل‌تنگی، خدا را تسبیح

و ستایش کن و او را سجده نما

﴿۹۹﴾ وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ در خط عبادت و تقوا باش تا یقین به

عاقبت پیدا کنی.

آیاتها ۱۲۸

سُورَةُ النَّحْلِ

المکي

این سوره شریفه، به مناسبت اینکه از زنبور عسل بحث می‌کند، سوره نحل نامیده شده است. شاگردان مکتب ولایت هم به مناسبت اینکه علوم شفا بخش دارند تشبیه به زنبور عسل شده‌اند. تنها علم شفابخش که غذای طبیعی روح است و انسان را از مرض کفر و نفاق نجات می‌دهد، علوم قرآن به رهبری ائمه اطهار(ع) است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ أَلَمْ يَأْتِ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ مردم! شتاب

نکنید، فرمان الهی برای اقامه عدل جهانی رسید، خداوند منزّه و برتر است از شرک و

خرافاتى که مردم در ارتباط با قیامت ساخته‌اند

﴿۲﴾ يُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا

إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ خداوند نیروی علم و قدرت بر هر یک از بندگان که بخواهد

نازل می کند، او را مأمور می کند به مردم هشدار دهد که خدایی جز من نیست، از نافرمانی من بپرهیزید

﴿۳﴾ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ خداوند، آسمان و زمین را به حق آفریده، منزّه است از آنچه آن را شریک خدا ساخته‌اید

﴿۴﴾ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ انسان را از نطفه آفرید و او را به گویایی رسانید که چقدر خوب از خود دفاع می کند

﴿۵﴾ وَالْأَنْعَمَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنْفَعٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ چهارپایان را برای شما آفریدیم، از پشم و کرک آن‌ها برای لباس استفاده می کنید و منافع دیگر که از گوشت آن‌ها می خورید

﴿۶﴾ وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ از سواری آن‌ها استفاده می کنید و به گردش و تفریح می روید، جلال و جمال پیدا می کنید

﴿۷﴾ وَتَحْمِلُ أَنْثَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بَلِغِيهِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَعُوفٌ رَّحِيمٌ یا بار سنگین خود را از شهری به شهری حمل می کنید که اگر خودتان حمل کنید، رنج فراوان می برید، خدا به شما رئوف و مهربان است

﴿۸﴾ وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ اسب‌ها و استرها و الاغ‌ها برای شما آفرید و چیزهای دیگر خلق می کند که الآن نمی دانید تا سوار شوید و جلوه پیدا کنید (مانند مرکب‌های امروز و مرکب‌های معراجی)

﴿۹﴾ وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ وَمِنْهَا جَائِرٌ وَلَوْ شَاءَ لَهَدَيْكُمْ أَجْمَعِينَ خط

مستقیم شما را به سوی خدا می برد (اقتصادی و متعادل است) بعضی خطوط هم انحرافی است ، خداوند اگر بخواهد شما را هدایت می کند

﴿۱۰﴾ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ
او خداست که از آسمان، باران رحمت خود را برای شما نازل می کند ، با آن شراب و شربت می سازید، درخت و چراگاه می پرورانید

﴿۱۱﴾ يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ
با این آب باران، زراعت‌ها و درخت زیتون و خرما و انگور و همه نوع میوه‌ها را برای شما می پروراند ، همه این‌ها برای انسان‌های متفکر آیت الهی است

﴿۱۲﴾ وَسَخَّرَ لَكُمْ الَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ
شب و روز و ماه و خورشید را در خدمت شما قرار داده ، ستارگان را به تسخیر خود درآورده ، همه این‌ها برای عقلا آیت الهی است

﴿۱۳﴾ وَمَا ذَرَأًا لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ
این همه نعمت‌ها و موجودات دیگر به رنگ‌های مختلف از زمین برای شما خارج نموده ، همه این‌ها برای خردمندان آیت عظمت خداست

﴿۱۴﴾ وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حَبْلَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَاجِرَ فِيهِ وَلِيَبْتَلُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ
او دریا را به اختیار شما درآورده تا گوشت‌های تروتازه و جواهرات از آن استخراج کنید و خود را آرایش دهید، کشتی‌ها در آن جریان دارند و با آن‌ها نعمت‌های الهی را

به دست می آورید شاید شکر خدا را به جای آورید

﴿۱۵﴾ وَالْقَىٰ فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَن تَمِيدَ بِكُمْ وَأَنْهَارًا وَسُبُلًا لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

این همه کوه‌های ریشه‌دار و استوار تا حرکات زمین را به اعتدال آورد مبادا شما را به موجان آورد، در آن، نهرهای آب و راه‌های حرکت است تا شما هدایت شوید

﴿۱۶﴾ وَعَلَّمَتِ بِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ

کوه‌ها را برای شناسایی زمین ، ستارگان را برای هدایت به شرق و غرب (و ستارگان علم را برای هدایت به دین)

﴿۱۷﴾ أَفَمَن يَخْلُقُ كَمَن لَّا يَخْلُقُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

آیا کسی که این همه قدرت آفرینندگی دارد مانند کسی است که نمی‌تواند خلق کند؟ ، چرا حقیقت را درک نمی‌کنید؟

﴿۱۸﴾ وَإِن تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ

اگر بخواهید نعمت‌های خدا را با مشخصات بشمارید ممکن نیست، خدا شما را رشد می‌دهد تا به نعمت‌های خود برساند

﴿۱۹﴾ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ

خدا از آنچه پنهان می‌دارید و یا آشکار می‌کنید، آگاه است

﴿۲۰﴾ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ

افراد را که شریک خدا ساخته و از آنها خواهش و تمنا دارید مخلوق‌اند، قدرت آفرینش ندارند

﴿۲۱﴾ أَمْوَاتٌ غَيْرُ أَحْيَاءٍ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ

مرده‌اند و حیات ایمانی و انسانی ندارند ، از عاقبت کار و بعثت خود بی‌خبرند

﴿۲۲﴾ إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُنْكَرَةٌ وَهُمْ

مُسْتَكْبِرُونَ خدای شما واحد و یگانه است، کسانی که ایمان به خدا و آخرت ندارند منکر خدا و مستکبرند

﴿۲۳﴾ لَا جَرَمَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ

ولیکن خدا از ظاهر و باطن آنها آگاه است، خدا مستکبرین را دوست نمی‌دارد

﴿۲۴﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ مَآذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ

وقتی از آنها بپرسند نظر شما در این قرآنی که نازل شده چیست؟، می‌گویند: هیچ، افسانه‌های قدیم است

﴿۲۵﴾ لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ يُضِلُّونَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ

أَلَا سَاءَ مَا يَزُرُونَ خبر ندارند که روز قیامت مسئول گمراهی خود و گمراه شدگان به دست خود هستند، چه بد بار سنگینی است این مسئولیت

﴿۲۶﴾ قَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَأَتَى اللَّهَ بُنْيَانَهُمْ مِنَ الْقَوَاعِدِ فَخَرَّ عَلَيْهِمُ

السَّقْفُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَأَتَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ

گذشتگان هم مانند آنها چنین برنامه‌هایی چیدند، خداوند بنای آنچه ساخته بودند از پایه و سقف بر سر آنها خراب کرد و از جایی که نمی‌دانستند، در محاصره عذاب واقع شدند

﴿۲۷﴾ ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُخْزِيهِمْ وَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَآئِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تُشَاقُّونَ فِيهِمْ قَالَ

الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ إِنَّ الْخِزْيَ الْيَوْمَ وَالسُّوءَ عَلَى الْكَافِرِينَ

روز قیامت خدا آنها را رسوا می‌کند و می‌پرسد: کجا بیاورید آنها که در اطاعت برای خدا شریک ساخته بودید؟، خود را در راه موفقیت آنها فدا کردید، دانشمندان اظهار می‌دارند که:

رسوایی و بدبختی نصیب کفار است

﴿۲۸﴾ الَّذِينَ تَتَوَقَّعُهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ فَأَلْقَوْا السَّلَمَ مَا كُنَّا نَعْمَلُ مِنْ

سُوْعِم بَلَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ کسانی که با پرونده سیاه ظلم و ستم

زیر پنجه قدرت فرشتگان واقع می شوند، در حال تسلیم می گویند: ما عمل بدی مرتکب

نشده ایم ، جواب می شنوند: آری خداوند به اعمال شما آگاه است

﴿۲۹﴾ فَأَدْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَلَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ از درهای

مختلف جهنم وارد شوید، در آن مخلد باشید ، اعمال مستکبرین چه نتایج بدی به وجود

می آورد

﴿۳۰﴾ وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرًا لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ

الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ به مؤمن اهل تقوا می گویند:

خدا با شما چه کرد؟ ، جواب می دهند: خیر و برکت و عزت ، کسانی که اهل احسان اند،

خدا به آنها احسان می کند ، آخرت از دنیا بهتر است ، چقدر زندگی پرهیزکاران

خوب است

﴿۳۱﴾ جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ

كَذَلِكَ يَجْزِي اللَّهُ الْمُتَّقِينَ یعنی بهشتی که معدن نعمت هاست، مجهز به علم و

قدرتی می شوند که نعمت و لذت مانند نهر از آن جریان پیدا می کند ، هر چه بخواهند

هست ، پاداش پرهیزکاران چنین است

﴿۳۲﴾ الَّذِينَ تَتَوَقَّعُهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ أَدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا

كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ کسانی که فرشتگان در حال پاکی و طهارت، جان آنها را فرا

می گیرند، به آنها می گویند که: مرحبا به شما از مسیر همین پاکی و طهارت وارد

بهشت می شوید

﴿۳۳﴾ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ أَمْرٌ رَبِّكَ كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

مگر کفار بیشتر از این مهلت دارند که زیر پنجه قدرت فرشتگان واقع شوند یا فرمان قیامت برسد؟ گذشتگان هم از این مهلت استفاده کردند ، خدا به آن‌ها ظلم نکرد بلکه آن‌ها به خود ستم کردند

﴿۳۴﴾ فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ

نتیجه اعمال بد، آن‌ها را محاصره کرد، استهزاء و مسخره‌ها به خودشان برگشت

﴿۳۵﴾ وَقَالَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا عَبَدْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ نَحْنُ وَلَا آَبَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَهَلْ عَلَى الرُّسُلِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ

مشرکین، خداوند را مسئول شرک و گناه خود دانستند که اگر خدا می‌خواست ما و اجداد ما مشرک نمی‌شدیم و چیزی را حرام نمی‌کردیم ، مشرکین گذشته هم مثل آن‌ها بودند ، پیامبران ما فقط دین را تبلیغ می‌کنند و مأمور اصلاح کسی نیستند

﴿۳۶﴾ وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ

برای هر امتی پیامبری فرستادیم که خدا را پرستش کنید ، از اطاعت طاغوت اجتناب نمایید ، بعضی را خدا هدایت کرد و بعضی گمراه شدند ، تاریخ را مطالعه کنید تا ببینید عاقبت تکذیب‌کنندگان به کجا کشید

﴿۳۷﴾ **إِنْ تَحْرِصْ عَلَىٰ هُدَاهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَن يُضِلُّ وَمَا لَهُم مِّن نَّاصِرِينَ**

اگر هم تو بر هدایت آن‌ها حریص باشی، خدا کسی را که گمراه شود هدایت نمی‌کند (زیرا نمی‌شود) و آن گمراهان یاور و ناصری ندارند

﴿۳۸﴾ **وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَن يَمُوتُ بَلَىٰ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا**

وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ قسم‌های غلیظ یاد می‌کنند که خدا مردگان را زنده نمی‌کند، آری وعده خدا حق است ولیکن اکثریت مردم نمی‌دانند

﴿۳۹﴾ **لِيُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي يُخْتَلِفُونَ فِيهِ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كَذِبِينَ**

بعد از حیات همه را یکجا جمع می‌کند تا اختلاف آن‌ها را رفع نماید، تا اینکه کفار بدانند دروغ می‌گویند که خدا را عاجز می‌دانند

﴿۴۰﴾ **إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ وَكُن فَيَكُونُ**

ما عاجز نیستیم، هر کاری را که بخواهیم به محض خواستن، شدن است

﴿۴۱﴾ **وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنَبُوِّنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَا جَزَاءَ**

الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ کسانی که در اثر ظلم ظالم به سوی خدا و رسول هجرت می‌کنند، ما آن‌ها را در وضعیت خوبی قرار می‌دهیم، البته اگر بدانند ثواب آخرتی آن‌ها خیلی بهتراست

﴿۴۲﴾ **الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ**

یعنی مهاجرینی که در راه خدا صبر می‌کنند و به خدا توکل دارند

﴿۴۳﴾ **وَمَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِمْ فَسْأَلُوا أَهْلَ الدِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا**

تَعْلَمُونَ پیش از تو به کسی مأموریت ندادیم مگر مردانی که به آن‌ها وحی نمودیم،

اگر نمی‌دانید از کسانی که می‌دانند بپرسید

﴿۴۴﴾ بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ
 آن‌ها را با معجزات و دلایل روشن مجهز کردیم، این قرآن و عترت را هم به تو دادیم تا حقایق آن را برای مردم روشن کنی شاید آن‌ها برای درک حقایق فکر کنند

﴿۴۵﴾ أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ
 آیا کسانی که این‌همه کید و مکر به کار می‌برند، سند ایمنی دارند که زمین آن‌ها را فرو نبلعد و یا از راهی که نمی‌دانند در محاصره عذاب واقع شوند؟

﴿۴۶﴾ أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي تَقْلِبِهِمْ فَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ
 یا در همان حالی که این طرف و آن طرف می‌روند، عذاب آن‌ها را فراگیرد

﴿۴۷﴾ أَوْ يَأْخُذَهُمْ عَلَى تَخَوُّفٍ فَإِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ
 یا در حال خوف و نگرانی، پروردگار شما رئوف و مهربان است که مدارا می‌کند

﴿۴۸﴾ أَوْ لَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ يَتَفَيَّؤُا ظِلَالُهُ عَنِ الْيَمِينِ وَالشَّمَائِلِ سُجَّدًا لِلَّهِ وَهُمْ دَاخِرُونَ
 آیا در وضعیت خلاق فکر نمی‌کنند که چگونه در تمامی حرکات تسلیم خدا هستند، در سجده او و مسخر او هستند؟

﴿۴۹﴾ وَاللَّهُ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةُ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ
 هرچه هست در آسمان‌ها و زمین از فرشتگان و جنندگان تسلیم خدا هستند، تکبر ندارند

﴿۵۰﴾ یَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِّنْ فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ﴿۱﴾ از اراده خدا که محیط به آن‌هاست می‌ترسند و به آنچه مأمورند عمل می‌کنند

﴿۵۱﴾ وَقَالَ اللَّهُ لَا تَتَّخِذُوا إِلَهَيْنِ إِلَّا هُوَ إِلَهٌُ وَاحِدٌ فَإِنِّي فَأَرْهَبُونَ خداوند به شما ابلاغ نمود که: اعتقاد به دو خدایی را قبول نکنید، خدا یکی است، از من که خدای شما هستم بترسید

﴿۵۲﴾ وَلَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَهُ الدِّينُ وَاصِبًا أَفَغَيْرَ اللَّهِ تَتَّقُونَ هر چه هست در آسمان‌ها و زمین مال اوست، دین او به اجتماع شما نظام می‌دهد، آیا با بودن چنین خدایی از غیر او حساب می‌برید؟

﴿۵۳﴾ وَمَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ ثُمَّ إِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فَإِلَيْهِ تَجْتَرُونَ هر چه هست از نعمت و ثروت، مال خداست، اگر بلایی هم متوجه شما شود باید به او پناهنده شوید

﴿۵۴﴾ ثُمَّ إِذَا كُفِيَ الضُّرُّ عَنْكُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْكُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ (بعد از پناهندگی) که بلا را از شما برطرف نماید، بازهم عده‌ای از شما برای خداوند شریک می‌تراشند و از غیر خدا اطاعت می‌کنند

﴿۵۵﴾ لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ آن‌ها نمی‌خواهند سپاس گزار نعمت خدا باشند، به آن‌ها بگو: بخورید و بچرید، به همین زودی نتایج کار خود را می‌بینید

﴿۵۶﴾ وَيَجْعَلُونَ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ نَصِيبًا مِّمَّا رَزَقْنَاهُمْ تَاللَّهِ لَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَفْتَرُونَ از این روزی‌ها که ما به آن‌ها داده‌ایم سهمی برای بت‌ها و مرام‌های باطل و

مجهول سرمایه گذاری می کنند ، به خدا قسم که مسئول اعمال خلاف حقیقت خود خواهند بود

﴿۵۷﴾ وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ سُبْحَانَهُ وَلَهُمْ مَا يَشْتَهُونَ دختران را که دوست

نمی دارند می گویند: مال خداست، پسران و یا آنچه دوست می دارند می گویند: مال ماست (با عقاید خرافی توهین به خدا می کنند)

﴿۵۸﴾ وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ وقتی به آن‌ها

خبر می دهند که خانم شما دختر زاییده، چهره آن‌ها سیاه می شود (چه خبر بدی) ولی تحمل می کنند

﴿۵۹﴾ يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي

الْتِرَابِ إِلَّا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ و بعد خود را از جامعه کنار می کشند که با ننگ

دخترداری چه کند ، او را به زاری و خواری بدارند و یا زنده به گور کنند ، چه بد قضاوت ظالمانه و احمقانه ای دارند

﴿۶۰﴾ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ مَثَلُ السَّوِّءِ وَلِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ وَهُوَ الْعَزِيزُ

الْحَكِيمُ کسانی که ایمان به آخرت ندارند، چه نمونه های بدی هستند ، خدا بهترین

نمونه است که غالب و حکیم است

﴿۶۱﴾ وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ مَا تَرَكَ عَلَيْهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ

إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّىٰ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ اگر

خدا به این ستم کاری ها مردم را مؤاخذه کند باید جنبنده ای در زمین باقی نگذارد ولیکن تا مدت مقدر آن‌ها را مهلت می دهد ، وقتی که مدت سر آمد، دقیقه ای پس و پیش

ندارد

﴿۶۲﴾ وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ مَا يَكْرَهُونَ وَتَصِفُ أَلْسِنَتُهُمُ الْكَذِبَ أَنَّ لَهُمُ الْحُسْنَىٰ لَا

جَرَمَ أَنَّ لَهُمُ النَّارَ وَأَنَّهُمْ مُّفْرَطُونَ چیزهایی را که دوست نمی‌دارند، برای خدا نذر می‌کنند، به دروغ خود را تعریف می‌کنند که خوب هستند و هرچه خوب است مال آن‌هاست، به ناچار حرکت آن‌ها به سوی آتش است که مردمی افراطی هستند

﴿۶۳﴾ تَاللَّهِ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمْ

أَلْيَوْمَ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ به خدا قسم که پیش از تو برای همه آن‌ها پیامبر فرستادیم ولیکن شیطان کفر و گناه را در نظر آن‌ها جلوه داد، در این زمان هم شیطان ولی آن‌هاست، منتظر عذابی دردناک باشند

﴿۶۴﴾ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً

لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ما قرآن را به این منظور نازل کردیم که حق ولایت را که در آن اختلاف دارند، برای آن‌ها روشن کنی تا برای اهل ایمان مایه هدایت باشد

﴿۶۵﴾ وَاللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً

لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ خدا کسی است که از آسمان باران نازل می‌کند و با آن زمین مرده را زنده می‌نماید، نزول باران برای شنوندگان آیت الهی است

﴿۶۶﴾ وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُّسْقِيكُم مِّمَّا فِي بُطُونِهِ مِن بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ

لَبَنًا خَالِصًا سَائِغًا لِلشَّرِبِينَ چهارپایان برای شما مایه عبرت و اعتبارند، از شکم آن‌ها و از میان چرک و خون، شیری گوارا برای شما تهیه می‌کنیم

﴿۶۷﴾ وَمِن ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا إِنَّ فِي

ذَلِكَ لآيَةٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ همچنین از ثمرات خرما و انگور، این همه شراب و شربت می‌سازید، همه این‌ها برای خردمندان آیت الهی است

﴿٦٨﴾ وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ خداوند به زنبور عسل وحی کرد (وادار نمود) که در دامنه کوه‌ها و جنگل‌ها و سقف‌ها کندو بسازد

﴿٦٩﴾ ثُمَّ كُلِي مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ و زنبور را وادار می‌کند از تمامی گل‌ها و ثمرات تغذیه نماید، در خط اطاعت خدا حرکت کند، از شکم این زنبوران شربت‌های مختلف‌اللون خارج می‌کند که شفای امراض است، تمامی این مسائل آیت الهی برای متفکرین است

﴿٧٠﴾ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفَّاكُمْ وَمِنكُم مَّن يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْ لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ خدا شما را خلق می‌کند و بعد جان شما را می‌گیرد، بعضی را آن‌چنان به طرف پیری می‌برد که معلومات اولیه خود را از دست می‌دهند، خداوند به هر کاری تواناست

﴿٧١﴾ وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ فَمَا الَّذِينَ فُضِّلُوا بِرَادِي رِزْقِهِمْ عَلَىٰ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَهُمْ فِيهِ سَوَاءٌ أَفَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ خداست که در ثروت و روزی، بعضی را بالا می‌برد، آن‌ها که ثروتمندند حاضر نیستند که زیردستان خود را با خود در حد تساوی قرار دهند که ثروت را مایه عظمت می‌دانند، چرا منکر قدرت خدا می‌شوند؟

﴿۷۲﴾ **وَاللَّهُ** جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ

و باز خدا از جنس خودتان برای شما همسر آفرید و از آن همسران فرزندان و نوباوگان به شما مرحمت کرد، روزی‌های طیب و طاهر را به شما اختصاص داد، با همه این‌ها شما به راه‌های باطل می‌روید و به نعمت خدا کافر می‌شوید

﴿۷۳﴾ **وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ** مَا لَا يَمْلِكُ لَهُمْ رِزْقًا مِنَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ شَيْئًا وَلَا يَسْتَطِيعُونَ

به جز خدا از کسی یا چیزی اطاعت می‌کنید که قدرت ندارد از آسمان و زمین لقمه نانی برای شما تهیه کند و کاری از آن‌ها ساخته نیست

﴿۷۴﴾ **فَلَا تَضْرِبُوا لِلَّهِ الْأَمْثَالَ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ**

نزنید که چنین و چنان هستید، خدا می‌داند و شما نمی‌دانید

﴿۷۵﴾ **ضَرَبَ اللَّهُ** مَثَلًا عَبْدًا مَمْلُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَمَنْ رَزَقْنَاهُ مِنَّا رِزْقًا حَسَنًا فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَجَهْرًا هَلْ يَسْتَوُونَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

خدا برای خود و شرکای شما به بندهای مثل می‌زند که فقر محض است و بندهای که ثروت حلال به او داده‌ایم، هر جور که بخواهد مخفی و آشکارا انفاق می‌کند، آیا این دو نفر برده و آزاد مساوی‌اند؟، الْحَمْدُ لِلَّهِ که کفار فهم و شعور ندارند

﴿۷۶﴾ **وَضَرَبَ اللَّهُ** مَثَلًا رَجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَبْكَمُ لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَهُوَ كَلٌّ عَلَى مَوْلَاهُ أَيْنَمَا يُوَجِّههُ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

و باز مثل دیگری می‌زند به دو نفر که یک نفر از آن‌ها کر و لال است، کاری از او ساخته نیست، بار زندگی او به دوش مولا است، هر جا برود دست خالی

برمی‌گردد و دیگری آزاد و توانا که در صراط مستقیم دین خدا عادلانه کار می‌کند، آیا این دو نفر مساوی‌اند؟. (یعنی معبود کافر، برده کر و لال و معبود مؤمن، دانا و تواناست)

﴿۷۷﴾ **وَاللَّهُ** غَيْبُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا أَمْرُ السَّاعَةِ إِلَّا كَلَمْحِ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ
إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ آنچه در آسمان و زمین مخفی است مال خداست ،
 وقوع قیامت مانند چشم به هم زدن و یا از آن‌هم آسان‌تر است ، خدا به هر کاری دانا و
 تواناست

﴿۷۸﴾ **وَاللَّهُ** أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ
 السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ خداوند شما را از رحم مادران
 بیرون آورد که در صفر معلومات بودید، بعد شما را به بینایی و شنوایی و دانایی مجهز
 کرد که شاید نعمت خدا را منظور دارید

﴿۷۹﴾ **أَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ فِي جَوِّ السَّمَاءِ مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا اللَّهُ** إِنَّ فِي
 ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ مگر نمی‌بینید که چگونه پرندگان در آسمان مسخر امر
 خدا هستند، به جز خدا کسی نمی‌تواند آن‌ها را در آسمان نگه دارد ، تمامی این‌ها برای
 اهل ایمان آیت الهی است

﴿۸۰﴾ **وَاللَّهُ** جَعَلَ لَكُم مِّنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَجَعَلَ لَكُم مِّنْ جُلُودِ الْأَنْعَامِ بُيُوتًا
 تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَيَوْمَ إِقَامَتِكُمْ وَمِنْ أَصْوَابِهَا وَأَوْبَارِهَا وَأَشْعَارِهَا أَثْنَا
 وَمِثْقَالًا إِلَىٰ حِينٍ خدا همسران شما را در خانه‌داری سبب آرامش قرار داده و از
 پوست و پشم حیوانات، خانه سبک‌تر برای شما ساخته که در سفر و حضر از آن
 استفاده کنید و از پشم و کرک و موی گوسفندان لباس و وسیله زندگی برای شما آماده

کرده است

﴿۸۱﴾ **وَاللّٰهُ** جَعَلَ لَكُمْ مِمَّا خَلَقَ ظِلَالًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْجِبَالِ أَكْنَانًا وَجَعَلَ لَكُمْ سَرَابِيلَ تَقِيكُمُ الْحَرَّ وَسَرَابِيلَ تَقِيكُمُ بَأْسَكُمْ كَذَلِكَ يُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْلِمُونَ

خداوند در سایه درختان و حکومت حاکمان عادل برای شما آرامش و امنیت به وجود آورده، در دل کوهها و پناه ابرقدرت‌ها برای شما پناهگاه ساخته و لباسی که در گرما و سرما شما را حفظ می‌کند و زره که شما را در جنگ حفظ می‌کند، خدا نعمت‌های خود را بر شما کامل می‌کند شاید که تسلیم او شوید

﴿۸۲﴾ **فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ الْمُبِينُ** اگر با این همه تذکرات بازهم از دین خدا اعراض نمودند، وظیفه تو فقط تبلیغ است

﴿۸۳﴾ **يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللّٰهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا وَأَكْثَرُهُمُ الْكَافِرُونَ** آن‌ها نعمتِ ولایت الهی و مولا را می‌شناسند و منکر می‌شوند اکثریت آن‌ها کافرند

﴿۸۴﴾ **وَيَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا ثُمَّ لَا يُؤْذَنُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ** روز قیامت که از هر امتی مؤمنی صالح به عنوان شاهد حقانیت مبعوث می‌کنیم، اجازه عذرخواهی به کفار نخواهیم داد و زمینه حرف زدن برای آن‌ها فراهم نیست

﴿۸۵﴾ **وَإِذَا رَعَا الَّذِينَ ظَلَمُوا الْعَذَابَ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ** وقتی که در خط ظلم و ستم با آتش روبه‌رو شدند، دیگر عذاب آن‌ها سبک نمی‌شود و مهلتی نخواهند داشت

﴿۸۶﴾ **وَإِذَا رَعَا الَّذِينَ أَشْرَكُوا شُرَكَاءَهُمْ قَالُوا رَبَّنَا هَؤُلَاءِ شُرَكَائُنَا الَّذِينَ كُنَّا**

نَدْعُوا مِنْ دُونِكَ ۖ فَأَلْقُوا إِلَيْهِمُ الْقَوْلَ إِنَّكُمْ لَكَاذِبُونَ
 مشرکین وابسته وقتی که رؤسای خود را می بینند، داد می زنند که: ای خدا! این ها رؤسای ما هستند که به جای تو از آن ها اطاعت کردیم، فریاد ما را به آن ها برسان که چرا به کذب و دروغ ما را فریب دادند

﴿۸۷﴾ وَالْقُوا إِلَى اللَّهِ يَوْمَئِذٍ أَلْسَلَمٌ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ
 آن روز به صورت قهری و اجباری در اختیار خدا هستند، وسایط خلاف حقیقت از اختیار آن ها خارج می شود

﴿۸۸﴾ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ زِدْنَاهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يُفْسِدُونَ
 کسانی که کافر می شوند و مردم را از راه خدا بازمی دارند، عذاب آن ها در این مسیر هر روز زیادتر می شود *

* انحراف از دین خدا مانند انحراف از راه به بی راهه است که هرچه بیشتر ادامه پیدا کند از مقصد دورتر می شود پس عذابش زیادتر می شود. علاج بی راهه روی فقط برگشت به راه است. علاج مرض کفر و گناه توبه است.

﴿۸۹﴾ وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ ۖ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ ۖ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيِينًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهَدَىٰ وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ
 روز قیامت، از هر امتی گواه حقی بر خودشان اقامه می کنیم، تو هم بر همه مسلمانان گواه حق خواهی بود، این کتاب را بر تو نازل کردیم تا بیان گر حق بوده و برای مسلمانان مژده رحمت و هدایت باشد

﴿۹۰﴾ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَايِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ ۖ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ
 خدا مردم را به عدالت و احسان و

ارتباط به ذوی القربی (امام های معصوم (ع)) امر می کند و از ظلم و گناه و تجاوز به حقوق نهی می نماید شاید با این امر ونهی حقیقت دین را دریابید

﴿۹۱﴾ وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ

وقتی با خدا پیمان اطاعت می بندید به پیمان خود وفادار باشید و بعد از استحکام عهد و پیمان آن را نشکنید، شما خدا را وکیل و کفیل معاهده خود قرار داده اید، خداوند به اعمال و افعال شما آگاه است

﴿۹۲﴾ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِي نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَا تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبَىٰ مِنْ أُمَّةٍ إِنَّمَا يَبْلُوكُمُ اللَّهُ بِهِ وَلَيُبَيِّنَنَّ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ

مانند زنی نباشید که رشته خود را بعد از استحکام پنبه می کند، عهد خود را می شکنید و جامعه توحیدی را متلاشی می کنید، عهد و پیمان خود را اسیر منافع خود می کنید که فلان امت از ما پیشرفته تر است، خداوند با این جلوه های دنیایی شما را آزمایش می کند تا روز قیامت دلایل تفاوت حالات شما را روشن سازد *

* همان طور که تارهای پنبه و پشم با تابیدن محکم شده و با بازتابیدن سست می شود، دین حق همان طور انسان ها را به سوی خدا متحد می کند اما اطاعت از غیر خدا مانند بازتابیدن ریسمان است که وحدت را به هم می زند.

﴿۹۳﴾ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَٰكِن يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَلَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

اگر خدا بخواهد می تواند به اجبار شما را به صورت یک امت واحد درآورد ولیکن آزاد می گذارد تا هر کسی را بخواهد هدایت و هر کسی را بخواهد گمراه نماید، البته مسئول اعمال خود خواهید بود

﴿۹۴﴾ وَلَا تَتَّخِذُوا أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا وَتَذُوقُوا السُّوَاءَ

بِمَا صَدَدْتُمْ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَلَكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ عهد و پیمان خود را در اسارت هوی و هوس قرار ندهید که از این پیمان شکنی، ثبات ایمانی شما متزلزل می شود، مردم را از راه خدا باز می دارید، بدی و بدبختی می بینید، به عذاب آخرت گرفتار می شوید

﴿۹۵﴾ وَلَا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا إِنَّمَا عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ

تَعْلَمُونَ عهد و پیمان الهی را به بهای اندک دنیا نفروشید که آنچه نزد خدا ذخیره شده، از دنیا بهتر است

﴿۹۶﴾ مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ

بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ آنچه در دنیا ذخیره می کنید، تمام می شود و آنچه برای آخرت ذخیره می کنید، باقی است، کسانی که در دنیا برای اجر آخرت صبر می کنند، برابر بهترین اعمال خود پاداش می گیرند

﴿۹۷﴾ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً

وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ هر مرد و زنی که اهل ایمان و عمل صالح باشند بدانند که خداوند آن ها را برای یک زندگی پاک و پاکیزه آماده می کند و برابر بهترین اعمال به آن ها پاداش می دهد

﴿۹۸﴾ فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْءَانَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وقتی که قرآن

می خوانی، از شرّ هوای نفس و شیطان به خدا پناه ببر

﴿۹۹﴾ إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطٰنٌ عَلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ نفس اماره

بر کسانی که به خدا ایمان دارند و به او توکل می کنند، مسلط نمی شود

﴿۱۰۰﴾ **إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ** هوای نفس،

کسانی را به ضلالت می کشد که در اطاعت شیطان قرار گیرند و او را شریک خدا قرار دهند *

* شیاطین، همان حاکمان بی دین و لامذهب اند که برای رسیدن به منافع مادی دنیایی خود از خدا و آخرت و مسئولیت صرف نظر می کنند. برای اینکه مردم را به اطاعت خود در آورند آن ها را از مکتب دین و اطاعت خدا خارج می کنند. هر فریب کاری در هر لباسی باشد شیطان است. هوای نفس بزرگ ترین شیطان است.

﴿۱۰۱﴾ **وَإِذَا بَدَّلْنَا آيَةً مَّكَانَ آيَةٍ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنَزِّلُ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتَرٍ بَلْ**

أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ وقتی که خدا به حکمت خود حکمی را به جای حکمی و آیه ای را به جای آیه ای نازل کند، می گویند: این آیه را به خدا دروغ بستی، بلکه اکثریت نادان اند

﴿۱۰۲﴾ **قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَى**

لِلْمُسْلِمِينَ بگو: چنین نیست که می گوید، آیه را روح القدس از پروردگار نازل فرمود تا اهل ایمان را ثابت قدم بدارد و برای مسلمانان بشارت و هدایت باشد

﴿۱۰۳﴾ **وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ لِّسَانُ الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ**

أَعْجَمِيٌّ وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ ما می دانیم که کفار می گویند: این قرآن را مردم به او تعلیم می دهند، بگو: زبان شما فصیح نیست، زبان عربی فصیح و بلیغ همین قرآن است

﴿۱۰۴﴾ **إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ لَا يَهْدِيهِمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ**

حقیقت این است که کسانی که ایمان به خدا نمی‌آورند، خدا آن‌ها را هدایت نمی‌کند که حق و باطل بفهمند، عذابی سخت در انتظار آن‌هاست

﴿۱۰۵﴾ إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْكَذِبُونَ
کسانی دروغ به خدا می‌بندند که ایمان به خدا ندارند و همان‌ها کاذب‌اند

﴿۱۰۶﴾ مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أُكْرِهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ
وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ
کسی که بعد از ایمان به کفر برگردد، هلاک است مگر کسی که به اجبار وادار به کفر شود و قلبش مطمئن به ایمان باشد، ولی کسانی که با آب‌وتاب کفر و گناه را تبلیغ می‌کنند، در معرض خشم و لعنت خدا هستند و به عذاب ابدی مبتلا می‌شوند

﴿۱۰۷﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اسْتَحَبُّوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ
آن‌ها زندگی دنیا را به جای آخرت قبول کردند، خداوند قوم کافر را هدایت نمی‌کند

﴿۱۰۸﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَسَمِعِهِمْ وَأَبْصَرِهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ
محبت دنیا بین آن‌ها و معارف الهی حجاب می‌شود، نمی‌توانند آن طرف حجاب را ببینند و بشنوند، از یاد خدا و سرنوشت خود غافل هستند

﴿۱۰۹﴾ لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْخَاسِرُونَ
را از دست می‌دهند، بی‌نهایت ضرر می‌کنند

﴿۱۱۰﴾ ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا فُتِنُوا ثُمَّ جَاهَدُوا وَصَبَرُوا إِنَّ رَبَّكَ
مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ
خدا به کسانی که از شرّ فتنه‌ها به سوی خدا هجرت

می کنند و صبر و جهاد را پیشه خود می سازند، اعلام می کند که آمرزنده و مهربان است

﴿۱۱۱﴾ **یَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ تُجَادِلُ عَنْ نَفْسِهَا وَتُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُمْ لَا**

يُظْلَمُونَ لطف و رحمت خداوند روزی به آنها می رسد که هر کسی به فکر خود

است، آن روز نتیجه اعمال هر کسی به او می رسد، به کسی ستم نمی شود

﴿۱۱۲﴾ **وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّنْ كُلِّ**

مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ

خداوند برای کسانی که تارک ولایت او هستند مثل می زند، قومی که مملکت امن و امان

دارند و در ناز و نعمت و آرامش کامل اند و قومی که لطف خدا را منظور نمی کنند، خدا

به مجازات کفران، آنها را در پوشش گرسنگی و ناامنی قرار می دهد که نتیجه راه غلط

آنهاست

﴿۱۱۳﴾ **وَلَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْهُمْ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ وَهُمْ ظَالِمُونَ**

برای آنها رسولی از خودشان ظاهر شد او را تکذیب نمودند در محاصره عذاب واقع

شدند، آنها به خود ستم کردند

﴿۱۱۴﴾ **فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ**

تَعْبُدُونَ اگر خدا را می پرستید از آنچه خدا به شما روزی نموده به کیفیت حلال

استفاده کنید، همیشه به یاد نعمت ولایت و امامت باشید

﴿۱۱۵﴾ **إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالْدَّمَ وَحُمَ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنْ**

أَضْطَرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ خدا فقط مردار و خون و گوشت

خوک و متاعی که شما را به غیر دین خدا می کشاند حرام کرده، اگر بدون طمع و

تجاوز مجبور به استفاده شدید مانعی ندارد، خداوند آمرزنده و مهربان است

﴿۱۱۶﴾ وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكَذِبَ هَذَا حَلَالٌ وَهَذَا حَرَامٌ لِّتَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ هرگز برای خودنمایی و عالم نمایی نگویید: این متاع حلال و آن یکی حرام است که با این گفته‌ها دروغ به خدا ببندید، کسانی که به خدا دروغ می‌بندند، رستگار نمی‌شوند

﴿۱۱۷﴾ مَتَعٌ قَلِيلٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ آن‌ها بهره کمی در دنیا می‌برند و در آخرت به عذابی عظیم گرفتار می‌شوند

﴿۱۱۸﴾ وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا مَا قَصَصْنَا عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ چنان که برای تو گزارش دادیم، پیش از ظهور اسلام بعضی نعمت‌ها را بر یهودیان حرام کرده بودیم، ما به آن‌ها ستم نکردیم، آن‌ها بودند که به خود ستم کردند

﴿۱۱۹﴾ ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُوا السُّوءَ بِجَهْلَةٍ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ پروردگار تو نسبت به کسانی که روی جهل و نادانی مرتکب گناه می‌شوند و بعد توبه نموده کار خود را اصلاح می‌نمایند، آمرزنده و مهربان است

﴿۱۲۰﴾ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ابراهیم خلیل با اینکه یک نفر بود، یک امت بود، هدفش جلب رضایت خدا بود، مترقی و طالب حق بود، کسی را شریک خدا ندانست

﴿۱۲۱﴾ شَاكِرًا لِأَنْعَمِهِ اجْتَبَاهُ وَهَدَاهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ نعمت‌های خدا را

منظور داشت ، خداوند او را اختیار نمود و به راه حق هدایت کرد

﴿۱۲۲﴾ وَعَاتَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ ما در دنیا

برای او سابقه و اعمال نیک مقدر کردیم و در آخرت از شایستگان خواهد بود

﴿۱۲۳﴾ ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ به

تو و مسلمانان وحی کردیم که از او پیروی کنی ، او مشرک به خدا نبود

﴿۱۲۴﴾ إِنَّمَا جُعِلَ السَّبْتُ عَلَى الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ

الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ داستان روز شنبه و حرمت صید ماهی را به این

منظور مقرر کردیم تا کسانی که در آن اختلاف به وجود آوردند شناخته شوند ، خداوند

روز قیامت برای رفع اختلاف بین آنها قضاوت می کند

﴿۱۲۵﴾ أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَدِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ

أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ مردم را

با حکمت و موعظه به راه پروردگار خود دعوت کن و با دلایلی هرچه بهتر با آنها بحث

کن ، خدا گمراهان را بهتر می شناسد و به حال هدایت یافتگان آگاه است

﴿۱۲۶﴾ وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِن صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ

اگر خواستید کسی را مجازات کنید، به همان کیفیتی باشد که شما را آزار داده‌اند ،

اگر بر آزار آنها صبر کنید، بهتر است

﴿۱۲۷﴾ وَأَصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا

يَمْكُرُونَ تا می توانی صبر کن، صبر تو به کمک خدا خواهد بود ، غم آنها را

نداشته باش و از مکر آنها خود را ناراحت نکن

﴿۱۲۸﴾ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ همیشه لطف و نصرت خدا با پرهیزکاران و نیکوکاران است.

آیاتها ۱۱۱

سُورَةُ الْإِسْرَاءِ

المکي

این سوره، به مناسبت کلمه اسرا به نام اسرا و به مناسبت کلمه بنی اسرائیل به نام بنی اسرائیل نامیده شده و نظر به اینکه معراج حضرت رسول مسئله مهمی است، بهتر این است که به اسرا نام گذاری شود. کلمه سری یسری به معنای سرایت یا رسوخ علمی و به معنای سیر در خلقت که شامل معراج تکاملی و سیری می شود، قابل تفسیر است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(جزء ۱۵) ﴿۱﴾ سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَرَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ وَمِنَ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ منزله است خداوندی که بنده خود را در شبی از مسجدالحرام تا مسجدالاقصی (انتهای خارج عالم خلقت، شهر علمی بابرکت) سیر و سرایت داد تا در این سیر، آیات قدرت خود را به او نشان دهیم ، خداوند شنوا و داناست

﴿۲﴾ وَآتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا تَتَّخِذُوا مِن دُونِي وَكَيْلًا ما کتاب تورات را به موسی دادیم و آن را مایه هدایت برای بنی اسرائیل ساختیم که وکیلی جز من اختیار نکنند

﴿۳﴾ ذُرِّيَّةً مِّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا بنی اسرائیل اولاد کسانی بودند که با کشتی نوح از طوفان نجات یافتند ، نوح بنده شکرگزار ما بود

﴿۴﴾ وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوجًا

گَبِيرًا ما زندگی بنی اسرائیل را (براساس طبیعت آنها) چنین مقدر کردیم که تا دومرتبه در زمین فساد به پا می کنند و برتری خواهی خود را به اوج می رسانند *

* این تقدیر برای زندگی و سرنوشت آنها عمومیت دارد. خداوند متعال هر کافری را و هر ملت کافری را تا سه مرتبه در زندگی مهلت می دهد. در مرتبه اول، ملت کافر را بعد از اتمام حجت و روشن شدن راه حق برابر استعدادی که دارند به ثروت و قدرت می رساند. اگر در آن ثروت و قدرت وظیفه خود را انجام دادند، زندگی آنها را ادامه می دهد و عزت دنیای آنها به عزت آخرت متصل می شود و اگر در آن ثروت و قدرت، کافر به خدا شدند و به راه ظلم و فساد رفتند آنها را به فقر و یا بلای دیگر مبتلا می کند که شاید متنبه شوند. اگر توبه کردند آنها را به آخرت منتقل می کند و اگر توبه نکردند، دومرتبه آنها را به ثروت و قدرت می رساند، شاید شکر خدا را به جا آورند و به راه صلاح برود ولی اگر در مرتبه دوم مثل مرتبه اول به راه فساد رفتند و به جای اینکه شاکر نعمت باشند کافر شدند در مرتبه سوم بعد از ابتلا به فقر، آنها را به ثروت و نعمت می رساند و اگر به کفر و غفلت ادامه دادند، ناگهانی به زندگی آنها خاتمه داده و آنها را به جهنم می کشاند. تمامی کفار به طور فردی و اجتماعی همین سرنوشت را دارند که کفار زمان ما الآن در مهلت سوم قرار گرفته اند که اگر به کفر خود ادامه دادند عذابی نابودکننده برایشان مقدر است.

﴿۵﴾ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا

خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا

وقتی که انتقام نوبت اول رسید، قومی خشن را بر شما مسلط خواهیم نمود، آنها بر شهر و دیار شما مسلط می شوند، دین و مسجد شما را به بازی می گیرند، این وعده خدا شدنی خواهد بود

﴿۶﴾ ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكُرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ

نَفِيرًا

اما باز شما را نجات داده به قدرت می رسانیم، با مال و اولاد کمک می کنیم و نفرات شما را زیاد می کنیم

﴿۷﴾ اِنْ اَحْسَنْتُمْ اَحْسَنْتُمْ لِاَنْفُسِكُمْ وَاِنْ اَسَاْتُمْ فَلَهَا فَاِذَا جَاءَ وَعْدُ الْاٰخِرَةِ لِيَسْتَوْا وُجُوْهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوْهُ اَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوْا مَا عَلَوْا تَتْبِيْرًا

در این موفقیت اگر راه و روش احسان پیش گرفتید، به خود احسان می کنید و اگر بد کردید، به خود بد می کنید، در این وعده دوم چهره اجتماعی شما بد می شود و دشمن بر شما مسلط شده مانند اول مسجد و محراب شما را به بازی می گیرند و شما را به انتهای هلاکت می رسانند

﴿۸﴾ عَسَىٰ رَبُّكُمْ اَنْ يَّرْحَمَكُمْ وَاِنْ عُدْتُمْ عُدْنَا وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِيْنَ حَصِيْرًا

باز هم در مرتبه سوم شاید لطف و رحمت الهی شما را فراگیرد و به قدرت و ثروت برساند و در این مرتبه هم اگر به کفر و گناه برگشتید، ما هم به انتقام برمی گردیم و در محاصره جهنم واقع خواهید شد

﴿۹﴾ اِنَّ هٰذَا الْقُرْءَانَ يَهْدِي لِّلّٰتِي هِيَ اَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِيْنَ الَّذِيْنَ يَعْمَلُوْنَ الصّٰلِحٰتِ اَنَّ لَهُمْ اَجْرًا كَبِيْرًا

این قرآن، شما را به بهترین راه بادوام و قوام هدایت می کند، به اهل ایمان و عمل صالح مژده می دهد که اجر بزرگی دارند

﴿۱۰﴾ وَاَنَّ الَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ بِالْاٰخِرَةِ اَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا اَلِيْمًا

و کسانی را که ایمان به آخرت ندارند، تهدید می کند که عذابی شدید برای آن ها مهیا شده است

﴿۱۱﴾ وَيَدْعُ الْاِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاؤَهُ بِالْخَيْرِ وَاِنَّ الْاِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُفٍ

انسان با شتاب زدگی خود پیش از آنکه موفقیت بخواهد، خود را گرفتار می کند

﴿۱۲﴾ وَجَعَلْنَا الْاَيَّامَ الْوَسْطٰى سِتْرًا لِّلَّذِيْنَ هُمْ يَكْفُرُوْنَ

و ما روزهای میانی را پرده ای برای کسانی که کفر می کنند قرار دادیم

تَفْصِيلاً ما شب و روز و یا دوران حق و باطل را در زندگی، نمایشگر قدرت خود قراردادیم، آیت شب و مظاهر باطل را محو نموده روز و مظاهر حق را روشن ساختیم تا در این روشنی‌ها و بینایی‌ها کسب فضیلت کنید و حساب سال و ماه را داشته باشید، ما همه چیز را این‌طور مفصل و روشن بیان کردیم

﴿۱۳﴾ **وَكُلِّ اِنْسَانٍ اَلْزَمْنَهُ طَيْرَهُ وَفِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا** ما سرنوشت هر انسانی را ملازم وجود و مسئولیت او ساختیم و روز قیامت نتایج اعمال او را مفصل در اختیارش می‌گذاریم

﴿۱۴﴾ **اَقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ اَلْيَوْمَ عَلِيْكَ حَسِيْبًا** این است نتیجه اعمال تو، بخوان و حساب آن را داشته باش

﴿۱۵﴾ **مَنْ اَهْتَدَىٰ فَاِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَاِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ اُخْرَىٰ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِيْنَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُوْلًا** هر کس هدایت یابد، به نفع خود هدایت یافته و هر کس گمراه شود، به ضرر خود، هیچ کس مسئولیت دیگری را قبول نمی‌کند، ما پیش از بعثت پیامبران کسی را عذاب نمی‌کنیم

﴿۱۶﴾ **وَاِذَا اُرْدْنَا اَنْ نُّهْلِكَ قَرْيَةً اَمَرْنَا مُتْرَفِيْهَا فَفَسَقُوْا فِيْهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيْرًا** وقتی بخواهیم شهری را به هلاکت بکشانیم، ثروتمندان بی‌درد آن را آزاد می‌گذاریم که هرچه بتوانند فساد به پا کنند تا محکومیت آن‌ها قطعی شود بعد کاملاً آن‌ها را نابود می‌کنیم

﴿۱۷﴾ **وَكَمَّ اَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُوْنِ مِنْۢ بَعْدِ نُوحٍ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ بِذُنُوْبِ عِبَادِهِۦ خَبِيْرًا بَصِيْرًا** بعد از نوح پیامبر، چقدر اقوام به هلاکت افتادند، کافی است که خدا عالم

به کفر و گناه آن‌ها باشد

﴿۱۸﴾ مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ

جَهَنَّمَ يَصِلُهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا هر کس دنیا را می‌طلبد، ما آنچه بخواهیم و به

هر کس که بخواهیم می‌رسانیم اما بدانند که عاقبت دنیا طلبی جهنم است که خود و همکارانشان آن را روشن می‌کنند و در نهایت ذلت مبتلا می‌شوند

﴿۱۹﴾ وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ

مَشْكُورًا و اما کسانی که آخرت را بخواهند و برای کسب آن تلاش کنند و ایمان

به خدا داشته باشند، ما کسب و کار او را منظور می‌داریم

﴿۲۰﴾ كَلَّا نُمِدُّ هَؤُلَاءِ وَهَؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا

هر دو گروه طالب دنیا و آخرت را کمک می‌کنیم تا به مقصد مطلوب خود برسند ،

عنایت الهی به بندگان ممنوع نیست

﴿۲۱﴾ أَنْظِرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ وَلِلْآخِرَةِ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ

تَفْضِيلًا بین! چگونه بعضی انسان‌ها را از مسیر عنایت خود بر بعضی دیگر برتری

می‌دهیم ، مراتب عالم آخرت خیلی بهتر و وسیع‌تر است

﴿۲۲﴾ لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا ءَاخَرَ فَتَقَعُدَ مَذْمُومًا مَّخْذُومًا مبادا با خدای خود

خدای دیگری پرستش کنی که مبتلا به وحشت و ملامت خواهی شد

﴿۲۳﴾ وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ

الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا

فرمان اولیه خدا این است که جز او کسی را نپرستید و به والدین خود احسان کنید ،

اگر یکی یا هردوی آنها به سن پیری رسیدند مبادا در برابر خواهش آنها گرفتگی در چهره شما پیدا شود، به آنها تشر ننزید، کریمانه با آنها سخن بگویید

﴿۲۴﴾ وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا

برای پذیرایی آنها دامن محبت بگسترانید و دعا کنید که ای خدا! همان طور که در کودکی مرا پرورش دادند آنها را مشمول لطف و عنایت خود قرار بده

﴿۲۵﴾ رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ إِن تَكُونُوا صَالِحِينَ فَإِنَّهُ كَانَ لِلأَوَّابِينَ

غَفُورًا خدا از خود شما به اسرارشان آگاه تر است، اگر صالح باشید، بدانید که استعداد پناهندگان به خود را بالا می برد (غفران در برابر پناهندگی به معنای تقویت است)

﴿۲۶﴾ وَعَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا حقوق

خویشاوندان و ماندگان در مسافرت یا خط تکامل را رعایت کن و از تزییع مال پرهیز

﴿۲۷﴾ إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيْطَانِ ط وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا که

تزییع کنندگان مال، برادران شیطان اند و شیطان به پروردگار خود ناسپاس است

﴿۲۸﴾ وَإِذَا تَعْرَضْنَا عَنْهُمْ أْبْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِّن رَّبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَّيْسُورًا

وقتی که در جستجوی لطف خدا از مردم فاصله می گیری، با نرمش و آرامش آنها را راضی کن

﴿۲۹﴾ وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا

مَحْسُورًا در بذل و بخشش خشک و خشن نباش و آنچه داری مانند تخم علف نپاش، مبادا با این افراط و تفریط مورد ملامت واقع شوی

﴿۳۰﴾ إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا

گشایش روزی و تنگی آن به دست خداست ، خدا به وضع بندگان خود آگاه است

﴿۳۱﴾ وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشِيَةَ إِمْلَاقٍ نَّحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ

خِطْفًا كَبِيرًا از ترس فقر و ناداری فرزندان خود را نکشید ، روزی شما و آنها به

دست خداست ، قتل فرزندان گناهی بزرگ است

﴿۳۲﴾ وَلَا تَقْرَبُوا الزَّانِيَةَ إِنَّهُ كَانَ فَحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا به زنا و رابطه نامشروع

نزدیک نشوید که گناه زشتی است ، بدراهی است ، مایه غضب خداست

﴿۳۳﴾ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَن قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا

لِوَلِيِّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا کسی را به ناحق نکشید و

بدانید که اگر مظلومانه کشته شود ما به ولیّ او قدرت انتقام می دهیم ، کسی را ظالمانه

نکشید که ولیّ او را یاری می کنیم (مظلوم واقعی امام حسین(ع) و ولیّ واقعی امام زمان(عج) است)

﴿۳۴﴾ وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ

إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا به مال یتیم پیش از بلوغ نزدیک نشوید مگر به صورتی که

آن را حفظ و یا تکثیر نمایید ، به عهد و پیمان خود وفا کنید که مردم مسئول عهد خود

هستند

﴿۳۵﴾ وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ

تَأْوِيلًا در مبادلات مالی خود، کیل (وزن) را رعایت کنید ، عدالت بهترین راه

به سوی حسن عاقبت است

﴿۳۶﴾ وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ

عَنْهُ مَسْئُولًا به راهی وارد نشوید که عاقبت آن را نمی‌دانید، جاهل گاهی از مسیر
شنوایی و بینایی و دانایی محکوم و معذب می‌شود

﴿۳۷﴾ **وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَن تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَن تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا**
در روی زمین متکبرانه حرکت نکنید، طول قد شما به کوه‌ها نمی‌رسد و نمی‌توانید
زمین را بترکانید

﴿۳۸﴾ **كُلُّ ذَلِكْ كَانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا** تمامی این بدی‌ها و گناه‌ها
مطلوب خدا نیست

﴿۳۹﴾ **ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتُلْقَىٰ
فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَّدْحُورًا** مواظب بالا مطالبی از حکمت خداوند است که به تو وحی
می‌شود، کسی را به جای خدا اطاعت نکن که عاقبت منفور همه بندگان او خواهی شد

﴿۴۰﴾ **أَفَأَصْفَاكُمْ رَبُّكُم بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنثًا إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلًا
عَظِيمًا** آیا شما مردان را به‌عنوان پسر و فرشتگان را به‌جای دختر خدا می‌شناسید؟،
چقدر جاهلانه نسبت نامناسبی به خدا می‌دهید

﴿۴۱﴾ **وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكَّرُوا وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا** ما در این
قرآن همه‌جور مواظب و نصایح در اختیار آن‌ها قرار دادیم تا حقیقت را درک کنند
ولیکن به‌جای گرایش، بیشتر از آن رمیدند

﴿۴۲﴾ **قُلْ لَوْ كَانَ مَعَهُدَٰءِ إِلَٰهَةٌ كَمَا يَقُولُونَ إِذَا لَأَبْتَغُوا إِلَىٰ ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا**
بگو: اگر چنان که آن‌ها می‌گویند، خدای دیگری باشد پس به فکر ناقص خود به
ساحت قدس خدای عظیم راه‌یافته‌اند

﴿۴۳﴾ سُبْحٰنَهُ وَتَعَالٰی عَمَّا یَقُولُوْنَ عُلُوًّا کَبِیْرًا
 او منزّه و بالاتر است از اینکه
 آن‌ها به فکر ناقص خود عظمت ذات او را دریابند

﴿۴۴﴾ تُسَبِّحُ لَهُ السَّمٰوٰتُ السَّبْعُ وَالْاَرْضُ وَمَنْ فِیْهِنَّ وَاِنْ مِنْ شَیْءٍ اِلَّا یُسَبِّحُ
 بِحَمْدِهِ وَلٰكِنْ لَا تَفْقَهُوْنَ تَسْبِیْحَهُمْ اِنَّهٗ كَانَ حَلِیْمًا غَفُوْرًا
 اهل آسمان‌های
 هفت گانه و زمین او را منزّه و برتر می‌دانند، هرچه هست خدا را تسبیح می‌کنند ولیکن
 شما تسبیح آن‌ها را نمی‌فهمید، خداوند حلیم و آمرزنده است

﴿۴۵﴾ وَاِذَا قَرَأْتَ الْقُرْءَانَ جَعَلْنَا بَیْنَكَ وَبَیْنَ الَّذِیْنَ لَا یُؤْمِنُوْنَ بِالْاٰخِرَةِ حِجَابًا
 مَّسْتُورًا
 وقتی که قرآن قرائت می‌کنی، بین تو و کفار حجابی از هدف‌های مادی
 قرار می‌دهیم (اگر حق هدف نباشد، دنیا هدف می‌شود)

﴿۴۶﴾ وَجَعَلْنَا عَلٰی قُلُوْبِهِمْ اَكِنَّةً اَنْ یَفْقَهُوْهُ وَفِیْٓ اٰذَانِهِمْ وَقْرًا وَاِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ
 فِی الْقُرْءَانِ وَحَدَّهُ وَّلَّوْاْ عَلٰی اٰذْبُرِهِمْ نُفُوْرًا
 و دل‌های آن‌ها در غلاف است که
 نمی‌توانند بفهمند، گوش آن‌ها سنگین است که نمی‌توانند بشنوند، وقتی که خداوند را
 به وحدانیت بخوانی پشت به حق می‌رند

﴿۴۷﴾ نَحْنُ اَعْلَمُ بِمَا یَسْتَمِعُوْنَ بِهٖۤ اِذْ یَسْتَمِعُوْنَ اِلَیْكَ وَاِذْ هُمْ نَجْوٰی اِذْ یَقُوْلُ
 الظَّالِمُوْنَ اِنْ تَتَّبِعُوْنَ اِلَّا رَجُلًا مَّسْحُوْرًا
 ما به حال آن‌ها آگاه‌تریم که وقتی گوش
 می‌دهند چه می‌شنوند و آنجا که باهم راز و نجوا دارند چه می‌گویند، می‌گویند که: این
 مردم از ساحر پیروی می‌کنند

﴿۴۸﴾ اَنْظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوْا لَكَ الْاَمْثَالَ فَضَلُّوْا فَلَا یَسْتَطِیْعُوْنَ سَبِیْلًا
 بین! چه
 نمونه‌هایی در تعریف تو ذکر می‌کنند، در نتیجه گمراه می‌شوند و راه به جایی نمی‌برند

﴿۴۹﴾ وَقَالُوا اءِذَا كُنَّا عِظْمًا وَّرُفَاتًا آٰءِنَّا لَمَبْعُوْثُوْنَ خَلْقًا جَدِيْدًا تعجب می کنند

که اگر استخوانی پوسیده شدید چطور دو مرتبه خلق تازه ای خواهیم بود

﴿۵۰﴾ قُلْ كُوْنُوْا حِجَارَةً اَوْ حَدِيْدًا بگو: سنگ و آهن باشید

﴿۵۱﴾ اَوْ خَلْقًا مِّمَّا يَكْبُرُ فِيْ صُدُوْرِكُمْ فَسَيَقُوْلُوْنَ مَنْ يُعِيْدُنَا قُلِ الَّذِي فَطَرَكُمْ

اَوَّلَ مَرَّةٍ فَسَيُنْغِضُوْنَ اِلَيْكَ رُءُوْسَهُمْ وَيَقُوْلُوْنَ مَتَى هُوَ قُلْ عَسَى اَنْ يَكُوْنَ قَرِيْبًا

و یا تبدیل به چیزی که حیات آن مشکل باشد ، به زودی با تعجب سر می کشند و

می گویند: قیامت کی است و چه کسی ما را به زندگی برمی گرداند ، بگو: همان کسی

که در اولین مرتبه شمارا آفرید ، بعد با تعجب و استهزاء می گویند که: چه زمانی چنین

می شود بگو: شاید نزدیک باشد

﴿۵۲﴾ يَوْمَ يَدْعُوْكُمْ فَتَسْتَجِيْبُوْنَ بِحَمْدِهِ وَتَظُنُّوْنَ اِنْ لَّبِثْتُمْ اِلَّا قَلِيْلًا روزی که

از دل خاک شمارا احضار کند به حمد و ستایش او گویا می شوید، به نظرتان می آید که

چند ساعتی بیشتر در دل خاک نبوده اید

﴿۵۳﴾ وَقُلْ لِعِبَادِيْ يَقُوْلُوْا اَلَّتِيْ هِيَ اَحْسَنُ اِنَّ الشَّيْطٰنَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ اِنَّ الشَّيْطٰنَ

كَانَ لِلْاِنْسٰنِ عَدُوًّا مُّبِيْنًا به بندگان من بگو: حکیمانه سخن بگویند ، شیطان فکر

آن ها را به یاوه گویی می کشاند، دشمنی شیطان مشهور و معلوم است

﴿۵۴﴾ رَبُّكُمْ اَعْلَمُ بِكُمْ اِنْ يَشَاْ يَرْحَمْكُمْ اَوْ اِنْ يَشَاْ يُعَذِّبْكُمْ وَمَا اَرْسَلْنَاكَ

عَلَيْهِمْ وَكِيْلًا خداوند به حال شما آگاه تر است ، اگر بخواهد رحم می کند یا شمارا به

عذاب می کشاند، تو مأموریت نداری وکیل مدافع آن ها باشی

﴿۵۵﴾ وَرَبُّكَ اَعْلَمُ بِمَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّنَ عَلٰى

بَعْضٌ^ط وَعَاتَيْنَا دَاوُدَ زُبُورًا خداوند به اهل آسمان‌ها و زمین آگاه‌تر است ، ما بعضی پیامبران را بر بعضی برتری دادیم ، به داوود کتاب زبور دادیم

﴿۵۶﴾ قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِّنْ دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضَّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا بگو: به جز در خانه خدا به هر جا که می‌خواهید بروید و از هر کسی هر چه می‌خواهید بخواهید، کسی نمی‌تواند بلایی را از شما بگرداند یا وضع زندگی شما را تغییر دهد

﴿۵۷﴾ اُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا گروه اهل ایمان، کسانی هستند که آنچه می‌خواهند از خدا می‌خواهند ، امیدوار به رحمت خدایند، در جستجوی بهترین وسیله‌ها به سوی خدا هستند، از عذاب خدا می‌ترسند ، به راستی که عذاب خدا ترس آور است

﴿۵۸﴾ وَإِن مِّن قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَوْ مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا كَانَ ذَٰلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا شهر و دهی در روی زمین نیست جز اینکه پیش از قیامت آن را هلاک می‌کنیم و یا به شدیدترین عذاب مبتلا می‌سازیم ، این تقدیر در کتاب خدا ثبت است (قیامت در این آیه قیام امام زمان (عج) است)

﴿۵۹﴾ وَمَا مَنَعَنَا أَنْ نُرْسِلَ بِالْآيَاتِ إِلَّا أَنْ كَذَّبَ بِهَا الْأَوَّلُونَ وَعَاتَيْنَا ثُمُودَ النَّاقَةَ مُبْصِرَةً فَظَلَمُوا بِهَا وَمَا نُرْسِلُ بِالْآيَاتِ إِلَّا تَخْوِيفًا تنها عاملی که در تاریخ مانع آیات و معجزات بود تکذیب گذشتگان بود ، به قوم ثمود ناقه دادیم که مایه بصیرت بود، به آن حیوان ستم کردند ، معجزات را به این منظور ظاهر می‌کردیم که مردم را از

تعرض به رسولان بازداریم

﴿۶۰﴾ **وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرُّءْيَا الَّتِي أَرَيْنَكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَنُحُوفُهُمْ مَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا** ما به تو وحی کردیم که خدا بر مردم محیط و مسلط است و فتنه‌های بعد را در خواب به تو نشان دادیم و داستان شجره ملعونه بنی‌امیه را که هرچه آن‌ها را می‌ترسانیم، بر کفر و طغیان خود می‌افزایند

﴿۶۱﴾ **وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ قَالَ ءَأَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طِينًا** ما به فرشتگان دستور دادیم که در اطاعت آدم (ولی خدا) باشند، همه آن‌ها تسلیم شدند به جز ابلیس و شیاطین، تکبر نمودند که چرا آدمی را که از گل ساخته‌ای سجده کنیم

﴿۶۲﴾ **قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ لَئِنِ أَخَّرْتَنِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لِأُحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا** به علاوه تهدید نمودند که اگر تا قیامت به ما مهلت بدهی، نسل این آدمی را که بر ما برتری دادی، با تهدید و تطمیع به ضلالت می‌کشیم مگر عده کمی که بنده مخلص تو باشند

﴿۶۳﴾ **قَالَ أَذْهَبُ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاؤُكُمْ جَزَاءً مَوْفُورًا** خدا فرمود: باشد، هر کس از تو پیروی کند، به آتش جهنم معذب می‌شود، مجازاتی است کامل و وافر

﴿۶۴﴾ **وَاسْتَفْزِرُ مَنْ اسْتَطَعَتْ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبُ عَلَيْهِمُ بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعِدَّهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا** شما ای

شیاطین!، با وزوز و سروصدا هر کسی را که بتوانید با گروه سواره و پیاده خود جلب و جذب کنید، مال و اولاد آن‌ها را در استثمار خود قرار دهید و مردم را تطمیع کنید که وعده‌های شما به جز فریب چیزی نیست

﴿۶۵﴾ **إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَنٌ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ وَكِيلًا** بر آن بندگان مخلص من تسلط پیدا نمی‌کنید، کافی است که پروردگار وکیل مدافع آن‌ها باشد *

* آیه ۶۱ تا ۶۶ زبان حال انسان‌های کافر و منافق است که می‌کوشند بندگان خدا را استثمار کنند. مهلتی که خدا به آن‌ها می‌دهد. چاره‌ای نیست که تربیت و تکامل توقف بر این مهلت دارد تا در این مهلت فریب‌کاران بفهمند که از فریب‌کاری به جایی نمی‌رسند. فریب‌خوردگان هم عقل و شعور پیدا کنند و بدانند که جز خدا و اولیاء خدا سرپرستی ندارند.

﴿۶۶﴾ **رَبُّكُمْ الَّذِي يُزْجِي لَكُمْ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا** پروردگار تو، کسی است که کشتی‌ها را در دریا و دانشجویان را در دریای علم قرآن به جریان می‌اندازد تا نعمت‌های مادی و معنوی او را به دست آورید، خداوند به شما بندگان مهربان است

﴿۶۷﴾ **وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَٰهًا فَلَمَّا نَجَّكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا** وقتی که در دریا خطری متوجه شما می‌شود و تمامی عوامل نجات از اختیار شما خارج می‌شود به او پناهنده می‌شوید و چون شما را نجات می‌دهد، از او اعراض می‌کنید، انسان موجودی ناسپاس است

﴿۶۸﴾ **أَفَأَمِنْتُمْ أَنْ يُخْسِفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ وَكِيلًا** به چه دلیل، بدون سند امنیت از خدا با خیال راحت حرکت

می کنید، شاید زمین شما را ببلعد یا آسمان بر سرتان سنگ ببارد، در این صورت کسی وکیل مدافع شما نیست

﴿۶۹﴾ أَمْ أَمِنْتُمْ أَنْ يُعِيدَكُمْ فِيهِ تَارَةً أُخْرَىٰ فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِّنَ الرِّيحِ

فَيَغْرِقَكُم بِمَا كَفَرْتُمْ ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ عَلَيْنَا بِهِ تَبِيعًا یا اینکه شاید خدا دومرتبه شما را به دریا بازگرداند، باد تندی بر شما مسلط کند و به سبب کفران نعمت، غرق نماید که دیگر وسیله‌ای نداشته باشید از ما کمک بگیرید

﴿۷۰﴾ ﴿۷۰﴾ وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ

وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا ما بنی آدم را کرامت دادیم، دریا و صحرا را در اختیارشان گذاشتیم، روزی‌های طیب و طاهر به آنها بخشیدیم و آنها را بر بسیاری از خلائق برتری دادیم

﴿۷۱﴾ ﴿۷۱﴾ يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمْبِهِمْ فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَٰئِكَ يَقْرَءُونَ

كِتَابَهُمْ وَلَا يُظَلَمُونَ فَتِيلًا روز قیامت، هر گروهی را با پیشوای خود به موافق حساب می‌کشانیم، کسانی که اعمال آنها از مسیر حق و عدالت نتیجه داده به ثواب اعمال خود می‌رسند، ذره‌ای به آنها ستم نمی‌شود

﴿۷۲﴾ ﴿۷۲﴾ وَمَنْ كَانَ فِي هُدًىٰ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا کسانی که

زندگی را به کوردلی گذرانده و حق را نشناخته‌اند، در قیامت، کوردل و گمراه‌تر هستند

﴿۷۳﴾ ﴿۷۳﴾ وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ لِتَفْتَرِيَ عَلَيْنَا غَيْرَهُ وَإِذَا

لَا تَخْذُوكَ خَلِيلًا شاید منافقین تو را از معرفی کسی که دستور داده‌ایم منصرف

نمایند تا به جای او دیگری را به جای خود بنشانی، در این خیالات خیلی گرم به دوستی تو تظاهر می کنند

﴿۷۴﴾ **وَلَوْلَا اَنْ تَبْتَنِكَ لَقَدْ كِدْتَ تَرْكُنْ اِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيْلًا** اگر تو را ثبات و استقامت ندهیم شاید کمی به خواهش آن ها گرایش پیدا کنی

﴿۷۵﴾ **اِذَا لَّاذُقْنِكَ ضِعْفَ الْحَيٰوةِ وَضِعْفَ الْمَمٰتِ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَيْنَا نَصِيْرًا** در این صورت، دین تو را به موت و حیات کشانیده از تکامل بازمی داریم و راهی نداری که از نصرت خدا بهره مند شوی *

* شرح این دو آیه در تفسیر همین سوره روشن شده و در اینجا مختصر عرض می شود که اگر غیر معصوم جای پیامبر بنشیند، دین خدا به وسیله او می میرد و در آینده پیامبر دیگری لازم است آن را احیاء کند. اگر درست دقت و مطالعه داشته باشید، دین اسلام منهای تعلیمات پیشوایان معصوم یک دین ناقص است که قابل دوام نیست و خاتمیت رسول خدا را به لغویت می کشاند و بشر در مسیر تکامل و ترقی آن را پشت سر می گذارد. پس دین رسول خدا می میرد، یک مرد آسمانی دیگری بعد از پیامبر لازم است آن را تجدید کند ولی این دین به رهبری پیشوایان معصوم یک دین کامل است که تا ابد انسان ها را در سایه تعلیمات کامل خود اداره می کند. موت بر آن عارض نمی شود که تجدید حیات لازم داشته باشد.

﴿۷۶﴾ **وَ اِنْ كَادُوْا لَيَسْتَفْرِزُوْكَ مِنَ الْاَرْضِ لِيُخْرِجُوْكَ مِنْهَا وَاِذَا لَّا يَلْبُثُوْنَ خِلَافَكَ اِلَّا قَلِيْلًا** این همه فعالیت دارند تو را بر بایند، از زندگی خارج کنند، خبر ندارند که اگر نباشی، حق حیات از آن ها سلب می شود

﴿۷۷﴾ **سُنَّةٌ مِّنْ قَدْ اَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُّسُلِنَا وَّلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيْلًا** راه و روش پیامبران پیشین چنین بوده، سنت خدا بر پایه خلقت قابل تغییر نیست

﴿۷۸﴾ **أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْءَانَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْءَانَ الْفَجْرِ**

كَانَ مَشْهُودًا از زمانی که خورشید متمایل به غرب می شود تا تاریکی کامل شب، نماز خود را زنده بدار و همچنین نماز بین طلوعین که در معرض مشاهده فرشتگان است

﴿۷۹﴾ **وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا**

قسمتی از شب را زنده بدار، نافله بخوان تا خداوند تو را به مقام شایسته‌ای انتخاب کند

﴿۸۰﴾ **وَقُلْ رَبِّ ادْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَأَجْعَلْ لِي مِنْ**

لُدُنِكَ سُلْطٰنًا نَّصِيْرًا بگو: پروردگارا! چنان کن که ورود و خروج من در کارها و راهها همه جا صداقت و حقیقت باشد، به اراده خود قدرتی به من عطا کن که کمک من در اطاعت تو باشد

﴿۸۱﴾ **وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا** به مردم ابلاغ کن که

با نزول قرآن، حق خالص ظاهر شده، باطل نابود است، باطل مانند ظلمت است که در برابر نور نابود شدنی است

﴿۸۲﴾ **وَنُنزِّلُ مِنَ الْقُرْءَانِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِيْنَ وَلَا يَزِيْدُ الظَّالِمِيْنَ اِلَّا**

خَسَارًا با نزول قرآن، احکام و اخلاقی بر شما نازل می کنیم که برای اهل ایمان مایه شفا و رحمت است و برای ستم کاران به جز خسارت چیزی به بار نمی آورد *

* احکام و اخلاق قرآن همه جا راه منفعت و خیر دنیا و آخرت است و راه خلاف آن از باب اینکه ضد وجود، عدم محض است و ضد خیر، شر است به جز بلا و بدبختی چیزی نیست. خسارت مالی از این جهت که با مرگ، مال از بین می رود و خسارت انسانی اینکه وقتی از راه حق منحرف شد تمامی انسانها دشمن او خواهند بود و از نظر معارف خدا و اولیاء خدا در حد

صفر خواهد بود و خسارت روحی و روانی، از این جهت که لطف خدا و معارف برای انسان تا حد صفر تنزل پیدا می کند که قرآن بدون بیان، مانند عالم بدون تعلیم است. پس دین اسلام منهای تعلیمات امام های معصوم (ع) یک دین مرده است که فرمود: إِذَا لَادَقْنَاكَ ضِعْفَ الْحَيَاتِ وَ ضِعْفَ الْمَمَاتِ (اسراء ۷۵).

﴿۸۳﴾ إِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَا بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ كَانَ يَئُوسًا

زمانی که نعمت هدایت را به انسان عرضه می کنیم، پهلو می تابد و اعراض می کند و زمانی که شرّ و بلایی به او اصابت کند، مأیوس می شود

﴿۸۴﴾ قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا

همه کس به عادت مزاج و هوای نفس کار می کنند، خداوند هدایت یافتگان را بهتر می شناسد

﴿۸۵﴾ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا

قَلِيلًا از تو سؤال می کنند که روح چه حقیقتی است؟ ، بگو: روح به امر تکوینی خدا افاضه می شود، بهره کمی از علم به حقایق را به شما داده اند

﴿۸۶﴾ وَلَئِنْ شِئْنَا لَنَذْهَبَنَّ بِالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ بِهِ عَلَيْنَا وَكِيلًا

اگر بخواهیم علمی که به تو داده ایم می گیریم، در این صورت وکیل مدافعی علیه ما نخواهی داشت

﴿۸۷﴾ إِلَّا رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ إِنَّ فَضْلَهُ كَانَ عَلَيْكَ كَبِيرًا

مگر اینکه لطف خدا تو را فرا گیرد ، عنایت خدا به تو بسیار بزرگ است

﴿۸۸﴾ قُلْ لَّيْنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْءَانِ لَا يَأْتُونَ

بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا به معارضین خود بگو: اگر جنّ و انس

همکاری کند تا مثل و مانند قرآن بیاورند، نمی‌توانند گرچه همه آن‌ها کمک یکدیگر باشند

﴿۸۹﴾ وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا

كُفُورًا ما در این قرآن از تمامی علوم و حقایق نمونه آوردیم ولی اکثر مردم قبول نکردند، جز اینکه بر کفر خود افزودند

﴿۹۰﴾ وَقَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنْبُوعًا

می‌گویند: در صورتی به تو ایمان می‌آوریم که چشمه آبی از زمین جاری کنی

﴿۹۱﴾ أَوْ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٌ مِّنْ نَّحِيلٍ وَعِنَبٍ فَتُفَجِّرَ الْأَنْهَارَ خِلَالَهَا تَفْجِيرًا

و یا باغ‌هایی از درخت خرما و انگور داشته باشی و در وسط آن نهر آب جاری نمایی

﴿۹۲﴾ أَوْ تُسْقِطَ السَّمَاءَ كَمَا زَعَمَتْ عَلَيْنَا كِسْفًا أَوْ تَأْتِي بِلِلِّ وَالْمَلَكِ قَبِيلًا

و یا اینکه به عقیده خود سقف آسمان را بر سر ما خراب کنی و یا خدا و فرشتگان را گروه گروه ظاهرسازی

﴿۹۳﴾ أَوْ يَكُونَ لَكَ بَيْتٌ مِّنْ زُخْرِفٍ أَوْ تَرْقَى فِي السَّمَاءِ وَلَنْ نُؤْمِنَ لِرُقِيِّكَ حَتَّى

تُنزِلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَقْرُوهُ قُلْ سُبْحَانَ رَبِّيَ هَلْ كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا رَسُولًا

و یا خانه طلایی مجهز و مزین داشته باشی یا به آسمان پرواز کنی و تازه پرواز تو را هم قبول نداریم مگر که نامه‌ای از طرف خدا بیاوری که ما آن را بخوانیم ، بگو: سُبْحَانَ اللَّهِ از این جسارت‌ها، مگر من بشری بیشتر هستم که رسالت یافته‌ام

﴿۹۴﴾ وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَبَعَثَ اللَّهُ بَشَرًا

رَسُولًا تنها چیزی که بعد از ظهور عامل هدایت، مانع ایمان مردم می‌شد همین بود

که بگویند و تعجب کنند که: آیا انسانی رسول خدا شده است؟

﴿۹۵﴾ قُلْ لَوْ كَانَ فِي الْأَرْضِ مَلَائِكَةٌ يَمْسُونَ مُطْمَئِنِّينَ لَنَزَّلْنَا عَلَيْهِم مِّنَ السَّمَاءِ مَلَكًا رَسُولًا

بگو: اگر زمین پر از فرشتگان باشد که در نظم و آرامش کامل باشند، باز هم ما فرشته‌ای را به رسالت مأمور می‌کنیم تا تکامل یابند

﴿۹۶﴾ قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا

بگو: خدا بین من و شما گواه حق است، او به حال بندگان بصیر و آگاه است

﴿۹۷﴾ وَمَن يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَن يُضِلِّ فَلَن تَجِدَ لَهُم أَوْلِيَاءَ مِن دُونِهِ ط وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ عُمِيَآ وَبُكْمًا ط وَصُمَّآ ط مَاؤُنْهُمُ جَهَنَّمُ ط كَلَّمَا خَبَتْ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا

کسی را که خدا هدایت کند، هدایت یافته و کسی را که به خود واگذار نماید، به جز خدا ولیی ندارد و آن‌ها روز قیامت مانند خزندگان محشور می‌شوند، کور و کر و لال، در عذاب جهنم‌اند که هر وقت به خاموشی گراید، بیشتر فوران پیدا می‌کند

﴿۹۸﴾ ذَلِكَ جَزَاؤُهُم بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا وَقَالُوا أَإِذَا كُنَّا عِظْمًا وَرَفْتًا أَعْنَا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا

این مجازات، نتیجه کفر آن‌هاست که منکر قیامت شدند و گفتند: وقتی که پوسیده و پوک شدیم چطور ممکن است به تازگی اول برگردیم

﴿۹۹﴾ أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قَادِرٌ عَلَىٰ أَن يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ وَجَعَلَ لَهُمْ أَجَلًا لَا رَيْبَ فِيهِ فَأَبَى الظَّالِمُونَ إِلَّا كُفُورًا

مگر نمی‌دانند خدایی که آسمان‌ها و زمین را آفریده می‌تواند مثل و مانند آن‌ها را بیافریند، آن‌ها مدتی مقدر دارند، در آن شکی نیست ولی کافران به جز کفر و ناسپاسی چیزی نمی‌دانند

﴿۱۰۰﴾ قُلْ لَوْ اَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّيْ اِذَا لَمْ تُسَكِّتْمْ خَشِيَةَ الْاِنْفَاقِ وَكَانَ

الْاِنْسَانُ قَتُوْرًا بگو: اگر شما مالک آسمان‌ها و زمین باشید، بازهم می‌ترسید که

انفاق کنید زیرا انسان خشک و گرفته است

﴿۱۰۱﴾ وَلَقَدْ اَتَيْنَا مُوسَى تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ فَسَأَلَ بَنِي اِسْرَائِيْلَ اِذْ جَاءَهُمْ فَقَالَ

لَهُ فِرْعَوْنُ اِنِّيْ لَأَظُنُّكَ يَمُوْسَى مَسْحُوْرًا ما به موسی، نه معجزه مفصل دادیم، از

بنی اسرائیل پرس چه معجزاتی دیدند؟، فرعون به موسی گفت: گمان می‌کنم ساحر

ماهری باشی

﴿۱۰۲﴾ قَالَ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا اَنْزَلَ هٰؤُلَاءِ اِلَّا رُبَّ السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضِ بَصَائِرٍ وَاِنِّيْ

لَأَظُنُّكَ يَفِرْعَوْنُ مَثْبُوْرًا موسی به فرعون گفت: تو خوب دانستی که معجزه بود،

صنعت پروردگار آسمان‌ها بود سحر نبود، من هم گمان می‌کنم به هلاکت کفر و گناه

مبتلا شده‌ای *

* معجزات نه‌گانه حضرت موسی، یکی اینکه عصای او حلال مشکلات بود. با هر مشکلی

روبه‌رو می‌شد، دشمن بود یا درنده و گرسنگی و تشنگی هرچه بود، آن عصا منبع ذخایر نعمت

و قدرت الهی بود. هر مانع و مشکلی را از سر راه او برمی‌داشت و شب آن را بالای سر خود

نصب می‌کرد و به خواب می‌رفت. هر کس به آن عصا نگاه می‌کرد وحشت او را می‌گرفت مثل

اینکه در زمان ما یک چوپان بیابانی با عصای خود بر ابرقدرت‌های زمان پیروز شود. اشاره

می‌کرد ازدها می‌شد، با اشاره دیگر مصر پُر از ملخ می‌شد، به اشاره دیگر پُر از شپش بود و با

اشاره دیگر رود نیل برای دشمن خون می‌شد، با اشاره دیگر قورباغه، به اشاره دیگر طوفان

بنیان‌کن، با اشاره دیگر اسباب و ابزار سحر ساحران را بلعید، با اشاره دیگر خیابان دریایی.

دست خود را بلند می‌کرد روشنی می‌داد و دشمن را به وحشت می‌انداخت. ظرف چند سال

دشمن را بی‌چاره کرد.

﴿۱۰۳﴾ فَأَرَادَ أَنْ يَنْتَفِرَهُمْ مِنَ الْأَرْضِ فَأَغْرَقْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ جَمِيعًا

فرعون
تصمیم گرفت بنی اسرائیل را نابود کند، ما هم او و تمامی همراهانش را غرق دریا نمودیم

﴿۱۰۴﴾ وَقُلْنَا مِنْ بَعْدِهِ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ اأَسْكُنُوا الْأَرْضَ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ جِئْنَا

بِكُمْ لَفِيضًا
بعد از آن به بنی اسرائیل اجازه دادیم که در زمین ساکن شوید، آخرین وعده خدا قیامت است، وقتی که رسید همه شما را یکجا جمع می کنیم

﴿۱۰۵﴾ وَبِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَّلٌ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا

ما قرآن
را به حق نازل کردیم و به حق در افکار مردم شناخته شد، تو را برای بیان نتایج اعمال نیک و بد رسالت دادیم

﴿۱۰۶﴾ وَقُرْءَانًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَلْنَاهُ تَنْزِيلًا

مطالب
قرآن را جدا جدا روشن ساختیم تا آن ها را آرام آرام برای مردم بخوانی، به صورتی بی سابقه آن را نازل کردیم

﴿۱۰۷﴾ قُلْ ءَامِنُوا بِهِ ءَوْ لَا تُؤْمِنُوْا إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ

يَخْرُونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا
به آن ها بگو: ایمان بیاورید یا نیاورید، کسانی که توفیق علم و ایمان یافته اند در برابر عظمت قرآن به سجده می روند و هر چه بیشتر خشوع آن ها زیادتر می شود

﴿۱۰۸﴾ وَيَقُولُونَ سُبْحٰنَ رَبِّنَا إِن كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا

آن ها می گویند که:
پروردگار ما منزّه است، وعده های او واقع شدنی است

﴿۱۰۹﴾ وَيَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا ۝

صورت به خاک می‌سایند

و می‌گریند خشوعشان زیادتر می‌شود

﴿۱۱۰﴾ قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ وَلَا

تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتُ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا

بگو: خواهش‌های خود را

از خدا بخواهید یا از مظاهر رحمت او (ائمه اطهار(ع))، تمام نیکان و نام‌های نیک

مربوط به خداست، بر نماز یا ابلاغ ولایت اصرار نکن، واگذار هم نکن، آرام آرام برابر

استعداد مردم. (مولا در حدیث تنزیل القرآن فرمودند: نماز، اقامه ولایت من است)

﴿۱۱۱﴾ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُن لَّهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ

يَكُن لَّهُ وِئٌ مِّنَ الدَّلِّ وَكَبِيرَةٌ تَكْبِيرًا

بگو: ستایش حمد مخصوص خدایی است

که بین او و خلق رابطه حسب و نسب نیست، در پادشاهی خود شریک ندارد، نیازمند

به ولایت کسی نیست، هر چه می‌توانی او را به عظمت یاد کن.

آیاتها ۱۱۰

سُورَةُ الْكَهْفِ

المکّی

کهف نام پناهگاهی است که وابستگی به خدا و حجت خدا داشته باشد. خدا و یا حجت خدا

بندهای از بندگان را پناه دهد. اصحاب کهف که به غار کوه رفتند خود را در پناه خدا قرار

دادند. هر شهر و مملکتی و هر دین و مرام و قانونی که وابستگی به خدا داشته باشد و انسان

دین و قانون را به عنوان پناهگاه خود انتخاب کند، در پناه خدا محفوظ است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَىٰ عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا ۝

ستایش و

حمد مخصوص خداست، کسی که قرآن را بر بنده خود نازل کرد و دستور غلطی در

آن قرار نداد

﴿۲﴾ قَيِّمًا لِيُنذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا مِّن لَّدُنْهُ وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ

أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا کتابی است پایدار، مردم را از عذاب شدید که نتیجه انحراف است می ترساند، اهل ایمان و عمل صالح را مژده می دهد که پاداشی نیکو دارند

﴿۳﴾ مَّكِيثِينَ فِيهِ أَبَدًا در آن نعمت ها تا ابد زندگی می کند

﴿۴﴾ وَيُنذِرَ الَّذِينَ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا و می ترساند کسانی را که می گویند:

خداوند کسی را به فرزندی گرفته است

﴿۵﴾ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ وَلَا لِآبَائِهِمْ كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ إِنْ يَقُولُونَ

إِلَّا كَذِبًا آن ها علم به واقعیت ندارند و اجداد آن ها همین طور، چه گناه بزرگی است کلمه ای که بر زبان می رانند ، آن ها دروغ می گویند

﴿۶﴾ فَلَعَلَّكَ بِخِعٍ نَّفْسِكَ عَلَىٰ عَآثِرِهِمْ إِنْ لَّمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا

شاید از کثرت غم و غصه بر اثر گفتار و رفتاری که آن ها دارند خود را به هلاکت می رسانی که چرا به این قرآن ایمان نمی آورند

﴿۷﴾ إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لِّهَا لِنَبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ناراحت

نباش که ما زندگی دنیا را در نظر آن ها رونق داده ایم تا آزمایش کنیم کدام یک اعمالشان بهتر است

﴿۸﴾ وَإِنَّا لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُزًا ما در آینده تمامی این زینت ها و

زیورها را نابود می کنیم، زمین را به صورت بیابانی خشک ظاهر می سازیم

﴿۹﴾ أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ ءَايَاتِنَا عَجَبًا خیال

نکنی داستان اصحاب کهف و رقیم از آیات عجیب ماست!

﴿۱۰﴾ **إِذْ أَوْى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ**

أَمْرِنَا رَشَدًا آنجا که آن جوانمردان فراری از حکومت ظالم در غاری پناه گرفتند

و دعا کردند که پروردگارا! لطف و رحمت خود را به ما برسان و ما را به یک

زندگی سالم هدایت فرما

﴿۱۱﴾ **فَضْرَبْنَا عَلَىٰ آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا** ما برای رفع ترس و وحشت

چند سالی آن‌ها را به خوابی عمیق فرو بردیم (برای فراریان خائف و ترسان بهترین دارو

خواب عمیق است)

﴿۱۲﴾ **ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَىٰ لِمَا لَبِئُوا أَمَدًا** بعد از مدتی تا

تقدیر خدا روشن شود، بیدارشان کردیم تا معلوم شود ما یا آن‌ها کدام یک مدت

خواب را بهتر شناخته‌ایم

﴿۱۳﴾ **لَمَّا نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ ءَامَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى**

ما داستان آن‌ها را چنان که بوده برای تو می‌خوانیم، آن‌ها جوانمردانی بودند که ایمان

به خدا آوردند، ما هم بیشتر آن‌ها را هدایت نمودیم

﴿۱۴﴾ **وَرَبَطْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبَّنَا رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَن نَّدْعُوكَ**

مِن دُونِهِ ءِإِلَهًا لَّقَدْ قُلْنَا إِذَا شَطَطًا دل آن‌ها را به خود مربوط ساختیم که خلاف

مرام باطل زمان قیام کردند و گفتند که: پروردگار ما پروردگار آسمان‌ها و زمین

است، به جز او خدایی نمی‌پرستیم که به شرک و پراکنده گویی مبتلا شویم

﴿۱۵﴾ **هَؤُلَاءِ قَوْمُنَا اتَّخَذُوا مِن دُونِهِ ءِإِلَهَةً لَّوَلَا يَأْتُونَ عَلَيْهِم بِسُلْطٰنٍ بَيِّنٍ مِّن**

أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا مردم زمان ما به جز خدا دیگری را می پرستند ، نمی توانند دلیلی روشن بر صحت عمل خود بیاورند ، چه کسی ظالم تر است از کسانی که به خدا دروغ می بندند؟

﴿۱۶﴾ وَإِذْ أَعْتَرَلْتُمُوهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهُ فَأَوْرَأَ إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِّن رَّحْمَتِهِ وَيَهَيِّئْ لَكُمْ مِّنْ أَمْرِكُمْ مَّرْفَقًا و اکنون که از آنها و بت های آنها فاصله گرفتید، در این غار خود را به خدا بسپارید، او دامن لطف خود را برای شما می گستراند و وسایل آسایش و آرامش برای شما فراهم می کند

﴿۱۷﴾ وَتَرَى الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَتْ تَزْوُرُ عَن كَهْفِهِمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَإِذَا غَرَبَتْ تَقْرِضُهُمْ ذَاتَ الشِّمَالِ وَهُمْ فِي فَجْوَةٍ مِّنْهُ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ مَن يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَن يُضِلِّ فَلَن تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُّرْشِدًا آنها در غار چنان وضعیتی دارند که چون خورشید طلوع می کند، از غار آنها به طرف راست حرکت می کند و هنگامی که غروب می کند نور خود را به طرف شمال می برد و آنها در فضای غارند ، این داستان از آیات عجیب خداوند است ، کسی را که خدا هدایت کند، هدایت یافته و کسی را که واگذار نماید، کسی نمی تواند او را ارشاد کند *

* تاویل این آیات مربوط به کهف ولایت است. لطایف عظیم آن در تاویل داستان است که ولایت و پناهندگان به ولایت باشد.

﴿۱۸﴾ وَتَحْسَبُهُمْ أَيْقَاظًا وَهُمْ رُقُودٌ وَنُقَلِّبُهُمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَذَاتَ الشِّمَالِ وَكَلْبُهُم بَاسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيدِ لَوِ اطَّلَعْتَ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا وَلَمُلِئْتَ مِنْهُمْ رُعبًا وقتی که آنها را ببینی چنانند که گویا بیدارند با اینکه خوابند ، آنها را به طرف چپ و راست می چرخانیم ، سگ آنها هم به حال آماده باش ، دو دست خود را

گسترده است ، چنان وضعی که ببینی وحشت پیدا کرده و فرار می کنی *

* آن‌ها به اراده خدا در همان حال که بیدار و نگران اطراف بوده‌اند به خواب رفته‌اند. وضعیت قیافه آن‌ها مانند بیداری است که تندوتیز نگران اطراف هستند، نگرانی از این جهت که تحت تعقیب‌اند. سگ آن‌ها هم در حال آمادگی خواب است. قلبشان خواب و چشمشان بیدار است.

﴿۱۹﴾ وَكَذَلِكَ بَعَثْنَاهُمْ لِيَتَسَاءَلُوا بَيْنَهُمْ قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ كَمْ لَبِئْتُمْ قَالُوا لَبِئْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالُوا رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا لَبِئْتُمْ فَابْعَثُوا أَحَدَكُمْ بِوَرِقِكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنْظُرْ أَيُّهَا أَزْكَى طَعَامًا فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِّنْهُ وَلْيَتَلَطَّفْ وَلَا يُشْعِرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا

بعد از مدتی آن‌ها را بیدار کردیم تا از وضع خود آگاه شوند ، از یکدیگر پرسیدند چند وقت خواب بوده‌ایم؟، یکی جواب داد: روزی یا نصف روز، دیگری گفت: خدا بهتر می‌داند، الآن گرسنه‌ایم یک نفر پول به شهر ببرد، دقت کند چه غذایی بهتر است تهیه کند، خوب دقت کند مبادا کسی از حال ما آگاه شود

﴿۲۰﴾ إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ وَلَنْ تُفْلِحُوا إِذَا أَبَدًا

آن‌ها در تعقیب ما هستند، اگر ما را ببینند سنگسار می‌کنند و یا ما را به دین خود برمی‌گردانند که در این صورت رستگار نخواهیم شد

﴿۲۱﴾ وَكَذَلِكَ أَعْرَضْنَا عَنْهُمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَزَّعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِم بُنْيَانًا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا

به این کیفیت مردم را به حال آن‌ها آگاه نمودیم تا از این خواب و بیداری بدانند وعده قیامت حق است ، اهل شهر که به تعقیب آمده بودند بعد از آگاهی آن‌ها را نیافتند ، باهم بحث و جدال داشتند که آن‌ها چه کسی بودند و کجا رفتند ، رئیس گفت: خدا به حال آن‌ها آگاه‌تر است ،

مسجدی برای یاد و بود آنها می‌سازیم

﴿۲۲﴾ سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةٌ رَّابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ ۗ وَيَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ بِعَدَّتِهِمْ مَّا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ ۗ فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءً ظَاهِرًا وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِمْ مِنْهُمْ أَحَدًا

در تعریف شماره آنها گفتگو کردند گفتند: سه نفر بوده‌اند که چهارم سگ آنها بوده و گفتند: پنج نفر بوده‌اند، ششم سگ آنها بوده، تیر به تاریکی پرانیده‌اند و می‌گویند: هفت نفر بوده و هشتم سگ آنها بوده، تو بگو: پروردگار من به حال آنها آگاه‌تر است، عده کمی آنها را می‌شناسند، تو در ظاهر خود را ناشناس به حال آنها نشان بده و از کسی در تعریف آنها پرس‌وجو نکن

﴿۲۳﴾ وَلَا تَقُولَنَّ لِشَائِيٍّ إِنِّي فَاعِلٌ ذَٰلِكَ غَدًا

هرگز نگو: فردا چه کاری می‌کنم

مگر که به مشیت خدا واگذار کنی

﴿۲۴﴾ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ ۗ وَادْكُرْ رَبَّكَ إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَىٰ أَنْ يَهْدِيَنِي رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ هَٰذَا رَشَدًا

و بگویی: ان شاء الله و اگر فراموش کردی، زودتر یادآوری کن و بگو: شاید خدا ما را به راهی بهتر از این هدایت کند

﴿۲۵﴾ وَلَبِئُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا

آنها در کهف خود سیصد سال خواب بودند، مردم بر این مدت نه سال اضافه کردند

﴿۲۶﴾ قُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا لَبِئُوا لَهُ غَيْبُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ أَبْصِرْ بِهِ وَأَسْمِعْ ۗ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا

بگو: خداوند به مدت خواب آنها آشنا تر است، علم غیب در آسمانها و زمین مخصوص خداست، چقدر خدا

شنا و داناست ، مردم به جز خداوند سرپرستی ندارند و خداوند کسی را در حکم خود شریک نمی کند

﴿۲۷﴾ **وَأْتَلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ كِتَابِ رَبِّكَ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَلَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا** آنچه از کتاب خدا به تو وحی می شود، بخوان و بدان کلمات خدا حقیقت است ، قابل تبدیل نیست و به جز او پناهگاهی نخواهی داشت

﴿۲۸﴾ **وَأَصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْعَدْوَةِ وَالْعِشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا** با کسانی بنشین و محشور باش که صبح و شام به یاد خدا هستند ، رضایت او را می طلبند، مبادا در طلب دنیا لطف و محبت خود را از آن ها بگردانی و از کسانی پیروی کنی که از خدا غافل اند ، تابع هوی و هوس خود بوده و در افراط و تفریط عملی و اخلاقی هستند

﴿۲۹﴾ **وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا وَإِنْ يَسْتَغِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا** حق را آشکارا به مردم ابلاغ کن، هر کسی مایل است ایمان آورد و هر کسی می خواهد کافر شود ، کفار بدانند سر راه فعالیت آن ها آتشی در کمین است که زندگی آن ها را احاطه می کند ، وقتی در آن آتش از تشنگی بنالند، آبی مانند مس ذوب شده در اختیار آن ها است که صورت آن ها را کباب می کند ، چه بد شربتی و زندگی ناگواری است

﴿۳۰﴾ **إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا** و اما کسانی که اهل ایمان و عمل صالح اند، بدانند که ما پاداش عمل آن ها را ضایع

نمی گذاریم

﴿۳۱﴾ **أُولَئِكَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَّكِنِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ نِعْمَ الثَّوَابُ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا** علم و قدرتی و بهشتی در اختیار آنها می گذاریم

که نعمت و لذت مانند نهر از آن در جریان است، به زینت‌هایی از طلا و نقره مزین می شوند، لباس‌هایی سبز از سندس و استبرق می پوشند، بر اریکه قدرت تکیه دارند، چه خوب است نتایج اعمال و زندگی گوارای آنها

﴿۳۲﴾ **وَأَضْرَبَ لَهُمْ مَثَلًا رَجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَابٍ وَحَفَفْنَاهُمَا بِنَخْلٍ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زُرْعًا** برای بیان حقیقت داستان دو نفر را برای آنها بازگو کن که ما به یکی از آنها دو باغ دادیم، در حصار درخت‌های خرما و انگور و در میان دو باغ، زمین زراعت

﴿۳۳﴾ **كِلْتَا الْجَنَّتَيْنِ آتَتْ أُكُلَهَا وَلَمْ تَظْلِمْ مِنْهُ شَيْئًا وَفَجَّرْنَا خِلَالَهُمَا نَهْرًا** باغ‌ها و زمین زراعتی محصول خود را بدون مضایقه آماده می کرد و در میان دو باغ، نهر آب در جریان بود

﴿۳۴﴾ **وَكَانَ لَهُ ثَمْرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا** میوه‌هایی لطیف و شیرین، با رفیق خود بحث و مفاخره داشت که بین! مال و ثروت و نفرات من از تو بیشتر است

﴿۳۵﴾ **وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ قَالَ مَا أَظُنُّ أَنْ تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا** با ناز و تکبر میان باغ‌ها قدم می زد و می گفت که: هرگز این ثروت و قدرت نابود نخواهد شد

﴿۳۶﴾ وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِن رُّدِدْتُ إِلَىٰ رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِّنْهَا مُنْقَلَبًا

گمان نمی‌کنم آخرت و قیامتی باشد، تازه اگر باشد به ملاقات خدا می‌روم، بهتر از این نعمت و ثروت به من خواهد داد

﴿۳۷﴾ قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ

نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّكَ رَجُلًا رَفِيقًا بَاوِ بَحْثِ مِی كَرْدِ كِه آيَا بِه خِدَائِي كِه تُو رَا از خَاك وَ نَطْفِه آفَرِيْد وَ بِه اَعْتِدَالِ رَسَانِيْد كَافِرِ مِی شُوِي؟

﴿۳۸﴾ لَكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا

وَلِيَكِن مِّن عَقِيْدِه دَارِم كِه او پُرُوْرْدِ گَار مِّن اَسْتِ، كَسِي وَ يَا چِيْزِي رَا شَرِيْكَ او نَمِي دَانَم

﴿۳۹﴾ وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتِكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِن تَرِنِ أَنَا أَقَلُّ

مِنَكَ مَالًا وَوَلَدًا چِرَا وَقْتِي كِه دَر بَاغِ خُوْدِ گَرْدِش كَرْدِي، نَكْفْتِي: مَا شَاءَ اللَّهُ، لَا حُوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، اِگَر تُو مِی بِيْنِي كِه مَالِ وَ اَوْلَادِ مِّن اَز تُو كَمْتَرِ اَسْتِ

﴿۴۰﴾ فَعَسَىٰ رَبِّي أَن يُؤْتِيَنِي خَيْرًا مِّن جَنَّتِكَ وَيُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِّن السَّمَاءِ

فَتُصْبِحُ صَعِيدًا زَلَقًا شَايْدِ خُودِ بَهْتَرِ اَز اَيْنِ بَاغِ وَ اَيْنِ زَنْدِگِي بِه مِّن مَّرْحَمْتِ كَنْدِ وَ شَايْدِ بِلَايِ اَسْمَانِي بَرِ اَيْنِ بَاغِ مَسْلُطِ كَنْدِ كِه فَرْدَا خُشَكِ وَ نَابُوْدِ شُوْدِ

﴿۴۱﴾ أَوْ يُصْبِحَ مَأْوَهَا غُورًا فَلَن تَسْتَطِيعَ لَهُوَ طَلَبًا

وَ يَا آبِ اَيْنِ نَهْرِ بِه زَمِيْنِ فَرُوْرُوْدِ كِه نَتُوَانِي اَز اَنِ اَسْتِفَادِه كِنِي

﴿۴۲﴾ وَأُحِيطَ بِثَمَرِهِ فَأَصْبَحَ يُقَلِّبُ كَفَّيْهِ عَلَىٰ مَا أَنفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ

عُرْوِشِهَا وَيَقُولُ يَلَيْتَنِي لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّي أَحَدًا بَاغِ او بَا بِلَايِ اَسْمَانِي نَابُوْدِ شُوْدِ، فَرْدَا دَر حَسْرْتِ سِرْمَايِه هَايِشِ كِه هَدْرِ شُوْدِه بُوْدِ دَسْتِ پِشْتِ دَسْتِ مِی مَالِيْدِ كِه بَاغِشِ

با خاک یکسان شده بود و می گفت: ای کاش کسی را شریک خدا نساخته بودم *
 * تأویل داستان، ثمره باغ ولایت است که گروهی به میوه و درخت آن چسبیدند و گروهی دیگر در ولایت باغبان دین.

﴿۴۳﴾ **وَلَمْ تَكُنْ لَهُ فِئَةٌ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مُنتَصِرًا** کسی جز خدا نبود که او را یاری کند و قدرت نداشت که دوبرتبه سامان گیرد

﴿۴۴﴾ **هُنَالِكَ الْوَلِيَّةُ لِلَّهِ الْحَقُّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَخَيْرٌ عُقْبًا** آنجا که زندگی شما نابود شود در حکومت خدا قرار می گیرید، رضایت او بهترین نتیجه و بهترین عاقبت است

﴿۴۵﴾ **وَأَضْرَبَ لَهُمْ مَثَلِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا آءِ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيحُ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا** به آنها بگو: دنیا در جلوه خود مانند بارانی است که می بارد، با خاک و گیاه مخلوط می شود، با گل و گیاه جلوه می کند و فردا طوفان پاییز آن را می خشکاند، این طرف و آن طرف می برد، خداوند به هر کاری تواناست

﴿۴۶﴾ **الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا** مال و اولاد زینت زندگی دنیاست، اعمال صالح که باقی و بادوام است، بهتر نتیجه می دهد و بیشتر انسانها را آرزومند به خدا می کند

﴿۴۷﴾ **وَيَوْمَ نُسَيِّرُ الْجِبَالَ وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا** روزی که کوهها (ابرقدرت‌ها) را به انتهای سیر خود برسانیم، به جایی و به حالی که به عجز خود واقف شوند، در آن انتها تمامی نتایج آشکار می شود، تمام مردم را زنده

می کنیم و کسی را در دل زمین باقی نمی گذاریم

﴿۴۸﴾ وَعَرِضُوا عَلَىٰ رَبِّكَ صَفًّا لَقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ بَلْ زَعَمْتُمْ

أَلَّن نَجْعَلَ لَكُمْ مَوْعِدًا همه در یک صف به خدای خود عرضه می شوند، به آن‌ها

می گوییم: شما مانند روز تولد دست خالی وارد محشر شدید و خیال کردید که ما

مقصد و موعدی برای شما قرار نداده‌ایم

﴿۴۹﴾ وَوَضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَالِ

هَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا

وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا کتاب محاسبه اعمال در مقابل مردم قرار می گیرد،

جنایت کاران وحشت پیدا می کنند که وای به حال ما، این چه کتابی است که بزرگ

و کوچک اعمال را ثبت نموده است؟، نتایج اعمال خود را حاضر می بینند و می دانند

که خدا به کسی ستم نمی کند

﴿۵۰﴾ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ

عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ

لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا (شیاطین را بشناسید) وقتی ما به فرشتگان گفتیم: آدم را سجده

کنید همه به جز ابلیس که از جنیان بود سجده کردند، ابلیس به فسق و فجور گرایید،

آیا شما مردم ابلیس و پیروان او را به سرپرستی خود انتخاب می کنید با اینکه دشمن

سرسخت شماست، چه بد حکومتی به جای حکومت خدا اختیار کرده‌اید

﴿۵۱﴾ مَّا أَشْهَدْتُهُمْ خَلْقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَا خَلَقَ أَنْفُسِهِمْ وَمَا كُنْتُمْ تُتَّخَذُ

الْمُضِلِّينَ عَضُدًا من آن‌ها را شاهد خلقت آسمان و زمین و شاهد خلقت خودشان

قرار ندادم، من هرگز گمراه کننده‌گان را به کمک نمی‌گیرم

﴿۵۲﴾ وَيَوْمَ يَقُولُ نَادُوا شُرَكَائِيَ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَجَعَلْنَا

بَيْنَهُمْ مَوْبِقًا روزی که به مشرکین ابلاغ می‌شود از کسانی که به جای خدا اطاعت کرده‌اید کمک بخواهید، از آن‌ها کمک می‌خواهند ولیکن اجابت نمی‌شود، رؤسای خود را می‌بینند که در وادی هلاکت غرق هستند

﴿۵۳﴾ وَرَعَا الْمُجْرِمُونَ النَّارَ فَظَنُّوا أَنَّهُم مُّوَاقِعُوهَا وَلَمْ يَجِدُوا عَنْهَا مَصْرِفًا

ستم کاران با آتشی که خود برافروخته‌اند، روبه‌رو می‌شوند و گمان می‌کنند که معذب می‌شوند و راه نجاتی ندارند

﴿۵۴﴾ وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ

جَدَلًا همه نوع نمونه‌های حق و باطل به نمایش گذاشتیم ولیکن انسان هرچه بیشتر برای فرار از حقیقت بحث و جدال می‌کند

﴿۵۵﴾ وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ وَيَسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمْ

سُنَّةَ الْأَوَّلِينَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ قُبُلًا بعد از ظهور نبوت و هدایت، چه مانعی پیدا می‌شود که ایمان به خدا بیاورند و از او برای رفع نواقص فردی و اجتماعی خود کمک بگیرند، جز اینکه منتظر هستند به سرنوشت گذشته‌گان کافر خود مبتلا شوند و یا با ساعت قیامت مواجه شوند

﴿۵۶﴾ وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَيُجَادِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا

بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَمَا أُنذِرُوا هُزُوًا ما پیامبران را به این منظور فرستادیم که مردم را به نتایج حسن عمل مژده داده و از عواقب سوء عمل

بترسانند، اما کفار برای خاموش کردن چراغ حق به مجادله بر می خیزند ، دین خدا و آیات او را مسخره می کنند *

* این مجادله یک بازی لفظی برخلاف واقعیت است مثل اینکه می گویند: قیامت کجاست؟، خدا کجا بوده؟، مطالبی جاهلانه مطرح می کنند و قصد فهمیدن حقیقت ندارند؛ اما دلیل و حجت مثل این است که مؤمن می گوید: دیدن خدا، خداشناسی نیست بلکه تفکر در خلائق خدا و درک صفات او، خداشناسی است.

﴿۵۷﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَى فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذًا أَبَدًا

ظالم تر و بدتر از کسانی که به دین خدا دعوت می شوند و از آن اعراض می کنند چه کسانی هستند که از عواقب کفر و گناه بی خبرند؟ ، ما دل های آنها را در غلاف (هدف های مادی) قرار داده ایم که نفهمند و گوششان را سنگین کرده ایم ، اگر به کتاب خدا دعوت شوند هدایت نمی شوند

﴿۵۸﴾ وَرَبُّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذُهُمْ بِمَا كَسَبُوا لَعَجَّلَ لَهُمُ الْعَذَابَ بَلْ لَهُمْ مَوْعِدٌ لَنْ يَجِدُوا مِنْ دُونِهِ مَوْيلًا

پروردگار تو صاحب رحمت و گذشت است ، اگر بخواهد مؤاخذه کند بلافاصله بعد از گناه انتقام می گیرد بلکه مدتی برای نتیجه گیری از عمل بد و خوب مهلت می دهد زیرا بعد از اتمام مدت، به جز خداوند پناهگاهی ندارند

﴿۵۹﴾ وَتِلْكَ الْقُرَىٰ أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ مَوْعِدًا

چقدر زیاد گذشتگان را بعد از اتمام مهلت به سبب ظلم و گناه هلاک نمودیم

﴿۶۰﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِفَتَاهُ لَا أَبْرَحُ حَتَّىٰ أَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقْبًا

داستان آموزنده موسی و خضر پیامبر را بیان کن که به رفیق خود گفت: به کاری نمی‌پردازم جز اینکه خود را به محل تلاقی دو دریای (مدیترانه و بحر احمر) برسانم، گرچه مدتی طول بکشد *

* داستان خضر و موسی این حقیقت را در اختیار دانشجویان می‌گذارد که اولاً پیامبران شاگردان مکتب خدایند و در استعداد و معلومات تفاوت درجه دارند. ثانیاً کسانی که حکمت احکام و مصالح و مفاسد آن را نمی‌دانند ممکن است بر بعضی اعمال انبیاء ایراد داشته باشند که چرا چنین و چنان کردند گرچه بهتر این است که ایراد نگیرند ولی اگر ایراد گرفتند، معصیت نیست زیرا این ایراد از جهت قصور است نه تقصیر. در این رابطه داستانی از امام صادق(ع) در ارتباط با یکی از اصحابش به نام زراره نقل می‌شود که آن حضرت یک روز در حضور اصحاب دیگر از او بدگویی کرد (مثلاً آدم خوبی نیست من او را دوست نمی‌دارم با ما بیگانه است). شنوندگان به او خبر دادند که امام پشت سر تو چنین و چنان بر تو ایراد گرفت او ناراحت شد که من به جز خدمت کاری نکرده‌ام. خدمت حضرت رسید و گله کرد که مگر چه کم‌خدمتی کرده‌ام، حضرت فرمود: این دشمن خدا منصور عباسی دایم در جستجوی یاران من است که هرکس پیش من محبوبیت دارد سلب و نیست کند، خواستم قدری از محبوبیت تو بکاهم. مسئله من و تو مانند خضر و کشتی است که خضر آن را معیوب کرد که غاصب غصب نکند.

﴿۶۱﴾ **فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ بَيْنَهُمَا نَسِيَا حُوتَهُمَا فَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ سَرَبًا** وقتی که به مجمع‌البحرین رسیدند، ماهی خود را فراموش کردند و ماهی به دریا خزید و رفت

﴿۶۲﴾ **فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتَاهُ ءَاتِنَا غَدَاءَنَا لَقَدْ لَقِينَا مِنْ سَفَرِنَا هَذَا نَصَبًا** از آنجا که گذشتند گرسنه شدند، به رفیق خود گفت: غذای ما را بیاور که خیلی گرسنه و خسته شده‌ام

﴿۶۳﴾ قَالَ أَرَأَيْتَ إِذْ أَوَيْنَا إِلَى الصَّخْرَةِ فَإِنِّي نَسِيتُ الْحُوتَ وَمَا أَنسَنِيهِ إِلَّا الشَّيْطَانُ أَنْ أَذْكُرَهُ وَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ عَجَبًا

رفیق او گفت: ای وای! دیدی آنجا که کنار دریا نشسته بودیم، ماهی را فراموش کردم، شیطان از یاد من برد، به دریا خزید و رفت

﴿۶۴﴾ قَالَ ذَلِكَ مَا كُنَّا نَبِغُ فَأَرْتَدَّا عَلَىٰ آثَارِهِمَا قَصَصًا

موسی گفت: در انتظار همین علامت بودم، در این رابطه داستان خضر و موسی به وجود آمد

﴿۶۵﴾ فَوَجَدَا عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَا ءَاتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنَ لَدُنَّا عِلْمًا

در آنجا با بنده‌ای از بندگان ما که مشمول رحمت ما شده و علمی به او آموخته بودیم روبه‌رو شد

﴿۶۶﴾ قَالَ لَهُ مُوسَىٰ هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَ مِنِّي مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا

موسی به آن بنده صالح گفت: ممکن است در اطاعت شما باشم و از تعلیمات شما بهره‌مند شوم

﴿۶۷﴾ قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا

او جواب داد: مانعی ندارد، اما نمی‌توانی رفتار و کردار مرا تحمل کنی

﴿۶۸﴾ وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِءَ خَبْرًا

چطور گفتار و کرداری را می‌توانی تحمل کنی که حکمت آن را نمی‌دانی؟

﴿۶۹﴾ قَالَ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَلَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا

موسی گفت: ان شاء الله صبر می‌کنم، ایراد و اعتراضی به کار شما ندارم

﴿۷۰﴾ قَالَ فَإِنِ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْأَلْنِي عَنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ أُحْدِثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا

خضر

گفت: اگر می خواهی با من باشی باید بر کار من ایراد نگیری تا خودم حکمت آن را بگویم

﴿۷۱﴾ فَأَنْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا رَكِبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا قَالَ أَخَرَقْتَهَا لِتُغْرَقَ أَهْلَهَا لَقَدْ

جِئْتَ شَيْئًا إِمْرًا باهم سوار کشتی شدند، خضر دیواره کشتی را پاره کرد، موسی گفت: چرا دیواره کشتی را سوراخ کردی مردم را غرق کنی، خراب کاری چه کار بدی است

﴿۷۲﴾ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا خضر گفت: نگفتم که نمی توانی

با من راه بیایی و بر کار من صبر کنی

﴿۷۳﴾ قَالَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا نَسِيتُ وَلَا تُرْهِقْنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا موسی گفت:

به چشم فراموش کردم مرا ملامت نکن، به فراق خودت مبتلا نساز

﴿۷۴﴾ فَأَنْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا لَقِيَا غُلَامًا فَقَتَلَهُ قَالَ أَقْتَلْتَنِي بِنَفْسِي زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ لَقَدْ

جِئْتَ شَيْئًا نُكْرًا بعد به حرکت خود ادامه دادند با پسری روبه رو شدند، خضر

گلوی پسر را فشرد و او را خفه کرد، موسی گفت: پسر بی گناهی را به ناحق کُشتی،

چه عمل زشتی مرتکب شدی

(جزء ۱۶) ﴿۷۵﴾ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا خضر گفت:

بازهم اعتراض کردی، نگفتم که نمی توانی بر کارهای من صبر کنی

﴿۷۶﴾ قَالَ إِنْ سَأَلْتكَ عَنْ شَيْءٍ بَعْدَهَا فَلَا تُصَحِّبْنِي قَدْ بَلَغْتَ مِنْ لَدُنِّي عُذْرًا

موسی گفت: به چشم، اگر بار سوم اعتراض کردم مرا از خود جدا کن که معذور

خواهی بود

﴿۷۷﴾ فَأَنْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا أَتَيَا أَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتَطَعَمَا أَهْلَهَا فَأَبَوْا أَنْ يُضَيِّفُوهُمَا فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ يَنْقُضَ فَأَقَامَهُ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَتَّخَذْتَ عَلَيْهِ أَجْرًا همان طور

به حرکت ادامه دادند تا به روستایی رسیدند، از آن‌ها تقاضای پذیرایی کردند آن‌ها از پذیرایی امتناع نمودند، در آنجا دیواری مشرف به خرابی بود خضر دیوار را تعمیر کرد، موسی گفت: خوب بود لاقبل مزد کارت را از آن‌ها می‌گرفتی

﴿۷۸﴾ قَالَ هَذَا فِرَاقُ بَيْنِي وَبَيْنِكَ سَأُنَبِّئُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا خضر گفت: ساعت جدایی رسید، الآن به تو خبر می‌دهم که چرا چنین کارهایی که نتوانستی تحمل کنی، انجام دادم

﴿۷۹﴾ وَأَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسْكِينٍ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ فَأَرَدْتُ أَنْ أَعِيبَهَا وَكَانَ وَرَاءَهُمْ مَلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا اما داستان کشتی برای این بود که رئیس شهر کشتی‌ها را غصب می‌کرد و این کشتی مال عده‌ای از فقرا بود، کار می‌کردند که روزی خود را به دست آورند، آن را معیوب کردم تا غاصب به آن رغبت نکند (زیرا یک عیب کوچک از نابودی بهتر است)

﴿۸۰﴾ وَأَمَّا الْغُلَامُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنَيْنِ فَخَشِينَا أَنْ يُرْهَقَهُمَا طُغْيَانًا وَكُفْرًا و اما آن پسر، پدر و مادر مؤمن داشت، من و خدای من ترسیدیم مبادا پدر و مادر خود را به کفر و گناه بکشاند

﴿۸۱﴾ فَأَرَدْنَا أَنْ يُبَدِّلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِمَّنْهُ زَكَاةً وَأَقْرَبَ رُحْمًا چنین خواستیم که پروردگار پسر بهتری به آن‌ها بدهد، پاکیزه‌تر باشد و بهتر بتواند به آن‌ها خدمت کند

﴿۸۲﴾ وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ

أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِّنَ رَبِّكَ
وَمَا فَعَلْتُهُ عَن أَمْرِي ذَلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا و اما تعمیر دیوار

برای این بود که روی گنجی، مال دو طفل یتیم قرار گرفته بود، پدر آنها مؤمنی صالح بود (اگر دیوار خراب می شد، گنج شناخته می شد) پروردگار تو به لطف خود چنین خواست که یتیم ها بالغ شوند و گنج خود را استخراج کنند ، من به اراده خود چنین کاری نکردم ، این بود حکمت کارهایی که نتوانستی تحمل کنی

﴿۸۳﴾ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الذِّقْرِينِ قُلْ سَأَتْلُوا عَلَيْكُمْ مِنِّهٖ ذِكْرًا و اما داستان

ذوالقرنین که از تو پرسیدند، قسمتی از تاریخ او را برای تو بازگو می کنیم *

* علم عمیق و شریف این داستان در تأویل آن است مولا علی (ع) وقتی که داستان ذوالقرنین را ذکر می کند به خود اشاره می کند می فرماید: (وَفِيكُمْ مِثْلُهُ) یعنی من ذوالقرنین اسلام هستم و فضای مملکت اسلام، کشور من است. من مجهز به دو قدرت الهی و علمی هستم و سد بسیار محکمی از علم و سیاست به نام تقیه بین دوستان و دشمنان ساختم که از نظر عظمت و برتری، هیچ فکری به بالای آن نمی رسد و از نظر استحکام علمی و منطقی، کسی نمی تواند ایرادی بگیرد. الْإِسْلَامُ يَعْلُو وَلَا يُعْلَى عَلَيْهِ. سیاست حفاظت و تعلیمات ائمه اطهار (ع) مصداق کامل این آیات است که فرمود: مَا اسْتَطَاعُوا أَن يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا ، سدی که تا روز قیامت باقی است، تعلیم و تربیت ائمه اطهار (ع) است. مثلاً مولای (ع) که می داند بعد از او معاویه به جان دوستانش می افتد که یا علی را سب کنند و یا کشته شوند. به آنها اجازه می دهد که او را سب کنند تا از کشته شدن برهند. می فرماید: إِنَّ مُعَاوِيَةَ سَيَأْمُرُكُمْ بِعَدِيٍّ بِالسَّبِّ عَلَيَّ وَالْبَرَاةِ عَنِّي أَمَّا السَّبُّ فَسُبُّنِي فَإِنَّهُ لِي زَكَاةٌ وَ لَكُمْ نَجَاتٌ وَأَمَّا الْبَرَاةُ فَلَا تُبَرِّئُوا مِنِّي فَإِنِّي وَ لَدَّتْ عَلَيَّ الْقَطْرَةُ وَسَبَقَتْ إِلَى الْإِسْلَامِ وَالْهَجْرَةِ ، یعنی من را به زبان سب کنید تا از شر معاویه نجات پیدا کنید اما دلتان را با من بد نکنید که من یک مسلمان واقعی هستم.

﴿۸۴﴾ إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَءَاتَيْنَاهُ مِن كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا ما در زمین به او

قدرت و امکانات دادیم، از هر چیزی وسیله‌ای در اختیار او گذاشتیم

﴿۸۵﴾ فَأَتَّبَعَ سَبَبًا ذوالقرنین از آن وسیله‌ها استفاده کرد

﴿۸۶﴾ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ وَوَجَدَ عِنْدَهَا

قَوْمًا قُلْنَا يَبْنَؤُا الْقَرْنَيْنِ إِمَّا أَنْ تُعَذِّبَ وَإِمَّا أَنْ تَتَّخِذَ فِيهِمْ حُسْنًا به غروبگاه

کشور خود، کنار دریای سیاه رسید، خورشید را چنان دید که در لای و لجن غروب می‌کند، در آنجا با قومی که مغلوب شده بودند روبه‌رو شد، ما به او آزادی دادیم که یا آن‌ها را عذاب کند و یا احسان نماید

﴿۸۷﴾ قَالَ أَمَّا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نُعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ عَذَابًا نُكْرًا

ذوالقرنین گفت: هر کس از آن‌ها ستم کند، از او انتقام می‌گیریم و او را به سوی خدا روانه می‌کنیم، او را سخت عذاب خواهد کرد

﴿۸۸﴾ وَأَمَّا مَنْ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جَزَاءُ الْحُسْنَىٰ وَسَنَقُولُ لَهُ مِنْ أَمْرِنَا

يُسْرًا و هر کس اهل ایمان و عمل صالح باشد، پاداش نیک ما به او می‌رسد، آسایش و آرامش او را فراهم می‌کنیم

﴿۸۹﴾ ثُمَّ أَتَّبَعِ سَبَبًا او باز از امکانات و قدرت خود استفاده کرد

﴿۹۰﴾ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطْلُعُ عَلَىٰ قَوْمٍ لَمْ يَجْعَلْ لَهُمْ مِّن

دُونِهَا سِتْرًا به طرف شرق مملکت حرکت نمود، قوم شرقی را دید که جز شعاع خورشید سایبانی نداشتند، آفتاب‌نشین بودند

﴿۹۱﴾ كَذَلِكَ ۞ وَقَدْ أَحَطْنَا بِمَا لَدَيْهِ خُبْرًا ما در این حرکت هم به همه وقایع

آشنا بودیم

﴿۹۲﴾ ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا او باز از امکانات و قدرت خود استفاده کرد

﴿۹۳﴾ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمَا قَوْمًا لَّا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا

به طرف شمال لشکر کشید تا میان دو رشته کوه که مانند دو سد جلو دو دریا بودند رسید، در آن جا با قومی که فاقد فهم و بیان بودند، روبه‌رو شد

﴿۹۴﴾ قَالُوا يٰذَا الْقَرْنَيْنِ اِنَّ يٰأَجُوجَ وَمٰأَجُوجَ مُفْسِدُونَ فِى الْاَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ

خَرْجًا عَلٰى اَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا آن‌ها شکایت کردند که این اقوام

وحشی یا جوج و مأجوج در این زمین فساد به پا می‌کنند، اجازه هست مبلغی در اختیار شما بگذاریم به جای آن بین ما و آن‌ها سدی بسازید تا مانع تجاوز آن‌ها باشد

﴿۹۵﴾ قَالَ مَا مَكَّنِّى فِىهِ رَبِّى خَيْرٌ فَاَعِينُونِى بِقُوَّةٍ اَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا

ذوالقرنین گفت: امکانات الهی برای من بهتر است، شما نیروی کار در اختیار من بگذارید، بین شما و آن‌ها سدی می‌سازم

﴿۹۶﴾ ءَاثُوْنِى زُبْرَ الْحَدِيْدِ حَتَّىٰ اِذَا سَاوٰى بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ اَنْفُخُوْا حَتَّىٰ اِذَا

جَعَلَهُ نَارًا قَالَ ءَاثُوْنِى اُفْرِغْ عَلَيْهِ قَطْرًا قطعات آهن آماده کنید، آن قطعات

را روی هم چید تا برابر ارتفاع دو کوه بالا رفت، بعد پای آن دیوار آهنی آتش افروختند تا سرخ شد و بعد روی آن دیوار مس گداخته ریختند تا دیوار یک قطعه

مس و آهن شد

﴿۹۷﴾ فَمَا اُسْطَعُوْا اَنْ يَطَّهَرُوْهُ وَمَا اُسْتَطَعُوْا لَهُ وَنْقَبًا دیواری محکم و مرتفع

که نتوانند از بالای آن بگذرند و نتوانند آن را سوراخ کنند

﴿۹۸﴾ قَالَ هٰذَا رَحْمَةٌ مِّنْ رَبِّى فَاِذَا جَآءَ وَعْدُ رَبِّى جَعَلَهُ دَكَّآءً وَّكَانَ وَعْدُ رَبِّى حَقًّا

شکر خدا را به جا آورد و گفت: این لطف خدا بود، این سدّ تا روز موعود قیامت باقی است، وقتی که وعده خدا رسید، آن را می کوبد، وعده خدا حقا است

﴿۹۹﴾ وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا

در این روز تمامی مردم به هم می آمیزند، نفخه دوم دمیده می شود، مردگان به پا می خیزند و همه یکجا جمع می شوند

﴿۱۰۰﴾ وَعَرَضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِلْكَافِرِينَ عَرْضًا

آن روز آتش جهنم، برابر کفار عجیب نمایش پیدا می کند

﴿۱۰۱﴾ الَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي غِطَاءٍ عَن ذِكْرِي وَكَانُوا لَا يَسْتَطِيعُونَ سَمْعًا

همانها که در پرده جهالت از یاد خدا غافل بودند و طاقت شنیدن حرف حق را نداشتند

﴿۱۰۲﴾ أَفَحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَن يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِن دُونِي أَوْلِيَاءَ إِنَّا أَعْتَدْنَا

جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ نُزُلًا کفار که از بندگان خدا به جای خدا اطاعت می کنند، خیال می کنند که به خودشان واگذارند، نه، ما با آتش جهنم از آنها پذیرایی می کنیم

﴿۱۰۳﴾ قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا

بگو: شمارا آگاه کنم چه کسانی بیشترین خسارتها را برده اند

﴿۱۰۴﴾ الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا

همانها که در بی راهه فعالیت می کنند و خیال می کنند که در راه نجات هستند و اعمالشان حیات بخش است

﴿۱۰۵﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ

لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا
 آن‌ها کسانی هستند که به آیات پروردگار و روز ملاقات او کافر شده‌اند، اعمال نیک آن‌ها نتیجه نمی‌دهد، ما برای آن‌ها روز قیامت ارزش قائل نمی‌شویم

﴿۱۰۶﴾ ذَلِكَ جَزَاؤُهُمْ جَهَنَّمَ بِمَا كَفَرُوا وَاتَّخَذُوا آيَاتِي هُزُؤًا
 پاداش آن‌ها که آخرین نتیجه اعمال آن‌هاست جهنم است، آن‌ها به آیات ما کافر شدند و پیامبران را به مسخره گرفتند

﴿۱۰۷﴾ إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا
 و اما آن‌ها که اهل ایمان و عمل صالحند، بدانند که ما برای پذیرایی آن‌ها بهشت فردوس را آماده کرده‌ایم

﴿۱۰۸﴾ خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا
 دائم در آنجا متنعم به نعمت‌های خدا هستند، هرگز ناراحتی و ناکامی ندارند و راضی نیستند که آن زندگی را به چیز دیگری بدل کنند

﴿۱۰۹﴾ قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا
 به آن‌ها بگو: خیال نکنند که نعمت‌های خداوند کم و کسر می‌شود، اگر دریاها مرکب شود، پیش‌از شمارش نعمت‌های خداوند تمام می‌شود اگرچه تکرار شود (زیرا عدد به نامتناهی نمی‌رسد)

﴿۱۱۰﴾ قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌُ وَاحِدٌ فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا
 بگو: تعجب نکنید، من هم مانند شما بشرم، فقط به من وحی می‌شود که خدای شما یگانه است،

هر کس به لطف خدا امیدوار است باید عملش صالح باشد و کسی را شریک خدا نسازد.

المکّی

سُورَةُ مَرْيَمَ

آیاتها ۹۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ کَهِيعَصَ کاف، ها، یا، عین، صاد *

* این حروف اشاره به داستان کربلاست که حضرت زکریا داستانی فاجعه کربلا را یادآوری می‌کرد و بر مصائب امام حسین(ع) اشک می‌ریخت. (حضرت سیدالشهدا(ع) رحمت واسعه الهی شناخته شده است).

﴿۲﴾ ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكْرِیَّا خداوند فرمود: این حروف، یادآوری رحمت خدا برای بنده خود زکریا بود

﴿۳﴾ اِذْ نَادَى رَبَّهُ وَاذْ نَادَى رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا آنجا که زکریا مخفیانه با خدای خود رازونیاز داشت

﴿۴﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَأَشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا عرضه داشت: پروردگارا! پیر شدم استخوان‌هایم سست، موی سرم سپید و از دعا و نیایش، کوتاهی نداشته‌ام

﴿۵﴾ وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا می‌ترسم بعد از خود ولی و جانشینی نداشته باشم، همسرم نازا بوده، به لطف خود فرزندی به من مرحمت کن

﴿۶﴾ يَرْثُنِي وَيَرْثُ مِنْ عَالِ يَعْقُوبَ وَأَجْعَلُهُ رَبِّ رَضِيًّا که از من و دودمان یعقوب

ارث ببرد ، فرزندی صالح و پسند تو باشد

﴿۷﴾ **يَزَكِّرِيَا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ أَصْمُهُ وَيَحْيَىٰ لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِن قَبْلُ سَمِيًّا** خدا

فرمود: زکریا! دعایت را اجابت کردم، تو را به فرزندی به نام یحیی مژده می‌دهم که پیش از این هم نامی نداشته است

﴿۸﴾ **قَالَ رَبِّ أَنِّي يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا وَقَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا**

زکریا برای اینکه مطمئن شود عرض کرد: چطور برای من پسری می‌شود که من در نهایت پیری و همسرم نازا بوده است

﴿۹﴾ **قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَقَدْ خَلَقْتُكَ مِن قَبْلُ وَلَمْ تَكُ شَيْئًا**

خدا فرمود: همین‌طور (بدون علت طبیعی) تو را پیش از این آفریدم که چیزی نبود

﴿۱۰﴾ **قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً ۖ قَالَ آيَاتُكَ إِلَّا تُكَلِّمُ النَّاسَ ثَلَاثَ لَيَالٍ سَوِيًّا**

زکریا عرض کرد: برای اجابت نشانه‌ای مرحمت کن ، خدا فرمود: به این نشانه که سه شبانه‌روز نتوانی با کسی سخن بگویی

﴿۱۱﴾ **فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ أَن سَبِّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا**

برای آگاهی مسجedian به‌سوی آن‌ها رفت، با رمز و اشاره گفت که: صبح و شام به نماز خود مشغول باشید

﴿۱۲﴾ **يَيِّحِي خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا** یحیی را آفریدیم و با

قوه قهریه در کودکی به او کتاب و حکمت دادیم *

* ابتدا در کودکی یک سلسله کلمات و علوم در نوار قلبش ضبط شد و همان‌ها در آینده سرمایه نبوت بود. خداوند آن کلمات را که حکمت خلقت بود بر زبانش جاری ساخت. وقتی

که بچه‌ها به او می‌گفتند: بیا بازی کنیم جواب می‌داد: مَا لِيَلْعَبِ خَلْقُنَا يَعْنِي مَا لِأَبِي بَازِي خَلْقِ نَشْدِيم

﴿۱۳﴾ وَحَنَانًا مِّن لَّدُنَّا وَرَكُوعًا وَكَانَ تَقِيًّا
در شعاع محبت و رحمت ما رشد کرد،
مؤمنی پرهیزکار بود

﴿۱۴﴾ وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُن جَبَّارًا عَصِيًّا
به پدر و مادر خود مهربان و خوش
رفتار بود، نافرمان و جبار نبود

﴿۱۵﴾ وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا
او روز تولد و روز
مرگ و روز بعثت، سالم و سلامت خواهد بود

﴿۱۶﴾ وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا
داستان مریم
را هم در این کتاب ذکر کن، آنجا که از قوم خود کناره گرفت و در جهت شرقی
بیت‌المقدس به عبادت مشغول شد *

* همان‌طور که زمین در ارتباط با خورشید جهت شرقی و غربی و خط مستقیم به‌سوی فضا دارد، انسان هم در توجه به مقصد سعادت، شرق و غرب و جهت‌گیری به سوی خدا دارد. جهات سه‌گانه زمین در قیاس با خورشید و جهات سه‌گانه انسان در قیاس با دین خدا ظهور دارد. جهت شرقی آن قداست و اعراض از دنیا و توجه خالص به دین است که دنیا را یکسره رها کند و به ذکر و عبادت پردازد مانند کسی که عاشق آفتاب است، فقط به آفتاب نگاه کند و خود را گرم نماید نه اینکه از نور آفتاب برای تولید ارزاق استفاده کند. مریم و عیسی و راهبه‌ها فقط به جنبه قداست و عبادت دین چسبیدند نه اینکه مادیت و معنویت را برابر هم پرورش بدهند. خداوند در تعریف مریم می‌فرماید: إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا (مریم ۱۶) یعنی جهت قداست دین را اختیار کرد که عبادت باشد و یهودیت به‌عکس این فقط دنیا و مادیت را پرورش می‌دهند و تقوا و انسانیت در نظر آن‌ها ارزش ندارد. در تعریف آن‌ها می‌فرماید: وَمَا

كُنْتُ بِجَانِبِ الْعَرَبِيِّ (قصص ۱۴۴) و یا می گوید: وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ (کهف ۸۶). و اما دین مقدس اسلام مادیت و معنویت را برابر هم پرورش می دهد که آن صراط مستقیم است. از همان قدم اول تا انتها انسان را در خط بهشت حرکت می دهد.

﴿۱۷﴾ فَأَتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا به

شدت خود را از مردم پوشیده داشت و به خدا مربوط شد، ما روح القدس را به سراغ او فرستادیم که به صورت انسانی برابرش ظاهر شد

﴿۱۸﴾ قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا مریم به خیال اینکه انسان

است گفت: از شرّ تو به خدا پناه می برم، اگر با تقوا هستی اینجا چه می کنی؟

﴿۱۹﴾ قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا گفت: من فرشته مأمور

خدا هستم، می خواهم فرزند پاکی به تو تقدیم کنم

﴿۲۰﴾ قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا مریم گفت:

چطور ممکن است با اینکه دست کسی به من نرسیده و من بدکاره نیستم

﴿۲۱﴾ قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكِ هُوَ عَلِيُّ هَيِّنٌ وَلِنَجْعَلَهُ آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِنَّا وَكَانَ

أَمْرًا مَّقْضِيًّا فرشته گفت: همین طور بدون شوهر، خدا می گوید: برای من آسان

است، او را آیت عظمت و رحمت خود قرار می دهم و این تقدیر حتمی خداوند بود

﴿۲۲﴾ ﴿ فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَذَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا مریم به عیسی حامله شد، بعد از

احساس حمل، به محل دوری از شهر آواره شد

﴿۲۳﴾ فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَلَيْتَنِي مِثُّ قَبْلِ هَذَا وَكُنْتُ

نَسِيًّا مَنَسِيًّا درد زایمان او را به شاخه درخت خرما کشانید، بچه به دنیا آمد،

مریم گفت: ای کاش پیش از این مرده بودم و اسمی در خاطره‌ها نداشتم

﴿۲۴﴾ **فَنَادَتْهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا** کودک از زیر

دامن او صدا زد: مادر! غم و غصه نداشته باش، من مایه خوش حالی تو هستم، ببین! برای تو نهر آبی جاری شده است

﴿۲۵﴾ **وَهَزِي إِلَيْكَ بِجَذَعِ النَّخْلَةِ تَسْقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا جَنِيًّا** شاخه درخت را

به سوی خود بتکان، خرماي تازه برای تو می‌ریزد

﴿۲۶﴾ **فَكُلِي وَاشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًا فِيمَا تَرَيْنَ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنِّي نَذَرْتُ**

لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا خرما بخور و آب بنوش، چشمت روشن،

اگر کسی اعتراض کرد، بگو: روزه سکوت گرفته‌ام با کسی حرف نمی‌زنم

﴿۲۷﴾ **فَأْتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَمْرِيُمْ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا** کودک را

بغل گرفت و به سوی مردمی که در جست و جوی او بودند، رفت، مردم پرخاش کردند که: مریم! این چه عملی است که داشته‌ای؟، این بچه از کجاست؟ عمل گناه مرتکب شده‌ای؟

﴿۲۸﴾ **يَأْخُذَتَّ هَرُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ أَمْرًا سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ أُمُّكَ بَغِيًّا** ای خواهر

هارون! پدرت مرد بدی نبوده و مادرت زن بدکاره‌ای نبود

﴿۲۹﴾ **فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْأَمْهِدِ صَبِيًّا** به کودک اشاره

کرد که از او پرسید، گفتند: چطور با کودک گهواره سخن بگوییم

﴿۳۰﴾ **قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ ءَاتَنِي الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا** کودک با صدای رسا

گفت: مردم! من بنده خدايم، خدا به من کتاب داده، مرا پیامبر خود قرار داده است

﴿۳۱﴾ وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا ۗ

هر جا باشم برکت مند هستم، خدا به من سفارش فرمود تا وقتی زنده باشم، نماز بخوانم و زکات بدهم

﴿۳۲﴾ وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا ۗ

مهربان نموده شقی و جبار قرار نداده است مرا نسبت به مادرم، نیکوکار و

﴿۳۳﴾ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا ۗ

از روز تولد و ایام زندگی و مردن و هنگام بعثت و قیامت، از هر عیب و گناهی سالم و سلامت

﴿۳۴﴾ ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ ط قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ ۗ

این است واقعیت عیسی ابن مریم، گفتار حقی که شما مردم در آن شک دارید

﴿۳۵﴾ مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ سُبْحَانَهُ ۗ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ

فَيَكُونُ ۗ مناسب شأن خدا نیست که مخلوقی را به فرزندی بگیرد، از این نسبت‌ها

مبرا و منزّه است، وقتی که چیزی را بخواهد به محض خواستن، شدن است

﴿۳۶﴾ وَإِنَّ اللَّهَ رَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ۗ

او پروردگار من و شماست، او را پرستش کنید، راه راست به سوی سعادت همین است

﴿۳۷﴾ فَأَخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ ط فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ ۗ

گروه مردم، در پیدایش عیسی به شک و اختلاف افتادند، هر کدام نظری دادند، وای

به حال کسانی که کافر به قدرت خدا شدند که روز قیامت چه عذری دارند

﴿۳۸﴾ أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصِرْ يَوْمَ يَأْتُونَنَا لَكِنِ الظَّالِمُونَ الْيَوْمَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۗ

آن

روز که در حاکمیت خدا قرار گیرند، چقدر بصیر و بینا هستند که به چه کسی تهمت زدند، ولیکن معلوم است که کفار در ضلالت هستند

﴿۳۹﴾ وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ آن‌ها

را از روز حسرت و ندامت بترسان، روزی که در حال غفلت زندگی آن‌ها خاتمه یابد که ایمان به خدا نمی‌آورند

﴿۴۰﴾ إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ فقط ما میم که محصول

زندگی بشریت را به وراثت می‌بریم، همه کس و همه چیز در حاکمیت ما قرار می‌گیرد

﴿۴۱﴾ وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا داستان ابراهیم را هم در

کتاب خود یادآوری کن، او پیامبری بود تصدیق کننده وعده‌های خدا

﴿۴۲﴾ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا

آنجا که به پدر خود گفت: چرا چیزی را می‌پرستی که نه می‌شنود و نه می‌بیند و فایده‌ای برای تو ندارد

﴿۴۳﴾ يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا

ای پدر! من از جانب خدا به علمی رسیده‌ام که تو نرسیده‌ای، از من پیروی کن تا تو را به راه راست، به سوی بهشت هدایت کنم

﴿۴۴﴾ يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا ای پدر! شیطان

را اطاعت نکن که او عاصی و نافرمان خدای متعال است

﴿۴۵﴾ يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِّنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا

پدر! می ترسم غضب خدا تو را فراگیرد که در ولایت و اطاعت شیطان واقع شوی

﴿٤٦﴾ قَالَ أَرَأَيْبُ أَنْتَ عَنْ ءَالِهَتِي يَا إِبْرَاهِيمُ لَئِن لَّمْ تَنْتَه لَأَرْجُمَنَّكَ وَأَهْجُرَنِي

مَلِيًّا پدرخوانده پرخاش نمود که تو می خواهی مرا به خدایان خودم بی اعتنا کنی ، اگر دست از این دعوت برنداری تو را سنگسار می کنم ، از من دور شو تو را نبینم

﴿٤٧﴾ قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا ابراهیم گفت: خدا

تو را سالم بدارد ، برای تو استغفار می کنم ، خداوند به من مهربان است

﴿٤٨﴾ وَأَعْتَزِلْكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُوا رَبِّي عَسَىٰ أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ

رَبِّي شَقِيًّا از شما و بت های شما فاصله می گیرم ، به خدا پناه می برم ، امیدوارم شقی نباشم که از او خواهشی نکنم

﴿٤٩﴾ فَلَمَّا أَعْتَزَلْتَهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَكُلًّا

جَعَلْنَا نَبِيًّا وقتی که از آنها و مرام آنها کناره گرفت ، به او فرزندانمانند اسحاق و یعقوب دادیم و آنها را به مقام نبوت رسانیدیم

﴿٥٠﴾ وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا آنها را مشمول

عنايات خاصه خود قراردادیم ، لسانی راست گو ، همراه حجتی برتر و بالاتر به آنها بخشیدیم

﴿٥١﴾ وَادْكُرْ فِي الْكِتَابِ مُوسَىٰ إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا داستان موسی

را هم در کتاب خود یادآوری کن که مردی با اخلاص و پیامبر مرسل بود

﴿٥٢﴾ وَنَدَدَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا او را از جانب کوه طور

صدا زدیم (کوه با برکت از شجره ولایت) او را به خود نزدیک نمودیم و از خطرات نجات دادیم

﴿۵۳﴾ وَوَهَبْنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِنَا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا
برادر دانا و دانشمند او هارون را کمک او نمودیم

﴿۵۴﴾ وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا
اسماعیل را هم یادآوری کن که پیامبر مرسل، صادق، راست گو و به عهد خود وفادار بود

﴿۵۵﴾ وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا
خانواده خود را به نماز و زکات امر می کرد، مردی محبوب و پسندیده خدا بود

﴿۵۶﴾ وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا
داستان ادريس را هم یادآوری کن، پیامبری بود که دین خدا را تصدیق کرد

﴿۵۷﴾ وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا
ما او را به مقامی بزرگ بالا بردیم

﴿۵۸﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا ۝

آنها نعمت ولایت و نبوت دادیم، از فرزندان آدم و از نسل کسانی که با نوح سوار کشتی شده بودند و از اولاد ابراهیم و یعقوب از کسانی بودند که ما آنها را هدایت نمودیم و برتری دادیم، وقتی که آیات خدا برای آنها خوانده می شد به گریه می افتادند و سجد می کردند

﴿۵۹﴾ فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسُوفَ

يَلْقَوْنَ غِيًّا بعد از آنها افرادی به وجود آمدند که نماز و ارتباط با خدا را ضایع گذاشتند، از هوای نفس و شهوات پیروی نمودند که در وادی ضلالت سرازیر خواهند شد

﴿۶۰﴾ إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ

شَيْئًا مگر کسانی که بعد از گناه توبه کنند و در خط ایمان و عمل صالح باشند که آنها داخل بهشت می‌شوند، ذره‌ای به آنها ستم نمی‌شود

﴿۶۱﴾ جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًّا

بهشتی که معدن نعمت است، خداوند در آینده غیب به آنها وعده داده، وعده خدا آمدنی است

﴿۶۲﴾ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا در آنجا

حرف لغوی و عمل سفیهانه‌ای به جز سلام و سلامتی از آنها سر نمی‌زند، صبح و شام روزی‌های مادی و معنوی به آنها می‌رسد

﴿۶۳﴾ تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا آن بهشت وراثتی است

از نتیجه اعمال که به آنها رسیده است

﴿۶۴﴾ وَمَا نَنْزِلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ لَهُ مَا بَيْنَ أَيْدِينَا وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ وَمَا

كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا ما فرشتگان بهشت‌ساز، در اختیار کسی قرار نمی‌گیریم مگر به

امر پروردگار تو، آنچه در گذشته‌ها و آینده‌ها به وجود آید برای پروردگار است، پروردگار تو فراموش نمی‌کند (فرشتگان عوامل سازنده بهشتند که مانند نیروی برق در

اختیار مؤمن‌اند).

﴿۶۵﴾ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُو

سَمِيًّا پروردگار تو مربی آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آنهاست، او را پرستش کن و در این پرستش صبور باش، آیا شبیه و نظیری برای او پیدا می‌کنی؟

﴿۶۶﴾ وَيَقُولُ الْإِنْسَانُ أَيْدَا مَا مِتُّ لَسَوْفَ أُخْرَجُ حَيًّا انسان تعجب می‌کند که

اگر بمیرم چطور دوباره زنده می‌شوم

﴿۶۷﴾ أَوْ لَا يَذْكُرُ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ يَكُ شَيْئًا چرا فکر نمی‌کند

که پیش‌ازین هیچ نبود و ما او را آفریده‌ایم

﴿۶۸﴾ فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا آری

والله! همه آنها و شیاطین را زنده می‌کنیم و به صحرای قیامت می‌کشانیم و بعد در برابر آتشی که خودشان آن را روشن کرده‌اند به زانو درمی‌آوریم *

* خداوند با به‌کارگیری کلمات یَصْلَوْنَهَا وَيَصْلَى سَعِيرًا و امثال آن ساخت و صنعت جهنم را به کفار نسبت می‌دهد. همین آتشی که در دنیا به جان مظلومین می‌اندازند در حکومت عادلانه خدا به خودشان برمی‌گردد.

﴿۶۹﴾ ثُمَّ لَنَنْزِعَنَّ مِنْ كُلِّ شِيعَةٍ أَيُّهُمْ أَشَدُّ عَلَى الرَّحْمَنِ عِتِيًّا و بعد متجاوزین و

متجاسرین درجه اول را برای محاکمه و حسابرسی جلب می‌کنیم

﴿۷۰﴾ ثُمَّ لَنَحْنُ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ هُمْ أَوْلَىٰ بِهَا صِلِيًّا و ما خودمان آگاه‌تریم که چه

کسانی سزاوارترین افراد برای خلود در جهنم خواهند بود

﴿۷۱﴾ وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا چاره‌ای نیست جز

اینکه به اجبار زندگی، همه کس وارد آتشی می‌شوند که محصول کفر و گناه است (زیرا راه آسایش از فرسایش می‌گذرد)

﴿۷۲﴾ **ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا** پس از ورود، کسانی را

که اهل تقوا بوده‌اند نجات می‌دهیم و ستم‌کاران تاریخ را در همانجا به حال عجز و ناتوانی رها می‌کنیم

﴿۷۳﴾ **وَإِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا أَيُّ**

الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَّقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا وقتی که آیات ما روشن تلاوت می‌شد، کفار به مؤمنین می‌گفتند و فخر می‌کردند که: زندگی و منزلت کدام یک از ما دو گروه بهتر است؟

﴿۷۴﴾ **وَكَمۡ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّن قَرْنٍ هُمْ أَحْسَنُ أَثْنًا وَرِعِيًّا** چرا فکر نمی‌کنند که

این همه ثروتمندان و قدرتمندان تاریخ را که مقام و منزلتشان از آن‌ها بهتر بوده به دست هلاکت سپرده‌ایم

﴿۷۵﴾ **قُلۡ مَن كَانَ فِي الضَّلَالَةِ فَلْيَمْدُدۡ لَهُ الرَّحْمَنُ مَدًّا حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ**

إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَن هُوَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضْعَفُ جُنْدًا بگو:

تدبیر خداوند این است که به قدرتمندان و ثروتمندان مهلت می‌دهد تا در حال غفلت به وعده خدا برسند و با عذاب و یا ساعت قیامت روبه‌رو شوند، در آنجا معلوم می‌شود کدام یک از دو گروه وضعشان بهتر است

﴿۷۶﴾ **وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى وَالْبَاقِيَتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا**

وَخَيْرٌ مَّرَدًّا خداوند اهل تقوا را بهتر و بیشتر هدایت می‌کند، اعمال صالح از نظر

بهره‌دهی در آخر زندگی بهتر و پایدارتر است

﴿۷۷﴾ أَفَرَعَيْتَ الَّذِي كَفَرَ بِآيَاتِنَا وَقَالَ لَأُوتِيَنَّ مَالًا وَوَلَدًا

منطق کسانی که کافر به آیات خدا شده‌اند، چقدر احمقانه است که می‌گویند: در همین راه و مرام به مال و اولاد خوبی خواهیم رسید

﴿۷۸﴾ أَطَّلَعَ الْغَيْبَ أَمْ أُتِّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا

آنها علم غیب دارند یا از خدا عهد و پیمان گرفته‌اند که به آنچه انتظار دارند باید برسند؟

﴿۷۹﴾ كَلَّا سَنَكْتُبُ مَا يَقُولُ وَنَمُدُّ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ مَدًّا

تمامی این خاطره‌های غلط را در لوح دلش می‌نویسیم و او را به سوی هدفش که همان جهنم است، می‌کشانیم

﴿۸۰﴾ وَنَرِيئُهُ مَا يَقُولُ وَيَأْتِينَا فَرْدًا

نتایج آنچه می‌گویند و می‌کنند، به نفع ماست و او تنها و با دست خالی وارد محشر می‌شود

﴿۸۱﴾ وَأُتِّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ ءَالِهَةً لَّيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا

آنها به جای خدا از خدایان دروغین اطاعت کردند تا به عزت و عظمت برسند

﴿۸۲﴾ كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا

آن خدایان اطاعت و عبادت آنها را قبول ندارند و با آنها ضدیت خواهند کرد

﴿۸۳﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تُوَزُّهُمْ أَرَاًّا

مگر نمی‌بینی که شیاطین چگونه بر کفار مسلط می‌شوند که آنها را به هر جا که می‌خواهند می‌کشند (اگر اطاعت خدا نکنیم، اطاعت شیطان قهری است)

﴿۸۴﴾ فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَدًّا

برای گرفتاری و مجازات آنها

شتاب نکن که ما مدتی به آنها مهلت داده‌ایم

﴿۸۵﴾ **يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفَدًا** فردا که اهل تقوا گروه‌گروه به صورت میهمان به سوی خدای رحمان حرکت کنند

﴿۸۶﴾ **وَنَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وِرْدًا** مجرمین و جنایت‌کاران را هم گروه گروه به سوی جهنم می‌رانیم

﴿۸۷﴾ **لَا يَمْلِكُونَ الشَّفْعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا** کسی قدرت شفاعت از آنها ندارد مگر که عهد و پیمانی از خدا داشته باشد

﴿۸۸﴾ **وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا** مسیحیان گفتند: خدا عیسی را به‌جای فرزند خود اختیار نموده است

﴿۸۹﴾ **لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِدًّا** آنها قول و عقیده زشت و باطلی اظهار می‌دارند

﴿۹۰﴾ **تَكَادُ السَّمَوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا** چنان که از این عقیده باطل آسمان و یا سازمان علم و دانش متلاشی می‌شود، زمین شکاف برمی‌دارد و کوه‌ها منهدم می‌شود *

* خرافات یا عقیده افسانه‌ای، انسان را از علم و دانش محروم و او را به جهل و حماقت می‌کشاند. این اعتقاد که خدا مانند انسان‌ها زن و فرزند دارد. خدا را از مقام خدایی‌اش که منزله از شباهت و جود و صفاتی به خلق است، تنزل می‌دهد و او را در وضع مخلوق قرار می‌دهد در نتیجه انسان را از خالق شناسی و مخلوق شناسی محروم می‌کند و او را از معرفت درست که هدف خدا از خلقت عالم و آدم است، بازمی‌دارد. لذا خلقت لغویت پیدا می‌کند. جا دارد که آسمان‌ها متلاشی شود.

﴿۹۱﴾ أَنْ دَعَوْا لِلرَّحْمَنِ وَلَدًا برای خدا زادوولد قائل شده‌اند

﴿۹۲﴾ وَمَا يَنْبَغِي لِلرَّحْمَنِ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا شایسته مقام ربوبیت نیست که فرزند داشته باشد

﴿۹۳﴾ إِنْ كُلُّ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتِيَ الرَّحْمَنِ عَبْدًا هر چه هست در آسمان‌ها و زمین، مخلوق خداوند متعال و بنده اوست

﴿۹۴﴾ لَقَدْ أَحْصَاهُمْ وَعَدَّهُمْ عَدًّا تمامی آن‌ها را با مشخصات دانسته و شمارش کرده است (زیرا مخلوقات قابل اشاره و شمارش و متناهی هستند)

﴿۹۵﴾ وَكُلُّهُمْ عِندَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَرْدًا همه آن‌ها روز قیامت تنها و بدون مال و سرمایه در حاکمیت خداوند قرار می‌گیرند

﴿۹۶﴾ إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا کسانی که اهل ایمان و عمل صالح‌اند به پاداش عمل نیک خدا آن‌ها را محبوب دل‌ها قرار می‌دهد

﴿۹۷﴾ فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا ما این قرآن را ساده و آسان بر دل تو نازل کردیم تا با آن متقین را به آینده نیک مژده داده و قوم لجوج و عنود را بترسانی

﴿۹۸﴾ وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّنْ قَرْنٍ هَلْ نُحِشُّ مِنْهُمْ مِّنْ أَحَدٍ أَوْ تَسْمَعُ لَهُمْ رِكْزًا چقدر اقوام گذشته را هلاک نمودیم، آیا وجود آن‌ها را احساس می‌کنی و یا صدای آن‌ها را می‌شنوی؟

در این سوره، خداوند کیفیت رابطه خود را با موسی و عجایب داستان او را ذکر می کند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ طه، ها (حروف در کلمات اشاره می شود به اصول اولیه خلایق و مبادی آفرینش)

﴿۲﴾ مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَىٰ ما قرآن را به این منظور نازل نکردیم که خود را به مشقت اندازی

﴿۳﴾ إِلَّا تَذَكْرَةً لِّمَن يَخْشَىٰ این کتاب برای کسانی که عظمت خدا را درک می کنند، یادآور علم و حکمت خداوند است

﴿۴﴾ تَنْزِيلًا مِّمَّنْ خَلَقَ الْأَرْضَ وَالسَّمَوَاتِ الْعُلَىٰ از جانب خدایی نازل شده که زمین و عوالم آسمان را آفریده است

﴿۵﴾ الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ أُسْتَوَىٰ خدای رحمان که بر عرش حاکمیت و قدرت قرار گرفته است

﴿۶﴾ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَىٰ هر چه در آسمانها و زمین و آنچه در دل خاک و فضاهاست، مال اوست

﴿۷﴾ وَإِنْ تَجَهَّرَ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَىٰ آشکارا سخن بگویی و یا مخفی، سرّ و آشکارا را یکنواخت می داند

﴿۸﴾ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ٱلْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ او خداست به جز او خدایی نیست،

تمامی اسماء و صفات نیکو مخصوص اوست

﴿۹﴾ **وَهَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَىٰ** بگو ببینم: داستان بعثت و ارتباط خدا با موسی به تو رسیده است؟

﴿۱۰﴾ **إِذْ رَأَىٰ نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَاةٌ نَارًا لَّعَلِّي آتِيكُم مِّنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجْدٍ عَلَىٰ النَّارِ هُدًى** اینجا که آتشی مشاهده کرد، به خانواده‌اش گفت: شما اینجا باشید، نور آتشی مرا جلب کرد، بروم پاره‌ای بیاورم یا به جای دیگر هدایت شوم

﴿۱۱﴾ **فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ يَمْوَسَىٰ** وقتی که آنجا رسید از میان نور صدای خدا را شنید که ای موسی!

﴿۱۲﴾ **إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى** من پروردگار تو هستم، اینجا وادی مقدس طور ولایت است، نعلین خود را درآور*
* وادی مقدس همان جایی است که تو با خدا و خدا با تو تماس می‌گیرد در این وادی نعلین خود را که حب دنیا است، به دور انداز و حب غیر خدا را از دلت بیرون کن

﴿۱۳﴾ **وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَىٰ** من تو را به رسالت اختیار کردم، آنچه را به تو وحی می‌کنم گوش فرادار

﴿۱۴﴾ **إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي** فقط من خدایم به جز من خدایی نیست، بنده من باش و برای یادآوری من نماز را به پادار

﴿۱۵﴾ **إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أُخْفِيهَا لِجُزْئِ كُلِّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَىٰ** ساعت قیامت خواهد آمد، وقت آن را مخفی داشته‌ام تا هرکسی به نتایج اعمال خود مجازات شود

﴿۱۶﴾ **فَلَا يَصُدَّنَّكَ عَنْهَا مَنْ لَّا يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَتَرْدَى** انکار قیامت به

نظر کسانی که ایمان به آن ندارند و از هوای نفس پیروی می کنند، تو را از یاد قیامت باز ندارد که در نتیجه هلاک شوی

﴿۱۷﴾ **وَمَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَا مُوسَى** ای موسی! ببینم، آن چیست که به دست راست خود گرفته‌ای؟

﴿۱۸﴾ **قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّأُ عَلَيْهَا وَأَهُشُّ بِهَا عَلَى غَنَمِي وَلِيَ فِيهَا مَنَاصِبُ أُخْرَى** موسی گفت: عصای من است به آن تکیه می‌زنم، گوسفندان خود را با آن می‌رانم و احتیاجات دیگری که به آن دارم

﴿۱۹﴾ **قَالَ أَلْقِهَا يَا مُوسَى** خدا فرمود: بینداز ببینم چه می‌شود

﴿۲۰﴾ **فَأَلْقَاهَا فَإِذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعَى** موسی عصا را انداخت که دید به صورت ماری روی زمین می‌خزد

﴿۲۱﴾ **قَالَ خُذْهَا وَلَا تَخَفْ سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَى** موسی ترسید، خداوند فرمود: نترس! آن را بردار به صورت اول برمی‌گردانیم

﴿۲۲﴾ **وَأَضْمُ يَدَكَ إِلَى جَنَاحِكَ تَخْرُجَ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ آيَةً أُخْرَى** موسی برداشت، همان عصای اول شد، فرمود: حالا دست به جیب خود وارد کن ببین! چگونه بدون ضرر نورانی می‌شود (این معجزه دیگر)

﴿۲۳﴾ **لِنُرِيكَ مِنْ آيَاتِنَا الْكُبْرَى** خواستم رمز قدرت خود را به تو نمایش دهم (تا مطمئن باشی)

﴿۲۴﴾ **أَذْهَبَ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى** و حالا مأموری به سوی فرعون بروی که چون

کوه آتش فشان طغیان کرده است

﴿۲۵﴾ قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي
موسی عرض کرد: پروردگارا! دانش و بینش
مرا زیاد کن

﴿۲۶﴾ وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي
امر دعوت و نبوت مرا آسان گردان

﴿۲۷﴾ وَأَحْلِلْ عُقْدَةَ مِنِّ لِسَانِي
بیان مرا رسا و ساده کن (گره از زبانم بردار)

﴿۲۸﴾ يَفْقَهُوا قَوْلِي
تا مردم گفتار مرا درک نمایند

﴿۲۹﴾ وَأَجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِي
یک نفر معاون و مسئول از خانواده‌ام معین فرما

﴿۳۰﴾ هَارُونَ أَخِي
برادرم هارون را تا کمک من باشد

﴿۳۱﴾ أَشَدُّ بِهِمْ أَزْرِي
پشت مرا به وسیله او محکم فرما

﴿۳۲﴾ وَأَشْرِكُهُ فِي أَمْرِي
او را در کار نبوت من، شریک فرما

﴿۳۳﴾ كَيْ نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا
تا تو را بیشتر از این تسبیح و تقدیس کنیم

﴿۳۴﴾ وَنَذْكُرَكَ كَثِيرًا
و دائم به یاد تو باشیم

﴿۳۵﴾ إِنَّكَ كُنْتَ بِنَا بَصِيرًا
خودت به موارد ضعف و قدرت ما آگاهی

﴿۳۶﴾ قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَا مُوسَى
خدا فرمود: مانعی ندارد، آنچه خواستی

برای تو مهیا کردم

﴿۳۷﴾ وَلَقَدْ مَنَّا عَلَيْكَ مَرَّةً أُخْرَى
مرتبه دیگر تو را مشمول عنایت خود قرار

دادم (کودکی خود را به یاد آور)

﴿۳۸﴾ إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّكَ مَا يُوحَىٰ
که برای حفظ جان تو آنچه لازم بود به مادرت

وحی کردم

﴿۳۹﴾ أَنْ أَقْدِفِيهِ فِي التَّابُوتِ فَأَقْدِفِيهِ فِي الْيَمِّ فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ بِالسَّاحِلِ يَأْخُذْهُ عَدُوٌّ لِي وَعَدُوٌّ لَهُ وَالْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةٌ مِّنِّي وَلِتُصْنَعَ عَلَى عَيْنِي

گفتم: کودک خود را در صندوقی به امواج دریا بسپار، دریا او را به ساحل نجات می کشاند، دشمن من و او کودک را می گیرد، در قیافه تو جاذبه آفریدم تا در نظارت خودم تربیت شوی

﴿۴۰﴾ إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَن يَكْفُلُهُ ۗ فَرَجَعْنَاكَ إِلَىٰ أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ ۗ وَقَتَلْتَ نَفْسًا فَنَجَّيْنَاكَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنَّاكَ فُتُونًا ۚ فَلَبِثْتَ سِنِينَ فِي أَهْلِ مَدْيَنَ ثُمَّ جِئْتَ عَلَىٰ قَدَرٍ يَا مُوسَىٰ

آنجا که در پی دایه‌ای بودند، خالات به آن‌ها گفت: می خواهید شمارا به خانواده‌ای هدایت کنم که او را کفالت کند ، با این تدبیر تو را به دامن مادر آوردم تا چشمش روشن شود، غم فراق نداشته باشد و باز به یادت باشد که مردی را کشتی تحت تعقیب قرار گرفتی و فرار کردی ، از غم و غصه نجات دادم ، این همه تو را آزمایش کردم ، مدت‌ها در مدین خدمت شعیب و عاقبت تو را در تقدیر خود پای این شجره نورانی آوردم

﴿۴۱﴾ وَأَصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي

ای موسی! من تو را برای رسالت خود تربیت نمودم

﴿۴۲﴾ أَذْهَبُ أَنْتَ وَأَخُوكَ بِآيَاتِي وَلَا تَنِيَا فِي ذِكْرِي

تو و برادرت همراه این معجزات به سوی فرعون بروید و در انجام مأموریت سستی نکنید

﴿۴۳﴾ أَذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ

حتماً بروید که او طغیان کرده است

﴿۴۴﴾ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ

با لحن و بیان ساده او را دعوت و نصیحت کنید شاید بفهمد و از خدا بترسد

﴿۴۵﴾ قَالَا رَبَّنَا إِنَّنَا نَخَافُ أَنْ يَفْرُطَ عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يَطْغَىٰ
 پروردگارا! ما می ترسیم بر ما بتازد و یا طغیان کند

﴿۴۶﴾ قَالَ لَا تَخَافَا إِنِّي مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَأَرَىٰ
 خدا فرمود: نترسید! ، من با شما هستم، می شنوم و می بینم

﴿۴۷﴾ فَأْتِيَاهُ فَقُولَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا تُعَذِّبْهُمْ قَدْ جِئْنَاكَ بِبَيِّنَاتٍ مِّن رَّبِّكَ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَىٰ
 خدا هستیم که بنی اسرائیل را به ما بسپاری، آن‌ها را آزاد کنی و شکنجه ننمایی ، ما آیت الهی داریم ، سلامتی مخصوص کسانی است که از هدایت خدا پیروی کنند

﴿۴۸﴾ إِنَّا قَدْ أُوحِيَ إِلَيْنَا أَنَّ الْعَذَابَ عَلَىٰ مَن كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ
 رسیده است که هر کس دین خدا را تکذیب کند و در حاکمیت هوای نفس قرار گیرد، به عذاب خدا گرفتار می شود

﴿۴۹﴾ قَالَ فَمَنْ رَبُّكُمَا يَا مُوسَىٰ
 فرعون متکبرانه گفت: بینم خدای شما کیست؟

﴿۵۰﴾ قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَىٰ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَىٰ
 کسی است که هر مخلوقی را آفریده و هدایت کرده است

﴿۵۱﴾ قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُونِ الْأُولَىٰ
 فرعون گفت: پس گذشتگان تاریخ کجا رفته اند

﴿۵۲﴾ قَالَ عَلِمْتُهَا عِنْدَ رَبِّي فِي كِتَابٍ لَّا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنْسَىٰ
 به حال آن‌ها آگاه است، نام آن‌ها در کتاب ثبت است، گم نمی شوند ، خدا آن‌ها را فراموش نمی کند

﴿۵۳﴾ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّن نَّبَاتٍ شَتَّى خدا کسی است که زمین را مهد تربیت قرار داده و این همه راه معاش و زندگی آفریده است، می فرماید: ما از آسمان آب نازل می کنیم و این همه زراعت ها و میوه برای شما خلق می کنیم

﴿۵۴﴾ كُلُوا وَارْعَوْا أَنْعَمَكُمُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ تا شما از آن میوه ها

بخورید و حیوانات خود را بچرانید، این آفرینش برای خردمندان آیت الهی است

﴿۵۵﴾ مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى خداوند

می فرماید: ما شما را از آب و خاک زمین آفریدیم، بعد شما را به خاک زمین برمی گردانیم، دو مرتبه شما را از خاک بیرون می آوریم

﴿۵۶﴾ وَلَقَدْ أَرَيْنَاهُ آيَاتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ وَأَبَى ما این همه آیات و معجزات به فرعون

نشان دادیم، او همه را تکذیب نمود و از قبول دین امتناع کرد

﴿۵۷﴾ قَالَ أَجِئْتَنَا لِتُخْرِجَنَا مِنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِكَ يَا مُوسَى به موسی پر خاش نمود

که: آمده ای با سحر خود ما را از این سرزمین خارج کنی؟

﴿۵۸﴾ فَلَنَأْتِيَنَّكَ بِسِحْرِ مِثْلِهِ فَأَجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ مَوْعِدًا لَا نُخْلِفُهُ نَحْنُ وَلَا

أَنْتَ مَكَانًا سُوَّى ما هم مانند تو سحر و جادو می آوریم، زمان و مکانی را معین

کنید ما و شما آنجا حاضر شویم

﴿۵۹﴾ قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمَ الزَّيْنَةِ وَأَنْ يُحْشَرَ النَّاسُ ضَحَى موسی فرمود: وعده گاه

ما روز عید باشد، مردم روز روشن آنجا حاضر شوند

﴿۶۰﴾ فَتَوَلَّى فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ كَيْدَهُ ثُمَّ أَتَى فرعون به رأی و نظر خود تمامی

نقشه‌های خود را اجرا کرد و آماده شد

﴿۶۱﴾ قَالَ لَهُمْ مُوسَىٰ وَيْلَكُمْ لَا تَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَيُسْحِتَكُمْ بِعَذَابٍ ۖ وَقَدْ

خَابَ مَنِ افْتَرَىٰ ساحران همه جمع شدند، موسی آن‌ها را نصیحت کرد که سحر

خود را به خدا نسبت ندهید که خدا شما را به عذاب بکشد، کسی که به خدا دروغ

ببندد، ناامید می‌شود

﴿۶۲﴾ فَتَنْزَعُوا أَمْرَهُم بَيْنَهُمْ وَأَسْرُوا النَّجْوَىٰ ساحران و فرعونیان به بحث و

جدال افتادند که

﴿۶۳﴾ قَالُوا إِنَّ هَذَانِ لَسَاحِرُونَ يُرِيدَانِ أَنْ يُخْرِجَاكُم مِّنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِمَا

وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ الْمُثَلَّىٰ این دو نفر ساحر ماهری هستند که می‌خواهند با سحر

خود شما را از این مملکت برانند و این تمدن عالی را از شما بگیرند

﴿۶۴﴾ فَأَجْمِعُوا كَيْدَكُمْ ثُمَّ اتُّوْا صَفًّا وَقَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنِ اسْتَعْلَىٰ فرعون به

ساحران گفت: کار خود را جدی بگیرید، فردا با تمامی وسایل سحر خود حاضر شوید

و بدانید که هر کس امتیاز آورد، درست کار است

﴿۶۵﴾ قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِمَّا أَنْ تُلْقَىٰ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَىٰ ساحران به موسی

گفتند: تو اول نمایش می‌دهی و یا ما اول هنر خود را به نمایش درآوریم؟

﴿۶۶﴾ قَالَ بَلْ أَلْقُوا فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَىٰ

موسی گفت: اول شما، آن‌ها ریسمان‌ها و عصاهای خود را انداختند، به خیال مردم

چنان آمد که ریسمان‌ها حرکت می‌کنند

﴿۶۷﴾ فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُّوسَىٰ موسی پیش خود نگران شد که مبادا مردم

فریفته شوند و بر او بتازند

﴿۶۸﴾ قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَىٰ
ما به موسی گفتیم: نترس که پیروزی با تو خواهد بود

﴿۶۹﴾ وَالَّذِي مَأْتِيكَ تَلَقَّفْ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدٌ سَاحِرٌ وَلَا يُفْلِحُ
السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَىٰ
عصای خود را بپنداز که آنچه ساخته‌اند می‌بلعد زیرا سحر
نمایش خلاف حقیقت است، حق که ظاهر شد باطل نابود است

﴿۷۰﴾ فَأَلْقَى السَّحْرَةَ سُجَّدًا قَالُوا ءَامَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَىٰ
شندند و گفتند: ما به خدای موسی و هارون ایمان آوردیم
ساحران تسلیم

﴿۷۱﴾ قَالَ ءَامَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ ءَاذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السَّحْرَ
فَلَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِّنْ خَلْفٍ وَأَلْصِقَبَنَّكُمْ فِي جُدُوعِ النَّخْلِ
وَلَتَعْلَمُنَّ أَيُّنَا أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْقَىٰ
فرعون گفت: چرا پیش از اذن و اجازه من ایمان
آوردید ، معلوم شد مکر و سیاستی است که استاد به شما آموخته است ، من دست و
پای شما را خلاف یکدیگر قطع می‌کنم، شما را بر شاخه درخت می‌آویزم، معلوم خواهد
شد کدام یک از ما پایدارتر و عذابش سخت‌تر است

﴿۷۲﴾ قَالُوا لَنْ نُؤْتِيَكَ عَلَىٰ مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي فَطَرَنَا فَاقْضِ مَا أَنْتَ
قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا
ساحران گفتند: ما رأی تو را بعد از ظهور
دلایل حق و حقانیت موسی بر خدایی که ما را آفریده، ترجیح نمی‌دهیم ، هر طور دلت
می‌خواهد قضاوت کن ، فقط قضاوت دنیا به دست تو است

﴿۷۳﴾ إِنَّا ءَامَنَّا بِرَبِّنَا لِيَغْفِرَ لَنَا خَطَايَنَا وَمَا أَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ مِنَ السَّحْرِ وَاللَّهُ خَيْرٌ

وَأَبْقَى ما به پروردگار خود ایمان آوردیم تا از خطاها و سحر و جادوها که ما را بر آن مجبور کردی بگذرد، لطف خداوند بهتر و پایدارتر است

﴿۷۴﴾ إِنَّهُ مَن يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى حقیقت این است که هر کس با پرونده کفر و گناه در دایره حکومت خدا واقع شود، گرفتار آتش می شود که در آنجا نه مرگ دارد و نه هم زندگی

﴿۷۵﴾ وَمَن يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى و هر کس با پرونده ایمان و عمل صالح وارد شود، در درجات عالی بهشتی قرار می گیرد

﴿۷۶﴾ جَنَّتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ مَن تَزَكَّى آن بهشت، علم و قدرتی است که انسان به آن مجهز می شود و نعمت ها چون نهر از آن جریان پیدا می کند و این پاداش کسی است که خود را تزکیه نماید

﴿۷۷﴾ وَلَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَن أَسْرِ بِعِبَادِي فَاصْرِبْ لَهُمُ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا لَا تَخَفْ دَرَكًا وَلَا تَخْشَى (با همه این آیات، فرعون به کفر خود ادامه داد) ما به موسی دستور دادیم امت خود را به فلسطین کوچ دهد، خدا از دریا راه خیابانی به روی او باز می کند، از تعقیب فرعون نترسد و اهمیت ندهد

﴿۷۸﴾ فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ بِجُنُودِهِ فَغَشِيَهُم مِّنَ الْيَمِّ مَا غَشِيَهُمْ موسی کوچ کرد و فرعون با لشکر او را تعقیب نمود، به خیابان های دریایی وارد شد، دیوارهایی از آب برابر صد متر ارتفاع فروریخت و او را فراگرفت

﴿۷۹﴾ وَأَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ وَمَا هَدَى فرعون قوم خود را به گمراهی کشید، آن ها را هدایت نکرد

﴿۸۰﴾ يَبْنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ أَنْجَيْنَاكَ مِنْ عَدُوِّكَمْ وَوَعَدْنَاكُمْ جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَىٰ
ای بنی اسرائیل! من شمارا از شر دشمنان نجات دادم، از جانب طور ایمن وعده کتاب دادم، غذای من و سلوا برایتان نازل نمودم

﴿۸۱﴾ كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي ۗ وَمَنْ يَحِلِّ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ
به شما اجازه دادم از آن روزی‌های طیب و طاهر بخورید و از حکم خدا تجاوز نکنید که خشم من شمارا فرامی‌گیرد، کسی که خشم من او را فراگیرد هلاک می‌شود

﴿۸۲﴾ وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَىٰ
من به کسانی که توبه می‌کنند و ایمان می‌آورند، عمل صالح به جا می‌آورند و هدایت پذیرند، آمرزنده و آموزنده‌ام

﴿۸۳﴾ ﴿۱﴾ وَمَا أَعْجَلَكَ عَنْ قَوْمِكَ يَا مُوسَىٰ
(موسی طبق وعده خدا به کوه طور رفت) خدا فرمود: قوم خود را رها کردی و با عجله آمدی؟

﴿۸۴﴾ قَالَ هُمْ أَوْلَاءِ عَلَىٰ أَثَرِي وَعَجِلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَىٰ
موسی عرض کرد: پروردگارا! آن‌ها هم پشت سر من می‌آیند، من زودتر آمدم که از من راضی باشی

﴿۸۵﴾ قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ
خدا فرمود: موسی! خبر نداری که من آن‌ها را در بوته آزمایش گذاشتم، سامری آن‌ها را گمراه کرد

﴿۸۶﴾ فَرَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ يَقَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعَدًّا حَسَنًا أَفَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ أَمْ أَرَدْتُمْ أَنْ يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِّنْ رَبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُمْ مَّوْعِدِي
موسی با خشم و اندوه به سوی قوم خود برگشت و به آن‌ها

پرخاش کرد که مگر خدا وعده خوبی به شما نداد، عهد الهی طولانی شد و یا خواستید که در معرض غضب خدا واقع شوید که خلف وعده نمودید و گمراه شدید؟

﴿۸۷﴾ قَالُوا مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلِكِنَا وَلَكِنَّا حَمَلْنَا أَوْزَارًا مِّن زِينَةِ الْقَوْمِ

فَقَدَفْنَاهَا فَكَذَلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ
عرض کردند: ما به اراده خود خلف وعده نکردیم ولیکن سامری ما را مسئول جمع آوری طلاجات مردم کرد و آنها را به قالب ریخت

﴿۸۸﴾ فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُورٌ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمْ وَإِلَهُ مُوسَىٰ فَنَسِي

و مجسمه گوساله‌ای ساخت که خارخار می‌کرد و گفت: خدای شما و خدای موسی همین گوساله است و او عهد و پیمان خدا را فراموش کرد

﴿۸۹﴾ أَفَلَا يَرَوْنَ إِلَّا يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ قَوْلًا وَلَا يَمْلِكُ لَهُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا

مگر ندیدند که گوساله با آنها سخن نمی‌گوید و نفع و ضرری به حال آنها ندارد

﴿۹۰﴾ وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِن قَبْلُ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ

فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي
پیش از این هارون به آنها گفت که ای مردم! گرفتار فتنه سامری شدید، پروردگار شما خدای رحمان است، از من پیروی کنید و از من اطاعت نمایید

﴿۹۱﴾ قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّىٰ يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَىٰ

جواب دادند که: فعلاً در این گوساله پرستی هستیم تا موسی به سوی ما بر گردد

﴿۹۲﴾ قَالَ يَهْرُونَ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا

موسی از وعده گاه الهی برگشت، به برادرش پرخاش کرد که چرا مانع گمراهی آنها نشدی

﴿۹۳﴾ **أَلَا تَتَّبِعُنَّ أَفْعَصِيَّتْ أَمْرِي** چرا از من پیروی نکردی و امر مرا نافرمانی کردی؟

﴿۹۴﴾ **قَالَ يَبْنَؤُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي** هارون گفت: برادرم ریش مرا نگیر و آزارم نکن ، ترسیدم ایراد بگیری که بین بنی اسرائیل تفرقه انداختی و به انتظار دستور من ننشستی

﴿۹۵﴾ **قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَا سَمِيرِيُّ** بعد موسی متعرض سامری شد که چه فتنه‌ای به پا کرده‌ای؟

﴿۹۶﴾ **قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِّنْ أَثَرِ الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا وَكَذَلِكَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي** سامری گفت: از سیاست رسول چیزی دانستم که شما ندانستید، به وسوسه خودم خدایی برای آن‌ها ساختم *

* قوم موسی که بت‌ها را دیدند گفتند: ما هم از این خداها می‌خواهیم، موسی پرخاش کرد که بت پرستان گمراه‌اند. سامری فهمید که آن‌ها خدای مصنوعی می‌خواهند، برای آن‌ها گوساله درست کرد. به همین مناسبت گفت: (بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ). وقتی که سامری مشاهده کرد قوم موسی عقل خدانشناسی ندارند که به موسی می‌گویند: چرا برای ما خدا درست نمی‌کنی؟، این دهاتی‌ها هر کدام خدایی دارند و می‌پرستند. سامری از ضعف عقل آن‌ها استفاده کرد و در غیبت موسی برای آن‌ها گوساله طلایی ساخت و گفت: خدای شما و خدای موسی همین است.

﴿۹۷﴾ **قَالَ فَاذْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَإِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَّنْ يُخْلَفَهُ وَانْظُرْ إِلَى إِلْهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَّنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا** موسی گفت: از میان مردم بیرون شو، کسی با تو تماس نگیرد ، به امر خدا سرنوشتی داری که غیر آن نمی‌شود ، ببین با خدایی که ساختی چه می‌کنم ، آن را

می سوزانم، خاکسترش را به دریا می ریزم

﴿۹۸﴾ إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا خدای شما

خدایی است که جز او خدایی نیست، علم او محیط به همه کس و همه چیز است

﴿۹۹﴾ كَذَلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ مَا قَدْ سَبَقَ وَقَدْ آتَيْنَاكَ مِنْ لَدُنَّا ذِكْرًا

این مطالب قسمتی از داستان‌های گذشته است که برای تو بازگو می‌کنیم، قرآن علم تازه‌ای است که بر تو نازل کردیم

﴿۱۰۰﴾ مَنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُ يَحْمِلُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وِزْرًا کسی که از این قرآن

اعراض کند، وزر و وبال آن را خواهد دید

﴿۱۰۱﴾ خَالِدِينَ فِيهِ وَسَاءَ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حِمْلًا در آن وزر و وبال خواهد ماند،

چه بدبار سنگینی که به دوش می‌گیرد

﴿۱۰۲﴾ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا روزی که دوباره روح

حیات در ابدان دمیده شود، جنایت‌کاران را با چهره سیاه و کبود محشور خواهیم کرد

﴿۱۰۳﴾ يَتَخَفَتُونَ بَيْنَهُمْ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا عَشْرًا در آن حال سر به میان هم برده

گفتگو خواهند کرد که به جز ده روزی زندگی نداشتیم

﴿۱۰۴﴾ مَنُحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ إِذْ يَقُولُ أَمْثَلُهُمْ طَرِيقَةً إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا يَوْمًا ما داناتر

هستیم که آنجا باهم چه می‌گویند، عاقل‌ترین آن‌ها خواهد گفت که: نه، یک روز بیشتر زندگی نکردیم

﴿۱۰۵﴾ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا درباره سرنوشت کوه‌ها

(ابرقدرت‌ها) از تو می‌پرسند که عاقبت آن‌ها چه خواهد شد؟ بگو: خدا آن‌ها را می‌کوبد تا گردوغبار شوند

﴿۱۰۶﴾ **فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا** دنیا را به صورت سطحی هموار رها خواهد کرد

﴿۱۰۷﴾ **لَّا تَرَىٰ فِيهَا عِوَجًا وَلَا أَمْتًا** آن وقت خواهی دید که آن‌ها را به صورت بیابان یکسان خواهد کرد، کره زمین (سطح جامعه) هموار خواهد شد که پست و بلندی در کار نباشد *

* همان‌طور که خداوند در سطح زمین کوه‌هایی به‌وجود آورده تا زمین را از لرزش و اضطراب حفظ کند، در اجتماع بشری هم ابرقدرت‌هایی مادی و مذهبی به‌وجود آورده تا مردم را از نگرانی مادی و معنوی محفوظ بدارند. این ابرقدرت‌ها در مقدمه قیامت متلاشی می‌شوند و موقعیت خود را از دست می‌دهند زیرا همین ریاست‌ها و ابرقدرت‌ها مانع ظهور حکومت الهی به‌رهبری ائمه اطهار(ع) هستند. پس باید محبوبیت خود را از دست بدهند و از سر راه افکار مردم برداشته شوند. برای اینکه آن‌ها امتیاز وجودی نداشته‌اند که بر گرده مردم سوار شده‌اند و روز قیامت به‌صورت واقعی خود شناخته می‌شوند که یا با سایر مردم در یک سطح‌اند و یا پایین‌تر.

﴿۱۰۸﴾ **يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ لَا عِوَجَ لَهُ^ط وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ**

إِلَّا هَمْسًا در این روز تمام مردم در برابر دعوت داعی الهی قرار می‌گیرند که داعی به‌حق است، سر و صداها و داعیه‌ها در برابر مظاهر رحمت خداوند ساکت و صامت‌اند که به‌جز هیس و هیس، صدایی نیست

﴿۱۰۹﴾ **يَوْمَئِذٍ لَا تَنفَعُ الشَّفَعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا** در این

روز شفاعت شفاعت‌کنندگان به‌جز برای کسانی که خدا از آن‌ها راضی باشد و گفتار آن‌ها را بپسندد سودی ندارد

﴿۱۱۰﴾ **يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ^ط عِلْمًا** خدا آثار اعمال

زمان و آینده آن‌ها را می‌داند و آن‌ها به علم خدا احاطه ندارند

﴿۱۱۱﴾ وَعَنْتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا در این روز

ابر قدرت‌ها در برابر خداوند حیّ قیوم، خاضع و تسلیم هستند، فقط کسانی ناامیدند که ظالم و ستم کار بوده‌اند

﴿۱۱۲﴾ وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا اما

کسانی که اهل ایمان و عمل صالح بوده‌اند، نترسند که به آن‌ها ظلم شود یا عملشان ضایع شود

﴿۱۱۳﴾ وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ

يُحَدِّثُ لَهُمْ ذِكْرًا ما به این کیفیت قرآن را به زبان عربی نازل کردیم و در آن گناه‌کار را تهدید نمودیم شاید که روح تقوا پیدا کنند یا حقیقت را درک نمایند

﴿۱۱۴﴾ فَتَعَلَى اللَّهِ الْمَلِكُ الْحَقُّ وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ

وَحِيَّتُهُ وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا خدایی که سلطان حق است، فوق افکار مردم است، در اجرای احکام قرآن، پیش از آن که دستوری برسد شتاب نکن و از خدا بخواه تا سطح دانش تو را بالا ببرد

﴿۱۱۵﴾ وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلِ فَنَسَىٰ وَلَمْ نُجِدْ لَهُ عَزْمًا پیش از این با

آدم عهد و پیمان بستیم که در اطاعت اولیاء خدا باشد، فراموش کرد، عزم قاطعی در او نیافتیم

﴿۱۱۶﴾ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَكِئَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ به فرشتگان

گفتم: همه تسلیم آدم باشند، همه سجده کردند به جز ابلیس که امتناع کرد

﴿۱۱۷﴾ قُلْنَا يٰۤاٰدَمُ اِنَّ هٰذَا عَدُوٌّ لَّكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكَ مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَىٰ

به آدم گفتیم: ابلیس دشمن تو و همسرت است مبادا شمارا از بهشت اخراج کند، به مشقت اندازد

﴿۱۱۸﴾ اِنَّ لَكَ اَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَىٰ

اگر در بهشت بمانی، گرسنگی و برهنگی نخواهی دید

﴿۱۱۹﴾ وَاَنَّكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَصْحَىٰ

و همچنین تشنگی و آفتاب زدگی نخواهی داشت

﴿۱۲۰﴾ فَوَسْوَسَ اِلَيْهِ الشَّيْطٰنُ قَالَ يٰۤاٰدَمُ هَلْ اَدُلُّكَ عَلٰى شَجَرَةٍ الْخُلْدِ وَمَلِكٍ

لَا يَبۜىٔ ۙ شيطان او را وسوسه کرد که ای آدم! می خواهی تو را به درختی هدایت کنم که در سایه آن جاوید باشی و پادشاهی غیر قابل زوال داشته باشی

﴿۱۲۱﴾ فَاَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتۙ لَهُمَا سَوۜءَاتُهُمَا وَطَفِقَا يَخۜصِفٰنِ عَلَیۙهِمَا مِنۢ وَرَقٍ

الْجَنَّةِ وَعَصَىٰ ءَادَمُ رَبَّهُ فَغَوَىٰ ۙ آن ها را به سایه شجره هوای نفس کشانید، صفات بد آن ها آشکار شد، از ترس رسوایی خود را در پوشش صفات نیک بهشتیان قراردادند، آدم نافرمانی خدا کرد و گمراه شد

﴿۱۲۲﴾ ثُمَّ اٰجَبۙتُهٗ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَیۙهِ وَهَدٰى

بعد از آن توبه کرد، خداوند به او امتیاز داد و هدایت فرمود

﴿۱۲۳﴾ قَالَ اٰهۜبۙطَا مِنْهَا جَمِیۙعًا بَعۜضُكُمۢ لِبَعۜضٍ عَدُوٌّ فَاِمَّا یٰۤاْتِیۙنَکُمۡ مِّنۡیۙ هُدٰى

فَمَنۢ تَبِعَ هُدٰىیۙ فَلَا یَضِلُّ وَلَا یَشۜقِ ۙ و گفت: ای آدم! لازم است در همین هبوط گاه دنیا بمانید، با یکدیگر در نزاع و دشمنی باشید، من کتاب و هدایت به شما

می‌رسانم، هر کس از هدایت من پیروی کند گمراه نمی‌شود و شقاوت ندارد

﴿۱۲۴﴾ وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَعْمَى و هر کس از دین من اعراض کند، در زندگی سختی قرار می‌گیرد و نابینا وارد صحرای محشر می‌شود

﴿۱۲۵﴾ قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا آنجا داد می‌زند پروردگارا! من بینا بودم چرا نابینا وارد محشر شدم

﴿۱۲۶﴾ قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيَتْهَا ۖ كَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى جواب می‌شنود که: تو در دنیا آیات ما را فراموش کردی، امروز از نظر ما به فراموشی سپرده می‌شوی

﴿۱۲۷﴾ وَكَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ ۖ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَى ما اسراف‌گران و کسانی که به آیات ما ایمان نمی‌آورند، این‌طور در دنیا مجازات می‌کنیم ولی عذاب آخرت شدیدتر و باقی‌تر است

﴿۱۲۸﴾ أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسْكِنِهِمْ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ مگر ندیدند چگونه قرون گذشته را هلاک نمودیم که مردم زمان در محل زندگی آنها حرکت دارند، حوادث تاریخ برای مردم درس عبرت است

﴿۱۲۹﴾ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَكَانَ لِزَامًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى اگر تقدیر خدا نبود که همه باید در زندگی آخرت جمع شوند و نتیجه اعمال خود را دریابند، در همین دنیا معذب می‌شدند

﴿۱۳۰﴾ فَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ

عُرُوبَهَا وَمِنْ عَائِيِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَىٰ
 در برابر گفتار و کردار آن‌ها صبر کن و پیش از طلوع و غروب خورشید و نیمه‌های شب و اطراف روز به کمک لطف خدا او را تسبیح کن، شاید پسند خدا واقع شوی

﴿۱۳۱﴾ وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ
 مبادا به ثروت دنیا و نعمت‌هایی که به آن‌ها داده‌ایم خیره شوی، ثروت دنیا نمایش خلاف حقیقت است، با آن، مردم را آزمایش می‌کنیم، نعمت آخرت بهتر و باقی‌تر است

﴿۱۳۲﴾ وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَىٰ
 اهل بیت خود را به نماز امر کن و خود هم به اقامه نماز صبور باش، تو مسئول روزی خود نیستی بلکه ما هستیم و عاقبت به نفع اهل تقوا خواهد بود

﴿۱۳۳﴾ وَقَالُوا لَوْلَا يَأْتِينَا بِآيَةٍ مِنْ رَبِّهِ أَوْ لِمَ تَأْتِيهِمْ بَيِّنَةٌ مَا فِي الصُّحُفِ الْأُولَىٰ
 می‌گویند: چرا از پروردگارش معجزه نمی‌آورد، مگر ما این‌همه دلایل حقانیت پیامبران را برای آن‌ها نیاوردیم؟

﴿۱۳۴﴾ وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ مِّنْ قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا
 فَنتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نُنزِلَ وَنُخْزِي
 اگر پیش از اتمام حجت آن‌ها را هلاک کنیم اعتراض می‌کنند که چرا پیش از ذلت و خواری ما پیامبری نفرستادی؟

﴿۱۳۵﴾ قُلْ كُلُّ مُتَرَبِّصٍ فَتَرَبَّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَىٰ
 بگو: همه ملت‌ها منتظر سرنوشت‌اند، شما هم منتظر باشید، به زودی کسانی را که در راه راست حرکت کرده‌اند و هدایت یافته‌اند، خواهید شناخت.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(جزء ۱۷) ﴿۱﴾ أَقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ
دوران حساب مردم نزدیک شده با اینکه آن‌ها غافل‌اند و از آن اعراض می‌کنند *

* همه جا خداوند از نزدیکی قیامت خبر می‌دهد با اینکه قیامت به حساب زمان و به نظر مردم دور است. این همه زمان‌ها گذشته و هنوز قیامت واقع نشده، پس چطور خداوند می‌فرماید: قیامت نزدیک است و در این سوره هم می‌فرماید: حساب مردم نزدیک شده اما حقیقت این است که هرکسی باید سال عمر خودش را حساب کند که آیا قیامت نزدیک و یا دور است. سال‌های گذشته و آینده که من نبوده‌ام و نیستم به من مربوط نیست. سال من از تولد من تا مرگ است پس فاصله من تا قیامت همین مدت عمر است. میانگین عمر همه انسان‌ها از شصت سال بیشتر نیست. پس هرکسی تا قیامت شصت سال فاصله دارد لذا می‌توانیم به هر کسی بگوییم حسابت نزدیک شده است.

﴿۲﴾ مَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ ذِكْرٍ مِّن رَّبِّهِمْ مُّحَدَّثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ
داستان تازه‌ای از پروردگار برای مردم ظاهر نمی‌شود مگر که گوش می‌دهند و به بازی مشغول می‌شوند

﴿۳﴾ لَا هِيَ قُلُوبُهُمْ وَأَسْرُوا النَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ هَذَا إِلَّا بَشْرٌ مِّثْلُكُمْ أَفَتَأْتُونَ السَّحَرَ وَأَنْتُمْ تَبْصِرُونَ
به لَهو و لعب دل می‌دهند، ستم‌کاران سر به گوش یکدیگر می‌برند که این آقا هم بشری مانند شماست، ادعای نبوت می‌کند، چرا به تماشای سحر او می‌روید با اینکه می‌دانید سحر است

﴿۴﴾ قَالَ رَبِّي يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ
پیامبر فرمود:

خدا گفته شما را می‌داند ، او شنوا و داناست

﴿۵﴾ بَلْ قَالُوا أَضْغَتْ أَحْلَمِ بَلِ افْتَرَنَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بِآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوَّلُونَ
یا می‌گفتند: خواب و خیالات است یا شاعر است و یا به خدا دروغ می‌بندد،
اگر راست می‌گوید، چرا مانند پیامبران معجزه نمی‌آورد؟

﴿۶﴾ مَا ءَامَنْتَ قَبْلَهُمْ مِّنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَفَهُمْ يُؤْمِنُونَ
ما گذشتگان را برای
اینکه ایمان به خدا نیاوردند هلاک نمودیم ، تو انتظار داری آن‌ها ایمان بیاورند

﴿۷﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِمْ فَسَئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ
پیامبران پیش از تو هم رجالی بودند که به آن‌ها وحی نمودیم ، اگر آشنایی
به آن‌ها ندارید، از دانشمندان پرسید

﴿۸﴾ وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا لَا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَمَا كَانُوا خَالِدِينَ
آن‌ها نیز مانند
شما انسان بودند، مانند شما غذا می‌خوردند و در دنیا مخلد نبودند

﴿۹﴾ ثُمَّ صَدَقْنَاهُمُ الْوَعْدَ فَأَنْجَيْنَاهُمْ وَمَنْ نَّشَاءُ وَأَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ
ما به
وعده‌هایی که به آن‌ها دادیم وفا نمودیم، آن‌ها را از آزار مردم نجات دادیم و متجاوزین
را هلاک نمودیم

﴿۱۰﴾ لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ
برای شما مسلمانان
هم کتابی نازل کردیم که دروس خداشناسی و احکام خدا در آن است شاید که قرآن
منشأ فعالیت عقل شما شود

﴿۱۱﴾ وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ
چقدر

زیاد در قرون گذشته ستم کاران را هلاک نمودیم و بعد از آن‌ها اقوام دیگری به وجود آوردیم

﴿۱۲﴾ فَلَمَّا أَحْسَوْا بِأَسَنَّا إِذَا هُمْ مِّنْهَا يَرْكُضُونَ
نمودند، فرار کردند وقتی که عذاب ما را احساس

﴿۱۳﴾ لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَىٰ مَا أَتَرَفْتُمْ فِيهِ وَمَسْكِنِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَسْأَلُونَ
گفتم که: ای فراریان! کجا می‌روید؟، به سوی ناز و نعمت‌ها و خانه‌های خود برگردید شاید بازجویی شوید

﴿۱۴﴾ قَالُوا يَوَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ
آن‌ها در حال فرار می‌گویند: وای به حال ما که ظالم بودیم

﴿۱۵﴾ فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّىٰ جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَمِيدِينَ
ندامت گفت‌وگو می‌کردند تا اینکه به اراده ما خاموش شدند

﴿۱۶﴾ وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لِعِبِينِ
بین آن‌هاست را به بازی نیافریدیم ما آسمان و زمین و آنچه

﴿۱۷﴾ لَوْ أَرَدْنَا أَنْ نَتَّخِذَ لَهُمْ لَهَوًّا لَا نَتَّخِذْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا إِنْ كُنَّا فَاعِلِينَ
به اراده خود آن را به بازی می‌گیریم نه به اراده کفار اگر هم بازی باشد

﴿۱۸﴾ بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمُ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ
ما با کلام و بیان حق باطل را هدف می‌گیریم و آن را نابود می‌کنیم، وای به حال شما اهل باطل و تعریفاتی که از خود دارید

﴿۱۹﴾ وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا

يَسْتَحْسِرُونَ هر که هست در آسمان و زمین، بنده خداست، بندگان مقرب از بندگی تکبر ندارند و پشیمان نمی شوند

﴿۲۰﴾ يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ شبانه روز به ذکر و تسبیح خدا مشغول

هستند و سستی نمی کنند

﴿۲۱﴾ أَمْ اتَّخَذُوا إِلَهًا مِّنَ الْأَرْضِ هُمْ يُنشِرُونَ آیا آن‌ها خدایانی در زمین پیدا

کرده اند که الوهیت آن‌ها را تبلیغ می کنند؟

﴿۲۲﴾ لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ

اگر در آسمان‌ها و زمین خدای دیگری باشد به فساد کشیده می شود، خدای حاکم بر عرش منزله است از آنچه او را وصف می کنند

﴿۲۳﴾ لَا يُسْئَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْئَلُونَ کسی بر اعمال حق اعتراض ندارد (که

حکیمانه است) بلکه افعال مردم قابل اعتراض و بازجویی است

﴿۲۴﴾ أَمْ اتَّخَذُوا مِن دُونِهِ آلِهَةً قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ هَذَا ذِكْرٌ مِّن مَّعِيَ وَذِكْرٌ

مَنْ قَبْلِي بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُمْ مُّعْرِضُونَ آن‌ها به جز خدای مهربان

خدایان دیگری قبول کرده اند، بگو: دلیل خود را بیاورید، این قرآن، دانش همراهان من و دانش گذشتگان است، اکثریت مردم حق را نمی شناسند و از آن اعراض می کنند

﴿۲۵﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ مِن رَّسُولٍ إِلَّا نُوحِيَ إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ

ما رسولی پیش از تو نفرستادیم مگر که به او وحی نمودیم که خدایی به جز من نیست،

فقط مرا پرستش کنید

﴿۲۶﴾ وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ عدهای گفتند: خدا

کسی را به فرزندی پذیرفته است ، منزه است خدا ، تمامی پیامبران ، بندگان مکرم خدا هستند

﴿۲۷﴾ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ که در گفتار و کردار بر خدا

سبقت نمی گیرند، به فرمان او عمل می کنند

﴿۲۸﴾ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَىٰ وَهُمْ مِّنْ

خَشِيَّتِهِ مُشْفِقُونَ خدا وضعیت زمان و آینده آنها را می داند، از کسی به رأی

خود شفاعت نمی کند مگر که خدا بپسندد، در برابر عظمت خدا تسلیم اند

﴿۲۹﴾ وَمَنْ يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلَهٌ مِّنْ دُونِهِ فَذَلِكٌ يُجْزِيهِ جَهَنَّمُ كَذَلِكَ نُجْزِي

الظَّالِمِينَ اگر کسی از پیامبران ادعای خدایی کند او را به جهنم می کشانیم ، ما ظالم

را مجازات می کنیم

﴿۳۰﴾ أَوْ لَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا

مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا أَفَلَا يُؤْمِنُونَ چرا کفار فکر نمی کنند که آسمان و زمین در

ابتدا یک ماده بی خاصیت بود ، ما آن را با ساخت و سازندگی شکوفا نمودیم و آب را

منشأ حیات همه چیز قرار دادیم ، چرا ایمان به خدا نمی آورند

﴿۳۱﴾ وَجَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ وَجَعَلْنَا فِيهَا فِجَاجًا سُبُلًا لَّعَلَّهُمْ

يَهْتَدُونَ در سطح زمین، کوههای ریشه دار به وجود آوردیم مبادا حرکت زمین

احساس شود و این همه راه و روش های زندگی آفریدیم شاید هدایت شوید

﴿۳۲﴾ وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَّحْفُوظًا وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ و آسمان را

مانند سقفی سپر بلاهای وارده ساختیم (همچنین سایه ولایت را) تا در سایه آن محفوظ باشید، آن‌ها از این همه آیات غافل‌اند

﴿۳۳﴾ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ۗ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ

اوست که برای شما شب و روز آفرید، ماه و خورشید و ستارگان همه در فضا شناورند

﴿۳۴﴾ وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِّن قَبْلِكَ الْخُلْدَ ۖ أَفَإِن مِّنْ فَهْمٍ الْخَالِدُونَ

به کسی اجازه اقامت در دنیا نداده‌ایم، مانند تو شخصی از دنیا برود، آن‌ها انتظار دارند که بمانند؟

﴿۳۵﴾ كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَنَبَلُوكُم بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً ۗ وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ

همه کس مزه مرگ را خواهند چشید، ما در این دنیا شما را با خیر و شرّ و حق و باطل آزمایش می‌کنیم، عاقبت، تمامی شما به دایره حاکمیت ما برمی‌گردید

﴿۳۶﴾ وَإِذَا رَعَاكَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِن يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُؤًا أَهْدَا الَّذِي يَذْكُرُ

عَالِهَتِكُمْ وَهُمْ يَذْكُرُ الرَّحْمَنِ هُمْ كَافِرُونَ

وقتی که کفار تو را می‌بینند، به مسخره می‌گیرند که همین آقا خدایان شما را به بدی یاد می‌کند، آن‌ها کافر به خدای رحمان هستند

﴿۳۷﴾ خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ ۖ سَأُورِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونَ

انسان در خلقت خود عجل است، بگو: شتاب نکنید، به همین زودی نشانه‌های قدرت خود را به نمایش می‌گذاریم

﴿۳۸﴾ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

می‌گویند: اگر شما راست می‌گویید، این وعده‌های خدا کی و کجاست؟

﴿۳۹﴾ لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكْفُونُ عَنْ وُجُوهِهِمُ النَّارَ وَلَا عَنْ

ظُهُورِهِمْ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ اگر خبر داشته باشند که عاقبت به دست خود در محاصره آتش واقع می‌شوند که نمی‌توانند عذاب را از خود دفع کنند و کسی آن‌ها را یاری نمی‌کند

﴿۴۰﴾ بَلْ تَأْتِيهِمْ بَغْتَةً فَتَبْهَتُهُمْ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ رَدَّهَا وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ساعت

قیامت که ناگهانی ظاهر شود مات و مبهوت می‌شوند، نمی‌توانند قیامت را برگردانند، مهلتی برای آن‌ها نیست

﴿۴۱﴾ وَلَقَدْ أَسْتَهْزِئُ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ

يَسْتَهْزِئُونَ رسولان پیش از تو هم مورد استهزاء واقع شدند ، عاقبت نتایج آن مسخره‌ها به خودشان برگشت

﴿۴۲﴾ قُلْ مَن يَكْلُؤْكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الرَّحْمَنِ بَلْ هُمْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِمْ

مُعْرِضُونَ بگو: چه کسی شبانه‌روز شما را از خطراتی که به اراده خدا مقدر می‌شود حفظ می‌کند بلکه آن‌ها از یاد خدا اعراض می‌کنند

﴿۴۳﴾ أَمْ لَهُمْ ءَالِهَةٌ تَمْنَعُهُمْ مِّن دُونِنَا لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَ أَنفُسِهِمْ وَلَا هُمْ مِنَّا

يُصْحَبُونَ شاید فکر می‌کنند خدایانی دارند که بدون اراده ما آن‌ها را از خطرات مقدر حفظ می‌کنند ، آن خدایان، خود را نمی‌توانند یاری کنند و از جانب ما حمایت نمی‌شوند

﴿۴۴﴾ بَلْ مَتَّعْنَا هَؤُلَاءِ وَعَآبَاءَهُمْ حَتَّىٰ طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي

الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ ما آن‌ها و اجداد آن‌ها را در دنیا

بهره‌مند کردیم تا که عمرشان طولانی شد و مغرور شدند ، مگر نمی‌بینند که ما هر روز جمعی از آن‌ها را به دیار مرگ می‌بریم ، آیا می‌توانند بر ما غالب شوند؟

﴿۴۵﴾ قُلْ إِنَّمَا أُنذِرُكُمْ بِالْوَحْيِ وَلَا يَسْمَعُ الصَّمُّ الدُّعَاءَ إِذَا مَا يُنذَرُونَ بگو: من

برابر آنچه به من وحی می‌شود، شما را از کفر و گناه می‌ترسانم ، ناشنویان، از دعوت حق متنه نمی‌شوند

﴿۴۶﴾ وَلَئِن مَّسَّتْهُمْ نَفْحَةٌ مِّنْ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يَوَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ اگر

آثار عذاب خداوند را احساس کنند، می‌گویند: وای به حال ما که ظالم بودیم

﴿۴۷﴾ وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَىٰ بِنَا حَاسِبِينَ

ما روز قیامت برای حسابرسی ترازوی عدالت نصب می‌کنیم ، ظلمی وجود ندارد ، ذره‌ای خیر و شرّ هرچه باشد، آشکار می‌کنیم ، کافی است که ما حسابگر باشیم

﴿۴۸﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَاءً وَذِكْرًا لِّلْمُتَّقِينَ ما به پیامبران

خود موسی و هارون، کتابی دادیم که فارق بین حق و باطل و روشنگر اهل تقوا بود

﴿۴۹﴾ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَهُمْ مِّنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ یعنی همان‌ها که

عظمت خدای غایب را درک می‌کنند و از حسابگری قیامت نگران‌اند

﴿۵۰﴾ وَهَذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ أَفَأَنْتُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ این قرآن هم یادآور حق و

با برکت است که برای هدایت شما مردم نازل کردیم ، چگونه منکر این کتاب می‌شوید

﴿۵۱﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِن قَبْلُ وَكُنَّا بِهِ عَالِمِينَ پیش‌ازاین به

ابراهیم، رشد حق‌شناسی دادیم، به احوال او آگاهی داشتیم

﴿۵۲﴾ **إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ** آنجا که به

پدرخوانده و قوم خود گفت: این مجسمه‌ها چیست که شما آن‌ها را می‌پرستید و وابسته به آن‌ها شده‌اید؟

﴿۵۳﴾ **قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا عَابِدِينَ** جواب دادند که از اجداد خود پیروی

می‌کنیم که بت‌ها را می‌پرستیدند

﴿۵۴﴾ **قَالَ لَقَدْ كُنْتُمْ أَنْتُمْ وَعَابَاؤُكُمْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ** ابراهیم گفت: روشن است

که شما و اجدادتان گمراه شده‌اید

﴿۵۵﴾ **قَالُوا أَجِئْتَنَا بِالْحَقِّ أَمْ أَنْتَ مِنَ اللَّاعِبِينَ** آن‌ها گفتند: ابراهیم، تو حرف حق

می‌گویی یا ما را به بازی گرفته‌ای؟

﴿۵۶﴾ **قَالَ بَلْ رَبُّكُمْ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ وَأَنَا عَلَىٰ ذَلِكُمْ مِنَ**

الشَّاهِدِينَ گفت: خدای شما خالق آسمان‌ها و زمین است که آن‌ها را آفریده و من

شاهد حقانیت خدا هستم

﴿۵۷﴾ **وَتَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَمَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ** گفت: به خدا قسم،

از غیبت شما استفاده می‌کنم و بلایی سر آن‌ها می‌آورم

﴿۵۸﴾ **فَجَعَلَهُمْ جُودًا إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ** وقتی که آن‌ها به

عیدگاه رفتند، ابراهیم تمامی بت‌ها را به جز بت بزرگ کوئید و تبر را به گردن بت بزرگ آویخت

﴿۵۹﴾ قَالُوا مَنْ فَعَلَ هَذَا بِآلِهَتِنَا إِنَّهُ لَمِنَ الظَّالِمِينَ

فردا که مراجعت کردند،

گفتند: کسی که این بلا را سر بت‌ها آورده، ظالم بوده است

﴿۶۰﴾ قَالُوا سَمِعْنَا فَتَىٰ يَدُكُرَهُمْ يُقَالُ لَهُ وَابْرَاهِيمُ

دیگران گفتند: می‌شنیدیم که

این آقا (ابراهیم)، به بت‌ها بد می‌گفت

﴿۶۱﴾ قَالُوا فَأْتُوا بِهِ عَلَىٰ أَعْيُنِ النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُونَ

او را مقابل چشم مردم

حاضر کنید، همه او را ببینند

﴿۶۲﴾ قَالُوا ءَأَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِآلِهَتِنَا يَا اِبْرَاهِيمُ

ابراهیم را حاضر نمودند و

گفتند: ابراهیم! تو این بلا را سر بت‌های ما آورده‌ای؟

﴿۶۳﴾ قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَسْأَلُوهُمْ إِنْ كَانُوا يَنْطِقُونَ

گفت: نه، همان

بت بزرگ چنین کاری کرده است، اگر حرف می‌زند از او سؤال کنید

﴿۶۴﴾ فَرَجَعُوا إِلَىٰ أَنفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ

آن‌ها به فکر فرورفتند و

به یکدیگر گفتند که: ما ظالم و جاهل هستیم

﴿۶۵﴾ ثُمَّ نَكِسُوا عَلَىٰ رُءُوسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا هَؤُلَاءِ يَنْطِقُونَ

از خجالت سر

به زیر انداختند که شما می‌دانید بت‌ها حرف نمی‌زنند

﴿۶۶﴾ قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْئًا وَلَا يَضُرُّكُمْ

ابراهیم

گفت: پس چرا مجسمه‌هایی را می‌پرستید که حرف نمی‌زنند و نفع و ضرری ندارند؟

﴿۶۷﴾ أَفِ لَكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

نابود شوید با

بت‌هایی که می‌پرستید، چرا عقل خود را به کار نمی‌برید؟

﴿۶۸﴾ قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ مردم به یکدیگر نگاه

کردند و سروصدا کردند که دشمن بت‌ها را بسوزانید و خدایان خود را یاری کنید

﴿۶۹﴾ قُلْنَا يَبْنَؤُا كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ میدانی را پراز آتش کردند و

ابراهیم را با منجنیق به آتش انداختند، ما به آتش فرمان دادیم که برای ابراهیم سرد و

سلامت باشد

﴿۷۰﴾ وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ کید و مکر به کار انداختند، ما

آنها را بیشتر به خسارت انداختیم

﴿۷۱﴾ وَنَجَّيْنَاهُ وَلُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ ما ابراهیم و لوط و

خانواده آنها را نجات دادیم و به سرزمین با برکت فلسطین انتقال دادیم

﴿۷۲﴾ وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً ۗ وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ به ابراهیم

فرزندی به نام اسحاق و نوه‌ای به نام یعقوب دادیم، همه آنها را صالح و شایسته تربیت

نمودیم

﴿۷۳﴾ وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ

وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ فرزندان او را به پیشوایی انتخاب کردیم که طبق

فرمان ما مردم را هدایت کردند و اعمال اقامه نماز و ادای زکات و کار نیک به آنها

آموختیم، همه در خط اطاعت ما بودند

﴿۷۴﴾ وَلُوطًا ءَاتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبِيثَٰتِ

إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا سَوِيًّا فَاسِقِينَ ما به لوط علم و حکمت دادیم و او را از شرّ مردمی که

مرتکب اعمال زشت می‌شدند نجات دادیم، امت او قومی فاسق و فاجر بودند

﴿۷۵﴾ وَأَدْخَلْنَاهُ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ
لوط را در سایه لطف و رحمت خود قرار دادیم که مردی شایسته و صالح بود

﴿۷۶﴾ وَنُوحًا إِذْ نَادَىٰ مِنْ قَبْلُ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ
و دعای نوح نبی را پیش از او اجابت نمودیم ، او و خانواده اش را از بلای طوفان نجات دادیم

﴿۷۷﴾ وَنَصْرَنَاهُ مِنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ
او را یاری نمودیم ، از اذیت و آزار مردمی که او را تکذیب نمودند، نجات دادیم و قوم بدکار او را با طوفان هلاک کردیم

﴿۷۸﴾ وَدَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ إِذْ يَحْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ إِذْ نَفَشَتْ فِيهِ غَنَمُ الْقَوْمِ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ
داوود و سلیمان را همچنین (آنجا که بین دو نفر کشاورز و چوپان قضاوت کرد که گوسفندان زراعت را پامال کرده بودند) یاری کردیم که ما شاهد قضاوت آن‌ها بودیم

﴿۷۹﴾ فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَكُلًّا ءَاتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا وَسَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ وَكُنَّا فَاعِلِينَ
قضاوت عادلانه را به سلیمان آموختیم ، به همه آن‌ها علم و حکمت آموختیم ، کوه‌ها و ابرقدرت‌های زمان و پرندگان را مسخر او نمودیم که با او تسبیح نمودند ، ما عامل چنین کارها بودیم

﴿۸۰﴾ وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لِتُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ
صنعت زره‌سازی و استفاده از آهن‌آلات را به او آموختیم تا از خطرات جنگ محفوظ بماند ، می‌شود شکر خدا را به‌جا آورید؟

﴿۸۱﴾ **وَلَسَلِيمَنَّ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهَا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَرَكْنَا فِيهَا وَكُنَّا**

بِكُلِّ شَيْءٍ عَالِمِينَ نیروی بادهای تند را به اختیار سلیمان در آوردیم، روی بساط می نشستند و باد آنها را آرام به شهرهای با برکت می برد، ما به سفرهای هوایی آنها آگاه بودیم *

* خداوند با نیروی اراده و اعجاز نه با فن و صنعت، نیروی باد و طوفان را به اختیار سلیمان گذاشته بود که روی هوا آنها را حرکت می داد. معادن مس و فلزات دیگر را هم به طور گداخته و روان در اختیار سلیمان گذاشته بود که با آن صنایع مسی و آهنی می ساختند.

﴿۸۲﴾ **وَمِنَ الشَّيْطَانِ مَنْ يَغْوُصُونَ لَهُ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَلِكَ وَكُنَّا لَهُمْ**

حَافِظِينَ شیاطین و جنیان مسخر سلیمان شدند، کار صید ماهی و غواصی و اعمال دیگر انجام می دادند، ما حافظ نظام آنها بودیم *

* شیاطین و جنیان انسان های وحشی بیابانی متجاوز بودند، سلیمان آنها را جمع آوری کرد و شهرنشینی به آنها آموخت. به کارهای غواصی و بنایی مشغول کرد. دیوان متمرّد آنها را مهار کرد و یک تمدن عالی انسانی به وجود آورد. ابرقدرت ها را در اطراف به اطاعت خود در آورد که با یک نامه ملکه سبا را مطیع خود ساخت.

﴿۸۳﴾ **وَإِيُوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّحِيمِينَ** و داستان

ایوب، آنجا که از شدت مصیبت به خدا نالید که ای خدا! ضرر شدید (تعرض به ناموس) مرا تهدید می کند، تو بهترین رحم کننده گانی

﴿۸۴﴾ **فَأَسْتَجِبْنَا لَهُ فَاكْشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ صُرِّ وَعَاتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً**

مِّنْ عِنْدِنَا وَذِكْرَى لِلْعَبِيدِينَ خواهش او را اجابت نمودیم، بلا و مصیبت را از او برطرف ساختیم، به لطف و رحمت خود زندگی او را سروسامان دادیم تا برای آیندگان

درس و دانش باشد

﴿٨٥﴾ **وَإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ كُلٌّ مِّنَ الصَّابِرِينَ** و همچنین اسماعیل و

ذوالکفل و ادريس که تمامشان مردانی صالح و صابر بودند

﴿٨٦﴾ **وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ مِّنَ الصَّالِحِينَ** همه را به دایره رحمت خود

درآوردیم که شایسته و صالح بودند

﴿٨٧﴾ **وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغْضِبًا فَظَنَّ أَن لَّنْ نَّقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَن**

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ و ذوالنون (یونس نبی) به حال

غضب از قوم خود فاصله گرفت، گمان کرد بر او مسلط نیستیم، در تاریکی شکم نهنگ

ناله کرد که: ای خدا! به جز تو خدایی نیست، تو منزهی من ظالم بودم

﴿٨٨﴾ **فَأَسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُخَيِّجُ الْمُؤْمِنِينَ** خواهش او را

اجابت نمودیم، از تنگنای غم و اندوه نجاتش دادیم، اهل ایمان را این چنین نجات

می‌دهیم

﴿٨٩﴾ **وَزَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ** و زکریا

خواهش کرد که: پروردگارا! مرا تنها نگذار، تو بهترین وارث بندگان هستی

﴿٩٠﴾ **فَأَسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَىٰ وَأَصْلَحْنَا لَهُ وَزَوَّجْنَاهُ بِمَرْيَمَ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْرِعُونَ فِي**

الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ دعای او را مستجاب نمودیم

مانند یحیی فرزند صالحی به او دادیم، همسر نازایش را به صلاح آوردیم، آنها در

کارهای خیر کوشا بودند، در حال خوف و امید از خدا خواهش و تمنا داشتند، خاضع و

خاشع بودند

﴿٩١﴾ وَالَّتِي أَحْصَنْتَ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَةً

لِلْعَالَمِينَ و حضرت مریم خانمی که عفت خود را حصار کرده بود، ما به رحم او

روح حیات دمیدیم و او را و پسر او را آیت بزرگی برای اهل عالم قرار دادیم

﴿٩٢﴾ إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ این است امت شما

دارای یک هدف، من هم خدای شما، مرا پرستید تفرقه پیدا نکنید

﴿٩٣﴾ وَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ كُلُّ إِلَيْنَا رَاجِعُونَ آنها در دین خود تفرقه ایجاد

کردند ولی عاقبت به دایره ولایت ما برمی گردند

﴿٩٤﴾ فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ وَإِنَّا لَهُو

كَاتِبُونَ کسانی که عمل صالح انجام می دهند و مؤمن اند، بدانند که اجر آنها محفوظ

است، ما اعمال آنها را به ثمر می رسانیم

﴿٩٥﴾ وَحَرَامٌ عَلَى قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ بهشت بر کسانی که به هلاکت

کفر مرده اند، حرام است، آنها به ولایت ما بر نمی گردند

﴿٩٦﴾ حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُمْ مِّنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ تا اینکه

عاقبت وحشیان یا جوج و مأجوج آزاد و از همه جا به نظام و تمدن حمله ور شوند

﴿٩٧﴾ وَأَقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ أَبْصَرُ الَّذِينَ كَفَرُوا يُؤْيَلْنَا قَدْ كُنَّا

فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا بَلْ كُنَّا ظَالِمِينَ در این فساد جهانی، وعده خداوند (ظهور امام

زمان (عج) نزدیک شود و از عظمتی که در آن قیام ظاهر شود، چشم کفار خیره شود که

وای بر ما که از چنین روزی غافل بودیم بلکه ظالم بودیم *

* همه جا در قرآن کلمات وَعَدَاللهُ و موعود به امام زمان (عج) تفسیر شده است. یکی از القاب آن بزرگوار موعود است. مَوْعُودُ الْأُمَّمِ كُلِّهَا .

﴿۹۸﴾ **إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ حَصْبُ جَهَنَّمَ أَنْتُمْ لَهَا وَارِدُونَ** کفار بدانند که خود آن‌ها و آنچه به جز خدا می‌پرستند، آتش گیره جهنم هستند، حتماً وارد جهنم می‌شوند

﴿۹۹﴾ **لَوْ كَانَ هَتُولَاءِ عَالِهَةً مَا وَرَدُوهَا وَكُلٌّ فِيهَا خَالِدُونَ** اگر آن بت‌ها خدا بودند وارد جهنم نمی‌شدند، تمام آن‌ها در جهنم مخلدند

﴿۱۰۰﴾ **لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَهُمْ فِيهَا لَا يَسْمَعُونَ** ناله و فریادشان در جهنم زیاد است، در آنجا هم حرف حق نمی‌شنوند

﴿۱۰۱﴾ **إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ** و اما کسانی که سابقه نیک آن‌ها را شناخته‌ایم، از آتش به دورند

﴿۱۰۲﴾ **لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا وَهُمْ فِي مَا أُشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ خَالِدُونَ** حرارت آتش را احساس نمی‌کنند و در آن نعمت‌ها که اشتها دارند مخلدند

﴿۱۰۳﴾ **لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَرْعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ** مصیبت‌های بزرگ قیامت آن‌ها را فرا نمی‌گیرد، فرشتگان در اطاعت آن‌ها هستند، این است زندگی روزگاری که به شما وعده داده‌اند

﴿۱۰۴﴾ **يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجْلِ لِلْكِتَابِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدًّا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ** روزی که آسمان (مکتب دین) را مانند ورق زدن کتاب

به انتها برسانیم ، همان طور که خلقت را شروع کرده ایم از انتها آن را به حیات برمی گردانیم ، وظیفه ما وفای به وعده است که انجام خواهیم داد (آسمان به فضای علم دین تفسیر شده است) *

* این حقیقت از طریق آیات و روایات مکرر تبیین و روشن شده که زندگی بشر همیشه توأم با تحولات است. انسان است که دنیا و آخرت به وجود آورده. تغییرات و تقدیرات همه جا قبایی است که به قد انسان بریده می شود. انسان است که با عقل کودکانه خود، زندگی عالی بهشتی را رها نموده و زندگی دنیایی به وجود آورده و به عقل ضعیف خود پیامبران را منزوی نموده و شیاطین را بر خود مسلط ساخته و همین انسان است که عاقبت رشد عقلی و ایمانی پیدا کرده و زندگی آخرتی و بهشتی به وجود می آورد. خدا و اولیاء خدا را بر خود حاکم می کند و موجبات کامل ترین زندگی را که همان آخرت است به وجود می آورد و اموات را به زندگی برمی گرداند. عاقبت همین کره زمین در حکومت اولیاء خدا تبدیل به بهشت شده و جهنم نیز به وسیله انسان های کافر و منافق دایر می شود. سقف آسمانی که به تقدیر خدا محفوظ است، سازمان ولایت ائمه اطهار (ع) است که الآن به وسیله امام زمان (عج) محفوظ است. آسمانی که می گوید: *يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِّلِ* به معنای تغییر وضع موجود دنیایی به وضع آخرتی است یعنی این ورق دنیایی قرآن که ظاهر دین است برمی گردد و ورق آخرتی که باطن دین است پیدا می شود که آن را تأویل قرآن می نامند. لذا درباره امام (ع) گفته اند: *يَأْتِي بِدِينٍ جَدِيدٍ عَلَى الْعَرَبِ صَعْبٍ شَدِيدٍ* در آخر آیه می گوید: وعده خدا حق است آن بزرگوار موعود الامم است و روز قیامش *يَوْمَ الْمَوْعُودِ* است و بعد خداوند این طی السماء را به زندگی بشر مربوط می کند و می فرماید: *كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ* (انبیاء ۱۰۴) یعنی همان طور که با هبوط آدم زندگی دنیایی را به وجود آورده ایم، به وسیله امام زمان (عج) زندگی آخرتی به وجود می آوریم. مرگ زمین یعنی مرگ زندگی دنیایی انسان ها و حیات زمین یعنی حیات دوباره انسان ها. خلقت آسمان و زمین موت و حیات ندارد و آیه *يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا* به ظهور امام تفسیر شده است.

﴿۱۰۵﴾ **وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ**

در زبور داوود، بعد از تذکر به حکومت الهی، خبر دادیم که بندگان صالح من وارث

زمین خواهند شد

﴿۱۰۶﴾ **إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِّقَوْمٍ عَابِدِينَ** این فرمان برای بندگان، تبلیغ حق و عدالت است

﴿۱۰۷﴾ **وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ** تو را به این منظور رسالت دادیم که برای عالمیان منشأ رحمت باشی

﴿۱۰۸﴾ **قُلْ إِنَّمَا يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌُ وَاحِدٌ فَهَلْ أَنْتُمْ مُّسْلِمُونَ** بگو: به من وحی می شود که خدای شما واحد و یگانه است، آیا می شود که تسلیم خدا باشید؟

﴿۱۰۹﴾ **فَإِنْ تَوَلَّوْاْ فَقُلْ ءَاذَنْتُكُمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ وَإِنِ ادْرِيْٓ اَقْرِبُ اَمْ بَعِيْدُ مَا تُوعَدُوْنَ** اگر بعد از این تبلیغات باز هم به کفر خود ادامه دادند، بگو: من دین را یکنواخت به همه مردم تبلیغ نمودم، نمی دانم آنچه وعده داده ام، دور است یا نزدیک

﴿۱۱۰﴾ **إِنَّهٗرَ يَعْلَمُ اَلْجَهْرَ مِنْ اَلْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُوْنَ** او خداست که سخنان مخفی و آشکار شما را می داند

﴿۱۱۱﴾ **وَإِنِ ادْرِيْ لَعَلَّهٗرَ فِتْنَةٌ لَّكُمْ وَمَتَعَ إِلَىٰ حِيْنَ** از من فتنه هایی برای شما باشد، گرچه در دنیای خود بهره مند باشید

﴿۱۱۲﴾ **قُلْ رَبِّ اَحْكُم بِالْحَقِّ وَرَبُّنَا الرَّحْمٰنُ اَلْمُسْتَعٰنُ عَلٰی مَا تَصِفُوْنَ** گفت: پروردگارا! بین من و آنها به حق قضاوت کن، برای حذف تعریف های نامناسب که شما دارید، خدای رحمان کمک ماست.

این سوره به مناسبت اینکه آیات مربوط به حج در آن نازل شده، حج نامیده شده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿١﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ
ای مردم! تقوا
پیشه کنید که زلزله ظهور قیامت عظیم است

﴿٢﴾ يَوْمَ تَرَوُنَّهَا تُذْهِلُ كُلَّ مَرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمَلٍ حَمْلَهَا
وَتَرَى النَّاسَ سُكَرَىٰ وَمَا هُمْ بِسُكَرَىٰ وَلَٰكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ
آن روز
خواهید دید که از وحشت و دهشت، زنان حامله حمل خود را سقط نموده و زنان
شیرده، شیرخواره خود را به وحشت و غفلت رها می کنند، مردم را مست و بی هوش
می بینید با اینکه مست نیستند بلکه عذاب خدا خیلی بزرگ است

﴿٣﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَّرِيدٍ
بعضی
انسان ها جاهلانه درباره خدا بحث و جدال دارند، آنها از شیطان وسوسه گر پیروی
می کنند

﴿٤﴾ كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَن تَوَلَّاهُ فَأَنَّهُ يُضِلُّهُ وَيَهْدِيهِ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ
با
اینکه واضح و مسلم است که هر کس در ولایت شیطان باشد، او را گمراه می کند و به
راه جهنم می کشاند

﴿٥﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن تَرَابٍ ثُمَّ مِّن
نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِّن عِلْقَةٍ ثُمَّ مِّن مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقِرُّ فِي
الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ
وَمِنْكُمْ مَّن يَتَوَفَّىٰ وَمِنْكُمْ مَّن يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْدَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِن بَعْدِ عِلْمٍ

شَيْئًا وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأُنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ

زَوْجٍ بَهِيجٍ ای مردم! اگر شما در حیات بعد از مرگ شک دارید، به خلقت خود نگاه کنید که من شما را از آب و خاک به نطفه در آوردم، از نطفه به خون بسته و از خون بسته به غضروف و از غضروف مهندسی شده و نشده به تدریج شما را ساختم تا در جریان خلقت باشید، مدتی شما را در رحم قرار دادم و به صورت کودکی بیرون آوردم و بعد رشد شما را تا حد بلوغ ادامه دادم و بعد از بلوغ به قهقرا بردم، بعضی مردند و بعضی به پست‌ترین دوران زندگی افتادند، دانش خود را از دست دادند و شما زمین را ساکت و آرام می‌بینید اما وقتی که باران ببارد، می‌جنبد بالا می‌آید، از هر نوع گیاهی جفت سبز و خرم آن را می‌رویاند

﴿٦﴾ **ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَى وَأَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ** وعده خدا حق است، خلقت و تربیت حق است، پس او مرده‌ها را زنده خواهد کرد و به هر کاری قادر و تواناست

﴿٧﴾ **وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ** ساعت قیامت خواهد آمد شکی نیست، مردگان را زنده خواهد کرد

﴿٨﴾ **وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ** بعضی مردم بدون دانش و کتاب در شناخت خدا جدال می‌کنند

﴿٩﴾ **ثَانِي عِظْفِهِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَنَذِيقُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَذَابَ الْحَرِيقِ** از شنیدن نام خدا به بی‌اعتنایی گردن می‌چرخانند، مردم را از راه خدا باز می‌دارند، نمی‌دانند که در دنیا به عذاب رسوایی و در آخرت به عذاب سختی معذب می‌شوند

﴿١٠﴾ ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمْتَ يَدَاكَ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلْمٍ لِّلْعَبِيدِ به او خواهیم گفت که: این عذاب نتیجه اعمال بدی است که تقدیم داشته‌ای، پروردگار به کسی ستم نمی‌کند

﴿١١﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ أُنْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَٰلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ بعضی مردم بدون اعتقاد خدا را می‌پرستند، اگر از این پرستش به مالی رسیدند، مطمئن می‌شوند و می‌گویند: حق است و اگر مصیبتی دیدند، به کلی از اعتقاد منصرف می‌شوند، موجودیت دنیا و آخرت را ضرر می‌کنند، این است خسارت بزرگ

﴿١٢﴾ يَدْعُوا مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُ وَمَا لَا يَنْفَعُهُ ذَٰلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ حوایج خود را از کسی می‌طلبند که نفع و ضرری به حال آنها ندارد، چقدر از حقیقت به دورند

﴿١٣﴾ يَدْعُوا لِمَن ضَرُّهُ أَقْرَبُ مِّن نَّفْعِهِ لَبِئْسَ الْمَوَالِي وَلَبِئْسَ الْعَشِيرُ به کسی پناه می‌برند که ضررش از نفعش بیشتر است، چه بد مولاها و همراهانی که دارند

﴿١٤﴾ إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ خداوند اهل ایمان و عمل صالح را به علم و قدرتی می‌رساند که از آن، نعمت و ثروت مانند نهر جریان پیدا می‌کند، خداوند به هر کاری قادر و تواناست

﴿١٥﴾ مَن كَانَ يَظُنُّ أَن لَّن يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ لِيَقْطَعْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدُهُ مَا يَغِيظُ کسی که خیال می‌کند

خدا رسول خود را یاری نمی‌کند، بگو: به هر وسیله‌ای که ممکن است متوسل شود، خود را خسته کند، ببیند این کید و مکرها عقده آتش خشم او را فرو می‌نشانند؟

﴿۱۶﴾ وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَأَنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يُرِيدُ ما این آیات را واضح و روشن نازل کردیم، خداوند هر کسی را بخواهد یاری می‌کند

﴿۱۷﴾ إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِغِينَ وَالنَّصْرِيَّةَ وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ مؤمنین و یهودیان و نصرانیان و مجوسیان و پی‌جویان حق و سایر مشرکان بدانند که خداوند روز قیامت آن‌ها را از یکدیگر جدا می‌کند، خداوند شاهد همه کس و همه چیز است

﴿۱۸﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَن فِي السَّمَوَاتِ وَمَن فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِّنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَن يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن مُّكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ مگر ندیدی که هر چه هست در آسمان‌ها و زمین، خورشید و ماه و ستارگان، کوه و درخت و حیوانات و حشرات و همچنین بسیاری از مردم خدا را سجده می‌کنند و بسیاری هم مستحق عذاب شده‌اند، کسی که خدا او را خوار بدارد حرمتی نخواهد داشت، خدا آنچه بخواهد انجام می‌دهد

﴿۱۹﴾ هَذَانِ خَصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ مِّن نَّارٍ يُصَبُّ مِن فَوْقِ رُءُوسِهِمُ الْحَمِيمُ این دو گروه مؤمن و کافر متخاصم هستند، بحث و جدال دارند، کسانی که کافرند، بدانند که در پوشش آتش قرار می‌گیرند، از علم و عمل خود و قدرت‌های حاکم آتش بر آن‌ها ریزش دارد

﴿٢٠﴾ **يُصْهَرُ بِهِ مَا فِي بُطُونِهِمْ وَالْجُلُودُ** در سوزش روانی و بدنی قرار می گیرند

﴿٢١﴾ **وَلَهُمْ مَقْلِعٌ مِّنْ حَدِيدٍ** در معرض گرزها و گلوله های آتشین *

* در آیه های ۲۰ و ۲۱ خدا خبر می دهد، تمامی آتشی که در دنیا به وسیله کفار ساخته و با شعله ور شدن جنگ ها این آتش ها سرزیر جان مردم می شود و بسیاری هم از بندگان خدا مظلومانه با این آتش ها می سوزند، روز قیامت قدرت پیدا می کنند که با اراده این آتش ها را به جان کافرین و ظالمین برگردانند. جهنم در آخرت برگشت این آتش های ظالمانه به کفار است.

﴿٢٢﴾ **كَلَّمَآ أَرَادُوا أَن يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ**

هر وقت تصمیم بگیرند از حاکمیت این آتش ها و جنگ ها خارج شوند، به دایره آن بر می گردند که بچشید عذاب سوزان را

﴿٢٣﴾ **إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا**

الْأَنْهَارُ يُجَلِّونَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ خداوند
اهل ایمان و عمل صالح را به نیروهایی مجهز می کند که با آن، نعمت خدا چون نهر
جریان پیدا می کند، به هر نوع طلا و جواهرات مزین می شوند، لباسشان حریر است

﴿٢٤﴾ **وَهُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَهُدُوا إِلَى صِرَاطِ الْحَمِيدِ** ای مردم! به بهترین

گفته ها هدایت شوید و به راه پسندیده خدا بروید

﴿٢٥﴾ **إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ**

لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ وَمَن يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُّذِقْهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ
کسانی که کافر به خدا می شوند، مردم را از راه خدا و مسجد الحرام که شهری و
بیابانی در آن حقوق مساوی دارند، بازمی دارند، کسی که در آنجا عمل شرک آمیز
مرتکب می شود، بداند که عذاب خود را به او می چشانیم

﴿۲۶﴾ **وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ**

وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ زمانی که به ابراهیم در مکان کعبه جایگاه دادیم و با او پیمان بستیم که چیزی را شریک خدا نسازد و خانه را برای طواف گران و راکعین و ساجدین پاک نگهدارد

﴿۲۷﴾ **وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ**

به او امر کردیم که مردم را به حج دعوت کن، دعوت را اجابت می کنند، پیاده و سوار بر شتران از شهرهای دور و روستاها به سوی حج می آیند

﴿۲۸﴾ **لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِّنْ**

بِهَيْمَةٍ الْأَنْعَمِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِعُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ تا در این مکان مقدس منافع اجتماعی خود را بشناسند، در ایام عرفات و مشعر و در برابر روزی ها که از قربانی ها به آنها می رسد، خدا را یادآوری کنند، شما حاجیان از قربانی ها استفاده کنید و فقرا را طعام دهید

﴿۲۹﴾ **ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَلِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ** پس از انجام

مناسک، آلودگی های ظاهری و باطنی خود را بزدایید، خود را آرایش دهید و به عهد خود وفا کنید، بعد از رمی و قربانی به زیارت خانه برگردید، طواف کنید

﴿۳۰﴾ **ذَٰلِكَ وَمَنْ يُعْظَمَ حُرْمَتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُوَ عِنْدَ رَبِّهِ وَأُحِلَّتْ لَكُمْ**

الْأَنْعَمُ إِلَّا مَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ

این است مراسم حج، کسانی که شعائر خدا را تعظیم می کنند برای آنها بهتر است، چهارپایان به جز آنچه استثناء می شود حلال است، از پلیدی ها مانند بت ها و گفتار

خلاف حقیقت اجتناب کنید

﴿٣١﴾ حُنْفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ همه جا مترقی و متکی به حق باشید، کسی را شریک خدا نسازید، کسانی که غیر خدا را به جای خدا اطاعت می کنند، مثل این است که از آسمان سقوط کرده، طعمه لاشخوران شده اند و یا باد تند آن ها را به دره عمیق کشانیده است

﴿٣٢﴾ ذَلِكَ وَمَنْ يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ این حقیقت است، کسی که شعائر خدا را تعظیم کند، این تعظیم دلیل تقوای قلب است

﴿٣٣﴾ لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ مَحِلُّهَا إِلَىٰ الْبَيْتِ الْعَتِيقِ در اجرای این مراسم تا مدت معین، منافی برای شما مقدر است و جای مناسک (شتر قربانی) خانه کعبه است

﴿٣٤﴾ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنَسَكًا لِّيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِّنْ بَهِيمَةٍ الْأَنْعَامِ ۖ فَالْهُكْمُ لِلَّهِ وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ برای هر امتی مناسکی قرار داده ایم تا در برابر روزی ها که از قربانی می رسد به یاد خدا باشند، خدای شما و همه امت ها یکی است، تسلیم او باشید، به بندگان عابد مزده دهید

﴿٣٥﴾ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمُ وَالصَّابِرِينَ عَلَىٰ مَا أَصَابَهُمُ وَالْمُقِيمِي الصَّلَاةِ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ آن ها کسانی اند که وقتی نام خدا را می شنوند دلشان می ترسد، در مصیبت ها صابرند، نماز به پا می دارند و از آنچه به آن ها داده ایم انفاق می کنند

﴿۳۶﴾ وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِّنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافَّ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبَهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

شترانِ قربانی شعائرِ خداست، سعادت شما در تعظیم شعائر است، وقتی که آن‌ها را برای قربانی به صف می‌کشید، نام خدا را ببرید، از گوشت آن‌ها بخورید و فقرای سائل و غیرسائل را اطعام کنید، خداوند چهارپایان را مسخر شما کرد که شاید شکر او را به‌جا آورید

﴿۳۷﴾ لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَلَا دِمَائُهَا وَلَكِنَّ يَنَالُهُ الْقَتَوَىٰ مِنْكُمْ كَذَلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَيْكُمْ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ

قربانی‌ها بهره‌ی خدا نیست، بهره‌ی خدا تقوای شماست، حیوانات را مسخر شما کرد تا او را به عظمت بشناسید که شمارا هدایت کرد، نیکوکاران را بشارت دهید

﴿۳۸﴾ ﴿۳۸﴾ إِنَّ اللَّهَ يُدْفِعُ عَنِ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ

خدا از حق اهل ایمان دفاع می‌کند، خداوند خیانت‌کاران ناسپاس را دوست نمی‌دارد

﴿۳۹﴾ ﴿۳۹﴾ أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَتَّلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ

لطف خدا مسلمانان را فرا گرفت که در معرض تجاوز کفار قرار گرفتند، خدا قدرت دارد آن‌ها را یاری کند *

* با نزول این آیه شریفه حضرت رسول اجازه یافتند که با کفار بجنگند و موانع ظهور دین خدا را برطرف نمایند. در آیات بعد حکمت جنگ با کفار را یادآوری می‌کند که اگر مانعی سر راه کفار نباشد، تمامی مظاهر دین را از مسجد و محراب از بین برده و مردم را به بردگی می‌کشند.

﴿۴۰﴾ ﴿۴۰﴾ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ

الَّذِينَ يَبْعَثُ لِهَدْمَتِ صَوَامِعَ وَيَبْعَثُ لِهَدْمَتِ صَوَامِعَ وَمَسَاجِدَ يُذَكِّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ

مسلمانانی که از شهر و دیار و اموال خود به جرم اینکه گفتند: خدا پروردگار ماست اخراج شدند، اگر خدا شرّ کفار را از مسلمانان دفع نکند، شعائر دین خدا را از مساجد و صوامع و کنایس و مراکزی که محل یادآوری خداست نابود می‌کند، کسانی که دین خدا را یاری کنند خدا آن‌ها را یاری می‌کند، خداوند عزتمند و قدرتمند است

﴿٤١﴾ الَّذِينَ إِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ

مسلمانانی که اگر به آن‌ها قدرت دادیم، نماز به پا می‌دارند، به بندگان خدا خدمت می‌کنند، به نیکی‌ها امر و از بدی‌ها نهی می‌کنند، عاقبت کارها به دست خداست

﴿٤٢﴾ وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَثَمُودُ

اگر آن‌ها تو را تکذیب می‌کنند، از قماش قوم نوح و عاد و ثمودند که تکذیب نمودند

﴿٤٣﴾ وَقَوْمُ إِبْرَاهِيمَ وَقَوْمُ لُوطٍ

و از قماش قوم ابراهیم و قوم لوط

﴿٤٤﴾ وَأَصْحَابُ مَدْيَنَ وَكَذَّبَ مُوسَىٰ فَأَمَلَيْتُ لِلْكَافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ

نَكِيرٌ و از قماش قوم مدین و قوم موسی، من که خدای تو هستم کفار را مهلت می‌دهم و بعد از مهلت مناسب، آن‌ها را معذب می‌کنم، بین انتقام من چطور بوده است

﴿٤٥﴾ فَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَبِئْسَ مَعْطَلَةٌ وَقَصْرٌ مَشِيدٌ

چقدر شهر و روستا که هلاک نمودیم، تبدیل به توده خاک

شده و قنات‌ها و کاخ‌ها بی‌صاحب مانده‌اند

﴿٤٦﴾ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ چرا تاریخ

را مطالعه نمی کنند تا قلبی پیدا کنند که بتوانند تعقل کنند یا گوشی که بتوانند بشنوند ، کوری چشم مهم نیست، کوری این دل که در سینه پنهان است بدترین کوری هاست

﴿٤٧﴾ وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ با عجله می گویند: کو عذاب؟ کجاست عذاب؟، وعده خدا خلاف

ندارد، یک روز در نزد خداوند برابر هزار سال است که شما می شناسید

﴿٤٨﴾ وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ أُمَلِّتُ لَهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ ثُمَّ أَخَذْتُهَا وَإِلَى الْمَصِيرِ چقدر

شهر و روستا در تاریخ که کافر و ظالم بودند آنها را مهلت دادم و بعد هلاک نمودم، مرجع تمامی اقوام حکومت من است

﴿٤٩﴾ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ به مردم اعلام کن که: من

یک پیامبرم، شما را از عاقبت کفر و گناه می ترسانم

﴿٥٠﴾ فَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ کسانی که اهل

ایمان و عمل صالح اند بدانند که غفران خدا و روزی های کریمانه او برایشان مقدراست

﴿٥١﴾ وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعْجِزِينَ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ و اما کسانی

که علیه آیات ما فعالیت می کنند تا آنها را از کار تبلیغ بازدارند، اهل جهنم خواهند

بود

﴿٥٢﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي

أُمنِيَّتِهِ فَيَنسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ ءَايَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

پیش از تو هیچ پیامبری را مأمور نکردیم جز اینکه اگر آرزو کرد مردم را هدایت کند، شیاطین در نقشه او مداخله می کردند، اما بعد از چندی خدا القائنات شیاطین را نسخ نموده احکام خود را استوار می داشت ، خداوند دانا و حکیم است

﴿۵۳﴾ لِيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ
وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ و این مدت مهلت شیاطین هم به منظور این است که القائنات آن ها مایه فتنه و آزمایش باشد، مرض کفر و نفاق و قساوت قلب آن ها را آشکار کند تا دو گروه کافر و مؤمن مشخص شوند ، ستم کاران همه جا در خط نفاق و شکاف افکنی هستند *

* بزرگ ترین نعمت خداوند در زندگی بهشتی این است که دو گروه مؤمن و کافر از یکدیگر جدا شوند. مؤمن و کافر دو جنس مخالف با یکدیگرند قابل تماس باهم نیستند. خداوند متعال برای خروج قطعی این دو گروه از یکدیگر این امتحانات را به وجود آورد. دنیا را در اختیار کافر گذاشت تا او را امتحان کند که آیا حق مؤمن را به او می رساند یا نه و مؤمن را امتحان کند که عزت و مناعت خود را حفظ می کند یا نه. قهراً کافر، ظالم و مؤمن، مظلوم شناخته می شود و این تفاوت کفر و ایمان مایه جدایی کافر از مؤمن است که این جدایی بزرگ ترین نعمت برای مؤمن شناخته می شود که گفته اند: روح را صحبت ناجنس عذابی است الیم.

﴿۵۴﴾ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَيُؤْمِنُوا بِهِ فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ اللَّهَ لَهَادٍ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ و اهل ایمان هم بدانند که آزمایش خداوند حق است، از جانب خدا مقدر است، ایمان به این مقدرات بیاورند تا قلبشان روشن شود ، خداوند اهل ایمان را به راه راست هدایت می کند

﴿۵۵﴾ وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي مِرْيَةٍ مِنْهُ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً أَوْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ يَوْمٍ عَقِيمٍ کفار همیشه در تقدیرات خداوند شک و شبهه دارند تا اینکه

ساعت قیامت آن‌ها را فرا گیرد و یا پیش از قیامت گرفتار عذاب غیر قابل جبران شوند

﴿۵۶﴾ **الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي**

جَنَّتِ النَّعِيمِ روز قیامت، حکومت مخصوص خداست ، او بین مردم قضاوت

می کند ، برای اهل ایمان و عمل صالح ، بهشتی پُر از نعمت مقدر شده است

﴿۵۷﴾ **وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ** و کسانی که

کافر شدند و آیات ما را تکذیب نمودند، بدانند که عذابی خوارکننده برای آن‌ها مقدر

است

﴿۵۸﴾ **وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا**

وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ کسانی که در راه خدا از مقاصد دنیایی خود می گذرند

بدانند که اگر در این راه مردند یا کشته شدند، به بهترین وجه اجرشان می رسد ، راه

آن‌ها را تقویت می کند تا به ثمر برسند ، خدا بهترین روزی دهنده است *

* بزرگ ترین ثمره شهادت‌ها پیدایش حکومت الهی به رهبری ائمه اطهار(ع) است. در حکومت

آن‌ها شهدا زنده شده تحویل امام زمان می شوند. ائمه اطهار(ع) آن‌ها را به دعای مستجاب مجهز

می کنند که هر چه بخواهند اجابت می شود. حضرت سیدالشهدا(ع) به اصحاب عاشورای خود

می فرماید: امروز ما کشته می شویم. فردا که قائم ما قیام کند من زنده می شوم، جدم، پدرم،

برادرم و ائمه دیگر زنده می شوند. گویا می بینم فرشته‌ها شمارا از قبر خارج نموده و گردوغبار

شمارا می زدایند و به زندگی بهشتی می رسانند. (حدیث رجعت حسینی).

﴿۵۹﴾ **لَيَدْخِلْنَهُمْ مُّدْخَلًا يَرْضَوْنَهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ حَلِيمٌ** تا با تقویت راه و

مرام آن‌ها در بهترین جایگاه مورد پسند، آن‌ها را ساکن کند ، خدا دانا و صبور است

﴿۶۰﴾ **ذَٰلِكَ وَمَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عُوقِبَ بِهِ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيْهِ لَيَنْصُرَنَّهُ اللَّهُ إِنَّ**

اللَّهُ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ دلیل تقویت راه و مرام آن‌ها همین است که آن‌ها در دفاع از حق خود مظلوم واقع شده‌اند، خدا مظلوم را یاری می‌کند و آثار ظلم را با اجرای عدالت محو می‌نماید

﴿۶۱﴾ **ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ** خداوند با این تقویت و اجرای عدالت افکار تاریک را روشن می‌کند و افکار کافر را به تاریکی می‌کشاند، خداوند شنوا و بیناست (ولوح روز در شب و شب در روز به پیدایش روشنایی و تاریکی افکار تأویل شده است)

﴿۶۲﴾ **ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ** برای اینکه خدا حق است و پناهندگی به ماسوای خدا باطل، خدای متعال از هر چیزی برتر و بزرگ‌تر است

﴿۶۳﴾ **أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ** مگر قدرت خدا را نمی‌بینید که از آسمان آب نازل می‌کند، زمین خشک را سبز و خرم می‌نماید؟، خداوند بی‌نهایت لطیف و آگاه است

﴿۶۴﴾ **لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ** هر چه هست و هر که هست در آسمان‌ها و زمین مال اوست، او غنی و بی‌نیاز است

﴿۶۵﴾ **أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ وَالْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرءُوفٌ رَحِيمٌ** آنچه در زمین است، خداوند به اختیار شما درآورده، به فرمان او کشتی در دریا حرکت می‌کند، کرات آسمان را نگه می‌دارد مبادا روی زمین سقوط کند مگر که

خداوند به مردم رئوف و مهربان است *

* سما به فضای مکتب دین تفسیر شده یعنی خدا مکتب دین را از دستبرد شیاطین حفظ می کند مبادا در افکار مردم سقوط نماید. دین خدا یک دانشگاه است تمام موجودیتش و دوام و قوامش به علم و عالم است. تمام ادیان یک سلسله خرافات و مراسم خشک و بی خاصیت بیشتر نیستند. فقط دین اسلام به رهبری چهارده معصوم که دانش و دانشگاه است. زنده و قابل دوام و قوام است، همین دین است که حقایق علمی دنیا و آخرت و معارف توحید و ولایت را صاف و روشن در اختیار مردم می گذارد و به زندگی بشریت معنا می دهد.

﴿۶۶﴾ وَهُوَ الَّذِي أَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ او

کسی است که شما را زنده می کند و می میراند و بعد از مرگ زنده می کند ، انسان بسیار ناسپاس است

﴿۶۷﴾ لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يُنْزِعُ عَنْكَ فِي الْأَمْرِ وَاذْعُ إِلَى رَبِّكَ ۗ

إِنَّكَ لَعَلَىٰ هُدًى مُّسْتَقِيمٍ برای هر گروهی راه و روشی قرار داده ایم که در آن حرکت می کنند (تا در خلأ مطلق نباشند) و مبادا کسی یا چیزی در اجرای دین خدا مزاحم تو باشد ، مردم را به راه خدا دعوت کن که راه تو مستقیم است

﴿۶۸﴾ وَإِنْ جَدَلُوكَ فَقُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ اگر با تو در اجرای مراسم دین

بحث و جدال راه انداختند، بگو: خداوند به اعمال شما آگاه است

﴿۶۹﴾ اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ خداوند روز

قیامت در اختلافات قضاوت می کند

﴿۷۰﴾ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ

عَلَىٰ اللَّهِ يَسِيرٌ مگر نمی دانید آن چه در آسمان ها و زمین است خدا می داند ، همه

چیز در کتاب خدا ثبت است و ثبت آن برای خدا آسان است

﴿۷۱﴾ وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَا لَهُمْ بِهِ عِلْمٌ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ به جز خدا از کسانی اطاعت می کنند که خدا به او حجت نداده است و علم و آگاهی ندارد ، ظالمین بدانند که یاور و ناصری ندارند

﴿۷۲﴾ وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا الْمُنْكَرَ يَكَادُونَ يَسْطُونَ بِالَّذِينَ يَتْلُونَ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا قُلْ أَفَأَنْبِيئُكُمْ بِشَرٍّ مِنْ ذَلِكَُمُ النَّارُ وَعَدَهَا اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَبِئْسَ الْمَصِيرُ وقتی که آیات ما را واضح و روشن برای آنها تلاوت می کنی با قیافه زشت آنها روبه رو می شوی ، چنان اند که می خواهند به قاری قرآن حمله کنند، بگو: روزی بدتر از این روز را به شما خبر می دهم که آتش جهنم است ، خداوند آن را به کفار وعده می دهد ، چه بد عاقبتی است آتش

﴿۷۳﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاستَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِنْ يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبُ وَالْمَطْلُوبُ ای مردم! برای کشف حقیقت برای شما مثل می زنم، افرادی را که شما به جای خدا از آنها اطاعت می کنید، قدرت ندارند مگسی بیافرینند گرچه با یکدیگر همکاری کنند و اگر مگس چیزی را از آنها برباید نمی توانند پس بگیرند ، آنها و مگس ها هر دو ضعیف اند

﴿۷۴﴾ مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ خدا را به شایستگی او شناختند که شریک تراشیدند ، خداوند نیرومند و غیر قابل نفوذ است

﴿۷۵﴾ اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ خداوند

از فرشتگان و پیامبران مأمور انتخاب می کند ، خدا شنوا و بیناست

﴿۷۶﴾ **يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ** خداوند از نتایج

اعمال پیامبران در زمان آن‌ها و آینده آگاه است ، آینده همه اعمال به سوی خداست
(قیام امام زمان (ع) آخرین ثمره تاریخ است)

﴿۷۷﴾ **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَعَبُدُوا رَبَّكُمْ وَأَفْعَلُوا الْخَيْرَ**

لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ ای اهل ایمان! در برابر خداوند راکع و ساجد باشید، با
عبادت از خدا یاد بگیرید، اعمال نیک به جا آورید تا رستگار شوید

﴿۷۸﴾ **وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ**

**مِنْ حَرَجٍ مِّلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ
الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَءَاتُوا
الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ** آن چنان که

شایسته است در راه خدا جهاد کنید ، خداوند اهل ایمان را شایسته جهاد می داند ،
نمی خواهد شما را به مشقت بیندازد ، دین جدّ شما ابراهیم است، او پیش از این شما را
مسلمان نامیده و همچنین در این زمان این پیامبر نمونه مسلمانی شما و شما نمونه
دیگران باشید، پس نماز را زنده بدارید ، زکات بدهید، به خدا متوسل شوید، او
مولای شماست، چه مولای خوبی که شما دارید.

در این سوره خداوند علائم خاص اهل ایمان را تعریف می کند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(جزء ۱۸) ﴿۱﴾ قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ
حقیقتاً اهل ایمان رستگارند

﴿۲﴾ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ
همان‌ها که در حال نماز، عظمت خداوند را
درک می‌کنند

﴿۳﴾ وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ
و آن‌ها که از اعمال لغو و بی‌فایده اعراض
می‌کنند

﴿۴﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ
و همان‌ها که زکات می‌دهند

﴿۵﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِأُزْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ
و همان‌ها که حافظ عفت و ناموس‌اند

﴿۶﴾ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ
مگر با همسران
و کنیزان خود که مورد ملامت نیستند

﴿۷﴾ فَمَنْ أَبْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ
متجاوزین کسانی هستند که
با غیر کنیز و همسر خود رابطه دارند

﴿۸﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ
و آن‌ها که امانت‌ها و عهد و پیمان
خود را رعایت می‌کنند

﴿۹﴾ وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ
و همان‌ها که رابطه خود را با خدا و
اولیاء خدا حفظ می‌کنند (نماز معمول را اول سوره بیان کرد. این صلوات به حفظ
ولایت تفسیر شده است)

﴿۱۰﴾ أُولَٰئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ
همان‌ها اهل ایمانند که وارث ثمره شجره تاریخ‌اند

﴿۱۱﴾ الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ
کسانی هستند که زندگی

فردوس برین را به ارث می‌برند و در آن جاویدند

﴿۱۲﴾ **وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِّنْ طِينٍ** ما انسان را از یک سلول حیاتی که از خاک ساخته شده، آفریدیم

﴿۱۳﴾ **ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ** و بعد این سلول را نطفه نموده در رحم مادر جا دادیم

﴿۱۴﴾ **ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظْمًا فَكَسَوْنَا الْعِظْمَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَبَارَكُ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ** و بعد نطفه را به خون بسته و خون بسته را به غضروف و غضروف را به استخوان و استخوان را با گوشت و پوست پوشانیدیم و در انتها خلق دیگر که روح حیات است در آن دمیدیم، چقدر با برکت است پروردگار عالمیان (که خاک را تبدیل به انسان می‌کند)

﴿۱۵﴾ **ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ** و شما بعد از زندگی دنیا می‌میرید

﴿۱۶﴾ **ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ** و بعد روز قیامت زنده می‌شوید

﴿۱۷﴾ **وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقٍ وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ** ما در مسیر تکامل هفت راه یا هفت تحول آفریدیم، از خلائق خود غافل نیستیم *

* از ایمان تا لقاء الهی هفت تحول در انسان پیدا می‌شود که در تفسیر سوره قیامت روشن شده است. تحولات هفت‌گانه عبارت است از: تحول کفر به بندگی و ایمان. از ایمان به دانشجویی بعد از دانشجویی به رسالت و بعد از رسالت به حکمت و تکمیل حکمت هم سه مرحله دارد: شناخت علت مادی و مصالح ساختمانی و پنجم کیفیت ساخت‌وساز و ششم هدف خدا از خلقت و یا علت غایی و هفتم حالت لِقَاءِ اللَّهِ. انسان‌هایی که این تحولات را به انتها

می‌رسانند، حامل عرش‌اند یعنی علمشان کرسی حکومت خداوند متعال است.

﴿۱۸﴾ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَتْهُ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّا عَلَى ذَهَابٍ بِهِه لَقَدِيرُونَ

ما باران نازل کردیم و آن را در دل خاک جا دادیم ، اگر بخواهیم آن را به جای اول می‌بریم

﴿۱۹﴾ فَأَنْشَأْنَا لَكُمْ بِهِه جَنَّاتٍ مِّنْ نَّجِيلٍ وَأَعْنَبٍ لَّكُمْ فِيهَا فَوَاكِهُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ

با این باران چه باغ‌ها از انگور و خرما برای شما و میوه زیاد که می‌خورید، آفریدیم *

* نزول باران رحمت به نزول علم از جانب خدا تفسیر شده. آسمان اول فضای بالای سر است و آسمان دوم فضای نزول علم یعنی ذات مقدس خداوند متعال برای اولیاء خدا و ذوات اولیاء خدا برای سایر مردم. همان‌طور که حیات زمین به آب باران بستگی دارد حیات قلوب هم به فیض علم الهی بستگی دارد.

﴿۲۰﴾ وَشَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيْنَاءَ تَنْبُتُ بِالذَّهْنِ وَصَبْغٍ لِلَّالِكِينَ

و یا درخت زیتون در سرزمین سینا که روغن و رنگ‌آمیزی برای شما به وجود می‌آورد

﴿۲۱﴾ وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُّسْقِيكُم مِّمَّا فِي بُطُونِهَا وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ

، به شما شیر و شربت و منافع دیگر مانند پشم و گوشت و لباس می‌رسانند

﴿۲۲﴾ وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ

بر این چهارپایان و کشتی‌ها سوار می‌شوید

﴿۲۳﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنِّ إِلَهِ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ

ما نوح را به سوی قوم خود رسالت دادیم که‌ای قوم! خدا را

بپرستید، خدایی به جز او نیست، چرا از نافرمانی او پرهیز ندارید

﴿۲۴﴾ فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُرِيدُ أَنْ يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ

سرمدمداران قوم که کافر بودند، گفتند: نوح هم مانند ما یک انسان است، با این ادعا می‌خواهد برتری پیدا کند، اگر خداوند مأموری لازم داشت فرشته نازل می‌کرد، ما چنین حرف‌هایی نشنیده‌ایم

﴿۲۵﴾ إِنَّ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ فْتَرَبَّصُوا بِهِ حَتَّىٰ حِينٍ

شاید این مرد دیوانه

شده، صبر کنیم تا عاقبت کار او را دریابیم

﴿۲۶﴾ قَالَ رَبِّ أَنْصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونَ

نوح به خداوند نالید که: ای خدا! آن‌ها مرا

تکذیب کردند، خودت مرا یاری کن

﴿۲۷﴾ فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنْ اصْنَعِ الْفُلَكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحَيْنَا فَإِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ

فَأَسْأَلُكَ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ مِنْهُمْ وَلَا

تُخَاطَبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُغْرَقُونَ

ما به او وحی کردیم که با نظارت ما و

دستور ما کشتی بسازد، وقتی که فرمان ما به ظهور طوفان صادر شود، آب از تنور

فوران می‌کند، در این موقع از هر نوع حیوان جفتی به کشتی درآور و خانواده‌ات

را مگر آن که محکومیت او قطعی باشد و دیگر دربارهٔ ستم‌کاران با من حرفی نزن

که محکوم به هلاکت‌اند

﴿۲۸﴾ فَإِذَا أَسْتَوَيْتَ أَنْتَ وَمَنْ مَعَكَ عَلَى الْفُلِكِ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَجَّنا مِنَ

الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

وقتی که با همراهان به کشتی نشست، بگو: ستایش خداوند را

که ما را از حشر با ستم کاران نجات داد

﴿۲۹﴾ وَقُلْ رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُّبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ و بعد از آن که آن‌ها غرق شدند، بگو: پروردگارا! مرا در یک وضعیت با برکتی زندگی بده، تو بهترین پذیرایی‌کنندگان هستی

﴿۳۰﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ وَإِن كُنَّا لُمُبْتَلِينَ در این داستان، آیات الهی نهفته است گرچه ما بندگان خود را مبتلا می‌کنیم (زیرا ابتلائات برای تعلیمات است)

﴿۳۱﴾ ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا ءآخِرِينَ ما بعد از طوفان نوح، قرون دیگر آفریدیم

﴿۳۲﴾ فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ ءَأَفَلَا تَتَّقُونَ پیامبرانی از خودشان به سوی آن‌ها فرستادیم که ای مردم! خدا را بپرستید که به جز او خدایی نیست، چرا از نافرمانی خداوند نمی‌ترسید

﴿۳۳﴾ وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِلِقَاءِ الْآخِرَةِ وَأَتْرَفْنَاهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ سردمداران آن‌ها مانند گذشتگان که کافر شدند و زندگی آخرت را تکذیب نمودند و ما آن‌ها را به ثروت رسانیدیم گفتند: این آقا هم بشری مانند شماست، می‌خورد و می‌خوابد، چه امتیازی دارد که رسول خدا شده است؟

﴿۳۴﴾ وَلَئِن أَطَعْتُمْ بَشَرًا مِثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذَا لَخَسِرُونَ شما اگر از بشری نظیر خود اطاعت کنید، بدبختید، ضرر می‌کنید

﴿۳۵﴾ **أَيَعِدُّكُمْ أَنْتُمْ إِذَا مِتُّمْ وَكُنْتُمْ تُرَابًا وَعِظْمًا أَنْتُمْ مُخْرَجُونَ** چه وعده‌ها

می‌دهد که می‌گوید: وقتی مردید و خاک و استخوان شدید، دو مرتبه زنده می‌شوید

﴿۳۶﴾ **هَيِّهَاتَ هَيِّهَاتَ لِمَا تُوعَدُونَ** هیهات! هیهات! کجا ممکن است مردگان

زنده شوند

﴿۳۷﴾ **إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ** غیر از همین

زندگی دنیا زندگی دیگری وجود ندارد، زنده می‌شویم و می‌میریم و دیگر زنده

نخواهیم شد

﴿۳۸﴾ **إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا وَمَا نَحْنُ لَهُ بِمُؤْمِنِينَ** این آقا هم

به خدا دروغ می‌بندد، حرف‌های او را قبول نداریم

﴿۳۹﴾ **قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونَ** رسولان همه به خدا نالیدند که پروردگارا!

آنها ما را تکذیب کردند، خودت ما را یاری کن

﴿۴۰﴾ **قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لَيُصْبِحُنَّ نَادِمِينَ** خداوند فرمود: باشد، به همین زودی از

کفر خود پشیمان می‌شوند

﴿۴۱﴾ **فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ بِالْحَقِّ فَجَعَلْنَاهُمْ غُثَاءً فَبَعْدًا لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ** فرمان

الهی به عذاب آنها رسید مانند گیاه خشکیدند، دور باشند از رحمت خدا

﴿۴۲﴾ **ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قُرُونًا آخَرِينَ** و باز بعد از آنها فرقه‌های دیگری

به وجود آوردیم

﴿۴۳﴾ **مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَخِرُونَ** هیچ گروهی از مدت مقرر جلو

نمی‌رود، به عقب هم بر نمی‌گردد

﴿۴۴﴾ **ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرًا كُلًّا مَا جَاءَ أُمَّةً رَّسُولَهَا كَذَّبُوهُ فَاتَّبَعْنَا بَعْضَهُمْ بَعْضًا وَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ فَبُعْدًا لِقَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ** در آینده هم پیامبران دیگر به وجود آوردیم، اما هر امتی که با پیامبر خود روبه‌رو شدند تکذیب نمودند، ما نیز آیندگان را در پی گذشتگان هلاک نمودیم، داستانی از آن‌ها به‌جا گذاشتیم تا دیگران عبرت بگیرند، دور شوند ستم‌کاران که متنبه نمی‌شوند

﴿۴۵﴾ **ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ وَأَخَاهُ هَارُونَ بِآيَاتِنَا وَسُلْطٰنٍ مُّبِينٍ** بعد موسی و برادرش هارون را با چنان معجزات و حجتی به سوی فرعون رسالت دادیم

﴿۴۶﴾ **إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا عَالِينَ** فرعون و سردمداران او تکبر نمودند، خود را برتر دانستند

﴿۴۷﴾ **فَقَالُوا أَنُؤْمِنُ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا عَبِيدُونَ** و گفتند: ما به این دو نفر که مانند ما هستند ایمان بیاوریم که قوم او همه بردگان ما هستند؟

﴿۴۸﴾ **فَكَذَّبُوهُمَا فَكَانُوا مِنَ الْمُهْلَكِينَ** موسی و برادرش را تکذیب نمودند، سرنوشتشان مانند دیگران هلاکت بود

﴿۴۹﴾ **وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ** کتاب تورات را به موسی دادیم شاید بنی‌اسرائیل هدایت شوند

﴿۵۰﴾ **وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً وَآوَيْنَهُمَا إِلَىٰ رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ** ما مریم و فرزندش عیسی را هم آیت قدرت ساختیم و آن دو را در جای مرتفع و

قرارگاه امن و امان پناه دادیم

﴿۵۱﴾ يَتَأْتِيهَا الرُّسُلُ كُلُّوْا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاَعْمَلُوا صَالِحًا اِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ
 آن‌ها را در این مقام امن و امان صدا زدیم که ای رسولان! از روزی‌های طیب و طاهر
 ما استفاده کنید و عمل صالح به جا آورید، من به اعمال شما آگاهم

﴿۵۲﴾ وَاِنَّ هَذِهِ اُمَّتُكُمْ اُمَّةً وَّاحِدَةً وَاَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ
 این امت شما پیامبران هستند که یک امت و در یک راه هستند من هم مولای شما، از مخالفت
 مولای خود بپرهیزید

﴿۵۳﴾ فَتَقَطَّعُوا اَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُوْنَ
 ولیکن امت‌ها خود را به تفرقه انداختند، هر گروهی به راه و روش خود خوش حال بودند

﴿۵۴﴾ فَذَرَهُمْ فِي غَمَرَتِهِمْ حَتَّىٰ حِينٍ
 تو آن‌ها را در این تفرقه و مستی تا آخر
 عمر به خودشان واگذار کن

﴿۵۵﴾ اَيُّحْسِبُونَ اَنَّمَا نُمِدُّهُمْ بِهِ مِنْ مَّالٍ وَبَنِيْنَ
 خیال می‌کنند این مال و اولاد
 که به آن‌ها داده‌ایم

﴿۵۶﴾ نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ بَلْ لَا يَشْعُرُونَ
 خیلی سریع مقام آن‌ها را بالا
 برده‌ایم، نه، این طور نیست، شعور ندارند که اسرار سعادت را بفهمند

﴿۵۷﴾ اِنَّ الَّذِيْنَ هُمْ مِنْ خَشِيَةِ رَبِّهِمْ مُّشْفِقُونَ
 کسانی که عظمت خدا را درک
 می‌کنند و از نافرمانی خداوند می‌ترسند

﴿۵۸﴾ وَالَّذِيْنَ هُمْ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ
 و کسانی که به آیات پروردگارشان

ایمان آورده‌اند

﴿۵۹﴾ وَالَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ و کسانی که به جای پروردگارشان دیگری را اطاعت نمی‌کنند

﴿۶۰﴾ وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ و کسانی که از آنچه دارند در راه خدا انفاق می‌کنند و نگرانند که عاقبت به سوی خدا رجوع می‌کنند

﴿۶۱﴾ أُولَٰئِكَ يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ آن‌ها ایند که سریعاً به خیرات و برکات رسیده و از همه سبقت گرفته‌اند

﴿۶۲﴾ وَلَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَلَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ما کسی را بیشتر از وسع و استعدادش مکلف نمی‌کنیم ، کتابی دادیم که حقیقت را بازگو می‌کند ، به کسی ستم نمی‌شود

﴿۶۳﴾ بَلْ قُلُوبُهُمْ فِي غَمْرَةٍ مِّنْ هَٰذَا وَلَهُمْ أَعْمَلٌ مِّنْ دُونِ ذَٰلِكَ هُمْ لَهَا عَمِلُونَ کفار و منافقین در غفلت و مستی به سر می‌برند به راه و روش جاهلانه خود پای‌بند هستند

﴿۶۴﴾ حَتَّىٰ إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِم بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ يَجْعَرُونَ تا اینکه عاقبت، سرخوشان اسراف‌گر آن‌ها را به عذاب خود مجازات کنیم، در این حال پناهنده به ما می‌شوند

﴿۶۵﴾ لَا تَجْعَرُوا الْيَوْمَ إِنَّكُمْ مِنَّا لَا تُنصَرُونَ نه! پناهندگی شما سودی ندارد

، ما شما را یاری نمی کنیم

﴿۶۶﴾ قَدْ كَانَتْ آيَاتِي تُثَلَّىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ تَنكِصُونَ آیات ما

را در دنیا برای شما می خواندند، اعتنا نمی کردید و به قهقرا می رفتید

﴿۶۷﴾ مُسْتَكْبِرِينَ بِهِ سَمِرًا تَهْجُرُونَ به حال تکبر فخر می فروختید، از

اولیاء خدا فاصله می گرفتید

﴿۶۸﴾ أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُمْ مَا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ الْأَوَّلِينَ چرا در آیات

خدا فکر نمی کردند و یا از آنچه از حادثه ها که سر اجدادشان آمده بود، سر آنها

نیامد (که عبرت گیرند)؟

﴿۶۹﴾ أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ یا مگر پیامبر خود را نشناختند

یا منکر رسالت او بودند؟

﴿۷۰﴾ أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ بَلْ جَاءَهُم بِالْحَقِّ وَأَكْثَرُهُم لِلْحَقِّ كَارِهُونَ یا

می گفتند: این پیامبر جنون دارد ، نه!، آنها را به حق دعوت کردیم، ولی اکثر

آنها از قبول حق کراهت داشتند

﴿۷۱﴾ وَلَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ بَلْ أَتَيْنَهُم

بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَن ذِكْرِهِمْ مُعْرِضُونَ اگر حق تابع هوی و هوس آنها باشد، عوالم

آسمان و زمین و اهل آن را فساد احاطه می کند ، ما با این قرآن وظایف به حق

آنها را روشن کردیم ، آنها از وظایف خود گریزانند

﴿۷۲﴾ أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَاجُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ مگر در مقابل

این خدمات اجر و مزدی از آنها خواسته‌ای؟ ، اجر خداوند خیلی بهتر است که بهترین روزی دهندگان است

﴿۷۳﴾ **وَإِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ** تو آنها را به راه راست دعوت می‌کنی

﴿۷۴﴾ **وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنُكَبُّونَ** کسانی که ایمان به آخرت ندارند، از راه راست منحرف‌اند

﴿۷۵﴾ **وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِم مِّنْ ضُرٍّ لَّلَجُّوا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ** اگر به آنها رحم کنیم، بدی و بلاها را از آنها برطرف نماییم، باز هم طغیان‌گرانه با حق لج‌بازی می‌کنند

﴿۷۶﴾ **وَلَقَدْ أَخَذْنَاهُم بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ** ما آنها را در محاصره عذاب قرار دادیم ولیکن در برابر قدرت خدا خاضع نشدند و تضرع نمودند

﴿۷۷﴾ **حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ إِذَا هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ** تا عاقبت عذاب سختی بر آنها نازل کردیم، اما به جای تسلیم و امید به خدا ناامیدی پیدا کردند

﴿۷۸﴾ **وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ** او خدایی است که برای شما گوش شنوا و چشم بینا و دل دانا قرار داده است ، بسیار کم‌اند کسانی که نعمت‌های خدا را منظور دارند

﴿۷۹﴾ وَهُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ او کسی است که شما را

از خاک زمین به وجود آورد و عاقبت حشر و اجتماع شما به سوی خداست

﴿۸۰﴾ وَهُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ وَلَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ او کسی

است که زنده می کند و می میراند، اختلاف شب و روز به دست اوست ، چرا عقل خود را به کار نمی گیرید؟

﴿۸۱﴾ بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالَ الْأَوَّلُونَ آن ها نیز برای درک عظمت خدا همان را

گفتند که اجداد آن ها گفته بودند

﴿۸۲﴾ قَالُوا أَيْدَا مِثْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظْمًا أَيْنَا لَمَبْعُوثُونَ که وقتی مُردیم خاک و

استخوان شدیم، کجا دوباره زنده می شویم

﴿۸۳﴾ لَقَدْ وَعِدْنَا نَحْنُ وَعَبَاؤُنَا هَذَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ این

حرف ها همان گفته هایی است که پیش ازین به پدران ما وعده داده بودند، همه افسانه است، ما را سربند می کنند

﴿۸۴﴾ قُلْ لِمَنِ الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ بگو: اگر عقل و شعور دارید

بگوید: زمین و اهل زمین مال کیست و چه کسی آفریده است؟

﴿۸۵﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ همه جواب می دهند که: مال خداست،

خدا آفریده است، بگو: پس چرا به یاد خدا نیستید؟

﴿۸۶﴾ قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ بپرس!، پروردگار

عرش عظیم و هفت طبقه آسمان و زمین کیست؟

﴿۸۷﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ فوری می گویند: خداست، بگو: پس چرا تقوا ندارید و معصیت خدا می کنید؟

﴿۸۸﴾ قُلْ مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ بپرس! جان هر مخلوقی به دست کیست؟، کیست که مردم را پناه می دهد و کسی نمی تواند دشمن او را پناه دهد؟، اگر عقل و شعور دارید جواب بدهید؟

﴿۸۹﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ فَأَنَّى تُسْحَرُونَ باز همه جواب می دهند که جان همه به دست خداست ، بگو: پس چرا مانند سحر شده ها پرت و پلا می گویند

﴿۹۰﴾ بَلْ أَتَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ما برای آن ها دین حق و دلایل حق آوردیم، آن ها که منکر حق اند، دروغ می گویند

﴿۹۱﴾ مَا أَخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذَا لَذَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَّ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ خداوند هرگز کسی را به فرزندی نگرفته و با او خدای دیگری نیست ، اگر خدای دیگری باشد، هر کدام خلق خود را از دیگری مشخص می کند و یکی بر دیگری برتری می جوید، خداوند از این وصف و تعریف ها برتر و منزّه تر است

﴿۹۲﴾ عَلِيمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ او عالم به غیب و شهود است ، از آنچه شریک او قرار می دهند برتر و بالاتر است

﴿۹۳﴾ قُلْ رَبِّ إِمَّا تُرِيْنِي مَا يُوعَدُونَ بگو: پروردگارا! اگر عذاب آخرت آن ها را به من نشان دادی

﴿۹۴﴾ رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ خدای من! مرا در گروه آن‌ها و با
آن‌ها محشور ننمایی

﴿۹۵﴾ وَإِنَّا عَلَىٰ أَنْ نُرِيكَ مَا نَعِدُهُمْ لَقَدِيرُونَ ما قادریم وضعیت آخرت آن‌ها
را به تو نشان دهیم

﴿۹۶﴾ أَدْفَعْ بِأَلَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ با هر عملی که
بہتر و نیکوتر است، بدی‌ها را از خودت دور کن ، ما به توصیف و تعریف آن‌ها
داناتریم

﴿۹۷﴾ وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ بگو: پروردگارا! از وسوسه
شیاطین به تو پناه می‌برم

﴿۹۸﴾ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ که شیاطین مرا احاطه کنند و از دوستان
خود بشناسند

﴿۹۹﴾ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ وقتی مرگ یک کافر
می‌رسد، در حال احتضار می‌گوید: پروردگارا! مرا به دنیا برگردان

﴿۱۰۰﴾ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ
إِلَىٰ يَوْمٍ يُبْعَثُونَ شاید عمل صالح انجام دهم، آنچه از عبادات که ترک نموده‌ام
به جای آورم ، ساکت باش! ، خودت عقیده داشتی که باید صالح باشی؟ ، بعد از
این در توقیفگاه قبر هستی تا روزی که زنده شوی. (طبق نص این آیه که می‌گوید:
بعد از این دنیا برزخ است تا بعثت، برزخ مدت مرگ بین دنیا و آخرت است)

﴿۱۰۱﴾ فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ وقتی که

حیات دوباره مردگان شروع شود، روابط حسبی و نسبی سودی ندارد، سؤال و پرسشی از آن نیست *

* اگر در دوران برزخ هم بعد از دنیا انسان زنده باشد، درست نیست که خداوند بگوید: شما بعد از دنیا زنده هستید تا روزی که زنده شوید پس معنای آیه این است که شما بعد از دنیا در خواب مرگ هستید تا روزی که زنده شوید. آیات دیگر هم این معنی را تأیید می‌کند که می‌فرماید: روزی که مبعوث شوند چنین به نظرشان می‌آید که شبی یا روزی بیشتر در دل خاک نبوده‌اند زیرا زنده‌ها زندگی لازم دارند و زندگی از یاد نمی‌رود که بگویند: شبی خوابیدیم و بیدار شدیم. وقتی که زندگی آخرت و قیامت هم در روی کره زمین واقع می‌شود پس زندگی برزخ در کجا واقع شده است. خواب مرگ ساعت آخر دنیا را به ساعت اول قیامت متصل می‌کند مانند دوران خواب اصحاب کهف. شاید در خواب مرگ هم خواب دیدن در کار باشد که زندگی به حساب نمی‌آید همه جا گفته‌اند که مرگ مانند خواب است و خداوند هر دو نمونه را در تاریخ نشان داده. راه ورود به بهشت و دوزخ از کانال حساب است و حسابرسی ایجاب می‌کند که اولین و آخرین یکجا جمع شوند زیرا ظالم اول تاریخ در قتل مظلوم آخر تاریخ شریک است پس همه باید در محشر جمع شوند.

﴿۱۰۲﴾ **فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ** هر کس ترازوی اعمال و اخلاقش سنگین باشد، رستگار است

﴿۱۰۳﴾ **وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ** و هر کس اعمال و اخلاقش سبک باشد، به خود خسارت زده، در جهنم مغلد است

﴿۱۰۴﴾ **تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ** صورت آن‌ها از حرارت آتش سیاه و خشن می‌شود

﴿۱۰۵﴾ **أَلَمْ تَكُنْ عَلَىٰ تَلَىٰ عَلَیْكُمْ فَكُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ** به آن‌ها گفته

می‌شود: مگر آیات من برای شما تلاوت نمی‌شد که آن را تکذیب می‌کردید؟

﴿۱۰۶﴾ **قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ** می‌گویند: آری،

پروردگارا! شقاوت بر ما غالب شد که قومی گمراه بودیم

﴿۱۰۷﴾ **رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ** پروردگارا! ما را به دنیا

برگردان اگر به کفر و گناه برگشتیم، ظالم هستیم

﴿۱۰۸﴾ **قَالَ أَحْسَبُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونَ** جواب می‌رسد: خفه! چخه! حرف نزید

(برگشت به دنیا مانند برگشت به کودکی و رحم است که ممکن نیست)

﴿۱۰۹﴾ **إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا ءَامِنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَأَرْحَمْنَا وَأَنْتَ**

خَيْرُ الرَّاحِمِينَ وقتی که مناجات بنده ما را می‌شنیدید که می‌گفت: خدایا! ایمان

آوردیم، ما را ببخش، تو اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ هستی

﴿۱۱۰﴾ **فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِحْرِيًّا حَتَّىٰ أَنْسَوْكُمْ ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِّنْهُمْ تَضْحَكُونَ** به

جای تنبه آن‌ها را مسخره کردید، آن‌ها از شما فاصله گرفتند و یاد ما را از خاطره

شما بردند، شما بر آن‌ها می‌خندیدید

﴿۱۱۱﴾ **إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا إِنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ** من امروز ثواب ایمان

و اعمال آن‌ها را دادم، آن‌ها رستگارند

﴿۱۱۲﴾ **قَالَ كَمْ لَبِئْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ** اگر کسی به آن‌ها بگوید: چند

سال زیر خاک پنهان بودید

﴿۱۱۳﴾ **قَالُوا لَبِئْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَسَلِ الْعَادِينَ** جواب می‌دهند: روزی یا

نصف روزی، از حسابگران پرسید

﴿۱۱۴﴾ قَلَّ إِن لَّبِئْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا لَّوْ أَنكُمْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ به آن‌ها می‌گویند: اگر

حقیقت می‌شناختید، می‌دانستید که چند ساعتی بیشتر نبوده است

﴿۱۱۵﴾ أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ خیال می‌کردید

عبث خلق شده‌اید که به دایره حکومت ما بر نمی‌گردید

﴿۱۱۶﴾ فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ پس برتر

است خدایی که سلطان حق است، جز او خدایی نیست، پروردگار عرش کرامت و عظمت

﴿۱۱۷﴾ وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ

کسی که به جز خداوند متعال خدای دیگری اختیار کند، دلیل و برهانی بر این اختیار ندارد، حسابش با پروردگار است که هرگز رستگار نمی‌شود

﴿۱۱۸﴾ وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ بگو: پروردگارا! ایمان

آوردیم، ما را تقویت کن، به ما رحم نما، تو بهترین رحم‌کنندگانی.

آیاتها ۶۴

سُورَةُ النُّورِ

المدنی

این سوره به مناسبت اینکه خداوند چهارده معصوم(ع) را به نورانیت معرفی می‌کند و آن‌ها را نمونه علم خود قرار می‌دهد، سوره نور نامیده شده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ سُوْرَةُ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَّعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

سوره‌ای است که نازل کردیم مندرجات آن را بر همه کس فرض نمودیم ، آیات روشنی در این سوره قرار دادیم که شاید حقیقت را درک کنید

﴿۲﴾ الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ

فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيْشَهِدُ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ

الْمُؤْمِنِينَ به هریک زن و مرد زناکار صد تازیانه بزنید اگر ایمان به خدا و آخرت

دارید ، در تنبیه آن‌ها رأفت و رحمت به خود راه ندهید ، باید طایفه‌ای از اهل ایمان

شاهد اجرای این حدود باشند

﴿۳﴾ الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ

وَحَرِّمَ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ مرد زناکار جز با زن زناکار و مشرک رابطه ندارد و

زن زناکار هم جز با مرد زناکار و مشرک، این رابطه نامشروع بر اهل ایمان حرام

است

﴿۴﴾ وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَنِينَ جَلْدَةً

وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ کسانی که زنان پاک با ایمان

را متهم می‌کنند و بر اثبات این ادعا چهار شاهد نمی‌آورند به هر یک هشتاد تازیانه

بزنید و دیگر شهادت آن‌ها را قبول نکنید که آن‌ها فاسق‌اند

﴿۵﴾ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ مگر کسانی

که بعد از این گناه توبه کنند و اخلاق خود را اصلاح نمایند، خدا آمرزنده و مهربان است

﴿۶﴾ وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ فَشَهَادَةُ أَحَدِهِمْ

أَرْبَعُ شَهَدَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ کسانی که همسر خود را متهم به زنا می کنند و به جز خود گواهی ندارند، چهار مرتبه قسم بخورند که راست می گویند

﴿۷﴾ وَالْخَمِيسَةَ أَنْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ و مرتبه پنجم بگویند: لعنت خداوند بر من اگر دروغ می گویم

﴿۸﴾ وَيَذَرُوا عَنْهَا الْعَذَابَ أَنْ تَشْهَدَ أَرْبَعَ شَهَدَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ و زن او هم اگر می خواهد از این تهمت تبرئه شود، باید چهار مرتبه قسم بخورد و خدا را شاهد بگیرد که شوهرش دروغ می گوید

﴿۹﴾ وَالْخَمِيسَةَ أَنْ غَضَبَ اللَّهِ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ و مرتبه پنجم بگوید: غضب خداوند بر من اگر شوهرم راست می گوید

﴿۱۰﴾ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ اگر این قانون گذاری ها که از فضل و رحمت خداست و یا توبه پذیری او نباشد، شما به هلاکت می رسید

﴿۱۱﴾ إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُم بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ لِكُلِّ أُمَّرٍ مِّنْهُمْ مَا أَكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ کسانی که به بندگان خدا تهمت می زنند طایفه ای از خودتان هستند، خیال نکنید به ضرر شماست بلکه به نفع شماست، هر کسی بار گناه خود را به دوش می کشد، کسانی که نفس متکبر خود را حاکم می کنند به عذاب بزرگی مبتلا می شوند

﴿۱۲﴾ لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ چرا وقتی که تهمت و غیبت را می شنوند، خوش گمان به مردم نیستند و

نمی گویند که این حرف‌ها دروغ است

﴿۱۳﴾ **لَوْلَا جَاءُوا عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشُّهَدَاءِ فَأُولَئِكَ عِنْدَ اللَّهِ هُمُ الْكَاذِبُونَ** چرا آن‌ها که تهمت می‌زنند، چهار شاهد بر صداقت خود نمی‌آورند؟ و حالا که چهار شاهد نمی‌آورند، در نزد خداوند دروغ‌گو شناخته می‌شوند

﴿۱۴﴾ **لَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَمَسَّكُمْ فِي مَا أَفَضْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ** اگر لطف و رحمت خدا در دنیا و آخرت شما را نگیرد، از مسیر این اخلاق جاهلانه عذاب بزرگی شما را فرا می‌گیرد

﴿۱۵﴾ **إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِالسِّنْتِكُمْ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ** چگونه بی‌باک و بدون احتیاط تهمت‌ها را می‌گیرید و نشر می‌دهید، خیال می‌کنید کار ساده‌ای است با اینکه در نظر خدا گناه بزرگی است که آبروی مؤمن را می‌ریزد

﴿۱۶﴾ **لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ** چرا وقتی که تهمت‌ها را می‌شنوید نمی‌گویید: سبحان‌الله، ما حق نداریم چنین گفتاری را بگوییم و بشنویم که بهتانی بزرگ است

﴿۱۷﴾ **يَعِظُكُمُ اللَّهُ أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَدًا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ** خداوند شما را نصیحت می‌کند، مبادا چنین اعمالی را تکرار کنید اگر ایمان به خدا دارید

﴿۱۸﴾ **وَيُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ** خداوند دستورات خود را در ارتباط با مصالح و مفاسدی که دارد روشن می‌کند، خدا حکیم و داناست

﴿١٩﴾ إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ ءَامَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

کسانی که دوست دارند فحشا و منکر در جامعه اسلامی شایع شود، در دنیا و آخرت به عذابی دردناک معذب می شوند ، خدا چنین عاقبتی را می داند و شما نمی دانید

﴿٢٠﴾ وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ رَعُوفٌ رَحِيمٌ

اگر لطف و رحمت خدا نباشد که رؤف و مهربان است، از این رفتار و اخلاق مصیبت بزرگ به شما می رسد

﴿٢١﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطْوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطْوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِّنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

ای اهل ایمان! از تبلیغات شیطان‌های وسوسه‌گر پیروی نکنید ، کسانی که از تعلیمات شیاطین پیروی می کنند آن‌ها شما را به فساد و فحشا وادار می کنند ، اگر لطف و رحمت خدا نباشد هیچ یک از شما به عقل و شعور نمی رسد ولیکن خداوند کسانی را که دوست دارد رشد عقلی می دهد ، خدا شنوا و داناست

﴿٢٢﴾ وَلَا يَأْتِلِ أَوْلُوا الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولِي الْقُرْبَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

نباید ثروتمندان و خردمندان از شما قسم یاد کنند که بعد از این به خویشاوندانی که تهمت زده‌اند یا به مهاجرین و مساکین رسیدگی نکنند ، از آن‌ها بگذرند و علاوه با آن‌ها خوش برخورد باشند ، مگر دوست ندارید خداوند از شما بگذرد ، خدا آمرزنده و مهربان است

﴿۲۳﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لَعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ کسانی که زن های مؤمنه غافل از گناه را تهمت می زنند، ملعون دنیا و آخرت هستند، در انتظار عذابی بزرگ باشند

﴿۲۴﴾ يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ روزی

که دست و پا و زبان شان به اعمال آن ها گواهی دهد

﴿۲۵﴾ يَوْمَئِذٍ يُوفِّيهِمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ در آن

روز برمدار دین حق به آن ها رسیدگی می شود، یقین پیدا می کنند که حقانیت حق واضح و روشن است

﴿۲۶﴾ الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ

لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ زنان خبیث

مناسب مردان خبیث اند و مردان خبیث مناسب زنان خبیث ، زنان پاک مناسب مردان پاک و نجیب اند و مردان پاک مناسب زنان پاک ، این گروه پاکان از تهمت ها منزّه و مبرا هستند ، مغفرت خدا و روزی های کریمانه برای آن ها خواهد بود

﴿۲۷﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا

عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ای اهل ایمان! بدون انس و

آشنایی و بدون کسب اجازه وارد خانه کسی نشوید و بعد از اجازه به اهل خانه سلام کنید ، این روش اخلاقی برای شما بهتر است شاید که حقیقت را درک کنید

﴿۲۸﴾ فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِن قِيلَ لَكُمْ

أَرْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَىٰ لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ اگر کسی هم در خانه

نبود، بدون اجازه وارد نشوید و اگر معذرت خواستند برگردید که بیشتر مایه عزت شماست، خدا به اعمالتان آگاه است

﴿٢٩﴾ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَعٌ لَكُمْ **وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ** مانعی ندارد اگر کاری داشته باشید به

خانه‌های غیرمسکونی وارد شوید، خداوند ظاهر و باطن و اعمال و نیات شما را می‌داند

﴿٣٠﴾ قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَرِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ به مؤمنین دستور بده از بعضی نگاه‌ها خودداری کنند، عورت

خود را بپوشند که دین و عفت آن‌ها را بیشتر شخصیت می‌دهد، خداوند به حال آن‌ها آگاهی دارد

﴿٣١﴾ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَرِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ خُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ به زنان مؤمنه هم دستور بده از بعضی نگاه‌ها خودداری کنند، عورت

خود را بپوشند و زیبایی و زینت خود را جز آنچه خود به خود ظاهر می‌شود مستور بدارند، مقنعه خود را روی سینه بیندازند، زینت و زیبایی خود را آشکار نکنند مگر برای شوهر و پدران و پدر شوهر و یا فرزندان و فرزندان شوهر یا برادران و برادر

زادگان و خواهرزادگان و غلام و کنیز خود یا زنان مسلمان و یا وابستگان به زندگی که حاجت به زنان ندارند و یا کودکان که تمیز ندارند و اعمالی به خاطر نمایش زینت انجام ندهند، ای مؤمنین و مؤمنات! همه به سوی خدا گرایش داشته باشید شاید رستگار شوید

﴿۳۲﴾ وَأَنْكِحُوا الْأَيْمَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ
زن و مرد بی‌همسر و یا کنیز و غلام صالح خود را به ازدواج هم درآورید، اگر هم فقیرند، نترسند خداوند از فضل و کرم خود آنها را بی‌نیاز می‌کند، خداوند دانا و گشایشگر است

﴿۳۳﴾ وَلَيْسَتَعْفِيفُ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَالَّذِينَ يَبْتَغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا وَعَاقِبَتُهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَيْنَاكُمْ وَلَا تُكْرَهُوا فَتَيِّبْتُمْ عَلَىٰ الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِيَبْتِغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَنْ يُكْرِهِنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَحِيمٌ
کسانی که امکانات ازدواج ندارند، عفت پیشه کنند تا خدا از لطف و کرم خود آنها را بی‌نیاز کند، غلام و کنیزانی که رشد آزادی دارند با معاهده و مکاتبه آنها را آزاد کنید و از ثروتی که خدا به شما داده به آنها کمک کنید، زنان نجیب خود را که طالب عفت و یا شوهرند به عمل نامشروع مجبور نکنید تا از این راه ثروتی به دست آورید، کسی که آنها را مجبور کند، خداوند نسبت به آنها آمرزنده و مهربان است (مجبور کننده مجازات می‌شود)

﴿۳۴﴾ وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ آيَاتٍ مُبَيِّنَاتٍ وَمَثَلًا لِمَنْ خَلَا مِنْ قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ
آیاتی روشن و روشنگر همراه با نمونه‌های تاریخی و موعظه‌ها

برای مؤمنین و متقین نازل کردیم

﴿٣٥﴾ اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ
فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ
وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ
مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَلَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ خداوند علم و

هدایت آسمان‌ها و زمین است ، نمونه نور خدا مشکات نور است که در آن مصباح و
مصباح در شیشه نورانی و شیشه مانند ستاره درخشان از شجره بابرکت زیتون که
انحراف به شرق و غرب ندارد، می‌درخشد ، چنان تلالو دارد که پیش از تماس با نور
روشنایی می‌دهد، لمعات نور در پی یکدیگر می‌تابد و خدا هرکسی را بخواهد به نور
خود هدایت می‌کند ، خداوند شخصیت‌های بزرگ آسمانی را به این چراغ‌ها مثل
می‌زند ، خداوند به هر چیزی داناست *

* آیه نور از عجایب آیات قرآن است اولاً بدانید که نور و ظلمت و یا علم و عقل و هر چیزی
که اسم و صفت پیدا کرده تمامی این اسماء و صفات در ارتباط با انسان معنی پیدا می‌کند که
اگر انسان نباشد لغت و معنایی در عالم پیدا نمی‌شود. اسماء و صفات همیشه بین دو شخص
عالم قابل ظهور است و بین خدا و اشیاء، اسم و معنی قابل ظهور نیست. اگر انسان نبود خدا
سکوت مطلق بود زیرا کسی نبود که با او حرف بزند. در کتاب کافی از ائمه اطهار(ع) نقل
است که فرمودند: بِنَا عِبْدَ اللَّهِ وَبِنَا عُرِفَ اللَّهُ لَوْلَانَا مَا عُرِفَ اللَّهُ. خداوند در این آیه
خودش را به عنوان نور آسمان‌ها و زمین معرفی می‌کند و برای شناسایی خود به نورانیت،
نمونه‌هایی ذکر می‌کند. بعضی فلاسفه گفته‌اند: نورالسموات همان نور وجود است یعنی
حقیقت خلق و هستی عالم که او را اصل خلاق و خلاق را فرع آن می‌دانند و ما در بحث‌ها و
کتاب‌های خود ثابت کردیم که مبادی خلق غیر از ذات مقدس خداست. وجود خلاق مانند
خود آن‌ها مخلوق است. خدا مَبْدَأُ (اسم مکان) نیست بلکه مُبْدَأُ (اسم فاعل) است. اصول هستی

خلایق چهار چیز است که این چهار چیز باهم تباین وجودی دارند و خلایق ترکیبی از این چهار اصل اند: اول ماده که پیکره عالم از آن است. دوم اصل نور است که حیات و حرکت و رنگ و زیبایی از آن گرفته می‌شود. سوم کمیت‌ها و کیفیت‌ها و هندسه‌ها و علت غایی که موجودیت صوری خلایق را تشکیل می‌دهد. چهارم علم و قدرتی که این عجایب را به وجود می‌آورد و آن علم و قدرت ذات مقدس خداوند است و او با علم و قدرت خود از آن اصول نمونه‌هایی ساخته که در این آیه آن‌ها را معرفی می‌کند. خدا نور است یعنی علم آسمان‌ها و زمین است. نمونه‌اش مشکات نور است یعنی ظرف انوار که حضرت زهرا(س) به عنوان ام‌ابیه‌ها و ام‌امامت و ائمه(ع) ظرف علوم و انوار شناخته شده است. مصباح اول (حضرت رسول(ص) و مصباح دوم (علی(ع)، زجاجه اول (امام حسن(ع) و زجاجه دوم (امام حسین(ع)، ستاره درخشنده (امام سجاده) شجره مبارکه (امام باقر(ع)، شجره زیتونه (امام صادق(ع) نور علم (امام کاظم(ع). علم در اعتدال (امام رضاع) ولو لم تمسسه نار (حضرت جواد(ع) است که پیش از سؤال جواب مسائل را می‌دهد و نور علی نور دو نور دیگر (امام دهم و امام یازدهم) و نور آخر یهدی من یشاء (امام زمان(عج) است که زنده و پایدار است. این آیه تناسب عجیب با زندگی چهارده معصوم(ع) دارد، مفصل آن را در کتاب شمع زندگی بخوانید.

﴿۳۶﴾ فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا أَسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ

وَالْأَصَالِ این چراغ‌های نورانی از خانواده‌هایی می‌درخشد که خدا اجازه داده عظمت داشته باشند، ذکر خدا در آن خانواده‌ها زنده است، خانواده‌ای که صبح و شام به تسبیح خدا مشغول‌اند

﴿۳۷﴾ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ

يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ و این چراغ‌های نورانی به علم، رجالی هستند که اشتغال به کار دنیا آن‌ها را از یاد خدا و نماز و ادای زکات باز نمی‌دارد، از حادثه قیامت که دل‌ها در اضطراب است می‌ترسند (در این سه آیه خداوند

متعال چهارده معصوم (ع) را تعریف می کند)

﴿٣٨﴾ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ ۗ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَن يَشَاءُ

بِغَيْرِ حِسَابٍ تا خداوند آن‌ها را در برابر بهترین اعمال جزا بدهد و از فضل خود
زیاده به آن‌ها برساند ، خداوند بندگان خود را بدون حساب روزی می دهد

﴿٣٩﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَلُوهُمْ كَسْرَابٍ بِقِيَعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْثَانُ مَاءً حَتَّىٰ إِذَا

جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَوَجَدَ اللَّهُ عِنْدَهُ فَوْقَهُ حِسَابَهُ ۗ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ و

اما کفار، اعمالشان مانند سراب بیابان است که تشنگان خیال می کنند آب است، وقتی
که به محل سراب می رسند چیزی نمی بینند ، خداوند نتایج عمر آن‌ها را کف دستشان
می گذارد، خداوند سریع الحساب است

﴿٤٠﴾ أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرِ لُجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِّن فَوْقِهِ ۗ مَوْجٌ مِّن فَوْقِهِ ۗ سَحَابٌ

ظُلُمَاتٍ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدُهُ لَمْ يَكَدْ يَرَاهَا ۗ وَمَن لَّمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ

نُورًا فَمَا لَهُ مِن نُّورٍ یا اعمال و تشکیلات آن‌ها مانند تاریکی‌ها در دریایی است

عمیق که امواجی سهمگین به آن‌ها حمله ور است ، امواج و ظلمات بالای یکدیگر در

تاریکی شب و ابر، چنان که دستش را مقابل چشمش نمی بیند ، کسی را که خدا آگاه

نکند آگاهی نخواهد داشت

﴿٤١﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَن فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرُ صَفَّتٍ كُلُّ قَدِّ

عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ مگر نمی دانی که هر که هست

در عوالم آسمان و زمین و مرغ‌های صف کشیده خدا را تسبیح می کنند و همه آن‌ها به

تسبیحشان آگاه‌اند و خداوند به اعمالشان آگاهی دارد

﴿۴۲﴾ **وَلِلَّهِ** مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ **وَإِلَى اللَّهِ** الْمَصِيرُ پادشاهی آسمان‌ها و زمین مخصوص خداست و بازگشت همه تحولات و مردم به سوی اوست

﴿۴۳﴾ **أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ** يُزْجِي سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَّامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ فَيُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ عَنِ مَنْ يَشَاءُ يَكَادُ سَنَا بَرْقِهِ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَرِ یا مگر قدرت خدا را نمی‌بینی که ابرها را می‌پراکند و بعد آن‌ها را به هم ارتباط می‌دهد و متراکم می‌کند که می‌بینی قطرات از داخل ابرها می‌ریزد و آن قطرات را از داخل کوه‌های سرد هوایی عبور داده به صورت تگرگ نازل می‌کند، به ثروت کسی که بخواهد اصابت می‌کند و از کسی که بخواهد بازمی‌دارد، نور برق چنان خیره‌کننده است که گویی نورچشم را می‌رباید

﴿۴۴﴾ **يُقَلِّبُ اللَّهُ** اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَرِ خداوند جای شب و روز را وارونه می‌کند تا شب و روز پیدا شود، تمامی این تحولات و تقلبات مایه عبرت است

﴿۴۵﴾ **وَاللَّهُ** خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَّاءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ خداوند تمامی جنبندگان را از آب می‌آفریند، بعضی روی شکم می‌خزند و بعضی با دوپا و یا چهارپا راه می‌روند، خداوند به هر شکلی که بخواهد خلق می‌کند، او به هر کاری تواناست

﴿۴۶﴾ **لَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ مُبَيِّنَاتٍ وَاللَّهُ** يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

این چنین آیات روشن به نام قرآن نازل کردیم ، خداوند هر کسی را که دوست داشته باشد به راه راست هدایت می کند

﴿٤٧﴾ وَيَقُولُونَ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِّنْهُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ آن ها می گویند: به خدا و رسول ایمان آوردیم و اطاعت کردیم، عده ای بعد از این ادعا به خودرأیی می گرایند و اطاعت نمی کنند ، دروغ می گویند: مؤمن نیستند

﴿٤٨﴾ وَإِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ مُّعْرِضُونَ و وقتی که به دین خدا و رسول دعوت می شوند تا بین آن ها قضاوت کند از این قضاوت اعراض می کند

﴿٤٩﴾ وَإِن يَكُن لَّهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ اگر قضاوت به نفعشان باشد، تسلیم می شوند

﴿٥٠﴾ أَفِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ أَمْ ارْتَابُوا أَمْ يَخَافُونَ أَن يَحِيفَ اللَّهُ عَلَيْهِم وَرَسُولَهُ بَلْ أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ آن ها را چه شده است؟ به مرض نفاق مبتلا هستند یا در قضاوت خدا شک دارند؟ و یا می ترسند خدا و رسول به آن ها ستم کنند؟ بلکه آن ها خودشان ظالم اند

﴿٥١﴾ إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَن يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ وقتی که اهل ایمان به دین خدا دعوت می شوند تا بین آن ها قضاوت کنند، وظیفه آن ها این است که بگویند: به چشم، شنیدیم و اطاعت کردیم ، چنین افرادی رستگارانند

﴿۵۲﴾ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشَ اللَّهَ وَيَتَّقْهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ كَسَى

که از خدا و رسول اطاعت کند و تقوا پیشه نماید، چنین افرادی سعادت‌مندند

﴿۵۳﴾ ﴿۵۳﴾ وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ أَمَرْتَهُمْ لَيَخْرُجُنَّ قُلْ لَا تُقْسِمُوا طَاعَةً

مَعْرُوفَةً إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ با جدیت قسم می‌خورند که اگر فرمان جهاد

بدهی اطاعت می‌کنیم، بگو: قسم لازم نیست، اطاعت خودبه‌خود معلوم است، خداوند

به اعمال شما آگاه است

﴿۵۴﴾ قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا

حُمِّلْتُمْ وَإِن تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ به آن‌ها بگو که:

وظیفه دارید از خدا و رسول اطاعت کنید، اگر به خودرأیی گراییدید مانعی ندارد،

رسول خدا مسئول وظیفه خود و شما مسئول وظیفه خود هستید، اگر از رسول خدا

اطاعت کنید، هدایت می‌شوید، رسول خدا فقط مسئول تبلیغ است

﴿۵۵﴾ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ

كَمَا أَسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ

مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ

فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ خدا به اهل ایمان و عمل صالح وعده می‌دهد که حتماً

خلافت زمین را به آن‌ها بسپارد همان‌طور که به بعضی از پیامبران سپرد، چنان باشند

که آزادی مطلق داشته باشند، احکام و سنن دینی خود را به‌جا آورند، خوف آن‌ها

تبدیل به امنیت شود که خالصانه خدا را عبادت کنند و شرک به او نیاورند، هر کسی

که بعد از این وعده خدا کافر شود، فاسق شناخته می‌شود

﴿٥٦﴾ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَعَاتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ شما اهل

ایمان نماز بخوانید، زکات بدهید، از رسول خدا اطاعت کنید تا مشمول لطف او واقع شوید

﴿٥٧﴾ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمُ النَّارُ وَلَيْسَ

الْمَصِيرُ خیال نکنید که کفار می‌توانند خدا را از اراده خود بازدارند، جای آن‌ها جهنم است، چه بد عاقبتی که دارند

﴿٥٨﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِيَسْتَعِذْنَكُمُ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ

يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِّن قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِّنَ الظَّهِيرَةِ وَمِن بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَّكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ای اهل ایمان! غلام و کنیز شما و یا اطفال

دیگران که به حد بلوغ نرسیده‌اند در ساعاتی که خلوت شماست، در حال ورود به شما اجازه بگیرند، اول پیش از نماز صبح که برای نماز بیدار می‌شوید، دوم هنگام ظهر که لباس خود را برای استراحت می‌کنید و بعد از نماز عشاء که به خوابگاه می‌روید، ساعت‌های خلوتی است که باید مستور باشید (حالات خصوصی شماست)، در غیر این حالات مانعی ندارد باهم محشور باشید، خداوند آیات خود را روشن می‌کند که او حکیم و داناست *

* اجرای حکم آیه ۵۸ بهترین راه حفظ شخصیت و حرمت پدر و مادر است. اگر پدر و مادر می‌خواهند احترامشان محفوظ بماند و فرزندان خود را ملزم به اطاعت نمایند لازم است حکم این آیه شریفه را در داخل منزل اجرا کنند. خاصیت طبیعی حکم این آیه حفظ حرمت پدر و مادر و اطاعت از آن‌هاست.

﴿۵۹﴾ وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَعِذُوا كَمَا أَسْتَعِذْنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ

كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ
 اطفال خودتان هم که به حد بلوغ رسیدند، لازم است به ترتیب آیه بالا در اوقات سه‌گانه از شما اجازه ورود بگیرند، خدا این چنین آداب اخلاقی شما را روشن می‌سازد، خداوند علیم و حکیم است

﴿۶۰﴾ وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ الَّتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ

يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ
 زنانی که از زندگی بازنشسته شده‌اند مانعی ندارد بدون چادر و بدون آرایش و نمایش آزادانه حرکت کنند ولیکن هرچه عفیفانه ظاهر شوند بهتر است، خدا شنوا و داناست

﴿۶۱﴾ لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ وَلَا

عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخْوَالِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَالَاتِكُمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ أَوْ صَدِيقِكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَأْكُلُوا جَمِيعًا أَوْ أَشْتَاتًا فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبْرَكَةً طَيِّبَةً كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ
 مانعی ندارد نابینا و لنگ و مریض و شما خویشاوندان باهم سر

یک سفره غذا بخورید و یا در خانه پدران و مادران و برادران و خواهران و عموها و عمه‌ها دایی‌ها و خاله‌ها یا خانه دوستانی که کلید خانه را به شما داده‌اند و یا دوستان صمیمی شما مانعی ندارد باهم غذا بخورید یا جدا جدا، وقتی که به خانه یکدیگر وارد می‌شوید سلام بدهید، سلام، تحیتی است با برکت، خداوند احکام اخلاقی خود را

بیان می کند شاید حکمت آن را که جلب محبت است، دریابید

﴿٦٢﴾ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَّمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِذَا أَسْتَأْذِنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأُذِنَ لِمَن شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِرَ لَهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

مؤمنین همان کسانی هستند که ایمان به خدا و رسول آورده‌اند و وقتی که خدا و رهبر در یک امر اجتماعی تصمیم می‌گیرند، بدون اذن و اجازه به جایی نمی‌روند تا مگر اجازه بگیرند، آن‌ها که در این حالات اجازه می‌گیرند، به خدا و رسول ایمان آورده‌اند وقتی که اجازه می‌گیرند اگر دوست داری به هر کسی که می‌خواهی اجازه بده و برای آن‌ها دعا کن، خداوند آمرزنده و مهربان است

﴿٦٣﴾ لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنْكُمْ لِوَاذًا فَلِيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

ای اهل ایمان! رسول خدا را مؤذبانه صدا بزنید نه آن‌طور که یکدیگر را صدا می‌زنید، خداوند کسانی را که در محضر رسول خدا سر میان یکدیگر می‌برند و پیچ می‌کنند می‌شناسد، کسانی که با فرمان خدا مخالفت دارند، بترسند مبدا فتنه‌ای گمراه کننده و عذابی دردآور آن‌ها را فرا گیرد

﴿٦٤﴾ أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ وَيَوْمَ يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

بدانید که هر چه در آسمان‌ها و زمین هست مال خداست، از فکر و عقیده شما با خبر است، می‌داند چه روزی در حاکمیت او واقع می‌شوید، در آن روز شما را به اعمال و اخلاقتان آگاه می‌کند، او به هر کاری داناست.

این سوره به کلمه فرقان نام گذاری شده است، مطالبی عمیق در تعریف امام زمان (عج) و علمای وابسته به او دارد. لازم است بخوانید و بدانید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا
برکت مند است خدایی که این قرآن فارق بین حق و باطل را بر بنده خود نازل کرد تا تمامی بشریت را به نتایج حسن عمل و سوء اخلاق آگاه کند

﴿۲﴾ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُن لَّهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا
خدایی که سلطنت عوالم آسمان و زمین مخصوص اوست، فرزندی برای خود نگرفته، شریکی برای او نیست، همه چیز آفریده و به حکمت خود مهندسی نموده است

﴿۳﴾ وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ ءِالِهَةً لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ وَلَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَلَا حَيَوةً وَلَا نُشُورًا
کفار به جز خالق عالم و آدم از کسانی اطاعت می کنند که نمی توانند چیزی خلق کنند، خودشان مخلوق اند و مالک نفع و ضرری نیستند، مالک موت و حیات و حشر در قیامت نیستند

﴿۴﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّا هَذَا إِلَّا آفَاكُ أَفْتَرْتَهُ وَآعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ ءَاخِرُونَ فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَزُورًا
کفار می گویند: این قرآن، دروغ هایی است که این پیامبر به خدا بسته و عده دیگری هم او را کمک نموده اند، چه ستم کارانی که حرف زور می گویند

﴿٥﴾ وَقَالُوا أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ أَكْتَتَبَهَا فَهِيَ تُمَلَّى عَلَيْهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا می گویند:

افسانه تاریخ است که از کتاب‌های دیگر نسخه گرفته، صبح و شام برای او افسانه می‌سرایند

﴿٦﴾ قُلْ أَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا

بگو: چنین نیست، کتابی است که خداوند عالم به اسرار عالم و آدم نازل نموده، پروردگاری آمرزنده و مهربان است

﴿٧﴾ وَقَالُوا مَالِ هَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْلَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ

مَلَكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرًا تعجب می‌کنند که این مدعی رسالت مانند ما راه می‌رود و غذا می‌خورد، چه امتیازی دارد که رسول خدا شده، اگر فرشته‌ای بر او نازل می‌شد و تبلیغ می‌کرد، قابل قبول بود

﴿٨﴾ أَوْ يُلْقَىٰ إِلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا وَقَالَ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ

إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا یا اگر گنجی و ثروتی در اختیارش بود و یا باغی پر از میوه می‌داشت، به اهل ایمان طعنه می‌زنند که شما اسیر یک دیوانه مسحور شده‌اید

﴿٩﴾ أَنْظِرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا

ببین! چه مثل‌هایی می‌زنند و خود را با آن مثل‌ها گمراه می‌کنند، قدرت تفکر و هدایت را از خود سلب می‌کنند

﴿١٠﴾ تَبَارَكَ الَّذِي إِنْ شَاءَ جَعَلَ لَكَ خَيْرًا مِّنْ ذَلِكَ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا

الأنهارُ وَيَجْعَلُ لَكَ قُصُورًا مبارک است خدایی که اگر بخواهد بهتر از این باغ و ثروت به تو می‌دهد، کاخ‌های بهشتی برای تو می‌سازد

﴿۱۱﴾ **بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَأَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا** آن‌ها ساعت قیامت را تکذیب می‌کنند ، آن‌ها خبر ندارند که تکذیب‌کنندگان قیامت در محاصرهٔ عذاب جهنم واقع می‌شوند

﴿۱۲﴾ **إِذَا رَأَتْهُمْ مِّن مَّكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغِيظًا وَزَفِيرًا** جهنمی است که زفیر آن را از فاصله دور می‌شنوند که چگونه کینه‌جو و رنج آور است

﴿۱۳﴾ **وَإِذَا أَلْقَا مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا مُّقْرَّبِينَ دَعَوْا هُنَالِكَ ثُبُورًا** وقتی که در سجین جهنم کنار یکدیگر حبس شدند، صدای فریادشان بلند می‌شود

﴿۱۴﴾ **لَا تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُورًا وَاحِدًا وَادْعُوا ثُبُورًا كَثِيرًا** بگو: داد بزنید، نه یک مرتبه بلکه هزارها مرتبه

﴿۱۵﴾ **قُلْ أَذَلِك خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ كَانَتْ لَهُمْ جَزَاءً وَمَصِيرًا** این جهنم بهتر است یا بهشت خلد برین که خدا به اهل تقوا وعده می‌دهد؟ ، نتیجه عمل صالح و عاقبت کار آنهاست

﴿۱۶﴾ **لَّهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ خَالِدِينَ كَانَ عَلَى رَبِّكَ وَعْدًا مَّسْئُولًا** آنچه در آنجا مایل باشند در اختیارشان قرار می‌گیرد ، این وعده خداست که خود مسئول وفای به آن است

﴿۱۷﴾ **وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَقُولُ ءَأَنْتُمْ أَضَلَلْتُمْ عِبَادِي هَؤُلَاءِ أَمْ هُمْ ضَلُّوا السَّبِيلَ** فردا که آن‌ها را محشور کنیم به پیشوایان آن‌ها می‌گوییم که: شما آن‌ها را گمراه کردید و یا خودشان گمراه شدند

﴿١٨﴾ قَالُوا سُبْحَانَكَ مَا كَانَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَتَّخِذَ مِنْ دُونِكَ مِنْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِنْ مَتَّعْتَهُمْ وَعَابَاءَهُمْ حَتَّىٰ نَسُوا الذِّكْرَ وَكَانُوا قَوْمًا بُورًا جواب می دهند: پروردگارا! تو منزهی، شایسته ما نبود که جز تو خدایی پرستش کنیم ولیکن به آن‌ها ثروت و قدرت دادی تا که دین را فراموش کردند و هلاک شدند

﴿١٩﴾ فَقَدْ كَذَّبُوكُمْ بِمَا تَقُولُونَ فَمَا تَسْتَطِيعُونَ صَرْفًا وَلَا نَصْرًا وَمَنْ يَظْلِم مِّنْكُمْ نُدِقْهُ عَذَابًا كَبِيرًا در اینجا به گمراهان می گویند که: پیشوایان ادعای شما را تکذیب کردند، شما استطاعت ندارید عذاب را از خود برطرف کنید یا کسی شما را یاری کند، هر کسی از شما که ظالم بوده عذاب سختی خواهد چشید

﴿٢٠﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا ما رسولی پیش از تو نفرستادیم مگر اینکه مانند دیگران غذا می خوردند و راه می رفتند، ما شما را به دارایی و ناداری امتحان می کنیم تا هریک چنان که هست شناخته شود، آیا در مقدرات صبر می کنید؟، پروردگار تو بصیر و بیناست

(جزء ١٩) ﴿٢١﴾ وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْمَلَائِكَةُ أَوْ نَرَىٰ رَبَّنَا لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْا عُتُوًّا كَبِيرًا کسانی که امید به آخرت ندارند و خلقت را بازی می دانند می گویند: چرا فرشتگان بر ما نازل نمی شوند یا خدا خود را نشان نمی دهد؟، خیلی خود را بزرگ دانستند و از حد خود سر کشیدند که ادعای ملاقات خدا نمودند

﴿٢٢﴾ يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلَائِكَةَ لَا بُشْرَىٰ يَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمِينَ وَيَقُولُونَ حِجْرًا مَّحْجُورًا

خبر ندارند روزی که فرشتگان را ببینند، دنیای آنها خاتمه پیدا می‌کند دیگر موفقیت ندارند، از فعالیت و حرکت در زندگی خود ممنوع می‌شوند

﴿۲۳﴾ وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنْثُورًا آخرت به اراده اعجازی خدا ساخته می‌شود، این صنایع و تشکیلات دنیایی و آنچه ساخته‌اند، هبائاً منثوراً می‌شود *

* مثلاً حکومتی که به اراده خود مردگان را زنده می‌کند، طب و لوازم طبی چه لزومی دارد. همان‌طور که بازار صنایع طبی کساد می‌شود، سایر صنایع نیز چنین است. زندگی آخرت و بهشت اگر به صورت زندگی دنیا از راه رنج و زحمت و علت و معلول طبیعی باشد که مثل زندگی دنیا رنج‌آور است. فرج به معنای این است که انسان بر طبیعت و عوامل طبیعی حاکم باشد نه عوامل طبیعی بر انسان. همین‌الآن امام زمان (عج) بر عوامل طبیعت که سرما و گرما و برف و باران و کوه و دریا باشد، حاکم است. او عوامل مزاج و طبیعت را به اراده خود می‌چرخاند نه عوامل، مزاج او را. معجزات از همین راه پیدا می‌شود که انسان مانند خدا بر طبیعت حاکم می‌شود وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنْفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي (مائده ۱۱۰). طبیعت آب جریان است ولی حضرت موسی آنها را مانند کوه بالای هم نگه می‌دارد. وقتی هم که امام ظاهر شود انسان را بر طبیعت حاکم می‌کند. سرما و گرما و جاذبه زمین به اراده انسان می‌چرخد نه انسان به اراده طبیعت. در اخبار ظهور دارد حضرت هزارها انسان را به سفر فضایی می‌برد و منادی صدا می‌زند: أَلَا لَا يَحْمِلَنَّ أَحَدَكُمْ مَعَهُ مَاتًا وَلَا غَدَاةً فَإِنَّ مَعَهُ عَصَا مُوسَىٰ وَحَاجِرَهُ يَعْنِي كَسِي فِي سَفَرِ آبٍ وَغَدَاةً بِإِذْنِي فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي (مائده ۱۱۰). فرج کامل به معنای این است که عوامل طبیعت در اطاعت انسان باشد نه انسان در اسارت طبیعت. حدیث نافله را بخوانید که فرمود: لَا يَزَالُ يَتَقَرَّبُ إِلَىٰ عَبْدِي بِالتَّوَاتُفِ.. تا از مضمون آن حقیقت مطالب بالا را دریابید.

﴿۲۴﴾ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُّسْتَقَرًّا وَأَحْسَنُ مَقِيلًا آن روز زندگی دنیا

خاتمه است، آخرت دایر می‌شود زیرا قرارگاه فکر و منطق مؤمنین (که در انتظار فرج هستند) بهتر است *

* در آخرالزمان با حوادثی که پیدا می‌شود مانند جنگ هسته‌ای، مردم از مردم مأیوس می‌شوند و دیگر امید و انتظار ندارند که رئیس دولتی یا پادشاهی بتواند زندگی مردم را اصلاح کند و آن‌ها را از محاصره ظلم و جور برهاند؛ و فقط افکار مردم و مؤمنین در وجود امام زمان (عج) متمرکز می‌شود که خداوند می‌فرماید: **إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ** (قیامت ۱۲) فقط مردم به خدا امیدوارند که فرج آن‌ها را برساند. همه کس پیش از ظهور امتحان شده‌اند لذا نتوانسته‌اند مردم را از ظلم و جور برهانند، پس چاره‌ای جز ظهور امام نیست.

﴿۲۵﴾ **وَيَوْمَ تَشْقُقُ السَّمَاءُ بِالْغَمِّمِ وَنُزِلَ الْمَلَائِكَةُ تَنْزِيلًا** آخرت روزی است که آسمان ولایت شکوفا می‌شود، غبار از چهره حقیقت برطرف می‌شود، فرشتگان یا عوامل طبیعت در اختیار ولیّ خدا قرار می‌گیرند

﴿۲۶﴾ **الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا** حاکمیت آن روز برمدار حق است، حاکم مطلق خداوند است که بر کفار سخت می‌گذرد *

* آخرت روزی است که آسمان ولایت شکوفا می‌شود. آیه **وَيَوْمَ تَشْقُقُ السَّمَاءُ** (فرقان ۲۵) و آیه **إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ** (انشقاق ۱) یک مصداق و یک معنی دارد. آسمان در این آیات به معنای فضای بالای سر نیست زیرا این آسمان بسته نیست که شکافته شود بلکه فضای معرفت به خدا و ائمه اطهار (ع) است که فقهای مکتب از آن تعبیر به انسداد باب علم می‌کنند. یعنی در مسیر حوادث و تذکرات علما فضای بسته ولایت با افکار علما و دانشمندان شکوفا شود و مردم به جز ظهور امام از جای دیگر انتظار فرج ندارند.

﴿۲۷﴾ **وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَلَيْتَنِي أُتَّخِذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا** آن روز، ظالم از حسرت و ندامت دست خود را گاز می‌گیرد که ای کاش راه سعادت

خود را از رسول خدا گرفته بودم

﴿۲۸﴾ **يَوَيْلَ لِي لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا** کاش فلان منافق را به عنوان دوست صمیمی خود انتخاب نمی کردم

﴿۲۹﴾ **لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي ۗ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا** که آن بی حیا مرا از حجت خدا بازداشت با اینکه او را شناخته بودم ، شیطان انسان را رسوا و تنها می گذارد

﴿۳۰﴾ **وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا** رسول خدا آن روز به خدا شکایت می کند که ای خدا! مردم این دو (قرآن صامت و ناطق) را از زندگی خود اخراج نمودند

﴿۳۱﴾ **وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِّنَ الْمُجْرِمِينَ ۗ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ هَادِيًا وَنَصِيرًا** ما برای هر پیامبری مزاحمی از جنایت کاران مقدر کردیم ، خدا خودش کافی است که هدایت گر و یاور مردم لایق باشد (اختلافات، نتیجه آزادی مردم است)

﴿۳۲﴾ **وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ ۗ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا** کفار ایراد می گیرند که چرا قرآن به صورت یک کتابی کامل از آسمان نازل نمی شود ، ما برای اینکه قلب تو را استقامت دهیم، کم کم قرآن را برای تو تلاوت می کنیم

﴿۳۳﴾ **وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا** آن ها هر وقت از حادثه ها پرسشی آماده می کنند ما بهترین تفسیر و حکم به حق آن را نازل می کنیم

﴿۳۴﴾ **الَّذِينَ يُحْشَرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضَلُّ سَبِيلًا**

کسانی که از مسیر هدف (روبه‌رو) به سوی جهنم کشیده می‌شوند، بدترین‌اند و از همه گمراه‌تر هستند

﴿۳۵﴾ **وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَا مَعَهُ أَخَاهُ هَارُونَ وَزِيرًا** ما کتاب

تورات را به موسی دادیم و برادرش هارون را به وزارت او انتخاب نمودیم

﴿۳۶﴾ **فَقُلْنَا أَذْهَبًا إِلَى الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا فَدَمَّرْنَاهُمْ تَدْمِيرًا** به آن‌ها

دستور دادیم به سوی قومی که آیات ما را تکذیب نموده‌اند، بروند و بعد دشمن آن‌ها را به صورتی عجیب هلاک نمودیم

﴿۳۷﴾ **وَقَوْمَ نُوحٍ لَمَّا كَذَبُوا الرُّسُلَ أَغْرَقْنَاهُمْ وَجَعَلْنَاهُمْ لِلنَّاسِ آيَةً وَأَعْتَدْنَا**

لِلظَّالِمِينَ عَذَابًا أَلِيمًا همین‌طور قوم نوح که پیامبران را تکذیب نمودند، با طوفان غرق نموده آن حادثه را برای آیندگان مایه عبرت نمودیم، برای ستم‌کاران عذابی الیم مهیا ساخته‌ایم

﴿۳۸﴾ **وَعَادًا وَثَمُودًا وَأَصْحَابَ الرَّسِّ وَقُرُونًا بَيْنَ ذَلِكَ كَثِيرًا** همین‌طور قوم

عاد و ثمود و اصحاب رسّ و اقوام بسیاری بعد از آن‌ها

﴿۳۹﴾ **وَكُلًّا ضَرَبْنَا لَهُ الْأَمْثَالَ وَكُلًّا تَبَّرْنَا تَتْبِيرًا** برای هریک از آن‌ها حقیقت را

روشن ساختیم و همه آن‌ها را هلاک نمودیم

﴿۴۰﴾ **وَلَقَدْ أَتَوْا عَلَى الْقَرْيَةِ الَّتِي أَمْطَرَتْ مَطَرَ السَّوِّءِ أَفَلَمْ يَكُونُوا يَرُونَهَا بَلًا**

كَانُوا لَا يَرْجُونَ نُشُورًا قوم تو از شهرهای قوم لوط می‌گذرند که چگونه آن‌ها را سنگ‌باران کردیم مگر نمی‌بینند؟، بلکه عقیده به قیامت ندارند

﴿۴۱﴾ **وَإِذَا رَأَوْكَ إِن يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُورًا أَهَذَا الَّذِي بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا** هروقت

که تو را می بینند به مسخره می گیرند و می گویند: همین است کسی که خداوند او را به رسالت مبعوث نموده

﴿۴۲﴾ **إِنْ كَادَ لَيُضِلُّنَا عَنْ ءَالِهَتِنَا لَوْلَا أَنْ صَبَرْنَا عَلَيْهَا وَسَوْفَ يَعْلَمُونَ حِينَ يَرَوْنَ الْعَذَابَ مَنْ أَضَلُّ سَبِيلًا** او می خواهد ما را از خدایانمان منحرف کند

اگر در دین خود استقامت نکنیم گمراه می شویم اما وقتی که با عذاب قیامت روبه رو شوند، می دانند چه کسی گمراه بوده است

﴿۴۳﴾ **أَرَعَيْتَ مَنْ أُتِّخَذَ إِلَٰهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا** فکر کن و ببین!

کسی که هوای نفسش را خدای خود قرارداده تو می توانی وکیل مدافع او باشی؟

﴿۴۴﴾ **أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا** یا فکر می کنی که بسیاری از این مردم حرف حق می شنوند و یا

به عقل خود درک می کنند؟، مانند حیوانات هستند، بلکه گمراه ترند

﴿۴۵﴾ **أَلَمْ تَرَ إِلَىٰ رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسَ**

عَلَيْهِ دَلِيلًا مگر نمی بینی که خداوند متعال چگونه سایه را امتداد می دهد به

کمال می رساند، اگر بخواهد آن را در وضع ابتدایی خود متوقف و نور آفتاب را

نمایشگر آن قرار می دهد (ظل قابل امتداد ماده بی ارزش است) *

* ظل در این آیه به معنای سایه معمولی نیست. ظل و ظلمات یک معنا دارد یعنی ماده که در

پیکره عالم و آدم به کار می رود. ماده در ذات خود سیاه و تاریک است. خداوند متعال برای

ساخت خلقت عالم و آدم دو اصل به نام نور و ظلمت آفرید و از ترکیب این دو اصل عالم و

آدم را خلق کرد. ماده که در بدو خلقت سیاه و تاریک است، خداوند آن را در مسیر ساخت و

سازندگی امتداد می دهد تا عاقبت به صورت انسانی کامل مانند انبیاء و اولیاء یا به صورت ماه

و خورشید جلوه می‌کند. اینجا برای اظهار قدرت خود می‌گوید: بین! چگونه ماده را تا مقام یک انسان کامل امتداد می‌دهد و مادهٔ سیاه و تاریک را با ساخت و سازندگی به صورت خورشید جلوه‌گر می‌سازد.

﴿۴۶﴾ **ثُمَّ قَبَضْنَاهُ إِلَيْنَا قَبْضًا يَسِيرًا** اگر آن را تکامل ندهیم، در همان وضع ابتدایی آن را به دایره حکومت خود می‌کشانیم

﴿۴۷﴾ **وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا** او کسی است که شب را برای پوشش و خواب را برای استراحت و روز را برای کار و معاش قرار داده

﴿۴۸﴾ **وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا** او خدایی است که باد را مبشر رحمت (و حادثه‌ها را عامل تکامل) قرار داده و از آسمان آب پاک‌کننده نازل کردیم

﴿۴۹﴾ **لِنُحْيِيَ بِهِ بَلَدَةً مَّيْتًا وَنُسْقِيَهُ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَمًا وَأُنَاسِي كَثِيرًا** به وسیله باران زمین‌های مرده را زنده می‌کنیم و با این باران انسان و حیوان را سقایت می‌نماییم

﴿۵۰﴾ **وَلَقَدْ صَرَّفْنَاهُ بَيْنَهُمْ لِيَذَّكَّرُوا فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا** ما در این قرآن آیات جورواجور نازل کردیم تا فهم و شعور پیدا کنند ولیکن بسیاری از مردم جز کفر و کفران عملی ندارند

﴿۵۱﴾ **وَلَوْ شِئْنَا لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَذِيرًا** اگر بخواهیم می‌توانیم در هر شهر و روستایی پیامبری مبعوث کنیم

﴿۵۲﴾ **فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا** از روش کفار پیروی نکن و همیشه با آنها در حال جهاد و مبارزه باش

﴿۵۳﴾ **وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا مَّحْجُورًا** او کسی است که دو دریای تلخ و شیرین یا دو فرهنگ حق و باطل را به هم مربوط نموده و بین آنها موانعی ساخت که تغییر جنسیت ندهند

﴿۵۴﴾ **وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا** و او کسی است که از نطفه انسان آفریده و بین آنها روابط حسبی و نسبی به وجود آورده، او به هر کاری قادر است

﴿۵۵﴾ **وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ وَكَانَ الْكَافِرُ عَلَىٰ رَبِّهِ ظَهِيرًا** مردم جاهل، سوای خدا از کسی اطاعت می‌کنند که نفع و ضرری به حال آنها ندارد، کافر همه جا بر علیه دین خدا فعالیت می‌کند

﴿۵۶﴾ **وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا** ما تو را رسالت ندادیم مگر اینکه مردم را به ظهور نتایج خیر و شرّ مطلع نمایی

﴿۵۷﴾ **قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا** بگو: ای مردم! من در برابر خدمات فرهنگی خود از شما اجر و مزدی نمی‌طلبم جز اینکه راه خیر و شرّ خود را دریابید

﴿۵۸﴾ **وَتَوَكَّلْ عَلَىٰ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَكَفَىٰ بِهِ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا** خدایی را به وکالت خودانتخاب کن که هرگز نمی‌میرد، زنده است، او

را از شباهت به مخلوقات منزّه بدان ، آگاهی پروردگار تو به نواقص و گناه
بندگان کفایت می‌کند

﴿٥٩﴾ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَىٰ
الْعَرْشِ ۗ الرَّحْمَنُ فَسَلِّ بِهِ خَبِيرًا کسی که عوالم آسمان و زمین و تحولات
تکاملی انسان را و آنچه بین آنهاست، آفریده و بعد از تکامل انسان، بر عرش
حاکمیت قرار می‌گیرد ، بخشنده و مهربان است، از او سؤال کن که خبیر و آگاه
است

﴿٦٠﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمَنُ أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادَهُمْ
نُفُورًا ۗ وقتی که به آنها گفته می‌شود خدای رحمان را سجده کنید، می‌گویند:
رحمان چیست که ما به امر شما او را سجده کنیم، نفرت آنها از دعوت به حق
زیادتر می‌شود

﴿٦١﴾ تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا
مبارک است خدایی که در فضا دوازده برج و در فضای علم دوازده امام آفریده و
در هر دو فضا چراغی تابان و ماه روشن خلق کرده است

﴿٦٢﴾ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِّمَنۢ أَرَادَ أَنۢ يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا
خدایی که شب و روز را در فضا و علم و جهل را در زندگی جابه‌جا می‌کند تا
کسانی که طالب هستند، به حقیقت آگاه شوند و حق خدا را منظور بدانند

﴿٦٣﴾ وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا
سَلَامًا بندگان مؤمن خدا کسانی‌اند که آرام حرکت می‌کنند و اگر در معرض

توهین سبک مغزان قرار گیرند، با سلام و سالم برخورد می کنند

﴿۶۴﴾ وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا
ارتباط با خدا و قیام و سجود می گذرانند

﴿۶۵﴾ وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا
کسانی که از خدا خواهش و تمنا دارند که ای خدا! عذاب جهنم را از ما بگردان که عذابی رنج آور است

﴿۶۶﴾ إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا
چه بد قرارگاهی و چه بد جایگاهی است
جهنم

﴿۶۷﴾ وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا
کسانی که در مخارج زندگی زیاده تر و کمتر از حد اعتدال خارج نمی شوند

﴿۶۸﴾ وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا
رسول اطاعت نمی کنند، کسی را به ناحق نمی کشند ، با زنی رابطه نامشروع ندارند، می دانند که گناه کبیره است

﴿۶۹﴾ يُضَعَفُ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدُ فِيهِ مُهَانًا
کسی که مرتکب آن گناه شود چند برابر عذاب می بیند و با ذلت و خواری در آن مخلد است

﴿۷۰﴾ إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا
مگر کسانی که توبه کنند و عمل صالح به جا آورند، خدا اعمال بد آنها را تبدیل به نیکی می کند ، خدا بندگان خود را تقویت

می کند، او رثوف و مهربان است

﴿۷۱﴾ وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا كسانی که توبه

می کنند عمل صالح به جا می آورند، به سوی خدا توبه و انابه دارند (توبه سه رکن دارد: مرض گناه و دکتر معالج را که خداست بشناسی و به او مراجعه کنی)

﴿۷۲﴾ وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا و بندگان خدا

کسانی هستند که شهادت دروغ نمی دهند و وقتی با لهو و لعب روبه رو می شوند با متانت می گذرند

﴿۷۳﴾ وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا و کسانی

که در برابر دعوت دینی خود را به کوری و کودنی نمی زنند

﴿۷۴﴾ وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا

لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا و کسانی که از خدا خواهش و تمنا دارند که ای خدا! زن و زندگی ما را نور چشم ما قرار بده، توفیقی بده که پیشوای نیکان باشیم

﴿۷۵﴾ أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا آن هائیند

که در برابر صبر خود غرفه های بهشت را می گیرند و از جانب خدا و فرشتگان مشمول تحیت و سلام واقع می شوند

﴿۷۶﴾ خَالِدِينَ فِيهَا حَسَنَتٌ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا زندگی آنها در بهشت ابدی

است، چه مقام و قرارگاه خوبی که دارند

﴿۷۷﴾ قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ لَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا

به بندگان مؤمن بگو که: اگر شما از خدا خواهش و تمنایی نداشته باشید، خدا هم به شما اعتنایی نمی کند، کسانی که دین خدا را تکذیب نمودند به زودی ملازم عذاب می شوند.

المکّی

سُورَةُ الشُّعَرَاءِ

آیاتها ۲۲۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ طسّم (حروف قرآن نمایش گر اصول خلاق و یا حوادث است)

﴿۲﴾ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ این کتاب بیان گر حقایق و خلاق است

﴿۳﴾ لَعَلَّكَ بَخِيعٌ نَفْسِكَ إِلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ شاید می خواهی از غم و اندوه خود را بکشی که ایمان نمی آورند؟!

﴿۴﴾ إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ اگر بخواهیم می توانیم قدرتی به وجود آوریم که در برابر آن خاضع شوند

﴿۵﴾ وَمَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ ذِكْرٍ مِّنَ الرَّحْمَنِ مُحَدِّثٍ إِلَّا كَانُوا عَنْهُ مُعْرِضِينَ هیچ وقت دین و کتاب تازه ای به وجود نیامد مگر که از آن اعراض نمودند

﴿۶﴾ فَقَدْ كَذَّبُوا فَسَيَأْتِيهِمْ أَنْبَاءٌ مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ دین خدا را تکذیب نمودند، به زودی نتیجه تکذیب و استهزا را می بینند

﴿۷﴾ أَوْ لَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمَا أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ به سطح زمین نگاه نمی کنند که چگونه این همه درخت و گیاه آفریده ایم که کریمانه از آن استفاده می کنند؟

﴿۸﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ
 تمامی این آثار، آیت الهی است گرچه بسیاری ایمان به خدا نمی آورند

﴿۹﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ
 پروردگار نفوذناپذیر است، از کفر و گناه متأثر نمی شود، رئوف و مهربان است

﴿۱۰﴾ وَإِذْ نَادَى رَبُّكَ مُوسَىٰ أَنْ أَتَتِ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ
 که خداوند موسی را صدا زد که: مأموریت داری به سوی ستم کاران بروی

﴿۱۱﴾ قَوْمَ فِرْعَوْنَ ۗ أَلَا يَتَّقُونَ
 یعنی قوم فرعون که چرا از ظلم و ستم پرهیز ندارند

﴿۱۲﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ
 موسی گفت: پروردگارا! می ترسم که مرا تکذیب کنند

﴿۱۳﴾ وَيَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي فَأَرْسِلْ إِلَيَّ هَارُونَ
 حوصله ام سر آید، زبانم بند آید که تنهایم، برادرم هارون را به کمک من مأمور کن

﴿۱۴﴾ وَلَهُمْ عَلَيَّ ذَنْبٌ فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ
 می ترسم به جرم آن گناه مرا اعدام کنند

﴿۱۵﴾ قَالَ كَلَّا ۗ فَاذْهَبَا بِآيَاتِنَا ۗ إِنَّا مَعَكُمْ مُسْتَمِعُونَ
 این معجزات بروید من با شما هستم، می بینم و می شنوم

﴿۱۶﴾ فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ فَقُولَا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ
 بروید به طرف فرعون، بگویید: ما دو نفر مأمور پروردگار عالمیان هستیم

﴿۱۷﴾ أَنْ أُرْسِلَ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وظیفه داری بنی اسرائیل را آزاد کنی و به ما بسپاری

﴿۱۸﴾ قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ بعد از ابلاغ حکم، فرعون گفت: تو همان موسی نیستی که ما بزرگت کردیم؟ مدتی از عمر خود را در دربار ما به سر بردی و بعد

﴿۱۹﴾ وَفَعَلْتَ فَعَلْتِكَ الَّتِي فَعَلْتَ وَأَنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ عمل خلاف مرتکب شدی، تو مردی ناسپاس هستی

﴿۲۰﴾ قَالَ فَعَلْتَهَا إِذَا وَأَنَا مِنَ الضَّالِّينَ موسی گفت: آری همان موسی هستم، قتلی مرتکب شدم قصدی نداشتم

﴿۲۱﴾ فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ از شما ترسیدم فرار کردم، خداوند متعال به من مأموریت داد، مرا از پیامبران قرارداد

﴿۲۲﴾ وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدتَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ به این دلیل که مرا بزرگ کردی منت می گذاری؟، با اینکه بنی اسرائیل را به بردگی کشیده‌ای!

﴿۲۳﴾ قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ فرعون گفت: رب العالمین چیست که خود را مأمور او می دانی؟

﴿۲۴﴾ قَالَ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ گفت: خالق آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آنهاست، اگر عقیده به خدا دارید

﴿۲۵﴾ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْتَمِعُونَ
 نگاهی به اطراف کرد و گفت: می شنوید
 چه می گوید؟

﴿۲۶﴾ قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ
 گفت: می گویم: خدا پروردگار شما
 و اجداد شماست

﴿۲۷﴾ قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمْ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ
 باز هم خندید گفت: این
 آقا که رسول خدا به سوی شما شده، دیوانه است

﴿۲۸﴾ قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ
 موسی گفت:
 پروردگار مشرق و مغرب و آنچه مابین آنهاست، اگر عقل را به کار می برید

﴿۲۹﴾ قَالَ لَئِن أَخَذتَ إِلَهًا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ
 عصبانی شد و
 گفت: اگر خدایی غیر از من قبول کنی تو را به زندان می اندازم

﴿۳۰﴾ قَالَ أَوْلَوْ جِثَّتْكَ بِشْيءٍ مُّبِينٍ
 گفت: دست خالی نیستم، آیتِ الهی دارم

﴿۳۱﴾ قَالَ فَأْتِ بِهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ
 گفت: بیاور ببینم چه داری اگر
 راست می گویی!؟

﴿۳۲﴾ فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ
 عصای خود را جلو تخت انداخت،
 ازدهایی بزرگ شد

﴿۳۳﴾ وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاظِرِينَ
 دست به جیب بغل برد و بیرون
 آورد، روشنایی می داد

﴿۳۴﴾ قَالَ لِلْمَلَأِ حَوْلَهُ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ
 اطرافیان گفت: ساحر دانایی است
 فرعون مات و مبهوت به

﴿۳۵﴾ يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِّنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ
 می خواهد با
 سحر خود شما را از مملکت اخراج کند، رأی شما چیست؟

﴿۳۶﴾ قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَبْعَثْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ
 و برادرش فرصتی بده، تمامی ساحرها را از مملکت احضار کن
 درباریان گفتند: به موسی

﴿۳۷﴾ يَا تُوتُوكَ بِكُلِّ سَحَّارٍ عَلِيمٍ
 ساحرهای دانا و توانا آماده شوند

﴿۳۸﴾ فَجَمِعَ السَّحَرَةَ لِمِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ
 روز معین آماده کردند
 فرعون دستور داد ساحرها را برای

﴿۳۹﴾ وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنْتُمْ مُجْتَمِعُونَ
 معین حاضر شوند
 به مردم ابلاغ کردند همه برای روز

﴿۴۰﴾ لَعَلَّنَا نَتَّبِعُ السَّحَرَةَ إِن كَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ
 شوند و ما از آنها پیروی کنیم
 شاید ساحرهای خودمان پیروز

﴿۴۱﴾ فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَئِن لَّنَا أَجْرًا إِن كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ
 ساحرها حاضر شدند، گفتند: اگر پیروز شدیم جایزه داریم؟
 همه

﴿۴۲﴾ قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ إِذَا لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ
 خواهید بود
 گفت: آری، علاوه مقرب دربار

﴿۴۳﴾ قَالَ لَهُمْ مُوسَىٰ أَلْقُوا مَا أَنْتُمْ مُلْقُونَ
 روز موعود رسید، همه جمع شدند
 موسی گفت: بفرمایید هنرنمایی کنید

﴿۴۴﴾ فَأَلْقَوْا حِبَالَهُمْ وَعِصِيَّهُمْ وَقَالُوا بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ الْغَالِبُونَ
 آن‌ها
 ریسمان‌ها و عصاها را انداختند، به خیال مردم آمد که ریسمان‌ها حرکت دارند،
 گفتند: به تاج و تخت فرعون قسم که ما پیروزیم

﴿۴۵﴾ فَأَلْقَىٰ مُوسَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ
 نوبت به موسی رسید
 عصای خود را انداخت، ازدهایی شد و هرچه در میدان بود بلعید

﴿۴۶﴾ فَأَلْقَى السَّحَرَةُ سَجِدِينَ
 ساحران مات و مبهوت در برابر موسی تسلیم
 شدند

﴿۴۷﴾ قَالُوا ءَأَمِنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ
 یک صدا گفتند که: به پروردگار عالمیان
 ایمان آوردیم

﴿۴۸﴾ رَبِّ مُوسَىٰ وَهَارُونَ
 پروردگار موسی و هارون

﴿۴۹﴾ قَالَ ءَأَمِنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ ءَاذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ
 فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ لَا قُطْعَنَ أَيْدِيكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِّنْ خِلَافٍ وَلَا أَصْلَابَتْكُمْ أَجْمَعِينَ
 فرعون عصبانی شد که چرا پیش از اذن و اجازه من تسلیم موسی شدید؟ ، معلوم
 می‌شود نقشه‌ای در کار بوده، استاد شما چنین دستوری داده است ، به زودی به
 حساب شما می‌رسم ، دست و پای شما را خلاف یکدیگر قطع می‌کنم، شما را به
 دار می‌آویزم

﴿۵۰﴾ قَالُوا لَا ضَيْرٌ إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ گفتند: مانعی ندارد، ما به سوی پروردگار می‌رویم

﴿۵۱﴾ إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطِيئَاتَنَا أَنْ كُنَّا أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ امیدواریم خدا از گناه سحر ما بگذرد که اولین افرادی بودیم به موسی ایمان آوردیم (ما بعد از حوادثی)

﴿۵۲﴾ ﴿۵۲﴾ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِيٰ إِنَّكُمْ مُّتَّبِعُونَ به موسی امر کردیم که تحت تعقیب هستی، با همه بندگان من از مصر خارج شوید (موسی همه را به طرف دریای احمر کوچ داد)

﴿۵۳﴾ ﴿۵۳﴾ فَأَرْسَلْ فِرْعَوْنَ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ و فرعون بسیج عمومی داد که همه در مرکز جمع شوید نترسید

﴿۵۴﴾ ﴿۵۴﴾ إِنَّ هَؤُلَاءِ لَشِرْذِمَةٌ قَلِيلُونَ که بنی‌اسرائیل مشتی ضعیف هستند، همه را نابود می‌کنیم

﴿۵۵﴾ ﴿۵۵﴾ وَإِنَّهُمْ لَنَا لَغَائِظُونَ آن‌ها متعرض ما شده‌اند، ما را به خشم آورده‌اند

﴿۵۶﴾ ﴿۵۶﴾ وَإِنَّا لَجَمِيعٌ حَادِرُونَ ما همه تخصص و تجربه داریم، آن‌ها بردگان‌اند، چیزی نمی‌دانند

﴿۵۷﴾ ﴿۵۷﴾ فَأَخْرَجْنَاهُمْ مِّنْ جَنَّتٍ وَعُيُونٍ با این خیالات، آن‌ها را از باغ‌های مجلل و چشمه‌ها خارج نمودیم

﴿۵۸﴾ ﴿۵۸﴾ وَكُنُوزٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ و گنج‌ها و نعمت‌ها و مقام و ثروت‌ها

﴿٥٩﴾ كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا بَنِي إِسْرَائِيلَ
تمامی آن ثروت‌ها را به بنی اسرائیل
انتقال دادیم

﴿٦٠﴾ فَاتَّبَعُوهُمْ مُشْرِقِينَ
قبطی‌ها به تعقیب بنی اسرائیل به طرف شرق حرکت
کردند

﴿٦١﴾ فَلَمَّا تَرَاءَا الْجَمْعَانَ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَىٰ إِنَّا لَمُدْرِكُونَ
وقتی که دو گروه
با یکدیگر روبه‌رو شدند، اصحاب موسی ترسیدند که ما در محاصره واقع شدیم

﴿٦٢﴾ قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ
موسی گفت: ساکت!، خدا با من است به
زودی راه باز می‌کند (قوم موسی بین لشکر و دریا واقع شدند)

﴿٦٣﴾ فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ ۖ فَانفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ
به موسی دستور دادیم عصای خود را به دریا اشاره کن ، به محض
اشاره دوازده خیابان دریایی باز کردیم ، آب‌ها بین خیابان‌ها مانند کوه بزرگ
روی هم قرار گرفت

﴿٦٤﴾ وَأَزَلَفْنَا لِمِ الْأَخْرِينَ
ما این حرکت و عبور را در نظر فرعونیان جلوه
دادیم

﴿٦٥﴾ وَأَنْجَيْنَا مُوسَىٰ وَمَنْ مَّعَهُ ۖ وَأَجْمَعِينَ
موسی و همراهانش را عبور دادیم

﴿٦٦﴾ ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْأَخْرِينَ
و پشت سر او فرعونیان را غرق نمودیم

﴿٦٧﴾ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ
این داستان آیت بزرگ
قدرت و سیاست خداست ، گرچه بسیاری از مردم ایمان نمی‌آورند

﴿۶۸﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ
پروردگار تو پیروز و مهربان است، مدارا
می کند

﴿۶۹﴾ وَآتَلَّ عَلَيْهِمْ نَبَأَ إِبْرَاهِيمَ
داستان ابراهیم را برای مردم بازگو کن آنجا

﴿۷۰﴾ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ
که به پدرخوانده و قومش گفت:
چه کار می کنید؟ چه چیزی را می پرستید؟

﴿۷۱﴾ قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَنْظِلُّ لَهَا عَافِيَةً
گفتند: بت‌ها را می پرستیم، دائم
در عبادت آن‌ها هستیم

﴿۷۲﴾ قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمُ إِذْ تَدْعُونَ
گفت: اگر از بت‌ها خواهشی کنید
اجابت می کنند؟

﴿۷۳﴾ أَوْ يَنْفَعُونَكُمُ أَوْ يَضُرُّونَ
یا اینکه نفع و ضرری به حال شما دارند؟
گفتند: نه!

﴿۷۴﴾ قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ
آن‌ها را می پرستند، ابراهیم گفت:

﴿۷۵﴾ قَالَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ
درست فکر کنید چه چیزهایی را شما

﴿۷۶﴾ أَنْتُمْ وَعَابَاؤُكُمْ الْأَقْدَمُونَ
و گذشتگان شما می پرستید؟

﴿۷۷﴾ فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِي إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ
این خدایان دروغین و سردمداران
آن‌ها دشمن من هستند، مگر خدای من که پروردگار عالمیان است

﴿۷۸﴾ الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ
همان خدایی که مرا خلق کرده و هدایت می کند

﴿۷۹﴾ وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ
خدایی که به من آب و غذا می دهد

﴿۸۰﴾ وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ
و اگر مریض شدم، به من شفا می دهد

﴿۸۱﴾ وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ
و خدایی که مرا می میراند و بعد در قیامت زنده می کند

﴿۸۲﴾ وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ
و خدایی که طمع دارم در قیامت از خطاهای من درگذرد

﴿۸۳﴾ رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ
ای خدا و پروردگار من! فرمان خود را به من ابلاغ کن و مرا از بندگان شایسته خود قرار بده، چنان کن که

﴿۸۴﴾ وَأَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ
نمونه صداقت و امانت برای آیندگان باشم

﴿۸۵﴾ وَأَجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ
بده، خدای من! مرا از وارثان بهشت پُر نعمت خود قرار

﴿۸۶﴾ وَأَغْفِرْ لِأَبِي إِنَّهُ كَانَ مِنَ الضَّالِّينَ
پدر گمراه مرا یاری کن شاید که هدایت شود

﴿۸۷﴾ وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ
مبادا روز قیامت در برابر بندگان تو رسوا شوم

﴿۸۸﴾ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ
همان روزی که مال و اولاد به حال انسان
سودی ندارد

﴿۸۹﴾ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ
مگر کسی که با قلب سالم به ملاقات
پروردگار برود

﴿۹۰﴾ وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ
روزی که بهشت در برابر اهل تقوا نمایش پیدا
می کند و خود را آرایش می دهد

﴿۹۱﴾ وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ
و هم زمان حرارت جهنم برابر گمراهان ظاهر
می شود

﴿۹۲﴾ وَقِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ
به آن ها می گویند: کجا ایند خدایان
شما که سوی خدا می پرستیدید؟

﴿۹۳﴾ مِّنْ دُونِ اللَّهِ هَلْ يَنْصُرُونَكُمْ أَوْ يَنْتَصِرُونَ
آیا آن ها امروز می توانند
به داد شما برسند و شما را و یا خود را برهانند؟

﴿۹۴﴾ فَكَبِّبُوا فِيهَا هُمْ وَالْغَاوُونَ
گمراهان و رؤسای آن ها لال و گنگ شده

﴿۹۵﴾ وَجُنُودُ إبْلِيسَ أَجْمَعُونَ
و لشکر ابلیس به جان یکدیگر می افتند

﴿۹۶﴾ قَالُوا وَهُمْ فِيهَا يَخْتَصِمُونَ
و با یکدیگر بحث و جدال دارند

﴿۹۷﴾ تَاللَّهِ إِن كُنَّا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ
که به خدا قسم ما گمراه بودیم که

﴿۹۸﴾ إِذْ نُسَوِّبُكُمْ رَبِّ الْعَالَمِينَ
شما پیشوایان بت ساز را با خدا برابر

- ﴿٩٩﴾ وَمَا أَضَلَّنَا إِلَّا الْمُجْرِمُونَ
 عرض می کنند: پروردگارا! همین جنایت کاران ما را گمراه کردند
- ﴿١٠٠﴾ فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ
 وای به حال ما! کسی نیست که از ما شفاعت کند؟
- ﴿١٠١﴾ وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ
 و یا لااقل یک دوست صمیمی مهربان نداریم
- ﴿١٠٢﴾ فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ
 وای به حال ما! کاش می توانستیم به دنیا برگردیم و ایمان به خدا بیاوریم
- ﴿١٠٣﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ
 این حوادث و قضایا آیت الهی است، گرچه بسیاری از مردم ایمان نمی آورند
- ﴿١٠٤﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ
 پروردگار تو عزیز و مهربان است، حقی را ضایع نمی گذارد
- ﴿١٠٥﴾ كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ
 قوم نوح هم پیامبران را تکذیب کردند
- ﴿١٠٦﴾ إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ
 که برادرشان نوح به آنها گفت: چرا از معصیت خدا پرهیز ندارید؟
- ﴿١٠٧﴾ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ
 من برای شما پیامبری امین هستم
- ﴿١٠٨﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا
 از معصیت خدا پرهیز کنید و از من که پیامبر شما هستم، اطاعت نمایید
- ﴿١٠٩﴾ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ
 من در برابر خدمات و تعلیمات از شما مزدی نمی خواهم، اجر من با پروردگار عالمیان

است

﴿۱۱۰﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا
باز هم تکرار می‌کنم، از خدا بترسید و از من
اطاعت کنید

﴿۱۱۱﴾ قَالُوا أَنْتُمْ لَكُمْ وَاتَّبَعَكَ الْأَرْذُلُونَ
که ما به تو و پیروان رذل و فقیر تو ایمان نمی‌آوریم
آن‌ها به جای اطاعت توهین کردند

﴿۱۱۲﴾ قَالَ وَمَا عَلِمِي بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ
من از عاقبت آن‌ها خبر ندارم، خدا می‌داند
نوح گفت: چطور آن‌ها رذل هستند،

﴿۱۱۳﴾ إِنَّ حِسَابَهُمْ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّي لَوَ تَشْعُرُونَ
که حسابشان با پروردگار عالمیان است
اگر شعور داشته باشید، می‌فهمید

﴿۱۱۴﴾ وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِينَ
من هرگز این بندگان مؤمن را از خود دور
نمی‌سازم

﴿۱۱۵﴾ إِنَّ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ
من فقط یک پیامبرم، مأمورم مردم را از عواقب
اعمال نیک و بدشان آگاه کنم

﴿۱۱۶﴾ قَالُوا لَئِن لَّمْ تَنْتَهَ يَنْوُحْ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ
نوح! اگر از ادعایتان دست برندارید، شما را سنگسار می‌کنیم
قوم گفتند که: ای

﴿۱۱۷﴾ رَبِّ إِنَّ قَوْمِي كَذَّبُونِ
نوح ناراحت شد که ای خدا! خودت می‌بینی که
این قوم مرا تکذیب نمودند

﴿۱۱۸﴾ فَافْتَحْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَتْحًا وَنَجِّنِي وَمَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ
کشایشی در

کار من ایجاد کن، مرا و پیروان مرا از شرّ آن‌ها نجات بده

﴿۱۱۹﴾ فَأَنْجِنَهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلِكِ الْمَشْحُونِ دعای او را اجابت کردیم او

و همراهانش را در کشتی پُر از جمعیت نجات دادیم

﴿۱۲۰﴾ ثُمَّ أَغْرَقْنَا بَعْدَ الْبَاقِينَ بقیه مردم را هم با آب و طوفان هلاک نمودیم

﴿۱۲۱﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ داستان نوح هم سراسر

آیت الهی است ولیکن اکثریت ایمان نمی‌آورند

﴿۱۲۲﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ پروردگار تو مهربان و پیروز است

﴿۱۲۳﴾ كَذَّبَتْ عَادُ الْمُرْسَلِينَ قوم عاد هم پیامبران خود را تکذیب نمودند

﴿۱۲۴﴾ إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ برادرشان هود پیامبر به آن‌ها گفت:

چرا از کفر و گناه پرهیز ندارید

﴿۱۲۵﴾ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ من برای شما یک رسول امینم، نجات‌بخش شما

هستم

﴿۱۲۶﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا از نافرمانی خدا بترسید، از من اطاعت کنید

﴿۱۲۷﴾ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجِرْتُ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ من در

برابر خدمات و تعلیمات خود مزدی از شما نمی‌خواهم، مزد من با پروردگار

عالمیان است

﴿۱۲۸﴾ أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيحٍ ءَايَةَ تَعْبَثُونَ در ارتفاعات منازلی برای بازی و

آرایش می‌سازید

﴿۱۲۹﴾ وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ بناهای محکم که شاید در دنیا

جاوید باشید

﴿۱۳۰﴾ وَإِذَا بَطِشْتُمْ بَطِشْتُمْ جَبَّارِينَ وقتی با ضعیفی منازعه دارید، قلدرانه

می تازید

﴿۱۳۱﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا از معصیت خدا بترسید و از من اطاعت کنید

﴿۱۳۲﴾ وَاتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ بپرهیزید از نافرمانی خداوندی که

این همه به شما کمک کرده است

﴿۱۳۳﴾ أَمَدَّكُمْ بِأَنْعَمٍ وَبَيْنِينَ چهارپایان و فرزندان به شما داده است

﴿۱۳۴﴾ وَجَنَّاتٍ وَعُيُونٍ باغ‌ها و چشمه‌ها و زراعت‌ها

﴿۱۳۵﴾ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ می ترسم که در اثر کفران

نعمت به عذاب الهی گرفتار شوید

﴿۱۳۶﴾ قَالُوا سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَوَعَضْتَ أَمْ لَمْ تَكُنْ مِنَ الْوَاعِظِينَ گفتند: ما را

موعظه کنی یا نکنی، اطاعت نمی کنیم

﴿۱۳۷﴾ إِنَّ هَذَا إِلَّا خُلُقُ الْأَوَّلِينَ این حرف‌ها که می گویی افسانه گذشتگان

است

﴿۱۳۸﴾ وَمَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ ما هرگز عذاب نخواهیم شد

﴿۱۳۹﴾ فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّمَنْ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ پیامبر

بزرگوار خود را تکذیب نمودند، ما هم آن‌ها را هلاک نمودیم، این دعوت و

هلاکت آیت الهی است ، ولی اکثریت ایمان نمی آورند

﴿۱۴۰﴾ **وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ** پروردگار تو پیروز و مهربان است

﴿۱۴۱﴾ **كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ** قوم ثمود هم پیامبران خود را تکذیب نمودند

﴿۱۴۲﴾ **إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ** برادرشان صالح گفت: چرا از

معصیت خدا پرهیز ندارید؟

﴿۱۴۳﴾ **إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ** من برای شما پیامبری امین هستم

﴿۱۴۴﴾ **فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا** از کفر و گناه بترسید، از من اطاعت کنید

﴿۱۴۵﴾ **وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ** من در

برابر خدمت رسالت مزدی از شما نمی طلبم، اجر من با پروردگار عالمیان است

﴿۱۴۶﴾ **أَتُتْرَكُونَ فِي مَا هَلُمْنَا ءَامِنِينَ** خیال می کنید این زندگی امن و امان برای

شما قابل دوام است؟

﴿۱۴۷﴾ **فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ** این باغها و چشمهها

﴿۱۴۸﴾ **وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلَعَتْ هَضِيمٌ** و این زراعتها و درختهای خرما که

خیلی گواراست

﴿۱۴۹﴾ **وَتَنَحُّونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا فَرِهِينَ** و این خانههای مسکونی که در دل

کوه تراشیده و در آن آرمیده‌اید، فردا نعلش شما را از اینجا بیرون می برند

﴿۱۵۰﴾ **فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا** تقوا پیشه کنید و از من اطاعت نمایید

﴿۱۵۱﴾ **وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ** از این تجاوزگران اطاعت نکنید

﴿۱۵۲﴾ الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ
می‌کنند، ضد صلاح و مصلحت‌اند که تا می‌توانند مفسده به پا

﴿۱۵۳﴾ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ
ساحران و جادوگران هستی جواب دادند که: تو با این ادعا از

﴿۱۵۴﴾ مَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا فَأْتِ بَيِّنَاتٍ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ
یک انسانی، چه کاره‌ای؟ اگر راست می‌گویی آیت خود را ظاهر کن تو هم مثل ما

﴿۱۵۵﴾ قَالَ هَذِهِ نَاقَةٌ لَهَا شِرْبٌ وَلَكُمْ شِرْبُ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ
شتر که از دل کوه ظاهر شده معجزه من است، یک روز آب شما را می‌خورد و برابر آن شیر می‌دهد و روز دیگر آب را به شما واگذار می‌کند صالح گفت: این

﴿۱۵۶﴾ وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ يَوْمٍ عَظِيمٍ
کاری نداشته باشید که عذاب الهی شما را فرامی‌گیرد به این شتر بابرکت

﴿۱۵۷﴾ فَعَقَرُوهَا فَاصْبَحُوا نَدِيمِينَ
و فردا آن‌همه پشیمانی به دست آوردند آن‌ها آیت الهی را پی کردند، شتر را کشتند

﴿۱۵۸﴾ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّمَنْ كَثُرَهُمْ مُّؤْمِنِينَ
عذاب الهی آن‌ها را فرا گرفت و این عذاب هم آیت الهی بود، گرچه بسیاری از مردم آن را قبول ندارند

﴿۱۵۹﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ
پروردگار تو غالب و مهربان است

﴿۱۶۰﴾ كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ الْمُرْسَلِينَ
قوم لوط هم مانند آن‌ها پیامبران‌شان را

تکذیب نمودند

﴿۱۶۱﴾ **إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ لُوطُ أَلَا تَتَّقُونَ** برادرشان لوط به آنها گفت: چرا
از غضب خدا نمی ترسید؟

﴿۱۶۲﴾ **إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ** من برای شما پیامبری امین و درستکار هستم
﴿۱۶۳﴾ **فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا** از خدا بترسید و از من اطاعت کنید تا زندگی
سالم پیدا کنید

﴿۱۶۴﴾ **وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجِرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ** من که از
شما مزدی نمی خواهم، اجر من با پروردگار عالمیان است

﴿۱۶۵﴾ **أَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ** چقدر بی حیا هستید که برخلاف سنت
خدا مردان با مردان رابطه پیدا می کنید

﴿۱۶۶﴾ **وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ أَرْوَاحِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ** و
همسران زیبا که به این منظور خلق شده اند کنار می گذارید، از حدود الهی تجاوز
می کنید

﴿۱۶۷﴾ **قَالُوا لَئِن لَّمْ تَنْتَهِ يَلُوطُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمُخْرَجِينَ** بی حیاها در جواب
گفتند که: اگر از دعوت خود دست برنداری، تو را از شهر اخراج می کنیم

﴿۱۶۸﴾ **قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُمْ مِنَ الْقَالِينَ** لوط گفت: من مخالف عمل زشت شما
هستم، دست به دعا برداشت که

﴿۱۶۹﴾ **رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ** پروردگارا! مرا و خانواده مرا از شر این

مردم گناه کار آزاد کن

﴿۱۷۰﴾ فَنجِئْنَهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ
دعای او مستجاب شد، او و خانواده اش را
نجات دادیم

﴿۱۷۱﴾ إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ
مگر آن پیره زن همسرش را که در کفر و
عذاب مردم باقی گذاشتیم

﴿۱۷۲﴾ ثُمَّ دَمَرْنَا الْأَخْرِينَ
پس از آن، تمامی جمعیت را نابود کردیم

﴿۱۷۳﴾ وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطْرًا فَسَاءً مَطْرُ الْمُنذِرِينَ
سنگ و کلوخ بر سرشان
باریدیم ، چقدر بد است عاقبت مخالفین پیامبران

﴿۱۷۴﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّمَنْ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ
داستان قوم لوط هم آیت
الهی بود گرچه بسیاری از مردم ایمان نمی آورند

﴿۱۷۵﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ
پروردگار تو غالب و مهربان است

﴿۱۷۶﴾ كَذَّبَ أَصْحَابُ لَيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ
اصحاب آیکه (قوم شعیب) هم
پیامبران را تکذیب نمودند

﴿۱۷۸﴾ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ
من برای شما پیامبری صادق و امین هستم

﴿۱۷۹﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا
از معصیت خدا بترسید و از من که مأمور خدا
هستم، اطاعت کنید

﴿۱۸۰﴾ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ
من در برابر خدمات خود از شما اجر و مزدی نمی طلبم ، اجر من با پروردگار عالمیان

است

﴿۱۸۱﴾ **أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ** کیل و وزن خود را رعایت کنید، باوفا باشید، به مردم ضرر نزنید

﴿۱۸۲﴾ **وَزِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ** با ترازوی عدالت اجناس خود را وزن کنید

﴿۱۸۳﴾ **وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْنُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ** حقوق و اجناس مردم را کم ندهید و در زمین مفسده به پا نکنید

﴿۱۸۴﴾ **وَاتَّقُوا الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالْجِبِلَّةَ الْأُولَى** از نافرمانی خدایی که شما و پیشینیان شما را آفریده، بپرهیزید

﴿۱۸۵﴾ **قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ** گفتند: ای شعیب، تو از ساحران هستی که ادعای نبوت داری

﴿۱۸۶﴾ **وَمَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَإِنْ نَظُنُّكَ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ** تو هم مانند ما انسانی بیش نیستی، به عقیده ما تو دروغ می گویی

﴿۱۸۷﴾ **فَأَسْقِطْ عَلَيْنَا كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ** اگر راست می گویی، آسمان را سر ما خراب کن

﴿۱۸۸﴾ **قَالَ رَبِّيَ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ** شعیب گفت: خداوند از شما و اعمالتان آگاهی دارد

﴿۱۸۹﴾ **فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمْ عَذَابُ يَوْمِ الظُّلَّةِ إِنَّهُ كَانَ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ** آن‌ها

هم پیامبر خود را تکذیب نمودند و در سایه دود غلیظی که خیال کردند ابر رحمت است، هلاک شدند

﴿۱۹۰﴾ **إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ** این عذابها آیت الهی است، گرچه بسیاری از مردم عبرت نمی گیرند و ایمان نمی آورند

﴿۱۹۱﴾ **وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ** پروردگار تو پیروز و مهربان است

﴿۱۹۲﴾ **وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ** و این قرآن هم از جانب پروردگار عالمیان نازل می شود

﴿۱۹۳﴾ **نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ** جبرائیل امین وحی، آن را بر قلب تو نازل می کند

﴿۱۹۴﴾ **عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ** تا مردم را به مقدراتشان آگاه کنی و عاقبت کفر و گناه را به آنها بنمایی

﴿۱۹۵﴾ **بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُّبِينٍ** این قرآن به زبان عربی فصیح نازل می شود

﴿۱۹۶﴾ **وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ** مندرجات این قرآن در کتب پیشینیان ثبت بوده است

﴿۱۹۷﴾ **أَوْ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةٌ أَنْ يَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ** برای قوم تو این دلیل کافی نیست که علمای بنی اسرائیل به حقانیت آن اعتراف کنند؟

﴿۱۹۸﴾ **وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَىٰ بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ** اگر این قرآن را بر بعضی عجمها نازل می کردیم

﴿۱۹۹﴾ فَقَرَأَهُرْ عَلَيْهِم مَّا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ
وآنها برای عربها قرائت می کردند، ایمان نمی آوردند

﴿۲۰۰﴾ كَذَلِكَ سَلَكْنَاهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ
این روش خودخواهی در دل جنایت کاران رواج دارد که تسلیم حق نمی شوند

﴿۲۰۱﴾ لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ حَتَّىٰ يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ
آنها تا عذاب جهنم را نبینند ایمان نمی آورند

﴿۲۰۲﴾ فَيَقُولُوا هَلْ نَحْنُ مُنظَرُونَ
آن عذاب الیم ناگهانی آنها را محاصره می کند

﴿۲۰۳﴾ أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ
آنجا دادشان بلند است که آیا مهلتی برای ما هست؟

﴿۲۰۴﴾ أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ
آیا برای ظهور عذاب شتاب می کنند که می گویند کو و کجاست؟

﴿۲۰۵﴾ أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ
درست دقت کن! اگر روی مصلحت مدتی به آنها مهلت دادیم

﴿۲۰۶﴾ ثُمَّ جَاءَهُم مَّا كَانُوا يُوعَدُونَ
و بعد از گذشت آن مدت، وعده قیامت فرارسد

﴿۲۰۷﴾ مَّا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَّا كَانُوا يُمْتَعُونَ
ثروت و قدرت موجود آنها برایشان سودی نخواهد داشت

﴿۲۰۸﴾ وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا مُنْذِرُونَ
ما هرگز شهر و روستایی را
هلاک نمی کنیم مگر اینکه اول آن‌ها را به فساد کفر و گناه آگاه می کنیم

﴿۲۰۹﴾ ذِكْرِي وَمَا كُنَّا ظَالِمِينَ
تا آن‌ها فساد ظلم و گناه خود را بدانند ، ما
ظالم نیستیم و کسی را غافل گیر نمی کنیم

﴿۲۱۰﴾ وَمَا تَنْزَلَتْ بِهِ الشَّيْطَانُ
این قرآن به وسیله شیاطین دیکته نشده است

﴿۲۱۱﴾ وَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَطِيعُونَ
چنین آیاتی مناسب آن‌ها نیست و چنین
قدرتی ندارند

﴿۲۱۲﴾ إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعْزُولُونَ
آن‌ها از شناخت و شنوایی چنین کلام و
بیانی به دورند

﴿۲۱۳﴾ فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا ءآخَرَ فَتَكُونَ مِنَ الْمُعَذَّبِينَ
کسی و چیزی را
درخواست و نیایش خود شریک خدا نکن که معذب خواهی شد

﴿۲۱۴﴾ وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ
ابتدا خویشاوندان نزدیک تر خود را به دین
خدا دعوت کن

﴿۲۱۵﴾ وَأَخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ
دامن مهر و محبت خود
را برای پذیرایی مؤمنین بگستران

﴿۲۱۶﴾ فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ
اگر نافرمانی کردند از آن‌ها
فاصله بگیر، بگو: از اعمال شما بی‌زار و بری هستم

﴿۲۱۷﴾ وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ

به خدای مهربان خود توکل داشته باش

﴿۲۱۸﴾ الَّذِي يَرِنُّكَ حِينَ تَقُومُ

که او تو را در حالات مختلف قیام و قعود

می بیند

﴿۲۱۹﴾ وَتَقَلُّبِكَ فِي السَّجْدِينَ

و همچنین در حالات سجود و رکوع میان

رکوع کنندگان

﴿۲۲۰﴾ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

او خدایی شنوا و داناست، حالت و مسئله‌ای

از او پنهان نیست

﴿۲۲۱﴾ هَلْ أَنْبَيْتُمْ عَلَىٰ مَنْ تَنْزَلُ الشَّيَاطِينُ

به شما بگویم: شیاطین با

چه کسی رابطه دارند و کلام خود را به آن‌ها دیکته می‌کنند؟

﴿۲۲۲﴾ تَنْزَلُ عَلَىٰ كُلِّ آفَاكٍ أَثِيمٍ

به سوی دروغ‌گویان و گناه‌کاران فاسد و

مفسد

﴿۲۲۳﴾ يُلْقُونَ السَّمْعَ وَأَكْثُرُهُمْ كَاذِبُونَ

کلام خود را به گوش آن‌ها می‌دوانند

، اکثر آن‌ها فاسد و مفسدند

﴿۲۲۴﴾ وَالشُّعَرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ

گمراهان همه‌جا دنبال شعرایی هستند که

چرند و پرند می‌بافند

﴿۲۲۵﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ

مگر نمی‌بینی اکثر آن‌ها در میدان

خرافات و خیالات پرسه می‌زنند؟

﴿۲۲۶﴾ وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ

اشعاری می‌سرایند که عملاً از معنا و

محتوای آن برکنارند، عرفان می گویند و معرفت ندارند

﴿۲۲۷﴾ **إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ** مگر شعرائی که اهل ایمان و عمل صالح اند، به یاد خدا هستند و برابر ظالم متجاوز از خود دفاع می کنند، به همین زودی ستم کاران خواهند دانست که در چه پرتگاهی سقوط می کنند.

آیاتها ۹۳

سُورَةُ النَّملِ

المکى

این سوره، به مناسبت اینکه داستان مورچه و ارتباط آن با حضرت سلیمان در آن ذکر شده، سوره نمل نامیده شده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ **طَسَّ تِلْكَ ءَايَاتُ الْقُرْءَانِ وَكِتَابٍ مُبِينٍ** ط، سین (حروف قرآن، اشاره به اصول حوادث و حقایق است)، از نشانه های مخصوص کتاب الهی است زیرا به جز خداوند، کسی اصول حقایق و حوادث را نمی داند که توضیح دهد

﴿۲﴾ **هُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ** این آیات، برای اهل ایمان منشأ هدایت و بشارت است

﴿۳﴾ **الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ** کسانی که نماز را به پا می دارند و زکات می دهند و به آخرت یقین دارند

﴿۴﴾ **إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زِينَتًا لَهُمْ أَعْمَلَهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ** اما کسانی که به آخرت یقین ندارند، دنیا در نظرشان جلوه می کند، چشم عقلشان کور می شود

﴿٥﴾ **أُولَئِكَ الَّذِينَ لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ وَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْأَخْسَرُونَ** آن‌ها

عاقبت به عذاب سختی معذب می‌شوند، خسارت جانی پیدا می‌کنند *

* خسارت جانی به معنای بازماندن از خط تکامل است. انسان در مسیر اطاعت خدا به علم و قدرت نامتناهی مجهز می‌شود و اگر از خط اطاعت بازماند، در حد صفر و زیر صفر باقی می‌ماند. پس کسی که کمال یافته، پُر از کمال و قدرت شده و آن که عقب مانده خسارت برده است.

﴿٦﴾ **وَإِنَّكَ لَتَلْقَى الْقُرْءَانَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ** تو ای حبیب من! قرآن را از

خدای عالم و حکیم فرامی‌گیری

﴿٧﴾ **إِذْ قَالَ مُوسَى لِأَهْلِيهِ إِنِّي آنَسْتُ نَارًا سَعَاتِيكُمْ مِّنْهَا بِخَبْرٍ أَوْ آتِيكُمْ**

بِشَهَابٍ قَبَسٍ لَّعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ آنجا که موسی به خانواده‌اش گفت که: آتشی

از دور مرا جلب می‌کند، بروم پاره‌ای بیاورم، آتشی برافروزم

﴿٨﴾ **فَلَمَّا جَاءَهَا نُودِيَ أَنْ بُورِكَ مَنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ**

الْعَالَمِينَ وقتی به محل آتش رسید، ندایی شنید که: این آتش و کسی که به

آن جذب شده منشأ برکت است، خدا منزّه است که مانند آتش باشد، او مربی

عالمیان است

﴿٩﴾ **يَمُوسَى إِنَّهُ أَنَا اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ** ای موسی! من خدای عزیز و حکیم

هستم که تو را به سوی خود کشانیده‌ام

﴿١٠﴾ **وَأَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَءَاهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَمُوسَى لَا**

تَخَفُ إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَى الْمُرْسَلُونَ عصای خود را بینداز بین چه می‌شود،

انداخت و دید که مانند ماری جنبش دارد ترسید و فرار کرد ، موسی! نترس برگرد، پیامبران در حضور من نمی ترسند

﴿۱۱﴾ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسْنًا بَعْدَ سُوءٍ فَإِنِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ مگر ستم کاران که آن‌ها هم اگر توبه کنند، من آمرزنده و مهربانم

﴿۱۲﴾ وَأَدْخِلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجَ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ ۗ فِي تِسْعِ آيَاتٍ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ ۗ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ دست به جیب خود ببر و در آور، بین چگونه بدون ضرر نورانیت پیدا می کند، نه قسم معجزه در اختیار تو قرار می گیرد ، با این معجزات به سوی فرعون برو که آن‌ها مردمی فاسقاند

﴿۱۳﴾ فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ وقتی که با آن معجزات به سوی آن‌ها رفت، گفتند: چه سحرهای عجیبی است

﴿۱۴﴾ وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ به زبان خود روی ظلم و تکبر، منکر موسی و معجزات شدند با آن که به قلب خود یقین داشتند ، بین! عاقبت کار مفسدین به کجا می کشد

﴿۱۵﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ ما به داوود و سلیمان دانش و سلطنت دادیم ، شکر خداوند را به جا آوردند که الحمدلله خداوند ما را بر بسیاری از بندگان برتری بخشید

﴿۱۶﴾ وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عُلِمْنَا مَنطِقَ الطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ ۗ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ سلیمان حکومت و نبوت را از داوود به وراثت گرفت و به مردم ابلاغ نمود: که ای مردم! خداوند زبان پرندگان به ما آموخت ،

از هر چیزی به ما بخشید که این بخشش فضیلتی بزرگ است

﴿١٧﴾ وَحَشِيرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودَهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ لشکریان

سلیمان از جن و انس و پرندگان همه آماده شدند، سلیمان آن‌ها را گروه گروه هر کدام را به کاری مأمور می‌کرد

﴿١٨﴾ حَتَّىٰ إِذَا أَتَوْا عَلَىٰ وَادِ النَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسْكِنَكُمْ لَا

يَحْطَمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ روزی با لشکریان خود به لانه

مورچگان رسید، مورچه‌ای به مورچگان دیگر گفت که: همه به لانه خود پناه ببرید که سلیمان و لشکرش شما را پایمال نکنند، آن‌ها نمی‌فهمند

﴿١٩﴾ فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِّن قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ

عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ

سلیمان از این دستور خنده‌اش گرفت، عرض کرد: پروردگارا! به من الهام کن تا شکر

این نعمت‌ها که به من و پدر و مادرم بخشیدی، به‌جا آورم و خدماتی شایسته داشته

باشم که موجب رضای تو باشد، به لطف و رحمت خود ما را در جمع بندگان صالح

خود قرار بده

﴿٢٠﴾ وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدْهَدَ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ پرندگان

روی سر او سایه انداختند، هُدُود را در جای خود ندید، گفت: کجاست هُدُود، او را

نمی‌بینم؟

﴿٢١﴾ لِأَعَذِّبَنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لِيَأْتِيَنِي بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ او را

سخت عذاب می‌کنم یا می‌کشم مگر که عذر موجهی بیاورد

﴿۲۲﴾ فَمَكَتْ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِءِ وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبَأٍ يَقِينٍ

کمی صبر کرد، هُدهُد حاضر شد گفت: از شهر سبا اطلاعاتی دارم که شما ندارید

﴿۲۳﴾ إِنِّي وَجَدْتُ أَمْرًا تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ زَنِي

را دیدم که بر آن‌ها حکومت می‌کند، همه جور امکانات در اختیار دارد، تختی عظیم و جواهر نشان دارد

﴿۲۴﴾ وَجَدْتَهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ

أَعْمَلَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ او با قوم خود خورشید را می‌پرستند، بت پرستی را شیاطین به نظرشان جلوه داده‌اند و از راه خدا بازداشته‌اند، شعور خداپرستی ندارند

﴿۲۵﴾ أَلَّا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبَاءَ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ

وَمَا تُعْلِنُونَ چرا خدا را نمی‌پرستند که آنچه در آسمان و زمین پنهان است، ظاهر می‌کند و آنچه مخفی و آشکار است می‌داند

﴿۲۶﴾ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ خدایی که به جز او خدایی

نیست، مالک عرش عظیم قدرت است

﴿۲۷﴾ قَالَ سَنَنْظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ سلیمان به هُدهُد گفت:

باشد تحقیق می‌کنم گزارش تو حقیقت دارد یا دروغ است

﴿۲۸﴾ أَذْهَبَ بِكِتَابِي هَذَا فَأَلْقَاهُ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّى عَنْهُمْ فَأَنْظَرُ مَاذَا يَرْجِعُونَ

نامه‌ام را ببر به دامن او بینداز و بعد فاصله بگیر تا ببینم چه خبر می‌شود

﴿۲۹﴾ قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوْا إِنِّي أُلْقِيَ إِلَيْ كِتَابٍ كَرِيمٍ نامه را رسانید، ملکه سبا

رؤسا را جمع کرد که از بزرگواری نامه به من رسیده است

﴿٣٠﴾ **إِنَّهُرُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** نامه از سلیمان است،

نوشته است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿٣١﴾ **أَلَا تَعْلَمُونَ عَلَيَّ وَأَتُونِي مُسْلِمِينَ** مبادا خود را از من برتر و بالاتر بدانید، همه

بیاید تسلیم من شوید

﴿٣٢﴾ **قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُونِ**

ملکه به سران قوم گفت: نظر بدهید، من برای خود بدون نظر شما کاری انجام نمی‌دهم

﴿٣٣﴾ **قَالُوا نَحْنُ أَوْلُوا قُوَّةٍ وَأَوْلُوا بِأَسِيسٍ شَدِيدٍ وَالْأَمْرُ إِلَيْكِ فَانظُرِي مَاذَا تَأْمُرِينَ**

جواب دادند که: ما مرد جنگیم و نیرومندیم، فرمان با تو است به هرچه دستور فرمایی

﴿٣٤﴾ **قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعِزَّةَ أَهْلِهَا أَذِلَّةً وَكَذَلِكَ**

يَفْعَلُونَ ملکه گفت که: پادشاهان اگر مملکتی را بگیرند به فساد می‌کشند، مردم

را به ذلت و خواری می‌کشانند که اقتضای پیروزی همین است

﴿٣٥﴾ **وَإِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ** فکر می‌کنم

هدیه‌ای برای آنها بفرستم بعد ببینم مأمورین با چه وضعی برمی‌گردند

﴿٣٦﴾ **فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَانَ قَالَ أَتُمِدُّونَنِ بِمَالٍ فَمَا آتَانِيَهُ اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا آتَانِيكُمْ**

بَلْ أَنْتُمْ بِهَدِيَّتِكُمْ تَفْرَحُونَ مأمورین با هدایا به دربار سلیمان آمدند، سلیمان

گفت: می‌خواهید با اموال خود ما را تقویت کنید، آنچه خدا به من داده بهتر است از

آنچه به شما داده، شما به هدایای خود می‌نازید؟

﴿۳۷﴾ **أَرْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ بِجُنُودٍ لَا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا وَلَنُخْرِجَنَّهُمْ مِنْهَا أَذِلَّةً وَهُمْ**

صَغِيرُونَ بر گردید به کشور خود، با چنان لشکری بر شما بتازم که هیچ کس نتواند با آن مقابله کند، شما را با ذلت و خواری از آن مملکت اخراج می کنم

﴿۳۸﴾ **قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوا أَيُّكُمْ يَا أَيُّنِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ** مأمورین

ملکه با هدایا برگشتند و آماده تسلیم شدند، سلیمان به سران قوم گفت: کدامتان پیش از ورود ملکه تخت او را در اینجا حاضر می کنید؟ *

* خداوند سلطنتی عظیم به سلیمان داده بود به کیفیتی که نصفی از موفقیت‌ها اعجازی و نصفی دیگر فیزیکی بود. مثلاً معادن فلزات به طور اعجاز سیلان داشت و آن‌ها را به قالب‌ها می ریختند و مجسمه‌ها و ظروف می ساختند، روی بساط خود می نشست و باد آن را در فضا از شهری به شهر دیگر می برد و از باطن مردم آگاه می شد. با مأمور انتظامات از خیانت جلوگیری می کرد. سیلان معادن، اعجازی بود، ساخت صنایع فیزیکی، حیوانات و طیور هم مسخر او بودند. این موفقیت عظیم بی سابقه سلاطین دیگر را مسخر او کرده بود که فرمود: **وَسَخَّرْنَا لَهُ الْجِبَالَ**. جبال در قرآن به کوه‌ها و ابرقدرت‌ها تفسیر شده. (سند تأویل آیات تفسیر برهان است.)

﴿۳۹﴾ **قَالَ عِفْرِيتٌ مِّنَ الْجِنِّ أَنَا ءَاتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِن مَّقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ**

لَقَوِيٌّ أَمِينٌ عفریتی از جنیان گفت: من پیش از پایان مجلس آن را حاضر می کنم
من بر این کار امین و توانایم

﴿۴۰﴾ **قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا ءَاتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ**

طَرْفَكَ فَلَمَّا رَعَاهُ مُسْتَقَرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي ءَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ
وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ ءُ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ و آن دیگری

که کمی علم الهی داشت گفت: من فوری در یک چشم به هم زدن حاضر می کنم ، سلیمان تا نگاه کرد تخت حاضر بود گفت: این لطف خداست که به من رسیده تا مرا

آزمایش کند، منظور دارم یا ندارم ، هر کس کفران نعمت کند، پروردگار من از او بی نیاز است

﴿٤١﴾ قَالَ نَكِّرُوا لَهَا عَرْشَهَا نَنْظُرْ أَتَهْتَدِي أَمْ تَكُونُ مِنَ الَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ

سلیمان گفت: تخت او را ناشناخته برابرش بگذارید، ببینم می شناسد یا نمی شناسد

﴿٤٢﴾ فَلَمَّا جَاءَتْ قِيلَ أَهَكَذَا عَرْشُكِ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ وَأُوتِينَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا

وَكُنَّا مُسْلِمِينَ وقتی که ملکه در دربار حاضر شد به او گفتند: این تخت سلطنتی

شماست، گفت: مثل اینکه آری، پیش از این قدرت شما را شناخته بودم، تسلیم شما

بودم

﴿٤٣﴾ وَصَدَّهَا مَا كَانَتْ تَعْبُدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنَّهَا كَانَتْ مِنْ قَوْمٍ كَافِرِينَ سلیمان

او را و قومش را از بت پرستی بازداشت که او از اقوام کافر به خدا بود

﴿٤٤﴾ قِيلَ لَهَا ادْخِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَكَشَفَتْ عَنْ سَاقِيهَا قَالَ إِنَّهُ

صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ مِّن قَوَارِيرَ قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ

الْعَالَمِينَ در راه عبور، حوضی با درپوشی از شیشه بود گفتند: از اینجا عبور کن،

خیال کرد آب است، ساق پای خود را بالا زد تا عبور کند ، گفتند: آب نیست شیشه

است، عظمت تشکیلات در او اثر گذاشت ، گفت: خدایا! به خود ستم کردم، من با

سلیمان تسلیم پروردگار عالمیان شدم

﴿٤٥﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ فَإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ

يَخْتَصِمُونَ به سوی قوم ثمود هم برادرشان صالح را رسالت دادیم که ای مردم! خدا

را عبادت کنید، آن ها در برابر دعوت به اختلاف افتادند، دو گروه باهم مجادله داشتند

﴿٤٦﴾ قَالَ يَوْمَ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ

لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ رسول خدا به آنها گفت: چرا پیش از نیکوکاری، شتابزده بد

کاری می کنید ، چرا طلب مغفرت نمی کنید که شاید لطف خدا شما را فراگیرد؟

﴿٤٧﴾ قَالُوا أَظْهَرْنَا بِكَ وَبِمَنْ مَعَكَ قَالَ طَيْرُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ

گفتند: ما تو و همراهان تو را به فال بد می گیریم ، صالح گفت: مقدرات بد و خوب

شما به دست خداست ، شما فریفته گناه و معصیت شده اید

﴿٤٨﴾ وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ نُه

طایفه در شهر به تبه کاری مشغول بودند، ضد صلاح و اصلاح جامعه فعالیت داشتند

﴿٤٩﴾ قَالُوا تَقَاسَمُوا بِاللَّهِ لَنُبَيِّتَنَّهُ وَأَهْلَهُ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ

أَهْلِهِ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ با یکدیگر هم قسم شدند که شبانه بتازند و او را به قتل

برسانند و فردا منکر قتل شوند، بگویند: از قتل او بی خبریم و راست می گوئیم

﴿٥٠﴾ وَمَكْرُؤًا مَكْرًا وَمَكْرُؤًا مَكْرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ نقشه شومی داشتند که

مکر آنها به خودشان برگشت و هلاک شدند

﴿٥١﴾ فَأَنْظِرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مَكْرِهِمْ أَنَا دَمَرْنَاهُمْ وَقَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ نتیجه مکر

آنها این شد که ما آن افراد تبه کار را به هلاکت انداختیم

﴿٥٢﴾ فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةٌ بِمَا ظَلَمُوا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ فردا

مشاهده شد که خانه ها از سکنه خالی شده ، این هلاکت در اثر کفر و گناه، آیت الهی

است

﴿٥٣﴾ وَأَنْجَيْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ از این عذاب، اهل ایمان را نجات دادیم

﴿۵۴﴾ **وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ** و داستان لوط

پیامبر که به قوم خود گفت: عمل زشتی مرتکب می شوید که خودتان می دانید

﴿۵۵﴾ **أَيُنَبِّئُكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ**

رابطه جنسی خود را به جای زنان با مردان به کار می برید، چه بد قوم نادانی هستید

(جزء ۲۰) ﴿۵۶﴾ **فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوا آلَ لُوطٍ مِّنْ**

قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَّتَطَهَّرُونَ آن قوم گناه کار جوابی نداشتند جز اینکه گفتند:

لوط و خانواده اش را به جرم پاکی از شهر و دیار خود خارج کنید

﴿۵۷﴾ **فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا أُمَّرَأَتَهُ قَدَرْنَا مِنَ الْغَابِرِينَ** ولیکن ما لوط و

خانواده اش را به جز همسرش که مستحق عذاب بود، نجات دادیم

﴿۵۸﴾ **وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ** قوم لوط را در معرض بارش

سنگ و کلوخ و زلزله قرار دادیم ، چه بد بارش و بارانی بود

﴿۵۹﴾ **قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ ۗ اللَّهُ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ**

الحمد لله که سلام و سلامتی اختصاص به بندگان خالص خدا دارد ، آیا خدا بهتر است

یا کسانی که در عبادت شریک خدا می سازید؟

﴿۶۰﴾ **أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ**

حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَّا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْبِتُوا شَجَرَهَا ۗ أَعْلَاهُ مَعَ اللَّهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ

يَعْدِلُونَ آیا خدایی که عوالم آسمان و زمین را ساخته و از آسمان آب نازل می کند

و این همه باغ و نباتات سبز و خرم می رویند و شما مردم قدرت آفرینش برگی از

آن‌ها را ندارید ، آیا با این خدا خدای دیگری هست؟ ، بلکه شما قومی مشرک هستید

﴿۶۱﴾ **أَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَرًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَ وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ بِلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ** آیا کسی که این کره زمین را قرارگاه شما ساخته و این همه نهرها از داخل کوهها برای شما جاری نموده و کوهها و ابرقدرت‌های دینی را در روی زمین استوار نموده و دریا‌های تلخ و شور و یا فرهنگ گوارا و ناگوار برای شما به وجود آورده و از اختلاط این دو دریا و دو فرهنگ جلوگیری نموده ، با این خدا خدای دیگری هست؟ ، اکثر مردم از عقل خود استفاده نمی‌کنند

﴿۶۲﴾ **أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ** آیا کسی که خواهش بیچارگان را در شدت بیچارگی اجابت می‌کند و بلاها را از آن‌ها برطرف می‌نماید و به شما نیکوکاران در زمین خلافت می‌دهد بازهم می‌گویید: با این خدا خدای دیگری هست؟ ، چقدر کمند کسانی که حقیقت را درک می‌کنند

﴿۶۳﴾ **أَمَّنْ يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتِ اللَّيْلِ وَالْبَحْرِ وَمَنْ يُرْسِلُ الرِّيْحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ** آیا کسی که در تاریکی‌های دریا و صحرا و یا حق و باطل شما را هدایت می‌کند و به وسیله بادها و یا حوادث شما را به لطف و رحمت خود مژده می‌دهد ، با این خدا خدای دیگری هست؟ ، خداوند منزّه است از آنچه برای او شریک می‌تراشید

﴿۶۴﴾ **أَمَّنْ يَبْدُوَ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَمَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ** چه کسی خلقت بندگان را شروع

می کند و دومرتبه آن‌ها را به حیات برمی گرداند و یا چه کسی از آسمان و زمین به شما روزی می دهد؟ ، بازهم می گوید: با این خدا خدای دیگری هست؟ ، اگر راست می گوید برهان خود را بیاورید

﴿۶۵﴾ قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ

يُبْعَثُونَ به آن‌ها بگو: آنچه در آسمان و زمین پنهان است به جز خدا کسی نمی داند و مردم نمی دانند چه زمانی در قیامت مبعوث می شوند

﴿۶۶﴾ بَلِ أَدْرَكَ عِلْمُهُمْ فِي الْآخِرَةِ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْهَا بَلْ هُمْ مِنْهَا عَمُونَ

بلکه این علم را در آخرت به دست می آورند و امروز در زندگی آخرت شک دارند ، در کوری و کری فرورفته اند

﴿۶۷﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَيْدَا كُنَّا تُرَابًا وَعَابَاؤُنَا أَنِنَّا لَمُخْرَجُونَ

کفار تعجب می کنند که اگر به خاک برگشتیم، چطور زنده می شویم

﴿۶۸﴾ لَقَدْ وَعِدْنَا هَذَا نَحْنُ وَعَابَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ

می گویند: پیش از این چنین وعده‌هایی داده شده، این حرف‌ها افسانه‌های تاریخ است

﴿۶۹﴾ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ

بگو: تاریخ را مطالعه کنید، ببینید عاقبت گناه کاران به کجا کشید

﴿۷۰﴾ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُنْ فِي ضَيْقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ

برای آن‌ها ناراحت نباش و از مکر و حيله آن‌ها به تنگ نیایی

﴿۷۱﴾ وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

می پرسند اگر شما راست

می گوید، وعده قیامت کی است؟

﴿۷۲﴾ قُلْ عَسَىٰ أَنْ يَكُونَ رَدِفَ لَكُمْ بَعْضُ الَّذِي تَسْتَعْجِلُونَ
بگو: شاید آینده‌ها که شما در آن شتاب دارید ردیف یکدیگر ظاهر شوند

﴿۷۳﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ
رحمت خدا شامل حال مردم است، به آن‌ها مهلت می‌دهد، گرچه بسیاری از مردم نمی‌دانند

﴿۷۴﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ
خدا از افکار درونی و ظاهر و باطن آن‌ها خبر دارد

﴿۷۵﴾ وَمَا مِنْ غَآيِبَةٍ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ
زمین پنهان است در کتاب خدا ثبت است آنچه در آسمان و

﴿۷۶﴾ إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَفُصُّ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَكْثَرَ الَّذِي هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ
این قرآن هم بسیاری از اختلافات بنی اسرائیل را برای آن‌ها روشن می‌سازد

﴿۷۷﴾ وَإِنَّهُ لَهْدَىٰ وَرَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ
و این قرآن برای جهانیان مؤمن، مایه هدایت و رحمت است

﴿۷۸﴾ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ بِحُكْمِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ
آن‌ها به حق قضاوت خواهد کرد، او غالب و تواناست روز قیامت، خدا بین

﴿۷۹﴾ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ
تو در راه حق و دین حق حرکت می‌کنی، به خدا توکل داشته باش

﴿۸۰﴾ إِنَّكَ لَا تَسْمِعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تَسْمِعُ الصَّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ حتماً بدان

که نمی‌توانی به مردگان و کران که جهت خلاف حق حرکت دارند، حرف حق را بشنوانی

﴿۸۱﴾ وَمَا أَنْتَ بِهَدِي الْعُمَىٰ عَن ضَلَّاتِهِمْ إِنْ تَسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ

مُسْلِمُونَ و تو نمی‌توانی نابینایان را از گمراهی برگردانی و هدایت کنی، فقط به کسی می‌توانی حرف حق را بشنوانی که ایمان به آیات ما بیاورد و مسلمان باشد

﴿۸۲﴾ وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ

النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ زمانی که محکومیت اهل دنیا قطعی شود، بندهای از بندگان خود را ظاهر می‌کنیم تا به آنها هشدار دهد لیکن مردم ایمان به آیات ما نیاورده‌اند

﴿۸۳﴾ وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ روزی

که از هر امتی گروهی از تکذیب‌کنندگان را محشور کنیم و آنها را در دادگاه‌های قیامت توزیع می‌کنیم *

* در دادگاه‌های امام زمان (عج). اول سران حق و باطل به محاکمه کشیده می‌شوند بعد پیروان زنده شده به پیشوایان خود ملحق می‌شوند.

﴿۸۴﴾ حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوا قَالَ أَكَذَّبْتُمْ بِآيَاتِي وَلَمْ تُحِيطُوا بِهَا عِلْمًا أَمْ آذًا كُنْتُمْ

تَعْمَلُونَ وقتی که وارد قیامت شوند به آنها گفته می‌شود: شما بودید که دین و آیات ما را جاهلانه تکذیب نمودید و چه اعمال بدی که مرتکب شدید

﴿۸۵﴾ وَوَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ بِمَا ظَلَمُوا فَهُمْ لَا يَنْطِقُونَ در این حال محکومیت

آن‌ها به دلیل ظلم‌هایی که داشته‌اند قطعی می‌شود و عذری ندارند

﴿۸۶﴾ **أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لَيْسَكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ**

لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ مگر ندیدند و فکر نکردند که شب را و یا دوره غیبت امام(ع) را مایه آرامش آن‌ها و روز را و یا دوره ظهور امام(ع) را مایه معاش آن‌ها قرار دادیم ، این تحولات برای آن‌ها آیت الهی است

﴿۸۷﴾ **وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَمَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ**

اللَّهُ وَكُلُّ أَتَوْهُ دَاخِرِينَ روزی که فرمان مرگ این زندگی دنیایی صادر شود، هر کسی در آسمان و زمین باشد می‌میرد مگر آن که را خدا بخواهد و بعد همه آن‌ها به حال تسلیم به دایره حکومت ما رجوع می‌کنند *

* در این آیه شریفه، خداوند افرادی را از مرگ عمومی استثناء می‌کند اولاً خبر می‌دهد که در عوالم آسمان مانند زمین انسان‌هایی زندگی می‌کنند و مانند شما قبر و قیامت دارند. قیامت، هم‌زمان در تمامی این عوالم ظاهر می‌شود، همه می‌میرند مگر آن که را خدا بخواهد. آیات و روایات صراحت دارد که با قیام امام زمان(عج) قیامت افتتاح می‌شود. مرگ نیکان و بدان تا ظهور آن حضرت ادامه دارد و بعد از ظهور، هر کس تحویل آن حضرت شود، از مرگ و مرض و قتل و کشتار برکنار است زیرا مرگ از لوازم زندگی دنیاست و قیام آن حضرت زندگی آخرت است. آن حضرت دنیا را با قهر و غلبه الهی می‌گیرد نه با جنگ و کشتار. حدیث در تفسیر آیه **حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا** در کتاب تحف العقول بخوانید با ظهور آن حضرت در توبه بسته می‌شود و مهلت زندگی و آزادی از کفار گرفته می‌شود. قدرت و ثروتی ندارند که با امام به مبارزه برخیزند.

﴿۸۸﴾ **وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَتَقَنَ**

كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ کوه‌ها یا ابر قدرت‌ها را به حال سکون و سکوت

می بینی با اینکه مانند ابرها در سیر و حرکت اند، این صنعت خداوند متعال است که هر چیزی را محکم و متقن آفریده، خداوند به احوال آن ها آگاه است

﴿۸۹﴾ **مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِّنْهَا وَهُمْ مِّنْ فَرْجٍ يَوْمَئِذٍ ءَامِنُونَ** هر کس

عمل نیک انجام دهد بهتر از عملش اجر می برد و از مهالک قیامت در امان است

﴿۹۰﴾ **وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ**

تَعْمَلُونَ و هر کس عمل بد مرتکب شود از مسیر کفر و گناه سرازیر آتش می شود

که نتیجه عمل آن هاست

﴿۹۱﴾ **إِنَّمَا أَمْرُهُ أَنْ أُعْبَدَ رَبِّ هَذِهِ الْبَلَدَةِ الَّتِي حَرَّمَهَا وَلَهُ كُلُّ شَيْءٍ ؕ وَأَمْرُهُ أَنْ**

أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ من مأمورم پروردگار خانه کعبه را پرستش کنم که به آن

حرمت داده است ، همه چیز مال اوست، مأمورم که مسلمان باشم

﴿۹۲﴾ **وَأَنْ أَتْلُوا الْقُرْآنَ فَمَنْ أَهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ ؕ وَمَنْ ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَا**

أَنَا مِنَ الْمُنذِرِينَ و مأمورم قرآن را برای مردم تلاوت کنم ، هر کس هدایت یابد

به نفع خود هدایت یافته و هر کس گمراه شود من مسئول گمراهی او نیستم ، مردم را

از کفر و گناه می ترسانم

﴿۹۳﴾ **وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَيُرِيكُمْ ءَايَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ**

بگو: الْحَمْدُ لِلَّهِ ، به زودی خدا نشانه های قدرت و عظمت خود را به نمایش می گذارد و

شما خواهید دانست که خداوند از اعمال مردم غافل نیست.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ طَسَمَ ط، سین، میم (معانی حروف از اصول خلقت خبر می دهد)

﴿۲﴾ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ این حروف، نشانه علمیت این کتاب مبین است

﴿۳﴾ نَتْلُوا عَلَيْكَ مِنْ نَبِيٍّ مُوسَىٰ وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ما داستان موسی و فرعون را چنان که حقیقت است، برای تو و اهل ایمان بازگو می کنیم

﴿۴﴾ إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يذَّبِحُ أبنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ فرعون، تکبر و طغیان خود را به انتها رسانید، ملت را به دو گروه متکبر و مستضعف تقسیم کرد، گروه مستضعف را چنان به ذلت کشانید که پسران آنها را ذبح می کرد و دخترانشان را زنده نگه می داشت، او ظالم و تبه کار بود

﴿۵﴾ وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَمْةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ما اراده کردیم مستضعفین را به قدرت و امامت برسانیم و آنها را وارث ملک زمین کنیم

﴿۶﴾ وَنَمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ امکانات زمین را به آنها بسپاریم، ذلت فرعون و هامان و افراد متکبر آنها را به نمایش بگذاریم، بنی اسرائیل را بر کسانی که از آنها می ترسیدند مسلط کنیم

﴿۷﴾ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خِفْتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي

وَلَا تَحْزَنْنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ
 برای اجرای این تقدیر به
 مادر موسی وحی کردیم بچه‌ات را شیر بده، خداوند حفظ می‌کند، اگر ترسیدی او
 را به رود نیل بسیار، نترسی و غصه نخوری، او را به تو برمی‌گردانیم و به مقام
 رسالت می‌رسانیم

﴿۸﴾ فَأَلْتَقَطَهُرَّءَالُ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَحَزَنًا إِنَّ فِرْعَوْنَ وَهَلْمَنَ وَجُنُودَهُمَا
 كَانُوا خَاطِئِينَ
 موج آب، موسی را به دربار فرعون برد، ملکه او را از آب گرفت تا
 در آینده، دشمن آن‌ها و مایه غم آن‌ها باشد، فرعون و هامان و وابستگان آن‌ها
 خطاکار بودند

﴿۹﴾ وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرَّتْ عَيْنِي لِي وَلَكَ لَا تَقْتُلُوهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ
 نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ
 زن فرعون بچه را گرفت و گفت: نور چشم من و
 تو است مبادا او را بکشی شاید به نفع ما و یا فرزند ما باشد، ندانستند که این
 کودک چه آینده‌ای دارد

﴿۱۰﴾ وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَىٰ فَرِغًا إِن كَادَتْ لَتُبْدِي بِهِ لَوْلَا أَنْ رَبَّنَا عَلَيَّ قَلْبَهَا
 لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ
 در جستجوی دایه، بچه را به مادر رسانیدیم تا خیال مادر
 آرام شد با اینکه اگر قلب مادر را تصرف نکرده بودیم، سرّ خود را فاش می‌کرد تا
 قدرت خدا را ببیند و ایمان بیاورد

﴿۱۱﴾ وَقَالَتْ لِأُخْتِهِ قُصِّيهِ فَبَصَّرَتْ بِهِ عَنْ جُنْبٍ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ
 کودکی را به آب انداخت به خواهرش گفت: از دور نظارت کن تا چه می‌شود،
 خواهرش نگران بود تا کسی نفهمد

﴿۱۲﴾ وَحَرَّمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَصِیحُونَ
ملکه در پی دایه بود، موسی پستان دایه‌ها را نگرفت، خاله‌اش گفت: می‌خواهید دایه‌ای را معرفی کنم که او را پذیرایی کند و حافظ او باشد؟

﴿۱۳﴾ فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَىٰ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَلِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ
کودک را به مادر برگردانیدیم تا چشمش روشن شود، غمگین نباشد و بداند که وعده خدا حق است، گرچه بسیاری از مردم خبر ندارند

﴿۱۴﴾ وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَىٰ ءَاتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ
موسی در دربار فرعون به حد بلوغ و اعتدال رسید، ما به او علم و حکمت دادیم، ما پادشاه نیکوکاران را این‌چنین می‌دهیم

﴿۱۵﴾ وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَىٰ حِينٍ غَفْلَةٍ مِّنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَٰذَا مِنْ شِيعَتِهِ وَهَٰذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَغْنَاهُ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَىٰ الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَزَهُ مُوسَىٰ فَقَضَىٰ عَلَيْهِ قَالَ هَٰذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُّضِلٌّ مُّبِينٌ
یک روز بدون آگاهی خانواده، میان شهر می‌گشت دید که دو نفر با هم می‌جنگند یکی از دوستان و دیگری از دشمنان است، دوست موسی استغاثه کرد، از موسی کمک خواست، موسی مشت‌به سر دشمن کوبید و او درجا مُرد، موسی گفت: غضب شیطانی بود، شیطان دشمن گمراه‌کننده است

﴿۱۶﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ
عرض کرد: پروردگارا! به خود ستم کردم که او را کشتم، مرا بیامرزد او را آمرزیدیم، خداوند آمرزنده و مهربان است

﴿۱۷﴾ قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيرًا لِلْمُجْرِمِينَ و بعد عرض

کرد پروردگارا! اکنون که مرا آمرزیدی، توفیق بده مبادا کمک جنایت کاران باشم

﴿۱۸﴾ فَأَصْبَحَ فِي الْمَدِينَةِ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ فَإِذَا الَّذِي اُسْتَنْصَرُهُ بِالْأَمْسِ يَسْتَصْرِخُهُ

قَالَ لَهُ مُوسَى إِنَّكَ لَغَوِيٌّ مُّبِينٌ خوف و وحشت در اثر قتل او را فراگرفت و

بعد مردی که دیروز از او کمک گرفته بود گرفتار بود، باز هم کمک خواست،

موسی گفت: تو مرد گمراهی هستی

﴿۱۹﴾ فَلَمَّا أَنْ أَرَادَ أَنْ يَبْطِشَ بِالَّذِي هُوَ عَدُوٌّ لَهُمَا قَالَ يَا مُوسَى أَتُرِيدُ أَنْ تَقْتُلَنِي

كَمَا قَتَلْتَ نَفْسًا بِالْأَمْسِ إِنْ تُرِيدُ إِلَّا أَنْ تَكُونَ جَبَّارًا فِي الْأَرْضِ وَمَا تُرِيدُ أَنْ

تَكُونَ مِنَ الْمُصْلِحِينَ و باز اراده کرد به آن قبطی که دشمن هر دو نفر بود

حمله کند، قبطی داد زد که: موسی! می خواهی مرا بکشی چنان که دیروز مردی را

کشتی؟، می خواهی در زمین مرد جباری باشی و نمی خواهی که مردی مصلح باشی؟

﴿۲۰﴾ وَجَاءَ رَجُلٌ مِّنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ

لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ در این حال مردی از انتهای شهر آمد

که: ای موسی! فرعونیان شورا گرفته اند که تو را به جرم قتل اعدام کنند، بهتر این

است که فرار کنی، من تو را نصیحت می کنم

﴿۲۱﴾ فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ موسی با

مراقبت کامل که مبادا او را دستگیر کنند فرار کرد، عرضه داشت: پروردگارا! مرا

از شر این ستم کاران نجات بده

﴿۲۲﴾ وَلَمَّا تَوَجَّهَ تَلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَى رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ در

فرار خود به طرف مدین توجه نمود، امیدوار به خدا بود که او را به راه زندگی و راه نجات هدایت کند

﴿۲۳﴾ وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِّنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ
 أُمَّرَاتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّىٰ يُصَدِرَ الرِّعَاءُ وَأَبُونَا
 شَيْخٌ كَبِيرٌ به چاه‌های شهر مدین رسید، مشاهده کرد که مردم گوسفندان خود
 را آب می‌دهند و آن طرف دیگر دو دختر گوسفندان را از آب باز می‌دارند، به آن‌ها
 گفت: چه شده است شما را؟ گفتند: منتظریم چوپانان بروند تا از بازمانده آب آن‌ها
 استفاده کنیم، پدرمان پیر و ناتوان است

﴿۲۴﴾ فَسَقَىٰ لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّىٰ إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ
 آب کشید گوسفندان آن‌ها را آب داد و در سایه درخت نشست، عرض کرد:
 پروردگارا! سخت به روزی تو محتاجم (امام فرمود: موسی قرص نانی تقاضا کرد)

﴿۲۵﴾ فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَىٰ اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ
 أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ
 الظَّالِمِينَ در این حال دید یکی از دختران در وضع حیا و عفت آمد و گفت:
 پدرم تو را خواسته تا مزد آب‌کشی تو را بپردازد، موسی به خانه آن‌ها رفت،
 داستان خود را برای آن‌ها بازگو کرد، شعیب پیرمرد گفت: نترس! از شرّ ظالم
 نجات یافتی

﴿۲۶﴾ قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ
 یکی از دختران گفت: پدر! او را استخدام کن، مردی توانا و امین است

صدا زد که: ای موسی! من خدا هستم، تو را صدا می‌زنم، من پروردگار عالمیانم

﴿۳۱﴾ وَأَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَءَاهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَمُوسَى أَقْبِلْ وَلَا تَخَفْ إِنَّكَ مِنَ الْأَمِينِينَ

عصایت را بینداز ببین چه می‌شود ، به ناگاه

دید عصا ماری شد که از درون می‌جنبید، موسی فرار کرد که برنگردد ، خدا صدا زد: موسی برگرد، نترس! تو ایمن هستی

﴿۳۲﴾ أَسْأَلُكَ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجُ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ وَأَضْمَمَ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ فَذَنبَكَ بُرْهَنَانٍ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِۦ إِنَّهُمْ كَانُوا فَسِقِينَ

معجزه دیگر، دستت را به جیب خود ببر بیرون بیاور، بین چقدر نورانی و بی‌ضرر است ، انزوا و گوشه‌گیری را رها کن، به سوی فرعون و قوم او رسالت داری که آن‌ها مردمی فاسقند

﴿۳۳﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ

موسی عرض کرد: پروردگارا! من یک نفر از آن‌ها را کشته‌ام، می‌ترسم مرا اعدام کنند

﴿۳۴﴾ وَأَخِي هَارُونُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسَلْهُ مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِي إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ

برادرم هارون زبان گویاتری دارد، او را مأمور کن کمک من باشد مرا تصدیق کند، می‌ترسم آن‌ها مرا تکذیب کنند

﴿۳۵﴾ قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطٰنًا فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا بِأَيِّتِنَا أَنْتُمَا وَمَنْ اتَّبَعَكُمَا الْغٰلِبُونَ

خدا فرمود: مانعی ندارد، پشت تو را به وسیله او محکم می‌کنم، به شما قدرت می‌دهم، مبادا مزاحم شوند ، شما و پیروان شما پیروزید

﴿۳۶﴾ فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَى بِآيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّفْتَرَى وَمَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ

وقتی که موسی با معجزات به سوی آنها رفت گفتند که: اینها همه سحر است به خدا دروغ می‌بندند، در روزگار گذشته چنین حرف‌ها سابقه ندارد

﴿۳۷﴾ وَقَالَ مُوسَى رَبِّي أَعْلَمُ بِمَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ مِنْ عِنْدِهِ وَمَنْ تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ

موسی گفت: خدا خود می‌داند که برای شما وسیله هدایت فرستاده است، خداوند می‌داند که عاقبت کار به نفع کیست، حقیقت این است که ظالم رستگار نمی‌شود

﴿۳۸﴾ وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهِ غَيْرِي فَأَوْقِدْ لِي يَهْمَنُ عَلَى الطِّينِ فَاجْعَلْ لِي صَرْحًا لَعَلِّي أَطَّلِعُ إِلَىٰ إِلَهِ مُوسَى وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ

فرعون داد زد: که‌ای مردم! من خدایی به غیر خود سراغ ندارم، ای هامان! برج بلندی بساز بروم بالای آن ببینم خدای موسی کیست، گمان می‌کنم دروغ می‌گوید

﴿۳۹﴾ وَأَسْتَكْبَرُ هُوَ وَجُنُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَظَنُّوا أَنَّهُم إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ

فرعون و لشکریانش را تکبر فراگرفت، باد به دماغ انداختند و خیال کردند به دایره حکومت خدا بر نمی‌گردند

﴿۴۰﴾ فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ فَاَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ

ما به دست قدرت خود فرعون و لشکریانش را به دریا افکندیم، بین! عاقبت کار ستم‌کاران به کجا کشید

﴿۴۱﴾ وَجَعَلْنَاهُمْ أَيْمَةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ

آنها گروهی

بودند که مردم را در دنیا به فساد و در آخرت به جهنم کشیدند ، نمی‌توانند از نصرت خدا استفاده کنند

﴿۴۲﴾ وَأَتَّبَعْنَاهُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ هُمْ مِنَ الْمَقْبُوحِينَ بدرقه
آن‌ها در دنیا لعنت و نفرین و در قیامت چهره‌ای زشت خواهد بود

﴿۴۳﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِ مَا أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ الْأُولَىٰ بَصَائِرَ
لِلنَّاسِ وَهَدَىٰ وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ما به موسی بعد از هلاکت نسل اول،
کتابی دادیم که مایه رحمت و هدایت برای مردمی بود که به یاد خدا بودند

﴿۴۴﴾ وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الْعَرَبِيِّ إِذْ قَضَيْنَا إِلَىٰ مُوسَى الْأَمْرَ وَمَا كُنْتَ مِنَ الشَّاهِدِينَ
تو در وضع غربی امت موسی نبودی که چنین مقدراتی برای او تنظیم شد و شاهد
وضعیت فکری آن‌ها نبودی که به موسی رسالت دادیم (امت موسی را غریبون می‌نامند
که معنویتشان در مادیتشان غروب کرده است)

﴿۴۵﴾ وَلَكِنَّا أَنْشَأْنَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ وَمَا كُنْتَ ثَاوِيًّا فِي أَهْلِ مَدْيَنَ
تَتَلَوُا عَلَيْهِمْ ءآيَاتِنَا وَلَكِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ ولیکن قرن‌های تاریخ را یکی بعد از
دیگری به وجود آوردیم، در طول مدت احکام خدا را تغییر دادند و همچنین در
زندگی شعیب و اهل مدین نبودی که آیات ما را برای آن‌ها بخوانی، ما به سوی
آن‌ها پیامبران فرستادیم

﴿۴۶﴾ وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا وَلَكِنْ رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا
أَتَتْهُمْ مِّن نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ و در جانب کوه طور نبودی که
رابطه ما را با موسی بدانی، ما به لطف و رحمت خود تو را به این داستان‌ها آگاه

نمودیم تا بتوانی قوم خود را هدایت کنی، قومی که پیش از این پیامبری نداشته‌اند، شاید حقیقت را درک نمایند

﴿۴۷﴾ **وَلَوْلَا أَنْ تُصِيبَهُمْ مُّصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَيَقُولُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ** مبادا قوم تو در اثر کفر و گناه به

هلاکت برسند و اعتراض کنند: که‌ای خدا! پیامبری نفرستادی که از او پیروی کنیم و مؤمن باشیم

﴿۴۸﴾ **فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا لَوْلَا أُوتِيَ مِثْلَ مَا أُوتِيَ مُوسَىٰ أَوْ لَمْ يَكْفُرُوا بِمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ قَالُوا سِحْرَانِ تَظَاهَرَا وَقَالُوا إِنَّا بِكُلِّ كَافِرُونَ**

و حالا که پیامبری به سوی آن‌ها آمده می‌گویند: چرا مانند موسی معجزه ندارد؟، مگر همان‌ها نبودند که پیش از تو کافر به موسی و معجزات بودند و گفتند: سحر خود را آشکار نموده است، ما کافر به پیامبران هستیم

﴿۴۹﴾ **قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا أَتَّبِعُهُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ**

بگو: اگر شما در ادعای خود صادقید، کتابی بیاورید که بهتر از این دو کتاب تورات و قرآن هدایت کند، من هم از آن کتاب پیروی می‌کنم

﴿۵۰﴾ **فَإِنْ لَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّكَ يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ**

هَوَاهُ بَغَيْرِ هُدًى مِّنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ اگر دعوت تو را نپذیرفتند بدان که از هوی و هوس خود پیروی می‌کنند، از کسانی که تابع هوی و هوس خود هستند، کسی گمراه‌تر نیست، خداوند قوم ظالم را هدایت نمی‌کند

﴿۵۱﴾ **وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ** ما گفته حق را به‌طور اتصال

به آن‌ها عرضه کردیم شاید به یاد خدا باشند

﴿۵۲﴾ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ کسانی که پیش از

نزول قرآن از کتاب‌های آسمانی بهره گرفته‌اند، به این قرآن هم ایمان می‌آورند

﴿۵۳﴾ وَإِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ قَالُوا ءَأَمِنَّا بِهِ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهِ

مُسْلِمِينَ وقتی که قرآن برای آن‌ها تلاوت می‌شود می‌گویند: ایمان آوردیم، حق

است، از جانب پروردگار است، ما پیش از این مسلمان بودیم

﴿۵۴﴾ أُولَٰئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَيَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ وَمِمَّا

رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ آن‌ها ایند که در دنیا و آخرت در برابر صبر، دو برابر اجر

می‌برند، آن‌ها ایند که با نیکی بدی را محو می‌کنند و از آنچه به آن‌ها داده‌ایم، انفاق

می‌کند

﴿۵۵﴾ وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَلُنَا وَلَكُمْ أَعْمَلُكُمْ سَلَامٌ

عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ آن‌ها از لهو و لعب اعراض می‌کنند، به بازیگران

می‌گویند: هر کس نتیجه عمل خود را می‌برد، سلامت باشید ما در پی دوستی با

جهال نیستیم

﴿۵۶﴾ إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ

بِالْمُهْتَدِينَ هدایت دوستان به دست تو نیست به دست خداست، هر که را

بخواهد هدایت می‌کند، او هدایت جویان را بهتر می‌شناسد

﴿۵۷﴾ وَقَالُوا إِن نَّبْتَغِ الْهُدَىٰ مَعَكَ نُتَخَطَّفُ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا

ءَامِنًا يُجَبِّي إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِّزْقًا مِّن لَّدُنَّا وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

﴿۶۲﴾ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ در آنجا آن‌ها را صدا می‌زنیم که: کجايند کسانی که آن‌ها را شریک ما دانستید و از آن‌ها اطاعت نمودید؟

﴿۶۳﴾ قَالَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَغْوَيْنَا أَغْوَيْنَهُمْ كَمَا غَوَيْنَا تَبَرَّأْنَا إِلَيْكَ مَا كَانُوا إِيَّانَا يَعْبُدُونَ در آنجا کسانی که محکوم به عذاب شده‌اند عذر می‌آورند که پروردگارا! آن‌ها کسانی هستند که ما آن‌ها را گمراه نمودیم چنان که گمراه شدیم، از آن‌ها بی‌زاری جستیم، به سوی تو آمدیم، آن‌ها ما را پرستش نکردند بلکه به دنبال منافع خود بودند

﴿۶۴﴾ وَقِيلَ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ فَدَعَوْهُمُ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَرَأَوُا الْعَذَابَ لَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا يَهْتَدُونَ به اغوا شدگان گفته می‌شود که شما آن‌ها را شریک خدا قرار دادید، پس حوایج خود را از آن‌ها بخواهید، آن‌ها حوایج خود را می‌طلبند ولی اجابت نمی‌کنند، اگر هدایت یافته بودند می‌دانستند که با عذاب آن‌ها روبه‌رو شده‌اند

﴿۶۵﴾ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ آن روز جمعیت گمراه را صدا می‌زنند که چقدر از پیامبران اطاعت کردید؟

﴿۶۶﴾ فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْأَنْبَاءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَاءَلُونَ آن‌ها گیج می‌شوند که پیامبری نشناخته بودند، سؤال و پرسشی از یکدیگر ندارند، با فرهنگ رسالت بیگانه بوده‌اند

﴿۶۷﴾ فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَىٰ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ

ولیکن آنها که اهل ایمان و عمل صالح بوده‌اند شاید که رستگار شده باشند

﴿۶۸﴾ **وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ**

همان‌طور که خلقت به دست خداست، اختیارات هم به دست خداست، مردم در کار خدا حق مداخله و اختیار ندارند، خدا منزه است که کسی را شریک خود قرار دهد

﴿۶۹﴾ **وَرَبُّكَ يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ**

خداوند از اسرار و نیت آنها و کار و گفتار آنها باخبر است

﴿۷۰﴾ **وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَىٰ وَالْآخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ**

او خدایی است که به جز او خدایی نیست، ستایش و حمد در دنیا و آخرت مخصوص اوست، حکومت با اوست، همه به سوی او رجوع خواهید کرد

﴿۷۱﴾ **قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهُ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُم بِضِيَاءٍ أَفَلَا تَسْمَعُونَ**

به آنها بگو: فکر کنند که اگر خدا شب را و یا جهل آنها را تا روز قیامت ثابت نگه دارد، چه کسی می‌تواند روشنایی و یا علم به وجود آورد، چرا گفته حق را نمی‌شنوند *

* همان‌طور که شب بعد از روز آرامش به وجود می‌آورد، اگر از آینده‌ها آگاهی مداوم داشته باشند دائم ناراحت‌اند.

﴿۷۲﴾ **قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهُ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُم بَلِيْلٍ تَسْكُنُونَ فِيهِ أَفَلَا تُبْصِرُونَ**

و یا اگر بخواهد روز روشن را تا قیامت ادامه دهد چه کسی می‌تواند شب را و یا غفلت را برای آرامش

شما به وجود آورد، چرا به حقیقت فکر نمی کنید؟

﴿۷۳﴾ وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ
وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ این لطف و رحمت خداست که برای شما شب و روز و یا

آگاهی و غفلت به وجود آورده تا بعد از استراحت شبها، بتوانید دنبال روزی خدا و فضیلت بروید، چرا لطف خدا را منظور نمی دارید؟

﴿۷۴﴾ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ فردای قیامت
آنها را صدا می زند که: کجا هستید کسانی که شما از آنها اطاعت کردید و آنها را شریک خدا قرار دادید؟

﴿۷۵﴾ وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَضَلَّ
عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ما افراد برجسته از هر امتی را احضار می کنیم که دلایل
حقانیت خود را بیاورید، در آن روز خواهند فهمید که حق با خداست و دیگر
وسایل کفر و گناه در اختیار آنها نیست

﴿۷۶﴾ إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَىٰ فَبَغَىٰ عَلَيْهِمْ ۖ وَعَاتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ
مَفَاتِحَهُ لَتَنُوتُ بِالْعُصْبَةِ ۚ أُولِيَ الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ ۖ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ
الْفَرِحِينَ قارون از ثروتمندان قوم موسی بود و به حقوق آنها تجاوز نمود، آن قدر
گنج طلا و جواهرات در اختیار داشت که کلید گنجهای او چند نفر را خسته
می کرد، قوم موسی به او گفتند: این قدر به خود مناز که خداوند ناز و تکبر را
دوست نمی دارد

﴿۷۷﴾ وَأَبْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ ۖ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا ۖ وَأَحْسِنَ

كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبِعِ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ

از این ثروت که خدا به تو داده آخرت خود را آباد کن ، بهره دنیایی خود را هم فراموش نکن ، به مردم احسان کن چنان که خداوند به تو احسان کرده است ، به دنبال تبه کاری و فساد نباش که خداوند تبه کاران را دوست نمی دارد

﴿۷۸﴾ قَالَ إِنَّمَا أُوتِيْتُهُر عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِيَّ أَوْ لَمْ يَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِن قَبْلِهِ

مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرُ جَمْعًا وَلَا يُسْئَلُ عَن ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ

قارون گفت: این گنجها را به علم خود فراهم کرده ام ، مگر ندانست که ما چگونه ثروتمندان تاریخ را هلاک نموده ایم، کسانی که ثروتشان از او بیشتر و توانا تر بوده اند ، ستم کاران بدون محاکمه محکوم اند

﴿۷۹﴾ فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا

مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ قارون خود را با زینت و جواهرات،

برابر مردم نمایش داد ، دنیاپرستان گفتند که: ای کاش ما هم مانند قارون این همه ثروت می داشتیم که حقیقتاً خوشبخت است و بهره بزرگی دارد

﴿۸۰﴾ وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِّمَن ءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا

وَلَا يُلْقِنَهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ و آن ها که عاقل بودند، پرخاش کردند که: وای بر

شما! ثواب آخرت برای اهل ایمان و عمل صالح بهتر است و جز مردم با ایمان و صبور کسی به آن نائل نمی شود

﴿۸۱﴾ فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِن فِئَةٍ يَنْصُرُونَهُ مِن دُونِ

اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنتَصِرِينَ ما قارون و جواهراتش را به قعر زمین فرو بردیم

کسی به جز خدا نبود که او را یاری کند و نمی توانست از خود دفاع کند

﴿۸۲﴾ وَأَصْبَحَ الَّذِينَ تَمَنَّوْا مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيُكَانُّ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَوْلَا أَنْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَّا وَيُكَانَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ

فردا مردمی که آرزوی ثروت او را داشتند گفتند: وای بر ما! ثروت و عزت به دست خداست، به هر کسی بخواهد وسعت می دهد یا نمی دهد، اگر لطف خدا نبود زمین ما را می بلعید، حقیقت این است که کافر رستگار نمی شود

﴿۸۳﴾ تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ

ما زندگی آخرت را برای کسانی مقدر می کنیم که برتری جویی و فساد انگیزی ندارند، عاقبت نصیب اهل تقوا خواهد بود

﴿۸۴﴾ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِمَّنْهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

هر کس عمل نیکی انجام دهد بهتر از آن، اجر می برد و هر کس مرتکب اعمال بد شود، نتیجه آن را می برد

﴿۸۵﴾ إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

خدایی که ضامن اجرای فرایض قرآن است تو را به وعده هایی که داده می رساند، بگو: پروردگار من هدایت یافتگان و گمراهان را بهتر می شناسد

﴿۸۶﴾ وَمَا كُنْتَ تَرْجُو أَنْ يُلْقَىٰ إِلَيْكَ الْكِتَابُ إِلَّا رَحْمَةً مِّنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ ظَهِيرًا لِّلْكَافِرِينَ

تو انتظار نداشتی که چنین کتابی بر تو نازل شود جز اینکه لطف خداوند تو را فراگیرد، مبادا کمک کفار باشی

﴿۸۷﴾ وَلَا يَصُدُّنَكَ عَنْ عَآيَاتِ اللَّهِ بِعَدَاةٍ إِذْ أَنْزَلْتُ إِلَيْكَ وَأَدْعُ إِلَى رَبِّكَ وَلَا

تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ مبادا کسی یا چیزی تو را از اجرای آیات خدا بعد از آن که نازل شده است، باز دارد، مردم را به دین پروردگار دعوت کن، مبادا از مشرکین شناخته شوی

﴿۸۸﴾ وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ

الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ کسی را در خواهش و تقاضا با خدا شریک نکن، همه چیز به جز آنچه وجهه الهی دارد نابود می‌شود، حکم و حکومت با اوست، همه به سوی او برمی‌گردید.

آیاتها ۶۹

سُورَةُ الْعَنْكَبُوتِ

المکّی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ اَلَمْ الف، لام، میم (یکی از معانی حروف اثبات ابدیت قرآن است، همان‌طور که حروف تلفظی انتها ندارد، حروف تکوینی هم انتها ندارد)

﴿۲﴾ أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يَتْرُكُوا أَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ مردم خیال

می‌کنند که به محض تظاهر به ایمان بدون آزمایش و امتحان به خود واگذار می‌شوند*

* ابتلائات و امتحانات الهی به این منظور نیست که خدا تفاوت فکری و ایمانی انسان‌ها را بداند. خدا همه چیز را قبل از ظهور می‌داند بلکه ابتلائات برای تعلیمات است. هر حادثه، علمی در انسان به وجود می‌آورد و این علم و آگاهی، مؤمن را از کافر مشخص می‌کند تا مردم هم مانند خدا به حق و باطل آگاه شوند.

﴿۳﴾ وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكٰذِبِينَ

ما گذشتگان را امتحان کردیم ، تقدیر حتمی خداوند این است که صادق و کاذب مشخص شوند

﴿۴﴾ **أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ أَنْ يَسْبِقُونَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ** یا شاید بدکاران خیال می کنند که بر ما غلبه کرده اند ، چه بد قضاوت می کنند (آنها از حلم ما و مهلتی که به آنها داده ایم استفاده می کنند نه اینکه بر ما غلبه کرده باشند)

﴿۵﴾ **مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ** هر کس امیدوار به ملاقات خداست، بداند که روز ملاقات خواهد رسید ، او شنوا و داناست

﴿۶﴾ **وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ** هر کس در راه خیر کوشش کند به نفع اوست ، خداوند از تمامی عالمیان بی نیاز است

﴿۷﴾ **وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ** هر کس اهل ایمان و عمل صالح باشد، ما آثار اعمال بد را از وجود او می زداییم و بهترین پاداش را به پاداش بهترین اعمال به او می رسانیم

﴿۸﴾ **وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ** ما انسان را به رعایت حق پدر و مادر و احسان به آنها سفارش کردیم ، اگر او را وادار به معصیت کردند اطاعت نکند (ولی احسان خود را ادامه دهد) ، بازگشت همه به سوی من است، شما را به اعمالتان آگاه می کنم

﴿۹﴾ **وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ** هر کس اهل ایمان و عمل صالح است، با اهل ایمان و نیکان محشور می شود

﴿۱۰﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ ءَامَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةً لِلنَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ وَلَئِن جَاءَ نَصْرٌ مِّن رَّبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ أَوْ لَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ

بعضی اظهار می‌دارند که ایمان دارند اما اگر در راه خدا مصیبت ببینند دین خدا را رها می‌کنند، خیال می‌کنند اذیت مردم مانند عذاب خدا است اما اگر پیروزی به شما (مسلمانان) برسد، اظهار می‌دارند که با شما نیستند، مگر خداوند از همه بهتر به اسرار دل مردم آگاه نیست؟

﴿۱۱﴾ وَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْمُنَافِقِينَ

از یکدیگر مشخص شوند

لازم است مؤمن و منافق

﴿۱۲﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا وَلنَحْمِلَ خَطَايَكُمْ وَمَا هُمْ بِحَامِلِينَ مِنْ خَطَايَهُمْ مِّن شَيْءٍ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ

از ما اطاعت کنید مسئولیت شما را به عهده داریم با اینکه عهده‌دار خطای شما نمی‌شوند، دروغ می‌گویند، به محض ظهور محکومیت فرار می‌کنند.

کفار به مؤمنین می‌گویند: اگر

﴿۱۳﴾ وَلَيَحْمِلُنَّ أَثْقَالَهُمْ وَأَثْقَالًا مَّعَ أَثْقَالِهِمْ وَلَيُسْأَلُنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ

اما روز قیامت بار سنگین گناه خود و آن‌ها را باید تحمل کنند و مسئول اکاذیب خود باشند

﴿۱۴﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ

و پنجاه سال در میان قوم خود رسالت داشت، عاقبت قوم او به وسیله طوفان هلاک شدند که ظالم بودند

ما نوح را به طرف قوم خود رسالت دادیم، نهصد

﴿۱۵﴾ فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ وَجَعَلْنَاهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ ما نوح را و اهل

کشتی را نجات دادیم و این طوفان و کشتی را برای اهل عالم درس عبرت قرار دادیم

﴿۱۶﴾ وَإِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ

تَعْلَمُونَ ابراهیم به قوم خود گفت: خدا را عبادت کنید، تقوا پیشه کنید، اطاعت

خدا از هر چیزی بهتر است اگر بدانید

﴿۱۷﴾ إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا وَتَخْلُقُونَ إِفْكًا إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ

دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَأَشْكُرُوا لَهُ

إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ شما به جای خدا بت‌ها را می‌پرستید، به کار و گفتار خلاف مشغولید

، این بت‌ها و بت‌سازان نفعی به حال شما ندارند، روزی خود را از خدا بخواهید و او

را بپرستید، شکر او را به جای آورید که بازگشت شما به سوی خداست

﴿۱۸﴾ وَإِنْ تُكَذِّبُوا فَقَدْ كَذَّبَ أُمَمٌ مِّن قَبْلِكُمْ وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ

الْمُبِينُ اگر دین خدا را تکذیب می‌کنید، امت‌های پیش از شما هم تکذیب کردند،

وظیفه پیامبران فقط تبلیغ است

﴿۱۹﴾ أَوْ لَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ

مگر نمی‌بینید که خداوند چگونه خلق را می‌آفریند و دومرتبه زندگی آخرت را به

وجود می‌آورد، این کار برای خدا آسان است

﴿۲۰﴾ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ

إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بگو: در تاریخ سیر کنید، ببینید خداوند چگونه

می‌آفریند و دومرتبه به حیات برمی‌گرداند، خدا این‌طور زندگی آخرت را دایر می‌کند

خداوند به هر کاری تواناست.

﴿۲۱﴾ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَرْحَمُ مَنْ يَشَاءُ وَإِلَيْهِ تُقْلَبُونَ هر کسی را بخواهد عذاب

می کند و به هر کسی بخواهد رحم می کند ، آخرین تحول شما دایره حکومت اوست

﴿۲۲﴾ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ

وَلِيِّ وَلَا نَصِيرٍ شما در زمین و آسمان نمی توانید خدا را از کار خود بازدارید و جز

خدا سرپرستی و یآوری ندارید.

﴿۲۳﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ أُولَئِكَ يَئِسُوا مِنْ رَحْمَتِي وَأُولَئِكَ لَهُمْ

عَذَابٌ أَلِيمٌ کسانی که کافر به آیات خدا و روز لقاءالله می شوند، عاقبت یأس از

رحمت خدا پیدا می کنند و به عذابی الیم مبتلا می شوند

﴿۲۴﴾ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ فَأَنْجَاهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ إِنَّ

فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ قوم ابراهیم در برابر این دعوت جوابی نداشتند

مگر اینکه گفتند: باید او را بکشید یا بسوزانید، خداوند او را از آتش نجات داد ، این

حادثه هم آیت بزرگی برای اهل ایمان بود

﴿۲۵﴾ وَقَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَّوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ يَوْمَ

الْقِيَامَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُمْ بِبَعْضٍ وَيَلْعَنُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا وَمَأْوَأَكُمْ النَّارُ وَمَا

لَكُمْ مِّنْ نَّصِيرِينَ به آن ها گفت: این بت پرستی و آدم پرستی را مایه دوستی بین

خود قرار داده اید ، اما روز قیامت کافر به حق یکدیگر شده و یکدیگر را لعنت

می کنید، جای شما آتش است و یار و یآوری ندارید

﴿۲۶﴾ فَعَامَنَ لَهُ لُوطٌ وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ لوط

به ابراهیم ایمان آورد، ابراهیم گفت: من از این بلاد به سوی پروردگارم هجرت می‌کنم ،
خدای من غالب و حکیم است

﴿۲۷﴾ وَوَهَبْنَا لَهُدَا إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ وَعَاتَيْنَاهُ
أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ در این مهاجرت پسرانی مانند
اسحاق و یعقوب به او بخشیدیم و در نسل او نبوت و کتاب قرار دادیم ، پاداش نیک
به او دادیم و در آخرت از بندگان صالح ما خواهد بود

﴿۲۸﴾ وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ إِنَّكُمْ لَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ
الْعَالَمِينَ و هم‌چنین لوط پیامبر که به قوم خود گفت: مبتلا به عمل زشتی شده‌اید
که در تاریخ سابقه ندارد

﴿۲۹﴾ أَيُّنَّكُمْ لَأْتُونَ الرِّجَالَ وَتَقْطَعُونَ السَّبِيلَ وَتَأْتُونَ فِي نَادِيكُمُ الْمُنْكَرَ فَمَا
كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَتَيْنَا بِعَذَابِ اللَّهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ با
مردان رابطه جنسی دارید، راهزنی می‌کنید ، در مجالس خود منکرات مرتکب
می‌شوید ، قوم جوابی نداشتند جز اینکه گفتند: اگر راست می‌گویی عذاب خدا را
ظاهر کن

﴿۳۰﴾ قَالَ رَبِّ أَنْصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِينَ لوط دست به دعا برداشت که: ای
خدا! مرا بر این قوم بدکار پیروز کن

﴿۳۱﴾ وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا إِنَّا مُهْلِكُوا أَهْلَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ إِنَّ
أَهْلَهَا كَانُوا ظَالِمِينَ عذاب آن‌ها مقدر شد، مأمورین ابتدا بر ابراهیم وارد شدند
که او را مژده دهند ، گفتند: مأموریم قوم لوط را هلاک کنیم که آن‌ها ظالم‌اند

﴿۳۲﴾ قَالَ إِنَّ فِيهَا لُوطًا قَالُوا نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَنْ فِيهَا لَنَنْجِيَنَّهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا أُمَّرَأَتَهُ

كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ ابراهیم گفت: آنجا لوط پیامبر است گفتند که: او را می شناسیم ، او را و خانواده اش را به جز همسرش نجات می دهیم

﴿۳۳﴾ وَلَمَّا أَنْ جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالُوا لَا تَخَفْ وَلَا

تَحْزَنْ إِنَّا مُنْجُوكَ وَأَهْلَكَ إِلَّا أُمَّرَأَتَكَ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ مأمورین به طرف لوط نبی رفتند، لوط از ورود میهمان ناراحت شد که اخلاق زشت مردم را می دانست ، گفتند: نترس! تو را و خانواده تو به جز همسرت را نجات می دهیم

﴿۳۴﴾ إِنَّا مُنْزِلُونَ عَلَىٰ أَهْلِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ

ما مأموریم بلایی بر آن ها نازل کنیم که بی حیا و فاسق هستند

﴿۳۵﴾ وَلَقَدْ تَرَكْنَا مِنْهَا آيَةً بَيِّنَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

داستان قوم لوط را هم آیتی روشن برای خردمندان قرار دادیم

﴿۳۶﴾ وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا فَقَالَ يٰقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَارْجُوا الْآخِرَ وَلَا

تَعْتَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ به سوی قوم مدین هم برادرشان شعیب را رسالت دادیم، به آن ها گفت: مردم! خدا را بپرستید، امیدوار به آخرت باشید و مفسدانه عمل نکنید

﴿۳۷﴾ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جِثْمِينَ

او را تکذیب نمودند ، عذاب ریشه و لرزه بر آن ها نازل شد، جسم بی جانی روی زمین افتادند

﴿۳۸﴾ وَعَادًا وَثَمُودًا وَقَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِّن مَّسْكِنِهِمْ وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَغْمَلَهُمْ

فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَكَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ همچنین قوم عاد و ثمود که داستان

آن‌ها را توضیح داده‌ایم ، شیطان اعمال زشت آن‌ها را جلوه داد و از راه خدا بازداشت با اینکه مردمی آگاه به گناه بودند

﴿۳۹﴾ وَقَرُّونَ وَفِرْعَوْنَ وَهَمَانَ وَهَامَانَ وَقَدْ جَاءَهُمْ مُوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانُوا سَابِقِينَ فرعون و هامان و قارون به همین کیفیت ، موسی با آن‌همه معجزات به سوی آن‌ها رفت، تکبر آن‌ها را فراگرفت، نتوانستند مانع تقدیر خدا شوند

﴿۴۰﴾ فَكَلَّا أَخَذْنَا بِذَنبِهِ فَمِنْهُمْ مَن أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا وَمِنْهُمْ مَن أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَمِنْهُمْ مَن خَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَمِنْهُمْ مَن أَغْرَقْنَا وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظْلِمَهُمْ وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ تمامی آن‌ها به سرنوشت بدی مبتلا شدند ، قوم لوط سنگ‌باران شدند و قوم شعیب به عذاب ریشه و قارون خسف زمین شد ، فرعون و قوم او غرق دریا شدند ، خدا به آن‌ها ستم نکرد، آن‌ها بودند که به خود ستم کردند

﴿۴۱﴾ مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ کسانی که جز خدا به دیگری تکیه دارند، تکیه‌گاه آن‌ها مانند لانه عنکبوت است که برای خود لانه می‌تند ، سست ترین خانه‌ها لانه عنکبوت است، اگر مردم بدانند

﴿۴۲﴾ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يَدْعُونَ مِن دُونِهِ مِن شَيْءٍ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ خدا می‌داند که شما به جز خدا چه کسی را پذیرفته‌اید ، او غالب و حکیم است

﴿۴۳﴾ وَتِلْكَ الْأَمْثَلُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ این مطالب داستان‌های گذشتگان است ، اما به جز دانشمندان کسی آن را تعقل نمی‌کند

﴿۴۴﴾ خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ خداوند

آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید ، این آفرینش آیت الهی برای اهل ایمان است

﴿۴۵﴾ أَتْلُ مَا أُوْحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ

وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ آنچه از کتاب الهی به تو

وحی می‌شود تلاوت کن، نماز را اقامه کن ، نماز، مردم را از فحشا و منکر باز می‌دارد

و یاد خدا بزرگ‌تر است که آن شعور نماز است ، خدا از اعمال شما آگاه است

(جزء ۲۱) ﴿۴۶﴾ وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا

مِنْهُمْ وَقُولُوا ءَامَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ

لَهُ مُسْلِمُونَ با اهل کتاب، جز با دلیلی هر چه نیکوتر بحث نکنید مگر ستم‌کاران

که تابع حرف حساب نیستند ، بگویید: ما به کتاب شما و کتاب خود ایمان داریم،

خدای ما و شما یکی است و ما تسلیم او هستیم

﴿۴۷﴾ وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ فَالَّذِينَ ءَاتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمِنْ

هَؤُلَاءِ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الْكَافِرُونَ ما چنین کتابی کامل بر

تو نازل کردیم ، کسانی که معرفت به کتاب الهی دارند ایمان می‌آورند ، از این گروه

قریش هم بعضی ایمان می‌آورند ، فقط کفارند که منکر آیات خدا می‌شوند

﴿۴۸﴾ وَمَا كُنْتَ تَتْلُوا مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ بِيَمِينِكَ إِذًا لَّارْتَابَ

الْمُبْطُلُونَ تو پیش از این قرآن، کتابی تلاوت نکردی و خطی ننوشتی و برای این

است که اهل باطل شک می‌کنند

﴿۴۹﴾ بَلْ هُوَ آيَةٌ بَيِّنَةٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا

الظَّالِمُونَ بلکه این قرآن، آیاتی روشن در دل اهل ایمان و علم است ، فقط ستم کاران منکر آیات ما می شوند

﴿۵۰﴾ وَقَالُوا لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَاتٌ مِّن رَّبِّهِ قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِندَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا

نَذِيرٌ مُّبِينٌ می گویند: چرا معجزه‌ای بر دست او نازل نمی شود ، بگو: معجزات صنعت خداست، من فقط یک مبلغ روشنگر هستم

﴿۵۱﴾ أَوْ لَمْ يَكْفِهِمْ أَنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَرَحْمَةً

وَذِكْرًا لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ مگر همین معجزه کافی نیست که چنین کتابی بر تو نازل کردیم، برای آن‌ها تلاوت می شود ، این قرآن برای اهل ایمان، مایه جلب رحمت پروردگار است

﴿۵۲﴾ قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ شَهِيدًا يَعْلَمُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَالَّذِينَ

ءَامَنُوا بِالْبَاطِلِ وَكَفَرُوا بِاللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخٰسِرُونَ بگو: بین من و شما شهادت خدا کافی است، او هر چه هست در آسمان‌ها و زمین می داند، کسانی که ایمان به خدا را ترک می کنند و به راه باطل می روند، خسارت می برند

﴿۵۳﴾ وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَوْلَا أَجَلٌ مُّسَمًّى لَّجَاءَهُمُ الْعَذَابُ وَلَيَأْتِيَنَّهُمْ

بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ در ظهور عذاب مقدر شتاب می کنند ، خدا به آن‌ها مهلت می دهد و الا عذاب نازل می شود، عاقبت به طور ناگهانی عذاب نازل خواهد شد

﴿۵۴﴾ يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ با شتاب، عذاب

الهی را می طلبند با اینکه جهنم محیط به کفار است (زیرا با کفر و گناه و قتل و کشتار در خط جهنم سازی حرکت می کنند، خط حرکت بر آن‌ها احاطه دارد)

﴿۵۵﴾ يَوْمَ يَغْشَاهُمْ الْعَذَابُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَيَقُولُ ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ

تَعْمَلُونَ روزی خواهد شد که عذاب از زیر پا و روی سر آنها را احاطه کند و به

آنها گفته شود: این است عذابی که شما منکر آن بودید، نتیجه اعمال شماست

﴿۵۶﴾ يَعْبَادِي الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإِيَّيَ فَاعْبُدُونِ ای بندگان من!

زمین و زمینه زندگی وسیع است، فقط مرا پرستش کنید

﴿۵۷﴾ كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ هر کسی مرگ را خواهد چشید

و بعد از مرگ، مرجع همه اهل عالم حاکمیت خداوند است

﴿۵۸﴾ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا

الأنهارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعَمَ أَجْرُ الْعَمِلِينَ کسانی که اهل ایمان و عمل صالح اند در

غرفه‌های بهشت سکونت می‌کنند، در آن زندگی نعمت‌ها مانند نهر در جریان است،

چه خوب است پاداش نیکوکاران

﴿۵۹﴾ الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ همان‌ها که در مقدرات صبر نمودند و

به خدا توکل داشتند

﴿۶۰﴾ وَكَأَيِّنْ مِنْ دَابَّةٍ لَّا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

چقدر زیاد هستند حیوانات که قدرت تهیه روزی ندارند، خدا روزی آنها و شما را

می‌رساند، او شنوا و داناست

﴿۶۱﴾ وَلَئِن سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لَيَقُولُنَّ

اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ از هر کس پرسید، چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده و ماه

و خورشید را مسخر نموده؟، همه می‌گویند: خدا، بگو: پس چرا از خط توحید منصرف

می شوید؟

﴿۶۲﴾ **اللَّهُ** يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ إِنَّ **اللَّهَ** بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ خداست که روزی هر کسی را وسعت می دهد و یا در تنگی قرار می دهد ، خداوند به هر کسی و هر چیزی داناست

﴿۶۳﴾ **وَلَئِن سَأَلْتَهُمْ مِّن نَّزَلٍ مِّنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِن بَعْدِ مَوْتِهَا لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ** اگر بپرسی چه کسی از آسمان آب نازل می کند و زمین را بعد از مرگ و خشکی، زنده می نماید، همه یک صدا می گویند: خدا ، ستایش حمد مخصوص خداست ولیکن بیشتر مردم تعقل نمی کنند

﴿۶۴﴾ **وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ** این زندگی دنیا بازی و اسباب بازی است ، حیات معقول، زندگی آخرت است اگر حقیقت را درک کنند

﴿۶۵﴾ **فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ** وقتی سوار کشتی و گرفتار موج می شوند با نیت خالص به خدا پناه می برند و اما وقتی که به خشکی رسیدند باز به غیر خدا پناهنده می شوند

﴿۶۶﴾ **لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ وَلِيَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ** تا در برابر نجات، خود را مسئول اطاعت خدا ندانند، آزادانه بخورند و بچرند ، به زودی نتیجه کار خود را می بینند

﴿۶۷﴾ **أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا ءَامِنًا وَيَتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ أَفَبِالْبَاطِلِ**

یُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ مگر نمی بینند که برای آن‌ها حرم امن وامانی مانند کعبه و ولایت حق قرار داده‌ایم که در امن وامان زندگی می‌کنند و سایر مردم در خارج حوزه ولایت ربوده می‌شوند ، آیا درست است به باطل ایمان آورند و به نعمت خدا کافر شوند؟

﴿۶۸﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُۥ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ چه کسی ظالم‌تر است از کسی که به خدا دروغ می‌بندد یا دین حق را بعد از وضوح تکذیب می‌کند ، آیا جهنم آخرین نتیجه عمل کفار نیست؟

﴿۶۹﴾ وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ کسانی که در راه ما جهاد و کوشش دارند، ما آن‌ها را به راه‌های سعادت هدایت می‌کنیم ، خداوند همه‌جا با نیکوکاران است.

آیاتها ۶۰

سُورَةُ الرُّومِ

المکّی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ اَلَمْ الف، لام، میم (حروف، اصول خلاق و کلمات است)

﴿۲﴾ غَلَبَتِ الرُّومُ رومیان از ایرانیان در نزدیکی شبه جزیره عرب شکست خوردند

﴿۳﴾ فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِّنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ ولیکن آن‌ها بعد از چندی غلبه خواهند کرد

﴿۴﴾ فِي بَضْعِ سِنِينَ ۗ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِن قَبْلُ وَمِن بَعْدُ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ مقدرات گذشته و آینده به دست خداست ، در این موقع اهل ایمان با پیروزی‌های خود

خوش حال می شوند

﴿۵﴾ **بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ** و این خوش حالی از

این جاست که خدا مسلمانان را پیروز می کند ، خدا هر کسی را بخواهد یاری می کند ،
او غالب و رحیم است

﴿۶﴾ **وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ** این

پیروزی وعده خداست ، خداوند خلف وعده نمی کند ولیکن اکثر مردم نمی دانند

﴿۷﴾ **يَعْلَمُونَ ظَهْرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ** آن ها فقط

همین ظواهر زندگی را می دانند و از آخرت غافل اند

﴿۸﴾ **أَوْ لَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا**

بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَائِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ چرا پیش

خود فکر نمی کنند که خداوند آسمان و زمین و آنچه بین آنهاست را برای مدت معین
به حق آفریده ، بسیاری از مردم کافر به روز لقاءالله هستند

﴿۹﴾ **أَوْ لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا**

أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم

بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ چرا در تاریخ

فکر نمی کنند که ببینند عاقبت کار گذشتگان به کجا کشیده ، آنها قوی تر بودند و

زمین را بهتر و بیشتر آباد کردند ، پیامبران را با دلایل و معجزات فرستادیم آنها را

دعوت نمودند ، خدا به آنها ستم نکرد ولی آنها به خود ستم نمودند

﴿۱۰﴾ **ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا السُّوْءَىٰ أَن كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا**

یَسْتَهْزِئُونَ عاقبت کار بدکاران از نظر روانی همین است که آیات خداوند را تکذیب کنند و اولیاء خدا را استهزاء نمایند

﴿۱۱﴾ **اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ** خداوند است که آفرینش بندگان را شروع می‌کند و آنها را دومرتبه به زندگی برمی‌گرداند ، همه به سوی خدا رجوع می‌کنند

﴿۱۲﴾ **وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُبْلِسُ الْمُجْرِمُونَ** روزی که ساعت قیامت به پا شود، مجرمین از رحمت خداوند مأیوس می‌شوند

﴿۱۳﴾ **وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ مِّنْ شُرَكَائِهِمْ شُفَعَاءُ وَكَانُوا بِشُرَكَائِهِمْ كَافِرِينَ** رؤسای دنیایی آنها از آنها شفاعت نمی‌کنند بلکه به حق اطاعت و عبادت آنها کافر می‌شوند

﴿۱۴﴾ **وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُنْفِرُونَ** روزی که ساعت قیامت به پا شود گروه‌های کافر متفرق می‌شوند، روابط مادی و دنیایی قابل دوام نیست

﴿۱۵﴾ **فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ** و اما اهل ایمان و عمل صالح در باغ‌های بهشت تکامل پیدا می‌کنند

﴿۱۶﴾ **وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ فَأُولَٰئِكَ فِي الْعَذَابِ مُخْضَرُونَ** اما کسانی که کافر شده و آیات ما و زندگی آخرت را تکذیب می‌کنند ، عاقبت گرفتار عذاب‌ها می‌شوند

﴿۱۷﴾ **فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ** خدای خود را صبح و شام تسبیح کن که او در نفی و اثبات قابل ستایش است

﴿۱۸﴾ **وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ** حمد و ستایش

در عوالم آسمان و زمین مخصوص خداست و هم‌چنین هنگام شب و روز که در جستجوی روزی خود ظاهر می‌شوند

﴿۱۹﴾ **يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا**

وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ و خدا از مبادی مرده زنده به وجود می‌آورد و زنده را دومرتبه به موت برمی‌گرداند و زمین را هم بعد از مرگ زنده می‌کند ، شما نیز مانند گیاه از زمین می‌روید *

* حیات زمین بعد از مرگ، حیات اهل زمین بعد از مرگ است. حادثه جنگ هسته‌ای در آخرالزمان حقیقتاً زندگی اهل زمین را نابود می‌کند که دیگر اهل زمین قادر به ادامه حیات نیستند (يَقْتُلُ ثُلُثًا وَيَمُوتُ ثُلُثًا وَيَبْقَى ثُلُثًا) این حدیث مربوط به جنگ هسته‌ای آخرالزمان است که زمین در محاصره موشک‌های قاره‌پیما با کلاهک‌های هسته‌ای قرار می‌گیرد و مرگ زندگی اهل زمین می‌رسد که دیگر چاره‌ای جز قیام امام نیست.

﴿۲۰﴾ **وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ** از جمله

آیات خدا این است که شما را از خاک خلق می‌کند و در سطح زمین منتشر می‌شوید

﴿۲۱﴾ **وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ**

بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ و از جمله آیات خدا

این است که از جنس خودتان همسرانی برای شما آفریده است تا بین شما آرامش و محبت به وجود آورد ، همه این حوادث برای متفکرین آیت الهی است

﴿۲۲﴾ **وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَخْتِلَفُ السِّنَاتِ وَالْوَالِدَاتِ**

فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِلْعَالَمِينَ و از جمله آیات قدرت خداوند خلقت عوالم آسمان و

زمین و اختلاف زبان و بیان و رنگ و نژاد شماست، همه این‌ها برای دانشمندان آیت الهی است

﴿٢٣﴾ وَمِنْ ءَايَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاؤُكُمْ مِّنْ فَضْلِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ

لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ و از جمله آیات قدرت خدا خواب شبانه و بیداری روزانه

شما در جستجوی فضل و نعمت خداست، این تحولات برای کسانی که گوش شنوا دارند، آیت الهی است

﴿٢٤﴾ وَمِنْ ءَايَاتِهِ يُرِيكُمْ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ

الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ و از جمله آیات قدرت

برق و باران است که شما را به خوف و طمع می‌اندازد، از آسمان باران نازل می‌کند و زمین را بعد از مرگ زنده می‌نماید، همه این‌ها آیت الهی برای خردمندان است

﴿٢٥﴾ وَمِنْ ءَايَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِّنَ

الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ از جمله آیات خدا نظام آسمان و زمین و نظام آفرینش

به امر خداوند است، وقتی که شما را از دل خاک‌ها احضار کند، همه از زمین خارج می‌شوید

﴿٢٦﴾ وَلَهُ مَن فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ لَّهُ قَانُونٌ هرچه هست در عوالم

آسمان و زمین، مال خداست و همه با او در حال خواهش و نیایش هستند

﴿٢٧﴾ وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ فِي

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ او کسی است که خلقت شما را شروع

نموده دومرتبه همه را به زندگی برمی‌گرداند، رجعت از خلقت آسان‌تر است، او در

آسمان و زمین بزرگ‌ترین نمونه قدرت و عظمت است ، او غالب و حکیم است

﴿۲۸﴾ ضَرَبَ لَكُمْ مَثَلًا مِّنْ أَنْفُسِكُمْ ۖ هَلْ لَّكُمْ مِّنْ مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِّنْ شُرَكَاءَ فِي مَا رَزَقْنَاكُمْ فَأَنْتُمْ فِيهِ سَوَاءٌ تَخَافُونَهُمْ كَخِيفَتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

از مسائل زندگی خودتان مثلی می‌آورم ، آیا بردگانی که دارید، شریک زندگی شمايند؟ چنان باهم مساوی هستيد که از محرومیت آنها مانند محرومیت خود ناراحت شوید؟ ما این‌طور دلایل قدرت خود را برای خردمندان روشن می‌کنيم

﴿۲۹﴾ بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۖ فَمَنْ يَهْدِي مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَا لَهُمْ

مِّنْ نَّاصِرِينَ

بلکه ستم‌کاران جاهلانه از هوی و هوس خود پیروی می‌کنند ، کسی را که خدا گمراه کند چه کسی هدایت می‌کند ، آنها یاور و ناصری ندارند

﴿۳۰﴾ فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ

لِخَلْقِ اللَّهِ ۗ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

خود را برای اقامه دین مترقی خدا آماده کن ، دینی که برابر فطرت و خلقت مردم به وجود آمده و خلقت تغییرپذیر نیست ، دینی است پایدار و اداره‌کننده ولیکن بیشتر مردم نمی‌دانند

﴿۳۱﴾ ۞ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقُوهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ

این دین، شما را در ارتباط با تقوا و اقامه نماز قرار می‌دهد که مشرک نباشید

﴿۳۲﴾ ۞ مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا ۗ كُلٌّ جِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ

یعنی از کسانی نباشید که تفرقه دینی به وجود می‌آورند ، گروه‌گروه می‌شوند و هر گروهی به

دین خود می‌نازند *

* آیات شریفه ۳۱ و ۳۲، تفرقه‌اندازی دینی را برابر با شرک یا اصل شرک دانسته که می‌فرماید: وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا زيرا حقیقتاً کسانی که در دین خدا تفرقه به وجود می‌آورند و از وحدت با ائمه (ع) که همان توحید است خارج می‌شوند از غیر خدا اطاعت می‌کنند. همین شرک است که از رأی خودم اطاعت می‌کنم. خودم را و یا رأی غیر خودم را شریک خدا ساخته‌ام. توحید به معنای این است که همه در حزب خدا وارد شده، همراه حزب الهی به سوی خدا حرکت کنند.

﴿۳۳﴾ وَإِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُمْ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا أُذَاقَهُمْ مِنْهُ رَحْمَةٌ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ

وقتی که به انسان مصیبتی می‌رسد با توجه کامل از خدا خواهش و تمنا دارد و اما وقتی لطف خدا او را فرامی‌گیرد از غیر خدا اطاعت می‌کند

﴿۳۴﴾ لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ

به این منظور مشرک می‌شود که حق خدا را منظور نکند، بهره‌مند و بی‌بندوبار باشد، به زودی به سرنوشت خود خواهد رسید

﴿۳۵﴾ أَمْ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا فَهُوَ يَتَكَلَّمُ بِمَا كَانُوا بِهِ يَشْرِكُونَ

مگر ما به این شرکاء قدرت و حجت داده‌ایم که مردم را به اطاعت خود دعوت کنند؟

﴿۳۶﴾ وَإِذَا أذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا بِهَا وَإِنْ تُصِيبَهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ إِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ

وقتی که لطف و رحمت خود را به آنها می‌رسانیم خوش حال می‌شوند و اگر از آثار گناه مصیبتی به آنها برسد، از لطف خدا ناامید می‌شوند

﴿۳۷﴾ أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

مگر نمی‌بینند که تقدیر روزی به دست خداست، به هر کسی بخواهد

وسعت می دهد و به هر کسی بخواهد تنگ می گیرد ، این تقدیرات آیت خدا برای اهل ایمان است

﴿۳۸﴾ فَعَاتِبْ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ ذَٰلِكَ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ ^ط وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

تو ای رسول خدا! حق ذوی القربی و مسکینان

و ماندگان در راه سفر و یا تکامل را به آنها برسان ، رسیدگی به این حقوق برای کسانی که طالب رضای خدا هستند بهتر است ، آنها رستگارند

﴿۳۹﴾ وَمَا آتَيْتُم مِّن رَّبًّا لَّيْرُبُوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ ^ط وَمَا آتَيْتُم مِّن زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ

پولی که به ربا می دهید اگر در

نظر مردم بالا می رود در تقدیر خدا برکت ندارد ، اما وقتی که برای رضای خدا زکات می دهید چند برابر به شما برمی گردد

﴿۴۰﴾ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ هَلْ مِن شُرَكَائِكُمْ مَّنْ يَفْعَلُ مِن ذَٰلِكُمْ مِّن شَيْءٍ سُبْحٰنَهُ وَتَعٰلٰى عَمَّا يُشْرِكُونَ

خدا

کسی است که به شما روزی می دهد، شما را زنده می کند و می میراند ، آیا این رؤسا و بت ها می توانند چنین کارهایی انجام دهند؟ ، خدا منزه است از این چیزها که شریک او می سازید

﴿۴۱﴾ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُم بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

ظلم و فساد به دست مردم، دریا و صحرا و عالم و جاهل را

فراگرفت تا خدا بعضی نتایج اعمال آنها را به کامشان بچشاند، شاید به اطاعت خدا برگردند

﴿٤٢﴾ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُمْ

مُشْرِكِينَ به ستم کاران بگو: در تاریخ سیر کنند تا ببینند عاقبت کار مفسدین به کجا کشیده است که اکثریت آنها مشرک بوده اند

﴿٤٣﴾ فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَیِّمِ مِن قَبْلِ أَن یَأْتِیَ یَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ یَوْمَئِذٍ

یَصَدَّعُونَ تو خود را برای اقامه دینی که قیّم بشر است (پیش از آن که روزی برسد که راه فرار از حکومت خدا بر آنها بسته شود) آماده کن، در آن روزگار عقلشان شکوفا می شود

﴿٤٤﴾ مَن كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَمَن عَمِلَ صَالِحًا فَلِأَنفُسِهِمْ يَمْهَدُونَ هر

کس کافر شود به ضرر خود کافر است و هر کس عامل عمل صالح باشد به نفع خود تهیه می بیند

﴿٤٥﴾ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِن فَضْلِهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْكٰفِرِينَ

تا به این وسیله پاداش اهل ایمان و عمل صالح را برساند که او کفار را دوست نمی دارد

﴿٤٦﴾ وَمِنَ ءَايَاتِهِ أَن يُرْسِلَ الرِّیَّاحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيُذِيقَكُمْ مِّن رَّحْمَتِهِ وَلِتَجْرِيَ

الْفُلُكُ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِن فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ از جمله نشانه های

قدرت خدا ایجاد باد است که مبشر رحمت خداست تا لطف خود را به شما و کشتی ها را به مقصد برساند تا با این حرکت نعمت الهی را به دست آورند، شاید شکر خدا را به جای آورند (بادها عامل پرورش گیاه و حوادث هم عامل پرورش انسان است)

﴿٤٧﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ فَجَاءَهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَأَنْتَقَمْنَا مِن

الَّذِينَ أَجْرَمُوا وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ
پیش از تو پیامبرانی فرستادیم که
با معجزات به سوی قوم خود رفتند و از متجاوزین انتقام گرفتیم ، وظیفه ما بود که اهل
ایمان را یاری کنیم

﴿۴۸﴾ اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ
وَيَجْعَلُهُ كِسْفًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ
عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ
خدا کسی است که با باد و طوفان ابرها را می افشاند
و در آسمان چنان که می خواهد می پراکند، بعد آن ها را متراکم می کند که می بینید از
لابه لای آن قطرات باران می ریزد، وقتی که باد و باران به بندگان می رسد خوش حال
می شوند

﴿۴۹﴾ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ يُنْزَلَ عَلَيْهِمْ مِنَ قَبْلِهِ لَمُبْلِسِينَ
گرچه پیش از
نزول باران نا امید شده بودند

﴿۵۰﴾ فَانظُرْ إِلَىٰ آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَٰلِكَ لَمُحِي
الْمَوْتِ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
رحمت خدا را بین چگونه زمین را بعد از مرگ
زنده می کند ، حیات مردگان هم، چنین است ، خداوند به هر کاری قادر است

﴿۵۱﴾ وَلَئِنْ أَرْسَلْنَا رِيحًا فَرَأَوْهُ مُصْفَرًّا لَظَلُّوا مِنْ بَعْدِهِ يَكْفُرُونَ
اگر باد
گرمی به زراعت آن ها بوزد که ببینند زرد شده، به جای پناهندگی به خدا که بلا را از
آن ها بگرداند کافر به خدا می شوند

﴿۵۲﴾ فَإِنَّكَ لَا تَسْمِعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ
روح
آن ها مرده است، نمی توانی دعوت خود را به مردگان بشنوانی یا صدای خود را به کران

برسانی، وقتی که از حق اعراض کنند، کر و کورند

﴿۵۳﴾ وَمَا أَنْتَ بِهَادِ الْعُمِيِّ عَن ضَلَالَتِهِمْ ۖ إِن تَسْمِعُ إِلَّا مَن يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ
 تو نمی توانی کوران را هدایت کنی ، فقط دعوت حق را به کسی می شنوایی که به آیات ما ایمان آورد و مسلمان باشد

﴿۵۴﴾ ۞ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِّن ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِن بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِّن بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ
 خداوند کسی است که خلقت شما را از ناتوانی شروع کرد و شما را به قدرت رسانید و بعد از قدرت به پیری کشانید ، او خلق خود را به هر صورتی که بخواهد می سازد ، او دانا و تواناست

﴿۵۵﴾ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا لَبِثُوا غَيْرَ سَاعَةٍ كَذَلِكَ كَانُوا يُؤْفَكُونَ
 روزی که ساعت قیامت به پا شود، قسم می خورند که ساعتی بیشتر در دل خاک توقف نداشتند ، زندگی خلاف حقیقت این طور برایشان جلوه نموده است

﴿۵۶﴾ وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ ۖ فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ
 به آن ها می گویند: بعد از زندگی دنیا تا قیامت زیر خاک بودید و الآن قیامت است ولیکن شما نمی دانستید

﴿۵۷﴾ فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَعذِرَتُهُمْ وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ
 امروز که قیامت است، معذرت خواهی شما سودی ندارد و دیگر خطاب و عتابی با شما نیست

﴿۵۸﴾ ۞ وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِن كُلِّ مَثَلٍ وَلَئِن جِئْتَهُم بِآيَةٍ لَّيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِن أَنْتُمْ إِلَّا مُبْطِلُونَ
 ما در این قرآن برای روشنگری حقایق همه

نوع مثال آوردیم ولیکن هر وقت آیتی بیاوری کفار می گویند: شما پیامبران در راه باطلید

﴿۵۹﴾ كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ خداوند این طور رابطه قلب جاهل بی ایمان را از درک حقیقت قطع می کند و این قطع رابطه، خاصیت قهری دنیاپرستی است

﴿۶۰﴾ فَأَصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفُّكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ صبر کن که وعده خدا حق است ، مراقب باش! کسانی که یقین به حق ندارند، ایمان تو را سبک نشاسند.

آیاتها ۳۴

سُورَةُ لُقْمَانَ

المکّی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ اَلَمْ الف، لام ، میم (حروف قرآن اشاره به مبادی خلق و مبادی حوادث است)

﴿۲﴾ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ این حروف، اعجاز علمی کتاب حکیمانه خداوند است

﴿۳﴾ هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ کتابی که برای نیکوکاران منشأ هدایت و رحمت است

﴿۴﴾ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ همان ها که نماز به پا می دارند، با خدمات اجتماعی جامعه را رشد می دهند و یقین به آخرت دارند

﴿۵﴾ أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ آن ها در خط هدایت

هستند و همان‌ها رستگارند

﴿۶﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ

وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ

بعضی مردم در پی یاوه‌گویی و یاوه بافی هستند تا مردم را جاهلانه گمراه کنند، آن‌ها دین خدا را به مسخره می‌گیرند، آن‌ها عذاب

خوارکننده‌ای در تقدیر دارند

﴿۷﴾ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَكُنَّا مُسْتَكْبِرِينَ كَانُوا لَمْ يَسْمَعُهَا كَانُوا فِي أذُنِهِمْ وَقَرَأُوا

فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

وقتی که آیات خدا برای آن‌ها خوانده می‌شود متکبرانه پشت به دین می‌کنند مثل اینکه گوششان سنگین است، آن‌ها را به عذابی دردناک مژده بده *

* مژده عذاب به کفار از این جهت است که آن‌ها به خیال حرکت در مسیر تکامل به اسفل

السافلین سقوط می‌کنند. آن‌ها جنگ‌های آتشین را که جهنم‌سازی است تمدن می‌نامند با

اینکه این تمدن عین توحش است. پس خدا به عقیده خود آن‌ها می‌گوید: مژده باد به عذاب.

﴿۸﴾ إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ

و آن‌ها که اهل ایمان و عمل صالح‌اند، بهشتی پُر از نعمت در انتظار دارند

﴿۹﴾ خَالِدِينَ فِيهَا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

در آن نعمت‌ها جاویدند، وعده خدا حق است، او غالب و حکیم است

﴿۱۰﴾ خَلَقَ السَّمَوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا وَالْأَرْضِ رَوَاسِيًا أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ

وَبَثَّ فِيهَا مِن كُلِّ دَابَّةٍ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ

عوامل آسمان‌ها را بدون پایه‌ای که ببینید آفرید، کوه‌ها را در روی زمین استوار نمود تا

حرکت زمین شما را نلرزاند و این همه حیوانات پراکنده ساخت، از آسمان آب نازل کرد

و از هر نوع نعمت، جفت و کریمانه به شما داد

﴿۱۱﴾ هَذَا خَلْقُ اللَّهِ فَأَرُونِي مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ بَلِ الظَّالِمُونَ فِي ضَلَالٍ

مُبِينٍ اینها خلق خدایند، به ما بگویند: بتها و رؤسای شما چه چیز آفریده‌اند، واضح است که ستم‌کاران در جهالت و حماقت‌اند

﴿۱۲﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ ط

وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ما به لقمان حکمت آموختیم (خاصیت اعمال و اخلاق بد و خوب و خاصیت میوه‌جات و نباتات) که الطاف خدا را منظور داشته باشد، کسی که شکر خدا را به جای آورد به نفع اوست و کسی که حق خدا را منظور ندارد، خدا بی‌نیاز و پسندیده است

﴿۱۳﴾ وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ ط إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ

عَظِيمٌ لقمان پسرش را موعظه کرد که پسر! کسی را شریک خدا نکن که شرک بزرگ‌ترین ظلم است، تو را از لطف خدا محروم می‌کند

﴿۱۴﴾ وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ

اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَى الْمَصِيرِ ما انسان را به رعایت حق پدر و مادر سفارش نمودیم، به خصوص مادر که با رنج و زحمت به او حامله شد و دو سال او را شیر داد، ای پسر! لطف خدا و رنج والدین را منظور بدار، بازگشت کارها به سوی خداست

﴿۱۵﴾ وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا ط وَصَاحِبَهُمَا

فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا ط وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ اگر تو را به اطاعت غیر خدا امر کردند، اطاعت نکن ولیکن به احسان و

خوش رفتاری ادامه بده ، با کسانی که در خط علم و عمل به سوی خدا در حرکت هستند حرکت کن ، بازگشت همه به سوی اوست و او شما را به نتایج اعمالتان آگاه می کند

﴿۱۶﴾ **يَبْنِيْ إِنَّهَا إِن تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ** پسر! بدان که اگر ذره‌ای عمل در دل سنگ‌ها و یا در دل آسمان‌ها و زمین باشد، خدا ظاهر می کند ، خداوند بی نهایت لطیف و آگاه است

﴿۱۷﴾ **يَبْنِيْ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ ۗ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ** پسر جانم! نماز را زنده بدار، به نیکی‌ها امر و از بدی‌ها نهی کن و در برابر مصیبت‌ها استقامت داشته باش تا اراده قاطع پیدا کنی

﴿۱۸﴾ **وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرْحًا ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ** پل عبور برای مقاصد مردم نباش، با ناز و تکبر حرکت نکن که خدا متکبر را دوست ندارد

﴿۱۹﴾ **وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاعْظُضْ مِنْ صَوْتِكَ ۗ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ** در مخارج و مقاصد زندگی میانه‌رو باش ، در صوت و سخن با مردم فروتن باش که بدترین صوت و صداها عرعر الاغ است

﴿۲۰﴾ **أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَهْرَةً وَبَاطِنَةً ۗ وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنِيرٍ** مگر نمی بینید که خدا آنچه در آسمان‌ها و زمین است، مسخر شما نموده

و نعمت‌های ظاهری و باطنی گوارا در اختیار شما قرار داده ، بعضی از مردم بدون علم و هدایت و بدون کتاب علمی در وجود خدا بحث و جدال می‌کنند

﴿۲۱﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أُولَئِكَ كَانُ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ

وقتی به آنها می‌گویند: از کتابی که خدا نازل فرموده پیروی کنید، می‌گویند: از روش اجدادمان پیروی می‌کنیم ، مگر نمی‌دانند که شیاطین اجداد آنها را به جهنم کشانیده‌اند

﴿۲۲﴾ وَمَنْ يُسَلِّمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ

و اما کسانی که در خط نیکوکاری خود را تسلیم خدا می‌کنند و طالب رضای خدا هستند به رشته محکمی متمسک شده‌اند ، عاقبت کارها با خداست

﴿۲۳﴾ وَمَنْ كَفَرَ فَلَا يَحْزُنكَ كُفْرُهُمْ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ فَنُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

از کفر کفار ناراحت نباش که عاقبت کارشان با ماست ، نتایج کفرشان را به آنها می‌رسانیم ، خدا به نیت قلب آنها آگاه است *

* ثواب و عقاب در زندگی آخرت مستقیماً نتیجه اعمال است. اعمال در سه مرکز اثر می‌گذارد و همین آثار، نتیجه است که به صاحب عمل برمی‌گردد. اولین اثر در ذات عامل است که اگر گناه باشد دل را تیره می‌کند و اگر ثواب باشد روشن می‌سازد. دومین اثر جلب محبت خدا و مردم اگر عمل صالح است و کسب بغض و عداوت اگر کفر و گناه باشد و سومین اثر ایجاد بغض و عداوت در دل عامل که دیگر نمی‌تواند با انسانی در تماس باشد و تمامی عذاب‌هایی که در دنیا از او به مردم رسیده از مردم به او برمی‌گردد.

﴿۲۴﴾ نَمَتَّعُهُمْ قَلِيلًا ثُمَّ نَضْطَرُّهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ غَلِيظٍ

مدت کوتاهی آنها را بهره‌مند

می کنیم و بعد به اجبار آنها را به جهنم می کشانیم

﴿۲۵﴾ وَلَئِن سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

اگر از آنها بپرسی چه کسی آسمانها و زمین را آفریده ، می گویند: خدا ، الْحَمْدُ لِلَّهِ که با این اعتقاد از حساب خود غافل اند

﴿۲۶﴾ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ

هر چه هست در آسمانها و زمین مال خداست ، خدا بی نیاز و پسندیده است

﴿۲۷﴾ وَلَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَمٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَّا نَفِذَتْ كَلِمَتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

خداوند در علم و قدرت و سازندگی بی نهایت است، اگر درخت های زمین به جای قلم و دریاها به جای مرکب و دریاها هفت برابر تکرار شود، کتابت خلائق خدا به آخر نمی رسد ، او غالب و حکیم است

﴿۲۸﴾ مَا خَلَقَكُمْ وَلَا بَعَثَكُمْ إِلَّا كُنْفُسٍ وَّاحِدَةً إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ

خلقت میلیون ها مانند شما و بعثت شما در قیامت مانند خلق یک نفر است، خدا شنوا و داناست

﴿۲۹﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَأَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

خداوند چگونه شب را داخل روز و روز را داخل شب می کند و ماه و خورشید را مسخر خود نموده است، آنها تا مدت معین گردش دارند، خداوند به اعمال شما آگاه است

﴿۳۰﴾ ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الْبَطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ

فقط مرجعیت خدا حقیقت است و مرجعیت غیر خدا باطل است، خدا برتر و بزرگ تر است

﴿۳۱﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِنِعْمَتِ اللَّهِ لِيُرِيَكُمْ مِنْ آيَاتِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ

مگر نمی بینی چگونه کشتی در دریا و یا کشتی نجات در فضای زندگی به نفع شما مردم حرکت می کند تا آیات قدرت و عظمت خدا را نشان دهند ، تمامی این حوادث برای انسان های صابر و شاکر آیت خداست

﴿۳۲﴾ وَإِذَا غَشِيَهُمْ مَوْجٌ كَالظَّلِيلِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ فَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا كُلُّ خَتَّارٍ كَفُورٍ

وقتی که موج دریا و یا حوادث آن ها را فرامی گیرد، با خلوص کامل از خدا خواهش و تمنا دارند اما بعد که به ساحل نجات می رسند، عده ای اعتدال عقیده دارند و عده ای کافرند ، به جز کافر و متکبر کسی منکر آیات خدا نیست

﴿۳۳﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ وَأَخْشَوْا يَوْمًا لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَارٍ عَنِ وَالِدِهِ شَيْئًا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ الْغُرُورُ

ای مردم! از مخالفت خدا پرهیزید و عظمت روزگاری را بشناسید که اختیار از دست همه بیرون است، پدر به جای فرزند و یا فرزند به جای پدر مجازات نمی شود ، وعده خدا حق است ، دنیا شما را مغرور نکند، فریبندگان، لطف خدا را از شما نگیرند

﴿۳۴﴾ إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنزِلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

علم به ساعت قیامت و علم به نزول باران و جنین رحم مادر و علم به اینکه هر کسی فردا چه کار خواهد کرد و یا در چه زمینی خواهد مُرد، مخصوص خداست ، علم و قدرت لازمه ذات خدای علیم و آگاه است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ اَلَمْ الف، لام، میم (حروف اشاره به اصول خلقت و اصول علم است، این حروف علم کتاب است)

﴿۲﴾ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ کتابی که در آن شکی نیست از جانب پروردگار عالمیان نازل شده است

﴿۳﴾ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَيْنَاهُ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَاهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِّنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ می گویند: آیات را به خدا بسته است، این طور نیست، بلکه حق است از جانب پروردگار تو، تا قومی را هدایت کنی که پیش از تو هدایت کننده نداشته اند شاید هدایت یابند

﴿۴﴾ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ خداوند کسی است که آسمانها و زمین و آنچه را بین آنهاست در شش روز آفرید، بعد از آن بر عرش حاکمیت قرار گرفت، شما مردم به جز او ولی و شفیع ندارید، چرا حقیقت را درک نمی کنید؟ *

* استوای خدا بر عرش یعنی حاکمیت و پادشاهی او و این پادشاهی دلیل است که منظور از خلقت آسمانها در شش روز، تربیت جامعه بشریت در شش دوره است یعنی در شش دوره از هبوط آدم تا قیام قائم که انسانها در این شش دوره آماده ظهور امام و پذیرش حکومت الهی که همان زندگی آخرت است می شوند زیرا حاکمیت خدا بر طبیعت شرط و شرایط ندارد و علاوه حاکمیت بر طبیعت پادشاهی و عرش پادشاهی به وجود نمی آورد ولیکن حاکمیت خدا

بر انسان‌ها تکامل علمی و استعدادی لازم دارد که این تکامل به تدریج حاصل می‌شود. شرح مفصل این تحول و تکامل را در سوره فصلت بیان کرده است. در اینجا می‌فرماید: يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ. دوره تدبیر امر خدا یعنی تدبیر ظهور دین خدا در افکار مردم که دیگر برای تبیین دین خدا احتیاج به امام ندارند، امام می‌تواند غیبت اختیار کند و این تدبیر از هبوط آدم تا ظهور غیبت کبرای امام است که دیگر حجت خدا بر علما و مردم تمام شده و برای تبیین دین احتیاج به امام ندارند اگر دین خدا درست تبیین نشده بود غیبت جایز نبود.

﴿۵﴾ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ

سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ امور تربیتی و حکومتی را به وسیله مأمورین بر جامعه نازل می‌کند و بعد افکار مردم براساس آن تکامل پیدا می‌کند و در مدتی برابر هزار سال به سال شما، حاکمیت به خدا برمی‌گردد

﴿۶﴾ ذَلِكَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ این است خدای عالم به غیب

و شهود که غالب و مهربان است

﴿۷﴾ الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ خدایی که

هرچه آفرید نیکو آفرید، خلقت انسان را از گل شروع کرد

﴿۸﴾ ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِّنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ و از سلول‌های نطفه نسل او را

ادامه داد

﴿۹﴾ ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُّوحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَالْأَفْئِدَةَ

قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ تا به حد اعتدال رسانید و روح علم و حکمت در او دمید،

شنوایی و بینایی و دانایی دل به او داد، چقدر کم‌اند کسانی که حق خدا را منظور

می‌دارند

﴿١٠﴾ وَقَالُوا أَإِذَا ضَلَلْنَا فِي الْأَرْضِ أَأَيْنَا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ بَلْ هُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ

كَفِرُونَ تعجب می کنند که وقتی ما در زمین گم و گور شدیم چطور باز خلق تازه ای خواهیم شد ، آن ها کافر به لقاء الله شده اند

﴿١١﴾ قُلْ يَتَوَفَّنَا مَلَكٌ أَلْمُوتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ

بگو: آری، فرشته وکیل مرگ جان شما را می گیرد و بعد شما را به سوی خدا می کشاند

﴿١٢﴾ وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُوا رُءُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا

فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ اگر بینی آنجا که ستم کاران در حضور پروردگار خود سر به پایین انداخته اند عذرخواهی می کنند که پروردگارا! حق را شنیدیم و دانستیم، ما را به زندگی دنیا برگردان، عمل صالح به جا می آوریم، الآن یقین به حق داریم

﴿١٣﴾ وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدًىٰ وَلَكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ

مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ اگر بخواهیم به هر انسانی هدایت لازم را می دهیم ولیکن شرایط هدایت پیدا نشد و معلوم شد که باید جهنم از جن و انس پُر شود

﴿١٤﴾ فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا

كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ بچشید عذاب را که چنین روزی را فراموش کردید، ما هم شما را فراموش کردیم، بچشید عذاب که نتیجه اعمال شماست

﴿١٥﴾ إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ

رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ ﴿سجده واجب﴾ فقط کسانی ایمان به آیات ما می آورند

که وقتی آیات ما را می‌شنوند به سجده می‌افتند، خدا را منزه از شباهت به خلق می‌دانند، ذره‌ای ناز و تکبر ندارند

﴿۱۶﴾ تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ از خوابگاه خود حرکت می‌کنند و در حال ترس و طمع از خدا خواهش و تمنا دارند و از آنچه به آن‌ها داده‌ایم، دیگران را بهره‌مند می‌کنند

﴿۱۷﴾ فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ گاهی انسان پیش پا و جلو چشم خود را نمی‌بیند، نمی‌داند که این جهل عجیب نتیجه اهداف دنیایی اوست (هدف، حجاب ماوراء هدف است)

﴿۱۸﴾ أَفَمَن كَانَ مُؤْمِنًا كَمَن كَانَ فَاسِقًا لَّا يَسْتَوُونَ آیا کسی که مؤمن است در سعادت و موفقیت مانند کافر است؟ ، نه هرگز مساوی نیستند

﴿۱۹﴾ أَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَىٰ نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ اما اهل ایمان و عمل صالح در جنت‌المأوی جای می‌گیرند، در بهشت خلد برین وسایل پذیرایی از نتیجه اعمال برای آن‌ها فراهم است

﴿۲۰﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ كُلَّمَا أَرَادُوا أَن يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهِ تَكْذِبُونَ اما فاسق‌ها در آتش‌اند ، از هر راهی که نقشه می‌کشند تا خارج شوند دو مرتبه به آتش برمی‌گردند (جهل بر آن‌ها محیط است و آتش مولود جهل است)، به آن‌ها گفته می‌شود: بچشید که نتیجه تکذیب شماست *

* این‌همه عذاب‌ها از جنگ و قتل و کشتار و سلاح‌های آتشین عذاب دنیاست که مؤمن و

کافر به آن معذب می‌شوند و همین عذاب‌ها بیشتر مردم را به پناه خدا می‌برد و مخصوصاً مؤمن را که آماده ظهور امام می‌کند. هرکس از فشار این عذاب‌ها به پناه خدا برود توبه‌اش قبول است و اما عذاب اکبر عذاب آخرت است که با قیام امام شروع می‌شود. امام برای رسیدگی به حساب مردم قیام می‌کند، او فرج اهل ایمان و عذاب کفار است. بعد از قیام او توبه کسی قبول نیست. **يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا مَعْذِرَتُهُمْ**. در قیام آن حضرت که همه ائمه و انبیاء با او هستند. اول سران کفر و ایمان زنده می‌شوند که فرمودند: مؤمن محض و کافر محض و بعد از حاکمیت و محکومیت آن‌ها وابستگان آن‌ها زنده می‌شوند و بعد تمامی عذاب‌هایی که در دنیا به جان مردم انداخته‌اند از مظلومین به خودشان برمی‌گردد و دیگر قابل علاج نیست و مرگ و مرضی وجود ندارد. برای مؤمن، بهشت و برای کافر و منافق هم جهنم که همین آتش هسته‌ای است آماده می‌شود. حرارت این آتش در وجود مظلومین ثبت شده که در آخرت به اراده مظلوم به ظالم برمی‌گردد.

﴿۲۱﴾ **وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ** ما پیش از عذاب بزرگ آخرت، در همین دنیا آن‌ها را عذاب می‌کنیم شاید به پناه حق برگردند

﴿۲۲﴾ **وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ** چه کسی ظالم‌تر است از کسانی که به آیات خدا دعوت می‌شوند و بی‌اعتنایی می‌کنند، ما از مجرم انتقام خواهیم گرفت

﴿۲۳﴾ **وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَلَا تَكُن فِي مِرْيَةٍ مِّن لِّقَائِهِ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ** ما به موسی کتاب دادیم که روز لقاءالله را نادیده نگیرند و آن کتاب را پایه و مایه هدایت بنی‌اسرائیل قرار دادیم

﴿۲۴﴾ **وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ** از آن‌ها پیشوایانی ساختیم که صبر داشتند، مردم را به دین ما هدایت کردند و به

آیات ما یقین داشتند

﴿۲۵﴾ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ خداوند

روز قیامت مؤمن و کافر را در مسیر اختلافات از یکدیگر جدا خواهد نمود

﴿۲۶﴾ أَوَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسْكِنِهِمْ

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ أَفَلَا يَسْمَعُونَ چرا هلاکت گذشتگان تاریخ مایه هدایت

آنها نمی شود با اینکه در مکان آنها زندگی می کنند ، این حادثه ها آیات الهی

است ، چرا نمی شنوند

﴿۲۷﴾ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ

أَنْعَمُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ مگر نمی بینند که ما آب را به سرزمین های

خشک می کشانیم، با این آب این همه نباتات و زراعات برای آنها و حیوانات

آنها می رویانیم ، چرا لطف خدا را درک نمی کنند؟

﴿۲۸﴾ وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْفَتْحِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ می پرسند کی است آن فتح

بزرگ که قیامت به پا می کند اگر راست می گوید؟

﴿۲۹﴾ قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ بگو:

روز فتح بزرگ، ایمان کفار برایشان سودی ندارد، میدان و مهلت از آنها گرفته

می شود

﴿۳۰﴾ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَانْتَظِرْ إِنَّهُمْ مُنْتَظَرُونَ از آنها فاصله بگیر و منتظر

فتح بزرگ (قیام امام زمان ع) باش که همه بندگان منتظرند.

این سوره به مناسبت جنگ احزاب، احزاب نامیده شده زیرا در آن جنگ، تمامی احزاب کفر باهم متحد شدند و با رسول خدا(ص) جنگیدند، خداوند با ایجاد تندباد آنها را تار و مار کرد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا
ای رسول خدا! از خدا بپرهیز و از کفار و منافقین اطاعت نکن و بدان که خداوند دانا و حکیم است

﴿۲﴾ وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا
فقط در انتظار وحی خدا باش و از او اطاعت کن که خداوند به اعمالتان آگاه است

﴿۳﴾ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا
توکل به خدا داشته باش ، کافی است که خداوند وکیل تو باشد

﴿۴﴾ مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِّنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِۦ وَمَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمْ أَلْفًا تُظَاهِرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَٰلِكُمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ
خداوند در وجود انسان دو قلب و دو اراده قرار نداده است و هرگز همسران شما را باظهار جای مادر و پسرخوانده‌ها را جای پسر قرار نداده ، این عقیده‌ها حرف‌هایی است که به زبان خود می‌گویند ، حقیقت را خدا می‌گوید و او مردم را به راه راست هدایت می‌کند

﴿۵﴾ أَدْعُوهُمْ لِأَبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِن لَّمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَاِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَمَوَالِيكُمْ وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِۦ وَلَٰكِن مَّا تَعَمَّدَتْ

قُلُوبِكُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا هر کسی را به نام پدرش صدا بزنی، عادلانه تر است و اگر پدرشان را نمی‌شناسید به عنوان برادر و دوست خود، اشتباه مانعی ندارد، تعمد درست نیست، خداوند آمرزنده و مهربان است

﴿٦﴾ النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا ولایت رسول خدا بر مؤمنین بر ولایت خود بر خودشان مقدم است، زنان پیامبر مادر مؤمنین به حساب می‌آیند، در کتاب خدا خویشاوندان از مؤمنین و مهاجرین به یکدیگر نزدیک‌ترند مگر که بخواهید به کسی احسان کنید، این اولویت‌ها در کتاب خدا ثبت است

﴿٧﴾ وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا به یاد داشته باشید که از شما و پیامبران و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی ابن مریم، پیمانی محکم گرفتیم که طرفدار ولایت باشند *

* در این آیه خداوند امت اسلام و تمامی پیامبران را و امت‌ها را طرف خطاب قرار داده و از همه پیمان محکم گرفته و این پیمان محکم ولایت مولا علی(ع) است زیرا بدون حرکت در خط ولایت هیچ نعمتی از نعمت‌های خداوند نعمت به حساب نمی‌آید بلکه همه نعمت‌ها تبدیل به نعمت می‌شود، از اینکه انسان مانند دزد غاصبی می‌شود که وارد حرم خدا شده است.

﴿٨﴾ لَيْسَ سَلَّ الصَّادِقِينَ عَنْ صِدْقِهِمْ وَأَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا خدا این پیمان را از اهل صداقت و امانت مطالبه خواهد کرد و برای مخالفین با این پیمان، عذابی سخت مهیا خواهد نمود

﴿۹﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا ای اهل ایمان! نعمت بزرگ خدا را یادآوری کنید که لشکرهای مختلف متحد شدند و شما را محاصره نمودند، ما لشکر غیبی خود را به کمک شما فرستادیم، خدا به اعمال شما بیناست

﴿۱۰﴾ إِذْ جَاءُوكُم مِّن فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا آن احزاب شما را از بالا و پایین محاصره کردند، چشم‌ها از ترس و وحشت خیره و دل‌ها به گلوگاه رسیده بود، چقدر به خدا بدگمان شدید که کجاست نصرت خدا؟

﴿۱۱﴾ هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زُلْزَالًا شَدِيدًا آنجا که مؤمنین مبتلا به وحشت شدند و سخت متزلزل بودند

﴿۱۲﴾ وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا منافقین و کسانی که به مرض کفر و نفاق آلوده بودند می‌گفتند: خدا و رسول هم ما را گول زدند و وعده خلاف دادند

﴿۱۳﴾ وَإِذْ قَالَتْ طَّائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِّنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِن يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا طایفه‌ای هم صدا می‌زدند: که‌ای اهل مدینه! اینجا محلی ندارید که بمانید، بعضی بهانه می‌آوردند که خانه و زندگی ما بی‌صاحب است، اجازه خواستند که بروند، قصد فرار داشتند

﴿۱۴﴾ وَلَوْ دَخَلَتْ عَلَيْهِمْ مِّنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ سِيلُوا الْفِتْنَةَ لَاتَوَّهَا وَمَا تَلَبَّثُوا بِهَا إِلَّا

يَسِيرًا اگر فتنه‌ای می‌شد و تبلیغ می‌شدند که پیامبر را واگذارید، جذب فتنه‌ها می‌شدند و به‌جز عده کمی باقی نمی‌ماندند

﴿۱۵﴾ وَلَقَدْ كَانُوا عَاهِدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلِ لَا يُؤْلُونَ الْأَدْبَرَ وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا

قبلاً عهد بسته بودند که پشت به دشمن نکنند، با اینکه مسئول عهد الهی هستند

﴿۱۶﴾ قُلْ لَّنْ يَنْفَعَكُمُ الْفِرَارُ إِنِ فَرَرْتُمْ مِّنَ الْمَوْتِ أَوِ الْقَتْلِ وَإِذَا لَا تُمْتَعُونَ إِلَّا

قَلِيلًا بگو: فرار از مرگ و یا قتل سودی ندارد، ممکن است چند روزی زنده بمانید

﴿۱۷﴾ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُم مِّنَ اللَّهِ إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوءًا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً

وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا بگو: اگر خدا بخواهد لطف خود را به شما برساند یا بر شما غضب کند چه کسی می‌تواند تقدیر خدا را برگرداند، به‌جز خدا سرپرستی ندارد

﴿۱۸﴾ قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمُعَوِّقِينَ مِنْكُمْ وَالْقَائِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنَا وَلَا يَأْتُونَ

الْبَاسَ إِلَّا قَلِيلًا خداوند کسانی که حرکت به جبهه را به تأخیر می‌انداختند و به یاران خود می‌گفتند: به‌طرف ما بیاوید و خیلی کم در جبهه شرکت می‌کردند می‌شناسد

﴿۱۹﴾ أَشِحَّةً عَلَيْكُمْ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ

كَالَّذِي يُعْشَى عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَقُوكُمْ بِالسِّنَةِ حِدَادٍ أَشِحَّةً عَلَى الْخَيْرِ أُولَئِكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَلَهُمْ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا بخل شدید علیه شما داشتند، وقتی که خوف حمله می‌رسید چشمشان دور می‌زد، مثل

اینکه مرگ آن‌ها را فرامی‌گرفت ، وقتی خوف برطرف می‌شد از حرص مال طلبی تندوتیز پرخاش می‌کردند ، آن‌ها ایند که ایمان نیاورده‌اند، خداوند اعمال خیرشان را بی‌ثمر خواهد کرد ، این عمل بر خداوند آسان است

﴿۲۰﴾ يَحْسَبُونَ الْأَحْزَابَ لَمْ يَذْهَبُوا ^ط وَإِنْ يَأْتِ الْأَحْزَابُ يَوَدُّوا لَوْ أَنَّهُمْ بَادُونَ فِي الْأَعْرَابِ يَسْأَلُونَ عَنْ أَنْبَائِكُمْ ^ط وَلَوْ كَانُوا فِيكُمْ مَا قَتَلُوا إِلَّا قَلِيلًا خيال می‌کردند که هنوز احزاب در اطراف مدینه‌اند و اگر هم دشمن حمله کند دوست دارند در بیابان‌ها باشند و خبرهای جنگ را بشنوند و اگر هم در میان شما باشند، سست و ضعیف می‌جنگند

﴿۲۱﴾ لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ **أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ** لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ **وَالْيَوْمَ الْآخِرَ** وَذَكَرَ اللَّهَ **كَثِيرًا** برای کسانی که امید به خدا و آخرت دارند و زیاد به یاد خدایند، رسول خدا بهترین الگوی زندگی است

﴿۲۲﴾ وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ **وَرَسُولُهُ** وَصَدَقَ اللَّهُ **وَرَسُولُهُ** وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا اما اهل ایمان چنین نیستند، وقتی احزاب را دیدند، نترسیدند، گفتند: همین جریانات وعده‌هایی است که خدا و رسول داده‌اند، خدا و رسول راست گفته‌اند ، از این مناظر، ایمان و تسلیم آن‌ها زیادتر می‌شود

﴿۲۳﴾ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ **عَلَيْهِ** فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ **وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ** وَمَا بَدَّلُوا **تَبْدِيلًا** در میان مؤمنین افرادی هستند که حقیقتاً به عهد خدا و رسول وفا کردند ، بعضی جان دادند و بعضی در انتظار هستند و عهد خود را تغییر ندادند

﴿۲۴﴾ لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِنْ شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا

تا فردای قیامت، خداوند به راست گویان پاداش بدهد و منافقین را ان شاء الله عذاب نماید یا توبه آن‌ها را بپذیرد، خدا آمرزنده و مهربان است

﴿۲۵﴾ وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيمًا

خداوند کفار را با غیظ و غضب فرار داد و با آن همه تجهیزات خیری ندیدند، خداوند به وسیله مؤمنین مخصوصاً به وسیله قاتل عمرو بن عبدود جنگ را خاتمه داد، خداوند غالب و تواناست

﴿۲۶﴾ وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَيَاصِيهِمْ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا

یهودیانی را که کفار را یاری کردند، از شهر و دیارشان بیرون راند و ترس و وحشت به دلشان انداخت، فرقه‌ای را کشتید و فرقه‌ای را اسیر نمودید

﴿۲۷﴾ وَأَوْرَثَكُمْ أَرْضَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضًا لَمْ تَطَّوْهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا

آبادی‌ها و سرزمین آن‌ها را بدون جنگ در اختیار شما گذاشت، خداوند به هر کاری قادر است

﴿۲۸﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ إِنْ كُنْتُمْ تُرِيدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمْتِعْكَنَّ وَأُسرِّحْكَنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا

ای رسول من! به همسرانت بگو: هدف شما از این همسری چیست؟، اگر دنیا و جلوه دنیا را می‌خواهید، بیایید به شما پول بدهم و از قید همسری خود آزاد نمایم

﴿۲۹﴾ وَإِنْ كُنْتُمْ تُرِيدُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالْأُمَّةَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنِينَ

مِنْكُمْ أَجْرًا عَظِيمًا و اگر هم هدف شما رضایت خدا و رسول و زندگی آخرت است در خط اطاعت باشید ، خدا برای نیکوکاران شما اجری بزرگ مهیا کرده است

﴿۳۰﴾ يَنْسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُمْ بِفَحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ

وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ای همسران رسول خدا!، هر کدام از شما عمل بدی مرتکب شود و ثابت شود به دو برابر مجازات می شود و این مجازات بر خداوند آسان است

(جزء ۲۲) ﴿۳۱﴾ وَمَنْ يَقُنْ مِنْكُمْ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعَمَلْ صَالِحًا نُؤْتِهَا أَجْرَهَا

مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا و هر کسی از شما در برابر رسول خدا خاضع و خاشع و عملش صالح باشد، دو برابر اجر می برد و علاوه اجر کریمانه بهشتی در انتظار اوست

﴿۳۲﴾ يَنْسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُمْ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنْ أَتَيْتُمْ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ

فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا ای همسران رسول خدا! شما مانند دیگران نیستید، اگر تقوا پیشه کنید ، با کسی سبک حرف نزنید که قلب مریض را در خود به طمع بیندازید، رفتار و گفتار متعارف داشته باشید

﴿۳۳﴾ وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ

الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ملازم خانه داری و خانه نشینی خود باشید، مانند زنان جاهلیت به آرایش و نمایش نپردازید ، نماز بخوانید خود را تزکیه نمایید و در اطاعت خدا و

رسول باشید ، خدا می خواهد با این دستورات پلیدی ها را از شما اهل بیت دور سازد و به تمام معنی شما را پاک و مطهر نماید *

* طبق روایات بسیار و دلایل عقل و نقل مصداق کامل آیه تطهیر همان پنج تن مباحله و پنج تن حدیث کساء هستند. آن هایند که به تمام معنی از جهل و خرافات و گناه صغیره و کبیره منزّه هستند. آن ها چنان اند که خدا آن ها را خواسته و ساخته است. ذره ای از نظر قضاوت الهی قصور و تقصیر در افکار و اعمال آن ها راه ندارد. تنها انسان هایی که می توانند مصداق و مظهر آیه تطهیر باشند این چهارده نفر معصوم اند و غیر از آن ها در میان مؤمنین و مؤمنات و مسلمین و مسلمات از هبوط آدم تا قیام قائم کسی پیدا نمی شود که خالی از قصور و تقصیر باشد. مشاهده می کنید که گاهی خداوند متعال بر پیامبران گذشته هم رد و ایراد دارد. در داستان حدیث کساء که رسول خدا می خواهد مصداق کامل این آیه را معرفی کند و کسوت الهی به قامت آن ها بپوشد، ام السلمه از زنان خوب آن حضرت عرض می کند: یا رسول الله به من هم اجازه بده در این کسوت باشم حضرت فرمودند: أَنْتَ عَلَى خَيْرٍ وَلَكِنَّ هَؤُلَاءِ ثَقَلِي وَحَمْلِي یعنی تو، زن عاقبت به خیری هستی ولیکن این چهار نفر بارانداز نبوت و محل ثقل ولایت من هستند.

﴿۳۴﴾ **وَأَذْكُرَنَّ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا**

خَيْرًا خانه شما مدرسه شما باشد آیات و حکمت خدا را بین خود مذاکره کنید ، خداوند لطیف و آگاه است

﴿۳۵﴾ **إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَنَاتِ وَالْقَنَاتِ**

**وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ
وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّامِتِينَ وَالصَّامِتَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ
وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُم مَّغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا**

خداوند برای زن و مرد مسلمان، زن و مرد مؤمن، زن و مرد عابد و خاشع، زن و مرد

صادق و متصدق و زن و مرد روزهدار و زن و مرد صابر، زنان و مردان با عصمت و عفت و زنان و مردانی که دائم به یاد خداوند اجری عظیم و آمرزش مهیا کرده است

﴿۳۶﴾ وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا زن و مرد

مؤمن در برابر حکم خدا و رسول حق مخالفت و اختیار ندارند، تسلیم امر خدا باشند، کسی که از حکم خدا سرپیچی کند، خیلی از حق به دور افتاده است

﴿۳۷﴾ وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا به خاطرت باشد وقتی

به مردی که خدا و رسول به او نعمت آزادی داده بودند گفتی از خدا بپرهیز و همسرت را برای خود حفظ کن، سرتی را در دل خود پنهان می‌داری که خدا آشکار می‌کند، به اعتراض مردم اهمیت می‌دهی با اینکه باید خدا را مهم بدانی، بعد از آن که زید از همسر خود کام زناشویی گرفت ما مقدر کردیم که همسر تو باشد تا از این راه حرمت غیر قانونی ازدواج با زن پسرخواندگان را بعد از رابطه زناشویی برطرف سازیم که مردم زن پسرخوانده را مانند زن پسر خود ندانند، حکم خداوند واقع شدنی است *

* یکی از مسائل جنجال‌برانگیز که وسیله دست معاندین و دشمنان رسول خدا شده داستان ازدواج حضرت رسول با زن پسرخوانده خود بود. زید ابن حارثه ابتدا برده بوده و پیامبر او را خریده و آزاد نموده و بعد روی ایمان و صداقت او را به جای پسر خود قرار داده که مردم

گفته‌اند: زید ابن محمد. یک خانم از اقوام نزدیک حضرت به نام زینب علاقه شدید به حضرت داشت از او تقاضا دارد که افتخار همسری به او بدهد. حضرت که می‌بیند دختر جوانی است، بهتر این است که شوهر جوانی داشته باشد او را به عقد پسرخوانده خود زید درآورد و جزء افراد خانواده خود قرار دهد که به اصطلاح عروس پیامبر باشد. ولی زینب که مجبور شد اطاعت کند به خانه شوهر برود، ازدواج با زید را قبول کرد ولی علاقه به او پیدا نکرد و بنای ناسازگاری گذاشت و همان‌طور عشق حضرت در دلش شعله‌ور بود. بارها زید به حضرت شکایت داشت که زینب ناسازگار است، حضرت دستور می‌داد که صبر و مدارا داشته باشد. از آن طرف خداوند برای اجابت دعای زن مقدر کرد که همسر پیامبر باشد تا این سنت جاهلی شکسته شود و شاید اجرای این تقدیر برای حضرت هم مشکل بود که در معرض این همه تهمت‌ها در زمان و آینده واقع شود که بگویند: با عروس خود ازدواج نموده یا با زن شوهردار رابطه داشته و امثال سلمان رشدی‌ها چنین تهمت‌هایی را پرورش دهند. خداوند این ناراحتی را تذکر می‌دهد می‌فرماید: وَ تَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ یعنی به تهمت‌های مردم اهمیت می‌دهی خدا سزاوارتر به اهمیت است. شاید یکی از مصیبت‌های بزرگ حضرت همین ازدواج بود ولی باید تقدیر خدا را مهم بداند نه وضعیت اجتماعی خود را عاقبت زید زن خود را طلاق داد و حضرت با او ازدواج کرد و این سنت جاهلی را که پسرخوانده به جای پسر است باطل نمود.

﴿۳۸﴾ مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرْجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَّقْدُورًا

برای یک پیامبر نباید مشکلی در اجرای

فرائض الهی باشد، این سنت خدا در تاریخ گذشتگان است، سنت خداوند مقدر و اجرا شدنی است

﴿۳۹﴾ الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا

پیامبران رسالت الهی را اجرا می‌کنند و جز خدا به کسی اهمیت نمی‌دهند، خداوند برای حسابگری اعمال کفایت می‌کند

﴿۴۰﴾ مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَٰكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ

وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا
بدانید که محمد پدر کسی از مردان شما نیست، او رسول خدا و خاتم پیامبران است، خدا به هر کسی و هر چیزی داناست

﴿۴۱﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا

ای مردم! خیلی زیاد خدا را یادآوری کنید

﴿۴۲﴾ وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا
صبح و شام او را تسبیح و تقدیس نمایید

﴿۴۳﴾ هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا
خدا کسی است که به وسیله فرشتگان برکات علمی خود را نازل می کند تا شما را از ظلمت جهل به مکتب علم بکشاند، او به بندگان مؤمن خود مهربان است

﴿۴۴﴾ تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُو سَلَامٌ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا

وقتی که به ملاقات خدا رسیدید، هدیه ای که به شما تقدیم می شود، سلامتی مطلق و حیات کریمانه ابدی است

﴿۴۵﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا

ای رسول من! تو را به این منظور رسالت دادم که الگوی حق باشی، نیکان را مژده بدهی و بدکاران را بترسانی

﴿۴۶﴾ وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُّنِيرًا

دعوت کننده به سوی خدا و چراغ نورانی حق باشی

﴿۴۷﴾ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُم مِّنَ اللَّهِ فَضْلًا كَثِيرًا
به اهل ایمان بشارت بده

که لطف بی نهایت خدا به آنها خواهد رسید

﴿۴۸﴾ وَلَا تُطِيعِ الْكٰفِرِيْنَ وَالْمُنٰفِقِيْنَ وَدَعِ اٰذَنَهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلٰی اللّٰهِ وَكَفٰی بِاللّٰهِ وَكِیْلًا

از کفار و منافقین اطاعت نکن، آنها را به خود واگذار، به خدا توکل کن که خداوند بهترین وکیل است

﴿۴۹﴾ یٰۤاَیُّهَا الَّذِیْنَ ءَامَنُوْا اِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنٰتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ اَنْ

تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَیْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُوْنَهَا فَمَتَّعُوْهُنَّ وَسَرَحُوْهُنَّ سَرَاحًا

جَمِیْلًا ای اهل ایمان! وقتی که زن خود را پیش از تصرف طلاق دادید، عده‌ای از شما به عهده او نیست، آنها را بهره‌مند کنید و آبرومندانه آزاد نمایید

﴿۵۰﴾ یٰۤاَیُّهَا النَّبِیُّ اِنَّا اَحْلَلْنَا لَكَ اَزْوَاجَكَ الَّتِیْ ءَاتٰتِ اُجُوْرَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ

یَمِیْنُكَ مِمَّا اَفَآءَ اللّٰهُ عَلَیْكَ وَبَنٰتِ عَمِّكَ وَبَنٰتِ عَمَّتِكَ وَبَنٰتِ خَالِكَ وَبَنٰتِ

خَالَتِكَ الَّتِیْ هَاجَرْنَ مَعَكَ وَاَمْرَاةً مُّؤْمِنَةً اِنْ وَهَبْتَ نَفْسَهَا لِلنَّبِیِّ اِنْ اَرَادَ النَّبِیُّ اَنْ

یَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَّكَ مِنْ دُوْنِ الْمُؤْمِنِیْنَ قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَیْهِمْ فِیْ اَزْوَاجِهِمْ

وَمَا مَلَكَتْ اَیْمَانُهُمْ لِکَیْلًا یَكُوْنُ عَلَیْكَ حَرَجٌ وَّكَانَ اللّٰهُ غَفُوْرًا رَّحِیْمًا ای

رسول من! زنانی که طبق معاهده حق آنها را داده‌ای و کنیزی که از غنائم به دست

آورده‌ای، از دخترعموها و دخترعمه‌ها، دختردایی‌ها و دخترخاله‌ها که به‌سوی تو

هجرت کرده‌اند برای تو حلال است، یا زن مؤمنه‌ای که به اشتیاق خود را هبه نموده و

تو این هبه را قبول نموده‌ای، فقط برای تو حلال است نه برای مؤمنین، می‌دانیم چه

زنان و کنیزانی را برای آنها حلال نموده‌ایم مبادا در مضیقه باشی، خداوند آمرزنده و

مهربان است

﴿۵۱﴾ تُوْرٰجِیْ مِّنْ تَشَآءُ مِنْهُنَّ وَتُشَوِّیْ اِلَیْكَ مِّنْ تَشَآءُ وَمِنْ اُبْتَغِیْتَ مِمَّنْ عَزَلْتَ

فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ تَقَرَّ أَعْيُنُهُنَّ وَلَا يَحْزَنَّ وَيَرْضَيْنَ بِمَا آتَيْتَهُنَّ كُلُّهُنَّ
وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمًا هر یک از این همسران را
 که دوست داری امیدوار و یا به خود مربوط کن و اگر بخواهی با همسری که از او
 فاصله گرفته‌ای آشتی کنی، مانعی ندارد، این رفتار اخلاقی بهترین راهی است که
 آن‌ها را خشنود کنی، غم و غصه آن‌ها را برطرف نمایی و رضایت آن‌ها را جلب کنی،
 خداوند حلیم است و از نیت قلبی شما باخبر است

﴿۵۲﴾ لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ
 حُسْنُهُنَّ إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبًا بعد از این همسران
 زن دیگری برای تو حلال نیست و همچنین طلاق یکی از آن‌ها و ازدواج با زن دیگر
 جایز نیست گرچه خیلی زیبا باشد مگر کنیزان که حکم دیگری دارند، خداوند
 مراقب اعمال بندگان است

﴿۵۳﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَىٰ طَعَامٍ
 غَيْرَ نَظِيرِينَ إِنَّهُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَأَدْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا
 مُسْتَسْخِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَٰلِكُمْ كَانَ يُؤْذَى النَّبِيَّ فَيَسْتَحِيءُ مِنْكُمْ **وَاللَّهُ لَا**
يَسْتَحِيءُ مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَٰلِكُمْ أَطْهَرُ
 لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ **اللَّهِ** وَلَا أَنْ تَنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ
 مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَٰلِكُمْ كَانَ عِنْدَ **اللَّهِ** عَظِيمًا ای اهل ایمان! بدون اجازه حق
 ورود به خانه رسول خدا ندارید مگر که اجازه دهد و دعوت به طعامی کند که به آن
 طمع نداشته‌اید، اگر دعوت نمود اجابت نمایید و بعد از صرف غذا بدون توقف بروید،
 درست نیست که بعد از غذا کنار یکدیگر بنشینید حدیث و داستان نقل کنید، این

بی انضباطی مایه زحمت رسول خدا و صاحب خانه است که حیا می کنند عذر شما را بخواهند، اما خدا از حرف حق و تربیت شما حیا ندارد، اگر با همسر پیامبر سخنی داشتید از پشت پرده بگویید که بیشتر مایه طهارت قلب شما و آن‌ها می شود، نباید رسول خدا را آزار دهید و نباید بعد از او با زنانش ازدواج کنید، ازدواج با آن‌ها گناه بزرگی شناخته می شود

﴿۵۴﴾ **إِنْ تُبَدُّوا شَيْئًا أَوْ تُخْفَوُوهُ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا** اگر چیزی را مخفی یا آشکار کنید، بدانید که خداوند به هر کار و گفتاری آگاه است

﴿۵۵﴾ **لَا جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِيِءَابَائِهِنَّ وَلَا أَبْنَائِهِنَّ وَلَا إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَبْنَاءَ أَخَوَاتِهِنَّ وَلَا نِسَائِهِنَّ وَلَا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ وَأَتَّقِينَ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا** مانعی ندارد که زنان با پدران و فرزندان و برادران و اولاد برادر و خواهر و زنان هم کیش خود و بردگان خود بدون حجاب معاشرت داشته باشند، از اعمال و رفتار خلاف پرهیزید، خداوند گواه همه چیز است

﴿۵۶﴾ **إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا** خدا و فرشتگان به این پیامبر، رحمت و برکت افاضه می کنند، شما اهل ایمان هم به او دعا کنید، صلوات بفرستید، تسلیم او و مقام ولایت باشید

﴿۵۷﴾ **إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا** کسانی که خدا و رسول را اذیت می کنند بدانند که در دنیا و آخرت ملعون خدایند، خداوند عذابی ذلت آور برای آن‌ها مهیا کرده است

﴿۵۸﴾ **وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا كُتِبَ لَهُنَّ فَقَدْ أَحْتَمَلُوا بُهْتَانَنَا**

وَإِنَّمَا مُبِينًا و کسانی که بدون تقصیر و گناه، زن و مرد مؤمن را آزار می‌دهند بدانند که بار گناه بزرگی را به دوش گرفته‌اند

﴿۵۹﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلْبِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ای رسول من! به همسران و دختران خود و همسران و دختران مؤمنین بگو: پوشش خود را به مواضع زینت خود بکشانند، مبادا به زیبایی شناخته شده در معرض آزار ارادل واقع شوند، خداوند با رعایت این احکام به آنها عقل و شعور می‌دهد و لطف خود را به آنها می‌رساند

﴿۶۰﴾ لَئِن لَّمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا به ارادل و اراجیف بگو که: اگر از رذالت خود دست نکشند تو را مأمور تنبیه و سرکوبی آنها خواهم نمود که دیگر نتوانند در جوار تو زندگی کنند

﴿۶۱﴾ مَلْعُونِينَ ۗ أَيْنَمَا تُقِفُوا أَخِذُوا وَقْتِكُمْ لِقَائِهِمْ وَأَقْتِلُوا ۗ تَقْتِيلًا تا منفور جامعه اسلامی باشند و هر جا شناخته شوند، کشته شوند

﴿۶۲﴾ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ ۗ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا این سنت خدا در تاریخ دین است و سنت خدا قابل تغییر نیست

﴿۶۳﴾ يَسْأَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ ۗ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ ۗ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا از ساعت قیامت سؤال می‌کنند، بگو: زمان آن را خدا می‌داند، شما چه می‌دانید شاید که قیامت نزدیک باشد *

* یکی از مسائلی که نظر خدا و اولیاء خدا و نظر مردم در آن اختلاف تباینی دارد علم به روز قیامت است که چه زمانی واقع می‌شود، دور است یا نزدیک. آنچه مسلم است این است که دنیا و آخرت نام دو نوع زندگی در روی کره زمین است. کره زمین و منابع آن مال همین آدم‌هایی است که در روی این کره متولد شده‌اند و مرده‌اند دومرتبه در روی همین کره زمین زنده می‌شوند و زندگی آنها تا ابد ادامه دارد. اهل عالم از ابتدای تاریخ تا انتها به دو شجره تقسیم می‌شوند: پاکان و نیکان به نام شجره طیبه و بدان و ناپاکان به نام شجره خبیثه و نیکان در مسیر ایمان و تقوا فعالیت دارند و در سال و ماه رشد کمی و کیفی دارند. آخرین ثمره علم و عمل آنها آمادگی برای ظهور حکومت الهی به وسیله ائمه اطهار(ع) است و آخرین ثمره علم و عمل کفار هم پیدایش آتش‌های هسته‌ای و نابودی زندگی بشر در کره زمین است زیرا کفار در این انتها که آتش جهنم خود را آماده کردند و زندگی دنیا را در معرض نابودی قرار دادند چاره‌ای ندارند جز اینکه یا مسلمان شوند و از خدا بخواهند فرج آنها را برساند و یا اینکه متوسل به جنگ هسته‌ای شوند و جهنم خودشان را روشن سازند که البته شق دوم را اختیار می‌کنند و زندگی دنیا را به نابودی می‌کشانند و در این صورت چاره‌ای به جز ظهور امام(ع) نیست. او در حالی زندگی را تحویل می‌گیرد که در این جنگ هسته‌ای یک‌سوم کشته شده‌اند و یک‌سوم مرده‌اند بقیه لت‌وپار شده‌اند. در این حال قیام امام زمان(ع) که قیامت است واقع می‌شود. بحث ما این بود چگونه این قیامت را خدا نزدیک می‌داند و ما انسان‌ها دور می‌دانیم. دلیل تفاوت بین علم انسان و علم خدا همین است که خداوند علل و عوامل طبیعی را می‌داند و ما نمی‌دانیم. نظر به اینکه زندگی مردم از هبوط آدم تا امروز طول کشیده و قیامت واقع نشده ما آن را هزاران سال دور می‌دانیم، دیگر فکر نمی‌کنیم که باید عمر خود را به حساب آوریم نه گذشته‌ها و آینده‌ها را. گذشته‌ها و آینده‌ها بی‌نهایت است و ما خبر نداریم. آنچه بر ما گذشته همین مدت عمر است و وقتی که در قیامت زنده شویم می‌دانیم که فاصله ما تا قیامت همین مدت عمر بوده. همه کس آن روز می‌گویند: دیشب خوابیدیم و صبح بیدار شدیم. آیات آخر سوره نازعات می‌گوید: وقتی که در قیامت زنده شدند چنین به نظرشان می‌آید که شبی یا روزی بر آنها گذشته است. داستان اصحاب کهف و مرگ عزیز پیامبر برهان همین حقیقت است. پس فاصله هر کسی تا قیامت همین مدت عمر است نه اینکه خیال می‌کنیم میلیون‌ها

سال تا قیامت فاصله است.

﴿۶۴﴾ **إِنَّ اللَّهَ** لَعَنَ الْكٰفِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا
 خداوند کفار را لعنت نموده و
 فوران جهنم را برای آن‌ها مهیا نموده است

﴿۶۵﴾ **خٰلِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا**
 در آن عذاب تا ابد هستند،
 یآوری و دوستی نخواهند داشت

﴿۶۶﴾ **يَوْمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يٰلَيْتَنَّا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ**
 روزی که در حرارت جهنم این‌طرف و آن‌طرف بغل‌تند و آرزو کنند که‌ای کاش از
 خدا و رسول اطاعت می‌کردیم

﴿۶۷﴾ **وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبْرَاءَنَا فَأَضَلُّنَا السَّبِيلَ**
 داد می‌زنند:
 وای بر ما! از رؤسای خود اطاعت نمودیم، آن‌ها ما را به ضلالت و جهنم کشانیدند

﴿۶۸﴾ **رَبَّنَا ءَاتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنَهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا**
 خدایا! آن رؤسا را
 به دو برابر عذاب کن و با لعنی به حجم بشریت آن‌ها را لعنت کن

﴿۶۹﴾ **يٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ ءَادَوْا مُوسَىٰ فَبَرَّأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا**
وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا ای اهل ایمان! شما مانند بنی‌اسرائیل نباشید که پیامبرشان
 را تهمت زدند و اذیت کردند، خدا او را تبرئه نمود، او در نزد خدا از هر عیبی مبرا و
 آبرومند بود

﴿۷۰﴾ **يٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا**
 ای اهل ایمان! تقوا
 داشته باشید و حکیمانه سخن بگویید!

﴿۷۱﴾ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ
فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا

تا خداوند به برکت تقوا اعمال شما را اصلاح کند و عیوب و نواقص شما را برطرف نماید ، کسی که از خدا و رسول اطاعت کند، به سعادت عظیم نائل می شود

﴿۷۲﴾ إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا

ما بار امانت و امامت دین را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه نمودیم که قبول کنند، آنها از عظمت آن ترسیدند و از حمل آن ابا کردند ، اما انسان آن بار را سبک شناخت و به دوش گرفت که بسیار ظالم و جاهل بود

﴿۷۳﴾ لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ وَيَتُوبَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

خداوند این ادعای جاهلانه را مقدر کرد تا مردان و زنان مشرک و منافق را در مسیر حرکت جاهلانه خود عذاب کند و توبه مرد و زن مؤمن را بپذیرد که خدا آمرزنده مهربان است.

آیاتها ۵۴

سُورَةُ سَبَاٍ

المکي

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ

ستایش با کلمه حمد مخصوص خداوند است که هر چه هست در آسمان و زمین از آن اوست و در آخرت هم ستایش حمد خاص اوست ، او حکیم و آگاه است

﴿۲﴾ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ
 آن چه وارد زمین ها و یا دل ها شده یا خارج می شود می داند، باران و یا علمی که از آسمان نازل شده و به وسیله آن گیاه زمین و افکار مردم رشد می کند، او مهربان و آمرزنده است

﴿۳﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ عِلْمُ الْغَيْبِ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ
 کفار می گویند: ساعت قیامت کجا بوده؟ ، بگو: آری به خدا قسم که او عالم به غیب است، خواهد آمد ، برابر وزن ذره ای در آسمان ها و در زمین یا کوچک تر و بزرگ تر از آن، از علم خدا خارج نیست ، همه در کتاب الهی ثبت است

﴿۴﴾ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ
 تا در برابر کوچک و بزرگ از اعمال صالح را پاداش دهد ، آنها مستحق مغفرت و روزی کریمانه هستند

﴿۵﴾ وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي ءَايَاتِنَا مُعْجِرِينَ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مِّن رَّجْزِ أَلِيمٍ
 و آنها که می خواهند با سعی و کوشش خود حرکات دینی را متوقف کنند، عذابی بزرگ مقدر دارند

﴿۶﴾ وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَيَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ
 اهل ایمان، حقانیت دین تو را مشاهده می کنند که مردم را به راه خدای عزتمند و پسندیده هدایت می کند

﴿۷﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ يُنْبِئُكُمْ إِذَا مُرِّقْتُمْ كُلَّ مُمَرِّقٍ

إِنَّكُمْ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ کفار به یکدیگر می گویند: بیا بید شما را پیش مردی

ببریم که می گوید: وقتی مُردید و به تمام معنی خاک شدید دو مرتبه زنده می شوید

﴿۸﴾ أَفَتَرَىٰ عَلَىٰ اللَّهِ كَذِبًا أَمْ بِهِ جِنَّةٌ بَلِ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ فِي الْعَذَابِ

وَالضَّلَالِ الْبَعِيدِ نمی دانیم دروغ می گوید یا اینکه دیوانه شده است ، کسانی

که عقیده به آخرت ندارند در جهالتی عمیق و عذابی شدید وارد می شوند

﴿۹﴾ أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِن نَّشَأُ نَحْسِفُ

بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ نُسْقِطُ عَلَيْهِمْ كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّكُلِّ عَبْدٍ مُّنِيبٍ

چرا به اطراف و زمین و آسمان فکر نمی کنند تا عظمت خداوند و حکمت خلقت

را درک کنند؟ ، اگر بخواهیم به زمین امر می کنیم شما را ببلعد یا سنگ آسمانی

بر سر شما سقوط کند ، همه این حوادث برای بندگان توبه کار آیت الهی است

﴿۱۰﴾ ﴿وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلًا ۖ يَجِبَالٌ ءَٰوِيٍّ مَّعَهُ ۖ وَالطَّيْرُ ۖ وَآلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ

مَا بِهِ دَاوُدَ فَضِيلَتٍ دَادِيمٍ مَّعَادِنَ كَوْهَاهَا وَقَدْرَتِهَا زَمَانَ وَپَرندگان را مسخر او

نمودیم ، معدن مس و آهن را برای او ذوب نمودیم و قطعات آهن را ملایم نمودیم

﴿۱۱﴾ ﴿أَنِ اعْمَلْ سَبِغَاتٍ وَقَدِّرْ فِي السَّرْدِ ۖ وَاعْمَلُوا صَالِحًا ۖ إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

تا آنچه بخواهد از آهن و مس صنایع مفید و مناسب در اندازه های معین بسازد ،

ای آل داوود! عملتان صالح باشد که من به اعمالتان آگاهم

﴿۱۲﴾ ﴿وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غُدُوُّهَا شَهْرٌ وَرَوَاحُهَا شَهْرٌ ۖ وَأَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ ۖ وَمِنَ

الْجِنِّ مَن يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ ۖ وَمَن يَزِغُ مِنْهُمْ عَن أَمْرِنَا نَذِقُهُ مِنَ عَذَابِ

السَّعِيرِ باد و طوفان را به اختیار سلیمان در آوردیم تا او را با بساطش به هر شهری که بخواهد ببرد، طرف صبح برابر یک ماه و طرف عصر برابر یک ماه او را سیر می‌داد و معدن مس را برای او سیلان دادیم تا صنایع مسی بزرگ بسازد، جنیان را مسخر او نمودیم که برای او کار می‌کردند، آن‌چنان در اطاعت که هر کس نافرمانی کند، به شدت تنبیه می‌شود

﴿۱۳﴾ **يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحْرِبٍ وَتَمَثِيلٍ وَجِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَاسِيَتٍ أَعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّاكِرِينَ** از فلزات ذوب شده، مجسمه‌ها، محراب‌ها و دیگ‌های غیر قابل حمل مانند حوض می‌ساختند (هزاران جن و انس که همه عائله سلیمان بودند اطعام می‌شدند)، پس آل داوود در برابر این امکانات شکر خدا را به جا آورند، گرچه بندگان شاکر خیلی کم‌اند

﴿۱۴﴾ **فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَىٰ مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنسَأَتَهُ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنُّ أَن لَّو كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ** مرگ سلیمان در حالی که به عصا تکیه داشت و ارتش را سان می‌دید مقدر شد، ارتش در آماده‌باش و جنیان هم سخت در عذاب بودند، حشرات که عصای او را جویدند روی زمین افتاد و ارتش را به مرگ او هدایت کرد و جنیان فهمیدند که اگر علم غیب داشتند آن قدر در عذاب آماده‌باش گرفتار نمی‌شدند

﴿۱۵﴾ **لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَن يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِن رِّزْقِ رَبِّكُمْ وَأَشْكُرُوا لَهُ بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبُّ غَفُورٌ** از جمله آیات الهی در شهر سبأ دو رشته باغ در دو طرف نهر آب بود، باغ‌هایی پُربرکت که مردم از روزی‌های طیب و طاهر آن استفاده می‌کردند، شهری زیبا و خدای مهربان، لازم بود شکر خدا

را به جا آورند

﴿۱۶﴾ فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِي أُكُلٍ خَمْطٍ وَأَثَلٍ وَشَيْءٍ مِّن سِدْرٍ قَلِيلٍ
اما کفران نعمت کردند و از خدا اعراض نمودند، خدا سیلی مهیب به سد آنها مسلط کرد، آب سد هدر شد و بوستانشان تبدیل به بیابان و جای درختان میوه، شوره گز و درخت سدر روید

﴿۱۷﴾ ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِمَا كَفَرُوا وَهَلْ نُجَازِي إِلَّا الْكَافِرَ
این بلا سزای کفران نعمت بود، مگر ما به جز کسی را که کفران نعمت می کند، مجازات می کنیم؟

﴿۱۸﴾ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَرَكْنَا فِيهَا قُرَى ظَهْرًا وَقَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ
سِيرُوا فِيهَا لِيَالِي وَأَيَّامًا آمِنِينَ
وضعیت شهر بزرگ آنها آن چنان بود که بین آنها و شهر بزرگ پُربرت روستاهای آبادی در دو طرف نهر قرار داشت و مقدر شد که از روستاهای در امن و امان حرکت کنند خود را به شهر بزرگ برسانند و در امن و امان باشند

﴿۱۹﴾ فَقَالُوا رَبَّنَا بَعْدَ بَيْنِ أَسْفَارِنَا وَظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ وَمَزَّقْنَاهُمْ كُلَّ مُمَرَّقٍ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ
ولیکن وضعیت فکری عملی آنها چنان بود که می گفتند: خدایا! ما را از یکدیگر دور و به هرج و مرج مبتلا کن، ما نیز به مجازات کفر و گناه آنها را به تمام معنی متلاشی ساختیم، هر گروهی به جایی رفتند که گفته اند: (تَفَرَّقُوا أَيَادِي سَبَاءٍ)، این شدت نقت بعد از نعمت برای مردم صابر و شاکر، آیت بزرگی بود

﴿۲۰﴾ وَلَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ
ابلیس

شیطنت خود را در زندگی آن‌ها به ثمر رسانید، به جز عده‌ای مؤمن همه از او پیروی کردند

﴿۲۱﴾ وَمَا كَانَ لَهُمْ عَلَيْهِمْ مِّنْ سُلْطٰنٍ اِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يُؤْمِنُ بِالْآخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍّ وَرَبُّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ
شیطان چنان قدرتی ندارد که میدان را از دست ما بگیرد ولیکن ما به او مهلت دادیم تا معلوم شود چه کسانی ایمان به آخرت دارند و چه کسانی شک دارند و از او پیروی می‌کنند، خداوند خود محافظ همه چیز است

﴿۲۲﴾ قُلِ ادْعُوا الَّذِيْنَ رَعَمْتُمْ مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ لَا يَمْلِكُوْنَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمٰوٰتِ وَلَا فِي الْاَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيْهِمَا مِنْ شَرِكٍ وَمَا لَهُمْ مِنْهُمْ مِّنْ ظٰهِرٍ
پیشوایان که آن‌ها را شریک خدا دانسته‌اید، اگر چیزی بخواهید می‌دانید برابر ذره‌المثقالی در آسمان‌ها و زمین مالکیت یا شرکت با خدا ندارند، کمک خدا هم نبوده‌اند

﴿۲۳﴾ وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَعَةُ عِنْدَهُ اِلَّا لِمَنْ اٰذِنَ لَهُ حَتّٰى اِذَا فُرِعَ عَن قُلُوْبِهِمْ قَالُوْا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ قَالُوْا الْحَقُّ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيْرُ
شفاعت کسی هم جز به اذن خدا قبول نیست، وقتی که فزع و اضطراب قیامت از دلشان خارج شود از شفاعت می‌پرسند که خداوند چه گفت؟، جواب می‌دهند که خداوند به جز حق چیزی نمی‌گوید، او برتر و بزرگ است (یعنی لازم است استحقاق داشته باشید تا شفاعت کنند)

﴿۲۴﴾ قُلْ مَنْ يَّرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ قُلِ اللّٰهُ وَاِنَّا اَوْ اِيَّاكُمْ لَعٰلَىٰ هُدًى اَوْ فِي ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ
از آن‌ها بپرس! چه کسی از آسمان و زمین روزی‌های

مادی و معنوی به شما می‌رساند؟، بگو: فقط خداوند می‌رساند ، لابد یک طرف از ما و یا شما برحقیم و یا گمراهیم (بحث کنیم ببینیم چه می‌شود)

﴿۲۵﴾ قُلْ لَا تُسْأَلُونَ عَمَّا أَجْرَمْنَا وَلَا نُسْأَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ بگو: شما مسئول جرم و گناه ما و ما مسئول جرم و گناه شما نیستیم

﴿۲۶﴾ قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَهُوَ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ خداوند روز قیامت همه را یک جا جمع می‌کند و بعد اهل حق و باطل را از یکدیگر جدا می‌سازد، او دانا و گشایشگر است

﴿۲۷﴾ قُلْ أَرُونِي الَّذِينَ أَلْحَقْتُمْ بِهِ شُرَكَاءَ كَلَّا بَلْ هُوَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ بگو: این پیشوایان که شما آن‌ها را شریک خدا دانسته‌اید نشان دهید کجایند ، همه کارها به دست خدای غالب و داناست

﴿۲۸﴾ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ تو را برای رهبری تمامی انسان‌ها رسالت دادیم تا نیکان را بشارت دهی و بدان را از عاقبت گناه بترسانی ولی اکثریت مردم نمی‌دانند

﴿۲۹﴾ وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ و باز ایراد می‌گیرند که اگر راست می‌گویید وعده قیامت کی است؟

﴿۳۰﴾ قُلْ لَكُمْ مِيعَادُ يَوْمٍ لَا تَسْتَخِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ بگو: هر کدام از شما روز معینی دارید که آنی تقدیم و تأخیر ندارد

﴿۳۱﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُؤْمِنَ بِهَذَا الْقُرْآنِ وَلَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَوْ تَرَى

إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ الْقَوْلَ يَقُولُ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ كفار می گویند: ما هرگز به این قرآن و کسی را که به رهبری انتخاب می کند ایمان نمی آوریم ، تو اگر وضع و حال آن ها را بینی روزی که در برابر سلطان آخرت ایستاده اند با یکدیگر پیچ می کنند و هر کدام دیگری را محکوم می کند ، ضعفا به رؤسای خود می گویند: اگر شما نبودید ما ایمان می آوردیم

﴿۳۲﴾ قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا أَنَحْنُ صَدَدْنَاكُمْ عَنِ الْهُدَىٰ بَعْدَ إِذْ جَاءَكُمْ بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ و رؤسای متکبر به آن ها می گویند: کی بود که ما بعد از ظهور دین خدا، شما را از آن باز داشتیم؟ ، بلکه خودتان متجاوز بودید

﴿۳۳﴾ وَقَالَ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَا أَنْ نَكْفُرَ بِاللَّهِ وَنَجْعَلَ لَهُؤُنْدَادًا وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَجَعَلْنَا الْأَغْلَالَ فِي أَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ جواب می دهند که: شبانه روز نقشه کشیدید و ما را امر کردید که کافر به خدا شویم و شما را شریک خداوند قرار دهیم ، وقتی که با عذاب روبه رو می شوند پشیمان اند، ما این طور اهداف دنیایی آن ها را مانند غل و زنجیر محکومیت به گردنشان می اندازیم ، مگر جز با نتایج عمل بد مجازاتی دارند

﴿۳۴﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ ما به هیچ شهر و روستایی پیامبر نفرستادیم جز اینکه دنیاپرستان گفتند: ما کافر به رسالت شما هستیم

﴿۳۵﴾ وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ ما این همه مال و

اولاد داریم، کجا ممکن است که معذب شویم

﴿۳۶﴾ قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا

يَعْلَمُونَ بگو: مال و اولاد به دست پروردگار است، به هر کسی بخواهد وسعت

می دهد و یا تنگ می گیرد، گرچه بسیاری از مردم نمی دانند

﴿۳۷﴾ وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرِّبُكُمْ عِندَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَن ءَامَنَ

وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الضَّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرَفَاتِ ءَامِنُونَ

و این مال و اولاد شما را نزد خدا آبرومند نمی کند مگر کسی که اهل ایمان و عمل

صالح باشد، آن‌ها چندین برابر اعمال نیکشان پاداش می گیرند و آن‌ها در

غرفه‌های بهشت امن و امان زندگی می کنند

﴿۳۸﴾ وَالَّذِينَ يَسْعَوْنَ فِي ءَايَاتِنَا مُعْجِزِينَ أُولَٰئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ و

آن‌ها که می کوشند دین ما و پیامبران را در کارشان متوقف کنند، به عذاب جهنم

احضار می شوند

﴿۳۹﴾ قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ

شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ بگو: پروردگار من است که روزی را به

هر کسی بخواهد وسعت می دهد و یا تنگ می گیرد، آنچه در راه خدا انفاق کنید،

خداوند جای آن را پُر می کند، او بهترین روزی دهندگان است

﴿۴۰﴾ وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أَهَؤُلَاءِ إِيَّاكُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ

روزی که همه را در محشر جمع کنیم به فرشتگان می گوئیم: مشرکین شما را

می پرستیدند؟

﴿۴۱﴾ قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَلِيُّنَا مِنْ دُونِهِمْ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَكْثَرُهُمْ بِهِمْ

مُؤْمِنُونَ آن‌ها می‌گویند: پروردگارا! تو منزهی، ولی ما هستی، آن‌ها جنیان

خیالاتی را می‌پرستیدند و ایمان به آن‌ها داشتند

﴿۴۲﴾ فَالْيَوْمَ لَا يَمْلِكُ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَنَقُولُ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا

عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ آن روز که روز قیامت است، شما عابد

و معبودها نفع و ضرری به حال یکدیگر ندارید، به پیشوایان ستمگر آن‌ها

می‌گوییم که: بچشید عذابی را که تکذیب می‌کردید

﴿۴۳﴾ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَنْ يَصُدَّكُمْ

عَمَّا كَانُوا يَعْبُدُ آبَائَكُمْ وَقَالُوا مَا هَذَا إِلَّا إِنْكَارٌ مُفْتَرٍ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ

لَمَّا جَاءَهُمْ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ وقتی که آیات روشن و روشنگر ما برای

آن‌ها تلاوت می‌شد می‌گفتند: این آقا می‌خواهد شما را از دین اجدادتان بازدارد،

دروغ‌هایی به خدا می‌بندد، همه‌جا وقتی که در برابر دعوت حق قرار می‌گیرند،

می‌گویند: همه این‌ها سحر است

﴿۴۴﴾ وَمَا آتَيْنَاهُمْ مِنْ كُتُبٍ يَدْرُسُونَهَا وَمَا أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ قَبْلَكَ مِنْ نَذِيرٍ به

آن‌ها کتابی نداده‌ایم که بخوانند و پیش از تو پیامبری برای آن‌ها نفرستاده‌ایم

﴿۴۵﴾ وَكَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَمَا بَلَّغُوا مِعْشَارَ مَا آتَيْنَاهُمْ فَكَذَّبُوا رُسُلِي فَكَيْفَ

كَانَ نَكِيرٍ گذشتگان هم دین خدا و پیامبران را تکذیب نمودند و یک‌دهم

آنچه آن‌ها داشتند امت تو ندارند، دیدی عذاب ما برای کسانی که دین را

تکذیب نمودند چگونه و چطور بود

﴿٤٦﴾ قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُ بِوَحْدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَى وَفِرَادَى ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ بگو: من فقط شما را به یک کلمه نصیحت می‌کنم و آن اینکه هر کدام تنها و یا اجتماعی برای خدا قیام کنید و درست فکر کنید که پیامبر شما دیوانه نیست، او فقط شما را از عذاب شدید آینده آخرت می‌ترساند

﴿٤٧﴾ قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ من اجر و مزدی که از شما خواستم برای شما و به نفع شماست ، اجر من فقط با خداوند متعال است ، خداوند شاهد و ناظر تمامی اعمال است

﴿٤٨﴾ قُلْ إِنْ رَبِّي يَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَ الْغُيُوبِ پروردگار من که عالم به غیب و شهود است با اظهار دین حق، باطل را نابود می‌کند

﴿٤٩﴾ قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُبَدِيهِ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ بگو: دین خدا ظاهر شد، در مقابل حق و اهل حق، اهل باطل چه کاری انجام می‌دهد و چه ابتدا و انتهای دارد

﴿٥٠﴾ قُلْ إِنْ ضَلَلْتُ فَإِنَّمَا أَضِلُّ عَلَى نَفْسِي وَإِنِ اهْتَدَيْتُ فَبِمَا يُوحَىٰ إِلَيَّ رَبِّي إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ بگو: من اگر گمراه شوم به ضرر خود گمراه می‌شوم و اگر هدایت شوم با وحی پروردگار است ، او شنوا و نزدیک است

﴿٥١﴾ وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَرَغُوا فَلَا قُوَّةَ وَأُخِذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ اگر وضعیت قیامت آن‌ها را ببینی که به جزع و فزع افتاده‌اند، از دایره قدرت خود خارج شده و از نزدیک‌ترین راه که قدرت خدا و ولی خدا با آنهاست، دستگیر می‌شوند

﴿٥٢﴾ وَقَالُوا ءَامَنَّا بِهِءِ وَأَنْتَ لَهُمُ التَّنَاوُسُ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ پس از دستگیری داد

می‌زنند: ایمان آوردیم، ایمان آوردیم، کجا ممکن است از برهوت کفر به خدا نزدیک شوند

﴿۵۳﴾ وَقَدْ كَفَرُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ وَيَقْدِفُونَ بِالْغَيْبِ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ پیش‌ازاین در دنیا به پیامبران کافر شدند ، از این فاصله دور که با حق دارند به اهل حق نسبت ناروا می‌دهند

﴿۵۴﴾ وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِّنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُّرِيبٍ فاصله آن‌ها از یک زندگی گوارا بسیار است، همان‌طور که اشباه و امثال آن‌ها از زندگی گوارا فاصله گرفتند ، زیرا در دین خدا و وعده‌های خدا شک و شبهه داشتند.

آیاتها ۴۵

سُورَةُ فَاطِرٍ

المکِّي

این سوره شریفه به فاطر نام‌گذاری شده. فاطر به معنای خاصیت دادن به ذوات است مانند ماده که فاقد حیات و حرکت است و خدا به آن حیات و حرکت می‌دهد. از این خواص ذاتی تعبیر به فطر و فطور می‌کنند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَةٍ مَّثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبْعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ستایش و حمد، مخصوص خداوند است که به مواد عالم خاصیت و صورت آسمانی و زمینی داد، فرشتگان را در وضع رسالت آفرید، مجهز به نیروهای متفاوت دنیوی و سه نیرویی و چهار نیرویی نمود و آنچه بخواهد نیروی خلاق را کم‌وزیاد می‌کند، خداوند

به هر کاری تواناست

﴿۲﴾ مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ
 اگر خدا در رحمت خود را باز کند، کسی نمی‌تواند آن را ببندد و اگر ببندد، کسی نمی‌تواند باز کند، او غالب و حکیم است

﴿۳﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ أذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَلْقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ
 ای مردم! نعمت‌هایی که خدا به شما داده بین خود مذاکره کنید، آیا جز خدا کسی هست که شما را از آسمان و زمین روزی بدهد؟، خدایی به جز او نیست تا کجا منحرف می‌شوید؟

﴿۴﴾ وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ رَسُولٌ مِّنْ قَبْلِكَ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ
 اگر تو را تکذیب می‌کنند، پیامبران پیش از تو را هم تکذیب کردند، مرجع همه حادثه‌ها و کارها خداوند متعال است

﴿۵﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ الْغُرُورُ
 ای مردم! وعده خدا حق است، زندگی دنیا شمارا گول نزند و فتنه گران انسانی، شمارا نفریبند

﴿۶﴾ إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنَ أَصْحَابِ السَّعِيرِ
 شیطان را که هوای نفس و رفیق بد است دشمن خود بشناسید، او حزب خود را به راهی می‌برد که عاقبت جهنم است

﴿۷﴾ الَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ
 کفار بدانند که عذاب سختی در پی دارند، ولیکن اهل ایمان

و عمل صالح به عقل و دانش می‌رسند و اجر بزرگی دارند

﴿۸﴾ أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوؤُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ فَلَا تَذْهَبُ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَتٍ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ

کسی که اعمال بدش به نظرش جلوه می‌کند، چطور آدمی است؟ ، خدا هر کسی را که بخواهد هدایت می‌کند ، غم آن‌ها را نداشته باش ، خدا می‌داند که خودشان را چطور تربیت نموده‌اند

﴿۹﴾ وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَثِيرُ سَحَابًا فَسُقْنَهُ إِلَىٰ بَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ

خداوند، کسی است که به وسیله بادهای ابرها را می‌پراکند و آن‌ها را به سرزمین‌های خشک می‌برد و زمین مرده را زنده می‌کند ، حیات اموات هم به همین کیفیت است

﴿۱۰﴾ مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُولَٰئِكَ هُوَ يُبْورُ

کسی که عزت و عظمت می‌خواهد، بداند که عزت به دست خداست ، خدا مشتری گفتار نیک است که عمل صالح آن را ارزش می‌دهد ، کسانی که همه جا نقشه بد می‌کشند، عاقبت بدی دارند ، نقشه بد، آن‌ها را به هلاکت می‌کشاند

﴿۱۱﴾ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أَنْثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَمَا يُعَمَّرُ مِنْ مُعَمَّرٍ وَلَا يُنْقِصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ

إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ

خدا شما را از خاک و بعد، از نطفه آفرید و آن را جفت زن و مرد قرارداد، هیچ زنی حامله نمی‌شود و وضع حمل نمی‌کند مگر به علم خدا و

عمر کسی زیاد و کم نمی‌شود مگر که در کتاب ثبت است ، این تقدیرات برای خدا آسان است

﴿۱۲﴾ وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شَرَابُهُ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَمِن كُلِّ تَأْكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُونَ حَلِيَّةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ فِيهِ مَوَاجِرَ لِيَتَّبِعُوا مِنَ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ دریايي که آب شیرین و گوارا دارد با دریای تلخ و شور مساوی نیست گرچه از هر دو دریا گوشت تروتازه و اسباب زینتی استخراج می‌کنید ، کشتی‌ها را می‌بینید که در هر دو دریا در جستجوی نعمت خدا هستند، شاید شکر خدا را به جای آورید *

* نمونه دو دریای تلخ و شیرین حق و باطل است. مکتب حق، علم شیرین و گوارایی دارد که در دنیا و آخرت آسایش و آرامش به وجود می‌آورد ولیکن مکتب باطل پیروان خود را عاقبت به ذلت و عذاب می‌کشد. هر دو مکتب از علم و عمل خود روزی می‌خورند ولیکن در آخرت اهل باطل در محرومیت مطلق قرار می‌گیرند.

﴿۱۳﴾ يُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلًّا يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ خداوند شب را وارد روز و روز را وارد شب می‌کند، ماه و خورشید را به امر خود تا مدت معین می‌چرخاند ، این است پروردگار شما ، پادشاهی به دست اوست اما کسانی که به جز او به دیگران پناهنده می‌شوند، ذره‌ای مالکیت ندارند

﴿۱۴﴾ إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ اگر آن بت‌ها و بت‌سازان

را به حق دعوت کنی، نمی شنوند و اگر بشنوند اجابت نمی کنند، روز قیامت هم اطاعت شما را قبول ندارند، کسی مانند خدا نیست که شما را آگاه کند

﴿۱۵﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ای مردم!

شما محتاج به خدا هستید، خدا از شما بی نیاز و پسندیده است

﴿۱۶﴾ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ اگر بخواهد شما را می برد و غیر

شما را به جای شما می آورد

﴿۱۷﴾ وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ این کار بر خدا مشکل نیست

﴿۱۸﴾ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَإِنْ تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ جَمِيلًا لَا يُحْمَلُ مِنْهُ شَيْءٌ

وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَمَنْ تَزَكَّىٰ

فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ کسی بار مسئولیت دیگری را قبول

نمی کند کسی که بار سنگین به دوش دارد امتناع می کند از اینکه از دیگری

خواهش کند تا بار او را بردارد هرچند که خویشاوند باشد، تو فقط کسانی را

هدایت می کنی که عظمت خدای غیب را درک می کنند، رابطه با خدا را با نماز و

دعا حفظ می کنند، هرکس خود را از جهل و گناه حفظ کند، به نفع خود کار کرده،

آخرین مقصد ولایت خداست

﴿۱۹﴾ وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ بینا و نابینا مساوی نیستند (یعنی عالم و جاهل)

﴿۲۰﴾ وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ تاریکی و روشنایی مساوی نیستند (یعنی علم و جهل)

﴿۲۱﴾ وَلَا الظِّلُّ وَلَا الْحَرُورُ سایه خنک و حرارت آفتاب مساوی نیستند (یعنی

حکومت فاسد و صالح)

﴿۲۲﴾ وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَن يَشَاءُ وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ

مَّن فِي الْقُبُورِ مردگان و زندگان مساوی نیستند (یعنی مؤمن و کافر)، خدا به هر

کسی بخواهد حرف حق را می‌شنوید، به مردگان گورستان نمی‌توانی بشنوانی

﴿۲۳﴾ إِنَّ أَنْتَ إِلَّا نَذِيرٌ تو فقط مردم را از گناه می‌ترسانی

﴿۲۴﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِن مِّنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ تو را

به این منظور رسالت دادم که بدکاران را بترسانی و نیکان را مژده دهی، هیچ امتی

نبوده‌اند مگر اینکه پیامبر داشته‌اند

﴿۲۵﴾ وَإِن يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ

وَبِالزُّبُرِ وَبِالْكِتَابِ الْمُنِيرِ اگر تو را تکذیب می‌کنند، رسولان پیش از تو را هم

تکذیب نموده‌اند که با معجزات و براهین به سوی آن‌ها رفتند

﴿۲۶﴾ ثُمَّ أَخَذْتُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ما بعد از اتمام حجت،

ستم کاران را هلاک نمودیم، دیدید که چگونه بود عذاب ما

﴿۲۷﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُّخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا

وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيْضٌ وَحُمْرٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ مگر نمی‌بینید که

چگونه آب از آسمان نازل می‌کنیم و با آن ثمرات گوناگون به رنگ‌های مختلف

می‌آفرینیم؟، کوه‌ها را هم به رنگ‌های مختلف سفید و سیاه و سرخ، شامخ و بلند

خلق کردیم *

* معنای واقعی کوه‌های مختلف ابرقدرت‌های مالی و مذهبی در جهت حق و باطل هستند که

در فرهنگ‌ها و عقیده‌های مختلف تظاهر می‌کنند و از نظر سیاست و قدرت بالا و پایین هستند.

همین قدرت‌های بزرگ و کوچک هستند که در مقدمه قیام امام زمان (عج) متلاشی می‌شوند برای اینکه این قدرت‌ها با تکبر و ادعای خود مانع ظهور امام زمان (عج) هستند. ساخت عوالم وجود در قیامت به حال خود باقی است، برای اینکه پیدایش زندگی بهشتی متوقف بر خرابی شکل عالم نیست بلکه متوقف بر خرابی ساختار فکر و فرهنگ انسان‌ها خواهد بود که خدا فرمود: **يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ** یعنی زندگی بشر تبدیل به غیر این زندگی می‌شود مانند **يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا** که روایت می‌گوید: **يُحْيِيهَا بِقِيَامِ الْإِمَامِ**.

﴿۲۸﴾ **وَمِنَ النَّاسِ وَالْدَّوَابِّ وَالْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ** و همچنین مردم و حیوانات را به رنگ‌ها و نژادهای مختلف آفریدیم لیکن فقط دانشمندان هستند که عظمت خدا را درک می‌کنند، خداوند آمرزنده و عزتمند است

﴿۲۹﴾ **إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْتَجُونَ تِجْرَةً لَنْ تَبُورَ** کسانی که کتاب خدا را تلاوت می‌کنند، نماز به پا می‌دارند و از آنچه به آن‌ها داده‌ایم آشکار و نهان انفاق می‌کنند، تجارتی دارند که هرگز نابودی ندارد

﴿۳۰﴾ **لِيُؤْفِقَهُمْ أَجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ** تا خدا اجر انفاقات آن‌ها را برساند و از لطف خود بهتر و زیاده‌تر به آن‌ها برساند، او بندگان خود را رشد می‌دهد و عمل آن‌ها را منظور می‌دارد

﴿۳۱﴾ **وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ** آنچه از قرآن به تو وحی می‌کنیم حق است، کتاب‌ها و پیامبران گذشته را تصدیق می‌کند، خداوند به حال بندگان بصیر و آگاه است

﴿۳۲﴾ ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ بإِذْنِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ ما علم و کتاب خود را به بندگان دادیم که انتخاب کرده بودیم و آن‌ها به سه گروه تقسیم شدند، بعضی ظالم به خود و بعضی میانه‌رو و بعضی دیگر پیش‌تاز در کارهای خیر شدند، این لطف بزرگ خداوند بود

﴿۳۳﴾ جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ آن لطف بزرگ، نیروهایی است که به انسان تعلق می‌گیرد، منبع تمامی ثروت‌ها و لذت‌هاست که در آن نعمت‌ها جاویدند، با طلا و جواهرات دیگر زینت می‌شوند، لباسشان ابریشم بهشت است

﴿۳۴﴾ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ می‌گویند: الْحَمْدُ لِلَّهِ که خداوند غم و اندوه ما را برطرف کرد، پروردگار ما آمرزنده است و اطاعت بندگان خود را منظور می‌کند

﴿۳۵﴾ الَّذِينَ أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ شکر خدایی را که از لطف خود جایگاه ابدی به ما داد، در اینجا رنج و زحمت نخواهیم دید

﴿۳۶﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقْضَىٰ عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُوا وَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ مِّنْ عَذَابِهَا كَذَلِكَ نَجْزِي كُلَّ كَافِرٍ اما کفار، گرفتار آتش جهنم‌اند، فرمان مرگ آن‌ها صادر نمی‌شود که بمیرند، عذاب آن‌ها سبک نمی‌شود، خداوند این‌طور کفار را مجازات می‌کند

﴿۳۷﴾ وَهُمْ يَصْطَرِحُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ
أَوْ لَمْ نُعَمِّرْكُم مَّا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَن تَذَكَّرَ وَجَاءَكُمُ النَّذِيرُ فَذُوقُوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ

مِن نَّصِيرٍ در آن عذاب، داد می‌زنند که خدایا! ما را آزاد کن، عمل صالح غیر آنچه به جا آورده‌ایم به جا می‌آوریم، آن‌ها دروغ می‌گویند، مگر به آن‌ها عمر طولانی ندادیم که می‌توانستند حقیقت را درک کنند؟، آن‌همه پیامبران به سراغ آن‌ها رفتند، پس بچشید عذابی را که باور نمی‌کردید، ستم‌کاران یآوری ندارند

﴿۳۸﴾ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ غَيْبِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ خدا

عالم به غیب آسمان‌ها و زمین است، عالم به افکار و اعمال بندگان خود است

﴿۳۹﴾ هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلِيفَ فِي الْأَرْضِ فَمَن كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَلَا يَزِيدُ

الْكٰفِرِينَ كُفْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِلَّا مَقْتًا وَلَا يَزِيدُ الْكٰفِرِينَ كُفْرُهُمْ إِلَّا خَسَارًا

او خدایی است که شما را در زمین خلیفه خود قرارداد، هر کس کافر شود به ضرر خود کافر می‌شود، کفر کفار جز غضب خداوند به حال آن‌ها نتیجه‌ای نمی‌دهد، کفر کفار جز خسارت به بار نمی‌آورد

﴿۴۰﴾ قُلْ أَرَعَيْتُم شُرَكَاءَكُمُ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أُرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِن

الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَوَاتِ أَمْ ءَاتَيْنَهُم كِتَابًا فَهُمْ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّنْهُ بَلْ إِن يَدُو

الظَّالِمُونَ بَعْضُهُم بَعْضًا إِلَّا غُرُورًا بگو: از این اشخاص که آن‌ها را شریک

خدا قرار می‌دهید ما را آگاه کنید که آیا مانند خدا چیزی در زمین آفریده‌اند یا در

خلقت آسمان‌ها شریک خدا بوده‌اند و یا ما به آن‌ها کتابی داده‌ایم که به دلالت آن

شریک برای خدا ساخته‌اند؟، وعده‌هایی که کفار می‌دهند به جز دروغ و فریب

چیزی نیست

﴿٤١﴾ **إِنَّ اللَّهَ** يُمْسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِن زَالَتَا إِنْ أُمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِّنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا

خداست که عوالم آسمان و زمین را سر جای خود نگه می‌دارد مبادا از مدار خارج شود و اگر خارج شد به جز خداوند کسی نمی‌تواند به مدار برگرداند ، خدا آمرزنده و بردبار است

﴿٤٢﴾ **وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ** جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِن جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَّيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ مِنْ إِحْدَى الْأُمَمِ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَّا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا

قسم‌های جدی می‌خورند که اگر پیامبری داشتند، از امت‌های دیگر بهتر بودند ، اما وقتی که رسول خدا آمد از همه بیشتر از او فاصله گرفتند

﴿٤٣﴾ **أَسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا**

تکبر آن‌ها را فراگرفت، کید و مکر به کار بردند، با اینکه نتایج کید و مکر به خودشان برمی‌گردد ، مگر بیشتر از این انتظار دارند که مانند گذشتگان گرفتار عذاب شوند؟ ، سنت خدا قابل تبدیل و تغییر پذیر نیست

﴿٤٤﴾ **أَوْ لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِن شَيْءٍ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا**

چرا تاریخ را مطالعه نمی‌کنند تا ببینند عاقبت کار کفار به کجا کشید با اینکه آن‌ها قوی‌تر بودند؟ ، قدرتی در آسمان‌ها و زمین وجود ندارد که خدا را از کار خود باز دارد ، او دانا و تواناست

﴿٤٥﴾ **وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَى ظَهْرِهَا مِن دَابَّةٍ وَلَكِن**

يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّىٰ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا

اگر خداوند مردم را به گناهشان بگیرد باید همه چیز را نابود کند ولیکن آن‌ها را تا مدتی مهلت می‌دهد، وقتی که مدت مقدر تمام شد، خداوند به حال بندگان خود بصیر و بیناست.

آیاتها ۸۳

سُورَةُ يَسِّ

المکِّي

این سوره شریفه به نام حروف اول آن، یاسین نامیده شده است. نکات بی‌سابقه و آموزنده آن آشنایی به دعوت کنندگان به حق، لازم است که از طریق ملایمت و مسالمت مردم را به دین حق دعوت کنند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱ ﴿يَسِّ﴾ یا سین، (ترجمه حروف در سوره‌های قبل روشن شده است)

۲ ﴿وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ﴾ قسم به قرآن که هر حکمی را با حکمت آن بیان می‌کند

۳ ﴿إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ﴾ که تو از پیامبران مرسل هستی

۴ ﴿عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ﴾ تو بر خط مستقیمی و به راه راست هستی

۵ ﴿تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ﴾ و آن راه قرآن است که از جانب خدای توانای مهربان نازل شده است

۶ ﴿لِنُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ آبَاؤَهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ﴾ تا مردمی را از عواقب کفر و

گناه بترسانی که اجداد آن‌ها هدایت نشده‌اند و در غفلت به سر می‌برند

۷ ﴿لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَىٰ أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ اکثریت آن‌ها محکوم به

کفر و گناه شده‌اند، قلبشان تیره است ایمان نمی‌آورند

﴿۸﴾ إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ غل و

زنجیرها (همان هدف‌های دنیایی) وجودشان را احاطه نموده، دهانه به دهان آنها زده است

﴿۹﴾ وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ

در محاصره دنیا هستند، در بن بست مادیت قرار گرفته‌اند، راه رفتن و برگشتن بر آنها بسته شده، حقیقت نمی‌فهمند

﴿۱۰﴾ وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ آنها را به عواقب کفر

و گناه آگاه کنی یا نکنی مساوی است، ایمان نمی‌آورند

﴿۱۱﴾ إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ

کَرِيمٍ فقط کسانی از نتایج گناه می‌ترسند که پیرو قرآن و رهبر آن باشند و عظمت خدا را درک کنند ، آنها را به رشد عقلی و اجر کریمانه مزدگانی بده

﴿۱۲﴾ إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَءِثْرَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي

إِمَامٍ مُّبِينٍ فقط ماییم که مردگان را زنده می‌کنیم، آثار گذشته و آینده آنها را ثبت می‌کنیم ، همه چیز را با تمامی مشخصات در وجود امام بیان‌کننده حقایق ثبت کرده‌ایم*

* احصاء، شمارش مشخصات اشیاء و اشخاص است فقط شماره اعداد نیست و این علم اگر نامتناهی نباشد نزدیک به نامتناهی است زیرا هر مخلوقی میلیون‌ها مشخصه دارد. امام مبین شخص امام است که تمامی این مشخصات را می‌داند.

﴿۱۳﴾ وَأَضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ داستان رسولان

ما را به شهر انطاکیه که یک نمونه آموزنده است، بازگو کن *

* پیام این داستان، سیاست تبلیغ این رسولان است که دو نفر مأمور اول حضرت عیسی رسالت خود را با پرخاش و ملامت دین و اخلاق مردم شهر شروع کردند و درگیری به وجود آوردند، در نتیجه آن‌ها را حبس نمودند. مأمور سوم با ملایمت و تظاهر به دین مردم دعوت خود را شروع نمود و مردم را به خود جلب کرد، دین حضرت عیسی را رواج داد و آن دو نفر را از حبس آزاد کرد. پس دعوت کنندگان به حق لازم است که از طریق ملایمت و مسالمت مردم را به دین حق دعوت کنند.

﴿۱۴﴾ **إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُمْ مُرْسَلُونَ**

آنجا که دو نفر مبلغ فرستادیم، آن‌ها را تکذیب نمودند بعد با مأمور سوم آن‌ها را تقویت نمودیم، به مردم گفتند که: رسولان خدا هستیم

﴿۱۵﴾ **قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا**

تَكْذِبُونَ مردم گفتند: شما هم مانند ما بشر هستید، دروغ می‌گویید خدا کتابی نازل نکرده است

﴿۱۶﴾ **قَالُوا رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ** گفتند که: خدا می‌داند ما رسولان

خدا و حضرت عیسی به سوی شما هستیم

﴿۱۷﴾ **وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ** و ما وظیفه‌ای جز تبلیغ دین خدا نداریم

﴿۱۸﴾ **قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِن لَّمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُم مِّنَّا عَذَابٌ**

أَلِيمٌ گفتند: ما وجود شما را به فال بد می‌گیریم، اگر دست برندارید سنگ سارتان می‌کنیم و عذاب سختی به شما می‌رسانیم

﴿۱۹﴾ **قَالُوا طَيَّرْنَاكُمْ مَعَكُمْ أَيْنَ ذُكِّرْتُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ** رسولان گفتند:

اگر بفهمید ، کفر و گناهتان فال بد شماست ، شما به خودتان ستم می کنید

﴿۲۰﴾ وَجَاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ

در این

حال مردی از فقرای شهر آمد و گفت: ای مردم! از این رسولان اطاعت کنید

﴿۲۱﴾ اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُهْتَدُونَ

آن‌ها مردمی دانا و هدایت

یافته‌اند، مزدی از شما نمی طلبند

﴿۲۲﴾ وَمَا لِي لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

چرا من خدایی را عبادت

نکنم که مرا آفریده و ما همه به سوی او می رویم

﴿۲۳﴾ أَتَأْتِخَذُ مِنْ دُونِهِ آلِهَةً إِنْ يُرِدْنِ الرَّحْمَنُ بِضُرٍّ لَا تُغْنِي عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا

وَلَا يُنْقِذُونَ

چرا کسی را به خدایی بگیرم که اگر خدای رحمان به من ضرری

بزند، نمی تواند دفاع کنند و مرا از مهلکه نجات دهند

﴿۲۴﴾ إِنِّي إِذًا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

در این صورت بدبخت و گمراهم که ولی واقعی

خود را نشاختم

﴿۲۵﴾ إِنِّي آمَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمَعُونِ

ای رسولان خدا! گواه باشید که من به

پروردگار شما ایمان آوردم

﴿۲۶﴾ قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ

به آن مؤمن در حال احتضار

گفتند: داخل بهشت شو ، گفت کاش قوم من می دانستند

﴿۲۷﴾ يَا غَفَرٌ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ

چگونه پروردگارم مرا بخشید و

اکرام و احترام نمود

(جزء ۲۳) ﴿۲۸﴾ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ قَوْمِهِ مِن بَعْدِهِ مِن جُنْدٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا مُنْزِلِينَ

ما قوم او را به عذاب زمینی و آسمانی معذب نکردیم و نخواهیم کرد

﴿۲۹﴾ إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ

مگر همان مرگ مقدر که آن‌ها را می‌گیرد و خاموش می‌کند

﴿۳۰﴾ يَحْسَرَةُ عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ

چقدر حال بندگان مایه حسرت است که هر وقت پیامبر نجات‌بخشی آمد، مسخره‌اش کردند

﴿۳۱﴾ أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ

مگر ندیدند که این‌همه مسخره‌کنندگان تاریخ را هلاک نمودیم که دیگر به زندگی دنیا بر نمی‌گردند

﴿۳۲﴾ وَإِنْ كُلُّ لَمَّا جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ

و عاقبت همه آن‌ها در دایره حاکمیت ما حاضر می‌شوند

﴿۳۳﴾ وَعَايَةُ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ

یکی از آیات بزرگ ما زمین مرده است که ما آن را زنده می‌کنیم و این‌همه حبوبات و میوه‌جات از آن خارج می‌نماییم که می‌خورند

﴿۳۴﴾ وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِّن نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ

این‌همه باغ‌های خرما و انگور و نهر و چشمه در آن جاری می‌سازیم

﴿۳۵﴾ لِيَأْكُلُوا مِن ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ

تا از ثمرات باغ و زراعت و آنچه به دست خود می‌سازند استفاده کنند، چرا شکر خدا را به‌جا نمی‌آورند

﴿٣٦﴾ سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا

يَعْلَمُونَ خدایی که این همه نعمت‌های مادی و معنوی از وجود خودشان و از خاک زمین و یا عوامل دیگر که نمی‌دانند به صورت جفت برای آن‌ها تولید می‌کند، منزه است که شریک و نظیر داشته باشد

﴿٣٧﴾ وَعَايَةُ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ و از آیات بزرگ خدا

شب است که لباس روشن روز را از قامت آن می‌کنیم و همه در تاریکی قرار می‌گیرند

﴿٣٨﴾ وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ خورشید در

قرارگاه خود جریان دارد، این چنین است هندسه خلقت

﴿٣٩﴾ وَالْقَمَرَ قَدَرْنَاهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ برای ماه منازلی معین

کردیم (ساعت آسمانی) تا عاقبت به صورت خوشه خشکیده خرما هلالی می‌شود

﴿٤٠﴾ لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ

يَسْبَحُونَ خورشید و ماه هر کدام فضایی دارند به یکدیگر نمی‌رسند، شب بر روز و

باطل بر حق سبقت نمی‌گیرد، هر یک در فضای خود شناورند

﴿٤١﴾ وَعَايَةُ لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفَلَكِ الْمَشْحُونِ یکی از آیات خداوند

این بود که در عصر حَجَر برای آن‌ها کشتی ساختیم و اجداد آن‌ها را نجات دادیم

﴿٤٢﴾ وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ و مانند کشتی، مراکب دیگر که

نمی‌دانند در آینده می‌سازیم تا سوار شوند

﴿٤٣﴾ وَإِنْ نَشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنقَدُونَ اگر بخواهیم می‌توانیم

آن‌ها را غرق کنیم که دادرسی نداشته باشند و نتوانند خود را نجات دهند

﴿۴۴﴾ **إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ** مگر که لطف و رحمت خدا آن‌ها را فرا گیرد

تا برای مدتی آن‌ها را در دنیا بهره‌مند کنیم

﴿۴۵﴾ **وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ** اگر

به آن‌ها بگوییم: از نتایج کفر و گناه خود در زمان خود و آینده بترسید شاید رحمت خدا

شما را فرا گیرد (اجابت نمی‌کند)

﴿۴۶﴾ **وَمَا تَأْتِيهِمْ مِّنْ آيَةٍ مِّنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ** آیتی از

آیات خدا برای آن‌ها ظاهر نمی‌شود مگر اینکه از آن اعراض می‌کنند

﴿۴۷﴾ **وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا**

أَنْطَعِمُ مَن لَّوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُدَّ إِنَّ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ و اگر به آن‌ها گفته

شود: از این ثروت‌ها که خدا داده در راه تولید و کمک به فقرا سرمایه‌گذاری کنید،

می‌گویند: چرا به کسی کمک کنیم، اگر خدا می‌خواست به آن‌ها کمک می‌کرد، شما که

به فقرا کمک می‌کنید، گمراه هستید

﴿۴۸﴾ **وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ** مسخره می‌کنند که اگر شما

راست می‌گویید، وعده عذاب و قیامت کی است؟

﴿۴۹﴾ **مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ** بگو: شما همین قدر

مهلت دارید که مرگ شما در حال گفت‌وگو و اشتغال به دنیا برسد

﴿۵۰﴾ **فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ** هنگام مرگ، نه مهلت

وصیت دارید و نه هم به زندگی خود برمی گردید

﴿۵۱﴾ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ
مرگ، فرمان حیات دوم می‌رسد، فوری از قبر خود به دایره حاکمیت خدا کشیده می‌شوید *

* نفخ صور به معنای موت و حیات است که خداوند جان می‌دهد و یا جان می‌گیرد. نفخ اول موت اول است که در زندگی دنیا واقع می‌شود و تا قیامت ادامه دارد و اما نفخ دوم به معنای حیات دوم است که بعد از ظهور قیامت شروع می‌شود، مردگان دوبرگه به زندگی برمی‌گردند و زندگی دوباره خود را شروع می‌کنند.

﴿۵۲﴾ قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ
در این حال فریادتان بلند است که وای بر ما، چه کسی ما را از خواب مرگ بیدار کرد، همین وعده خداست، پیامبران راست گفتند

﴿۵۳﴾ إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ
دوم مانند نفحه مرگ یک فرمان است که بلافاصله در قیامت حاضر می‌شوند

﴿۵۴﴾ فَالْيَوْمَ لَا تُظَلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ
به کسی ستم نمی‌شود، فقط به نتایج اعمالتان مجازات می‌شوید

﴿۵۵﴾ إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغُلٍ فَاكِهُونَ
روز کارشان خوش گذرانی است

﴿۵۶﴾ هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلِّ عَلَى الْأَرْبَابِ مُتَّكِنُونَ
با همسرانشان در سایه لطف خدا بر اریکه قدرت تکیه می‌زنند

﴿۵۷﴾ لَّهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَلَهُمْ مَّا يَدَّعُونَ
هر چه بخواهند از خوشی‌ها و میوه‌ها
بدون زحمت حاضر است (مجهز به اراده الهی هستند)

﴿۵۸﴾ سَلَّمَ قَوْلًا مِّن رَّبِّ رَحِيمٍ
از هر چیزی بهتر، سلام و تحیت خدای مهربان
است که به آن‌ها ابلاغ می‌شود

﴿۵۹﴾ وَأَمْتَرُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ
فرمان تکوینی الهی می‌رسد که بدکاران از
نیکوکاران جدا شوند

﴿۶۰﴾ أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَبْنَیْ ءَادَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ
مُّبِينٌ
خطاب به بدکاران می‌شود که مگر با شما فرزندان آدم عهد نبستم که از
شیطان اطاعت نکنید که دشمن شماست

﴿۶۱﴾ وَأَنْ أَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ
و از من اطاعت کنید که راه راست به
سوی بهشت است

﴿۶۲﴾ وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ
دیدید که چقدر
زیاد مردم را گمراه نمود، چرا عقل خود را به کار نبردید

﴿۶۳﴾ هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ
و حالا این همان جهنمی است که شما را
از حرکت به سوی آن بر حذر داشتم

﴿۶۴﴾ أَصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ
به دست خود به عامل کفر و گناه آن
را شعله‌ور ساخته‌اید

﴿۶۵﴾ الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا

يَكْسِبُونَ مهر سکوت به دهانشان می‌زنیم، دست‌وپایشان با ما سخن می‌گوید و شهادت می‌دهد به اعمالی که انجام داده‌اند

﴿٦٦﴾ وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّىٰ يُبْصِرُونَ اگر

بخواهیم، بینایی و یا عقل آن‌ها را می‌گیریم بعد کجا می‌توانند به زندگی خود ادامه دهند

﴿٦٧﴾ وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَىٰ مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَعُوا مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ یا

در همان وضعیت موجود آن‌ها را مسخ می‌کنیم تا نتوانند به راهشان بروند یا به صورت انسان برگردند

﴿٦٨﴾ وَمَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ به هر کس عمر طولانی بدهیم،

در خلقت به قهقرا برمی‌گردانیم، چرا عقل خود را به کار نمی‌برند؟

﴿٦٩﴾ وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُّبِينٌ ما به

رسول خود شعر نیاموخته‌ایم، شایسته او نیست، بلکه قرآن است علم است و بیان‌گر حقایق

﴿٧٠﴾ لِيُنذِرَ مَن كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ تا با این قرآن، کسانی را

که عقل و ایمان دارند از عواقب کفر و گناه بترسانیم و محکومیت کفار هم قطعی شود

﴿٧١﴾ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ مگر

نمی‌بینید که ما چهارپایان را به دست قدرت خود آفریده‌ایم که آن‌ها مالک شده‌اند

﴿٧٢﴾ وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ آن‌ها را برایشان رام نموده‌ایم

، بعضی را سوار می‌شوند و بعضی را می‌خورند

﴿۷۳﴾ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبٌ أَفَلَا يَشْكُرُونَ

از پشم و کرک آنها بهره می‌برند و از شیر و ماست آنها می‌آشامند، چرا لطف خدا را منظور نمی‌دارند

﴿۷۴﴾ وَأَتَّخِذُوا مِن دُونِ اللَّهِ ءَالِهَةً لَّعَلَّهُم يُنصَرُونَ

به جز خدا، خدایان دیگری برای خود ساخته‌اند که شاید از نصرت آنها استفاده کنند

﴿۷۵﴾ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُم جُنْدٌ مُّحْضَرُونَ

خود را در خدمت آنها قرار داده‌اند ولی آنها عاجزترند که کسی را یاری کنند

﴿۷۶﴾ فَلَا يَحْزَنكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ

از این شرک و بت پرستی ناراحت نباش، ما ظاهر و باطن آنها را می‌شناسیم

﴿۷۷﴾ أَوَلَمْ يَرِ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِن نُّطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ

مگر انسان نمی‌داند که ما او را از نطفه آفریده‌ایم که این‌طور جسورانه سخن می‌گوید

﴿۷۸﴾ وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِ الْعِظْمَ وَهِيَ رَمِيمٌ

خود را فراموش کرده است، استخوان پوسیده‌ای را به دست گرفته که چه کسی این

استخوان را زنده می‌کند؟

﴿۷۹﴾ قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ

بگو: همان کسی که اول او را آفریده زنده می‌کند، او به هر کاری دانا و تواناست

﴿۸۰﴾ الَّذِي جَعَلَ لَكُم مِّنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِّنْهُ تُوقَدُونَ

همان کسی که از درخت سبز آتش به وجود می‌آورد و شما زندگی خود را با آن روشن

می‌کنید

﴿۸۱﴾ أَوْ لَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَدِيرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ

الْخَلْقُ الْعَلِيمُ آیا کسی که عوالم آسمانها و زمین را آفریده قدرت ندارد مانند آنها را بیافریند؟ ، آری، می تواند او آفریدگار دانا و تواناست

﴿۸۲﴾ إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ او هر وقت کاری را

بخواهد، به محض اینکه اراده کند واقع می شود

﴿۸۳﴾ فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ منزه است خدایی

که جان هر کسی به دست اوست و تمامی خلائق به حکومت او برمی گردند.

آیاتها ۱۸۲

سُورَةُ الصَّافَّاتِ

المکي

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ وَالصَّافَّاتِ صَفًّا قسم به عوامل آفرینش یا عوامل تربیت که به صف ایستاده اند

﴿۲﴾ فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا عواملی که طبیعت را از نقص و فساد و انسان را از کفر و

گناه باز می دارند

﴿۳﴾ فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا عواملی که مردم را تعلیم می دهند و به یاد خدا می اندازند

﴿۴﴾ إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ قسم به همه اینها که خدای شما یگانه است

﴿۵﴾ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا رَبُّ الْمَشْرِقِ پروردگار عوالم آسمان

و زمین و آنچه بین آنهاست و مربی مکتبها و مشارق

﴿۶﴾ إِنَّا زَيْنَا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ ما فضا را به ستارگان و مکتب دین

را به ستارگان هدایت آرایش دادیم

﴿۷﴾ وَحِفْظًا مِّنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَّارِدٍ تا به وسیله آن‌ها مکتب دین را از دستبرد شیاطین حفظ کنیم

﴿۸﴾ لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى وَيُقَذِفُونَ مِّنْ كُلِّ جَانِبٍ با وجود ستارگان هدایت، شیاطین نمی‌توانند بر اسرار دین و مقام ولایت مسلط شوند، با کردار و گفتار حق از همه جا رانده و رسوا می‌شوند

﴿۹﴾ دُحُورًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ با تیر شهاب (کلمه حق) و تعلیمات انبیاء و اولیاء رسوا و به عذاب رنج آور مبتلا می‌شوند

﴿۱۰﴾ إِلَّا مَن خَطَفَ الْخُطْفَةَ فَاتَّبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ مگر کلمه‌ای بربایند که در این صورت با شهاب ثاقب تعقیب می‌شوند (شهاب ثاقب تعلیمات بزرگان است چنان که می‌گویی: يَا بَنَ الشُّهْبِ الثَّاقِبِ)

﴿۱۱﴾ فَاسْتَفْتِهِمْ أَهْمُ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ مَن خَلَقْنَا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِّنْ طِينٍ لَّازِبٍ از آن‌ها بپرس که آن‌ها قوی‌ترند یا خلاق؟، ما آن‌ها را از گل عمل آمده ساخته‌ایم *

* همان‌طور که کوزه‌گران گل را عمل می‌آورند تا برای ساخت کوزه آماده شود، خداوند متعال هم ابتدا مواد و املاح خاکی را از طریق افاضه نیرو تغییر ماهیت می‌دهد. آب و خاک را تبدیل به سلول‌های حیاتی می‌کند و آن سلول‌ها را به یکدیگر ارتباط داده مهندسی می‌کند و به این صورت مطلوب ظاهر می‌سازد. روی هر ماده خاکی خداوند دو عمل انجام می‌دهد تا برای ساخت انسان آماده شود. اول نیروی حیات و حرکت به آن افاضه می‌کند و با این افاضه ماده خاکی را تبدیل به ماده مناسب گوشت و خون می‌کند که این عمل را جعل ماهیت می‌نامند. دوم این مواد آماده شده را به یکدیگر ارتباط داده، مهندسی می‌کند و قطعات بدن را می‌سازد.

﴿۱۲﴾ بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ تو از حماقت آن‌ها تعجب می‌کنی و آن‌ها مسخره

می کند

﴿۱۳﴾ وَإِذَا ذُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ و اگر دین خدا به آن‌ها تبلیغ شود نمی پذیرند

﴿۱۴﴾ وَإِذَا رَأَوْا آيَةً يَسْتَسْخِرُونَ و اگر معجزه‌ای ببینند مسخره می کنند

﴿۱۵﴾ وَقَالُوا إِن هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ می گویند: این‌ها سحر و جادوگری است

﴿۱۶﴾ أَمْ إِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظْمًا أَعِنَّا لَمَبْعُوثُونَ مگر ممکن است بعد از آن که

خاک و استخوان شدیم دو مرتبه زنده شویم

﴿۱۷﴾ أَوْ آبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ و یا اجداد گذشته ما زنده شوند

﴿۱۸﴾ قُلْ نَعَمْ وَأَنْتُمْ دَاخِرُونَ بگو: آری زنده می شوید، شما تسلیم قدرت خدایید

﴿۱۹﴾ فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ فَإِذَا هُمْ يَنْظُرُونَ نفخه حیات یک اراده الهی است

که فوری مردگان زنده می شوند

﴿۲۰﴾ وَقَالُوا يَوْمَئِذٍ هَذَا يَوْمُ الدِّينِ فریاد می زنند که ای وای، این است روز قیامت

﴿۲۱﴾ هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ آری همین روز قیامت است،

روز جدایی حق و باطل که آن را تکذیب می کردید

﴿۲۲﴾ ﴿۲۲﴾ أَحْشَرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَزْوَاجَهُمْ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ فرمانی می رسد که

همسران و همکاران و مانند آن‌ها و بت‌هایی که می پرستیدند همه را باهم جمع کنید

﴿۲۳﴾ ﴿۲۳﴾ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَأَهْدُوهُمْ إِلَى صِرَاطِ الْجَحِيمِ به راه جهنم ببرید (یعنی خود به

خود به جهنم کشیده می شوند که خلاف جهت حق حرکت می کنند)

﴿۲۴﴾ ﴿۲۴﴾ وَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ آن‌ها را سر گذرها نگه دارید که مسئول‌اند (یک

توقف طبیعی نه با مأمور)

﴿۲۵﴾ مَا لَكُمْ لَا تَنَاصَرُونَ
 آنجا بگو: چه شده شما را که یکدیگر را یاری
 نمی کنید

﴿۲۶﴾ بَلْ هُمْ أَلْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ
 تمامی آنها آن روز تسلیم یک قدرت محیط
 و مسلط اند

﴿۲۷﴾ وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ
 آنجا به یکدیگر می تازند و پرخاش
 می کند

﴿۲۸﴾ قَالُوا إِنَّكُمْ كُنْتُمْ تَأْتُونَنَا عَنِ الْيَمِينِ
 ضعفا به اقویا می گویند: شما ما را
 فریب دادید و حاکمیت پیدا کردید

﴿۲۹﴾ قَالُوا بَلْ لَمْ تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ
 اقویا جواب می دهند که شما اصلاً ایمان به
 خدا نداشتید

﴿۳۰﴾ وَمَا كَانَ لَنَا عَلَيْكُمْ مِّنْ سُلْطٰنٍۭٔ بَلْ كُنْتُمْ قَوْمًا طٰغِيۡنَ
 ما بر شما مسلط
 نبودیم ، خودتان طغیانگر بودید

﴿۳۱﴾ فَحَقَّ عَلَيْنَا قَوْلُ رَبِّنَا إِنَّا لَذٰٓئِقُونَ
 عاقبت هردو طایفه محکوم به عذاب
 پروردگار شدیم

﴿۳۲﴾ فَأَعْوَيْنٰكُمْ إِنَّا كُنَّا عٰوِيۡنَ
 خودمان گمراه بودیم شما را هم گمراه کردیم

﴿۳۳﴾ فَإِنَّهُمْ يَوْمَئِذٍۭ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ
 در نتیجه دو گروه در عذاب مشترک اند

﴿۳۴﴾ إِنَّا كَذٰلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِيۡنَ
 چنین است کردار و رفتار ما با ستم کاران

﴿۳۵﴾ إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ آن‌ها وقتی کلمه لَا إِلَهَ

إِلَّا اللَّهُ را می‌شنیدند، تکبر می‌کردند

﴿۳۶﴾ وَيَقُولُونَ آيِنَّا لَتَارِكُوا آلَ الْهَيْتِنَا لَشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ و می‌گفتند: چرا به خاطر این

پیامبر دیوانه شاعر، خدایان خود را ترک کنیم

﴿۳۷﴾ بَلْ جَاءَ بِالْحَقِّ وَصَدَّقَ الْمُرْسَلِينَ چنین نیست که می‌گویید، بلکه مبعوث

از جانب خداست که پیامبران را تصدیق می‌کند

﴿۳۸﴾ إِنَّكُمْ لَذَائِقُوا الْعَذَابِ الْأَلِيمِ شما تکذیب‌کنندگان دین باید به عذاب

جهنم معذب شوید

﴿۳۹﴾ وَمَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ و این عذاب، فقط نتیجه اعمال شماست

﴿۴۰﴾ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ مگر بندگان مخلص ما که عمل بدی نداشته‌اند

﴿۴۱﴾ أُولَئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَّعْلُومٌ روزی بندگان مخلص مشخص و معلوم است

﴿۴۲﴾ فَوَاكِهُ وَهُمْ مُكْرَمُونَ همه نوع میوه و نشاط با احترام کامل

﴿۴۳﴾ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ در باغ‌های پُر از نعمت مادی و معنوی

﴿۴۴﴾ عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ کنار یکدیگر بر اریکه قدرت تکیه می‌زنند (حاکم بر

طبیعت و کائنات)

﴿۴۵﴾ يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَأْسٍ مِّنْ مَّعِينٍ به وسیله حور و غلمان و شراب طهور

پذیرایی می‌شوند

﴿۴۶﴾ بَيْضَاءَ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ شربت‌هایی سفید و نورانی برای کسانی که می‌آشامند

لذت بخش است

﴿۴۷﴾ لَا فِيهَا غَوْلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنزَفُونَ
مانند شراب دنیا، سستی و مستی به
وجود نمی آورد

﴿۴۸﴾ وَعِنْدَهُمْ قَصِيرَاتُ الْطَّرْفِ عَيْنٌ
در کنارشان حوریان زیبا چشم (مجهز به
معرفت و عشق و شهوت)

﴿۴۹﴾ كَأَنَّهُنَّ بَيْضٌ مَّكْنُونٌ
همچون دُرهای سفید دست نخورده

﴿۵۰﴾ فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ
در این شوق و نشاط با یکدیگر سؤال
و پاسخ دارند

﴿۵۱﴾ قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌ
گوینده‌ای به دیگری می گوید که: در دنیا
رفیق بد و ناجوری داشتم

﴿۵۲﴾ يَقُولُ أَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُصَدِّقِينَ
مرا مسخره می کرد که تو پیامبران را قبول
داری

﴿۵۳﴾ أَيْدَا مِثْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظْمًا أَيْنَا لَمَدِينُونَ
استخوان شدیم، دو مرتبه زنده می شویم؟
که می گویند: وقتی که مردیم و

﴿۵۴﴾ قَالَ هَلْ أَنْتُمْ مُّطَّلِعُونَ
شما دوستان از آن رفیق بد اطلاع دارید؟ (که کارش
به کجا کشید)

﴿۵۵﴾ فَأَطَّلَعَ فَرَءَاهُ فِي سَوَاءِ الْجَحِيمِ
به او می گویند: آنجا نگاه کن، می بیند که در
اعماق جهنم است

﴿۵۶﴾ قَالَ تَاللَّهِ إِنْ كِدَتْ لَتُرْدِينَ

از او می‌پرسد حالت چطور است، به خدا که

نزدیک بود مرا هم به آنجا بکشانی

﴿۵۷﴾ وَلَوْلَا نِعْمَةُ رَبِّي لَكُنْتُ مِنَ الْمُحْضَرِينَ

اگر نعمت ولایت نبود، من هم آنجا

معذب بودم

﴿۵۸﴾ أَفَمَا نَحْنُ بِمَيِّتِينَ

مگر ما هر دو نفر نمردیم

﴿۵۹﴾ إِلَّا مَوْتَتَنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ

فقط مرگ اول بود که دیگر رنج و

عذابی برای ما نیست

﴿۶۰﴾ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

این است زندگی ما، سعادت است بسیار عظیم

﴿۶۱﴾ لِيُمِثِلَ هَذَا فَلَيعْمَلِ الْعَمِلُونَ

تلاش‌گران، لازم است برای وصول به این

زندگی تلاش کنند

﴿۶۲﴾ أذَلِكَ خَيْرٌ نُّزُلًا أَمْ شَجَرَةُ الزَّقُّومِ

شجره طوبای بهشت (شجره ولایت) بهتر

است یا درخت زقوم جهنم؟ (شجره کفر و گناه)

﴿۶۳﴾ إِنَّا جَعَلْنَهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ

ما درخت زقوم را وسیله‌ای برای آزمایش

ستم‌کاران قرار دادیم

﴿۶۴﴾ إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ

آن، درختی است که در مرکز جهنم و

اصول ظلم و فساد می‌روید

﴿۶۵﴾ طَلَعَهَا كَأَنَّهٗ رُءُوسُ الشَّيَاطِينِ

ثمره آن شجره، سروکله همین شیاطین

بزرگ است

﴿۶۶﴾ فَإِنَّهُمْ لَا يَكُونُونَ مِنْهَا فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ
ستم کاران، فکر و فرهنگ خود را از ثمرات آن درخت که ظلم و فساد است، اشباع می کنند

﴿۶۷﴾ ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِّنْ حَمِيمٍ
و این فکر پُر از شر و فساد که وجود آن هاست، آتش جنگ و تجاوز را روشن می کند

﴿۶۸﴾ ثُمَّ إِنَّ مَرَجِعَهُمْ إِلَى الْجَحِيمِ
و این جنگ ها و تجاوزها به وسیله آتش دنیا آن ها را به جهنم آخرت می کشاند (نیکان، شاخ و برگ شجره ایمان و کفار، شاخ و برگ شجره ظلم و فسادند)

﴿۶۹﴾ إِنَّهُمْ أَلْفَوْا آبَاءَهُمْ ضَالِّينَ
آن ها پدران خود را گمراه شناختند

﴿۷۰﴾ فَهُمْ عَلَىٰ آثَرِهِمْ يُهْرَعُونَ
با شوق و شتاب از کفر و گناه آن ها پیروی نمودند

﴿۷۱﴾ وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأُولِينَ
پیش از آن ها گذشتگان هم گمراه بودند

﴿۷۲﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِمْ مُنذِرِينَ
این همه پیامبران برای آن ها فرستادیم

﴿۷۳﴾ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنذِرِينَ
ببین! عاقبتِ کارِ کفارِ ظالم به کجا کشید

﴿۷۴﴾ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمَخْلَصِينَ
فقط بندگان مخلص خدا نجات یافتند

﴿۷۵﴾ وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ
نوح در شدت گرفتاری از ما کمک خواست، چه خوب بندگان خود را کمک می کنیم

﴿۷۶﴾ وَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ
او و خانواده اش را از مصیبت بزرگ

طوفان نجات دادیم

- ﴿۷۷﴾ وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ و نسل بشریت را از نوح ادامه دادیم
- ﴿۷۸﴾ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ از نوح پیامبر در آینده زندگی
- ﴿۷۹﴾ سَلَّمَ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَلَمِينَ سلام و تحیت و نام نیک به یادگار گذاشتیم
- ﴿۸۰﴾ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ اجر نیکوکاران در نظر ما چنین است
- ﴿۸۱﴾ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ نوح از بندگان مؤمن ما بود
- ﴿۸۲﴾ ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخِرِينَ امت عصیانگر او را غرق نمودیم
- ﴿۸۳﴾ وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ ابراهیم هم از شیعیان انبیاء و ائمه بود
- ﴿۸۴﴾ إِذْ جَاءَ رَبُّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ که با قلبی سالم و خالص به سوی خدا حرکت کرد
- ﴿۸۵﴾ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ به پدرخوانده و قوم خود گفت: چه چیزی را می پرستید
- ﴿۸۶﴾ أَيْفَاكَ ءَالِهَةٌ دُونَ اللَّهِ تُرِيدُونَ از خدایان دروغین، برای نجات خود اطاعت می کنید
- ﴿۸۷﴾ فَمَا ظَنُّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ پروردگار عالمیان را چگونه شناخته اید
- ﴿۸۸﴾ فَنَظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ به ستارگان هدایت (ائمه اطهار^(ع)) فکری کرد
- ﴿۸۹﴾ فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ در قیاس با آنها خود را ضعیف شناخت
- ﴿۹۰﴾ فَتَوَلَّوْا عَنْهُ مُدْبِرِينَ تمام مردم از او اعراض نمودند و به عیدگاه خود رفتند

﴿۹۱﴾ فَرَاغَ إِلَىٰ عَالِيَتِهِمْ فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ
خانه رفت و گفت: آیا غذا نمی‌خورید؟

﴿۹۲﴾ مَا لَكُمْ لَا تَنْطِقُونَ
چرا حرف نمی‌زنید؟

﴿۹۳﴾ فَرَاغَ عَلَيْهِمْ ضَرْبًا بِالْيَمِينِ
آن‌ها را کوبید
نفسی به راحت کشید، تبر را برداشت جانانه

﴿۹۴﴾ فَأَقْبَلُوا إِلَيْهِ يَزْفُونَ
چه کسی بت‌های ما را خرد کرده است؟
مردم از عیدگاه برگشتند سروصدا کردند که‌ای ابراهیم!

﴿۹۵﴾ قَالَ أَتَعْبُدُونَ مَا تَنْحِتُونَ
می‌پرستید
گفت: بتی را که به دست خود تراشیده‌اید و

﴿۹۶﴾ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ
با اینکه شما و ماده صنعت شما را خدا آفریده

﴿۹۷﴾ قَالُوا أَبْنَاؤُا لَهُو بُنْيَانًا فَأَلْقُوهُ فِي الْجَحِيمِ
روشن کنید، او را بسوزانید
به یکدیگر سفارش کردند، آتش

﴿۹۸﴾ فَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَسْفَلِينَ
سرکوب نمودیم
خواستند او را بسوزانند، ما آن‌ها را

﴿۹۹﴾ وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيَهْدِينِ
باشد به سوی خدای خود می‌روم او مرا هدایت می‌کند
تصمیم گرفتند او را تبعید کنند، گفت:

﴿۱۰۰﴾ رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ
من مرحمت کن
بعد خواهش کرد که‌ای خدا! فرزند صالحی به

﴿۱۰۱﴾ فَبَشِّرْنَهُ بِنُحْمٍ حَلِيمٍ خداوند اسماعیل را به او مرحمت کرد که جوانی
حلیم بود

﴿۱۰۲﴾ فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَبْنَئِي إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَىٰ قَالَ يَا بَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ وقتی بالغ شد و به سعی و طواف مشغول شدند به پسر گفت: خواب دیدم تو را قربانی کنم، هدیه خدای من باشی، نظر تو چیست؟، پسر گفت: به چشم! مأموریت خود را انجام بده، انشاء الله که من صبر می کنم

﴿۱۰۳﴾ فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ وقتی هر دو نفر تسلیم شدند، صورت پسر را به خاک گذاشت

﴿۱۰۴﴾ وَنَدَيْنَاهُ أَنِ يَا إِبْرَاهِيمُ او را صدا زدیم که ابراهیم

﴿۱۰۵﴾ قَدْ صَدَّقْتَ الرُّءْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ خوابت حقیقت پیدا کرد ، ما این طور نیکوکاران را پاداش می رسانیم.

﴿۱۰۶﴾ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ این حادثه آزمایشی عظیم بود

﴿۱۰۷﴾ وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ و جای آن، قربانی عظیم کربلا را مقدر کردیم که دین خدا را حیات بخشید

﴿۱۰۸﴾ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ و این فداکاری را یادگار بزرگی برای آینده قراردادیم

﴿۱۰۹﴾ سَلَّمَ عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ که نام نیک و سلام و درود برای پدر و پسر بود

﴿۱۱۰﴾ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ
اجر نیکوکاران را چنین می‌رسانیم

﴿۱۱۱﴾ إِنَّهُرْ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ
ابراهیم از بندگان مؤمن ما بود

﴿۱۱۲﴾ وَبَشَّرْنَاهُ بِإِسْحَاقَ نَبِيًّا مِّنَ الصَّالِحِينَ
پسرش اسحاق بشارت دادیم و او پیامبری صالح و شایسته بود
به پاداش این فداکاری او را به

﴿۱۱۳﴾ وَبَرَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلَىٰ إِسْحَاقَ وَمِن ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ وَظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ مُبِينٌ
ابراهیم و اسحاق برکت دادیم ، اولاد آنها بعضی صالح و نیکوکار و بعضی ظالم و
گناه‌کار بودند

﴿۱۱۴﴾ وَلَقَدْ مَنَّا عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ
موسی و هارون هم مشمول انعام ما شدند

﴿۱۱۵﴾ وَنَجَّيْنَاهُمَا وَقَوْمَهُمَا مِنَ الْكُرْبِ الْعَظِيمِ
مصیبت بزرگ سلطه فرعون نجات دادیم
آن دو برادر و قومشان را از

﴿۱۱۶﴾ وَنَصَرْنَاهُمْ فَكَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ
آنها را یاری کردیم، بر دشمن خود پیروز
شدند

﴿۱۱۷﴾ وَعَاتَيْنَاهُمَا الْكِتَابَ الْمُسْتَبِينَ
کتابی واضح و روشن‌گر به آنها تعلیم
دادیم

﴿۱۱۸﴾ وَهَدَيْنَاهُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ
آنها را به راه مستقیم سعادت هدایت
کردیم

﴿۱۱۹﴾ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِمَا فِي الْأَخْرَبِ
در زندگی آیندگان

﴿۱۲۰﴾ سَلَّمَ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ
از موسی و هارون سلام و تحیت به یادگار
گذاشتیم

﴿۱۲۱﴾ إِنَّا كَذَلِكْ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم

﴿۱۲۲﴾ إِنَّهُمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ

آن دو برادر از بندگان مؤمن و شاکر ما بودند

﴿۱۲۳﴾ وَإِنَّ إِلْيَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ

الیاس هم از پیامبران ما بود

﴿۱۲۴﴾ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تَتَّقُونَ

قوم خود را هدایت می‌کرد که تقوا داشته باشید

﴿۱۲۵﴾ أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَلْقِينَ

چرا بهترین آفرینندگان را رها

می‌کنید و از بت‌ها سعادتمند می‌طلبید؟

﴿۱۲۶﴾ اللَّهُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ

خدا را که پروردگار شما و

گذشتگان شماست

﴿۱۲۷﴾ فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ

او را تکذیب نمودند، همه آن‌ها در حساب

قیامت حاضر می‌شوند

﴿۱۲۸﴾ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ

مگر بندگان مخلص که حساب و کتابی ندارند

﴿۱۲۹﴾ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ

از الیاس رسول هم در آینده

﴿۱۳۰﴾ سَلَّمَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ إِذْ يَبْسُطُ

نام و نشان خوبی به یادگار گذاشتیم

﴿۱۳۱﴾ إِنَّا كَذَلِكْ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

پاداش نیکوکاران در نظر ما چنین است

﴿۱۳۲﴾ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ

الیاس از بندگان مؤمن ما بود

﴿۱۳۳﴾ وَإِنَّ لُوطًا لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ

لوط هم از رسولان ما به سوی قوم خود بود

﴿۱۳۴﴾ إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ وَأَجْمَعِينَ

او و خانواده‌اش را از زلزله نجات دادیم

﴿۱۳۵﴾ إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ

مگر عجزه همسرش را که گرفتار زلزله شد

﴿۱۳۶﴾ تَمَّ دَمَرْنَا الْآخِرِينَ بقیه قومش را به دست هلاکت سپردیم

﴿۱۳۷﴾ وَإِنَّكُمْ لَتَمُرُّونَ عَلَيْهِمْ مُصْبِحِينَ شما مردم حجاز هر روز صبح

﴿۱۳۸﴾ وَبِالْبَلِيَّةِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ و فردا شب، از خرابه‌های شهر آن‌ها عبور می‌کنید،

چرا عبرت نمی‌گیرید؟

﴿۱۳۹﴾ وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ یونس هم از پیامبران ما بود

﴿۱۴۰﴾ إِذْ أَتَى إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ از تقدیر خدا فرار و به کشتی نشست

﴿۱۴۱﴾ فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ قرعه‌کشی شد و طعمه‌نهنگ گردید

﴿۱۴۲﴾ فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ نهنگ او را بلعید و خود را ملامت می‌کرد

﴿۱۴۳﴾ فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ اگر نبود که تسبیح خداوند می‌کرد

﴿۱۴۴﴾ لَلْبَيْتِ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ تا قیامت در شکم ماهی مدفون بود

﴿۱۴۵﴾ فَنبذنه بالعرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ در حالی که مریض بود، او را در ساحل

دریا رها کردیم

﴿۱۴۶﴾ وَأَنْبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِّنْ يَقْطِينٍ کدو بنی رویانیدیم که سایبانش باشد

﴿۱۴۷﴾ وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَى مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ و بعد او را به سوی امت صد هزار

نفری رسالت دادیم

﴿۱۴۸﴾ فَآمَنُوا فَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ امت به او ایمان آوردند و تا مدتی در زندگی

بهرمند شدند

﴿۱۴۹﴾ فَاسْتَفْتِهِمُ الرِّبَّكَ الْبَنَاتُ وَلَهُمُ الْبُنُونَ از این امت خرافاتی بپرس که

آیا دختران مال خدا و پسران مال شمايند؟

﴿۱۵۰﴾ **أَمْ خَلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ إِنثًا وَهُمْ شَاهِدُونَ** یا آن‌ها دیدند که فرشتگان را به

صورت دختران آفریده‌ایم

﴿۱۵۱﴾ **أَلَا إِنَّهُمْ مِّنْ إِفْكِهِمْ لَيَقُولُونَ** از جمله دروغ سازی آن‌ها اینکه می‌گویند:

﴿۱۵۲﴾ **وَلَدَ اللَّهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ** خدا پسر به دنیا آورده، چه دروغ‌ها می‌گویند

﴿۱۵۳﴾ **أَصْطَفَى الْبَنَاتِ عَلَى الْبَنِينَ** آیا خداوند دختران را بر پسران ترجیح داده

است؟

﴿۱۵۴﴾ **مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ** شما چگونه قضاوت می‌کنید که مناسب شأن

خداوند باشد؟

﴿۱۵۵﴾ **أَفَلَا تَذَكَّرُونَ** چرا حقیقت را به عقل خود درک نمی‌کنید؟ (مخلوق، صنعت

خداست نه جلوه ذات او)

﴿۱۵۶﴾ **أَمْ لَكُمْ سُلْطٰنٌ مُّبِينٌ** شما در اثبات این خرافات چه حجتی دارید؟

﴿۱۵۷﴾ **فَأْتُوا بِكِتَابِكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ** کتاب و دلیل خود را بیاورید اگر

راست می‌گویید

﴿۱۵۸﴾ **وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ نَسَبًا وَلَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ** و

باز آن‌ها بین خدا و جنیان خویشاوندی ساخته‌اند، با اینکه جنیان می‌دانند مثل سایر

مردم در قیامت حساب و کتاب دارند

﴿۱۵۹﴾ **سُبْحٰنَ اللَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ** خدا از این وصف‌ها پاک و منزّه است

﴿۱۶۰﴾ **إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ** مگر بندگان خالص که خدا را مناسب شأن او
وصف می کند

﴿۱۶۱﴾ **فَإِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ** شما خرافاتیان و رهبرانتان

﴿۱۶۲﴾ **مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِفَتِنِينَ** نمی توانید بندگان مخلص خدا را گمراه کنید

﴿۱۶۳﴾ **إِلَّا مَنْ هُوَ صَالِ الْجَحِيمِ** فقط کسانی را گمراه می کنید که در خط
جهنم سازی باشند

﴿۱۶۴﴾ **وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ** ما اخلاص کیشان، هر کدام مقام معینی داریم

﴿۱۶۵﴾ **وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُّونَ** ما مجاهدان آماده به صف در راه خدا هستیم

﴿۱۶۶﴾ **وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ** و تسبیح کنندگان خداوند از روی معرفت هستیم

﴿۱۶۷﴾ **وَإِنْ كَانُوا لَيَقُولُونَ** گرچه کفار می گویند که:

﴿۱۶۸﴾ **لَوْ أَنْ عِنْدَنَا ذِكْرًا مِنَ الْأَوَّلِينَ** اگر ما مانند اهل کتاب، کتابی داشتیم

﴿۱۶۹﴾ **لَكُنَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ** مانند مؤمنین، بندگان مخلص خدا بودیم

﴿۱۷۰﴾ **فَكَفَرُوا بِهِ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ** با این عذر و بهانه ها کافر به اسلام شدند ،
به زودی عاقبت کار خود را خواهند دانست

﴿۱۷۱﴾ **وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ** تقدیر ما درباره اهل ایمان و
پیامبران چنین بوده که

﴿۱۷۲﴾ **إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ** آن ها منصورند، آن ها را یاری می کنیم

﴿۱۷۳﴾ **وَإِنَّ جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ** لشکر ما همه جا غالب و پیروزند

﴿۱۷۴﴾ **فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ** پس آن‌ها را تا آخر عمر به خودشان واگذار (تا محکومیت قطعی پیدا کنند)

﴿۱۷۵﴾ **وَأَبْصِرْهُمْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ** آن‌ها را بینا کن تا بفهمند

﴿۱۷۶﴾ **أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ** آن‌ها عذاب انتقامی ما را با شتاب می‌طلبند

﴿۱۷۷﴾ **فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذَرِينَ** وقتی که عذاب به ساحت زندگی آن‌ها وارد شد، خواهند دانست چه وضع بدی دارند

﴿۱۷۸﴾ **وَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ** آن‌ها را مهلت بده و فاصله بگیر

﴿۱۷۹﴾ **وَأَبْصِرْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ** آگاهی بده خود را خواهند شناخت

﴿۱۸۰﴾ **سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ** پروردگار تو صاحب عزت و کرامت است، از وصف آن‌ها بالاتر است

﴿۱۸۱﴾ **وَسَلِّمْ عَلَى الْمُرْسَلِينَ** درود و سلام بر پیامبران

﴿۱۸۲﴾ **وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ** و حمد و ستایش مخصوص خدا پروردگار عالمیان.

آیاتها ۸۸

سُورَةُ صَّ

المکِّي

روایت‌ها می‌گویند: صاد نهی است مبدأ خیر و برکت، البته همان‌طور که حروف لفظی مبدأ کلمات و عبارات است، حروف سازندگی هم مبدأ خیرات و برکات است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ **صَّ وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ** قسم به نهر خیرات و برکات و این قرآنی که مبادی علم و حکمت است

﴿۲﴾ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ
 کفار همیشه در غرور و تکبر و شکاف
 افکنی در وحدت بشریت اند

﴿۳﴾ كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ فَنَادَوا وَّلَاتَ حِينٍ مَنَاصِ
 چقدر زیاد
 نمونه آن‌ها را در تاریخ گذشته هلاک نمودیم، می‌نالیدند و راه فراری نداشتند

﴿۴﴾ وَعَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِّنْهُمْ وَقَالَ الْكُفِرُونَ هَذَا سِحْرٌ كَذَّابٌ
 تعجب
 می‌کنند که یک هدایت‌کننده از جانب خدا می‌آید، کفار می‌گویند که: ساحر و
 کذاب است

﴿۵﴾ أَجْعَلُ الْآلِهَةَ إِلَهًا وَاحِدًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عُجَابٌ
 می‌گویند: این همه خدایان
 را منحصر به یک خدا دانسته، خیلی عجیب است که می‌گوید: خدا یکی است

﴿۶﴾ وَأَنْطَلِقُ الْمَلَائِكَةُ مِنْهُمْ أَنْ أَمْشُوا وَأَصْبِرُوا عَلَىٰ آيَاتِنَا لَشَيْءٍ يُرَادُ
 سردمداران به یکدیگر سفارش می‌کنند بروید با خدایان خود باشید، وظیفه‌ای است
 که باید جدی بگیرید

﴿۷﴾ مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي الْمِلَّةِ الْآخِرَةِ إِنْ هَذَا إِلَّا آخْتِلَافٌ
 حرف‌هایی که این
 مرد می‌گوید سابقه ندارد، از خودش خلق می‌کند

﴿۸﴾ أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِّنْ ذِكْرِي بَلْ لَمَّا يَذُوقُوا عَذَابِ
 در میان این همه آدم‌ها فقط وحی خدا بر او نازل می‌شود، آن‌ها در دین خدا شک
 دارند، بلکه عذاب الهی را نچشیده‌اند

﴿۹﴾ أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ
 یا خیال می‌کنند که خزائن

رحمت پروردگار بخشنده عزتمند به دست آنهاست

﴿۱۰﴾ **أَمْ لَهُمْ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَلْيَرْتَقُوا فِي الْأَسْبَابِ** یا فکر

می کنند بر عوالم آسمانها و زمین پادشاهی دارند ، پس وسیله فضایی بسازند بالا بروند

﴿۱۱﴾ **جُنْدٌ مَّا هُنَالِكَ مَهْزُومٌ مِّنَ الْأَحْزَابِ** آری، گروهی به فکر سفر فضایی

خواهند بود ولی با شکست روبه رو می شوند (زیرا حرکت در فضای نامتناهی با سفینهها برابر صفر است)

﴿۱۲﴾ **كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ** پیش از اینها قوم نوح

و قوم عاد و ثمود و فرعون که مردم را به میخ می کشیدند، دین خدا را تکذیب کردند

﴿۱۳﴾ **وَتَمُودُ وَقَوْمُ لُوطٍ وَأَصْحَابُ لَيْكَةِ الْأَحْزَابِ** و هم چنین قوم ثمود

و قوم لوط و اصحاب آیکه ، گروه کفر و عناد

﴿۱۴﴾ **إِن كُفَّ إِلَّا كَذَّبَ الرَّسُلَ فَحَقَّ عِقَابِ** تمامی آنها دین خدا و پیامبران را

تکذیب نمودند، مستحق عذاب الهی شدند

﴿۱۵﴾ **وَمَا يَنْظُرُ هَؤُلَاءِ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً مَّا لَهَا مِنْ فَوَاقِ** آن گروه کفر و عناد

در انتظار یک فرمان الهی هستند که بعد از فرمان، مهلت نفس کشیدن ندارند

﴿۱۶﴾ **وَقَالُوا رَبَّنَا عَجِّلْ لَنَا قِطْنَا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ** همه آنها به زبان حال

می گویند: سهم زندگی ما را پیش از حساب قیامت به ما برسان

﴿۱۷﴾ **أَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُدَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ** بر این

گفته‌های سفیهانه صبر کن و برای عبرت، داستان بندهٔ ما داوود را یادآوری کن ، پیامبری که قدرتمند و پناهنده به خدا بود

﴿۱۸﴾ **إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعِشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ** ما کوه‌ها (ابرقدرت‌ها) را مسخر او نمودیم، روز و شب با او به تسبیح خدا مشغول بودند *

* تسخیر جبال به معنای تسخیر ابرقدرت‌های مذهبی و غیرمذهبی است. خداوند متعال از ابرقدرت‌های جامعه که باعث نظام جامعه می‌شوند و آن‌ها را از پاشیدگی و هرج و مرج حفظ می‌کنند تعبیر به جبل می‌کند. داوود و سلیمان در زمان خود دو ابرقدرت منحصر به فرد بودند. آن‌ها به سه نیرو مجهز بودند: اولاً هر دو نفر پیامبر بودند و نفوذ مذهبی داشتند، همچنین به قدرت سلطنتی مجهز بودند. جن و انس یعنی بیابانی‌ها و شهری‌ها در اطاعت آن‌ها بودند و دیگر این که به قدرت الهی اعجازی مجهز بودند. هر وقت سلیمان با خاتم سلیمانی که جاذبه عجیب داشت روی تخت می‌نشست همه کس مرعوب و تسلیم او می‌شدند. چندین نفر روی بساط او می‌نشستند و طوفان، سریع و آرام آن‌ها را از شهری به شهری حرکت می‌داد. طرف صبح برابر یک ماه و عصر برابر یک ماه سرعت داشتند و علاوه از نیات و باطن مردم باخبر بودند. هر کس اراده خیانت می‌کرد فوری مأمور او را دستگیر می‌کرد. کل ابرقدرت‌ها تسلیم بودند با یک نامه مملکت یمن و ملکه را تسلیم خود نمود. بیابانی‌ها را که هزاران نفر بودند کار می‌زد و طعام می‌داد، دیگ‌های وسیع پر از غذا می‌پخت. معادن مس و فلزات دیگر ذوب شده در اختیار آن‌ها بود که به قالب می‌ریختند و دیگ بزرگ می‌ساختند. حشمت سلیمان معروفه که گفته‌اند: لشکر در حال سان دیدن مدتی از جسد بی‌روح او که تکیه به عصا داشته و لشکر بی‌خبر بوده‌اند، خوف داشته‌اند تا خودبه‌خود روی زمین افتاده آزادی یافته‌اند. چنین قدرت و عظمتی از هبوط آدم تا قیام قائم (عج) بی‌سابقه بوده است.

﴿۱۹﴾ **وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً كُلٌّ لَهُمْ آوَابٌ** هم چنین پرندگان، مسخر او و پناهنده به او

بودند

﴿۲۰﴾ وَشَدَدْنَا مُلْكَهُ وَعَاتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَفَصَّلَ الْخِطَابِ
 ارکان سلطنت او را محکم نمودیم، به او حکمت مدیریت و حجت قاطع دادیم

﴿۲۱﴾ وَهَلْ أَتَاكَ نَبُؤُا الْخُصَمِ إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ
 داستان دو نفر دادخواه او به نظرت رسید که اطراف محراب او را گرفتند

﴿۲۲﴾ إِذْ دَخَلُوا عَلَى دَاوُدَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ قَالُوا لَا تَخَفْ خَصِمَانِ بَغَى بَعْضُنَا عَلَى بَعْضٍ فَأَحْكُم بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ وَأَهْدِنَا إِلَى سَوَاءِ الصِّرَاطِ
 گفتند: نترس! ، ما باهم نزاع داریم، یکی متجاوز و یکی مدافع است، بین ما عادلانه قضاوت کن و ما را به راه راست هدایت نما

﴿۲۳﴾ إِنَّ هَذَا أُخِي لَهُو تَسَعُّ وَتَسْعُونَ نَعَجَةً وَاخِي نَعَجَةٌ وَاحِدَةٌ فَقَالَ أَكْفَلْنِيهَا وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ
 این برادر من نودونه گوسفند دارد و من یک گوسفند، می گوید: آن یکی را هم به من بده، در سخن پرانی بر من غالب است

﴿۲۴﴾ قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعَجَتِكَ إِلَى نِعَاجِهِ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَّا هُمْ وَظَنَّ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ
 داوود گفت: به تو ستم می کند که گوسفند تو را می طلبد، بسیاری از شرکای قوی تر هستند بر ضعفا می تازند مگر اهل ایمان و عمل صالح که بسیار کمند ، داوود به ناگاه ملتفت شد که این دادخواهی آزمایش و تنبیه او بوده، متنبه شد و به سجده افتاد به خدا پناهنده شد

﴿۲۵﴾ فَغَفَرْنَا لَهُو ذَلِكَ وَإِنَّ لَهُو عِنْدَنَا لَزُلْفَى وَحُسْنَ مَّعَآبِ
 ما نیز گناه او را بخشیدیم ، داوود از نظر ما دارای مقام و حُسن عاقبت است

﴿۲۶﴾ يٰدَاوُدُ اِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْاَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوٰى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ اِنَّ الَّذِيْنَ يَضِلُّوْنَ عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيْدٌ
 بِمَا نَسُوْا يَوْمَ الْحِسَابِ ای داوود! ما تو را در زمین خلافت دادیم، بین مردم به حق

قضاوت کن، از هوی و هوس بپرهیز که هوای نفس تو را منحرف می کند، کسانی که از راه خدا منحرف می شوند، عذاب سختی دارند که روز حساب را فراموش می کنند

﴿۲۷﴾ وَمَا خَلَقْنَا السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَطِيْلًا ذٰلِكَ ظَنُّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا فَوَيْلٌ
 لِلَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنَ النَّارِ ما آسمان و زمین و آنچه بین آنهاست به بازی

نیافریدیم، کفار چنین خیال می کنند، وای به حال کفار و این بازیگری که عاقبت گرفتار آتش می شوند

﴿۲۸﴾ اَمْ نَجْعَلُ الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا وَعَمِلُوْا الصّٰلِحٰتِ كَالْمُفْسِدِيْنَ فِي الْاَرْضِ اَمْ نَجْعَلُ
 الْمُتَّقِيْنَ كَالْفَجَّارِ آیا آنها خیال می کنند که ما زندگی اهل ایمان و عمل صالح را

با زندگی مفسدین برابر خواهیم ساخت و یا خیال می کنند که پرهیزکاران مانند جنایت کاران هستند؟

﴿۲۹﴾ كِتٰبٌ اَنْزَلْنٰهُ اِلَيْكَ مُبْرَكٌ لِّيَدَّبَّرُوْا ءَايٰتِهٖ وَلِيَتَذَكَّرَ اُولُو الْاَلْبٰبِ ما

این کتاب با برکت را نازل کردیم تا در مندرجات آن تفکر کنند، خردمندان حقیقت آن را درک کنند

﴿۳۰﴾ وَوَهَبْنَا لِداوُدَ سُلَيْمٰنَ نِعَمَ الْعَبْدِ اِنَّهٗٓ اَوْابٌ ما به خلیفه خود داوود،

پسری مانند سلیمان بخشیدیم، چه بنده خوبی بود سلیمان، پناهنده به خدا بود

﴿۳۱﴾ اِذْ عُرِضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصّٰفِنٰتُ الْجِيَادِ روزی نزدیک شام گاه

اسب‌های برجسته برابر او سان رفتند

﴿۳۲﴾ فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَن ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ گفت:

چنان جذب نمایش اسب‌ها شدم که از یاد خداوند غافل شدم و خورشید به غروبگاه رفت

﴿۳۳﴾ رُدُّوَهَا عَلَيَّ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ دستور داد اسب‌ها را

برگردانند، دست به سر و صورت آن‌ها می‌مالید

﴿۳۴﴾ وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَأَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ ما سلیمان را در

اثر فریفتگی به سلطنت آزمایش کردیم، کرسی سلطنت او را به دست دیوی سپردیم، بعد از تنبه پناهنده به خدا شد و توبه کرد

﴿۳۵﴾ قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِّنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ

عرضه داشت: پروردگارا! از گناه من درگذر و سلطنتی به من مرحمت کن که شایسته دیگری نباشد، تو بخشنده و مهربانی

﴿۳۶﴾ فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ خواهش او را اجابت

کردیم و نیروی باد را به فرمان او درآوردیم، بساط سلطنت او را با یارانش آرام آرام از شهری به شهری حرکت می‌داد (صبح‌ها برابر یک ماه و عصرها برابر یک ماه سرعت داشت)

﴿۳۷﴾ وَالشَّيَاطِينِ كُلِّ بَنَاءٍ وَغَوَاصٍ جنیان و شیاطین متمرّد را مسخر خود کرد،

آن‌ها را به بنایی و غواصی و کارهای دیگر وادار نمود

﴿۳۸﴾ وَعَاخِرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ هر کدام از فرمان او سرپیچی می‌کرد، به

زندان و غل و زنجیر می کشید (جنیان و دیوها انسان‌های وحشی بوده‌اند که سلیمان آن‌ها را به تمدن و شهرنشینی عادت داد)

﴿۳۹﴾ هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أُمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ به سلیمان گفتیم که: این همه ثروت و قدرت بخشش ماست، هر چه می خواهی بدون حساب مصرف کن

﴿۴۰﴾ وَإِنَّ لَهُوَ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنِ مَقَابٍ او به اضافه این سلطنت، در نزد ما آبرومند و خوش عاقبت است

﴿۴۱﴾ وَاذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ وَ أَنَّىٰ مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ بنده ما ایوب را هم یادآوری کن، آنجا که به خدا نالید که ای خدا! شیاطین و بدکاران مرا در شکنجه و عذاب قراردادند

﴿۴۲﴾ أَرْكُضْ بِرَجْلِكَ هَذَا مَغْتَسلُ بَارِدٍ وَشَرَابٌ به او گفتیم: پایت را به زمین بزن!، چشمه آب گوارایی برای شستشو و آشامیدن آماده است (در اثر شستشو امراضش برطرف شد)

﴿۴۳﴾ وَوَهَبْنَا لَهُ ذُرِّيَّتَهُ وَأَهْلَهُ وَمِثْلَهُم مَّعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا وَذِكْرَىٰ لِأُولِي الْأَلْبَابِ به لطف و رحمت خود خانواده‌اش را برابر گذشته به او بخشیدیم تا این غنای بعد از فقر یادآوری لطف خدا برای خردمندان باشد

﴿۴۴﴾ وَخُذْ بِيَدِكَ ضِغْثًا فَاصْرِبْ بِهِ وَلَا تَحْنُتْ إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ وَءَابٌ برای تبرئه قسم، گفتیم: یک دسته چوب صد شاخه‌ای بزند، ایوب بنده صابری بود، چه بنده خوبی، پناهنده به خدا بود

﴿۴۵﴾ وَاذْكُرْ عَبْدَنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولِي الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ بندگان

ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را هم یادآوری کن که صاحب قدرت ایمان و بصیرت بودند

﴿۴۶﴾ **إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ** ما برای آنها در دنیا و آخرت یادواره نیک به وجود آوردیم

﴿۴۷﴾ **وَإِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيَارِ** آنها در نزد ما از صاف شدگان و پاک شدگان و نیکان بودند

﴿۴۸﴾ **وَأذْكُرْ إِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَذَا الْكِفْلِ وَكُلٌّ مِنَ الْأَخْيَارِ** اسماعیل و الیسع و ذالکفل و سایر نیکان را هم یادآوری کن

﴿۴۹﴾ **هَذَا ذِكْرٌ وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لِحُسْنِ مَقَابِ** این آیات یادآوری آنهاست ، اهل تقوا نزد ما چه عاقبت خوبی دارند

﴿۵۰﴾ **جَنَّاتٍ عَدْنٍ مُمَفَّتحةً لَهُمُ الْأَبْوَابُ** یعنی بهشت معدن تمامی نعمتها و همه جا درها به روی آنها باز است

﴿۵۱﴾ **مُتَّكِينٍ فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا بِفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ وَشَرَابٍ** در آن زندگی به قدرت حق تکیه دارند، هرچه بخواهند از میوهها و شربت‌ها در اختیارشان قرار می‌گیرد

﴿۵۲﴾ **وَعِنْدَهُمْ قَصِيرَاتُ الطَّرْفِ أَثْرَابُ** در کنار همسران شوهردوست و زیبا چشم

﴿۵۳﴾ **هَذَا مَا تُوْعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ** نعمتهایی است که روز حساب به شما

اهل ایمان وعده داده است

﴿۵۴﴾ إِنَّ هَذَا لَرِزْقُنَا مَا لَهُ مِنْ نَفَادٍ
اینها روزی‌های ماست که تمام شدنی
نیست

﴿۵۵﴾ هَذَا وَإِنَّ لِلطَّالِعِينَ لِشَرِّ مَعَابٍ
و باز ببین! طغیانگران چه عاقبت بدی دارند

﴿۵۶﴾ جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمِهَادُ
جهنمی که خودشان علیه خودشان روشن
می‌کنند، چه بد مکتبی است جهنم سازی

﴿۵۷﴾ هَذَا فَلْيَذُوقُوهُ حَمِيمٌ وَغَسَّاقٌ
بچشید عذاب را، بهره شما به جز آب داغ و
چرک و خون چیزی نیست

﴿۵۸﴾ وَعَاخِرُ مِنْ سُكْلِهِمْ أَزْوَاجٌ
و غذاهای دیگر نمونه آنها

﴿۵۹﴾ هَذَا فَوْجٌ مُقْتَحِمٌ مَعَكُمْ لَا مَرْحَبًا بِهِمْ إِنَّهُمْ صَالُوا النَّارِ
همه به
یکدیگر می‌تازند که خیر نبینید، آن گروه از جنس شما و همکاران شما بودند که
چنین آتشی روشن کردند

﴿۶۰﴾ قَالُوا بَلْ أَنْتُمْ لَا مَرْحَبًا بِكُمْ أَطَّ أَنْتُمْ قَدَّمْتُمُوهُ لَنَا فَبِئْسَ الْقَرَارُ
طایفه
دیگر به آنها می‌گویند: شما خیر نبینید، شما بودید که چنین جهنمی برای ما درست
کردید، چه بد جایی که ساختید

﴿۶۱﴾ قَالُوا رَبَّنَا مَنْ قَدَّمَ لَنَا هَذَا فَزِدْهُ عَذَابًا ضِعْفًا فِي النَّارِ
عاقبت هر دو
طایفه می‌گویند: خدایا! هر کس چنین آتشی روشن کرده، عذاب او را چند برابر کن

﴿۶۲﴾ وَقَالُوا مَا لَنَا لَا نَرَى رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُمْ مِنَ الْأَشْرَارِ
و باز همه آنها داد

می‌زنند که چرا کسانی را که از اشرار می‌شناختیم اینجا نمی‌بینیم

﴿۶۳﴾ **أَتَّخَذْنَهُمْ سِحْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمْ الْأَبْصَارُ** ما آن‌ها را مسخره می‌کنیم که اهل بهشت را نمی‌بینند یا چشم آن‌ها عوضی می‌بیند که به عینک سیاه خود، بهشتی را جهنمی می‌بینند

﴿۶۴﴾ **إِنَّ ذَلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ النَّارِ** آنچه در این آیات می‌بینید، حقیقت داستان اهل جهنم است که با یکدیگر جنگ و جدال دارند

﴿۶۵﴾ **قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنذِرٌ وَمَا مِنِّي إِلَهٌ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ** به مردم بگو که: من فقط شما را از عاقبت کفر و گناه می‌ترسانم، خدایی به جز خدای واحد قهار نیست

﴿۶۶﴾ **رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ** پروردگار آسمان و زمین و آنچه میان آن‌هاست، خدای عزتمند و آمرزنده

﴿۶۷﴾ **قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ** این قرآن و یا قرآن ناطق، نباء عظیم و علمی است بی‌پایان

﴿۶۸﴾ **أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ** ولیکن شما از این نباء عظیم اعراض می‌کنید

﴿۶۹﴾ **مَا كَانَ لِي مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَائِكَةِ الْأَعْلَىٰ إِذْ يَخْتَصِمُونَ** من محیط به علم خدا نیستم که مردم در قیامت چگونه با یکدیگر مخاصمه دارند

﴿۷۰﴾ **إِنْ يُوحَىٰ إِلَيَّ إِلَّا أَنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ** فقط به من وحی می‌شود، من یک پیامبرم، مأمور هدایت شما

﴿۷۱﴾ **إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَلِيقٌ بَشَرًا مِّنْ طِينٍ** به یاد زمانی باشید که

خداوند به فرشتگان گفت: می‌خواهم انسانی از گل و خاک بیافرینم

﴿۷۲﴾ فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ وقتی که او را

آفریدم، به اعتدال آوردم و از روح علم و ایمان در او دمیدم، شما او را سجده کنید

﴿۷۳﴾ فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ تمامی فرشتگان، آدم را سجده نمودند

(فرشتگان مانند برق، عوامل آفرینش هستند که در اختیار انسان کامل قرار می‌گیرند)

﴿۷۴﴾ إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ مگر ابلیس که خود را بزرگ

دانست و کافر به خدا بود *

* در آیات آخر سوره صاد، خداوند کل بشریت را از هبوط آدم تا قیام قائم که در واقع به دو گروه کافر و مؤمن تقسیم شده‌اند، به صورت دو فرد مؤمن و کافر در افکار مجسم می‌کند زیرا حقیقتاً میلیون‌ها نفر در یک راه و یک مرام مانند یک نفرند. همیشه یک نفر ممتاز درجه یک در رأس کفار و یک نفر ممتاز درجه یک در رأس اهل ایمان قرار می‌گیرند. کفار به طبیعت آتش تربیت شده‌اند، نظام عقلی و عقلایی ندارند و مؤمنین به طبیعت خاک، در نظام عقلی و الهی هستند. لذا مولا(ع) را به کلمه ابو تراب تعریف کردند. زبان حال کفار و رئیس آن‌ها این است که به زرق و برق خود و نشان و مدال خود می‌نازند. فرعون می‌گوید: اگر موسی آدم است چرا طلا و جواهرات ندارد. آن‌ها در خط کفر و گناه فعالیت دارند منطق عملی آن‌ها این است که ای خدا! همه بندگان تو را گمراه می‌کنیم و به آتش می‌کشانیم زیرا آخرین رمز قدرت آن‌ها آتش‌های هسته‌ای است، خدا با این منطق کفر و کفار چه کند؟ آیا آن‌ها را نابود کند یا مهلت دهد تا در مسیر آتش‌سازی و آتش‌سوزی به دست خودشان نابود شوند؟ البته مهلت بهتر است. زیرا بسیاری از پیروان و گول‌خوردگان آن‌ها که به مرز خطر می‌رسند از خط کفر و گناه برمی‌گردند. خداوند به انتظار پشیمانی به آن‌ها مهلت می‌دهد. هرکس توبه کرد و برگشت مستحق عفو است و هرکس برنگشت مستحق خلود است.

﴿۷۵﴾ قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي اسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ

مِنَ الْعَالِينَ خدا به ابلیس فرمود: چه مانعی پیدا شد تا انسانی را که به دست خود ساخته‌ام سجده نکنی، تکبر تو را فراگرفت یا از آن بزرگان بودی

﴿۷۶﴾ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ گفت: من از او بهترم که مرا از آتش و او را از خاک آفریده‌ای

﴿۷۷﴾ قَالَ فَأَخْرِجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ فرمود: از جوار من بیرون شو که تو در معرض لعن و رجم خواهی بود

﴿۷۸﴾ وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ تا روز قیامت ملعون مطرود به لعن من هستی

﴿۷۹﴾ قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ شیطان گفت: تا روز قیامت به من مهلت بده

﴿۸۰﴾ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ فرمود: مانعی ندارد، مهلت خواهی داشت

﴿۸۱﴾ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ تا روز معین و معلوم (روز ظهور امام زمان عج)

﴿۸۲﴾ قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ گفت: قسم به عزت که همه آن‌ها را گمراه خواهم نمود

﴿۸۳﴾ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ مگر بندگان مخلص تو را که نتوانم اغوا کنم

﴿۸۴﴾ قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقُّ أَقُولُ فرمود: من هم به حقیقت می‌گویم

﴿۸۵﴾ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّن تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ که جهنم را از تو و جمیع پیروانت پر خواهم کرد

﴿۸۶﴾ قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ به مردم بگو: من

در برابر خدمات اجری نمی‌خواهم و شما را هم بر قبول دین مجبور نمی‌کنم

﴿۸۷﴾ إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ این قرآن علم تمام عالمیان است که باید بخوانند

و بدانند

﴿۸۸﴾ وَلَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ در انتهای زندگی خواهید دانست که آنچه

گفته‌ام حقیقت دارد. (کافر و مشرک مظهر ماده و طبیعت‌اند که بدون نظام به طبیعت آتش

تربیت می‌شوند، تسلیم اولیاء خدا نمی‌شوند و مؤمنین را اغوا می‌کنند).

آیاتها ۷۵

سُورَةُ الزَّمْرِ

المکّی

این سوره به مناسبت اینکه حرکت بشریت را به صورت کاروان به سوی بهشت یا جهنم ترسیم می‌کند، زمر نامیده شده است. زمر یعنی کاروان حرکت.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ این سوره کتابی است که از جانب

خدای عزیز و حکیم نازل شده است

﴿۲﴾ إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ما این قرآن

را به حق بر تو نازل کردیم، بنده خدا باش و دینت را برای خدا خالص کن

﴿۳﴾ أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا

لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا

يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ فقط دین خالص برای خدا مصداق پیدا می‌کند،

کسانی که غیر از خداوند کسی یا چیزی را می پرستند و می گویند: برای تقرب به خدا آن‌ها را می پرستیم، خدا روز قیامت در این عقاید بین آن‌ها قضاوت می کند ، آنچه مسلم است خداوند کافران را هدایت نمی کند

﴿۴﴾ لَوْ أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا لَأَصْطَفَىٰ مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ ۗ سُبْحَانَهُ ۗ هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ

اگر کسی را به فرزندی بپذیرد از خلائق خود بهترین را انتخاب می کند ، خداوند منزّه است که رابطه فرزندی با کسی داشته باشد ، خداوند غالب و قاهر است

﴿۵﴾ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ ۗ يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ ۗ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ۗ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ۗ أَلَا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ

او عوالم آسمان و زمین را به حق آفریده ، شب را بر روز و روز را بر شب می گرداند ، ماه و خورشید را مسخر خود نموده که هر یک در دایره خود تا مدت معینی گردش دارند ، او غالب و آمرزنده است

﴿۶﴾ خَلَقَكُمْ مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِّنَ الْأَنْعَامِ ثَمَنِيَّةً ۚ أَزْوَاجًا يَخْلُقْكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِّنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ ۗ ذَٰلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ ۗ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۗ فَآئِنِّي تُصْرَفُونَ

شما را از یک خمیر و یک نفس آفرید و از همان جنس همسرش را خلق کرد، هشت جفت گاو و شتر و بز و میش آفرید ، در رحم مادر و در تاریکی سه برابر به شما اشکال مختلف داد ، این است خدا پروردگار شما ، پادشاهی مخصوص اوست ، خدایی به جز او نیست، به کجا می روید؟

﴿۷﴾ إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنكُمْ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ ۗ وَإِنْ تَشْكُرُوا

يَرْضَهُ لَكُمْ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

اگر کافر شوید خدا از بندگانش بی نیاز است ، کفر شما را نمی پسندد بلکه شکرگزاری شما را می پسندد ، هیچ کس بار مسئولیت دیگری را قبول ندارد ، بازگشت همه به سوی خداست و شما را به نتایج اعمالتان آگاه می کند ، از آنچه در نیت شماست خبر دارد

﴿۸﴾ وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِّنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُوًا إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ وَجَعَلَ لِلَّهِ أَنْدَادًا لِّيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ

انسان چنین است که اگر ضرری ببیند به خدا پناه می برد، خواهش و تمنا دارد و وقتی به ثروت و نعمت برسد، فراموش می کند که به خدا پناه برده و از او دفع ضرر خواسته به علاوه دیگری را شریک خدا می سازد تا مردم را گمراه کند ، بگو: ای ناسپاس! از کفر خود بهره مند باش ، عاقبت اهل جهنم خواهی بود

﴿۹﴾ أَمْ مَنْ هُوَ قَائِمٌ عَانَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ

کسی که نیمه های شب در سجود و قیام است و از مسئولیت آخرت می ترسد و امید به رحمت خدا بسته، مثل دیگران است؟، بگو: آیا دانا و نادان باهم مساوی اند؟ ، فقط خردمندان حقیقت را درک می کنند

﴿۱۰﴾ قُلْ يَاعِبَادِ الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ

بگو: بندگان مؤمنم! هر چه ممکن است تقوا پیشه کنید ، کسانی که احسان می کنند، در این دنیا احسان

می بینند ، زمین خدا وسیع است و اجر صابرین بی حساب است

﴿۱۱﴾ قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ بگو: من مأمور شدم در

اطاعت خدا و بنده او باشم، دین خود را برای او خالص کنم

﴿۱۲﴾ وَأُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ مأمور شدم اولین مسلمان باشم

﴿۱۳﴾ قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ از روز عظیم قیامت

می ترسم که نافرمانی کنم

﴿۱۴﴾ قُلِ اللَّهُ أَعْبُدُ مُخْلِصًا لَهُ دِينِي باید در اطاعت خدا باشم، دین خود را برای

او خالص گردانم

﴿۱۵﴾ فَأَعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ

وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ شما آزادید از هر کسی به جز

خدا اطاعت کنید ، بزرگ ترین زیان کار کسی است که روز قیامت به جان خود و

وابستگان خود ضرر می زند ، این خسارت قابل جبران نیست

﴿۱۶﴾ لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِنَ النَّارِ وَمِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ذَلِكَ يُخَوِّفُ اللَّهَ بِهِ عِبَادَهُو

يَعْبَادِ فَاتَّقُوا عاقبت در وضعی قرار می گیرند که از جانب ملت و دولت از زیر

پا و بالای سر در محاصره آتشاند ، آتشی است که خداوند بندگان خود را از آن

می ترساند که ای بندگان! تقوا پیشه کنید

﴿۱۷﴾ وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى فَبَشِّرْ

عِبَادِ کسانی که از اطاعت طاغوت اجتناب دارند و به سوی خدا توبه و انابه دارند

، به حسن عاقبت مزدگانی بده

﴿۱۸﴾ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ

وَأُولَئِكَ هُمُ أُولُوا الْأَلْبَابِ همان‌ها که گفته‌ها را می‌شنوند و بهترین آن را ملاک

عمل قرار می‌دهند ، آن‌ها کسانی هستند که خدا قلب آن‌ها را هدایت نموده ، آن‌ها خردمندان هستند

﴿۱۹﴾ أَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ أَفَأَنْتَ تُنقِذُ مَنْ فِي النَّارِ کسی که

محکومیت او از جانب خدا قطعی شده است، آیا می‌توانی او را از آتش نجات بدهی؟

﴿۲۰﴾ لَكِنِ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِّنْ فَوْقِهَا غُرَفٌ مَّبْنِيَّةٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا

الْأَنْهَارُ وَعَدَّ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ ولیکن اهل تقوا در غرفه‌های بهشت

زندگی می‌کنند، نعمت‌های الهی برای آن‌ها مانند نهر در جریان است ، این وعده خدا

است و خدا خلف وعده نمی‌کند (این غرفات مراتب و جودی و تکاملی انسان است که بر

پایه آن، زندگی تفاوت پیدا می‌کند)

﴿۲۱﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ وَيَنْبِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ

بِهِ زَرْعًا مُّخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيَجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَامًا إِنَّ فِي ذَلِكَ

لَذِكْرَى لِرَأْسِ الْأَلْبَابِ مگر نمی‌بینی چگونه خداوند از آسمان آب نازل می‌کند و

به صورت چشمه‌ها به جریان می‌اندازد و با آن زراعت‌ها را در شکل‌های مختلف

می‌رویاند و بعد از چندی طراوت زراعت را می‌برد، زرد می‌شود و می‌خشکد ، تمامی

این تحولات و تغییرات برای خردمندان درس و دانش است

﴿۲۲﴾ أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُو لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِّنْ رَبِّهِ فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ

قُلُوبُهُمْ مِّنْ ذِكْرِ اللَّهِ أَوْلَيْكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ آیا کسی که خداوند برای اسلام به او شرح صدر داده و قلب او را روشن کرده مانند کسی است که در تاریکی به سر می‌برد؟ ، وای به حال کسی که قساوت قلب دارد و از نام خدا متأثر نمی‌شود ، آن‌ها گمراه‌اند

﴿۲۳﴾ اللَّهُ نَزَلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُّتَشَابِهًا مَّثَانِي تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَىٰ اللَّهُ يَهْدِي بِهِ مَن يَشَاءُ وَمَن يُضِلِلِ اللَّهُ فََمَا لَهُ مِن هَادٍ خدا بهترین حدیث را برای شما نازل کرده کتابی با آیات متشابه و دو معنایی، کسانی که عظمت خدا را درک می‌کنند، تن آن‌ها می‌لرزد و بعد به یاد لطف خدا آرامش پیدا می‌کنند ، این هدایت الهی است که با آن هر کسی را بخواهد هدایت می‌کند و کسی را که گمراه کند هدایت‌گری نخواهد داشت

﴿۲۴﴾ أَفَمَن يَتَّقِي بِوَجْهِهِ سُوءَ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَقِيلَ لِلظَّالِمِينَ ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ آیا کسی که روز قیامت عذاب را با صورت خود دفع می‌کند مانند اهل بهشت است؟، به ظالمین گفته می‌شود: عذاب الهی را بچشید

﴿۲۵﴾ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَاَتَتْهُمْ الْعَذَابُ مِن حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ گذشتگان عذاب خدا را تکذیب نمودند ولیکن از جایی که نمی‌دانستند سرشان آمد

﴿۲۶﴾ فَأَذَاقَهُمُ اللَّهُ الْخِزْيَ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ خداوند عذاب رسوایی را در دنیا به آن‌ها چشانید ، اگر عقل خود را به کار اندازند می‌فهمند که عذاب آخرت سخت‌تر است

﴿۲۷﴾ وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

حقایق این قرآن را در لباس تشبیه برای تو ذکر می کنیم شاید که مردم بفهمند

﴿۲۸﴾ قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ

این قرآن، عیب و نقص ادبی و یا علمی ندارد، شاید از این کتاب درس تقوا فرا گیرند

﴿۲۹﴾ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَكِّسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ

يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

خداوند برای بندگان خود و بت پرستان مثل می زند ، آیا مردی که برده چند نفر ارباب است و هر کدام به او دستوری می دهند با مردی که فقط یک مولا دارد مساوی اند؟، الحمد لله که اکثر آنها نمی دانند

﴿۳۰﴾ إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ

تو ای رسول من! خواهی مرد و دیگران هم می میرند

﴿۳۱﴾ ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عِنْدَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ

و بعد همه شما روز قیامت باهم محشور می شوید و جدال و نزاع دارید

(جزء ۲۴) ﴿۳۲﴾ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَّبَ بِالصِّدْقِ إِذْ جَاءَهُ أَلَيْسَ

فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ

چه کسی ظالم تر است از کسی که به خدا دروغ می بندد و رسول صادق را تکذیب می کند؟، آیا عذاب جهنم که آخرین نتیجه کفر است برای کفار کافی نیست؟

﴿۳۳﴾ وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ

پیامبری که مردم را به حق دعوت می کند و مؤمنی که او را تصدیق می کند ، هر دو اهل تقوا هستند

﴿۳۴﴾ لَّهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ

آن‌ها هر چه بخواهند

نزد خدا برایشان محفوظ است ، جزای نیکوکاران چنین است

﴿۳۵﴾ لِيُكَفِّرَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي عَمِلُوا وَيَجْزِيَهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ الَّذِي كَانُوا

يَعْمَلُونَ خداوند با نیکوکاری آثار اعمال بد را از وجود آن‌ها می‌زداید و در برابر

بهترین اعمال به آن‌ها پاداش می‌دهد

﴿۳۶﴾ أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ وَيُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ مِنْ دُونِهِ وَمَنْ يُضِلِّ اللَّهُ

فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ مگر خدا برای اداره بندگان خود کافی نیست که آن‌ها تو را از

غیر خدا می‌ترسانند؟ ، آن‌ها گمراه‌اند و کسی را که خدا واگذار کند، هدایت‌کننده

نخواهد داشت

﴿۳۷﴾ وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُضِلٍّ أَلَيْسَ اللَّهُ بِعَزِيزٍ ذِي انْتِقَامٍ و یا اگر

خدا کسی را هدایت کند گمراه‌کننده ندارد ، خداوند غالب و انتقام‌گیر است

﴿۳۸﴾ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ مَا

تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّيهِ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ

هَلْ هُنَّ مُمْسِكَتُ رَحْمَتِيهِ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ

اگر از آن‌ها

پرسی چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفرید، به دلیل بدهت علم همه می‌گویند: خدا ،

بگو: پس شما که مرا از غیر خدا می‌ترسانید اگر خدا ضرری به من برساند، آن

خدایان می‌توانند ضرر الهی را از من بگردانند یا اگر نفعی به من برساند آن‌ها می‌توانند

مانع شوند؟، پس خدا مرا کافی است، توکل‌کنندگان به خدا توکل کنند

﴿۳۹﴾ قُلْ يٰقَوْمِ أَعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَمِلْتُ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ

شما طبق

موقعیت خود عمل کنید من هم بر طبق موقعیت خودم ، به زودی خواهید دانست چه کسی موفق است

﴿۴۰﴾ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ و خواهید دانست که آن عذاب رسواکننده سر چه کسی خواهد آمد و در آن حبس ابد خواهد شد

﴿۴۱﴾ إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ ضَلَّٰ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنْتَ بِوَكِيلٍ ما این کتاب را به حق نازل کردیم ، هر کس هدایت شود به نفع خود هدایت شده و هر کس گمراه شود به ضرر خود ، تو وکیل محافظ و مدافع آن ها نیستی

﴿۴۲﴾ اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ خداست که هنگام خواب و مرگ جان انسان را می گیرد و بعد از خواب اگر مرگ مقدر شد، جان خوابیده را حبس می کند و الا دو مرتبه آن را برمی گرداند تا عمر مقدر تمام شود ، این خوابیدن و مردن برای انسان های متفکر، درس شناسایی خداوند است

﴿۴۳﴾ أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ شُفَعَاءَ قُلْ أُولَٰئِكَ لَا يَمْلِكُونَ شَيْئًا وَلَا يَعْقِلُونَ مشرکین سوای خداوند شریک و شفیع تراشیده اند، بگو: مگر نمی بینید که آن شرکاء مالک چیزی نیستند و عقل و شعوری ندارند

﴿۴۴﴾ قُلْ لِلَّهِ الشَّفَعَةُ جَمِيعًا ۖ لَهُ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۗ ثُمَّ اِلَيْهِ تُرْجَعُونَ بگو: وسایل نجات همه به دست خداوند است ، پادشاهی بر عوالم آسمان ها و زمین با اوست و عاقبت به او مراجعه خواهید کرد *

* پادشاهی خدا بر عوالم دلیل است که این فضای پُرسِتاره میلیون‌ها کره مسکونی مانند زمین ما دارد که پُر از انسان عاقل است. خدا بر آن‌ها حکومت می‌کند زیرا پادشاهی حکومت بر ذوی‌العقول است نه بر جمادات و نباتات. آیات قرآن صراحت دارد که در حکومت امام زمان (عج) اهل زمین با اهل آن عوالم محشور می‌شوند.

﴿۴۵﴾ **وَإِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَإِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ** وقتی خدا و دین او تبلیغ می‌شود، دل کسانی که ایمان به آخرت ندارند مضمز می‌شود، اما اگر از غیر خدا سخن به میان آید، خوش حال می‌شوند

﴿۴۶﴾ **قُلِ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ عَلِيمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِي مَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ** بگو: ای خدا! فقط تویی خالق آسمان‌ها و زمین، عالم به آشکار و پنهان، تو بین بندگان در اختلافاتی که دارند قضاوت می‌کنی

﴿۴۷﴾ **وَلَوْ أَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ مِنْ سُوءِ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَبَدَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ** ثروتمندان چندین برابر ثروت زمین، در اختیار داشته باشند حاضرند برای نجات خود فدا کنند، با عذاب‌هایی از جانب خداوند روبه‌رو می‌شوند که هرگز خیال نمی‌کردند

﴿۴۸﴾ **وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ** نتایج اعمال بدشان برابر چشمشان ظاهر می‌شود، شرّ آن‌همه مسخره‌ها و استهزاها به خودشان برمی‌گردد

﴿۴۹﴾ **فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مِّنَّا قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ** انسان چنان وضعی دارد که اگر

بلایی به او برسد به ما پناهنده می‌شود و بعد از آن که به ثروت و نعمت می‌رسد می‌گوید: به عقل خودم بود به خدا مربوط نیست، خبر ندارد که ما با این فقر و غنا او را آزمایش می‌کنیم گرچه بسیاری از مردم خبر ندارند

﴿۵۰﴾ قَدْ قَالَهَا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ثروتمندان تاریخ هم، چنین بودند ولی از کسب و کارشان برای رفع و دفع عذاب آخرت سودی نبردند

﴿۵۱﴾ فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَالَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ هَؤُلَاءِ سَيُصِيبُهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ نتایج بد اعمال آن‌ها به آن‌ها اصابت کرد، ستم‌کاران دیگر هم دنباله‌رو اعمال آن‌ها هستند، به همین زودی به نتایج اعمالشان خواهند رسید، نمی‌توانند خدا را از اجرای مقدرات خود بازدارند

﴿۵۲﴾ أَوْ لَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ مگر نمی‌بینند که خدا روزی هر کسی را بخواهد وسعت می‌دهد و بر دیگری تنگ می‌گیرد، این وسعت و تنگی برای اهل ایمان، آیت قدرت و حکمت خداوند است

﴿۵۳﴾ قُلْ يَاعِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ابلاغ کن که‌ای بندگان من که به خود ستم کرده و مرتکب گناه شده‌اید! از رحمت خدا مأیوس نباشید که خدا از جمیع گناهان شما می‌گذرد، او آمرزنده و مهربان است

﴿۵۴﴾ وَأَنْبِئُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ

به سوی خدا گرایش پیدا کنید و پیش از آن که عذاب الهی شما را فراگیرد، تسلیم خدا شوید مبادا از نصرت او محروم باشید

﴿۵۵﴾ **وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ** پیش از آن که عذاب ناگهانی قیامت شما را فرا گیرد، از آیات حیات بخش قرآن استفاده کنید

﴿۵۶﴾ **أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ وَإِن كُنْتُ لَمِنَ السَّاخِرِينَ** مبادا حسرت آن روز شما را فرا گیرد که ای وای! در حضور خدا مرتکب گناه شدیم و اولیاء خدا را مسخره کردیم

﴿۵۷﴾ **أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ** یا ناراحت نشوید که اگر خدا ما را هدایت می کرد، با تقوا شده بودیم

﴿۵۸﴾ **أَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً فَأَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ** یا وقتی که با عذاب روبه رو شوید، آرزو کنید که اگر دومرتبه به دنیا برگردیم، نیکوکار خواهیم بود

﴿۵۹﴾ **بَلَىٰ قَدْ جَاءَتْكَ آيَاتِي فَكَذَّبْتَ بِهَا وَاسْتَكْبَرْتَ وَكُنْتَ مِنَ الْكٰفِرِينَ** آری غم و اندوه شما آن روز فایده ندارد، آیات ما به شما رسید و اولیاء ما گفتند و شما آن ها را تکذیب نمودید، تکبر داشتید و از گروه کفار بودید

﴿۶۰﴾ **وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ** چهره کسانی که به خدا دروغ بسته اند خواهی دید که سیاه است، آیا جهنم نتیجه عمل اهل ریا و تکبر نیست؟

﴿۶۱﴾ وَيُنَجِّي اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمُ السُّوءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

خداوند اهل ایمان و تقوا را به مناسبت اینکه حقی را ضایع ننموده‌اند، نجات می‌دهد، رنج و بلایی به آن‌ها نمی‌رسد و غم و غصه‌ای ندارند

﴿۶۲﴾ اللَّهُ خَلِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ

خداوند خود آفریننده همه چیز است و وکیل همه مخلوقات است

﴿۶۳﴾ لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ

الْخَاسِرُونَ زمام امور اهل آسمان‌ها و زمین به دست اوست، کسانی که کافر به آیات خدا می‌شوند بدانند که خسارت می‌برند

﴿۶۴﴾ قُلْ أَفَعَيِّرُ اللَّهُ تَأْمُرُونِي أَعْبُدُ أَيُّهَا الْجَاهِلُونَ

بگو: ای نادان‌ها! شما مرا امر می‌کنید که غیر خدا را بپرستیم

﴿۶۵﴾ وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكَ لَئِن أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ

وَلَتَكُونَ مِنَ الْخَاسِرِينَ ای رسول خدا! ما به تو و پیامبران پیش از تو امر کردیم که اگر جز خدا کسی را اطاعت کنید، شجره زندگی‌تان می‌خشکد، به خسارت محرومیت از علم و ایمان مبتلا می‌شوید

﴿۶۶﴾ بَلِ اللَّهُ فَاعْبُدْ وَكُن مِّنَ الشَّاكِرِينَ

بلکه باید در اطاعت خدا باشید، حق او را منظور بدارید (تا زندگی شما را به ثمر برساند)

﴿۶۷﴾ وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَوَاتُ

مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ خدا را چنان که شایسته اوست، شناختند با اینکه روز قیامت تمام کره زمین در تصرف اوست، قدرت او چنان است

که آسمان‌ها را درمی‌نوردد ، او منزّه و برتر است از آنچه به جای او می‌پرستند *

* مصادیق قبضه خدا و ید خدا و چشم و گوش خدا همه جا انسان‌های کامل‌اند. خداوند متعال یک حقیقت مجرد نامتناهی احدی‌الذات است. به اجزا قابل قسمت نیست. پس یمین خدا در این آیه و قبضه او امام زمان (عج) است وقتی که ظاهر می‌شود زمین و آسمان در قبضه تصرف اوست.

﴿٦٨﴾ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ

ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ در این موقع فرمان مرگ می‌رسد، هر که هست در عوالم آسمان و زمین به جز آن که خدا می‌خواهد، می‌میرد و بعد از مرگ زندگی دنیا، حیاتِ آخرت با نفخه دوم شروع می‌شود ، همه قیام می‌کنند تا ناظر زندگی آخرت باشند *

* فرمان مرگ در این آیه و امثال آن فرمان مرگ زندگی است. در حادثه آخرالزمان که دنیا پر از ظلم و جور می‌شود و زندگی می‌میرد. روایت‌ها می‌گویند: پیش از قیامت جنگی حادث می‌شود که یک سوم اهل عالم کشته می‌شوند و یک سوم می‌میرند و یک سوم دیگر لت و پار می‌شوند. در همین آیه هم می‌فرماید: صَعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ، عده‌ای را از مرگ استثناء می‌کند در صورتی که این حادثه پیش از قیامت است و قیام امام هم قیامت است کسانی که وارد قیامت می‌شوند مرگ ندارند، مرگ و مرض از لوازم زندگی دنیا است.

﴿٦٩﴾ وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِئَتْ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ

وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ در این موقع با قیام امام زمان (عج) افکار مردم کره زمین روشن می‌شود، کتاب ناطق و صامت خدا که میزان عدالت است نصب می‌شود، تمامی پیامبران و صلحا و شهدا با آن میزان سنجیده می‌شوند، بین آن‌ها به حق قضاوت می‌شود و به کسی ستم نمی‌شود

﴿۷۰﴾ وَوَفَّيْتُ كُلَّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ

تمامی نفوس در

قیامت جمع می‌شوند، هر کسی به نتایج اعمال خود می‌رسد ، خداوند به همه کس آگاه است

﴿۷۱﴾ وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا ۖ حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا فَتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ

لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ وَيُنذِرُونَكُمْ

لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا بَلَىٰ وَلَٰكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ

در این زمان ابتدا کفار گروه‌گروه به سوی جهنم رانده می‌شوند ، درهای عذاب به روی آنها

باز می‌شود به آنها می‌گویند: مگر این‌همه پیامبران نیامدند و آیات خدا را برای شما

تلاوت کردند و از چنین عذابی ترسانیدند؟ ، می‌گویند: چرا آمدند لیکن عذاب الهی

برای کفار قطعیت پیدا کرد

﴿۷۲﴾ قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ

پس بفرمایید درهای جهنم به روی شما باز است، جای ابدی شماست ، چه جای بدی است

برای متکبرین

﴿۷۳﴾ وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا ۖ حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا

وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ

گروه از مسیر ایمان و عمل صالح به سوی بهشت رانده می‌شوند ، وقتی که رسیدند

خودبه‌خود درها باز می‌شود، با سلام و استقبال مواجه‌اند که بفرمایید خوشا به حال

شما جای ابد شماست

﴿۷۴﴾ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَّبِعُوهُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ

نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَمَلِينَ بعد از ورود و استقرار می گویند: الحمد لله که وعده خدا حقیقت پیدا کرد، امروز کره زمین که به صورت بهشت درآمد در اختیار ماست و هر جا بخواهیم جای می گیریم ، چقدر خوب است عاقبت نیکوکاران

﴿۷۵﴾ وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و خواهی دید فرشتگان (عوامل سازنده) در اطاعت مقام ولایت که عرش خداست، هستند و تسبیح خدا به جا می آورند، بین بندگان به حق قضاوت می شود، همه می گویند: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ *

* عرش خدا همه جا تفسیر به علم خدا شده که تفسیر آن همان علمی است که در اختیار انسان است و الا علم ذاتی خدا خود خداست. خدا از مسیر علم انسان بر او حکومت می کند. مثلاً شما علم دارید که باید نماز بخوانید. خدا با همین علم به شما امر می کند نماز بخوان. ائمه که حامل عرش خدایند به این دلیل است که حامل علم خدایند. خدا به وسیله علم آنها بر انسانها حکومت می کند.

آیاتها ۸۵

سُورَةُ غَافِرٍ

المکِّي

این سوره به مناسبت استعمال همین کلمه در آیه سوم غافر نامیده شده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ حَمِّم (اشاره به اصول حوادث و اصول خلقت است مانند الفبا که اصول کلمات است)

﴿۲﴾ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ این کتاب و حروف، از جانب خدای عزیز و حکیم نازل شده است

﴿۳﴾ غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ

الْمَصِيرُ
خدای تکامل دهنده انسانها، قبول کننده توبه و کیفر کننده دشمنان و بخشنده نعمت و ثروت به دوستان، خدایی به جز او نیست، مرجع امور دنیا و آخرت است

﴿۴﴾ مَا يُجَادِلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا يَغْرُرُكَ تَقَلُّبُهُمْ فِي الْبَلَدِ

کسی به جز کفار بر آیات خدا ردّ و ایراد ندارد، جلوه‌ها و تحولات آنها در شهرها تو را فریب ندهد که آنچه دارند هیچ و پوچ است

﴿۵﴾ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَالْأَحْزَابُ مِنْ بَعْدِهِمْ وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ

لِيَأْخُذُوهُ وَجَادَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ
پیش از آنها قوم نوح و احزاب پیامبران را تکذیب نمودند، تصمیم جدی گرفتند او را دستگیر کنند، بحث و جدال راه انداختند تا حق را محو کنند، آنها را هلاک نمودیم، کیفر ما چگونه بود؟

﴿۶﴾ وَكَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ

به دلیل کفر و تجاوز، محکومیت آنها قطعی شد که آنها به ناچار اهل جهنم‌اند

﴿۷﴾ الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ

وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا
وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ
کسانی که مجهز به علم الهی هستند به

هدایت علم، ایمان به خدا می‌آورند و خدا را منزّه از شباهت به خلق می‌دانند، رشد علم و استعداد اهل ایمان را از خدا می‌طلبند، عرض می‌کنند، پروردگارا! علم و رحمت تو

کل آفرینش را فرا گرفته است، پناهندگان و پیروان راه خود را هدایت کن و از عذاب جهنم محفوظ بدار

﴿۸﴾ رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

خدایا! این بندگان پاک و مؤمن را وارد بهشتی کن که معدن برکات است، بهشتی که به آنها و پدران و فرزندان و همسران صالح آنها وعده دادی، تو حکیم و توانایی

﴿۹﴾ وَفِيهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِيَ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

خدایا! آنها را از گناه و معصیت حفظ کن، لطف تو شامل کسانی می شود که آنها را از گناه حفظ می کنی، لطف تو بزرگ ترین سعادت است

﴿۱۰﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنَادُونَ لَمَقْتُ اللَّهِ أَكْبَرُ مِنْ مَقْتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى الْإِيمَانِ فَتَكْفُرُونَ

روز قیامت کفار را صدا می زنند که: عذاب خدا از عذابی که خودتان برای خودتان آماده کرده اید، سخت تر است زیرا شما بعد از هدایت و دعوت، کافر به خدا شدید *

* سخت تر بودن عذاب آخرت از این جهت است که دائم به حال خود باقی است. مثل عذاب دنیا نیست که با دارو یا مرگ قابل علاج باشد و الا همین عذابها که در دنیا از ظالم به مظلوم می رسد در آخرت بدون کم و زیاد از مظلوم به ظالم برمی گردد و تا ابد باقی است مگر اینکه از طریق رابطه با خدا قابل علاج باشد.

﴿۱۱﴾ قَالُوا رَبَّنَا آمَنَّا أَلَمْ نَكُنْ مِنْكُمْ قَوْمًا فَأَعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ

مِنْ سَبِيلٍ آن ها جواب می دهند: پروردگارا! دومرتبه ما را میراندی و دومرتبه ما را زنده کردی، به گناه خود اعتراف کردیم آیا راه نجات برای ما پیدا می شود؟ *

* این آیه را که موت و حیات را دومرتبه می‌داند، مربوط کنید به آیه سوره بقره (كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَ كُنْتُمْ أَمْوَاتًا) یعنی چگونه کافر به خدا می‌شوید با اینکه پیش‌ازاین مرده بودید و خدا شمارا زنده کرد بعداز این می‌میراند و بعد زنده می‌کند. پس مرگ پیش‌از این دنیا یک مرگ، حیات در دنیا یک حیات، مرگ بعد از حیات دنیا دو مرگ و حیات بعد از مرگ دنیا، دو حیات. پس هر دو آیه نشان می‌دهد که بعد از حیات آخرت، مرگی نیست و علاوه خداوند متعال می‌فرماید: لَا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَى. هرکس از قبر خارج شود برای حیات ابدی زنده می‌شود. معنی ندارد که انسان از قبر خارج شود دومرتبه به قبر برگردد مثل این است که دومرتبه به رحم مادر برگردد.

﴿۱۲﴾ ذَالِكُمْ بِأَنَّهُوَ إِذَا دُعِيَ اللَّهُ وَحْدَهُ كَفَرْتُمْ وَإِنْ يُشْرَكْ بِهِ تُؤْمِنُونَ فَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ

موت و حیات و تحولات دیگر برای این است که اگر شما را دعوت به خدا کنند، کافر می‌شوید و دعوت به شرک را می‌پذیرید تا بدانید موت و حیات با خدای برتر و بالاتر است

﴿۱۳﴾ هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ آيَاتِهِ وَيُنَزِّلْ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ رِزْقًا وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا مَنْ يُنِيبُ

با این موت و حیات، قدرت خود را به نمایش می‌گذارد، روزی شما را از آسمان نازل می‌کند، اما به جز توبه‌کاران کسی عظمت خدا را درک نمی‌کند

﴿۱۴﴾ فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ

اکنون که مقدرات همه به دست خداست، شما دین خود را برای خدا خالص کنید، گرچه کفار خلوص شمارا دوست نمی‌دارند

﴿۱۵﴾ رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ لِيُنذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ

خداوند در موضع قدرت و حاکمیت است، درجاتش بسیار بالاست روح نبوت را در وجود هر کسی بخواهد القاء می‌کند تا با علم خود بتواند

بندگان خدا را از قیامت و آخرت بترساند

﴿۱۶﴾ يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ لَا يَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ لِّمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ ۗ لِلَّهِ الْوَاحِدِ

الْقَهَّارِ روزی که همه از مخفیگاه قبر خارج می‌شوند چیزی بر خدا پوشیده نیست،

در آن حال که همه تسلیم قدرت‌اند، گفته می‌شود: امروز پادشاهی با کیست؟، همه

یک صدا جواب می‌دهند: با خدای واحد قهار

﴿۱۷﴾ الْيَوْمَ تُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ ۗ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ

در آن روز است که هر کسی نتیجه عمل خود را می‌بیند، خداوند سریعاً به حساب‌ها می‌رسد و به کسی ستم نمی‌شود

﴿۱۸﴾ وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْأَزْفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَظْمِينٌ مَّا لِلظَّالِمِينَ مِنْ

حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ مردم را از روز نمایش قدرت خدا بترسان، آن روز دل‌ها

تسلیم اعضای بدن است و زبان علیه دل گواهی می‌دهد، ستم‌کاران دوستی یا شفיעی

قابل قبول ندارند

﴿۱۹﴾ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ

خداست که خیانت چشم را می‌داند و از آنچه در فکر و نیت شماست خبر دارد

﴿۲۰﴾ وَاللَّهُ يَقْضِي بِالْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَقْضُونَ بِشَيْءٍ ۗ إِنَّ اللَّهَ هُوَ

السَّمِيعُ الْبَصِيرُ خداوند همه‌جا به حق قضاوت می‌کند و معبودهای شما که از آنها

اطاعت می‌کنید، قضاوتی ندارند، خدا شنوا و بیناست

﴿۲۱﴾ ﴿۵﴾ أَوْلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ

كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَءَانَارًا فِي الْأَرْضِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِّنْ

اللَّهُ مِنْ وَاقٍ چرا در تاریخ سیر نمی کنند تا عاقبت کفر و گناه را ببینند، آن‌ها در قدرت و ثروت از شما مردم زمان بالاتر بودند و آثارشان بیشتر، در مسیر کفر و گناه به هلاکت افتادند و در حمایت خدا نبودند

﴿۲۲﴾ **ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَكَفَرُوا فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ إِنَّهُ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ** هلاکت آن‌ها به این دلیل بود که کافر به دعوت پیامبران و معجزات آن‌ها شدند، خدا از آن‌ها انتقام گرفت، خداوند قوی است و سخت کیفر می کند

﴿۲۳﴾ **وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ** موسی را هم با آن همه معجزات و قدرت فوق العاده به سوی

﴿۲۴﴾ **إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَقَارُونَ فَقَالُوا سَاحِرٌ كَذَّابٌ** فرعون و هامان و قارون رسالت دادیم، به جای قبول حق گفتند: ساحر و کذاب است

﴿۲۵﴾ **فَلَمَّا جَاءَهُم بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ وَاسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ وَمَا كَيْدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ** بعد از ظهور حق، به جای تسلیم گفتند: مردان بنی اسرائیل را بکشید، زنانشان را زنده نگه دارید، اما خبر نداشتند که از کید و مکرشان نتیجه‌ای نمی برند

﴿۲۶﴾ **وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَىٰ وَلْيَدْعُ رَبَّهُ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ** فرعون فریاد برآورد که: بگذارید موسی را بکشم، او هم از خدای خود کمک بخواهد، می ترسم این مرد، فرعون پرستی شما را تغییر دهد و مفسده به پا کند

﴿۲۷﴾ وَقَالَ مُوسَىٰ إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِّنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ

موسی به آن‌ها گفت که: من از شرّ شما انسان‌های کافر که ایمان به خدا نمی‌آورید، به پروردگار خود و شما پناه می‌برم

﴿۲۸﴾ وَقَالَ رَجُلٌ مُّؤْمِنٌ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ

رَبِّي **اللَّهُ** وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ وَإِنْ يَكُ كَاذِبًا فَعَلَيْهِ كَذِبُهُ وَإِنْ يَكُ صَادِقًا يُصِيبْكُمْ بَعْضُ الَّذِي يَعِدُكُمْ إِنَّ **اللَّهَ** لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ

كَذَّابٌ

در اینجا مرد مؤمنی از فرعونیان که ایمان خود را پنهان می‌داشت جلو آمد و گفت که: شما مردی را که می‌گوید خدا پروردگار من است، با این همه دلایل و معجزات که دارد می‌کشید؟ ، اگر دروغ می‌گوید به ضرر خود می‌گوید و اگر راست می‌گوید، عذابی که خبر می‌دهد سر شما می‌آید ، خداوند اسراف‌گران کذاب را دوست نمی‌دارد

﴿۲۹﴾ يَقَوْمَ لَكُمْ الْمُلْكُ الْيَوْمَ ظَاهِرِينَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ يَنْصُرُنَا مِنْ بَأْسِ **اللَّهِ**

إِنْ جَاءَنَا قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَىٰ وَمَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ

شما فرعونیان گرچه بر بندگان خدا مسلط هستید اگر غضب خدا ما را فراگیرد چه کسی می‌تواند ما را از غضب خدا برهاند ، فرعون گفت: فرمان همان است که گفتم: من شما را به عقل و تمدن هدایت می‌کنم

﴿۳۰﴾ وَقَالَ الَّذِينَ ءَامَنَ يَقَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِثْلَ يَوْمِ الْأَحْزَابِ

آن بنده مؤمن به مردم گفت: می‌ترسم عذاب‌هایی که بر اقوام گذشته نازل شد، بر شما هم نازل شود

﴿۳۱﴾ مِثْلَ دَابِّ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ وَمَا **اللَّهُ** يُرِيدُ ظُلْمًا

لِّلْعِبَادِ عذابی مانند عذاب‌های قوم نوح و عاد و ثمود و اقوام بعد از آنها ، خداوند به بندگان خود ستم نمی‌کند

﴿۳۲﴾ **وَيَقَوْمٌ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ** ای قوم! می‌ترسم عذاب قیامت که همه از شدت آن داد می‌زنند، شما را فراگیرد

﴿۳۳﴾ **يَوْمَ تُولُونَ مُدْبِرِينَ مَا لَكُمْ مِّنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن هَادٍ** آن روز این طرف و آن طرف فرار می‌کنید، کسی از عذاب خدا حامی شما نمی‌شود، کسی را که خدا گمراه کند، هدایت‌گری نخواهد داشت

﴿۳۴﴾ **وَلَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ مِنْ قَبْلُ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا زِلْتُمْ فِي شَكٍّ مِّمَّا جَاءَكُمْ بِهِ حَتَّىٰ إِذَا هَلَكَ قُلْتُمْ لَن نَّبْعَثَ اللَّهَ مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُّرْتَابٌ** پیش‌ازین هم یوسف صدیق با دلایل روشن به دعوت شما مشغول شد و شما دائم در حقانیت حق شک و شبهه داشتید تا اینکه یوسف از دنیا رفت، گفتید: خدا دیگر پیامبری نخواهد فرستاد ، خداوند انسان‌های متجاوز و شکاک را این‌طور گمراه می‌کند

﴿۳۵﴾ **الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَتْهُمْ كِبْرًا مَّقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ ءَامَنُوا كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ قَلْبٍ مُّتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ** انسان‌هایی که بدون دلیل در آیات خدا مجادله دارند ، مجادله جاهلانه در نزد خدا و مؤمنین (ائمه) گناهی بس بزرگ است ، خداوند قلب انسان‌های متکبر و جبار را در غلاف دنیاپرستی قرار می‌دهد (این غلاف لازمه کفر است)

﴿۳۶﴾ **وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَهْمَنُ ابْنُ لِي صَرَحًا لَعَلِّي أَبْلُغُ الْأَسْبَابَ** فرعون که خیال

می کرد خدا در آسمان است، به وزیر خود همام گفت: برای من برج و بارویی بساز
شاید بالا بروم

﴿۳۷﴾ **أَسْبَبَ السَّمَوَاتِ فَأَطَّلِعَ إِلَىٰ إِلَهِ مُوسَىٰ وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ كَذِبًا** وَكَذَلِكَ زَيْنَ
لِفِرْعَوْنَ سُوءَ عَمَلِهِ وَصُدَّ عَنِ السَّبِيلِ وَمَا كَيْدُ فِرْعَوْنَ إِلَّا فِي تَبَابٍ **خداى**
موسى را ببینم، فکر می کنم دروغ می گوید که می گوید: از جانب خدا و رسول او هستم
، کفر و گناه تا این اندازه فرعون را به سفاهت کشید و از معارف باز داشت ، سیاست
فرعون در راه هلاکت و نابودی است

﴿۳۸﴾ **وَقَالَ الَّذِينَ ءَامَنَ يَتَقَوْمِ اتَّبِعُونِ أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ** مؤمن قبطى صدا
زد: ای قوم! از من پیروی کنید، شما را به راه حق هدایت می کنم

﴿۳۹﴾ **يَتَقَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ** این
زندگی دنیا بهره اندکی بیش نیست، زندگی ابدی و ماندنی زندگی آخرت است

﴿۴۰﴾ **مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنَّىٰ
وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ** هر کس عمل
بدی مرتکب شود به نتیجه عملش می رسد ، نیکان از مرد یا زن که اهل ایمان و عمل
صالح اند داخل بهشت می شوند، اجر آنها ابدی و بدون حساب است

﴿۴۱﴾ **وَيَقَوْمِ مَا لِي أَدْعُوكُمْ إِلَى النَّجْوَةِ وَتَدْعُونَنِي إِلَى النَّارِ** و باز آن مؤمن
صدا زد که: ای قوم! شما چه آدم‌هایی هستید که من شما را به راه نجات دعوت می کنم
و شما مرا به جهنم می کشانید

﴿۴۲﴾ **تَدْعُونَنِي لِكُفْرٍ بِاللَّهِ وَأَشْرِكَ بِهِ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَأَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَىٰ**

الْعَزِيزِ الْغَفْرِ دعوت می‌کنید که کافر به خدا شوم و از چیزی که ماهیت آن را نمی‌دانم به جای خدا اطاعت نمایم، با اینکه من شما را به خدای غالب و غفار هدایت می‌کنم

﴿۴۳﴾ **لَا جَرَمَ أَنَّمَا تَدْعُونَنِي إِلَيْهِ لَيْسَ لَهُ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا وَلَا فِي الْآخِرَةِ وَأَنْ مَرَدَّنَا إِلَى اللَّهِ وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ** شما مرا به اطاعت کسی دعوت می‌کنید که در دنیا و آخرت مقامی و دعوتی ندارد با اینکه مسیر حرکت ما به سوی خداست، تجاوزگران عاقبت اهل جهنم‌اند

﴿۴۴﴾ **فَسْتَذْكُرُونَ مَا أَقُولُ لَكُمْ وَأَفَؤُصُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ** به همین زودی به نتایج دعوت من می‌رسید، من کار خود را به خدا واگذار می‌کنم، خدا به حال بندگان خود آگاه است

﴿۴۵﴾ **فَوَقَّهٗ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَرُوا وَحَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ** خداوند آن مؤمن آل فرعون را از شر فرعونیان حفظ کرد و با بدترین عذاب‌ها فرعونیان را محاصره نمود

﴿۴۶﴾ **النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ** یعنی عذاب جهنم که شبانه‌روز به آن‌ها عرضه می‌شود و روز قیامت فرمانی می‌رسد که آل فرعون را به بدترین عذاب معذب کنند *

* این عذاب جهنم که شبانه‌روز به آن‌ها عرضه می‌شود این است که آل فرعون که نمونه جمعیت کفر و گناه از ابتدای تاریخ تا انتهای تاریخ است، یک جریان تاریخی است. فرعون و آل فرعون که حزب شیطان‌اند با عذاب‌های آخرت خود که ظلم و زور و وسایل ظلم و زور است روبه‌رو هستند. هر نوع ظلم و اذیت که از آن‌ها به دوستان خدا می‌رسد، عذاب آن‌ها در

آخرت است و آخرین عذاب که از آن‌ها به مردم می‌رسد آتش هسته‌ای است. تمامی این عذاب‌ها در حکومت خدا و ائمه به خودشان برمی‌گردد و همان جهنمی می‌شود که خدا گفته است.

﴿٤٧﴾ وَإِذْ يَتَحَاوُونَ فِي النَّارِ فَيَقُولُ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُّغْنُونَ عَنَّا نَصِيبًا مِّنَ النَّارِ
 زمانی که در جهنم با مردم بحث و جدال دارند، ضعفا به مستکبرین می‌گویند که: ما در دنیا از شما پیروی کردیم، ممکن است مقداری از این عذاب‌ها را از ما برطرف کنید؟

﴿٤٨﴾ قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُلٌّ فِيهَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ
 متکبرین جواب می‌دهند: نه، همه ما در عذاب گرفتاریم، خداوند به عدالت خود بین بندگان قضاوت کرده است

﴿٤٩﴾ وَقَالَ الَّذِينَ فِي النَّارِ لِخِزْنَةِ جَهَنَّمَ ادْعُوا رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ عَنَّا يَوْمًا مِّنَ الْعَذَابِ
 اهل جهنم به مأمورین جهنم می‌گویند: از پروردگار خود بخواهید عذاب ما را کمی سبک کند

﴿٥٠﴾ قَالُوا أَوْ لَمْ تَكُ تَأْتِيكُمُ رُسُلِكُمُ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا بَلَىٰ قَالُوا فَاَدْعُوا وَمَا دُعَاؤُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ
 جواب می‌دهند: مگر پیامبران با معجزات الهی به طرف شما نیامدند و شما را به راه نجات دعوت نکردند؟ می‌گویند: چرا آمدند، جواب می‌دهند که هر چه می‌خواهید داد بزنید، نتیجه‌ای ندارد

﴿٥١﴾ إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهُدُ
 ما فقط پیامبران و اهل ایمان را در دنیا و آخرت یاری می‌کنیم

﴿۵۲﴾ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعذِرَتُهُمْ وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ آن روز،

روزی است که معذرت خواهی ستم کاران سودی نمی بخشد ، لعنت خدا و بدترین زندگی آن ها را فرامی گیرد

﴿۵۳﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْهُدَى وَأَوْرَثْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ ما موسی را

هدایت کردیم ، کتاب تورات را در اختیار بنی اسرائیل گذاشتیم

﴿۵۴﴾ هُدًى وَذِكْرَى لِأُولَى الْأَلْبَابِ کتابی که منشأ هدایت و یادآور حقیقت

برای خردمندان بود

﴿۵۵﴾ فَأَصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعِشِيِّ وَالْإِبْكَرِ

تو ای رسول خدا! صبر کن که وعده خدا حق است، از خدا بخواه تو را به کمال علم برساند، صبح و شام به حمد و تسبیح پروردگار مشغول باش

﴿۵۶﴾ إِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَتْهُمْ إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا

كِبْرٌ مَّا هُمْ بِبَالِغِيهِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ کسانی که بدون علم

و برهان در عظمت خدا و آیات او بحث و جدال دارند، منشأ این جدال، تکبر آنهاست که هرگز به عزت و عظمت نخواهند رسید ، از شرّ مستکبرین به خدا پناه ببر ، خدا شنوا و بیناست

﴿۵۷﴾ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا

يَعْلَمُونَ خلاقیتی که در عوالم آسمان هستند از خلائق زمین بیشتر و بزرگ ترند،

گرچه بسیاری از مردم نمی دانند

﴿۵۸﴾ وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَلَا الْمُسِيءُ

قَلِيلًا مَّا تَتَذَكَّرُونَ بینا و نابینا، عالم و جاهل مساوی نیستند و هم‌چنین نیکو کاران و بدکاران، کسانی که حقیقت را درک می‌کنند خیلی کم‌اند

﴿۵۹﴾ إِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ساعت قیامت خواهد آمد شکی در وقوع آن نیست، گرچه بسیاری از مردم ایمان نمی‌آورند

﴿۶۰﴾ وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ خدا می‌فرماید: آنچه می‌خواهید از من بخواهید اجابت می‌کنم، کسانی که خود را بزرگ‌تر از این می‌دانند که از خدا خواهش و تقاضا کنند، با ذلت و خواری گرفتار جهنم می‌شوند

﴿۶۱﴾ اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ خدا کسی است که شب را برای آرامش و روز را برای معاش و دانش قرار داد، لطف خداوند به بندگانش زیاد است ولیکن اکثر مردم حق خدا را منظور نمی‌دارند

﴿۶۲﴾ ذَلِكَمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ خَلِقُ كُلِّ شَيْءٍ لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ این است پروردگار شما خالق همه‌کس و همه‌چیز، به‌جز او خدایی نیست، به‌کجا پرت می‌شوید و از خدایان دروغین اطاعت می‌کنید؟

﴿۶۳﴾ كَذَلِكَ يُؤْفَكُ الَّذِينَ كَانُوا بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ همین‌طور در تاریخ گذشته کسانی که منکر خدا بودند، در اطاعت خدایان دروغین درآمدند

﴿۶۴﴾ اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ قَرَارًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ

صُورَكُمْ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ ذَلِكَمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ
 خدا کسی است که زمین را قرارگاه و سقف آسمان را (و یا فضای ولایت را) پناه‌گاه شما
 قرار داد و شما را در بهترین نقش آفرید و صورت نیکویی به شما داد، روزی‌های
 طیب و طاهر و علم حیات‌بخش از مقام ولایت به شما بخشید، این است پروردگار،
 بابرکت است خداوند عالمیان

﴿۶۵﴾ هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
 او خدای زنده است به جز او خدایی نیست حوایج خود را از او بخواهید، دین خود را
 برای او خالص کنید، ستایش مطلق مخصوص او پروردگار عالمیان است

﴿۶۶﴾ قُلْ إِنِّي نُهَيْتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَمَّا جَاءَنِي الْبَيِّنَاتُ
 مِنْ رَبِّي وَأَمِرْتُ أَنْ أُسَلِّمَ لِربِّ الْعَالَمِينَ بگو: من بعد از این‌همه دلایل که از خدای
 خود دارم، ممنوع شدم از خدایانی که شما آن‌ها را اطاعت می‌کنید چیزی نخواهم،
 مأمور شدم تسلیم پروردگار عالمیان باشم

﴿۶۷﴾ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ
 طِفْلًا ثُمَّ لِيَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِيَكُونُوا شُيُوخًا وَمِنْكُمْ مَنْ يَتَوَفَّى مِنْ قَبْلُ
 وَلِيَبْلُغُوا أَجَلًا مُّسَمًّى وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ او کسی است که شما را از خاک و بعد
 از نطفه و خون بسته آفرید و بعد به صورت کودکی به دنیا آورد و شما را به علم و
 قدرت رسانید و بعد به دوران پیری که بعضی از شما پیش از پیری می‌میرید و بعضی
 به اجل مقدر می‌رسید، این تحولات برای این است که به عقل خود عظمت خدا را
 درک کنید

﴿۶۸﴾ هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ فَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ او

کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند ، هر کاری را که بخواهد به محض خواستن شدن است

﴿۶۹﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ أَنِّي يُصْرَفُونَ چقدر جاهل‌اند
کسانی که در عظمت خدا شک و شبهه دارند و بحث و جدال راه می‌اندازند، فکر خود را به کجا می‌کشاند

﴿۷۰﴾ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِالْكِتَابِ وَبِمَا أَرْسَلْنَا بِهِ رُسُلَنَا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ آن‌ها که
کتاب‌های آسمانی و رسالت رسولان را تکذیب می‌کنند ، آن‌ها به زودی خواهند دانست

﴿۷۱﴾ إِذِ الْأَغْلُلِ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَالسَّلْسِلِ يُسْحَبُونَ که چگونه با غل و زنجیرهای
محکومیت به جهنم کشیده می‌شوند

﴿۷۲﴾ فِي الْحَمِيمِ ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ در دنیا در جنگ و در آخرت در آتش
جهنم شعله‌ورند

﴿۷۳﴾ ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تُشْرِكُونَ بعد به آن‌ها گفته می‌شود: کجا
کسانی که آن‌ها را شریک خدا می‌دانستید؟

﴿۷۴﴾ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا بَلْ لَمْ نَكُنْ نَدْعُوا مِنْ قَبْلُ شَيْئًا كَذَلِكَ
يُضِلُّ اللَّهُ الْكَافِرِينَ به‌جای خدا از آن‌ها اطاعت می‌کردید ، می‌گویند: آن‌ها از
اختیار ما خارج شدند، اصلاً ما جای خدا کسی را اطاعت نکردیم ، خداوند منکر حق را
گمراه می‌کند

﴿۷۵﴾ ذَلِكَ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَمْرَحُونَ

این مصیبت‌ها از این راه سرتان آمد که بدون آشنایی به حق، سرگرمی و شوق و نشاط داشتید

﴿۷۶﴾ **أَدْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبئسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ** و حالا از

این درهای کفر و گناه که به روی خود باز کرده‌اید، وارد جهنم شوید، چه بد است جای متکبرین

﴿۷۷﴾ **فَأَصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَمَا نُزِينُكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِلَيْنَا**

يُرْجَعُونَ تو در راه خدا صبر کن، وعده خدا شدنی است و اگر مشاهده می‌کنی وعده و وعید ما در زمان حیات یا بعد از مرگ تو ظاهر می‌شود، آن‌ها اجباراً به حاکمیت ما بازمی‌گردند *

* مربوط به آیه ۷۶ و ۷۷، گمراهی کسانی که منکر حق‌اند یک مسئله قهری است نه اینکه به اراده خدا باشد. مسئله گمراهی مسئله راه و بی‌راهه است. وقتی که در راه حرکت نکردی قهراً در بی‌راهه خواهی بود. گمراهی به این کیفیت نیست که کسی در راه باشد و خدا او را گمراه کند. اگرچه خدا به کفار می‌گوید: از این درهای جهنم وارد شوید ولیکن در ورود به جهنم همان بی‌راهه‌روی است که نتیجه آن پیدایش جهنم است. گفته خداوند در این آیات مثل این است که شما به یک دزد قاتل می‌گویید: حالا که نصیحت گوش نمی‌کنی برو به زندان یعنی این زندان یک مسئله قهری است نه به اراده شما.

﴿۷۸﴾ **وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَّن قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَّن لَّمْ**

نَقْضُصَّ عَلَيْكَ وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ قُضِيَ

بِالْحَقِّ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ پیش از تو هم پیامبرانی فرستادیم، بعضی را

معرفی نمودیم و بعضی را نه، هیچ پیامبری بدون اذن خدا معجزه‌ای نمی‌آورد، وقتی

که نوبت حکومت به ما رسید، بین مردم به حق قضاوت می‌شود، در آن زمان اهل باطل

به خسارت روانی و ایمانی خود آگاه می‌شوند

﴿۷۹﴾ **اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَنْعَامَ لِتَرْكَبُوا مِنْهَا وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ** خدا کسی است که چهارپایان را برای سواری و باربری و برای خوراک شما آفرید

﴿۸۰﴾ **وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَلِتَبَلَّغُوا عَلَيْهَا حَاجَةً فِي صُدُورِكُمْ وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ** از آنها منافع بسیار دارید و به وسیله آنها به حوایج خود می‌رسید، از آنها و از کشتی‌ها برای سواری استفاده می‌کنید

﴿۸۱﴾ **وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَآيَ آيَاتِ اللَّهِ تُنْكِرُونَ** خدا به وسیله آنها آیات عظمت خود را نشان می‌دهد، کدام یک از آیات خداوند را منکر می‌شوید؟

﴿۸۲﴾ **أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً وَعِزًّا فِي الْأَرْضِ فَمَا أَعْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ** آیا در زمین و یا تاریخ سیر نمی‌کنید تا بدانید عاقبت کار گذشتگان به کجا کشید؟ آنها از شما بیشتر بودند و قدرت و آثارشان زیادتر، ثروت و کارشان به حال آنها سودی نبخشید

﴿۸۳﴾ **فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَرِحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ** زمانی که پیامبران به دعوت آنها مأمور شدند، به علم و قدرت خود نازیدند و پیامبران را مسخره کردند که نتایج مسخره‌ها به خودشان برگشت

﴿۸۴﴾ **فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحَدُّهُرْ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ** و چون با عذاب ما روبه‌رو شدند گفتند: به خدای یگانه ایمان آوردیم و به آنها که

شریک خدا قرار داده بودیم، کافر شدیم

﴿۸۵﴾ فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا سُنَّتَ اللَّهُ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ
وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ
ولیکن این توبه که در پنجه قدرت خدا بود سودی
نبخشید، سنت خداوند در مقدرات بندگان چنین است، روز حساب، کفار به جز
خسارت بهره‌ای ندارند *

* دلیل است که با ظهور امام زمان (عج) در توبه بسته می‌شود زیرا آن حضرت یک حجت
معروف و مشهور است که از ابتدای تاریخ تا انتها به مردم عرضه شده و ثانیاً با قدرت الهی
ظاهر می‌شود. پیش از ظهور آن حضرت در جنگ هسته‌ای زندگی مردم نابود می‌شود. طبق
روایت از امام باقر (ع) در کتاب تَحْفَةُ الْعُقُولِ به محض ظهور بدون جنگ دنیا در تصرف اوست.
مردم که به ناگاه در پنجه قدرت او قرار می‌گیرند، داد می‌زنند، آمَنَّا آمَنَّا، اما آن حضرت ایمان
واقعی را قبول می‌کند. فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ نَفْسٌ إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا.

آیاتها ۵۴

سُورَةُ فُصِّلَتْ

المکي

این سوره به مناسبت کلمه فصلت، به همین کلمه نام‌گذاری شده. در این سوره مطالبی عمیق
راجع به تکامل بشر ضمن آیات مربوط به خلقت آسمان و زمین و کوه‌ها و اقوات بیان شده که
شرح مفصل آن در تفسیر سوره قاف ذکر شده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ حَمِّمِ (شرح حروف در سوره‌های قبل بیان شده است)

﴿۲﴾ تَنْزِيلٌ مِّنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
این حروف و آیات، از جانب خدای بخشنده
مهربان نازل شده است

﴿۳﴾ كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ
این آیات، کتابی است

که به تفصیل حقایق آن روشن شده، قرآنی است به زبان عربی برای کسانی که تعقل کنند

﴿۴﴾ **بَشِيرًا وَنَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ** نیکان را به نتایج اعمال نیک و بدکاران را به نتایج اعمال بد آگاه می‌کند، گرچه بسیاری از آن اعراض می‌کنند و حاضر نیستند حرف حق بشنوند

﴿۵﴾ **وَقَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكِنَّةٍ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ وَفِي آذَانِنَا وَقْرٌ وَمِنْ بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ فَأَعْمَلْ إِنَّا عَمِلُونَ** می‌گویند: دل ما در غلاف است و دعوت تو را نمی‌فهمیم، گوش ما سنگین است، بین ما و تو حجاب است، هرچه می‌خواهی عمل کن ما نیز کار خود را می‌کنیم

﴿۶﴾ **قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ ۗ وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ** بگو: من هم انسانی مانند شما هستم فقط به من وحی می‌شود که خدای شما یگانه است، در راه او استقامت فکری پیدا کنید، از او نیرو بگیرید (مغفرت رفع نواقص وجودی است)، وای به حال مشرکین

﴿۷﴾ **الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ** مشرکین کسانی هستند که زکات نمی‌دهند و کافر به زندگی آخرت‌اند

﴿۸﴾ **إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ** کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح داشته‌اند، اجری بدون منت دارند

﴿۹﴾ **قُلْ أَيُّكُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ ۖ أَنْدَادًا ۚ ذَٰلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ** بگو: آیا شما کافر به خدایی هستید که زمین (یا زمینه تربیت)

را در دو دوره آفرید برای چنین خدایی شریک می‌تراشید؟ ، او مربی عالمیان است

﴿۱۰﴾ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَبَرَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ

سَوَاءً لِّلسَّائِلِينَ خدایی که بعد از خلق زمین و زمینه تربیت کوه‌های استوار در آن خلق کرد و به این کوه‌ها (ابرقدرت‌ها) در چهار دوره مساوی برکت داد، قوت و غذای آن را برای جویندگان مقدر نمود

﴿۱۱﴾ ثُمَّ أَسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا

قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ بعد از این اراده کرد آسمان (فضای افکار) را که دود یا خرافات بود بیافریند، در اینجا به آسمان و زمین (عالم و عامی) گفت: اجبار دارید به میل خود یا خلاف میل خود به دایره ولایت و حاکمیت من بیایید، گفتند: به میل خود آمدیم

﴿۱۲﴾ فَقَضَيْنَهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ

الدُّنْيَا بِمَصْبِيحٍ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ در این موقع در دو دوره، هفت آسمان (هفت کلاس تکامل) مقدر کرد و به هر کلاسی امر مخصوص آن را صادر نمود و بعد کلاس اول نزدیک به افکار مردم را به ستارگان هدایت و حفاظت دین زینت داد ، این است تقدیر خدای دانا برای نجات بشر *

* این آیات مربوط به خلقت زمین و آسمان معمولی نیست بلکه مربوط به تربیت بشر است و الا تا خلقت آسمان به همین کیفیت درست نشود سال و ماه و روز و شبی وجود ندارد و یا این قوت و غذا فراهم نمی‌شود که خدا می‌گوید: بعد از خلقت زمین قوت و غذا برای مردم ساختم و بعد آسمان را خلق کردم. آسمان در تأویل آیات که معنای علمی و واقعی قرآن است ساخت فکری و علمی بشر است تا روزی که به کمال برسد. دو روز اول که زمینه تربیت فراهم می‌شود از آدم تا نوح و از نوح تا ابراهیم است. دو روز بعد که تشکیلات حکومتی و قوت و غذای علمی و روحی مردم فراهم می‌شود، از ابراهیم تا موسی و از موسی تا عیسی است که

فکر توحیدی در جامعه رشد می‌کند و آماده اسلام می‌شود که خدا می‌گوید: **ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ**. ظهور علمی دین کامل خدا به وسیله حضرت خاتم است که در این رابطه می‌گوید: **ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ** یعنی بعد از آن چهار دوره اراده کرد فضای فکر انسان را با ظهور اسلام تکمیل کند مشاهده کرد که این آسمان دودی است یعنی فضای ولایت در افکار مردم آلوده به خرافات و جهالت‌ها است و در انتها که شش دوره می‌شود به نام شش آسمان، زمینه ظهور حکومت الهی به وسیله امام زمان (عج) فراهم می‌شود. لازم است بدانیم که بزرگ‌ترین صنعت خدا تربیت انسان است که از خاک، انسانی مانند حضرت خاتم می‌سازد و در این رابطه می‌گوید: **فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ**. این آسمان ظاهری فضای خالی است ساخت‌وساز ندارد. زمین‌ها هم توده‌ای از مواد است که انباشته شده. آسمان و زمین مهم ساخت فکر انسان و زمینه تربیت است که انسانی مانند علی (ع) و ائمه اطهار (ع) پیدا می‌شوند.

﴿۱۳﴾ **فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنْذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مِثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ وَثُمُودَ** اگر از دعوت و مکتب تو اعراض نمودند بگو: من شما را به صاعقه‌ای مانند صاعقه قوم عاد و ثمود می‌ترسانم

﴿۱۴﴾ **إِذْ جَاءَتْهُمْ الرُّسُلُ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ قَالُوا لَوْ شَاءَ رَبُّنَا لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً فَإِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ** آنجا که پیامبران زمان، آن‌ها را تبلیغ نمودند که به جز خدا از کسی اطاعت نکنید، گفتند: اگر لازم باشد خدا ما را هدایت کند، فرشته‌ای می‌فرستد، ما رسالت آدم‌ها را قبول نداریم

﴿۱۵﴾ **فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ** آن قوم خود را از خدا و پیامبر بالاتر دانستند و گفتند: چه قدرتی از ما بالاتر است؟، چرا نگفتند: خدایی که ما را آفریده از ما تواناتر است، آن‌ها منکر آیات ما شدند

﴿۱۶﴾ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ نَّحِسَاتٍ لِّتَذِيقَهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَخْزَىٰ وَهُمْ لَا يُنصَرُونَ
 نحس بر آنها مسلط کردیم تا مزه عذاب رسوایی را در دنیا به آنها بچشانیم و عذاب آخرت رسواتر است ، کسی آنها را یاری نمی کند

﴿۱۷﴾ وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ فَأَخَذَتْهُمُ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ
 و اما قوم ثمود را هدایت نمودیم که کوری را بر هدایت ترجیح دادند، عذاب ذلت و خواری آنها را گرفت که نتیجه کار و کسب غلط آنها بود

﴿۱۸﴾ وَنَجَّيْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ
 در این میان اهل ایمان را نجات دادیم

﴿۱۹﴾ وَيَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ
 جهنم محشور شوند بر اساس درکات کفر و گناه به درکات جهنم توزیع می شوند

﴿۲۰﴾ حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَرُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ
 وقتی که با جهنم روبه رو شوند، چشم و گوش و اعضای بدن به اعمالی که از آنها سرزده گواهی می دهند

﴿۲۱﴾ وَقَالُوا لَجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقْنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ
 در اینجا به پوست و بدن می گویند: چرا علیه ما گواهی دادید می گویند: خدایی که همه چیز را گویا نموده ما را هم به زبان آورده، خدایی که در اولین مرتبه شما را آفرید و همه به سوی او رجوع نمودید

﴿۲۲﴾ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَرُونَ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَا أَبْصَرُكُمْ وَلَا

جُلُودِكُمْ وَلَكِنْ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِّمَّا تَعْمَلُونَ شما نتوانستید کفر و گناه خود را مستور بدارید و نگذارید چشم و گوش و پوست بدن گواهی دهند، خیال می کردید بسیاری از آنچه شما می دانید، خدا نمی داند

﴿۲۳﴾ وَذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرْدَبَكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ مِنَ الْخَسِرِينَ این عقاید غلط شما را به هلاکت کشانید که در نتیجه ضرر کردید و از بهشت محروم شدید

﴿۲۴﴾ فَإِنْ يَصْبِرُوا فَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ وَإِنْ يَسْتَعْتِبُوا فَمَا هُمْ مِنَ الْمُعْتَبِينَ حالا صبر کنید یا نکنید، جای شما جهنم است، اجازه معذرت خواهی به شما داده نمی شود

﴿۲۵﴾ وَقَيِّضْنَا لَهُمْ قُرَنَاءَ فَزَيَّنُوا لَهُمْ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمِّ قَدِ خَلَّتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَسِرِينَ آنها دوستانی مقرر کردیم که اعمال بد آنها را در نظرشان جلوه دهند، حکم قطعی خداست که آنها ملحق به کفار تاریخ از جن و انس شوند و خسارت ببینند

﴿۲۶﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُونَ کفار به یکدیگر سفارش می کنند که به این قرآن گوش ندهید و آن را ملغی کنید شاید پیروز شوید

﴿۲۷﴾ فَلَنُذِيقَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا عَذَابًا شَدِيدًا وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ عذابی سخت به آنها می چشانیم و به نتیجه بدترین اعمال آنها را مجازات می کنیم

﴿۲۸﴾ ذَلِكَ جَزَاءُ أَعْدَاءِ اللَّهِ النَّارُ لَهُمْ فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ جَزَاءُ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ حقیقت این است که عذاب آنها همان جهنم است که نتیجه انکار دین

و انکار آیات خداوند است

﴿۲۹﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّنَا أَرِنَا الَّذِينَ أُضْلَلْنَا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ نَجْعَلُهُمَا
تَحْتَ أَقْدَامِنَا لِيَكُونَا مِنَ الْأَسْفَلِينَ کفار در آخرت داد می‌زنند که پروردگارا!

این دو نفر شیطان جنی و انسی که ما را گمراه نموده‌اند به ما بسپار تا آن‌ها را زیر پای
خود بکوبیم تا بدترین ما باشند

﴿۳۰﴾ إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا
تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ اما کسانی که ایمان به خدا می‌آورند
و در ایمان خود استقامت دارند، فرشتگان با آن‌ها تماس می‌گیرند که نترسید و غم و
غصه‌ای نداشته باشید، مژده باد شما را به بهشتی که به شما وعده داده‌اند

﴿۳۱﴾ نَحْنُ أَوْلِيَائُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهَى
أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ ما فرشتگان، در دنیا و آخرت ولیّ شما هستیم
و آنچه اشتها دارید در اختیار شما قرار می‌گیرد و هر چه بخواهید حاضر است

﴿۳۲﴾ نُزُلًا مِّنْ غَفُورٍ رَّحِيمٍ نعمت‌هایی است که برای پذیرایی شما از خداوند
آم‌زنده مهربان آماده شده است

﴿۳۳﴾ وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ
چه منطقی بهتر است از منطق کسی که مردم را به دین خدا و عمل صالح دعوت
می‌کند و می‌گوید: من مسلمانم

﴿۳۴﴾ وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ
وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ هرگز بد و خوب مساوی نیستند ، همیشه با بهترین

اعمال بدی‌ها را دفع کن، با این روش خواهی دید که دشمنان تبدیل به دوستان مهربان می‌شوند

﴿۳۵﴾ وَمَا يُلْقِيهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقِيهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ حقیقت این است که دفع بدی‌ها به خوبی‌ها را جز مردم با ایمان و صابر درک نمی‌کنند یعنی کسانی که بهره آخرتی آن‌ها عظیم است

﴿۳۶﴾ وَإِنَّمَا يَنزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ اگر به وسوسه شیطانی مبتلا شدی به خدا پناه ببر، او شنوا و داناست، کسی جز او نمی‌تواند شرّ شیاطین را دفع کند

﴿۳۷﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ (سجده واجب) از جمله آیات قدرت و عظمت خدا گردش شب و روز و ماه و خورشید است، شما ماه و خورشید را سجده نکنید، خدایی را سجده کنید که آن‌ها را آفریده است، اگر بنده خدا هستید چنین باشید، خالق را سجده کنید نه مخلوق را

﴿۳۸﴾ فَإِنِ اسْتَكْبَرُوا فَالَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ۝ اگر تکبر آن‌ها را فرا گرفت، بدانند بندگان که به خدا مربوط‌اند، شب و روز او را تسبیح می‌کنند و خستگی هم ندارند

﴿۳۹﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ ۚ إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا لَمُحْيِي الْمَوْتِ ۚ إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ از جمله آیات عظمت خدا خشوع زمین و اهل آن در برابر خداست، وقتی که باران و یا علم بر زمین

و دل‌ها وارد می‌شود، زمین و دل‌ها جنبش پیدا می‌کنند بالا می‌آیند، خدایی که این چنین زمین را زنده می‌کند، مردگان را هم زنده می‌کند، او به هر کاری تواناست

﴿۴۰﴾ إِنَّ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي آيَاتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَا أَفَمَنْ يُلْقَى فِي النَّارِ خَيْرٌ أَمْ مَنْ يَأْتِيَّ آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ کسانی که خود را رقیب اولیاء خدا می‌دانند از نظر ما مخفی نیستند، کسی که به آتش معذب می‌شود بهتر است یا کسی که در امن و امان است؟، هر کاری می‌خواهید انجام دهید، خداوند به اعمالتان آگاه است

﴿۴۱﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ کسانی که بعد از آگاهی به حقانیت، کافر به قرآن می‌شوند، با اینکه کتابی است نفوذناپذیر

﴿۴۲﴾ لَا يَأْتِيهِ الْبَطْلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ باطل به آن راه ندارد و از جانب خدای حکیم و حمید نازل شده است، سرنوشت خود را بشناسند

﴿۴۳﴾ مَا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدَّ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِنْ قَبْلِكَ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ همان راه و مرامی به تو وحی می‌شود که به پیامبران پیشین نازل شده است، مردم بدانند که خدا برای نیکان مغفرت و برای بدکاران عذابی دردناک دارد

﴿۴۴﴾ وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ ؕ ءَأَعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءٌ وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًّ أُولَٰئِكَ يُنَادَوْنَ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ اگر ما این قرآن را به زبان عجمی نازل می‌کردیم ایراد می‌گرفتند که چرا روشن نیست بگو: به هر زبانی باشد عربی یا عجمی، برای

اهل ایمان مایه هدایت و شفای مرض جهل است ولی برای کسانی که ایمان به خدا ندارند، سنگین و مایه کوری آنهاست ، فاصله روانی آنها از حق زیاد است ، از راه دور ندای اسلام را می شنوند

﴿۴۵﴾ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقَضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكِّ مِّنْهُ مُرِيبٍ
ما به موسی کتاب تورات دادیم، آنها در آن اختلاف پیدا کردند ، اگر تقدیر مهلت و فرصت نبود به حساب آنها می رسیدیم ولی آنها در شک و اشتباه باقی ماندند

﴿۴۶﴾ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا وَمَا رَبُّكَ بِظَلَمٍ لِلْعَبِيدِ
هر کس عمل نیک انجام دهد، به نفع او و عمل بد به ضرر اوست ، پروردگار به کسی ستم نمی کند

(جزء ۲۵) ﴿۴۷﴾ ۞ إِلَيْهِ يُرَدُّ عِلْمُ السَّاعَةِ وَمَا تَخْرُجُ مِنْ ثَمَرَاتٍ مِّنْ أَكْمَامِهَا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ أَيْنَ شُرَكَائِيَ قَالُوا ءَاذَنَّاكَ مَا مَنَّا مِنْ شَهِيدٍ
علم به روز قیامت و ثمراتی که در دل اشجار است و آنچه در رحم مادر است و روزی که وضع حمل کند، مخصوص خداست ، روزی که قیامت به پا شود به کفار می گویند: کجایند پیشوایانی که شریک من قرار دادید و از آنها اطاعت کردید می گویند: اعلام کردیم که پیشوایی نداریم

﴿۴۸﴾ وَصَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَدْعُونَ مِنْ قَبْلُ وَظَنُوا مَا لَهُمْ مِّنْ حَیْصٍ
تمامی وسایلی که در دنیا داشتند، از اختیارشان خارج است و یقین پیدا می کنند که راه نجات ندارند

﴿۴۹﴾ لَا يَسْعَمُ الْإِنْسَانُ مِنْ دُعَاءِ الْخَيْرِ وَإِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ فَيَعُوْثُ قَنُوطٌ انسان

در طلب آنچه نافع است، خسته نمی‌شود اما اگر بلایی به او برسد ناامید می‌شود

﴿۵۰﴾ وَلَئِنْ أَذَقْنَاهُ رَحْمَةً مِنَّا مِنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ مَسَّتهُ لَيَقُولَنَّ هَذَا لِي وَمَا أَظُنُّ

السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِنْ رُجِعْتُ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّ لِي عِنْدَهُ لَلْحُسْنَىٰ فَلَنُنَبِّئَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا

بِمَا عَمِلُوا وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِّنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ اگر بعد از بلا و مصیبتی که به او رسیده

نعمت و رحمت او را فرا گیرد غرور پیدا می‌کند، لطف الهی را به حساب خود

می‌گذارد و می‌گوید: قیامت کجا بوده؟ اگر هم آخرتی باشد من خوشبختم، چنین

نیست، ما نتیجه کفر و گناه آن‌ها را که عذاب شدید است به دستشان می‌گذاریم

﴿۵۱﴾ وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَىٰ الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَسَّاجِنِيهٖ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعَائٍ

عَرِيضٍ وقتی نعمت و برکت به انسان می‌رسد از دین خدا فاصله می‌گیرد و اگر

بلایی به او برسد، سروصدای عریض و طویل به راه می‌اندازد

﴿۵۲﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ثُمَّ كَفَرْتُمْ بِهِءِ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ هُوَ فِي

شِقَاقٍ بَعِيدٍ بگو: اگر این قرآن و اسلام از جانب خدا باشد، چه جوابی دارید که

کافر به آن می‌شوید، از کسانی که تفرقه افکنی دارند چه کسی گمراه‌تر است

﴿۵۳﴾ سَنُرِيهِمْ ءَايَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ ۗ أَوَلَمْ

يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ به زودی آیات قدرت و عظمت خود را

در فضای عالم و فضای وجود آن‌ها به آن‌ها نشان می‌دهیم تا روشن شود که خدا یک

حقیقت است، آیا کافی نیست که پروردگار تو شاهد همه کس و همه چیز است؟

﴿۵۴﴾ أَلَا إِنَّهُمْ فِي مَرِيَّةٍ مِّنْ لِّقَاءِ رَبِّهِمْ ۗ أَلَا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطٌ مردم در

روز لقاء الله شک و شبهه دارند ، خدا به همه چیز محیط است و ابتدا و انتهای زندگی را می داند.

المکّی

سُورَةُ الشُّورَى

آیاتها ۵۳

این سوره به مناسبت اینکه خداوند به انسان دستور مشورت می دهد، شورا نامیده شده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ حَمَّ ، ﴿۲﴾ عَسَقَ ميم ، عین ، سین ، قاف (حروف قرآن اشاره به اصول آفرینش و حوادث است، تمام معانی آن غیب است)

﴿۳﴾ كَذَلِكَ يُوحِي إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ خداوند عزیز و حکیم است که علوم غیب را به تو و پیامبران پیش از تو وحی می کند

﴿۴﴾ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ هر چه هست در عوالم آسمان و زمین مال خداست ، خداوند در وجود خود برتر و بی نهایت است

﴿۵﴾ تَكَادُ السَّمَوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا إِنْ أَلَّا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ اهل عوالم آسمان و زمین چنان هستند که در برابر قدرت او متلاشی می شوند ، فرشتگان، خدا را منزّه از شباهت به خود می دانند، تکامل دهنده موجودات و رحمت بخش اهل زمین هستند ، بدانید که خداوند آمرزنده و مهربان است

﴿۶﴾ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ اللَّهُ حَفِيظٌ عَلَيْهِمْ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ کسانی هم که به جز خداوند سرپرست دیگری گرفته اند غیر از خدا محافظی ندارند،

تو وکیل آنها نیستی که آنها را از هدف خودشان باز داری

﴿۷﴾ وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنذِرَ يَوْمَ

الْجُمُعِ لَا رَيْبَ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ

ما به این کیفیت قرآن را بر تو نازل کردیم تا مکه و اطراف آن را از کفر و گناه بترسانی و از حساب قیامت برحذر داری، شکی در آن نیست، مردم در آنجا به دو گروه بهشتی و جهنمی تقسیم می‌شوند

﴿۸﴾ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ

وَالظَّالِمُونَ مَا لَهُمْ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ

اگر خدا بخواهد می‌تواند وحدت اجباری به وجود آورد ولیکن آزاد می‌گذارد، هر کسی را بخواهد به دایره لطف خود می‌کشاند، ستم‌کاران بدانند یاور و ناصری ندارند

﴿۹﴾ أَمْ أَتَّخِذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ ۗ فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ وَهُوَ يُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ

قَدِيرٌ

آنها سرپرستی غیر از خدا گرفته‌اند، فقط خدا ولی مردم است که مردگان را زنده می‌کند، او به هر کاری قادر است

﴿۱۰﴾ وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ

وَالِيهِ أُنِيبُ

بگو: در هر مسئله‌ای اختلاف پیدا کردید، حکمش با خداست، این است پروردگار من، به او توکل دارم و به او پناه می‌برم

﴿۱۱﴾ فَاطِرُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ

أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ ۗ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ

خدا پروردگار آسمان و زمین است که برای شما مردان از جنس خودتان همسر آفرید، چهارپایان

را هم جفت آفرید و زندگی شما را رشد می‌دهد، مانند او کسی و چیزی نیست، او
شنوا و داناست

﴿۱۲﴾ لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ بِكُلِّ
شَيْءٍ عَلِيمٌ زمام خلائق آسمان و زمین به دست اوست، روزی هر کسی را
بخواهد وسعت می‌دهد و یا اگر بخواهد تنگ می‌گیرد، او به هر چیزی آگاه است

﴿۱۳﴾ ﴿۱۳﴾ شَرَعَ لَكُم مِّنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا
بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ
مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَن يُنِيبُ برای شما
مسلمانان همان دینی را رسمیت داد که به نوح و پیامبران دیگر وصیت کرد، دینی
که به ابراهیم و موسی و عیسی وحی نمود و همه‌جا سفارش کرد که وحدت دینی
داشته باشید و تفرقه پیدا نکنید، دینی که مردم را به آن دعوت می‌کنید، قابل
تحمل مشرکین نیست، خداوند هر کسی را بخواهد توفیق می‌دهد و هر کسی به او
متوسل شد، هدایت می‌کند

﴿۱۴﴾ ﴿۱۴﴾ وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعْثًا بَيْنَهُمْ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ
رَبِّكَ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى لَّفُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ
مِّنْهُ مُرِيبٍ این تفرقه‌ها روی حسد و تجاوز حاصل شد، تفرقه بعد از آن بود که
علم به حقانیت دین داشتند، اگر تقدیر خداوند نبود که مهلت داشته باشند به
حسابشان می‌رسید، اهل کتاب در این تقدیر شک دارند، خیال می‌کنند که خداوند
غافل است

﴿۱۵﴾ ﴿۱۵﴾ فَلِذَلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ ءَامَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ

اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَلُنَا وَلَكُمْ أَعْمَلُكُمْ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ

مردم را به

ایمان و وحدت دعوت کن و چنان که مأموری استقامت داشته باش، از هوی و هوس آن‌ها پیروی نکن، بگو: من به کتاب خدا ایمان دارم، مأمورم عدالت را زنده کنم، خدا پروردگار ما و شماست، اعمال ما برای ما و عمل شما برای شما، شما بر ما حجت ندارید، خدا ما و شما را یکجا جمع می‌کند، آخرین مرجع حکومت خداست

﴿۱۶﴾ وَالَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا أَسْتَجِيبَ لَهُ وَحُجَّتُهُمْ دَاحِضَةٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ

کسانی که در اطاعت خداوند بعد از

قبول دین او بحث و جدال می‌کنند در نظر خدا محکوم‌اند، غضب خداوند و عذاب شدید آن‌ها را محاصره خواهد کرد

﴿۱۷﴾ اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ

خدا کسی است که کتاب خود را به حق و میزان عدالت نازل کرد، چه می‌دانی شاید قیامت نزدیک باشد

﴿۱۸﴾ يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ

کسانی که ایمان

أَنَّهَا الْحَقُّ أَلا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ

به آخرت ندارند می‌گویند: کجاست قیامت؟، ولی اهل ایمان، یقین به قیامت دارند و از آن می‌ترسند، کسانی که در ظهور قیامت شک دارند زیاد از حق فاصله گرفته‌اند *

* مردم قیامت را به حساب نابودی طبیعت می‌گیرند و می‌گویند: وقتی قیامت به پا می‌شود که آسمان‌ها و زمین‌ها و کل عوالم نابود شود. ستاره‌ها متلاشی و خورشید تاریک شود همه

چیز خراب شود و چنان شود که نبوده. علوم طبیعی و تجربی می گوید میلیاردها سال پیش از این خورشید تکون یافته و میلیاردها سال طول می کشد که سوخت آن تمام شده تاریک شود. با این خرافات و یاوه گویی ها خیال خود را راحت می کنند که اگر هم قیامت باشد خیالتان راحت که از بس دور است گویی که نیست. خبر ندارند که این زندگی پست خرافاتی دنیایی که به دست انسان دایر شده نابود می شود نه عالم خلقت. عالم به وضع موجود خود تا ابد باقی است. این زندگی ما انسان ها است که دستخوش تغییرات و تحولات است از نقص به کمال می رود تا کامل شود. البته با ظهور کامل ناقص از بین می رود. این زندگی دنیایی که پدیده علم ناقص است خاتمه پیدا می کند و کامل جای آن را می گیرد. حکومت انسان بر انسان که یک حکومت ناقص است از بین می رود و جای آن را حکومت خدا بر انسان می گیرد. حکومت امام زمان (عج) و حکومت ائمه (ع) بر انسان همان حکومت خدا بر انسان است که در آن حکومت تمامی نواقص زندگی از آن جمله مرگ و مرض و قتل و کشتار خاتمه پیدا می کند. زندگی ناقص دنیایی تبدیل به زندگی کامل آخرتی می شود و چنان می شود که خدا روشن کرده است. کوههایی که در مقدمه قیامت متلاشی می شوند ابرقدرت های طاغوتی و مذهبی هستند. ستاره هایی که نثار می شوند ستاره های هدایت اند که زنده می شوند و بشریت را زیر سایه تربیت خود قرار داده و آن ها را به علم کامل می رسانند. خورشیدی که تکویر می شود، برگشت دوباره خورشید ولایت است. کور در تکویر به معنای گردش وضعی زمین به دور خود است که بعد از تاریکی روشنایی پیدا می شود و با طلوع دوباره خورشید ولایت ستارگان یعنی علمای دنیا منکدرند و نمایشی ندارند. زمانی که دکتری ظاهر می شود مردگان را زنده می کند طب و اطباء چه نمایشی می توانند داشته باشند. قیامت روز تأویل قرآن است، تأویل قرآن روزگار حکومت خدا و ائمه (ع) است که آن را یَوْمَ الدِّین گفته اند. تفسیر قرآن، ظواهر طبیعت است و تأویل، معانی انسانی و الهی آن است. حکومت انسان ها و طاغوت ها معانی ظاهری قرآن و حکومت ائمه (ع) معنای باطنی آن است که مولای فرمود: جنگ من برای تأویل قرآن است و روز قیامت را خدا تعریف می کند می فرماید: یَوْمَ یَأْتِ تَأْوِيلُهُ یَقُولُ الدِّینَ نَسُوهُ مِنْ قَبْلِ هَلْ لَنَا مِنْ شُفَعَاءٍ فَيَشْفَعُوا لَنَا أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلْ غَيْرَ الَّذِیْ كُنَّا نَعْمَلُ. این آیه شریفه که روز تأویل قرآن است، قیامت را تعریف می کند. قیامت روز پیدایش ملک عظیم است که حاکمیت خداوند و ائمه اطهار (ع) است با قیام امام زمان (عج) افتتاح می شود.

﴿۱۹﴾ **اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ** خداوند با بندگان لطف و مدارا دارد، هر کسی را بخواهد به علم و ایمان می‌رساند، او نیرومند و نفوذناپذیر است

﴿۲۰﴾ **مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ** کسانی که هدفشان زندگی آخرت است بیشتر از آنچه انتظار دارند، به آن‌ها می‌رسانیم و هرکس هدف دنیایی دارد، او را به هدف می‌رسانیم که او بهره‌آخرتی ندارد

﴿۲۱﴾ **أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ وَلَوْلَا كَلِمَةُ الْفَصْلِ لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ** آن‌ها شریکانی برای خدا تراشیدند و بدون اذن خدا دین و قانون ساختند، اگر انتظار امتیاز کامل بین دو گروه نبود، خدا به زندگی آن‌ها خاتمه می‌داد، ستم‌کاران بدانند عذابی دردآور برای آن‌ها مقدر است

﴿۲۲﴾ **تَرَى الظَّالِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا وَهُوَ وَاقِعٌ بِهِمْ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ** ستم‌کاران از نتایج ظلم و گناه خود می‌ترسند با اینکه به اراده خود به آن می‌رسند، اما اهل ایمان و عمل صالح در بهشت زندگی دارند و به آنچه بخواهند می‌رسند، تقرب به خدا نعمتی بسیار بزرگ است

﴿۲۳﴾ **ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ** این است نعمتی که خدا به بندگان خود که اهل ایمان و

عمل صالح هستند، مژده می دهد بگو: از شما اجر و مزدی به جز محبت ذوی القربای خود نمی طلبم، کسی که کاسب نیکوکاری است بر نیکویی او می افزاییم، خداوند احسان شما را منظور می دارد و آن را به کمال می رساند

﴿۲۴﴾ **أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَإِنْ يَشِئِ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلَى قَلْبِكَ وَيَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ** و یا می گویند: نسبت دادن این قرآن به خدا دروغ است، اگر بخواهیم رابطه با تو را خاتمه می دهیم و در آینده به وسیله اولیاء خود حق را به کرسی می نشانیم و باطل را نابود می کنیم، خداوند به افکار بشر آگاه است (یعنی اگر رابطه قطع شود می دانند که آیات از جانب خداست)

﴿۲۵﴾ **وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ** خداست که توبه بندگان را می پذیرد، تیرگی گناه را می زداید و از اعمال آنها آگاه است

﴿۲۶﴾ **وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُمْ مِّن فَضْلِهِ ؕ وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ** و خداست که خواهش اهل ایمان و عمل صالح را اجابت می کند و به لطف خود اجری بیشتر به آنها می دهد، کفار به جز عذاب شدید بهره ای ندارند

﴿۲۷﴾ **﴿۱﴾ وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِن يُنَزِّلُ بِقَدْرِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ** اگر خدا بیشتر از این به مردم ثروت و قدرت بدهد طغیان می کنند، او به اندازه معین روزی می رساند و به حال بندگان بصیر و آگاه است

﴿۲۸﴾ وَهُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ

و اوست که بعد از ناامیدی، باران رحمت نازل می کند و رحمت خود را گسترش می دهد ، او سرپرستی پسندیده است

﴿۲۹﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا مِنْ دَابَّةٍ وَهُوَ عَلَىٰ

جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ از جمله نشانه های قدرت او خلق زمین و عوالم آسمان و انسان هایی است که در این عوالم آفریده و او می تواند اهل زمین و آسمان را با هم محشور کند

﴿۳۰﴾ وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ هر

نوع مرضی که به شما می رسد، به دست خود شماست ، خداوند اثر بسیاری از این مرض ها را محو می کند و کمی را به جا می گذارد تا بدانید با خود چه می کنید (طبق روایتی در کتاب مکارم الاخلاق مصیبت ها در این آیه آلام و اسقام است)

﴿۳۱﴾ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ

شما کفار نمی توانید خدا را از اداره اهل زمین بازدارید و به جز خدا یاری کننده و سرپرستی ندارید

﴿۳۲﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ حرکت کشتی ها در دریا از

نشانه های قدرت خداست

﴿۳۳﴾ إِنْ يَشَأْ يُسْكِنِ الرِّيحَ فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَلَى ظَهْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ

صَبَّارٍ شَكُورٍ اگر بخواهد باد را متوقف می کند تا کشتی ها از حرکت بازمانند ، تمامی این حوادث برای انسان های صابر و شاکر آیت خداست

﴿۳۴﴾ **أَوْ يُوبِقُهُنَّ بِمَا كَسَبُوا وَيَعْفُ عَنْ كَثِيرٍ** یا اگر خدا بخواهد کشتی و اهل

آن را هلاک می کند، خدا از بسیاری گناهان شما می گذرد

﴿۳۵﴾ **وَيَعْلَمَ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِنَا مَا لَهُمْ مِنْ مَّحِيصٍ** کسانی که در آیات

ما بحث و جدال دارند، می دانند که خداوند حق است و راهی به جز قبول آن ندارند

﴿۳۶﴾ **فَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَّعُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى لِلَّذِينَ**

ءَامَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ آنچه در اختیار دارید ثروت دنیا است ، ولی برای

کسانی که ایمان به خدا و توکل به او دارند، آنچه در آخرت ذخیره شده بهتر و

باقی تر است

﴿۳۷﴾ **وَالَّذِينَ يَحْتَبِرُونَ كِبِيرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشِ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ** و

برای کسانی که از گناه کبیره اجتناب دارند و هنگام غضب از مغضوب خود

می گذرند

﴿۳۸﴾ **وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ**

يُنْفِقُونَ و برای کسانی که دعوت خداوند را قبول می کنند، نماز را بپا می دارند و

در مسائل باهم مشورت می کنند و از آنچه به آن ها روزی کرده ایم، انفاق می کنند

﴿۳۹﴾ **وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ** و کسانی که در برابر تجاوز، از

خود و دیگران دفاع می کنند

﴿۴۰﴾ **وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ**

الظَّالِمِينَ و می دانند که سزای بدکاران بدی مانند بدکاری آنهاست ، البته هر

کس عفو کند و اصلاح نماید، اجرش با خداست، خداوند متجاوز را دوست نمی دارد

﴿۴۱﴾ وَلَمَنْ أَنْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِّنْ سَبِيلٍ مظلومی که از ظالم انتقام می گیرد محکومیت ندارد

﴿۴۲﴾ إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ کسی محکومیت دارد که به مردم ستم می کند و به حق آن ها تجاوز می کند ، آن ها به عذابی شدید معذب می شوند

﴿۴۳﴾ وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ کسانی که بعد از قدرت انتقام، صبر می کنند و می گذرند صاحب اراده قوی هستند

﴿۴۴﴾ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ وَبِئْسَ مَا بَعْدَهُ وَتَرَى الظَّالِمِينَ لَمَّا رَأُوا الْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَىٰ مَرَدٍّ مِّنْ سَبِيلٍ کسی را که خدا گمراه کند بعد از خدا مولایی ندارد ، وقتی که ستم کاران با عذاب رو به رو می شوند می گویند: آیا راه نجاتی هست؟

﴿۴۵﴾ وَتَرَاهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَشِيعِينَ مِنَ الدُّلِّ يَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفٍ خَفِيٍّ وَقَالَ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ الْخٰسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُّقِيمٍ هنگام رویارویی با عذاب در نهایت ذلت و خشوع مخفیانه این طرف و آن طرف نگاه می کنند ، در اینجا اهل ایمان می گویند: خسارت زدگان واقعی کسانی هستند که به جان خود و وابستگان خود ضرر زده اند ، ستم کاران دائم در عذاب اند

﴿۴۶﴾ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِّنْ أَوْلِيَاءَ يَنْصُرُونَهُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ سَبِيلٍ آن ها مولایی ندارند که آن ها را یاری کند ، کسی را که خداوند گمراه

کند راه نجاتی ندارد

﴿۴۷﴾ اَسْتَجِيبُوا لِرَبِّكُمْ مِّن قَبْلِ اَنْ يَّاتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللّٰهِ مَا لَكُمْ مِّن مَّلْجَا يَوْمَئِذٍ وَمَا لَكُمْ مِّن نَّكِيرٍ پیش از آن که ببینید راه فرار از حاکمیت خدا ندارید، دعوت پروردگار خود را اجابت کنید، آن روز پناه گاهی ندارید، کسی نیست شما را هدایت کند و یا بر شما ایراد بگیرد

﴿۴۸﴾ فَاِنْ اَعْرَضُوْا فَمَا اَرْسَلْنَاكَ اِلَّا الْبَلٰغُ وَاِنَّا اِذَا اَذَقْنَا الْاِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فَرِحَ بِهَا وَاِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ اَيْدِيَهُمْ فَاِنَّ الْاِنْسَانَ كَفُوْرٌ اگر از دین و دعوت تو اعراض می کنند، باشد، ما تو را نگهبان آنها قرار نداده ایم، وظیفه تو فقط تبلیغ است، وقتی به انسان نعمتی می دهیم خیلی خوش حال می شود و اگر در اثر کفر و گناه بلایی به او برسد ناراحت می شود، انسان ناسپاس است

﴿۴۹﴾ لِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَآءُ يَهْبُ لِمَنْ يَشَآءُ اِنْتَا وَيَهْبُ لِمَنْ يَشَآءُ الذُّكُوْرٌ پادشاهی عوالم زمین و آسمان مخصوص خداست، آنچه بخواهد می آفریند، به هر کسی بخواهد دختر می دهد و به هر کسی بخواهد پسر

﴿۵۰﴾ اَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَاِنْتَا وَيَجْعَلُ مَنْ يَشَآءُ عَقِيْمًا اِنَّهٗ عَلِيْمٌ قَدِيْرٌ و یا اگر بخواهد جفت پسر و دختر می دهد یا هر کسی را بخواهد عقیم می کند، خداوند دانا و تواناست

﴿۵۱﴾ وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ اَنْ يُكَلِّمَهُ اللّٰهُ اِلَّا وَحِيًّا اَوْ مِنْ وَّرَآئِ حِجَابٍ اَوْ يُرْسِلَ رَسُوْلًا فَيُوحِيْ بِاِذْنِهٖ مَا يَشَآءُ اِنَّهٗ عَلِيٌّ حَكِيْمٌ خدا منزله است که قیافه بگیرد، سخن بگوید مگر که وحی کند یا از پشت حجاب نور از شجره نورانی مانند کلام

با موسی سخن بگوید یا به وسیله فرشته وحی کند مانند صورت عالم خواب ، خدا حکیم و برتر است

﴿۵۲﴾ وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا أَلَكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِن جَعَلْنَاهُ نُورًا نَّهْدِي بِهِ مَن نَّشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ما این طور روح علم بر قلب تو نازل کردیم ، قبلاً نمی دانستی کتاب و ایمان چیست لیکن قرآن را نور علم قرار دادیم تا به وسیله آن هرکسی را بخواهیم هدایت کنیم ، تو هم مردم را به راه راست هدایت می کنی

﴿۵۳﴾ صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ به راه کسی که هرچه در آسمان ها و زمین هست مال اوست ، آگاه باشید که تمامی حرکت ها به خدا منتهی می شود.

آیاتها ۸۹

سُورَةُ الزُّحْرِفِ

المکّی

این سوره شریفه هم به مناسبت استعمال کلمه زخرف، زخرف نامیده شده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ حَمّ ، میم (حروف، اشاره به ظهور حوادث آینده است که الآن در لباس حروف است)
 ﴿۲﴾ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ قسم به کتاب بیان کننده حقایق (کتاب ناطق ائمه ع) بودند که ظاهر و باطن قرآن را روشن کردند

﴿۳﴾ إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ما قرآن را به زبان عرب نازل کردیم شاید که عقل خود را فعال کنید (زیرا قرآن و زبان عرب صنعت خداست که با عقل ادراک می شود)

﴿٤﴾ وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيَّ حَكِيمٌ و این قرآن در وجود انسان کامل، کتابی است حکیمانه و برتر

﴿٥﴾ أَفَنَضْرِبُ عَنْكُمُ الذِّكْرَ صَفْحًا أَنْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُّسْرِفِينَ آیا به دلیل اینکه شما اسراف‌گر و متجاوزید، ما هم بساط این دو کتاب صامت و ناطق را برچینیم؟*

* مربوط به زندگی ائمه اطهار(ع) است زیرا بزرگ‌ترین اسراف، قتل ائمه اطهار(ع) است. آیه فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا تفسیر به قتل امام حسین(ع) شده. در این آیه خداوند متعرض امت می‌شود که یک‌یک امام‌ها را شهید کردند. می‌گوید: آیا شما امت که با اسراف‌گری، امام‌ها را شهید کردید ما هم همه آن‌ها را از بین ببریم؟ یعنی موجودیت آن‌ها را با حفظ امام زمان حفظ می‌کنیم و تا این اندازه به شما میدان نمی‌دهیم که موجودیت حجت را نفی کنید.

﴿٦﴾ وَكَمْ أَرْسَلْنَا مِنْ نَبِيِّ فِي الْأَوَّلِينَ چقدر زیاد در میان امت‌های گذشته پیامبران فرستادیم

﴿٧﴾ وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ پیامبری در میان امت‌های گذشته ظاهر نشد مگر که او را مسخره کردند و یا کشتند

﴿٨﴾ فَأَهْلَكْنَا أَشَدَّ مِنْهُمْ بَطْشًا وَمَضَى مَثَلُ الْأَوَّلِينَ ما متجاوزین درجه‌یک آن‌ها را هلاک نمودیم و بساط دین خود را گسترش دادیم، آینده‌ها هم مانند گذشته‌ها است

﴿٩﴾ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ اگر از کفار و مشرکین سؤال کنی چه کسی زمین و آسمان را آفرید، همه می‌گویند: خدا، خداوند دانا و توانا

﴿۱۰﴾ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ مَهْدًا وَجَعَلَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

خدایی که زمین را مهد تربیت شما قرار داد و این همه راه معاش و معاد آماده نمود، شاید که هدایت شوید

﴿۱۱﴾ وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنْشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا كَذَلِكَ نُخْرِجُونَ

کسی که به میزان معین آب از آسمان نازل کرد و زمین مرده را به وسیله آن زنده نمود، همین طور شما بعد از مرگ زنده خواهید شد

﴿۱۲﴾ وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْفُلْكِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ

و کسی که ازواج و انواع نعمت و ثروت آفرید، چهارپایان و کشتی را برای سواری خلق کرد

﴿۱۳﴾ لِيَسْتَوُوا عَلَى ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا

سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وقتی که سوار می شوید و استقرار پیدا می کنید، نعمت الهی را یادآوری کنید و بگویید: الحمد لله، منزله است خدایی که این مرکب را به اختیار ما درآورد و ما قدرت تسخیر آن را نداشتیم

﴿۱۴﴾ وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ و بدانیم که عاقبت به سوی خدا خواهیم رفت

﴿۱۵﴾ وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ بعضی کوته نظران،

بندگان خدا را تقسیم نموده، زنان را به خدا و مردان را به خود اختصاص دادند، چقدر انسان کافر و ناسپاس است

﴿۱۶﴾ أَمْ أُتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَأَصْفَنَكُمْ بِالْبَنِينَ آیا خدا چنین تقسیم نموده

که دختران مال خدا و پسران مال شما باشند؟

﴿۱۷﴾ وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ
سفاقت و حماقت آن‌ها چنان بود که اگر کسی در تمجید خداوند سخنی می‌گفت،
چهره‌اش سیاه و خشن می‌شد ولی تحمل می‌کرد

﴿۱۸﴾ أَوْ مَنْ يَنْشَوُا فِي الْحَلِيَّةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ آیا کسانی که در ناز
و نعمت بزرگ شده‌اند و در بحث علمی نمایشی ندارند، ممکن است که منطق عقلایی
داشته باشند؟

﴿۱۹﴾ وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَنِ إِنثًا أَشْهَدُوا خَلْقَهُمْ سَتُكْتَبُ
شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ آن‌ها فرشتگان را که بندگان خداوند، دختران خدا شناخته‌اند
، مگر شاهد خلقت آن‌ها بوده‌اند؟ ، بر این شهادت محاکمه می‌شوند

﴿۲۰﴾ وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاهُمْ مَّا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا
يَخْرُصُونَ می‌گویند: اگر خداوند می‌خواست بت‌ها را نمی‌پرستیدیم، آگاهی به
مشیت خداوند ندارند ، به حدس و گمان سخن می‌گویند

﴿۲۱﴾ أَمْ ءَاتَيْنَاهُمْ كِتَابًا مِنْ قَبْلِهِ فَهُمْ بِهِ مُسْتَمْسِكُونَ مگر آن‌ها پیش‌از
این اظهارات، کتابی از خداوند داشته‌اند که بر اساس آن سخن می‌گویند؟

﴿۲۲﴾ بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا ءَابَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ ءَاثِرِهِم مُّقْتَدُونَ منطقی
ندارند جز اینکه می‌گویند: اجداد ما چنین گفته‌اند، ما هم به راه آن‌ها می‌رویم

﴿۲۳﴾ وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا
ءَابَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ ءَاثِرِهِم مُّقْتَدُونَ اسراف‌گران و متجاوزین دیگر هم
این چنین منطقی داشته‌اند، هر وقت که رسولی فرستادیم گفتند: اجداد خود را چنین

یافته‌ایم، ما هم به راه آن‌ها می‌رویم (ای دو صد لعنت بر این تقلید باد)

﴿۲۴﴾ قَلَّ أَوْلُو جِئْتِكُمْ بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ ءَابَاءَكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ رسول به آن‌ها گفت: اگر من دینی بهتر از روش اجداد شما آورده باشم چه می‌گویید؟ گفتند که: ما کافر به رسالت شما هستیم

﴿۲۵﴾ فَأَنْتَقِمْنَا مِنْهُمْ طَّ فَإِنْظِرْ كَيْفَ كَانَ عَقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ ما هم از آن‌ها انتقام گرفتیم ، بین عاقبت تکذیب کنندگان به کجا کشید

﴿۲۶﴾ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ و آنجا که ابراهیم به پدرش و قومش گفت: من از این بت پرستی شما بیزارم

﴿۲۷﴾ إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ مگر خدایی که مرا آفرید، او به همین زودی مرا هدایت می‌کند

﴿۲۸﴾ وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ما هیاکل توحید را در نسل او ادامه دادیم شاید مردم به اطاعت خدا برگردند

﴿۲۹﴾ بَلْ مَتَّعْتُ هَؤُلَاءِ وَءَابَاءَهُمْ حَتَّىٰ جَاءَهُمُ الْحَقُّ وَرَسُولٌ مُّبِينٌ آیندگان از نسل ابراهیم و اجداد آن‌ها را بهره‌مند کردیم تا اینکه اسلام و رسول اکرم (ص) ظاهر شد

﴿۳۰﴾ وَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ وَإِنَّا بِهِ كَافِرُونَ پس از آن که دین حق برای آن‌ها در کعبه ظاهر شد گفتند: سحر است که ما آن را قبول نداریم و به آن کافریم

﴿۳۱﴾ وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ هَذَا الْقُرْءَانُ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمٍ گفتند که:

قرآن چرا بر این دو نفر ثروتمند بزرگ مکه و طایف نازل نشده است؟

﴿۳۲﴾ أَهْمُ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ

مگر آنها لطف و رحمت خدا را باید تقسیم کنند؟ ، ما هستیم که وسایل معاش آنها را در زندگی دنیا تقسیم می کنیم و بعضی را بر بعضی دیگر برتری می دهیم تا مسخر یکدیگر باشند و جامعه نظام یابد ، ولیکن لطف خداوند از ثروت دنیا بهتر است

﴿۳۳﴾ وَلَوْلَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِبُيُوتِهِمْ سُقْفًا مِّنْ فِضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ

آن قدر به کفار ثروت می دادیم که سقف خانه هایشان نقره باشد، از پله های طلایی بالا بروند و فخر فروشی کنند

﴿۳۴﴾ وَلِبُيُوتِهِمْ أَبْوَابًا وَسُرُرًا عَلَيْهَا يَتَّكِفُونَ

و بر اتاق هایشان درهای طلایی و تخت قدرت که بر آنها تکیه زنند

﴿۳۵﴾ وَزُخْرُفًا وَإِنْ كُلُّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَّعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ

و زینت های دیگر که همه اینها متاع دنیا است، زندگی آخرت برای اهل تقوا بهتر است

﴿۳۶﴾ وَمَنْ يَعِشْ عَنِ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ

ما شیاطین را ملازم کسانی می کنیم که از یاد خدا اعراض می کنند

﴿۳۷﴾ وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُّهْتَدُونَ

و شیاطین آنها را از دین خدا بازمی دارند، زندگی را چنان برای آنها جلوه می دهند که خیال می کنند

درست هدایت شده‌اند

﴿۳۸﴾ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَلَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ
تا آنگاه که وارد آخرت شوند آرزو می‌کنند که‌ای کاش تا فاصله بین مشرق و مغرب
از این شیاطین دور بودیم، چه بد رفقایی بودند

﴿۳۹﴾ وَلَنْ يَنْفَعَكُمُ الْيَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنَّكُمْ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ ولی پشیمانی
آن روز فایده ندارد، به بندگان خدا ستم کردند، آن‌ها و شیاطین در عذاب شریک‌اند

﴿۴۰﴾ أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصَّمَّ أَوْ تَهْدِي الْعُمْى وَمَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ شاید فکر
می‌کنی که می‌توانی کران را شنوا و کوران را بینا و گمراهان را هدایت کنی؟

﴿۴۱﴾ فَإِنَّمَا نَذَهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ وقتی که تو را به جوار خود ببریم، از
آن‌ها انتقام می‌گیریم

﴿۴۲﴾ أَوْ نُرِيَنَّكَ الَّذِي وَعَدْنَاهُمْ فَإِنَّا عَلَيْهِم مُّقْتَدِرُونَ یا اگر بخواهیم حکومت
الهی را که به آن‌ها وعده داده‌ایم ظاهر می‌سازیم، ما بر آن‌ها مسلط هستیم

﴿۴۳﴾ فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ به کتابی که به
تو وحی می‌شود، متمسک باش و بدان که با این تمسک در صراط مستقیم حرکت
می‌کنی

﴿۴۴﴾ وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ این کتاب برای تو و امت داور
حق و علم و آگاهی است، به زودی همه بازجویی می‌شوند که با این کتاب چه کردند

﴿۴۵﴾ وَسْئَلُ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا أَجَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ آلِهَةً

يُعْبَدُونَ از پیامبران پیشین سؤال کن آیا برای امت آنها معبودی به جز خدا قرار داده‌ایم؟

﴿٤٦﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ موسی را با آن همه معجزات به سوی فرعون و قوم او مأمور نمودیم، گفت: من رسول پروردگار عالمیان هستم

﴿٤٧﴾ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِآيَاتِنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَضْحَكُونَ وقتی که معجزات خود را ظاهر ساخت، به جای تسلیم به او خندیدند

﴿٤٨﴾ وَمَا نُرِيهِمْ مِنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتَيْهَا وَأَخَذْنَاهُمْ بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ به ترتیب معجزاتی بالاتراز قبل به آنها نشان دادیم، آنها را در محاصره عذاب قرار دادیم شاید به سوی حق برگردند

﴿٤٩﴾ وَقَالُوا يَا أَيُّهُ السَّاحِرُ الْاُدْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ إِنَّا لَمُهْتَدُونَ ولیکن به جای توبه و تسلیم صدا زدند: ای موسای ساحر! طبق معاهده‌ای که با خدای خود داری از او بخواه که اگر این بلا را برطرف کند، هدایت می‌شویم

﴿٥٠﴾ فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِذَا هُمْ يَنْكُثُونَ اما بعد که بلا را برطرف می‌کردیم عهد خود را می‌شکستند و به کفر خود ادامه می‌دادند

﴿٥١﴾ وَنَادَىٰ فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ فرعون شعار می‌داد که: ای مردم! آیا ملک مصر مال من نیست که نهرهای آب از زیر تخت من جریان دارد؟ نمی‌بینید چه عظمتی دارم، چقدر طلا و جواهرات

﴿۵۲﴾ اَمْ اَنَا خَيْرٌ مِّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ من بهترم یا این مرد که اصلاً قابل رؤیت نیست؟

﴿۵۳﴾ فَلَوْلَا اَلْقَى عَلَيْهِ اَسْوَرَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ اَوْ جَاءَ مَعَهُ اَلْمَلٰٓئِكَةُ مُقْتَرِنٰی اگر شخصیت است چرا طلا و جواهرات به خود نبسته است، چرا فرشته‌ها نیامده‌اند کنار او داد بزنند؟

﴿۵۴﴾ فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاَطَاعُوهُ اِنَّهُمْ كَانُوْا قَوْمًا فَٰسِقِیْنَ قوم خود را سبک مغز شناخت، از او اطاعت کردند که مردمی فاسق بودند

﴿۵۵﴾ فَلَمَّا ءَاسَفُوْنَا اَنْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَاَغْرَقْنٰهُمْ اَجْمَعِیْنَ وقتی که از آنها متأسف و مأیوس شدیم انتقام گرفتیم، همه آنها را غرق نمودیم

﴿۵۶﴾ فَجَعَلْنٰهُمْ سَلَفًا وَمَثَلًا لِّلْاٰخِرِیْنَ زندگی آنها را خاتمه دادیم و برای آیندگان درس عبرت ساختیم

﴿۵۷﴾ ﴿۵۷﴾ وَلَمَّا ضُرِبَ اَبْنُ مَرْیَمَ مَثَلًا اِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ یَصِدُوْنَ وقتی که داستان عیسی را برای نمونه ذکر می‌کنیم، او را از اینکه معبود مردم شده وسیله رواج کفر خود قرار می‌دهند

﴿۵۸﴾ ﴿۵۸﴾ وَقَالُوْا ءَاٰلِهَتُنَا خَيْرٌ اَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوْهُ لَكَ اِلاَّ جَدَلًا بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُوْنَ بحث و جدال راه می‌اندازند که عیسی هم مانند خدایان ما بت مردم است، بین چه پُربحث و جدال‌اند

﴿۵۹﴾ ﴿۵۹﴾ اِنْ هُوَ اِلاَّ عَبْدٌ اَنْعَمْنَا عَلَیْهِ وَجَعَلْنٰهُ مَثَلًا لِّبَنِيْ اِسْرٰٓءِیْلَ عیسی بنده‌ای است که مشمول لطف ما واقع شده، او را برای بنی اسرائیل نمونه تقوا قرار داده‌ایم

﴿۶۰﴾ وَلَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَا مِنْكُمْ مَلَائِكَةً فِي الْأَرْضِ يَخْلُقُونَ
 فرشتگان را در روی زمین به جای آن‌ها بنشانیم

﴿۶۱﴾ وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرَنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ
 ظهور فرشتگان و عیسی برابر مردم از علائم قیامت است، در آن شکی نداشته باش از
 من پیروی کن که این راه راست است

﴿۶۲﴾ وَلَا يَصُدَّنَّكُمُ الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ
 باز ندارد که دشمنی او واضح و آشکار است

﴿۶۳﴾ وَلَمَّا جَاءَ عِيسَى بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَلِأُبَيِّنَ لَكُمْ بَعْضَ
 الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا
 کرد به بنی اسرائیل گفت: حکمت دین خدا را برای شما روشن می‌کنم و حقیقت
 مسائل اختلافی را ظاهر می‌سازم، تقوا پیشه کنید و از من اطاعت نمایید

﴿۶۴﴾ إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ
 پروردگار من و
 شما خداست، او را بپرستید، این است راه راست به سوی بهشت

﴿۶۵﴾ فَأَخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابِ يَوْمِ أَلِيمٍ
 امت عیسی اختلاف پیدا کردند به احزاب قسمت شدند، وای به حال ستم‌کاران آن‌ها
 از عذاب قیامت

﴿۶۶﴾ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ
 این مهلت دارند که ساعت قیامت برسد، البته ناگهانی و در حال غفلت آن‌ها ظاهر
 خواهد شد

﴿۶۷﴾ الْأَخِلَّاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ
دوستان صمیمی آن روز دشمن یکدیگرند، مگر اهل تقوا که دوستان ابدی هستند

﴿۶۸﴾ يٰۤاٰمَنُوۡا لَا يَخُوۡفُ عَلَیْكُمْ الۡیَوْمَ وَلَا اَنْتُمْ تَحْزَنُوۡنَ
امن و امان هستید، غم و غصه‌ای نداشته باشید

﴿۶۹﴾ الَّذِیۡنَ ءَاٰمَنُوۡا بِۤاٰیٰتِنَا وَكَانُوۡا مُسْلِمِیۡنَ
شما هستید که به آیات من ایمان آورده‌اید، مسلمان بوده‌اید

﴿۷۰﴾ اَدْخُلُوۡا الْجَنَّةَ اَنْتُمْ وَاَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُوۡنَ
شما و همسرانتان داخل بهشت شوید، در آنجا به علم و دانش می‌رسید

﴿۷۱﴾ یُطَافُ عَلَیْهِمْ بِصِحَافٍ مِّنْ ذَهَبٍ وَاَكْوَابٍ وَّفِیۡهَا مَا تَشْتَهِیۡهِ الۡاَنۡفُسُ وَتَلَذُّۡ اَلۡاَعۡیُنُ وَاَنْتُمْ فِیۡهَا خٰلِدُوۡنَ
آنجا با ظرف‌هایی از طلا و جام‌هایی از نقره پذیرایی می‌شود، آنچه میل دارید و از آن لذت می‌برید آماده است، زندگی ابدی شماست

﴿۷۲﴾ وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِیۡ اُوْرِثْتُمُوۡهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوۡنَ
این بهشت ارث شما و نتیجه اعمال نیک شماست

﴿۷۳﴾ لَكُمْ فِیۡهَا فَاكِهَةٌ كَثِیْرَةٌ مِّنۡهَا تَاْكُلُوۡنَ
میوه‌ها و خوشی‌های زیاد در اختیار شماست، بخورید و خوش حال باشید

﴿۷۴﴾ اِنَّ الْمُجْرِمِیۡنَ فِیۡ عَذَابٍ جَهَنَّمَ خٰلِدُوۡنَ
گناه‌کاران هم بدانند که در جهنم جاوید هستند

﴿۷۵﴾ لَا يُفْتَرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ عذاب آنها سبک نمی‌شود و در یأس از رحمت خدا واقع می‌شوند

﴿۷۶﴾ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ ما به آنها ستم نکرده‌ایم، آتشی است که خود برافروخته‌اند، به خود ستم نموده‌اند

﴿۷۷﴾ وَنَادَوْا يَمْلِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُمْ مَنكِثُونَ صدا می‌زنند: ای مالک جهنم! از خدا بخواه مرگ ما را برساند، جواب می‌رسد: نه، همین‌جا تشریف دارید

﴿۷۸﴾ لَقَدْ جِئْتُمْ بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَرِهُونَ ما دین حق را به شما نشان دادیم ولیکن از قبول آن کراهت داشتید

﴿۷۹﴾ أَمْ أَبْرَمُوا أَمْرًا فَإِنَّا مُبْرِمُونَ هرچه می‌توانید در کفر و گناه فعالیت کنید، ما هم در پیدایش عذاب فعالیت داریم

﴿۸۰﴾ أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ بَلَىٰ وَرُسُلْنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ خیال می‌کنند که سرّ و نجوای آنها را نمی‌شنویم، آری، مأمورین ما می‌بینند و می‌نویسند

﴿۸۱﴾ قُلْ إِنْ كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَلَدٌ فَأَنَا أَوَّلُ الْعَبْدِينَ بگو: اگر خدا فرزندی داشت، من اول کسی بودم که او را می‌پرستیدم که فرزند در شأن پدر است

﴿۸۲﴾ سُبْحَانَ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ پروردگار آسمان‌ها و زمین و پروردگار عرش عظیم، منزّه است از آنچه که آنها می‌گویند

﴿۸۳﴾ فَذَرَهُمْ يَحْضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ آن‌ها را به

خودشان واگذار کن تا بگویند و بازی کنند، به هر کاری وارد شوند، به وعده خدا می‌رسند

﴿۸۴﴾ وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌُ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهٌُ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ او کسی

است که خدای آسمان و زمین است ، او دانا و حکیم است

﴿۸۵﴾ وَتَبَارَكَ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَعِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ

وَالِيهِ تُرْجَعُونَ برکت‌مند است خدایی که آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آنهاست،

مملکت اوست و علم به قیامت اختصاص به او دارد، مرجع تمامی آفریدگان است

﴿۸۶﴾ وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِهِ الشَّفَعَةَ إِلَّا مَن شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ

يَعْلَمُونَ کسانی که سواى خدا مورد پرستش و اطاعت واقع شده‌اند، مالک شفاعت

نیستند مگر کسانی که شاهد حق و عالم به مرام دین باشند

﴿۸۷﴾ وَلَئِن سَأَلْتَهُم مِّنْ خَلْقِهِمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ اگر از کفار و

مشرکین سؤال کنی خالق آسمان‌ها و زمین کیست؟ می‌گویند: خدا ، بگو: پس، از دین

حق به کجا منحرف می‌شوید؟

﴿۸۸﴾ وَقِيلَ لَهُ يَرْبِّ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ لَا يُؤْمِنُونَ به قول پیامبران توجه کنید که

می‌گویند: خدایا! آن‌ها مجرم هستند ایمان نمی‌آورند

﴿۸۹﴾ فَأَصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلِّمْ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ از آن‌ها بگذر با آن‌ها مدارا کن

، به زودی حقیقت را خواهند شناخت.

این سوره به مناسبت اینکه از دود و آتش جهانی خبر می‌دهد، دخان نامیده شده. پیش از قیام قائم، زمین در محاصره انفجارات هسته‌ای واقع می‌شود. این خبر از معجزات صریح قرآن است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ حَمَّ، میم، معانی حروف در سوره‌های قبل گذشت *

* به مناسبت آیات این سوره که از جنگ‌های جهانی پیش از ظهور و مخصوصاً جنگ هسته‌ای خبر می‌دهد، حروف اشاره به آن می‌شود.

﴿۲﴾ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ قسم به کتاب مبین، کتاب ناطق و صامت

﴿۳﴾ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ ما قرآن را در شب با برکت نازل کردیم، مردم را از نتایج اعمال بد می‌ترسانیم

﴿۴﴾ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ در آن شب با برکت مقدرات حکیمانه خدا مشخص می‌شود (ترتیب مقدرات در حضور شخص است نه زمان و آن شخص حضرت زهرا(س) است)

﴿۵﴾ أَمْرًا مِّنْ عِنْدِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ برنامه‌های حکیمانه خداوند در آن شب مقدر می‌شود، ما رسالت خود را ادامه می‌دهیم

﴿۶﴾ رَحْمَةً مِّنْ رَبِّكَ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ مقدرات، منشأ رحمت پروردگار تو است، خدا شنوا و داناست

﴿۷﴾ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِن كُنْتُمْ مُوقِنِينَ پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آنهاست، اگر شما یقین پیدا کنید

﴿۸﴾ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ خدایی که

به جز او خدایی نیست، زنده می کند و می میراند ، پروردگار اجداد گذشته شماست

﴿۹﴾ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ با این همه آثار قدرت و عظمت باز هم شما شک

می کنید و به بازی مشغول می شوید

﴿۱۰﴾ فَأَرْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ تو ای پیامبر من! برای ظهور دولت

حق در انتظار روزی باش که آسمان (افکار آنها) دود و آتش فراوان ظاهر سازد

﴿۱۱﴾ يَغْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ که آن آتش و دود تمام مردم را محاصره

کند ، این همان عذاب دردناک است

﴿۱۲﴾ رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ در این عذاب داد می زنند:

پروردگارا! عذاب را از ما برطرف کن، ایمان آوردیم

﴿۱۳﴾ أَنِّي لَهُمُ الذِّكْرَى وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ کجا داد و فریاد فایده دارد که

پیش از آن رسولان خدا آگاهی دادند

﴿۱۴﴾ ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَّجْنُونٌ به جای قبول نصیحت گفتند: دیوانه است

این حرف ها را به او تلقین کرده اند

﴿۱۵﴾ إِنَّا كَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ ما کم کم عذاب را برطرف

می کنیم که به ما پناهنده می شوید

﴿۱۶﴾ يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَى إِنَّا مُنْتَقِمُونَ روزی که حمله جهانی خود را

شروع کنیم ما انتقام می گیریم *

* این آیات مربوط به جنگ هسته‌ای است که جهان را محاصره کرده است. بَطْشَةَ الْكُبْرَى همان فتح اکبر در آیه دیگر است که فرمود: قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ الْأَكْبَرِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَعذِرَتَهُمْ. آن حضرت در قیام خود کل جهان را بدون جنگ با قدرت قاهره الهی فتح می‌کند. ورودش در عالم مانند آب باران در کویر خشک است. او بر لَش مرده زندگی دنیا ظاهر می‌شود که تشنه حیات است که فرمود: يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا.

﴿۱۷﴾ وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ
پیش از آن‌ها قوم فرعون را امتحان کردیم، رسول ما به سراغ آن‌ها رفت

﴿۱۸﴾ أَنْ أَدُّوا إِلَيَّ عِبَادَ اللَّهِ إِنَّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ
و گفت که: شما قوم ما را به بردگی کشیده‌اید، به من بسپارید من رسول صادق و امین هستم

﴿۱۹﴾ وَأَنْ لَا تَعْلُوا عَلَيَّ اللَّهُ إِنِّي آتِيكُمْ بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ
به قدرت الهی مجهزم، موسای قدیم نیستم هشدار می‌دهم که من

﴿۲۰﴾ وَإِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَنْ تَرْجُمُونِ
من به خدای خود و شما پناه می‌برم که مرا از خود برانید

﴿۲۱﴾ وَإِنْ لَمْ تُؤْمِنُوا لِي فَأَعْتَزِلُونِ
اگر به من ایمان نمی‌آورید، از من فاصله بگیرید

﴿۲۲﴾ فَدَعَا رَبَّهُ أَنْ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ مُجْرِمُونَ
ولی به حق او تجاوز کردند، دست به دعا برداشت که ای خدا! آن‌ها مجرم‌اند

﴿۲۳﴾ فَأَسْرِبِعَادِي لَيْلًا إِنَّكُمْ مُتَّبِعُونَ
به او دستور دادیم شبانه قوم خود را از شهر بیرون ببر، آن‌ها تعقیب می‌کنند

﴿۲۴﴾ وَأَتْرَكَ الْبَحْرَ رَهْوًا إِنَّهُمْ جُنْدٌ مُّغْرَقُونَ
از خیابان دریایی عبور کنید، بعد
از شما آن‌ها غرق می‌شوند

﴿۲۵﴾ كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ
چقدر آب و باغ که بجا گذاشتند، مهلت هم
نداشتند

﴿۲۶﴾ وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ
و زراعت‌ها و مقام و منصب‌ها

﴿۲۷﴾ وَنَعْمَةٍ كَانُوا فِيهَا فَلَکَهِينَ
و نعمت‌ها که متنعم بودند و شوق و نشاط
داشتند

﴿۲۸﴾ كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخَرِينَ
تمامی آن‌ها را به دیگران واگذار نمودیم

﴿۲۹﴾ فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ
ارزشی نداشتند
که اهل آسمان و زمین بر آن‌ها گریه کنند

﴿۳۰﴾ وَلَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ
بنی اسرائیل را از آن عذاب
بردگی نجات دادیم

﴿۳۱﴾ مِنْ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ كَانَ عَلِيًّا مِنَ الْمُسْرِفِينَ
از عذاب شکنجه فرعون که
خود را خدا می‌دانست و تجاوزگر بود

﴿۳۲﴾ وَلَقَدْ أَخْتَرْنَاهُمْ عَلَىٰ عِلْمٍ عَلَی الْعَالَمِينَ
بنی اسرائیل را به علم و دانش بر
جهانیان برتری دادیم

﴿۳۳﴾ وَعَاتَيْنَاهُمْ مِنَ الْآيَاتِ مَا فِيهِ بَلَاءٌ مُّبِينٌ
آن‌همه آیات و معجزات که
منشأ آگاهی و آزمایش بود به آن‌ها دادیم

﴿۳۴﴾ إِنَّ هَؤُلَاءِ لَيَقُولُونَ كفار و مشرکین می گویند:

﴿۳۵﴾ إِنَّ هِيَ إِلَّا مَوْتَتُنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُنشَرِينَ زندگی همین دنیا و مرگ است، قیامتی وجود ندارد

﴿۳۶﴾ فَأْتُوا بِآبَائِنَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ اگر شما پیامبران راست می گوید، اجداد ما را زنده کنید

﴿۳۷﴾ أَهْمٌ خَيْرٌ أَمْ قَوْمٌ تُبِعَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ أَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ کفار قریش بهترند یا قوم تبع و مشرکین قبل آنها که همه را به جرم گناه هلاک کردیم؟

﴿۳۸﴾ وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لِعَيْنٍ ما آسمان و زمین و آنچه را که بین آنهاست، به بازی نیافریدیم

﴿۳۹﴾ مَا خَلَقْنَاهُمْ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ آنها را به حق آفریدیم گرچه آنها نمی دانند

﴿۴۰﴾ إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ مِيقَاتُهُمْ أَجْمَعِينَ موعدها قیامت است، روز جدایی حق از باطل

﴿۴۱﴾ يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَىٰ عَنْ مَوْلَىٰ شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ روزی که رؤسا برای بردگان سودی ندارند، کسی آنها را یاری نمی کند

﴿۴۲﴾ إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ مگر اینکه لطف خدا شامل حال کسی شود، خداوند مهربان و عزیز است

﴿۴۳﴾ إِنَّ شَجَرَتَ الزَّقُّومِ اما درخت زقوم

﴿۴۴﴾ طَعَامُ الْأَيْمِ خوراک گناه‌کاران است (زقوم، شجره کفر و اخلاق آن‌هاست. هر نفر جهنمی با اخلاق کثیف و انتقام‌گیری عذاب بزرگی برای دیگران است)

﴿۴۵﴾ كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ آن ثمرات مانند مس گداخته در دل آن‌ها می‌جوشد

﴿۴۶﴾ كَغَلِي الْحَمِيمِ مانند آب جوش

﴿۴۷﴾ خُذُوهُ فَاعْتِلُوهُ إِلَى سَوَاءِ الْجَحِيمِ ای عوامل حرص و طمع! آن‌ها را تا وسط جهنم بالا ببرید (به خیال ترقی، ترقه‌بازی)

﴿۴۸﴾ ثُمَّ صُبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ و آن آب‌های جوش را بالای سرشان بریزید

﴿۴۹﴾ ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ به آن‌ها بگوئید: بزرگواران! میل بفرمایید عذاب‌ها را

﴿۵۰﴾ إِنَّ هَذَا مَا كُنْتُمْ بِهِ تَمْتَرُونَ نتیجه دروغ‌ها و فسادی است که به پا کردید

﴿۵۱﴾ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ و اما اهل ایمان، در فضای امن و امان

﴿۵۲﴾ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ در باغ‌ها کنار چشمه‌ها (خیر و برکت در وجود آن‌ها جوشان است)

﴿۵۳﴾ يَلْبَسُونَ مِنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَقَابِلِينَ روبه‌روی هم، لباس‌های سندس و استبرق می‌پوشند

﴿۵۴﴾ كَذَلِكَ وَزَوَّجْنَاهُم بِحُورٍ عِينٍ هَمِينَ طُور حورالعین را همسر آنها قرار

می‌دهیم

﴿۵۵﴾ يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ ءَامِنِينَ انواع میوه‌ها و خوشی‌ها در اختیار

آنها قرار می‌گیرد

﴿۵۶﴾ لَا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَىٰ وَوَقَّعَهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ به جز

مرگ ابتدایی دنیایی، مرگ دیگری نیست، خدا آنها را از عذاب جهنم حفظ می‌کند

﴿۵۷﴾ فَضَلًا مِّن رَّبِّكَ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ کامیابی بزرگ آنها، سایه لطف

خداوند است

﴿۵۸﴾ فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ما قرآن را ساده و آسان در

اختیار تو قرار دادیم تا حقیقت را درک کنند

﴿۵۹﴾ فَأَرْتَقِبْ إِنَّهُمْ مُّرْتَقِبُونَ تو در انتظار آن روز باش که آنها هم منتظرند

(می‌توانیم این سوره را سوره انتظار بنامیم که می‌گوید: فَأَرْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ).

آیاتها ۳۷

سُورَةُ الدُّخَانِ

المکّی

این سوره هم به مناسبت استعمال این کلمه، جاثیه نامیده شده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ حمّ، میم (حروف اول سوره‌ها دلیل عدم تناهی علم قرآن است)

﴿۲﴾ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ کتابی است که از جانب خداوند

توانای حکیم نازل شده است

﴿۳﴾ **إِنَّ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّلْمُؤْمِنِينَ** برای اهل ایمان و شعور در زمین و آسمان، این همه آیات پیدا شده است

﴿۴﴾ **وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُتُّ مِن دَابَّةٍ آيَاتٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ** همین طور در صفحه وجودتان و وجود حیوانات، آیاتی آفریده شده است

﴿۵﴾ **وَاخْتَلَفَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَمَا أَنزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِن رِّزْقٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَصْرِيفِ الرِّيْحِ آيَاتٌ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ** اختلاف شب و روز و این همه روزی‌ها که از آسمان نازل می‌کند، زمین مرده را با آن زنده می‌نماید، تغییرات جوّی آب‌وهوا برای خردمندان نشانه قدرت و عظمت است

﴿۶﴾ **تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَآيَاتِهِ يُؤْمِنُونَ** این قرآن هم آیت الهی است که برای تو تلاوت می‌شود، بعد از این همه آیات عظمت، به چه حدیثی ایمان می‌آورند؟

﴿۷﴾ **وَيَلِّ لِكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ** وای به حال دروغ‌زنان و گناه‌کاران

﴿۸﴾ **يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشِيرُهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ** آیات خداوند را می‌شنوند و با تکبر اصرار به گناه دارند مثل اینکه نشنیده‌اند، آن‌ها را به عذابی دردناک مژدگانی بده

﴿۹﴾ **وَإِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَهَا هُزُوًا أُوْلَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ** و اگر هم به آیات الهی آگاهی پیدا کنند آن را به مسخره می‌گیرند، آن‌ها مستحق عذابی خوار کننده‌اند

﴿۱۰﴾ **مِن رَّأْيِهِمْ جَهَنَّمُ وَلَا يُغْنِي عَنْهُمْ مَا كَسَبُوا شَيْئًا وَلَا مَا اتَّخَذُوا مِن دُونِ**

اللَّهُ أَوْلِيَاءَ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ در پی دنیا، زندگی جهنم برای آنها آماده است، در آنجا علم و قدرت و سرمایه‌های دیگر سودی ندارد و کاری از دوستان و پیشوایان آنها ساخته نیست، گرفتار عذاب ابدی هستند

﴿۱۱﴾ هَذَا هُدًى وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ مِّن رَّجْزٍ أَلِيمٍ این قرآن عامل هدایت است، کسانی که کافر به آن می‌شوند گرفتار عذاب ابدی خواهند شد

﴿۱۲﴾ اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لِيَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ خدا کسی است که دریا را به اختیار شما درآورد تا کشتی‌ها را به امر او حرکت دهید و از منافع دریا استفاده نمایید، شاید لطف خداوند را منظور بدانید

﴿۱۳﴾ وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ علاوه هرچه هست در آسمان و زمین به اختیار شماست، این تسخیرات برای متفکرین آیت الهی است

﴿۱۴﴾ قُلْ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ به مؤمنین بگو: برابر اذیت و آزار کسانی که عقیده به آخرت ندارند، صبر و گذشت داشته باشند تا خدا آنها را به نتایج اعمالشان مجازات کند *

* در تقدیر خدا کفار باید به عذاب‌هایی معذب شوند که خودشان آن را تولید نموده‌اند مانند عذاب‌ها که با جنگ تولید می‌شود و آخرین عذاب‌ها جنگ‌های هسته‌ای است و پیدایش چنین عذاب‌ها مدتی طول می‌کشد پس نباید اهل ایمان در برابر اذیت و آزار آنها به عجله انتقام الهی را مطالبه کنند.

﴿۱۵﴾ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ
هر کس عمل نیک انجام دهد به نفع خود او و اگر بد کند به ضرر اوست ، آخرین
مرجع همه کس خداوند است

﴿۱۶﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ
وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ الْعَالَمِينَ ما به بنی اسرائیل کتاب و حکم و نبوت و آن همه ثروت
دادیم و آنها را بر عالمیان برتری دادیم

﴿۱۷﴾ وَعَاتَيْنَاهُمْ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْأَمْرِ ۖ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعِيًّا
بَيْنَهُمْ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ این همه
معجزات و دلایل توحیدی به اختیار آنها گذاشتیم ، آنها بعد از وضوح راه خدا به
دلیل ظلم و حسد اختلاف به وجود آوردند ، خدا روز قیامت در این اختلافات قضاوت
خواهد کرد

﴿۱۸﴾ ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
و بعد از پیامبران تو را بر مدار شریعت آنها مبعوث نمودیم، از این شریعت پیروی
کن، نه از هوی و هوس جاهلان

﴿۱۹﴾ إِنَّهُمْ لَن يُغْنُوا عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَبَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ۗ
وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ آنها نمی توانند تو را از خدا بی نیاز کنند ، ستم کاران بر امثال
خود ولایت دارند ، خدا ولیّ پرهیز کاران است

﴿۲۰﴾ هَذَا بَصِيرَةٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ این آیات، مایه بصیرت
و هدایت مردم و برای اهل یقین مایه برکت و رحمت است

﴿۲۱﴾ **أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ** مگر ممکن است زندگی

انسان‌های فاسق و فاجر مانند اهل ایمان و عمل صالح باشد و موت و حیاتشان مساوی هم ، کسانی که این دو زندگی را برابر دانسته‌اند، بد قضاوت کرده‌اند

﴿۲۲﴾ **وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَلِيُجْزِيَ كُلَّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ** خداوند آسمان و زمین را به حق آفرید ، قضاوت به حق ایجاب

می کند که هر کسی برابر عملش مجازات شود، به کسی ستم نخواهد شد

﴿۲۳﴾ **أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوْنَهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ**

قضاوت شما در سرنوشت کسی که هوای نفس را حاکم نموده و با آگاهی به راه حق، خود را گمراه نموده و پرده جهل، شنوایی و دانایی او را بسته، چیست؟، چه کسی بعد از خدا او را هدایت می کند؟، چرا حقیقت را درک نمی کنید

﴿۲۴﴾ **وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ** بر پایه جهل خودشان می گویند: هر چه هست

همین زندگی دنیاست زنده می شویم می میریم ، روزگار ما را هلاک می کند ، روی حدس و گمان حرف می زنند

﴿۲۵﴾ **وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ مَّا كَانَ حُجَّتَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَتُتُونَا بِبَابِنَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ** وقتی که دلایل زندگی آخرت برای آن‌ها گفته می شود دلیلی بر

انکار آن ندارند جز اینکه می گویند: اگر راست می گویند، پدران ما را زنده کنید

﴿۲۶﴾ قُلِ اللَّهُ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يَجْمَعُكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

بگو: آری خدا شما را در این دنیا زنده می کند بعد می میراند و شما را به قیامت می کشاند که در آن شکی نیست، ولیکن اکثریت نمی دانند

﴿۲۷﴾ وَلِلَّهِ مَلِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُحْسِرُ الْمُبْطِلُونَ

پادشاهی آسمان ها و زمین مال اوست ، در قیامت معلوم می شود که پیروان باطل چقدر خسارت برده اند

﴿۲۸﴾ وَتَرَى كُلَّ أُمَّةٍ جَاثِيَةً كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَى إِلَى كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُحْزَرُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

آنجاست که هر گروهی در برابر کفر و گناه خود به زانو درمی آید، تمامی امت ها بر ملاک کتاب و عقیده خود محاکمه می شوند و از اعمال نیک و بد خود نتیجه می گیرند

﴿۲۹﴾ هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنْسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

این قرآن کتاب ماست که به حق قضاوت می کند، ما اعمال شما را نسخه برداری نموده ایم

﴿۳۰﴾ فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ

و بعد از حسابرسی خداوند اهل ایمان و عمل صالح را به دایره رحمت خود می کشاند که آن کامیابی بزرگ است

﴿۳۱﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا أَفَلَمْ تَكُنْ ءَايَتِي تُلَىٰ عَلَيْكُمْ فَاسْتَكْبَرْتُمْ وَكُنْتُمْ قَوْمًا مُّجْرِمِينَ

مأمورین خدا به کفار پرخاش می کنند که مگر آیات ما برای شما تلاوت نشد، شما تکبر نمودید و قومی جنایت کار بودید

﴿۳۲﴾ وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا قُلْتُمْ مَا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ إِنْ نَّظُنُّ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُتَّقِينَ
 حق است شکی در آن نیست، می‌گفتید: ما قیامت نمی‌فهمیم، خیالات است، یقین نداریم که حقیقت باشد

﴿۳۳﴾ وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ
 اعمال بد شما ظاهر شد، دین خدا و اولیاء خدا را که مسخره می‌کردید بر شما حاکمیت پیدا کرد

﴿۳۴﴾ وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنْسِفُكُمْ كَمَا نَسِفْنَا لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا وَمَأْوَنُكُمْ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَّاصِرِينَ
 و ما امروز شما را به حساب نمی‌آوریم، فراموش می‌کنیم چنان‌که روز لقاءالله را فراموش کردید، جای شما جهنم است کسی شما را یاری نمی‌کند

﴿۳۵﴾ ذَلِكَ بِأَنَّكُمْ اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوعًا وَغَرَّتْكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ
 و آیات خدا را مسخره کردید ، امروز راه نجاتی برای شما نیست، کسی شما را طرف خطاب و عتاب قرار نمی‌دهد

﴿۳۶﴾ فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
 ستایش با کلمه حمد مخصوص خدا مربی اهل آسمان‌ها و زمین و پروردگار عالمیان است

﴿۳۷﴾ وَلَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ
 بزرگی و عظمت برابر اهل آسمان‌ها و زمین مخصوص اوست ، او عزیز و حکیم است.

احقاف سرزمین ریگ زاری است که محل نزول عذاب بر قوم عاد بوده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(جزء ۲۶) ﴿۱﴾ حَمَّ حاء، میم، حروف قرآن بر هر حادثه‌ای قابل تطبیق است، همان‌طور
الفاظ آن حادثه‌ها الآن در لباس حرف است، مصادیق آن حادثه هم در لباس اصول
است مانند ساختمان‌های آینده که در دل خاک است

﴿۲﴾ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ کتابی است از جانب خدای عزیز و
حکیم که بر قلب پیغمبر نازل شده است

﴿۳﴾ مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَالَّذِينَ
كَفَرُوا عَمَّا أَنْذَرُوا مُعْرِضُونَ هدف ما از خلقت آسمان و زمین اقامه حق و
عدالت در مدت معین است اما کفار از مواعظ ما اعراض می‌کنند

﴿۴﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ
فِي السَّمَاوَاتِ أَتُنُونِي بِكِتَابٍ مِنْ قَبْلِ هَذَا أَوْ أَثَرَةٍ مِنْ عِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ
به آن‌ها بگو: افرادی که در برابر خدا قد علم کرده‌اند و شما از آن‌ها اطاعت می‌کنید،
چه چیزی در زمین خلق کرده‌اند یا مگر شریک خداوند در خلقت آسمان بوده‌اند؟
اگر راست می‌گویید، کتابی بیاورید که دلیل خلق آن‌ها و یا شرکت آن‌ها با خدا باشد

﴿۵﴾ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَا يَسْتَجِيبُ لَهُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ
وَهُمْ عَنْ دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ چقدر گمراه‌اند کسانی که از غیر خدا خواهش و تمنا

دارند، کسانی که تا قیامت خواهش کسی را اجابت نمی‌کنند و از وابستگان خود هم غافل‌اند

﴿۶﴾ وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءَ وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ روز قیامت دشمن پیروان خودشان هستند، اطاعت آن‌ها را هم منظور نمی‌دارند

﴿۷﴾ وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ وقتی آیات ما واضح و روشن تلاوت می‌شود، کفار می‌گویند: این‌ها همه سحر است

﴿۸﴾ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَيْنَاهُ قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئًا هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ كَفَىٰ بِهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ یا می‌گویند: آیات از خود پیامبر است که به خدا می‌بندد بگو: اگر به خدا دروغ می‌بندم شما قدرت ندارید مرا از سیطره قدرت او نجات دهید، خداوند داناتر است به نسبت‌هایی که به من می‌دهید، کافی است که خداوند شاهد بین من و شما باشد، او آمرزنده و مهربان است

﴿۹﴾ قُلْ مَا كُنْتُ بِدْعًا مِّنَ الرُّسُلِ وَمَا أَدْرِي مَا يُفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ بگو: من ادعای بی‌سابقه‌ای نکرده‌ام که پیامبرم، نمی‌دانم سرنوشت من و شما چه می‌شود، از آنچه به من وحی می‌شود، پیروی می‌کنم، من یک انسانم که شما را از عاقبت کفر و گناه می‌ترسانم

﴿۱۰﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنَ عِنْدِ اللَّهِ وَكَفَرْتُمْ بِهِءِ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَىٰ مِثْلِهِ فَعَمَنَ وَأَسْتَكْبَرْتُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ اگر آنچه

می گویم از جانب خدا باشد چه جوابی دارید که قبول نمی کنید، اگر یک اسرائیلی که قائل به حقانیت من است ایمان آورد و شما که قوم من هستید کافر شوید، چه جوابی دارید؟، خداوند ظالم را هدایت نمی کند

﴿۱۱﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا لَوْ كَانَ خَيْرًا مَّا سَبَقُونَا إِلَيْهِ وَإِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ فَمَسِيْقُولُونَ هَذَا إِفْكٌ قَدِيمٌ كفار می گویند: اگر این دین و دعوت نافع بود، فقرا در قبول آن بر اغنیاء سبقت نمی گرفتند، وقتی که به حقانیت آن آگاهی ندارند می گویند: افسانه های قدیم است

﴿۱۲﴾ وَمِنْ قَبْلِهِ كَتَبَ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً وَهَذَا كِتَابٌ مُّصَدِّقٌ لِّسَانًا عَرَبِيًّا لِّيُنذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَبُشْرَىٰ لِلْمُحْسِنِينَ پیش از این، کتاب موسی برای مردم منشأ رحمت و برکت بود، این قرآن هم کتابی است که کتب گذشته را تصدیق می کند، به زبان عربی نازل شده تا ظالم را از نتایج ظلم و ستم بترساند و نیکوکاران را به نتایج نیکوکاری بشارت دهد

﴿۱۳﴾ إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ کسانی که می گویند: پروردگار ما خداست و استقامت دارند، نترسند و غم و غصه ای نداشته باشند

﴿۱۴﴾ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ آن ها اهل بهشت هستند، بهشت نتیجه اعمال آنهاست و در آن زندگی جاویدند

﴿۱۵﴾ وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمَلُهُ وَفِصْلُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ

أَشْكُرُ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي ۗ إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ

ما به انسان سفارش کردیم که به پدر و مادر خود احسان کند ، مادر او با رنج و زحمت حامله شد و با رنج و زحمت وضع حمل نمود و این زحمات تا آخر دوران شیر، سی ماه طول کشید تا به عقل و شعور بالغ شد و به چهل سالگی رسید ، فرزند صالح در این حال می گوید: خدایا! شکر نعمت ولایت خود را که به من و والدینم بخشیدی الهام کن، به من توفیق اعمال صالحی بده که پسند تو باشد، فرزندان صالحی عنایت کن ، من در ولایت تو هستم، از مسلمانانم

﴿١٦﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَنَتَجَاوَزُ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ وَعَدَّ الصِّدْقِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ

آن ها هستند که بهترین اعمال آن ها را می پذیریم و بر ملاک آن اجر می دهیم و از جرم و گناه آن ها می گذریم ، وعده صدقی است که به آن ها داده ایم

﴿١٧﴾ وَالَّذِي قَالَ لِيَوْلَادِهِ أَفِ لِيَوْلَادِيهِ أَفِ لَكُمْ أَتَعِدَانِي أَنْ أُخْرَجَ وَقَدْ خَلَتِ الْقُرُونُ مِنْ قَبْلِي وَهُمَا يَسْتَعْجِلَانِ اللَّهَ وَيَلِكُ عَٰمِنُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَيَقُولُ مَا هَذَا إِلَّا أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ

و اما آن فرزندی که به پدر و مادر خود پرخاش می کند که چرا وعده بهشت می دهید با اینکه قرن ها گذشته و کسی زنده نشده است، آن ها از شرّ این پسر به خدا می نالند که: وای بر تو ای پسر ناهل! وعده خدا حق است، می گوید: نه، این ها افسانه تاریخ است

﴿١٨﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ ۗ إِنَّهُمْ كَانُوا خَٰسِرِينَ

عذاب الهی برای چنین افرادی حتمی است که از

اجناسی مانند خود هستند ، آن‌ها از خسارت زدگان‌اند

﴿۱۹﴾ **وَلِكُلِّ دَرَجَتٌ مِّمَّا عَمِلُوا وَلِيُوفِّيَهُمْ أَعْمَالَهُمْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ** برای هر

گروه اهل ایمان از مسیر عملی که دارند درجاتی پیدا می‌شود تا خداوند متعال نتایج اعمال آن‌ها را برساند، به آن‌ها ستم نمی‌شود

﴿۲۰﴾ **وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَدْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا**

وَأَسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ

الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ روزی که ستم‌کاران با آتشی روبه‌رو شوند که خود

آن را برافروخته‌اند، به آن‌ها گفته می‌شود خوش‌گذرانی‌های خود را در دنیا تمام

کردید، هرچه توانستید بهره بردید و امروز به‌جز عذاب ذلت‌بار برای شما چیزی

نیست، آن‌همه به ناحق کبریایی فروختید، فاسق و فاجر بودید

﴿۲۱﴾ **وَإِذْ كُرِّ أَخَا عَادٍ إِذْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ بِالْأَحْقَافِ وَقَدْ خَلَّتِ النُّذُرُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ**

وَمِنْ خَلْفِهِ إِلَّا تَعَبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ پیامبر

بزرگ، برادر قوم عاد را یادآوری کن، آنجا که قوم عاد را در زمین احقاف هدایت

می‌کرد و پیش‌از او پیامبران دیگر موعظه کردند، سفارش کردند که جز خدا کسی را

نپرستید، مبادا عذاب بزرگ قیامت شمارا فرا گیرد

﴿۲۲﴾ **قَالُوا أَجِئْنَا لِنَتَأْفِكَنَا عَنِ الْهَيْتِنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ**

گفتند که: تو آمده‌ای که ما را از پرستش خدایانمان منحرف کنی، اگر راست می‌گویی

عذاب‌هایی که ما را با آن تهدید می‌کنی، ظاهر کن

﴿۲۳﴾ **قَالَ إِنَّمَا أَلِمْ عِنْدَ اللَّهِ وَأُبَلِّغُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ وَلَكِنِّي أَرِنُكُمْ قَوْمًا**

تَجْهَلُونَ پیامبرشان گفت که: علم به وقت عذاب مخصوص خداست، من فقط شما را از این تقدیر خبر می‌دهم ولیکن شما مردمی نادان هستید

﴿۲۴﴾ **فَلَمَّا رَأَوْهُ عَارِضًا مُّسْتَقْبِلَ أُوْدِيَّتِهِمْ قَالُوا هَذَا عَارِضٌ مُّمْطِرُنَا بَلْ هُوَ مَا اسْتَعْجَلْتُمْ بِهِ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ** وقتی که عذاب را به صورت ابری مشاهده کردند، گفتند: ابر باران است، بگو: نه همان عذابی است که با شتاب خواسته‌اید، بادی است همراه عذابی الیم

﴿۲۵﴾ **تُدَمِّرُ كُلَّ شَيْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا فَأَصْبَحُوا لَا يُرَىٰ إِلَّا مَسَكِنُهُمْ كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ** همه چیز را به امر خدا نابود می‌کند، فردا صبح به جز خانه‌های ویران چیزی باقی نمانده بود، ما مجرمین را این‌طور عذاب می‌کنیم

﴿۲۶﴾ **وَلَقَدْ مَكَّنَّهُمْ فِيمَا إِنْ مَكَّنَّاكُمْ فِيهِ وَجَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعًا وَأَبْصَرًا وَأَفْئِدَةً فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ سَمْعُهُمْ وَلَا أَبْصَرُهُمْ وَلَا أَفْعِدَتُهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِذْ كَانُوا يَجْحَدُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ** آن قدر که لازم بود به آن‌ها قدرت دادیم، مجهز به بینایی و شنوایی نمودیم ولیکن این بینایی و شنوایی و دانایی به حال آن‌ها سودی نبخشید که منکر آیات خدا بودند و آن را به مسخره گرفتند و نتایج مسخره‌ها به خودشان برگشت

﴿۲۷﴾ **وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا مَا حَوْلَكُمْ مِنَ الْقُرَىٰ وَصَرَّفْنَا الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ** همین‌طور اطراف شما اهل مکه را هلاک نمودیم و پیش‌از هلاکت، آیات قدرت خود را نشان دادیم شاید به پناه حق برگردند

﴿۲۸﴾ **فَلَوْلَا نَصْرُهُمُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ قُرْبَانًا ءَالِهَةً بَلْ ضَلُّوا عَنْهُمْ**

وَذَلِكَ إِنْكَهَارٌ وَمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ پس چرا خدایانی که به آنها تقرب می‌جستند، موقع هلاکت، آنها را یاری نکردند بلکه آن خدایان از اختیار آنها خارج شدند، این است عاقبتِ نمایش‌های خلاف حقیقت و دروغ‌هایی که به خدا می‌بستند

﴿۲۹﴾ وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ و آنجا که طایفه‌ای از جنیان را به تو مربوط ساختیم قرائت قرآن را شنیدند، به یکدیگر گفتند: ساکت شوید، گوش کنید و چون قرائت تمام شد، به سوی قوم خود رفتند و آنها را دعوت به اسلام کردند

﴿۳۰﴾ قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِن بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَىٰ الْحَقِّ وَإِلَىٰ طَرِيقٍ مُّسْتَقِيمٍ به آنها گفتند: قرائت کتابی را شنیدیم که بعد از تورات نازل شده و تمامی علوم و حقوق گذشته را تصدیق و به راه راست هدایت می‌کند

﴿۳۱﴾ يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ يَغْفِرَ لَكُمْ مِّن ذُنُوبِكُمْ وَيُجِرْكُمْ مِّن عَذَابِ أَلِيمٍ از شما اقوام می‌خواهیم که دعوت رسول را اجابت کنید، ایمان بیاورید تا اثر گناه را محو کند، عقل و استعداد شما را بالا ببرد، از عذاب شدید آخرت به شما پناه دهد (جنیان طبق بعضی روایت‌ها انسان‌های بیابانی هستند)

﴿۳۲﴾ وَمَنْ لَا يُجِبْ دَاعِيَ اللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ وَلَيْسَ لَهُ مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءُ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ اگر کسی دعوت خدا را اجابت نکند نمی‌تواند خدا را از کار خود بازدارد و جز خدا سرپرستی ندارد، چنین گروهی حقیقتاً گمراه‌اند

﴿۳۳﴾ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَمْ يَعْزُبْ عَنْهُ مَلَكٌ وَلَا نَجْدٌ كَذَّبُوا عَن تِلْكَ الذِّكْرِ فَسَاءَ الَّذِي يَدْعُونَ عَنَّا قَدْ دَلَّ عَلَىٰ سَبِيلِ الْغِيَاثِ فَأُذِّنُوا بِنَارِ الْعَذَابِ وَذَلِكَ يَوْمُ الْقِيَامِ الَّذِي يَكْفُرُ الْكٰفِرُونَ

عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ بَلَىٰ إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ مگر آن‌ها نمی‌دانند کسی که عوالم آسمان و زمین را آفریده و از این آفرینش خسته نشده، می‌تواند مردگان را زنده کند، او به هر کاری تواناست

﴿۳۴﴾ وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبِّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ وقتی که کفار برابر آتش قرار گیرند به آن‌ها می‌گویند: آیا آتش جهنم حق نبود؟، می‌گویند: آری، والله حق بود، پس بچشید عذابی را که خودتان ساخته‌اید

﴿۳۵﴾ فَأَصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُوا الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ كَانَتْهُمْ يَوْمَ يَرُونَ مَا يُوْعَدُونَ لَمْ يَلْبُثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنْ نَّهَارٍ بَلَّغٌ فَمَهْلُ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الْفَاسِقُونَ تو هم مانند پیامبران گذشته صبر کن، در عذاب کفار و برکناری آن‌ها از جامعه شتاب نکن، روزی که به وعده خدا برسند، چنان است که بعد از ساعتی به وعده خدا رسیده‌اند، مگر به جز کافر و فاسق کسی هلاک می‌شود؟.

آیاتها ۳۸

سُورَةُ مُحَمَّدٍ

المدنی

این سوره شریفه هم به مناسبت ذکر نام آن حضرت، به نامش نامیده شده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ کسانی که کافر به خدا می‌شوند و مردم را از خط ولایت خدا بازمی‌دارند، در بی‌راهه زندگی می‌کنند

﴿۲﴾ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَءَامَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنَ

رَبِّهِمْ كَفَرُوا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ
 اما کسانی که اهل ایمان و عمل صالح هستند و به رسول خدا محمد (ص) ایمان می آورند (که حق است و از جانب خدا آمده است)، خداوند تیرگی های فکر آنها را می زداید و فکر آنها را اصلاح می کند

﴿۳﴾ ذَلِكَ بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَأَنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَلَهُمْ
 زیرا کفار در پی سراب اند و مؤمنین از حق پیروی دارند، خداوند برای این دو طایفه مثل می زند

﴿۴﴾ فَإِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَخْنَثْتُمْهُمْ فَشُدُّوا الْحَبْلَ فَإِمَّا مَنًّا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءً حَتَّىٰ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ذَلِكَ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانتَصَرَ مِنْهُمْ وَلَٰكِن لِّيَبْلُوَ بَعْضَكُمْ بِبَعْضٍ وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَلَهُمْ
 وقتی که در میدان دفاع با کفار روبه رو می شوید، با شدت و شجاعت گردن بزنید تا پیروز شوید و بعد از پیروزی یا با منت نهادن بر آنها آزادشان کنید و یا فدا بگیرید و جنگ را ادامه دهید تا که جنگ در دنیا تعطیل شود، اگر خدا بخواهد خودش می تواند انتقام بگیرد لیکن شمارا در جنگ می آزماید که به شما آگاهی دهد، کسانی که در جنگ کشته می شوند، بدانند که جهادشان بی نتیجه نخواهد بود

﴿۵﴾ سَيَهْدِيهِمْ وَيُصَلِّحُ بَالَهُمْ
 به زودی خدا فکر و فرهنگ آنها را اصلاح کرده، به دین خود هدایت می کند و

﴿۶﴾ وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَّفَهَا لَهُمْ
 وارد زندگی بهستی می کند که به آنها معرفی نموده است

﴿۷﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ اى

اهل ايمان! اگر شما خدا را يارى كنيد خدا نيز شما را يارى مى كند، دين و جامعه دينى شما را پايدار مى كند

﴿۸﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعَسَا لَهُمْ ءَاضِلٌ ءَعْمَلَهُمْ و اما كفار به جز سر كوبى و

بى ثمرى اعمال چيزى ندارند

﴿۹﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أُنزِلَ اللَّهُ فَاحْبَطُوا ءَعْمَلَهُمْ براى اينكه آنها دين

خدا را قبول نكردند، شجره زندگى آنها بى ثمر خواهد شد

﴿۱۰﴾ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ ؕ دَمَر

اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلِلْكَافِرِينَ أَمْثَلُهَا چرا در تاريخ سير نمى كنند تا ببينند سرگذشت

كفار تاريخ به كجا كشيد، خدا آنها را نابود كرد، سرنوشت كفار چنين است

﴿۱۱﴾ ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ زيرا خدا

ولى اهل ايمان است، آنها را به ثمر مى رساند، اما كفار مولايى ندارند

﴿۱۲﴾ إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا

الْأَنْهَارُ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوَى لَهُمْ

خدا اهل ايمان و عمل صالح را به علم و قدرتى مجهز مى كند كه نعمت، از آن چون نهر

جريان پيدا مى كند، اما كفار مانند حيوانات مى خورند و مى آشامند و آخرين نتيجه

علم و عمل آنها جهنم است

﴿۱۳﴾ وَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةً مِّن قَرْيَتِكَ الَّتِي أَخْرَجْتِكَ أَهْلَكَنَّهُمْ فَلَا

نَاصِرَ لَهُمْ چقدر زياد شهرها از شهرى كه تو را اخراج كردند قوى تر بودند،

خداوند آنها را به دست هلاکت سپرد و یاور و ناصری نداشتند

﴿۱۴﴾ أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْنَةٍ مِّن رَّبِّهِ كَمَن زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ وَأَتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ

آیا کسی که روی بینه و برهان به سوی خدای خود در حرکت است، مانند کسی است که اعمال بد در نظرش جلوه نموده و هوی و هوس بر او حاکم است؟

﴿۱۵﴾ مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِّن مَّاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِّن لَّبَنٍ

لَمْ يَتَغَيَّرَ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِّنْ خَمْرٍ لَّذَّةٍ لِّلشَّرِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِّنْ عَسَلٍ مُّصَفًّى وَلَهُمْ

فِيهَا مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا

فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ

بهشتی که به اهل تقوا وعده داده‌ایم، چنان است که نعمت‌ها در آن مانند نهر در جریان است، نهر آب خالص، نهر شیر که هرگز طعم آن تغییر

نمی‌کند، نهر عسل مصفا و نهری از شراب طهور در نهایت لذت و همه نوع ثمرات،

علاوه بر این‌ها مغفرت و رضایت خدا، آیا این زندگی مانند زندگی اهل جهنم است

که در آن مخلدند؟ آب جوش می‌آشامند، روده‌هایشان قطعه قطعه می‌شود

﴿۱۶﴾ وَمِنْهُمْ مَّن يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ حَتَّىٰ إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ

مَاذَا قَالَ عَٰنِفًا أُولَٰئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَأَتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ

بعضی به سخنان تو گوش می‌دهند که طالب حق نیستند، وقتی خارج می‌شوند به اهل حق

می‌گویند: الآن رسول خدا چه گفت، فهم آنها مغلوب طبیعت است، تابع هوای نفس

هستند

﴿۱۷﴾ وَالَّذِينَ أَهْتَدُوا زَادَهُمْ هُدًى وَوَعَّاتِهِمْ تَقْوَاهُمْ

اما آنها که طالب حق‌اند اهل ایمان‌اند، در محضر تو به نور علم روشن می‌شوند و هدایت و تقوای آنها زیادت‌ر

می‌شود

﴿۱۸﴾ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً ۖ فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا

جَاءَتْهُمْ ذِكْرُهُمْ مگر کفار بیشتر از این مهلت دارند که ساعت قیامت ناگهانی ظاهر شود ، شرایط آن ظاهر شده است و بعد از ظهور قیامت، ندامت برای آنها سودی ندارد *

* اشراط ساعت را حضرت مفصل برای سلمان تعریف می کند که همین حوادث آخرالزمان است که فرمودند: يُظْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَ حِينَ إِفْتِرَابِ السَّاعَةِ النَّسَاءُ كَاشِفَاتٌ... پس طبق این احادیث آخرالزمان که پیش از قیام حضرت است. قیام آن حضرت قیامت است. امام صادق (ع) در حدیث مفصل تمامی کلمات ساعت را تطبیق به قیام آن حضرت می کند.

﴿۱۹﴾ فَأَعْلَمَ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ۖ وَأَسْتَغْفِرُ لِدُنْيِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ۗ وَاللَّهُ

يَعْلَمُ مُتَقَلِّبَكُمُ وَمَثَوْنَكُمُ بدان که به جز خداوند خدایی نیست، برای خود و مؤمنین و مؤمنات مغفرت بخواه، خداوند آخرین تحولات و جایگاه شما را می داند

﴿۲۰﴾ وَيَقُولُ الَّذِينَ ءَامَنُوا لَوْلَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ ۖ فَإِذَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ مُحْكَمَةٌ وَذُكِرَ فِيهَا

الْقِتَالُ رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَغْشِيِّ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَأَوْلَى لَهُمْ مؤمنین از یکدیگر می پرسند که چرا سوره ای نازل نشد ، وقتی که

سوره ای نازل شود که در آن دستور جنگ باشد، خواهی دید که چهره منافقین تغییر می کند مثل اینکه مرگ بر آنها سایه افکنده است ، مرگ شایسته آنهاست

﴿۲۱﴾ طَاعَةٌ وَقَوْلٌ مَعْرُوفٌ فَإِذَا عَزَمَ الْأَمْرُ فَلَوْ صَدَقُوا اللَّهَ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ

گفتار و کردار خود به خود معروف است ، وقتی که جهاد قطعیت پیدا می کند اگر صداقت نشان دهند، برای آنها بهتر است

﴿۲۲﴾ فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ

شاید اگر شما به ولایت برسید، فساد به پا کنید و قطع رحم نمایید (این آیه اشاره به بنی‌العباس است که به ائمه (علیهم‌السلام) ستم کردند)

﴿۲۳﴾ **أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَرَهُمْ** لعنت الهی چنین افرادی را می‌گیرد، به کوری باطن مبتلا می‌شوند

﴿۲۴﴾ **أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا** چرا در معانی قرآن تدبر ندارند، شاید دریچه فهم آنها بسته شده است

﴿۲۵﴾ **إِنَّ الَّذِينَ أَرْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِم مِّن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمَلَىٰ لَهُمْ** کسانی که بعد از بیان دین و هدایت به قهقرا می‌روند، شیطان آنها را به انحراف کشیده و کفر و گناه بر آنها حاکم شده است

﴿۲۶﴾ **ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا مَا نَزَّلَ اللَّهُ سَنُطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأُمْرِ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ** برای اینکه با بعضی دشمنان دین تماس می‌گیرند و به آنها قول موافقت می‌دهند، خداوند راز و نجوا و پنهان‌سازی و سازش‌کاری آنها را می‌داند

﴿۲۷﴾ **فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَرَهُمْ** حال آنها چطور است وقتی فرشتگان جان آنها را بگیرند و به سوی جهنم بکشاند

﴿۲۸﴾ **ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ اتَّبَعُوا مَا أَصْحَبَ اللَّهُ وَكَرِهُوا رِضْوَانَهُ ۖ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ** آنها رضایت خدا را نمی‌پسندند و به موارد غضب خدا کشیده می‌شوند و در نتیجه بذر اعمالشان به ثمر نمی‌رسد

﴿۲۹﴾ **أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ أَن لَّن يُخْرِجَ اللَّهُ أَصْغَنَهُمْ** کسانی که به مرض کفر و نفاق آلوده‌اند، خیال می‌کنند خدا مرض و بغض و عناد آنها را ظاهر

نمی کند

﴿۳۰﴾ وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكُمْ فَلَعَرَفْتَهُمْ بِسِيمَاهُمْ وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ
 اگر بخواهیم آن‌ها را به شما نشان می‌دهیم تا به قیافه بشناسید و شما از لحن سخن، آن‌ها را می‌شناسید، خدا به اعمالتان آگاه است

﴿۳۱﴾ وَلَتَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَتَبْلُوَ أَخْبَارَكُمْ
 شما همین‌طور در آزمایش و امتحان هستید تا مجاهدین و صابرین مشخص شوند و اعمال شما را بشناسیم

﴿۳۲﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَشَاقُّوا الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَسَيُحِطُّ بِأَعْمَالِهِمْ
 کسانی که کافر به خدا می‌شوند و مردم را از دین خدا بازمی‌دارند و بعد از وضوح حق، رسول خدا را به مشقت می‌اندازند، نمی‌توانند ضرری به خدا بزنند، اعمال نیک آن‌ها بی‌ثمر خواهد شد

﴿۳۳﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ
 ای اهل ایمان! از خدا و رسول اطاعت کنید و اعمال خود را باطل نکنید

﴿۳۴﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ مَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ
 کسانی که کافر می‌شوند و مردم را از راه خدا بازمی‌دارند و در حال کفر می‌میرند، خدا آن‌ها را نمی‌آمرزد

﴿۳۵﴾ فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتْرُكَكُمْ
 در راه خدا سستی نکنید، مردم را به صلح و صلاح دعوت نمایید، برتری با شما و خدا با شماست، اعمال شما را واگذار نمی‌کند بلکه به ثمر می‌رساند

﴿۳۶﴾ إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ أَجُورَكُمْ وَلَا يَسْأَلْكُمْ أَمْوَالَكُمْ

این زندگی دنیا لهو و لعب است ، اگر ایمان به خدا بیاورید

و تقوا پیشه کنید، خداوند اجر شما را می‌رساند و مسئولیت مال را از شما برمی‌دارد

﴿۳۷﴾ إِنْ يَسْأَلْكُمْوهَا فَيُحْفِكُمْ تَبَخَّلُوا وَبَخْلًا أَمْوَالِكُمْ

برای اینکه اگر

مال شما را بطلبد و اصرار کند بخل شما را می‌گیرد و خشم و کینه شما آشکار می‌شود

﴿۳۸﴾ هَآأَنْتُمْ هَآؤَلَاءِ تُدْعُونَ لِتُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ وَمَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلُ عَن نَّفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ وَإِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَلَكُمْ

شما مردم به دین خدا دعوت شدید که در راه

خدا انفاق کنید ، بعضی از شما بخل می‌کند، هرکس بخل کند به ضرر خود بخل می‌کند ، خدا بی‌نیاز و شما محتاجید ، اگر از ولایت خدا اعراض کنید، دیگری را جای شما می‌آورد که مثل شما نباشند.

آیاتها ۲۹

سُورَةُ الْفَتْحِ

المدنی

این سوره، به مناسبت کلمه فتحنا، فتح نامیده شده است. فتح مکه، بزرگ‌ترین فتح تاریخ است زیرا این همه ابرقدرت‌ها به مکه لشکر کشیدند نتوانستند حرم خدا را فتح کنند. رسول خدا که بنده خالص خدا بود توانست آن را فتح کند. پس فتح آن حضرت، بزرگ‌ترین فتح است که عاقبت به وسیله امام زمان (عج)، فتح جهانی می‌شود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا

ما تو را موفق به فتح مبین و بی‌سابقه نمودیم

﴿۲﴾ لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ وَعَلَيْكَ وَيَهْدِيكَ

صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا تا خداوند تهمت‌های گذشته و آینده را نسبت به تو از افکار مردم برطرف و با این فتح، نعمت خود را بر تو کامل کند و تو را از خط مستقیم به سوی بهشت هدایت نماید

﴿۳﴾ وَيَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيمًا و تو را آن‌چنان که شایسته است یاری و عزیز کند

﴿۴﴾ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ وَاللَّهُ جُنُودُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا او خدایی است که روح آرامش و وقار در وجود بندگان خود قرار داد تا درجات ایمان آن‌ها بالا رود، نیروهای آسمان و زمین در اختیار خداوند است، خداوند دانا و حکیم است

﴿۵﴾ لِيَدْخِلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَيُكَفِّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَكَانَ ذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا تا با این روح آرامش، مؤمنین را به قدرت‌هایی برساند که با اعمال آن‌ها نهرهای علم و حکمت و ثروت جریان پیدا کند، در این مقام و نعمت جاوید باشند و با افاضه این روح، بدی‌های آن‌ها را بزدايد و درجات را بالا ببرد که فوز عظیم است

﴿۶﴾ وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا و هم‌چنین زن و مرد مشرک و منافق را عذاب کند که به خدا بدگمان شده‌اند، نمی‌دانند که با این بدگمانی در محاصره بلاها قرار گرفته‌اند، خشم و لعنت خدا آن‌ها را فرا گرفته و آتش جهنم آماده شده، چه عاقبت بدی دارند

﴿۷﴾ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا لشکرهای آسمان و زمین در اختیار خداست، خداوند نفوذ ناپذیر و داناست

﴿۸﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ما تو را رسالت دادیم که الگوی حق باشی، مؤمن را بشارت دهی و کافر را از عذاب بترسانی

﴿۹﴾ لِيَتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا تا همه ایمان به خدا بیاورید و دین خدا را تقویت کنید، به خدا احترام کنید و صبح و شام او را تسبیح بگویید

﴿۱۰﴾ إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمِنْ أَجْرٍ عَظِيمًا کسانی که در سایه درخت با تو بیعت می کنند با خدا بیعت می کنند، دست تو دست خداست که بالای دست آنهاست، هر کس این بیعت را بشکند به ضرر خود شکسته است و هر کس به عهد خدا وفا کند، اجر بزرگی از خدا می گیرد

﴿۱۱﴾ سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَالُنَا وَأَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرْ لَنَا يَقُولُونَ بِالسِّنْتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ نَفْعًا بَلْ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا اعرابی که از جهاد تخلف کردند، به زودی عذر می آورند که اموال و اولاد، ما را به خود مشغول کرد و از جهاد بازداشت برای ما مغفرت بخواه، آنچه در نیت ندارند به زبان می آورند به آنها بگو: اگر خدا بخواهد ضرر یا نفعی به شما برساند، چه کسی مانع می شود، خدا به اعمال شما آگاه است

﴿۱۲﴾ بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَىٰ أَهْلِيهِمْ أَبَدًا وَرَئِينَ ذَٰلِكَ فِي

قُلُوبِكُمْ وَظَنَّتُمْ ظَنًّا سَوِيًّا وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا

پیامبر و مؤمنین از این جنگ به خانواده‌اش بر نمی‌گردند، این عقیده در نظرتان جلوه کرد، چه بد خیالی کردید که خدا را نشناختید، شما ملازم هلاکت هستید

﴿۱۳﴾ وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا

کسی که ایمان به خدا و رسول نیاورد، بداند که ما در خط کفر عذابی سخت مهیا کرده‌ایم

﴿۱۴﴾ وَاللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

پادشاهی بر عوالم آسمان و زمین مال خداست، هر کسی را بخواهد

می‌آمرزد و هر کسی را بخواهد عذاب می‌کند، خدا آمرزنده و مهربان است

﴿۱۵﴾ سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انْطَلَقْتُمْ إِلَىٰ مَغَانِمَ لِتَأْخُذُوهَا ذَرُونَا نَتَّبِعْكُمْ

يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلِمَ اللَّهِ قُلْ لَنْ تَتَّبِعُونَا كَذَٰلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلُ فَسَيَقُولُونَ

بَلْ تَحْسُدُونَنَا بَلْ كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا

وقتی که با غنائم جنگ روبه‌رو می‌شوید، منافقین سروصدا راه می‌اندازند که بگذارید در خدمت شما باشیم می‌خواهند

کلام خدا را تغییر دهند که مؤمن‌اند، بگو: نه، خدا چنین فرمود که: شما هرگز تابع ما

نمی‌شوید، جواب می‌دهند که: شما با ما حسودی می‌کنید بلکه آن‌ها از واقعیت‌ها

به جز صورت ظاهر نمی‌فهمند

﴿۱۶﴾ قُلْ لِلْمُخَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ سَتُدْعُونَ إِلَىٰ قَوْمٍ أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ تُقَاتِلُونَهُمْ

أَوْ يُسْلِمُونَ فَإِن تُطِيعُوا يُؤْتِكُمُ اللَّهُ أَجْرًا حَسَنًا وَإِن تَتَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُمْ مِّن قَبْلُ

يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

به اعرابی که از جنگ تخلف کرده‌اند، بگو: به‌زودی با

قومی شجاع روبه‌رو می‌شوید، قومی که مجبورید با آن‌ها بجنگید مگر که مسلمان شوند، اگر در آن جنگ اطاعت کردید، غنیمت خوبی به شما می‌رسد و اگر از آن جنگ هم تخلف کنید، به عذاب سختی که تسلط دشمن باشد مبتلا می‌شوید

﴿۱۷﴾ لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرْجٌ
وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَنْ يَتَوَلَّ يُعَذِّبْهُ
عَذَابًا أَلِيمًا
بر نابینایان و شلان و مریضان ایرادی نیست که از شرکت در جنگ خودداری کنند، هر کس از خدا و رسول اطاعت کند، خدا او را به علم و قدرتی می‌رساند که از آن نهرهای ثروت و نعمت جریان پیدا می‌کند و هر کس خودرأیی پیشه کند، خدا سخت او را عذاب می‌کند

﴿۱۸﴾ لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي
قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَبَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا
خداوند از آن مؤمنین که زیر درخت با تو بیعت کردند راضی است، نیت قلب آن‌ها را دانست و روح آرامش بر آن‌ها نازل کرد و در برابر این بیعت فتحی نزدیک به آن‌ها وعده داد

﴿۱۹﴾ وَمَغَانِمَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا
در آن فتح، غنیمت‌های فراوان به آن‌ها می‌رسد، خداوند غالب و حکیم است

﴿۲۰﴾ وَعَدَّكُمْ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هَذِهِ وَكَفَّ أَيْدِيَ
النَّاسِ عَنْكُمْ وَلِتَكُونَ آيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا
علاوه بر آن غنیمت‌های بیشتری وعده می‌دهد که خواهید گرفت، غنیمت خیر را زودتر می‌رساند، در صلح حدیبیه شرّ کفار قریش را برطرف نمود تا این صلح آیتی برای

اهل ایمان باشد و در این فرصت شما را به نقشه‌های موفق جنگ هدایت کند (صلح حُدیبیّه راه مستقیم نقشه فتح مکه بود)

﴿۲۱﴾ وَأُخْرَىٰ لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللَّهُ بِهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا
و غنیمت‌های دیگر که الآن توانایی آن را ندارید و علم خداوند به آن محیط است ،
خداوند به هر کاری قادر است

﴿۲۲﴾ وَلَوْ قَتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَدْبَرَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا
اگر کفار با شما بجنگند، خدا وحشت به دل آن‌ها می‌اندازد، پشت به شما فرار می‌کند
و بعد از فرار سرپرست و ناصری ندارند

﴿۲۳﴾ سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا نصرت دین
سنت تاریخی خداست ، سنت خداوند تغییر نمی‌کند

﴿۲۴﴾ وَهُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ أَنْ
أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا خداست که شرّ کفار را در فتح
مکه از شما باز داشت و آسان و بدون کشتار شما را پیروز کرد ، خدا به اعمال شما
بیناست

﴿۲۵﴾ هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدَىٰ مَعَكُوفًا أَنْ يَبْلُغَ
مَجَلَّهُمْ وَلَوْلَا رِجَالُ مُؤْمِنُونَ وَنِسَاءُ مُؤْمِنَاتٌ لَمْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطَّوَّهُمْ فُتْصِيبَكُمْ
مِنْهُمْ مَعْرَةٌ بَغَيْرِ عِلْمٍ لِيَدْخُلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ
كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا اهل مکه بودند که شما را از ورود به مکه باز داشتند و
نگذاشتند قربانی شما به محل خود برسد ، اگر زنان و مردان مؤمنه داخل شهر نبودند

که شما ناشناخته آنها را می‌کشتید و نکوهش می‌شدید ، اجازه کشتار جمعی داشتید تا با این فتح بدون کشتار هرکسی را خدا بخواهد به دین خود وارد کند ، اگر جامعه اهل ایمان از کفار جدا شوند، خدا کفار را به عذاب سختی معذب خواهد کرد

﴿۲۶﴾ **إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَىٰ وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا** کفار حمیت جاهلیت را بر خود حاکم نمودند، خداوند روح آرامش در دل بندگان قرار داد و آنها را ملازم تقوا نمود که اهل تقوا مستحق آن بودند ، خداوند به هر چیزی داناست

﴿۲۷﴾ **لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّعْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ ؕ ءَامِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا** خدا رؤیای رسول خود را حقیقت داد که در خواب به او گفت: ان شاء الله به مسجدالحرام خواهید رفت و بدون خوف، حلق و تقصیر خواهید نمود ، پس خداوند مسائلی می‌دانست که شما نمی‌دانستید و فتح دیگری برای شما مقدر کرد

﴿۲۸﴾ **هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا** خدا، رسول خود را با دین حق و هدایت فرستاد تا دین خود را بر همه ادیان پیروز کند ، کافی است که خود عامل و شاهد این پیروزی باشد

﴿۲۹﴾ **مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ**

مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْهَهُ فَفَازَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا

بی شک محمد (ص) رسول خداست ، شاگردان و پیروان او بر کفار سخت گیر و با مؤمنین رام و آرام هستند ، تو آنها را به حال رکوع و سجود می بینی که در جستجوی لطف خدا و رضایت او هستند ، آثار سجده و تسلیم از قیافه آنها پیدا است ، نمونه رشد آنها که در تورات و انجیل گفته شده مانند زراعتی است که شکوفا شده تقویت می شود، ساقه اش را محکم نموده روی آن قرار می گیرد و کشاورزان از رشد آن تعجب می کنند، تا با این رشد و استحکام غیظ و غضب کفار زیاد شود ، خداوند به اهل ایمان و عمل صالح وعده می دهد که آنها را به رشد کامل و اجر عظیم برساند.

آیاتها ۱۸

سُورَةُ الْحُجُرَاتِ

المدنی

این سوره هم به مناسبت استعمال کلمه حجرات، به همین کلمه نامیده شده است. حجرات جمع حجره (خانه مسکونی) است، مخصوصاً اتاق زن و شوهر که کنار یکدیگر می نشینند و حجره به معنای کنار آمده است. در این سوره، آداب اجتماعی و احترام به بزرگان تعلیم می شود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدِي اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

ای اهل ایمان! در رفتن و آمدن و گفتن و شنیدن، بر خدا و رسول سبقت نگیرید و از اعمال بی ادبانه پرهیزید ، خداوند شنوا و داناست

﴿۲﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُو بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ

ای اهل

ایمان! در گفتگو صدایتان از صدای رسول خدا بلندتر نباشد و آن طور که یکدیگر را را صدا می‌زنید، رسول خدا را صدا نزنید زیرا با این بی‌ادبی‌ها اعمال خیرتان بی‌ثمر می‌شود و شما نمی‌دانید

﴿۳﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَىٰ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ کسانی که صدای خود را در برابر رسول خدا فروتر می‌آورند، خدا قلبشان را به نور تقوا آزموده است، برای آن‌ها در دنیا رشد ایمانی و در آخرت اجری عظیم مقدر است

﴿۴﴾ إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنَ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ اکثر عرب‌هایی که از پشت دیوار بی‌ادبانه تو را صدا می‌زنند، عقل و شعور ندارند

﴿۵﴾ وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّىٰ تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ اگر آن‌ها بدون سروصدا صبر کنند تا رسول خدا خارج شود برای آن‌ها بهتر است، خداوند آمرزنده و مهربان است

﴿۶﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهْلَةٍ فَتُصِيبُوهَا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ ای اهل ایمان! وقتی که فاسقی گزارش می‌دهد فوری قبول نکنید، تحقیق کنید مبادا از خبر خلاف، عده‌ای را مبتلا کنید و بعد ندامت حاصل نمایید

﴿۷﴾ وَأَعْلَمُوا أَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَٰئِكَ هُمُ الرَّشِدُونَ بدانید که رسول خدا در میان شما

است، اگر در بسیاری از کارها از شما پیروی کند گرفتاری پیدا می‌کنید ولیکن خداوند ایمان را محبوب دل شما و فسق و عصیان را مبعوض شما قرار داده است، این‌ها افرادی هستند که عقلشان به ثمر رسیده است

﴿۸﴾ **فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَنِعْمَةً وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ** عقل، فضیلت و نعمتی است از خداوند که علیم و حکیم است

﴿۹﴾ **وَإِن طَافَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِن بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقْتِلُوا الَّتِي تَبَغَى حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِن فَاءَتْ فَاصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ** اگر دو طایفه از اهل ایمان با یکدیگر به جنگ و جدال افتادند، بین آن‌ها را اصلاح کنید و اگر یکی از آن‌ها در برابر حق گردن کشید با او بجنگید تا تسلیم حق شود، اگر تسلیم شد بین برادران به قسط و عدالت اصلاح کنید، خدا کسانی را که عادلانه تقوا را رعایت کنند، دوست دارد

﴿۱۰﴾ **إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَاصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ** فقط اهل ایمان برادرند و شما بین برادران ایمانی خود را اصلاح کنید، تقوا پیشه کنید شاید لطف خدا شما را فرا گیرد

﴿۱۱﴾ **يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا يَسْحَرُ قَوْمٌ مِّن قَوْمِ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّن نِّسَاءِ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَرُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ** ای اهل ایمان! طایفه‌ای از شما طایفه دیگر را مسخره نکنند شاید مسخره شدگان از آن‌ها بهتر باشند، هم‌چنین طایفه‌ای از زنان طایفه دیگر را مسخره نکنند شاید

مسخره‌شدگان از آن‌ها بهتر باشند ، یکدیگر را به لَمَز و غَمَز (چشمک زدن) سبک شمارید و القاب زشت روی یکدیگر نگذارید ، چقدر زشت است کلمه فسق بعد از ایمان ، کسی که از اعمال بد توبه نکند، ظالم خواهد بود

﴿۱۲﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَ لَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا أَيُّبُّ أَحَدَكُمُ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ

ای اهل ایمان! از بسیاری گمان‌ها اجتناب کنید که بعضی بدگمانی‌ها گناه است و در کار و حال یکدیگر تجسس نکنید، غیبت نکنید ، آیا دوست دارید گوشت تن برادر مرده خود را بخورید؟ البته تنفر دارید ، از نافرمانی خدا بپرهیزید ، خداوند توبه پذیر و مهربان است

﴿۱۳﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن ذَكَرٍ وَأُنثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَىٰكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

شما را از زن و مرد آفریدیم و شما را شعبه شعبه و قبیله قبیله قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید (اختلافات دلیل برتری نیست) ، برتر آن است که تقوایش بیشتر باشد ، خداوند دانا و آگاه است

﴿۱۴﴾ قَالَتِ الْأَعْرَابُ ءَامَنَّا قُل لَّمْ نُؤْمِنُوا وَلَكِن قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِن تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُم مِّنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

اعراب ادعا می‌کنند که ایمان آورده‌ایم ، بگو: نه، ایمان نیاورده‌اید، بگویید: اسلام آورده‌ایم، هنوز که نور ایمان در قلب شما وارد نشده است، اگر در خط اسلام از خدا و رسول اطاعت کنید اجر شما محفوظ است، خدا آمرزنده و مهربان است

﴿۱۵﴾ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ

اهل ایمان فقط کسانی هستند که ایمان قلبی به خدا و رسول آورده‌اند و در دین خود شک ننموده‌اند و با مال و جان خود در راه خدا جهاد کرده‌اند، آن‌ها هستند که راست گفته‌اند

﴿۱۶﴾ قُلْ أَتَعْلَمُونَ اللَّهَ بِدِينِكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

آیا شما عرب‌ها به خدا آگاهی می‌دهید که دین دارید؟، با اینکه هرچه هست در آسمان و زمین، خداوند می‌داند و به هر چیزی آگاه است

﴿۱۷﴾ يَمْتُونُ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا قُلْ لَا تَمْتُونَا عَلَىٰ إِسْلَامِكُمْ بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَيْتُكُمْ لِلْإِيمَانِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

سر تو منت می‌گذارند که ایمان آورده‌اند، بگو: اسلام خود را بر من منت نگذارید، خدا بر شما منت دارد که شما را به ایمان هدایت کرده، اگر راست می‌گویید که مؤمن هستید

﴿۱۸﴾ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

آسمان و زمین نهان و پنهان است، خدا می‌داند و خداوند به اعمال شما بصیر و بیناست.

آیاتها ۴۵

سُورَةُ ق

المکّی

این سوره به مناسبت حرف قاف، به این کلمه نام‌گذاری شده است. همان‌طور که حروف کهیعض از حادثه کربلا خبر می‌دهد، این حرف هم از قیام قائم (عج) خبر می‌دهد. قاف و کوه قاف یعنی قائم آل محمد (ع).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ قَافٍ وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ قاف، قسم به قرآن مجید (قاف حرفی است قابل انطباق به قیام قائم (عج) و آن حضرت را در احادیث به عنوان کوه قاف و علمش را به عنوان چشمه آب حیات معرفی نموده‌اند) *

* خداوند در این سوره دو یادگار حضرت رسول را تعریف می‌کند و به آن‌ها قسم می‌خورد و آن دو، قرآن مجید و عترت است. قاف امام قائم (عج) است. فرمود: اِنِّی تَارِکٌ فِیْکُمْ الثَّقَلَیْنِ. هر یک از این دو یادگار را فوق کل بشریت معرفی می‌کند تا بشر را به کمال مطلق برسانند، چنان که فرمودند: بِکُمْ بَدَأَ اللهُ وَبِکُمْ یَخْتِمُ. مثلاً در تعریف کوه قاف گفته‌اند: کوهی است مشرف بر دنیا و پای آن چشمه آب حیات هر کس خود را به آن چشمه برساند و بیاشامد حیات ابدی پیدا می‌کند، خوب دقت کنید احادیث را افسانه‌ای ترجمه نکنید. وقتی که دنیا به معنای کره زمین است کوهی که مشرف به کره زمین باشد کجای زمین است. بزرگ‌ترین کوه‌ها در مقابل زمین ریگ کوچکی به حساب می‌آید، چنین کوهی باید قدش به کره ماه برسد تا مشرف به زمین شود. دنیا نه به معنای کره زمین بلکه به معنای زندگی انسان در کره زمین است. کوه قافی که مشرف بر دنیا است آن ابرقدرت عظیم یعنی امام زمان (عج) است که بر تمام زندگی دنیا از هبوط تا قیام قیامت اشراف دارد. چشمه آب حیات که هر کس بیاشامد مرگ و مرض از او برطرف می‌شود علم آن بزرگوار است که وقتی ظاهر می‌شود مرگ و مرض را برطرف می‌کند.

﴿۲﴾ بَلْ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ فَقَالَ الْكٰفِرُونَ هَذَا شَيْءٌ عَجِیْبٌ خیلی تعجب می‌کنند که یک هدایت‌کننده از جانب خدا مبعوث شود، کفار می‌گویند: این بعثت خیلی عجیب است

﴿۳﴾ اَوْدَا مِثْنًا وَكُنَّا تُرَابًا ذٰلِكَ رَجْعٌ بَعِیْدٌ چطور وقتی مردیم و خاک شدیم بعد زنده می‌شویم، این رجعت خیلی بعید است

﴿۴﴾ قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنْقُصُ الْاَرْضُ مِنْهُمْ وَعِندَنَا كِتٰبٌ حَفِیْظٌ ما درست می‌دانیم

چند نفر از اهل زمین مرده و به انبار گورستان رفته‌اند ، دفتر ثبت ما خیلی دقیق است

﴿۵﴾ **بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَّرِيحٍ** آن‌ها دین حق را بعد از ظهور تکذیب می‌کنند، آن‌ها همیشه در شک و شبهه هستند

﴿۶﴾ **أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ** چرا در آثار قدرت خدا فکر نمی‌کنند که ما فضای آسمان را به ستارگان و فضای دین را به پیامبران زینت داده‌ایم و نقصی در این دو فضا نیست

﴿۷﴾ **وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ** همین‌طور زمین را به آبادی و جمعیت گسترش دادیم و آن را با کوه‌ها و حجت‌ها آرامش داده‌ایم و این‌همه نباتات با طراوت آفریده‌ایم

﴿۸﴾ **تَبْصِرَةً وَذِكْرَى لِكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ** آثار قدرت خدا برای بندگان او عامل بینایی و پناهندگی به حق است

﴿۹﴾ **وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبْرَكًا فَأَنْبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَحَبَّ الْحَصِيدِ** چگونه از آسمان باران و به‌وسیله انبیاء علم و دانش نازل می‌کنیم و این‌همه باغ‌ها و میوه‌جات خلق می‌کنیم

﴿۱۰﴾ **وَالنَّخْلَ بَاسِقَاتٍ لَهَا طَلْعٌ نَضِيدٌ** و درخت‌های خرما که قد کشیده‌اند و خوشه‌های زیبا به نمایش می‌گذاریم تا

﴿۱۱﴾ **رِزْقًا لِلْعِبَادِ وَأَحْيَيْنَا بِهِ بَلَدَةً مَيِّتًا كَذَلِكَ الْخُرُوجُ** روزی بندگان باشد ، زمین‌های مرده را زنده می‌کند و همین‌طور است حیات مردگان

﴿۱۲﴾ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَأَصْحَابُ الرَّسِّ وَثَمُودُ
پیش از این اقوام، قوم نوح و اصحاب رس و قوم ثمود هم دین خدا را تکذیب نمودند

﴿۱۳﴾ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ وَإِخْوَانُ لُوطِ
هم چنین قوم عاد و قوم فرعون و برادران لوط

﴿۱۴﴾ وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ وَقَوْمُ تُبَّعٍ كُلٌّ كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ وَعِيدِ
و قوم تبع ، همه آنها دین خدا را تکذیب نمودند و مستحق عذاب شدند

﴿۱۵﴾ أَفَعَيْنَا بِالْحَلْقِ الْأَوَّلِ بَلْ هُمْ فِي لَبْسٍ مِّنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ
خیال می کنند که بعد از خلق گذشتگان خسته شده ایم چنین نیست ، آنها دائم در حال ساخت هستند و خلقت تازه ای پیدا می کنند

﴿۱۶﴾ وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسَّوَسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ
ما انسان را آفریده ایم و به وسوسه های نفسانی او آگاهیم، ما از رگ گردن به او نزدیک تریم

﴿۱۷﴾ إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ
آنجا که انسان در برخورد های حق و باطل اینجا و آنجا می گوید و می شنود

﴿۱۸﴾ مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ
هرگز حرفی نمی زند مگر اینکه فرشتگان رقیب و عتید حاضر و ناظرند، یکی گناه ثبت می کند و دیگری نیروی ایمان را تقویت می نماید

﴿۱۹﴾ وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ
تا آنجا که بی هوشی مرگ او را فرامی گیرد ، به او می گوید: همان مرگ است که از آن فرار

می کردی

﴿۲۰﴾ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ ذَلِكَ يَوْمَ الْوَعِيدِ بعد که روح در ابدان دمیده می شود،

همه می دانند که روز مسئولیت اعمال نیک و بد است

﴿۲۱﴾ وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ هر انسانی عاملی دارد که او را به

سوی هدف و امامش می دواند

﴿۲۲﴾ لَقَدْ كُنْتُمْ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكُمْ غِطَاءَكُمُ فَبَصُرْتُمُ الْيَوْمَ حَدِيدٌ

به او می گویند: از چنین روزی غافل بودی، پرده غفلت را برداشتیم، امروز تیزبینی

﴿۲۳﴾ وَقَالَ قَرِينُهُ هَذَا مَا لَدَيَّ عَتِيدٌ قرین حق یا باطل، او می گوید که: این

آقا برای وصول به نتایج اعمال خود آماده است (عتید و عتادت تجهیزات وجودی است

که از اعمال پیدا می شود)

﴿۲۴﴾ أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ در این موقع به مقام نبوت و ولایت فرمان

می رسد که هر کافر معاندی را به جهنم بکشانید

﴿۲۵﴾ مِّنَّا لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُّرِيبٍ یعنی کسانی که به طور جدی مانع کار خیر و

متجاوز و سرکش بوده اند

﴿۲۶﴾ أَلَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَأَلْقِيَاهُ فِي الْعَذَابِ الشَّدِيدِ و به جای

خالق، از مخلوق اطاعت نموده اند، این افراد را در عذاب شدید حبس کنید

﴿۲۷﴾ قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَا أَطْغَيْتُهُ وَلَكِن كَانَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ شیطان

رفیق او می گوید: من او را به طغیان وادار نکردم، خودش گمراه بود

﴿۲۸﴾ قَالَ لَا تَخْتَصِمُوا لَدَيَّ وَقَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُمْ بِالْوَعِيدِ حاکم به حکم خدا

به آن‌ها می‌گوید: اینجا جای نزاع نیست، پیش‌ازاین حجت بر شما تمام شد

﴿۲۹﴾ مَا يُبَدِّلُ الْقَوْلَ لَدَيَّ وَمَا أَنَا بِظَلَمٍ لِّلْعَبِيدِ در حضور من جای گفتار

خلاف حقیقت نیست، من ظالمانه قضاوت نمی‌کنم

﴿۳۰﴾ يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأْتِ وَتَقُولُ هَلْ مِنْ مَّزِيدٍ آن روز به جهنم

می‌گوییم: پُر شدی بس است؟، می‌گوید: بیشتر از این هست؟

﴿۳۱﴾ وَأَزَلَفْتِ الْجَنَّةَ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ در همین زمان بهشت هم برای اهل

بهشت آرایش و نمایش پیدا می‌کند

﴿۳۲﴾ هَذَا مَا تُوْعَدُونَ لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيظٍ این وعده خداست برای کسانی که

به خدا پناه بردند و دین خود را حفظ کردند

﴿۳۳﴾ مَن خَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ وَجَاءَ بِقَلْبٍ مُّنِيبٍ کسی که خدای غیب را

به عظمت شناخت و قلب خود را در پناه او قرارداد

﴿۳۴﴾ أَدْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ به سلامتی او را به بهشت ببرید که

امروز روز زندگی جاوید است

﴿۳۵﴾ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ آنچه بخواهند برای آن‌ها آماده است

و بیشتر و زیادتر

﴿۳۶﴾ وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّن قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِن

مُحِيسٍ چقدر پیش‌ازاین کفار را به هلاکت رساندیم که قوی‌تر و سخت‌تر بودند،

این شهر و آن شهر می‌دویدند، آیا راه فرار داشتند؟

﴿۳۷﴾ **إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ** این

آیات برای کسانی که قلب آگاه یا گوش شنوا دارند، آینه حقیقت است

﴿۳۸﴾ **وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِنْ**

لُغُوبٍ ما آسمان و زمین و یا تحولات تکاملی بشر را در شش دوره قرار دادیم،

خسته نشدیم

﴿۳۹﴾ **فَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ**

در برابر یاوه‌گویی‌ها صبر کن، پیش از طلوع و غروب آفتاب، خدا را تسبیح کن

﴿۴۰﴾ **وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَأَدْبَرَ السُّجُودِ** قسمتی از شب‌ها و بعد از سجده‌ها

سبحان الله بگو

﴿۴۱﴾ **وَأَسْتَمِعُ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ** روزی که منادیان، مردم را از

نزدیک بلند صدا می‌زنند

﴿۴۲﴾ **يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ** روزی که ندای به حق

دعوت امام را می‌شنوند، همان زمان، روز خروج اموات است

﴿۴۳﴾ **إِنَّا نَحْنُ نُحْيِيهِ وَنُمِيتُهُ وَإِلَيْنَا الْمَصِيرُ** فقط ما هستیم که زنده می‌کنیم و

می‌میرانیم، انتهای زندگی شما دایره ولایت ماست

﴿۴۴﴾ **يَوْمَ تَشَقُّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ** روزی که زمین

می‌شکافد، اموات را با سرعت بیرون می‌دهد، ایجاد چنین روزگاری بر ما آسان است

﴿٤٥﴾ مَخْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ

وَعِيدٍ ما به گفته‌های مردم داناتریم ، مردم را مجبور نکن ، قرآن را برای کسانی که از خدا و آخرت می‌ترسند، یادآوری کن.

آیاتها ۶۰

سُورَةُ الذَّارِيَاتِ

المکِّي

در این سوره، خداوند بذر علم و حکمت و رویش آن را به نمایش می‌گذارد گرچه ظاهراً رویش نطفه تا حمل و زایمان است ولیکن معنای واقعی آن، رویش علم است که به انسان وقار می‌دهد. از بذر علم، بهشت و از بذر جهل، جهنم می‌روید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قسم به عواملی که بذرها را می‌افشانند

﴿١﴾ وَالذَّرِيَّتِ ذُرْوًا

و عواملی که آن را می‌پرورانند و رحم مادر و قلوب

﴿٢﴾ فَأَلْحَمِلَتْ وَقَرًا

مؤمنین را سنگین می‌کنند

و عواملی که آرام آنچه روید و زایید به جریان می‌اندازند

﴿٣﴾ فَأَلْجَرِيَّتِ يُسْرًا

و عوامل دیگر که روزی‌ها را برابر استحقاق، بین افراد

﴿٤﴾ فَأَلْمَقْسِمَتِ أَمْرًا

تقسیم می‌کنند

آنچه به شما وعده داده‌اند، حقیقت دارد

﴿٥﴾ إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٌ

دین خدا مانند آفرینش، یک واقعیت است

﴿٦﴾ وَإِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ

قسم به فضای آفرینش که در آن طبقات آسمان و

﴿٧﴾ وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْحُبُكِ

زمین روی هم قرار گرفته‌اند

شما مردم، در قول و عقیده اختلاف دارید

﴿٨﴾ إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُتخَلِفٍ

﴿۹﴾ يُوَفِّكُ عَنْهُ مَنَافِكُ

در این اختلاف، عده‌ای به وادی باطل سقوط می‌کنند

﴿۱۰﴾ قُتِلَ الْخَرَّاصُونَ

حقیقت است که پیروان حدس و خیالات هلاک می‌شوند

﴿۱۱﴾ الَّذِينَ هُمْ فِي غَمْرَةٍ سَاهُونَ

آن‌ها که در اعماق غفلت سرگردانند

﴿۱۲﴾ يَسْأَلُونَ أَيَّانَ يَوْمِ الدِّينِ

از تو می‌پرسند روزگار حکومت دینی چه وقت

است؟

﴿۱۳﴾ يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ

بگو: روزگاری که کفار، فریفته قوای آتشین

می‌شوند

﴿۱۴﴾ ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ

به آن‌ها میدان می‌دهیم

که بچشید، آتشی است که با شتاب آن را طلب می‌کردید و می‌گفتید: کجاست

جهنم؟

﴿۱۵﴾ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ

پرهیزکاران در باغ‌ها کنار چشمه‌ها زندگی

دارند

﴿۱۶﴾ عَاخِذِينَ مَأْوَاهُمْ رَبُّهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُحْسِنِينَ

به آنچه خدا

وعده داده است می‌رسند، آن‌ها پیش‌ازاین در دنیا نیکوکار بودند

﴿۱۷﴾ كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ

کمی از شب‌ها را می‌خوابیدند و به

عبادت مشغول بودند

﴿۱۸﴾ وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ

سحرها در حال دعا و استغفار بودند

﴿۱۹﴾ وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ

سهمی از مال خود را به فقرا اختصاص

داده بودند

﴿۲۰﴾ **وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ** برای اهل ایمان و یقین این همه آیات قدرت خدا در زمین موجود است

﴿۲۱﴾ **وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ** و این همه آیات در وجود شما، چرا مطالعه نمی کنید؟

﴿۲۲﴾ **وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ** روزی شما و آنچه امیدوارید، از جانب خدا مقدر می شود

﴿۲۳﴾ **فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِّثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ** قسم به پروردگار آسمان و زمین که این وعده حق است، چنان که نطق و بیان شما حقیقت است

﴿۲۴﴾ **هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ** آیا داستان میهمانان بزرگوار ابراهیم به تو رسیده است؟

﴿۲۵﴾ **إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ** آنجا که بر ابراهیم وارد شدند، سلام دادند، جواب داد و گفت که: شما را نمی شناسم

﴿۲۶﴾ **فَرَاغَ إِلَىٰ أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ** به همسرش دستور داد گوشت گوساله چاق برای پذیرایی آماده کرد

﴿۲۷﴾ **فَقَرَّبَهُوَ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ** سفره غذا تقدیم کرد و گفت: چرا میل نمی فرمایید؟

﴿۲۸﴾ فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً ۖ قَالُوا لَا تَخَفْ ۖ وَبَشَّرُوهُ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ

از آن‌ها ترسید
مبادا قصد سوئی دارند خود را میهمان نمی‌دانند ، گفتند: نترس! ، ما فرشته‌ایم، تو را به
پسر دانایی مژده می‌دهیم

﴿۲۹﴾ فَأَقْبَلَتِ امْرَأَتُهُ فِي صَرَءٍ فَصَكَّتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ

زن
ابراهیم دودستی به صورت خود زد که وا! چطور یک پیره‌زن نازا بچه‌دار می‌شود

﴿۳۰﴾ قَالُوا كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ إِنَّهُ هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ

گفتند: همین‌طور، خدا
مقدر فرموده ، او حکیم و داناست

(جزء ۲۷) ﴿۳۱﴾ قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ

ابراهیم گفت که: مأموریت
شما چیست؟

﴿۳۲﴾ قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ

گفتند: مأمور هلاکت قوم لوط هستیم که
خیلی بی‌حیا شده‌اند

﴿۳۳﴾ لِنُرْسِلَ عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّنْ طِينٍ

می‌خواهیم آن‌ها را با زلزله سنگ‌باران
کنیم

﴿۳۴﴾ مَسْوَمَةٌ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُسْرِفِينَ

با همان عذاب‌هایی که برای گناه‌کاران
معین شده است

﴿۳۵﴾ فَأَخْرَجْنَا مَن كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

اول مؤمنین بی‌گناه را از شهر
اخراج نمودیم

﴿۳۶﴾ فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِّنَ الْمُسْلِمِينَ

فقط یک خانواده مؤمن و

بی گناه بودند

﴿۳۷﴾ وَتَرَكْنَا فِيهَا آيَةً لِلَّذِينَ يَخَافُونَ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ
داستان آن‌ها را برای کسانی که از خدا می‌ترسند درس عبرت قرار دادیم

﴿۳۸﴾ وَفِي مُوسَى إِذْ أَرْسَلْنَاهُ إِلَى فِرْعَوْنَ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ
و داستان موسی که با آن معجزات عجیب، مأمور دعوت فرعون شد

﴿۳۹﴾ فَتَوَلَّىٰ بُرْكَانِهِ وَقَالَ سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ
او به قدرت خود متکی شد و گفت: این ساحر دیوانه از کجا آمده است؟

﴿۴۰﴾ فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ وَهُوَ مُلِيمٌ
ما او را با لشکرش در حالی که مورد ملامت بودند، گرفتیم و غرق نمودیم

﴿۴۱﴾ وَفِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ
و قوم عاد که بر آن‌ها طوفانی فوق عوامل طبیعی مسلط نمودیم

﴿۴۲﴾ مَا تَذَرُ مِنْ شَيْءٍ أَتَتْ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلْنَاهُ كَالرَّمِيمِ
راهش بود، نابود می‌کرد

﴿۴۳﴾ وَفِي ثَمُودَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ تَمَتَّعُوا حَتَّىٰ حِينٍ
و قوم ثمود که مدتی به آن‌ها فرصت زندگی دادیم

﴿۴۴﴾ فَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّعِقَةُ وَهُمْ يَنْظُرُونَ
از اطاعت خدا سرکشیدند، صاعقه عذاب آن‌ها را فراگرفت، رو به روی یکدیگر هلاک شدند

﴿۴۵﴾ فَمَا اسْتَطَعُوا مِنْ قِيَامٍ وَمَا كَانُوا مُنْتَصِرِينَ
نتوانستند برای دفع عذاب

قیام کنند و خود را یاری نمایند

﴿۴۶﴾ وَقَوْمٌ نُوحٍ مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ قوم نوح هم پیش از آن‌ها مردمی فاسق بودند

﴿۴۷﴾ وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ ما آسمان و فضای علم و حکمت را ساخته‌ایم و آن را توسعه می‌دهیم (آسمان قابل توسعه، مکتب ولایت الهی است که بی‌نهایت قابل توسعه است)

﴿۴۸﴾ وَالْأَرْضَ فَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ الْمَاهِدُونَ زمین را برای شما گسترش دادیم، چه خوب مهد تربیتی که ساخته‌ایم

﴿۴۹﴾ وَمِن كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ همه چیز را جفت و ضد و نقیض آفریدیم شاید حقیقت را درک کنید

﴿۵۰﴾ فَفِرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ از هر خطری به سوی خدا فرار کنید، من از جانب او مأمور هدایت هستم

﴿۵۱﴾ وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَهًا ءآخَرَ إِنِّي لَكُمْ مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ با خدا، خدای دیگری نپرستید، من شما را از غضب او می‌ترسانم

﴿۵۲﴾ كَذَلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِن قَبْلِهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ پیامبری پیش از این نیامد مگر اینکه گفتند: ساحر و یا دیوانه است

﴿۵۳﴾ أَتَوَاصَوْا بِهِء بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ مثل اینکه یکدیگر را به این روش‌های اخلاقی سفارش کرده بودند بلکه همه طغیانگر بودند

﴿۵۴﴾ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ فَمَا أَنْتَ بِمَلُومٍ
از آنها اعراض کن تا هلاک شوند، به این
کار ملامت نخواهی شد

﴿۵۵﴾ وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ
خدا و دین خدا را یادآوری کن که
یادآوری برای اهل ایمان نافع است

﴿۵۶﴾ وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ
من جن و انس را به این منظور
آفریدم که بنده من (شاگرد من) باشند (يعبدون به عرفون تفسیر شده است)

﴿۵۷﴾ مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعَمُونَ
آنها را برای تهیه طعام
خلق نکرده‌ام (انسان به منظور دانشجویی خلق شده است)

﴿۵۸﴾ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ
خدا نیرومند و قدرتمند است، روزی
بندگان را می‌رساند

﴿۵۹﴾ فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُنُوبًا مِثْلَ ذُنُوبِ أَصْحَابِهِمْ فَلَا يَسْتَعْجِلُونَ
مانند یاران تبه‌کار خود هستند، شتاب نکنید
ستم‌کاران

﴿۶۰﴾ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ يَوْمِهِمُ الَّذِي يُوعَدُونَ
موعودی که در انتظار آنهاست.
وای به حال کفار از روز

در این سوره شریفه، از شخصیت‌های بزرگ آسمانی تعبیر به‌طور و کتاب مسطور و بیت معمور می‌کند. در عرف قسم همه‌جا به شخص قسم می‌خورند نه به شیئی، خانه‌های آباد و فضای بلند ائمه معصوم‌اند. چه دریایی جوشان‌تر از دریای علم آنها و چه سقفی مرتفع‌تر از سقف خانوادگی آنهاست. قتاده نامی از علمای اهل سنت خدمت امام محمد باقر(ع) می‌رسد و

تحت تأثیر عظمت آن بزرگوار واقع می‌شود، عرض می‌کند: یابن رسول الله! خدمت این همه علماء رسیده‌ام، تا این اندازه مجذوب و مرعوب واقع نشده‌ام که خدمت شما رسیده‌ام. حضرت فرمود: أَتَدْرِي أَيْنَ أَنْتَ. می‌دانی مقابل چه خانه‌هایی هستی، مقابل خانه‌هایی که أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذَكَرَ فِيهِ اسْمُهُ، عرض کرد: آری یابن رسول الله (ع) دانستم که آن خانه‌ها خانه خشت و گل نیست بلکه خانواده نبوت و ولایت است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ وَالطُّورِ قسم به کوه طور ولایت که مرکز جوشش آب حیات است

﴿۲﴾ وَكِتَابٍ مَّسْطُورٍ و قسم به کتاب ناطق

﴿۳﴾ فِي رَقٍّ مَّنْشُورٍ و قسم به صفحه قلب معصوم که تمامی علوم در آن نگاشته

شده است

﴿۴﴾ وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ و قسم به خانه آباد نبوت و ولایت

﴿۵﴾ وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوعِ و قسم به فضای رفیع علم و دانش آن‌ها

﴿۶﴾ وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ و قسم به دریای جوشان علم و حکمت آن‌ها (مولا به

سینه خود اشاره می‌کند که إِنَّ هَاهُنَا لَعِلْمًا جَمًّا)

﴿۷﴾ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ قسم به این مقام‌ها که عذاب پروردگار تو واقع

خواهد شد

﴿۸﴾ مَّا لَهُرَ مِنْ دَافِعٍ عاملی نیست که بتواند آن را دفع کند

﴿۹﴾ يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا روزی که آسمان هیجان و مَوْجَان یابد (افکار اهل

عالم متزلزل شود)

﴿۱۰﴾ وَتَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا و سیر کوه‌ها (ابر قدرت‌ها) به آخر برسد

﴿۱۱﴾ فَوَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ در چنین روزی، وای به حال تکذیب کنندگان

﴿۱۲﴾ الَّذِينَ هُمْ فِي خَوْضٍ يَلْعَبُونَ کسانی که زندگی خود را به بازی گرفتند

﴿۱۳﴾ يَوْمَ يُدْعُونَ إِلَى نَارِ جَهَنَّمَ دَعَاً (آخرین پدیده علمی و عملی کفار آتش هسته‌ای است) که در انتها به آتش کشیده می‌شوند

﴿۱۴﴾ هَذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكْذِبُونَ همین آتش هسته‌ای که ساخته‌اید، جهنم است که تکذیب نمودید (زیرا در قیامت به خودشان برمی‌گردد)

﴿۱۵﴾ أَفَسِحْرٌ هَذَا أَمْ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ این جهنم سحر است یا شما نمی‌بینید؟

﴿۱۶﴾ أَصَلَوْهَا فَاصْبِرُوا أَوْ لَا تَصْبِرُوا سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ إِنَّمَا تُحْزَنُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ روشن کنید! صبر کنید یا نکنید، عاجی ندارد، سزای اعمال شماست

﴿۱۷﴾ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ پرهیزکاران در سایه لطف خدا و ائمه (ع) قرار می‌گیرند

﴿۱۸﴾ فَكِهِينَ بِمَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ وَوَقَّاهُمْ رَبُّهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ از آنچه خدا به آنها بخشیده، خوش حال‌اند و از آتش در امان‌اند

﴿۱۹﴾ كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ بی حساب از نعمت‌های بهشت استفاده می‌کنند، گوارا باد که نتیجه اعمال شماست

﴿۲۰﴾ مُتَّكِعِينَ عَلَى سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ بر اریکه قدرت، در صفوف منظم تکیه می‌زنند، ما حورالعین را جفت آنها قرار می‌دهیم

﴿۲۱﴾ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِّنْ عَمَلِهِمْ مِّنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ

و اولادشان را که در خط ایمان از آنها پیروی کرده‌اند، به آنها ملحق می‌کنیم و نسلشان را ضایع نمی‌گذاریم، هر انسانی در گرو اعمال خود خواهد بود

﴿۲۲﴾ وَأَمَدَدْنَاهُمْ بِفِكَهَةٍ وَلَحْمٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ

با میوه‌جات و لحوم طیور و آنچه اشتها دارند، از آنها پذیرایی می‌کنیم

﴿۲۳﴾ يَتَنَزَّعُونَ فِيهَا كَأَسَا لَا لَعْوُ فِيهَا وَلَا تَأْتِيمٌ

جام شراب طهور از دست یکدیگر می‌ربایند، شربتی که عوارض گناه در آن نیست

﴿۲۴﴾ وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَّكْنُونٌ

جوانان زیبا مانند لؤلؤ و مروارید در خدمت آنها هستند

﴿۲۵﴾ وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ

با یکدیگر خوش‌وبش و سؤال و پرسش دارند

﴿۲۶﴾ قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ

که ما در دنیا می‌ترسیدیم مبادا ما و اولادمان در آخرت محکوم باشیم

﴿۲۷﴾ فَمَنْ أَلَّهِ عَلَيْنَا وَوَقَّانَا عَذَابَ السَّمُومِ

خدا بر ما منت نهاد و ما را از عذاب سموم جهنم حفظ کرد

﴿۲۸﴾ إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ

ما با خدای خود در حال خواهش و نیایش بودیم، خدای ما نیکوکار و مهربان است

﴿۲۹﴾ فَذَكِّرْ فَمَا أَنْتَ بِنِعْمَتِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَلَا مَجْنُونٍ
 یادآوری کن، تو در شعاع لطف خدایی، کاهن و دیوانه نیستی

﴿۳۰﴾ أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَّتَرَبَّصُ بِهِ رَيْبَ الْمُنُونِ
 می گویند: شاعر است، به انتظار می نشینیم، ببینیم عاقبتِ کارش چه می شود

﴿۳۱﴾ قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُتَرَبِّصِينَ
 بگو: شما به انتظار باشید، من هم به انتظارم تا عاقبت کار معلوم شود

﴿۳۲﴾ أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَحْلَمُهُمْ بِهَذَا أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاعُونَ
 می گویند: تو دیوانه‌ای، آن‌ها قومی طغیانگرند که حق را نمی پذیرند

﴿۳۳﴾ أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ
 یا می گویند: به خدا دروغ می بندد، چنین نیست بلکه ایمان نمی آورند

﴿۳۴﴾ فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ
 اگر راست می گویند، داستانی و قرآنی مانند این قرآن بیاورند

﴿۳۵﴾ أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ
 یا فکر می کنند بدون هدف و برای بازی خلق شده‌اند و یا خالق خود هستند

﴿۳۶﴾ أَمْ خَلَقُوا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بَلْ لَا يُوقِنُونَ
 یا خالق آسمان و زمین‌اند؟ بلکه اهل یقین نیستند که چنین می گویند

﴿۳۷﴾ أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَبِّكَ أَمْ هُمُ الْمُصَيِّطُونَ
 یا فکر می کنند خزائن غیب در اختیار دارند، یا آن‌ها بر همه چیز مسلط هستند، بلکه آن‌ها پیش از سازندگی آنچه

می سازند، خلق خدایند

﴿۳۸﴾ **أَمْ لَهُمْ سُلْمٌ يَسْتَمِعُونَ فِيهِ فَلَيَأْتِ مُسْتَمِعُهُمْ بِسُلْطٰنٍ مُّبِينٍ** یا وسیله‌ای

دارند که با خدا تماس می گیرند ، اگر چنین ادعایی دارند، دلیلش را بیاورند

﴿۳۹﴾ **أَمْ لَهُ الْبَنَاتُ وَلَكُمْ الْأَبْنُونَ** یا فکر می کنند که دختران مال خدا و پسران

مال آن‌ها هستند

﴿۴۰﴾ **أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِّن مَّغْرَمٍ مُّثْقَلُونَ** یا مگر از آن‌ها مزدی می خواهی

که تحمل آن را ندارند

﴿۴۱﴾ **أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُمُونَ** یا علم غیب به آن‌ها می رسد که

می نویسند

﴿۴۲﴾ **أَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًا فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمُ الْمَكِيدُونَ** یا کید و مکر به کار

می برند ، بدانند که مغلوب کید و مکر خدا هستند

﴿۴۳﴾ **أَمْ لَهُمْ إِلٰهٌ غَيْرُ اللَّهِ سُبْحٰنَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ** یا آن‌ها خدای دیگری

دارند ، خدا منزله است که شریک داشته باشد

﴿۴۴﴾ **وَإِن يَرَوْا كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ سَاقِطًا يَقُولُوا سَحَابٌ مَّرْكُومٌ** اگر توده

انبوهی از آسمان را در حال سقوط ببینند، می گویند: ابر و باران است (عذاب را به

طبیعت مربوط می کنند نه به خدا)

﴿۴۵﴾ **فَذَرَهُمْ حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي فِيهِ يُصْعَقُونَ** آن‌ها را به خود واگذار

کن تا روزی را که از شدت عذاب بی هوش می شوند، ببینند

﴿٤٦﴾ يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ روزی که کید و مکر

آن‌ها به حالشان سودی ندارد و کسی آن‌ها را یاری نمی‌کند

﴿٤٧﴾ وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ستم

کاران غیر از عذاب دنیایی عذاب دیگری دارند، اما نمی‌دانند

﴿٤٨﴾ وَأَصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ در

برابر حکم پروردگارت صبر کن، تو در حمایت ما هستی، هر وقت قیام به کاری می‌کنی، خدا را تسبیح کن

﴿٤٩﴾ وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَرَ النُّجُومِ همین‌طور نیمه‌های شب و دنباله غروب

به تسبیح و تقدیس خدا مشغول باش.

آیاتها ۶۲

سُورَةُ النَّجْمِ

المکّی

این سوره، مربوط به معراج حضرت رسول اکرم (ص) است. همان‌طور که شهاب تحت تأثیر جاذبه سرعت می‌گیرد، آن بزرگوار هم تحت تأثیر عشق خدا به طرف کمالات سرعت می‌گیرد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿١﴾ وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ قسم به ستاره هدایت که مجذوب عشق خدا به طرف او

سرعت گرفت

﴿٢﴾ مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ پیامبر شما از راه حق منحرف و گمراه نشده

﴿٣﴾ وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ از روی هوای نفس، سخن نمی‌گوید

﴿٤﴾ إِنَّ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ آنچه می‌گوید، از مبدأ وحی الهی می‌گوید

- ﴿۵﴾ عِلْمُهُ شَدِيدُ الْقُوَى
خدای قدرتمند، علوم را در سینه او جای داد
- ﴿۶﴾ ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَى
او را با اراده قاهره خود، در اعتدال کامل قرار داد
- ﴿۷﴾ وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَى
در عالی‌ترین آفاق که علم الهی از آنجا طالع می‌شود
- ﴿۸﴾ ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى
او به خدای خود نزدیک و نزدیک‌تر شد، چنان‌که گویی به لطف خدا آویخته شد
- ﴿۹﴾ فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى
مانند دو سر کمان یا نزدیک‌تر، گویی همه کائنات به وسیله آن حضرت به خدا متصل شد
- ﴿۱۰﴾ فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِ مَا أَوْحَىٰ
در آن اتصال و ارتباط، هرچه خواست به او تعلیم داد
- ﴿۱۱﴾ مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ
آن حضرت آنچه گفت از مشاهدات خود گفت، دروغ نگفت
- ﴿۱۲﴾ أَفْتُمَرُونَهُ عَلَىٰ مَا يَرَىٰ
آیا شما او را در مشاهدات خود به شبهه می‌اندازید؟
- ﴿۱۳﴾ وَلَقَدْ رَعَاهُ نَزْلَةَ أُخْرَىٰ
و باز مرتبه دیگر در سیر نزولی خود در لقاء الهی قرار گرفت
- ﴿۱۴﴾ عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ
و این ملاقات در حضور انسان کامل که عرش الهی است، واقع شد
- ﴿۱۵﴾ عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَىٰ
همان‌جا که این ملاقات واقع شد، جنت المأوی (حضرت زهراس) بود

﴿۱۶﴾ اِذْ يَعْشَى الْسِدْرَةَ مَا يَعْشَى
مشاهده نمود که نور عظمت الهی چگونه آن‌ها
را احاطه نموده است

﴿۱۷﴾ مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَى
بصر و بصیرت او آنچه گفت، خلاف نگفت و از
حقیقت تجاوز نکرد

﴿۱۸﴾ لَقَدْ رَأَى مِنْ ءَايَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى
او آیات بزرگ الهی را چنان که بود
شناخت (مولان) فرمود: لَيْسَ لِلَّهِ آيَةٌ أَكْبَرُ مِنِّي) *

* آیات اول سوره، معراج تکاملی حضرت است که مانند شهاب از خلق به طرف خالق سرعت گرفت به لقاء الهی نائل شد که گفتند: جبرائیل از او عقب ماند و گفت: لَوْ دَوَّتُ أَنْمَلَةً لَأَحْتُرِقْتُ. آن حال ملاقات با خداوند افق اعلی است که به جلال ذاتی خود بر قلب آن حضرت طالع می‌شود و همان حال سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى و جَنَّةِ الْمَأْوَى است یعنی مقام حضرت زهرا و ائمه اطهار (ع) که حضرت فرمود: خدا به زبان علی با من سخن گفت. آن حال، انتهای کمال و کمال مطلق است. تمامی این آیات مربوط به حالات و حرکات معراجی آن حضرت است.

﴿۱۹﴾ أَفَرَعَيْتُمْ أَلَّتْ وَالْعُرَى
فکر کنید، این بت‌های لات و عزی چیستند و
کیست‌اند؟

﴿۲۰﴾ وَمَنْوَةَ الْعَالِيَةِ الْأُخْرَى
و یا آن بت سوم؟

﴿۲۱﴾ أَلَكُمُ الذَّكْرُ وَلَهُ الْأُنثَى
و یا چه می‌گویید که پسران مال شما و دختران
مال خدا هستند

﴿۲۲﴾ تِلْكَ إِذَا قِسْمَةٌ ضِيزَى
چه تقسیمات جاهلانه‌ای که انجام داده‌اید

﴿۲۳﴾ إِنْ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَءَابَاؤُكُمْ مِمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ

يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمُ الْهُدَىٰ
این بت سازی ها و خلیفه تراشی ها خلاف حقیقت است که شما و اجدادتان به وجود آورده اید، خدا به آن ها حجت نداده، از حدس و گمان و هوای نفس پیروی می کنید ، خداوند شما را به اولیاء خود هدایت کرده است

﴿۲۴﴾ أَمْ لِلْإِنْسَانِ مَا تَمَنَّى
آیا انسان از این راه های غلط به آرزوی خود می رسد؟
هرگز!

﴿۲۵﴾ فَلِلَّهِ الْآخِرَةُ وَالْأُولَىٰ
سعادت دنیا و آخرت به دست خداست

﴿۲۶﴾ وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَىٰ
این همه فرشتگان در آسمان و زمین هستند که شفاعت آن ها سودی ندارد، مگر کسی که خدا به او اجازه دهد و راضی باشد

﴿۲۷﴾ إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيَسْمُونَ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَةً الْأُنثَىٰ
کسانی که ایمان به آخرت ندارند، فرشتگان را دختر خدا می دانند

﴿۲۸﴾ وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا
آن ها شعور فرشته شناسی ندارند ، به حدس و گمان حرف می زنند ، ظن و گمان جای حق را نمی گیرد

﴿۲۹﴾ فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّىٰ عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا
از این افراد که از دین خدا غافل اند و به جز دنیا هدفی ندارند، دوری کن

﴿۳۰﴾ ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ

عقلشان فقط تا دنیا کار می کند، خدا گمراهان و هدایت شدگان را
بِمَنْ أَهْتَدَى
 می شناسد

﴿۳۱﴾ **وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ**
الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى آسمانها و زمین ملک خداست تا نیکوکاران و بدکاران
 را به نتایج اعمالشان برساند

﴿۳۲﴾ **الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبِيرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ هُوَ**
أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَإِذْ أَنْتُمْ أَجِنَّةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ فَلَا تُزَكُّوا
أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى نیکوکاران آنهایند که از گناهان کبیره اجتناب
 می کنند، مگر گناه کوچک که عفو خدا بسیار وسیع است، او به حال شما از آن زمان
 که شما را از خاک برآورد و در رحم شما را می ساخت آگاه است، خود را تعریف
 نکنید که او اهل تقوا را می شناسد

﴿۳۳﴾ **أَفَرَأَيْتَ الَّذِي تَوَلَّى** کسانی را که از دین خدا اعراض می کنند، بین و
 بشناس

﴿۳۴﴾ **وَأَعْطَى قَلِيلًا وَأَكْدَى** که بذل و بخشش آنها خیلی کم است، گدا
 صفت هستند

﴿۳۵﴾ **أَعِنْدَهُ عِلْمُ الْغَيْبِ فَهُوَ يَرَى** به عقیده خود علم غیب دارند که از انفاق
 می ترسند؟

﴿۳۶﴾ **أَمْ لَمْ يُنَبَّأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَى** آیا از کتابها و روش گذشتگان آگاهی
 نیافتند؟

- ﴿۳۷﴾ **وَإِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّى** یا از دین حنیف ابراهیم روشنگر حق، نیاموختند
- ﴿۳۸﴾ **أَلَّا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ** که هیچ کس بار مسئولیت دیگری را قبول نمی کند؟
- ﴿۳۹﴾ **وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ** هر کسی جز نتیجه سعی خود را نخواهد دید
- ﴿۴۰﴾ **وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَىٰ** و خیلی زود نتیجه آن را فرا خواهد گرفت
- ﴿۴۱﴾ **ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَىٰ** به جزای کامل وافی خواهد رسید
- ﴿۴۲﴾ **وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ** و خواهد دانست که عاقبت کارها به دست خداست
- ﴿۴۳﴾ **وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكَىٰ** و اوست که غم و غصه یا نشاط به وجود می آورد
- ﴿۴۴﴾ **وَأَنَّهُ هُوَ أَمَاتَ وَأَحْيَا** و یا می میراند و زنده می کند
- ﴿۴۵﴾ **وَأَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ** و اوست که جفت زن و مرد خلق می کند
- ﴿۴۶﴾ **مِنْ نُّطْفَةٍ إِذَا تُمْنَىٰ** از نطفه و آب منی او را می سازد
- ﴿۴۷﴾ **وَأَنَّ عَلَيْهِ النَّشَأَةَ الْأُخْرَىٰ** و او زندگی آخرت را به وجود می آورد
- ﴿۴۸﴾ **وَأَنَّهُ هُوَ أَغْنَىٰ وَأَقْنَىٰ** و اوست که بی نیازی و ثروت به وجود می آورد
- ﴿۴۹﴾ **وَأَنَّهُ هُوَ رَبُّ الشَّعْرَىٰ** پروردگار ستاره شعرا اوست
- ﴿۵۰﴾ **وَأَنَّهُ رَاحِلُكَ عَادًا الْأُولَىٰ** و اوست که قوم عاد را هلاک نمود

﴿۵۱﴾ وَتَمُودًا فَمَا أَبْقَى
قوم تمود را هم باقی نگذاشت

﴿۵۲﴾ وَقَوْمَ نُوحٍ مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَأَطْعَى
پیش از آن‌ها قوم نوح را
که ظالم و طغیانگر بودند، به هلاکت رسانید

﴿۵۳﴾ وَالْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَى
و اقوام منحرف دیگر را

﴿۵۴﴾ فَغَشَّيْنَا مَا غَشَّى
نمی‌دانید چه عذاب‌های شدیدی آن‌ها را فرا گرفت

﴿۵۵﴾ فَبِأَيِّ آيَاتِ رَبِّكَ تَتَمَارَى
در کدام یک از نعمت‌های او شک و شبهه
دارید؟

﴿۵۶﴾ هَذَا نَذِيرٌ مِّنَ النَّذْرِ الْأُولَى
شما بدانید که این پیامبر صاحب قرآن هم
مانند پیامبران گذشته شما را از عواقب گناه می‌ترساند

﴿۵۷﴾ أَزِفَتِ الْأَرْفَةُ
در مسیر اسلام، قیامت جلوه کرد و حساب نزدیک شد

﴿۵۸﴾ لَيْسَ لَهَا مِن دُونِ اللَّهِ كَاشِفَةٌ
به جز خدا کسی نمی‌داند و نمی‌تواند
قیامت را ظاهر سازد

﴿۵۹﴾ أَفَمِنَ هَذَا الْحَدِيثِ تَعَجِبُونَ
شما از این دین و کتاب تازه تعجب می‌کنید

﴿۶۰﴾ وَتَضْحَكُونَ وَلَا تَبْكُونَ
می‌خندید و به عاقبت فکر نمی‌کنید

﴿۶۱﴾ وَأَنْتُمْ سَمِيدُونَ
ساکت و بی‌تفاوت هستید

﴿۶۲﴾ فَاسْجُدُوا لِلَّهِ وَاعْبُدُوا (سجده واجب)
خدا را سجده کنید، او را بپرستید.

این سوره شریفه هم به مناسبت معجزه شق القمر به کلمه قمر نامیده شده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ أَقْرَبَتِ السَّاعَةُ وَأَنْشَقَّ الْقَمَرُ
قمر شکافته شد (خط هدایت شکوفا گردید)
قیامت نزدیک شد *

* شق القمر در ظاهر معجزه شق القمر و در تأویل شکوفا شدن چهره هدایت و ولایت است که جامعه بشریت در شعاع ولایت و تربیت ائمه اطهار(ع) شکوفا می شود تا در مسیر این رشد و شکوفایی موجبات ظهور امام زمان(عج) فراهم شود. چهره علمی رسول خدا به عنوان خورشید و چهره امامت به عنوان قمر شناخته شده است که در تاریکی شب ظلمانی غیبت، مردم را هدایت می کند.

﴿۲﴾ وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ
مردم بی خرد، وقتی که معجزه می بینند، می گویند: سحر است

﴿۳﴾ وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ وَكُلُّ أَمْرٍ مُّسْتَقَرٌّ
دین خدا را تکذیب نمودند، از هوی و هوس پیروی کردند، همه چیز در جای خود ثابت و پایدار است

﴿۴﴾ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنَ الْأَنْبَاءِ مَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ
این همه داستان های آموزنده به آن ها رسیده، اگر متنبه شوند

﴿۵﴾ حِكْمَةٌ بَلِيغَةٌ فَمَا تُغْنِ الْتُدْرُ
حکمت خلقت و دین ابلاغ شده ولی هدایت هادیان سودی نبخشید

﴿۶﴾ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلَىٰ شَيْءٍ نُكْرٍ
تا روز قیامت که به نتایج بد

اعمال خود کشیده می‌شوند، از آنها اعراض کن

﴿۷﴾ خُشَعًا أَبْصَرُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُنْتَشِرٌ آن روز،

دانش و بینش آنها در نهایت خشوع است، مانند ملخ از دل خاک می‌جوشند به حساب کشیده می‌شوند

﴿۸﴾ مَهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ يَقُولُ الْكٰفِرُونَ هَذَا يَوْمٌ عَسِرٌ در نهایت ذلت، تسلیم

دعوت کنندگان می‌شوند، کفار می‌گویند: وای چه روز سختی است

﴿۹﴾ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ وَازْدُجِرَ پیش از

این بنده ما نوح را تکذیب نمودند، گفتند: دیوانه است و او را کنار زدند

﴿۱۰﴾ فَدَعَا رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَأَنْتَصِرٌ دست به دعا برداشت که: ای خدا! من در

برابر این مردم ناتوانم، مرا یاری کن

﴿۱۱﴾ فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ ما آب‌های آسمانی را مانند نهر جاری

ساختیم

﴿۱۲﴾ وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَىٰ أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ و چشمه‌های زمین

را جوشش دادیم، آب زمین و آسمان با هم طبق تقدیر خدا دریایی به وجود آوردند

﴿۱۳﴾ وَحَمَلْنَاهُ عَلَىٰ ذَاتِ الْأَوْجِ وَدُسُرٍ نوح و همراهانش را بر یک کشتی که از

تخته‌ها و میخ‌ها ساخته شده بود، سوار کردیم

﴿۱۴﴾ تَجْرِي بِأَعْيُنِنَا جَزَاءَ لِمَن كَانَ كُفِرَ با نظارت و حفاظت ما کشتی روی

آب‌ها به جریان افتاد تا کفار با عقده دل مجازات شوند که چرا سوار نشدند

﴿۱۵﴾ وَلَقَدْ تَرَكْنَهَا آيَةً فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ
و این کشتی و نجات مردم را برای
آیندگان آیتی آموزنده قرار دادیم، آیا کسی هست بیاموزد؟

﴿۱۶﴾ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرٍ
بینید و بدانید تهدیدات چطور است

﴿۱۷﴾ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ
قرآن را ساده و آسان قرار
دادیم، کسی هست بیاموزد؟

﴿۱۸﴾ كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرٍ
قوم عاد هم رسول ما را تکذیب
نمودند، بینید عذاب ما چطور بود

﴿۱۹﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمٍ نَحْسٍ مُسْتَمِرٍّ
در ایامی نحوست
بار و مستمر، طوفانی شدید بر آنها مسلط کردیم

﴿۲۰﴾ تَنْزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ مُنْقَعِرٍ
مردم را از زمین به هوا پرتاب
می کرد، مانند درخت خرما که کنده می شود

﴿۲۱﴾ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرٍ
بینید عذاب ما و تهدیدات ما چطور بود

﴿۲۲﴾ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ
قرآن را برای فراگیری آسان
کردیم، کسی هست فرا گیرد؟

﴿۲۳﴾ كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالنُّذْرِ
قوم ثمود هم رسولان ما را تکذیب نمودند

﴿۲۴﴾ فَقَالُوا أَبَشْرًا مِمَّنَّا وَاحِدًا نَتَّبِعُهُ إِنَّآ إِذَا لَفِيَ ضَلَالٍ وَسُعْرٍ
گفتند: آیا از یک
نفر مانند خودمان اطاعت کنیم؟، حتماً گمراهی و گرفتاری پیدا می کنیم

﴿۲۵﴾ **أَمْ لَقِيَ الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٌّ** در میان ما همین آقا

پیام آور خدا شده است؟، نه! کذاب است، شریر است

﴿۲۶﴾ **سَيَعْلَمُونَ غَدًا مَنِ الْكَذَّابُ الْأَشِرُّ** فردا که نتیجه اعمال ظاهر شود،

خواهید فهمید چه کسی کذاب و شریر است

﴿۲۷﴾ **إِنَّا مُرْسِلُوا النَّاقَةَ فِتْنَةً لَهُمْ فَأَرْتَقِبْهُمْ وَأَصْطَبِرْ** برای آزمایش آنها شتر

با برکت را آیتی قرار دادیم، منتظر باش ببینیم چه می کند

﴿۲۸﴾ **وَنَبِّئْهُمْ أَنَّ الْمَاءَ قِسْمَةٌ بَيْنَهُمْ كُلُّ شِرْبٍ مُحْتَضَرٌ** به آنها بگو: آب شهر

یک روز برای شما و یک روز برای شتر، هر کدام نوبت خود را داشته باشید

﴿۲۹﴾ **فَنَادَوْا صَاحِبَهُمْ فَتَعَاطَى فَعَقَرَ** آنها شقی ترین خود را مأمور کشتن شتر

نمودند، قاتل کمین کرد و ناقه صالح را کشت

﴿۳۰﴾ **فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرٍ** ببینید عذاب ما و تهدیدات ما چگونه بود

﴿۳۱﴾ **إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً وَاحِدَةً فَكَانُوا كَهَشِيمِ الْمُحْتَظِرِ** فرمان الهی

آنها را فرا گرفت، در نتیجه هلاک شدند

﴿۳۲﴾ **وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْءَانَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ** ما قرآن را برای پندگیری و

سرعت فهم، آسان گفتیم، آیا کسی هست بداند؟

﴿۳۳﴾ **كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ بِالنُّذْرِ** قوم لوط مانند دیگران رسولان ما را تکذیب

نمودند

﴿۳۴﴾ **إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّا عَالَ لُوطٌ نَجَّيْنَاهُمْ بِسَحَرٍ** ما آنها را هنگام

سحر در معرض بارش سنگ‌ها قرار دادیم ، به جز خانواده لوط که آن‌ها را نجات دادیم

﴿۳۵﴾ نِعْمَةٌ مِّنْ عِنْدِنَا كَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ شَكَرَ لطف ما بود که شامل خانواده او شد ، پاداش بندگان شاکر ما این است

﴿۳۶﴾ وَلَقَدْ أَنْذَرَهُمْ بَطْشَتَنَا فَتَمَارَوْا بِالنُّذْرِ غافل گیر شوند، ولی به تهدید ما وقعی ننهادند قبلاً آن‌ها را تهدید نمودیم مبادا

﴿۳۷﴾ وَلَقَدْ رَاوَدُوهُ عَنِ ضَيْفِيهِ فَطَمَسْنَا أَعْيُنَهُمْ فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذِرِ خواستند با میهمانان لوط رسوایی به وجود آورند، چشم آن‌ها را محو نمودیم که عذاب ما را بچشند

﴿۳۸﴾ وَلَقَدْ صَبَّحَهُم بُكْرَةً عَذَابٌ مُّسْتَقِرٌّ صبح گاهان عذاب ابدی ما آن‌ها را فرا گرفت

﴿۳۹﴾ فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذِرِ پس بچشید عذاب ما و تهدیدات ما را

﴿۴۰﴾ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّدْكِرٍ قرآن را با بیانی ساده آوردیم ، کسی هست فرا گیرد؟

﴿۴۱﴾ وَلَقَدْ جَاءَ عَالٍ فِرْعَوْنَ النُّذُرِ رسولان ما به سراغ فرعونیان هم رفتند

﴿۴۲﴾ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُلِّهَا فَأَخَذْنَاهُمْ أَخْذَ عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ این‌همه آیات و معجزات برای آن‌ها ظاهر نمودیم همه را تکذیب کردند، ما نیز در سیطره اقتدار دریا شکافی خود آن‌ها را هلاک نمودیم

﴿۴۳﴾ أَكْفَارُكُمْ خَيْرٌ مِّنْ أَوْلِيَّتِكُمْ أَمْ لَكُمْ بَرَاءَةٌ فِي الزُّبُرِ يَا شَمَا كِفَارِ

زمان، از کفار تاریخ بهترید؟، یا در کتاب خدا سند آزادی دارید؟

﴿۴۴﴾ أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُّنتَصِرُونَ يَا مِي كُوِيِد: دَر بَرَابَر عَذَابِ خَدَا قَدْرَتِ دِفَاعِ

داریم

﴿۴۵﴾ سَيَهْزَمُ الْجَمْعُ وَيُولُونَ الدُّبُرَ چِنِنِ نِيَسْت، تَمَامِي شَمَا شَكْسْت مِي خُوَرِيِد

و فرار می کنید

﴿۴۶﴾ بَلِ السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةُ أَدْهَىٰ وَأَمَرُّ مِيْعَادِ آنَهَا سَاعَتِ قِيَامَتِ

است، قیامت برای آنها مصیبت بارتر است، تلخ تر است

﴿۴۷﴾ إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعْرٍ جَنَايَتِ كَارَانِ دَائِمِ از خَطِ انْحِرَافِنْد، دَر رَنَجِ

و مشقت اند

﴿۴۸﴾ يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ بَدُونِ عَاقِبَتِ بِيْنِي

مانند خزندگان به آتش کشیده می شوند

﴿۴۹﴾ إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ مَا هَرِ چِيْزِي رَا بَه حِسَابِ وَا نْدَازَه آفَرِيْدِيْم، دَر

طبیعت بی حسابی نیست

﴿۵۰﴾ وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمْحٍ بِالْبَصَرِ كَارَهَا رُوِي يَكِ نَقْشَه حِسَابِ شَدَه

انجام می گیرد، مانند بینایی در انسان و حیوان

﴿۵۱﴾ وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا أَشْيَاعَكُمْ فَهَلْ مِنْ مُّدَكِّيرٍ اِيْنِ هَمَه نَمُونَهَهَا از شَمَا كِفَارِ

را هلاک نمودیم، کسی هست حقیقت را درک کند؟

- ﴿۵۲﴾ **وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي الزُّبُرِ** هر عملی که انجام داده‌اید، در کتاب آفرینش
ثبت و ضبط است
- ﴿۵۳﴾ **وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُسْتَطَرٌّ** کوچک و بزرگ اعمال، در صفحه نفوس
نوشته شده است
- ﴿۵۴﴾ **إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ** پرهیزکاران عاقبت در بهشت، کنار نهر حیات
و رحمت هستند
- ﴿۵۵﴾ **فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ** در جایگاه پایدار، در سایه سلطنتی
با اقتدار.

آیاتها ۲۸

سُورَةُ الرَّحْمَنِ

المدنی

در این سوره شریفه، خداوند متعال یک یک نعمت‌های خود را می‌شمارد و مردم را به گواهی می‌گیرد که آیا می‌توانند منکر شوند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- ﴿۱﴾ **الرَّحْمَنُ** خدای بخشنده مهربان است که
- ﴿۲﴾ **عَلَّمَ الْقُرْآنَ** قرآن را تعلیم می‌دهد (کشف حقیقت قرآن به نورانیت قلب است)
- ﴿۳﴾ **خَلَقَ الْإِنْسَانَ** خداوند انسان را آفرید
- ﴿۴﴾ **عَلَّمَهُ الْبَيَانَ** به او سخن و بیان آموخت
- ﴿۵﴾ **السَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ** خورشید و ماه و مظاهر هدایت، در نظام الهی
حرکت دارند

﴿۶﴾ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ ستاره‌ها و درخت‌ها تسلیم خدایند

﴿۷﴾ وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ خداوند، فضای طبیعت و فضای علوم

اسلامی را گسترش داده و برای هر چیز مقیاس و میزان قرار داده است

﴿۸﴾ أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ تا کسی و چیزی از حد خود تجاوز نکند

﴿۹﴾ وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ هر متاعی را به میزان عدالت

بسنجید، به خود و مردم ضرر نزنید

﴿۱۰﴾ وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنْعَامِ خداوند این کره زمین و زمینه تربیت را برای

مردم آفرید

﴿۱۱﴾ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ میوه‌ها و درخت خرما که شاخه میوه

را از دل خود به شما تقدیم می‌کند

﴿۱۲﴾ وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ این همه حبوبات و دانه‌ها و گل‌های زیبا

﴿۱۳﴾ فَبِأَيِّ آيَاتٍ رَبِّكُمْ تُكْفَرُونَ کدام یک از نعمت‌های خداوند را تکذیب

می‌کنید؟

﴿۱۴﴾ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ خداوند، انسان را از گل خشکیده و

عمل آمده آفرید *

* اعمال نیک به قصد اطاعت خدا ماهیت انسان را به طرف خوبی‌ها شکل می‌دهد که در این صورت از کفر و گناه و ظلم و ستم تنفر دارند، از طرف دیگر اعمال کفر هم انسان را به سوی کفر و گناه و ظلم و ستم شکل می‌دهد و آمادگی روانی را به سوی ایمان می‌گیرد. مؤمن به طبیعت خاک در اعتدال است و به‌عکس مقتضیات وجود کفار بی‌نظم و نظام فعالیت می‌کند،

به طبیعت آتش است. اینکه خداوند می‌فرماید: کفار را از آتش آفریده مربوط به خلقت تربیتی در زندگی دنیاست که کافر به طبیعت آتش تربیت می‌شود.

﴿۱۵﴾ **وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَّارِجٍ مِنْ نَّارٍ** و جنیان را از ماده‌ای مخلوط به آتش

خلق کرد (این خلقت مربوط به دوران شکل‌گیری از مسیر اعمال است)

﴿۱۶﴾ **فَبِأَيِّ آءَالَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ** کدام یک از نعمت‌های خداوند را تکذیب

می‌کنید؟

﴿۱۷﴾ **رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ** پروردگار، مربی شرق و غرب طبیعت و

شرق و غرب افکار است

﴿۱۸﴾ **فَبِأَيِّ آءَالَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ** کدام یک از نعمت‌های خداوند را تکذیب

می‌کنید؟

﴿۱۹﴾ **مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ** خداوند دو دریای تلخ و شور آب و دو دریای

عقل و جهل را به یکدیگر مخلوط کرد

﴿۲۰﴾ **بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ** و بین آن دو مانعی به‌وجود آورد که بر یکدیگر

نتازند

﴿۲۱﴾ **فَبِأَيِّ آءَالَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ** کدام یک از نعمت‌های خداوند را تکذیب

می‌کنید؟

﴿۲۲﴾ **يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ** از این دو دریا جواهرات لؤلؤ و مرجان و

عقل و دانش به‌وجود آورد

﴿۲۳﴾ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ
 کدام یک از نعمت‌های خداوند را تکذیب می‌کنید؟

﴿۲۴﴾ وَ لَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ
 که در دریای تفکر با علامت حرکت دارند، مال خدا هستند
 کشتی‌ها که در دریا یا انسان‌ها

﴿۲۵﴾ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ
 کدام یک از نعمت‌های خداوند را تکذیب می‌کنید؟

﴿۲۶﴾ كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ
 هر چه در روی زمین است، عاقبت فانی می‌شود

﴿۲۷﴾ وَيَبْقَى وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ
 و آن که وجهه الهی دارد باقی می‌ماند

﴿۲۸﴾ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ
 کدام یک از نعمت‌های خداوند را تکذیب می‌کنید؟

﴿۲۹﴾ يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ
 آسمان‌ها و زمین حوایج خود را از او می‌طلبند، او در هر زمانی به کاری مشغول است
 هر که هست در

﴿۳۰﴾ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ
 کدام یک از نعمت‌های خداوند را تکذیب می‌کنید؟

﴿۳۱﴾ سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَ الثَّقَلَانِ
 ای گروه جن و انس! به زودی برای رسیدگی به حساب شما فراغت پیدا می‌کنیم

﴿۳۲﴾ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ
 کدام یک از نعمت‌های خداوند را تکذیب

می کنید؟

﴿۳۳﴾ **يَمَعُشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنَّ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَنِ** ای گروه جن و انس! اگر در توان خود می بینید، از محیط آسمانها و زمین خارج شوید بفرمایید، بدانید که نمی توانید مگر به قدرت خداوند *

* سفرهای فضایی با وسایلی که کفار در اختیار دارند و از نیروی آتش استفاده می کنند محکوم به شکست است ولیکن با وسیله هایی که اهل ایمان در اختیار دارند آنی و فوری است که سرعت با آن وسیله ها فوق سرعت است، آنی و فوری است. نیروی نور فقط از خط ایمان در اختیار انسان قرار می گیرد. اگر چنین سفرهای آنی و فوری در اختیار انسان قرار نگیرد بسیاری از وعده هایی که خداوند به مردم می دهد لغویت پیدا می کند زیرا خدا که در قرآن خبر می دهد آنچه در زمین و آسمان است مسخر شما نموده ام. این وعده ها در صورتی درست است که امکانات سفرهای آنی به صورت **طِي الْأَرْضِ وَ طِي السَّمَاءِ** در اختیار انسان قرار گیرد. سفرها به نیروی آتش از یک منظومه شمسی به منظومه دیگر هزارها سال طول می کشد اما با وسایل الهی اعجازی فوری انجام می گیرد.

﴿۳۴﴾ **فَبِأَيِّ آيَاتِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ** کدام یک از نعمت های خداوند را تکذیب می کنید؟

﴿۳۵﴾ **يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِّن نَّارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ** بدانید که در محاصره بازی با آتش و نحوستها قرار گرفته اید، پیروزی نخواهید داشت

﴿۳۶﴾ **فَبِأَيِّ آيَاتِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ** کدام یک از نعمت های خداوند را تکذیب می کنید؟

﴿۳۷﴾ **فَإِذَا أَنْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ** این مصیبت ها زمانی است

که اسرار فضای ولایت الهی شکوفا شود و از نظر ورود و خروج مانند روغن صاف و روان شود

﴿۳۸﴾ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ
 کدام یک از نعمت‌های خداوند را تکذیب می‌کنید؟

﴿۳۹﴾ فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ
 در این زمان از گناه جن و انس بازجویی نمی‌شود (یا برای اینکه واضح است یا که مشمول عفو الهی می‌شوند)

﴿۴۰﴾ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ
 کدام یک از نعمت‌های خداوند را تکذیب می‌کنید؟

﴿۴۱﴾ يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ
 سیما شناخته می‌شوند و در مسیر حرکت به سوی ظلم و ستم گرفتار می‌شوند

﴿۴۲﴾ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ
 کدام یک از نعمت‌های خداوند را تکذیب می‌کنید؟

﴿۴۳﴾ هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ
 این آتش هسته‌ای که برای کشتار دسته‌جمعی ساخته‌اید، جهنمی است که آن را تکذیب می‌کردید

﴿۴۴﴾ يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ ءَانِ
 فاصله زمانی بین آن‌ها و سقوط در جهنم، آن و دقیقه است

﴿۴۵﴾ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ
 کدام یک از نعمت‌های خداوند را تکذیب می‌کنید؟

﴿۴۶﴾ وَلَمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ
برای کسانی که عظمت خدا را درک

می کنند ، دو بهشت و دو نعمت مقدر است

﴿۴۷﴾ فَبِأَيِّ آيَاتِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
کدام یک از نعمت‌های خداوند را تکذیب

می کنید؟

﴿۴۸﴾ ذَوَاتَا أَفْنَانٍ
در هر باغی دو نوع برگ و میوه آماده است (لذت روح و جسم)

﴿۴۹﴾ فَبِأَيِّ آيَاتِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
کدام یک از نعمت‌های خداوند را تکذیب

می کنید؟

﴿۵۰﴾ فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ
در آن دو باغ، دو نوع آب (شربت و علم) جریان دارد

﴿۵۱﴾ فَبِأَيِّ آيَاتِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
کدام یک از نعمت‌های خداوند را تکذیب

می کنید؟

﴿۵۲﴾ فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ
در آن دو باغ از هر نوع میوه، جفت (مزاجی

و روحی) آماده شده است

﴿۵۳﴾ فَبِأَيِّ آيَاتِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
کدام یک از نعمت‌های خداوند را تکذیب

می کنید؟

﴿۵۴﴾ مُتَّكِعِينَ عَلَى فُرُشٍ بَطَآئِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ
اهل بهشت،

به فرش‌هایی پُر از نیرو تکیه دارند (یعنی آن فرش‌ها پُر از نیروست که به هر جا بخواهند

رفته‌اند) ، میوه‌های هر دو بهشت آماده چیدن است

﴿۵۵﴾ فَبِأَيِّ آيَاتِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
کدام یک از نعمت‌های خداوند را تکذیب

می‌کنید؟

﴿۵۶﴾ فِيهِنَّ قَصِيرَاتُ الظَّرْفِ لَمْ يَطْمِئِنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ

در آنجا حوریان زیبا که فقط به شوهر خود عشق می‌ورزند و جن و انسی با آنها تماس نگرفته است، آماده‌اند

﴿۵۷﴾ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ

کدام‌یک از نعمت‌های خداوند را تکذیب

می‌کنید؟

﴿۵۸﴾ كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ

در زیبایی هم‌چون یاقوت و مرجان جلوه دارند

﴿۵۹﴾ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ

کدام‌یک از نعمت‌های خداوند را تکذیب

می‌کنید؟

﴿۶۰﴾ هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَنِ إِلَّا الْإِحْسَنُ

مگر پاداش نیکی به جز نیکی چیزی

هست

﴿۶۱﴾ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ

کدام‌یک از نعمت‌های خداوند را تکذیب

می‌کنید؟

﴿۶۲﴾ وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ

پایین‌تر از درجات مقربین دو بهشت دیگر است

﴿۶۳﴾ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ

کدام‌یک از نعمت‌های خداوند را تکذیب

می‌کنید؟

﴿۶۴﴾ مُدْهَامَّتَانِ

آن دو بهشت در نهایت سبزی و خرمی است

﴿۶۵﴾ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ

کدام‌یک از نعمت‌های خداوند را تکذیب

می‌کنید؟

﴿۶۶﴾ فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ در آن دو بهشت دو نوع چشمه است، به صورت

تراوش و جوشش

﴿۶۷﴾ فَبِأَيِّ آيَاتِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ کدام یک از نعمت‌های خداوند را تکذیب

می‌کنید؟

﴿۶۸﴾ فِيهِمَا فَكِّهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ در آن دو باغ هم میوه‌های معنوی و مادی از

نوع خرما و انار

﴿۶۹﴾ فَبِأَيِّ آيَاتِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ کدام یک از نعمت‌های خداوند را تکذیب

می‌کنید؟

﴿۷۰﴾ فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ در آن دو باغ، همسران زیبا و خوش اخلاق آماده‌اند

﴿۷۱﴾ فَبِأَيِّ آيَاتِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ کدام یک از نعمت‌های خداوند را تکذیب

می‌کنید

﴿۷۲﴾ حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ حوریه‌های منحصر به شوهر، با غنَج و دِلال در

خیمه‌ها

﴿۷۳﴾ فَبِأَيِّ آيَاتِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ کدام یک از نعمت‌های خداوند را تکذیب

می‌کنید

﴿۷۴﴾ لَمْ يَطْمِئَنَّا إِنَّسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ حوری‌هایی که جن و انس با آنها

تماس نداشته است

﴿۷۵﴾ فَبِأَيِّ آيَاتِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
 کدام یک از نعمت‌های خداوند را تکذیب می‌کنید؟

﴿۷۶﴾ مُتَّكِنِينَ عَلَى رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِيٍّ حِسَانٍ
 آن‌ها بر تکیه‌گاه‌ها در سایه لطف خدا و پستی‌های نیکو تکیه می‌زنند

﴿۷۷﴾ فَبِأَيِّ آيَاتِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
 کدام یک از نعمت‌های خداوند را تکذیب می‌کنید؟

﴿۷۸﴾ تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ
 با برکت است نام خدا صاحب جلال و کرامت.

آیاتها ۹۶

سُورَةُ الْوَاقِعَةِ

المکّی

سوره واقعه تقسیمات انسان‌ها را بر اساس حالات روانی کفر و ایمان و یا استضعاف آن‌ها در زندگی آخرت معین می‌کند که عبارت‌اند از: یک اقلیت مؤمن با کلمه سابقون و یک اقلیت منافق با کلمه اصحاب شمال و یک اکثریت مستضعف به عنوان اصحاب یمین که هر کدام سرنوشت معینی دارند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ
 زمانی که واقعه قیامت واقع شود

﴿۲﴾ لَيْسَ لَوْعَتِهَا كَاذِبَةٌ
 وقوع این حادثه حتمی است

﴿۳﴾ خَافِضَةٌ رَّافِعَةٌ
 و آن واقعه بر اساس درکات و درجات کفر و ایمان، مردم را بالا و پایین می‌کند

﴿۴﴾ إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًا
 و آن، وقتی است که زندگی سراسر اهل زمین

یکنواخت متزلزل شود

و فرمان تکوینی بس بس به کوهها (ابرقدرت‌ها) داده

﴿۵﴾ وَبَسَّتِ الْجِبَالَ بَسًّا

می‌شود

و آن قدرت‌ها مانند گردوغبار متلاشی می‌شوند

﴿۶﴾ فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًّا

در این زمان مردم به سه قسمت تقسیم می‌شوند

﴿۷﴾ وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً

اول، انسان‌های با میمنت و مبارک

﴿۸﴾ فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ

در راستای صداقت

دوم، انسان‌های شوم و نامبارک

﴿۹﴾ وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ

در راستای دروغ و باطل

سوم، پیشتازان به ایمان و تقوا

﴿۱۰﴾ وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ

که آن‌ها مقرب درگاه خداوند

﴿۱۱﴾ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ

در یک زندگی پُر از نعمت و برکت هستند

﴿۱۲﴾ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ

بیشترین از این گروه در اوایل زندگی سبقت دارند

﴿۱۳﴾ ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأُولَىٰ

و کمتر در اواخر زندگی (در جوانی سبقت نگیرد در

﴿۱۴﴾ وَقَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ

پیری مشکل است)

آن‌ها بر تکیه‌گاه‌های زیبای قدرت تکیه دارند

﴿۱۵﴾ عَلَىٰ سُرُرٍ مَّوْضُونَةٍ

در آن تکیه‌گاه رو به روی یکدیگرند

﴿۱۶﴾ مُتَّكِنِينَ عَلَيْهَا مُتَقَابِلِينَ

پسران زیبای بهشتی از آن‌ها پذیرایی

﴿۱۷﴾ يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ

می‌کند

﴿۱۸﴾ بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقَ وَكَأْسٍ مِّن مَّعِينٍ
کاسه‌ها و ابریق‌های شراب بهشتی

به آن‌ها عرضه می‌کند

﴿۱۹﴾ لَا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنزِفُونَ
در آن شراب‌ها بدمستی و یاوه‌گویی‌ها

وجود ندارد، بر عقل آن‌ها می‌افزاید

﴿۲۰﴾ وَفَكَهْفَةَ مِمَّا يَتَخَيَّرُونَ
میوه‌ها و شوق و نشاط‌ها از آنچه انتخاب می‌کند

﴿۲۱﴾ وَلَحْمِ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ
گوشت مرغ از آنچه اشتها دارند

﴿۲۲﴾ وَحُورٍ عِينٌ
حوران زیبا چشم

﴿۲۳﴾ كَأَمْثَلِ اللَّوْلِ الْمَكُونِ
مانند دُر و مروارید دست نخورده

﴿۲۴﴾ جَزَاءِ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ
جزای اعمال و اخلاق نیک آن‌هاست

﴿۲۵﴾ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْتِيًا
در آنجا گفتار و کردار لغو و گناه نیست

﴿۲۶﴾ إِلَّا قِيلًا سَلَامًا سَلَامًا
مگر اقوال و اعمال سالم و سلامت‌زا

﴿۲۷﴾ وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ
و آن گروه با میمنت و مبارک

﴿۲۸﴾ فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ
در سایه حکومت خداوند و درخت‌های سبز و خرم

﴿۲۹﴾ وَطَلْحٍ مَّنضُودٍ
و درخت موز بسیار زیبا

﴿۳۰﴾ وَظِلِّ مَمْدُودٍ
در شعاع دائمی لطف خداوند

﴿۳۱﴾ وَمَاءٍ مَّسْكُوبٍ
آب حیات دائمی در جریان و جوشش

﴿۳۲﴾ وَفَكِهَةٍ كَثِيرَةٍ و میوه‌های فراوان

﴿۳۳﴾ لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ به دست طبیعت یا مردم نیست که قطع و یا

ممنوع شود، بلکه به اراده خداست

﴿۳۴﴾ وَفُرُشٍ مَّرْفُوعَةٍ فرش‌ها و تجملات بسیار بالا

﴿۳۵﴾ إِنَّا أَنْشَأْنَهُنَّ إِنْشَاءً این تجملات به اراده مؤمن ایجاد می‌شود نه به کار و

کاسبی

﴿۳۶﴾ فَجَعَلْنَهُنَّ أَبْكَارًا آن‌ها را بکر و دست نخورده می‌آفرینیم

﴿۳۷﴾ عُرْبًا أَثْرَابًا همسران خوش اندام و شوهر دوست

﴿۳۸﴾ لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ مخصوص حق گرایان و راست گویان

﴿۳۹﴾ ثُلَّةٌ مِّنَ الْأُولَىٰ بسیاری در اوایل زندگی

﴿۴۰﴾ وَثُلَّةٌ مِّنَ الْآخِرِينَ و بسیاری در اواخر پیدا می‌شوند

﴿۴۱﴾ وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشِّمَالِ و اصحاب شمال، کج‌روها و

چپ‌روها (چه وضعی دارند)

﴿۴۲﴾ فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ در فضای بسیار داغ و سمی

﴿۴۳﴾ وَظِلٍّ مِّنْ يَحْمُومٍ و در سایه دود جهنم

﴿۴۴﴾ لَا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ سایه‌ای که سرد و گوارا نیست

﴿۴۵﴾ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ آن‌ها در زندگی مسرف و مُتْرَف بودند

﴿۴۶﴾ وَكَانُوا يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنثِ الْعَظِيمِ
بر گناهان کبیره و نقض عهد ولایت
اصرار داشتند

﴿۴۷﴾ وَكَانُوا يَقُولُونَ أَيُّدَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظْمًا أَيْنَا لَمَبْعُوثُونَ
می گفتند:
چطور ممکن است بعد از آن که مُردیم و خاک شدیم، دو مرتبه زنده شویم

﴿۴۸﴾ أَوْ ءَابَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ
یا کجا ممکن است اجداد ما زنده شوند

﴿۴۹﴾ قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ
بگو: آری اولین و آخرین زنده می شوند

﴿۵۰﴾ لَمَجْمُوعُونَ إِلَى مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ
و همه در روز موعود قیامت حاضر
می شوند

﴿۵۱﴾ ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيْهَا الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ
و شما ای گمراهان که قیامت را
تکذیب می کنید

﴿۵۲﴾ لَا يَكُونُ مِنْ شَجَرٍ مِّنْ زُقُومٍ
از میوه‌های زقوم جهنم خواهید چشید

﴿۵۳﴾ فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ
شکم خود را از حرص و گرسنگی پُر خواهید کرد

﴿۵۴﴾ فَشَرِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ
و بعد از آن تشنه شده آب داغ خواهید آشامید

﴿۵۵﴾ فَشَرِبُونَ شُرْبَ الْهِيمِ
آری مانند شتران تشنه آب ندیده

﴿۵۶﴾ هَذَا نُزْلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ
این است آب و غذا برای پذیرایی شما

﴿۵۷﴾ نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ
چرا تصدیق نمی کنید که شما را
آفریده ایم

﴿۵۸﴾ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ
شما قطرات نطفه را می بینید

﴿۵۹﴾ **ءَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ رَأْمٌ نَحْنُ الْخَالِقُونَ** شما آن را خلق می کنید یا ما خالقیم؟

﴿۶۰﴾ **نَحْنُ قَدَرْنَا بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ** ما مرگ و مرض در زندگی شما مقدر کردیم، کسی اختیار از ما نمی گیرد

﴿۶۱﴾ **عَلَىٰ أَنْ نُبَدِّلَ أَمْثَلَكُمْ وَنُنشِئَكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ** که به جای شما امثال شما را خلق کنیم و شما را به جایی ببریم که نمی دانید

﴿۶۲﴾ **وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ** شما که این زندگی دنیایی را دیدید چرا قدرت خدا را درک نمی کنید؟

﴿۶۳﴾ **أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ** چرا به بذری که می افشانید، فکر نمی کنید؟

﴿۶۴﴾ **ءَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ رَأْمٌ نَحْنُ الزَّارِعُونَ** شما آن را می رویانید یا ما زارع آن هستیم؟

﴿۶۵﴾ **لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ** اگر بخواهیم کشت شما را می خشکانیم، در آن وقت داد می زنید

﴿۶۶﴾ **إِنَّا لَمُعْرِمُونَ** که چقدر ضرر کردیم

﴿۶۷﴾ **بَلْ نَحْنُ مُحْرَمُونَ** بلکه به کلی محروم شدیم

﴿۶۸﴾ **أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ** یا شما در این آب که می آشامید فکر می کنید؟

﴿۶۹﴾ **ءَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنزِلُونَ** شما آن را نازل می کنید یا ماییم که نازل می کنیم؟

﴿۷۰﴾ لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أُجَاجًا فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ
اگر بخواهیم آب را تلخ و شور

می‌کنیم چرا منظور ندارید؟

﴿۷۱﴾ أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ
یا در این آتش که می‌افروزید فکر می‌کنید؟

﴿۷۲﴾ ءَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنشِئُونَ
شما درخت آن را می‌آفرینید

یا ماییم که خلق می‌کنیم؟

﴿۷۳﴾ نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذْكَرَةً وَمَتَعًا لِلْمُقْوِينَ
ما آتش را آفریدیم تا از نیروی

آن بهره ببرید (نه اینکه از آن جهنم بسازید)

﴿۷۴﴾ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ
پروردگار عظیم خود را از شباهت به خلق منزه

بدان

﴿۷۵﴾ ﴿۷۵﴾ فَلَا أُقْسِمُ بِمَوْجِعِ النُّجُومِ
من به موقعیت ستارگان هدایت، قسم

نمی‌خورم *

* همه جا در آیات قرآن، ائمه اطهار(ع) به عنوان ستارگان هدایت شناخته شده‌اند در این آیه هم ستارگان همان ائمه اطهار(ع) هستند که خداوند متعال به موقعیت عظیم آنان قسم می‌خورد و می‌فرماید: موقعیت آن‌ها عظیم و بی‌نهایت است جا دارد که به آن‌ها قسم خورده باشم.

﴿۷۶﴾ وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ
اگر عظمت آن‌ها را بشناسید اعتراف

می‌کنید که جای قسم دارد

﴿۷۷﴾ إِنَّهُ لَقُرْءَانٌ كَرِيمٌ
قرآن من کریم است، به شما عزت و کرامت می‌دهد

﴿۷۸﴾ فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ
در کتاب لوح دل امام ثبت است

﴿۷۹﴾ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ
فقط پاکان و نیکان با معارف آن تماس دارند

﴿۸۰﴾ تَنْزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ کتابی است که از پروردگار جهان نازل شده

﴿۸۱﴾ أَفَبِهَذَا الْحَدِيثِ أَنْتُمْ مُدْهِنُونَ شما چنین کتابی را ساده و سبک می‌شمارید

﴿۸۲﴾ وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنَّكُمْ تُكَذِّبُونَ به جای شکرگزاری، آن را تکذیب

می‌کنید

﴿۸۳﴾ فَلَوْلَا إِذَا بَلَغَتِ الْحُلُقُومَ چه وضعی دارید، وقتی که جان شما به حلقوم

رسد؟

﴿۸۴﴾ وَأَنْتُمْ حِينِيذٍ تَنْظُرُونَ و شما همه نگران حال احتضار باشید

﴿۸۵﴾ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَكِنْ لَا تُبْصِرُونَ ما به میت از شما نزدیک‌تر

هستیم ولیکن شما نمی‌بینید

﴿۸۶﴾ فَلَوْلَا إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ اگر شما متصل به روح میت هستید

﴿۸۷﴾ تَرْجِعُونَهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ جان میت را به بدن برگردانید، اگر راست

می‌گویید

﴿۸۸﴾ فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ اگر میت از مقربین باشد، خوشا به حالش

﴿۸۹﴾ فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتُ نَعِيمٍ که در نشاط روحی و ریحان و بهشت پُر

نعمت زندگی می‌کند

﴿۹۰﴾ وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ و اگر هم از اصحاب یمین باشد

﴿۹۱﴾ فَسَلَامٌ لَّكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ مژده باد به سلامت اصحاب یمین که

مشمول عفو الهی هستند

﴿۹۲﴾ وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكْذِبِينَ الضَّالِّينَ و اما اگر از تکذیب کنندگان و گمراهان باشد

﴿۹۳﴾ فَزُلُّ مِنْ حَمِيمٍ یکسر به جهنم می رود

﴿۹۴﴾ وَتَصْلِيَةٌ جَحِيمٍ که با عناد خود، روشن کننده جهنم است

﴿۹۵﴾ إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ این آیات، بیان حقیقت و واقعیت است

﴿۹۶﴾ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ به هدایت اسم خدا او را از شباهت به خلق منزه بدان.

آیاتها ۲۹

سُورَةُ الْحَدِيدِ

المدنی

در این سوره، خداوند متعال ارزش جنگ و جهاد را برای اقامه قسط و عدالت بیان می کند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ هر که هست در

آسمانها و زمین، خدا را منزّه و مبرا از شباهت به خلق می داند، او غالب و حکیم است

﴿۲﴾ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ خدا

پادشاه عوالم آسمان و زمین است، زنده می کند و می میراند، به هر کاری تواناست

﴿۳﴾ هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ او اول است

پیش از خلاق و آخر است بعد از آنها و بر ظاهر و باطن همه کس احاطه وجودی دارد،

او به هر چیزی داناست

﴿۴﴾ هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ

مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ
مَعَكُمْ أَيَّنَ مَا كُنْتُمْ **وَاللَّهُ** بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

آسمان‌ها و زمین (و یا زمينه

تربیت بشر) را در شش روز آفرید، پس از آن بر عرش حاکمیت قرار گرفت، از آنچه در
دل زمین وارد و خارج می‌شود و یا علمی که بر قلب انسان نازل و با آن تکامل پیدا
می‌کند، باخبر است، هر جا باشید با شماست، به اعمال شما خبیر و آگاه است *

* گفته شد که منظور از خلقت در شش روز، دوران تکامل بشر است تا ظهور حکومت خدا
زیرا علم بشر است که برای خدا عرش حاکمیت می‌سازد، نه زمین و آسمان.

﴿٥﴾ **لَهُ** مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ **وَإِلَى اللَّهِ** تُرْجَعُ الْأُمُورُ

او پادشاه عوالم آسمان

و زمین است، بازگشت زندگی تمام بشریت به سوی اوست

﴿٦﴾ **يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُؤَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ** وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

شب را در جای روز و روز را در جای شب و علم را در خانواده جهل و جهل را در
خانواده علم وارد می‌کند، او عالم به وضعیت انسان است

﴿٧﴾ **ءَامِنُوا بِاللَّهِ** وَرَسُولِهِ **وَأَنْفِقُوا** مِمَّا جَعَلَكُمْ **مُسْتَخْلَفِينَ** فِيهِ **فَالَّذِينَ ءَامَنُوا**

مِنْكُمْ **وَأَنْفِقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ**

پس شما مردم! ایمان به خدا و رسول بیاورید و
از این ثروت و قدرتی که خلافت آن را به شما داده در راه خدا انفاق کنید، کسانی
که ایمان به خدا و رسول می‌آورند و در راه خدا انفاق می‌کنند اجر بزرگی دارند

﴿٨﴾ **وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ** وَالرَّسُولَ يَدْعُوكُمْ **لِئْتُمِنُوا** بِرَبِّكُمْ **وَقَدْ أَخَذَ**

مِيثَاقَكُمْ **إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ**

شما را چه می‌شود که ایمان به خدا و رسول
نمی‌آورید با اینکه رسول، شما را دعوت به ایمان می‌کند و از شما پیمان اطاعت

گرفته است اگر به عهد خدا وفادار باشید

﴿۹﴾ هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَىٰ عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِّيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ
وَأَنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ

او خداست که این آیات روشن و واضح را بر پیامبر خود نازل کرد و شما را از تاریکی جهل به نور علم هدایت نمود ، او به شما رئوف و مهربان است

﴿۱۰﴾ وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا يَسْتَوِي
مِنْكُمْ مَن أنْفَقَ مِن قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَتْلَ أَوْلِيَاكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِّنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِن
بَعْدُ وَقَتَّلُوا وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

چرا در راه خدا انفاق نمی کنید با اینکه خدا وارث تمامی خدمات و انفاقات است؟ ، کسانی که در غربت دین انفاق می کنند با کسانی که بعد از حاکمیت دین انفاق می کنند مساوی نیستند ، درجات پیشتران در زمان غربت بهتر و بالاتر است گرچه خدا به تمام مجاهدین وعده نیک می دهد ، خدا به اعمال شما آگاه است

﴿۱۱﴾ مَن ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضْعِفُهُ لَهُ وَ لَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ

چه کسی حاضر است از مال خود به خدا قرض الحسنه بدهد تا چندین برابر به او برگرداند و به علاوه اجری کریمانه به او مرحمت کند؟

﴿۱۲﴾ يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُم بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ
بُشْرَانِكُمْ أَلْيَوْمَ جَنَّتْ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ
الْعَظِيمُ

و این اجر کریمانه، روزی است که اهل ایمان به هدایت نور ایمان به سوی اولیاء خدا سرعت می گیرند، اجری که می گیرند، قدرت های علمی و عملی است که از آن علم و قدرت، ثروت و نعمت مانند نهر جاری می شود و در آن موفقیت

جاویدند ، این است موفقیت نامتناهی (جنات عدن اراده کن فیکونی است که به آنها داده می شود)

﴿۱۳﴾ یَوْمَ يَقُولُ الْمُنْفِقُونَ وَالْمُنْفِقَاتُ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُم بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ

روزی که زن و مرد منافق به اهل ایمان می گویند: به ما توجه کنید تا از نور ایمان شما استفاده کنیم، جواب می گیرند که: به دنیا برگردید، آنجا جای کسب ایمان بوده است، در این حال یک حجاب نوری بین آنها ایجاد می شود که داخل حجاب رحمت و برکت بوده و خارج آن به نظر منافق مشقت و زحمت است (دید منافق از عینک سیاه است، منافق به خدا و اولیاء خدا بدبین است و آنها را دشمن خود می داند)

﴿۱۴﴾ يُنَادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَارْتَبْتُمْ وَغَرَّتْكُمُ الْأَمَانِيُّ حَتَّىٰ جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَغَرَّكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ

می گویند: مگر ما با شما نبودیم؟ ، جواب می شنوند که آری ولیکن خود را گول زدید و فریفته دنیا شدید، به شک افتادید، اسیر آرزو و آمال خود شدید، در حالی که مغرور و غافل بودید، فرمان مرگ شما رسید

﴿۱۵﴾ فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مَأْوَىٰكُمْ النَّارُ هِيَ مَوْلَاكُمْ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ

امروز از شما و کفار فدیة قبول نمی شود ، جای شما آتش جهنم است و مولای شما آتش بیاران جهنم اند ، چه بد عاقبتی است زندگی شما

﴿۱۶﴾ أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا

يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ

مِنْهُمْ فَاسِقُونَ آیا هنوز وقت آن نرسیده که دل اهل ایمان در برابر عظمت خدا

و نزول قرآن خاضع و خاشع شود و دیگر مانند اهل کتاب نباشند که در طول مدت

انحراف، قساوت قلب پیدا کردند و بسیاری از آنها فاسق و فاجر شدند؟

﴿۱۷﴾ اَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ

تَعْقِلُونَ شما حتماً بدانید که خداوند، زمین (اهل زمین) را بعد از مرگ با قیام

امام زمان (عج) زنده می کند ، ما دلایل حیات زمین را بعد از مرگ به دست ظالم‌ها

روشن کردیم شاید به عقل خود دریابید که خلقت عالم و آدم عبث نیست

﴿۱۸﴾ إِنَّ الْمُصَّدِّقِينَ وَالْمُصَّدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَعْفُ لَهُمْ وَلَهُمْ

أَجْرٌ كَرِيمٌ مردان و زنانی که آیات خدا را تصدیق می کنند و از مال خود برای

رواج عدالت سرمایه گذاری می کنند، بدانند که چندین برابر سرمایه اجر می برند و

روزی‌های کریمانه در اختیار آنها قرار می گیرد

﴿۱۹﴾ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصِّدِّيقُونَ وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ

لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ

کسانی که به خدا و رسول ایمان می آورند، همان‌ها تصدیق کنندگان و شهدای راه دین

خدایند ، اجرشان و نورانیت قلبشان محفوظ است ، اما کسانی که کافر به پیامبران

می شوند و آیات ما را تکذیب می کنند، اهل جهنم‌اند

﴿۲۰﴾ اَعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي

الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيغُ فَتَرْتَهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ

يَكُونُ حُطْمًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ
الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ

شما بدانید دنیا بر عواملی استوار است که عاقبت هیچ و پوچ است، براساس لهو و لعب و زینت و به دلیل کثرت مال و اولاد به یکدیگر نازیدن است، این جلوه‌ها مانند باران است که زمین را سبز و خرم می‌کند، کفار را به تعجب وامی‌دارد و بعد از چندی گل‌ها و برگ‌ها زرد و خشک می‌شود و عاقبت این فخر و تکبرها برای دنیا پرستان عذابی سخت و برای اهل تقوا رحمت و رضوان الهی است، زندگی دنیا فقط یک جلوه فریبنده است

﴿۲۱﴾ سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ
أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ذَٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو
الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

ای مردم! همه‌جا تلاش کنید که با استفاده از رحمت و مغفرت خدا به سوی بهشتی حرکت کنید که وسعت آن برابر آسمان‌ها و زمین است، این زندگی نامتناهی برای کسانی است که ایمان به خدا و پیامبران آورده‌اند، لطف خداست که به هر کسی بخواهد می‌رساند، لطف خدا بی‌نهایت وسیع است *

* بهشت موعودی که وسعتش برابر وسعت آسمان‌ها و زمین است، نمی‌شود به صورت باغی درخت کاری و کشاورزی باشد. همچنین نمی‌شود به صورت باغی باشد که انسان به هر جا برود به همراه خودش ببرد. چنین بهشتی در صورتی مصداق پیدا می‌کند که خود مؤمن مجهز به اراده کُنْ فَيَكُونِي خدا باشد که هر جا برود بهشت و بهشت‌ساز باشد. آری چنان که خداوند در حدیث نافله خبر می‌دهد. مؤمن به اراده خدا همان جَنَّاتٍ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ است.

﴿۲۲﴾ مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِّن قَبْلِ أَنْ
نَّبْرَأَهَا إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ

هر نوع مصیبتی از هر جا به شما می‌رسد، بر طبق نقشه تربیتی خداست، اجرای این مقدرات برای خدا آسان است

﴿۲۳﴾ لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ

مُخْتَالٍ فَخُورٍ تا همه جا در انتظار نتیجه کار باشید، مبادا به خاطر آنچه از دست رفته ناراحت و یا به آنچه در اختیار دارید، خوش حال شوید زیرا اصل نتیجه است نه مقدمات ، خدا انسان‌های خیالات زده‌ای را که به خود می‌نازند، دوست نمی‌دارد

﴿۲۴﴾ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ ۗ وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ

الْحَمِيدُ آن‌ها از بذل و بخشش خودداری می‌کنند و مردم را هم به صفت بخل سفارش می‌کنند ، کسی که خودرأی و خودمختار است، بداند که خداوند از او بی‌نیاز و پسندیده است

﴿۲۵﴾ لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ

بِالْقِسْطِ ۗ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ ۗ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ

ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم، کتاب و قانون به آن‌ها دادیم تا مردم را به قسط و عدالت وادارند ، اسلحه و آهن نازل کردیم گرچه جنگ مصیبت است ولی منافی هم دارد تا با این جنگ‌ها خدا بداند چه کسی او را و پیامبران را غایبانه یاری می‌کند ، خداوند قوی و تواناست

﴿۲۶﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ ۖ فَمِنْهُمْ

مُهْتَدٍ ۖ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ ما به نوح و ابراهیم رسالت دادیم، کتاب و نبوت را در نسل آن‌ها به یادگار گذاشتیم، بعضی از آن‌ها هدایت یافتند و بسیاری فاسق و فاجرند

﴿۲۷﴾ ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَىٰ ابْنِ مَرْيَمَ وَءَاتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ ۖ

وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ

همین طور در پی آن‌ها رسولان دیگر و پیرو آن‌ها عیسی ابن مریم را رسالت دادیم ، کتاب انجیل به او دادیم و در قلب پیروان او رأفت و رحمت و رهبانیت قراردادیم که در طلب رضای خدا باشند ولی به افراط رفتند و آن را چنان که اجازه دادیم رعایت نکردند ، کسانی که ایمان به خدا آوردند به اجر خود رسیدند ولیکن اکثریت فاسق شدند

﴿۲۸﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَءَامِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

ای اهل ایمان! از خود رأیی و گناه خود را حفظ کنید، به خدا و رسول ایمان بیاورید تا نعمت خود را دو برابر (بهشت و رضایت خدا) بدهد و علاوه شما را به علم و دانش مجهز نماید تا خوب زندگی کنید و به شما قدرت دهد ، او آمرزنده و مهربان است

﴿۲۹﴾ لَيْلًا يَعْلَمَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَلَّا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِّنْ فَضْلِ اللَّهِ وَأَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

تا اهل کتاب بدانند به اراده خود قادر به کاری نیستند و بدانند که فضیلت به دست خداست، به هر کسی بخواهد می‌دهد ، لطف خدا بی‌نهایت است.

این سوره، برای ابطال بعضی بدعت‌های زمان جاهلیت که با کلمه ظهار خود را از مسئولیت زن آزاد می‌کردند، نازل شد.

(جزء ۲۸) ﴿۱﴾ قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَتَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ

يَسْمَعُ تَحَاوُرَكُمَا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ خداوند، گفتار زنی را که با تو درباره شوهرش مجادله می‌کرد و از او شکایت داشت شنید، خدا بحث شما را با یکدیگر می‌شنود، خداوند شنوا و داناست

﴿۲﴾ الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مِمَّا هُنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِنْ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا الَّتِي وَلَدْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ وَزُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوءٌ غَفُورٌ کسانی

که با همسران خود ظاهر می‌کنند با این کلمه هرگز همسران، مادر نمی‌شوند، مادر، کسی است که بچه را زاییده است، کسانی که با کلمه ظاهر تحریم می‌کنند زور می‌گویند، حرف زشت می‌گویند، خداوند اثر گناه را بعد از توبه محو می‌کند و عقل و شعور به شما می‌دهد (غفران به معنای رفع نواقص وجودی است)

﴿۳﴾ وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسًا ذَلِكَمْ تُوَعِّظُونَ بِهِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ کسی که با همسر خود

ظاهر کند و پشیمان شود، باید پیش از تماس به کفاره گناه برده‌ای را آزاد کند، خدا با این کفاره شما را موعظه می‌کند، او به اعمال شما آگاه است

﴿۴﴾ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسًا فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ

فِإِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا ذَلِكَ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ اگر آزادی برده ممکن نشد پیش از تماس دو ماه پی‌درپی روزه بگیرد

و اگر نتوانست شصت مسکین را اطعام کند تا با این کفاره ایمان به خدا و رسول آورده باشد، این احکام، حدود الهی است، کسانی که کافر می‌شوند، به عذابی الیم

مبتلا می‌شوند

﴿۵﴾ إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ كُبِتُوا كَمَا كُبِتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ

کسانی که با خدا و رسول تندگویی و دشمنی دارند، به سوی هلاکت هستند چنان که کفار گذشته هلاک شدند ، ما برای آنها آیاتی روشن نازل کردیم ، اما برای کفار عذابی خوارکننده مقدر است

﴿۶﴾ يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا أَحْصَاهُ اللَّهُ وَنَسُوهُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

در آن روز که خدا تمامی مردگان را زنده کند به آنها خبر می دهد که چه کردند، گرچه فراموش کرده باشند ، خدا شاهد اعمال کفار است

﴿۷﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا آدْنَى مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

مگر نمی دانی که خدا به آنچه در آسمان و زمین است آگاهی دارد ، اگر سه نفر با هم راز و نجوا داشته باشند، خدا چهارمین آنهاست و اگر پنج نفر باشند، خدا ششمین است و یا کمتر و زیادتر ، خدا با آنهاست، روز قیامت آنها را از اسرار و اعمالشان خبر می دهد ، خداوند به هر چیزی داناست

﴿۸﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نُهُوا عَنِ النَّجْوَى ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَيَتَنَجَّوْنَ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ وَإِذَا جَاءُوكَ حَيَّوْكَ بِمَا لَمْ يُحْيِكَ بِهِ اللَّهُ وَيَقُولُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ لَوْلَا يُعَذِّبُنَا اللَّهُ بِمَا نَقُولُ حَسْبُهُمْ جَهَنَّمُ يَصَلَوْنَهَا فِيئْسَ الْمَصِيرُ

و یا ندیدی خدا افرادی را از جلسات زیرزمینی و راز و نجوا (علیه مقام ولایت) نهی کرد ولی به کار خود ادامه می دهند، بر علیه رسول خدا راز و نجوا دارند و وقتی با شما روبه رو می شوند، سلام و تحیتشان خلاف دستور خداست ، پیش خود

می گویند: اگر این پیامبر راست می گوید چرا خدا ما را در برابر گناه عذاب نمی کند، به آنها بگو: عذاب جهنم کافی است، به زودی سران کفر آن را روشن می کنند، چه بد عاقبتی است جهنم

﴿۹﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا تَنَجَّيْتُمْ فَلَا تَتَنَجَّوْا بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ وَتَنَجَّوْا بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ای اهل ایمان! در جلسات سرّی با هم به گناه و تجاوز بر علیه رسول خدا سخن نگوئید، یکدیگر را به تقوا و نیکوکاری سفارش کنید ، از نافرمانی خدایی بترسید که عاقبت به سوی او محشور می شوید

﴿۱۰﴾ إِنَّمَا التَّجْوِي مِنْ الشَّيْطَانِ لِيَحْزَنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ این جلسات سرّی راز و نجوا به وسوسه شیطان صورت می گیرد تا اهل ایمان را محزون کند اما بدانند که بدون اذن خدا نمی توانند ضرری بزنند ، مؤمنین نترسند به خدا توکل داشته باشند

﴿۱۱﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَأَفْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ أَنْشُرُوا فَأَنْشُرُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ای اهل ایمان! به کسی که وارد مجلس می شود جای بدهید، به یکدیگر وسعت بدهید، خدا به شما وسعت می دهد و اگر لازم بود برای او قیام کنید، به پا خیزید ، این آداب و اخلاق درجات اهل ایمان و علم را بالا می برد ، خداوند به اعمال شما آگاه است

﴿۱۲﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نَجَّيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَانِكُمْ صَدَقَةٌ

ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَأَظْهَرُ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ای اهل ایمان!

اگر خواستید با رسول خدا جلسه خصوصی داشته باشید، لازم است پیش از جلسه صدقه‌ای پردازید، رعایت این دستور برای شما بهتر است و اگر مبلغی نداشتید، خداوند آمرزنده و مهربان است *

* عرب‌ها در حسادت و مفاخره از دیگران سخت‌ترند. مثلاً می‌دیدند که حضرت رسول (ص) با علی (ع) و سلمان جلسه خصوصی دارد، حسودی می‌کردند که چرا با ما جلسه نمی‌گیرد. گاهی بدون هدف و دعوت مزاحم حضرت می‌شدند که مثلاً بگویند: با حضرتش جلسه داشته‌ایم. خداوند متعال برای دفع این مزاحمت دستور داد هر کس می‌خواهد با رسول خدا جلسه داشته باشد باید پیش از حضور چند درهم صدقه بدهد. مزاحمین همه عقب رفتند به جز مولای کسی انفاق نکرد. وقتی که مزاحمین از مزاحمت منصرف شدند، خداوند حکم آیه را نسخ فرمود.

﴿۱۳﴾ **ءَأَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقْتُمْ فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَتَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ** و اکنون که از صدقه ناراحت شدید مانعی ندارد، خدا شما را معاف کرد، فقط نماز به پا دارید و زکات بدهید، از خدا و رسول اطاعت کنید، خدا به اعمالتان آگاه است

﴿۱۴﴾ **أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَيَحْلِفُونَ عَلَى الْكُذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ** ببینید، بعضی به ظاهر مسلمان‌اند اما ولایت کسانی را می‌پذیرند که مغضوب خدایند، آن‌ها نه از شما به حساب می‌آیند نه از آن‌ها، منافق‌اند، به دروغ قسم می‌خورند با اینکه می‌دانند

﴿۱۵﴾ **أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ** خدا برای آن‌ها

عذاب سختی مهیا کرده، چه بد می‌کنند که از پشت خنجر می‌زنند

﴿۱۶﴾ اَتَّخِذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ تظاهر به

مسلمانی را سپر ساخته‌اند تا مردم را گمراه کنند، عذابی خوارکننده در انتظار دارند

﴿۱۷﴾ لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ مال و اولاد نمی‌تواند آن‌ها را از دایره تقدیر خدا خارج کند،

خواهی نخواهی اهل آتش‌اند و در آن جاویدند

﴿۱۸﴾ يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيَحْلِفُونَ لَهُ كَمَا يَحْلِفُونَ لَكُمْ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ أَلَّا إِنَّهُمْ هُمُ الْكَاذِبُونَ روزی که خدا آن‌ها را وارد قیامت کند در

آنجا هم به دروغ قسم می‌خورند، همان‌طور که برای شما قسم خوردند، خیال می‌کنند

راه و روش درستی دارند، نمی‌دانند که عاقبت هیچ و پوچ‌اند

﴿۱۹﴾ اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَّا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ شیطاين، آن‌ها را هدف خود ساخته‌اند، یاد خدا را

از دل آن‌ها برده‌اند، آن‌ها لشکر شیاطین‌اند و عاقبت به‌جز خسارت چیزی ندارند

﴿۲۰﴾ إِنَّ الَّذِينَ يُحَادِّثُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ فِي الْأَذَلِّينَ کسانی که با خدا و

رسول دشمنی دارند، ذلیل‌ترین مردم خواهند بود

﴿۲۱﴾ كَتَبَ اللَّهُ لَأَعْلَبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ خدا مقدر کرده است

که خودش و پیامبران پیروز باشند، خداوند عزیز و مقتدر است

﴿۲۲﴾ لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ

كَانُوا ءَابَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ
 الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِّنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا
 رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

ممکن نیست که عده‌ای با خدا و رسول دوستی داشته باشند و در عین حال با دشمنان
 خدا رابطه مودت برقرار کنند، گرچه آن دشمنان، پدر و فرزند و خویشاوند باشند،
 کسانی که در دوستی خود ثابت‌اند، خداوند دل آن‌ها را به نور ایمان روشن ساخته و
 نیروی ایمان آن‌ها را تقویت می‌کند و عاقبت آن‌ها را به نیرو و قدرتی مجهز می‌کند
 که از آن تجهیزات، نعمت خدا مانند نهر جریان پیدا می‌کند در آن وضع جاویدند،
 خدا از آن‌ها راضی و آن‌ها از خدا راضی‌اند، آن‌ها لشکر خداوند و عاقبت لشکر خدا
 پیروز است.

المدنی

سُورَةُ الْحَشْرِ

آیاتها ۲۴

این سوره به مناسبت کلمه حشر در آن، حشر نامیده شده و در معرفی یهودیان مدینه نازل شد
 که تا توانستند با عهدشکنی و تهییج دشمن، رسول خدا را اذیت کردند. پیامبر مأمور به
 تارومار آن‌ها شد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ هر که هست
 در آسمان‌ها و زمین، خدا را تسبیح می‌کند، او دانا و تواناست *

* این تسبیح گویان که در آسمان و زمین خدا را تسبیح می‌کنند و با کلمه من معرفی می‌شوند
 انسان‌های عوالم دیگرند. پادشاهی بر عوالم آسمان و زمین و تسبیح اهل آسمان و زمین برهان
 این حقیقت است که در میان ستارگان عوالمی مانند زمین پر از انسان است که خدا پادشاه
 آن‌هاست و آن‌ها خدا را تسبیح می‌کنند زیرا پادشاهی بر ذوی‌العقول معنا دارد نه بر غیر ذوی
 العقول.

﴿۲﴾ هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَتْهُمْ **اللَّهُ** مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ

خدا بود که در اولین مرتبه رویارویی یهودیان را از شهر و دیارشان اخراج نمود ، شما فکر نمی کردید به این آسانی خارج شوند و آن‌ها خیال می کردند حصن و حصارشان مانع تقدیر خداوند می شود ولی از جایی که خیال نمی کردند در محاصره واقع شدند، خداوند ترس و وحشت به دل آن‌ها انداخت و به دست خود و به دست اهل ایمان خانه‌هایشان را خراب کردند، ای بصیرت مندان! عبرت بگیرید

﴿۳﴾ وَلَوْلَا أَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ **الْعَارِ** اگر خداوند جلای وطن برای آن‌ها مقدر نمی کرد در دنیا اسیر و ذلیل و در آخرت به عذاب جهنم معذب بودند

﴿۴﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا **اللَّهُ** وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِقِ **اللَّهُ** فَإِنَّ **اللَّهُ** شَدِيدُ الْعِقَابِ برای اینکه آن‌ها خدا و رسول را به زحمت و مشقت انداختند ، کسی که مانع رواج دین خدا شود، خداوند او را سخت کیفر می کند

﴿۵﴾ مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لَيْنَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلَىٰ أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ **اللَّهُ** وَلِيُخْرِجَ **الْفَاسِقِينَ** ضرباتی که به یهود می زنید، درخت‌های آن‌ها را قطع می کنید و یا وا می گذارید، به اذن خداست تا خدا قوم فاسق را ذلیل نماید

﴿۶﴾ وَمَا أَفَاءَ **اللَّهُ** عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ **وَلَكِنَّ اللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ** غنائمی که

بدون جنگ از آن‌ها به دست آمد با غلبه خدا و رسول بود، شما مردم جهاد نکردید که حقی داشته باشید، خداوند رسول خود را بر هر کسی بخواهد مسلط می‌کند، خداوند به هر کاری قادر است

﴿۷﴾ مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

غنایمی که با قهر و غلبه و بدون جنگ به دست می‌آید، مخصوص خدا و

رسول و ذوی‌القربی و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه مسافرت است، نه سرمایه‌ای که بین ثروتمندان دست به دست شود، آنچه را رسول خدا می‌دهد بپذیرید و آنچه را نهی می‌کند واگذارید، تقوا پیشه کنید، که خدا سخت کیفر می‌کند

﴿۸﴾ لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ

آنچه مخصوص رسول است برای کسانی مصرف شود که از شهر و دیار و اموال خود اخراج شدند و در جستجوی رضایت خدا و رسول بودند و خدا و رسول را یاری کردند، آن‌ها مسلمانان صادق و صدیق‌اند

﴿۹﴾ وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْتُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

و یا برای مسلمانانی از اهل مدینه است که در دایره اسلام قرار گرفتند، مهاجرین را می‌پذیرند و دوست دارند و به آنچه کم‌وزیاد که از غنائم می‌گیرند اعتراض ندارند با اینکه خودشان محتاج‌اند،

دیگران را مقدم می‌دارند، کسی که بخل نفس خود را سرکوب کند، رستگار است

﴿۱۰﴾ وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ یا برای مسلمانانی که بعد از آن‌ها می‌آیند برای آن‌ها دعا می‌کند که پروردگارا! ما را و برادران ما را و کسانی که در ایمان به خدا و رسول بر ما سبقت گرفتند، بیامرز و در دل ما نسبت به آن‌ها غل و غشی قرار مده، پروردگارا! تو رؤوف و مهربانی

﴿۱۱﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَئِنْ أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا نُطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا وَإِنْ قُوتِلْتُمْ لَنَنْصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ منافقین را بشناس، آن‌ها وقتی که با برادران خود از اهل کتاب تماس می‌گیرند می‌گویند: اگر با این پیامبر می‌جنگید ما با شما هستیم، علیه شما از کسی اطاعت نمی‌کنیم، اگر پیامبر با شما بجنگد شما را یاری می‌کنیم، خدا گواهی می‌دهد که دروغ می‌گویند

﴿۱۲﴾ لَئِنْ أُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ وَلَئِنْ قُوتِلُوا لَا يَنْصُرُونَهُمْ وَلَئِنْ نَصَرُوهُمْ لَيُولَّيْنَّ الْأَدْبَرَ ثُمَّ لَا يُصَرُّونَ اگر اهل کتاب برای جنگ با شما خارج شوند آن‌ها خارج نمی‌شوند و اگر بجنگند منافقین آن‌ها را یاری نمی‌کنند و اگر هم با آن‌ها وارد جنگ شوند فرار می‌کنند و خداوند هم آن‌ها را یاری نمی‌کند

﴿۱۳﴾ لَأَنْتُمْ أَشَدُّ رَهْبَةً فِي صُدُورِهِمْ مِّنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ منافقین از شما بیشتر می‌ترسند تا از خداوند، خوف از شما در دل آن‌ها بیشتر است، زیرا عقل خود را برای خداشناسی به کار نمی‌گیرند

﴿۱۴﴾ لَا يُقَاتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرَى مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّىٰ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ اهل کتاب

دسته جمعی با شما نمی‌جنگند مگر از پشت حصارها ، به شدت از شما وحشت دارند، ظاهراً متحدند ولیکن دل‌هایشان پراکنده است ، از نیروی عقل بهره نمی‌برند

﴿۱۵﴾ كَمَثَلِ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَرِيبًا ذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ مانند

بنی قینقاع که وبال پیمان‌شکنی خود را چشیدند و در آخرت هم عذابی دردناک دارند

﴿۱۶﴾ كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنْكَ إِنِّي

أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ منافقین، شیطان‌اند که انسان را تشویق به کفر می‌کنند،

وقتی که کافر شد می‌گویند: از شما بیزاریم، من از پروردگار عالمیان می‌ترسم

﴿۱۷﴾ فَكَانَ عَاقِبَتَهُمَا أَنَّهُمَا فِي النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَٰلِكَ جَزَاؤُ الظَّالِمِينَ در

نتیجه عاقبتِ گولزن و گولخور این است که گرفتار جهنم می‌شوند ، سزای ظالم

به جز جهنم چیزی نیست

﴿۱۸﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ

اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ای اهل ایمان! تقوا پیشه کنید، باید هر کدام به ذخیره

فردای خود نگاه کنید ، پرهیزکار باشید که خداوند به اعمالتان آگاه است

﴿۱۹﴾ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَهُمْ أَنفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ

مانند کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند، در نتیجه خود را فراموش کردند ،

آن‌ها فاسق‌اند *

* فراموشی خدا فراموشی خود است. کسی که خدا را فراموش کند، این‌همه ثروت و نعمت که

خدا در دنیا و آخرت برای او خلق کرده است، فراموش می کند زیرا وقتی که خود را فراموش کرد آنچه متعلق به اوست فراموش می کند. موجودیت عبد به موجودیت مولای عبد است و عبد منهای مولا هیچ است.

﴿۲۰﴾ لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ
اهل بهشت و جهنم مساوی نیستند ، اهل بهشت سعادت مندند

﴿۲۱﴾ لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ
وَتِلْكَ الْأَمْثَلُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ
ما اگر این قرآن را بر کوهی (یا ابرقدرتی مثل علی(ع)) نازل می کردیم، شما می دیدید که آن قدرت در برابر خداوند خاضع و شکوفا می شد ، ما قرآن را در لباس مثل ذکر می کنیم شاید مردم فکر کنند *
* این جبال که اگر قرآن بر آنها نازل شود در برابر قرآن و عظمت خدا خاضع و خاشع می شوند. شخصیت های بزرگ مذهبی مانند انبیاء و اولیاء هستند. جبل و جبال در قرآن به شخصیت های بزرگ مذهبی تفسیر شده است. مشاهده می کنید ائمه اطهار(ع) چگونه در برابر قرآن خاضع و خاشع اند.

﴿۲۲﴾ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ
خدا کسی است که به جز او خدایی نیست ، عالم به غیب و شهود است ، بخشنده و
مهربان است

﴿۲۳﴾ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ
الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ
نیست پادشاه است، قدوس و سالم و مؤمن و مشرف به همه کس است، عزیز جباران
کننده خسارت ها، بزرگ و با عظمت ، منزّه است از شریک و نظیر

﴿۲۴﴾ هُوَ اللَّهُ الْخَلِيقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

او خدای آفریننده، ترقی دهنده و صورت دهنده و دارای بهترین اسمها و هنرهاست، هر که هست در آسمانها و زمین خدا را منزله از شباهت به خلق می داند، او غالب و حکیم است.

المدنی

سُورَةُ الْمُتَحَنَةِ

آیاتها ۱۳

این سوره شریفه به مناسبت اینکه در گزینشها دستور امتحان و آزمایش داده، ممتحنه نامیده شده است. سلامتی بدنه اجتماع از مسیر امتحان و آزمایش است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ

ای اهل ایمان، خود را در دایره ولایت دشمنان خدا و خودتان قرار ندهید، آنها را به طمع مودت و اطاعت خود نیندازید با اینکه می دانید آنها کافر به دین خدا شده اند، دیدید که چگونه شما و رسول خدا را از شهر و دیارتان اخراج کردند، اگر شما برای جهاد در راه خدا قیام کرده اید و در این جهاد طالب رضای خدائید، چطور مخفیانه محبت و مودت خود را به آنها ابلاغ می کنید، من که خدای شما هستم از اعمال سری و علنی شما آگاهم، کسانی که چنین هستند بدانند که از راه راست منحرف شده اند

﴿۲﴾ إِنْ يَتَّقُواكُم يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتَهُم بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ

اگر آنها شما را بشناسند و بیابند، عناد خود را نشان

می دهند به جان و مال شما تجاوز می کنند و آن ها دوست دارند که شما را به کفر و گناه برگردانند

﴿۳﴾ لَنْ تَنْفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَفْصِلُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ
خویشاوندان و فرزندان کافر، نفعی به حال شما ندارند ، روز قیامت از شما جدایند، رابطه ای بین شما و آن ها نیست ، خدا به اعمال شما بصیر و آگاه است

﴿۴﴾ قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَءُؤُا مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَّمَكُنَا مَا كُنَّا لَنَكُونُ لَهُمْ مَشْكُورِينَ وَإِنَّا لَهُمْ لَخَالِفَةٌ
شما می توانید ابراهیم و امثال او را الگوی خود بشناسید که به اقوام خود گفتند: ما از آنچه سوای خدا می پرستید بیزاریم، بین ما و شما دشمنی تا ابد دایر است مگر که ایمان به خدا بیاورید، به جز گفته ابراهیم که به پدر خود گفت: برای تو استغفار می کنم ، اگر به کفر ادامه دادی، کاری از من برای تو ساخته نیست ، پروردگارا! به تو توکل نمودیم و به سوی تو رجوع کردیم، عاقبت هر کاری به تو مربوط است

﴿۵﴾ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاعْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ
پروردگارا! ما را به راه و روش کفار مبتلا نکن، بینش و دانش ما را بالا ببر ، تو عزیز و دانا هستی

﴿۶﴾ لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَمَنْ

يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ کسانی که امیدوار به خدا و آخرت اند، می توانند اولیاء خدا را الگوی اعمال و اخلاق خود قرار دهند و اگر خودرأی و خودمختار شدند، خدا از آنها بی نیاز و پسندیده است

﴿۷﴾ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوَدَّةً وَاللَّهُ قَدِيرٌ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ شما تظاهر به دشمنی دشمنان خدا کنید، مهر و محبت را به خدا واگذارید شاید خدا بین شما و آنها محبت به وجود آورد، او با رحمت و غفران خود دشمنی را تبدیل به دوستی می کند

﴿۸﴾ لَا يَنْهَكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ خداوند شما را از تظاهر به دوستی کسانی که با شما جنگیده اند و از شهر و دیارتان اخراج ننموده اند نهی نمی کند، می توانید با آنها رفتار عادلانه داشته باشید، خداوند عادلان را دوست دارد

﴿۹﴾ إِنَّمَا يَنْهَكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ فقط شما را از رابطه با کسانی نهی می کند که با شما و علیه دین خدا جنگیده اند و از شهر و دیارتان اخراج نموده یا کمک در اخراج بوده اند، مبادا ولایت آنها را بپذیرید، کسانی که ولایت آنها را بپذیرند، ظالم اند

﴿۱۰﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا جَاءَكُمْ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ ۗ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَّهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَعَاقِبَتُهُنَّ مَا أَنْفَقُوا وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا ءَاتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكَوَافِرِ وَسْئَلُوا مَا أَنْفَقْتُمْ وَلَيْسَ لَكُمْ مَا

أَنْفَقُوا ذَلِكُمْ حُكْمُ اللَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ای اهل ایمان! وقتی که زنان مؤمنه به کشور اسلامی مهاجرت می کنند ابتدا آنها را امتحان کنید ، اگر معلوم شد که مؤمن اند، خدا به ایمان آنها داناتر است ، آنها را به بلاد کفر برنگردانید زیرا آنها برای کفار و کفار برای آنها حلال نیستند ، آنچه آنها برای زنانشان خرج داشته اند بپردازید و مانعی ندارد که با آنها ازدواج کنید که حق آنها را بپردازید ، به راه و روش کفار متمسک نشوید ، آنچه شما در این راهها خرج کرده اید یا آنها خرج کرده اند از بیت المال مطالبه کنید ، این حکم خداست که بین شما حکومت می کند ، خداوند دانا و حکیم است

﴿۱۱﴾ وَإِنْ فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِّنْ أَزْوَاجِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ فَعاقِبْتُمْ فَاتُوا الَّذِينَ ذَهَبَتْ أَزْوَاجُهُمْ مِّثْلَ مَا أَنْفَقُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِءِ مُؤْمِنُونَ و اگر از زنان شما کسی به بلاد کفار ربوده شد و تعقیب نمودید، مخارج این پیگیری را به کسی که در جستجوی آن زن است بدهید تا بتواند همسر خود را برگرداند و یا با دیگری ازدواج کند ، از نافرمانی خدایی که به او ایمان آورده اید، بپرهیزید

﴿۱۲﴾ يَأْتِيهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعَنَّكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْنَهُنَّ وَأَسْتَغْفِرْ لَهُنَّ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ای رسول من! وقتی که زنان آمدند با تو بیعت کنند، با قبول این شرایط بیعت آنها را قبول کن و برایشان طلب مغفرت کن و آن شرایط این است که کسی را شریک خدا نکنند و دزدی نکنند ، زنا ندهند و کودک خود را نکشند و فرزند خود را به غیر شوهر نسبت ندهند، در اعمال نیک با تو مخالفت نکنند ، خداوند آمرزنده و مهربان است

﴿۱۳﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ

کَمَا يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ ای اهل ایمان! مبادا ولایت اقوامی را بپذیرید که خدا بر آنها غضب نموده است، آنها از اجر آخرتی مأیوس اند، همان طور که کافران گورستان مأیوس شده اند.

آیاتها ۱۴

سُورَةُ الصِّفِّ

المدنی

این سوره شریفه هم به مناسبت کلمه صف در آن، به این اسم نامیده شده است. از صف گیری مؤمنین و استحکام آنها در برابر کفار خبر می دهد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ هر چه در عوالم آسمان و زمین هست ، خدا را از شباهت به خود منزّه می داند ، خداوند غالب و حکیم است

﴿۲﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ ای اهل ایمان! چرا سخنی می گوئید یا ادعایی دارید که خودتان به آن عمل نمی کنید؟

﴿۳﴾ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ گناه بزرگی نزد خداوند است که بگوئید و عمل نکنید

﴿۴﴾ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بُنِينَ مَرْصُوصًا خداوند کسانی را که در راه خدا جهاد می کنند و صفی تشکیل می دهند که در استحکام مثل بنا بر مبنای سرب و آهن است، دوست دارد

﴿۵﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَاقَوْمِ لِمَ تَقُولُونَ لِمَ تَقُولُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ

فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ موسی به قوم خود گفت: چرا مرا اذیت می کنید با اینکه می دانید پیامبر خدا به سوی شما هستم ، وقتی که از قبول دین حق منحرف شدند، قلب آنها هم به انحراف کشیده شد ، خداوند فاسق و فاجر را هدایت نمی کند

﴿۶﴾ وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَبْنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُّصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي أُسْمُهُ أَحْمَدٌ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ و عیسی ابن مریم به بنی اسرائیل گفت: من رسول خدا به سوی شما هستم، تورات موسی را قبول دارم و شما را به ظهور پیامبر دیگری بعد از خود مژده می دهم که نامش احمد است ، وقتی که آن پیامبر ظاهر شد گفتند: ساحر است و منکر شدند

﴿۷﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُوَ يُدْعَى إِلَى الْإِسْلَامِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ چه کسی ظالم تر است از کسی که به خدا دروغ می بندد با اینکه به دین اسلام دعوت می شود ، خداوند ظالم را هدایت نمی کند

﴿۸﴾ يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ می خواهند با این دروغ گویی ها نور دین خدا را خاموش کنند با اینکه خداوند نور دین خود را کامل خواهد کرد گرچه خلاف رأی مشرکین باشد

﴿۹﴾ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ خداوند متعال رسول خود محمد(ص) را با هدایت و دین حق فرستاد تا دین خود را بر همه ادیان غالب کند، گرچه مشرکین را خوش نیاید

﴿۱۰﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تَجْرَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ

ای اهل ایمان! دوست دارید شما را به تجارتي دعوت کنم که شما را از عذاب دردناک نجات می‌دهد؟

﴿۱۱﴾ تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ

ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ایمان به خدا و رسول بیاورید و با جان و

مال خود در راه خدا جهاد کنید که این سرمایه‌گذاری برای شما بهتر است، اگر بدانید

﴿۱۲﴾ يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِينٍ

طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ نتیجه تجارت این است که خدا شما

را رشد می‌دهد و به علم و قدرتی می‌رساند که از آن، نعمت و ثروت مانند نهر جریان

پیدا می‌کند، مساکن پاک و زیبای بهشت پُر نعمت و برکت که سود این تجارت است،

سعادت بزرگ است

﴿۱۳﴾ وَأُخْرَىٰ تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِيرٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ و به شما

وعده دیگری می‌دهد که آن را دوست دارید یعنی نصرت خدا و فتوحاتی که به دست

شما واقع می‌شود، اهل ایمان به این فتح و ظفر بشارت‌مند باشند

﴿۱۴﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ

مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَآمَنَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ بَنِي

إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَتْ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ ای

اهل ایمان! همه شما از یاران خدا باشید، همان‌طور که عیسی ابن مریم به حواری خود

گفت: چه کسی ما را در خط حرکت به سوی خدا همراهی می‌کند؟، حواریون گفتند:

ما یاران خداییم، طایفه‌ای از بنی اسرائیل ایمان آوردند و طایفه دیگر کافر شدند، ما

طایفه مؤمن را بر دیگران پیروز کردیم.

این سوره، به مناسبت اینکه روز جمعه قرائت می‌شود، جمعه نامیده شده است. مطلب مهم این سوره غیر از معارف عالی، مثل زیبایی است که خدا برای دین‌داران بدون انتفاع می‌زند و آن‌ها را به حماری تشبیه می‌کند که کتاب حمل می‌کند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

آنچه در آسمان‌ها و زمین است، خدا را از شباهت به خود منزّه می‌داند، خدایی که پادشاه است، پاک و مقدس است، نفوذناپذیر و داناست

﴿۲﴾ هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ

وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ او خداست که در میان اهل مکه پیامبر خود را مبعوث کرد، رسولی از خودشان تا آیات خداوند را بر آن‌ها تلاوت کند، آثار کفر و گناه را از آن‌ها بزدايد و علم و حکمت به آن‌ها بیاموزد، گرچه پیش‌ازین بعثت گمراه بوده‌اند

﴿۳﴾ وَعَاخِرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ و برای آیندگان که

هنوز به دنیا نیامده‌اند، خداوند غالب و حکیم است

﴿۴﴾ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ این بعثت و

تربیت، لطف خداست که به هر کسی بخواهد می‌دهد، لطف خدا بی‌نهایت است

﴿۵﴾ مَثَلُ الَّذِينَ حُمِلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ

مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ کسانی که

کتاب دینی تورات به آن‌ها تحمیل شده و در علم و عمل نپذیرفته‌اند مانند حماری هستند که کتاب حمل می‌کند، چه بد نمونه‌هایی دارند کسانی که آیات خدا را تکذیب می‌کنند، خداوند قوم ظالم را هدایت نمی‌کند

﴿٦﴾ قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ بگو: ای یهودیان! اگر فکر می‌کنید که فقط شما دوستان صمیمی خدا هستید، پس مرگ خود را که راه ملاقات با خداست آرزو کنید اگر راست می‌گویید

﴿٧﴾ وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ با اینکه به دلیل سابقه کفر و گناه هرگز چنین آرزویی نمی‌کنید، خدا خود ستم‌کاران را می‌شناسد

﴿٨﴾ قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عِلْمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ می‌کنید، شما را فرا می‌گیرد و به دایره حکومت خدا که عالم به غیب و شهود است، انتقال می‌دهد و خدا شما را به اعمالتان آگاه می‌کند

﴿٩﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ای اهل ایمان! وقتی که مؤذن شما را به نماز روز جمعه صدا می‌زند، به مرکز یادآوری خدا بشتابید و کاروکاسبی را رها کنید، این اجتماع از منافع دنیایی بهتر است اگر بدانید

﴿١٠﴾ فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ بعد از خاتمه نماز، کار خود را دنبال کنید و روزی خدا

را به دست آورید، به یاد خدا باشید تا رستگار شوید

﴿۱۱﴾ وَإِذَا رَأَوْا تِجْرَةً أَوْ لَهْوًا أَنْفَضُوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِّنَ اللَّهِو وَمِنَ التِّجْرَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ

بعضی چنان حریصانند که در حال نماز وقتی صدای تجارت یا طبل و تنبک می‌شنوند به طرف صدا می‌دوند، تو را تنها می‌گذارند، به آنها بگو: لطف خدا از تجارت و بازی بهتر است، خداوند بهترین روزی دهندگان است.

المدنی

سُورَةُ الْمُنَافِقُونَ

آیاتها ۱۱

این سوره شریفه هم در تعریف منافق، نام‌گذاری شده است. نفاق، بزرگ‌ترین مرض روانی است که مردم را در دنیا به هرج و مرج و در آخرت به جهنم می‌کشاند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ

ای رسول خدا! وقتی منافقین به حضور می‌رسند و می‌گویند: شهادت می‌دهیم که تو رسول خدایی، خدا به رسالت تو گواهی می‌دهد و خدا گواهی می‌دهد که منافقین دروغ می‌گویند

﴿۲﴾ اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

تظاهر به مسلمانی را سپر قرار داده‌اند تا در پناه آن مردم را از راه خدا بازدارند، چه بد کاری است عمل منافق

﴿۳﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ

مرض روانی از اینجا است که ضمن تظاهر به ایمان، در خط کفر فعالیت دارند، هدف‌های دنیایی حجاب شعور ایمانی آنها شده، عقل و ادراکات آنها تعطیل می‌شود

﴿٤﴾ وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهمْ خُشَبٌ مُسْنَدَةٌ يَحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرهُمْ قَتَلَهُمُ اللَّهُ أَنْى يُؤَفَّكُونَ

وقتی به آن‌ها نگاه می‌کنی از تظاهر آن‌ها تعجب می‌کنی و وقتی حرف می‌زنند خوب گوش می‌دهی، مانند ستون تکیه‌گاه به اطاعت ایستاده‌اند، آنچه می‌شنوند به ضرر خود می‌دانند، از آن‌ها برحذر باش، آن‌ها دشمن واقعی هستند، خدا آن‌ها را بکشد، تا کجا پرت شده‌اند

﴿٥﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّا رُءُوسَهُمْ وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ

اگر مسلمانی به آن‌ها بگوید: بیایید از رسول خدا التماس دعا کنید، سر خود را به بی‌اعتنایی می‌چرخانند (که چه حرف‌ها)، تکبر آن‌ها را فرا می‌گیرد، مردم را از ارتباط به رسول خدا باز می‌دارند

﴿٦﴾ سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ

تو برای آن‌ها دعا کنی یا نکنی مساوی است، خدا هرگز از گناه آن‌ها نمی‌گذرد، خداوند فاسق را هدایت نمی‌کند

﴿٧﴾ هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَى مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُوا وَاللَّهُ خَزَائِنُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنْفِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ

به مردم سفارش می‌کنند که به سازمان اسلامی کمک نکنید تا از اطراف رسول خدا پراکنده شوند، با اینکه خزائن آسمان‌ها و زمین در اختیار خداوند است، منافق، شعور خداشناسی ندارد

﴿٨﴾ يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنهَا الْأَذَلَّ وَاللَّهُ الْعَزِيزُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنْفِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ

در جلسات خارج شهر

می گویند که: اگر به مدینه برگردیم، عزیزترین ما ذلیلترین را بیرون می کند ، نمی دانند که عزت مخصوص خدا و رسول و مؤمنین است، منافقین این عزت را نمی فهمند *

* عبدالله ابن ابی، منافق درجه یک زمان، مزاحم رسول خدا(ص) بود. روزی که با جمعیت در خارج مدینه بودند به آنها می گفت: این مرد که اهل مکه او را اخراج کرده اند حالا در مدینه مزاحم ما شده است. وقتی که به مدینه برگشتیم ما که عزیزترین مردم هستیم آنها را که ذلیلترینند اخراج می کنیم. زید بن حارثه که پسرخوانده حضرت بود حرفهای منافق را به رسول خدا رسانید. آن حضرت خبرکشیها را با اینکه می دانست حقیقت است تصدیق نمی کرد تا اینکه این سوره نازل شد و خداوند سخنان آن منافق را در آیه منعکس نمود.

﴿۹﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

ای اهل ایمان! مال و اولاد شما را از دین خدا و یادآوری او باز ندارد ، کسی که در چنین غفلتی قرار گیرد زیاد خسارت می برد (خسارت نفسانی که انسان منهای انسانیت است)

﴿۱۰﴾ وَأَنْفِقُوا مِنْ مَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُن مِّنَ الصَّالِحِينَ

پیش از آن که مرگ فرا رسد، در تقویت دین خدا سرمایه گذاری کنید، مبادا دم مرگ از شدت حسرت بگوئید: خدایا مرگ ما را به تأخیر بینداز تا صدقه بدهیم و عمل صالح انجام دهیم

﴿۱۱﴾ وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

با اینکه ساعت مرگ تأخیر ندارد ، خداوند به اعمالشان آگاه است.

این سوره شریفه، از غبن انسان‌ها در زندگی آخرت خبر می‌دهد. ضررهای آخرت روانی و وجودی است مانند تفاوت انسان و حیوان. کفار و گناه‌کاران در زندگی آخرت بدون اینکه مسخ شوند، در برابر عزت و عظمت نیکان نمایش حیوانی دارند. خدا قیامت را یَوْمَ الْحِسْرَتِ نامیده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ آنچه در زمین و آسمان است، خدا را از شباهت وجودی و ماهیتی به خود منزّه می‌داند، پادشاهی و ستایش حمد مخصوص اوست، او به هر کاری قادر و تواناست

﴿۲﴾ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ او شما را در خلقت یکسان آفرید و در مسیر تربیت بعضی مؤمن و بعضی کافر هستند، خدا به اعمالتان آگاه است

﴿۳﴾ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ آسمان و زمین را به حق آفرید و شما را با بهترین صورت مهندسی نمود و آخرین تحول شما دایره ولایت اوست

﴿۴﴾ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ آنچه هست در آسمان و زمین می‌داند و آنچه مخفی یا آشکار کنید می‌داند، خداوند به افکار و نیت‌ها آگاه است

﴿۵﴾ أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبُؤُا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ فَذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ مگر داستان گذشتگان که کافر بودند به شما نرسید که چگونه وزر و وبال کفر و گناه

خود را چشیدند و عذاب الیم آخرت برای آنها باقی مانده است

﴿۶﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالُوا أَبَشَرٌ يَهْدُونَنَا فَكَفَرُوا وَتَوَلَّوْا وَاسْتَغْنَى اللَّهُ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَمِيدٌ

این عذاب‌ها نتیجه کفر است که پیامبران با دلایل و معجزات به سراغ آنها رفتند تا آنها را از ظلم باز دارند، آنها اعراض نموده و مسخره کردند که او چه کاره است، خدا آنها را به خودشان واگذار کرد، خداوند غنی و حمید است

﴿۷﴾ زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ

کفار خیال می‌کنند که هرگز بعد از مرگ زنده نمی‌شوند، بگو: آری به خدا قسم زنده شده و از اعمالتان با خبر خواهید شد، حیات دوباره شما بر خدا آسان است

﴿۸﴾ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

بهر این است که ایمان به خدا و رسول و انوار روشن ولایت که با او نازل کردیم بیاورید، خدا به اعمالتان آگاه است

﴿۹﴾ يَوْمَ يَجْمَعُكُم لِيَوْمِ الْجُمُعِ ذَٰلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ وَمَنْ يُؤْمِنِ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكْفِرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

روزی که تمامی بشریت را یکجا جمع کند، آن روز روز غن و ضرر است، اما کسی که ایمان به خدا بیاورد و عملش صالح باشد، خدا تیرگی‌های گناه او را می‌زداید و او را به علم و قدرتی می‌رساند که از آن، نهر نعمت و رحمت جاری می‌شود و در آن وضع تا ابد زندگی می‌کند، این است فوز عظیم

﴿۱۰﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَبِئْسَ

الْمَصِيرُ و اما کسانی که کافر به خدا می شوند و آیات ما را تکذیب می کنند، چه آینده بدی دارند که تا ابد در جهنم حبس هستند

﴿۱۱﴾ مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ
هر مصیبتی که به کسی می رسد به اذن خدا می رسد ، هر کس ایمان به خدا بیاورد قلبش روشن می شود ، خدا به هر چیزی داناست

﴿۱۲﴾ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ
از خدا و رسول اطاعت کنید و اگر نافرمانی کردید، وظیفه رسول ما فقط تبلیغ است

﴿۱۳﴾ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ
خدا کسی است که به جز او خدایی نیست ، اهل ایمان به خدا توکل داشته باشند

﴿۱۴﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَرْوَاحِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعَفَّوْا وَتَصَفَّحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ
بچه شما دشمن شما هستند شما را گمراه می کنند، از آن ها برحذر باشید ، البته عفو و گذشت پیشه شما باشد ، اگر از گناه آن ها بگذرید، خداوند آمرزنده و مهربان است

﴿۱۵﴾ إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ
مال و اولاد فتنه و امتحان است ، اگر هدفتان در زندگی رضای خدا باشد، اجر شما بی نهایت است

﴿۱۶﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَأَسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِنَفْسِكُمْ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ
آن قدر که می توانید تقوا را رعایت کنید، بشنوید و اطاعت کنید، از اعمال نیک برای آخرت سرمایه گذاری نمایید ، کسی که بخل روانی خود را مهار کند و خدمت نماید، رستگار است

﴿۱۷﴾ **إِنْ تَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يَضْعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ**

حَلِيمٌ اگر از مال خود به خداوند قرض الحسنه بدهید (انفاق کنید)، خداوند چند برابر به شما برمی گرداند، خداوند حلم دارد عمل شمارا منظور دارد

﴿۱۸﴾ **عَلِيمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ** او عالم به غیب و شهود است، او

دانا و تواناست.

آیاتها ۱۲

سُورَةُ الطَّلَاقِ

المدنی

بیشتر آیات این سوره، مربوط به طلاق است لذا آن را سوره طلاق گفته‌اند. اگر سوره مائده را که **أَوْفُوا بِالْعُقُودِ** دارد سوره عقد می‌نامیدند، مناسب بود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ **يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ**

رَبَّكُمْ لَا تَخْرُجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ وَتِلْكَ

حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ

ذَلِكَ أَمْرًا ای رسول من! وقتی بخواهید همسر خود را طلاق بدهید، طلاق مشروط

به عده است، شماره ایام عده را داشته باشید، از نافرمانی خدا بپرهیزید، در مدت عده

آنها را از خانه خود اخراج ننمایید، آنها هم خارج نشوند مگر که رابطه نامشروعی از

آنها ثابت شود، این احکام حدود الهی است، کسی که از حدود خدا تجاوز کند به

خود ستم کرده است، شما چه می‌دانید شاید در مدت عده تقدیر خدا عوض شود و به

زندگی برگردند

﴿۲﴾ **فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا ذَوَىٰ**

عَدْلٍ مِّنكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَٰلِكُمْ يُوعَظُ بِهِ مَن كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
الْآخِرِ وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا

وقتی که عده مقرر سرآمد یا او را به حسن اخلاق و رفتار به زندگی برگردانید یا با رعایت حقوق متعارف ضمن احسان از آنها جدا شوید، دونفر عادل شاهد طلاق باشند و آن دو برای خدا شهادت را رعایت کنند، خدا کسانی را به این احکام موظف می کند که ایمان به خدا و آخرت دارند، کسی که تقوای الهی را رعایت کند، خدا راه نجات برای او مقدر می کند

﴿۳﴾ وَيَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَن يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَلِغُ
أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا

و از راهی که حساب نمی کند روزی او را می رساند، کسی که به خدا توکل کند خدا او را کفایت می کند، خداوند آنچه مقدر می کند به ثمر می رساند ولیکن اجرای تقدیرات مدتی لازم دارد

﴿۴﴾ وَاللَّيْ يَيْسَنَ مِنَ الْمَحِيضِ مَن نِّسَائِكُمْ إِنِ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ
وَاللَّي لَمْ يَحْضَنْ وَأُولَٰئِكَ الْأَحْمَالُ أَجَلُهُنَّ أَن يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ
لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا

عده زنانی که در یأس آنها شک دارید و یا زنانی که در سن عادت هستند و عادت نمی شوند، سه ماه است و عده زنان حامله وضع حمل است، کسانی که تقوا را رعایت کنند، خدا مقدرات آنها را آسان می کند

﴿۵﴾ ذَٰلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنزَلَهُوَ إِلَيْكُمْ وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ
أَجْرًا

این احکام فرامین الهی است که به سوی شما نازل شده است، کسی که تقوا را رعایت کند خداوند نواقص وجودی او را برطرف نموده و او را به کمال می رساند

﴿۶﴾ أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِّنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ

وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمْلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأُتْمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاسَرْتُمْ فَسْتَزْضِعْ لَهُ وَ أُخْرَى

زنان مطلقه را در وضعیت مناسب خود سکنی بدهید، مبادا با ایذاء و اضرار آنها را در مضیقه قرار دهید، اگر حامله باشند تا زمان وضع حمل مخارج آنها را بدهید و بعد از وضع حمل اگر مایل شدند بچه را حضانت کنند، نفقاتشان را بپردازید، در اداره کودک با هم مشورت کنید، اگر غیرمتعارف شما را در عسرت انداختند دیگری را اجیر کنید

﴿۷﴾ لِيُنْفِقُ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا

ثروت خود زنان را اداره کند و آنها که فقیرند برابر استعداد خود، خداوند هر کسی را برابر استعداد او مکلف می کند، خداوند بعد از فرسایش، آسایش به وجود می آورد

﴿۸﴾ وَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسَبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَّبْنَاهَا عَذَابًا نُكْرًا

چقدر زیاد شهر و روستا که از اطاعت سرپیچیدند و خدا سخت به حساب آنها رسید و به شدت آنها را عذاب نمود

﴿۹﴾ فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا

و وبال کفر و گناه خود را چشیدند و عاقبت کار به جز خسارت چیزی نبود

﴿۱۰﴾ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ ءَامَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا

برای آنها عذابی سخت مقدر کرد، ای خردمندان! از مخالفت با خدا بترسید، خدایی که قرآن صامت و ناطق برای شما نازل کرد

﴿۱۱﴾ رَسُوْلًا يَتْلُوْا عَلَیْكُمْ ءَایَاتِ اللّٰهِ مُبَیِّنَاتٍ لِّیُخْرِجَ الَّذِیْنَ ءَامَنُوْا وَعَمِلُوْا الصّٰلِحٰتِ مِنَ الظُّلُمٰتِ اِلَى النُّوْرِ وَمَنْ یُّؤْمِنْ بِاللّٰهِ وَیَعْمَلْ صٰلِحًا یُدْخِلْهُ جَنَّٰتٍ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ خٰلِدِیْنَ فِیْهَا اَبَدًا قَدْ اَحْسَنَ اللّٰهُ لَهُ رِزْقًا

رسولی که

آیات روشن الهی را برای شما تلاوت می کند تا اهل ایمان و عمل صالح را از تاریکی جهل برهاند و به علم و دانش برساند ، کسی که ایمان به خدا آورد و عملش صالح باشد خدا او را در آخرت به علم و قدرتی می رساند که از آن، نهر حیات و نعمت جاری شود و تا ابد در آن زندگی باقی است و روزی مادی و معنوی به او می رساند

﴿۱۲﴾ اللّٰهُ الَّذِیْ خَلَقَ سَبْعَ سَمٰوٰتٍ وَمِنَ الْاَرْضِ مِثْلَهُنَّ یَتَنَزَّلُ الْاَمْرُ بَیْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوْا اَنَّ اللّٰهَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ وَاَنَّ اللّٰهَ قَدْ اَحَاطَ بِكُلِّ شَیْءٍ عِلْمًا

خدایی که هفت آسمان و زمین به صورت طبقات داخل یکدیگر آفرید و فرمان خود را به داخل طبقات نازل کرد تا شما بدانید او به هر کاری تواناست و علم او به همه کس و همه چیز محیط است (کلاس های تکاملی هم تا کمال مطلق هفت طبقه است).

آیاتها ۱۲

سُورَةُ التَّحْرِیْمِ

المدنی

این سوره شریفه، به مناسبت اینکه رسول خدا رابطه خود را با بعضی از زوجات خود تحریم کرده بود، تحریم نامیده شد.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

﴿۱﴾ یٰۤاَیُّهَا النَّبِیُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا اَحَلَّ اللّٰهُ لَكَ تَبَغٰی مَرْضٰتِ اَزْوَاجِكَ وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ

رَحِیْمٌ ای رسول خدا! چرا ارتباط با همسری را که خدا برای تو حلال کرده است برای جلب رضایت بعضی از زوجات دیگر بر خود حرام می کنی ، خداوند آمرزنده و

مهربان است

﴿۲﴾ قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ وَاللَّهُ مَوْلَانِكُمْ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ

و اگر هم قسم خورده‌ای، خداوند راه حلیت از قسم را به شما آموخته ، خدا مولای شما است ، خداوند حکیم و داناست

﴿۳﴾ وَإِذْ أَسْرَ النَّبِيُّ إِلَىٰ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا قَالَ نَبَّأَنِي الْعَلِيمُ الْحَبِيرُ

رسول خدا مطالبی مربوط به خلافت به بعضی زنان خود گفت و قول گرفت که به کسی نگوید ولیکن آن زن سرّ را به دیگری گفت و خداوند به رسول خود خبر داد که سرّ خلافت فاش شده و حضرت به آن زن اعتراض کرد که چرا سرّ رسول خدا را افشا نموده ، پیامبر(ص) بعضی افشاگری‌ها را گفت و بعضی را نگفت و آن زن تعجب کرد که چه کسی به شما خبر داده ، گفت: خدای دانا و آگاه به من خبر داد

﴿۴﴾ إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيْلُ وَصَلِيحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَكُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ

اگر شما دو نفر از اعمال علیه خلافت توبه کنید، قلب شما به حق گرایش پیدا می کند و اگر بر علیه این مقام همکاری کنید مانعی ندارد ، خدا و جبرائیل و مؤمنین صالح ولایت او را تقویت می کنند و بعد فرشتگان کمک او هستند تا مقام او را به ثمر برسانند

﴿۵﴾ عَسَىٰ رَبُّهُوَ إِنْ طَلَّقَنَّ أَنْ يُبْدِلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِّنْكَنَّ مُسْلِمَاتٍ مُّؤْمِنَاتٍ قَنَاتٍ تَكْبَتُ عِبَادَاتٍ سَلِيحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا

اگر رسول من شما را طلاق دهد شاید خدا زنانی بهتر از شما نصیب او کند که مسلمان مؤمنه متوجه به خدا، عابده و متفکره، توبه‌کار، باکره و یا شوهر دیده باشد

﴿٦﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ

ای اهل ایمان! خود و خانواده خود را از آتشی که برافروزنده آن انسان و سنگ است حفظ کنید، آتشی است مسخر فرشته‌های خشن و شدید که نافرمانی خدا نمی‌کند و مأموریت خود را به‌جا می‌آورند *

* فرشتگان نیروهایی هستند که عامل حیات و حرکت در مواد عالم‌اند. مواد انفجاری آتش‌زا به همین نیروها مجهزند که به سرعت می‌پرند و همه‌چیز را سر راه نابود می‌کنند شما می‌بینید که آتش‌های هسته‌ای با طبیعت و انسان چه می‌کند. همین آتش‌ها که ظالمین به جان مظلومین می‌اندازند در زندگی آخرت به اراده كُنْ فَيَكُونِ مظلومین (نه با نفت و بنزین) به جان ظالمین برمی‌گردد و حرارت در وجودشان متمرکز می‌شود و همان جهنمی است که خدا خبر داده است.

﴿٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

ای کافران! لازم نیست امروز معذرت‌خواهی کنید، آتشی است که خود ساخته‌اید به عمل خود مجازات می‌شوید

﴿٨﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ

عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَاعْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

ای اهل ایمان! یک چنان توبه‌ای داشته باشید که برای همیشه شما را از گناه بازدارد شاید با این توبه خداوند تیرگی گناه را از قلب شما بزدايد و شما را به بهستی برسد که در آن نهرهای ثروت و نعمت جریان دارد، در آن روزی که خداوند رسول خود و همراهان او را واگذار نمی‌کند، نور ایمان و علمشان همه‌چیز را از روبه‌رو و طرف راست به آن‌ها نشان

می‌دهد می‌گویند: پروردگارا! علم ما را کامل کن و به ما عقل و استعداد بده، تو به هر کاری توانایی

﴿۹﴾ **يَأْتِيهَا النَّبِيُّ جَهْدِ الْكُفَّارِ وَالْمُنَافِقِينَ وَأَغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ** ای پیامبر! با کفار و منافقین جهاد کن و بر آنها سخت بگیر که جای آنها عاقبت جهنم است، چه بد عاقبتی است نتیجه کفر و نفاق

﴿۱۰﴾ **ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ** خداوند برای شما زنان بد و خوب، زنان نمونه‌ای از گذشتگان را یادآوری می‌کند، نمونه بد زن نوح و زن لوط که همسر دو نفر از بندگان صالح ما بودند، به آنها خیانت کردند و شوهران نتوانستند آنها را از نتایج خیانت حفظ کنند، عاقبت با دیگران امثال خود به جهنم کشیده شدند

﴿۱۱﴾ **وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ** و برای اهل ایمان هم دو نفر زن خوب را نمونه می‌آورد، زن فرعون که از شوهر ظالم متنفر شد عرض کرد پروردگارا! در بهشت برای من خانه‌ای بساز و مرا از شر فرعون و عمل او و از شر ظالمین نجات بده

﴿۱۲﴾ **وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ لَهَا مِنَ الْقَنِينَ** و همچنین مریم دختر عمران که خود را در حصار عفت قرار داد و ما به رحم او حیات دادیم، کتاب و وعده خدا را در قبول فرزند بدون شوهر تصدیق کرد و از بندگان عابده خدا بود.

این سوره شریفه هم به مناسبت کلمه مُلک، سوره مُلک نامیده شده است. مندرجات این سوره شریفه هم از عجایب معجزات است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(جزء ۲۹) ﴿۱﴾ تَبْرَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
پادشاهی به دست اوست، برکت مند است و به هر کاری تواناست

﴿۲﴾ الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ
خدایی که موت و حیات را آفرید تا در این دایره شما را بیازماید و معلوم شود که عمل کدام یک از شما نیکوتر است، او عزتمند و آبرومند است

﴿۳﴾ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَّا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِن تَفْوُتٍ فَارْجِعِ
الْبَصَرَ هَلْ تَرَىٰ مِن فُطُورٍ
یکدیگر قرار داد، در آفرینش خداوند نقص و کسری قابل رؤیت نیست، درست دقت کن! آیا عیبی مشاهده می کنی؟

﴿۴﴾ ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ
باز هم
بینش خود را تکرار کن، نتیجه مطالعه تو به جز حسرت چیزی نخواهد بود (که نمی توانی ایرادی بگیری)

﴿۵﴾ وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصْبِيحٍ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ
عَذَابَ السَّعِيرِ
ما آسمان را به ستارگان و فضای دین را به دانشمندان زینت دادیم، علمای مکتب را عامل طرد و رجم شیاطین نموده است، عذاب جهنم را

برای آن‌ها آماده کرده‌ایم

﴿۶﴾ **وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ** عاقبت کسانی که کافر به خدا شده‌اند، آتش جهنم است، چه نتایج بدی از حرکت آن‌ها پیدا می‌شود

﴿۷﴾ **إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهِيقًا وَهِيَ تَفُورُ** در آن عذاب چه شهقه و زوزه‌ها می‌زنند و آن آتش دائم در فوران است

﴿۸﴾ **تَكَادُ تَمَيَّزُ مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ** از شدت غیظ و غضب هر چیزی را پاره‌پاره می‌کند، به هر گروهی که وارد جهنم می‌شوند می‌گویند: مگر پیامبران شما را از چنین روزی بر حذر نداشتند؟

﴿۹﴾ **قَالُوا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِن شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ** می‌گویند: چرا به ما هشدار دادند، ما آن‌ها را تکذیب نمودیم گفتیم: خدا حکمی نازل نکرده است، شما خیالاتی و گمراهید

﴿۱۰﴾ **وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ** ما اگر از شنوایی و عقل خود بهره می‌گرفتیم، به این چنین عذابی مبتلا نمی‌شدیم

﴿۱۱﴾ **فَاعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ فَسُحْقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ** به گناه خود اعتراف می‌کنند، نابود شوند اهل جهنم

﴿۱۲﴾ **إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ** اما کسانی که عظمت خدا را در غیب عالم درک می‌کنند، لطف خدا شامل حال آن‌ها شده و

اجر بزرگی دارند

﴿۱۳﴾ وَأَسِرُّوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ شما اگر سرّ

و نجوایی و یا پنهان و آشکارا حرف بزنید، خدا می‌داند

﴿۱۴﴾ أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ چطور می‌شود آفریدگان خود

را نشناسد با اینکه به همه کس و همه چیز محیط است

﴿۱۵﴾ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَأَمْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ

وَالِيهِ النُّشُورُ او کره زمین را برای شما رام و آرام آفرید، در اطراف آن

حرکت کنید و از روزی‌ها استفاده نمایید، عاقبت به سوی خدا می‌روید

﴿۱۶﴾ ءَأَمِنْتُمْ مِّن فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمُ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورُ برای

امنیت خود چه سندی از خدا دارید؟ شاید زمین شما را بلعد، زمین دائم در

موجان است

﴿۱۷﴾ أَمْ أَمِنْتُمْ مِّن فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرِ

یا مگر امنیت دارید؟ شاید شما را سنگ‌باران کند، به زودی قدرت خداوند را

خواهید شناخت

﴿۱۸﴾ وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ گذشتگان آن‌ها هم

قدرت خدا را تکذیب نمودند، ببینید عذاب خدا چه طور بود

﴿۱۹﴾ أَوْ لَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَفَّتٍ وَيَقْبِضْنَ مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ إِنَّهُوَ

بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ قدرت و صنعت خدا را در پرواز پرندگان مشاهده کنید،

بعضی بال می‌زنند و بعضی بال می‌اندازند، به جز خدا کسی آن‌ها را نگه نمی‌دارد

، خداوند به همه چیز بصیر و آگاه است

﴿۲۰﴾ **أَمَّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ جُنْدٌ لَّكُمْ يَنْصُرُكُمْ مِّنْ دُونِ الرَّحْمَنِ إِنِ الْكَافِرُونَ إِلَّا**

فِي غُرُورٍ یا شاید خیال می کنید همین لشکر شما بدون اذن خدا شما را یاری

می کند؟، کفار در غفلت و غرور به سر می برند

﴿۲۱﴾ **أَمَّنْ هَذَا الَّذِي يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ بَلْ لَجُّوا فِي عُتُوٍّ وَنُفُورٍ** یا

اگر خداوند متعال شما را روزی ندهد، کیست که روزی شما را برساند؟ ، کفار

به لج بازی و سرکشی اصرار دارند

﴿۲۲﴾ **أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلَىٰ وَجْهِهِ أَهْدَىٰ أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ**

شما بگویند! کسی که دمر و در روی زمین می خزد، بهتر هدایت می شود یا راست

قامتی که می بیند و در راه راست حرکت می کند؟ *

* هدف انسان مانند شهر مقصد مسافر بر مسافر حاکمیت دارد او را به سوی خود می کشد.

آینده زندگی مانند مسافری است که راست قامت مقصد را می بیند و می رود و وقتی فقط دنیا

را هدف خود قرارداد مانند کسی است که دمر و روی زمین می خزد و به جز جاده جایی را

نمی بیند.

﴿۲۳﴾ **قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا**

تَشْكُرُونَ بگو: او خداست که شما را آفریده و به شما بینایی و شنوایی و

دانایی داده است ، چرا لطف خدا را منظور نمی دارید؟

﴿۲۴﴾ **قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ** خداست که شما را از

آب و خاک زمین بر آورده و عاقبت به دایره حکومت او خواهید رفت

﴿۲۵﴾ **وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ** می پرسند وعده خداوند کی

هست؟، وقت آن را معین کنید اگر راست می گوید

﴿۲۶﴾ قُلْ إِنَّمَا أَلْعَلُّمُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ بگو: علم به وقت آن

مخصوص خداست، من فقط شما را هدایت می کنم و از عذاب آن روز برحذر می دارم

﴿۲۷﴾ فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سَيِّئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَقِيلَ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ

تَدْعُونَ وقتی ببینند که قیامت به نمایش درآمده، چهره کفار در اثر جرم و گناه سیاه می شود می گویند: این همان قیامتی است که آن را تکذیب نمودید

﴿۲۸﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكْنِي اللَّهُ وَمَنْ مَعِيَ أَوْ رَحِمْنَا فَمَنْ يُجِيرُ الْكَافِرِينَ مِنْ

عَذَابِ أَلِيمٍ بگو: مرا آگاه کنید که اگر خدا مرا و همراهان مرا از میان شما ببرد یا نبرد، چه کسی می تواند کفار را از عذاب دردناک دنیا و آخرت پناه دهد؟ (یعنی فقط دین من پناهگاه شماست)

﴿۲۹﴾ قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ ءَامَنَّا بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

او بخشنده و مهربان است به او ایمان داریم و او را وکیل خود می دانیم ، به زودی گمراهان را مشخص خواهد نمود

﴿۳۰﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ بگو: اگر

آب حیات (علوم و معارف ولایت شما) فروکش کند چه کسی قدرت دارد دومرتبه آن معارف حیات بخش را به شما برگرداند (معارف قرآن و مقام ولایت در اباطیل و خرافات مستهلک می شود و دومرتبه امام زمان (عج) آن را تجدید می کند).

این سوره شریفه، به مناسبت استعمال کلمه قلم به این نام نامیده شده و ارتباط قلم با جنون به این مناسبت است که انسان کامل در قضاوت جهل جهال، دیوانه شناخته می‌شود که از هدف خلقت بی‌خبرند و علاوه قلم است که منشأ پیدایش بهشت و یا جهنم می‌شود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- ﴿۱﴾ ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ
قسم به حروف کتابت و قلم و نوشته‌ها
- ﴿۲﴾ مَا أَنْتَ بِمَجْنُونٍ
تو به لطف خداوند، در قضاوت علم و قلم دیوانه نیستی
- ﴿۳﴾ وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ
تو در آینده اجر و مزدی بدون منت خواهی داشت
- ﴿۴﴾ وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ
اخلاق انسانی تو عظیم و بی‌نهایت است
- ﴿۵﴾ فَسَتَبْصُرُ وَيُبْصِرُونَ
به زودی تو می‌دانی و آن‌ها هم خواهند دانست که
- ﴿۶﴾ بِأَيِّكُمْ الْمَفْتُونُ
کدام یک از شما فریفته مال و مقام هستید *
- * حضرت را متهم کردند که مفتون عترت و دختر خود زهرا(س) است. خدا فرمود: آن‌ها مفتون دنیا هستند.
- ﴿۷﴾ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ
خداوند گمراهان از خط ولایت و هدایت یافتگان را بهتر می‌شناسد
- ﴿۸﴾ فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ
از کسانی که رسالت و ولایت را تکذیب می‌کنند، اطاعت نکن
- ﴿۹﴾ وَدُّوْا لَوْ تَدَّهِنُ فَيُدْهِنُونَ
دوست دارند که به دین و ولایت بی‌اعتنا باشی تا

آن‌ها بیشتر بی‌اعتنایی کنند

﴿۱۰﴾ وَلَا تُطِعْ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ
همین‌طور از کسانی که نام خدا را خوار نموده
و بسیار قسم می‌خورند، پیروی نکن

﴿۱۱﴾ هَمَّازٍ مَّشَّاءٍ بِنَمِيمٍ
مسخره کن و فعال برای نامی و سخن‌چینی هستند

﴿۱۲﴾ مَنَّاغٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ
مانع کارهای خیر، تجاوزگر و گناه‌کار

﴿۱۳﴾ عُتْلٍ بَعْدَ ذَلِكَ زَنِيمٍ
بی‌شرم و بی‌حیا و با همه این‌ها زنازاده و متکبر

﴿۱۴﴾ أَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ
که دارای مال و اولاد هستند

﴿۱۵﴾ إِذَا تَتَلَّىٰ عَلَيْهِ ءآيَاتُنَا قَالَ أَسْطِيرُ الْأُولَٰئِينَ
وقتی که آیات ما را می‌شنوند
گردن می‌چرخانند که افسانه‌های قدیم است

﴿۱۶﴾ سَنَسِيْمُهُ عَلَىٰ الْخُرطومِ
به زودی دماغ پر تکبر او را به خرطوم فیل تبدیل
می‌کنیم تا شناخته شود

﴿۱۷﴾ إِنَّا بَلَوْنَهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ
ما امت تو را مانند باغدارانی که داستان آن‌ها را می‌گوییم آزمایش می‌کنیم، آن‌ها
قسم خوردند که فردا میوه باغ پدر خود را می‌چینیم

﴿۱۸﴾ وَلَا يَسْتَشْنُونَ
به خود گراییدند و انشاءالله نگفتند

﴿۱۹﴾ فَطَافَ عَلَيْهَا طَآئِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ
شب هنگام که به خواب
رفته بودند، باغ آن‌ها در محاصره نابودی واقع شد

﴿۲۰﴾ فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ
و چنان شد که گویی میوه‌ای نداشت

﴿۲۱﴾ فَتَنَادُوا مُصْبِحِينَ فردا صبح آماده شدند که میوه باغ را بچینند

﴿۲۲﴾ أَنْ أَعْدُوا عَلَىٰ حَرِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَرِمِينَ یکدیگر را صدا زدند و به

سوی باغ رفتند

﴿۲۳﴾ فَأَنْظَلُوا وَهُمْ يَتَخَفَتُونَ مخفیانه بدون سروصدا به طرف باغ رفتند

﴿۲۴﴾ أَنْ لَا يَدْخُلْنَهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مَسْكِينٌ که مبادا فقرا مطلع شوند و

میوه‌ای مطالبه کنند!

﴿۲۵﴾ وَاعْدُوا عَلَىٰ حَرِّ قَدِيرِينَ شتاب‌زده حرکت کردند و با اطمینان که

میوه‌ها را می‌چینند

﴿۲۶﴾ فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُونَ به ناگاه با باغ سوخته‌ای روبه‌رو شدند،

گفتند: شاید اشتباهی آمده‌ایم

﴿۲۷﴾ بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ نه اشتباهی نیامده‌ایم، بلکه محروم شده‌ایم

﴿۲۸﴾ قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ برادری که عاقل‌تر بود گفت:

به شما نگفتم چرا تسبیح نگفتید و شکر خدا را به‌جا نیاوردید (حق فقرا را نادیده

گرفتید)؟

﴿۲۹﴾ قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ بعد از احساس ضرر گفتند: سبحان‌الله

که ما ظالم بودیم

﴿۳۰﴾ فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَلَاوَمُونَ رودررو یکدیگر را ملامت می‌کردند

﴿۳۱﴾ قَالُوا يَوَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ اعتراف کردند که متجاوز و طغیانگر بودیم

﴿۳۲﴾ عَسَىٰ رَبُّنَا أَنْ يُبَدِّلَنَا خَيْرًا مِّنْهَا إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا رَاغِبُونَ
 شاید لطف خدا دوبرتر ما را فرا گیرد که ما به سوی خداوند گرایش نمودیم

﴿۳۳﴾ كَذَلِكَ الْعَذَابُ وَالْعَذَابُ الْأَخِرَةُ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ
 چنین است ولی عذاب آخرت بزرگتر است، اگر کیفیت آن را بدانند (این داستان هشدار برای مسلمانان است که از باغ پُرمیوه اسلام استفاده کردند و صاحبان اصلی آن را فراموش نمودند)

﴿۳۴﴾ إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٍ التَّعِيمِ
 پرهیزکاران، در تقدیر خداوند باغ‌هایی پر از نعمت و ثروت دارند

﴿۳۵﴾ أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ
 مگر می‌شود که تقدیرنامه مسلمان مانند مجرم و گناه‌کار باشد

﴿۳۶﴾ مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ
 شما چطور قضاوت می‌کنید؟

﴿۳۷﴾ أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ
 کتابی دارید که بخوانید و بدانید؟

﴿۳۸﴾ إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ
 که قضاوت با شماست، هرچه بگویید چنان خواهد شد؟

﴿۳۹﴾ أَمْ لَكُمْ أَيْمَانٌ عَلَيْنَا بَلِغَةٌ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنَّ لَكُمْ لَمَا تَحْكُمُونَ
 یا عهد و پیمانی تا روز قیامت با ما دارید که هرچه بخواهید چنان بشود؟

﴿۴۰﴾ سَأَلَهُمْ أَيُّهُمْ بِذَلِكَ زَعِيمٌ
 از آنها پرس! کدام یک زعیم یک چنین معاهداتی هستند؟

﴿۴۱﴾ أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ
 یا شاید شریک خدایند

اگر راست می گویند، شرکای خودشان را بیاورند

﴿۴۲﴾ **يَوْمَ يُكْشَفُ عَن سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ** فردای

قیامت که حقیقت‌ها کشف است، دعوت به تسلیم می‌شوند ولیکن آن‌ها از نظر روانی آمادگی ندارند

﴿۴۳﴾ **خَشِيعَةً أَبْصَرُهُمْ تَرَهِقُهُمْ ذِلَّةٌ وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَلِيمُونَ**

ذلت و خواری آن‌ها را فرامی‌گیرد و چشمشان در نهایت خشوع است، آن‌ها در دنیا دعوت به تسلیم شدند که سالم بودند

﴿۴۴﴾ **فَذَرْنِي وَمَنْ يُكْذِبُ بِهَذَا الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُم مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ**

مقدرات کسانی که این قرآن را تکذیب می‌کنند به من واگذار کن، آرام آرام از جایی که نمی‌دانند آن‌ها را گرفتار خواهم نمود

﴿۴۵﴾ **وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ** در دنیا به آن‌ها مهلت می‌دهم، سیاست من

حکیمانه است

﴿۴۶﴾ **أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِّنْ مَّغْرَمٍ مُّثْقَلُونَ** مگر از آن‌ها اجری می‌طلبی

که از پرداخت آن عاجزند؟

﴿۴۷﴾ **أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُمُونَ** و یا آن‌ها علم دارند که آنچه می‌دانند

و یا می‌نویسند درست است؟

﴿۴۸﴾ **فَأَصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْأُخْتِ إِذْ نَادَىٰ وَهُوَ مَكْظُومٌ**

در اجرای حکم خدا استقامت کن، مانند یونس نباش که در زندان تاریک شکم نهنگ به خدا نالید و گرفتار غم و غصه بود

﴿٤٩﴾ لَوْلَا أَنْ تَدْرَكَهُ نِعْمَةٌ مِّن رَّبِّهِ لَنُبِذَ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ اگر لطف

خداوند او را فرا نمی‌گرفت در همان بیابان رها شده و مستحق ملامت بود که از امت خود فاصله گرفت

﴿٥٠﴾ فَأَجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ولیکن خدا او را به شغل نبوت

برگردانید و او را از بندگان شایسته خود قرارداد

﴿٥١﴾ وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَرِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ

إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ کفار از شدت حسد چنانند که وقتی قرآن را می‌شنوند می‌خواهند تو را با چشم خود محو کنند می‌گویند: او دیوانه است

﴿٥٢﴾ وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ باینکه او پیامبری است شناختنی برای عالمیان.

آیاتها ۵۲

سُورَةُ الْحَاقَّةِ

المکی

کلمه حاقه از ماده حق یعنی حادثه واقع شدنی است چنان که می‌فرماید: لَيْسَ لَوْعَتِهَا كَاذِبَةٌ.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿١﴾ الْحَاقَّةُ حقیقتی است واقع شدنی

﴿٢﴾ مَا الْحَاقَّةُ چیست آن حقیقت؟ (ظهور دولت حق)

﴿٣﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ تو آیا می‌دانی آن حقیقت چیست؟

﴿٤﴾ كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَعَادٌ بِالْقَارِعَةِ قوم عاد و ثمود این حادثه را تکذیب کردند

﴿٥﴾ فَأَمَّا ثَمُودُ فَأَهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ قوم ثمود، با یک حادثه طغیانگر نابود شدند

﴿٦﴾ وَأَمَّا عَادٌ فَأَهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ و اما قوم عاد، با طوفان شدید

﴿۷﴾ سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَنِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى

كَأَنَّهُمْ أُعْجَازُ نَخْلِ خَاوِيَةٍ که آن طوفان، هفت شب و هشت روز بر آنها وزید

و آنها را چنان کرد که گویی چون درخت خرما کنده شده بودند

﴿۸﴾ فَهَلْ تَرَى لَهُم مِّنْ بَاقِيَةٍ آیا کسی از آنها به جا مانده است؟

﴿۹﴾ وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهُ وَالْمُؤْتَفِكْتُ بِالْخَطِئَةِ بعد از آنها قوم فرعون

و اقوام مشرک دیگر آمدند و تبه کار بودند

﴿۱۰﴾ فَعَصَوْا رَسُولَ رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمُ أَخَذَةً رَّابِيَةً از اطاعت پیامبران سرکشیدند

خدا آنها را به شدت نابود کرد

﴿۱۱﴾ إِنَّا لَمَّا طَغَا الْمَاءُ حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَةِ و آنجا که طوفان نوح طغیان کرد،

ما شما نوع بشر را با کشتی نجات دادیم

﴿۱۲﴾ لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكَرَةً وَتَعِيَهَا أذُنٌ وَعَيْهٌ تا این کشتی و طوفان، شما را

به یاد عظمت خدا بیندازد، البته گوش‌های شنوا حقیقت را درک می‌کنند

﴿۱۳﴾ فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْخَةٌ وَاحِدَةٌ زمانی که نفخه (مرگ) اول دمیده شود

﴿۱۴﴾ وَحُمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً در این آخرالزمان، زمین و

کوه‌ها (ملت‌ها و ابرقدرت‌ها) یکجا کوبیده می‌شوند

﴿۱۵﴾ فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ در این زمان، قیامت واقع می‌شود (قیام امام زمان

عج) افتتاح قیامت است)

﴿۱۶﴾ وَأَنْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ فضای دین و ولایت، شکوفا می‌شود

و حقایق آن سهل و آسان در اختیار مردم قرار می گیرد

﴿۱۷﴾ وَالْمَلَكُ عَلَىٰ أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَنِيَّةٌ فرشتگان

را می بینند که چگونه محیط به آفرینش هستند، عرش خدا که حاملین علم خدا هستند در مراتب هشت گانه (از بندگی ساده تا ولایت مطلقه) زیر سایه حکومت خدا قرار می گیرند *

* در زیارت جامعه ائمه را حمله عرش خدا دانسته اند (وَحَمَلُهُ عَرْشُهُ) عرشی که به معنای علم است، علمی است که خداوند به ائمه تعلیم داده است. ائمه به دلیل اینکه حامل علم خدا هستند، عرش خدایند. خداوند از مسیر علم آن‌ها بر مردم حکومت می کند و علم ائمه غیر از علم ذاتی خداست، بلکه علمی است که به آن‌ها تعلیم داده و این علم تعلیمی خداوند متعال که کل آن را به ائمه تعلیم داده نسبت به خلاقیتی که دارای علم و ایمان‌اند، در هشت مرتبه قرار می گیرد. هر علم درستی چه در وجود کفار یا مؤمنین علم خداست که با واسطه یا بی واسطه به انسان تعلیم شده است و این علم از نوع اجسام نیست که باربران بردارند، سبک و سنگین باشد بلکه یک خاصیت روانی است. از علم حیوانات گرفته تا علم مولا (ع) در هشت مرتبه است که به عنوان هشت در بهشت تعریف شده، درهای بهشت هم علم است که در انتها انسان را به معرفت کامل خدا می رساند و درهای جهنم هم هفت است. این تفاوت برای این است که خط جهل بن بست است و خط علم تا بی نهایت باز. اولین مرتبه علم، علم حیوانات است دومین مرتبه علم کفار. مرتبه سوم علم مؤمنین و چهارمین مرتبه علم انبیاء و پنجمین مرتبه علم رسولان و ششمین علم اولیاء و هفتمین مرتبه علم مؤمن کامل و هشتمین مرتبه علم کمال مطلق که برابر علم خداست و آن علم معصومین است. پس حاملین علم خدا افراد نیستند بلکه مراتب‌اند.

﴿۱۸﴾ يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَىٰ مِنْكُمْ خَافِيَةٌ در این موقع، اولین و آخرین در

پیشگاه الهی عرضه می شوند و کسی در دل خاک نمی ماند

﴿۱۹﴾ فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَآؤُمْ أَقْرَأُوا كِتَابِيَهٗ در اینجا

کسانی که در صداقت و امانت بوده‌اند، صدا می‌زنند: ببینید حال ما چقدر خوب است

﴿۲۰﴾ **إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيَهٗ** من معتقد بودم که به لقاء الله خواهم رسید

﴿۲۱﴾ **فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَّاضِيَةٍ** چنین افرادی در یک زندگی گوارا و مطلوب واقع

می‌شوند

﴿۲۲﴾ **فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ** در بهشت‌ها و درجات عالی مجهز به علم و قدرت الهی

﴿۲۳﴾ **فُطُوفَهَا دَانِيَةٍ** شاخه‌ها و میوه‌های شجره ولایت به آن‌ها نزدیک است

﴿۲۴﴾ **كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ** بخورید و بیاشامید

گوارایتان باد، نتیجه اعمال شماست که انجام داده‌اید

﴿۲۵﴾ **وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَبِشْمَالِهِۦ فَيَقُولُ يَلِيَّتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيَهٗ** و اما

کسانی که در کذب و خیانت بوده‌اند، ناراحت‌اند که ای کاش، چنین روزی را ندیده

بودیم

﴿۲۶﴾ **وَلَمْ أَدْرِ مَا حِسَابِيَهٗ** و نمی‌دانستیم که نتایج اعمال ما چیست

﴿۲۷﴾ **يَلِيَّتَهَا كَانَتْ الْقَاضِيَةَ** ای کاش، زندگی ما با مرگ خاتمه یافته بود

﴿۲۸﴾ **مَا أَغْنَىٰ عَنِّي مَالِيَهٗ** از مال و ثروت خود سودی نبردیم

﴿۲۹﴾ **هَلَكَ عَنِّي سُلْطَانِيَهٗ** قدرت زندگی از دستم رفت

﴿۳۰﴾ **حُدُوهُ فَعَلُوهُ** او را بگیرید، به غل و زنجیر بکشانید (خاصیت روانی گناه غل

و زنجیر است)

﴿۳۱﴾ **ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلَّوهُ** او را در خط جهنم‌سازی و آتش‌افروزی رها کنید

﴿۳۲﴾ تَمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ

در سلسله زنجیری که

هفتاد ذرع است، به خط جهنم بکشانید (درکات تنزل از کفر تا نفاق کامل، هفتاد درک

است)

﴿۳۳﴾ إِنَّهُوَ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ

او کسی بود که به خدای عظیم ایمان

نداشت

﴿۳۴﴾ وَلَا يُحِضُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ

گرایش و اقدامی در کمک به فقرا نداشت

﴿۳۵﴾ فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَاهُنَا حَمِيمٌ

قهرآ در اینجا دوست مهربانی ندارد

﴿۳۶﴾ وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينِ

و غذایی به جز چرک و کثافت نیست (مال

حرام، خون دل مردم است)

﴿۳۷﴾ لَا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْخَاطِئُونَ

آن غذاها مخصوص خطاکاران است

﴿۳۸﴾ فَلَا أُقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ

قسم به آنچه می بینید و می دانید

﴿۳۹﴾ وَمَا لَا تُبْصِرُونَ

و قسم به آنچه نمی بینید و نمی دانید

﴿۴۰﴾ إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ

که این قرآن، علم و عقیده این رسول بزرگوار است

﴿۴۱﴾ وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَّا تُؤْمِنُونَ

گفته شاعرها نیست، کمی از شما

ایمان می آورید

﴿۴۲﴾ وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ

گفته جادوگر و کاهن هم نیست، خیلی

کم درک می کنید

﴿۴۳﴾ تَنْزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ

کتابی است که از جانب پروردگار نازل شده است

﴿۴۴﴾ وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ
اگر کسی گفته‌ای را خلاف حقیقت به ما

نسبت دهد

﴿۴۵﴾ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ
به دست قدرت خود او را می‌گیریم

﴿۴۶﴾ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ
و رگ حیات او را قطع می‌کنیم

﴿۴۷﴾ فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ
هیچ کس نمی‌تواند مانع انتقام ما و

مدافع او باشد

﴿۴۸﴾ وَإِنَّهُ لَتَذَكْرَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ
این قرآن، برای اهل تقوا پند و اندرز است

﴿۴۹﴾ وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُّكَذِّبِينَ
می‌دانیم که بعضی از شما آن را تکذیب

می‌کند

﴿۵۰﴾ وَإِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكٰفِرِينَ
و برای کفار، مایه حسرت و ندامت است

﴿۵۱﴾ وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ
مندرجات آن، حقیقت یقین است

﴿۵۲﴾ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ
به هدایت اسم پروردگارت، او را تسبیح کن.

آیاتها ۴۴

سُورَةُ الْمَعَارِجِ

المکِّي

این سوره شریفه، به مناسبت تکامل روحی و علمی انسان‌ها در قیامت، معارج نامیده شده است دوره قیامت پنجاه هزار سال است که در آن تمامی افراد بشر به تکامل می‌رسند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ سَأَلْ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ
سؤال کننده‌ای عذاب حتمی کفر و گناه خود را

تقاضا نمود

﴿۲﴾ لِّلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ
عذابی که دفع آن از کفار ممکن نیست

۳ ﴿مِنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ﴾ این عذاب از جانب خدای تکامل بخش مقدر است، نتیجه کفر و گناه است

۴ ﴿تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ﴾ فرشتگان همراه روح تکامل پذیری انسان در مدت پنجاه هزار سال به سوی خدا عروج می کنند *

* آیات اول سوره معارج. رجعت در آخرت به عکس تولد است. در تولد دنیایی فرزندان تحویل پدر و مادر می شوند اما رجعت به عکس، پدر و مادرها تحویل فرزندان می شوند. آخرین قرنی که وارد زندگی آخرت می شوند قرن آدم و قابیل و هابیل است. بعد از آن تکامل انسانها در شعاع تعلیمات ائمه اطهار(ع) شروع می شود. انسانها در آخرت هیچ کار و عبادتی جز درس و تکامل ندارند، از خط تعلیم و تعلم به سوی خدا رجوع می کنند تا به کمال مطلق برسند و از این ابتدای قیامت تا انتهای کمال پنجاه هزار سال است.

۵ ﴿فَأَصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا﴾ تو ای پیامبر! همراه این امت تا انتهای تکامل خیلی زیبا صبر کن

۶ ﴿إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا﴾ مردم، قیامت را دور می بینند و می گویند: میلیونها سال تا خرابی کل عالم

۷ ﴿وَنَرْنَهُ قَرِيبًا﴾ و ما می دانیم که خیلی نزدیک است، فقط بعد از مرگ

۸ ﴿يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ﴾ روزی که استعداد و فکر بشر مانند مس گداخته حرارت گیرد

۹ ﴿وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ﴾ و پشم ابرقدرتها زده شود (رابطه مردم از آنها قطع شود)

﴿۱۰﴾ وَلَا يَسْأَلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا
دوستان از یکدیگر مسئولیتی نمی پذیرند

﴿۱۱﴾ يُبْصِرُونَهُمْ يَوْمَ الْمُجْرِمِ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ بِبَنِيهِ
زیرا همه

یکدیگر را به محکومیت می شناسند ، مجرم ، حاضر است فرزندان خود را فدا دهد

﴿۱۲﴾ وَصَحْبَتِهِ وَأَخِيهِ
یا همسر و برادرش را

﴿۱۳﴾ وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ
یا فرزندی که در دامن دارد

﴿۱۴﴾ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ
یا آنچه در زمین است فدا دهد تا نجات

پیدا کند

﴿۱۵﴾ كَلَّا إِنَّهَا لَأَطْمَأَنَّنَةٌ إِذْ لَمَّ أَشْرَارُ وَجْهِكُمْ أَنَّهَا لَأُتِيكُمْ
نه!، خبری نیست، آن شعله آتش است

﴿۱۶﴾ نَزَّاعَةً لِّلشَّوْءِ
تن را بریان و پاره می کند

﴿۱۷﴾ تَدْعُوا مَنْ أَدْبَرَ وَتَوَلَّى
هر کس را که از آن فرار کند، به سوی خود می کشد

﴿۱۸﴾ وَجَمَعَ فَأَوْعَى
کسی را که جمع کرد و ذخیره نمود

﴿۱۹﴾ إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ
انسان بر پایه خلقت خود حریص است

﴿۲۰﴾ إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا
بلائی که به او می رسد، جزع می کند

﴿۲۱﴾ وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا
و ثروت که به او می رسد، منع می کند

﴿۲۲﴾ إِلَّا الْمُصَلِّينَ
مگر اهل نماز و مکتب ولایت

﴿۲۳﴾ الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ
کسانی که دائم با خدای خود رابطه دارند

﴿۲۴﴾ وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ
حق فقرا را در مال خود رعایت می کنند

﴿۲۵﴾ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ
به سؤال کنندگان و محرومین می رسند

﴿۲۶﴾ وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ و کسانی که روز حاکمیت دین را تصدیق می کنند

﴿۲۷﴾ وَالَّذِينَ هُمْ مِّنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ مُّشْفِقُونَ و یا کسانی که از عذاب قیامت می ترسند

﴿۲۸﴾ إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَا مُنِ كافر و مجرم از آن عذاب در امان نیست

﴿۲۹﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِأُزْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ و یا کسانی که عورت و عفت خود را حفظ می کنند

﴿۳۰﴾ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ غَيْرُ مُلْومِينَ مگر رابطه با زن و کنیزان خود که ملامت ندارد

﴿۳۱﴾ فَمَنْ أَبْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ کسی که جز با زن مشروع خود رابطه پیدا کند، متجاوز است

﴿۳۲﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمْنَتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ و یا کسانی که امانات و پیمان خود را رعایت می کنند

﴿۳۳﴾ وَالَّذِينَ هُمْ بِشَهَادَاتِهِمْ قَائِمُونَ و یا کسانی که به شهادت و امضای خود پایبندند

﴿۳۴﴾ وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ و یا کسانی که با نماز و خدمات رابطه خود را با خدا و خلق حفظ می کنند

﴿۳۵﴾ أُولَٰئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُّكْرَمُونَ آن ها با تکریم و احترام داخل بهشت می شوند

﴿۳۶﴾ فَمَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا قِبَلَكَ مُهْطِعِينَ
چه می‌خواهند این افراد کافر که
دور تو می‌چرخند؟

﴿۳۷﴾ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ عِزِينَ
از چپ و راست می‌دوند تا ریاکارانه
تقرب جویند

﴿۳۸﴾ أَيُطْمَعُ كُلُّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ أَنْ يُدْخَلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ
طمع دارند با این اعمال
داخل بهشت شوند

﴿۳۹﴾ كَلَّا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِّمَّا يَعْلَمُونَ
چنین نیست که خیال می‌کنند، خودشان
می‌دانند با چه اخلاقی آن‌ها را رشد داده‌ایم (اهداف حق و باطل در مرتبه دوم، زندگی
انسان را می‌سازد)

﴿۴۰﴾ فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ إِنَّا لَقَدِيرُونَ
و مغرب که ما می‌توانیم
قسم به پروردگار مشرق

﴿۴۱﴾ عَلَىٰ أَنْ نُبَدِّلَ خَيْرًا مِّنْهُمْ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ
بیاوریم، از این کار عاجز نیستیم
بهبتر از آن‌ها را به جای آن‌ها

﴿۴۲﴾ فَذَرَهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ
آن‌ها را به حال خود رها کن، به هر کاری وارد شوند، بازی کنند تا به نتایج اعمال
خود برسند

﴿۴۳﴾ يَوْمَ يُخْرِجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَأَنَّهُمْ إِلَىٰ نُصْبٍ يُؤْفِضُونَ
سریعاً از قبر خارج می‌شوند، گویی هر کدام به سوی هدف معین خود می‌دوند
روزی که

﴿۴۴﴾ خَشِيعَةً أَبْصَرُهُمْ تَرَهِقُهُمْ ذِلَّةٌ ذَلُّكَ الْيَوْمُ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ چشم‌های
 آن‌ها در نهایت ذلت است، این است همان روزی که به آن‌ها وعده داده‌ایم.

آیاتها ۲۸

سُورَةُ نُوحٍ

المکي

آدم و نوح، اولین انسان‌های تاریخ‌ساز در جامعه بشریت بودند. آدم را پدر اول و نوح را پدر
 ثانی می‌دانند. پس اولین حرکت به سوی کمال را پیامبران به وجود آورده‌اند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ
 ما نوح را مأمور هدایت قوم خود نمودیم تا پیش‌از ظهور عذاب، قوم خود را هدایت
 کند و از کفر و گناه بترساند

﴿۲﴾ قَالَ يَقَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ نوح به قوم خود گفت: من شما را از عاقبت
 کفر و گناه می‌ترسانم

﴿۳﴾ أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُوا خدا را بندگی کنید، از مخالفت او
 بپرهیزید و از من پیروی نمایید

﴿۴﴾ يَغْفِرْ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُخْرِجَكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ
 لَا يُؤَخَّرُ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ تا خدا شما را به رشد عقلی و عمر طبیعی برساند زیرا
 وقتی اجل معین برسد، تأخیر ندارد

﴿۵﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا نوح به خدا عرض کرد: پروردگارا!
 من شب و روز به دین تو دعوت کردم

﴿۶﴾ فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا و از این دعوت‌ها به جز فرار و بی‌اعتنایی آن‌ها نتیجه‌ای نگرفتم

﴿۷﴾ وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصْبِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَأَسْتَغْشُوا ثِيَابَهُمْ وَأَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا وَاسْتَكْبَرُوا هر وقت آن‌ها را دعوت نمودم تا مشمول مغفرت شوند، انگشت به گوش خود نهادند، لباس به سر کشیدند تا نشنوند، اصرار به گناه دارند، تکبر آن‌ها را فرا گرفته است

﴿۸﴾ ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا بعد آشکارا دعوت نمودم

﴿۹﴾ ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا و علانیه و آشکارا از دعوت خود نتیجه‌ای نگرفتم

﴿۱۰﴾ فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا به آن‌ها گفتم: از پروردگار خود مغفرت بخواهید، او آمرزنده و مهربان است

﴿۱۱﴾ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا باران رحمت خود را فراوان بر شما نازل می‌کند

﴿۱۲﴾ وَيُمِدُّكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَيْنٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا با مال و اولاد کمک می‌کند، باغ و بوستان و نهر جاری برای شما می‌سازد

﴿۱۳﴾ مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا به آن‌ها گفتم: شما را چه شده است که ارج و احترامی برای خدا قائل نیستید

﴿۱۴﴾ وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا با اینکه او در حالات مختلف شما را آفریده است

﴿۱۵﴾ أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مگر نمی‌بینید خدا بالای سر

شما هفت طبقه آسمان آفرید

﴿۱۶﴾ **وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا** در این طبقات، ماه را نور و خورشید را چراغ تابنده قرارداد

﴿۱۷﴾ **وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا** و شما را مانند گیاه و درخت از زمین رویانید

﴿۱۸﴾ **ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا** پس از آن شما را به خاک بر می گرداند و دوبرتبه از دل خاک بیرون می آورد

﴿۱۹﴾ **وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ بِسَاطًا** خداوند زمین را زیر پای شما گسترده

﴿۲۰﴾ **لِتَسْلُكُوا مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجًا** تا به هر طرف که بخواهید راه پیدا کنید

﴿۲۱﴾ **قَالَ نُوحٌ رَبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي وَاتَّبَعُوا مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالُهُ وَوَلَدُهُوَ إِلَّا خَسَارًا** نوح که از دعوت خسته شده به خدا نالید که ای خدا! قوم من نافرمانی کردند، از کسی اطاعت نمودند که به جز خسارت در مال و اولاد چیزی به وجود نمی آورد

﴿۲۲﴾ **وَمَكْرُؤًا مَكْرًا كَبِيرًا** و با مکر عجیب خود آن‌ها را به بردگی می کشاند

﴿۲۳﴾ **وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وَدًّا وَلَا سُوَاعًا وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا** به مردم سفارش می کنند که از بت‌های وُد و سواع و یعوق و یغوث و نسر دست برندارند (بت‌ها به این دلیل به بازار آمدند که مزاحم استثمارگران نباشند)

﴿۲۴﴾ **وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَلَالًا** بت‌سازان مردم را گمراه نموده‌اند، محصولی به جز گمراهی ندارند

﴿۲۵﴾ مِمَّا حَطِيبَتِهِمْ أُغْرِقُوا فَأُدْخِلُوا نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا

قوم نوح به سبب گمراهی و خطاها غرق و داخل جهنم شدند، به جز خدا یاری نداشتند

﴿۲۶﴾ وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَيَّ الْأَرْضَ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا

نوح نفرین کرد

که ای خدا! از این ستم کاران، نفس کشی باقی نگذار

﴿۲۷﴾ إِنَّكَ إِنْ تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا

اگر باقی بمانند

بندگان تو را گمراه می کنند و به جز فاجر و کافر تولید نمی کنند

﴿۲۸﴾ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا

تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا

پروردگارا! مرا و پدر و مادر مرا و مؤمنین و مؤمنات را

که در دایره ولایت من داخل می شوند، بیامرز و برای کفار جز فلاکت و هلاکت چیزی اضافه نکن.

آیاتها ۲۸

سُورَةُ الْجِنِّ

المکِّي

چنان چنان که از اشارات بعضی آیات و احادیث و دلایل حسی و عقلی و تاریخی استفاده می شود انسان های وحشی بیابانی کم عقل و بی شعور بوده اند که برای شهرنشینان خطرناک بوده و رؤسای آنها متوسط بین تمدن و توحش شناخته شده اند و همین طایفه در ایام آوارگی رسول خدا در محلی بنام نصیبین صوت قرائت قرآن را از آن حضرت شنیده اند. آنها با خود حضرت تماس نگرفته اند بلکه صدای قرآن را شنیدند و باهم چنین گفتگوهایی داشته اند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْءَانًا عَجَبًا

بگو:

به من وحی می شود که نفراتی از جن صدای قرآن را شنیدند و به یکدیگر گفتند که

صدای قرآنی عجیب می شنویم

﴿۲﴾ يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا
این آیات، ما را به عقل و شعور هدایت می کند، به این کتاب ایمان آوردیم و کسی را شریک خدا نمی دانیم

﴿۳﴾ وَأَنَّهُ تَعَالَى جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا
پروردگار ما بزرگ است، منزله است از اینکه همسر و فرزند داشته باشد

﴿۴﴾ وَأَنَّهُ كَانَ يَاقُولُ سَفِيهًا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا
سفه‌های ما جنیان، خدا را با اوصاف ناروا توصیف کرده‌اند

﴿۵﴾ وَأَنَا ظَنَنَّا أَن لَّن نَقُولَ الْإِنسُ وَالْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا
ما به سادگی خود خیال می کردیم که هرگز جن و انسی به خدا دروغ نمی بندد

﴿۶﴾ وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا
پیش از این مردانی از انسان‌ها به مردانی از جنیان پناهنده می شدند و جنیان بر ضلالت آن‌ها می افزودند

﴿۷﴾ وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَن لَّن يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا
و انسان‌ها مانند جنیان خیال می کردند که خدا هرگز پیامبری مبعوث نخواهد کرد

﴿۸﴾ وَأَنَا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَهَا مِلْثًا حَرَسًا شَدِيدًا وَشُهَبًا
ما جنیان، با آسمان تماس گرفتیم و دیدیم به شهاب‌ها و نگهبانان مجهز شده است

﴿۹﴾ وَأَنَا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقْعِدًا لِلسَّمْعِ فَمَنْ يَسْتَمِعِ الْآنَ لَّهُ شُهَابًا رَّصَدًا
ما برای استماع صدای فرشتگان کمین کردیم ولی هر کس امروز کمین کند هدف شهاب‌ها

واقع می شود

﴿۱۰﴾ وَأَنَا لَا نَدْرِي أَشَرٌّ أُرِيدَ بِمَن فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا
ما نمی دانیم در این حادثه بعثت، خدا خیر مردم را اراده نموده و یا شر آنها را خواسته است

﴿۱۱﴾ وَأَنَا مِنَّا الصَّالِحُونَ وَمِنَّا دُونَ ذَلِكَ كُنَّا طَرَائِقَ قَدَدًا
بعضی از ما جَنیان
مردمی شایسته و بعضی در درجات پایین ترند، راههای ما مختلف است

﴿۱۲﴾ وَأَنَا ظَنَنَّا أَن لَّن نُّعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ وَلَن نُّعْجِزَهُ هَرَبًا
ما یقین داریم
که نمی توانیم خدا را از کار خود باز داریم و یا از دایره حاکمیت او فرار کنیم

﴿۱۳﴾ وَأَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَىٰ ءَامَنَّا بِهِ ؕ فَمَن يُؤْمِنُ بِرَبِّهِ ؕ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا
وقتی ندای دعوت حق را شنیدیم، ایمان آوردیم، هر کس ایمان به خدا می آورد
از خسارت و هلاکت نترسد

﴿۱۴﴾ وَأَنَا مِنَّا الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ فَمَن أَسْلَمَ فَأُولَٰئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا
بعضی از ما مسلمانیم و بعضی خودرأی، هر کس تسلیم حق شود، هدایت یافته است

﴿۱۵﴾ وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا
پیروان هوای نفس، بدانند که هیزم
جهنم هستند

﴿۱۶﴾ وَاللَّوِ اسْتَقَمُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِيَنَّهُمْ مَّاءً غَدَقًا
حقیقت است که اگر
مردم در راه حق استقامت کنند، خداوند آب حیات و نعمت فراوان به آنها می رساند

﴿۱۷﴾ لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَمَن يُعْرِضْ عَن ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا
تا در این
فراوانی آنها را بیازماید و کسی که از حجت خدا اعراض کند، خداوند او را با آن برتری

جویی به سوی عذاب می برد

﴿۱۸﴾ وَأَنَّ الْمَسْجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا و می گفتند که: مساجد مال خداست، کسی را در خواهش و تمنا شریک خدا نکنید

﴿۱۹﴾ وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا و وقتی که بنده خدا از خدا خواهش و تمنا می کرد، همه در اطراف او ازدحام می کردند

﴿۲۰﴾ قُلْ إِنَّمَا أَدْعُوا رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا به آن ها که علیه تو فعالیت می کنند بگو: من فقط از خدا کمک می خواهم و کسی را شریک خدا نمی سازم

﴿۲۱﴾ قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا بگو: من مالک نفع و ضرری برای شما نیستم

﴿۲۲﴾ قُلْ إِنِّي لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَلَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا هیچ کس نمی تواند دیگری را از غضب خدا پناه دهد و به جز خداوند تکیه گاهی پیدا نمی کنم

﴿۲۳﴾ إِلَّا بَلَاغًا مِّنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ وَمَنْ يَعِصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا و شما مردم را به این منظور می خواهم که رسالت الهی را ابلاغ کنم ، کسی که از فرمان خدا سرپیچی کند، عاقبتش جهنم است و تا ابد در آن مخلد است

﴿۲۴﴾ حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضَعُفٌ نَّاصِرًا وَأَقَلُّ عَدَدًا کفار در این نافرمانی هستند تا به وعده خدا برسند، در آنجا می دانند که چه کسی یارانش ضعیف تر و لشکرش کمتر است

﴿۲۵﴾ قُلْ إِنْ أَدْرِي أَقْرَبُ مَا تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا بگو: من نمی دانم

روز موعود نزدیک است یا خدا برای آن مدتی معین کرده است

﴿۲۶﴾ عَلِيمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا
عالم به اسرار غیب است و کسی را بر غیب خود مطلع نمی‌کند

﴿۲۷﴾ إِلَّا مَن أَرْتَضَىٰ مِن رَّسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِن بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِن خَلْفِهِ رَصَدًا
مگر کسی را از پیامبران بپسندد که او هم در نظارت مأمورین قرار می‌گیرد

﴿۲۸﴾ لِيَعْلَمَ أَن قَدْ أَبْلَغُوا رَسُولًا رِسَالَتِ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَحْصَىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا
تا بدانند که وظیفه خود را انجام می‌دهد و رسالت خود را تبلیغ می‌کند، خدا بر همه کس و همه چیز احاطه وجودی دارد و هر کسی را با تمامی مشخصات می‌شناسد.

آیاتها ۲۰

سُورَةُ الْمُزَّمِّلِ

المکِّي

تَزْمِّلُ، آن حالتی است که فقیر گلیمی به خود می‌پیچد و گوشه‌ای می‌نشیند. پیامبران از نظر مالی و مادی فقیرترین فقرا هستند چون که دنیا و آخرت را در راه خدا رها کرده‌اند. در اینجا رسول خدا هم با فقر مطلق، مأمور است با کفر دنیا بجنگد. گلیم به خود پیچیده به سرنوشت خود فکر می‌کند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ يَا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ
ای که گلیم به خود پیچیده به انزوا نشسته‌ای

﴿۲﴾ قُمْ أَلَيْلَ إِلَّا قَلِيلًا
در این شب تاریک یا جهل مطلق دنیا قیام کن، کم استراحت کن

﴿۳﴾ نِصْفَهُ أَوْ أَنْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا
نصفی از شب یا کمتر از نصف را زنده بدار

﴿۴﴾ أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا
یا کمی بر نصف اضافه کن، قرآن را

واضح و روشن بخوان

﴿۵﴾ **إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا** به زودی بار سنگین مسئولیت به عهده تو خواهیم گذاشت

﴿۶﴾ **إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأًا وَأَقْوَمُ قِيَلًا** شب را زنده بدار که شب زنده‌داری تو را بهتر رشد می‌دهد، در نتیجه علمی با قوام و دوام خواهی داشت

﴿۷﴾ **إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا** روزها هم تسبیح و یا تعلیمات طولانی داری

﴿۸﴾ **وَأذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا** دائم با یاد خدا از خلق جدا و به خدا پناهنده باش

﴿۹﴾ **رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا** خدایی که سازنده شرق و غرب طبیعت و افکار است، خدایی به جز او نیست، او را وکیل خود قرار بده

﴿۱۰﴾ **وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَأَهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا** در برابر آزار مردم از آن‌ها خیلی زیبا ضمن محبت فاصله بگیر

﴿۱۱﴾ **وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِي النَّعْمَةِ وَمَهَلْهُمْ قَلِيلًا** مرا با تکذیب‌کنندگان ثروتمند واگذار و کمی هم آن‌ها را مهلت بده

﴿۱۲﴾ **إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَجَحِيمًا** نکال‌ها و عذاب‌ها برای آن‌ها مقدر است

﴿۱۳﴾ **وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا** طعامی گلوگیر، عذابی دردناک

﴿۱۴﴾ يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيبًا مَّهِيلًا روزگاری که

جمعیت زمین و ابرقدرت‌ها متزلزل شوند، کوه‌های قدرت تل ریگ روان باشند (روابط مالی کفار قابل دوام نیست) *

* کوه‌ها در لسان ائمه اطهار(ع) به ابرقدرت‌های مالی و مذهبی تأویل شده و سما به معنای فضای علوم ولایت، انفطار سما یعنی باز شدن درهای علم زیرا باب انفعال وانمودی حقیقت فعل است، انفطار وانمودی حقیقت فطر.

﴿۱۵﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا

ما آن‌چنان که به سوی فرعون پیامبر فرستادیم، برای شما مردم زمان هم رسول فرستادیم

﴿۱۶﴾ فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيلاً

فرعون رسول ما را تکذیب نمود و ما شدیداً از او انتقام گرفتیم

﴿۱۷﴾ فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِن كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا

چگونه از عذاب‌های روزی که کودکان را پیر می‌کند، می‌توانید خود را حفظ کنید

﴿۱۸﴾ السَّمَاءُ مُنْفَطِرٌ بِهِ ۚ كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولًا

روز قیامت که حقیقت ولایت خدا و ائمه اطهار(ع) روشن می‌شود وعده خدا شدنی خواهد بود

﴿۱۹﴾ إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ ۖ فَمَنْ شَاءَ اخْتِذْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا

این قرآن یادآور حکومت خدا و قیامت است، هر کس دوست دارد، از این خط راهی برای خود پیدا کند

﴿۲۰﴾ إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِن ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِّن

الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصَوْهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَأُوا
 مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَىٰ وَعَاخِرُونَ يَضْرِبُونَ فِي
 الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَعَاخِرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ
 مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا
 لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا وَأَسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ
 اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

خدا می‌داند که کمتر از دوسوم یا یک‌دوم و یک‌سوم شب
 قیام می‌کنی، دوستان تو هم مانند تو قیام می‌کنند، خداوند است که حدود شب و
 روز را معین می‌کند، می‌داند که بیشتر از این طاقت ندارید به شما توجه نمود، آنچه
 برای شما آسان است قرآن بخوانید، خدا می‌داند که بعضی مریض و یا به جستجوی
 روزی خدا در سفرند و یا در راه خدا با دشمن می‌جنگند، پس آنچه آسان است نماز
 و قرآن بخوانید، نماز را زنده بدارید و زکات بدهید، از مال خود به خدا قرض
 بدهید و بدانید آنچه از خیرات برای خود تقدیم کنید بهتر از آن را نزد خدا
 می‌یابید، از خدای خود رشد عقل و استعداد بخواهید که خدا به شما مهربان است.

آیاتها ۵۶

سُورَةُ الْمُدَّثِّرِ

المکِّي

دثار و شعار، دو کلمه توأم با یکدیگر است به معنای لباس زیرین و لباس زبرین. این دو سوره
 شریفه مربوط به حالات روانی آن حضرت بعد از بعثت است. گاهی دعوت خود را آشکار
 می‌ساخت، گویی لباس زبرین می‌پوشید و گاهی مخفی می‌داشت که گویی لباس زیرین
 می‌پوشید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ
 ای کسی که بر قامت نبوت خود لباس زیرین پوشیده و در
 خانه نشسته‌ای

- ﴿۲﴾ قُمْ فَأَنْذِرْ برخیز مردم را هدایت کن
- ﴿۳﴾ وَرَبِّكَ فَكْبِّرْ خدای خود را چنان که هست، به عظمت یادآوری کن
- ﴿۴﴾ وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ لباس ظاهری و باطنی خود را مطهر کن
- ﴿۵﴾ وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ از پلیدی‌ها و خرافات، دوری کن
- ﴿۶﴾ وَلَا تَمُنْ تَسْتَكْبِرُ خدمات و انفاقات خود را زیاد نشمار، منت نگذار
- ﴿۷﴾ وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ برای خدا در برابر حوادث، صبر کن
- ﴿۸﴾ فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ وقتی که فرمان قیام به گوش امام طنین اندازد
- ﴿۹﴾ فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ عَسِيرٌ آن روز، روزگار سختی خواهد بود
- ﴿۱۰﴾ عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ مخصوصاً برای کفار آسان نیست
- ﴿۱۱﴾ ذُرِّي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا مقدرات کافر متعرض را به من واگذار، من او را تنها آفریدم
- ﴿۱۲﴾ وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا این همه مال و ثروت به او بخشیدم
- ﴿۱۳﴾ وَبَنِينَ شُهُودًا فرزندان برومند به او دادم
- ﴿۱۴﴾ وَمَهَّدْتُ لَهُ تَمْهِيدًا این همه وسیله در اختیار او گذاشتم
- ﴿۱۵﴾ ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ و باز از من طمع زیادتر و بیشتر دارد
- ﴿۱۶﴾ كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيدًا خفه و نابود شود که دشمن آیات ماست
- ﴿۱۷﴾ سَأَرْهُقُهُ صَعُودًا از همین راه برتری جویی، او را به هلاکت می‌رسانم
- ﴿۱۸﴾ إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ برای قضاوت در آیات قرآن فکر کرد و حسابگری نمود

۱۹ ﴿فَقْتِلْ كَيْفَ قَدَّرَ﴾ نابود شود و قضاوتش

۲۰ ﴿ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ﴾ و بازهم نابود شود و حسابگری اش

۲۱ ﴿ثُمَّ نَظَرَ﴾ بازهم فکر کرد (که این قرآن و پیغمبر کیست و چیست؟)

۲۲ ﴿ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ﴾ و باز خشن شد و رو ترش کرد

۲۳ ﴿ثُمَّ أَدْبَرَ وَأَسْتَكْبَرَ﴾ به انتهای کفر و گناه رفت و تکبر نمود

۲۴ ﴿فَقَالَ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْتَرُ﴾ عاقبت گفت که: این قرآن سحرِ انتخاب

شده است (عنود آخرالزمان هم گفت که: این قرآن آیات شیطانی است)

۲۵ ﴿إِنَّ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ﴾ قضاوت کرد که گفته بشر است

۲۶ ﴿سَأُصْلِيهِ سَقَرَ﴾ آری به وسیله او در خط کفر، جهنمشان را روشن می کنم

۲۷ ﴿وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرُ﴾ تو آیا می دانی آن، چه آتشی است؟

۲۸ ﴿لَا تُبْقِي وَلَا تَذَرُ﴾ عذابی است که نه به آن ها زندگی می دهد و نه واگذار

می کند

۲۹ ﴿لَوَاحٍ لِّلْبَشَرِ﴾ پوست تن و صورت آن ها را بریان می کند

۳۰ ﴿عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ﴾ نوزده فرشته آن را شعله ور می کنند *

* آیه عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ دلالت دارد که قدرت مواد آتش زا که جهنم است، نوزده برابر آتش های معمولی است. ممکن است این نوزده برابر به صورت دایره ای باشد که دایره بعد وسیع تر است. در تمامی آیات با کلمات يَصْلُونَ سَيَصْلَى و امثال آن خبر می دهد که آتش جهنم یا آتش کبرا را کفار روشن می کنند. زندگی را در محاصره این آتش ها نابود می کنند و بعد در حکومت امام زمان (عج) این آتش ها از مظلومین به ظالمین برمی گردد.

﴿۳۱﴾ وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزِدَّادَ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِيمَانًا وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشَرِ

ما اصحاب آتش را که فرشتگان اند به شماره نوزده معرفی نمودیم تا این تعریف، معرف فتنه کفار باشد تا اهل کتاب هم از طریق مقابله و مشابهت دو کتاب آسمانی یقین پیدا کنند که قرآن حق است و دیگر اینکه ایمان اهل ایمان زیادتر شود و اهل کتاب و مؤمنین در حقانیت قرآن شک و شبهه پیدا نکنند و صدای اعتراض منافقین هم زیاد شود که منظور خدا از این مثلها چیست، خدا این طور عدهای را گمراه و عدهای را هدایت می کند (تا اعتراض گر بداند چرا اعتراض می کند)، به جز خدا کسی کمیت و کیفیت لشکر او را نمی داند، این آیات فقط برای پندگیری بشر است

﴿۳۲﴾ كَلَّا وَالْقَمَرَ

قسم به ماه تابان، این طور نیست که خیال می کند

﴿۳۳﴾ وَاللَّيْلِ إِذْ أَدْبَرَ

و قسم به شب طولانی جهل بشر (دوران غیبت امام)

﴿۳۴﴾ وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ

و قسم به صبح طلوع چهره امام

﴿۳۵﴾ إِنَّهَا لِأَحَدَى الْكُبْرِ

که قیامت و عامل آفریننده آن، یکی از آیات بزرگ

خداست *

* إِحْدَى الْكُبْرِ در این سوره مانند نبأ عظیم در سوره نبأ است که مردم خیال کردند قیامت است، رسول خدا فرمود: صاحب قیامت است که علی (ع) باشد.

﴿۳۶﴾ نَذِيرًا لِلْبَشَرِ

مردم را از عاقبت گناه می ترساند

﴿۳۷﴾ لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ

تا معلوم شود چه کسی به فکر

قیامت است یا دنیاپرست است

﴿۳۸﴾ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ

همه کس در گرو اعمال خود هستند

﴿۳۹﴾ إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ

مگر حق جویان

﴿۴۰﴾ فِي جَنَّتٍ يَتَسَاءَلُونَ

که آن‌ها در زندگی بهشتی همه با هم اند

﴿۴۱﴾ عَنِ الْمُجْرِمِينَ

از گناه کاران می پرسند

﴿۴۲﴾ مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ

چه عاملی شما را به جهنم کشانید؟

﴿۴۳﴾ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمَصَلِينَ

می گویند: نماز نمی خواندیم

﴿۴۴﴾ وَلَمْ نَكُ نُطْعِمِ الْمَسْكِينِ

حق فقرا را رعایت نمی کردیم

﴿۴۵﴾ وَكُنَّا نَحْوُ مَعَ الْخَائِضِينَ

بی بندوبار همه چیز گفتیم

﴿۴۶﴾ وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ

قیامت را تکذیب کردیم

﴿۴۷﴾ حَتَّىٰ أَتْنَا الْيَقِينَ

تا اینکه مرگ ما رسید

﴿۴۸﴾ فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ

شفاعت شافعین به حال آن‌ها سودی نبخشید

﴿۴۹﴾ فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُعْرِضِينَ

چه شده آن‌ها را که از عوامل هدایت فرار

می کنند

﴿۵۰﴾ كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ

گویی الاغ وحشی اند

﴿۵۱﴾ فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ

که از شیر درنده می رمند

﴿۵۲﴾ بَلْ يُرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ أَنْ يُؤْتَىٰ صُحُفًا مِّنْشَرَّةٍ

هر یک انتظار دارند

که صاحب کتاب باشند

﴿۵۳﴾ كَلَّا بَلْ لَا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ
از عاقبت کفر و گناه نمی ترسند

﴿۵۴﴾ كَلَّا إِنَّهُ تَذَكِّرَةٌ
این طور نیست که خیال می کنند ، قرآن ، یاد آور حقایق
است

﴿۵۵﴾ فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ
هر کس دوست دارد راه نجات خود را بیابد

﴿۵۶﴾ وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ
کسی
هدایت نمی شود مگر که خدا بخواهد ، اوست که تقوا به وجود می آورد و بندگان را
می آمرزد.

آیاتها ۴۰

سُورَةُ الْقِيَامَةِ

المکي

این سوره شریفه به دلیل کلمه قیامت، به همین کلمه نام گذاری شده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ
قسم به روز قیامت

﴿۲﴾ وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ
و قسم به انسانی که خود را بر گناه ملامت
می کند

﴿۳﴾ أَيْحَسِبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُجْمَعَ عِظَامُهُ
آیا انسان خیال می کند نمی توانیم
استخوان های پوسیده او را جمع کنیم؟

﴿۴﴾ بَلَى قَدِيرِينَ عَلَى أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ
آری قدرت داریم خطوط ظریف نوک
انگشت او را به صورت اول مهندسی کنیم

﴿۵﴾ بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ
انسان ضمن انکار قدرت خدا می خواهد

در این زندگی ابتدایی به فسق و فجور مشغول باشد

﴿۶﴾ يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ
اعتراض می کند که قیامت کجا بوده

﴿۷﴾ فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ
بگو: روزی که چشم‌ها خیره شود

﴿۸﴾ وَخَسَفَ الْقَمَرُ
و چهره ماه تاریک شود

﴿۹﴾ وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ
و ماه و خورشید یک جا جمع شوند (چهره نبوت و

ولایت از افکار محو شود)

﴿۱۰﴾ يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفْرُ
در این زمان ظالم کافر می گوید: به کجا

فرار کنم

﴿۱۱﴾ كَلَّا لَا وَزَرَ
بگو: چنین نیست، کسی مسئولیت تو را نمی پذیرد

﴿۱۲﴾ إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ
روز قرارگاه فکری به جز دایره ولایت خدا

نیست

﴿۱۳﴾ يُنَبِّئُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ
آن روز، انسان را به نتایج اعمال قبل

و بعد خود آگاه می کند

﴿۱۴﴾ بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ
آری، انسان خود به اعمالش آگاه است

﴿۱۵﴾ وَلَوْ أَلْقَىٰ مَعَاذِيرَهُ
اگر عذر بدتر از گناه نیاورد

﴿۱۶﴾ لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ
در قرائت قرآن شتاب نکن

﴿۱۷﴾ إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْءَانَهُ
قرائت و جمع آوری آن با ماست

﴿۱۸﴾ فَإِذَا قَرَأْتَهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ

هر وقت آیه‌ای را خواندیم، دستور آن را اجرا

کن

﴿۱۹﴾ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ

پس از قرائت، بیان معانی و حقایق آن‌هم با ماست

﴿۲۰﴾ كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ

شما مردم، دنیای زودگذر را می‌طلبید

﴿۲۱﴾ وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ

و زندگی آخرت را رها می‌کنید

﴿۲۲﴾ وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاصِرَةٌ

در آن روز، وجوه بعضی جامعه‌ها تابان و درخشان است

﴿۲۳﴾ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ

که امیدوار به لطف خدا هستند

﴿۲۴﴾ وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ

و وجوه بعضی جامعه‌ها گرفته و تاریک است

﴿۲۵﴾ تَظُنُّ أَنْ يُفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ

عقیده دارند که به عذاب‌های کمرشکن مبتلا

می‌شوند

﴿۲۶﴾ كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِيَ

این‌طور نیست که ماندنی باشند، وقتی روح به

حوزک گردن می‌رسد

﴿۲۷﴾ وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ

می‌گوید: کیست مرا بیرون می‌برد؟

﴿۲۸﴾ وَظَنَّ أَنَّهُ الْفِرَاقُ

یقین پیدا می‌کند که روز جدایی است

﴿۲۹﴾ وَالْتَقَّتِ السَّاقُ بِالسَّاقِ

دو ساق پای او یا دنیا و آخرت او به هم می‌پیچد

﴿۳۰﴾ إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ

آری حرکت به دایره ولایت خداست

﴿۳۱﴾ فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّىٰ

وای به حالش، نماز نخواند و دین را تصدیق نکرد

﴿۳۲﴾ وَلَٰكِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ

ولی دین را تکذیب نمود و خودرأی بود

﴿۳۳﴾ ثُمَّ ذَهَبَ إِلَىٰ أَهْلِهِ يَتَمَطَّىٰ با ناز و تکبر به سوی دوستانش می‌رفت

﴿۳۴﴾ أَوْلَىٰ لَكَ فَأَوْلَىٰ تو سزاوار عذابی

﴿۳۵﴾ ثُمَّ أَوْلَىٰ لَكَ فَأَوْلَىٰ آری، تو سزاواری به عذاب آخرت

﴿۳۶﴾ أَلَيْسَ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى آیا انسان خیال می‌کند به حال خود رها

می‌شود؟

﴿۳۷﴾ أَلَمْ يَكْ نُطْفَةً مِنْ مَنِيٍّ يُُمْنَىٰ مگر قطره آب منی بیشتر بود؟

﴿۳۸﴾ ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّىٰ بعد خون بسته به صورت انسان او را مهندسی

کرد

﴿۳۹﴾ فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ و خدا از آن نطفه، جفت زن و مرد

آفرید

﴿۴۰﴾ أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَدِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ آیا خداوند قدرت ندارد دومرتبه

مردگان را زنده کند؟.

آیاتها ۳۱

سُورَةُ الْإِنْسَانِ

المدنی

این سوره، به مناسبت کلمه دهر و انسان در آن به هردو کلمه نام‌گذاری شده. دهر، نام دوره زندگی انسان از هبوط آدم تا قیامت است و در تعریف مولا و حضرت زهرا(س) و فضه خادمه نازل شده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ هَلْ أَتَىٰ عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَّذْكُورًا آیا مدتی از

روزگار بر انسان نگذشت که نام و نشانی از او نبود؟

﴿۲﴾ **إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا** اما

انسان را از نطفه‌ای که مخلوط به تمامی مواد مختلف است آفریده‌ایم، بعد او را در مسیر ابتلائات، به شنوایی و بینایی مجهز می‌کنیم

﴿۳﴾ **إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا** ما انسان را به راه حق هدایت

نمودیم، بعد به دو قسمت شاکر و کافر تقسیم شدند

﴿۴﴾ **إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلًا وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا** ما برای کفار در مسیر

زندگی قیدوبندها و غل و زنجیرها و آتش مهیا کرده‌ایم

﴿۵﴾ **إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا** نیکان و پاکان،

شربت‌های حیات‌بخشی می‌آشامند که معطر به عطر کافور است

﴿۶﴾ **عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا** و آن شربت‌ها از چشمه‌ای

(بنام علم و قدرت) می‌جوشد که به وسیله آن، نعمت و ثروت مانند نهر جریان پیدا می‌کند

﴿۷﴾ **يُوفُونَ بِاللَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا** بندگان مجهز به این

قدرت به نذر خود وفا کردند و از روزگاری که شر آن در طیران است، می‌ترسیدند

﴿۸﴾ **وَيُطْعَمُونَ أَلْطَعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا** طعامی را که خیلی

دوست دارند و به آن محتاج هستند، به مسکین و یتیم و اسیر می‌بخشند

﴿۹﴾ **إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا** طعام خود را

برای جلب رضای خدا بخشیدند، انتظار تشکر و پاداشی نداشتند

﴿۱۰﴾ **إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبَّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا** آن‌ها از روز قیامت که چهره‌ای

عبوس و خشن است، می‌ترسیدند

﴿۱۱﴾ **فَوْقَهُمْ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّهْمُ نَصْرَةً وَسُرُورًا** خدا به پاداش این عمل

آن‌ها را از شرّ چنین روزگاری حفظ کرد و سرور و شادابی به آن‌ها بخشید

﴿۱۲﴾ **وَجَزَّئِهِمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا** و در برابر صبر و استقامت، بهشت و

حریر به قامت آن‌ها پوشانید

﴿۱۳﴾ **مُتَّكِعِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا** آنجا بر

اریکه قدرت تکیه می‌زنند، هوای نامتعادلی آن‌ها را رنج نمی‌دهد

﴿۱۴﴾ **وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلُّهَا وَذُلِّلَتْ قُطُوفُهَا تَذْلِيلًا** سایه لطف خدا به آن‌ها

نزدیک و میوه شاخه درخت طوبی (که علم و قدرت وجودی آن‌هاست)، رام و مطیع است

﴿۱۵﴾ **وَيُطَافُ عَلَيْهِمْ بِبَانِيَةٍ مِّنْ فِضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا** با ظرف‌هایی از

نقره بلورین و شیشه بلورین پذیرایی می‌شوند

﴿۱۶﴾ **قَوَارِيرًا مِّنْ فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا** ظرف بلورین از جنس نقره که خیلی

زیبا مهندسی شده است

﴿۱۷﴾ **وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَتْ مِرْزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا** با شربت‌های دیگری پذیرایی

می‌شوند که به طبیعت زنجبیل است

﴿۱۸﴾ **عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا** آن شربت‌ها از چشمه‌ای جریان دارد که

سلسبیل نامیده شده است

﴿۱۹﴾ وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَّنشُورًا

پسرانی که خیال می‌کنی دُرهای پراکنده‌اند، در خدمت آن‌ها ایستاده‌اند

﴿۲۰﴾ وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمَمْلَكًا كَبِيرًا

اگر آنجا را ببینی، خواهی دید

نعمت فراوان و سلطنتی عظیم در اختیار آن‌هاست

﴿۲۱﴾ عَلَيْهِمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٍ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُوعًا سَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ وَسَقَنَهُمْ رَبُّهُمْ

شَرَابًا طَهُورًا در پوششی از سندس سبز و استبرق و زینتی از طلا و نقره‌اند، به

دستبندهایی از طلا و نقره، پروردگار با شراب طهور از آن‌ها پذیرایی می‌کند

﴿۲۲﴾ إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا

این مقام و نعمت‌ها

پاداش نیک شماست

﴿۲۳﴾ إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا

ما ایم که این قرآن را به طرز عجیب

بر تو نازل کردیم

﴿۲۴﴾ فَأَصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ ءَائِمًا أَوْ كَفُورًا

در برابر حکم خدا

صبر کن، از گناه‌کار و ناسپاس پیروی نکن

﴿۲۵﴾ وَأَذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلًا

صبح و شام و همیشه، نام خدا را در قلب

و زبان خود یادآوری کن

﴿۲۶﴾ وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا

قسمتی از شب را در سجده و

نماز باش، شب‌های طولانی خود را به تسبیح مشغول باش

﴿۲۷﴾ إِنَّ هَؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذُرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا

مردم، دنیای

زودگذر را دوست دارند و روز سنگین عالم آخرت را واگذار کرده‌اند

﴿۲۸﴾ مَن مَّنْ خَلَقْنَاهُمْ وَشَدَدْنَا أَسْرَهُمْ وَإِذَا شِئْنَا بَدَلْنَا أَمْثَلَهُمْ تَبْدِيلًا ما آن‌ها

را آفریده‌ایم و سخت در ارتباط با یکدیگر قرار داده‌ایم ، اگر بخواهیم می‌توانیم جای آن‌ها دیگران را بیاوریم

﴿۲۹﴾ إِنَّ هَذِهِ تَذَكُّرٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا این قرآن، یادآور خدا و

حقیقت است ، هر کس دوست دارد، راهی از آن به سوی خدا پیدا کند

﴿۳۰﴾ وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا شما نمی‌توانید

بخواهید مگر که خدا بخواهد ، خداوند عالم و حکیم است

﴿۳۱﴾ يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا هر کسی را

بخواهد به رحمت خود می‌کشاند و برای ستم‌کاران عذابی الیم مهیا کرده است.

آیاتها ۵۰

سُورَةُ الْمُرْسَلَاتِ

المکّی

در این سوره خداوند دو عامل آموزش و پرورش را تعریف می‌کند. عامل آموزش پیامبران و عامل پرورش فرشتگان هستند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قسم به مأمورین امر به معروف

﴿۱﴾ وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا

و عواملی که نهضت فکری و علمی به وجود می‌آورند

﴿۲﴾ فَالْعَصْفَاتِ عَصْفًا

و دانشمندانی که علم و دانش را نشر می‌دهند

﴿۳﴾ وَالنَّشِيرَاتِ نَشْرًا

و عواملی که حق و باطل را از هم جدا می‌کنند

﴿۴﴾ فَالْفَرَقَاتِ فَرَقًا

﴿۵﴾ فَأَلْمَقِیْتِ ذِكْرًا و کسانی که یاد خدا را در افکار زنده می کنند

﴿۶﴾ عُدْرًا أَوْ نُذْرًا تا اتمام حجت کنند یا از گناه بترسانند

﴿۷﴾ إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٌ آنچه وعده داده اند، حق است

﴿۸﴾ فَإِذَا أَلْتَجُومُ طَمِیْسَتْ روزی که ستارگان هدایت، در افکار محو شوند

﴿۹﴾ وَإِذَا السَّمَاءُ فُرْجَتْ درهای فضای ولایت خدا در افکار باز شود

﴿۱۰﴾ وَإِذَا الْجِبَالُ نُسِفَتْ و زمانی که قدرت های کفر و گناه گردوغبار شوند

(تا قدرت های کفر و گناه متلاشی نشوند، امام زمان (عج) ظهور نمی کند)

﴿۱۱﴾ وَإِذَا الرُّسُلُ أُقِیَّتَتْ و زمانی که وقت رجعت هر پیامبری معین شود تا از

امت خود شفاعت کنند یا انتقام بگیرند *

* ائمه اطهار و پیشوایان دیگر به زندگی برمی گردند. هر پیامبری از نیکان امت خود شفاعت می کند و از ظالمان امت خود انتقام می گیرد. در ابتدای محاکمه، سران کفر و ایمان حاکم و محکوم می شوند بعد پیروان آنها. این سران امتها در روایات به عنوان مؤمن محض و کافر محض شناخته شده اند زیرا پیروان آنها لازم است در زمانی پیشوایان خود را ببینند که وضعیت آنها روشن شده باشد. مثل دنیا نباشد که مؤمن و کافر در صورت ظاهر قابل شناسایی نیستند، پیروان معاویه ها امیرالمؤمنین خود را ببینند، پیروان علی (ع) همین طور تا هر کس گول خورده، معاف شود و هر کس او را شناخته و اطاعت کرده، با او محشور شود.

﴿۱۲﴾ لِأَيِّ یَوْمٍ أُجِّلَتْ که برای چه روزی مهلت یافته اند

﴿۱۳﴾ لِیَوْمِ الْفَصْلِ برای روز جدایی حق از باطل

﴿۱۴﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا یَوْمُ الْفَصْلِ چه می دانی که آن، چه روزی است

﴿۱۵﴾ وَیَلِّ یَوْمَیْذٍ لِلْمُكَذِّبِیْنَ وای در آن روز به حال تکذیب کنندگان

- ۱۶ ﴿أَلَمْ نُهْلِكِ الْأُولِينَ﴾ مگر ندیدند چگونه گذشتگان را هلاک نمودیم؟
- ۱۷ ﴿ثُمَّ نَتَّبِعُهُمُ الْآخِرِينَ﴾ آیندگان را هم به سرنوشت آنها رسانیدیم
- ۱۸ ﴿كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ﴾ رفتار ما با کافر و مجرم چنین است
- ۱۹ ﴿وَيُلِّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ﴾ وای به حال تکذیب کنندگان دین
- ۲۰ ﴿أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِّن مَّاءٍ مَّهِينٍ﴾ مگر شما انسانها را از نطفه نیافریدیم؟
- ۲۱ ﴿فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ﴾ و آن نطفه را به قرارگاه رحم سپردیم
- ۲۲ ﴿إِلَىٰ قَدَرٍ مَّعْلُومٍ﴾ برای مدت معلوم و معین
- ۲۳ ﴿فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَادِرُونَ﴾ توانستیم از نطفه انسان بسازیم چه خوب تواناییم
- ۲۴ ﴿وَيُلِّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ﴾ وای به حال تکذیب کنندگان
- ۲۵ ﴿أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا﴾ آیا کره زمین را با جاذبه نیافریدیم؟
- ۲۶ ﴿أَحْيَاءَ وَأَمْوَاتًا﴾ تا زندگان و مردگان را در خود حفظ کند
- ۲۷ ﴿وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ شِمِخَاتٍ وَأَسْقَيْنَاكُمْ مَّاءً فُرَاتًا﴾ روی زمین کوههای مرتفع و ریشه‌دار و ابرقدرت‌های دین، تا از آنها آب حیات و علم به شما برسانیم
- ۲۸ ﴿وَيُلِّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ﴾ وای به حال تکذیب کنندگان
- ۲۹ ﴿أَنْطَلِقُوا إِلَىٰ مَا كُنْتُمْ بِهِ تَكْذِبُونَ﴾ بروید به راهی که تکذیب می‌کنید
- ۳۰ ﴿أَنْطَلِقُوا إِلَىٰ ظِلِّ ذِي تِلْكَ شُعْبٍ﴾ بروید به سایه حکومتی که سه شعبه از عذاب به روی شما باز می‌کند
- ۳۱ ﴿لَّا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ اللَّهَبِ﴾ سایه‌ای که گوارا نیست و شما را از شراره

آتش بی نیاز نمی کند

﴿۳۲﴾ إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ

شراره‌هایی مانند یک قصر به طرف شما پرتاب

می کند (موشک‌های دوازده متری)

﴿۳۳﴾ كَأَنَّهُ جُمِلَتْ صُفْرًا

مانند شتران زرد به طرف شما قطار می شوند

﴿۳۴﴾ وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ

وای به حال تکذیب کنندگان دین خدا

﴿۳۵﴾ هَذَا يَوْمٌ لَا يَنْطِقُونَ

قیامت روزی است که دیگر سخنی ندارید و محکوم

هستید

﴿۳۶﴾ وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ

اجازه عذر خواهی به شما نمی دهند

﴿۳۷﴾ وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ

وای به حال تکذیب کنندگان

﴿۳۸﴾ هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ جَمَعْنَاكُمْ وَالْأُولَىٰ

آن روز، روز جدایی دو گروه حق

و باطل است، شما و گذشتگان را یکجا جمع می کنیم

﴿۳۹﴾ فَإِن كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُوا

اگر هنوز هم سیاست و شیطنت دارید،

بفرمایید

﴿۴۰﴾ وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ

وای به حال تکذیب کنندگان

﴿۴۱﴾ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلِّ وَعُيُونٍ

اهل تقوا در سایه لطف خدا کنار چشمه آب

حیات

﴿۴۲﴾ وَفَوَاكِهَ مِمَّا يَشْتَهُونَ

میوه‌های مادی و معنوی از آنچه اشتها دارند

﴿۴۳﴾ كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

آزادید بخورید و بیاشامید، گوارا

باد نتیجه اعمال شماست

﴿۴۴﴾ **إِنَّا كَذَلِكْ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ** ما این طور نیکو کاران را پاداش می دهیم

﴿۴۵﴾ **وَيُلِّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ** وای به حال تکذیب کنندگان دین خدا

﴿۴۶﴾ **كُلُوا وَتَمَتَّعُوا قَلِيلًا إِنَّكُمْ مُّجْرِمُونَ** شما تکذیب کنندگان هر چه می توانید بخورید و بهره بگیرید، شما مجرمید

﴿۴۷﴾ **وَيُلِّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ** وای به حال تکذیب کنندگان

﴿۴۸﴾ **وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَرْكِعُوا لَا يَرْكِعُونَ** وقتی به آنها می گویند: تسلیم خدا شوید، نمی شوند

﴿۴۹﴾ **وَيُلِّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ** وای به حال تکذیب کنندگان

﴿۵۰﴾ **فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ** آنها بعد از قرآن و اسلام به چه کتابی ایمان می آورند؟.

آیاتها ۴۰

سُورَةُ النَّبَاِ

المکي

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(جزء ۳۰) ﴿۱﴾ **عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ** کدام مسئله است که همه کس می پرسند

﴿۲﴾ **عَنِ النَّبَاِ الْعَظِيمِ** پرسش از مسئله‌ای است عمیق و عظیم (گفته‌اند: قیامت است. رسول خدا فرمودند: صاحب قیامت علی (ع) است)

﴿۳﴾ **الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ** کسی که همه در عظمت او اختلاف دارند

﴿۴﴾ **كَلَّا سَيَعْلَمُونَ** چنین نیست او را خواهند شناخت

﴿۵﴾ **ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ** باز هم در طول زمان او را خواهند شناخت

- ﴿۶﴾ أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهْدًا مگر ما زمین را مهد تربیت ابدی قرار ندادیم؟
- ﴿۷﴾ وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا کوهها را برای بقای آن استوار نساختم؟
- ﴿۸﴾ وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا برای بقای نسل بشریت زن و مرد نیافریدیم؟
- ﴿۹﴾ وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا خواب را برای آرامش قرار ندادیم؟
- ﴿۱۰﴾ وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا شب را برای پوشش شما خلق نکردیم؟
- ﴿۱۱﴾ وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا و روز را برای ادامه معاش قرار ندادیم؟
- ﴿۱۲﴾ وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا بالای سر شما هفت آسمان یا هفت کلاس
تکامل قرار ندادیم؟
- ﴿۱۳﴾ وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَاجًا در این طبقات و کلاسها چراغ تابان و چراغ
علم قرار دادیم
- ﴿۱۴﴾ وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً مُّجْجًا از ابرها باران و به وسیله علما علم
نازل کردیم
- ﴿۱۵﴾ لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا تا به این وسیله غذای بدنی و روحی آماده کنیم
- ﴿۱۶﴾ وَجَعَلْنَا الْفَأْفَأَ و باغهای انبوه به هم رفته
- ﴿۱۷﴾ إِنَّ يَوْمَ الْفُصْلِ كَانَ مِيقَاتًا روز جدایی حق و باطل وعده گاه شماست
- ﴿۱۸﴾ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا روزی که زنده شده گروه گروه وارد
محشر شوید
- ﴿۱۹﴾ وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا درهای فرج و دعای مستجاب باز شود
- ﴿۲۰﴾ وَسُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا سیر ابر قدرت ها تمام شده و به صورت

سراب در آیند

﴿۲۱﴾ إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا آتش جهنم در کمین حرکت کفار است

﴿۲۲﴾ لِلطَّالِغِينَ مَغَابًا آخرین منزل طغیان گران است

﴿۲۳﴾ لِّلْبَیِّنِیْنَ فِیْهَا أَحْقَابًا سال‌ها تا تحول به سوی حق در آن عذاب‌اند

﴿۲۴﴾ لَا یَذُوقُونَ فِیْهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا آب سرد و شربت گوارایی ندارند

﴿۲۵﴾ إِلَّا حَمِیمًا وَغَسَّاقًا به جز آب جوشان و چرک و کثیف

﴿۲۶﴾ جَزَاءً وَفَاقًا شراب کثیف برابر عمل کثیف

﴿۲۷﴾ إِنَّهُمْ كَانُوا لَا یَرْجُونَ حِسَابًا آن‌ها به حساب و کتاب عقیده نداشتند

﴿۲۸﴾ وَكَذَّبُوا بِآیَاتِنَا كِذَابًا آیات ما را شدیداً تکذیب نمودند

﴿۲۹﴾ وَكُلُّ شَیْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا ما همه چیز را با مشخصات ثبت کردیم

﴿۳۰﴾ فَذُوقُوا فَلَنْ نَزِیدَکُمْ إِلَّا عَذَابًا بچشید که به جز عذابِ شما چیزی

زیاد نمی شود

﴿۳۱﴾ إِنَّ لِلْمُتَّقِیْنَ مَفَازًا اما پرهیزکاران در گشایش نعمت هستند

﴿۳۲﴾ حَدَاقٍ وَأَعْنَبًا باغ‌ها و انگورها

﴿۳۳﴾ وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا دختران شوهر دوست

﴿۳۴﴾ وَكَأْسًا دِهَاقًا کاسه‌های بلورین لبریز از شراب

﴿۳۵﴾ لَا یَسْمَعُونَ فِیْهَا لَغْوًا وَلَا کِذْبًا در آنجا حرف لغوی و کذب و دروغی

نمی شنوند

﴿۳۶﴾ جَزَاءَ مِّن رَّبِّكَ عَطَاءٌ حِسَابًا پاداش از پروردگار به حساب اعمال

﴿۳۷﴾ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَنُ لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا
پروردگار اهل آسمان و زمین و آنچه بین آنهاست خدای رحمان، کسی آن روز
حق سخن ندارد، همه سکوت مطلقاند

﴿۳۸﴾ يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أُذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ
صَوَابًا روزی که انسان‌ها و فرشتگان در یک صف قرار می‌گیرند، کسی حق
تکلم ندارد مگر که خدا اجازه دهد و به صواب سخن بگوید

﴿۳۹﴾ ذَلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ مَعَابًا آن روز، روز حاکمیت
حق است، هر کس دوست دارد در ولایت خدای خود جای پای پیدا کند

﴿۴۰﴾ إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ
يَلَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا ما شما را از عذاب آن روز که خیلی نزدیک است بر حذر
می‌داریم، روزی است که انسان به نتایج اعمال خود نگاه می‌کند کفار می‌گویند:
ای کاش، در دل خاک بودیم و زنده نمی‌شدیم.

آیاتها ۴۶

سُورَةُ النَّازِعَاتِ

المکي

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

این سوره شریفه، حالات انسان را هنگام ورود به زندگی آخرت به نمایش می‌گذارد.

﴿۱﴾ وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا قسم به عواملی که جان انسان را که فریفته دنیا است،
می‌کنند

﴿۲﴾ وَالنَّشِيطَاتِ نَشْطًا و جان دیگری را که غرق نشاط است، می‌گیرند

﴿۳﴾ وَالسَّبِيحَتِ سَبْحًا و جان دیگری را چنان می گیرند که گویی در دریا
شنا می کند

﴿۴﴾ فَالسَّبِقَتِ سَبْقًا و دیگری چنان می رود که بر همه سبقت گرفته است

﴿۵﴾ فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا و دیگری چنان حکیم است که مدبر امور آخرت است

﴿۶﴾ يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ و آن، روزی است که این زندگی دنیا متزلزل شود

﴿۷﴾ تَتَّبِعَهَا الرَّادِفَةُ و ردیف آن قیامت واقع شود

﴿۸﴾ قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ دلِ عده‌ای آن روز ترسان و لرزان است

﴿۹﴾ أَبْصَرُهَا خَشِيعَةٌ چشم‌ها را خوف و وحشت می گیرد

﴿۱۰﴾ يَقُولُونَ أَيْنَا لَمَرْدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ آرزو می کنند که‌ای کاش به چاله قبر

برگردند

﴿۱۱﴾ أَيْنَا كُنَّا عِظْمًا نَّخِرَةً می گویند: چقدر خوب بود که خاک و استخوان

بودیم

﴿۱۲﴾ قَالُوا تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ می گویند: رجعت ما خسارت آمیز است

﴿۱۳﴾ فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ قیامت به یک اراده الهی دایر می شود

﴿۱۴﴾ فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ که به ناگاه همه بیدار می شوند

﴿۱۵﴾ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى آیا داستان انقلاب موسی را شناخته‌ای

﴿۱۶﴾ إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى آنجا که در وادی مقدس کوه طور

خداوند او را صدا زد که:

﴿۱۷﴾ أَذْهَبَ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى برو به طرف فرعون که طغیان کرده است

﴿۱۸﴾ فَقُلْ هَلْ لَّكَ إِلَىٰ أَنْ تَزَكَّىٰ
بگو: آیا دوست داری از این جنایت‌ها وارسته
شوی؟

﴿۱۹﴾ وَأَهْدِيكَ إِلَىٰ رَبِّكَ فَتَخْشَىٰ
تو را به سوی خدا هدایت کنم تا عظمت او
را درک کنی

﴿۲۰﴾ فَأَرِنَهُ الْآيَةَ الْكُبْرَىٰ
بعد از انکار، معجزه بزرگ را به او نمایش داد

﴿۲۱﴾ فَكَذَّبَ وَعَصَىٰ
آیتِ الهی را تکذیب کرد و نافرمانی نمود

﴿۲۲﴾ ثُمَّ أَدْبَرَ يَسْعَىٰ
بیشتر به قهقرا رفت و سعایت نمود

﴿۲۳﴾ فَحَشَرَ فَنَادَىٰ
ملت را جمع کرد و داد زد:

﴿۲۴﴾ فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَىٰ
که من پروردگار اعلایم

﴿۲۵﴾ فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَىٰ
خداوند، او را در محاصره عذاب دنیا
و آخرت قرار داد

﴿۲۶﴾ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَنْ يَخْشَىٰ
این داستان برای کسانی که عظمت خدا را
درک می‌کنند، پند و اندرز است

﴿۲۷﴾ ءَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ السَّمَاءُ بَنَاهَا
آیا خلقت شما مهم‌تر است یا ساخت
آسمان ولایت؟

﴿۲۸﴾ رَفَعَ سَمُكَهَا فَسَوَّيْنَهَا
که فضای آن را بی‌نهایت بالا برده و تا خلافت الهی
تربیت نمود

﴿۲۹﴾ وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا
شب آن را تاریک و روز آن را روشن
نموده همچنین کفر و ایمان را

- ﴿۳۰﴾ وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا
زمین و زندگی را بعد از آن به گردش در آورد
- ﴿۳۱﴾ أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا
و با گردش انتقالی زمین، آب و چراگاه آفرید
- ﴿۳۲﴾ وَالْجِبَالَ أَرْسَاهَا
کوهها و قدرت‌ها را ثابت و استوار ساخت
- ﴿۳۳﴾ مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ
تا روزی شما و حیوانات باشد
- ﴿۳۴﴾ فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَّةُ الْكُبْرَى
زمانی که مصیبت بزرگ جهانی حادث شود
(زمین پر از ظلم و جور شود)
- ﴿۳۵﴾ يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَى
که انسان آخرین نتیجه سعی خود را ببیند
- ﴿۳۶﴾ وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِمَنْ يَرَى
آتش جهنم برای بینندگان بروز کند
- ﴿۳۷﴾ فَأَمَّا مَنْ طَغَى
کسانی که طغیان داشته‌اند
- ﴿۳۸﴾ وَعَآئِرَ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا
و دنیا را بر آخرت ترجیح داده‌اند
- ﴿۳۹﴾ فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى
آخرین وضعیت آن‌ها جهنم است
- ﴿۴۰﴾ وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ
و اما کسانی که
عظمت خدا را درک نموده و خود را از هوی و هوس بازداشته‌اند
- ﴿۴۱﴾ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى
آخرین وضعیت آن‌ها زندگی بهشت است
- ﴿۴۲﴾ يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا
زمان قیامت را از تو می‌پرسند که
کی و کجاست؟
- ﴿۴۳﴾ فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرِهَا
تو در کجای زمان قیامت هستی؟
- ﴿۴۴﴾ إِلَىٰ رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا
زمان وقوع آن مخصوص خداست
- ﴿۴۵﴾ إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ مَّن يَخْشَاهَا
فقط کسانی را هدایت کن که عظمت آن را

درک می کنند

﴿۴۶﴾ كَانَتْهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا
 چنان می دانند که شبی و یا روزی بیشتر فاصله نداشته اند. وقتی که آن را ببینند،

آیاتها ۴۲

سُورَةُ عَبَسَ

المکي

این سوره، در شأن کسی نازل شد که فقیر نابینایی نزد او نشست. ناراحت شد. رسول خدا که
 نخواست آبرویش برود، چنین شهرت داد که من از ورود آن فقیر ناراضی بوده ام، در توبیخ من
 نازل شده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- ﴿۱﴾ عَبَسَ وَتَوَلَّى
 بدش آمد و روی گردانید
- ﴿۲﴾ أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى
 که نابینایی کنارش نشست
- ﴿۳﴾ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَّكَّى
 بگو: چه می دانی شاید مرد پاکی باشد
- ﴿۴﴾ أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرَى
 یا حقیقت را درک کند و بهره مند شود
- ﴿۵﴾ أَمَّا مَنْ أَسْتَعْنَى
 اما کسی که ثروتمند باشد
- ﴿۶﴾ فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّى
 متصدی دوستی او می شوی؟
- ﴿۷﴾ وَمَا عَلَيْكَ إِلَّا يَزَّكَّى
 اگر هم تزکیه نشود به تو مربوط نیست
- ﴿۸﴾ وَأَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَى
 اما کسی که برای فهم دین می کوشد
- ﴿۹﴾ وَهُوَ يَخْشَى
 عظمت خدا را درک می کند
- ﴿۱۰﴾ فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّى
 به او بی اعتنایی می کنی؟
- ﴿۱۱﴾ كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ
 چنین نیست که خیال می کند، قرآن یادآور حق است

- ﴿۱۲﴾ فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ
هر کس دوست دارد، یاد بگیرد
- ﴿۱۳﴾ فِي صُحُفٍ مُّكْرَمَةٍ
در دل شخصیت‌های مکرم ثبت است
- ﴿۱۴﴾ مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ
شخصیت‌های پاک و مطهر
- ﴿۱۵﴾ بِأَيْدِي سَفَرَةٍ
یعنی سینه سفیران الهی
- ﴿۱۶﴾ كِرَامٍ بَرَرَةٍ
نیکوکاران و بزرگواران
- ﴿۱۷﴾ قُتِلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ
نابود شود انسان که کفرش مایه تعجب است
- ﴿۱۸﴾ مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ
از چه ماده‌ای او را آفرید
- ﴿۱۹﴾ مِنْ نُّطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَّرَهُ
از نطفه متعفن او را ساخت و مهندسی کرد
- ﴿۲۰﴾ ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرَهُ
راه زندگی او را آسان کرد
- ﴿۲۱﴾ ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ
بعد او را به داخل قبر کشانید
- ﴿۲۲﴾ ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنشَرَهُ
و باز اگر بخواهد او را زنده می‌کند
- ﴿۲۳﴾ كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرَهُ
آری وظیفه‌اش را انجام نداده
- ﴿۲۴﴾ فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ
انسان در پیدایش طعام خود فکر کند
- ﴿۲۵﴾ أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا
که آب از آسمان ریزش دادیم
- ﴿۲۶﴾ ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا
با آن زمین را شکفتیم
- ﴿۲۷﴾ فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا
نباتات و حبوبات را رویانیدیم
- ﴿۲۸﴾ وَعِنَبًا وَقَضْبًا
درخت‌ها و شاخه‌های انگور
- ﴿۲۹﴾ وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا
زیتون و خرما

﴿۳۰﴾ وَحَدَآئِقِ غُلْبًا باغ‌های انبوه و پردرخت

﴿۳۱﴾ وَفَكِيهَةً وَأَبَاً میوه‌ها و سبزی‌ها

﴿۳۲﴾ مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِأَنعَمِكُمْ بهره شما و انعام شما باشد

﴿۳۳﴾ فَإِذَا جَاءَتِ الصَّآخَةُ تا صدای گوش خراش قیامت بلند شود

﴿۳۴﴾ يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ روزی که برادر از برادر فرار می‌کند

﴿۳۵﴾ وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ و از مادر و پدرش

﴿۳۶﴾ وَصَحْبَتِهِ وَبَنِيهِ و از همسر و فرزندانش

﴿۳۷﴾ لِكُلِّ أَمْرٍ مِّنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ که هر کس گرفتار خود است

﴿۳۸﴾ وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ بعضی صورت‌ها خندان و تابان

﴿۳۹﴾ ضَآحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ نورانی و بشارت‌آمیز

﴿۴۰﴾ وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ غَآبِرَةٌ و چهره‌هایی گرفته و غبارآلود

﴿۴۱﴾ تَرَهْقُوتُهَا قَتَرَةٌ که سیاهی آن را فراگرفته

﴿۴۲﴾ أُولَآئِكَ هُمُ الْكَافِرَةُ الْفَجْرَةُ آن‌ها کفار و فجّار بوده‌اند.

تکویر، به معنای برگشت دوباره خورشید است. گردش‌ها، گاهی دور است و گاهی کور. دور، گردش در دایره و کور، گردش به دور خود را می‌گویند. طلوع و غروب، از گردش زمین به دور خود و فصول از گردش در دایره پیدا می‌شود.

﴿۱﴾ إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ زمانی که خورشید ولایت دومرتبه برگردد *

* تکویر برگشت دوباره خورشید است. وقتی خورشید طلوع کند، ستاره‌ها رونقی ندارند. خورشید ولایت هم که طلوع کند، دانشمندان دیگر نمایش ندارند. زمانی که یک دکتر آمده و مرده‌ها را زنده می‌کند، پیرها را به جوانی برمی‌گرداند، اطباء چه نمایشی دارند. همین‌طور دیگران. کسانی که تکویر را به معنای تاریکی خورشید گرفته‌اند آیه: يُكْوِرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ را بخوانند تا بدانند که تکویر به معنای تاریکی نیست. آیات ناظر به تأویل است که مقام ولایت باشد. تکویر شمس، طلوع دوباره شمس ولایت است.

﴿۲﴾ وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ ستاره‌های هدایت تیره شوند

﴿۳﴾ وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ و زمانی که سیر کوه‌ها (ابرقدرت‌ها) به انتها رسد

﴿۴﴾ وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ و زمانی که شترها (کاروان زندگی) تعطیل شود

﴿۵﴾ وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ و زمانی که انسان‌های وحشی محشور شوند

﴿۶﴾ وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ و زمانی که دریا‌های علم به جوش آید

﴿۷﴾ وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ و زمانی که نفوس به اجناس خود مربوط شوند

﴿۸﴾ وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُيِّلَتْ و زمانی که زنده به گورها (یا کشتارهای دسته‌جمعی)

بازرسی شود

﴿۹﴾ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ که به چه گناهی کشته می‌شوند؟

﴿۱۰﴾ وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ و زمانی که اعمال و افکار همه‌جا شناخته شود

﴿۱۱﴾ وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ و زمانی که از مقام ولایت پرده‌برداری شود

﴿۱۲﴾ وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ و آتش هسته‌ای جهانی شعله‌ور شود

﴿۱۳﴾ وَإِذَا الْجَنَّةُ أُنزِلَتْ و زمانی که چهره بهشت (امام زمان عج)، به نمایش درآید

﴿۱۴﴾ عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا أَحْضَرَتْ در این زمان، اعمال بد و خوب در نظر همه

روشن شود

﴿۱۵﴾ فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ قسم به ستارگان ظاهر و غایب

﴿۱۶﴾ الْجَوَارِ الْكُنَّسِ ستارگان صاف کننده راه ظهور

﴿۱۷﴾ وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ و قسم به شب غیبت که مراقبت می شود

﴿۱۸﴾ وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ و صبح دولت الهی که دمیده شود

﴿۱۹﴾ إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ قرآن، گفته آن رسول بزرگوار است

﴿۲۰﴾ ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ رسول نیرومند که در نزد خدا مقرب

است

﴿۲۱﴾ مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ امین وحی خدا، فرمانده کائنات است

﴿۲۲﴾ وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ پیامبر شما دیوانه نیست

﴿۲۳﴾ وَلَقَدْ رَءَاهُ بِالْأُفُقِ الْمُبِينِ او خدای خود را در افق علم و حکمت دیده و

شناخته است

﴿۲۴﴾ وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ از تعلیم آنچه شناخته مضایقه ندارد

﴿۲۵﴾ وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ قرآن، گفته شیطان رجیم نیست

﴿۲۶﴾ فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ تا کجا از حقیقت منحرف می شوید؟

﴿۲۷﴾ إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ این قرآن و پیامبر درس و دانش جهانیان است

﴿۲۸﴾ لِمَن شَاءَ مِنْكُمْ أَن يَسْتَقِيمَ درس کسانی که می خواهند استقامت علم و

عمل داشته باشند

﴿۲۹﴾ وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ شما نمی خواهید مگر که خدا پروردگار عالمیان بخواهد.

آیاتها ۱۹

سُورَةُ الْاِنْفِطَارِ

المکّی

انفطار از باب اِنفعال، ظهور حقیقت فطرت است. سماء یعنی مقام ولایت امام زمان (عج)، در قیام او حقیقت ولایت شناخته می شود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- ﴿۱﴾ إِذَا السَّمَاءُ انفَطَرَتْ زمانی که حقیقت ولایت و توحید نمودار شود
- ﴿۲﴾ وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَثَرَتْ و زمانی که ستارگان هدایت به جامعه نثار شوند
- ﴿۳﴾ وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ و زمانی که دریای علم اولیاء خدا به جوش آید
- ﴿۴﴾ وَإِذَا الْقُبُورُ بُعِثِرَتْ و زمانی که گورستانها زنده شوند
- ﴿۵﴾ عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ در آن زمان می دانند چه چیزی اندوخته اند
- ﴿۶﴾ يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّبَكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ ای انسان! چه چیزی تو را به عدالت خدا مغرور کرد
- ﴿۷﴾ الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّنَكَ فَعَدَلَكَ خدایی که تو را آفرید و به اعتدال عقل رسانید
- ﴿۸﴾ فِي أَيِّ صُورَةٍ مَّا شَاءَ رَكَّبَكَ و در هر شکلی که خواست تو را مهندسی نمود
- ﴿۹﴾ كَلَّا بَلْ تُكْذِبُونَ بِالَّذِينَ چنین نیست که می گویی، بلکه دین را تکذیب می کنی
- ﴿۱۰﴾ وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ با اینکه نگهبانان الهی محافظ تو هستند

﴿۱۱﴾ كِرَامًا كَتَبِينَ بزرگوار هستند و نویسنده اعمال اند

﴿۱۲﴾ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ به اعمال شما آگاه اند

﴿۱۳﴾ إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ نیکان در نعمت‌های خدا قرار می‌گیرند

﴿۱۴﴾ وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ و بدکاران در جهنم

﴿۱۵﴾ يَصَلُّونَهَا يَوْمَ الدِّينِ در روزگار ظهور دین، خودشان روشن می‌کنند

﴿۱۶﴾ وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ با اینکه از جهنم خود غایب نیستند

﴿۱۷﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ تو آیا می‌دانی روزگار ظهور دین چه زمانی

است؟

﴿۱۸﴾ نُمَّ مَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ بگو: تو می‌دانی حکومت دین چه زمانی است؟

﴿۱۹﴾ يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ روزی است که از

کسی برای دیگری کاری ساخته نیست، حکومت فقط با خداست.

آیاتها ۳۶

سُورَةُ الْمُطَفِّفِينَ

المکي

طف و طفيف، تطيف و مطفف، همه از یک ماده مشتق شده و به معنای خشکی و خشکانیدن است. روز عاشورا را يَوْمَ الطُّفِّ نامیده‌اند که روزی خشک و تشنه بوده است، هرکس حق مشتری را از متعارف کم کند مطفف است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ کسی که از حق دیگران بکاهد، از انسانیت سقوط می‌کند

﴿۲﴾ الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ کسانی که حق خود را زیاده از

اندازه می‌گیرند

﴿۳﴾ وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ
و چون می پردازند، کمتر از اندازه می دهند

﴿۴﴾ أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ
چرا فکر نمی کنند که در روزگاری بزرگ

احضار می شوند

﴿۵﴾ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ
برای حسابرسی عظیم

﴿۶﴾ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ
روزی که تمام مردم در حکومت خدای

عالم قرار گیرند

﴿۷﴾ كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَارِ لَفِي سِجِّينٍ
چنین نیست، عمل بد، بدکاران را به

تنگنا می کشد

﴿۸﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا سِجِّينٌ
تو می دانی تنگنای زندان چیست؟

﴿۹﴾ كِتَابٌ مَّرْقُومٌ
رقم به رقم نتایج اعمال بد

﴿۱۰﴾ وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ
وای به حال تکذیب کنندگان نتایج اعمال

﴿۱۱﴾ الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ
کسانی که روز حاکمیت دین را تکذیب

می کنند

﴿۱۲﴾ وَمَا يُكَذِّبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ
به جز متجاوز و گناه کار کسی قیامت

را تکذیب نمی کند

﴿۱۳﴾ إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ءآيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ
وقتی که آیات خدا تلاوت

می شود می گویند: افسانه گذشتگان است

﴿۱۴﴾ كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ
این طور نیست، اعمال بد

دلشان را آلوده کرده است

﴿۱۵﴾ كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ
آن‌ها هنگام گناه، از ولایت

پروردگار خود محجوب‌اند

﴿۱۶﴾ ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيمِ
آن‌ها در روزگار غیبت، روشن‌کننده جهنم‌اند

﴿۱۷﴾ ثُمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ
بعد به آن‌ها گفته می‌شود: این

است آتشی که تکذیب می‌کردید

﴿۱۸﴾ كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ
نتیجه اعمال نیک هم عالی‌ترین مقام

بهشت است

﴿۱۹﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ
تو می‌دانی چیست آن عالی‌ترین‌ها؟

﴿۲۰﴾ كِتَابٌ مَّرْقُومٌ
رقم به رقم نتایج اعمال نیک است

﴿۲۱﴾ يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ
که بندگان مقرب خدا به آن خواهند رسید

﴿۲۲﴾ إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ
نیکان، متنعم به نعمت‌های خدا می‌شوند

﴿۲۳﴾ عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ
بر اریکه قدرت همه‌جا را می‌بینند

﴿۲۴﴾ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ
طراوت و نشاط از چهره آن‌ها نمایان است

﴿۲۵﴾ يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ
از شربت‌ها که کامل‌ترین صنعت خداوند است

می‌آشامند

﴿۲۶﴾ خِتْمُهُ مِسْكٌَ وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَفِسُونَ
آخرین اثر آن شراب،

مشک و عنبر است، طالبان جنس نفیس آن اجناس را مطالبه کنند

﴿۲۷﴾ وَمِزَاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ
آن شربت‌ها به لطف مقامات عالی که عزت و عظمت

است، ممزوج است

﴿۲۸﴾ عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ چشمه کرامت است، مخصوص مقربان خدا

﴿۲۹﴾ إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يَضْحَكُونَ مجرمین در دنیا به

اهل ایمان می خندیدند

﴿۳۰﴾ وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ آنها که بر مؤمنین می گذشتند، پوزخند و

چشمک می زدند

﴿۳۱﴾ وَإِذَا أَنْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ أَنْقَلَبُوا فَكِهِينَ در این تمسخر و استهزاء با دوستان

خود گرم می گرفتند

﴿۳۲﴾ وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَٰؤُلَاءِ لَضَالُّونَ آنها را که می دیدند می گفتند:

خرافاتى هستند

﴿۳۳﴾ وَمَا أُرْسِلُوا عَلَيْهِمْ حَافِظِينَ آنها چه کاره اند که درباره مؤمنین حرف

می زنند؟ (مأمور محافظ نیستند)

﴿۳۴﴾ فَالْيَوْمَ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ اما روز بهشت، مؤمنین به

کفار می خندند

﴿۳۵﴾ عَلَىٰ الْأَرْبَابِكِ يَنْظُرُونَ در اریکه قدرت، آنها را در جهنم تماشا می کنند

﴿۳۶﴾ هَلْ تُؤْتَوْنَ الْكُفَّارُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ آیا کفار به آخرین نتیجه اعمال خود

رسیدند؟، آری والله...

تمامی آیاتی که خداوند کلمات آسمان و زمین و شب و روز را به کار می‌برد، به ظاهرش منظور نیست بلکه باطنش است یعنی جهت ولایت که علم نازل می‌شود و جهتی که علم در آن وارد می‌شود و شب و روز دوران حق و باطل است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- ﴿۱﴾ إِذَا السَّمَاءُ أَدْشَقَّتْ
زمانی که فضای بسته ولایت خدا باز شود
- ﴿۲﴾ وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحَقَّتْ
به مالک خود (امام) اذن حاکمیت بدهد
- ﴿۳﴾ وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ
و زمانی که زمین به ظهور کل بشر امتداد پیدا کند
- ﴿۴﴾ وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ
مردگان داخل خود را بیرون اندازد (انسان آنچه در استعداد خود دارد، ظاهر سازد)
- ﴿۵﴾ وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحَقَّتْ
به امام زمان (عج) اذن حاکمیت دهد
- ﴿۶﴾ يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ
ای انسان! تو اجبار داری که به دایره ولایت خدا حرکت کنی
- ﴿۷﴾ فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ
در این ملاقات، اگر نتیجه عمل از صداقت و امانت است
- ﴿۸﴾ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا
که آسان بدون رنج به حساب خود که بهشت است، می‌رسی
- ﴿۹﴾ وَيَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا
و با سرور و نشاط به خانواده‌ات و دوستانت برمی‌گردد
- ﴿۱۰﴾ وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ
و اما کسی که نتیجه عملش از کفر و نفاق حاصل شود

- ۱۱ ﴿ فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُورًا ﴾ صدا می‌زند که ای وای! به داد من برسید
- ۱۲ ﴿ وَيَصِلَىٰ سَعِيرًا ﴾ برای خود جهنم روشن کرده است
- ۱۳ ﴿ إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا ﴾ او کسی است که از موفقیت کفر و نفاق در خانواده‌اش خوش حال بوده
- ۱۴ ﴿ إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ ﴾ خیال کرده هرگز در زندگی متحیر نمی‌شود
- ۱۵ ﴿ بَلَىٰ إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا ﴾ آری، خدا به اوضاع و احوالش آگاه بود
- ۱۶ ﴿ فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ ﴾ قسم به سرخی اول شب تاریخ (کربلا)
- ۱۷ ﴿ وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ ﴾ قسم به شب طولانی غیبت و آنچه در بر دارد
- ۱۸ ﴿ وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ ﴾ و قسم به ماه ولایت که حوادث را فرا می‌گیرد
- ۱۹ ﴿ لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ ﴾ جامعه بشری به طبقات ترکیب می‌شوند
- ۲۰ ﴿ فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴾ چه شده است که ایمان نمی‌آورند
- ۲۱ ﴿ وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ ۝﴾ و قرآن که تلاوت می‌شود تسلیم نمی‌شوند
- ۲۲ ﴿ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُكْذِبُونَ ﴾ بلکه کفار، منطق قرآن را تکذیب می‌کنند
- ۲۳ ﴿ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ ﴾ خدا می‌داند چه نقشه‌ها در سر می‌پرورانند
- ۲۴ ﴿ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴾ مژده بده به نتیجه نقشه‌هایی که عاقبت جهنم است
- ۲۵ ﴿ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ﴾ مگر اهل ایمان و عمل صالح که اجری بدون منت دارند.

بروج دوازده گانه، امام های معصومانند و آسمان این بروج حضرت زهرا(س) است که سمت اُمّیت امامت دارد. بروج آسمان و سال و ماه تابلو نمایشگر آنهاست.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ قسم به آسمان بروج امامت *

* تعجب نکند سَمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ حضرت زهرا(س) باشد. این است معنای لَهَا أُمُومَةُ الْأَيِّمَةِ یعنی مادری ولایت و امامت و این مادری یعنی مادری علم و حکمت آنها. مشاهده می کنید که از نظر آیات و روایات همه جا یک نمره برتری دارد. سفینه البحار از قول امام(ع) نقل می کند که هِيَ أَوَّلُ وَافِدَةٍ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى الْجَنَّةِ، بهشت که زندگی آخرت است به دست او و شفاعت او افتتاح می شود. سخنرانی او در مسجد از نظر بیان علوم و حقایق ذره های از خطبه های مولای(ع) کم ندارد.

﴿۲﴾ وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ و روز موعود که قیام امام است

﴿۳﴾ وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ و شاهد و مشهود (رسول خدا و علی(ع))

﴿۴﴾ قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ اصحاب اخدود (مؤمنین مسیحی به دست یهودیان) کشته شدند

﴿۵﴾ النَّارِ ذَاتِ الْوُقُودِ در آتش های شعله ور سوختند

﴿۶﴾ إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ آنها میان آتش بودند

﴿۷﴾ وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ برابر یهودیان تماشاگر که دیدند چه کردند

﴿۸﴾ وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَن يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ به جرم ایمان به خدای عزیز و حمید، از آنها انتقام گرفتند

﴿٩﴾ الَّذِي لَهُ مَلِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ خدای که

پادشاهی آسمان‌ها و زمین به دست اوست، ناظر همه چیز است

﴿١٠﴾ إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ

عَذَابُ الْحَرِيقِ کسانی که مؤمنین و مؤمنات را به فتنه می‌اندازند و توبه نمی‌کنند،

به عذاب سوزان گرفتار می‌شوند

﴿١١﴾ إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ و آن‌ها که ایمان می‌آورند و عمل صالح دارند، در وضعی

قرار می‌گیرند که از اراده آن‌ها نعمت و ثروت مانند نهر جاری می‌شود و این است

کامیابی عظیم

﴿١٢﴾ إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ حملات پروردگار تو به جنایت کاران سخت خواهد

بود

﴿١٣﴾ إِنَّهُ هُوَ يُبْدِئُ وَيُعِيدُ اوست که آفرینش را شروع می‌کند و دومرتبه آن‌ها

را به زندگی برمی‌گرداند

﴿١٤﴾ وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ او برطرف‌کننده نقایص و جودی انسان‌ها و مهربان به

آن‌هاست

﴿١٥﴾ ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ مجد و عظمت دارد، حاکمیت مطلق است

﴿١٦﴾ فَعَالٌ لِمَا يُرِيدُ آنچه اراده می‌کند با سرعت انجام می‌دهد

﴿١٧﴾ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ مگر داستان لشکریان کفر و گناه به تو نرسیده

است؟

﴿١٨﴾ فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ قوم فرعون و ثمود

﴿۱۹﴾ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ کفار دائم در حال تکذیب‌اند

﴿۲۰﴾ وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ با اینکه خداوند محیط به آن‌هاست

﴿۲۱﴾ بَلْ هُوَ قُرْءَانٌ مَجِيدٌ قرآن کتابی است با مجد و عظمت

﴿۲۲﴾ فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ در لوح دل اولیاء خدا ثبت است.

آیاتها ۱۷

سُورَةُ الطَّارِقِ

المکّی

طارق به معنای حادثه ناگهانی است و این حادثه قیامت است که با قیام امام (ع) شروع می‌شود. سماء، اراده خداوند است و مظهر آن ائمه اطهار (ع) هستند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ قسم به آسمان و آن حادثه ناگهانی

﴿۲﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ چه می‌دانی حادثه ناگهانی چیست؟

﴿۳﴾ النَّجْمِ الثَّاقِبِ ستاره برطرف کننده ظلمت‌ها

﴿۴﴾ إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ هر انسانی در حفاظت خداست

﴿۵﴾ فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ انسان فکر کند از چه مبدائی خلق شده است

﴿۶﴾ خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ از قطره نطفه که به رحم جهیده

﴿۷﴾ يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ از صلب پدر و سینه مادر

﴿۸﴾ إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ خداوند قدرت دارد او را به زندگی برگرداند

﴿۹﴾ يَوْمَ تُبَلَى السَّرَائِرُ روزی که اسرار آشکار شود

﴿۱۰﴾ فَمَا لَهُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ آن روز قدرت و یابوری ندارد

- ۱۱ ﴿وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ﴾ قسم به آسمان رعدوبرق
- ۱۲ ﴿وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ﴾ و زمینه قلب انسان که شکوفا می شود
- ۱۳ ﴿إِنَّهُ لَقَوْلٌ فَصْلٌ﴾ که این قرآن، فاصل بین حق و باطل است
- ۱۴ ﴿وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ﴾ یاوه گویی و خلاف حق نیست
- ۱۵ ﴿إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا﴾ کفار آنچه می توانند کید و مکر می کنند
- ۱۶ ﴿وَأَكِيدُ كَيْدًا﴾ من هم کید و مکر می کنم
- ۱۷ ﴿فَمَهْلٍ الْكٰفِرِينَ أَْمِهْلُهُمْ رُوَيْدًا﴾ کفار را مهلت بده، بازهم مهلت، مرتبه سوم هم مهلت.

آیاتها ۱۹

سُورَةُ الْأَعْلَى

المکِّي

همه جا کلمات اسم خدا در بِسْمِ اللَّهِ و جای دیگر، تفسیر به امام شده که خداوند می فرماید: از آن ها کمک بگیرید و آن ها را از عیب و گناه منزّه بدانید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- ۱ ﴿سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى﴾ اسم پروردگار اعلی را از عیوب منزّه بدان
- ۲ ﴿الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى﴾ خدایی که آفرید و به اعتدال رسانید
- ۳ ﴿وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى﴾ زندگی را مهندسی کرد و هدایت نمود
- ۴ ﴿وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى﴾ خدایی که چراگاه زندگی آفرید
- ۵ ﴿فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى﴾ و بعد آن را خشک و بی محتوا نمود
- ۶ ﴿سَنْقُرِيكَ فَلَا تَنْسَى﴾ قرآن را برای تو می خوانیم، فراموش نخواهی کرد

- ﴿۷﴾ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَىٰ
 آشکار و نهان را می‌داند مگر آنچه را خدا بخواهد که
- ﴿۸﴾ وَنُيَسِّرُكَ لِلْيُسْرَىٰ
 تو را آرام آرام به آسایش و آرامش می‌رسانیم
- ﴿۹﴾ فَذَكِّرْ إِنْ نَفَعَتِ الذِّكْرَىٰ
 خدا را یادآوری کن که سودبخش است
- ﴿۱۰﴾ سَيَذَكِّرُ مَنْ يَخْشَىٰ
 کسی که عظمت او را درک کند، معرفت فرا می‌گیرد
- ﴿۱۱﴾ وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَىٰ
 فقط شقاوت‌مندان، از قرآن دوری می‌کنند
- ﴿۱۲﴾ الَّذِي يَصِلَى النَّارَ الْكُبْرَىٰ
 همان‌ها که آتش بزرگ را روشن می‌کنند
- ﴿۱۳﴾ ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ
 بعد در آن آتش نه می‌میرند و نه زندگی دارند
- ﴿۱۴﴾ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّىٰ
 رستگار کسی است که خود را پیروراند (زکات بدهد)
- ﴿۱۵﴾ وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّىٰ
 به یاد خدا باشد و نماز بخواند
- ﴿۱۶﴾ بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا
 شما مردم، زندگی دنیا را اختیار می‌کنید
- ﴿۱۷﴾ وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ
 با اینکه آخرت بهتر و باقی‌تر است
- ﴿۱۸﴾ إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَىٰ
 این علوم در کتب گذشتگان بود
- ﴿۱۹﴾ صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ
 در کتب ابراهیم و موسی.

غاشیه عذاب فراگیر بشریت است که خدا در سوره دخان می‌گوید: يَغْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ
 آیا عذاب فراگیر جهانی را دانسته‌ای؟ *

* غاشیه در این سوره، همان عذابی است که در سوره دخان می فرماید: فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ، يَغْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ همین بمب‌های هسته‌ای با موشک‌های قاره‌پیما است که عالم را محاصره کرده که با انفجار آن، مرگ اهل زمین خواهد رسید که خداوند فرمود: وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا. همان جنگی است که فرمود: يَمُوتُ ثُلُثٌ وَيَقْتُلُ ثُلُثٌ وَيَبْقَى ثُلُثٌ و بعد از این جنگ، چاره‌ای جز ظهور امام (عج) نیست.

﴿۲﴾ **وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ** که وجوه دنیا در مقابل آن بی چاره‌اند

﴿۳﴾ **عَامِلَةٌ نَّاصِبَةٌ** اعمالشان بر اساس نصب عداوت خدا و اولیاء خداست

﴿۴﴾ **تَصَلَّى نَارًا حَامِيَةً** آن‌ها که آتش هسته‌ای را روشن می‌کنند

﴿۵﴾ **تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ عَآنِيَةٍ** با افکار آنی و زود گذر هدایت می‌شوند (عاقبت بین نیستند)

﴿۶﴾ **لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيحٍ** کفار، طعامی جز با رنج فراوان ندارند

﴿۷﴾ **لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ** متاعی که تقویت نمی‌کند و گرسنگی را بر طرف نمی‌نماید

﴿۸﴾ **وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاعِمَةٌ** چهره‌های دین خدا آن روز متنعم هستند

﴿۹﴾ **لِسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ** از کار و کسب خود خوشنودند

﴿۱۰﴾ **فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ** در مقامات عالی بهشتند

﴿۱۱﴾ **لَا تَسْمَعُ فِيهَا لَغِيَةً** یاوه گویی‌ها و لغویات نمی‌شنوند

﴿۱۲﴾ **فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ** چشمه علم و حکمت در وجودشان جاری است

﴿۱۳﴾ **فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ** سریر قدرت و حکومت بر کائنات در اختیار آن‌هاست

﴿۱۴﴾ **وَأَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ** ظرف‌ها و تجملات زندگی

﴿۱۵﴾ وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ پستی‌ها و متکاها همه جا

﴿۱۶﴾ وَزَرَائِبُ مَبْثُوثَةٌ زیبایی‌ها همه جا جلوه‌گر است

﴿۱۷﴾ أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ در خلقت شتران فکر کنید چطور ساخته شدند

﴿۱۸﴾ وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ در آسمان و فضای فکر که ارتفاع یافته

﴿۱۹﴾ وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ کوه‌های زمین و کوه‌های قدرت نصب شده

﴿۲۰﴾ وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ و سطح زمین و زمینه تربیت چگونه گسترش یافته

﴿۲۱﴾ فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ آثار نعمت و قدرت را یادآوری کن، تو فقط یاد آورنده‌ای

﴿۲۲﴾ لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ تغییردهنده ذوات نیستی

﴿۲۳﴾ إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَكَفَرَ مگر کسانی که اعراض می‌کنند و کافرند

﴿۲۴﴾ فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ که خداوند سخت آن‌ها را عذاب می‌کند

﴿۲۵﴾ إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ رجعت مردم به سوی ما

﴿۲۶﴾ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ و حسابشان با ما خواهد بود. (ضمیر جمعی در این آیات خدا و وسایط حکومت‌اند که در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم: (إِيَابُهُمْ إِلَيْكُمْ وَحِسَابُهُمْ عَلَيْنَا)).

است زیرا عالم خلقت به منزله خانه و انسان کامل، صاحب خانه است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ وَالْفَجْرِ قسم به فجر ظهور نور ﴿۲﴾ وَلَيَالٍ عَشْرٍ و شب‌های ده‌گانه

﴿۳﴾ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ و قسم به شفع و وتر

﴿۴﴾ وَاللَّيْلِ إِذَا يَسِرٍ و شب طولانی غیبت تا که سیرش به آخر رسد (و حکومت الهی دایر شود)

﴿۵﴾ هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حِجْرٍ آیا خردمندان، این قسم‌ها را می‌شناسند؟
(که قسم به اشخاص است نه به اشیاء)

﴿۶﴾ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ ندیدی خداوند با قوم عاد چه کرد؟

﴿۷﴾ إِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ صاحبان باغ ارم مجهز به ستون‌ها

﴿۸﴾ الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ باغی که نمونه تاریخی نداشت

﴿۹﴾ وَثَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ و قوم ثمود که در دل کوه‌ها خانه می‌تراشیدند

﴿۱۰﴾ وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ و یا فرعون که مظلوم را به چهارمیخ می‌کشید

﴿۱۱﴾ الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ و کسانی که سر به طغیان کشیدند

﴿۱۲﴾ فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ زندگی مردم را به فساد می‌کشیدند

﴿۱۳﴾ فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ خداوند بر آن‌ها تازیانه عذاب بارید

﴿۱۴﴾ إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ خداوند در کمین ستم کاران است

﴿۱۵﴾ فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ

انسان چنان فکری دارد که اگر خدا به او ثروت بدهد می گوید: بنده خوبی بودم، خدا حق مرا رعایت کرد

﴿۱۶﴾ وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهْنَنِ

دیگر او را به فقر مبتلا کند، می گوید: خدا به من توهین کرد، حق مرا ضایع نمود (دارایی و ناداری را به حساب حق و تزییع حق خود می گذارد و خدا را ظالم می داند)

﴿۱۷﴾ كَلَّا بَلْ لَّا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ

چنین نیست، بلکه یتیم را اکرام نکردید

﴿۱۸﴾ وَلَا تَحْضُونَ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ

و مساکین را اطعام ننمودید

﴿۱۹﴾ وَتَأْكُلُونَ الثَّرَاثَ أَكْلًا لَّمًّا

ارث خدا و رسول را پُر و فراوان خوردید

(زیرا یک پنجم ثروت‌ها مال خداست)

﴿۲۰﴾ وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا

مال دنیا را زیاد دوست داشتید

﴿۲۱﴾ كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا

زمانی که زندگی اهل زمین کوبیده شود

﴿۲۲﴾ وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا

حکومت پروردگار تو با قیام رب الارض و

فرشتگان صف در صف شروع شود

﴿۲۳﴾ وَجَاءَ يَوْمَئِذٍ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّىٰ لَهُ الذِّكْرَىٰ

جهنم ظاهر

شود، آن روز انسان متذکر جنایات خود می شود که دیگر سودی ندارد

﴿۲۴﴾ يَقُولُ يَلَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي

در اینجا آرزو می کند که ای کاش، برای این

زندگی ذخیره‌ای داشتم

﴿۲۵﴾ فَيَوْمَئِذٍ لَّا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ

در این زمان است که هیچ کس برابر

انسان، انسان را عذاب نمی کند

﴿۲۶﴾ وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ
و برابر او انسان را در قیدوبند قرار نمی دهد

﴿۲۷﴾ يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ
ای انسان با اطمینان

﴿۲۸﴾ أَرْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكَ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً
که خوشنودِ خدایی، در جوار رحمت

خدا باش

﴿۲۹﴾ فَأَدْخُلِي فِي عِبَادِي
در میان بندگان خودم

﴿۳۰﴾ وَأَدْخُلِي جَنَّتِي
در بهشت مخصوص خودم که رضوان الله است (مصدق این
خطبات امام حسین (ع) شناخته شده است).

آیاتها ۲۰

سُورَةُ الْبَلَدِ

المکّی

این سوره را به مناسبت اینکه عظمت خانه کعبه را منوط به وجود رسول خدا می داند، سوره بلد نامیده شده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ
در صورتی به خانه کعبه قسم می خورم

﴿۲﴾ وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ
که تو آنجا باشی

﴿۳﴾ وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدٌ
قسم به پدر صالح و فرزندان

﴿۴﴾ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ
ما انسان را در رنج و مشقت آفریدیم

﴿۵﴾ أَيْحَسِبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ
خیال می کند کسی بر او مسلط نیست،

آزاد است

﴿۶﴾ يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا
که می گوید: این همه مال و ثروت را نابود کردم

- ﴿۷﴾ أَيَحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ خیال می کند کسی بر او نظارت نداشته
- ﴿۸﴾ أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ مگر ما دو چشم بینا به او ندادیم (تا جای پای خود را ببیند)؟
- ﴿۹﴾ وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ زبان و لب گویا به او ندادیم؟
- ﴿۱۰﴾ وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ و او را به دو کوه خیر و شر هدایت نمودیم؟
- ﴿۱۱﴾ فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ او از عقبه مسئولیت عبور نکرد
- ﴿۱۲﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ تو می دانی عقبه مسئولیت چه بود؟
- ﴿۱۳﴾ فَكُ رَقَبَةٍ برده‌ای و یا گرفتاری را آزاد کند
- ﴿۱۴﴾ أَوْ إِطْعَمٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ یا در ایام گرسنگی، گرسنه‌ای را سیر نماید
- ﴿۱۵﴾ يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ یتیمی از خویشاوندان و
- ﴿۱۶﴾ أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ یا مسکینی زمین گیر
- ﴿۱۷﴾ ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ با همه این‌ها اهل ایمان و عمل صالح باشد، مردم را امر به صبر و به یکدیگر رحم نماید
- ﴿۱۸﴾ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ چنین افرادی با میمنت و برکت هستند
- ﴿۱۹﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ و کسانی که کافر به آیات خدا می شوند، شوم و نامبارک‌اند
- ﴿۲۰﴾ عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّؤَصَّدَةٌ و عاقبت در محاصره آتش‌ها قرار می گیرند.

در این سوره مبارکه هم خداوند متعال از اشخاص تعبیر به اشیاء می‌کند. شمس و قمر و نهار، تاویل به معصومین (ع) شده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا

قسم به خورشید و تابش آن

﴿۲﴾ وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا

و قسم به ماه که در پی خورشید حرکت می‌کند

﴿۳﴾ وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّهَا

و روز که خورشید را جلوه می‌دهد

﴿۴﴾ وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا

و فضای تاریک که خورشید را می‌پوشد

﴿۵﴾ وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا

و قسم به آسمان سازمان ولایت و کسی که آن را ساخته

﴿۶﴾ وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاهَا

و زمینه تربیت و کسی که آن را گسترده است

﴿۷﴾ وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا

و نفس انسانی و کسی که آن را مهندسی نموده

﴿۸﴾ فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا

فجور و تقوا را به او آموخته است

﴿۹﴾ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا

رستگار کسی است که نفس خود را پاک کند و بی‌پروراند

﴿۱۰﴾ وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا

نا امید کسی است که خود را آلوده کند

﴿۱۱﴾ كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا

قوم ثمود با طغیان خود، دین خدا را تکذیب نمودند

﴿۱۲﴾ إِذِ انبَعَثَ أَشْقَاهَا

که شقی‌ترین خود را مأمور قتل ناقه صالح کردند

﴿۱۳﴾ فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا

رسول خدا گفت: ناقه را به خود

واگذارید

﴿۱۴﴾ فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُم بِذَنبِهِمْ فَسَوَّاهَا

او را تکذیب

کردند و ناقه را کشتند، خدا آن‌ها را در معرض عذاب قرارداد و آن‌ها را با خاک

یکسان کرد

﴿۱۵﴾ وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا
که از عاقبت جنایت نترسیدند.

آیاتها ۲۱

سُورَةُ اللَّيْلِ

المکي

کلمات شب و روز که خدا به آن قسم می خورد، انسان های کاملی هستند که طبیعت به نام آن ها ساخته شده زیرا اگر انسان های عارف نبودند، خلقت عالم و آدم لغو بود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى
قسم به دوره غیبت که ظلمت آن فراگیر است﴿۲﴾ وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى
و قسم به خورشید ولایت که تجلی کند﴿۳﴾ وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى
و آنچه زن و مرد که آفریده است﴿۴﴾ إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى
کار و کوشش شما مختلف است﴿۵﴾ فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى
هر کس تقوا پیشه کند و به مردم خدمت نماید﴿۶﴾ وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى
و نیکوکاری را تصدیق کند﴿۷﴾ فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى
وصول به سعادت را برایش آسان می کنیم﴿۸﴾ وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى
و هر کس بخل کند، خود را از خدا بی نیاز بداند﴿۹﴾ وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى
نیکی و نیکوکاری را تکذیب نماید﴿۱۰﴾ فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَى
او را آسان به دایره مشقت می کشانیم﴿۱۱﴾ وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى
در این دایره از ثروت خود سودی نمی برد﴿۱۲﴾ إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَى
وظیفه ما هدایت است

﴿۱۳﴾ وَإِنَّ لَنَا لِلْآخِرَةِ وَالْأُولَىٰ

زندگی دنیا و آخرت به دست ماست

﴿۱۴﴾ فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّىٰ

شما را از زبانه آتش می ترسانیم

﴿۱۵﴾ لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَىٰ

شقی ترین مردم آن را روشن می کند

﴿۱۶﴾ الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ

کسی که خودرأی است و دین را تکذیب می کند

﴿۱۷﴾ وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَىٰ

با تقواترین از آن اجتناب می کند

﴿۱۸﴾ الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّىٰ

همان ها که زکات مال خود را می دهند

﴿۱۹﴾ وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَىٰ

بدون اینکه فقیر بر او حقی داشته باشد

﴿۲۰﴾ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَىٰ

فقط برای خدا خدمت می کند

﴿۲۱﴾ وَلَسَوْفَ يَرْضَىٰ

به زودی از عمل خود راضی می شود.

آیاتها ۱۱

سُورَةُ الضُّحَىٰ

المکی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ وَالضُّحَىٰ

قسم به روز روشن اسلام

﴿۲﴾ وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ

و شب کفر که دامن بگستراند

﴿۳﴾ مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ

پروردگار، تو را رها نکرد و خشم نگرفت

﴿۴﴾ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَىٰ

آخرت برای تو از دنیا بهتر است

﴿۵﴾ وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ

آن قدر به تو ببخشد که راضی شوی

﴿۶﴾ أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ

مگر یتیم نبودی که تو را پناه داد؟

- ۷ ﴿وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ﴾
یا مگر گمراه نبودى که تو را هدایت کرد؟
- ۸ ﴿وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَىٰ﴾
فقیر نبودى که به تو ثروت داد؟
- ۹ ﴿فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ﴾
پس یتیم را از خود نرنجان
- ۱۰ ﴿وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ﴾
و به سائل تشر نزن
- ۱۱ ﴿وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ﴾
نعمت الهی را به مردم ابلاغ کن.

آیاتها ۸

سُورَةُ الشَّرْحِ

المکي

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- ۱ ﴿أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ﴾
مگر سینه تو را به علم و حکمت وسعت ندادیم؟
- ۲ ﴿وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ﴾
بار سنگین مسئولیت را از عهده تو برنگرفتیم؟
- ۳ ﴿الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ﴾
باری که کمر تو را شکسته بود
- ۴ ﴿وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ﴾
یاد و نام تو را بلند آوازه نکردیم؟
- ۵ ﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾
صبر کن! دنباله سختی آسایش است
- ۶ ﴿إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾
باز هم صبر، در پی سختی آسایش است
- ۷ ﴿فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ﴾
از کار نبوت فارغ شدی، خلیفهات را نصب کن
- ۸ ﴿وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَأَرْعَبْ﴾
برای لقاء خدا آماده باش.

آیاتها ۸

سُورَةُ التَّيْنِ

المکي

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- ﴿۱﴾ وَالَّتَيْنِ وَالزَّيْتُونِ قسم به انجیر و زیتون ﴿۲﴾ وَطُورِ سَيْنِينَ و طور سینا
- ﴿۳﴾ وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ و این شهر امن و امان
- ﴿۴﴾ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ما انسان را در اعتدال کامل آفریدیم
- ﴿۵﴾ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ و او را در اثر کفر به اسفل السافلین برگردانیدیم
- ﴿۶﴾ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ مگر اهل ایمان و عمل صالح که اجری بدون منت دارند
- ﴿۷﴾ فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالذِّينِ بعد از این آیات چه کسی دین تو را تکذیب می کند؟
- ﴿۸﴾ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ مگر خدا بهترین حاکم نیست؟.

آیاتها ۱۹

سُورَةُ الْعَلَقِ

المکّی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- ﴿۱﴾ أَقْرَأُ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ برای قرائت قرآن، از اسم پروردگار آفریننده کمک بگیر
- ﴿۲﴾ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ خدایی که انسان را از خون بسته آفرید
- ﴿۳﴾ أَقْرَأُ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ خدا را این طور تعریف کن که کریم و بزرگوار است
- ﴿۴﴾ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ خدایی که با قلم تربیت خود به انسان آموخت
- ﴿۵﴾ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ علومی را که نمی دانست

﴿۶﴾ كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظٍ
چنین نیست، انسان طغیان می کند

﴿۷﴾ أَلَمْ نَجْعَلْ لَكَ كَلِمَاتٍ
اگر خود را بی نیاز بداند

﴿۸﴾ إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ
بازگشت همه به سوی خداست

﴿۹﴾ أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَىٰ
ببین، چه قدر بی حیاست کسی که

﴿۱۰﴾ عَبْدًا إِذَا صَلَّىٰ
بنده خدا را از نماز باز می دارد

﴿۱۱﴾ أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَىٰ الْهُدَىٰ
بگو: چه جواب داری اگر او در خط هدایت باشد

﴿۱۲﴾ أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَىٰ
یا مردم را به تقوا امر کند

﴿۱۳﴾ أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ
تازه اگر دین را تکذیب کند و خودرأی باشد

﴿۱۴﴾ أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ
به تو مربوط نیست مگر خدا نمی بیند

﴿۱۵﴾ كَلَّا لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ
چنین نیست، اگر از فضولی و بی حیایی

منصرف نشود

﴿۱۶﴾ نَاصِيَةٍ كَذِبَةٍ خَاطِئَةٍ
موی پیشانی قلبی کاذب خطا کار او را می گیریم

﴿۱۷﴾ فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ
او از یاران خود کمک بخواهد

﴿۱۸﴾ سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ
ما هم از شعله آتش کمک می گیریم

﴿۱۹﴾ كَلَّا لَا تُطِيعُهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ ﴿سجده واجب﴾
اعتنا نکن، خدا را سجده کن،

به خدا نزدیک باش.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- ﴿۱﴾ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم (شب قدر، شبی است که انسان با تابش نور ایمان، حقیقت حق را درک کند)
- ﴿۲﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ چه می‌دانی شب قدر چیست؟
- ﴿۳﴾ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ شب قدر از هزار ماه بهتر است
- ﴿۴﴾ تَنْزِيلُ الْمَلَكِ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِّنْ كُلِّ أَمْرٍ زیرا فرشته و روح در آن شب به امر خدا ارزش انسان را بالا می‌برند
- ﴿۵﴾ سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطَلَعِ الْفَجْرِ و سلامتی او را تا صبح قیامت تأمین می‌کنند.

آیاتها ۸

سُورَةُ الْبَيِّنَةِ

المدنی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- ﴿۱﴾ لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِينَ حَتَّىٰ تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ کفار از اهل کتاب و مشرکین از کفر خود جدا نمی‌شوند، گرچه دلایل روشن ببینند
- ﴿۲﴾ رَسُولٌ مِّنْ اللَّهِ يَتْلُوا صُحُفًا مُّطَهَّرَةً آن دلایل، رسول خداست که کتاب‌های پاک و منزّه برای آنها تلاوت می‌کند
- ﴿۳﴾ فِيهَا كُتُبٌ قَيِّمَةٌ در آن کتاب‌ها، علوم روشن و پایدار
- ﴿۴﴾ وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَةُ اهل کتاب

زمانی تفرقه پیدا کردند که دلایل حق برای آنها روشن شد

﴿۵﴾ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا

الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ تمامی مردم یکنواخت مأمور شدند بنده خدا باشند،

دین خود را خالص کنند، متمایل به حق باشند، نماز اقامه کنند و زکات بدهند، این

مواد پنج گانه، دین پایدار است

﴿۶﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا

أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ کفار و مشرکین، عاقبت گرفتار جهنم می شوند در آن

مخلد هستند، آنها بدترین مردم اند

﴿۷﴾ إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ و کسانی که

ایمان به خدا می آورند و عمل صالح دارند، بهترین مردم هستند

﴿۸﴾ جَزَاءُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا

رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ پاداش آنها نزد پروردگار،

علم و قدرتی است که نعمت‌ها از آن جریان دارد، در آن نعمت جاویدند و خدا از

آنها راضی و آنها از خدا خوشنودند، این مقام برای کسی است که عظمت خدا را

درک می کند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا زمانی که یک جا زندگی اهل زمین متزلزل شود

﴿۲﴾ وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا زمین شخصیت‌های بزرگ را از دل خود بیرون

کند

﴿۳﴾ وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا انسان متعجب می‌شود که چه شده و چه خواهد شد

﴿۴﴾ يَوْمَئِذٍ تُخَدِّثُ أَخْبَارَهَا آن وقت زمین حوادث تاریخ را گزارش می‌دهد

﴿۵﴾ بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَى لَهَا که خداوند حوادث را به آن وحی می‌کند

﴿۶﴾ يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَلَهُمْ تمامی انسان‌ها از دل خاک در

وضع مختلف ظاهر می‌شوند تا اعمال خود را ببینند

﴿۷﴾ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ هر کس ذره‌ای عمل نیک انجام داده

می‌بیند

﴿۸﴾ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ و هر کس ذره‌ای عمل بد داشته باشد

می‌بیند.

آیاتها ۱۱

سُورَةُ الْعَادِيَاتِ

المکِّي

این سوره، تقدیرنامه جنگ‌های مولی علی علیه‌السلام است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا قسم به اسب‌ها که با سرعت دویدند و نفس زدند

﴿۲﴾ فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا و با سم‌های خود جرقه می‌پرانیدند

﴿۳﴾ فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا بین طلوعین، دشمن را غارت کردند

﴿۴﴾ فَأَثَرْنَ بِهِ نَقْعًا با این حملات، گرد و غبار برانگیختند

﴿۵﴾ فَوْسَطْنَ بِهِ جَمْعًا به ناگاه، دشمن را به محاصره درآوردند

﴿٦﴾ إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ

این انسان است که با مربی خود سخت حسادت

دارد

﴿٧﴾ وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ

و گواه زشت خویی و بدی عمل می باشد

﴿٨﴾ وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ

شدیداً مال دنیا را دوست می دارد

﴿٩﴾ أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعِثَ رَمًا فِي الْقُبُورِ

چرا نمی داند که وقتی مردگان از قبر

خارج شوند

﴿١٠﴾ وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ

و آنچه در دل پنهان داشته اند، آشکار شود

﴿١١﴾ إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ

پروردگارشان به حال آنها آگاهی کامل دارد.

آیاتها ۱۱

سُورَةُ الْقَارِعَةِ

المکي

قارعه به معنای جنگ های کوبنده و خراب کننده ساختمان ها است و نظر به اینکه اسلام و قرآن یک کتاب جهانی است، مسائل آن هم جهانی است. پس قارعه به معنای جنگ جهانی است که از سه جنگ جهانی خبر می دهد، جنگ جهانی سوم باقی مانده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿١﴾ الْقَارِعَةُ

چیست آن کوبنده؟

﴿٢﴾ مَا الْقَارِعَةُ

آن جنگ کوبنده

﴿٣﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ

چه می دانی چیست آن جنگ کوبنده؟

﴿٤﴾ يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ

روزی که مردم مانند پروانه های

شمع پراکنده اند

﴿٥﴾ وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ

و پشم کوهها (ابر قدرت ها) زده می شود

- ﴿۶﴾ فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ
هر کس متین و سنگین شناخته شود
- ﴿۷﴾ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ
در یک زندگی پسندیده قرار می‌گیرد
- ﴿۸﴾ وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ
و هر کس سبک سر شناخته شود
- ﴿۹﴾ فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ
هدفش هوی و هوس است
- ﴿۱۰﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَةٌ
چه می‌دانی هاویه چیست؟
- ﴿۱۱﴾ نَارٌ حَامِيَةٌ
آتش جهنم است.

المکّی

سُورَةُ التَّكْوِيْنِ

آیاتها ۸

تکاور به معنای مسابقه در کثرت مفاخر دنیایی است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- ﴿۱﴾ أَلْهَدِكُمْ التَّكْوِيْنَ
کثرت طلبی دنیا شما را به غفلت انداخت
- ﴿۲﴾ حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ
تا جایی که به کثرت مردگان فخر کردید
- ﴿۳﴾ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ
چنین نیست که در این خرافه‌ها بمانید، به زودی می‌دانید
- ﴿۴﴾ ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ
باز هم خواهید دانست
- ﴿۵﴾ كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِيْنِ
چنین نیست اگر علمتان قطعی شود
- ﴿۶﴾ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيْمَ
در همین دنیا جهنم را می‌بینید
- ﴿۷﴾ ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِيْنِ
بعد به چشم یقین خواهید دید
- ﴿۸﴾ ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيْمِ
و بعد مسئول نعمت ولایت خواهید بود.

المکّی

سُورَةُ الْعَصْرِ

آیاتها ۳

عصر به معنای عصاره خلقت که آن عصاره و آخرین نتیجه، ظهور حکومت امام زمان (عج) است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ وَالْعَصْرِ
قسم به عصر (آخرین نتیجه زندگی، حکومت امام زمان (عج)) *

* عصر به معنای عصاره تاریخ است که وارث این بشریت به منزله شجره‌ای است که آخرین عصاره آن، حکومت امام زمان (عج) است. که فرمود: إِنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ. و يَا أَيُّهَا النَّحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَكَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ، امام زمان (عج) است.

﴿۲﴾ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ
که انسان دائم در خسارت است

﴿۳﴾ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ
مگر

اهل ایمان و عمل صالح که یکدیگر را به رعایت حقوق و صبر برای رسیدن به نتیجه سفارش می‌کنند (عمل صالح مانند بذر است که در آخرت محصول می‌دهد).

آیاتها ۹

سُورَةُ الْهُمَزَةِ

المکي

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ
وای به حال مسخره کنندگان

﴿۲﴾ الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ
کسی که به کثرت مال و منال می‌نازد

﴿۳﴾ يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ وَآخِلَهُ
خیال می‌کند مال و ثروت او را تا ابد نگه می‌دارد

﴿۴﴾ كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ
چنین نیست، مال پرستی او را به عذاب شدید

می‌کشد

﴿۵﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ
نمی‌دانی که چیست آن عذاب

﴿۶﴾ نَارُ اللَّهِ الْمُوَقَّدَةُ
آتش خدا که برافروخته می‌شود

﴿۷﴾ الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ مشرف به وجوه و دل‌های دنیاپرستان می‌شود

﴿۸﴾ إِنَّهَا عَلَيْهِم مُّوَصَّدَةٌ آتشی که آن‌ها را در همان

﴿۹﴾ فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ ساختمان‌های آسمان خراش محاصره می‌کند.

آیاتها ۵

سُورَةُ الْفِيلِ

المکّی

ابرهه سی هزار لشکر آورد تا خانه کعبه را خراب کند، با خدا بجنگد. خدا به وسیله مرغ‌های ابابیل با پرتاب سنگ اسیدی آن‌ها را بمباران کرد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ ندیدی خدا با اصحاب فیل چه کرد؟

﴿۲﴾ أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ که مکرو سیاست آن‌ها را عامل هلاکت ساخت؟

﴿۳﴾ وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ مرغ‌های ابابیل را به جنگ آن‌ها فرستاد

﴿۴﴾ تَرْمِيمِهِمْ بِجَارَةِ مِّنْ سِجِّيلٍ سنگ‌های اسیدی جهنم به طرف آن‌ها پراچندند

﴿۵﴾ فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ مانند برگ‌های خورد شده روی زمین افتادند.

آیاتها ۴

سُورَةُ قُرَيْشٍ

المکّی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ لِإِيلَافِ قُرَيْشٍ الفت قریش را بین

﴿۲﴾ إِهْلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ الفت آن‌ها در دو سفر زمستانی و تابستانی

﴿۳﴾ فَلَیَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَیْتِ بگو: صاحب حرم را پرستش کنند

﴿۴﴾ الَّذِیْ أَطْعَمَهُمْ مِّنْ جُوعٍ وَعَامَنَهُمْ مِّنْ خَوْفٍ که آنها را امنیت داد و از

گرسنگی نجات داد *

* اهل حرم به تجارت و وحدت تجاری خود نازیدند، خدا فرمود: افتخار شما به این است که در پناه حرم زندگی می کنید.

آیاتها ۷

سُورَةُ الْمَاعُونِ

المکّی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ أَرَأَيْتَ الَّذِیْ یُكذِّبُ بِالْدِّینِ تو دیدی کسی را که دین خدا را تکذیب

می کند؟

﴿۲﴾ فَذَلِكَ الَّذِیْ یَدْعُ الْیَتِیْمَ همین افرادند که یتیمان و ضعفا را زجر می دهند

﴿۳﴾ وَلَا یَحْضُ عَلَی طَعَامِ الْمَسْکِیْنِ و برای کمک به فقرا قدمی بر نمی دارند

﴿۴﴾ فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّیْنَ وای به حال نمازگزارانی که

﴿۵﴾ الَّذِیْنَ هُمْ عَن صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ به نمازشان بی اعتنا هستند

﴿۶﴾ الَّذِیْنَ هُمْ یُرَآءُونَ همان ها که ریاکارند

﴿۷﴾ وَیَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ و مانع کارهای خیر می شوند.

آیاتها ۳

سُورَةُ الْكَوثرِ

المکّی

این سوره شریفه، شناسنامه حضرت زهرا(س) است که خداوند متعال ایشان را مبدأ خیرات و برکات الهی در دنیا و آخرت معرفی می کند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ إِنَّا أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ
 ما اقیانوس خیرات و برکات به تو بخشیدیم
 ﴿۲﴾ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ
 به شکرانه این نعمت بزرگ، نماز بخوان و قربانی کن
 ﴿۳﴾ إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ
 آن ملامت کننده بی حیا خودش بلا عقب است.

آیاتها ۶

سُورَةُ الْكَافِرُونَ

المکي

این سوره هم نمایشگر این است که اهل باطل می توانند دین و مرام اهل حق را قبول کنند که حقیقت است ولی اهل حق نمی توانند مرام آن ها را قبول کنند که ضلالت است. ضلالت، عدم است و عدم، قابل قبول نیست.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ
 بگو: ای جماعت کفار
 ﴿۲﴾ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ
 من نمی توانم بت های شما را پرستم
 ﴿۳﴾ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ
 شما هم شعور پرستش خدای ما را ندارید
 ﴿۴﴾ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ
 نه من نمی توانم معبود شما را بپذیرم
 ﴿۵﴾ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ
 و شما به جهل خود خدای مرا نمی پرستید
 ﴿۶﴾ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ
 بروید، دین شما برای خودتان و دین من برای خودم.

آیاتها ۳

سُورَةُ النَّصْرِ

المدني

این سوره، از فتح جهانی اسلام خبر می دهد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ
 زمانی که نصرت خدا و فتح جهانی اسلام رسید

﴿۲﴾ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا
و دیدی که مردم گروه گروه
به دین اسلام داخل می شوند

﴿۳﴾ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا
به شکرانه این فتح بزرگ، او
را تسبیح و ستایش کن و مغفرت بخواه که او توبه پذیر است.

آیاتها ۵

سُورَةُ الْمَسَدِ

المکّی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ
بریده باد دو دست ابی لهب و بریده باد

﴿۲﴾ مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ
از مال و ثروت خود نتیجه ای نگرفت

﴿۳﴾ سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ
به زودی آتش جهنم را خواهد افروخت

﴿۴﴾ وَامْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ
و همچنین زن هیزم کش تمام او

﴿۵﴾ فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ
که ریسمان لیف خرما او را خفه کرد.

آیاتها ۴

سُورَةُ الْإِخْلَاصِ

المکّی

این سوره، خدا را چنان تعریف می کند که نمونه ای در اصول و فروع آفرینش ندارد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ
بگو: فقط اوست خدای یگانه

﴿۲﴾ اللَّهُ الصَّمَدُ
خدای بی نیاز و نامتناهی

﴿۳﴾ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ
نه مبدأ است و نه مبدئی دارد (فوق عدد و مبدأ اعداد است)

﴿٤﴾ وَلَمْ يَكُن لَّهُمْ كُفُوًا أَحَدٌ پس نمونه و نظیر ندارد.

آیاتها ۵	سُورَةُ الْفَلَقِ	المکّی
----------	-------------------	--------

این سوره، مبادی شرّ و فساد را تعریف می کند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿١﴾ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ بگو: پناه می برم به خدای شکافنده اسرار

﴿٢﴾ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ از شرّ مخلوقات

﴿٣﴾ وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ و از شرّ دزد عقل و دین که از تاریکی و بی راهه وارد می شود

﴿٤﴾ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ و از شرّ جادوگران و سست کننده عقیده ها

﴿٥﴾ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ و از شرّ حسودان که حسودی می کنند.

آیاتها ۶	سُورَةُ النَّاسِ	المکّی
----------	------------------	--------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿١﴾ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ بگو: پناه می برم به پروردگار مردم

﴿٢﴾ مَلِكِ النَّاسِ پادشاه مردم
﴿٣﴾ إِلَهِ النَّاسِ خدای مردم

﴿٤﴾ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ از شرّ شیاطین و سوسه گر

﴿٥﴾ الَّذِي يُوسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ که افکار مردم را و سوسه می کند

﴿٦﴾ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ شیاطین جنّی و انسانی

دعای ختم قرآن

پروردگارا!

سینه‌ام را به برکت قرآن کشاده فرما بدنم را به دستورات قرآن به کار گیر

دیدگانم را به نور قرآن روشن ساز زبانم را به خواندن قرآن بکشا

مرا تا زنده‌ام بر غل به قرآن یاری فرما که هیچ نیرویی به جز به یاری تو نیست

آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ



بسمه تعالی

آیت الله حاج شیخ محمدعلی صالح غفاری (ره)، فرزند حاج عبدالرزاق، در سال ۱۳۰۲ (ه.ش) در صد خرو، از توابع سبزوار، به دنیا آمد. در شرح حالی به قلم خود استاد در کتاب «صد خرو، خاستگاه فرهنگ» مراحل تحصیل و پیشرفت علمی ایشان این گونه بیان شده است:

«... چند ماهی در مجلس درس اخلاق مرحوم حاج شیخ حبیب اله گلپایگانی که از نوادر زهاد خراسان بود حاضر می شدم و بعد به مجالس درس سید العلماء مرحوم حاج میرزا احمد معروف به «نهنگ العلماء» و درس مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی عَظَّرَ اللهُ مَرَقَدَهُ هُمَا حاضر می شدم. دروس عقاید خود را در محضر دانشمند بزرگوار مرحوم حاج میرزا مهدی اصفهانی تلمذ نمودم و بعد در سال ۱۳۲۵ (ه.ش) به نجف اشرف مشرف شدم و در محضر درس حجت الاسلام آیت الله خویی و میرزا عبد الهادی شیرازی و محضر آیت الله سید محسن حکیم تلمذ داشتم. اقامت من در مشهد مقدس و نجف اشرف حدود هفت سال بود لیکن در تمام این مجالس و محافل خود را در حضور خدا می دیدم و در انتظار لطفی از جانب خداوند متعال بودم و می دانستم که در مکتب ولایت ائمه اطهار بدون لطف خاص خدا و ائمه اطهار انسان موفق به کشف حقایق قرآن و احادیث اهل بیت نمی شدم زیرا مکتب ولایت مولای مکتب خداست و بدون بذل توجه از جانب خداوند پیشرفت حاصل نمی شدم لذا در عین حال که در مجالس درس حاضر می شدم در حال خواهش و کرنش از خداوند متعال بودم مخصوصاً وقتی با احادیثی از ائمه اطهار (علیهم السلام) برخورد می کردم که می فرمایند: «حقایق قرآن و احادیث آل محمد (ع) صعب است. تحمل آن مشکل است مگر اینکه ملک مقرب یا نبی مرسل یا مؤمنی باشد که خداوند قلب او را بر ایمان امتحان کند» یا این حدیث که فرمود: «لَيْسَ الْعِلْمُ بِكَثْرَةِ التَّعَلُّمِ بَلْ هُوَ نُورٌ يَقْدِفُهُ اللَّهُ فِي قَلْبِهِ مَنْ يَشَاءُ» امثال این احادیث و آیات که کشف حقایق را به دست خدا می دانست، طمع مرا برانگیخت که دست به دامن خدا شوم و این توسل و ارتباط را جدی بگیرم و هر چه یا هر جور

برایم مقدر شود، صبر کنم... کم کم دیدم دعایم مستجاب می‌شود، علوم ذهنی من از حالت تصویری ذهنی و تفکری تبدیل به علم حضوری می‌شود. در شناخت تفسیر و تأویل قرآن و شناخت مقام عصمت و ولایت ائمه اطهار(ع) خیلی توانا شده‌ام. آیات قرآن در برابر چشمم مانند آینه یا صفحه تلویزیون است که آنچه دور است به من نزدیک می‌کند و هرچه غایب است برابر چشم حاضر می‌شود ماوراء طبیعت مانند طبیعت برایم مکشوف و روشن است. درست می‌بینم که روح چیست. ملک چیست و چگونه حیات و حرکت در عالم طبیعت پیدا می‌شود. مبادی حیات و حرکت چیست؟ آیا این حیات و حرکت اثر ذاتی ماده و روح است یا اثر ترکیبی این دو اصل (نور و ماده) با یکدیگر است. درست برای من روشن شد که تمامی خاصیت‌ها و حیات و حرکت‌ها در عالم طبیعت اثر ترکیبی روح با ماده است و کتاب‌هایی در این رابطه به نام «توحید از دیدگاه علم» و «مبادی آفرینش» و «هندسه خلقت» نوشتم که در این کتاب‌ها ساخت عالم خلقت چنان که هست توضیح و تشریح شده. نظریات علمی‌ام بعد از مراجعه از نجف اشرف تا امروز یک‌جور و یکنواخت است. تفسیرهایی که در سال ۱۳۳۰ نوشته‌ام با تفسیرهای امروزم فرقی ندارد. بیشترین تحقیقاتم در اطراف تأویل قرآن است که مربوط به مقام عصمت و ولایت می‌شود. مربوط به امام زمان(عج) و قیامت و کیفیت زندگی آخرت است که مدرک همه این‌ها متن تأویل و تفسیری است که از ائمه اطهار(ع) رسیده و ذره‌ای با گفته‌های آن‌ها مخالفت ندارد.

تألیفات آیت‌الله صالح غفاری(ره) که بیشتر محصول جلسات بحث و تفسیر و تربیت شاگردان در تهران است، بالغ بر هشتاد جلد است که خواه تفسیر و خواه علمی و عرفانی محصول تفکر و تصور نیست بلکه محصول دیدن و نگاشتن است. ذره‌ای شباهت به نوشته‌ها و گفتار فلسفی و عرفان فلسفی و وحدت وجود و اشتراک وجود ندارد بلکه آن‌چنان که سازنده‌ها به ماهیت ساخته‌های خود آگاهی دارند و خلقت و طبیعت را برای شما تشریح می‌کنند، این کتاب‌ها هم حقایق را برای شما تشریح می‌کند.

آیت‌الله محمد علی صالح غفاری(ره) از سال‌های دور پس از فراغت از تحصیل و مراجعت از نجف اشرف در ایام محرم و رمضان هر سال به زادگاهش صد خرو می‌رفت و در کنار تبلیغ و ارشاد به فعالیت عمرانی و رفع نیازهای اجتماعی می‌پرداخت چنان که امروز بسیاری از

بناهای عمومی و تأسیسات اجتماعی این آبادی بزرگ و پرجمعیت نتیجه پایدردی و پیگیری معظم له و مشارکت و خودیاری اهالی باشعور و بلندهمت آن دیار است.

آیت الله محمدعلی صالح غفاری (ره) پدر بزرگوار شهید شاهد و عارف واصل، شهید حسین صالح غفاری است. معظم له در هفده ربیع الاول ۱۴۲۹ برابر با ششم فروردین ۱۳۸۷ در زادگاهش دار فانی را وداع و در کنار فرزند شهیدشان آرام گرفتند.

والسلام

یادش کرامی و راهش پر رهرو باد